

McGill University Library



3 103 089 949 7

قرآن مجید



کتابخانه جامعہ اسلامیہ کراچی



McGill
University
Libraries

Islamic Studies Library

85518

58842

58842

C2P
V1766g

28445

Qur'ān-i Majīd

قرآن مجید



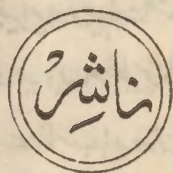
ترجمہ اول: حضرت امام شاہ ولی اللہ محدث دہلوی رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ دوم: حضرت شیخ الہند مولانا محمود حسن دیوبندی رحمۃ اللہ علیہ

برکات شیعہ فوائدِ مُلخص

۱۔ تفسیر فتح الرحمن مؤلفہ شاہ ولی اللہ رحمۃ اللہ علیہ

۲۔ تفسیر عثمانی مؤلفہ مولانا شبیر احمد عثمانی رحمۃ اللہ علیہ



نور محمد اصح المطابع و کارخانہ تجارت کتب

آرام باغ منسیر روڈ کراچی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مُقَدِّمَةُ لِلشَّاهِ وَلِيِّ اللَّهِ الصَّلَوِيِّ

حمدنا محمد وودعنا تبارک و تعالیٰ را که برافت تا تشریف قرآن را برائے بندگان خود نازل فرمود تا مرضی او را از نامرضی باز شناسند و از مکار نفس و ظلمات اعمال قبیحه و اخلاقی خبیثه خلاص شوند و بخیطرة القدس راه یابند و نزد پروردگار خویش مرضی باشند ممکن نبود که ازین مهلکه نجات یابند مگر خود دستگیری و فرمودے و منظور نبود که ازین ظلمات متراکه خلاصی بدست آید، اگر خود را خودی منت و تعالیٰ قلب و قالب ما را احاطه کرده است. وجود او ظاهر و باطن ما را در گرفته درود و سلام بر آں حضرت عالی مقام که ما را بر سعادت و این مطلع ساخت و مصالح نشأتین بوجه اتم بیان فرمود پس هیچ بیایه نباشد واضح تر از بیان آں حضرت، و هیچ رحمتی نباشد بالاتر از رحمت آں حضرت. نیک بخت ترین ما آنست که آثار سنت آں حضرت کند و بد بخت ترین ما آنست که از راه متابعت منحرف شود وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ آلِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَسَلَّمَ

اما بعد نصیحت و نیک خواهی مسلمان در هر زمان و در هر مکان رسنگی و بگردارد و واقفان و دیگر می نماید و لهذا علماء دین و کبراء اهل یقین و تفسیر و احادیث و عقائد و فقه و سلوک نصایف متنوع ساخته اند و توالیف کنندگان پر داخنة، طائفه شایسته اطنا ب اختیار نموده اند و فرقه کوچکی اختصار پیش کرده، جماعت بزبان عجم سخن گفته اند و گروهی به لغت عرب در سفته. و درین زمان که ما در آنیم و درین اقلیم که ما ساکن آنیم، نصیحت مسلمانان افتخاری کنند که ترجمه و تفسیر آن عظیم بزبان فارسی سلیم و در دوزمه متداول به تکلف فطیلت نمائی و به فصیح عبارت آرائی بغیر تعریض قصص مناسبه و بغیر ایراد تو جهیات منشعبه تحریر کرده شود تا خواص و عوام همه یکساں فهم کنند و صغار و کبار بیک وضع ادراک نمایند لهذا ایں فقیر را داعیه ایں امر خطیر بخاطر ریختن و خواه بخواه بر سر آں آور و ندیک چند درص ترجمه با افتاد تا هر که از تراجم غیر آن که بخاطر مقرر شده است مناسب باید و در ترویج آن کوشد و کفایت امکان پیش اهل عصر مرغوب نماید و بعضی تطویل ممل یافت و در بعضی تقصیر ممل هیچ یک موافق آں میزان نیفتاد. لاجرم عزم تا لایف ترجمه دیگر معتم شد و تسوید ترجمه زیر این بر روی کار آمد. بعد از آن سفر حرمین اتفاق افتاد و آں سلسله از هم گسست. بعد سالها که چند عزیز بی پیش ایں فقیر خواندن قرآن با ترجمه آں شروع کرد. ایں صورت سلسله جنبا آں عزم شد و بر سر آں آورد که بقدر خواندن سابقا نوشته شود چوں قریب ثلث قرآن رسیده شد آں عزیز را سفر پیش آمد و ایں تحریر در حین توقف افتاد. بعد مدتی باز تفریبه پیدا شد، و دیگر بار آں خطر پاریه را با آورد و تا در ثلث قرآن کشیده بود چوں لاکثر حکم اکل مقرر است بعضی بار آں گفته شد که آں مسوده را تبیین کنید و آں ترجمه را مقرون بآیات قرآن نویسد تا نسخه مستقل گردد و آں یار سعادت مند روز عید الاضحی سنه خمسین بعد الالف و المائة در تبیین شروع نمود چوں تبیین بآخر تسوید رسید باز عزم را بنگاشته پدید آمد و تا آخر قرآن مسود شد و کان ختم التسوید فی او ثلث

شعبان و ختم التبیین فی اوائل رمضان سنة احدى و خمسين بعد از آن در سنه ست و خمسين باهتیار برادر دینی عزیز
 خواجه محمد امین اکره الله تعالی بشهوه آن کتاب را راوی پیدا شد و در چیز مدلولت آمد و نسخ متعدده گشت و ایل عصر آن اقبال نمود
 نظم **لله الحمد که آن نقش که خاطر می بست آمد آخر پس پرده تقدیر پدید**

قبل از شروع بمقصود لابد از تمهید مقدمه تا خوض درین کتاب خصوصاً و در فن ترجمه قرآن عموماً بر وجه بصیرت واقع شود و مقصد
 در بیان مقصدی چند که تقدیم آن بر کتاب رسم قدیم معنیست است این کتاب از فن ترجمه قرآن عظیم است مدلول نظم عربی را به عبار
 فارسی ادا کرده شد با رعایت نحو و ملاحظه تقدیم ماحقه تقدیم و اظهار محذوف و موافقت نظم ترجمه با نظم قرآن در ترتیب الفاظ الابدی
 بسبب اختلاف لغتین رکاکت لفظی با تعقید و لالت لازم می شد و آنچه ضروری است از اسباب نزول و توجیه مشکل بقدر ضرورت
 بکار آید بوجهی که درین چیزها مثل کتاب و چیز و جلالین باشد و حاصل بر مشاکله و چیز جلالین شهادت حجة الاسلام غزالی است بر آنکه
 خواننده مثل و چیز طبقه سفلی از علم تفسیر درمی یابد و نام این کتاب «**فتح الرحمن بترجمة القرآن**» مقرر کرده شد و نام
 مصنف این کتاب «**احمد بن عبد الرحمن**» است و لقب مشهور **ولی الله الی هملوی** و طناً العمری نسباً
 احسن الله الیه و الی مشائخه و والدیه و مرتبه این کتاب بعد خواندن متن قرآن و رسائل مختصر فارسی است تا فهم لسان فارسی بکلفت
 دست دهد و تخصیص صبیان اهل حرف و سپاهیان که توقع استیفاء علوم عربیه ندارند در اول سن تمیز این کتاب را بایشان
 تعلیم باید کرد تا اول چیزیکه در جوف ایشان افتد معانی کتاب الله باشد و سلامت فطرت از دست نرزد و سخن ملاحظه که به مرقع موفیه
 صافی مستتر شده عالم را اگر می سازند فریفته نکند و اورا حرف محقولیال و سخن منهوژی نظام لوح سینه را ملوث نسازد و نیز آنکه
 بعد انقضاء شرط عمر توفیق یابد و تحصیل علوم نتوانند این کتاب ایشان را باید آموخت تا در تلاوت قرآن حلاوت یابد و منفعت
 آن در حق جمهور مسلمانان متوقع است انشاء الله العظیم اما در حق صبیان و مبتدیان خود ظاهر است چنانکه گفته آمد و سائر
 ابناء و وزکار که اکثر اوقات مشغول معاش مشغول اند در وقت فراغ باید که بایک حلقه حلقه بنشینند و کسی که بر عبارت فارسی قدرت داشته
 باشد و اندک از فن تفسیر بهره یافت یا بر عزیزه این ترجمه را گزرا نیده بود بقدر وسعت وقت یک دو سوره یا ترجمه آن بتربیل تبیین
 و قوف بر کلام تام بخواند تا همه بشنوند و معانی آن محفوظ شوند و تشبه پیدا کرده باشند با مصحح کرام که بهین و منور حلقه حلقه می نشینند
 و قاری ایشان قرائت می کرد و این قدر فرق است که مصحح کرام به سلیقه خود زبان عربی فهم می کردند و این جماعت بتوسط ترجمه
 فارسیه و چنانکه یاران سعادت مند متشومی مولانا جلال الدین رومی و گلستان شیخ سعدی و منطق الطیر شیخ فرید الدین عطار و قصص
 فارابی و نفحات مولانا عبد الرحمن و امثال این قبیل مجلس دارند چه باشد اگر این ترجمه را بهمان اسلوب در میان آورند و حصه از مشغول
 خاطر به ادرک آن گمارند اگر آن مشغول با کلام اولیاء الله است این مشغول کلام الله است و اگر آن مواظب حکیمان است این مواظب
 احکام الحاکمین است و اگر آن مکتوبات عزیزان است این مکتوبات رب العزت است شش تان یقین المکتوبات یقین اگر انصاف
 و بی فائده اصلی از نزول قرآن انقطاع است بمواظب آن و اینست که به هدایت آن نه صرف تلفظ با آن اگر چه تلفظ آن بهم مغفول است
 پس چه مسلمانی بدست آورده است که مدلول قرآن را نه فهمد و کدام حلاوت دارد آن که مدلول کلام الله را نداند و اما آنکه بر
 لغت عربیه اطلاع تام دارند و تقاسیر را بر استازال گذرانیده اند حاجت خواندن این ترجمه ندارند لیکن آسید داری از فضل
 حضرت باری آنست که اگر این جماعت درین کتاب نظر کنند تحت لفظ قرآن پیش ایشان روشن تر شود و بر مختارات از خود شرح

غریب و غیر آن اطلاع یابند و بسا فائده که پیش از مطالعه آن نه شنیده اند و نه دیده باشند بنازگی استفاده نمایند و این ترجمه بنا بر شقیقت خلق الله و کف شده ایشان استقصا و جوه اعراب و استیفاء توجیهات کلام را و استنباط قصص را احتمال ندارند و اگر تحصیل علوم الهیه تکلیف داده شود معلوم نیست که آن صورت متحقق شود یا نه، و بعد تحقق آن صورت ممکن که داعیه تعمق در آن علوم پیدا شود و تمام عمر درین داعیه مصروف گردد. چنانکه اکثر اهل علوم الهیه را می بینیم هیچ بهتر از آن نیست که درجه ادنی از علم تفسیر در اول عمر انکساب کرده شود تا اکثر علوم الهیه بدست آید این نیز مستعد و مؤید در انجام مقصد و بگوید اگر بدست نیاید چه از مقصود بدست آورده باشد و خسارت محض نیافته باشد

صناره قلندر سزدار بمن نمائی! که در از و دور دیدم ره و رسم پارسائی

و طریق تحریر در این کتاب آنست که هر آیه را جدا نوشته شد، مقرون به ترجمه آن نشان متعارف و روزمره متداول اختیار نمود آمد و هر چه زیاده از تحت اللفظ است اگر یک دو کلمه است بلفظ یعنی یا مثل آن متمیز ساخته شد و اگر کلامی است مستقل اول آن بلفظ مترجم گوید و آخر آن بلفظ و الله اعلم، معلم کرده شد و هرگاه ممکن در قصص متعلقه قرآن اکتفاء یک دو فقره لازم دیده شد و در اسباب نزول از قصص منقول نکته انتزاع نموده شد و تا امکان رعایت سیاق آیات ضروری دانسته آمد و استناد این کتاب در آنچه متعلق بقل است از اصح تفاسیر محدثین که تفسیر بخاری و ترمذی و حاکم کرده و تا امکان از اخبار ضعیفه و موضوعه احتراز نمود شد و قصص اسرائیلیه را که از علمای اهل کتاب منقول است نه از حدیث خیر البشر علیه و آله الصلوات و التسلیات داخل کرده شد الا در جائی که کشف معنی بغیر این آدائی می شود و القی و رسالت تنج المخطورات و این ترجمه ممتاز است از ترجمه های دیگر و بگونه وجهی که آنکه نظم قرآن را مثل مقدار آن از فارسی متعارف ترجمه کرده شد با اظهار مراد و لطافت تعبیر و از آنچه در ترجمه های دیگر یافته می شود از اطناب عبارت ترجمه و رکاکت تعبیر و اعجام مراد بقدر امکان احتراز نموده شد و دیگر آنکه سائر تراجم از دو حاکم خالی نیست، یا ترک کرده اند قصص متعلقه بقرآن مطلقا یا استیفاء جمیع آن نموده اند و درین ترجمه راه متوسط اختیار نموده شد پس جائی که معنی آیهت موقوف است بر قصه بقدر ضرورت دو سه کلمه از آن انتخاب کرده آورده شد و جائی که معنی آیهت موقوف که قصه نبود ترک نموده آید. سوّم آنکه از توجیهات متنوعه توجیه اقوی باعتبار عربیه و اصح باعتبار علم حدیث و علم فقه داخل در صرف اظهار اختیار نموده شد و کسی که تفسیر و تفسیر جلالین که بمنزله اصل این ترجمه اند و بنا بر تفاسیر مطالعه کنند درین حرف شک ندارد و چهارم آنکه این ترجمه بوجه واقع شده است که شناسنده بخواند اعراب قرآن و تعیین مخدوف و مرجع ضمیر و محل لفظیکه در عبارت مقدم و مؤخر کرده شده است میتواند دانست و آنکه شناسنده بخواند از اصل غرض محروم نه ماند و بچشم آنکه ترجمه خالی از دو حالت نیستند یا ترجمه تحت اللفظی باشد یا ترجمه حاصل المعنی و در هر یک وجه خلل بسیار در می باید. و این ترجمه جامع است و در هر دو طریق و هر خللی را از آن خللها علاجی مقرر کرده شد و این سخن در از هست در رساله قواعد ترجمه بیان کرده آید و آنکه گفتیم این ترجمه مشعرا بوجود اعراب کلمه الیست جمله سبیطی می طلبد اندک خاطر را با آن متوجه باید ساخت لفظ است علامت بر لبه است که در میان حاشیئین جمله سمیه و ظریفه باشد زید قائم است، زید کجا است و علامت اسناد فعل بفاعل تقدیم فاعل متصل آوردن فعل زید اسناد و عند الضرورة استناد زید نیز می توان گفت و مفعول بنائب مناب فاعل می باشد، یا نه بحرف را مقرون می شود زوم زید را، و زده شد زید را و نوعی از تسامح میتوان گفت، زید زده شد و اگر قرنیه قائم باشد حذف را جاز هست و مفعول مطلق اگر بر لای عدد باشد به یک بار کردن

و در بار کردن می توان تقریر کرد و اگر بر لای نوع باشد بیک نوع کردن و یک طور کردن و اگر غیر مصدر را بجای مصدر قائم کرده باشد
گویند ضَرْبُ سَوْطٍ از دم یک چابک و اگر از غیر لفظ فعل باشد قَرَأْتُ سَرْدًا خواندم به طریق پی در پی خواندن و اگر مجرد بر لای
تاکید باشد تا از قبیل سبحان الله و عدا الله از قبیل اختلاف لغتین است بدول تکلیف و ارجاع بحرف و بجز میسر نشود و اگر مفعول
باشد معنی غرض باشد بلفظ بر لای لفظ او تصویر مصدر بصورت جمله ضَرْبَةُ تَابِيَا زُوش بر لای ادب دادن یا تا ادب دهم و اگر معنی حاصل شد
بلفظ بعلت و حکم و مقتضی و امثال آن قَعَدَ جَدُّنَا نَشْرَتَ بَعْلَتِ نَامِرِ دمی و اگر معنی احتراز باشد بلفظ بر لای احتراز و بر لای احتیاط و امثال
آن ضَرْبَةُ أَنْ يَقُولَ النَّاسُ مَضْرَبَةٌ نَزْدِش بر لای اجتناب از آنکه گویند، نَزْدِش و مفعول فیهِ بلفظ در مکان باشد
یا زمان و مفعول معه بلفظ بِالْأَسْتَوَى الْمَاءُ وَالْحَشْمَةُ برابر شد آب با چوب و حال اگر کلمه مفرد باشد اشتقاق لفظی که موضوع
بر لای حال باشد جَعَلْتُ سَرَاكِبًا سَوَارِمَهُ ام و اگر جمله ملتمه از فعل ذی الحال باشد با یصال لفظ کرده و کلمات و مثل آن جَاءَ زَيْنٌ
يَتَخَمَّنُ فِي مَشِيكِهِ زِيدًا تَخَمَّرَ كُنَانٌ در رفتار خود و اگر جمله ملتمه از فعل غیر ذی الحال باشد لاچار لفظ حال آنکه زیاده کرده شود و
هر چند در اصل لغت فارسی نیست حال در زبان عربی معنی شتی آید گاهی مَوَكَّدٌ باشد جَاءَ فِي الْبُؤَى عَطُوفًا و گاهی معنی تهیبا
قَدْ خَلَّوْهُمَا خَالِدِينَ و گاهی معنی قصد آید جَعَلْتُ اشْكُو إِلَيْهِ و در فارسی این معانی مستعمل نیست و تمیز اگر از عدد بیاید
یا پیمان یا ماضی باشد بصیغه تمیز یا باضافت یا لفظ از بیان کرده شدنی است نزدیک رطل گندم یک صاع از خود اگر از اسم اشاره باشد
بلفظ صفت مَادَا أَسْرَادَ اللَّهِ يَهْدِي أَمْثَلًا چه چیز اراده کرده است خدا باین مثل و اگر نسبت باشد بخوبل فاعل یا مفعول کرده
شد یا از روی و از جهت و باعتبار فروده آمد زَيْنٌ حَسَنٌ و اسرار زید نیک است از روی خانه و باعتبار خانه و گاهی در فارسی
مضمون تمیز را بنوعی از تقریر که دو کلمه را یک کلمه ساختن است ادا کرده شود ضَمَّا قَلْبًا تَنَگَ دَل شد هُوَ قَلْبًا و می
سخت دل است و گاهی در عربی مفعول بغیر توسط حرف جر باشد و در فارسی ایراد حرف جر لازم شود وَ قَسِيكَ كُفَيْكُهُمُ اللَّهُ
کفایت خواهد کرد ترا خدا از شر ایشان و مثل قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا و گفته اند فرزند گرفت خدا و مثل أَعْطَيْتُ زَيْنًا إِدْهِمًا
در هم وادم زید را و مثل كَانَ زَيْنٌ قَائِمًا زِيدًا و جَعَلْتُ زَيْنًا عَجَبِي زِيدًا بنده خود ساختم و برین صورتهای تقدیم و
تاخیر را بر خود میوار باید ساخت و گاهی جمله را که بتاویل مصدر ساخته باشد بمصدر مفرد تقریر توان کرد و مصدر مفرد را با جمله مصدره
بآن مصدریه تعبیر توان نمود و همچنین موصول باصلاش بکلمه مفروه و بالعکس وَ قَالَ الَّذِينَ آمَنُوا كَفَتْ أَسْوَاقُ الْمُؤْمِنُونَ
مُسْلِمَانِ وَالَّذِينَ آمَنُوا كَفَتْ أَسْوَاقُ الْمُسْلِمِينَ و این در صورت است که معنی واضح باشد و مثل قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ
الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ هر آینه رستگار شدند آن مسلمانان که ایشان در نماز خویش خشوع کنند کاند یعنی اگر
موصول صفت اسمی واقع شده تقدیم لفظ آن بر آن و صوف کرده شد و علامت تشخیصی که از تقدیم معمول مستفاد می شود در
فارسی نیز تقدیم است کم و هم و هو و آ یا و در بعضی مواضع بخود تعبیر کرده می شود و در فارسی میتوان گفت شمار است گویند یا
ایشان راست گویند یا آن نیست که گویند ایشانند راست گویند و اگر مظهر را موضع مضموم وضع کرده باشد لفظ آن را اند کرده شده تا
مربوط باشد و در فارسی علامت جمع لفظی کنند هر چند فاعل مظهر باشد قائم هُوَ لَاءِ استانند ایشان و او و فاسیاده است که زید
باشد و بسیار است که در فارسی معنی آن را بلفظ بغیر ذکر عطفت و تعقیب درست شود پس اگر رکاکت لفظ درین صورت در ترجمه لازم
می آید ترک کرده شد بالمجد و تالوق فن ترجمه بسیار است و مضموم این جابیان نمود می است، چو این فقیر غرض در ترجمه بدون

معاونت کے وبدول رجوع بکنایہ کردہ است و در اوقات مختلفہ باوجود اشتغال بال باسائر علوم محرر بنمودہ احتمال دارد کہ در بعض مواضع و فابا این التزامات متحقق نشدہ باشد یا ران سعادت مند کہ آن قواعد را مستحضر داشته باشند حکم اخوت و بی نصیحت را منظور نظر دارند و در اصلاح آل کوشند و لیصلحہ من جاد مقولا و صیبت این فقیر لکاتبا این ترجمہ است کہ عبارت قرآن را بخط علی و اعتراف و محررہ از ترجمہ متمیز سازند و احتیاط کنند کہ در الفاظ مترجمہ تحریفی راہ نیابد و در مواضع اشتباہ کلام نام را بنقطہ محررہ از البعد جدا نمایند و ترکیب اضافی و توصیفی را بحسب مضاف و موصوف معکم سازند تا بر مبنیای روشن تر شود و اگر در ترجمہ لفظی کہ نسبت بتندیای غریب می نماید تقریرے کہ بر زبان مبیدان صوبتی می نهند یافتہ شود یا ران سعادت مند بر ماشیہ کتاب معنی آن نویسنده تا بر هیچ فردے شکل نشود

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

قال العبد الضعيف ولي الله بن عبد الرحيم عفي عنه قرات القرآن كله من اوله الى اخره بر رواية حفص عن عامر على الصالح الثقة حاجي محمد فاضل السندی سلفه قال تلوته الى اخره بر اية حفص على الشيخ عبدالحق المتوفى شيخ القراء بمصر سنة « ١٠٧١ » قال قرات القرآن كله بالقراء السبع على الشيخ البقري والبقري كلاهما على شيخ القراء بزمانه الشيخ عبد الرحمن اليمني وقرا اليمني بها على والده الشيخ سجادة اليمني وعلى الشهاب احمد بن عبدالحق السنباطي بتلاوته كذلك على الشيخ السجادة المذکور وقرا الشيخ سجادة كذلك على الشيخ ابي نصر الطهلاوي وقرا الطهلاوي كذلك على الشيخ الاسلام نركا بتلاوته على برهان القلقلي والرضوان ابي النعيم العقبی وقرا كل منهما على امام القراء والمحدثين محمدا الر ايات والطرق ابي الخير محمد بن محمد بن علي بن يوسف الجزري صاحب كتاب النشر له طرق كثيرة اذكرها في النشر منها سلسلة معتمة تسلسل التلاوة والقراء ايضا يطلب من جهة صاحب التيسير فلنقتصر ههنا على ههنا تلك السلسلة قال الجزري قرات التيسير وقرات بالقراء كله من اوله الى اخره على شيخ الامام القاه العالم قاضي المسلمين ابي العباس احمد بن الشيخ الامام ابي عبد الله الحسين بن سليمان بن فزارة الحنفي بد مشق المحرر سنة رحمة الله قال لي قراة وقرات به القرآن على والدي واخبرني انه قراة وقرء به القرآن العظيم على الشيخ الامام ابي محمد القاسم بن احمد بن الموفق العراقي قال قراة وقرات به على المشايخ الائمة المقرئين ابي العباس احمد بن علي بن يحيى بن عون الله الخضر ابي عبد الله محمد بن سعيد بن محمد الماروي واخي عبد الله محمد بن اليوب بن محمد بن نوح العافقي الاندلسيين قال كل منهم قراة وقرات به على الشيخ امام ابي الحسن علي بن محمد بن هذيل البلنسي قال قرات وتلوت به على ابي داود سليمان بن نجاح قال قراة وتلوت به على مؤلفه الامام ابي عمر الداني قال الجزري وهذا على سنن ابو جابر في الدنيا متصلا واختص هذا الاسناد بتسلسل التلاوة والقراة والسماع ومعني الى المؤلف كلهم علماء ائمة ضابطون قال الداني في كتاب التيسير قرات القرآن كله بر اية حفص على ابي الحسن طاهر بن غلبون المقر قال قرات بها على ابي الحسن علي بن محمد صالح الهاشمي الصريمي المقرئ بالبصرة قال قرات بها على ابي العباس احمد بن سهل الاشثاني قال قرات بها على ابي محمد عبيد بن الصباح قال قرات على حفص قال قرات على عامر قال الداني واخذ عامر القرآن عن ابي عبد الرحمن بن عبيد بن حبيب السلمي وعن زرين جيليش ابا ابو عبد الرحمن فغن عثمان بن عفان وعلي بن ابي طالب و ابي بن كعب وزيد بن ثابت وعبد الله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه وسلم

تمت هذه الديكاجي اين نقل از ترجمہ و تفسير فتح الرحمن قلمي كرده شد و آن نسخ در سال ١٢٠٠ و دوازده صد و ده سال هجري نوشته شده است و اخذ نمود ما ان الحمد لله رب العالمين

سرا قلم الحروف غلام مصطفى غفر له

روز اوقات

م	علامه وقت لازم است، از ترک کردن آن در معنی غفل واقع میشود، لذا وقت نهایت ضروری است.
ط	علامه وقت مطلق است، از اینجا نباید گذشت، بل حسن نیست است که در اینجا وقت کرده از ابعاد اندا کرده شود.
ج	علامه وقت جائز است، در اینجا وقت و وصل هر دو جائز است اما توقف نمودن بهتر، وقف نه کردن هم روا است.
ر	علامه وقت مجوز است، در اینجا هم سبب وقت موجود است و هم از وصل ولی علت وصل قوی تر و واضح تر است، بنابراین گذشتن بهتر است.
ص	علامه وقت مخصص است، افراد از آن ایست که در اینجا تعلق باهی و چیز است لیکن از حیث معنی، هر چیز حیثیت مشتق را هم داشته می باشد، قاعده باید وصل خوانده شود لیکن اگر قاری در قرائت مانده گردد، برائش وقف رخصت است.
ق	علامه (قد قیل) و یا (قیل علیه الوقت) می باشد، نزد بعض علماء در اینجا وقف کردن جائز است اما این علامه (دقی) بطرف ضعف وقف اشاره می کند، وقف نه کردن بهتر است.
لا	علامه لا وقف علیه (در اینجا وقف نیست) می باشد و اشاره باین است که قاری در اینجا هرگز وقف نکند بعضی علماء می گویند که اگر وقف واقع شود عاده قرائت واجب می باشد اگر در سر آیه نباشد.
قف	(۱) علامه یوقف علیه (در مقام ایستادن است). (۲) جائز است احتمال وصل نمودن از طرف قاری باشد، علامه (وقف) (یعنی ایستاده شو) نوشته می شود.
سکته	بدون تنفس نمی ایستاده شدن است، قاری در اینجا نمی مکث کند و نفس خود را قطع نکند.
وقفه	علامه سکته در از است، یعنی قاری نسبت به مدت تنفس کمتر وقف کند، در اصطلاح علم قرائت سکته و وقفه (تقریب المعنی است) اما سکته به وصل و وقفه به وقف قریب تر است.
صلی	علامه (الوصل اولی) است، یعنی وصل خواندن بهتر است.
○	علامه آیه مطلق است، جائز است صرف همین علامه باشد وقف کرده شود و اگر بالائی آن (لا) باشد، ترک وقف اولی است اگر احتیاج وقف پیدا شود بنا بر ماندگی مضائقه نیست، و درین قاریها هم مشهور است که وقف نشود، اگر بدون لا کدام امری باشد همان علامه معتبر شمرده شود.

تعداد الحروف و غیرها

کما قال الفارسی عبد الغزیز بن عبد الله فی بستان القرآن

۲۶۵۳۵	م	۸۴۲	ظ	۱۶۶۱	ع	۹۲۲۰	ع	۲۶۵۶۰	ن	۲۵۵۳۶	و	۱۹۰۴۰	ح	۸۳۹۹	ق	۳۴۲۰	ل	۳۱۱۵	ع	۲۵۹۱۹	ی	۳۳۳۲	ل					
۱	۸۸۴۲	ذ	۲۶۹۰	۱۶۶۱	۱۱۴۲۸	س	۱۱۴۹۳	۱۵۹۰	۱۱۹۹	ز	۵۸۹۱	س	۱۲۶۶	۲۲۵۳	ش	۳۲۴۳	۹۴۳	ص	۲۰۱۳	۱۶۰۴	ض	۲۳۱۶	ط	۵۶۳۲	۱۲۴۳			
ب	۱۱۴۲۸	۱۱۴۹۳	۱۵۹۰	۱۱۹۹	۵۸۹۱	۱۲۶۶	۲۲۵۳	۳۲۴۳	۹۴۳	۲۰۱۳	۱۶۰۴	۲۳۱۶	۵۶۳۲	۱۲۴۳	۱۱۴۲۸	۱۱۴۹۳	۱۵۹۰	۱۱۹۹	۵۸۹۱	۱۲۶۶	۲۲۵۳	۳۲۴۳	۹۴۳	۲۰۱۳	۱۶۰۴	۲۳۱۶	۵۶۳۲	۱۲۴۳

فهرس الالفات الزائدة (٢٩ مقامات)

العدد	الكلمة	الصفحة	السطر	السورة	الجزء	ركوع السور
١	افأثن مات	٦٩	٣	٣	٣	١٥
٢	لا الى الله	٤١	١١	٣	٣	١٤
٣	تبيوءاً	١١٣	٥	٥	٦	٥
٤	ملائه	١٦٣	١١	٤	٩	١٣
٥	لا اوضعوا	١٩٥	١١	٩	١٠	٤
٦	ملائه	٢١٨	٤	١٠	١١	٨
٧	ملائهم	٢١٩	٣	١٠	١١	٩
٨	شهوداً	٢٣٠	١١	١١	١٢	٦
٩	ملائه	٢٣٣	١٣	١١	١٢	٩
١٠	امم لتتلوا	٢٥٣	٢	١٣	١٣	٢
١١	لن تدعوا	٢٩٥	٩	١٨	١٥	٢
١٢	لشأنه	٢٩٤	٣	١٨	١٥	٢
١٣	لكننا	٢٩٩	١	١٨	١٥	٥
١٤	افأثن مت	٣٢٥	١١	٢١	١٤	٣
١٥	ملائه	٣٣٣	٢	٢٣	١٨	٣
١٦	شهوداً	٣٦٢	٦	٢٥	١٩	٢
١٧	لا اذبحته	٣٤٤	١٠	٢٤	١٩	٢
١٨	ملائه	٣٨٨	٦	٢٨	٢٠	٢
١٩	شهوداً	٣٠٠	١	٢	٢٠	٢
٢٠	انقيم من رباليربوا	٣٠٤	٨	٣٠	٢١	٢
٢١	لا الى الجحيم	٣٣٨	٢	٣٤	٢٣	٢
٢٢	ملائه	٣٩١	١٣	٣٣	٢٥	٥
٢٣	ولكن ليبلوا	٥٠٦	٥	٣٤	٢٦	١
٢٤	نبلوا	٥٠٩	٢	٣٤	٢٦	٢
٢٥	بئس الاسم الفسوق	٥١٥	١٢	٣٩	٢٦	٢
٢٦	شهوداً	٥٢٤	٦	٥٣	٢٤	٣
٢٧	سلسلاً	٥٤٩	١٣	٤٦	٢٩	١
٢٨	قوا سريراً	٥٨٠	٨	٤٦	٢٩	١
٢٩	قوا سريراً آمن	٥٨٠	٩	٤٦	٢٩	١

فهرس الاجزاء

العدد	الجزء	الصفحة	آياته	السور التي يشتمل عليها
١	الم	٢	١٣٨	الفاتحة - البقرة ١-١٢١
٢	سيقول	٢٣	١١١	البقرة ١١١ -
٣	تلك الرسل	٣٣	١٢٥	البقرة ٣٣ - آل عمران ٩١ -
٤	لن تنالوا	٤٣	١٣٢	آل عمران ١٠٩ - النساء ٢٣ -
٥	والمحصنات	٨٣	١٢٣	النساء ١٢٣ -
٦	لا يحب الله	١٠٣	١١١	النساء ٣ - المائدة ٨٢ -
٧	واذا سمعوا	١٢٣	١٣٨	المائدة ٣٨ - الانعام ١١١ -
٨	ولواثنا	١٣٣	١٣٢	الانعام ٥٥ - الاعراف ٨٠ -
٩	قال الملا	١٦٣	١٥٩	الاعراف ١١٩ - الانفال ٣٠ -
١٠	واعلموا	١٨٣	١٢٨	الانفال ٣٥ - التوبة ٩٣ -
١١	يعتذرون	٢٠٣	١٥٠	التوبة ٣٦ - يونس ١٠٩ - هود ٥ -
١٢	وما من آية	٢٢٣	١٤٠	هود ١١٨ - يوسف ٥٢ -
١٣	وما أبرئ	٢٣٣	١٥٥	يوسف ٥٩ - الرعد ٣٣ - ابراهيم ٥٢ - الحجر ١ -
١٤	ربما	٢٤٣	٢٢٦	الحجر ٩ - النحل ١٢٨ -
١٥	سبحن الذي	٢٨٣	١٨٥	بني اسرائيل ١١١ - الكهف ٤٢ -
١٦	قال الم	٣٠٣	٢٦٩	الكهف ٣٦ - مريم ٩ - طه ١٣٥ -
١٧	اقرب للناس	٣٢٣	١٩٠	الانبيا ١١٢ - الحج ٤٨ -
١٨	قد افلم المؤمنون	٣٣٣	٢٠٢	المؤمنون ١١٨ - النور ٦٣ - الفرقان ٢٠ -
١٩	وقال الذين	٣٦٣	٣٣٣	الفرقان ٥٠ - الشعرا ٢٢٤ - النمل ٥٩ -
٢٠	اقمن خلق السموات	٣٨٣	١٦٦	النمل ٣٣ - القصص ٨٨ - العنكبوت ٣٣ -
٢١	أتل ما أوحى	٤٠٣	١٤٩	العنكبوت ٢٥ - الروم ٦٠ - لقمان ٣٣ - السجدة ٣٠ - الاحزاب ٣٠ -
٢٢	ومن يقنت	٤٢٣	١٦٣	الاحزاب ٣٣ - سبا ٥٢ - فاطر ٣٥ - يس ٢١ -
٢٣	وما لي	٤٣٣	٣٦٣	يس ٦٢ - الصافات ١٨٢ - ص ٨٨ - الزمر ٣١ -
٢٤	ومن اظلم	٤٦٣	١٤٥	الزمر ٣٣ - المؤمن ٨٥ - حم السجدة ٣٦ -
٢٥	اليه يرد	٤٨٣	٢٣٦	حم السجدة ٨ - الشورى ٥٣ - الزخرف ٨٩ - الدخان ٥٩ - الجاثية ٣٤ -
٢٦	حتم	٥٠٣	١٩٥	الاحقاف ٣٥ - محمد ٣٨ - الفتح ٢٩ - الحجرات ١٨ - ق ٣٥ - الذاريات ٣٠ -
٢٧	قال فما خطبكم	٥٢٣	٣٩٩	الذاريات ٣ - الطور ٣٩ - النجم ٦٢ - القمر ٥٥ - الرحمن ٤٨ - الواقعة ٩٦ - الحديد ٢٩ -
٢٨	قد سمع الله	٥٤٣	١٣٤	الحاقة ٢٢ - الحشر ٢٣ - الممتحنة ١٣ - الصف ١٣ - الجمعة ١١ - المنافقون ١١ - التغابن ١٨ -
٢٩	تبارك الذي	٥٦٣	٣٣١	الطلاق ١٢ - التحريم ١٢ -
٣٠	عَمَّ	٥٨٣	٥٦٣	الملك ٣٠ - القلم ٥٢ - الحاقة ٥٢ - المعارج ٣٣ - طه ٢٨ - الجن ٢٨ - المزمل ٢٠ - المدثر ٥٦ -
				القيامة ٣٠ - الدهر ٣١ - المرسلات ٥٠ -
				النبا ٣٠ - النازعات ٣٦ - عبس ٣٢ - التکوين ٢٩ - الانشقاق ٢٥ -
				البروج ٢٢ - الطارق ١٤ - الاعلى ١٩ - الغاشية ٢٦ - الفجر ٣٠ - البلد ٢٠ - الشمس ١٥ - الليل ٢١ -
				الفجر ١١ - الانشراح ٨ - التين ٨ - العلق ١٩ - القدر ٥ - البينة ٨ - الزلزال ٨ - الغيث ١١ - الفارقة ٨ -
				النكاث ٨ - العصر ٣ - الهمزة ٩ - الفيل ٥ - القريش ٣ - الماعون ٤ - الكوثر ٣ - الكافرون ٦ -
				النصر ٣ - الهب ٥ - الاخلاص ٣ - الفلق ٥ - الناس ٦ -



فل منزه عن كل عيب
 انس وعالم جن وعالم ملائكة
 وخلق نوره العالی یس ۱۲
 فتح الرحمن
 فل منزه عن كل عيب مراد از
 آنکه اكرام كرده شد بر
 آنها بپاى رفقه اندنجهن و
 صدیقین شهداء و صابرين
 و مراد از آنکه ختم فرشته
 شد بر آنها بهودانده و از
 گمرايان نجاتی آیین
 قبول كن دنائے مارا ۱۳
 فتح الرحمن

تفسیر عثمانی

عنه جن و رحیم هر دو
 محیضه مبالغه است اما در
 "رحمن" نسبت به "رحیم"
 مبالغه بیشتر است و این
 ترجمه تمام این دعا را
 شده.

عنه خداوند این سوره
 عظیم را بر زبان بندگان
 خود فرمود تا بندگان را
 بیارگه و متشرف و خشنود
 حاصل کنند از حضرت
 مابین سوال نیاز کنند
 ازین است که این سوره
 را تعلیم المسلمین نامند و
 بدین مناسبت در خانه
 فاتحه گفتن آیین سنت
 قرار داده شده مگر همین
 از قرآن مجید خارج و مستحب
 آن چنین است دعاى
 اجماع كن دعائے مارا
 یعنی ما را به بندگانی که
 مقبول بارگاه تو اند
 بیار که نیکو زبان تو می
 پرند و در گردان پس
 نیز اول سوره فاتحه
 خداوند را ستایش
 و ثناء دوم بندگان ادرا
 نیاز روز عاست - فائده -
 غیر المغضوب بهال الذین
 میباشد صفت او که این
 ترجمه مناسب آن است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره فاتحه در سوره نازل شد و آن هفت آیات است
 سوره فاتحه هفت آیه و یکی است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام خلاصه بخشاینده مهربان
 آغاز سے کہم بنام خدا یکے اندازہ مہربان نہایت بارگرم است

الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم

ستایش خدا تراست پروردگار عالمها بخشاینده مہربان
 ہمہ ستایشہاں خدا تراست آن خدا یکے پروردگار عالمیان است بے اندازہ مہربان نہایت بارگرم

ملك يوم الدين اياك نعبد واياك

خداوند روز جزا ترا یکے پرستیم و خاص از تو
 خداوند روز جزا تراست خاص ترا می پرستیم و خاص از تو

نستعين اهدنا الصراط المستقيم

مدد می طلبیم بنما ما را را راست
 یاری میجوایم بنما ما را را راست

صراط الذين انعمت عليهم غير

راه آنکه اكرام كرده بر ایشان
 راه کسیکه انعام كرده بر ایشان

المغضوب عليهم ولا الضالين

آنکه خشم گرفته شد بر آنها و گمرايان
 آنکه خشم گرفته شد بر ایشان و گمرايان



سورة البقرة نزلت في مكة و هي من المشاهير و آياتها اربعون و ثمانون

سورة البقرة در مدینه نازل شد و آن دو صد و هشتاد و هشت آیت و چهل و یک رکوع است

سورة البقرة در مدینه فرود آمده دو صد و هشتاد و هشت آیت و چهل و یک رکوع است

بنام خداوند بخشنده مهربان

آغاز میکنم بنام خداوند بخشنده مهربان نهایت با هم است

الم ذلک الکتب لا ریب فیہ

این کتاب نیست شبه نیست در آن شک

هدی للمتقین الذین یؤمنون

راهنماست برای متقین و ایمان می آورند

بالغیب و یمون الصلوة و یمارن قنهم

و پندارند نماز را و از آنچه ایشان را روزی داده ایم

ینفقون و الذین یؤمنون بما

خرج می کنند و ایمان می آورند به آنچه

انزل الیک و ما انزل من قبلك

فرود آورده شده بسوی تو و آنچه فرود آورده شده پیش از تو

نازل شده بسوی تو و آنچه نازل شده پیش از تو

عنه این حرفه مقطعا گویند مناسی اصل آن در میان بی برقی تو اندر بلکه لازمی است در بیان خدا و پیغمبر و سلی اش علی و سلم که بنا بر حکمت و مصلحتی آشکارش نکردند آنچه از تفسیر علما در معنی آن نقل است خاص بقصد تفسیر و تنبیه و مهمل می باشد نه اینکه اراده الهی چنین بوده است گسائی این تفسیرات را را کسی شخصی می پندارند و بر تردید آن می پردازند اندیشه خود آنها اندیشه شخصی و قریباً با تحقیق علما بجای است

عنه هیچ شبه نیست که قرآن کلام الهی و منزه است آن همه راست و واقعی است تشبیه در کلام بود طریق دارد می شود یاد در خود کلام خطا و غلطی میباشد یاد در ادراک سامع فساد و فحش در صورت نیست خود کلام کل ریب خواهد بود در صورت ثانی المبتدئ ادراک دانسته این کلام حق در است است که در نگاه کسی که نمی انداند بجهت خود ادراک ایشان محل ریب معلوم گردد در این آیه رب صحت نیست نفی گردید و این شبه نیز منطقی شد که کافران قرآن را احکام خدا و تنقیح در است عقیدوا هستند و در این ریب و انکار داشتند پس نفی ریب چه معنی دارد اشتباه صورت دوم پس ازین ذکر شده دان گفتنی ریب مانرنا الایة

وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿١٠٠﴾ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۖ

و	از جانب پروردگار خویش	بر هدایت	ارشاند	دارند	یقین	و آخرت ایشان
و	از جانب پروردگارشان	بر هدایت اند	آرزوده (ستوده)	دارند	لطمه	و آخرت شان

وَلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ

پیشانی	رستم خان	بر آینه آمانک	کافر شدند برابر است	بر ایشان
س گروه	الشانند رستم خان	بر آینه آمانک	کافر شدند برابر است	بر ایشان

وَأَنْذِرْ لَهُم مِّنْ عَذَابٍ لَّهُمْ شَرٌّ مُّحْتَمِلٌ ۝٦

کے ترسائی ایشان را یا نہ ترسائی ایشان را ایمان نیارند مہر شاہد احد بردہا کے ایشان
کے ترسائی ایشان را یا نہ ترسائی ایشان را ایمان نمی آرند مہر شاہد است خدا بردہا کے شان

وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و بر شغوائی ایشان و بر چشمائے ایشان پرده ایست و ایشان راست عذاب بزرگ
و بر گوش های شان و بر چشان شان (یک نوع) پرده است و ایشان راست عذاب بزرگ

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَحِبُّونَ الِاخِرَ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ

[illegible]

خُذْ عُونَ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ

و یب میدیند خدا را و مومنان را و بحقیقت نبی فرییدند مگر خود را
و یب می کنند یا خدا و پاکسائی که ایمان آورده اند و نبی فرییدند مگر قهرائے خود را

اَلْيَسْعُرُونَ ۚ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ۖ فَزَادَهُمُ اللّٰهُ مَرَضًا ۚ وَلَهُمْ

کامیابی می شود در دل ایشان بیماری است پس افزودن داد ایشان خدا بیماری را ایشان راست
 نمی کنند و خود را در دو لهله ایشان دیک نوع، بیماری است پس افزودن ایشان خدا بیماری را ایشان راست

فَذَابِ إِلَيْكُمْ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ۝ وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ لَا تَفْسِدُوا

اب در دهنده بسبب آنکه در دوع می گفتند و چون گفته شود ایشان راسته کاری بکنند
اب در دناک بسبب آنکه در دوع می گفتند و هنگامی که گفته شود بایشان که فساد بکنند

في الأرضين قالوا إنما نحن مصلحون ٥ إلا أنهم هم المفسدون

زمین گویند جز این نیست که ما اصلاح کاریم
آگاه باشید هر آینه محض ایشانند سادات دیگران

لَٰكِن لَّا يَشْعُرُونَ ۚ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ امْكُتُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا

مردم

عَمَّنْ كَمَا مِنَ السَّفَهَاءِ إِلَّا أَنَّهُمْ السَّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ

ایمان بیاوریم طورے کہ ایمان آورده بگروان
آگاه باشید بر اینہ خاص ایشانند بگروان و مگر نمی دانند

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُ الْإِيمَانُ أَكْثَرُ النَّاسِ هَدًى وَأَكْثَرُ بَغْيًا

گائے کے ملاقات کنندہ با مسلمانان گویند ایمان آورده ایم و چون تنہا شوند یا شیاطین خود و ہنگامے کے تنہا شوند سوئے شمایین شان

اور ان معلم انشان حسن مستنزل عون ④ اللہ یستہزیئ بہم

ہر آئینہ مالیشایم جراین نیست کہ ما استغفر استغفر علیہم (مسلمانان) عہدہ خداجزائے استغفر امیدد با ایشان عہدہ

مترجم گوید حاصل مثل
آنست که اعمال منافقان
هرگز بشود چنانکه روشنی
آن جماعه در رخداد
فل منزعهم من کما هم
مثل آن است که منافقان
در نظرات نفسانی افتاده اند
و چون مواضع ایشان ششوند
فی الجمله ایشان را تنبیهی
بیشود و آن فایده نکند
مانند مسافران که در شب
تاریک و در حیران باشند
و در برق دوسه قدم برند
و باز آیتند و الله اعلم ۱۲

تفسیر عثمانی

خه این مثال هم منافی
است من منافقان چون
کسانی می باشند که در شب
موحش و تاریک ابر هائے
تیره و غلیظ افشار ابریده
باشد قطرات درشت و
مسلل باران را فور و ریزه
در میان امواج جده بشش
ظلمت رهبر و افکنند برق
بافروز غیرون در تارک
خود در رخداد آنها از هول
مرگ بگشتن خویش را
در گوش نهند تا مباد از شد
بهر از قالب جوی کنند
این است حال منافقان
که کالیف تهدید است
۱۳ شرح رای شونده

۲ خوری در سوانی خویش
را امید اند ضیاع اعراض
در مصالح و نبوی انصاف
می کنند و از هر طرف د
کشاکش و اضطراب بر سر
شگفتی گرفتاری باشند و
با وجود این می خواهند
با تاخیر بپروند از خوشن
مناظر کنند قدرتی افند
مستقل از هر طرف بران
مستولیست از عذاب
دردناک آن ابر مستکار
شده نتوانند ۱۲

و یدهم فی طغیانهم یعلمون ۵	او لیک الذین اشتروا	و هبت میهد ایشان را در طغیانی خویش سرگشته شده ایشان آنکسند که خریدند
الضلالة بالهدی فصار یحتمل انهم و ما کانوا هتدین ۹	الضلالة بالهدی فصار یحتمل انهم و ما کانوا هتدین ۹	و هبت میهد ایشان را در سرگشتی شان حال آنکه متعجبند ایشان آن کسانند که خریدند
مثله کمثل الذی استوقد ناراً فلما اضاءت ما حوله	مثله کمثل الذی استوقد ناراً فلما اضاءت ما حوله	گمراهی را عوض هدایت پس سود یافت تجارت ایشان و راه یاب نشدند
ذهب الله بنورهم و ترکهم فی ظلمت لا یبصرون ۱۰ صم	ذهب الله بنورهم و ترکهم فی ظلمت لا یبصرون ۱۰ صم	گمراهی را عوض هدایت پس سود یافت تجارت ایشان و نبود فایده تجارت شان و نبودند راه یافتگان
بکم عنهم لا یرجعون ۱۱	او کصیب من السماء فی	دور ساخت خدا از این گروه و بگذاشت ایشان را در تاریکیها هیچ نه بینند کرانند
ظلمت و رعد و برق یجعلون اصابعهم فی اذانهم من	ظلمت و رعد و برق یجعلون اصابعهم فی اذانهم من	دور کرد خدا روشنی آن بار و گذاشت آن بار و تاریکی با کینج نمی بینند (ایشان) کرانند
الصواعق حذر الموت و الله محیط بالکفرین ۱۲ یکاد البرق	الصواعق حذر الموت و الله محیط بالکفرین ۱۲ یکاد البرق	تاریکیها و رعد و برق می آید و انگشتان خود را در گوش خود کینج
یخطف ابصارهم کلما اضاء لهم مشوا فیه ۱۳ و اذا اظلم علیهم	یخطف ابصارهم کلما اضاء لهم مشوا فیه ۱۳ و اذا اظلم علیهم	تاریکیها و رعد و برق می آید و انگشتان خود را در گوش خود کینج
قاموا و لو شاء الله لذهب بسمهم و ابصارهم ان الله علی	قاموا و لو شاء الله لذهب بسمهم و ابصارهم ان الله علی	گمراهی را عوض هدایت پس سود یافت تجارت ایشان و نبود فایده تجارت شان و نبودند راه یافتگان
کل شیء قدیر ۱۴ یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم و	کل شیء قدیر ۱۴ یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم و	گمراهی را عوض هدایت پس سود یافت تجارت ایشان و نبود فایده تجارت شان و نبودند راه یافتگان
الذین من قبکم لعلکم تتقون ۱۵ الذی جعل لکم الارض	الذین من قبکم لعلکم تتقون ۱۵ الذی جعل لکم الارض	گمراهی را عوض هدایت پس سود یافت تجارت ایشان و نبود فایده تجارت شان و نبودند راه یافتگان
فرأینکم انما انزل من السماء ماءً فاخرج به	فرأینکم انما انزل من السماء ماءً فاخرج به	گمراهی را عوض هدایت پس سود یافت تجارت ایشان و نبود فایده تجارت شان و نبودند راه یافتگان
من الثمرات رزقاً لکم فلا تجعلوا لله انداداً و انتم تعلمون ۱۶	من الثمرات رزقاً لکم فلا تجعلوا لله انداداً و انتم تعلمون ۱۶	گمراهی را عوض هدایت پس سود یافت تجارت ایشان و نبود فایده تجارت شان و نبودند راه یافتگان

والمؤمنين غلبوا بفضلهم
 بهج ساحت بجا ایشان
 نه شمشیر و انشا علم ١٢
 و کافران چون ذکر
 ذباب و عکبوت در قرآن
 شنیدند طعن کردند و گفتند
 که خدا استغالی بزرگ است
 چیزهای خفیه چه اداوه
 کرده است این است
 نازل شد انشا علم ١٣
 تفسیر عثمانی

عنه این سخن بیشتر ذکر شد
 که درین کلام مقدر است
 اشتباه و چیز شده
 می توانست - یا خود کن
 کلام فتنه می بود که آثار
 بزرگه "ارباب فتنه" رفع
 کرده اند یا دیگر به حرب
 عنوا یا قصه و ادب و سخن
 بقرآن اشتباه می شد
 صورت ثانی نه تنها ممکن
 بلکه موجود بود برائے فتنه
 آن طوفان آسمان لطیفی
 بیان می کرد که شایسته پنداریه
 که قرآن گفته انسان است
 یک سوره بهرین فصاحت
 و بلاغت بعد از سوره ایت
 بر اندیز اگر شما با هر فصاحت
 و بلاغت از سوره کوثری
 عاجز شده بپایند که
 قرآن کلام خداست
 نه گفته بشره - این ١٣
 آیت بر نبوت
 حضرت پیغمبر است
 دلیل است ١٢
 علمه اگر شادین علمه
 خوش را استگوا باینکه
 قرآن گفته بشر است از
 دانشمندان شاعران
 فصحا و بلغاء که موجود
 اند ما سواي خداوند
 است و اگر ده سوره کوثری
 ساخته بیاید یا این
 مطلب است که جز
 خداوند در پیشگاه
 معبودان نویسد یا اگر
 دشمنان و کافران

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّمَّنْ
 و اگر بپسندید در شک از آنچه فرود آوردیم بر بنده خود یعنی از قرآن پس بیارید یک سوره
 مِثْلَهُ ۚ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝
 مانند آن مع و بخوانید مددگاران خود را بخوانید اگر بپسندید راست گو
 فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ
 پس اگر نکردید و هرگز کرده نمی توانید پس ترسید از آتشی که بنزد آتش انگیز، آن مردم
 الْحِجَارَةُ ۚ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ۚ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 سنگها باشند آماده کرده شده است برای کافران و بشارت ده آنکه از ایمان آورده اند و کردند کارهای شایسته
 أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ
 آنچه ایشان راست برستانها می رود زیر آن جوهرها هرگاه داده شوند از آنجا روزی از
 شَرِّهِ رِزْقًا فَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ وَالَّذِي رِزْقًا مِنْ قَبْلُ وَاتُّوا بِهِ
 قسم میوه برائے خوراک گویند این همان است که روزی شده بود برای ایشان ازین و آورده شود و ایشان میوه
 مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝
 مانند یکدیگر و ایشان راست در آنجا زنان پاک کرده شده و ایشان در آنجا جاویدند و هر آینه
 اللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعْضُهُ فَمَا قَوْمًا الَّذِينَ
 خدا شرم ندارد از آنکه بزند داستان پیش و بالاتر از آن اما آنانکه
 آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ
 ایمان آورده اند میدانند که این داستان راست است از پروردگار ایشان و اما آنانکه کافرنه میگویند
 مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا ۚ وَ
 چه چیز خواهد است خدا باین داستان خدا گمراه میکند سبب و راه هدایت میکند سبب و راه هدایت را و
 مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ۝ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ
 گمراه میکند باین مثال مگر بکاران را آن فاسقان که می شکنند عهده خدا را
 بَعْدَ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ
 پس از استواری آن و قطع می کنند آنچه را امر کرده خدا به اتصال و پیوند آن و فساد میکنند
 فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ
 در زمین ایشانند زیاں کاران چگونه کافر شوید بخدا و
 در زمین آن گروه ایشانند زیاں کاران چگونه کافر شوید بخدا حال آنکه

كُنْتُمْ اَمْوَانًا فَاحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ اِلَيْهِ رُجُوعٌ

حال آنکه بودید ایمن پس زنده گردانید شما را بعد از آنکه بمیرا، شما را باز زنده گردانید شما را باز بسوی دے گردانیدد شما را

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْاَرْضِ ثُمَّ اَسْتَوٰى اِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمُوٰتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ۝۱۰

دے آنست که بیا فرید برائے شما برچم در زمین است همه بجا باز متوجه شد بر سوئے آن ذاتیست که بیا فرید برائے شما آنچه در زمین است همه را باز قصد کرد بسوئے

الْاَسْمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمُوٰتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ۝۱۰

آسمان پس راست کرد آن هفت آسمان را و او همه چیز داناست و یادکن چون آسمان (پس) برابر کرد آنها را هفت آسمان با ذات او همه چیز داناست و بیگانه که

قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّيْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِيْفَةً ط قَالُوْٓا

گفت پروردگارتو بفرشتگان که من آفرینده ام در زمین جانشین را گفتند گفت پروردگارتو بفرشتگان که من آفرینده ام در زمین خلیفه را گفتند که

اَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُّفْسِدُ فِیْهَا وَیَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ

آیای آفرینی در زمین کسی را که تباهی کند دروے و غریزی کند و ما تسبیح میکنیم آیای گردانی در زمین کسی را که فساد کند در آن و می ریزاند خون را و حالانکه ما تسبیح میکنیم

بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ط قَالَ اِنِّیْۤ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ۝۱۱

بجود تو و بپایاکی اقرار میکنیم که تو بر آئین من میدانی آنچه شما نمیدانید و بحمد تو و بپایاکی یاد میکنیم مرتزات گفت بر آئین من میدانی آنچه شما نمیدانید و

عَلَّمَ اٰدَمَ الْاَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلٰی الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ اَنْبِئُوْنِیْ

بیا موقت خدا آدم را نامهای مخلوقات تمام آن باز پیش آورد آن چیزها برابر فرشتگان پس گفت خبر دهید مرا بیا موقت آدم را نام های اشیاء را همه باز پیش کرد آن اشیا را برابر فرشتگان پس گفت خبر دهید مرا

بِاَسْمَآءِ هٰٓؤُلَآءِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ط قَالُوْٓا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا

بنامهای این چیزها اگر راست گوئید گفتند بپایا یاد میکنیم ترا هیچ دانش نیست ما را بنام های این چیزها اگر بهترید راستگویان گفتند بپایا یاد میکنیم ترا نیست هیچ دانسته ما

اِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ط قَالَ يٰۤاٰدَمُ اَنْۢبِئْهُمْ

مگر آنچه تو آموختی ما بر آئین تو توئی دانا باهمت فرمود اے آدم خبر ده فرشتگان را مگر آنچه تو آموختی ما بر آئین تو توئی دانا باهمت گفت اے آدم خبر ده فرشتگان را

بِاَسْمَآءِهِمْ فَلَمَّا اَنْۢبَاَهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ اِنِّیْ

بنامهای آنها پس چون خبر داد ایشان را بنامهای آنها فرمود آیا گفتند بپایا که بر آئین من میدانی نام های آنها پس چون خبر داد ایشان را بنام های ایشان گفت آیا گفتند بپایا که بر آئین من میدانی

اَعْلَمُ غَيْبِ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ اَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَ مَا كُنْتُمْ

پنهان آسمان با و زمین و میدانم آنچه آشکارا می کنید و آنچه چیزهای نهانی آسمان با و زمین را و میدانم آنچه آشکارا میکنید و آنچه را شما

تَكْتُمُوْنَ ۝۱۲ وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدْ وَاِلٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا اِلَّا

پوشیده میداشتید و چون گفتیم بفرشتگان سجده کنید آدم را پس سجده کردند می پوشانید و چون گفتیم بفرشتگان که سجده کنید به آدم پس همه سجده کردند مگر

اِبْلِیْسَ اَبٰی وَاَسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ۝۱۳ وَقُلْنَا يٰۤاٰدَمُ

ابلیس قبول نکرد و سرکش نمود و گشت از کافران و گفتیم اے آدم ابلیس عه نه پذیرفت و سر باز زد و بود از کافران و گفتیم اے آدم

آدم ۲ مسلم گردید فرشتگان و ضعیان نامور شدند تا بسوئے او سجده نمایند و احد انبیاء بود و خویش را دهند بآیین شما آن که در آفاق نصب و سعید ارکان دولت و تقدیم بدایات نامور سازند تا احدی را مجال نرود نماید فرشتگان سجده کردند و می بایست وی اصلا حین بود ملائک آئینش تمام داشت عدلت نافرمانی ابلیس را چنین توضیح میدهند جنیان چندین هزار سال بر زمین تصرف داشتند و گشت بر آسمان نیز سر میگرداند در آخر غریزی و فساد ایشان خداوند متعال را امر کرد که بشنود آنها را بقتل رساند و برقی را در جزیره ها در صحرا ها در کوها منتشر سازد و جنیان مرده طایفه و پارسا بود و بخاسه جنیان آنها را ملائک تنبیح میکرد و سفارش فرشتگان محزون ماند و در میان ایشان سکونت میکرد و در طمع اقلو که بجای جنیان مطرود و تصرف زمین برصه گذاشته شود در عبادت میگوشت و همیشه در هوای خلافت زمین بود چون حکم خدا بخلافت آدم ترا یافت ابلیس مایوس شد و در اتمام عبادت ربانی خویش و فرط حسد آنچه توانست انجام داد و ملعون جاوید گردید

وَلَدَانِ كَلَامَاتِ هَيْتِ
رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا
وَلَا نَكْفُرُ
كُنْ حَقًّا لَكَوْنْ كُنْ
الْحَاسِبِينَ - واسمه
اعلم ۱۲
وَلِ تَرْجَمْ كَوْنِ عِدَا قَانِ
بَنِي إِسْرَءِيلَ الِاتِّمَتَانِ
خود را بداد و مجده ها که
بدین قوم ظالم شده بود
که زنده خود را نگاه شبها و
نصفهات ایشان را در کرد
به لائل امین قصه مستد
ست و تاورنوا نعلانی
و اذ ابنته ابراهیم
۱۲

میسر عثمانی

و دقتی که آدم عیسی
 را داشتند از بهشت
 انفعال
 یکه چنان گرفت و بزاری
 شغول شد خداوند
 راه مهربانی
 مانع خدا را با او
 انقاد را موقت
 بین و سبیل تو به آدم
 بابت گردید کلمات این
 است "ربنا ظلمنا انفسنا"

خداوند تو را آدم
 پذیرفت دلی مجمل امر
 که در بهشت باز کرد
 را که در جوار سکونت
 بر زمین تقاضا یافته بود
 می الا چرا قرار داد-
 تقضای حکمت معلول
 چنین بود چه واضح
 است که آدم بغرض
 رفت زمین آفریده شد
 بجهت سکونت بهشت
 و اندر فرود سکونت یا
 مکان مطیع را بجائے
 ن سودده روز رخ
 سکونت را که از

تَسْكُنُ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ

مان تو و زوجه تو در بهشت و بخورید از بهشت خوردن بسیار هر جا که خواهید
ساکن شو تو و زوجه تو در بهشت و بخورید از بهشت خوردن زیاد هر جا که خواهید

وَلَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٦﴾ فَأَرْسَلْنَا الشَّيْطَانَ

زیرک مشورید	بایں	درخت که	خواهید شد	از	کتاب گمانان	پس بنمایید هر دورا شیطان
زیرک مشورید	بایں	درخت (پس)	می شود	از	قالبان	پس بنمایند هر دورا شیطان

عَنْهَا فَأَخْرَجَهَا كَأَن فِيهِ وَقَلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴

لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ۚ فَتَلَقُوا نَارَ أَدَمَ مِن

شماره است در زمین	آرامگاه	و بهر مندی تا مدتی	پس از گرفت آدم از
شماره است در زمین	آرامگاه	و بهر مندی تا مدتی	پس یاد گرفت آدم از

رَبِّهِ كَلِمَتٌ فَنَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝

درد کا خود بخود سنبھلنے چاند پس باز گشت خدا بہر بانی بروے ہر آنیہ دوست باز گردند مہربان دل فرمودیم
درد کا بخوبی سنبھلنے چاند پس قبول کرد خدا تو بہ اندر ہر آنیہ دوست بزمندہ تو بہ مہربان دل حقیر

فَيُطَوِّمُهَا جَنِينًا ۖ فَمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ

دروید	از انجا بمرضا	پس اگر بیاید بشما	از من	دراستے	پس ہر کہ	پیروی کرد
دروید	از من جا بمرضا	پس اگر بیاید شما	از طرف من	دراستے	ہر کہ	پیروی کرد

مَدَايِ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ١٠ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

ایت مرا ای ترسی نیست	بر ایاں جماع	و نه	ایاں انده خورد	و کسانیکه نکر ویدند
ایت مرا	پس ترسی نیست	و نه	ایاں انده خورد	و کسانیکه نکر ویدند

ذَبُّوا بِأَيْتِنَا أَوْ لِيكَ أَصْحَابُ الْاِزْمِ فِيهِمْ خَلْدٌ ١٠ لَيْتَ ١١

دعہ داشتند آیتہائے مآرا ایشان اند
 یب کردند آیات مآرا آں گروه
 باشندگان دوزخ ایشان در آنجا
 جاویدند و اے فرزندان

سَمَاعِيلَ اذْكَرُوا نِعْمَتِي الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَوْفُوا الْعَهْدَ

یاد کنید	آن نعمت مرا که ارزانی داشتم	بر شما	و وفا کنید پیمان مرا
یاد آرید	آن نعمت مرا که	بر شما	

فَبَعْدُ كَمَا وَابَيَّ فَارْهَبُون ① وَمِنْكُمْ أَتَى

پیمان شما و از من برسیه و ایمان آرید یا نه

صَدَقَ اللَّهُ مَا مَعَكُمْ وَأَنْتُمْ كَافِرُونَ

و متانید عوض آیت های من

مَنْ قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَالْيَقُونُ ٧ وَأَن تَلْسُمُ أَلْفًا مِّنْ

کے اندک	د ازمن حذر کنید	و غلط مکنید	راست را با نادر است
کے اندک	و خاص ازمن	و خاص ازمن	و خاص ازمن

تسوا الحق و أنت تعلمون

راستی را	دانشه	و بر ما دارید	منافرا	و پدید زکوة را
ان مکفید	حال آک	شا مدانش		

وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ٥ اَتَاْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ

و نماز گزاید یا نماز گذارندگان آیای فرماید مردمان را به نیکوکاری و فراموش میکنند

اَنْفُسَكُمْ وَاَنْتُمْ تَنْتَهُونَ الْكِتٰبَ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ٥ وَاَسْتَعِينُوا

خویشتر را و شما میخوانید کتاب یعنی تورات آیاتی نفید و مدد طلبید و

بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ ۚ وَاِنَّهَا لَكَبِيْرَةٌ اِلَّا عَلَى الْخٰشِعِيْنَ ۚ

بشکیانی و نماز و بر آئین نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان آنانکه

يُظَنُّوْنَ اَنْهُمْ مُّقْتَدِرُوْنَ ۚ وَاَنْتُمْ اِلَيْهِ رٰجِعُوْنَ ۚ يٰبَنِيْ اِسْرٰءِيْلَ

میدانند که ایشان طاقت خواهند کرد بایرودگار خویش و آنکه ایشان بسوئے او باز گردند گمان ای بنی اسرائیل از نزدان یعقوب

اٰذْكُرُوْا نِعْمَتِيْ الَّتِيْ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ نَسِيتُمْ ۚ

یاد کنید آن نعمت مرا که از انی دانستم ام بر شما و آنکه فضل و ادم شمارا بر

الْعٰلَمِيْنَ ۚ وَاَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِيْ نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَاِذْ

بر عالمها و از آن روز که کفایت نکند هیچکس از کس چیزی را و

يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةً ۚ وَاِلَّا يُؤْخَذْ مِنْهَا عَدْلٌ وَّلَا هُمْ يَنْصُرُوْنَ ۚ وَاِذْ

پذیرفته نشود از هیچ کس شفاعت و گرفته نشود هیچ کس عرض و نه ایشان یاری داده شوند یا و کفایت نمیشد آنوقت

جٰجِبَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ فِرْعَوْنُ يَسُوْمُوْنَكُمْ سُوْءَ الْعَذَابِ يَذْرِبُوْنَ

که در انید شما را از کسان فرعون میرسانند عذاب سخت ترین عذاب ذبح میکردند

اَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُوْنَ نِسَاءَكُمْ وَفِيْ ذٰلِكُمْ بَلٰءٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ

پسران شمارا و زنده میگذاشتند دختران شمارا و درین کار آزمائش بود از پروردگار

عَظِيْمٌ ۚ وَاِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَاَنْجَيْنَاكُمْ وَاَغْرَقْنَا اِلٰهَ فِرْعَوْنَ وَ

بزرگ و آن وقت جدا کردیم شما را دریا را پس خلاص کردیم شما را و غرق ساختیم کسان فرعون را و

اَنْتُمْ تَنْظُرُوْنَ ۚ وَاِذْ وَعَدْنَا مُوْسٰى اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمْ

شما میدیدید و آن وقت که میباید مقرر کردیم با موسی چهل شب پس گرفتید

الْعَجَلَ مِنْۢ بَعْدِهَا وَاَنْتُمْ ظٰلِمُوْنَ ۚ ثُمَّ عَفُوْا عَنْكُمْ مِّنْۢ بَعْدِ

گوسال را پس از رفتن موسی و شما سرگشته بودید پس در گزینیدیم از شما بعد

ذٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ۚ وَاِذْ اَتَيْنَا مُوْسٰى الْكِتٰبَ وَالْفُرْقٰنَ

ازین تا بود که سپاسداری کنید و آن وقت که دادیم موسی را کتاب و حجت

اِنَّ تِلْكَ لَآيٰتُكَ لِكُلِّ قَوْمٍ عٰقِلٍ ۚ وَاِذْ اَوْفَيْنَاكَ مَا عٰوَدْتَ اِلَيْكَ مِنْۢ بَعْدِ

آن تا شما شکر کنید و یاد کنید بنگاه که دادیم موسی کتاب و حجتی عداوت کند حق از باطل

و ای بنی اسرائیل از هیچ عاقبت
نرمشائید از علم
و ای بنی اسرائیل آن
زمان
و ای مترجم گوید سبب
کشتن پسران آن بود که
کامشان فرعون را خیر
داده بودند که در حق پسران
پسند پیدا شود که
بخت برانند
پادشاهی او
مترجم گوید
که خدا موسی علیه السلام را
و عده دوازده نفر را
مستغرق شود تورات
عطا فرمایم و درین صفت
بنی اسرائیل را خواسته
سامی که سراسر بختی انبیاء
کردند خدا تعالی احد
عده موسی علیه السلام را
ایشان را بختی که خدا
و این که بایشان صفت
و این که بایشان صفت
تفسیر عثمانی
و بعضی ظلمت یهود
مبارک بختی برسانند
که دین اسلام را در خیر
خوش بخوبی نشان کنند
ولی خدا ایمان نیاوردند
در بجه موانع علای یهود
بلکه اکثر مردمان ظالمین
در این اشتباه بودند
که چون ما در تعلیم احکام
شریعت تفسیر میکنیم و در
روئے حق پرده می کشیم
پایبندی در احکام شریعت
ضرورتی بای می ماند
به بنای الدال با تخیر
کفایه در صورتیکه مردم
اعمال شرع را در اثر
هدایات ما بجای آورند
آن اعمال از انان است
و چه ضرورتی است که خدا

داخل عمل شوم این آیه که بر برای هر دو خبیثه بطلان می کشد، مطلب - و اخذ آنچه موعظه میکند خود بران عمل نمایند اینک فاسق بکس موعظه نکند ۱۱

[illegible]

لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٤٠﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يُقَوْمِ إِنكُمْ ظَلَمْتُمْ

انفسكم ياخذكم العجل فتوبوا الى بارئكم وافتوا انفسكم ذلكم

برخیزش بفرار گشتن کرمال پس باز آید بسوئے افریدگار خود بشکند خویش را این
 بود نصہائے خویش بفرار گشتن کرمال را (بجندائی) پس توبه کنید بسوئے افریننده خویش پس بشکند نفس باے خود را این

خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ٨٩

بهر است سنانا بر دین افرید کارش
پس خدا باز گفت بهرانی بر شتا هر آئینه دوست باز کرده

اِذْ قُلْنَا لِمُوسَى لَنْ نُّؤْمِنَ بِكَ حَتَّى نَرَى الْاِلَهَ جَهْرَةً فَاخْذُ شِكْرًا

اور یہ کہ اللہ تعالیٰ نے اس کو ہرگز ایمان نہ دیا۔ تو تہا انکے برہمنیم خدا را آشکارا پس گرفت شمارا

الصَّعِقَةُ وَإِنْهُمْ تَنْظُرُونَ ۝ تَسْمِعْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ

مصاحفه و شما میباید باز بر این سخن شما پس از مردن تان تا شما

فتمت زون ۱۵ وظلنا علیکم الغمام وانزلنا علیکم السمن والسواوی

شکر گزارید و سایه بان صاحبش بر شما ابر را و فرد فرستادیم بر شما من و سلوخی را

انہ پاکیزہ ہائے آنجہ وادیم شمارا والشان ستم نہ کند بر ما و لیکن بر خورشید

بجورید از پاکیزه چیزای که دادیم بشما و ظلم نکردند بر ما و لاکن بودند که بر نفس ایستادند خویش

تم میگردند دال وقت که قیام در آید مدین دیه و صل پس بخودید از اینجا با فرونی

وایاد سید مرتضیٰ امام القیم و اصل ترویج دین ده پس جوید ازان هر جا که

هر جا که خواهید خوردنی گوانده و در آئید بدرازه سجده کنان و بگوئید سوال ما آموزش است تا بیاوریم شمارا

خطاب و سنان بدالرحمن

شاهان شا و زیاده خواندند و نیکو کاران را
شاهان شاه و زود است که او را نیکو کاران را

فَإِنَّ لَنَا عَلَيْهِمُ الْإِثْمَ وَالْآثِمِينَ خَالِصَةً أُولَئِكَ الْمَتْلُوبُونَ فِيهِ

آنچه فرموده شد ایشان را و این پس فرمودم بر آن ستارگان عذاب از آسمان
آنچه گفته شد بر اے شران پس فرمودم بر آنکه ستم کن از آسمان

يَهَاكَ نَوَافِسِقُونَ ۝ وَإِذَا اسْتَسْقَمَ مَرُءٌ لِقَوْمِهِ فَقَالَ مَا اخْتُبِرَ

سبب دیگر بود اینان دانفت که آب خواست موسی برائے قوم خود پس گفتیم بزرگوار
سبب فتنه که میکردن چون آب خواست موسی برائے قوم خود پس گفتیم بزرگوار

تَعْصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ

چشمه	دوازده	از سنگ	پس روان شد	سنگ را	جست
چشمه	دوازده	از ان	پس روان شد	سنگ را	جست

تا که نه نظری که ازین معجزات باسره الهامی آید نمیشند و هم خلاف آید و در هر یک مقایسه این اجنب میکند چه در راست است که رنگ آب اجنب را با آب

فتح الرحمن

وَلِیْنِی بَارِئِیْسَان
خَوِشِ آن رِئِیْسَان ۱۲
وَلِیْنِی نَعْتِ پِیْغَمْبَر
آخِرِ الزَّمَانِ ۱۲

تفسیر عثمانی

[illegible]

بَعْضُهُمْ كَذَلِكَ يُحَى اللَّهَ التَّوَنِي وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ

جس کے ارادے ہیں	زندہ میلند خدا	مردگان را	و بینا بدیشمارا	نشانہائے خود	تا خود کہ
بہارہ ارگاد	ہمچیں	زندہ میگردد خدا	مردگان را	و می نابدیشمارا	نشانہائے قدرت خویش را تا نشانہ

تَعْقِلُونَ ﴿٢﴾ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ

دریا بید	باز	سخت شد	دلہائے شام	بعد	ازین	پس آئنا	مانند منک	آند
فکر کنید	باز	سخت شد	دل ہائے تان	بعد	از آن	پس آں	مانند منک	ان

وَأَشَدُّ قَسْوَةً وَأَنَّ مِنَ الْحِجَارِ لَهَآ تُفُجٌّ مِنْهُ الْغَيْفُ ط

بلکہ زیادہ تر مسیحی و ہر آئینہ از سنگہا آئست کہ ہوا می شود از روئے جو کبیا و
یا بیشتر مسیحی و ہر آئینہ از سنگہا آئست کہ ہوا می شود از روئے جو کبیا و

إِنَّ مِنْهَا لَمَنْ يَشَقُّ فَيُخْرِجُ مِنْهُ الْبَاءَ ۖ وَإِنْ مِنْهَا لَمَنْ لَا يَفْهَمُ

برآئینہ از سلبا آنست که می طسکاف پس بیرون می آید از دے آب
و برآئینہ از سلبا آنست که می طسکاف پس بیرون می آید از دے آب

من خشية الله وما الله بغافل عما تعملون (٣٠) افطروا

و نیست خدا از ترس خدا
از آنچه می کند از آنکه
از آنکه می کند از آنکه
از آنکه می کند از آنکه

ان منو الكد وقيل الكاد

از ایشان می شنیدند کلام خدا را یعنی تورات را

کلام خدا

بعد از آنکه	فهمیده بودند	ادرا	و چون ملاقات کنند
-------------	--------------	------	-------------------

و چون ملاقات کنند

با مؤمنان گویند ایمان آوردیم و چون تنها شوند بعضی از ایشان با بعضی و

پاسینڈہ کے ایمان آوردہ اندونیند ایمان آوردہ و ہند کے کہ نہا ستونہ جیسے ازایشان ! جیسے گویند

باختر مبدی ایشانرا باختر کنشاده است خدا بر شاولی تا منافق و کفر کند با شما بآن دلیل نزد پروردگار شما آبادی یابید

تو می‌بینی (یا خبر می‌دهی) ایشان را با آنچه ظاهر کرده خدا بر شما
تا متناظر کنند با شما این مجسمه پیر در دگر شما

آیا نمیدانند که خدا میداند آنچه پنهان میکند و آنچه آشکارا می‌نماید

کبرائیه الشریعہ اند آنچه را پنهان میکند و آنچه را آشکار می نماید همه

بعضه از ایشان ناخواندگان بنده اند کتاب را لیکن می دانند آنرا و بایه مایل و می شنند

بعضی از ایشان ناخواند نمیدانند کتاب را مگر آرزوهای دروغ نیستند

۴) نویں للہ دین یکتا ہوں الکتب پدید آجھ

کہ گمان میکنم پس عذاب است بکسانی کہ می نویسند کتاب را بدست مائے خود باز

فَوَلَن هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُثَارَ بِهِ نَمْنَا فِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ

فَمَا كُنْتُمْ آيْدٍ لَهُمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ فَمَا يَكْسِبُونَ ﴿٥﴾ وَقَالُوا لَنْ تَمْسَسَنَا

بسبب نطقن دستهای ایشان و دوائی ایشان را بسبب پیشه گرفتن ایشان و گفتند هرگز ما تماس نکند از آنچه نوشته و دستهای شان و عذاب است ایشان از آنچه کسب می کنند

النَّارَ إِلَّا آيَاتِنَا مَعْدُودَةٌ ۖ قُلْ أَتُخَذُكُمْ عِبْدَ اللَّهِ عَمَلِكُنَّ

آتش دوزخ مگر چند روز شمرده شده بگو آیا گرفتید از پیش خدا پیامانی تا هرگز آتش مگر روزهای شمرده شده بگو آیا گرفتید از نزد الله پیامانی پس هرگز

يُخْلِفُ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦﴾ بَلْ

خلاف نکند خدا پیمان خود را آیا میگوئید بر خدا آنچه نمیدانید بگو خلاف نکند الله پیمان خود را بلکه میگوید بر الله آنچه نمیدانید چه چنین نباشد

مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَاطِبُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ

هر که کرد گناه و بر او آید و احاطه نمود پاد گناه او پس ایشان باشند گناهان دوزخ هر که کرد گناه و احاطه نمود پاد گناه او پس ایشان باشند اهل دوزخ

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٧﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ

ایشان در آنجا جاویدند و کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته ایشانند ایشان در آنجا جاویدند و کسانی که ایمان آوردند و کردند اعمال شایسته ایشانند

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ

باشندگان بهشت ایشان در آنجا جاویدند و انگاه که گرفتیم پیمان اهل بهشت ایشان در آنجا جاویدند و دیه او زمانه که گرفتیم پیمان

بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ ۖ قُلْ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ

بنی اسرائیل که نه پرستید مگر خدا را و بوالدین نگوئی کفر و بنی اسرائیل را که پرستید مگر الله را و احسان کنید بوالدین احسان کردی و

ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالسَّكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا ۚ اَقِمْوْا

با اهل قرابت و یتیمان و بچه زایان و بگوئید بمرحمان سخن نیک و بر پا دارید بر اهل قرابت و بگوئید بمرحمان و بچه زایان و بگوئید بمرحمان سخن نیک و بر پا دارید

الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ

نماز را و بپردازید زکوة را پس برگشتید و گردان شده مگر اندکی از نماز را و بپردازید زکوة را پس برگشتید مگر اندکی از شما (حال آنکه) شما

مَعْرِضُونَ ﴿٩﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا

روگردان می کنید و بیاد آورده نماند که گرفتیم پیمان شما که مریدید خون یکدیگر را و بیرون می کنید و بیاد آورده نماند که گرفتیم پیمان شما که مریدید خونهای یکدیگر را و

تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنتُمْ لَشَاهِدُونَ ﴿١٠﴾

مکنید بیرون می کنید (قوم) خود را از دیارتان پس اقرار کردید و شاهدان گردیدید باز شما آن گروهید که می کشید قوم خویش را و بیرون می کنید گروهی را از قوم خود از باز شما آن گروهید که می کشید خود را و بیرون می کنید گروهی را از خود را

دِيَارِهِمْ تَظْهَرُونَ عَلَيْهِم بِأَلْسِنَتِهِمُ وَالْعَدُوَّانَ وَإِنْ يَتَوَكَّلْ

خانهای ایشان بگو مددگار و یار می شود برستم کردن در حق ایشان گناه و تعدی و یار ایشان پشتیبانی میکند بایکدیگر بر ایشان گناه و ظلم و اگر بیایند بشا

فما مترجم گوید که از عقائد مطلقه هر کس بود که میگوید بر نباشد دوزخ مگر روزهای چند و این خطا است زیرا که دخول جنت موقوف بر ایمان بخدا و روز قیامت و پیمان بر آن زمان است جنس بهر دو نفرین اشیاء ندارد و اشارت به این معنی است این آیه الله اعلم تفسیر عثمانی

یعنی اینها کسان هستند که بخلافی بسیار در حق الله می گویند و عوام از خود ساخته می نوشتند و آنرا بحضرت خداوند عز و جل می رسانند ۹ مشق و کلمات نوشته بود که بنمایان آخر زمان با بهره زیاده ایشان می آید و سبب آنکه ان مجربان با و نکت گندی متولد میشود علماء و سواد را تحریف نمود و در شایع فرخته و در خود نگاشتند که قاصد او بدین چنان بود که هر کس را که راست می باشد تا خواست نبوت حضرت و سواد تصدیق نکند و منافق و کفر ایشان را فرستد ۱۲ علم این ایام بقول بعضی بعضی روز است و بقول بعضی بعضی روز و در مدت عبادت گویا بود و بعضی گویا چند سال است آن مدت سرگرمی تبه باشد و بعضی گویا بقدری که در دنیا زندگی کرده اند ۱۳ علم این سخن که بهر دور دوزخ جاوید می باشد نیست نیت چه آنرا قاعده کلیه خلوه دوزخ و بهشت است

در آئینه بیان میشود در باب هر مردم یکسان نفاذ می یابد ازین قاعده کلیه میوه مستثنی نیست ۱۲

الْأَنفُسُ تَقْدِرُ عَلَيْهِمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجَهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ
 می آیند خدا میداند نفس ایشان را حال آنکه حرام است بر شما
 ایشان فدای میسرید: نفس بکشید ایشان را حال آنکه حرام شده است بر شما: برون کردن ایشان آیا ایمان می آورید

بَعْضُ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ
 پیاره از کتاب و کافر می شود پیاره پس چیست جزا آنکه چنین کند
 از کتاب و کافر می شود پیاره پس نیست جزا آنکه کند چنین

مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يُرَدُّونَ
 از شما مگر خوارگی در زندگانی دنیا و روز قیامت گردانیده شوند
 از شما مگر خوارگی در زندگانی دنیا و در روز قیامت گردانیده شوند

إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ أُولَئِكَ
 بسوی سخت ترین عذاب و نیست خدا بے خبر از آنچه میکنید و ایشان
 بسوی سخت ترین عذاب و نیست خدا بے خبر از آنچه میکنید و ایشان

الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ
 آن کسانی که خریدند زندگانی دنیا را به آخرت پس سب کرده نشود از ایشان عذاب
 آن کسانی که خریدند زندگانی دنیا را به آخرت پس سب کرده نشود از ایشان عذاب

وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ وَلَقَدْ أَنبَاكَ مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ
 و نه ایشان یاری داده نشود و بهر آئینه دادیم موسی را کتاب و از پی دادیم بعد از او
 و نه ایشان مدد داده میشوند و به تحقیق دادیم موسی را کتاب و پی دادیم فرستادیم بعد از او

بِالرُّسُلِ وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَا بِرُوحِ
 بپیغمبران را و دادیم عیسی پسر مریم را نشانه های روشن و توثیق دادیم ادا بروح
 بپیغمبران را و دادیم عیسی پسر مریم را معجزات روشن و توثیق دادیم ادا بروح

الْقُدُّسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ
 القدس یعنی جبرئیل آیا هرگاه بیاید نزد شما پیغمبری آنچه دوست ندارید نفسهای شما سرکش کردید
 مقدس (جبرئیل، آیادیل، هرگاه بیاید نزد شما پیغمبری آنچه دوست ندارید نفسهای شما سرکش کردید

فَفَرِّقَا كَذِبُكُمْ وَفَرِّقَا نَقْتِكُونَ وَقَالُوا اقْلُوبْنَا عِلْفًا بَلْ
 پس گویید را دروغ گردانید و گویید را کشتید و گفتند دل بماند مدبرده است بلکه
 پس گویید را کذب نمودید و گویید را کشتید و گفتند دل بماند مازدلف است بلکه

لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ وَلَسَا جَاءَهُمْ كِتَابٌ
 لعن کردن خداست ایشان را بعد از سب کفر ایشان پس اندک ایمان آوردند و آنگاه که آمد بایشان کتاب
 لعن کرده ایشان را بعد از سب کفر ایشان پس اندک ایمان آوردند و هرگاه بیاید ایشان را کتابی

مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ
 از نزدیک خدا و حق بآورد کننده آنچه بایشان است و پیش ازین طلب حق میکردند
 از جانب خدا تصدیق کننده کتابی را که بایشان است و بودند که از پیش فتح می خواستند

عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ
 بر مشرکان پس هرگاه آمد بایشان آنچه میدانستند مسخر شدند و پند
 کسانی که کافر شدند پس هرگاه آمد بایشان آن چه که شناختند خود را کافر شدند و پند

عَلَى الْكَافِرِينَ لِيَسْمَأَ شَرُّهُمُ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
 بر آن کافران پس بدین است آنچه فرو فرستد و عسل و عیش را که کافر شوند با آنچه فرود آورده است خدا
 بدین است آنچه فرو فرستد به آن نفسهای خود را اینکه کافر می شوند با آنچه فرو فرستاده خدا

فما یعنی من کرده شدند
 از ایشان رجوع کردن کردن و
 در نظم و نگاری نمودن فرمود
 شد و بعد از آن سیران
 و ایشان ازین برادران
 بعد از آن سیران غسل
 کردند پس زیرا که موافق
 نفس ایشان افتاد این
 طاعت نفس است و
 خدا نیست ۱۲
 و مترجم گوید در اینجا
 قیام بود آیه که میخواند
 قولینا غافل یعنی درین
 خود افتاد است کام و ارم
 که هیچ شریک در راه نمی یاب
 و این خدا است بسبب
 ۱۳ قبول نکردن دین سبب
 حصد جمل بود و تفرقه
 زیرا که آثار تقوی
 در نگاه ایشان ظاهر
 نمی شد و اشارت بهین
 معنی است در آیات
 و یعنی قرآن ۱۳
 و کفر یعنی است بآن
 قصه که بهر خبر باطلان
 جنگ میکردند و تفرقه
 می یافتند و فرمودند که
 بلفظ محمدی ای که
 خدایت را و آخر زمان
 موعود است ما لعنت
 بعد از آن فتح یافتند ۱۴
 و یعنی قرآن ۱۳
 تفسیر عثمانی
 یعنی احکام رای پند
 از بعضی اخباری و درین
 چون بجز ایمان ممکن
 نیست کیسه بر بعضی حکام
 احکام و کافر مطلق بود
 و از ایمان بر یار از
 احکام است ایمان ادرا
 تعجب نباشد از این
 آیت واضح است که
 و او شرع را در حق تعالی
 کند و در تسلیم قسمتی که به

عوض و طبع و اوقات داشته باشد تفسیر و در آنچه در بعضی احکام متاجات نموده بود که میخواند

والباقی بر بیان حال ۱۲
 شک و دلایل و کلمات بیهود
 آن بود که می گفتند که چنان
 نخواهد شد و بهر جهت
 کس که می بود این خطا
 است زیرا که اهل علمت و بشیر
 مشتاق شدن بملقات
 خدا است ایشان از هر
 چهره آن بودند و اشارت
 به این معنی است درین
 آیت ۱۲

تفسیر عثمانی

۱۲ شادمانی و دایره که
 بر شریعت موسی پدید می
 آید و شریعت حق تعالی را
 این دعا و شادمانی
 نیست شادمانی بجهت
 رزق و نشان داد و در بعضی
 نمود و شادمانی را گوید -
 دیباچه خودشان از این
 درین داستان اما چون
 روزی چند به طور رفت
 شادمانی درت گویا را
 بخدای گرفتند -
 حال آنکه حضرت موسی
 حیات داشت و نبوت
 خویش استوار بود ایمان
 شادمانی به شریعت او
 در آن وقت کجا بود -
 بنا بر حد و دینی با حضرت
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم
 خویشی را چه نسبت می
 چنان تمسک نشان می
 که از احکام خدا - باز
 می زنید - بلا شک شما
 ستمکارید - پیمان و
 نیاکان شایسته مع
 ستمکاران بودند -
 این بود حال بنی
 اسرائیل با موسی
 پس ازین بگوئی
 ایمان شان را
 نسبت به تورات بیان
 می فرماید ۱۳

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰتٰنَا الْكِتٰبَ لَا يَغۡيِبُ عَلٰىنَا مِنْهُ سُوۡرَةٌ مِّنْهُ وَاَنۡذِرۡنَا لَهَا عَذَابًا شَدِيۡدًا ۚ

بسیب حسد بر آنکه فرود آورد خدا بر محنت خود بر هر که خواهد از بندگان خود پس باز گفتند

بسیب حسد که فرود فرستد خدا از فضل خویش بر هر که خواهد از بندگان خود پس باز گفتند

بغضب علی غضب و لکفرین عذاب مهین و اذ قیل لهم

بالا ای محنت و کافران راست عذاب خواهند خورد و چون گفته شود ایشان را

بالا ای محنت و کافران راست عذاب خواهند خورد و چون گفته شود ایشان را

ایمان آرید یا آنچه فرود آورده است خدا گویند ایمان می آریم یا آنچه فرود آورده شد بر ما و ایشان کافری شوند یا آنچه گویند

که ایمان بیاید یا آنچه فرستاده است خدا گویند ایمان می آوریم یا آنچه فرستاده شد بر ما و کافر میشوند یا آنچه غیر آن است

وهو الحق مصداقاً لیسامعهم قل فلیم تقتلون انبیاء الله من قبل

حال آنکه او راست است و آورنده است آنچه بایشان است بگو پس چرا می کشید پیغمبران خدا را پیش ازین

حال که آن راست است و تقدیر کننده است که بای ایشان است بگو پس چرا می کشید پیغمبران ایشان را پیش ازین

ان کنتم مؤمنین و لقد جاءکم موسی بالبینات ثم انتم انجمل

اگر مؤمن بودید و بهر آئینه آمد به شما موسی به نشانهای روشن پس گرفتید گویا را

اگر بهستید مؤمنان و به تحقیق آورد به شما موسی معجزات روشن را پس گرفتید گویا را و انجمنی

من بعد و انتم ظالمون و اذ اخذنا ميثاقتكم ورفعنا فوقكم الطور

پس از وی و شما ستمکار بودید و آنگاه گرفتیم پیمان شما و برداشتیم بالای شما طور را

بعد از رفتن وی و شما ستمکارانید و بهر آئینه گرفتیم پیمان شما و بلند کردیم بالای شما کوه طور را

خذ و اما اتینکم بقوة و اسعوا قالوا سمعنا و عصینا و انشر بوا

گرفتم بگیری یا آنچه دادیم شما را بفرات و بشنوید گفتند و شنیدیم و نافرمانی کردیم و دروغ کرده شد

گرفتم بگیری یا آنچه دادیم شما را بفرات و بشنوید گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم و آشوب شد

فی قلوبهم العجل یکفرهم قل یسما یا مکرکم به ایمانکم ان

در دلبسته ایشان دوستی گویا را بسبب کافریون ایشان بگوید چه راست است آنچه میفرماید شما ایمان شما اگر

در دلبسته ایشان محبت گویا را بسبب کفر آنها بگوید چه راست است آنچه امر می کند شما را بان ایمان شما اگر

کنتم مؤمنین قل ان کانت لکم الدار الاخرة عند الله

بهستید از اهل ایمان و بگو اگر هست شما سراسر باز پسین نزدیک خدا

بهستید مؤمنان بگو اگر هست شما سراسر آخرت نزد خدا

خالصة من دون الناس فتمسوا السموات ان کنتم صدقین

تجفیع تنها بجز از مردمان دیگر پس آرزو کنید مرگ را اگر بهستید راست گویا

تنها بجز از مردم دیگر پس آرزو کنید مرگ را اگر بهستید راست گویا

و لن یموتوا ابداً ابتما قل مت ایدهم والله علیهم بالظالمین

و هرگز آرزو نکنند ابد اینچگونه بسبب آنچه پیش فرستاده است و تنهائے ایشان و خدا داناست به ستمکاران

و هرگز آرزو نخواهند کرد مرگ را اینچگونه بسبب آنچه پیش فرستاده است و تنهائے ایشان و خدا داناست به ستمکاران

و لنجدنهم احرص الناس علی حیوة و من الذین انشروا یهود

و هر آینه بیانی ایشان را حریص ترین مردم بر زندگانی و حریص تر از آنانکه مشرک اند و دوست میدارند

و هر آینه بیانی ایشان را حریص ترین مردم بر زندگانی و حریص تر از آنکه نیکو مشرک آورده اند و دوست میدارند

احدهم لو یعرف الف سنة و ما هو بیزحزح من العذاب ان یجیر

یکی از ایشان کاش عمر داده شود هزار سال و نیست در پانصد و سی از عذاب آنکه عمر داده شود

یکی از ایشان کاش عمر داده شود هزار سال و نیست آن را نمانده و سی از عذاب که عمر داده شود

يَصِيدُونَ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ اَنْفَرًا مَنْ كَانَ هُودًا اَوْ نَصْرِيًّا تِلْكَ

بیتا است و گفتند هرگز به بهشت در نیاید مگر آنکه یهود باشد یا ترسایان این

اَفَاَنْتُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۸ بَلَىٰ مَنْ اَسْلَمَ

آرزو بای باطله ایشانست بگو آریه دلیل خود را اگر بپسند راست گو بای هر که منقاد کرد

وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ اَجْرٌ عِنْدَ رَبِّهِ ۹ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا

روسی خود را بر آنی خدا و دوسه نیکو کار باشد پس او راست نزد او نزد پروردگار خویش نیست ترس بر ایشان

هُمْ يَخْزَنُونَ ۱۰ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصْرَةُ عَلٰى شَيْءٍ ۱۱ وَقَالَتِ النَّصْرَةُ

اندو بکن شوند و گفتند یهود نیستند ترسایان بر هیچ چیز و گفتند ترسایان

لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلٰى شَيْءٍ ۱۲ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ لَا

نیستند یهود بر هیچ چیزی حال آنکه ایشان میخوانند کتاب را بهم چنین گفتند آنانکه

يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَمَا كُنُوْا مِنْ خٰتِلِفُوْنَ

می دانند و مانند قول ایشان پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف می کنند در آن

وَمَنْ اَظْلَمُ مِنْ مَنْعِ مَسِيْحٍ اِنَّ يَدَّ كُرْفِيْهَا اَسْمُهُ وَسَعٰى فِيْ خِرَابِهَا

و نیست ستمگارتر از آنکه منع کرد مسیح باشد حداد از آنکه یاد کرده شود نام خدا در دوسه و کوشش کرده در ویرانیها

اُولٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ اَنْ يَدْخُلُوْهَا اِلَّا خٰفِفِيْنَ ۱۳ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ ۱۴

این گروه نمی توانند در آن راه را که در آیند مسیح باشد مگر بر اسان ایشان راست در دنیا خوار و ایشان راست

فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ۱۵ وَبِلِلّٰهِ الشَّرْقُ وَالْمَغْرِبُ فَاَيُّكُمْ اَتَوَلّٰوْا قِيٰمَةً وَجْهَ

در آخرت عذاب بزرگ و خدا را است مشرق و مغرب هر سو که رو آید بها بجا است روست

اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ وَاَسْعٰ عَلَيْهِ ۱۶ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحٰنَ ۱۷ بَلْ لَّهٗ مَا فِي

خدا بر آینه خدا فراخ گفت و داناست و گفتند بگرفت خدا فرزند را بای او راست بلکه از راست آنکه

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ كُلٌّ لَّهٗ قَانِتُونَ ۱۸ بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاِذَا

آسمانها و زمین است هر کس بر آنست و فرایند اندوز آفریننده آسمانها و زمین است و چون

قَضٰى اَمْرًا فَاَمَّا يَقُوْلُ لَكَ كُنْ فَيَكُوْنُ ۱۹ وَقَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ لَوْلَا

می کند کار پس جز این نیست که گوید او را بشو پس می شود و گفتند آنانکه نمی دانند چرا

يَكْلِمُنَا اللّٰهُ اَوْ تَنْزِيْلًا اَيُّهُ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ

با ما سخن می گوید خدا یا نازل می آید ما کدام نشانه بهم چنین گفتند که این از ایشان پیش بود که مانند گفتند ایشان

فَاَمَّا سَمْعِيٌّ كَيْ كَوْنٍ اَيُّهُ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ

فَاَمَّا سَمْعِيٌّ كَيْ كَوْنٍ اَيُّهُ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ

فلان و دیگر از صفوات

اهل کتاب آید که هر

فرقه از یهود و نصاری

و دیگر از انکاش کرد

و اشارت بهین معنی

است درین آیت ۱۲

و باطنی مشرکان گفتند

۱۳ و درین آیت

تقریض است بکفار که

و اشارت است به

۱۴ و الله اعلم ۱۵

و دیگر از صفوات یهود

۱۶ آید که چون استغفار

بیت المقدس ضیوع

شد استناری کردند

اشارت بهین معنی است

درین آیت ۱۷ دیگر

از صفوات اهل کتاب

آید که یهود عزیر را

و نصاری عیسی را پس

خدا می گفتند در و ایشان

خداستالی این آیت

نازل کرده ۱۸

تفسیر عثمان

ع کافران مکرر را

سزاوار این بود که

مسجد بای الهی بگرفت

و توفیق و ادب و عظیم

میدانند این ظلم

صریح است که آنجا

از راه بی احترامی

پیش آمده یا اینکه

لیاقت زندگی با عزت

و حکومت را در آن

دیوار ندارند و همچنان

صورت گرفتن کشتور

شام و سرزمین که

را خدا از دیگران

اخته بمسالمان کشید

علا و عیش در بهر

جا عام است اختصا

بقای ندارند و مصلحت

و ارادات و اعمال

نندگان را خوب می

دانند که آنها را چه سود

عده در حق مومنان
باشند که بعد از وفات
گفت آن مادر ایوب
روزی کن مادر باره
کافران دعا نکرد تا
آنجا از لوث کفر پاک
بماند عده خداوند
فرمود و در دنیا با کافران
نیز روزی داده می
شود و روزی چون
امت نیست که جز
ایمان و نیکی
را نپذیرد - مع
ابراهم و اسماعیل
اصمعیل علیه السلام
برود و پیارگاه خدا
دعا کند که حاجتی
در روز قیامت
کن تا او را ترا
اطاعت کنند در دنیا
۵ آنهارا سولی میجو
۶ کن که کتابت حکمت
۸ را قیام و بدور
۱۵ اولاد این دو پیغمبر
جز حضرت سرور
کائنات و دیگری
موصوف باین صفات
نیت این واقعه
تجلیات گذشته
پیور باطل سلطنت
علم کتاب آن مطاع
و معانی ضروری است
که خود عبارتند از
آیه حکمت خفیات
اسرار و دقائق روز
می باشد لعل شرات
این ملت در مذهب مذکور
گردید حضرت ابراهیم
و یعقوب علیه السلام
پسران خویش را
توسیع نمودند تا از این
مقاصد نمایند هر که
از این راه معرفت
بشود به پیغمبران مذکور
خجالت می ورزد
پیور دعوی و استعجاب

جَعَلَ هَذَا بَلَدًا أَوَّلًا وَأَرْسَلَ أَهْلَهُ مِنَ الشَّعْرِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ
و روزی ده سالگان و سه را از مبعود باو روزی ده سالگان ایمان آورد از ایشان جدا
بگردان این چهار شهر باران و روزی ده سالگان آن را از مبعود باو یک سالگان ایمان آورد از ایشان جدا
وَالْيَوْمَ الْآخِرُ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأَمَّتْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ
و روز باز پسین زود خدا و یک سالگان کافر شود بهره مند گردا مثل اندک پس به بیچارگی برانم آورد از مبعود عذاب آتش
و روز قیامت گفت و کسی که کافر شود بهره مندی گردا مثل اندکی باز ناچارش گردد از او ایوبی عذاب آتش
وَبَشِّرِ الصَّادِقِينَ ۵ وَإِذْ يَقُولُ ابْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدُ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ إِنَّمَا جَعَلَهُ
و دس به جانی است و آنگاه که بلندی کردند ابراهیم و اسمعیل بنیاد بانی خانه را گفتند ای سرور و کار ما
و پدر مریخ است و یاد کن آنگاه که بلندی کرد ابراهیم بنیاد بانی خانه را گفتند ای سرور و کار ما
تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۶ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ
قبول کن از ما هر آینه کوئی نیک شنودا نا اے پروردگار ما و یکن مارا فرمان پرورد خودت و
بپذیر از ما هر آینه کوئی نیک شنودا نا اے پروردگار ما بگردان مارا فرمان پران بخود و
مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ ۷ وَإِنَّا نَمُودُكَ وَتَبَّ عَلَيْنَا حَاقُكَ
از اولاد ما یک گروهی فرمان بر بخود و بنای مارا مناسک مارا (قواعد) و بیست و گوید مارا هر آینه کوئی
أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۸ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ
کوئی باز آینه مهربان اے پروردگار ما بفرست در میان ایشان پیغمبری از ایشان بخواند بر ایشان آیه تو
بپذیرد تو به مهربان اے پروردگار ما بفرست در میان ایشان پیغمبری از ایشان که بخواند بر ایشان آیه تو
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۹ وَمَنْ
و بیاموزد ایشان را کتاب و علم و پاک کند ایشان را هر آینه کوئی توانا دانا و درست که
و بیاموزد ایشان را کتاب و علم و پاک کند ایشان را هر آینه کوئی بسیار قالب بسیار با حکمت و حکمت
يُغْنِي عَنْهُمْ كَذَلِكَ إِنْ هُمْ يُسَبِّحُونَ ۱۰ وَإِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْمِ مَا لَكَ
رو بگرداند از کتب ابراهیم مگر آنکه در حق او گفت نفس خود را و هر آینه بر کز بدیم او را درین سر اے
که باز گردد از بدین ابراهیم مگر آنکه به حاکم گفت خود را و هر آینه بر کز بدیم او را درین سر اے
وَأَنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۱۱ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْمِ مَا لَكَ
و هر آینه او در سر اے دیگر از صالحان است آنگاه که گفت او را پروردگار او که مقادیر گفت مقادیر شد
و هر آینه او در آخرت از میان است یاد کن و حق که گفت او را پروردگار او که مقادیر گفت مقادیر شد
لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۲ وَوَصَّي بِهَآءِ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَنْبِيُّ إِنَّ اللَّهَ صَفَّ
مر پروردگار عالم را و وصیت کرد باین که ابراهیم پسران خود را و یعقوب پسران خود را اے فرزندان من هر آینه
به پروردگار عالمیان و وصیت کرد باین که ابراهیم پسران خود را و یعقوب پسران خود را اے فرزندان من هر آینه
لَكُمْ الدِّينُ فَلَا تَنُفِرُوا مِنْهُ ۱۳ وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۱۴ أَفَكُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ
برای شما این دین را پس از این جهان میسرید مگر مسلمان شده ایا حاضر بودید آنگاه که پیش آمد
برای شما این دین را پس میسرید مگر ما یک شما مسلمانان باشید ایا شما بودید حاضر آنگاه که پیش آمد
يَعْقُوبُ السُّوتِ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي ۱۵ قَالَوا نَعْبُدُ
یعقوب را موت آنگاه که گفت فرزندان خود را چه چیز را عبادت خواهید کرد بعد از من گفتند عبادت کنیم
لیم را مرگ بوقی گفت به فرزندان خود که را می پرستید اید از من گفتند می پرستیم
إِلَهُكَ وَالْهَآءِ آبَاؤُكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَالْحَآءِ هَآءِ وَنَحْنُ لَهُ
معبود ترا و معبود پدران ترا که ابراهیم و اسمعیل و اسحق اند عبادت کنیم آن معبود و یگانه را و ما او را
معبود ترا و معبود پدران ترا که ابراهیم و اسمعیل و اسحق اند معبود و یگانه را و ما برای او
یعقوب علیه السلام فرزندان خود را به پیرویت وصیت کرده و بی چنانچه از آیت ما بعد ثابت می گردد آنها را در حق می گویند -

عالم یعنی دین اور
 ۱۲ م ترجم گوید
 چون آنحضرت صلی الله
 علیه وسلم به مدینه هجرت
 فرمود شانزده ماه یا
 سبعة ماه بطون
 بیت المقدس نماز
 می گذارد و آرزو میکرد
 که خدا اشتاقی بکند را
 قبله و سازد خدای
 تعالی نازل شود قدرتی
 تعالی آنرا بزرگان
 جواب شبهه سفارین
 مسئله نازل کرد
 سیقول السهرا
 و بعد از آن امر فرمود
 به صبر بر مشاق جهاد
 و در بسیار از احکام
 تو میزد و قصاص می فرج
 و صوم و صدقه و نهج
 و طلاق که اهل طاعت
 تحریف کرده و دنیای
 رعایت الضائق می
 کردند میان حقیقت
 حال فرمود و در مواظبات
 شبهات می ایستاد کرد
 و سوالهای ایشان
 را جواب داد و اهل حق
 سبقت می نمودند تا
 آخر اسم تراوی لذتین
 فرمود و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 عهده سبکامیکه یعقوب
 وصیت نموده شامو
 نبوده و در باره
 متابعت ملت
 پیغمبر این موصوف
 ارشاد نموده بود اما
 شما چنان کردید که
 پیغمبر را بگریان
 برانگیختی باشند نصرا
 گفتند جز ما دیگران
 بر دین حق
 نیستند
 ازین جهت هر دو
 به ذریع حق رسالت
 مخالف شده اند این بود آخری شما

مسیحون ۳ تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا
 مقادیم این گروه است که در گذشت و راست آنچه کردند و شمار است آنچه کردید و شما
 مقادیم آن گروهی بودند که بر تحقیق گذشتند آنهارا راست آنچه کردند و شمار است آنچه کردید و
 تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ۵ وَقَالُوا كُنَّا هُودًا اَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ
 پرسیده خوانید شد از آنچه آن گروه می کردند و گفتند شوید یهود یا ترسانان را یا میاید
 پرسیده می شوید از آنچه ایشان می کردند و گفتند شوید یهود یا نصاری تاراه یا میاید
 تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ ۶ قُلْ لَوْ اَنَّ اُمَّةً بِاللهِ وَمَا
 بلکه بروی می گویم بملت ابراهیم که عقیقت بود و نمود از اهل بشر
 هرگز نمی باشد بروی می گویم ملت ابراهیم را که (حقیقت) یک جهت بود و نمود از مشرکان بگویند ایمان آوردیم بخدا و آنچه
 اَنْزَلَ الْيَنَّا وَمَا اَنْزَلَ اِلَى اِبْرَاهِيمَ وَاسْمَعِيلَ ۷ اسْحَقَ وَيَعْقُوبَ وَالْاَسْبَاطَ
 فرود آورده شد بسوی ما و آنچه فرود آورده شد بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و ذریت یعقوب
 فرود آورده شده بسوی ما و آنچه فرود آورده شده بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اولاد یعقوب
 وَمَا اَوْتَىٰ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا اَوْتَىٰ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا تَفْرُقَ بَيْنَ اَحَدٍ
 و آنچه داده شد موسی و عیسی و آنچه داده شد پیغمبران از پروردگار خویش تفريق نمی کنی بین هیچکس
 و آنچه داده شده موسی و عیسی را و آنچه داده شده دیگر پیغمبران را از جانب پروردگارشان تفريق نمی کنی در میان هیچ یک
 مِنْهُمْ وَخُنَّ لَهُمْ مَسَلُون ۸ قُلْ اَمَّا بَشَرٌ مَّا امْنَتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَىٰ
 از ایشان و ما برای حق عزوجل منقادیم پس اگر ماورد دارند اهل کتاب آنچه ماورد داشتند شما پس راه یافتند و
 از ایشان و ما به پروردگار منقادیم پس اگر ایمان بیارند وندشید شما ایمان آوردید به آن هر آینه هدایت یافتند
 اِنْ تَوَلَّوْا فَانْتَبِهُوا ۹ فَبَشِّرْهُمْ بِاللهِ ۱۰ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
 اگر برگردانند پس جز این نیست که ایشان در مخالفت اند پس زود باشد که کفایت کند خدا با شما تمام لواحق شما و دست غلظت ادا
 اگر برگردانند پس جز این نیست که ایشان در خلاف اند پس کفایت کند خدا از شما ایشان خدا و او نیک شنوا داناست
 صِبْغَةَ اللهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللهِ صِبْغَةً ۱۱ وَخُنَّ لَهُ عَبْدٌ ۱۲ قُلْ
 قبول کردیم رنگ خدا را و کیست بهتر از خدا با اعتبار رنگ و ما و او را پرستند گاییم
 قبول کردیم رنگ خدا را و کیست بهتر از خدا با اعتبار رنگ (دین) و ما و او را پرستند گاییم
 اَتَا جَوْنًا فِي اللهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۱۳ وَلَنَا اَعْمَالُكُمْ اَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ
 آیا ما بره می کنید با ما و رب خدا و او پروردگار ما و شماست و ما راست کردار ما و شما راست کرده اید باشد
 آیا شما همه می کنید با ما و رب خدا حال آنکه او پروردگار ما و پروردگار شماست و ما راست کرده اید ما و شماست کرده اید
 لَهُ خُلَاصُونَ ۱۴ اَمْ تَقُولُونَ اِنَّ اِبْرَاهِيمَ وَاسْمَعِيلَ وَاسْحَقَ وَيَعْقُوبَ وَ
 او را با خلاص پرستند گاییم آیا می گویند که هر آینه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و
 یا و مخلصانیم (موصدان) آیا می گویند که هر آینه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و
 الْاَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا اَوْ نَصَارَى قُلْ اَنْتُمْ اَعْلَمُ اَوِ اللهُ وَمَنْ ظَلَمَ مِنْكُمْ ثُمَّ
 بنیگان او یهود بودند یا ترسانان بودند بگو شما دانایانید یا خدا و کیست ستمکار تر از کسی که بیورش
 اولاده او بودند یهود یا نصاری بگو آیا شما دانایانید یا خدا و کیست ستمکار تر از کسی که بیورش
 شِمَادَةٌ عِنْدَهُ مِنَ اللهِ وَمَا اللهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۱۵ تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ
 آن گویای را که نزد اوست از جانب خدا و نیست خدا بی خبر از آنچه می کنید این گروه است که در گذشت
 شما را می که نزد او ثابت است از جانب خدا و نیست خدا بی خبر از آنچه می کنید این گروه است که در گذشت
 لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تَتَّبِعُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۶
 و راست آنچه کردند و شمار است آنچه کردید و پیغمبر خوانید شد از آنچه ایشان می کردند و
 ایشان راست آنچه کردند و شمار است آنچه کردید و پیغمبر خوانید شد از آنچه ایشان می کردند و

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ

دل خواهند گفت بجهلان از مردم چه چیز بر گردانید ایشان را

عَنْ قِبَلِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهِمْ قُلْ اللَّهُ الشَّرِيقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ

ازان قبله که ایشان بودند بران یعنی از بیت المقدس بخو خدا راست مشرق و مغرب راه می نماید هر کرا

يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا

خواهد بسوی راه راست و هم چنین ساختیم شما را گروهی میانه تا گواه

شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ

باشید بر مردمان و تا باشد رسول گواه بر شما و مقرر نکردیم آن قبله را

الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ

که بودی بران یعنی بیت المقدس را مگر برای آنکه بدانیم که را که پیروی میکنند خدا ازان کس که باز گردد بر سرود یا نشاند

وَأَنْ كُنْتَ لَكِبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا

و هر آینه هست این خصیلت دشوار مگر بر آنانی که راه نموده است خدا و خدا صانع نیست گردانیدن ایشان را

إِنْ أَلَّفَ اللَّهُ بِالنَّاسِ لِرُءُوفٍ رَحِيمٍ قَدْ تَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ

هر آینه خدا بر مردمان بخشنده مهربان است تحقیق می بینی گشتن روئے تو در جانب آسمان

فَلَنُؤْيِيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ

پس بر آئینه می گردانیم ترا بان قبله که دوست داری آن را پس بگردان رخسار تو سوی مسجد حرام و هر جا که

كُنْتُمْ قَوْمًا أَوْ جُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ

باشید که پس متوجه گردانید روی بآن خویش را بطرف و س و هر آینه این کتاب میدانند که این

الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ وَلِلَّذِينَ آمَنُوا

راست است از پروردگار ایشان و نیست خدا بجهل از آنچه می کنند و قسم است اگر بیاری نزد (مومنان) این

الْكِتَابِ بِكُلِّ آيَةٍ وَتَابِعُوا قِبَلَتهَا وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبَلَتهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ

کتاب هر نشانه هرگز پیروی نکنند قبله ترا و بیستی تو پیروی نکنند قبله ایشان را و تابعت بعضی ایشان پیروی نکنند

قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ

قبله بعض دیگر را اگر تو پیروی کنی خواهش بآن نفسانی ایشان را بعد آنچه آمده است بتو از دانش

أَنْتَ إِذَ الَّذِينَ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْكِتَابِ يَعْرِفُونَهُ كَمَا

هر آینه تو باشی انکار از ستمگران کسانیکه داده ایم ایشان را کتاب می شناسند و می دانند

بِرَأْسِهِمْ كَمَا يُحْكُمُ اللَّهُ فِي شَأْنِهِمْ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا

دل چون آنحضرت
صلی اللہ علیہ وسلم
بجست فرموده نشانزد
ماه یا هفته او بطرف
بیت المقدس نشاند
میگردانید و از روی کرد
که خدا می خواهد که
قبله و سازد خدای
تعالی نازل کرد و فرست
قلب را تا بیدار ازان
جواب شبهه سفار و برین
مسئله نازل کرد سيقول
السفهاء لجدان ان
فرمود بصیر بر شق
جهاد و در بسیار
از احکام توحید و قصه
و حج و معی و مدینه و
نوح و طلاق که اهل
جانبیت تحریف کرده
بودند باریکات انصاف
میگردانید باین حقیقت
حال فرمود و رد و الهی
شبهات می لطیف کرد
سوال بآن ایشان
را جواب داد و این
سیاق جمله است تا الم
ترالی التین حر جواب
و کذا یعنی آنچه در سابق
علم الی مقدر شد گفت
که قبله است محمد مصطفی
صلی اللہ علیہ وسلم
باشد و توجیه بر بیت المقدس
یک چند بار گفت
امتحان است ۲۰
یعنی توجیه نزل
استقبال کعبه ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه فانه است
وسط یعنی امت معتدل
بدان سبب خوانند
چون شده اند که ایشان
را بر ای می باشند
چون که شایسته می
دانند و ان نیست
از هر گونه افراط
تفریط پاک می باشد

والمعنى حقيقة
استقبال كعبه
من مخرج مكة
وغيره من مكة
است كما است
الذي السليل
يبدأوا به
تعليم كعبه
نوحا تحفرت
صل الله عليه
بوجه حجت باهر
است برصدق
بنوت تحفرت
علم نرديك
اجاد يهود
سفار يهود
لحق كند كند
ابن كند كند
اعلم فتح الرحمن
تفسير عثمان
عاشي محمد كند
آزرواني كند
كتاب تسليم شوند
كه كعبه مسلماني
است وديگران را
نيز اشتباه يفتكند
تار بنوت موعود تو
شكي بائي نماند
آزرو ميري كند
چه اهل كتاب
ترا نسب قبيله
مولد مسكن مع
شكل صورت
هر گونه وصف ما
چگونه اي تر
اميدانند و ترا
بايقين ۲۵
وهدون اشتباه
پيغمبر موعود مي شناسند
و در اين امر ياري كند
تا نل و تردوي نمانند
چنانكه و لاخوشن
راعي شناسند بعضي
حق و يقين را آشكار
مي سازند و مري ياري
و دانسته آرزو نمائين
مي دارند از گمراهان

يَعْرِفُونَ آبَاءَهُمْ وَإِنْ فِي رِيقَاتِهِمْ كَيْدُ مَنْ أَحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ
مي شناسند از پدرانشان را و هر آينه گريه از ايشان مي پيوشند حق را دانسته
مي شناسند فرزندان خود را به نيت و هر آينه گريه از ايشان بر حقيقت پاهان مي كند خدا و ايشان مي دانند
أَحَقَّ مِنْ رَيْبِكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُسْتَارِينَ ۱ وَلَا تَكُنْ وَجْهًا يُمَوَّلُهَا
اين درست است از پيرو و دگر تو پس مباش از ايشان آرندگان و هر كس را جلبي هست كه و ستوجه آنست و
آنگاه تو براني حق است از جانب پيرو و دگر تو پس همچو مباش از ايشان آرندگان و هر كس را جلبي هست كه و ستوجه آنست و
فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۲ أَلَمْ نَأْتِ بَكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا لَمَّا نَزَّلْنَا اللَّهُ عَلَى كُلِّ
پس مشتاق كنيد بسوي مني يا هر جا كه باشيد بهار دشمارا خدا جمع ساخته هر آينه خدا بر همه
پس بشتابيد به جانب نيكوي يا هر جا كه باشيد از دشمارا خدا همه هر آينه خدا
شَقَى قَدِيرٌ ۳ وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۴
پس تو انا است و هر جا كه روي پس متوجه كن روي خود را جانب مسجد حرام و
چيز تو انا است و از هر جا كه بيرون روي پس بگردان روي خود را جانب مسجد حرام و
إِنَّهُ لِلْحَقِّ مِنَ رَبِّكَ ۵ وَاللَّهُ يَغْفِلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۶ وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ
هر آينه و ست راست است از پيرو و دگر تو و نيت خدا بے خبر از ايشان مي كند و هر جا كه روي
هر آينه آن (گردان روي) بے خبر حق است از طرف پيرو و دگر تو و نيت الله بے خبر از ايشان مي كند و از هر جا كه
فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۴ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ
پس متوجه كن روي خود را جانب مسجد حرام و هر جا كه باشيد پس متوجه كنيد روي خويش را جانب و ست
پس بگردان روي خود را طرف مسجد حرام و هر جا كه باشيد پس بگردانيد روي خود را طرف آن
لَعَلَّكُمْ يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ ۷ وَلَا تَحْشَوْهُمْ
تا نباشد مردمان را الزام بر شما مگر آنكه ستم كردند از اين جماعت پس مترسيد از ايشان
تا نباشد مردمان را بر شما حجت (اعتراض) مگر آنكه ستم كردند از ايشان پس مترسيد از اعتراضاتشان
وَاحْشَوْنِي ۸ وَلَا تَمْنُنِمْ عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۹ كَسَا أَرْسَلْنَا
و مترسيد از من و تا تمام كنم نعمت خود را بر شما و تا ياد كنم راه يا بديدن چنانكه فرستاديم
و مترسيد از من و تا تمام كنم نعمت خويش را بر شما و تا شمارا راه يا بديدن چنانكه فرستاديم
فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
پيغمبر ميري در ميان شما از قوم شما ميخواند بر شما آيت هاي ما و پاكي مي سازد شمارا و مي آموزد شمارا كتاب و علم
در ميان شما رسولي از شما ميخواند بر شما آيت هاي ما و پاكي مي سازد شمارا (از اخلاق و زودي) تعليمي و ده شمارا كتاب
و يُعَلِّمُكُمُ الْقُرْآنَ ۱۰ فَاذْكُرُونِي اذْكُرْتُمْ ۱۱ وَاشْكُرُوا لِي ۱۲
وي آموزد شمارا آيه مني دانسته پس ياد كنيد مرا تا ياد كنم شمارا و سپاس گوئيد مرا و
و تعليم مي ده شمارا آيه مني دانسته پس ياد كنيد مرا تا ياد كنم شمارا و شكر كنيد مرا
لَا تَكْفُرُونَ ۱۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ۱۴
يا سپاسي من كنيد اسے مسلمانان مدد جوئيد در تحمل كوشش و صبر و نماز و هر آينه
يا سپاسي نمايد اي كسانيكه ايمان آورده ايد ياري خواهم به صبر و نماز هر آينه
اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ۱۵ وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ ۱۶
خدا با صابران است و گوئيد كس را كه كشته شود در راه خدا كه ايشان مردگانند
خدا با صابران است و گوئيد كس را كه كشته شود در راه خدا كه مردگانند
بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ ۱۷ وَلَسَبُّوكمُ بَشْرًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۱۸
بله ايشان زنده اند وليكن ايشان را كه مي شناسيد و هر آينه بيازماييم شمارا بخشي از ترس
بله ايشان زنده اند وليكن ايشان را كه مي شناسيد و هر آينه بيازماييم شمارا بخشي از ترس و
مي دارند از گمراهان ايشان بخشي ساخته مي شود سخن حق آن است كه از جانب خدا و دگر تو آمده چه اهل كتاب بپذيرند و چه اهل كفارت كنند از مخالفت آنها با حق متوجه باشيد

الْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ

گرسنگی و نقصان مالها و جانها و میوهها و ثمرات ده صابران را
گرسنگی و کمی از مالها و جانها و میوهها و خورده ده صابران را

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۝ أُولَٰئِكَ

آنانیکه چون برسد بدیشان سخت گویند بر آنکه ما از آن خدا ایم و بر آنکه ما بسوی او باز خواهیم گردید اینان
آنانیکه چون برسد ایشان را مصیبت گویند بر آنکه ما برای خدا ایم و بر آنکه ما بسوی او رجوع کنیم اینان کرده

عَلَيْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ۝ إِنَّ

بر ایشان است درود و باز برود و گار ایشان و بخشایش و ایثارند راه یافتگان و
بر ایشان است عنایت از جانب پروردگارشان و مهربانی و این گروه ایشان راه یافتگانند بر آینه

الْصَّافِ الْمُرَوِّعَةِ مِنْ شَعَارِ اللَّهِ ۚ فَمَنْ حَبَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَصَرَ فَلَا

در مرده از ایشان بایست خداست پس هر که بچ خانه کند یا عمره بخارد
مضامره از نشانهای خداست پس هر که (نقد) کند خانه عبادی را یا عمره بخارد پس

جَنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ۝

پرویش بر اوست و آنکه طواف کند در میان این هر دو و هر که نیکی بخا آورد پس خدا قبول کننده داناست
نمای نیست بر روی که طواف کند بر هر دو و هر که طوع و رغبت بخیشد عمل نیکی بخا آورد پس بر آنکه خدا از او پندیده است بر طاعت

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مَا أَتَوْا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّ لِلنَّاسِ

بر آنکه آنانیکه می پوشند آنچه فرود آورده ایم از سخنان روشن و هدایت بر آنانیکه بیان کردیم آخر برای مردمان
بر آنکه آنانیکه می پوشند آنچه را که فرستادیم از آیات ظاهر و روشنی از آن بعد آشکار کردیم آخر برای مردمان

فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعُونَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا

در کتاب آن گروه لعنت می کند ایشان را خدا و لعنت می کند ایشان را لعنت کنندگان مگر آنیکه توبه کردند
در کتاب آن گروه لعنت می کند ایشان را خدا و لعنت می کند ایشان را لعنت کنندگان مگر آنیکه توبه کردند

وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّا فَاوَلَٰئِكَ أَثُوبٌ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝

و نیکی کاری بر ایشان گردانیده ایم آن گروه نیکوکاران باز می گردم بر ایشان و منم باز گردنده مهربان
و اصلاح کردند معاصد خود را و بیان کردند آنچه را می پوشیدند پس آن گروه توبه کردند اینان را من پندیده توبه ام

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ ۖ أَُولَٰئِكَ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ

بر آنکه آنانیکه کافر شدند و کافر مردند آن گروه بر ایشان است لعنت خدا و
بر آنکه آنانیکه کافر شدند و مردند در جای که کافر بودند آن گروه بر ایشان لعنت الله است و

الْمَلَكَةُ وَالنَّاسُ أَجْمَعِينَ ۝ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَخْفَىٰ عَنْهُمْ

فرشتگان و مردمان همه یکی همیشه باشند در آن لعنت مکن کرده نشود از ایشان
فرشتگان و مردم همه همیشه باشند در لعنت (یا انفس) سبکی شود از ایشان

الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ ۝ وَاللَّهُمَّ إِلَهَ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند و معبود شما خدا یگانه است نیست هیچ معبود جز او
عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند و معبود شما معبود یگانه است نیست هیچ معبودی جز او (و اولئک)

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۝ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَخِلْقِ الْبَلَدِ

بخشاینده مهربان است بر آنکه در آفرینش آسمانها و زمین آمده شد
نهایت بخشاینده بسیار مهربان است بر آنکه در آفرینش آسمانها و زمین

وَالنَّهَارِ وَالْفَلَاحِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا

در روز و آن غمی که می رود در دریا یا آنچه سود می دهد مردم را یعنی بخارات و ده آنکه
در روز و کلمات یا یک (گرفته) می رود در دریا یا آنچه سود می دهد مردم را و آنچه

فتح الرحمن
ولا بعض الی سلام
عفا و مرده را از
شمار مرده است
توان کرده از این است
باز و انشد پس نازل
شد این آیه ۱۲
تفسیر عثمان
عمره از این مرد
بیمه داشت نیز می بود
تصدیق رسالت حضرت
پیغمبر را که در تورات
بود و پیشگویی که در
تورات نسبت به
تحویل قبله و در شرف
نهایی می کردند
علاوه بر میوه تمام
آن کسی که علم الهی
را برای اغراض دنیوی
اختلاف کند در حکم این
آیه داخلند و لعنت
کنندگان
عبادت در جنیان
مردمان و فرشتگان
همه شایسته ذی روح
زیر این آیه بر روی
حق برده می شوند
کیفر حرام ایشان
در سر تا سرستی خط و
و عام می شود و حق
بجودان و مجادین
صد می رسد
بر آنان لعنت می کنند
مع اگر نسبت
حق پوشی آنها بچند
مردم بود که گاهی
گردان شدند اما
چون از اخلاقی حق
بعد توبه کردند و
آنها کاملاً آشکار
اختلاف بجای
لعنت بر آنها
درعت می فرستیم
زیرا ما تواب
در عظیم

وَلَا يَهْتَدُونَ ۝ وَمِثْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمِثْلِ الَّذِينَ يَنْتَحِقُونَ بِمَا

در راه نمی یابند و داستان پند دادن کافران مانند حال کسی است که بابتک میزند آن چیز را که

را نداشتند و مثال آنانکه دعوت می کنند کافران را مانند حال کسی است که بابتک میزند آن چیز را که

لَا يَسْمَعُونَ إِلَّا دُعَاءَ وَنِدَاءَ ۝ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۝

نمی شنود مگر بی ادبانه خواندن و آواز بلند کردن کافران که آنرا نمی شنوند و آنرا نمی شنوند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَلِمَاتٍ طَيِّبَاتٍ مَا رَفَعْنَا عَنْكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ

ای کسانی که ایمان آورده اید بخورید از چیزهای پاکیزه و حلال پاکیزه روزی دادیم شما را و سپاس گوید خدا را

إِن كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ۝ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ

اگر او را می پرستید جز این نیست که حرام کرده است بر شما مردار و خون را و

لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ ۝ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا

گوشت خوک را و آنچه آواز بلند کرده شود در ذبح و غیر خدا پس هر که بیچاره شود نه لایق کند و نه

عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۝ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝

از حد در گذشته پس گناه نیست بر او و هر آینه خدا آمرزنده مهربان است و هر آینه کسی که بیچاره شود

مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ ۝ وَإِذَا قُلْتُ لِلَّهِ شُكْرٌ ۝

آنچه فرود آورده است خدا از کتاب و می ستانند عرض ده بهای اندک آن جماعه

مَا بَاكُونَ فِي بَطُونِهِمْ إِلَّا النَّارُ ۝ لَا يَكْفُرُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۝

نمی خورند در شکم های خود مگر آتش را و سخن نگویند بایشان خدا روز قیامت و

لَا يَزِيدُهُمْ ۝ وَهُمْ عَذَابُ الْيَمِّ ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا

نه پاد کندی ایشان را و ایشان راست عذاب و دمه منده ایشانند آنانکه خرید کردند

الضَّلَّةَ بِالْهُدَى ۝ وَالْعَذَابُ بِالْمَغْفِرَةِ ۝ فَمَا أَصْبَرَهُمْ

گمراهی را بر هدایت و عذاب را بر عفو و عذاب را بر عفو و عذاب را بر عفو

عَلَى النَّارِ ۝ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ ۝ وَإِنَّ الَّذِينَ

بر دوزخ این همه بسبب آنست که خدا فرود آورد کتاب را بر راستی و هر آینه آنانکه

اِخْتَفَوْا فِي الْكِتَابِ لَقِيَ شِقَاقَ بَعِيدٍ ۝ لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا

اختلاف کردند در آن کتاب هر آینه در مخالفت دور از حق نیست تنها نیکوکاری که بجز دایند

وَجْهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ۝ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ

رو به خوردا لطف مشرق و مغرب و لیکن صاحب نیکوکاری آنست که باور دارد و

رُحَىٰ خَوْلَاهُ ۝ وَهُوَ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۝ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ

رو بهای خویش را جانب مشرق و مغرب و لیکن (یعنی عظیم شکی نیست) که ایمان آورد

فتح الرحمن
وَلَا يَهْتَدُونَ
وَمِثْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا
لَا يَسْمَعُونَ إِلَّا دُعَاءَ وَنِدَاءَ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
إِن كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ
لَحْمَ الْخِنْزِيرِ
عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ
مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ
وَأِذَا قُلْتُ لِلَّهِ شُكْرٌ
لَا يَزِيدُهُمْ
وَهُمْ عَذَابُ الْيَمِّ
أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا
الضَّلَّةَ بِالْهُدَى
وَالْعَذَابُ بِالْمَغْفِرَةِ
فَمَا أَصْبَرَهُمْ
عَلَى النَّارِ
ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ
نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
وَإِنَّ الَّذِينَ
اِخْتَفَوْا فِي الْكِتَابِ
لَقِيَ شِقَاقَ بَعِيدٍ
لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا
وَجْهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ
وَالْمَغْرِبِ
وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ
رُحَىٰ خَوْلَاهُ
وَهُوَ الْمَشْرِقُ
وَالْمَغْرِبُ
وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ

تکبر گویند که این حیوانات مردار و حرام است مگر ماهی و بلع که حکم حدیث مستثنی و حلال است

صل متروک گوید ظاهر
نزدیک این نزد است
که سوال کردند از شهر
چ که سوال ذیقده و
روز از وی ایچ باشد
که آیا جع وقت است
که آنها یانه و یکی از تحفه
جالبیت آن بود که در
حالت احرام از پاکی
دور جسد و یا از نقب
دیوار گذشته بخاندی
آمدند از راه دروازه
نمی آمدند پس نازل
شد این آیت ۱۲ و
یعنی تا مردمان احرام
جمع نهند در آنها ۱۲
فتح الرحمن ۱۲ یعنی
در مقابل او قتل جائز

است ۱۲
تفسیر عثمانی
ع چون در آیت
اول ذکر جع بود و
این حکم نیز جع مربوط
است در بین جاه
بیان شد بعضی
علماء بر آنست که
مراد از کلمه اهل
در این آیت ظاهر
ماه های جع از سوال
ذیقده ده شب
ذی الحجه است که
احرام جع در آن ماه
می باشد مردم از
حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و سلم پرسیدند که جع
خاص در این ایام
است یا در روزهای
دیگر نیز جع می توان کرد
خداوند جواب آنها
گفت که برای ادای
رج ماه های جع مقدر شده
و باین مناسبت گفتند
ادخال خانه بهادر
اشای احرام ذکر کرده
از این احکام واضح
گردید که امر مجامعی را
از طرف خود نیک پنداشتن و از راه اعلی دین قرار دادن مذموم بلکه مخلوق است چنانچه از این ابدعت مذموم بودن بسیار چیزها معلوم میشود

عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ
دانشست خدا که شما خیانت می کردید در حق خویشانتان پس مهربانی باز گشت بر شما و در گذشت از شما
فَالَّذِينَ بَايَعُوا مِنْهُمْ وَابْتَغُوا مَالَهُمْ لِيُرْسِلُوا إِلَيْهِمُ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ
پس ای کسانی که با آنها پیمان بستید و طلب کردید از آنها ماله را تا بفرستند به سوی شما آنرا فاسقین است
يَتَبَيَّنُ لَكُمْ الْغَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْغَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَبَيَّنُوا
روشن شود بر شما سفید از رسته سیاه مراد از رسته سفید پستان است پس اذان می نامند
أَشَارَ رُشْدُكُمْ تَارَ سَفِيدٍ مِنْ تَارِ سَبَاحٍ مِنْ مَسْجِدٍ
آشاره شود بشما تار سفید از تار سیاه از صبح باز تمام کنید
الضَّيْمَ إِلَى الْيَمِّ وَلَا تَبَاطُحُوا بِهِمْ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسْجِدِ
روزه را تا شب و مساس نکنید زنان را در حالیکه معتكف باشند در مسجد
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا هَؤُلَاءِ بِمَا عَصَوْا اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الرِّجْسُ الْأَوْفَى
اینها را نهیات خداست پس نزدیک نشوید با آنها همچنین بیان می کند خدا آیت های خود را بر این مردمان
لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۵ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذْكُرُوا
تا پند گیرید که گری کنند و بخورید اموال خویش را بباطل و مرسانند
شاید ایشان پند گیرند و بخورید مال های یک دگرستان را در بین خود بباطل و مرسانند
يَا أَيُّهَا الْحُكَّامُ لَا تَكُونُوا فَرِيقًا مِمَّنْ أَمْوَالُ النَّاسِ بِالْأَثَرِ وَأَنْتُمْ
اموال خود را حکامان یعنی بر ستوت تا بخورید پاره از اموال مردم
أَنْزَاهُمْ سَوِيَّ حُكْمًا تَأْكُلُهَا كَمَا تَأْكُلُهَا مَالُ بَنِي إِسْرَءِيلَ يَوْمَئِذٍ
آنها را سوی حکمان تا بخورید یک حصه از مال های مردم به ستم (ناحق) و شما
تَعْلَمُونَ ۶ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ فِي الْبُيُوتِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحُجَّةِ
دانشست می پرسند ترا از سبب اختلاف ماه یا بجو این اوقات مقدرات برای مردم و برای حج
و ليس البُيُوتُ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبُيُوتَ الْأَقْدَمَ
و نیست بیگو کاری آنکه در آید در خانه ها و در حالت احرام از پس پشت آنها و لیکن صاحب بیگو کاری آنست که بیگزارد
و نیست شکونی این که در آید در خانه ها از پشت های آن و لیکن شکونی آنست که کسی از خدا بترسد
وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۷ وَقَاتِلُوا فِي
و در آید در خانه ها از راه دروازه ها و خدا کنید از خدا تا با شکستار شود و جنگ کنید و در
و در آید در خانه ها از راه دروازه های آن و بترسید از خدا تا کامیاب شوید و جهاد جنگ کنید و در
سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ
راه خدا با آنکه جنگ می کنند با شما و از حد بگذرید بر آنچه خدا دوست میدارد از حد گذرندگان را
راه خدا با آنکه جنگ می کنند با شما و از حد بگذرید بر آنچه خدا دوست ندارد از حد گذرندگان را
وَاتَّقُوا اللَّهَ حَيْثُ تَقِفُونَ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمْ وَالْقُتْلَ
و بکشید مشرکان را هر جا که بیابید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند شما یعنی از هر جا که بیرون
و بکشید ایشان را هر جا که بیابید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند شما و از حد گذرندگان را
أَشِدُّوا عَلَى الْقِتَالِ وَلَا تَقْتُلُوا هِمَّ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقْتُلَكُمْ
سخت تر است از قتل و کارزار نکنید با ایشان نزدیک مسجد حرام تا آنکه کارزار کنند با شما در آن جا
سخت تر از قتل و قتل نکنید با ایشان در نزد مسجد حرام تا آنکه قتل کنند با شما در آن جا

از طرف خود نیک پنداشتن و از راه اعلی دین قرار دادن مذموم بلکه مخلوق است چنانچه از این ابدعت مذموم بودن بسیار چیزها معلوم میشود

فَإِنْ تَنَادَوْكُمْ فَقَاتِلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ۝ فَإِنْ اتَّبَعْتُمْ اللَّهَ

پس اگر چاہے کہ ہم اسے کہیں کہیں سے سنا ہے کہ کافران پس اگر باز آئند پس ہر آئند خدا
پس اگر چاہے کہ ہم اسے کہیں کہیں سے سنا ہے کہ کافران پس اگر باز آئند (پس) ہر آئند خدا

عَفْوٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾ وَقَتْلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونُوا فِتْنَةً وَيَكُفَّ عَنِّي اللَّهُ

از رنده مهربان است و بکشد یا ایشان نا آنگه نابود شود شرک و بتود دین محض برائے خدا
بسیار آمد زنده مهربان است و جنگ (جهاد) کشید یا ایشان نا آنگه شکست باقی ماند فساد (شرک) و با ستود دین (طاعت)

فَإِنْ أَنْتُمْ لَا عِدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ۝ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ

پس اگر بار مالدن است پس نیست و داری مگر بر ستمکاران
پس اگر باز آید از مناد شرک پس نیست تجاوز مگر بر ستمکاران

الْحَرَامِ وَالْحَرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ

حرام است و یزدی یا بایک دیگر عوض می شود پس هر که تعدی کند بر شیعیان پس دست درازی کند بدو
حرام است و حرمت پایا بحد کمرسا و بند (ریس) کند تعدی کند بر شیعیان (در حد) تجاوز کند بدو

بِمَثَلِ مَا عَتَدَى عَلَيْكُمْ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

مانند دست درازی و بر شما و خدای گنبد از خدا و بداند که خدا با پرستش کاروان است
مانند آنچه تقدی کرده بر شما و برسد از خدا و بداند که خدا با پرستش کاروان است

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تَتَّقُوا مَا يَصِفُ إِلَى اللَّهِ عِلْمَ اللَّهِ وَاحْسِنُوا

دخرب گنبد در	راه خدا و میفکند	خویشتر را بسوخته پلانت وینو کاری کند
دخرب گنبد در	راه خدا و میفکند	خدا مارا در ملاک

ان الله يحب المحسنين ٤ وايتوا الحكة والعمة لله وان احصوا

برای آنکه خدا دوستی دارد و نیکی کاران را اول و تمام بکند و عفو را بر ابرای خدا پس اگر بار داشته شود بلامانع

ستس من الهدى والحقائق وسلك حبل الهدى

سهل باشد از قربانی و تراشید سر باشد خود را تا آنکه برسد قربانی

فصل في معرفة احوال الناس في الدنيا والآخرة

بجایش و پس هر که باشد از شما بیمار یا اورار بخشد در سیر او و پس لازم است عوض آن از

در این کتاب که در این کتابخانه است

روزہ یا عیدتہ یا قربانی پس چوں ایمن شد بد پس هر که سپهر در شد بسپاس انے عمر و تادقن

فصل در بیان سبب و اثر

سئل یاشد از قریبانی پس چه که نیاید پس لازم است روزی ده غنیمت سه روز در وقت و بی وقت روزی

پایه (پس) سید یا پیر (پس) لارم است ز دوره پیر و سه دور در ایام حج و معیت دور

فیکر باز گردید از سفر این یک ده تمام است این حکم آن راست گزینان کلیله و سبب باشند

ی که با کردید این ده روز کامل است این حکم برای سببست که بپاشد این وی بپاشد ندگان

چند حرام و حلال که خدا و پدائمه که خدا حجت عفویت است و

محمد حرام و برسد از خدا و دید ایند که هر آنچه خدا

هنگامی که این میخانه ترک جہاد و امسال مال و دراه آن سوار است و دو زن بیست و دو ساله آن را بر و منہ و دیر می گوید

و لا یحیی از سرشک ۳۴
 و لا حاصل این آیات
 آنست که در مسجد حرام
 و در حجر حرام ایستاد
 بقتل بنیاد کرد و چون
 کفران ابتدا کند در
 مقابلہ ایشان باید
 جنگ کردن که این حتی
 با جریمت مسجد و شهر
 نزاع ندارد چنانکه
 اجزاء کشتن مسلمان
 در دست نیست و اگر
 خون ناحق ریخته باشد
 بقصاص میتوان کشت
 و فقها باین سبب قتل
 نکردند که اناست
 جریان که بعد فتح مکہ
 بودی نیست
 و الله اعلم ۱۲
 و لا یحیی از سرشک ۳۴
 و لا حاصل این آیات
 آنست که در مسجد حرام
 و در حجر حرام ایستاد
 بقتل بنیاد کرد و چون
 کفران ابتدا کند در
 مقابلہ ایشان باید
 جنگ کردن که این حتی
 با جریمت مسجد و شهر
 نزاع ندارد چنانکه
 اجزاء کشتن مسلمان
 در دست نیست و اگر
 خون ناحق ریخته باشد
 بقصاص میتوان کشت
 و فقها باین سبب قتل
 نکردند که اناست
 جریان که بعد فتح مکہ
 بودی نیست
 و الله اعلم ۱۲
 و لا یحیی از سرشک ۳۴
 و لا حاصل این آیات
 آنست که در مسجد حرام
 و در حجر حرام ایستاد
 بقتل بنیاد کرد و چون
 کفران ابتدا کند در
 مقابلہ ایشان باید
 جنگ کردن که این حتی
 با جریمت مسجد و شهر
 نزاع ندارد چنانکه
 اجزاء کشتن مسلمان
 در دست نیست و اگر
 خون ناحق ریخته باشد
 بقصاص میتوان کشت
 و فقها باین سبب قتل
 نکردند که اناست
 جریان که بعد فتح مکہ
 بودی نیست
 و الله اعلم ۱۲

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قُلُوبِهِ وَهُوَ اللَّهُ الْخَصَّامُ ۝۱۰

در باب زندگانی دنیا و گواهی خدا بر آنچه در دل و پند است حال آنکه او سخت ترین سزندگان است و چون زیاده در باره زندگانی دنیا و گواهی بخدا بر آنچه در دل او است حال آنکه او سخت ترین سزندگان است و چنین

تَوَلَّى سَعْيَ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۚ وَاللَّهُ

پیدا کند بشاید در زمین تا نبای کند و آنچه را بپای سازد و زراعت و موات را و خدا از پیش تو باز گردد و دیده می رود و زمین تا فساد کند و در آن و هلاک کند کشت و هلاک را و الله

لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ۝۱۱ وَإِذْ أَيْدِي اللَّهِ أَتَتْكَ الْخِزْيَانَةُ بَالًا لِّمُحْسِنِهِ

دوست ندارد تباه کاری را و چون محقق شود او را خبر کن از خدا حق کندش عجب بر گناه پس کفایت کننده و دے دوست ندارد فساد را و چون گفته شود او را خبر از خدا بر آنچه اندازد و عجب بر گناه پس کافی است او را

جَهَنَّمَ وَلِبَاسٌ أَلْمَاسٌ ۝۱۲ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ

دوزخ است و پیرایه و لباس است و از مردمان کسی هست که میفروشد خویش را برای طلب دوزخ و پیرایه بر کس است (دوزخ) و بعضی از مردمان کسیت میفروشند نفس خود را برای طلب

مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ دَعَوُفٌ بِالْعِبَادِ ۝۱۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا

رضامندی خدا و خدا مهربان است بر بندگان اے کسانی که ایمان آوردید در آئید رضای الله و الله بسیار مهربان است بر بندگان اے مومنان در آئید

فِي السَّلَامِ ۚ قُلْ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۝۱۴

با سلام هر یک جا و و پیروی کنید طمطمه شیطانی را هر آینه او شما را دشمن آشکارا هست در اسلام پوره و کنید پیروی (نقش) قدم های شیطانی را هر آینه او شما را دشمن آشکارا

فَإِنْ زُلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

پس اگر لغزیدید بعد از آنکه آمد بشما سخنان روشن پس بدانید که خدا غالب است پس اگر بلغزید بعد از آنکه رسیده بشما احکام (حجت های) روشن پس بدانید هر آینه خدا غالب

حَكِيمٌ ۝۱۵ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَ

و اناست انتظار نمی کنند اهل عصیان عجز نکره بیاید ایشان خدا یعنی بگوید عذاب او در سایه ها از ابر و با حکمت است انتظار نمی کنند مگر این را که بیاید ایشان الله (امر خدا) در سایه ها با از ابر

الْمَلَكَةِ وَفُضِيَ الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ جَعَلَ الْأُمُورَ سَلْبًا بِبَنِي إِسْرَءِيلَ

بیانید فرشتگان و با تمام رسانیده شود کار و بسوی خدا باز گردانیده شوند کارها پس از بنی اسرائیل فرشتگان و با تمام رسانیده شود کار و بسوی خدا باز گردانیده شوند کارها پس از بنی اسرائیل

كَمْ أَتَيْنَهُمُ مِنْ آيَاتٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ

چقدر دادیم ایشانرا از نشانه ها روشن و هر که بدل کند نعمت خدا را پس از آنکه بیاید بوسی یعنی کفر پیش برود تا نعمت مفقود شود پس هر آینه چقدر دادیم ایشانرا از نشانه ها روشن و هر که بدل کند نعمت الله را بعد از آنکه رسیده آن نعمت او را پس هر آینه

اللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝۱۶ زَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيسْحَرُونَ مِنْ

خدا سخت عقوبت است آراسته کرده شده است کافران را زندگانی این جهان و سحر می کنند با خدا سخت است عقوبت او زینت داده شده برای کسانی که کافر شدند زندگانی دنیا و سحر می کنند

الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ

فل یعنی در اصول مختلف می شوند ۱۲ فل یعنی پیش از آمدن هر بیخبر باشد متفق بودند با یکدیگر در دین از اختلاف نداشتند ۱۲ لقب عثمانی علی الف کافران با احکام روشن الهی و غیر آن و که در وقت ذکر شده باین علت است که محبت دنیا و عیش و آسایش آن در نظر بای آنها آنقدر جای گرفته است که در مقابل به رنج و آسایش آخرت التفاتی نمایند بالعکس بمسلمانان که با دای و طبعه خویش مصروف و با ندیده آخرت مشغول و در تعلیل احکام خدا متعجبند تسخر میکنند و مسلمانان را بخوار و ذلیل می شمارند پس اینگونه احکام که پیروان بخواهد زندگان بوسند چگونه مقبول اند ۹ احکام الهی را بجا آورده و ساری مشرکین بروقت که بطلان عباد و صییب و فقرای مهربان رضی الله عنهم را در حال بی لوائی و تهیدستی مشاهده می کردند می دیدند که در آن بی لوائی و تهیدستی در راه حقیقت میگو شد به آینه تسخر نگاه می کردند و می گفتند این بی تابان بامید آخرت ریخته اند مصایب دنیا را

بر خویش گوارانموده و در صلی الله علیه و سلم را پیغمبر که میخوابد به امداد این مردم بیخوابی محتاج نا توان بر سر دران عرب نیروزی حاصل کند و سر تا سر دینار اصفی بخوابد

فل یمنی بر بنده از
بندها که خدا را
باشد و بر او اذوا
خدا که می باشد
است از مشرک و مشرک
والله اعلم ۱۲
یعنی غسل بجا آرند ۱۲
و یعنی به صفت پاک
که جامع کننده باشد
غلطانده و از پس
پشت و غیر آن بود
از آنکه در قیل باشد
و یعنی سوگند برای
موقوف کردن کاری
جائز نیست و
یعنی لا اله الا الله
والله بفرصه گوید
غلطانده سوگند
خود علی اختلاف
المذاهب و الله اعلم
۱۲
۱۲
که جامع نکند ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه حیض خوانی است
که بر حسب عادت از
دم زن جاری میشود
در حال حیض - جماع
ناز - روزه - حرام است
خونیکه بر خلاف عادت
از زن جاری میشود
بیاری است در احتیاط
این خون جماع - ناز
روژه همه درست است
زیرا این خون حالت
که از رگ و قعد جاری
شود پیوسته و مجوس
در حال حیض یا زنان
یک ماه خوردن و در
یک خانه بودن را
نیز جائز نمی شمردند
انصارای از جماع
هم بر بزرگی کردند
مردم درین باره از
حضرت پیغمبر پرسیدند
این آیه که مکرر فرود
آمد حضرت پیغمبر
و این فرموده اند که در حال

حَتَّى يَوْمِنَا وَلَعِبَدٌ مِّنْ خَيْرٍ مِّنْ مُّشْرِكٍ ۚ وَ لَوْ اَعْجَبَكُمْ ؕ وَلَئِنْ
تا آنکه ایمان آرند یعنی زمان مومنان و بر آید بنده مسلمان بهتر است از مشرک اگر چه بدگفت آورده باشد شمار اول گروه مشرکان
تا آنکه ایمان آرند و البته غلام مسلمان بهتر است از مشرک و اگر چه به شکفت کرده شمارا آن گروه
يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ۚ وَاللّٰهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ
مخواتند بسوی دوزخ و خدا میخواند بسوی بهشت و بسوی آمزش بقدرت خود و بیان می کند
دعوت می نمایند بسوی آتش و خدا می طلبد بسوی بهشت و به آمزش حکم خود و بیان می کند احکام
اَيُّهَا النَّاسُ لَعَلَّكُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ
آیتهاست خود را برای مردمان تا باشد که پند پذیر شوند و سوال می کنند ترا از حیض
خود را بمردم تا ایشان پند گیرند و می پرسند ترا از حکم حیض
قُلْ هُوَ أَذًى فَأَعِزُّوا نَفْسَكُمْ فِي الْمَحِيضِ ۚ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى
بگو که وے نجاست است پس یکسو شوید از زنان در حال حیض و نزدیکی کنید با ایشان تا آنکه
بگو آن نجاست است پس کناره گیرید از جماع زنان در وقت حیض و نزدیک مشغول ایشان را تا آنکه
يَطْهُرْنَ ۚ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللّٰهُ ۚ إِنَّ اللّٰهَ
پاک شوند پس چهل نیک پاک شوند پس نزدیکی کنید با ایشان از آن راه که مباح کرده است شمارا یعنی از جانب قبل از آنکه
پاک شوند پس و قنیکه خوب پاک شوند پس برود نزد ایشان از آن جانبیکه حکم کرده است الله بر آنیکه الله
يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ۝ نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ
دوست می دارد تو که بکنندگان را و دوست می دارد تو که بکنندگان را از نجاست زنان شمارا کشت زار نمایند پس بیایند
دوست می دارد تو که بکنندگان را و دوست می دارد تو که بکنندگان را از نجاست زنان شمارا کشت زار نمایند پس بیایند
حَرْثُكُمْ أَنِّي نَسِيتُكُمْ زَوْقًا مِّمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا
به کشت زار خویش بر روش که خواهید و پیش فرسید یعنی اعمال صالحه را برای خویش و بر رسید از خدا و بدانند
کشت زار خود را بهر کیفی که خواهید پیش فرسید اعمال صالحه را برای خودتان و بر رسید از الله و بدانند که
أَنْتُمْ مَّا قَوْهٌ ۚ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَلَا تَجْعَلُوا لِلّٰهِ عُرْضَةً
که شمارا بایستی ملاقات خواهید کرد و بشارت ده مسلمانان را و مکنید نام خدا را و مثال
بر آنیکه شمارا ملاقات کننده آید او را بشارت ده مومنان را و مکرر نمایند خدا را بدت
لَا يَسْأَلُكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلُّوا وَتُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَتُحِبُّوا اللَّهَ وَرَبَّهُ ۚ وَلِلّٰهِ
برای سوگندان خویش برای اجتناب از آنکه بخواری کنید بهر بزرگاری نماید و صلاح آید در میان مردمان و خدا شمارا
به سوگند بای خود برای اجتناب از آنکه بخواری کنید بهر بزرگاری نماید و صلاح آید در میان مردم و الله بینو شمارا
عَلَيْكُمْ ۚ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللّٰهُ بِالْغُفْوَةِ اَيِّمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ
و اناست و مای بخورده نمی کند شمارا خدا به پیوسته گوئی در سوگند بای شمارا و مکن مواخذه می کند
و اناست نمی کرد شمارا الله به تنو در سوگند بای شمارا و لیکن می کرد شمارا به آن سوگند بای
بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ ۚ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ
با آنچه که قصد کرده است و بای شمارا و خدا آمرزنده بود با راست - مرا نکسان را که ایلامی کنند از زنان خویش و
که قصد کرده است دل بای شمارا و الله نیک آمرزگار و بکرده با راست - مرا نکسانی را که سوگندی خوردند از نزدیکی یا زنان خود
تَرَبُّصًا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَإِنْ عَزَمُوا
انتظار کردن چهار ماه است پس اگر باز نشنید یعنی ازین سوگند پس بر آید خدا آمرزنده مهربان است و اگر قصد کردند
انتظار کشیدن چهار ماه است پس اگر باز نشنید پس بر آید الله نیک آمرزگار مهربان است و اگر قصد کردند
الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ
جدائی را پس بر آید خدا شنوا داناست و آن زنان که طلاق داده شد ایشان را انتظار سه حیض یا
طلاق را پس بر آید الله نیک شنوا داناست و زنانیکه طلاق شده اند انتظار کشند به نفس بای خود

بوده باش کردن به جائزی باشد افراط بود و تغریظ نصاری برود مرده و قرار داده شده

ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَجِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكُنَّ مِنْ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ أَنْ

دو روز قیامت و شش روز از آن روز باز پسین

كُنَّ يَوْمَئِذٍ مِنَ اللَّهِ وَالْيَوْمَ الْآخِرُ وَبَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ

و شش روز از آن روز باز پسین و شش روز از آن روز باز پسین

أَنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ

اگر خواهند نیکوکاری و زنان را هست مانند این

بِرِّجَالٍ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ١٠ الطَّلَاقُ مَرَّتَيْنِ

بر مردان را بر زنان فضیلت است و الله غالب یا حکمت است

فَامْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا

پس از آن یا نگه داشتن است یا تسریع یا با کرمی و حلال نیست شمارا که بگیری به چیزها از آنچه

تَنفِقُونَ هُنَّ شَعِيرٌ إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ

داده اید زن را و اگر نگاه که بترسد مرد و زن که بر پا نماند است احکام خدا را پس اگر ترسیدای مسلمانان

أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ

اگر ترسید که بر پا نماند این هر دو احکام خدا را پس گناه نیست بر ایشان در آنچه عوض خود داد زن این

حُدُودَ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُ وَهَاءُ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ

خدا را مقرر کرده خدا است پس بیرون مرد یا زن از آنجا هر که بیرون رود از حدود خدا پس آن گروه ایشانند

الظَّالِمُونَ ١١ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا

استغفار (پس) اگر طلاق داد یعنی سوم بار پس هرگز حلال نمیشود این زن آن مرد را بعد از این تا نکاح نکند زن شوهر

غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا أَنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا

و اگر طلاق داد و در حد و این شوهر و زن پس گناه نیست بر آن مرد و زن که باز گردند به نکاح با هم اگر بدانند که بر پا نماند است

حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ١٢ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ

احکام خدا را و این حدود خدا است بیان می کند آن حدود را برای قومی که می دانند و طلاق دادید

النِّسَاءَ قَبْلَ أَنْ يَجْلُوَ هُنَّ فَمَسْكُوهُنَّ فَمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَحَوْهُنَّ

زنان را پس رسیدن به حد و این شوهر و زن پس نگاه دارید ایشان را یا بکشید ایشان را

بِمَعْرُوفٍ وَلَا تَمْسِكُوهُنَّ خِيَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ

و نگاه ندارید ایشان را برای ضرر رسانیدن تا ستم کنید و هر که این کند

بِمَعْرُوفٍ وَلَا تَمْسِكُوهُنَّ خِيَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ

و نگاه ندارید ایشان را برای ضرر رسانیدن تا ستم کنید و هر که این کند

فَخَالِ لِي زَنَانِ رَا
بر مردان حق است
چنانچه مردان را از زنان
حق است ١٢ و
یعنی حلال نیست که
بدل طلاق از مهر بگیرد
و یعنی در معاشرت
و یعنی نزدیک سید
باقضا عدت ١٢
تفسیر عثمانی
ع پیش از اسلام
ردان بود مردان
هر قدر که میخواهند
و بیست مرتبه زنان
خویش را طلاق میدادند
و قبل از انقضای عده
عدت رجوع می کردند
باز به نیکویی خواسته
طلاق دادند و رجعت
می نمودند باین روش
نقض مردان زنان را
سخت می آوردند و در
نتیجه این آیت کریمه
تا زنی طلاق دادی که
در آن رجعت جائز
است تمام آن دورتیه
می باشد مردان را
نادور مرتبه اختیار داده
شده که اگر در آشنای
عدت بخوانند می توانند
بر حسب دستور زن
را نگهدارند یا با حسان
رجعت دهند اما بعد
از انقضای عده رجعت
رجعت بجای نماند اگر
هر دو رضی باشند می
توانند دوباره نکاح
کنند مردی که زن خود
را سه مرتبه طلاق دهد
تا شوهر دیگر با زن
نکاح نکند و حاکم
مردانی باشد مانند
مردان مساکین معروف
تسریع با حسان
آفت که اگر مرد

فَتَبَيَّنَ لِي مَوَاقِفُ وَحَنِّ مَعَارِفَتِ بَاشْتَمَةِ أَكْثَرِ زَنَانٍ وَحَسْبُ دَارِندِ أَزَادِ نَهْ چنانچه در چین مردم معمول بود که چنانچه زن را به آسانی و احترام رجعت دهد -

ما لعن من مشقة
شد ۱۲ یعنی با
شوهران دیگر که با ایشان
دعوت پیدا کرده اند
تفسیر عثمانی
عزیز را شوهرش
یک یا دو مرتبه طلاق
داده و در
دعوت رجعت
نگرفته بود
زمانیکه دعوت با تمام
رسیده شوهر سابق را
تیز بار حال دیگر بام
نکاح داده و زن با او
راضی شده اما مردش
برافروخته گردیده از
نکاح بازداشت باز
آن این حکم نازل
گردید که رضای شوهر
زن را در عایت قاضی
و موافق رضای او
نکاح کنند و در عین
معاذ نکر و عدم رضای
خود را داخل نگذارند
این حقایق عمومی
است باز دارندگان
نکاح خواه شوهر طلاق
دهنده زن باشند که
زن را از نکاح دیگری
بازدارد یا دلی یا وار
زن یا شهادت از آن نکاح
گرون یا شوهر اول یا
دیگری منع نماید این
حکم برای محافظت تمام
آنها فرود آمد بلی اگر
کدام امری خلاف
قاعده باشد مثلاً
زن از کسی شوهر
کنند که کفو او نباشد
یا در ایام طلاق
اول یا دلی یا نکاحی
ناید پیشگاه مالیت
حق دارند مقصد از
کلام بالمعروف بین
امت عامه احکامیکه
ذکر شد تنها مومنان
اند آن پند می گیرند زیرا ایشان

فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ ۖ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا ۚ وَرَادُّكُمْ اللَّهُ
پس هر آینه ستم کرده بر خود و مگر به آیه های خدا را
پس هر آینه ستم کرده بر خودش و مگر به
حکام الهی را مسخره و یاد کنید نعمت خدا را
عَلَيْكُمْ ۚ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ الْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ
بر خویش و آنچه فرود آورده بر شما از کتاب و علم که پند میدهد به شما را بآن و بترسید از خدا
که بر شماست و آنچه فرود فرستاد بر شما از کتاب و علم که پند می دهد به شما را بآن و بترسید از الله
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ
و بدانید که خدا بهر چیز داناست و چون طلاق دادید زنان را پس رسیدند
و بدانید که هر آینه الله بهر چیز داناست و هنگامیکه طلاق دادید زنان را (پس) رسیدند
أَحْصَهُنَّ فَلَا تَعْصِلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُنَّ
و محاسبه خود را پس منع نکنید ایشان را از آنکه نکاح کنند با شوهران خویش و قطع نکنید بایک دیگر راضی شدند
به طهارت دعوت شان (پس) منع نکنید ایشان را که نکاح کنند شوهران شان را و قطع نکنید راضی باشند در میان خود
بالمعروف ۚ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
در میان خویش بر روش پسندیده این حکم پند داده میشود بآن هر کسی را که مومن باشد از شما بگذازد و در
موافق دستور (بوجه پسندیده) علی این پند داده می شود به آنکه (باشد) از شما ایمان دارد به الله و روز
الْآخِرَةِ ۚ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝
قیامت و این کار خوشتر است شما را پاینده تر و خدای دانند و شما نمیدانید
قیامت علی این کار نافع تر است شما و پاسر و الله می داند و شما نمیدانید
وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ مِنْ أَرْدَانٍ يَتِيمِ
و مادران باید که شیر دهند فرزندان خویش را دو سال تمام این حکم آن راست که خواهد تمام کردن
و مادران شیر دهند فرزندان شان را دو سال کامل برای کسی که خواهد تمام کند
الرِّضَاعَةُ ۖ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ
مدت شیر و بر پدر نفقه و پوشاک این زنان شمرده است بوجه پسندیده واجب
مدت شیر دادن را و بر کسی که فرزند زاده شده برای او یعنی برای پدر طعام زن مرخص و لباس زن مرخص است موافق قاعده (اگر)
تَكَلَّفَ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ يَوْلَدِهَا وَلَا مَوْلُودُهُ لَهُ
کراهی شود و بر هیچ کس الا قدر توانائی او رنج نباید داد مادر را بسبب فرزند و نه پدر را
حقیقت داده می شود کسی را مگر بقدر توانائیش ضرر رسانیده نشود مادر به جهت فرزندش و نه کسی را ک طفل برای او زاده شده در پدر
يَوْلَدُهَا ۚ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ ۚ فَإِنْ أَرَادَا فِصَا لَا عَنْ
بسبب فرزند و نه لازم است برومی مانند این پس اگر خواهند مادر و پدر از شیر باز کردن یعنی پیش از دو سال بعد
به جهت فرزندش و بر وارث است مانند این پس اگر داد و پدر خواستند حیاتی طفل را از شیر دو سال بعد
تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ
رضامندی میان یکدیگر مشورت کردن بایکدیگر پس گناه نیست بر ایشان اگر خواهند که
از خود رسندی با هم و مقرر کردن با هم و مگر پس نیست هیچ گنای بر آن و اگر خواستند که
تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا اتَّيْتُمْ
دایه گیرید برای فرزندان خویش پس هیچ گناه نیست بر شما چون تمام تسلیم نمودید آنچه داده امش مقرر کردید
دایه گیرید جهت شیر دادن فرزندان خود پس نیست هیچ گنای بر شما چون تسلیم نمودید آنچه مقرر کردید و دادن آنرا
بالمعروف ۚ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝
بمخوش خوئی و بترسید از خدا و بدانید که خدا با آنچه می کنید بینا است
موافق قاعده (بوجه پسندیده) و بترسید از الله و بدانید که سر آینه الله به آنچه می کنید بینا است

از آن پند می گیرند زیرا ایشان اختصاص ندارد از این اختصاص مومنان نعمت مرز نش و تحقیق و یکران نیز

وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَرْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِمْ

وَسَائِرُ كَمَنْ يَمُرُّونَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَرْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِمْ

أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغَ أَجَلَ هُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيهَا

فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ يَهْدِي لِمَنْ يَشَاءُ خَيْرًا

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا عَرَضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْتُمْتُمْ

فِي أَنْفُسِكُمْ عِلْمَ اللَّهِ أَنْتُمْ سَتَدْرِكُوهُنَّ وَلَكِنْ لَا تَوَاعِدُوهُنَّ

سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْرُضُوا عَقْدَةَ النِّكَاحِ

حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجْلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ

فَأَحْذَرُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً

وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدَرَهُ مَتَاعًا

بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ

قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا

فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بَيْنَهُمَا عَقْدَةُ النِّكَاحِ

فلا یعنی مهر را
فلا یعنی به شک به مهر را
تفسیر عثمانی
عنه قصد زن است
زنانیکه از نكاح طهر
جدا شده اند ما دایمیکه
داخل عدّه باشند جایز
نیست که دیگری آنها را
در نكاح خویش در آورده
یا از آنها عرصه داده
از دواج بگیرد یا دواج
بایشان در موضوع
از دواج بپایان فرستد
اما اگر کسی در دل نیت
می کند که بعد از انفکاک
عدت بادی نکاح می
نماید و این را اظهار
نمی کند و با مطلب خود
را اشاره می نماید تا
دیگری پیش دستی نکند
مختلف بین برساند که تو
محبوب و لهاستی و یا من
اراده دارم که باکدام
کسی نکاح می نمایم در
اظهار این گویند و بخوان
بجای گنای نیست بشریکه
۱۳ اینجام مرتع نباشد
عنه یعنی حق تعالی بر
تجارت شما آگاه است آنچه
را چنانکه نیست اراده
کنید و اگر اراده نمودید
توبه نمائید خدا بخشنده
و آمرزگار است گناه
کاری که گرفتار عذاب
نمی شود شمار این نیکوخت
و اطمینان نشود و پراخدا
جلیم است در تزلزل
عذاب تشابه می ورزد
سه نكاحی که بدون ذکر
مهر انعقاد یابد صحیح است
مهر بعد از عقد نیز مقدر
می شود و این صورت
اگر قبل از جماعت و
خلوت صحیح طلاق واقع
شود مهر بر مرد لازم نمی
آید - اما اگر بعد از

والمترجم گوید این
آیت نزد یک جمیع مفسرین
است بآیه اربعه اشهر
عشره الله اعلم
والمترجم گوید این
قوله از غی اسرارین
بودند که از ترس با بصیر
رفتند و آنجا بقتضای
یکدیگر هلاک شدند باز
بدعا خرقیل زندگانی
یافتند و الله اعلم
تفسیر عثمانی
عبره که شایسته
یازد شری ترسید تا گوی
پلوه در حالیکه قوف
نمکن باشد و در حال
سواری و با شاره هم
می تواند نماز خواند اگر چه
روی شایسته قبل نباشد
عنه این حکم در امارت
بود و اما و تفسیر آیت
میراث خود آمد و حصر
زنان معین گردید و الله
زن چهار ماه و ده روز
قوله داده شد حکم این
آیت خروج گردید و الله
اگر این زنان برضای
خویش بپوشیدند
یکسال از خانه
خارج خوشای
و از آن درین باب
بر شایسته نیست اگر
آنها در حق خود مطلق
شرع را بقتضای
توانند شوهر کنند یا بای
زنی بپوشند و خوشی
استعمال نمایند و الله
در آیت سابقه تفسیر
حکم لباس دادن و باره
آن طلاق آمده است که
نه هرگز نشسته باشد
و نه زوجه مس کرده
باشد و این آیت حکم
ذکر عادت گرامین
قد فرق است که لباس
کامل و او را در بهر زمان
مطلقه مستحب است و در صورت اول ضروری باشد.

وَأَنْ تَعْقُوا أَقْرَبَ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ

و آنکه در گذاردید نزد یک تراست به پند هر گاری و فراموش کنید احسان کردن و رحمان خویش بر آینه خدا
و آنکه به پند شما نزد یک تراست به پند هر گاری و فراموش کنید شوقی را در میان خود بر آینه الله

بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ

بما عملی کنید بینا است تعید کنید بر همه نمازها و بر نماز میانی خصوصاً بر نماز عصر
به آنچه می کنید نیک بینا است آگاه باشید (و در آری کنید) بر همه نمازها و نماز میانه

وَقَوْمُوا إِلَهِ قَتِيلَيْنِ ۝ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرَجَلًا أَوْ كَبُوءًا فَرَاذًا

و بالمستید بر آنکه خدا را بفرار کرده پس اگر ترسیدید یعنی از عدوه مانند آن پس روان بر پا بماند خود نماز گزارید یا سواره پس بپوش
و بالمستید محصور اند فرار نکرده گان پس اگر ترسیدید از کسی پس پیاده نماز بخوانید یا سواره پس و تفسیر

أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ۝

ا مین شوی پس یاد کنید خدا را چنانکه آموخته است شما را آنچه نمی دانستید
این شوی پس یاد کنید الله را چنانچه آموخته است شما را آنچه نمی دانستید

وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ

و آنانکه قبح روح ایشان کرده شود از شما و بگذاردند زنان را لازم کرده شد بر ایشان وصیت کردن بر آنکه زنان خویش
و کسانیکه می میرند از شما و می گذارند زنان را لازم کرده شد بر ایشان وصیت کردن برای زنان شان

مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ ۝ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

تا آنکه بپایان رساند ایشان را تا یکسال خبر بر آوردن یعنی بپوشیدن پس اگر بیرون روند پس گناه نیست
تفسیر تا یکسال خبر بیرون کردن از خانه عده پس اگر بیرون شوند زنان پس نیست و گناه نیست

فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ ۝ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝

در آنچه کردند در حق خویششان از کار پسندیده یعنی نکاح بطور شرع و خدا غالب استوار کار است و الله
در آنچه کردند در حق خود از کار پسندیده و الله غالب با حکمت است

لِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِمَا سَعَوْا ۝ وَالْمَعْرُوفُ ۝ حَقَّاعِلِ الْمُتَّقِينَ ۝ كَذَلِكَ

طلاق داده شد گنا لازم است بیرون رفتن و ساعی بپوشیدن یعنی نفقه و سکنی لازم کرده شد بر پسران گاران همچنین
و برای زنان طلاق داده شده نفقه عادت است موافق قاعده و پسندیده لازم است بر پدران گاران و الله

يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ

بیان می کند خدا برای شما احکام خود را تا یاد کنید که شما تعقلید
بیان می کند الله برای شما احکام خود را تا شما تعقلید

خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ ۝ فَقَالَ

بیرون آمدند از خانه های خود و آنها هزاران بودند از بیم مرگ پس گفت
بیرون شد از خانه های خویش و ایشان هزاران تن بودند از بیم مرگ پس گفت

لَهُمُ اللَّهُ مَوْتُوا فَمِنْ أَهْلِهَا هُمْ أَهْلُهَا ۝ ثُمَّ أَحْيَاهُمْ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى

ایشان را خدا میبرد باز زنده گردانید ایشان را بر آنچه خدا صاحب بخشایش است
بایشان خدا میبرد باز زنده گردانید ایشان را بر آنچه الله دارا بخشایش است

النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۝ وَقَاتِلُوا فِي

مردمان و لیکن اکثر ایشان سپاس نمی کنند و جنگ کنید و
مردم و لیکن بیشتر مردم شکر نمی کنند و جنگ کنید و

سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ مَنْ ذَا الَّذِي

راه خدا و بدانید که خدا شنوا و داناست کیست آنکه
راه خدا و بدانید که هر آنچه خدا نیک شنوا و داناست کیست آنکه

و در آن سه صد و
سیزده تن که مقابل
جالت صف آرستند
حضرت داود و
با پدر و شش
برادر خود شویست
داشت داود و
در راه به سه پاره
سنگ تصادف
نمود سنگها صد کوفه
مار را بر درازا جالت
را بکشید چون دو لشکر
مقابل یکدیگر ایستادند
جالت میدان دادند
و گفت من تنها هستم
بسته ام بیایین حضرت
اشوبی و حضرت
داود عار خواست
گفت پسران خویش
را بمن بیا - و یکش
پس خود را که بلند بالا
و قوی مثل یهود بود
نمود جز داود را که کوتاه
قد و ناتوان بود و
گوشتن را می
چراغ اشوبی را
داود را طلب کرد
و بر سیدی توانی
جالت را بکشی بوی
داواری - داود و
در مقابل جالت
ایستاد و همان سه
قطعه سنگ را در
فلاخن نهاده جالت
را در کرد جالت را
در آیین غرق بود جز
پیشانی وی که بریده
بود سنگهای داود
مستقیم به پیشانی
وی اصابت کرد و
از تنهایش پدید آمد
لشکرانش به زمین
رفتند و همانان را
خود گردیدند پس
ازین و اقرطالوت
و حضرت خویش را به
داود عار داد و چون

وَالْأَخْرُونَ تَحْمِلُهَا السَّمَكَةُ طَائِفٌ فِي ذَلِكَ لَا يَكُنْ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
و آل هارون بر می دارند او را فرشتگان
و آل هارون می برد آن صندوق را فرشتگان
مُؤْمِنِينَ فَلَمَّا قُضِيَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ
درانده اید پس چون جدا شد یعنی از من طالوت با شکر با گفت بر آئینه خدا آزمایش کننده است شمارا
موسسان پس چون برآمد طالوت با شکر با گفت بر آئینه خدا آزمایش کننده است شمارا
بَشْرًا فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي
بخونی پس هر که بخورد از آن جوئی پس نیست از آن من و هر که نجوشت آن را پس او از آن من است
بهری پس هر که بخورد از این نه پس نیست از من و هر که نجوشت آنرا پس بر آئینه او از من است
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا يَكُنْ لَكُمْ غُرُبَةٌ يُومِ الْيَوْمِ وَكَانَ سَعْدُ الْيَوْمِ
الا آخر برادر و یک گفت آب بدست خود پس آشامی وند از آن جوئی مگر آنکه از ایشان پس آنکه
مگر کسی که برادر و یک گفت آب بدست خود پس لوستند بمر از آن نه مگر آنکه از ایشان پس و قتیکه
جَاوِزَةٌ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ لَقَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ
گذشتند از جوئی طالوت و مومنان همراه او گفتند نوشندگان نیست توانائی ما را امروز
گذشت از جوئی طالوت و مومنان همراه وی گفتند نیست توانائی ما امروز
بِجَاوِزَةٍ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقُوا اللَّهَ لَا كَم
بقابل جالت و لشکر بائی او گفتند آنکه می دانستند که ایشان ملاقات خواهند کرد با خدا
بقابل جالت و لشکر بائی او گفت آنکه می دانستند که ایشان ملاقات کنندگان اندامه الله بسا
مَنْ فَعَلْهُ قَلِيلٌ عَلَيْهِ غَلَبَتْ فُوعَةٌ كَثِيرَةٌ يَأْذِنُ اللَّهُ طَوَّافًا
گروه اندک که غالب شد بر گروه بسیار بارادۀ خدا و خدا با
از طائف اندک که غالب می شود جماعت بسیار را بحکم الله و الله همراه
الضَّالِّينَ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَاوِزَةٍ وَجُنُودِهِ قَالُوا زَبْنَاكَ
شکستند و گریه کردند و گریه کردند بر آئینه جالت و لشکر بائی او گفتند ای پروردگار ما برین
صا بران است و چون ظاهر شدند مقابل جالت و لشکر بائی او گفتند ای پروردگار ما برین
عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أَوْدَانَنَا وَانْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
براستی کبابی و هم کن قدم بائی ما و علیه ما را بر گروه کافران
براستی کبابی و استوار دار قدم بائی ما و معده ما را بر گروه کافران
فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتْلَ دَاوُدَ جَاوِزَةً وَاتَّهَ اللَّهُ الْمَلِكَ
پس شکست دادند آن کفار را بفرستۀ خدا و قتل داود جالت را و داد خدا برین جالت و داود را باورشای
پس شکستند مومنان جالت و لشکرش را بحکم الله و قتل داود جالت را و داد خدا برین جالت و داود را باورشای
وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ
و حکمت و بیاضت او را از آنچه میخواست و اگر نمی بود دفع کردن الله مردم را بعضی شانرا
و بیاضت او را از آنچه میخواست و اگر نمی بود دفع کردن الله مردم را بعضی شانرا
بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ
بدست گروهی بر آئینه نباه شد که زمین و مین خدا صاحب بخشایش است بر عالمها
به بعضی بر آئینه نباه می شد ملک (زمین) و لیکن الله بسیار مهربان است بر عالیشان
تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ
این آیات خداست بخوانیم از آنرا بر حق و راستی و هر آئینه تو از رسولان مانی
این آیت بای الله است بخوانیم از آنرا بر حق و راستی و هر آئینه تو از رسولان مانی

و داود عار داد و چون

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى

بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَأَيُّهَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ

الْبَيِّنَاتِ وَإِنَّهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَكُلُّ شَاءِ اللَّهِ مَا أَقْتُلُ الَّذِينَ مِنْ

بَعْدِهِمْ مَنْ بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فِيهِمْ مَنْ آمَنَ

وَمَنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتُلُوا وَلَكِنْ اللَّهُ يُفَعِّلُ مَا يُرِيدُ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ مَا تَزَكُّونَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا يَفْعَلُ فِيهِ

وَلَا خَلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ ٥ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي

الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ

وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ٦

يَوْمَنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ

ما يعني جوت سما
نزل ظاهرش پس گویا
جبرکون نیست
نیز اگر چه فی الجمله
باشد و الله اعلم
تفسیر عثمانی
ع و این سوره
حضرت الهی در عبادات
و معاملات احکام کثیره
بیان فرموده که تعمیل
آنی هر نفس ناگوار
و دشوار است - اما
تسبیت به همه اعمال
مهم تار جان و دهل
مال بحث تری باشد
د اکثر احکام الهی که
آورده میشود یا بجا
تعقی دارد یا مال
آری محبت جان و
مال برادران را به
نگاه می افکند ولی
بیشتر باین دو امر مصر
چشمه گشایان است
و نجات از آن بر طاعت
را بر انسان آسان
می گرداند از این جهت
که پس از بیان این احکام
بیان قنات و اتفاق
مناسب است تا قاتلو
فی سبیل الله را
بیان اولی من الذی
یقرض الله قرضاً حسناً
بیان امر ثانی است
بعد از آن قرض طاعت
بیان اول را تاکید
فرموده و اکنون بواسطه
انفقوا مما رزقکم
تاکید شش ثانی منظور
است - چو لیب یاری
از امور عبادات و
مواظبات به اتفاق
مالی مختصر است مفصل
و می که بیان کرده شد
پیش از آنکه کون آئینده
اکثر از امر ثانی یعنی از
دلیل مال بحث میراند

فما قصده آتست که وقت عمل بین دنیا است در آن جهان اعلی که فی فو شده و حق فی دبر و کسی بشفاعت دیگری جانی یابد تا آنکه خداوند کز آن نجات دهد -

طالع بیتی مستحق
نقش راسی کرار و
کے راکہ مستحق
نیت میکشہ الماعز
و مترجم گوید آن
شخص عزیز بود
تفسیر عثمانی
مقالین شخص
حضرت عزیز بود
تمام نورات را حفظ

داشت و در میان
اسرائیلی مختصر بود
که وی پادشاهی
کاف بود و در وقت
را در ایران کرد و
از بنی اسرائیل اسرای
زیاد با خویش برده بود
عزیر چون انصارت
ربانی یافت و جانب
وطن خویش روان شد
در راه شهری ویران
و محروم نظر و را جلیب
کرد و با خود گفت خدا
چگونه ساکنان این
جای را که هر نحو مخمل
شده اند بمردن زندگان
بخشد و این شهر
ویران را آبادان نماید
روح وی و را بخافض
شود و خورشید و قاصد
سال و ران حال ماند
و کسی را بدان سو
مردن یافت و از احوال
او خبری نشد مختصر
نیز در این حال مرد
و پادشاه دیگری
بیت المقدس را
آباد کرد و آن شهر
را نیز تعمیر نمود و عزیر
بعد از صد سال جان
یافت و آن زمان او
چون سابق و برپوش
نهاده بود و خدا کرد
و استخوانها برپوشید
دو سه افتاد و در پیش
نقشه وی زنده گردانید
شد و در آن این حدس

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ اللَّهُ وَبِالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

وليعني عين يقين
 يتوهم والله اعلم ۱۲
 من اذ به ادب اسلك
 من ترجمه گويا حاصل
 اين مثل آنست كه
 عمل منان و مرقى در
 دينى كفايكه عمل
 است و در آخرت
 سبب جود شود و بجز
 نانه نميدهد چنانكه
 بر سبب خاك افتاده
 باشد و بغير چنان
 مى نمايد كه تاين نراست
 است و چون باران
 بارد مى شود و الله اعلم
 تفسير عثمان
 در اثباتى عدله
 بخوان را آردون
 و بر انماست گذشتن
 ثواب صدق را زليل
 مى كند بچنين كسى كه
 بدى گران مى نمايد و
 از اين جهت صدق بدهد
 كردم بسخاوت او
 اعتراف نمايند اين گونه
 صدق نيز توانى ندارد و
 الباطل صدق اين ارشاد
 كه او بخدا و در قيامت
 يعنى ندارد قيد و شرط
 نيست زير اصدقه در
 اثر يا باطل مى گردد
 اگر چه دهنده آن مومن
 باشد اما اين قيد را آن
 جهت افزوده شد كه
 معلوم شود رعاياى از
 ايشان مومنان بعبود
 و مناسب حال منافقان
 است عده در سابق
 ذكر شد كه مثال خيرات
 چنان است كه از يكصد
 دانه هفت صد دانه پديد
 آيد و اين آيت مى
 فرمايد كه شرط خيرات نيت
 است برك بريت بيا
 و خود نمائى خيرات كنند

لكن يطمئن قلبي قال فخذوا زينة من الطير قصه من اليك ثم اجعل
 يعني مى خواهم كه آرام گردد دل من و گفت خدا پس بگير چهار تن از پندگان پس بهم آورده و نزد يك خود بداران بگزار
 يعني مى خواهم كه آرام گردد دل من گفت پس بگير چهار تن از پندگان را پس بهم آورده و آنها را نزد يك خود پس بگذار
 على كل جبل منهم جزء ثم ادعهم ياتينك سعياء واعلم ان الله
 بر هر كوه يك پاره از ايشان
 بر هر كوه از ايشان يك پاره پس بخواه ايشان را مى آيند نزد تو شتابان و بدان بر آينه الله
 عزيز حكيم مثل الذين ينفقون اموالهم فى سبيل الله كمثل
 غالب استوار كار است صفت آنانكه خرج مى كنند اموال خود را در راه خدا مانند
 غالب با حكمت است مثال آنانكه خرج مى كنند اموالشان را در راه خدا مثال
 حبة ابلت سبع سنابل فى كل سنبلة مائة حبة والله يضاعف
 صفت يك دان است كه بر داند هفت خوشه را در هر خوشه صد دان است و خدا دو چندانى دهد
 يك دان است كه بر داند هفت خوشه بار را در هر خوشه صد دان و الله مضاعف مى كند
 لمن يشاء والله واسع عليم الذين ينفقون اموالهم فى
 بركا خواهد و خدا بجاود دانا است آنانكه خرج مى كنند اموال خود را در
 براى كسى كه خواهد و خدا بسيار بخشنده و داناست كسانكه خرج مى كنند مال هايشان را در
 سبيل الله ثم لا يتبعون ما انفقوا مما ولا اذى لهم اجرهم عند
 راه خدا باز از پى آن اتفاق نمى آرد منت نهاده و ايدار مى آيند و ايشان راست در ايشان نزد يك
 پس از پى نمى آرد آن جزى را كه نفقه كرده اند متقى و نه آزارى مرا ايشان راست ثواب ايشان نزد
 ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون قول معروف ومغفرة
 بپورده كار ايشان و نيست ترس برايشان و نه ايشان اندك بگين شوند سخن طام كفتن و در گزشتن و
 بپورده كارشان و نيست ترسى برايشان و نه ايشان غم بگين مى شوند سخن نيك بر زمي گفتن و در گزشتن
 خير من صدقة يتبعها اذى والله عني حكيم ياتيا الذين
 بهتر است از آن خيرات كز آنكه اذرى كه درون باشد خدا بى نياز بر ديار است اى
 بهتر است از آن خيرات كه در پى باشد آزار آردى و خدا بى نياز پس مخلص است اى
 امنوا لا تبطلوا صدقاتكم باليمن والاذى كالذى ينفق ماله
 مومنان تها كه نكند خيرات خود را بيمينت نهاده و آزرده كردن بچو كسيكه خرج مى كند مال خود را
 مومنان ماله كه نكند خيرات خود را بيمينت و آزار مانند آنكه خرج مى كند مال خود را
 رءاء الناس ولا يؤمن بالله واليوم الآخر فمثل صفوان
 براى نفع مومنان و ايمان ندارد بخدا و روز قيامت پس صفت او مانند صفت سنگ صافست
 براى نشان دادن بركم و ايمان نمى آورد و الله روز قيامت عه (پس) امثال آن چون مثال سنگ صاف است
 عليه رب ابل فاصابه وابل فتركه صلدا لا يقدر و ن على شئ و
 كه بر دانه ابل خاك پس رسد بپوشى باران عظيم پس گذاشت او را سخت و صاف مانده تواناى ندارد تا بلى را بر چينه انا بچ
 كه بر او باشد خاك (پس) برسد او را بارانى شديد (پس) بگذارد و آزار صاف را از گرد خاك قدرت نمى يابند بچ چيزى از آنچه
 كسبوا و الله لا يهدي القوم الكافرين ومثل الذين ينفقون
 على كردن و خدا راه نمى نمايد گروه كافران را و صفت آنانكه خرج مى كنند
 على كردن و خدا راه نمى كند گروه كافران را عه و مثال آنانكه خرج مى كنند
 اموالهم ابتغاء مرضات الله وتثيبنا من انفسهم كمثل الجنة تجري
 ما بها فليس را از جهت طلب رضاى خدا و بسبب اعتقاد ناست اذول خویش مانند صفت باغيست ممان بلند
 ما بها شان از براى طلب و رضاى خدا و براى ثبات و يعنى كه صادر شده از نفس هاى شان چنانست مانند باغى دريك بلدى
 مثل آن چنانست كه بى برسى كه بران اندكى خاك بظرفى آرد ختم افشانند بركا ميك باران باريد سنگ بلى صاف شد چون براين گونه سنگ ختم حاصل نميدهد يا كار اين را از حد فوات او توانى نصيب

فتح الرحمن
 و ما منكم من احد الا
 ان يشاء الله فانه
 من دونه من العباد
 يا ايها الذين آمنوا
 ان الله اشهد ان
 لا اله الا الله
 و ان الله اشهد ان
 محمد عبده و
 رسوله و ان الله
 اشهد ان الجنة
 هي التي وعدت
 الذين عملوا الصالحات
 و ان الله اشهد ان
 النار هي التي وعدت
 الذين عملوا السيئات
 و ان الله اشهد ان
 الساعة آتية لا ريب
 فيها و ان الله اشهد
 ان الله هو الغني
 العزيز

اَصَابَهَا وَاَبْلُ فَاَتَتْ اَكْثَها ضَعْفَيْنِ فَاِنْ لَمْ يَصْبِرْ اَوْ اَبْلُ قُطِلَ

که رسید بپای بارانی عظیم پس آورد میوه بای خود را دو چندان و اگر نمی رسید او را باران عظیم پس شصت کفایت میکرد

وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ اَيُّوْذًا حُدِّثْكُمْ اِنْ تُكُوْنُ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ

و خدا با آنچه می کنید بیناست و آیا دوست میدارد که از شما که باشد او را باغی از

تَنْجِيلٍ وَاَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ لَهُ فِيْهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ

درختان خرم و انگور می رود زیر آن چوبها می آید و در آن باران هر جنس از میوه

وَاَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّتٌ ضَعُفٌ عَنِّهٖ فَاصْبِرْ اِلَىٰ اَعْصَارِ فَيَنفَكُ بَعْدُ

در سیه باشد او را و آن سالی و باشد او را اولاد ناتوان پس درین حالت رسید آن باغ را گرد بادی که در آن آتش است

فَاَحْرَقَتْ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ الْاٰيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُوْنَ اَيُّاَيُّهَا

پس پاک سوخت همچون و آنچه می سازد خدا برای شما آیتها تا باشد که تامل کنید و ای

الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اتَّقُوا مِنْ طَبِئَتِ مَا كَسَبْتُمْ وَاِنَّمَا اَخْرَجْنَاكُمْ مِّنْ

مومنان خوار کنید ای پاکیزه با آنچه شما پیدا کردید و از پاکیزه با آنچه بیرون آوردیم برای شما

الْاَرْضِ وَلَا تَتَّبِعُوا الْاَخْبِيْثَ مِنْهُمْ تَتَّقُوْنَ وَلَسْتُمْ بِاِخْدِيْءٍ اِلَّا اَنْ

زمین و قصد کنید و پیروی از اذن خوار می کنید آن را و نیستید گمراه آن مکر و تقلید

تَعْمَلُوْا فِيْهِ وَاَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ عَنِّيْ حَمِيْدٌ الشَّيْطٰنُ يَعْزِزُكُمْ اِلَیَّكُمْ

چشم با شیطان که در گمراهی آن و بداند که خدا به نیاز ستوده است شیطان و عده میدهد به شما تکیه سستی را

وَيَا مَرْكَبٍ بِالْفُحْشَاءِ وَاللّٰهُ يَعْزِزُكُمْ اِلَیَّكُمْ وَفَضْلًا لِّقَوْلِ اللّٰهِ

و ای فرمایید به بی حیائی و خدا و عده می کند شما را از جانب خود و فضل را و اذن

وَاَسْمِعْ عَلَیْهِمْ یٰوْنِی الْحِكْمَةَ مَنْ يَّشَاءُ وَاَسْمِعْ عَلَیْهِمْ یٰوْنِی الْحِكْمَةَ فَقَدْ

جواد داناست میدهد دانش هر که خواهد و هر که داده شد او را دانش پس هر آینه

اَوْ یٰ خَیْرَ الْخَبْرِ اَلَمْ یَايْذُكُمُ الْاَوَّلُ الْاَوَّلُ الْاَوَّلُ الْاَوَّلُ الْاَوَّلُ الْاَوَّلُ

داده شد یقیناً بسیار و چند بار نمی شوند مگر خداوندان حسود و آنچه خرج کردند از

نَفَقَةٍ اَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَّذْرِ فَقَدْ اَللّٰهُ يَعْلَمُ وَمَا لِلظَّالِمِيْنَ مِنْ

خیرات و یا لازم کردهید بر خود از نذر پس هر آینه خدا میداند آنرا و نیست ستمکاران را هیچ

اَنْصَارٍ اِنْ تَبَدَّلَ الصَّدَقَاتُ فَنِعِمَّا هِيَ وَاِنْ تَحَفُّوا هَآهُنَا

یاری دهنده اگر آشکارا کنید خیرات را پس نیکی چیز است آن و اگر پنهان کنید آنرا

یَا بَنِي اٰدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ مِمَّا فِی الْبُیُوتِ وَكُلُوا وَشَرِبُوا لَا تُفْسِدُوا

ای فرزندان آدم بپوشید از زینت که در خانه ها و بخورید و بنوشید و فساد

فَعَلُوا فَاَلَمْ یَجْعَلْ لَّهِ فِتْنَةً فَاَلَمْ یَکُنْ لَّهِ اَعْلَمُ الْغٰثِ الْخَفِیِّ

و آنچه کردند و آیا نیکی نیکی نیست و آیا نیکی نیکی نیست و آیا نیکی نیکی نیست

ولا يلقى الصالح
مطلوب الى الله
ولا يلقى بسبب شغل
بجهاد كسب كردن
توانند و الله اعلم ١٣
ولا يلقى سودي كقبل
آيت تحريم گرفته باز
گروانندش لازم نيست
والله اعلم ١٤
يعني بعد از تحريم ١٣
تفسير ثنائي
عنه تا يكه حضرت
بينهم على التعليل و سلم
اصحاب خود را منع
فرموده بود كه عداقت
شان را سواي مسلمانان
ديگران ندهند و صلحت
آن بود كه ديگران به
طبع مال دين حق
رغبت نمانند بعد از
باين ثواب و قتي ناكل
بشويي كه مطلوب شما
تتمه رضاي حضرت
الهي باشد پس ايشان
ع اين آيت
ع فرموده و حكم
عام شده كه در راه
رضاي الهي بجهاد
بمال و بغير ثواب
بني آن ناكل مي گردند
مسلم و غير مسلم تفصيل
ندارد يعني يكسكه عداقت
مي دهد ضروري نيست
كه مسلمان باشد
صدقه بايد خاص بجا
رضاي خدا باشد
ع دادن صدقه
به كساني ثواب بسيار
دارد كه در راه خدا و
امور دين چندان مشغول
و مقيد باشند كه از توبه
و توبه طعام و لباس
و غيره بازماند و يكسكه
حاجت نبرند مانند
اهل صفه كه از اجواب
غيره بودند براي كوشش
كند كه بگويد قرآن و تفسير

تَوَلَّوْهُمُ الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُم مِّن سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ٥ لَيْسَ عَلَيْكُمْ هُدُوءٌ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي
مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا يُنْفِقْهُ إِلَّا ابْتِغَاءَ
وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُّوفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ٦
لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا
فِي الْأَرْضِ يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ
فِي الْأَرْضِ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ
اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ٧ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِالْإِيجِلِ وَالتَّهَارِيرِ
عَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا هُمْ يُجْرَنُونَ ٨
الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا أَلَّا يَتَخَبَّطَهُ
الشَّيْطَانُ مِنَ السَّيِّئِ ذَلِكُمُ الرِّبَا الَّذِي يَنْهَى اللَّهُ عَنِ الْإِسْوَاعِ
وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ
فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ
النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٩

توانند و الله اعلم ١٣
آيت تحريم گرفته باز
گروانندش لازم نيست
والله اعلم ١٤
يعني بعد از تحريم ١٣
تفسير ثنائي
عنه تا يكه حضرت
بينهم على التعليل و سلم
اصحاب خود را منع
فرموده بود كه عداقت
شان را سواي مسلمانان
ديگران ندهند و صلحت
آن بود كه ديگران به
طبع مال دين حق
رغبت نمانند بعد از
باين ثواب و قتي ناكل
بشويي كه مطلوب شما
تتمه رضاي حضرت
الهي باشد پس ايشان
ع اين آيت
ع فرموده و حكم
عام شده كه در راه
رضاي الهي بجهاد
بمال و بغير ثواب
بني آن ناكل مي گردند
مسلم و غير مسلم تفصيل
ندارد يعني يكسكه عداقت
مي دهد ضروري نيست
كه مسلمان باشد
صدقه بايد خاص بجا
رضاي خدا باشد
ع دادن صدقه
به كساني ثواب بسيار
دارد كه در راه خدا و
امور دين چندان مشغول
و مقيد باشند كه از توبه
و توبه طعام و لباس
و غيره بازماند و يكسكه
حاجت نبرند مانند
اهل صفه كه از اجواب
غيره بودند براي كوشش
كند كه بگويد قرآن و تفسير

عنه منافعی که از سود

بدست آید خدا آنرا

تجاری کند یعنی برکت

ندارد بلکه سرمایه را نیز

از میان می برد و در حقیقت

آدمه که مال هر قدر بسود

زیاده گردد آنجا مش

افلاس است و مراد

از زیاده شدن مال تجاری

آنست که خدا متعلق

در آن برکت می بیند

و ثوابش را می افزاید

چنانکه در احادیث مذکور

است عنه مقصد آنست

که سود خوار شود و متعلقان

قدیم شود که شخص

محتاج را بدو سود

قرض میداد اگر چه برباد

لازم بود که او را بطریق

خیرات میداد و مالکتری

پیش ازین چه باشد

عنه اول فضیلت خیرات

و صدقه و احکام آن

بیان گردید ثانیاً چه

حزمت سود و کسر شد

اکنون بیان معاملات

قرض است ازین آیت

معلوم میشود که ۳۸

گر قرض قرض و عده ۶

ادای آن و در ۴

وقت معین جائز است

چون معامله قرض بآینده

متعلق است در آن

نیان و خلاف و

نرخ احتمال دارد باید

معدوم معین شود و چند

اتهام اهل آیه که آینه

موجب اختلاف و

منازعت نشود باین

صورت که موضوع بلیغ

کتابت گردید و موعده

معین گردد اساس

معامله ازان و تفصیل

معامله صافه و انفع

در آن تصریح شود

نویسنده انکار نورد

شرح و انصاف امری داشته بنویسد

و یا غرض بکتاب گوید و در حق دیگران بقدر یک ذره نقصان نرساند

الْبَارِكَةُ هُمْ فِيهَا خَلَدُونَ ۵ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ

دور خند ایشان در آنجا جا میدند تا بود میسازد خدا برکت سود را افزون میساخت برکت خیرات را و خدا

دور خند ایشان در آنجا جا میدند تا بود میسازد خدا برکت سود را افزون میساخت برکت خیرات را و خدا

لَا يَجِبُ كُلُّ كَفَالَةٍ ۵ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ

دوست ندارد بر ناسپاس گنهار را بر آینه کسینکه ایمان آورده اند و کردند کارهای شایسته و

دوست ندارد بر ناسپاس گنهار را بر آینه کسینکه ایمان آورده اند و کردند کارهای شایسته و

أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ

بر پا داشتند نماز را و دادند زکوة را امرایشان راست نخواستن ایشان نزد پروردگار ایشان و نیست ترس

بر پا داشتند نماز را و دادند زکوة را امرایشان راست نخواستن ایشان نزد پروردگار ایشان و نیست ترس

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۵ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا

بر ایشان و نه ایشان آنرا بپوشند اے کسینکه ایمان آورید خدا را بترسید و ترک کنید

بر ایشان و نه ایشان بپوشند اے مومنان بترسید از خدا و ترک کنید

مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۵ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ

آنچه مانده است از سود اگر بپسندید از اهل ایمان پس اگر نکردید پس خبردار باشید بحرب

آنچه مانده است از سود اگر بپسندید از اهل ایمان پس اگر نکردید پس خبردار باشید بحرب

مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۵ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ

از طرف خدا و رسول او و اگر توبه کردید پس شمار است اصل مالهای شما زشتا ستم کنید

از طرف خدا و رسول او و اگر توبه کردید پس شمار است اصل مالهای شما زشتا ستم کنید

وَلَا تَظْلِمُونَ ۵ وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ ۵ وَأَن

و نه بر شما ظلم کنند و اگر باشد بیژانی پس لازم است مهلت دادن تا توفیقی و آنگاه

و نه بر شما ظلم کنند و اگر باشد بیژانی پس لازم است مهلت دادن تا توفیقی و آنگاه

تَصَدَّقُوا خَيْرَ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۵ وَاشْتَرُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ

خیرات کنید بهتر است شمارا اگر بپسندید دانسته و خدا کنید ازان روز که باز گردانیده شوید

صدقه دهید بهتر است شمارا اگر بپسندید می دانید و بترسید ازان روز که باز گردانیده شوید

فِيهِ إِلَى اللَّهِ تَرْجَعُونَ كُلِّ نَفْسٍ فَأَكْسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۵ يَا أَيُّهَا

در آن بسوخته خدا پس تمام داده شود بر شفعه ما آنچه عمل کرده است و ایشان ستم کرده نشوند اے

در آن بسوخته خدا پس تمام داده شود بر شفعه ما آنچه عمل کرده است و ایشان ستم کرده نشوند اے

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَتْكُمْ يُدِّينُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَفَاكِتَبُوا

مومنان اگر معامله کنید بایکدیگر بوام دادن تا میعاد مقرر پس بنویسد آنرا

مومنان و قتیکه معامله کنید بایکدیگر بر قرض دادن تا میعاد مقرر پس بنویسد آنرا

وَلْيَكُتَبَ بَيْنَكُمُ الْكَاتِبُ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَن

و باید که بنویسد میان شما نویسنده بالقص و سر باز نرزد نویسنده ازان که

و باید که بنویسد میان شما نویسنده بالقص و سر باز نرزد نویسنده ازان که

يَكُتَبَ كَمَا عَالِمُ اللَّهِ فَلْيَكُتَبْ وَلِيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ

نویسد چنانچه آموخته است او را خدا پس باید که و س بنویسد و انشا کند آنکه دام نهد و س است

نویسد چنانچه آموخته است او را خدا پس باید که و س بنویسد و انشا کند آنکه دام نهد و س است

وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ

و باید که بترسد از خدا پروردگار خود و نقصان نکند ازان قرض بترسد و س پس اگر باشد کسیکه دام نهد و س است

و باید بترسد از خدا که پروردگار او است و نقصان نکند ازان قرض بترسد و س پس اگر باشد کسیکه دام نهد و س است

و باید بترسد از خدا که پروردگار او است و نقصان نکند ازان قرض بترسد و س پس اگر باشد کسیکه دام نهد و س است

و باید بترسد از خدا که پروردگار او است و نقصان نکند ازان قرض بترسد و س پس اگر باشد کسیکه دام نهد و س است

و باید بترسد از خدا که پروردگار او است و نقصان نکند ازان قرض بترسد و س پس اگر باشد کسیکه دام نهد و س است

ولا يني اسلامان
ولا يني اين تقي ۱۲
تقير عثمان
ع اگر خدا را
يعن يانوان باشد
چون طفل و پير که خود
مامل را نداند بکاتب
بزرگفته تواند خواند
مليون يا وارث و موقوف
او مامل را بطريق عدالت
و بصورت اطلاع بايد
عنه کسی را که برائے
گواه شدن يا اداي
شهادت دعوت کنند
نباید انکار کرد يا
استنکاف و روزه و
کتابت معاملات خورد
و بزرگ هرگز اجمال
نمائند که عدل و عدالت
درين امر است و انچه
بر شهادت بر طبق حق
کتابت می باشد و گمان
از بيان و اطلاق
حق و خوش مطن و
آسوده میشوند
اگر در سفر و قرض
مجبور شوند نتوانند
کاتب پيدا کنند بايد
مليون از دارايي خویش
در عرض قرض بطور گروهي
بدان بدهد و خانه و ميهي
و سفر نسبت به حضر
بیشتر ضرورت دارد
زیرا کتابت و شهادت
در حضر بسوختن بیشتر
میشود و اين باساني
مطن می گردد از اين
جهت در سفر حکم دين
داوم شود و در حال
حضر موجوديت کاتب
نیست گروهي در دست است
و سزاوارتر در حدیث
موجود است اگر
داین پرمليون استخوان
کنند و اني در مین بخوانند
بمليون لازم است

سِفِيًّا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَبْلُغَ هُوَ قَلِيلٌ وَلِيَّهُ بِالْعَدْلِ
يعني يانوان يا ناني تواند ادا کردن پس بايد که ادا کند کار گذار او بانصاف
عقل يا نانون يا ناني تواند که ادا کند او پس بايد که ادا کند کار گذار او بانصاف
وَأَشْهَدُ وَأَشْهَدُكَ مِنْ رَجَائِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رَجُلَيْنِ
و گواه گیر و گواه گیر از مردمان خویش و پس اگر نیارشد دو مرد
و گواه گیر و گواه گیر از مردان تان پس اگر نیارشد دو مرد
وَأَمَّا أَنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَادَةِ أَنْ تَضِلَّ أَحَدُكُمْ
پس يك مرد و دو زن كفایت است از کسی که رضاء مندا باشد از گواهان و تا اگر فراموش کند يك زن
پس يك مرد و دو زن گواه شوند از کسی که رضاء مندا باشد از گواهان تا اگر فراموش کند يك زن
فَتَذَكَّرْ أَحَدُكُمَا الْآخَرَى وَلَا يَبْأَبُ الشَّهَادَةِ إِذَا مَادَّ عَمَلًا
ياد دانه يکدیگر را و ياد يکدیگر را باز ترند گواهان نگاه که غلبه شوند
ياد دانه يکدیگر را و ياد يکدیگر را و انکار کنند گواهان و قتيکه خواسته شوند
وَأَلْتَمَسُوا أَنْ تَكْتُبَهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكَ أَقْسَطُ
از انکه نوبت حق و ادا کند يا بشد يا بسياار تمام عا دس اين بانصاف تراست
و اول ميشويد که نوبت حق را ادا کند يا بشد يا بسياار تمام عا دس اين کتابت شما بانصاف تراست
عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى إِلَّا أَنْ تَكُونَ
نزد يك خدا و درست تر برائے گواهي و قريب تر از انکه در شك نشويد مگر و قتيکه يا بشد آن معامل
نزد خدا و درست تر برائے گواهي و قريب تر است کتابت که شك نيابد عه مگر و قتيکه يا بشد معامل
تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا
سودا گروهي دست بدست کرد و مستكر دان می كنند آنرا ميان خویش پس نيست بر شما جناح گناهی آنکه نوبت سود آنرا
سودا گروهي دست بدست کرد و گرداني آنرا ميان خود پس نيست بر شما جناح گناهی آنکه نوبت سود آنرا
وَأَشْهَدُ وَإِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا بَيْعًا كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ
و گواه گیر و گواه گیر هرگاه که خريد و فروخت كنيد و بايد که رنج داده نشود و نوبتده و نه گواه و اگر
و گواه گیر و قتيکه خريد و فروخت كنيد و بايد که نقصان نرساند و نوبتده و نه گواه و اگر
تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ
كنيد اين کار پس بر آيند اين گناه است شمار او بر سید از خدا و آموزد شمار خدا و خدا بهر
چنين كنيد پس بر آيند اين کار گناه است بشما و بر سید از خدا و آموزد شمار خدا و خدا بهر
شَيْءٍ عَلِيمٌ وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهْنِ
پس از ان است و اگر مافرا باشد و نيا بايد نوبتده را پس لازم است مگر و
پس از ان است و اگر باشد در سفر و نيا بايد نوبتده پس مگر و
مَقْبُوضَةً فَإِنْ آمَنَ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ فَلْيُوْذِ الْبِذَى أَوْ ثَمِينًا أَمَانَةً
بدست آورده شده پس اگر اين داند که دس را پس بايد که ادا کند آنکس که اين داند و استمرش امانت خود را
بدست آورده شده لازم است پس اگر اعتبار کند بعضي شما بعضي را پس بايد ادا کند آنکس که اعتبار شده بروي امانت را
وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ
و بايد که ترسد از خدا که پروردگار خود و پنهان كنيد گواهي را و هر که پنهان کند آنرا پس بر آيند
و بايد که ترسد از خدا که پروردگار خود و پنهان كنيد شهادت را و کسی که پنهان كنيد آنرا پس بر آيند او
أَشْرَقَبَهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
کنار است دل او و خدا باي نمی كنيد آگاه است خدا است آنچه در آسمانهاست و آنچه در
گناه کار است دل او و خدا باي نمی كنيد خوب دانا است خدا است آنچه در آسمانهاست و آنچه در

کتاب داین را کامل بنویسد و در تادیب حق از راه امانت پیش آید

والا یعنی از قسم نفاق
و اخلاق و حسد و
نصیحت و مثل آن
نہ از قسم حدیث نفس
و الشا علم ۱۳ و
یعنی بعضی معتقد
بعضی ناسکری یکم ۱۲
تفسیر عثمان
عہ آیت مختص

اصحاب را باضطراب
افکندہ تسلیت آری
این دو آیت "امن
الرسول ولا یكلفکم
نفسا الا ما فروعہ
بعد از ان ربنا لا یؤخذ
تا آخر سوره نازل شد
و چندان اطمینان و
تسلیت و دلہا بخیر کرد
اندیشہ مسو بہ و مشتقت
نیز از اعلیٰ شذیر انصاف
از ادبیکہ کہ باہر آن طور
شہ اسم این است
کہ بدین شہ ہرگز حق
حاکمیت و استحقاق
عبادت تو بر ما ثابت
است اما سے پروردگار
ما برحمت و کرم خویش
چند حکمی فرست ہم
کہ در امثال آن
بر ما صوبت و
مشقت متلین بنامہ
پر سہو و فراموشی افتادہ
نشویم و مانند ام پیشین
احکام و شوار ہر افرو
نیایا و مکی صادر نگردد
کہ از طاقت ما خارج
باشد با وجود این
سہولت اگر از ان تقیدی
آید صحت دہر باقی
خود آنرا غفور و مہربان
وارد شدہ کہ تمام این
دعا یا مقبول شد چہ
ماز مشکلائی کہ اصحاب
بہ آن مصاب شدہ
بودند بہ مہربانی خدا
رسیم این رحمت نیز
می طایکہ کہ بکافران فروریانیم و نہ از طرف ایشان کہ ورت ہای دینی و دنیوی و ذرات ہای گوناگون پیش آید و در انسانی استیلا ی شان ہمان اندیشہ موجب بے اطمینانی میگردد

الارض وان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم بہ اللہ فی غیر
زمین است و اگر آشکارا کنید آنچه در دل شماست و یا پنهان دارید آنرا البتہ حساب آن بگردان خدا پس بپارزد
زمین است و اگر آشکارا کنید آنچه در دل ہای شماست یا پنهان کنید آنرا حساب می کند یا شما بہ آن خدا پس بپارزد

لئن یشاء ویعذب من یشاء واللہ علی کل شیء قدير
کے را کہ خواہد و عذاب کند کسے را کہ خواہد و خدا بر ہر چیز توانا است یاورد است

الرسول بما انزل الیہ من ربه والمؤمنون کل امن باللہ و
پیغمبر آنچه کہ نازل شدہ بوی از طرف پروردگارش و مؤمنان نیز ہمہ ایمان آوردند بخدا و

ملکیتہ و کتبہ و رسالہ فلا تفرق بین احد من رسلہ و قالو
فرستگان او و کتاب ہای او و پیغامبران او گفتند فرق نمی کنیم میان هیچ کسے از پیغامبران او و گفتند

سمعنا و اطعنا غفرانک ربنا و الیک المصیر لا یکلف اللہ نفسا
شنیدیم و فرمانبرداری کردیم بخوانیم امرش تو اے پروردگار ما بویست گشت باز گشت خدا واجب نمی کند بر ما نفسی

الا وسمعنا طاعت او را درست آنچه عمل کرد و بروے باشد آنچه گناہ کرد گفتند اے پروردگار ما بقوت مجتہا اگر
مگر بقدر طاقتش ما را درست آنچه کسب کرد (لا زجر) و بروی است آنچه کرد (انذیر) و چون خدا اسے پروردگار ما میگرداند اگر

نفسینا او اخطانا ربنا و لا تمحمل علینا اصرکم احملة علی الذین
فراہوش کنیم یا خطا کنیم اسے پروردگار ما دامن بر سر ما بار گران چنانکہ شہادی آنرا برک نیست

من قبلنا ربنا و لا تحمِلنا ما لا طاقت لنا بہ و اعف عنا و اغفر
پیش از ما بودند اسے پروردگار ما دامن بر سر ما آنچه برداشتہ از نیست ما را و در گزراہ از ما و بپارزد

لنا و ارحمنا و انت مولنا فانصرنا علی القوم الکفرین
ما را و بہر بخشائی بر ما تویی خداوند ما پس علبدہ ما را بر گردہ کافران

سورة آل عمران مدنی تترقی مائتا ایتر و عشرون مرکبا
ما را و رحم کن بر ما تویی پروردگار ما پس نصرت دہ ما را بر گردہ کافران عہ

بسم اللہ الرحمن الرحیم
در مدینہ نازل شدہ و آن ۳۰ حد آیت است

بسم اللہ الرحمن الرحیم
بنام خداست
آغازی کنم بنام خداست کہ بے اندازہ مہربان
نهایت بارم است مہربان

الحق لا اله الا هو الحق القیوم نزل علیک الکتب
خدا نیست هیچ معبود مگر او زندہ تدبیر عالم کندہ است فرود آورد بر تو کتاب را

بالحق مصدقا لما بین یدیه و انزل التورۃ و الانجیل من
بر راستی باورد از بندہ آنچه پیش دست و دے است و فرود آورد تورات و انجیل را پیش

قُلْ هُدًى لِّلنَّاسِ وَانزَلُ الْفُرْقَانَ هَٰذَا الَّذِي كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ

ازین برای هدایت مردم و فرود آورد فرق میان حق و باطل را هر آینه کسی که کافر شدند بآیات خدا ایشانراست

عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۝۳۰ اِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ

عذاب سخت و خدا غالب صاحب انتقام است هر آینه خدا پوشیده نمی شود بر وی

شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۝۳۱ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْاَرْحَامِ

چیزی در زمین و در آسمان او آنست که صورت می دهد شما را در رحم

كَيْفَ يَشَاءُ ۝۳۲ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝۳۳ هُوَ الَّذِي اَنْزَلَ عَلَيْكَ

چنانکه خواهد نیست هیچ معبود جز او غالب استوار کار او آنست که فرود آورد بر تو

الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ اُمُّ الْكِتَابِ وَاُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ ۝۳۴

کتاب را بعضی از آن آیات با محکم یعنی معانی آن واضح است کتاب اصل کتاب است و بعضی دیگر مثل معانی با هم متشابه است اما

الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ

کسانی که در دل ایشان زنجی است پیروی می کنند آنچه را مانند یک دیگرند از آن کتاب برای طلب فتنه و

ابْتِغَاءَ تَاْوِيلٍ ۝۳۵ وَمَا يَعْلَمُ تَاْوِيلَهُ اِلَّا اللَّهُ وَمَن يَتْلُ الْاِسْحٰوْنَ فِي

برای طلب تاءیل و نمی داند مراد آن مگر خدا و ثابت قدمان در

الْعِلْمِ يَقُولُونَ امْتَنَّا بِهِ ۝۳۶ دَٰكُلٌ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ اِلَّا اُولٰٓئِ

علم می گویند ایمان آوردیم باین همه از نزد یک پروردگار است و پندیر نمی شود مگر خدا و ندان

الْاَلْبَابِ ۝۳۷ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ

دروغ گویند ایسان آوردیم با او همه از جانب پروردگار ما فرود آمده و پندیر می گرد مگر از باب

رَحْمَةً ۝۳۸ اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ ۝۳۹ رَبَّنَا اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ

نعمت هر آینه تو بی عطا کننده اے پروردگار ما هر آینه تو جمع کننده مردمانی در آن روز که هیچ شک نیست

فِيْهِ ۝۴۰ اِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝۴۱ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَنُغْنِيْ

در آن هر آینه خدا خلاف نمی کند وعده را هر آینه آنانکه کافر شدند دفع نم کند

عَنْهُمْ اَمْوَالَهُمْ وَلَا اَوْلَادَهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الرُّجُودُ

از ایشان اموال ایشان و اولاد ایشان از عذاب خدا بچانه چیزی را و ایشانرا آتش آتیز

النَّارِ ۝۴۲ كَذٰلِكَ اَلْفُرْعَوْنَ وَالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

دو زح حال ایشان مانند حال کسان فرعون است و آنانکه پیش از ایشان بودند دروغ داشتند آیات ما را

دو زح (عادت شان) مثل دستور آل فرعون است و کسی که پیش از ایشان بودند تکذیب کردند آیات ما را

پس از انرا ایشان بران بجهنم را میفرستد عذاب نموده امروزه از اناجیل مرده نیز ثابت است

تفسیر عثمانی
ع چنان گناه گارند
را بدین مجازات نمی
گذارد و کسی از توانائی
مطلق او رسته نتواند
درین جایزه شاره
لطفی است باطلان
الو بیت میخ علی السلام
زیر اقتدار و اختیار
تای که خدا راست
در وجود هیچ برگزید
نی شود بلکه حقت یعنی
موافق عقیده نصرت
نیز بخود می توانست
و بجزان در امر او بدو
حالی که بر تفرع و الحاق
توانست خویش را
از جنگ ستم گاران
و از باغ پس عیسی را
خدا یا پسر خدا آنگون
چگون راست آید پس
از نوع پدر است پس
خدا نیز باید خدا باشد
مخلوق نا توانی را پس
حقت توانائی مطلق
پنداشتن پدر و پسر را
بر عیب منسوب داشتن
است الهیاء بالشد
عن چنانکه قدرت و
اختیار او تمامه کامل
است علم او نیز محیط
می باشد در عالم برجه
بندگ و کو یک است
بقدر محیط العین از
علم وی غایب نیست
بهر شاه گاران و کج
کاران کاذب جرائم
باعتقاد و نوعیت
آن از علم الهی مخفی
نی باشد پس کدام
گناه گاری تواند از
حقت او نهان گردد
در حق تقبی است که عیسی
خدا شده می تواند زیرا
وی علم محیط داشت و
چندان می دانست که
خدا بوی و نامده بود

فل يلقى روزه و الله
 و ما مترم گوید از اینجا
 خدا استعالی شروع
 میفرماید در سوره
 اهل کتابین در و شهادت
 ایشان و کلام خود را
 ایشان و این قلم است
 است تا قوله و الله
 عدوت من اهلک
 و یعنی آنها را شمشیر
 تفسیر عثمانی
 ع و در ابتدا خطاب
 به نصاری بخران بود
 و مقدمه الوهیت مسیح
 را کمال لطافت باطل
 کرده اند و حیرت فاعل
 اعلان به ایمان آوردن
 ترغیب فرموده در بین
 حوالی را ذکر فرموده که
 با وجود روشنی شدن
 حق انسان را از غفلت
 ایمان خود میباید یعنی
 مال و اولاد و سامان
 عیش و عشرت در این
 آیات بعد از بیان
 صفات مومنین باصل
 مضمون توحید و غیره
 خود شده یعنی در قبول
 توحید خالص تردیدی
 توان شد زیرا حق تعالی
 در تمام کتابهای خود
 گواهی و برود و هر
 نقطه کتاب فعلی و حقیقت
 کائنات اشهاد است که
 که سوسنه رب العالمین
 احدی سزاوارستش
 نیست و فی کل شی
 له آیه بطل عدل انه
 واحد سزاوارستش
 الا نطق و فی القسم الخ
 (تم سوره روم ٢٤)

فَاخَذَ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا
 پس گرفت ایشانرا خدا بسبب گناهان ایشان و خدا سخت عقوبت است
 پس گرفت ایشانرا الله به گناهان شان و الله سخت است عذاب او
 سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْبِهَادُ قَدْ كَانَ لَكُمْ
 که مغلوب خواهید شد و برای جنگته خواهید شد بسوخته دوزخ و بد جانگاه است او و محقق هست شما را
 گزوه شما مغلوب خواهید شد و برای جنگته خواهید شد بسوخته دوزخ و بد جانگاه است او و هر آینه بود بطلا
 آيَةٌ فِي فِتْنَتَيْنِ الثَّقَاتُ فِيهِ تَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ
 نشان دران دو قوم که بهم آمدند و یک گروه جنگ می کردند در راه خدا و گروه دیگر کافر بودند
 نشان در دو گروه که بهم مقابلت کردند و یک گروه جنگ می کردند در راه خدا و گروه دیگر کافر بودند
 يَوْمَ تَنْهَضُكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ هُمْ أَرَأَىٰ الْعَيْنَ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن يَشَاءُ وَإِ
 مهیدند مسلمانان آن کافران را و برابر خویش دیدن و عین و خدا قوت میدهد بفرست خود هر کرا خواهد هر کرا میخواهد
 مهیدند هر طائفه را بر برابر خود دیدن و عین و خدا قوت میدهد بفرست خود هر کرا خواهد هر کرا میخواهد
 فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ۝ زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ
 در این واقعه بزرگ آینه بزرگ است خداوند بینای را عین و لذت داده شده براسه مردم محبت چیز باسه مردم
 در این واقعه بزرگ آینه بزرگ است خداوند بینای را عین و لذت داده شده براسه مردم محبت چیز باسه مردم
 مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ
 از زنان و فرزندان و خزانها و معرانه ها و جمع شده از طلا و نقره
 از زنان و فرزندان و خزانها و معرانه ها و جمع شده از طلا و نقره
 وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ۚ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 و اسبان نشانند ساخته و چهارپایان و ذراعت اینست بهره و زندگانی دنیا
 و اسبان و ارا نهاده شده و چهارپایان و ذراعت اینست فائده گرفتن زندگانی دنیا
 وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاكِ قُلْ أَوْفَيْتُكُمْ بِمَنِّي ۚ قُلْ لَّكُمْ طَلَبُ الدُّنْيَا
 و خدا نزد یک اوست بازگشت عین و بگوایم که شما را آنچه بخواهید بگویم
 و خدا نزد یک اوست بگو جای بازگشت بگو آید و هر که شمارا بخواهد بگویم بگو بگو بگو
 اتَّقُوا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَهَنَّمَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَ
 مراقبتر باشند نزد یک پروردگار ایشان بستانها میرود از زیر درختان آن جوهرها جاوید باشند در آن و باشند
 پروردگار نزد پروردگار ایشان با نعمت میرود از زیر درختان آن جوهرها جاوید باشند در آن و باشند
 مَطَهَّرَةٌ ۚ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ يُصِيرُ بِأَعْيَادِهِ الَّذِينَ يَقُولُونَ
 زنان پاکیزه و باشد خوشنودی از خدا و خدا بیناست به پندگان آنا که می گویند
 زنان پاکیزه و باشد خوشنودی از الله و خدا بیناست به پندگان آنا که می گویند
 رَبَّنَا إِنَّا أَمَتْنَا غُفْرًا كَذِبًا وَنَبَا عَذَابِ النَّارِ الصَّابِرِينَ وَ
 اے پروردگار ما هر آینه ما ایمان آورده ایم پس بپا بر ما گناهان ما و نگاهدار از عذاب آتش شکیب کنندگان و
 اے پروردگار ما پندارستی ما ایمان آورده ایم پس بپا بر ما گناهان ما و نگاهدار از عذاب آتش شکیب کنندگان را و
 الصَّادِقِينَ وَالْقَنِتِّينَ وَالْمُتَّقِينَ ۚ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ
 راست گویندگان و خراج و خراج کنندگان و آخرش خواهند گان و آخرش خواهند گان
 راست گویندگان و خراج و خراج کنندگان و آخرش خواهند گان و آخرش خواهند گان
 شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِقِسْطٍ
 گواهی داد خدا و الله نیست هیچ معبود مگر او و گواهی دادند فرشتگان و خداوندان دانش و الله قیام میکند عالم است
 گواهی داد الله هر آینه شان اینست که نیست هیچ معبود مگر او و گواهی دادند فرشتگان و خداوندان دانش و الله قیام میکند عالم است
 و حق سرتابی کرده فی کلامه و سبج و جمید فرشته گان عموما بر توحید و تعریف باری تعالی مشتمل باشد

ما من ليني حقيقة
في حال التذرية
تفسير عثمان

عنه اسلام چيزي
اشكاره روشن است
ولا يكي كه ازان ثابت
شده مي تواند كه موثري
و محسوس بغير اذن تورات
و انجيل كذب آسماني
است نسبت به آنها
دلائل زنده كردن استوار
ترو بهتر موجود است
كه ثابت نمايه حضرت
محمد صلي الله عليه وسلم
بغير خدا و قرآن كتاب
الهي مي باشد بلكه خود
آن كتب به حقايق
محمدي مي باشد توحيد
خالصه انا مضمون
واضح و آشكار است
بر قلوب آن نظريه
بدرو ماوراء جيتاني
شديد است كه پنج اصل
علي آفرناييدي كند
پس آن كسان از اهل
كتاب كه با اسلام
مخالفت مي ورزند
حقايق واضح از كتاب
مي كنند و از احكام
الهي سر باز مي زنند
و درباره آن عاجزانند
گويم از حرم - حمد
مدر - عناد - محبت
مال و جاه چنين مي كنند
و بگريه توان گفت
و فرمود آيه ان الذين
كفروا لن تقبي عنهم
اموالهم اقرار باحواله
بن عقدر رئيس و فد
نجران نقل شده اين
با حاديات قديم آن است
تاريخ ثابت مي كنند كه
اختلاف ميهود و نصارا
يا فرق هاي كه در سائير
مذهب عاصي شده
اين اختلاف بزرگ

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ١ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأَسْلَامُ وَمَا
نزد يك خدا اسلام است و
بر آيينه دين پسندیده نرود خدا اسلام است و
خُتِلَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيَايَتِهِمْ
مگر بعد از آنكه اهل كتاب
داده شده اند كتاب مگر پس از آنكه آمد بايشان دانش و
از روي حقد و رمان خویش
وَمَنْ يَكْفُرْ يَأْتِ اللَّهُ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ٢ فَإِنْ حَاجُّوهُ فَقُلْ
پس اگر مكافره خدا زود كنده حساب است
پس اگر مكافره خدا زود كنده حساب است
سَلَّمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعْنِي فَقُلْ لِلَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ وَ
مقتداي من رو به خود را بركه پيروي من كند يزد منقاد ساخت و بگو باي
رو خود را بركه خدا و بركه پيروي مرا كند يزد و بگو براي آنانكه داده شده اند كتاب و
الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَهْتَدُوا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا
پس اگر اسلام آوردند به حقيق راه يافتند و اگر روي گردانند پس جز اين نيست كه
پس اگر اسلام آوردند به حقيق راه يافتند و اگر روي گردانند پس جز اين نيست كه
عَلَيْكَ الْبَلْغُ وَاللَّهُ بِصِيرَتِ الْعِبَادِ ٣ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ يَأْتِ اللَّهُ
هر آيينه كاشي كه كافرشند بآيينه خدا
هر آيينه آتامي كه كافري شوند به آيت هاي خدا
وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ حَقٍّ ٤ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنْ
وي كشتند بغير حق را بناحق
وي كشتند بغير حق را بناحق
الَّذِينَ يَكْفُرُونَ يَكْفُرُونَ ٥ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ
پس كفو ايشان را بجزاب درود بپند اين گروه آتند كه نابود شد عليهم ايشان
پس گروه بده ايشان را بجزاب درود ناك اين گروه آتاند كه ماصح شده عليهم ايشان
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ شُرَكَائٍ ٦ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا
و آخرت و نيست ايشان را پاري دهنده آيا نديدي بسوي آنانكه داده شدند
و آخرت و نيست ايشان را پاري ديد ديدي بسوي آنانكه داده شدند
صِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّوْا
از علم كتاب خوانده مي شوند بسوي كتاب خدا تا حكم كند ميان ايشان پس روي مي گردانند
از كتاب خواسته مي شوند بسوي كتاب خدا تا حكم كند ميان ايشان پس روي مي گردانند
وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُفِصْنَا مِنَ النَّارِ ٧ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ نَمْسَسَ النَّارَ
اين سبب آنست كه ايشان گفتند هرگز نرسد بآتش و نوزح
ايشان اعراف كنندگان اند از حق اين به واسطه آنست كه ايشان گفتند هرگز نرسد بآتش و نوزح
لَا آيَاتُ مَعْدُودٍ ٨ وَغَرَّهِمْ فِي دِينِهِمْ قَاكَاؤُهُمْ يُفْتَرُونَ ٩ فَكَيْفَ
و فرغت ايشان را در دين ايشان آنچه اترامي كردند پس چگونه بود حال
و فرغت ايشان را در دين ايشان آنچه اترامي كردند پس چگونه بود حال
ذَٰلِكَ جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ ١٠ وَوَفَّيْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ
پس گروه را در روزي كه بيشك نيست دران و تمام داده شود هر نفس را آنچه عمل كرد و ايشان
پس گروه را در روزي كه بيشك نيست دران و تمام داده شود هر نفس را آنچه عمل كرد و ايشان
وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١١

خون چنين گريده نمائني بر جهل و دانستي نوده اكثر از حجب جاه و محبت سيم دوز بوقوع پيوسته است

فخ الرحمن
 فل منترم گوید که
 در امر این عا
 لشارت است
 مخلوب شدن کا
 فل یعنی در عهد خدا
 نیست ۱۲
 مترم گوید که نهاد
 با حضرت پنا مبر
 صلح در باب عیسی
 علیه السلام گفتگو کردند
 حق سبحانه این آیات
 نازل ساخت بعد
 از نزول این آیتها
 نصاری را به اهل حق
 کردند چه عاجز شده
 جز به قول خود ندانند ۱۲
 تفسیر عثمانی
 ع چون آنکه پیغمبر و کر
 شد ابو جاره بن
 علقمه و بنی قریظ
 گفته بود که اگر پیغمبر
 ایمان از ما سلاطین
 روم بعد از این اند
 اعزاز از ما می کنند
 و ما بیکر مای و مهند
 امتناع می ورزند
 شاید این چادر رنگ
 دعا و مناجات جو
 وی داده شده باشد
 یعنی شاکر بر احترام
 سلاطین و عطای
 آنان مقنون می
 می شود
 بداند که
 مالک اصلی
 همه عزت و
 سلطنت با
 خداست و در قبضه
 قدرت او است هر که را
 خواهد می بخشد و از
 هر که خواهد می ستاند
 آیا ممکن نیست عزت
 و سلطنت پارس
 و روم از آنان اخذ
 مسلمانان داده
 شود بلکه وعده می
 دهم که ضرور داده میشود

لَا يَطْلُبُونَ قُلُوبَهُمْ مُلْكُ الْمَلِكِ يُعَوِّزُ الْمَلِكُ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ
 ستم کرده نشوند بگو یا خدا یا ای خداوند بادشاهی میدی بادشاهی هر که را خواهی و باز میدی
 ستم کرده می شوند بگو یا خدا یا ای خداوند سلطنت میدی پادشاهی را هر که را خواهی و باز میدی
 الْمَلِكُ يَمْنَنُ تَشَاءُ وَتَعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ يُبِيدُ الْخَيْرُ
 پادشاهی از هر که خواهی و از محمد میسازد هر که را خواهی و خوار میسازد هر که را خواهی بدست تست می
 پادشاهی را از هر که خواهی و عزت دهی هر که را خواهی و خوار گردانی هر که را خواهی به بدست همه می
 نَكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي
 هر آینه تو بر همه چیز توانائی ورمی آری شب را در روز و روزی آری روز را در
 هر آینه تو بر همه چیز توانائی علی می در آری شب را در روز و می در آری روز را در
 اللَّيْلَ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتُزِقُّ مِنَ
 شب و میرونی می آری زنده را از مرده و میرونی می آری مرده را از زنده و روزی میدی هر که را
 شب و می بر آری زنده را از مرده و می بر آری مرده را از زنده و روزی میدی هر که را
 تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ
 می خواهی بے شمار فل باید که دوست نگیرند مسلمانان کافران را بجز
 خواهی بے شمار باید نگیرند مومنان کافران را و دوستان از غیر
 الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا
 اهل ایمان و هر که این کند پس نیست در چیزی از آن خدا فل مگر آنکه و قع شر ایشان
 مومنان و هر که کند این پس نیست از او سستی خدا در هیچ چیزی مگر آنکه ترسید
 مِنْهُمْ تَقْوَةً وَيُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ طَوَّالِيَ اللَّهُ الصَّيِّرُ قُلْ إِنْ
 بگفته بود که از حذر کردن و می ترساند شما را خدا از خود و بسوی خدا باز گشت است بگو اگر
 از کافران ترسیدنی و می ترساند شما را خدا از خود و بسوی خدا باز گشت است بگو اگر
 تَخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تَبْدُوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا
 پنهان کنید آنچه در سین بانه شامت یا آشکارا کنید می دانند آخر خدا و میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه
 پنهان دارید آنچه را در دلها شامت یا آشکارا کنید می دانند آخر خدا و میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه
 فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ
 در زمین است و خدا بر همه چیز تواناست آنروز که حاضر باید هر کس آنچه عمل کرده است
 در زمین است و خدا بر همه چیز تواناست روزی که می باید هر کس آنچه کرده
 مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرٌ وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ أَنْ يَنْبَغَ بَيْنَهُ أَوَّلًا يُعَذِّبُ
 از نیکی حاضر کرده شده و آنچه کرده از بدی دوست دارد که کش بود و در میان و در میان آن بدی مسأله دارد
 از بدی حاضر کرده شده و آنچه کرده از بدی دوست دارد که کش بود و در میان و در میان آن بدی مسأله دارد
 وَيُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ
 و می ترساند شما را خدا از خود و خدا بسیار مهربان است بر بندگان اے محمد بگو اگر دوست می دارید
 و می ترساند شما را خدا از خود و خدا بسیار مهربان است بر بندگان بگو اگر دوست می دارید
 اللَّهُ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
 خدا را پس پیروی من کنید تا دوست دارد و شما را خدا بسیار مهربان است و خدا آمرزنده مهربان است
 خدا را پس پیروی کنید تا دوست دارد و شما را خدا بسیار مهربان است و خدا آمرزنده مهربان است
 قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ
 بگو فرمان برب خدا را و پیغمبر را پس اگر گردانند پس بر آنچه خدا دوست ندارد کافران را و
 بگو فرمان بربید خدا را و پیغمبر را پس اگر گردانند پس بر آنچه خدا دوست ندارد کافران را

و میتوان این را می بیند (این) امر را فبیده می توانید از این جهت پیروی و مناقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آدم را و نوح را و کسان ابراهیم را و کسان عمران را
بر عایشه خدا برگزید
بر عایشه خدا برگزید آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را
بر عایشیان (زمانه خودشان) بر عایشها

بِأَرْبَعَةٍ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ

در قایم اودا بود بعضی از بعضی و خدا را داناست و قی که گفت زن

عَمْرًا رَبِّ اِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي زَكَاةً

عمران اے پروردگار من نذر کردم برای تو آنچه را در سرم من است آزاد کرده شد از همه کن اذن برای توست

سید سعید العزیز (۱۰) و لہذا وضع کیا فالٹ رپ رابی وضع کیا انہی طو
سنا دانا پس چوں بڑا دختر گرفت اے پروردگار من ہر آئینہ زادم این دختر را و

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

خدا داناست بآپتر وے بزاد گفت آن زن و نیست فرزند مانند و خرف و و هر آینه نام کردم آنرا مرهم و
خدا داناست بر آینه زاده است و نیست آن بپسر مانند این دختر و هر آینه من نام نهادم آنرا (مرهم) و

الْأَعْيُنُ عَلَيْكَ وَمِنْهُمُ الْمُشْرِكُونَ وَالْمُؤْمِنُ الْمُحْسِنُونَ

برای این که در پناه تو می آورم او را بتو اولادش را از شیطان پس قبول کنه آنرا بپروردگار من

قبول حسین و ائمتہ انبیا حسنا و کفہ از ربیامکملہ داخل علیہا

به قبول نیکو و نسا دوش نانی نیک و سپردش به ذکر یا هرگاه می در آمد بر مرتبه

نزدیک اور دُوری راہ گفت اے مرہم از کجاست تیرا این روزی گفت

هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ هَذَا كَدُّ

او از نزدیک خداست هر آئینه خدای دید روزی هر گرامی خوابد بے شمار آن وقت طلب کرد
آن از نزد خدای آید هر آئینه خدا روزی می دد هر گرامی خوابد بے شمار آن وقت خواست

زَكَرِيَّا رَبِّهِ ۖ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً ۚ إِنَّكَ سَمِيعُ

از کبریا بزرگوار خود گفت ای پسر در دگر من به بخش مرا از نزد خود اولاد پاکیزه

دعاے پس ندا کردند ادا فرشتگان داد ایت داده بود نماز می گزارد و در عبادت گاه که خدا

پیش از آنکه در آنجا رسیدند و در آنجا رسیدند و در آنجا رسیدند

بشارت می دهد ترا یعنی باشد باور و اراده نیت خدا و سر دار دے رغبت بزمان و پیغمبر
مژده می دهد ترا به حکم که تقدیر کنده است به حکم از خدا و سر دار دے رغبت است بزمان و پیغمبر

مِّنَ الصَّالِحِينَ ٩ قَالَ رَبِّ اِنِّي يَكُونُ لِي عِلْمٌ وَقَدْ بَلَغْنِي الْكِبَرُ

از نیکو کاران گفت اے پروردگار من چگونہ پیدا می شدی برائے من فرزند سے رسیدہ مرا کلاں سالی و
از نیکو کاران گفت بسے پروردگار من چگونہ باشم مرا فرزند و یا یکہ یہ تحقیق رسیدہ مرا کلاں سالی و

1997

فل یمن نشان علی
آن فرزند ۱۲
یعنی قرعہ انداختہ
تفسیر عثمانی
عادت و مشیت
حضرت ابو بکر
اسباب و اہل بیت
اگرچہ درین جہان
عادت اوست کہ
مہنات را از ۱۲
اسباب عادی پدید
ی آورد اما گاهی
نق بعضی اسباب
غلاف اسباب عادی
و بہ صورت غیر معمولی
بینوعات خاص
حضرت ولایت اہل
این است کہ سیدین
رزق فوق العادہ
بہر حقیقہ و ظاہر
گویند امور غیر
عادی از وی و بعد
از معائنہ این امور
و عای بہ اختیار
حضرت زکریا و عیسی
او و صلب او و لاداو
و بزنی عقیقہ بی صورت
غیر متداولہ
قدت را باید تہجد
ابن از عظیم الشان
داشت کہ بدین قدرت
شہر از وجود مردم در
نزدیکی فرزند ی پدید
آمدی و گویا ولادت
نوع متعارف ہی کہ خدا
کذا لک یفعل ایضا
فرمود تہجد (کذا لک
یفعل ایضا) است
کہ بپایان این سلسلہ
ولادت غیر عادی
می آید علی آنگاہ
خدا بسیار یاد کن
از اہل بیت و اہل بیت
تہجد و تہجد
معلوم شد سخن بگویند
وی باید ہر اضرطی
بود ویران بود کہ دران ایام بہ ذکر و شکر فارغ باشما داشتہ اند و ذکر و شکر اندکی اضرط را نبود و بہ آن مامور شدہ بود۔

امرا آتی عاقبہ قال کذلک اللہ یفعل ما یشاء ۱۰ قال رب اجعل لی

زن من ناز است گفت بچنین خدای کند آنچه می خواهد گفت ای پروردگار من معین کن برائے من

ایہ قال ایتک الا تکلم الناس ثلثۃ ايام الا رمزا وادکم ربک

ثلاثہ فل فرود کہ نشان تو است کہ سخن نتوانی گفت با مردمان سرور و مگر با اشارت و یاد کن پروردگار خود را

کثیرا و سببہ بالعشی و الا بکار ۱۱ و اذ قالت المملکۃ یسریم ان

بسیار و سبب بگو بہ شام و صبح و آنگاہ کہ گفتند فرشتگان اے مردم ہر آئینہ

اللہ اصطفیک و طہرک واصطفک علی نساء العالمین ۱۲ یمریم

خدا برگزید ترا و پاک ساخت ترا و فضیلت دادہ ترا بر زنان عالمیان اے مردم

اقتبہ لربک واسجد لی وارکعی مع الراکعین ۱۳ ذلک من انباء

فرمانبردار کی کن پروردگار خود را و سجده کن و نماز کن با نماز کنندگان اے محمد این از خبر ہائے

الغیب نوحیہ الیک وما کنتم لدرہم اذ یلقون اقلامہم ایتھم

غیب است و می گویم آنرا بسوئے تو و تو بودی نزدیک آن قوم چون ای انداختند قلم ہائے خویش با قلم نام کس از ایشان

یکفل مریم وما کنتم لدرہم اذ یختصمون ۱۴ اذ قالت المملکۃ

در تربیت پرورش کرد مردم را و نبودی نزد ایشان و قتی کہ گفتگوی کردند (در بارہ تربیت مردم) و قتی کہ گفت فرشتگان

یسریم ان اللہ یبشرک بکلمۃ منہ اسمہ المسیح عیسی ابن

اے مردم ہر آئینہ خدا بشارت میدہد ترا بکلمہ از جانب خود کہ نام او مسیح است عیسی پس

مریم و جیہ فی الدنیا و الاخرۃ و من المقریین ۱۵ و یکلّم الناس

مردم است با مرد و دنیا و آخرت و از نزدیک کردگان حضرت عزت و سخن گوید با مردمان

فی الہد و کھلا و من الصالحین ۱۶ قالت رب انی یكون لی ولد

در گہوارہ و وقت معری و باشد از صالحان گفت اے پروردگار من چگونه شود مرا فرزند

و لم یسسنی بشر قال کذلک اللہ یخلق ما یشاء ۱۷ اذ اقضی

و دست فرسائیدہ است سخن از وی فرمود بچنین خدا پدید می کند ہر چہ می خواہد پس سر انجام می کند

امر افا انما یقول لہ کن فیکون ۱۸ و یعلّمہ الکتب والحکمۃ

کارے پس جز این نیست کہ می گوید او را کہ بشو پس می شود و بشارت داد کہ از سودا در آمد کتاب و دانش

و التورۃ و الانجیل ۱۹ و رسولاً الی بنی اسرائیل ۲۰

و تورات و انجیل و گرداند او را پیغمبر بسوئے بنی اسرائیل و می گرداند او را پیغمبر بطرف بنی اسرائیل ہر آئینہ من

و اوربیت و انجیل و گرداند او را پیغمبر بسوئے بنی اسرائیل و می گرداند او را پیغمبر بطرف بنی اسرائیل ہر آئینہ من

فتح الرحمن
ف یعنی انسان
شد
تفسیر عثمانی

عبداد شاه برف
حکم دادنا مسیح را
گرفته صلیب نمایند
و چنانش عت ایزد
مجازات دهند که مردم
و دیگر از متابعت
دی باز آیند این
کثیر گوید نبوت فی
طلبه من یاخذ و
صلبه وینکل به
دکسی را به طلب فی
گماشت تا گرفت
صلیبش نماید عذابش
کند خدا را شراین
اقدام مسیح را مطلق
گروانید که ارادات
و ترتیبات این شری
بختان را بخلک برابر
می کنم ایلهها در پی
تن تواند و می خواهند
آنچه در خلقت و بعثت
تو مطلوب است
انجام یابد در این
امر از نعمت عظیم الهی
قدنا شناسی می کنند
اما من نعمت خویش
از آنگاه بازی تمام
عمر تو مقدر است قصه
بزرگی را که به آن
تعلق دارد یا انجام
میرسانم ترا چنان
به صحت و سلامت
برم که سر موی از تو
کم نتواند بچای
آنکه ترا آنان
برند خدا ترا به
پناه خویش
می بریزد و بپند
ترا به صلیب بالا
کشند خدا ترا به
آسمان بلند می کند
می خواهند ترا
مجازات دهند که
نایب عت و احتضار شود مردم ترا در پی نرودند اما خدا می گذارد که دست ناپاک آنها را من تو رسد ۱۴۰ بر صفحہ ۵۹

مَرْجِعَكُمْ فَأَحْكُمْ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۱ فَاَمَّا الَّذِينَ

باز گفت شما پس دادی می کنم میان شما در آنچه اختلاف می کردید اندر آن

كُفْرًا وَافَاعَدْنَا بِهِمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ

کافران پس عذاب حکم ایشان را بعد از سخت در دنیا و آخرت و اینک منیست ایشان را

مِنْ نَصِيرِينَ ۲ وَامَّا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ

یارای دهنده و اما ساینکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته پس تمام دهد خدا

اَزْ مَدْرَارٍ ۳ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۴ ذٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ

از مدد گاران و اما ساینکه ایمان آورده اند و کردند کارهای شایسته پس پوره می دهد خدا

الْآيَاتِ وَالَّذِيْكَرُ الْحَكِيْمُ ۵ اِنَّ مَثَلَ عِيسٰی عِنْدَ اللّٰهِ كَمَثَلِ اٰدَمَ

آیات و کتاب حکم است هر آینه حال عیسی نزد یک خدا مانند حال آدم است

خَلْقَهُ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ ۶ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

آفرید او را از خاک باز گفت او را بشو پس شد حق است که از جانب پروردگار است

فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُسْتَكْبِرِينَ ۷ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيْهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ

پس مباش از شک اگرندگان پس هر که مبارزه کند با تو در باب عیسی بعد از آنچه آمد تو

مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ ابْنَاءَكُمْ وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَكُمْ وَنِسَاءَكُمْ

از دانش پس بگو بیایید تا بخوانیم فرزندان خود را و فرزندان شما را و زنان خود را و زنان شما را

وَانْفُسَكُمْ وَانْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبَيَّنَ لَكُمْ نِعْمَتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ

و ذاتهای خود و ذاتهای شما پس همه بزاری و عا کنیم پس بگوایم نعمت خدا را بر

الْكٰذِبِيْنَ ۸ اِنَّ هٰذَا لَهٗوَ الْقَصَصِ الْحَقِّ وَمَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّا اللّٰهُ

دروغ گوینان هر آینه اینست خبر راست و نیست هیچ معبودی بخیر خدا

وَ اِنَّ اللّٰهَ لَهٗوَ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ۹ فَاَنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللّٰهَ عٰلِيْمُ

و هر آینه خدا غالب استوار کار است و هر آینه اینست خبر راست و نیست هیچ معبودی بخیر خدا

بِالْمُفْسِدِيْنَ ۱۰ قُلْ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ تَعَالَوْا اِلٰى كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنَنَا

به تبه کاران قلم ای اهل کتاب بیایید بسوی سخن مسک میان ما

وَبَيْنَكُمْ اِلَّا نَعْبُدُ اللّٰهَ وَلَا شَرِكَ لَهُ يَهْدِيْهِ لَكُمْ شَيْءًا وَلَا يَضُرُّكُمْ

و شما و میان شما که نه پرستیم غیر الله را و نه شرک سازیم با وی چیزی را و بگوید بعضی از ما بعضی را

وَمَا يَضُرُّكُمْ شَيْءًا ۱۱

و هیچ چیز شما را ضرر نمی دهد

وَمَا يَضُرُّكُمْ شَيْءًا ۱۲

و هیچ چیز شما را ضرر نمی دهد

اَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ۝۱

دیگر را بخیز خدا پس اگر روی گردانیدند پس بگویند که گواه باشید که ما مسلمانیم
پروندگان سوا (خدا) پس اگر روی گردانیدند (پس) بگویند که گواه باشید باینکه ما تابع حکیم

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَحْجُونَ فِي آيَاتِهِمْ وَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ

ای اهل کتاب چرا محاکره می کنید در باب ابراهیم و فرود آورده شده است تورات و انجیل
ای اهل کتاب چرا محاکمه می کنید در باب ابراهیم و فرود آورده شده تورات و انجیل

لَا مِنْ بَعْدِهَا أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝۲ هَآءُنْتَ هُوَ لَا عَاجِلُكُمْ فِيهَا

الا بعد ابراهیم آیا نمی فهمید آگاه شوید شما اے قوم محاکره کنید در آنچه
مگر بعد از ابراهیم آیا نمی دانید آگاه شوید شما اے مردم محاکمه کنید در آنچه

لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِي مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

شمارا بوی دانش است پس چرا محاکره می کنید در آنچه شمارا بوی دانش نیست و خدا می داند
شمارا بوی چیز است دانش پس چرا محاکمه می کنید در آنچه شمارا به آن دانشی و اله می داند

وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝۳ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا

و شما نمی دانید و شما نمی دانید و شما نمی دانید و شما نمی دانید
و شما نمی دانید و شما نمی دانید و شما نمی دانید و شما نمی دانید

وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝۴

و لیکن بود از مذاهب باطله میزار حکم برادر و نه بود از مشرکان و نه از یزید
و لیکن بود از مذاهب باطله میزار حکم برادر و نه بود از مشرکان و نه از یزید

أَوَّلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ

نزدیک ترین مردم به ابراهیم آن کسان بودند که پیروی او کردند یعنی در زمان او و این پیغمبر و
نزدیک ترین مردم به ابراهیم کانی است که پیروی کرده اند او (در زمان او) و این پیغمبر و

آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَبِّ السُّورَةِ ۝۵ وَذَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ

مومنان و خدا کار ساز مومنان است آرزو کردند طائفه از اهل
کسانی که ایمان آوردند به این پیغمبر و خدا کار ساز مومنان است آرزو دارند طائفه از اهل

الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ۝۶

کتاب که همراه سازند شما را و گمراه نمی سازند مگر خویششان را و آگاه نیستند
کتاب که همراه سازند شما را و گمراه نمی سازند مگر خویششان را و نمی دانند

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ۝۷

ای اهل کتاب چرا کافر میشوید باینکه خدا دانسته
ای اهل کتاب چرا انکاری کنید به آیت های اله و شما معترفید

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَحْجُونَ فِي آيَاتِهِمْ وَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ

ای اهل کتاب چرا محاکمه می کنید حق را به باطل و چرا می شنید
ای اهل کتاب چرا محاکمه می کنید حق را به باطل و چرا می شنید

لَا مِنْ بَعْدِهَا أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝۸ هَآءُنْتَ هُوَ لَا عَاجِلُكُمْ فِيهَا

الا بعد ابراهیم آیا نمی فهمید آگاه شوید شما اے قوم محاکره کنید در آنچه
مگر بعد از ابراهیم آیا نمی دانید آگاه شوید شما اے مردم محاکمه کنید در آنچه

لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِي مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

و این بعضی گفتند
یهودی بود و بعضی
گفتند نصرانی بود ۱۲
و این در مسائل
منصوصه در تورات
اختلاف کرده اند تا بغیر
منصوصه چه رسد ۱۳
و منصوصه چه رسد
آزادی گفتند که استقبال
کنند و چه گذارد
و گفتند ناید از جنابت
غسل کنند حاصل
آنکه نام کسی بود که
بشریت ابراهیمی
متدین باشد ۱۴
و منصوصه چه رسد
تفسیر عثمانی
مقتدر بر مقتضای
خدا ترا از میان زن
به حجت آورده و پاک
بطهارت و پاک
برمی دارد بجای آنکه
توبه عت شوی و
مردم ترسیده از تو
پس روی نکلند کسان
را که مطابق حکم الهی
بصورت صحیح از تو
پیروی میکنند تا نزدیک
خشم بر منکران تو فرود
و چه می سازد تا
آنکه که منکران تو پیروی
بآورند گمان مسلمان
و فساد در این
جها نند باور کنندگان
بر منکران تو غالبی
باشند و قتی فراموش
نکردند موافقان و
مخالفان تو بر یک
من مراجع می کنند
۱۵ من منازعات
شمارا بطور قطعی
فصلی کنم و از همه
منازعات حل و فصل
می بزنم و هنگام این
فصل چنانکه از آیه
مقتدر بر مقتضای

فاما الذين كفروا فاعلم انهم عدوا لى الدنيا بربى اريد مسلم است كرمال ان بيش از وقوع آخرت فاما الذين كفروا فاعلم انهم عدوا لى الدنيا بربى اريد مسلم است كرمال ان بيش از وقوع آخرت

فل یعنی رشتن
شود ۱۲ یعنی از
بن آدم بیان گرفت
برائے بیان ۱۲
فل یعنی قبول کردید
فل یعنی بر یکدیگر
تفسیر عثمانی
تغیر بر صغیر ۴۰

وی را بکفیر صلیب
رای شکسته عقائد
فاسد و اندیشه های
باطل نصاری اصلاح
می کنند تا مبادینا را به
اسلام مستقیم سازد
آن وقت است که
منازعات فیصله
و اختلافات منتهی
۸ محو شود و تنها
۹ دین راست

۱۰ هادی واحد
لا شریک یعنی دین
اسلام باقی می ماند
خداوند نسبت به
این حالت فرموده
روان اهل الکتاب
الایه منین به قبل
سوره نهار کو ۲۲
تفصیل این وقت
و چگونه رفع میج
در سوره نساوی آید
بهر حال نزد من
۱۱ ثم الی رحمتکم الله
تنها متعلق به آخرت
نیست بلکه بدینا
و آخرت بهر دو متعلق
دارد چنانکه بعد از
تفصیل لفظی در دنیا
و الاخرة بلو ضاحت
توایمی بود و این
قرینه آنست که معنی
الی یوم القیمه قریب
قیامت می باشد
چنانچه در احادیث
صحیح مخرج است
که قبل از قیامت
ضرورتی نیست که

و یقولون هو من عند الله وما هو من عند الله و
و می گویند که این نزدیک خداست و نیست آن از نزدیک خدا و
و می گویند آن از جانب الله است و نیست آن از جانب الله و
و یقولون على الله الكذب وهم يعلمون ۵ ما كان لبشر ان
و دروغ می گویند بر خدا و الله حال آنکه ایشان می دانند نیست سزاوار به هیچ بشری که
و یؤتیه الله الكتاب والحكم والنبوة ثم يقول للناس كونوا
و عطا کند او را خدا کتاب و علم و نبوت و پیغمبری باز گوید مردم بشوید
و بعد از الله کتاب و حکمت و پیغمبری باز گوید مردم بشوید
و عبادا الی من دون الله ولكن كونوا ربانین بیاکنتم تعبدون
و شوید مرا بدون خدا و لیکن مثل این شخص می گوید که با شمشیر بانی فل بسبب آموختن
بندگان برای من بجز الله و لیکن این رای گوید که شویید با خدا (کامل در علم و عمل) به سبب آنکه تعلیم میدادید شما
و الکتب و بیاکنتم تدرسون ۸ و ایا مریکم ان تتخذوا للسلطنة
و کتاب و خواندن آن و سزاوار نیست که فرماید شما را که پروردگار گیرد فرشتگان
کتاب را و بسبب آنکه در س می دادید و نه امری کند شما را که بگیریید فرشتگان
و النبیین اربابا ایا مریکم بالکفر بعدا اذ انتم مسلمون ۹
و پیغمبران را آریا بکفر فرماید شما را بعد از آنکه ایمان آورده اید
و ایا مریکم ان تتخذوا للسلطنة
و آریا مریکم که بعد از آنکه شما مسلمانان هستید
و اذ اخذ الله ميثاق النبیین لبا انی کنتم من کتب و حکمت
و آنکه که گرفت خدا تعالی پیغمبران و آنکه که آید و آدم شما را از کتاب و حکمت
و انما کما کفر الله بیهان پیغمبران را هر چه بدید شما را از کتاب و حکمت
ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم لتؤمنن به و
باز میاید شما پیغمبر را باور کننده آنچه با شماست البتة ایمان آید با او
باز میاید شما پیغمبری تصدیق کننده آنچه با شماست هر آینه ایمان خواهید آورد بوی و
لتنصرنه ۱۰ قال اقرس ثم واخذتم علی ذلکم اصری
البیاری دید او را فرمود خدا آریا اقرار کردید و گرفتید بر این کار عهد مرا و
البیاری دید او را گفت آریا اقرار کردید و گرفتید بر این چیز عهد مرا
قالوا اقرسنا قال فاشهدوا و انا معکم من الشهدین ۱۱
گفتند اقرار کردیم فرمود پس گواه باشید و من باشم از گواهان
یعنی گفتند اقرار کردیم گفت پس گواه باشید و من باشم از گواهان
فمن تولی بعد ذلك فاولئک هم الفسقون ۱۲ افغیر
پس هر که برگردد بعد از این پس آن گروه ایشانند بدکاران آریا این کافران در این
پس هر که برگردد پس از این پس آن گروه ایشانند بدکاران آریا بجز
دین الله یبعون و لک أسلم من فی السموات و الارض
دین خدا می طلبند و خدا را منقاد شده اند آنکه در آسمانها و زمین اند
دین خدا می طلبند و دین دیگر را او را خدا را فرمانبردار است هر که در آسمانها و زمین است
طوعا و کرها و الیه یرجعون ۱۳ قل امنا بالله و ما انزل
بخواهی یا ناخواهی و بسوی او گردانیده شوند بخواهی یا ناخواهی و بسوی او گردانیده شده اند
بخواهی یا ناخواهی و بسوی او گردانیده شده اند بخواهی یا ناخواهی و بسوی او گردانیده شده اند

می رسد که همه اختلافات محو گردد و تنها یک دین باقی ماند و الله الحمد او را آخر ا متعلق این آیت چند چیز را ذکر می کنیم ۱۲- یعنی صغیر ۴۰

تفسیر عثمانی

بقیه صفحہ ۹۱

الربیع الرابع
کلمہ توفی در
کلمات خودی نگار
التوفی الاماتہ و
قبض الروح و طبع
استعمال الحامہ او
الاستیفاءۃ اخذ الحق
و علی استعمال البلفہ
الی اخرہ یعنی
توفی و درکارہ
عامہ در میرانیدن
و جان ستانیدن
استعمال می شود و
نیز بلفہ یعنی وصول
کامل و درست
فرا گرفتن است گو
یا نزد آنها ازین
جہت توفی برتوت
اطلاق شدہ کہ موت
کدام عضو خاص
مروانی باشد بلکہ
از طرف حق تعالی
کاملاً روح اخذ می
شود اکنون اگر فرض
شود کہ خداوند روح
کسی را بیدارش فرا
گرفته بطریق اولی
توفی نموده می شود
بعضی از علمائے
لغت کہ نوشته اند
مفہوم توفی قبض
الروح است یعنی
توضیح نداده اند کہ
قبض روح مع الہی
را توفی نمی گویند و
چنین قاعدہ نیز
وضع نموده اند کہ اگر
ناعل توفی خدا
و مفعول آن ذی
روح باشد جز
موت و درگیری
غیرداشتہ باشد
چون وقوع
قبض روح عموماً
جدا شدن آن از
بدن است بنابر عادات و اکثریت کلمہ موت را یک ہماہ آن می گویند و الاولیٰ توفی این کلمہ قبض روح مع البدن است ۱۲ بقیہ صفحہ ۹۱

عَلَيْنَا وَمَا أَنزَلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَ

بر ما و آنچه فرو آورده شد بر ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و

الْأَسْبَاطَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا تُفْحَشُ

نیرکان و آنچه داده شد موسیٰ و عیسیٰ و پیغمبران را از پروردگار ایشان فرق نمی بینیم

بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۳ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ

میان یکی از ایشان و ما خدا را و ما او را و هر که طلب کند در اسے

الْإِسْلَامَ دِينًا فُلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَيْرِينَ ۴

اسلام دین دیگر را پس هرگز قبول کرده نخواهد شد از او و در آخرت از زبانکاران است

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ

چگونه راه نماید خدا گروهی را کہ کافر شدند بعد اسلام خود بعد از آنکہ شناختند کہ پیغمبر

حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۵ أُولَٰئِكَ

درست است و بعد از آنکہ آمد بایشان حجت های و خدا را می نماید گروه ستم گاران را این گروه

جَزَاءُ هُمْ أَنْ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ۶

مژائے ایشان است کہ باشد بر ایشان لعنت لغت خدا و فرشتگان و مردمان ہمہ ایشان

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ ۷

بجا دیدان در آن لعنت سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نہ ایشان مہلت داده شوند

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

الا آنکہ توبہ کردند بعد ازین و نیکی کار سے نمودند پس ہر آئینہ خدا آمرزندہ

رَحِيمٌ ۸ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزَادُوا كُفْرًا

مہربان است ہر آئینہ کاینکہ کافر شدند بعد اسلام خویش باز زیادتی کردند در کفر

لَنَنْقَبِلَ تَوْبَتَهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الصَّاغِرُونَ ۹ إِنَّ الَّذِينَ

ہرگز قبول کردہ نشود توبہ ایشان و آن گروه ایشانند گمراہان ہر آئینہ آنانکہ

كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلَّةٌ

کافر شدند و کافر مردند ہرگز قبول کردہ نخواہد شد از هیچ یک ایشان مقدار چیزی

أَرْضٍ ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَلَا نَسِيبًا ۱۰ أُولَٰئِكَ هُمُ الَّذِينَ يَرَوْنَ

زمین از زر و اگر عوض دید آنرا آن گروه ایشان راست عذاب در دہندہ نیست ایشان را بیک یاری دہندہ

الْأَرْضَ وَهُمْ فِيهَا كَاذِبُونَ ۱۱ أُولَٰئِكَ هُمُ الَّذِينَ يَرَوْنَ

زمین طلا و اگر چه عوض دید آنرا آن گروه ایشان راست عذاب در دناک نیست ایشان را بیک مدد کاران

فتح الرحمن

خداوند متعال می فرماید
 ای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
 می گردند که شاهدی
 ملت ابراهیم میکنند
 و آنچه در خاندان
 ابراهیم می خوردند
 مانند گوشت شتر
 و غیر آن بخورید
 حق تعالی جواب
 داد که همه چیز
 حلال بود پیش از
 نزول تورات الا
 گوشت و شیر شتر
 و خمر گوشت و غیر
 شریعت ابراهیم
 نیست خاصه بنی
 اسرائیل بود بسبب
 تحمیل حدیثان
 و انشاء علم ۱۳
 یعنی نقشه که در سنگ
 ظاهر شده ۱۲
 و بعضی مشبهات
 می آرند تا نزد مردمان
 ظاهر شود که کج است
 تفسیر عثمانی
 بقیه صفحہ ۴۲
 بی نیت در انداختن
 الانفس حین موتها
 و التی لم تمت فی ضلالتها
 (نذر کوع ۵) تونی
 نفس (قبض روح)
 و نورانی وضع شد
 کی موت دیگر خواب
 بر طبق این تفسیر تونی
 بر نفس دارد و چون
 "حین موتها" بران
 افتد و است و ازین
 واضح می شود که موت
 و تونی دو چیز جداگانه
 می باشد اصل این
 است که قبض روح
 مدارج مختلف دارد
 بلکه در حد آن در

لن تنالوا البر حتى تنفقوا مما تحبون

هرگز نیابید بیکاری را تا آنکه خرج کنید از آنچه که دوست می دارید
 هرگز نیابید کمال خیر را تا خرج کنید از آنچه دوست می دارید

وما تنفقوا من شئ فان الله به عليم

و هر چیز که خرج کنید خدا بوی داناست
 و هر چه خرج کنید از چیزی پس بر آینه خدا به آن داناست

لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزل

بر بنی اسرائیل مگر آنچه حرام کرده بود یعقوب بر خویش
 بر بنی اسرائیل مگر آنچه حرام گردانیده بود یعقوب بر خویش

التوراة قل فاتوا بالثورة فانك لو هان كنتم صدقین

نازل کرده شود بگو بپایان تورات
 تورات بگو پس بپایان تورات را (پس) بخوانید آنرا اگر هستید راست گویان

فقری علی الله الکذب من بعد ذلك فاولئك هم الظالمون

دروغ بخند بر خدا بعد ازین
 بنده بر خدا دروغ را پس از این

قل صدق الله فاتبعوا ملة ابرهیم حنیفا وما کان من المشرکین

بگو راست گفت خدا پس پیروی کنید ملت ابراهیم را حنیف
 بگو راست گفت خدا پس پیروی کنید دین ابراهیم را که موحد بود و بود از مشرکان

ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مبارک وهدی للعالمین

هر آینه اول خانه که مقرر کرده شد برای مردمان آنست که در کعبه است برکت داده شده و هدایت مردمان را
 هر آینه نخست خانه که مقرر شده مردم به بر محقق آنست که در کعبه است برکت داده شده و هدایت مرعالمیان را

فیه ایت بیئت مقام ابرهیم و من دخله کان امنا و الله علی

در آنجا نشانیهای روشن است از آنجمله جائی ابراهیم را و هر که در آنجا آمین بود و حق خداست بر
 در آنست که نهانست روشن از آن جمله ایست گاه ابراهیم است و هر که در آنجا باشد امین و در خدا راست حق بر

الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا و من کفر فان الله

مردمان حج خانه کعبه هر که توانائی دارد رفتن بسوی آن از جهت اسباب راه و هر که کافر شود پس هر آینه خدا
 مردم حج کردن خانه کعبه هر که تواند بسوی آن راه یافتن و هر که کافر شود پس هر آینه خدا

غنی عن العالمین قل یا اهل الکتاب لم تکفرون بالله و الله

بے نیاز است از عالمهای غنی بگو اهل کتاب چرا کافر می شوید بایات خدا و خدا
 بے نیاز است از عالمیان بگو اهل کتاب چرا کافر می شوید به کلام خدا و خدا

شهید علی ما تعملون قل یا اهل الکتاب لم تصدقون عن

حاضر است بر آنچه می کنید بگو اهل کتاب چرا بازاری دارید از
 گواه است به آنچه می کنید بگو اهل کتاب چرا بازاری دارید مردم را از

سبیل الله من امن تبغونها عوجا و انتم شهداء و الله یغفل

راه خدا کسی را که ایمان آورد می طلبید برای آن راه بچی و شما با خبر اید نیست خدا بے خبر
 راه خدا کسی را که ایمان آورد می طلبید برای آن بچی عیب و شما با خبرید نیست خدا بے خبر

عما تعملون یا ایها الذین امنوا ان تطيعوا امر یقامن الذین

از آنچه می کنید ای مسلمانان امر فرمان برید هر چه را از اهل
 از آنچه می کنید ای مومنان امر فرمان برید هر چه را از اهل

فل بدین خدا ۱۲
 فل یعنی ادس و
 خروج و عرب
 مدینه و مدینه و عرب
 و عجم بایکدیگر دشمنی
 داشتند ۱۳
 یعنی تفرق در اصول
 دین حرام است ۱۴
 که جمیع مغزلی ج
 باشند و جمیع
 شیعه و علی و اعیان
 ۱۲ و ۱۳ یعنی واجب
 با کفایه است که
 جمیع با معصوم
 و نهی از منکر تیسام
 نمایند ۱۴ یعنی
 مانند یهود و نصاری
 مشغول که هفتاد و
 چند فرق گشتند ۱۵
 تفسیر عثمانی
 بقیه صفحہ ۶۴
 ۱۶ یعنی با بیل و بیلیم
 ما جرم با نهار
 (انعام رکوع ۷)
 خداوند در وایت
 توفی را بر نوم اطلاق
 کرده حال آنکه قبض
 روح در نوم تکلیف
 نمی شود بلکه اگر
 در آل عمران و مائده
 در وایت توفی بر
 قبض روح مع الهی
 اطلاق شده باشد
 لازم می آید مخصوصاً
 چون دیده شود که اطلاق
 کلمه توفی بر موت و
 نوم در قرآن آمده
 زیرا مردم در عصر
 جا بلیت چون باین
 حقیقت آشنا نبوده
 که خدا هنگام موت
 و نوم چیز را از
 انسان بازیگری کرد
 استعمال کلمه توفی
 بر موت و نوم در آن
 با شایع نبود برای
 نشانی انگشتن بر حقیقت موت و نوم نخست قرآن کریم این کلمه را استعمال نموده است

أَوْثَرُ الْكِتَابِ رَدُّكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كُفْرًا ۝ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ
 کتاب کافر گردانید شمارا بعد از اسلام شما
 کتاب بازی گردانید شمارا پس از ایمان تان کافران
 وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ
 خوانده می شود بر شما آیات خدا در میان شما هست پناهنده خدا و هر که جنگ استوار کرد بخدا پس هر آینه راه نموده شد
 خوانده می شود بر شما آیت های خدا در میان شماست پیغمبر خدا و هر که جنگ افکند (دین) خدا پس به تحقیق ره نموده شد
 إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا
 بسوی راه راست ای مسلمانان بترسید از خدا حق ترسیدن از وی و
 بسوی راه راست ای مومنان بترسید از خدا حق ترسیدن از وی و
 تَسُونِ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا
 میزید مگر مسلمان شده و چنگ زنید بر سن خدا ملحق آمده و
 میزید مگر مسلمان و چنگ افکنید بر سن خدا پند شما و
 تَفَرَّقُوا ۝ وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ
 پراکنده مشغول و یاد کنید نعمت خدا را که بر شماست چون بودید و دشمن یکدیگر و پس الفت داد میان
 پراکنده مشغول و یاد آید نعمت خدا را که بر شماست وقتی که بودید دشمنان پس الفت افکند میان
 قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا ۝ وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنْ
 دلهای شما پس شدید به نعمت خدا برادر بایکدیگر و بودید بر کناره منگای از
 دلهای شما (پس) گشتید به نعمت خدا برادر و بودید بر کناره منگای از
 النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝
 آتش پس را پند شمارا از آن بچین بیان می کند برای شما نشانیها که خود را تابا نشد که راه یابید و
 آتش پس نجات داد شمارا از آن بچین بیان می کند خدا بآیات خویش را تاراه یابید
 وَلَسْتَ مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ
 و باید که باشد از شما گروهی که بخوانند بسوی نیکی کاری و بفرمایند بکار پسندیده و منع کنند
 و باید که باشد از شما جماعتی که بخوانند بسوی کار نیکی و بفرمایند بکار پسندیده و بازدارند
 عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَقَرَّوْا
 از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران و مپاشید مانند کسی که پراکنده شدند
 از ناپسند و آن گروه ایشانند رستگاران و مپاشید مانند کسی که پراکنده شدند
 وَاسْتَغْفِرُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝
 و غفلان بایکدیگر گردانید بعد از آنکه آمد بایشان حجت ها و آن گروه ایشان عذاب بزرگ
 و اختلاف کردند بایکدیگر پس از آنکه آمد بایشان احکام واضح و آن گروه ایشان را سخت عذاب بزرگ
 يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَفَكُنْتُمْ
 آفرود که سفید شود یک پاره رویها و سیاه گردد یک پاره رویها اما آنکه سیاه گشت روی ایشان بدیشان گفته شود که لا شریک
 روزیکه سفید شود بعضی رو با و سیاه شود بعضی رو با پس اما کسی که سیاه شد روی ایشان بدیشان گفته می شود که لا شریک
 بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ
 بعد از ایمان تان پس بچشید عذاب بسبب کافر شدن خویش و اما آنانی
 بعد از ایمان تان پس بچشید عذاب را به عوض کافر شدن تان و اما کسی
 ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ
 سفید شد رویهای ایشان پس در رحمت خدا باشند ایشان در آنجا جاویدند این آیات خداست
 سفید شد رویهای ایشان پس در رحمت خداوند ایشان در آن جاویدند این حکم خداست

تَتَوَهَّأَ عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَاللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ۝ وَلِلَّهِ مَا فِي

سَمٰوٰتٍ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۝ وَآلِی اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُورُ ۝ كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ

خَرَجَتْ لِّلنَّاسِ تَامُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۝ اُولٰٓئِكَ

يُؤْتِيهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ ۝ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ اَمَّا اَهْلُ الْكِتٰبِ لَئِنْ كَانُ خَيْرَ اُمَّةٍ

دل یعنی مقصود شده ۱۲ فصل یعنی بسبب زبان درازی ۱۲ فصل ۱۱ یعنی بگریزید از آن یعنی راست ۲ مرد ۱۲ از ایشان که شده اند مانند عبد الله این سلام ۱۲ لیس عثمانی لیس عثمانی و حق است که مانند و موت در مواقع نادره اخذ در معاهد رانیز استعمال می نماید بهر حال در این آیت با اتفاق جمهور از «تونی» نیست و به اصلاح روایات از ابن عباس منقولست که صحیح بر آسمان برداشته شده کافی روح المعانی و غیره از هیچ مفسر و مفسر منقول نیست در اصول و نزول هیچ انکار کرده باشند بلکه تشخیص الجبر حافظ ابن حجر در این باره اجماع را نقل می کند و ابن کثیر و غیره اجماع منقول را متواتر گفته اند و در احوال المصلحین از امامان که صحاحین مسئله نقل شده از معجزات مسیح علاوه بر حرکت بای و دیگر مناسبت خاصی باقی الی السماء پیدا می شود مسیح خود در ادل بکنیز تنبیه فرمود که چون بجهنم خاکی به میدان من بچکم پروردگار مرا می بیند و پروردگار می آید که خداوندی می یابد و مرده زنده می شود

عقرون می خوانیم آنرا بر تو برستی و می خواهد خدا ستم کردن بر مردمان و خدا راست آنچه می خوانی من بر تو برستی و می خواهد خدا ستم را به عالمیان و مر خدا راست آنچه

و اما حاصل آنست
 که بعد از اینها حضرت
 شود ۱۲ و بیانی از
 مسلمانان ۱۲ و
 در فرقه اهل فقه
 میل کردند با آنکه در
 شهر متحصن شوند و
 اصحاب خواستند که
 بیرون آمده جنگ کنند
 بعد از آنکه خبر بدست
 واقع شد منافقان
 این را محل طعن
 گرفتند و وقت حرب
 حضرت پیغامبر شرعی
 جماعت را اغویا
 که از بیجا نمهند چون
 آثار فرخ ظاهر شدن
 گرفتند آن جماعت در
 پی غارت افتادند
 و طعیان پیغمبر کردند
 بنوی این خصیان
 بیست بر مسلمان
 افتاد و همدگر کردند
 الا شاه الله و بولا
 خبر شهیدت حضرت
 پیغامبر شایع شد
 منافقان قصد تناد
 کردند پس در جواب
 طعن منافقان متنا
 ظان آمد کنندگان
 و تشیع پیونایان
 حق سبحانه نازل کرد
 تفسیر عثمانی
 علیه السلام حرره بیجا
 که تمام از دست آنها
 میزند و آنها دوست
 دشمنی بلکه دشمنان خود
 کن شامی باشند ۱۳
 طرفین است که
 شام نام کتب
 آسمانی را به هر
 قلم و بهر زمانه و بهر
 پیغمبری که فرد آمده
 به آن متولی و مدعی و بر
 آنها که خدا الهی است
 را و حق که علی النبیان
 و بر آنها که اصحاب ایشان

كَفَرُوا النَّبِ تَعْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ

کافر شد مدفع نلند از ایشان مال ایشان و او داد ایشان از عذاب خدا چنانچه او ایستادند
کافر شد هرگز بکار ننهاد (دفع نلند) از ایشان مال بای شان و نه فرزندمان شان از عذاب خدا چنانچه او ایستادند و آن گروه

الْمُؤْمِنِينَ فِيهَا خُلَدٌ ۖ وَمَثَلُ الْفَاسِقِينَ فِي هَذِهِ الْحَمَةِ

باشند گان ووزخ ایشان آخجاویدند

بایستگان ایشان در آن جا دیدند
صفت آنچه حرم می کشید در این رتبه می

الدنيا ليس رجب فيها كبري صابته من ترك وادخلوه الكسبهم واهلته

دنيا مانند باد است که باشد در آن سرمای سخت رسد گشت قومی را که ستم کردند بر خویشانشان پس ناپاد ساخت آن را

وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخْزُوا

وستم نکرد بر ایشان خدا و لیکن بر خویشین قسم می کردند و
وستم نکرد بر ایشان خدا و لیکن بر خویشین قسم می کردند

طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ أَمَّا لَهُمْ فَخْرٌ خَالِكٌ أَعْنَتُمْ قَوْمًا لَّيْسَ لَهُم

نیکوید از غوغایش و تقصیر می کنند به نسبت شاد گرفته انگیزی دوست داشته اند و چو نهار از این ظاهرش و سطر

دوست بهائے غیر از خود با کونانی می کشد در خرابی شهادت دوست دارند ریح شهادت بهائیان را آشکارا شده : دشمنی

من اهل البيت و ما يحيى صدورهم البر و بينا لكم الايتان

زندان های شان و آنچه چنان کرده است پسندای شان گمان تر است به تحقیق بیان کردیم بقضای آنها اگر

كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ٩ هَٰ أَنتُمْ أَوَّلَ حَبِيبِي نَهْ وَأَرْجُو كُمْ وَتَوَّابُونَ

انامہ شد آگاہ شہید شما اسے قوم کے دوست می دارید ایشان را دینان دوست می دارند شما را ایمان می آرید

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَكُونَا لَهُ شَاكِرِينَ إِلَّا يَهْدِيَ الْقَوْمَ الضَّالِّينَ

بهم کتاب الی و ایشان چون ملاقات کنند با مشاگرد ایمان آور و پیرو چوں

به نام کتاب با و چون لما مات کتبت با شما گویند ایمان آوردیم و چون منتهای شوند میگزینند بر شما

اِنَّا نَسِيْنُ الْعِظَۃَ كُلَّ مَوْءَاظِعٍ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ بِدَاۡتِ

نکستان خود را از خشم بخونمید به خشم خود هر آینه نیک داناست

الْصَّدِّ وَرَإِنْ تَنَسَّسْتُمْ حَسَنًا نَّسُوهُمْ وَإِنْ تُصَيِّرْكُمْ سَيِّئًا

اگر برسد بشما نعمت تا خوش کند ایشان را و اگر برسد بشما سختی

فلا انا تصدوا

و اگر شکیب کند و پیرمیزی نماید هیچ زبان نرسد نه شدایک الله اعلم

و اگر صبر کنید و پیرمتر کنید زبان می رسد بقیه شکرشان

۱۱ وَاذْعَلْ وَتَ مِنْ اَهْلِ تَبَوَّئِ

آینه خدایه آنچه می گفتند و برگزیده است و آنگاه که مرغ برون آمدی از منزل خود مهسایم گردی

مُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ الْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ① اِذْ هَبَّتْ زُلُفَاتُ الْمَلَائِكَةِ

برای جنگ و خدا شنودا نا است انگاه که خواستند دو دو

خبر نداده علی الاجال لیسان دارد بر خلاف عظمای مردم که در دست خود خبر نداده و در دست خود خبر نداده

...

مِنْكُمْ أَنْ تَقْتُلُوا اللَّهَ وَلِيَّهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۲

از شما که بزدلی کنید و خدا کار ساز ایشان بود و بر خدا باید توکل کنید مسلمانان و از شما که بزدل شوند و خدا مددگار ایشان بود و خاص بر خدا پس باید توکل کنند مومنان

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ ۳

و هر آینه خدا بخدا شما را روز بدر و شما خوار بودید و به تحقیق مدد کرده است پرشما الله به جنگ بدر و شما که بزدل بودید پس بترسید از خدا تا شما

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ تُبَدِّلُوا

شکر کنید چون می گفتی مسلمانان آیا کفایت نخواهد کرد شما را که اعدا کنند پروردگار شما

مَثَلَتِ الْأَوْفِينَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ ۴ بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا

به هزار گس از فرشتگان فرو آورده شده به اگر صبر کنید و پرهیزکاری کنید و به هزار از فرشتگان فرو آورده شدگان بلی البته اگر صبر کنید و پرهیز کنید و بپایند

بِأَنُوكُمْ مِنْ قُوَّهِ هَذَا يُبَدِّلُكُمْ رَجُلًا مِنْ الْمَلَائِكَةِ

بپایند که ازان بسوی شما باین جوش خود امداد کند شما را پروردگار شما به پنج هزار گس از فرشتگان بر شما همین دم از جوششان مدوی کند شما پروردگار شما به پنج هزار از فرشتگان

مُسَوِّينَ ۵ وَاجْعَلْهُ اللَّهُ الْبَشَرِ لَكُمْ وَلِتَطْلُبُوا قُلُوبَكُمْ بِهِ

شانمند کرده و ساخت خدا تعالی این مدد را مگر برای شریزه دادن شما و برای آنکه آرام گیرد دل شما بآن نشان دار و بگردانید این مدد را خدا مگر شریزه بجا و تا اطمینان یابد دل با شریزه شما به آن

وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۶ لِيَقْطَعَ طَرَفًا

و نیست فتح مگر از نزدیک خدا غالب استوار کار چنین کرد تا پاک کند طایفه را از و نیست مدد مگر از نزد خدا غالب با حکمت تا پاک کند طایفه از

الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتُمُونَ قُلُوبُهُمْ فَأَخَافُونَ ۷ لَيْسَ لَكُمُ الْآفَرُ

کافران یا مخلوب سازد ایشان را پس باز گردند و مراد نارسیده نیست ترا ازین کار کافران را یا ذلیل کند ایشان را پس بگردند نامراد شدگان نیست ترا از غفندی

ثُمَّ أَوْتِيَتْ عَلَيْهِمْ أَوِيْعَةٌ بَعَثْنَا فِيهِمْ ظُلُمُونَ ۸ وَلِلَّهِ مَا فِي

چیزه باهم باقی باز کرد و بر ایشان با عذاب کند ایشان را زیرا که ایشان میکارند و خدا امدت آید در (از کار چیزی) تا خدا قبول کند توبه ایشان را یا عذاب کند ایشان را پس هر آینه ایشان بسته گردان و مر خدا است آنچه در

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۹

آسمانها است و آنچه در زمین است می آمرزد و عذاب می کند هر کرا خواهد آسمانها است و آنچه در زمین است می آمرزد هر کرا خواهد و عذاب می کند هر کرا خواهد

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۰ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا صَعَفًا

و عذاب می کند هر کرا خواهد و خدا آمرزنده مهربان است ای مسلمانان بخورید سود را دو چند و خدا آمرزنده مهربان است ای مومنان بخورید سود را دو چند

مُضَعَفَةً ۱۱ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۱۲ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي

تو بر تو و بترسید از خدا تا بابت شد که رستگار شوید و پناه گیرید از آن آتش که برود و بترسید از خدا تا بپایندی را بپاید (کامیاب شود) و بپرهیزید از آتشید

أَعْلَتْ لِلْكَافِرِينَ ۱۳ وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۱۴

آماده کرده شده است برای کافران و فرمان برید خدا را و پناه گیرید برای کافران و فرمان برید خدا را و پناه گیرید برای کافران

فل یعنی بی سلمه
بنو حارثه که اعیان فر
بجای ایشان نگذاشته
بود و با خدا استخاره
ایشان را از هیچ محفوظ
داشت ۱۲
تفسیر غسانی
عده در نزد کار جنگ
اخذ ذکر بر مرت سود
ظاهر تعلاتی ندارد اما
شاید ازین جهت
مناسبت داشته
باشد که آیه اذاعت
طاعتان منکم این
تفسیر پیشتر از آنکه
و بزدلی در هنگام جهاد
و کرده بود و خودن
سود به و علت
البع مدوی می آرد
اول خوردن
مال حرام از توفیق طاعت
میگردد و بزرگ ترین
طاعات جهاد است
تا نما خوردن سود یکمال
بجمل طاعت دار و غیره
سود خور می خواهد مانی با
که داده همه باز نماند
و عذاب اگر دیگری از آن
مان کار گرفته آنرا نیز
را بپایان نگذازد و
عوض آنرا عذاب
حصول کند که در مال
این تقدیر محیل باشد
که نتواند از آن برای
۱۳ خدا بگذرد و
بهر دی کند دی
داده خدا چگونه
خواهد داد ابو حنیفه
می نویسد تا این وقت
بپایند و غیره معاملات
سود مسلمانان هر جهت
داشت و ازین جهت
قطع علاقی به آن با
مشکلی می نمود چون
قبل حکم لاتخاذ الطایفه
عبارت شده بود در تفسیر
۱۴

۱۴

ط لحن در باره
تفسیر عثمان

عنه این آیان را
بر غرض احدی نداشت
آنکه که می بداند
از جرات خست
بودند آنکه که نقش
جنگویان نامورشان
روی بروی آنها نشاند
شده انتاده بود
شقاوت پیشه گان
بدخت خود پیغمبر را
نیز مجروح گردانید
بودند و ظاهرا بر سر
اسباب نبروت بنظر
میامد و بچشم این خدا
پیدا پس ندای خدا که
متعال شنیده که
ولا جنتوا ولا تخفوا
او انتم الا علون ان
کنتم مؤمنین
بینید از شداید بر سر
فتوید و در مقابل
و دشمنان خدا مستی
و ناردی را بخواهش
راه مدید شیوه نمون
نیست که در حوادث
و مصائب مخوف نشیند
امروز شما معزز و
سر بلندید که در راه
حیات حق متخل رنج
و تکلیف میشوید و
در انجام کارهای یقینا
فتح از شماست و شما
فیروز می شوید اگر
برایمان و ایمان
استوار باشید و به
پیمان خدا اعتماد کامل
داشته از اطاعت
پیغمبر و جهاد فی سبیل
الله قدم باز نگذارید
آن ندای الهی دل
های مستعد را پیروز
نمود و در اجزاء پیروز
زندگانی تازه بخشد
آخر بقیه این شد که
تفاری که ظاهر آن

وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمُوتُ وَ
و مشتاق کنید بسوی آمرزش از پروردگار خویش و بسوی بیت لیبهای ادا و آسمانها
و بشتابید بسوی آمرزش از پروردگار تان و بهشتی که بشتابی پیش آسمانها و
الْأَرْضُ أَعْلَىٰ السَّمَاءِ الَّذِينَ يَتَّقُونَ فِي السَّاءِ وَالضَّرَّاءِ
زمین است آمده گزیده شده است برای پر بیز گاران آنانکه خرق می کنند در آسایش و سختی
زمین است آمده شده است برای پر بیز گاران که خیر می کنند در آسایش و سختی
وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظُ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ
و دوزخورندگان خشم و عفو کنندگان تقصیر از مردمان و خدا دوست می دارد نیکو کاران را
و دوزخورندگان خشم و عفو کنندگان تقصیر از مردم و خدا دوست می دارد نیکو کاران را
وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا أَفْجَسَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا
و آنانکه چون کار زشت کنند یا ستم کنند بر خود یاد کنند خدا را پس آمرزش خواهند
و آن مردم که چون کار زشت یا ستم کنند بر خودشان یاد کنند خدا را پس طلب آمرزش کنند
لَهُمْ وَهُمْ مِّنْ يُغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا
برای گناهان خود و گنایت که بپارزد گناهان را مگر خدا و پیوسته نباشند بر آنچه
برای گناهان خویش و گنایت که بپارزد گناهان را مگر خدا و اصرار نکنند بر آنچه
فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ اُولَٰئِكَ جَزَاءُ وَهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ
دانستند آن کرده یا دانش ایشان آمرزش است از پروردگار ایشان و
کردند و ایشان می دانند خاص این مردم یاد دانش شان آمرزش است از پروردگار ایشان و
جَنَّةٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا طَوْعًا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ ۝
بوستا نهایی می رود زیر آن جویهای جاویدان در باغها و نیک است اجر طاعت کنندگان
بوستا نهایی است جاریست از زیر آن جوی یا جاوید اندد در آن باغها و چه خوب است اجر عمل کنندگان
قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَاسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ
هر آینه گزشته است پیش از شما واقعه های پس سیر کنید در زمین و به بینید چگونه
به تحقیق گذشته است پیش از شما واقعات پس بگردید در زمین پس بینید چگونه شد
كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ۝ هَٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَ
بود آخر کار در روز دارندگان این و این بیان است برای مردمان و راه نمودن و
ذیله عاقبت مکه بان این بیان است برای مردم و هدایت
مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ۝ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ
پند دادن برای پر بیز گاران و دست مشوید و اندویشان میباشید و شما را طالب اگر
نهیست است برای ترسندگان و دست مشوید و اندویشان میباشید و شما را طالب اگر
كَانَ مَوْعِظَةً ۝ إِنْ يَسْأَلْكُمْ فَرَحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرَحٌ مِّثْلُهُ
مسلمان بپسند اگر پرسد شما را از فخر پس رسیده است جماعه کافران را از فخر مانند آن
بپسند ایمان داران عه اگر پرسد شما را از فخر پس به تحقیق رسیده کافران را از فخر مانند آن
وَبَلَاكُمُ الْيَوْمَ نَدَاؤُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
و این حادثه بای میگردانیم آن را در میان مردمان برای فواید بسیار و تا متعجب سازد و خدا مومنان را و
و این روز بای گردانیم آن را در میان مردم و تا معلوم کنند و متعجب گردانند خدا را که ایمان آورده و
يَتَّخِذُ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ
شهادت گرداند از شما و خدا دوست نمی دارد ستمکاران را و تا کامل عیار کند
بگیرد از شما ستمکاران و خدا دوست ندارد ستمکاران را و برای آنکه پاک و صاف گرداند خدا
تفاری که ظاهر آن

فتح الرحمن
فل و این کانه برآ
آن کرده شد که در علم
ای مقدر بود و
یعنی کافران مسلمانان
۱۱ فل یعنی چون ایمند
درین حالت ۱۲
تفصیل عثمانی
ع این سخن تشیع
یا حسرت و افسوس
اجری باری آرد
آیه را خدا را بیا
اجل عمل برگرد
سبب و وقت آن
زحمت و مقدر کرده
است هرگز تیری کند
و تمام نوعی یابد
اگر شاد و در خانه
۱۴ ای خویش محصور
ج می شست و باله
رای شاعلی پیشه
باز هم کسبیک
آنها و دوا مع نزدیک
اعد و قد بود و تمامه
از بایکدن صوب
میرفتند و در جهان
موقع گشته می شد
این موجب الهیات
که در آنجا کشتل آنها
مقدمه راه خدا
به مقتضای دلایلی
و خوش بشناسند سید
حسرت و تاسف برآ
چیت کار با کانا
قیاس از خود غیر
ع خدا را زدن
بای تمام است و
بجای حالی از بی کسی
و حضرت دی خفی
نیست مقصد این بود
در معالمت اسنان
ولد دکنده تا هر چه در
تغلب شماست برآ
تراود و در کوره استی
خالص از مشغولش
متماز گرد و خلصان
صلو فقیه خویش را

فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يَبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ
در دل خویشان آنچه آشکارا نمی کنند برائے تو می گویند اگر بودی ما را از این کار چیزی
در دل بای خویش آنچه را آشکارا نمی نماید بگو می گویند اگر می بود ما را از این کار چیزی
مَا قَتَلْنَا هَذَا فُلًا لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ
کشته نمی شدیم در اینجا بگو اگر می بودید در خانه های خویش هر آینه بیرون می آمدند کسانیکه مقدر شده است بر ایشان
لَتَنَزِلُنَّ فِي هَذِهِ مَائِدًا بَلَىٰ خَالِدِينَ فِيهَا هُمْ وَأَنزِلُ إِلَيْهِمْ مَائِدًا مِّنَ السَّمَاءِ
لَقَتَلُوا إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ
لَتَمُوتُنَّ لِمَوْتِكُمْ لَئِن لَّمْ يَظْهَرْ لَكُمُ الْآيَاتُ الْكُبْرَىٰ فَسَوْفَ يَكُونُ لَكُمُ الْآيَاتُ الْخُصَىٰ
لَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
آیه در دل شماست و خدا دانا است آنچه در سینه های شماست و تا قائل گردانند
آیه در دل بای تان است و خدا دانا است بر آنچه در سینه های شماست و هر آینه کسبیک روگردانند
مِنْكُمْ يَوْمَ التَّلَاقِ هُنَّ آتِيَاتُكُمُ النَّارُ سَوَاءً مِّنْ لَّهَا الْفُجُورُ كَسَوَاءً
از شما روزی که بهم آمدند هر دو جماعه و جز این نیست که لغز ایند ایشان را شیطان بیومی بعضی آنچه کردند
از شما روزی که در بره آوردند و دو فوج جز این نیست که لغز ایند ایشان را شیطان به طومانی بعضی آنچه کردند
وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
و بر آینه عفو کرد خدا از ایشان هر آینه خدا آمرزنده برآید است ای مومنان
و بر حقیقی عفو کرد خدا از ایشان هر آینه خدا آمرزنده برآید است ای مومنان
لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا الْإِحْوَانُ هُمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْأَرْضِ
ما شید مانند آنها که کافر شدند و گفتند در حق برادران خویش و قتیله سفر کردند در زمین
متوید مانند نیکو کار شدند و گفتند در حق برادران خویش و قتیله سفر کردند در زمین
أَوْ كَانُوا إِعْرَاضًا لَّكَ لَا تَأْخُذُكَ أَعْيُنُهُمْ تَتَوَلَّوْنَ الْكَافِرِينَ يَمُوتُونَ
یا باشند بجهاد بیرون آمده و اگر می بودند ایشان نزدیک ما می مردند و کشته نمی شدند تا گردانند خدا
یا باشند غایبان اگر می بودند نزد ما نمی مردند و کشته نمی شدند تا گردانند خدا
ذَٰلِكَ حَسْرَةُ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُبَيِّنُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ بَالِغُ أَمْرِهِ
این سخن را به دل ایشان و خدا زنده می کند و می میراند و خدا با آنچه می کند
این سخن را افسوس در دل بای شان و خدا زنده می گرداند و می میراند و خدا با آنچه می کند
بَصِيرٌ ۱ وَلَٰكِن قَتَلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمُوهَا فَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ
بینا است و اگر کشته شدید در راه خدا یا مردید هر آینه آمرزشی از خدا و
بینا است و اگر کشته شدید در راه خدا یا مردید هر آینه آمرزشی از خدا و
رَحْمَةً خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ۲ وَلَٰكِن مِّمَّنْ أَوْ قَتَلْتُمْ لَا إِلَى اللَّهِ
بخشایش بهتر است از آنچه جمع می کنند و اگر مردید یا کشته شدید البته بسوی خدا
بخشایش بهتر است از آنچه جمع می کنند و اگر مردید یا کشته شدید البته بسوی خدا
شُكْرُونَ ۳ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَئِن لَّمْ يَكُنِ الْإِنسَانُ لَشَكْرًا
برای کفری خواهد شد پس به سبب مهربانی از خدا نازم شدی بر آید ایشان و اگر می شدی در وقت خوشی
برای کفری خواهد شد پس به سبب رحمتی که از جانب خداست نازم شدی بر ایشان و اگر می بودی تو متوجه خوشی
الْقَلْبَ لَا أَفْقُصُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ
دل پرانده می شدند از حوالی تو پس در محضر از ایشان و آمرزش خواه برائے ایشان
دل پرانده می شدند از حوالی تو پس در محضر از ایشان و آمرزش خواه بر ایشان

در بایکده بای آینه دل بای شان از سبب و ضعف پاک باشد نقایص بایکده متناقض آشکار شود و مردم کثرتی خست باطن آنها را بداند ۱۲

فحق الرحمن
 ما یمن بر سر پروردگار
 من ترجم گوید چون
 حضرت علی علیه السلام
 و سلم حضرت بودند
 در غایت این آیت است
 نازل شد تا که شما
 خیانت نکنید
 تفسیر عثمان
 ع از پیش و قوم
 آنجا که را پیغمبر
 گردانید که به آسانی
 می توانید پیروی و
 نشیند با او مگر
 کند و بان او را پیغمبر
 و از افکار و برکات
 او هر نوع استفاده
 نمایند از مبعوع
 احوال و اخلاق
 سوا از جرات امت
 و دیانت خدا ترستی
 و پیغمبر گداری و کمال
 خودی آگاه می باشند
 چون ظهور عجایب را
 در یکی از جلال توهم
 و خاندان خود مشاهده
 می کنند ایشان را
 بسبب ولایت حاصل
 بشود یا غرض از گرد آمدن
 فرستادگان پیغمبر
 مبعوث می گردید و
 مبعوثانی از وی دیده
 میشد مکن بود که
 در دل شان می
 گذشت که چون
 او مخلوق خدا گداز
 بود از جنس بشر
 نیست شاید این
 خرافاتی مخصوص صورت
 نوعیه و طبیعت ملکیه
 یا جنیه او باشد و
 عجز را در مقابل اولی
 بنیت وی شده نمی
 تواند بهر حال مومنان
 باید این را احسان
 خدا بدین که پیغمبری
 بر آنان فرستاده که
 بدون زحمت از بعضی حضرت پیغمبر شده می تواند و با وجود ذلک پیغمبر است و علی ترین مقام نبیل و مظهر و ماثله و امیرش را با طاعت و محبت علی علیه السلام

وَبَشِّرُوهُمْ فِي الْآخِرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

و مشورت کن بایشان در بین کار پس آنچه که قصد نم کنی پس اعتماد کن بر خدا هر آینه خدا دوست می دارد و مشوره کن بایشان در کار (پس) چون عزم کنی بر خدا هر آینه خدا دوست می دارد

الْمُتَوَكِّلِينَ ۝ إِنَّ يَنْصُرُكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ

توکل کنندگان را اگر نصرت دهد شما را خدا شکست غلب نیست بر شما و اگر بخواهد توکل کنندگان را اگر نصرت دهد شما را خدا شکست غلب نیست بر شما و اگر مدد نکند شما

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

پس کیست که نصرت دهد شما را بعد از او و بر خدا باید که توکل کنید پس کیست آنکه مدد دهد شما را بعد از آن و بر خدا باید که توکل کنید

الْمُؤْمِنُونَ ۝ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُلَّ وَمَنْ يَكُلَّ يَأْتِ بِمَا غَلَّ

مؤمنان و هرگز خیانت از نبی نمی آید و هر که خیانت کند خود را آورد آنچه را که خیانت او کرده است مؤمنان و نیست کار پیغمبر که خیانت دارد چیزی را و هر که خیانت دارد می آورد آنچه را که خیانت داشته

يَوْمَ الْقِيَمَةِ ثُمَّ تَوَكَّلْ عَلَى نَفْسِكَ مَا كَسَبْتَ وَهُمْ لَا يَظْلُمُونَ ۝ أَفَمَنْ

بروز قیامت ملائکس تمام داده شود هر نفسی را جزای آنکه کرده است و ایشان ستم کرده نشوند آیا که روز قیامت باز تمام داده شود هر نفسی را جزای آنکه کرده است و ایشان ستم کرده نمی شوند آیا که

أَتَجْعَلُ رِضْوَانُ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطِ اللَّهِ وَمَا أُوتِيَ حِمْلَهُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

در پی تو شتر می گذاری خدا رفت می باشد یا سخط که باز سخط بخشم خدا و چه او در حق است و بد جای نیست پیروی کرد خوشتر می خدا را می باشد مانع یک باز گردد نخواستن وی خدا و توقف او در حق است و بد جای است

هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ يُصَوِّرُ مَا يَعْصُونَ ۝ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى

ایشان بر سر امتیاز نزد یک خدا و خدا بیناست با آنچه می شنوند هر آینه نعمت و امان داد خدا بر مردم و چه بای محنت دارند نزد خدا و خدا بیناست بر آنچه می کنند بحقیق احسان کرد خدا بر

الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ

مومنان آنگاه که فرستاد در میان ایشان پیغمبری از قوم ایشان بخواند بر ایشان آیات خدا و ایشان و امان آنگاه که فرستاد در ایشان پیغمبری از خودشان ع می خواند بر ایشان آیت های خدا و

يُكْرِئُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي

پال می سازد ایشان را از آموز ایشان را کتاب و علم و سر آینه بودند پیش ازین در پال می سازد ایشان را از آموز ایشان را کتاب و علم و سر آینه بودند پیش ازین در

ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ أُولَئِكَ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْ لَئِنْ

گمراهی آشکارا آیا چون رسید بشما مصیبتی که بدست آورده بودید و چون خدا از آن گفتید گمراهی آشکارا آیا وقتی که رسید بشما رجعی به تحقیق رساندید و چون آن می گوید

أَنْ هَذَا أَقَلُّ هَمٍّ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

از شما آمد این مصیبت بخو که آن از نزدیک نفوس شما است هر آینه خدا بر همه چیز توانا است از شما آمد این بگو این مصیبت که بشما رسیده از طرف خود شماست هر آینه خدا بر همه چیز توانا است

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَفَعِ الْجَمْعُ فَمَازِنِ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ ۝

و آنچه رسد بشما روز یکی بهم آمدند و کرده پس باران خدا بود و ما پیغمبر سازد مومنان را و آنچه رسد بشما روزی که بهم آمدند و کرده پس به حکم خداست و برای یکی پیغمبر سازد مومنان را

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا ۝ وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا فَاكْفُرُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ

و پیغمبر سازد آنانرا که منافق شدند و گفتند بر ایشان را بیا بیا بجهنمید در راه خدا و بیا بیا بجهنم سازد منافق بودند و گفتند بر ایشان که بیا بیا بجهنمید در راه خدا

أَوَادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفَرِ يَوْمَئِذٍ
 یاد بکنند کافران را دل گفتند اگر می دانستیم جنگ کردن و یا هر آنچه بی روی تنهایی کردیم بجز این کفر و سوسه کفر آن روز
 یاد بکنید و دشمن را گفتند اگر بدانیم جنگ را البته بی روی کفر و شمارا ده آن مردم به کفر آن روز

أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَوْ إِيَّاهُمْ هَلْ لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ
 نزدیک تر بودند به ایمان بجانب ایمان می گویند بدان خویش آنچه نیست در دل ایشان
 نزدیک تر بودند از ایشان بجانب ایمان می گویند به دین ای خویش آنچه نیست در دل بای شان

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ۝۱۳ أَلَّذِينَ قَالُوا إِخْوَانُهُمْ وَقَعَدُوا
 و خدا انا تر است یا آنچه پنهان می دارند آنانکه گفتند برادران خود را و باز نشسته
 و خدا انا تر است به آنچه پنهان می دارند آنانکه گفتند برادران خود را و باز نشسته

وَأَمَّا عِدَاؤُهُمْ فَمَا قَتَلُوا قُلُوبًا فَادْرَأُوهُمْ عَنْ أَنْفُسِكُمْ الْيَوْمَ إِنْ كُنْتُمْ
 که اگر دشمنان می برند کشته نمی شوند بگذرید از خویشتن مرگ را اگر هستند
 اگر اطاعت ماری کردند کشته نمی شدند بگذرید از خویشتن مرگ را اگر هستند

صَادِقِينَ ۝۱۴ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا
 راست گویند و مرده گمان مکن کسانی که کشته شدند در راه خدا
 راست گویند و میستادار گمان مکن کسانی که کشته شده اند در راه خدا مردگان

بَلْ أَحْيَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُزَكِّوْنَ ۝۱۵ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ
 بلکه زنده اند نزد یک پروردگار از خویشتن روزی داده می شوند شادان با آنچه عطا کرده است خدا ایشان را از
 بلکه زنده گانند نزد پروردگارشان روزی داده می شوند شادان مانند به آنچه داده است ایشان را خدا از

فَضْلِهِ ۝۱۶ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ
 فضل خود و خوش وقت می شوند بسبب آنانکه هنوز بایشان نه پیوسته اند از پس ایشان
 فضل خود و شاد می شوند به آنانکه تا نبوده نه پیوسته اند به ایشان از پس ایشان

أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝۱۷ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ
 به سبب آنکه هیچ ترس نیست برایشان و نه ایشان اندوهناک شوند خوش وقت می شوند بنعمت خدا
 برای اینکه نیست هیچ غمی برایشان و نه ایشان محزون می شوند شاد می شوند به نعمت خدا

وَقُلُوبُهُمْ وَأَنْ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ۝۱۸ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ
 و فضل او و آنکه خدا ضایع نمی کند مزد مومنان را و آنکه استجابه قبول کردند حکم خدا
 و فضل او و به آنکه خدا ضایع نمی کند مزد مومنان را کسیانکه قبول کردند حکم خدا

وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ ۝۱۹ الَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ
 و رسول را بعد از آنکه رسیده بود بایشان زخم برای آنانکه ازین جماعت نیکو کاره و تقوی
 و پیغمبر را پس از آنکه رسید ایشان زخم به کسیانکه نیکو کاری کردند از ایشان

وَأَثَقُوا أَجْرَ عَظِيمٍ ۝۲۰ الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ
 کرده اند مزد بزرگ است آنانکه گفتند بایشان مردمان که کافران
 و بزرگ کاری نمودند ثواب بزرگ است کسیانکه گفت بایشان مردم (بهر آئین) مردم به حقیقت ایشان

جَمَعُوا الْكُمْ فَخَشَوْهُمْ فَمِنْ أَدْهُمْ إِيَّانَا وَقَالُوا احْسِنَا اللَّهُ وَنَحْنُ
 جمع کرده اند برائے شما پس بر سر شما از ایشان لشکر پادشاه کرده ایم این ایمان ایشان را و گفتند پس است ما را احسان
 مع بود برای مقابل شما پس بر سر شما از ایشان لشکر پادشاه کرده ایم این ایمان ایشان را و گفتند کافران ما خدا و خوب

الْوَكِيلِ ۝۲۱ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِلَيْهِمْ وَفَضِيلٌ لَمْ يَسْأَلْهُمْ سَوْءَ
 باز گشتند بپس بپس بر سر شما از ایشان لشکر پادشاه کرده ایم این ایمان ایشان را و گفتند پس است ما را احسان
 کار ساز است از پس ایشان باز گشتند بپس بپس بر سر شما از ایشان لشکر پادشاه کرده ایم این ایمان ایشان را و گفتند پس است ما را احسان

ولا یمنی از بلاد خویش
 و این معصیت می
 دانستیم ۱۳ مترجم
 گوید و از مسلمانان
 و گفتار با هم میسر
 کرده و عفو قتال میب
 ایشان سال آیند و
 بد باشند چون موسم
 سوق بدر رسید گفتند
 شغفه را فرست و ندان
 جمعیت ایشان باین
 کرد و شما را نادر خبر
 توقف اندازد با وجود
 آنجا است از مسلمانان
 همراه آنحضرت برآمدند
 و بدر رسیدند در مسجد
 سو و با اقتداء با حق
 یک از گفتار از اهل بیت
 زنده و این عزه را به
 صغری می گویند خدا
 بر عی ایشان میفرماید
 تفسیر عثمانی
 عطا و قور حیات نظر
 نمی آید بلکه فریب و
 شنبه
 وقف لازم بازی
 است اگر می دانستیم
 که حقیقت جنگ واقع
 میشود شما با تنهایی
 رستم بر روی جنگ
 واقع بود و آن نیک
 می و دریم و یا
 مقصد این بود
 که اگر موقع مقابل
 (مصادات) میبود
 با شما باید می نمود
 این چون مقابل است
 که کلمات سه بار شکر
 و طرف دیگر بکنند
 مردم به مردمانند
 این جنگ فقط خود را
 به طاعت انگیزان است
 باید دو نفر (الله) مراد
 نشان این بود که اگر ما
 از فتن جنگ اصول
 و تفسیر بای عسکری
 و این بود با شای بودیم که با یاور کنایه بود و اندک در کار از احوال جنگ نیز خود را را قافیه است و به شوره و ملل کرده رای دیگرین را پذیرفتند به مجرای ماه ضرورت و این بهر حال به حدیث

و ایضا معنی السلام

۱۳۱ و ایضا معنی اهدا

۵ و ایضا معنی اختیار

کردند و یعنی آن مال

را به خود برگزیده

گروه ایشان انداخته

تفسیر غنائی

۵ هم چنانکه مرست

و مهلت این جهان

دلیل بر حقانیت زمام

نیست اگر بر مسلمانان

خلع مصائب و

حوادث ناگوار پیش

آید که در جنگ احد

واقع شد دلیل بر

مغفوبیت آن باشر

ضمانی باشد سخن این

جاست که خدا نمی خواهد

مسلمانان و پیروان حق

میهم بماند که تا آنروز

بوده اند یعنی اگر کارها

از روی نفاق کلری

خوانند و چون میدان

مسلمانان می زیستند

نظر بر حال غایب اطلاق

کلمه منافق بر آن با

مشکل بود لهذا هر دو

است که خدا قایل

و احوالی را ردی نماید

آرد که پاک از نیکار

و خاص از مغفورش

عذر کرده بدیشک

در پیشگاه احدیت سهل

بود که مسلمانان به اهل

آنگاه با سخنان افکند

از اسامی و اعمال

منافقان آنچه می

گردانند ولی حکمت

و مصلحت او مقتضی

نیست که همه مردم را

با عیب آگاه کند

تنها پیغمبران خود را

مخفی نموده هر چه

بخواهد از معصیان

بطور یقین بایشان

اطلاع می دهد و مصلحت

عام مردم را از امور عیب

وَاتَّبِعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ۝۳ اَسْمَاءُ لَكُمْ

و پیروی خوشنودی خدا کردند و خدا صاحب فضل بزرگ است جز این نیست که این خبر دهند

و پیروی کردند خوشنودی خدا را و خدا خداوند فضل بزرگ است جز این نیست که این خبر دهند

الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ

شیطان می ترساند دوستان خود را و پس شما ترسید از کافران و ترسید از من اگر

شیطان است می ترساند دوستانش را پس ترسید از ایشان و ترسید از من اگر هستید

مُؤْمِنِينَ ۝۴ وَلَا يَخْرُجُكَ الدِّينُ بِسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن

مومن هستند و آنچه اولین ننگند ترا با محمد آنگاه می رشتانند در نصرت کفر هر آینه ایشان یکی

مومنان و آنچه اولین نگر دارند شرک نیک می رشتانند در یاری کفر هر آینه ایشان هرگز

يَضُرُّوهُ وَاللَّهُ شَهِيدٌ لِّمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۵ إِنَّا نَحْنُ اللَّهُ لَا يَجْعَلُ لَهُمُ حِطًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمُ

زیان نرسانند خدا را و گاهی خواهد خدا که نهد ایشان را هیچ بهره در آخرت و ایشان راست

زیان نرسانند خدا را چیزی می خواهد خدا که نگر داند ایشان مفادی در آخرت و ایشان راست

عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝۶ إِنَّا نَحْنُ اللَّهُ لَا يَجْعَلُ لَهُمُ حِطًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمُ

عذاب بزرگ هر آینه آنانکه خریدند و کفر را عوض ایمان هیچ زیان نرسانند

عذاب بزرگ هر آینه آنانکه خریدند و اختیار کردند کفر را عوض ایمان هرگز زیان نرسانند

نَسِيًّا وَلَهُمُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝۷ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّكُمُ

خدا را و ایشان راست عذاب دردمنده و گمان نکنند کافران که مهلت دادند

خدا را چیزی و ایشان راست عذاب دردناک و نه پندارند کافران که مهلت دادند

لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا لِيُذَادُوا إِلَهُكُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ

ایشان را بهتر است در حق ایشان جز این نیست که مهلت می دهم ایشان را تا زیاده شوند در گناه جاری و ایشان راست عذاب

باید ایشان بهتر است در حق ایشان جز این نیست که مهلت می دهم ایشان تا نایمیزانند در گناه و ایشان راست عذاب

أَلِيمٌ ۝۸ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُذِلَّ رُسُلَهُ يَنْفِرُونَ عَلَى مَا أُنْزِلَ عَلَيْهِمْ مِنْ

خوار کننده هرگز نه گذارد خدا مسلمانان را بر آنچه اهل گناه شتابند بر آن تا آنکه همانند

خوار کننده نیست خدا که بگذارد مسلمانان را بر حال که شتابند بر آن تا آنکه جدا کند

الْخَبِيثَاتِ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ

ناپاک را از پاک و هرگز مطلع نه کند خدا شما را بر غیب و لیکن خدا

ناپاک را از پاک نیست خدا که مطلع گرداند شما را بر غیب و لیکن خدا

يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تَوَلَّوْا

برمیگزیند از پیغامبران خود هر که خواهد پس ایمان آید بجداد پیغامبران او و اگر ایمان آرید و

برمیگزیند از پیغامبران خود هر که خواهد پس یقین کنید بر خدا و پیغمبرانش و اگر یقین کنید و

خَيْرٌ ١ لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ

دانا است بر آینه شنید خدا سخن آنانکه گفتند که خدا فقیر است و ما

أَغْنِيَا عَنْكَ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ

تو که هم دل خواهم نوشت آنچه گفتید و بنویسیم لشکر ایشان بیهوده را بجا حق و بگویم

ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِّ ٢ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَكَنَ

چشید عذاب سوزنده این عذاب بسبب عملی است که پیش فرستاده است دستهای شما و بدانید که خدا

يُظْلِمُ الْعَبِيدَ ٣ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ الْبَنَاءِ لَا تَوْ مِمَّنْ

ستم کننده نیست بر بندهگان آنانکه گفتند که خدا حکم فرستاده است بپوی ما که ایمان نیاریم

رَسُولٌ حَتَّى يَأْتِيَنَا بَقَرًا يَأْكُلُ النَّارَ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ

بهنیم یا خبر تا آنکه بیاید و ما را قرانی که بخورد آتش و آنچه نزدیک شما پیغامبران

مَنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّكْرِ قُلْتُمْ قُلْتُمْ قُلْتُمْ هُمْ أَنْ كُنْتُمْ

پیش از من مجزه با و آنرا نیز که شما گفتید پس چرا گفتید ایشان را اگر هستید

صَادِقِينَ ٤ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِمَّنْ قَبْلَكَ جَاءُوا

راستگو پس اگر بدو رخ نسبت کردند ترا بدو رخ نسبت کرده شده بودند پیغامبران پیش از تو آورنده

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ٥ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

حجت با ما و محیف با ما و کتاب روشن را هر نفسی چشیده مرگ است

وَالَّذِينَ تَوْفَوْنَ آجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ٦ فَمِنْ زَحْزَحٍ عَنِ النَّارِ

و جزاین نیست که تمام داده خواهید شد مزد خویش را روز قیامت پس هر که دور داشته شد از دوزخ و

أَدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمْتَاعٌ الْعُورِ ٧

آورده شد به بهشت پس هر آینه عمر او رسیده نیست زندگانی دنیا مگر بهر فریبنده

يَتَّبِعُونَ فِي أُمَمِهِمْ أَنْفُسَهُمْ وَكَتَلْتُمْ عَنْ الَّذِينَ أَوْفُوا

البتة آزمایش کرده خواهند شد شمار اموال شما و جان شما و خواهید شنید از آنانکه کتاب داده شده اند

الْكَتَبِ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنْ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَى كَثِيرٌ وَلَئِنْ تَصْبِرُوا

پیش از شما و از مشرکان سرزنش بسیار و اگر صبر کنید

وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ٨ وَإِذَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ

و پیر بخیر گاری نماید هر گز این خصلت از کارهای مقصود است و یاد کن چون گرفت خدا عهد

و پیر بخیر گاری نماید هر گز این خصلت از مقصود است و یاد کن و گوی که گرفت خدا عهد

که انکار دین جاست هر کار از روی نیت انجام بپذیرد یعنی اقام کند که از عذاب الهی اهرامات دهد و به بهشت برساند

١٨

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

٩

الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَنُبَيِّنَنَّ لَهُمْ الْآيَاتِ وَلَا تَكْتُمُونَ فَتُبْنُ وَهُوَ

این کتاب که البته بیان کند کتاب را برای مردمان و به یقین آنرا پس بیاختند آن عهد را
این کتاب را که هر آینه بیان کند آن را بر مردم و پنهان کند آنرا پس بیاختند آن را

وَأَعْلَوْهُمْ وَآشَرُوا بِهِ ثُمَّ أَفْلَحُوا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ

پس بشت خویش و گرفتند و نشان دادند و پنداشتند و پنداشتند و پنداشتند و پنداشتند
پس بشت خود و خریدند بدل آن بهای اندک پس چه بد است آنچه می ستانند

لَا تُحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُوتُوا وَيُجَاهِدُونَ أَنَّهُمْ يُحْمَدُونَ

پندار کس را که شادمان می شوند یا بجای کردند و دوست میدارند که سگود شوند
پندار کس را که شاد میشوند به آنچه کردند و دوست می دارند که ستایش کرده

بِمَا لَهُمْ يَفْعَلُوا فَلَا تُحْسِبْنَهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ إِنَّهُمْ

نه کرده اند پندار ایشان را و خلاص از عذاب و ایشان راست
شوند به آنچه نکردند پس این را ایشان را در خلاص از عذاب ایشان راست

عَذَابِ أَلِيمٍ ۝ وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ

عذاب در دو سه عذاب و خدا است پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر همه
عذاب در و ناک عذاب و خدا است پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اخْتِلَافًا لِّعَلَّ

ایز توانا است هر آینه در آفرینش آسمانها و زمین و آمدن شد
چیز توانا است هر آینه در آفرینش آسمانها و زمین و آمدن شد

النَّهَارِ لَا يَتَذَكَّرُ الْكَافِرُ ۝ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا

و روز نشانی است خداوندان خود را آنانکه یاد می کنند خدا را ایستاده و
و روز نشانی است مر خداوندان خرد را آنانکه یاد می کنند خدا را ایستاده و

وَقَعْدًا أَوْ عَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

نشسته و بر پهلوئی خویش خفته و تامل می کنند در آفرینش آسمانها و زمین
نشسته و بر پهلوئی خویش خفته و تامل میکنند در پیدایش آسمانها و زمین

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا ۖ سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ رَبَّنَا

ای گویند اے پروردگار ما بیافریده این را باطل فلان پاکست ترا پس ایستادار از عذاب آتش را
ای گویند اے پروردگار ما بیافریده این را باطل فلان پاکست ترا پس ایستادار از عذاب آتش را

إِنَّا كُنَّا مِنْكَ نَدِجًا ۖ لَدِّجْنَا بِكَ وَكُنَّا عَلَىٰ قَدْرِكَ ضِعْفًا ۖ لَدِّجْنَا بِكَ

پس آینه تویم که در آری بدوزخ به تحقیق رسوا کردی اورا و نیست
پس آینه تویم که در آری بدوزخ (پس) به تحقیق رسوا کردی اورا و نیست ستم کاران را

أَنْصَارٍ ۝ رَبَّنَا أَنْتَ اللَّهُمَّ مَا نَدِجْنَا بِكَ ۖ لَدِّجْنَا بِكَ وَكُنَّا عَلَىٰ قَدْرِكَ

یاری دهنده اے پروردگار ما هر آنچه ما نداشتیم خداوند را و از طاعت میخواندیم و ایمان را
مددگار اے پروردگار ما هر آینه ستم نداننده را (پس) از طاعت میخواندیم و ایمان را که ایمان را آید

بِرَبِّكَ ۖ فَاَمَّا نَا فَانْفَعْنَا لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا

پس پروردگار خویش پس ایمان آوریم اے پروردگار ما پس بپاازد ما را و در گنایان ما بدست یاری
پس پروردگار تان (پس) ایمان آوریم اے پروردگار ما پس بپاازد ما را و در گنایان ما بدست یاری ما را

وَتَوْفِّقْنَا مَعَ الْاَبْرَارِ ۝ رَبَّنَا وَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ

و تمیزان ما را با پیکاران اے پروردگار ما و به ما را آنچه
و تمیزان ما را با پیکاران اے پروردگار ما و به ما را آنچه و عده کرده ای ما را به واسطه پیکاران خود

وَعَدْتَنَا ۖ وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا ۖ وَتَجْعَلْ لَنَا ذُرِّيَةً يُقَرَّبُونَ بِهَا لَكَ ۖ وَتَجْعَلْ لَنَا ذُرِّيَةً يُقَرَّبُونَ بِهَا لَكَ

و عده کرده ای ما را به واسطه پیکاران خود و عده کرده ای ما را به واسطه پیکاران خود
و عده کرده ای ما را به واسطه پیکاران خود و عده کرده ای ما را به واسطه پیکاران خود

و این یعنی غیرت
بلوغ و الله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه یهود و مسلمان
و باطل بیان می کردند
و شوق می خوردند از
همه بیشتر از ارباب
و صفات غیر خود را
و اینها می کردند
خوش بودند که بگویند
شان کسی ندانند
و از مردم توقع داشتند
که آنها را به بزرگی علم
و یافتن حق برستی
ستایش کنند و متعجب
هم در این عقیده شبیه
آنها بودند
موضع غرور
با خود پنهان
شده آرام می
نشستند و شاد
بودند که خود را چگونه
خلاص کردند و زمانی
که حضرت پیغمبر از
جهاد برمی گشتند
محمود مبارک آمد
نسبت به غیاب
خود از جهاد عذر
بازی دروغ پیش
نی کردند و می خواستند
از زبان حضرت
پیغمبر تعریف خود را
بشنوند این است که
خدا تعالی مهربان
این چیز را در دنیا
آخرت واسطه نمائد
از عذاب الهی شده
نی تواند چنین مردم
ادل و دنیا فقیه
میشوند و اگر در اینجا
بکدام سبب نجات
یافتند و آنجا از آتش
بهرنج تیر نجات می
یابند تنبیه اگر چه
و این آیت پیرو
مناقضین موضوع
بحث قرار داده شده

وَلَا تَحْزَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَأَرْحَلُفُ الْمِعَادَةِ ۝ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ
 ورسوا کن مارا روز قیامت ہر آئینہ کو خلافت و عہدہ کی کئی پس قبول کر دے ایشان را
 ورسوا کن مارا روز قیامت ہر آئینہ کو خلافت کی کئی و عہدہ را (پس) قبول کر دے عا ی شان را

لَهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذِكْرٍ أَوْ أَثَرٍ ۝ بَعْضُهُمْ
 پروردگار ایشان بآنکہ من ضائع نمی سازم عمل هیچ کس از شما از یاد و اثر بچھٹا
 پروردگار شان ہر آئینہ من ضائع نمی گردانیم عمل هیچ کس از شما از یاد و اثر بچھٹا

مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا
 از بعض بعضی است پس آنانکہ ہجرت کردند و بیرون کردہ شدہ از خانہ ہای خویش و رنج خیزہ شدند
 از بعضی است (پس) آنانکہ ہجرت کردند و بیرون کردہ شدند از خانہ ہای شان و رنج خیزہ شدند

فِي سَبِيلِي وَقَتْلُوا أَوْ قُتِلُوا أَلْكَفَرْنَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۝
 در راہ من و جنگ کردند و کشتہ شدند البتہ دور کنم از ایشان گناہان ایشان را و
 در راہ من و جنگ کردند و کشتہ شدند ہر آئینہ دوری کنم از ایشان بدی ہای شان را و

لَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتٍ خَازِنَةٍ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ
 البتہ در آرام ایشان را در باغہا کہ میرود زیر آن جو بہا یاد اعلیٰ از نزدیک خدا
 ہر آئینہ می در ارم ایشان را در باغ کہ میرود از زیر آن جو بہا ثواب از جانب خدا

وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ۝ لَا يَغْرِبُكَ ثَقَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي
 و خدا نزد یک دوست یاد اعلیٰ نیک باید کہ نہ فرمید ترا آمدند شد کافران
 و خدا نزد دوست نیک ثواب فریسا نندہ ترا آمدند کافران در

الْبِلَادِ ۝ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَا لَهُمْ جَهَنَّمُ وَيُنْسِلُ إِلَيْهَا ۝
 در شہر یا این بہرہ مندی اندک است بعد از ان جائے ایشان دوزخ باشد دوسے بد جائے است
 شہر یا این بہرہ مندی اندک است پس باز گشتن شان دوزخ است و بد جائے است عہ

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا لَهُمْ جَنَّاتٌ خَازِنَةٍ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
 لیکن آنانکہ ترسیدند از پروردگار خود ایشان راست پوستا نہا میرود زیر آن جو بہا جاہلیان
 لیکن آنانکہ ترسیدند از پروردگار خود ایشان راست باغہا کہ میرود از زیر آن جو بہا ہمیشہ باشند

فِيهَا نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْكَافِرِينَ ۝ وَإِنَّ مِنْ
 در انجا نازل شد از نزدیک خدا و آنچه نزد یک خدا است بہتر است از آنرا و ہر آئینہ از
 در آن مہا کی است از نزد خدا و آنچه نزد خدا است بہتر است از آنکہاں را و ہر آئینہ از

أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أَتَى
 اہل کتاب کی بہتند کہ ایمان ہی آورند بخدا و آنچه فرود آمدہ شد بسوی شما بالبتہ فرود آورده شد
 اہل کتاب کی بہتند کہ ایمان ہی آورند بخدا و آنچه فرود آمدہ شد بسوی شما بالبتہ فرود آورده شد

إِلَيْهِمْ خَشَعُوا لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۝
 بسوی ایشان فرو گزشتہ کنندگان اند برای خدا نمی ستانند بہ آیات خدا بہائے اندک آن کردہ
 ایشان عاجز می کنندگان اند برای خدا نمی ستانند بہ آیات خدا بہائے اندک آن کردہ

لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۝ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 ایشان راست مزد ایشان نزد یک پروردگار ایشان ہر آئینہ خدا زود حساب کنندہ است اے مومنان
 ایشان راست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان ہر آئینہ خدا زود حساب کنندہ است اے مومنان

اصْبِرُوا وَاصْبِرُوا أَوْ رَاطِبُوا ۝ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝
 صبر کنید و محنت کشید و برای جہاد آمادہ باشید و ترسید از خدا باشد کہ رستگار شوید
 صبر کنید و ثابت قدم باشید و مقابلہ و آمادہ باشید و ترسید از خدا تا رستگار شوید

عہدہ چہ رو بدستہ چہ
 زن ہر کس در بارگاہ
 باطنی نمی شود ہر چہ
 کندنی بیند این باطل
 شرط است زن بیکو
 کار بروقی است حد
 خویش در آخرت بخوابی
 قادیانی کرد کہ مردان
 را نصیب میشود شما
 ای مردان و زنان کہ
 اگر بیک نوع این اند
 و از یک آدم بدیدہ اند
 و در یک رشتہ اسلامی
 منسلک و در یک
 حیات اجتماعی و امور
 معاشرتی اینا بدیدہ
 در احوال و حرمت این
 نیز خورشید را مقتد
 بدانیہ و دین است
 کہ ام سلمہ رضی اللہ
 تعالیٰ عنہا عرض کرد
 ای پیغمبر خدا! پیغمبر
 در قرآن ہجرت و دیگر
 اعمال حسہ ما زنان
 بہ تحقیص مذکور شد
 جواب آن باین آیت
 داده شد عہد آن
 کفار کہ بہرہ دوست
 عہدہ پانزدہ میا ز مہمانی
 فروئی اندوختند
 و بکمی در نند باید
 مسلمانان از ان ہا
 قریب بخوندہ این ہا
 ہر تجملات آتی و دغائی
 است چہ عیش خوش
 است کسی را کہ چہ
 روز باو غذا ماس
 لطیف و مہند پس
 از ان ادرا بدہ کہ شد
 باید زندان را نمی آید
 عیش و گوارا کہ
 ۲۰ راست کہ بہ تحمل
 رنج اندک و سبیل
 آسایش عالی و
 ۱۱ ادبی را تا مین ناید
 بہ بدین سبب

ہا ہی خواندہ شد کہ مہمان در خوردن و نوشیدن اندیشہ نمی داشتہ باشد بر عزت و آسایش می کشیدند و ہر چیز بدون زحمت باو مہیا می باشد

ط در جابلیت
اولهائے دختران
بیتربانندانه
اعمال ایشان را -
بنکاح خودی آوردند
والفائے حقوق نفق
نی کردند عادی تالی
آیت فرستاد ۱۲
یعنی بر سهنادر جبرایله
کرد و اموال ایشان
که حقیقت هر سه تالی
آن منتفع اندر سه صط
یا بواسطه بدست ایشان
داده ضایع نه باید
ساخت و الله اعلم
و یعنی در ایام صبا
و یعنی بالغ شوند
۱۲ یعنی در سفر
ایشان ۱۲ یعنی
و میقیم اگر توانگر
باشند از اموال بنیم
چیز دیگر ۱۳ -
تفسیر عثمانی
۵ از نکاح بایک
زن یا نخواست بربیک
کنیز یا چند کنیز یا جمع
کردن یک کنیز یا
چند کنیز بایک نکاح
از این سخنان توتج
آن است که شاد از
عدل و انصاف مخوف
نشود زیر حقوقی
که زن منکوحه را است
کنیز زن ملوک را
نیست اگر در میان
آنها عادت نکنند
بر شامو افند نمی
باشد کنیز را مهر نیست
در معاشرت آنها را
کدام حد متعینی ندارد
فائده با مردیک چند
نزد دارد بروی او
است که خود را که
و پوشاک و نوبت با
شمار سادات و
برابری نماید که
مسادات نمی کند و قیامت

سُورَةُ النِّسَاءِ مِذْنِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ سَبْعٌ وَسَبْعُونَ آيَةً وَ أَرْبَعٌ وَ عَشْرُونَ كُتِبَتْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَكُمْ وَ ابْنٌ مِنْهَا رَجُلٌ وَ ابْنٌ مِنْهَا أُنثَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي

اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَكُمْ وَ ابْنٌ مِنْهَا رَجُلٌ وَ ابْنٌ مِنْهَا أُنثَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي

تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامُونَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ۝ ۱ وَ اتَّقُوا اللَّهَ

أَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَاتِ بِالطَّيِّبَاتِ ۝ ۲ وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى

أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا ۝ ۳ وَ أَنْ خِفْتُمْ أَلا تَقْسِطُوا فِي الْيَمِينِ

فَأَنْكِحُوا طَلَبَاتِ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنْ شِئْتُمْ وَ ثَلَاثٌ وَ رُبْعٌ ۝ ۴ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلا

تَعْدُوا أَفْوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعْدُوا ۝ ۵ وَ اتَّقُوا

النِّسَاءَ صَدُقْتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا

فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا ۝ ۶ وَ لَا تَوَدُّوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالُكُمْ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ

لَكُمْ قِيَامًا وَ ارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝ ۷ وَ

ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا

إِلَيْهِمْ مِمَّا رِزَقْتُمْ إِيَّاهُمْ بِطَيِّبَاتٍ ۝ ۸ وَ إِذَا بَلَغَتِ الطِّفْلَةُ النِّكَاحَ فَادْفَعُوا

إِلَيْهَا مِمَّا رِزَقْتُمْ إِيَّاهَا بِطَيِّبَاتٍ ۝ ۹ وَ إِذَا بَلَغَتِ الْمَرْءُ النِّكَاحَ فَادْفَعُوا

الْيَهُمُّ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا ۚ وَ

باید آن اموال ایشان را در خوردن آن اموال را با اسراف و دستاویزی از ترس آنکه بزرگ شوند و

مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ ۚ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ

هر که باشد تو غنی پس باید که پرهیزگاری کند و هر که فقیر باشد پس باید که بخورد

بِالْمَعْرُوفِ ۖ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَنْشُدُوا عَلَيْهِمُ

بوجه پسندیده پس چون رسانید اموال ایشان را بخواه گیرید بر ایشان

وَكُفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ۝ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

و پس است بحقیقت خدا حساب کننده مردان را حصه است از آنچه بگذارند پدر و مادر

وَالْأَقْرَبُونَ ۚ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

و خویشان و زنان را نیز حصه است از آنچه بگذارند پدر و مادر

وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ ۚ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ۝ وَإِذَا

و خویشان از آنچه کم باشد از مال یا بسیار حصه مقرر کرده شده و چون

خَضَرَ الْقُسْطَ أَوْ لَوَّ الْقُرَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالسَّيْكِينَ فَاذْكُرْهُمْ

حاضر شوند نزد یک هست میراث خویشان و یتیمان و گدایان پس بپسند ایشان را

مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝ وَلِيخَشِ الَّذِينَ فِي بُيُوتِكُمْ

چیز از آن و بگویند بایشان سخن پسندیده و باید که بترسند آنانکه اگر بگذارند

مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّتَهُ ضَعْفًا حَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ

بند خود اولاد تا توان را خائف باشند بر ایشان که ضایع شوند پس باید که از خدا بترسند

وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ

و باید بگویند سخن راست هر آنچه آنانکه میخورند اموال یتیمان را

ظُلْمًا إِنَّهَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ۝

ظلم جزین نیست که میخورند در شکم خویشان آتش را و زود می در آیند

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلَّذِي يُلَدُّ ذَكَرًا فَالْغُلَامُ نِصْفٌ ۚ وَلِلَّذِي يُلَدُّ

مهر می کند خدا در حق اولاد شما که مرد است مانند حصه و زن پس اگر اولاد

نِسَاءً فَوَاقِ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثَلَاثُ أَثَرٍ ۚ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ ۚ

مرد مردان باشد از دو پس از آن راست دو سهم است از آنچه هست و اگر باشد موله سه سهم است از آن

فصل پنجم مردان و زنان
هر دو حصه دارند و تفاوتی
مالی که باشند بود یا
بسیار در زمین و است
برای جالبیت که
زنان را حصه میدهند
۱۳ و این خویشان
غیر وارث و این
بهر طریق استحاب ۱۲
و این آنکه مال و
دست باشد و بوجه
و حصت کنند که اولاد
را حاضر رسد این
مقرر است در شرع
سوم حصه مال یا کم
از آن و الله اعلم ۱۱
و هر چه جز گوید حکم
دو دختر نیز مثلشان
است و الله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
ع در اشای حضور
افراد خانواده برای
تقسیم میراث اگر در میان
آنها خویش و نامی
باشد که آنها میراث
نرسد یا شیم و محتاج
باشند آن با طعمای
داده و رضعت کنند
و صاحب موقع از تر
که نیز آن با چیزی
پسند این و فقیر
مستحب است اگر
در مال متروک و اذن
عالم یا چیزی و بجه
و احتجاب ایشان
۱۱ باشد مثل مال
۱۲ متروک که انشیم باشد
و حصت نیز در آن
و حصتی نکرده باشد
آن با سخن معقول
و حضرت دمیید یعنی
نری و از محب و ریت
خود قدر کند که مال
کوک بدرده است
و حصت نیز و حصتی بجه
در آغاز صوره گفتند
که خویش و طعمای
مستحق ملوک و رعای
دستگاه نیز چنین
و مسکین که قربت
و در در ملک آن
مستحق است و تمام
تقسیم میراث حتی
الامکان باید ایشان

دل معنی باقی بران

بدر است ۱۲ و

یعنی برادران یا خواهران

حصه مادر ناقص

نیسانند اگر چه خود

چیز نیامد دیک

برادر و دیک خواهر

ناقص نمی سازد

الله اعلم ۱۲ و

یعنی اگر وصیت با

نخست ادای وصیت

کنند و اگر دین باشد

نخست ادای دین

کنند ۱۲ و معنی

کلام آخرت که پدر

فرزند ندارد ۱۲ و

یعنی اخای ۱۲ و

یعنی وصیت که زیاده

از ثلث بود اعتبار

ندارد و الله اعلم ۱۲ و

تفسیر عثمانی

ع اکنون میراث

پدر و مادر و برادر

صورت بران می کند

اول که وصیت اولاد

داشت باشد بر

یا دختر حصه ششم مال

متره که به میراث از

پدر و مادر می رسد

ع صورت دوم این

است که وصیت یکی

اولاد نداشته باشد

تنها پدر و مادر و

اد باشد یک ثلث

مال متره که به مادر

و دلت باقی مانده به

پدر می رسد سه

صورت سوم این است

که وصیت بیشتر از یک

برادر و خواهر داشته

باشد چه این با حقیق

باشد چه صرف در پدر

یا در مادر و یک یا

وصیت اولاد نداشته

باشد حصه ششم مادر

میرسد و بقیه باقی مانده

پدر داده میشود برادر و خواهر را چیزی داده نمی شود

وَلَا يُؤْتِيهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشَّدُوسُ مَا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ

و هست پدر و مادر میت را هر یک را از ایشان ششم حصه از آنچه بجا داشته است اگر باشد میت را فرزند

و مرد پدر و مادر میت را برای هر یک از آن دو شش یک است از آن مالی که گذاشته اگر باشد میت را فرزند

فَإِنْ لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوهُ فَلَا مِيرَاثَ لَهُ فِي ثُلُثِ مَالِهِ إِنْ كَانَ لَهُ

پس اگر نباشد او را فرزندی و وارث او پدر و مادر او شوند پس هست مادرش را سوم حصه و پس اگر باشد میت را

اَخُوهُ فَلَا مِيرَاثَ لَهُ فِي ثُلُثِ مَالِهِ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوهُ فَلَا مِيرَاثَ لَهُ فِي ثُلُثِ مَالِهِ

برادران هست مادرش را ششم حصه و این تقسیم بجا دای و وصیتی است که میت بآن فرموده یا بجا داد است و این

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

و برادران شش یک است بجا دای و وصیتی است که کرده به آن یا بجا دای پدران شش

جَنَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ
 زیر آن جویها جاودان در آنجا و اینست مطلب یابی بزرگ
 در باغها که میرود از زیر آن جویها جاودان در آن و این است کامیابی بزرگ
 وَمَنْ يُعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَ مَا رَزَاخَالِدًا
 و هر که نافرمانی کند خدا و رسول او را و تجاوز کند از حدی که او را رزاد
 و کسی که نافرمانی کند خدا و پیغمبرش را و تجاوز کند از حدی که او را رزاد
 فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝ وَالَّذِينَ يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِهِمْ
 آنجا داد است عذاب رسوا کننده و از زنان شما آنانکه زنا می کنند
 در آن و مردار است عذاب ذلت آور و زنا کنند از زنان شما
 فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ أَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ قَوْان شَهِدُوا قَامُسَكُوهُمْ
 پس گواه طلبید بر ایشان چهار مرد از جنس خویش و اگر گواهی دادند مجبور کنید ایشان را
 پس گواه طلبید بر آنها چهار مرد از جنس اگر گواهی دادند پس عیس کنند آن را
 فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَقَّعَ الْبُيُوتِ أَوْ يُجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا
 در خانه تا آنکه عمر ایشان تمام کند مرد یا مقرر کند خدای تعالی برای ایشان راهی
 در خانه تا آنکه عمر ایشان تمام کند مرد یا مقرر کند خدای تعالی برای ایشان راهی
 وَالَّذِينَ يَأْتِيهِمْ مِنْكُمْ فَادُّوهُمْ فَأَنْ تَابُوا وَأَصْلَحُوا فَأَعْرَضُوا
 و آن دو کسی که زنا می کنند از شما پس از او پشیمانان را پس اگر توبه کردند و اصلاح کردند پس اگر توبه کردند و اصلاح کردند
 و آن دو مرد که زنا می کنند از شما پس از او پشیمانان را پس اگر توبه کردند و اصلاح کردند پس اگر توبه کردند و اصلاح کردند
 عَنْهُمْ إِنْ كَانَتْ تَوَّابًا رَحِيمًا ۝ إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ
 از گنای ایشان به این خدا هست باز گرفته توبه ایشان و جز این نیست که توبه قبول توبه بر خداست برای آنکه
 از شما هر آینه خدا پذیرنده توبه مهربانست جز این نیست که قبول توبه بر خداست از روی فضل برای کسی
 يَعْمَلُونَ الشُّعْرَ بِهَا لَمْ يَتَوَقَّعُوا مِنَ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ
 که می کنند معصیت بنادانی بعد از آن توبه کنند در نزدیکی و پس آن گروه برگشت باز می گردد
 که می کنند معصیت بنادانی باز توبه می کنند در نزدیکی (پس) آن گروه می بخشند
 اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَلَيْسَتْ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ
 خدا بر ایشان و نیست خدا داناستوار کار و نیست و عده قبول توبه آن که آن را
 خدا بر ایشان می پذیرد و توبه ایشان را و است خدا داناستوار کار و نیست قبول توبه بر کسی را
 يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا احْضَرَهُ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِلَى رَبِّي
 که می کنند معصی تا آنکه که پیش آید کسی را از ایشان امری گفت هر آینه من توبه کردم
 که می کنند بدی تا آنکه که فرارسد یکی از ایشان را امری گویند هر آینه من توبه می کنم
 لَنْ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كَافَرًا أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا
 اجمال دهنه آن کسان راست که کافر میزند این گروه آماده سزا عظیم برای ایشان عذاب
 انون دهنه آن کانی را که می میرند در حالی که ایشان کافر باشند آن گروه همیایا کرم ایشان را عذاب
 إِنَّمَا يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِالْإِحْسَالِ لَكُمْ أَنْ تَرَوْا النِّسَاءَ كَرَاهًا
 در همه آن ایست حوتمان حلال نیست شمارا آنکه میراث گیرید از زنان را و ایشان را خوش بخت
 در همه آن ایست حوتمان حلال نیست شمارا که میراث گیرید از زنان را بزرگسختی و
 لَا تَقْضُوا لَهُمْ لَنْدَ هَبُوا بَعْضُ مَا أَنِيْمُوهُمْ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ
 منع کنید ایشان را از ندادن تادیه پس آنچه داده اید ایشان را و بپسندید که کار بد
 منع دارید ایشان را از ندادن تا باز ستانید چیزی که داده اید ایشان را مگر که کار بد حیاتی

طایفه ای از مسلمانان
 و بعد از این آیت
 خدا تعالی را به مقود
 کرد و آن رجم شد
 بکرامت پس همان
 صفت نیست و الله اعلم
 و این آیت مجمل
 است و در حدیث
 مذکور شد که کبریا
 ۱۳۱ عدد از آن را بدو
 ثوب و حراره بپای کرده
 عید و بخت تازیانه
 و التماس علم و کمال
 پیش از حضور مرگ
 و اهل جاهلیت نماند
 نیز از جلد ایشان میداند
 و اینست اگر خواستید
 و نوح خودی آورده
 از خواستی منع می کرد
 با چنین نوح که نماند
 مهر و نوح تعالی
 این آیت فرستاد
 و این یعنی از نوح بر
 خواسته ۱۲ و این
 کابین که قریب است
 داده است الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 عده بدو توبه می پذیرد
 که خداوند بواسطه آن
 جزای بزرگ چون زنا
 و لو طاعت را نیز می
 بخشد چنانچه در
 آیت سابق گذشت
 اما باید در نظر داشت
 که خدا در اصل آنچه
 توبه کسانی را بر جهت
 فعل خویش قرار داد
 که بنادانی گناه صغیر
 یا بسبب از ایشان سر
 زده باشند و پس که
 بر سیئات اعمال خویش
 آگاه شده اند از آن
 نام و تاب گردیده اند
 البته چنین خطا را
 خداوند می بخشد خدا
 عالم السوء و الخفیات

ست دی و اگر کدام کس بنادانی گناه کرده و اگر از سر مدتی توبه نموده خدا با رحمت است هر توبه که بخواهی بکنی او است و این جواب می گردد

فتح الرحمن
 و لا یغنی مال یکدیگر
 بنای حق نباید خود و
 گناه کبیره آنست که
 بران حد مشروط
 شایا و عده و درخ
 کرده آمد یا بفرستی
 شد در قرآن یا مست
 میجو و هر که از گناه
 اجتناب کند صغائر
 او را نماند و دوزخ و
 عده تا مالدی سازد
 و الله اعلم بالصواب
 حلیف و اراعت
 کردن یا وصیت کردن
 میتواند الغنا نادر
 میراث دخل نیست
 و میراث برای اقربا
 مقهور کرده شد و الله
 اعلم بالصواب
 انک مردان در اصل
 جبلت بهتر اند از
 زنان ۱۲-
 تفسیر عثمانی
 ع خدا انسان را
 ناتوان آفریده و به
 حضرت وی روشن
 است که این مخلوق
 ضعیف بر شہوات
 و تمایلات خویش تاجر
 تند میرود و می تواند
 لهذا در هر عملی تخفیف
 ملحوظ داشته چنان
 نیست که هر چه انسان
 با سودمند افتد چه
 آسان و چه سخت
 بروی تحصیل کرده
 شده باشد مثلاً تکیه
 از شہوت زن ۵
 بر مرد پس ۶
 و شہود بود ۷
 برای انجام ۲
 خواستش و خداوند
 طریقه های مانعی
 و ان خود است که
 از ان مطلب خویش
 را حاصل نمایند
 انکه وی را از تمام

وَاللّٰهُ يُرِيدُ اَنْ يَّتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيكَ الَّذِيْنَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ
 و خدای خواهد که برتوبت باز گردد بر شما و می خواهد که آنانی که پیروی شهوات کنند
 و خدای خواهد که متوجه شود بر شما (برتوبت باز گردد) و می خواهد که آنانی که پیروی می کنند شهوات را
 اَنْ تَسِيئُوا مِثْلَ عَظَمَةٍ ۝ يُّرِيدُ اللّٰهُ اَنْ يَخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ
 که بخردی کنید بخردی عظیمی خواهد خدا که سبک کند از شما و انسان
 اگر شما بخردید از راه بستی دور می خواهد خدا که سبک کند از شما و ۲ آمده شده انسان
 الْاِنْسَانَ ضَعِيفًا ۝ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا لَا تَكُلُوْا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ
 طعيفت آفریده شده است اے مومنان بخورید اموال خود را در میان خویش
 نالوان اے مومنان بخورید اموال خویش را در میان خویش
 بِالْبَاطِلِ اِلَّا اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوْا
 بنای حق و لیکن بخورید و قتی که آن دادستد تجارت باشد بد رضامندی یک دیگر از شما و مکتب
 بنای حق مگر که باشد تجارت بخوشنودی یک دیگر از شما و مکتب
 اَنْفُسَكُمْ ۝ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيْمًا ۝ وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ عُدُوًّا وَاَنَافًا
 خویش را هر آینه خدا هست لایق مهربان و هر که چنین کند بتقدی و
 خویش را هر آینه خدا هست بشما مهربان و هر که کند این کار را به تعدی و
 ظُلْمًا فَسَوْفَ نَصْلِيْهِ نَارًا وَاَوْ كَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرًا ۝ اِنْ
 تم در آید نفس بدوزخ و این بر خدا آسان است اگر
 ستم (پس) زود بیگشیش در آتش و هست این بر خدا آسان اگر
 يَخْتَبِعُوْا كَيْدًا فَكَيْدُهُمْ عَنْهُ ۝ يَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدَّ خُلُقَهُمْ
 است از کنید از کید است منیبات نابود سازیم از شما صغائر شمارا و در آیم ستم را
 شما اجتناب کنید گناهای بزرگی را که پی کرده شده اید از ان (دور گردانید از شما) به طعنه گناهایان صغائر شمارا و در آیم شمارا
 فَاَوْفُوا بَعْدَ اٰمَانِكُمْ ۝ وَلَا تَقْتُلُوْا اَنْفُسَكُمْ ۝ فَضَّلَ اللّٰهُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ
 بعمل گرامی و متقین کنید مرتبه را که خدای تعالی بآن بزرگی داده بعضی را از شما بر بعضی
 در مقام گرامی و تمنا کنید آنچه را که برتری داده خدا به آن بعضی شمارا بر بعضی
 لِلرِّجَالِ نَصِيْبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوْا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيْبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَسْءَلُوا
 مردان را هست بهره از آنچه حاصل کرده اند و زنان را هست بهره از آنچه حاصل کرده اند و سوال کنید
 مردان را حصه است از آنچه اکتساب کرده اند و زنان را حصه است از آنچه اکتساب کرده اند و سوال کنید
 اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ ۝ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ۝ وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا
 بجناب خدا از بخشایش او هر آینه خدا هست همه چیز دان و مقرر کردیم و ارمان
 بر جناب الهی از بخشایش او هر آینه خدا هست بر هر چیز و انا و برای هر کس مقرر گردانیم و ارمان
 مَوَالِيْ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْاَقْرَبُوْنَ ۝ وَالَّذِيْنَ عَقَدَتْ اَيْمَانُكُمْ
 برای هر چیزی از آنچه گذاشته اند پدر و مادر و خویشان و آنیکه شما را بر مواضع است عهد شما
 از آنچه گذاشته مادر و پدر و نزدیکان و آنیکه را که بسته است عهد های شما
 فَاتُّوْهُمْ نَصِيْبَهُمْ ۝ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ۝ اِنَّ الرِّجَالَ
 پس بدیدید ایشان را بهره ایشان هر آینه خدا هست بر همه چیز حاضر و آن مردان ندیدید کار کنند
 (پس) بدیدید ایشان نصیبشان را هر آینه خدا هست بر همه چیز حاضر و گواه مردان
 فَاَوْفُوا عَلَى النِّسَاءِ ۝ فَضَّلَ اللّٰهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ ۝ وَلِيَمَّا اتَّفَقُوا
 مسطر شده اند بر زنان بسبب آنکه فضل نهاده است خدا بعضی آدمیان را بر بعضی بسبب آنکه هر یک کردند
 مسلفند بر زنان بدان واسطه که برتری داده خدا بعضی شان را بر بعضی و بدان واسطه که خرج کردند
 اِنْ شَاءَ اللّٰهُ ۝ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ۝ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ۝ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ۝

مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَةُ قَدِ انْتَهَتْ حِفْظُهَا لِلْعَبْدِ مَا حَفِظَ اللَّهُ لَهُ

از اموال خویش پس زنان نیکو کار فرمانبردارند نگاه دارند اندک در غیبت زوج به نظر پدر است خدا حق
از اموال بای خویش پس زنان نیکو کار فرمان بر نگذارند اندک مال و برادر را در غیاب شوهر به سبب حفاظت خدا

وَالَّتِي تُخَافُونَ نَسْوَهُمْ فَفِعْظُهُمْ وَأَنفُسُهُمْ فِي الصَّاحِجِ وَ

و از نایب می فرسید از بدخوی شان رسیند و پیدایشان را و جدا کنند ایشان را در خواب گاه و

صِرَاطِكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
مُتَّبِعًا

بر نبد ایشان را عداوت (پس) اگر اطاعت کنند بخش مکنید بر ایشان راه الزام را هر آینه خدا

بیت بلند مرتبہ بزرگ قدر و اگر معلوم کر اید اے حاکمان مخالفت میان زن و صوفیہ ہیں معین کنید صلیب کار گرانہ خدیو

وَحَكِيمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنَّ إِلَهُنَا أَعْلَمُ بِمَا تُكَلِّمُونَ

صلی کاره از خویشان زن اگر این صلح کاران بخواهند صلح را التیمو افت کند خدا در میان ایشان سر آمدی به خدا
منصلی از اقارب زن اگر بخواهند از دو منصف اصلا التیمو افت کند خدا در میان ایشان سر آمدی به خدا

عَلِيمًا خَبِيرًا ۝۲۷ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۚ وَبِآلِهِ الدِّينُ

و پیرستید خدا را و شریک او مقرر کنید چیز را و به پدر و مادر
و پیرستید خدا را و انباش مگر دانید با او چیز را و به پدر و مادر

حَسَنًا وَرِزَى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَ

و کدایان و بیهوشانند و
شوکاری کنند و به خویشتن اندان و به پنهان و به نیازمندان و به همایه قریب و

بِحَا الْجَنْبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَمْلُوكَتِ إِيْمَانِكُمْ

بسیار بیگانه و به هم نشین نزدیک و مسافر و آسج مانگ آن شد دستهای شما این کینه خندان

این آیه خدا و مرگ ندارد کسی را که باشد متکی بر خود ستائیده و دوست ندارد آنان را که بخل می کنند و مردمان را

وَلَا تَقْرَأُوا لَهُمْ فَاكِهَ كُنُوزِهِمْ لَقَدْ حَرَّمُوا عَلَيْكُمْ فَاكِهَ كُنُوزِهِمْ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ

بجای میفرماید و می پوشند آنچه خدا داده است ایشان را از فضل خود و آماده ساخته ایم

لَكَفَرْتُمْ عَذَابًا مُهِينًا ۝ وَالَّذِينَ يَنْفَقُونَ أَمْوَالَهُمْ

برای کافران عذاب رسوا کننده و آنان را که خرج می کنند اموال خود را برای نمودن عذاب ذلت آور و کسانی که خرج می کنند ملای شان را برای نشان دادن

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ

مردم و ایمان نمی آرند بخدا و نه بروز آخرت و کسی که با شیطان

وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

پس ای یاری است شیطان و چه ضرر است بر ایشان اگر ایمان می آورند سجدا و روزی ستا چهر

است در محالّات زنان بدگمان مباشید و به گناه اندک سنّرای بزرگ مدیدید هر گناه هدی دارد و زدن در مرتبه آخرین است ۱۲-

1000

ولى يعنى مال و آبرو و
 ۱۲ الف در اين آيت
 بيان فرمود که مرد قرآن
 رواست بسبب فضل
 جليل و بسبب اتفاق
 وزن و حال محسوسه
 است که قرآن را دري
 کنند و حفظ مال نايه
 والله اعلم ۱۳ ح
 يعنى مباشرت مکنيد
 فعل يعنى حيله اينها
 دادن محسوس مکنيد
 والله اعلم ۱۴ و سبب
 غلامان و گزيه کان ۱۵
 تفسير عثمانى
 عا بر گاه زنى باشو
 پرش بدخوى و سبزو
 کند و لا شوهر بزيان
 بپماند و پند و دگر
 اصلاح نشود در مرتبه
 دوم مرد در همان خانه
 جدا نخواهد اگر باز هم
 پذيرد در مرتبه سوم
 او را بزنند اما چنانکه
 نشان ضرب با نديا
 استخوان وى بشکند
 بر تقيصرى مرتبه يک
 که باقى آن تا ديب
 و تبديه به عمل آيد و پسر
 مرتبه در اين آيت مذکور
 است - زدن مرتبه
 آخرين است در گناه
 مذکور زدن چنانکه
 نيست و در قصه
 ضرب باک ندارد اما
 سبب چنان شکند و پسر
 در خانه باقى نماند عا
 اگر زن با پند و بجزا
 ضرب از بدخوى و نا
 طراني باز آيند و طاهر
 نشاء مطيع نشود نشاء
 بپس گنبد و گناه
 ن باز ابدل بگيرد و
 خدا بترسيد و در
 مذهب از ان آنها شديده
 مبر بپس نشاء غلب

وَأَنْقَضُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

وخرجه می گوید از آنچه خدا داده است ایشان را و هست خدا بایشان دانا و هر آینه خدا ستم کننده

وخرجه می گوید از آنچه داده بایشان خدا و هست خدا به ایشان دانا هر آینه خدا ظلم نمیکند

مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يَّضْعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ

وزن ذره و اگر آن عمل نیکی باشد و چندان کندش و بدید از نزد یک خود

بوزن ذره و اگر باشد نیکی و چند میگرداند آنرا و میدهد از نزد خود

أَجْرًا عَظِيمًا ۝ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ

مزد بزرگ پس چه حال باشد آنگاه که بیاریم از هر قوم گواهی را و بیاریم ترا

أَجْرًا عَظِيمًا (پس) چگونه است آنگاه که بیاریم از هر امت گواهی را و بیاریم ترا

عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ۝ يَوْمَ يَدْعُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ

گواه بر این امت آن روز آرزو کنند آنرا که کافر شدند و نافرمانی پیغمبر کردند

بر این با گواه آن روز آرزو کنند کسی که کافرند و فرمان بده اند پیغمبر را

لَوْ كُنُوا يَفْقَهُونَ ۝ وَلَا يَكْتُمُونَ لِلَّهِ حَدِيثًا ۝ وَإِنَّ الَّذِينَ

کاش بر ایشان زمین را بخوار کرده شود و بیورشند از خدا هیچ مخفی اے مومنان

کاش برابر شود به ایشان زمین و پوشیده نتوانند از خدا هیچ مخفی را اے مومنان

أَمَنُوا إِلَّا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَ

بنماز نزدیک مشوید حال آنکه شما مست باشید تا آنکه بفهمید آنچه بر زبان می گوید و تا

به نماز نزدیک مشوید در حالیکه شما مست باشید تا آنکه بدانید آنچه را می گوید و نزدیک مشوید

لَا جُنْدًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرَضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ

بنماز نزدیک مشوید در حال جنابت تا آنکه غسل کنید مگر آنکه مریض باشید و اگر بیمار باشید یا مسافر

به نماز در حال جنابت مگر آن گاه که روان باشید براه مسافر تا وقتیکه غسل کنید و اگر بیمار باشید یا مسافر

أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ يَجِدُوا مَاءً

یا بیاید کسی از شما از جای ضروری یا مباشرت زنان کنند و نیابند آب را

و نیابند آب را یا بیاید یکی از شما از قضای حاجت یا مباشرت کنند با زنان (پس) نیابند آب را

فَتَيَسَّرُوا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِمْ فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

پس قصد کنند بر زمین پاک پس مسح کنند بروی خویش و دستهای خویش هر آینه هست خدا

اراده کننده زمین پاک را (پس) مسح کنید به رویای تان و دستهای تان هر آینه خدا هست

عَفْوٌ أَعْفُوا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتُرُونَ

عفو کننده بخشاننده و ایانیدید کسی که داده شده اند بهره از کتاب یعنی یهودی ستانند

عفو کننده آمرزگار ایانیدید یهودی کسی که داده شده اند حصه از کتاب می خرند

و لا یفقهون ان الله

نامی و نشانی مانند

و این حکم قبل از تحریر

فرمود بعد از آن مستی

با نظیر حرام شد و الله

اعلم و مستی مگر

که خدا می عذره جل و

بهر دو تو خدا و قبح

ایشان آیات در کتاب

و بعضی بر زبان

حال و تفسیر عقلانی

عده در این آیات

بیان بعضی از قبلا

و دسالیس بهر دو است

بهر دو اگر کفر و

کفری شان و

دیگران را به

اختلاف از آن باطل

می نماید چنان که از

ان الله لا یفقهون

کاف مختلا فخره

یا ایها الذین آمنوا لا

تقرؤا الصلوة

معایب بهر دو مگر آنست

است در میان بنابر

مناسبت مخصوصی

ادای نماز در حال

مکروه جنابت همانست

شده و اینک باز می

قباحت بهر دو است

یهودی از کتاب

یا تقدیر یعنی کلمات را

برای خواندن فراموش کنند

انما عمل آن که قصه

اصیبت اعراض

نمودند و گریه را

خریدند یعنی احوال

او همان پیغمبر از آن

را برای حصول عزت

و نه افرام نمودن پول

رشوت پنهان می

دارند خود را به بخار

انگشت میخوانند مطاع

نیز از دین بگردند و

گاه شوند ای مسلمانان

خدا دشمنان شمارا

غریب ستانند اما شایسته

مصرف آنها را هر عجزید

بفرمان خدا اطمینان کنید

و از آن با عذر نماید خدا

و نداند بکیر متعال برای

رفع و نگهبانی شایسته

لقص و زحمت کافیت

وَرَاعُوا لِيَا السِّنْدِيَّهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا

در امای پیشین در میان خویش و طعنه یزید و دین و اگر ایشان گفتند که شیخیدم
و می گویند را عا در حال پیشیندن بزبان مای خویش و در حال طعنه و اسلام و اگر ایشان می گفتند شیخیدم

وَاطْعِنَا وَاسْمِعْ وَأَنْظِرْ نَالِكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمًا وَلَكِنْ

و در آن بزرگوار می فرمود: و بجای آنکه میرزا اسحق بن محمد در و بجای رعایت الظاهر آید بود بهر ایشانرا و درست تر و زیاده
و اطاعت کردیم و بشنو و نظر کن باینکه بودی بهتر باشند و درست تر و لیکن

لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٥٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

لعنت کر دے ایشان خدا بہ سبب کفرشان (پس) ایمان نہی آرند مگر اندکے ۵

اَوَلَا الْكِتَابَ اٰمَنُوا بَيِّنَاتٍ لَّنَا مُصَدِّقًا لِّهَا مَعَكُمْ مِّنْ قَبْلُ اَنْ

اہل کتاب ایمان آرید یا پچھو وود آوردیم باور کنندہ آنچه یا شہادت پیش از انکہ
اہل کتاب ایمان بیاورید یا پچھو فرستادیم و رہا یک تصدیق کنندہ است آنچه را کہ یا شہادت پیش از انکہ

نُطِيسُ وُجُوهاً فَانْرُدَّهَا عَلَيَّ اَدْبَارُهَا اَوْ نُلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا

محققین صورت روی بارادیس بجزوان پیش بر شکل پشت روی پایا لغت کیم ایشان را چنانکه لغت کردیم
محقق کردیم صورت روبا (لین) میگردانیم روی مای شان مر لشت پایا لغت کینم ایشان را چنانکه لغت کردیم

أَصْحَابِ السَّبْتِ ۖ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

اول شنبه را و هست اراده خدا کرده شده هر آینه خدا
 اول روز شنبه را و هست حکم خدا کرده شده هر آینه خدا

شِرْكًا بِهِ وَيُغْفَرُ مَا دُونَهُ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ شَرَكَ بِاللَّهِ

ادرا شریک مقبره کرده بود و می آمدند غیر آن هر که خواهد و هر که شریک خدا را مقبر کند
شریک گردانده شود و او می آمدند ماسوا، مشیول سرکه که بخاند و سرکه شرب که در خنجا

فَقَدْ أَفْتَرَىٰ إِشْعَاقُهُ ٦) أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْكُونَ أَنْفُسَهُمْ

هر آینه آفریده است بکفایت بزرگ آیا ندیدی بسوی کس اینکه ستایش می کنند خود را

[illegible]

بلکه خدا ستاننش می کند هر که را خواهد و دستم کرده نخواهند شد مقدار رسته به بین چگونه

طوبى لمن كان له من الدنيا حظ

مے بندند بر خدا دروغ را و این گنہ آشکارا پس است و

این کتاب شرح آیات دیدنی است

کتاب که بهره از کتاب داده شدند معتقدی شوند بت را و معبود باطل را و

سینه داده شده بایست که حصه از کتاب ایمان می آرند بر بستان و شیطان و

می گویند در حق مشرکان که ایشان راه یافته تراند از سیکانان و

ی گویند که کافران که این مردم راه پابنده تراند از مسلمانان (در طریق)

ایمان آن گروه اند که تحت سرور ایشان را خدا دهر که خدا تحت کنش پس سخاوتی یافت مراد از پاری دینده

ان کردہ کاستے می باشند کہ لعنت کردہ بر ایشان خدا و کسی را که لعنت کند خدا پس بر هر می یابی ادا مددگار

از بهر کار ملک اسی قبیل از این جنس، تفرات خود داری کرد نداده از تحت جدا خود ما می شد اند بن سزا و بهر این جور سی اسلحه هم از

مل نفی کوی است که
بر پشت خسته خراب باشد
فلان دین است اشد
است بقصد عثمان مجی
که مفتوح کعبه از دست
و سگر قند و مردمان
آزار از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و سلم طلب
کردند آن حضرت قبول
نموده بخیان برود فرمود
تفسیر عثمانی
علا به و خیال خود
پیغمبری و سیادت نبوی
را امیرات خویش
میدادند و تنه
خود را سزاوار آن می
دانستند انما عیبه
عرب را عاری
نمودند و
گفتند اگر چندی
پادشاهی دیگران
باشد با آن نادر آخر
ازان است این
آیت و ران باره فیه
آیه طلب آیت این
است کجا بود از
سلطنت بهره و دگر
ندارد اگر بود و دگر
گردد به انداز خود
در آنند که چکی که بر
پشت خسته خراب باشد
چیزی نمیدهند یعنی چنان
نمیشوند که در سلطنت
خویش نیز کوچک ترین
چیزی را به بیوای نمی
دهند عدا خدا همیشه
خانواده ابراهیم را
بزرگی داده و اکنون
نیز این بزرگی در
خانواده ویست بر که
بدون دلیل و خاص
از وی جدا و ا
نیاید آتش سوزان
دور بر سوختن آن
وی کافیت است
در آیت گذشته و که
مومن و کافر بعد از اینک

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذْ الْأَيُّوُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ۝ أَمْ
آیا ایشان را هست بهره از بادشاهی پس آن بنده اند مردمان مقدار نفی و فلان
آیا ایشان را هست حصه از پادشاهی پس آن بنده اند مردمان مقدار نفی و فلان
يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَاهُ
حسد می کنند بر مردمان بر آنچه داده ایشان را الله تعالی داده است از فضل خود پس هر آنچه ما دادیم کسان
حسد می کنند بر مردمان بر آنچه داده ایشان را الله تعالی داده است از فضل خود پس هر آنچه ما دادیم کسان
أَبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ۝ فَمِنْهُمْ مَنْ
ابراہیم را کتاب و دانش و دادیم ایشان را پادشاهی بزرگ پس از کفار کسی هست که ایمان آورد
ابراہیم کتاب و علم و دادیم ایشان سلطنت بزرگ (پس) بعضی از آنها جاسوسان کایان آورده اند
بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَى بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ
بآن کتاب و از ایشان کسی هست که باز ایستاد از وی و کفایت است دوزخ آتش از خود بر آید کسایک
بآن و از آن کسی می باشد که باز ایستاد از وی و کفایت است دوزخ آتش از خود بر آید کسایک
كَفَرُوا أَيْدِيَهُمْ وَأَسْوَفَ نَفْسٍ أَلْمَنَّا لَهُمْ جُلُودُهُمْ بَدَلًا لَهُمْ
کافر شدند با آیت ما در آیم ایشان را با آتش برگاه که بخورند پوستهای ایشان بگوشت بر آید برای ایشان
کافر شدند به آیت های ما زود در آیم ایشان را در آتش برگاه بسوزد و بخورند پوست های شان تبدیل گشتن ایشان
جُلُودًا غَيْرَ هَٰلِكَ ۝ وَفَالْعَذَابُ بِإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝
پوستهای دیگر بخور آن تا بخورند عذاب را هر آینه خدا است غالب است و کار
پوستهای غیر پوستهای اول تا بخورند عذاب را هر آینه خدا است غالب است و کار
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
و کسایک ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند زود در آیم ایشان را با آب و بوستانها که می رود
و کسایک ایمان آورده اند و کرده اند کارهای شایسته زود در آیم ایشان را با آب و بوستانها که می رود
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۝ لَهُمْ فِيهَا زَوْجٌ مَطَهَّرَةٌ وَوُ
زیر آن جوینها می آید آنجا همیشه ایشان را است آنجا زنان پاک کرده شده و
زیر آن جوینها می آید آنجا همیشه ایشان را است آنجا زنان پاک کرده شده و
نُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ۝ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ
در آیم ایشان را سایه ای که بوی راحت کام بر آید خدا میفرماید شما را که امانت ها را بسوی
می داریم آنها را در سایه ای بماند که آفتاب در آن بخشد و شما را بماند که امانت ها را بسوی
أَهْلِهَا ۝ وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۝ إِنَّ اللَّهَ
ایمان آن وی فرماید که حکم بر استی کنید چون حاکم شوید میان مردمان هر آینه خدا
ایمان آن و شما می که حکم می کنید میان مردم که حکم کنید به عدالت هر آینه خدا
نِعْمًا يُعْظِمُ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
نیکی چیز نیست که بآن پند میدهند شما را هر آینه خدا هست شنوایینا و ای مومنان
نیکی چیز نیست که بآن پند میدهند شما را بآن هر آینه خدا هست شنوایینا
أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۝ كَانَ تَنَازَعُكُمْ
فرمان برداری کنید خدا را و فرمان برداری کنید شما را و فرمان برداری کنید از جنس خویش پس اگر اختلاف کنید
فرمان برداری خدا را و فرمان برداری کنید خدا را و اطاعت کنید خداوندان حکم را پس اگر اختلاف کنید
فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ ۝ إِنَّ كُنْتُمْ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ
در چیزی که پس را جمع کنید او را بسوی خدا و پیغمبر اگر اختلاف می دارید بسوی
در چیزی که پس را جمع کنید او را بسوی خدا و پیغمبر اگر اختلاف می دارید بسوی خدا
مومن و کافر بعد از اینک

فتح الرحمن
ع فل مردم
ضیعت الاسلام

در خلاف هوا
نفس حکم شرع را
نمی شنود و گاهی
در میان کفر و حق
می گردد و چون آخرت
ایشان را بر این معنی تعزیر

بانهید فرموده
سوگند خورند
که مخالف آن حضرت
مقصود ما نیست
خدا تعالی در توبه

آیات فرستاده ۱۲
و یعنی در میان
خودم ۱۲ تا یعنی
از توفیق ایشان ۱۲
تا این واجب بر مردم
تفسیر عتقی

ع هر چه بود هر انجام
یاقت منافقان در
آن زمان چه خواهند
کرد و اینکه بر کفر و کفر
شان عذاب فرود آید
یعنی در تقییم فصل

حقوق از محض
پیغمبر خود داری کرده
و یحیی را از اذن باز
می دارند منگامیک
عذاب آن آغل گردد
این منافقان بیکر

می توانم مگر این که
بمحض پیغمبر می گویند
خودند که با محض حضرت
عزیزان جهت رفیق
کوی در میان آشتی

آگاهند و نه از ارشاد
پیغمبر اعراض می گردیم
و هرگز خود داری نمی
نمودیم عذر این آیت
که می حضرت با بر تعالی

تسبیح و معذرت مسالقه
منافقان را انگیزد
فرموده می گویند منافقان
هر چه می گویند بگویند
خدا از دل آنها را

وَالْيَوْمَ الْآخِرُ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ

در روز آخر این بهتر است و نیکوتر با اعتبار ماقبت آن آیا ندیدی بسوی سائیکه

يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نَزَّلَ إِلَيْنَا وَمَا نَزَّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

کمان می کنند که ایمان آورده اند با آنچه بسوی خود نازل کرده شده است و با آنچه پیش از تو نازل کرده شد می خواهند

أَنْ يَتَّحَكُمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ

که متخاصم با خویش دفع کنند بسوی سرکش و حال آنکه فرموده شد ایشان را که ناسمجده و می شنوند و می خواهند

الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ تَعَالَوْا إِلَى مَا

شیطان که گمراه سازد ایشان را گمراهی دور و چون گفته شود بایست که بیایند بسوی آنچه

نَزَّلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتُ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْ عَصَا آلِ

نازل کرده است خدا و بسوی پیغمبر می بینم آن منافقان باز می ایستند از تو با عراض

كَيْفَ إِذَا صَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ

پس چه حال است آنگاه که برسد بایشان مصیبت بسبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان پس بیایند نزد تو

يَحْفَظُونَ بِاللَّهِ إِنَّ آتِنَا لَهُمُ الْحَسَنَاتِ وَأَوْفُوا ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ

حکم می خواهند بجا که می دانند بودیم مگر نیکو کاری و موافقت کردن و این گروه آنند که

يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي

می دانند خدا آنچه در دل ایشان است پس اعراض کن از ایشان و بپند ده ایشان را و بگو بایشان

أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ

حق مؤثر در دل ایشان و فرستادیم هیچ پیغمبر را مگر برای آنکه فرمانبرداری کرده شود و حکم

اللَّهُ وَوَأَنَّهُمْ أَذْطَلُّوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفِرْ

خدا و اگر این جماعه گویند که ستم کردند بر خویشان بیایند نزد تو پس آمرزش طلب کردند از خدا و طلب آمرزش

لَهُمُ الرُّسُولُ وَجَدَ اللَّهُ تَوَابًا رَحِيمًا ۝ فَلَا وَرَبِّكَ أَيُّكُمْ مَأْمُونٌ

برای ایشان پیغمبر هر آینه یافتند که خدا ابر رحمت باز آید و مهربان پس ستم پروردگار تو که ایشان مسلمان نباشد

حَتَّى يَكُونُوا فِيكُمْ فَهُمُ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُ الْإِنْفِ فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا

تا آنکه حاکم کنند ترا در اختلافی که واقع شد میان ایشان باز نیایند در دل خویش تنگی از آنچه

قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۝ وَلَوْ أَنَّا كُنَّا عَلَيْهِمْ أَنْ أَقْتُلُوا أَنْفُسَهُمْ

حکم فرمودی و قبول کنند با تقیید و اگر ما می بودیم بر ایشان که بکشید خویشان را

و قبول می کنند به القیاد و اگر ما حکم می کردیم بر ایشان که بکشید خویشان را

بیکد از این ارفاق و در در شان کامل آگاه و با جرات تو نیز ای پیغمبر بر علم خداوندی کفایت نموده از ستم منافقان اعراض کن متاثر نشود در تعارض آنها و تو متوجه مقاصد

فتح الرحمن

فل مترجم گوید مردم
ضعیف الاسلام در
اول اسلام که جهاد
فرض نشده بود دعوت
اسلام قبول نمودند
چون جهاد فرض شد
از آن تقاعد کردند و
از بعضی کلمات متناقض
سر بری زد و بعضی با
مخالفتین بهرمان شد
خلاف مرضی آنحضرت
را می میزدند خداست
درین باب آیات و فتا
تفسیر عثمانی
ع ازین جا ذکر جهاد
آغاز می شود در آیت
گذشته ذکر شده بود که
هر که خدا پیروی
را اطاعت کند
بر یافت انبیا
و صدیقین و شهدا
و صالحین نایل می
گردد در احکام خداوند
چون جهاد شوارتر
است مخصوصا بر
مناقض که ذکر شده
و می شوند از این جهت
حکم جهاد داده شد
تا هر که یافت انبیا
و صدیقین و شهدا
و صالحین را توقع
کنند منقول است که
در آغاز اسلام چندین
افراد ضعیف الاسلام
دعوت اسلام را پذیرفتند
بودند تنگای که جهاد
فرض گردید بعضی
متزلزل شدند و
برخی با کاذبان همراه
گردیدند و به مخالفت
پیغمبر برخاستند این
آیت در این باره نازل
آمد مطلب این
است ای مسلمانان
کیفیت مناقضان از
اول بشما معلوم شده
غیر متاد این است که بر نور با شهادت
اعتقاد کنید به سلاح باشند یا بد
نفس و تدبیر یا به پیغمبر در تمایل و تقابل
و متعلق از خانه بر آید چه دست و چه یک
جا چنانکه مقتضای

أَوْ آخِرُهُمْ أَمِنْ دِيَارِهِمْ مَا فَعَلُوا إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا

یا بیرون تنوید از خانههای خویش نمی کردند این را مگر اندک از ایشان و اگر می کردند

بِعَظْمُونِ بِهِ لَكَانَ خَيْرَ أَلْفِهِمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا ۖ وَإِذَا آلَاتُ بَيْنَهُمْ

بان پسند داده میشوند هر آینه بهتر بود که ایشان را و حکم تر در استواری دین و نگاه البتہ می دادیم ایشان را

مَنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا ۖ وَلَهْدِ يَوْمَهُمْ جَزَاءً مُسْتَقِيمًا ۖ وَمَنْ

از نزد خویش مزد بزرگ و دلالت می کردیم ایشان را بر راه راست و هر که اطاعت کند

يَطْعَمُ اللَّهُ وَالرَّسُولُ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ

خدا و رسول را پس این جماعت همراه آن کسانی که انعام کرده است خدا بر ایشان از پیغمبران و

وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا ۖ

صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو رفیق اند ایشان و صدیقان و شهیدان و نیکو کاران و بهتر است رفقاء آن ها

ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا ۖ

این بخشایش از خداست و بس است خدا دانای اے مسلمانان این فضل است از جانب خدا و کافی است خدا دانای اے مومنان

خُذُوا حِزْبًا مِّنْكُمْ فَأَقْرُبُوا الْبَنَاتِ وَأَوْبِقُوا حَبِيبًا ۖ وَإِنْ مِنْكُمْ

بگیرید سلاح خود را پس بیرون روید گروه گروه شده یا بیرون روید همه جمع آمده و هر آینه بعضی از شما آنست که

لَيُضِلَّ بَنَاتٍ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَالُوا قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا إِذْ لَمْ

که در تنگی می کنید پس اگر برسد به شما مصیبت بگوید انعام کرد خدا بر من چون نبودم

مَعَهُمُ شُهَدَاءُ ۖ وَلَٰئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولُنَّ كَأَنْ

حاضر با ایشان و اگر برسد بشما نعمتی از خدا بگویند گویا

لَمْ يَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يُّلَيِّقُنِي نَسْتُمْ مَعَهُمْ فَأَوْزَعُوا عِظِيمًا ۖ

هرگز نبود میان شما و میان دے دوستی کاش بودی با ایشان پس با حق می طلب بزرگ را

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۚ

پس باید که جنگ کنند در راه خدا آن مومنان که می فروشند زندگانی دنیا را به آخرت و

مَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا

هر که جنگ کند در راه خدا پس کشته شود یا غالب آید بدییش مزد

عَظِيمًا ۖ وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ

بزرگ را و چیست شمار اگر جنگ نمی کنید در راه خدا و برای پیچار گان بزرگ و چیست شمار اگر نمی جنگید در راه خدا و در سجات مغلوبان از

مِنْ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ

مردان و زنان و کودکان طاعتی گویند ای پروردگار ما بیرون آر ما را

هَذِهِ الْقَرْيَةُ الظَّالِمُ أَهْلُهَا ۚ وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ۖ

این ده که ستمگرانند اهل آن و مقرر کن برای ما از نزد یک خود کارساز

اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ۗ الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ

مقرر کن برای ما از نزد یک خود یاری دهنده مومنان کارزار می کنند در راه

اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا

خدا و کافران می جنگند در راه معبود باطل پس جنگ کنید

أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ۚ أَلَمْ تَرَ إِلَى

بادستان شیطان هر آینه کید شیطان ضعیف است آیا ندیدی بسوی

الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا

کسی که گفته شد ایشان را بازدارید دست خود را و برپا کنید نماز را و بپردازید زکوة را پس چون

كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ

نوشتند بر ایشان جنگ ناگاه گروهی از ایشان می ترسند از مردمان مانند ترسیدن از خدا

أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا

باز داده ترور ترسیدن و گفتند ای پروردگار ما چرا نوشتی بر ما

إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى

تاوست نزد یک بگو به مندی دنیا اندک است و آخرت بهتر است کسی را که پرستش کند

وَلَا تُظْلَمُونَ فِتْنَةً ۚ إِنَّ مَا تَكُونُوا يَدْرِكُكُمْ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ

و ستم کرده نخواهید شد مقدار رشتن هر جا که باشید در یابد شمار امرگ و اگر چه باشید

فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ مُشِيدَةً ۚ وَإِنْ تُصِيبَهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ

در محل یا در بحر و بلند و اگر برسد ایشان را بخوبی می گویند این از

عِنْدَ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

نزدیک خداست و اگر برسد ایشان شدت می گویند یا محمد این از نزدیک است

قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ فَسَالُ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ

بگویم از نزدیک خداست پس چه حال است این قوم را نزدیک نیستند

و این یعنی گرفتاران بدست کفار ۱۲ فصل یعنی جنگ کنید ۱۲ فصل یعنی پس قبول کردند ۱۲- تفسیر عثمانی عه قبل از هجرت که مسلمانان سخت بر همت بودند کافران ستم های و ناگوای بر ایشان می کردند چون بعضی غیر حاضر می شدند شکایت می کردند و اظهار می خواستند که با کفار مقاتله کنند انتقام کشند حضرت پیغمبر ایشان را منع می کرد و می گفت بخود با حکم قتال نیامده بلکه حکم است که صبر کنید و حمله نمانید بخوانند زکوة بدهید و مطابق حکم بکشید خود آمده رختار نمایند زیرا با او امیکه آن لعنت خدا و جهاد نفس و رنج و آس جسانی و صرف مال خونکند جهاد نمودن و از جنات در گذشتن بوی دشمن است مسلمانان این اندر رسد و مانند را پذیرفته بودند عه بعد از هجرت چون حکم جهاد آمد باید مسلمانان شاد می شدند که داعیه شاد بگرفت اجابت مقرون شده بود و بر مطلب خویش فایز بودند اما بعضی مسلمانان ضعیف چنان از جهاد می ترسیدند که کسی از عذاب الهی

بهر سبب که از آن کم نماند و می کرد که کاش اندک مدتی حکم قتال تاخیر می شد تا ما بنده می خویش مشغول می بودیم ۱۲

وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ

و هر که سفارش کند شفاعت	بد باشد او را	حصه از عذاب آن و هست خدا
و هر که سفارش کند شفاعش	بد می باشد باد	باد آن و هست خدا بر

كُلُّ شَيْءٍ مُّقَيَّنًا ④ وَإِذَا أَحْبَبْتُمْ بُحْتَهُ فَعِوُوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ

و چون عظیم کرده شود بلا ای بس عظیم کند بکار بهتر از آن
بر چیز مفید و چون عظیم کرده شود پس بلا ای بس عظیم کند بکار بهتر از آن

وَمَا كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا ۝۱۰ اللَّهُ أَعْلَمُ الرَّاهِقُونَ

همان کلمه را باز گردانند هر آینه خدا هست بر هر چیز حساب کننده خدا نیست هیچ معبودی غیر

لیجمعنکم الی یوم القیمۃ لا ریب فیہ ومن اصدق من اللہ
البتر بهم ارد شمار به روز قیامت بیکم شک نیست در این و این است

برای این که در روز قیامت هیچ شک نیست در آن و کیست راست گوتر از خدا
برای این که در روز قیامت هیچ شک نیست در آن و کیست راست گوتر از خدا

حَدَّثَنَا ۝ قَدْ أَلَكُمُ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمَا بِمَا

در کتب پس چیست شمارا که درباره منافقان و گمراه شدیده و خدا بخوان ساخت ایشان را به

کَسْبُوا طَرِيقَ دَنَ اَنْ تَهْتَدُوا مَنَ اَصْلَ اللّٰهِ وَمَنْ يَضِلَّ اللّٰهُ

آنکه کعب کردند آری می خواهید که بدایت کنید پس را که خدا گمراه گردانیده و هر کرا گمراه کند خدا

[illegible]

پس نیایی برای او هیچ راهی نمی خوانند که شما هم کافر شوند چنانکه کافرانند پس اعمی شوید شما و ایشان

سواء فلا تمخزلوا منهم أولياء حتى يهاجروا في سبيل الله فان

پس اگر

و انچه که در زندانی از اسلام و هجرت پس امیر میرید ایشان را و بخشد هر چاکر یا بید ایشان را و دست و پا را

از این کردند بگریه ایشان را و بکشید ایشان را هر جا که پیاوید ایشان را و میگردید ایشان را از آن ها

وَلَا خَيْرَ إِلَّا الدِّينُ يَصُونَ إِلَى دَوْمِ بَيْنِكُمْ وَبَيْنَهُمْ
مگر چه کسی را از ایشان بهتر کرد و بشیوه دیگر آنان را که پیوند دارند با گروهی که همان شاد و میان ایشان

دوست و نه ملاکار
مگر اینک پیوسته نوند کیسوی گزید بهان طما و ایشان

عبداللہ است یا میند نزدیک شما حالانکہ منک آمده است سینہ را اینان زانکہ بہ جہنمہ یا تملیا جہنمہ

باید است یا بیاید نزد شما حال آنکه تنگ شده و سینه بای شان که قتال کنند با شما یا قتال نکنند

[illegible]

و از خواهر عدالت به امید هدایتان را پرستید پس از فرود با شاهی جمعی شدند پس از آنکه

وَاللَّهُ يَكْفُلُكُمْ وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و در این کتابها و قیال نغند با شما و القاء کند لطیفام صحرای پس نداده خدا شمارا

این کتاب صرف کلام این آیت در این باره و در ادب هدایت و ضلالت در اختیار هر کس است که از این اندیشه ناله می شنود به آنها همه یک جامع حاصلی که

فتح الرحمن

فل یعنی اگر اسلام
آیند و هجرت کنند
ایشان را دوست
باید گرفت و اگر اسلام
نندند می باید کشت
مگر آنکه جاهل باشند
و ثابتاً نمانند و بعد
طفا می باید از راه
راه نتوان ایستاد
و الله اعلم
صلی می کند و باز
نقض عهد می
نماید و الله
اعلم
کوبید خدای تعالی
احکام قتل خطایان
می فرماید آنکه کف
از کسی که اسلام
ننگم شد واجب
است و قتل مجاهدان
و وجوب هجرت از
دار کفر برای اسلام
کیفیت نماز سفر و
نماز خوف و بیماری
کنند الله اعلم
یعنی مقتول مسلمان
اگر از انسان را اویزد
باشد ویت لازم نیست
و الله اعلم
و ادموسن باشد و
جهود مفسرین لغوی
و ان کان من قوم
بینکم و بینهم میثاق
در مقتول کافر کردند
بلا حمله آنکه توارش
در میان مومن و کافر
منقطع است سبیل
دیت سبیل میراث
است و بنده ضعیف
می گوید تمسید سبیل
با کان لمومن ان
یقض مؤمن الاخطاء
تقید و همومون در
نقد با حق فی ظلم
است در آنکه اینجا
فید ایمان معتزست
و لوم ویت ویت و قایم است نه بر سبیل میراث و نقد شرعاً و بر هرست در سبیل مؤمن از قوم متعبدین در سوره فتح و الله اعلم و تفسیر عثمانی عه نزو مجهر و علامه

عَلَيْهِمْ سَبِيلًا سَجِدُوا لِلْآخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوا كُفُوبًا
برایشان راهی دل خواهند یافت قوی را که می خواهند این شوند از شما و این شوند
برایشان راهی زود می یابید قوم دیگر را که می خواهند این باشند از شما و این شوند
قَوْمَهُمْ كُفُوبًا وَالْآخِرِينَ أَسْرُسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْزُوا لَكُمْ وَ
از قوم خود هرگاه باز گردانیده می شوند بسوی قتل انگیزی بخون رانداخته شوند در آن و پس اگر کسی نشوند از جنگ شاد
از قوم خود هر وقتی که باز گردانیده شوند جانب قتل بخون رانداخته شوند در آن (پس) اگر کسی ره نشوند از جنگ شاد و
يَقْتُلُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ وَفُجْزُوا وَهُمْ وَاقْتُلُوا هُمْ حَيْثُ
نیغندند بسوی شما پیغام صلح را و باز ندارند دست های خود را (پس) بیکدیگر ایستاد و قتل نمایند ایشان را و هر جا که
انها نکند شما صلح را و باز ندارند دست های خود را (پس) بیکدیگر ایستاد و قتل نمایند ایشان را و هر جا که
ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا وَمَا
یابید ایشان را و این جماعت داده ایم شمارا برایشان تحت ظاهر
بیا بید ایشان را و آن گروه داده ایم شمارا برایشان تحت آشکارا
كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا لَاطِئًا وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً
سزومسلمانی را که بشد مسلمانی را لیکن قتل واقع می شود بخطای یعنی بغير قصد و هر که بشد مسلمانی را بخطا
سزومسلمانی را که بشد مسلمانی را مگر بدون قصد و هر که بشد مسلمانی را بدون قصد
فَكَفَى ذُنُوبًا مُؤْمِنًا وَدِيَّةً مُسْلِمًا إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصِلَ قَوْمًا
پس لازم است آزاد کردن برده مسلمان و خون بهار ساینده شده به کسان مقتول مگر آنکه ابرامانند
پس لازم است آزاد کردن گردن یک مومن خون بهای ساینده شده به و در شاد و مگر ابرامانند
فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَخَرِّبْ رَقَبَةً مُؤْمِنًا
پس اگر باشد مقتول از گروه دشمنان شما و او مسلمانیست پس لازم است آزاد کردن برده مسلمان
پس اگر مقتول باشد از قومیکه نه دشمن شماست حال آنکه مومن بهم باشد پس لازم است آزاد کردن گردن یک مسلمان
وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِيثَاقٌ فَدْيَةٌ مُسْلِمَةٌ إِلَى
و اگر باشد مقتول از قومی که میان شما و ایشان عهد است پس لازم است خون بهای ساینده شده
و اگر باشد از قومی که میان شما و میان شان عهد است پس لازم است خون بهای ساینده شده
أَهْلِهِ وَخَرِّبْ رَقَبَةً مُؤْمِنًا فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فِصْيَامَ فَفَرِّقْ بَيْنَ مَتَابِعِينَ
یکسان او و آزاد کردن برده مسلمان پس هر که نیابد برده را پس لازم است روزه دهان دو ماه به و در شاد و
به و در شاد آن و آزاد کردن گردن یک مسلمان پس هر که نیابد آن را پس لازم است روزه دهان دو ماه متوالی
تُوبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا
بجهت قبول توبه است از جانب خدا و هست خدا دانا با حکمت و هر که بشد مسلمانی را
برای قبول توبه از جانب خدا و هست خدا دانا با حکمت و هر که بشد مسلمانی را
مَتَعِدًا فَجْزًا وَهُوَ خَالِدٌ فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ
بقصد پس جزای او و دوزخ است جاوید باشد در آن و خشم گرفته خدا بر او خدا و لعنت کرده بر او
بقصد (پس) جزای وی دوزخ است جاوید باشد در آن و خشم گرفته خدا بر او و لعنت کرده بر او
وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ
و آماده ساخت برائے او عذاب بزرگ ای مسلمانان چون سفر کنید در
و آماده کرده باو عذاب بزرگ عا ای مومنان هنگامی که سفر کنید در
اللَّهُ فَتَبَيَّنُوا أُولَئِكَ قَوْلُ الْإِنِّ إِلَيْكُمْ السَّلَامُ لَسْتُ مُؤْمِنًا
خدا یعنی برای جهاد پس نیک نفس کنید و گوید کسی را که بسوی شما اسلام انداخته است نیستی مسلمان
خدا برای جهاد حقیق کنید و گوید کسی را که انگذد بسوی شما اسلام که نیستی مسلمان
و لوم ویت ویت و قایم است نه بر سبیل میراث و نقد شرعاً و بر هرست در سبیل مؤمن از قوم متعبدین در سوره فتح و الله اعلم و تفسیر عثمانی عه نزو مجهر و علامه

من ناله في عجلولي
 الضوا است که در اولی
 الضوا من حکم مطرو
 نیست بلکه جمعی باشند
 از اولی الضر که نیست
 میگرداند نذرتوب
 عمل کافران و اینده الله
 اعلم و الله اعلم
 بجزرت از اولی الحوب
 بدو اسام و بجزرت
 سرود کفار و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 عه خدا غفور و رحیم
 است و عه دای الیه
 و مغفرت و رحمتیکه
 بدو مجاهدان فرموده
 همراهم تکمیل می کند
 یا اینکه اگر مجاهدی بنا
 داشته که مسلمان
 را می کشد خدا وی
 را می بخشد و تشویش
 آن از جهاد با زنا میزد
 عه بعضی در دل
 خویش مسلمانند
 اما چون در حکومت
 کفارند مغلوب
 ایشانند از ایم
 اعمال اسلامی را اظہار
 بجهاد اقدام می نمایند
 بر آنها فرض است
 که بجهاد نمایند در این
 رکوع ذکر آنهاست
 خلاصه این با بخود
 می کنند که با کافران
 آمیزند بجهاد
 نمی نمایند تنها همگ
 و مستکان از ایشان
 می پرسند که شما هر چه
 و سفید بگویند مسلمان
 بودیم اما نباید توانای
 نتوانستیم اعمال دین
 را بجا آوریم و مستکان
 گویند زمین الهی نذر
 بودی توانید از اینجا
 بجهاد کنید پس جای
 چنین اشخاص چیست
 اعلم و الله اعلم

تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ مِمَّا كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

زندگانی دنیا پس نزد یک خدا غنیمت های بسیار است هم چنین
 می طلبید متاع زندگانی و غنایا (پس) نزد خدا غنیمت های بسیار است هم چنین

كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنْ لَإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

بودید پیش ازین پس انعام کرد خدا بر شما پس تحقیق کنید هر آینه خدا هست
 بودید پیش ازین پس انعام کرد خدا بر شما (پس) تحقیق کنید هر آینه خدا هست

تَعْمَلُونَ خَيْرًا لَئِيسَتُوا الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرًا

آیا نمی کنید لشندگان غیر معذور از مسلمانان
 به آنچه می کنید آگاه برابریستند لشندگان از مسلمانان غیر

أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ

و جهاد کنندگان در راه خدا به مال خویش و جان خویش
 مخدور و جهاد کنندگان در راه خدا به مال خویش و جان خویش

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً

فضل داده است خدا مجاهدان را به اموالشان و نفس های شان بر نشینندگان در مرتبه
 افزوده داده خدا مجاهدان را به اموالشان و نفس های شان بر نشینندگان در مرتبه

وَكَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنَةَ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ

و هر یک را وعده نیک کرده است خدا و افزون داده است خدا مجاهدان را به نسبت نشینندگان
 و هر یک را وعده داده خواهد شد و دینت و افزونی داده است خدا مجاهدان را بر نشینندگان

أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا

مزد بزرگ و افزون داده است مرتبه با از جانب خویش و آمرزش و بخشایش و هست خدا آمرزنده
 مزد بزرگ مرتبه بلند از جانب خود و آمرزش و مهربانی و هست خدا آمرزنده

رَحِمَاهُ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمْ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِينَ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ

میرایان سر آینه آنانکه درشت گان بعضی را در حق ایشان کردند و ظالم بودند بر خویشان و دشمنان ایشان گفتند در جهاد
 میرایان عه بر آینه آنانکه بعضی را در حق ایشان را درشت گان در عالم ستم کردند بر خویشان گویند در چه حال

كُنْتُمْ قَالُوا أَكُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضًا

بودید مستضعف بودیم بجهاد گان و زمین گفتند
 بودید گویند بودیم نا توان در زمین گویند آیا نبود زمین

اللَّهُ وَاسِعَتْ قَتْلُهَا جُرُؤًا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَا لَهُمْ فِيهَا شَأْنٌ

زمین خدا تا بجهاد می گردید در آن پس آن جماعت جای ایشان دوزخ است داد بد
 خدا فراخ که می رفتند از وطن خود در آن (پس) آن گروه جای شان دوزخ است و بد

مَصِيرًا إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا

جای نیست مگر آنانکه محضیت بجهاد اند از مردان و زنان و کودکان
 مرتجع است دوزخ مگر نا توانان از مردان و زنان و کودکان که

يَسْتَطِيعُونَ حِمْلَ وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ

هم بجهاد می توانند و گمراه نمی یابند پس آن جماعت نزد یک است که خدا
 می توانند تدبیری و نمی یابند راه پس آن گروه امید است که خدا

أَنْ يَغْفِرَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا عَفُورًا وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ

عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده آمرزنده و هر که ترک و من بجز در راه
 عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده آمرزنده و هر که بگذارد و وطن خود را در راه

است البتة و انی که ضعیفه و زنان و کودکانی که نمی توانند بجهاد طریق بجهاد را نمی دانند تا بجهاد عفو کند تا بجهاد ازین معلوم شد از بدلی که مسلمانان توانند بجهاد...

طایفه ای در راه قبل
وصول بقصد ۱۲
مترجم گوید مشهور
آنست که این آیت
در صلوة مسافر نازل
شده است و خوف
تبدل اتفاق است
و آنچه نزدیک
این بنده
رجحان یافته ۱۱
است آنست که این
آیت در صلوة خوف
نازل شده است و
مسافر قبل از تقیست
و مراد از خوف و کفایت
رکوع و سجود است که
بایمانی ادا میتوان
کرد و در رکعت رکعت
و الله اعلم ۱۲
یعنی وقت خوف ۱۲
و کفایت مقابل عذاب
و خوف خود و زور
و سبب آن گویند ۱۳
مترجم گوید این را
سود تراست یک
آنکه امام ده بار نماز
گزارد یکبار با جماعت
و دیگر به یا جماعت
و دیگر آنکه امام با یک
جماعت یک رکعت
گزارد و در قیام
توقف کند تا آنکه
رکعت دیگر خوانده
مقابل هدودند
آنجا و دیگر آمده
اقتضا کند اگر رکعت
و دیگر با جماعت خواند
در قیام چندان توقف
کند که از رکعت دوم
تدریج شمرده اند
بایشان سلام دهد
این برود با صد بار
و دیگر هیچ شمرده و در
عمل آنست ۱۱ و الله
اعلم ۱۲ و بعضی از
نماز من و الله اعلم
تفسیر عثمانی

اللَّهُ يَجِدُ فِي الْأَرْضِ مُرًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا
خدا بیابد در زمین اتمات گاه بسیار و فراخی معیت و هر که بیرون رود از خانه خود بهجرت کنان
خدا می یابد در زمین مواضع بسیار و گشایش و هر که بیرون رود از خانه اش بهجرت کنان
إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ يُدْرِكُهُ الْيُتُوفُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ
بسوی خدا و پیغامبر او پس در یابد او را موت و لا پس تحقیق ثابت شد مزد او بر خدا و هست
بسوی خدا پیغمبرش پس در یابد او را مرگ به تحقیق ثابت شد ثواب وی بر خدا و هست
اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۱ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
خدا آمرزنده مهربان و چون سفر کنید در زمین پس نیست بر شما گناهی
خدا آمرزگار مهربان و هنگامی که سفر کنید در زمین پس نیست بر شما گناهی
أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا
در آنکه کوتاه سازید قدری از نماز اگر بترسید از آنکه در پلا انگذند شمارا کافران
که قصر کنید از نماز اگر بترسید که ایذا رسانند ب شما کافران
إِنَّ الْكَافِرِينَ كَالْوَكَاءِ عُذٌّ وَآمِينٌ ۱۲ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ
هر آینه کافران هستند شمارا و طعن آشکارا و چون باشی در میان مومنان و لا پس بر هر کدی
هر آینه کافران هستند شما و طعن آشکارا و هنگامی که باشی در میان آن ها پس بر یاد داری
لَهُمُ الصَّلَاةُ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَمَعَكُمْ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ ۱۳ وَإِذَا
برای ایشان نماز پس باید کرده بایستد گروهی از ایشان با تو و باید که بگیرند سلاح خویش پس چون
به ایشان نماز را باید بایستند مردی از ایشان با تو و باید بگیرند سلاح شان را پس چون
يَسْجُدْ وَاقْلِبُوا مِنْ دُونِكُمْ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ ۱۴ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ
سجده رند پس آن گروه دیگر باید که پیش از ایشان باشند و باید که بایستد آن گروه دیگر که هنوز نماز نکرده
سجده کنند نماز گذاران بعد از او را شمار مقل و سخن و باید بیایند گروه دیگر که نماز خوانده اند
فَلْيَصَلُّوا مَعَكُمْ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ ۱۵ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ
پس نماز کنند با تو و باید که بگیرند عذر و سلاح خود را آرزو کردند کافران کاش
نماز خوانند با تو و بگیرند احتیاط خود را و سلاح خود را دوست دارند کافران که بیگانه ای
تَقْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً ۱۶
غافل شوید از سلاح خویش و متاع خویش پس حمل کنند بر شما یک باره
غافل شوید از سلاح تان و اسباب تان پس حمل کنند بر شما یک باره
وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ ۱۷ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ
و باید که گناه نیست بر شما اگر باشد شمارا یکی از باران یا بیمار باشد او را آن که
و نیست گناهی بر شما اگر باشد شما را یکی از باران یا بیمار باشد
تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ ۱۸ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا
ببیمید سلاح خویش را و البته بیکرید عذر خود را هر آینه خدا آماده کرده است برای کافران عذاب
ببیمید سلاح خود را و بگیرید احتیاط تان را ۱۵ هر آینه خدا آماده کرده بر کافران عذاب
فَإِذَا أَقْبَضْتُمُ الصَّلَاةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى
رسوایانده و لا پس چون نماز تمام کردید پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر
ذلت آور و هنگامیکه ادا کردید نماز را پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر
فَجُوبَكُمْ ۱۹ فَإِذَا أَقْبَضْتُمُ الصَّلَاةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى
پهلوی خویش پس چون نماز تمام کردید پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر
پهلوی خویش پس چون نماز تمام کردید پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر

اگر بنابر باران یا بیماری و تا وقتی بر داشتی سلاح حمل باشد که احتیاط آن نماز است اما برای هر است خویش و در و سپردا دور بگذرانند و اگر

الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّقْشُورًا ۝ وَلَا تَهْنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا
 مؤمنان قرص وقت معین کرده وستی مکند دو جتوئی کفار اگر عا
 سلمانان فرض در وقت مقرر آن وستی مکند در طلب (کافران) اگر عا
 تَكُونُوا فَإِنَّمَا يَكُونُ كِتَابُ اللَّهِ مُرَجَّحٌ لِّمَا بِيَدِ الْكَافِرِينَ ۝ وَلَا تَرْجُوا مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ
 در مندی شود پس ایشان نیز در مندی شوند چنانکه شایسته و شما امید دارید از خدا آنچه ایشان را امید نیست و
 در مندی میشود پس ایشان نیز در مندی شوند چنانکه شایسته و شما امید دارید از خدا آنچه ایشان را امید ندارند و
 كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ
 هست خدا دانای استوار کار و بر آینه ما فرود آوریم بسوی تو کتاب را بر راستی تا حکم کنی میان
 هست خدا دانای با حکمت هر آینه تو فرستادیم بسوی تو کتاب را بر راستی تا حکم کنی میان
 النَّاسِ بِمَا أَرَادَ اللَّهُ ۝ وَلَا تَحْكُمَنَّ لِلْخَائِبِينَ خَصِيمًا ۝ ۱ ۝ وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ
 مردمان با آنچه شما ساسته است ترا خدا و مباحث خصومت کننده برای حمایت خجالت کنندگان و آمرزش خواه از خدا
 مردم بر آنچه دانانده ترا خدا و مباحث از طرف دعا باز آن خصومت کننده و آمرزش خواه از خدا
 إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَلَا تَجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَلُونَ
 بر آینه خداست آمرزنده مهربان و خصومت کن از جانب آنان که حیانت میکنند
 بر آینه خداست آمرزنده مهربان و جدال کن از طرف کسانی که دغای کنند
 أَنْفُسَهُمْ إِنْ اللَّهُ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَفِيمًا ۝ يَسْتَخْفُونَ مِنْ
 با جس خویش بر آینه خدا دوست ندارد آنرا که باشد حیانت کننده تا بهار پنهان میکنند از
 با خویش بر آینه خدا دوست نمی دارد کسی را که باشد دغا باز گناهار می شرمند از
 النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُمْ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضُونَ
 مردمان و پنهان میکنند از خدا و او با ایشان است آگاه که بشب مشورت میکنند آنچه خواهی پسند
 مردم را پنهان می دارند چنانچه از خدا حال آنکه خدا با ایشان است و نمی که شب مشورت می کنند آنچه خدا می پسند
 مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ۝ هَآؤُلَآءِ جَادَلْتُمْ
 از دست و دست خدا باین هر میکنند در گمراه آگاه باشد شما اے قوم که خصومت کرده
 از سخن و هست خدا آنچه می کنند احاطه کننده آگاه باشد شما اے قوم که جدال کردید
 عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَمْ مَنْ
 از طرف ایشان کنندگان در زندگانی دنیا پس که خصومت نمود بد کرد با خدا از طرف ایشان روز قیامت یا کیست که
 از طرف آنها در زندگی دنیا پس کیست که جدال کند با خدا از عوض شان روز رستاخیز یا کیست
 يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكَيْلًا ۝ وَمَنْ يَعْملْ سُوءًا أَوْ يَظْلَمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ
 باشد بر ایشان کار آساننده و هر که کند کار بد یا ستم کند بر خود پس آمرزش طلبد از خدا
 که باشد بر ایشان کار ساز و هر که کند کار بد یا ستم کند بر خود پس آمرزش طلبد از خدا
 يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّهُ يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ ۝ ط
 بیاید خدا را آمرزنده مهربان و هر که کند گناهی جز این نیست که کند آن را بر خود
 می باید خدا را آمرزگار مهربان و هر که کند گناهی جز این نیست که کند آن را بر خود
 كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ
 هست خدا دانای استوار کار و هر که کند خطائی یا گناهی باز عتبت کند بآن
 هست خدا دانای با حکمت و هر که کند خطا یا گناهی پس عتبت کند بآن
 رِيًّا فَقَدْ حَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا ۝ وَلَا تَقْضُ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ
 گشایی را پس بر خود برداشت افترا و گناه ظاهرا و اگر خودی فضل خدا بر تو و
 بی گشایی بر تو قضیت برداشت بر خود بهتان و دغای آشکارا و اگر خودی فضل خدا بر تو و

مترجم گوید درم
 ضعیف الاسلام
 اگر کسی از ایشان ترک
 کتابی شریفی نوازده
 جلد با اختلافی پیش
 آنحضرت بوجهی اظهار
 میکند که برات داد
 یا بطلان مبارک دید
 و باید که نظرت
 کرده را باطلات
 مرضی شریف در میان
 آورده نه خدا شتغل
 آیات فرستاده ۱۲
 تفسیر عثمانی
 نه مانع قضا مسلمان را
 لقب نه مقامی آمد
 و چهره از اسطوره و یا
 و نه بد افتخار جمال صانع
 بود که قاضی و نه نه
 راه دیگر رفت و تدبیری
 از پیشانی مال را بخت
 خود را از حق شب شب
 بخت از یک اندوه مالی که
 بادی بهستی داشت
 امانت گذاشت میساک
 مال بر سر آید و در را
 پیدا نمود با چنانکه خانه
 او را بیشتر حجت کمتر
 یافت و نه به عدم اطلاع
 خویش سرگشته بود مالک
 به سر آمد و خویش بر خانه
 میروی رسید و در هر چه
 الی و حرف خود آگفت
 این شخص شب نزد من
 امانت گذاشت و من در روی
 ام صاحب مال بحضرت
 پیوسته و اوری بر تو نموده
 اتفاق نموده تا بهر صورت
 باشد که نموده می بوی
 ثابت شود و کوشش کنند
 بود و از دستش ببرد
 قیامت روز خدمت حضرت
 پیغمبر آمده و برات داد
 سوگند نموده و گواهی
 داد از آنکه یک بود از ام
 بر حق و حقه خود را این

عالمین چند آیت را فرستاده حضرت پیغمبر را شکر گردانید که این سلمان در دست و پاییه و دایره امر خود می دارد و از چنین مردم را افشاگر امیدوار است بر صفت

والمحصنة كونه يعني
دل بغير ایم ۱۲ فل
مترجم گوید از این آیه
توضیح شرک میفرماید ۱۲
و مترجم گوید یعنی
مانند حق کردن و
سوزن زدن بریدن
تأسیس یا کبر و گدازند
والله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی نیز میگوید
عده هر که گناه کوچک
یا بزرگ کند آن بزرگ است
بی گناهی انگیزد و بی
دو گناه لازم میشود بی
گناه بخت - دو گناه
اصلی - نهادن بر روی
کند و بر سر دهن
بند و بال آن زیاد
میشود و هیچ منفعتی بوی
نی رسد معلوم شد که
چاره گناهان کبیره
و صغیره جز توبه
خالص جزو نیست
متعلق بخلق نباشد ۱۲
در این آیت به تصرف
پیغمبر خطاب میگردد
و غریب جایز افتاد
میشود و عظمت شان
و عصمت و کمال علی
حضرت وی که بر سر
کلمات افضل اول
بی باشد میان شیعیان
و فقهی بنیادیت
سفرت کربانی بر
ذات فرخنده او که از
بیان دانش مافوق
توین میگوید و اشارت
است باین طرف که
حضرت پیغمبر اگر بود
راشائیه بر او چنان
بود نظر محقق ظاهر
حال نشیند شهادت
دا قول بود را علی بن ابی طالب
زیر باعث میل من الحق
یادداشت بی الحی و
این امر زبانی زنده
در چنینی می شد بگوئی
از فضل الهی حقیقت امر آن کار گردید - دیگر تشویش باقی نماند -

رَحْمَتُهُ لَهَيْتُ طَائِفَةً مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ

بخت ایشان آورده کرده بود و هر گروهی از ایشان که همراه کنند ترا و گمراه میکنند مگر خود ایشان را و رحمت او هر آینه تعدد کرده بود و هر گروهی از ایشان که از راه بگردانند ترا و در ضلالت می افکنند مگر خود ایشان را و

مَا يَضُرُّوكَ مِنْ شَيْءٍ وَاتَّزَلَّ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ

چیز زیان نرسانند بچیز و فرود آورده است خدا بر تو کتاب و حکمت و آنچه را که از پیش از تو بر تو آموخت ترا و آنچه را که از پیش از تو بر تو آموخت ترا و

مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ۝ اخْبِرْنِي كَثِيرًا

آنچه که تو نمیدانستی و هست فضل خدا بر تو بزرگ نیست خوی در بسیار است آنچه را که نمی دانستی و هست فضل خدا بر تو بزرگ نیست خوی در بسیار است

مَنْ يُجَاهِدْ أَلَمْ يَكُنْ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ

از مشورت پنهانی ایشان لیکن خوی در مشورت کسی است که فرایده بدهد یا بکار پسندیده یا اصلاح کاره میان مردم از مشورت شان مگر آنکه علم کرده بصدقه دادن یا کار نیک کردن یا آشتی افکندن میان مردم

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝

و هر که این کند بطلب خوشنودی خدا به بیش مزد و هر که این را به طلب رضای الهی پس زود و بیش مزد بزرگ

وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ

و هر که مخالفت پیغامبر کند بعد از آنکه معلوم شد ادراک هدایت و پیروی کند سواست راه و هر که مخالفت کند با پیغمبر پس از آنکه معلوم شد بوی راه راست و پیروی کند راهی را که خلاف

الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَلَهُ مَا أَوَّلَٰ وَنَصْلِهِ يَجْهَرُ بِسَاءٍ مَصِيرًا ۚ إِنَّ اللَّهَ

مسلمانان متوجه بکنش با او میگردد و در آریش بدوزخ و او بدجانی است و هر آینه خدا مسلمانان است حواله کنیم او را بان طرف که اختیار کرده و در پیش بدوزخ و بدوزخ است و در

لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۚ وَمَنْ يُشْرِكْ

حق می آورد آنکه شرک با او نموده شود حق می آورد غیر شرک هر که شرک کند و هر که شرک خدا حق می آورد آنرا که شرک آورده و حق می آورد سواي شرک کسی را که خواهد و هر که انباشتد

بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝ إِنَّ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً وَأَندَادًا

مقرر کنند پس گمراه شده اند و در آریش بدوزخ و او بدجانی است و هر آینه خدا به خدا ادیس را هر آینه گمراه شده و در افتاد (به گمراهی دور) نمی پرستند جزوی مگر زنان را و

إِنَّ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا ۚ لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ

حق می پرستند مگر شیطان و در رفتن لعنت کرد او را خدا و گفت شیطان البته بگیرم از حق می پرستند مگر شیطان سرکش را لعنت کرد او را خدا و گفت شیطان البته بگیرم از

عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ۚ وَلَا ضَلَالَتَهُمْ وَلَا مَئِيَّةَهُمْ وَلَا مَرْتَبَهُمْ

بندگان تو حصه که در علم از تو می بخشیده و البته گمراه کنی ایشان را و البته در آزادی باطل افکنی ایشان را و البته بفرایم ایشان را بندگان تو حصه مقرر و البته همراه بکنم ایشان را و امیدوار می سازم ایشان را و می فرایم ایشان را

فَلْيَبْغُوا أَذَانًا لَنَا نَعْمَ وَلَا نَعْمَ وَلَا نَعْمَ فَلْيَبْغُوا خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَخْذَ

تا بشنودند گوش چهار پایان را و البته بفرایم ایشان را تا بفرمودند آریش خدا را و هر که دست گیرد که بشنود گوش های چهار پایان را و بفرایم ایشان را تا بفرمودند صورت بای آفریده خدا را و هر که گیرد

الشَّيْطَانِ وَلِيًّا مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خَسِيرًا عَظِيمًا ۚ يَعِدُ هُمْ

شیطان را بجز خدا پس زیان کار شد زیان ظاهر و عدو میدهد ایشان را و شیطان را دوست از غیر خدا به حقیق زیان کرد (زیان) ظاهر و عدو میدهد ایشان را و

يَسْتَعِينُهُمْ وَمَا يَحْدُوهُمْ الشَّيْطَانُ الْأَعْرُورُ ٥ أُولَئِكَ مَا لَهُمْ

در آرزوی می اندازد ایشان را و عده نمی کند ایشان را شیطانی که بر می آید و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی کند ایشان را

يَسْتَعِينُهُمْ وَمَا يَحْدُوهُمْ الشَّيْطَانُ الْأَعْرُورُ ٦ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

در آید و عده نمی کند ایشان را و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی کند ایشان را و عده نمی دهد ایشان را

سَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا

در آید و عده نمی کند ایشان را و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی کند ایشان را و عده نمی دهد ایشان را

وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ٧ لَيْسَ بِأَمَانَتِكُمْ

وعد کرده است خدا را راستی و کیست راست گوتر از خدا در سخن نیست کار بوفی آردنی شما و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را

أَمْثَلُكُمْ فِي الْأَمْرِ إِلَّا مَنْ عَمِلَ سُوءَ عَمَلٍ فَيَنْجَزِ بِهِ

از بوفی آردنی شما را عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ٨ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ

بجز خدا هیچ دوستی و یاری دهنده و هر که کند از کارهای شایسته و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را

ذِكْرًا فَإِنِّي وَهَّابٌ مُؤْتٍ فَاُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ

از یاد می آید و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را

بِقَوْلِهِمْ جَنيفٌ ٩ وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ١٠ وَلِلَّهِ مَا فِي

بگویند ایشان را و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا غَنِيمَةً ١١ وَيَسْتَفْتُونَكَ

از ایشان را و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را

فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ ١٢ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ

در باب زنان قلم بخود قوی می دهد شما را در باب زنان و آنچه خوانده میشود بر شما در کتاب نازل شده است

فِي يَوْمِ النِّسَاءِ الَّتِي لَا تَوْفُّوهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ

در روز آن زنان را که نمی دهید ایشان را آنچه فرض کرده شده است برای ایشان در رعایتی که کنید عداوت کنید با ایشان را

وَالْمُسْتَضَعْفَيْنِ مِنَ الْوُلْدَانِ ١٣ وَأَنْ تَقُوهُمُ الْيَتَامَى بِالْقِسْطِ

و از اهل شده است در باب بیچارگان از کودکان و حکم است بآنکه نگهدارید یتیمان را با انصاف و عده نمی دهد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را

فلا تثنی به نوت بائین
مواظب باید کرد و ایا علم
فلا در نکاح زنان تمیز
غبت میکردند بسبب
براعت حال و هوانت
سن در ادای نفقه و
مهر تقصیر میکردند
والله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه الله و الله اعلم
این سوره در موقوف
تادیه حق بتمیز تا کسب
فرموده بود که اگر ولی
تیمار از اقارب او مثلا
پسر کا یا ادب باشد
و بداند که حق او را کامل
اد کرده نمی تواند باوی
نکاح نکند و بگذارد
با دیگری نکاح نکند
و خود را بی حایت
نماید در افرا این حکم
مسلمانان نکاح چنین
و دختر را ممنوع قرار
داده بود و اما به مجرد علم
شد که در بعضی موارد
برای دختر نیت است
که در نکاح و خود را بگوید
زیر آنچنانکه ولی قریب
رعایت او را می نماید
و دیگری نمی کند مسلمانان
در این باره از حضرت
پیغمبر اجازه خواهند
این آیت فرود آید
اجازه داده شده
بیان گردید که نکاح
گذشته در صورت خاص
بود یعنی در صورتیکه حق
تیمار را کامل ادا نکند و
در باره تادیه حق بتمیز
تاکید شده بود و اکنون
که به غرض سلسله
احسان اراده نکاح
آن ها را اید ایشان
اجازت است

فل جواب این است
تفصیل داشت پس
خدا تعالی بعضی مسائل
را حلال فرمود بر آیات
سابقه و آن مسئله
ظلم بر قای الشار
است و بعضی را اینجا
جواب داد و آن مسئله
نشد و تحریم میل می
بیک زن و اعراض
از زن دیگر و ابا و عطا
در صورت ضرورت
و التام و این
ازین غایب میشوند
و آنرا می گزارند و الله
اعلم و در متون
گویه محقق نیست که
نیز باشد نه باشد
مواقت کند
تفسیر عثمانی
اگر پیش از یک زن
تعالی نماید و شهادتی
تو به درجه حق و در
برای بیان آنها برای
کینه چنین نیز میکنند
بیک جانب کالی ترجم
یا شیوه دیگر و در حد
مطلق بینه باید یعنی نه
خود آنرا آسوده نگری
و در حد نه باطل جدا
می شود که دیگری با وی
نکاح کند ع
اگر زن و شوهر در حدی
نیز خود را بماند و نیت
بطلاق و صد حرج دران
نیست خدا کار ساز و
بر انداخته حاجات است
در این آیه اشارت
است باین طرف
که شوهر باید زن خود
را آسوده نگذارد و
طرف ایشان را نداند
اگر شوهر باین اصرار
نداشته باشد طلاق
و ان مناسب است
و الله اعلم به
در حق و کفر نیب و در حقیقت گزاشی یا بدینی الهی است کون حکم پروردگار و اجتناب از مخالفت آن بر هر ضرورت که باوجود بیت آن به سخن دیگری گوش نهند و هرگز حاضر نمی باشند

وَمَا تَقَعُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ۝ وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ
و آنچه می کنید از نیکی هست خدا بان داناست و آنچه می کنید از
و آنچه می کنید از نیکی هست خدا بان داناست و آنچه می کنید از
مِنْ بَعُولِهَا نَشُورًا أَوْ غَرَضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَصِلَا حَابِيئَهُمَا
از شوهرش سر کشی یا در گردانی پس نه است برای شان در آنکه مسلح آوند در میان خویش
از جنگ شوهرش یار و گروه ایشان پس نیست ثنای بر مرد و اگر اصلاح می کنند میان خود
صَلَحًا وَ الصُّلَحُ خَيْرٌ وَأَحْضَرْتُ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ ۝ وَإِنْ تَحْسَبُوا
نیت از صلح و صلح کار بهتر است و حاضر کرده شده اند نفوس نزدیک بخل و اگر نیکی کاری
در محلی و صلح بهتر است و حاضر است نفس با بر بخل و اگر نیکی کاری کنید
وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ
و پرهیز گاری کنید پس بر آنچه خدا هست یا آنچه می کنید دانایان و پرهیز گاری
و پرهیز گاری نماید پس بر آنچه خدا به آنچه می کنید با خبر است و پرهیز گاری نماید
تَعُدُّوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ وَلَا تَكْسِبُوا أَلْسِنَ السَّيْلِ فَتَذَرُوهَا
کردن میان زنان اگر چه نهایت رغبت کنید پس باری کنید تمام نمی تا آنکه بگذارد آن زنان را
کنید میان زنان و اگر چه در آن حرص کنید پس میل نکنید به تمام میل پس می گذارید آن زن را
كَالْمُعَلَّقَةِ ۝ وَإِنْ تَصِلُوا أَوْ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝
مانند محلقه و اگر اصلاح کنید و پرهیز گاری نماید پس بر آنچه خدا هست آمرزنده مهربان
مانند محلقه و اگر اصلاح می کنید و پرهیز گاری می نماید پس بر آنچه خدا هست آمرزنده مهربان
وَأِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ۝
و اگر مرد و زن از یکدیگر جدا شوند کفایت کند خدا محتاجی هر یک را از تو نگری خود هست خدا بخواد استوار کار
و اگر هر دو جدا شوند بی نیاز گرداند خدا هر یک را از کشتایش خود و هست خدا صاحب کشتایش باند بر حد
وَاللَّهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا
و خدا را است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و هر آنچه حکم فرمودیم آنها را که داده شده اند
و خدا را است هر چه در آسمان با و هر چه در زمین است و به حقیقت حکم فرمودیم این
الْكِتَابِ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ ۝ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ
کتاب پیش از شما و کتاب نیز که بر سید از خدا و اگر کافر شوید پس بر آنچه
کتاب را پیش از شما و کتاب که بر سید از خدا و اگر کافر کنید پس بر آنچه
لِلَّهِ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا ۝
خدا را است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و هست خدا تو نگری ستمنده شده
خدا را است هر چه در آسمان با و هر چه در زمین است و هست خدا بیک نیاز و دارای همه کشتایش با
وَاللَّهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝ إِنَّ يَشَاءُ
و خدا را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و خدا کار ساز پس است اگر خواهد
و خدا را است آنچه در آسمان با و آنچه در زمین است و کافی کار ساز است خدا را اگر خواهد خدا
مِنْ هَبْكُمْ أَهْلَ النَّاسِ وَيَأْتِ الْآخِرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا ۝
و در کند شمارا اهل مردمان و بگوید و دیگران را و هست خدا برای کار توانا
می بود شمارا اهل مردم و می آرد و دیگران را و هست خدا بر این توانا
مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ
هر که باشد طالب جزای دنیا و جزای جزای عمل و دنیا طلب کند پس نزد است ثواب دنیا و آخرت و هست
هر که بخواد ثواب دنیا را پس نزد خدا است ثواب دنیا و آخرت و هست
وَاللَّهُ اعْلَمُ بِهِ

طاعتی از نذر و شهادت
 ایم و الله اعلم
 و طاعتی خواهی شد
 مصلحتی را که
 مسلمانان بکنند و
 گذشتیم بصلحت
 دیگر علی بن ابی طالب
 و یعنی سنی کردیم
 که هر مسلمانان بشان
 رسد و الله اعلم
 و یعنی نشود
 که سلام را
 متناوب
 کردند و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 عه و دل کافران
 در ظاهر مسلمانان
 معتزیت و اینها چنین
 محفوظ بمانند و از هر دو
 طرف مستحق گردند
 سزای این و ظاهر
 شان را و اگر شرارت
 و جنایت ای نهانی شان
 را بیرون نیش ظاهر کرد
 و آنها را چنان بکشید
 که قابلیت عقاب از
 ایشان برگی سلب کردید
 و هر کس با بی شایسته
 بر مسلمانان و مشکشف
 شد و سزای را که در
 آخرت بر آن باد و می
 شود نیز ظاهر نمود
 چنانچه در آیات آمده
 ذکر می شود خلاصه از
 فریب آنها بر سر
 ساخته نشد خدا خود
 را در فریبی آنگاه که دنیا
 و آخرت شان به نفع
 رقت عه و نذر
 که امری پس ضروری
 و عبادت خالص است
 و در ادای آن کیست
 زیان مالی و جانی متصور
 نیست منافقان در این
 فریبی بیند و آنرا
 اذیت و نیش و
 بدعتی است که

فِي جِهَتِهِمْ جَمِيعًا الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْنَةٌ مِنْ

همه یکا در دوزخ آن منافقان که انتظار شای کشند پس اگر باشد شمارا نفعی از جانب

لِللَّهِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ مَعَهُ زَعْوًا وَإِنْ كَانَ لِلكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ

خدا گویند آیا بودیم با شما و اگر باشد کافران را نصیب گویند یعنی بکافران آیا

نَسْتَجُودُ عَلَيْكُمْ وَنَنْتَعِمُ بِمُنْهَاجِ الْمُؤْمِنِينَ فَاَللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ

غالب نه شدیم بر شما و از نعم مسلمانان و پس خدا حکم خواهد کرد میان شما روز

الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا إِنَّ

قیامت و هرگز گشاده نه گرداند خدا کافران را بر مسلمانان راهی هرگز

الْمُتَّقِينَ يُحَدِّثُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ

منافقان فریب میکنند با خدا و خدا نیز فریب میکند ایشان و چون منافقان بسوی نماز برخیزند

قَامُوا كَسَالَى يُرَآؤُنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا قَدْ بُدِّلَ

کامل کنان برخیزند می نمایند مردمان و یاد نمی کنند خدا را مگر اندک متردد اند

بَيْنَ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ هُوَ إِلَهُكَ وَالْإِسْلَامُ هُوَ إِلَهُكَ وَالْإِسْلَامُ هُوَ إِلَهُكَ

در میان این و آن نه جانان اینانند و نه بسوی آنان و هر کس گمراه کند خدا پس نیایی

بِحَدِّهِ سَبِيلًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

اودا هیچ را چه ای مسلمانان دوست بگیرید کافران را

مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا

بجز مومنان آیا میخواهند که ثابت کنید برائے خدا بر خویشانتان الزام

مُبِينًا إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ يَجْعَلَ

ظاهر هرگز آید منافقان در طبقه زیر ترین اند از آتش و نه یابی ایشان را

نَصِيبًا مِنَ الْآيَاتِ تَابُوا وَاسْتَكْبَرُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ

بازگشتند و استکبر کردند و مسلح پیش گرفتند و چنگ زدند بخدا و خالص گردانیدند دین خود را

لِللَّهِ قَالُوا وَلَكِنْ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

برائے خدا پس آن گروه با مسلمانانند و زود بهم حشدا مومنان را مزد بزرگ

فَيَفْعَلُ اللَّهُ بِكُمْ مَا بَكُم مُّؤْمِنُونَ شَكَرْتُمْ وَأَمْنَكُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا

پس کار کند خدا بکس که مومنانند عذاب گردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و بایمن آید و هست خدا قدر شناس دانا

و الله اعلم بالصواب

و الله اعلم بالصواب

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَاهِلَ بِالشَّرِّ مِنْ

دوست نمی دارد خدا جاهل باشد
دوست نمی دارد خدا آشکارا

الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ۝۱۰

بد مگر سخن گفتن مظلوم که عفو است و هست خدا شنوای دانای
مگر کسی که بر وی تم شده و هست خدا شنوای دانای

مُخْفَوٍّ أَوْ يَعْفُو عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَلِيلًا ۝۱۱

پنهان کننده یا عفو کننده از
پنهان دارد یا عفو کننده از

يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ يُرِيدُونَ أَنْ يُفْرِقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُوا

کافری شوند بخدا و پیغامبران او و کسانیکه میخواهند که تفرقه کنند در میان خدا و پیغامبران او و میگویند
میگویند به خدا و پیغامبرش و می خواهند که تفریق کنند میان خدا و پیغامبرش و می گویند

وَمِنْ بَعْضٍ وَكَفَرُوا بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سُبُلًا

و از یکی از آن به بعضی پیغامبران و نامحقه میگویند بعضی را می خواهند که راست
و از یکی از آن به بعضی و میگویند بعضی را و می خواهند که

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ۝۱۲

آنچه است ایشانند کافران حقیقی و آماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسوا کننده و کسانیکه
آن گروه ایشانند کافران به حقیقت و آماده کرده ایم برای کافران عذاب خوار کننده و کسانیکه

أَنذَرُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُؤْمَرُوا بَيْنَ أَهْلِ كِتَابٍ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمُ

ایمان آورده اند بخدا و پیغامبران او و تفرقه نکرده اند
ایمان داده اند بخدا و پیغامبرش و تفرقه نکرده اند میان

أَجْرَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝۱۳

مزد ایشان و هست خدا آمرزنده مهربان و در خواست میکند از کواهل کتاب که فرود آری
(عذاب) ثواب ایشان را و هست خدا آمرزنده مهربان عفو می پرسند ترا اهل کتاب که فرود آری (یکبار)

عَلَيْهِمْ كِتَابٌ مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرَنَا

بر ایشان کتاب از آسمان یعنی بکدام پس سوال کرده بودند از موسی سخت تر ازین گفتند حسد را
بر ایشان کتاب از آسمان به حقیقت پرسیدند از موسی از آسمان کتابی ازین و ازین کتابی

اللَّهُ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الضَّعْفَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْجِبْلَ مِنْ بَعْدِ

نجا یا آشکارا پس گرفت ایشان را صاعقه بسبب گناه ایشان باز معبود گرفتند گوساله را بعد از آنکه
خدا را آشکارا (پس) گرفت ایشان را صاعقه به سبب گناه ایشان باز گرفتند گوساله را بخدای پس از آنکه

فَاجَاءَهُمُ الْبُيُوتُ فَعَفُوا عَنْ ذَلِكَ ۝۱۴

آمد بایشان بیهوشی پس در گرفتیم ازین بیهوشی و دادیم موسی را طلب ظالم و
آمد بآنها (شان) باد پس عفو کردیم از این گناه شان و دادیم موسی را طلب صریح و

رَفَعْنَا لَهُمُ الْغُورَ بَيْنَهُمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا أَوْ قُلْنَا

برداشتیم بالای ایشان طور را برای گرفتن عهد ایشان و گفتیم ایشان را در آید دروازه مجده کنان و گفتیم
برداشتیم بالای ایشان طور را به واسطه گرفتن عهد شان و گفتیم بایشان در آید به دروازه مجده کنان و گفتیم

لَهُمْ لَا تَعْدُوا إِنِّي السَّبْتُ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيًّا ۝۱۵

ایشان را تجاوز نکند در روز شنبه و گرفتیم از ایشان عهد محکم پس
ایشان را تجاوز نکند در روز شنبه و گرفتیم از ایشان عهد محکم پس

بسم الله الرحمن الرحيم
آیه و پیغامبران
ایمان نیار و الله اعلم
خداوند تعالی به شهادت
پیوسته میکند که قرآن چرا
یکدفعه مثل آوازه می آید
نازل شده و این
سخن متد است تایا
اهل کتاب را تقوا ۱۲
تفسیر عثمانی -
ع اگر از کسی در
امور دین یا دنیا عیبی
مطلوب شود مشهور نیاید
کرد خدا بر سخنان را
می شنود و بر تمام کارها
آگاه است و بر هر که را
بر وفق آن برآورد
این را رعیت میگویند
تنها مظلومان مجازانه
که ظلم قسم کاران را
بردم آشکارا بسیار
کنند به چنین در بعضی
مواقف دیگر نیست
۱۳ در این جا از این
اجبت این جمله فرموده
شده تا آسمان متناهی
را مشهور سازد و
علی الاطلاق وی را
بدنام نکند بر اهل کن
است بیشتر میکنند پیدا
کنند و بیگ شود
بلکه منافق را به طور
بهیم نصیحت کنند
منافق خود خواهد داشت
یاد نفع نصیحت کنند
شاید هدایت شود و چنانچه
حضرت پیغمبر از چنین
میگوید نام کسی را به یک
شهرت نمی دادند
کسانیکه هیچ کس را نخواست
را خدا نگردد بلکه بخدا
و پیغمبران وی ایمان
آورده اند و امر حمت
خویش ثواب عظیم

فلان یعنی قدر است
 شرم گوید یعنی یهودی
 که حاضر شودند و نه از ایشان
 التبیان آنکه در حدیث
 و ترمذی گوید اگر گوئی
 انکار یعنی بعد از آنکه
 کرده بودند و محرم بود
 این و ترمذی و تفسیر
 ترمذی گوید که در حدیث
 چگونگی برای انکار یعنی
 باشد که گوئی نزد یک
 بنده ظاهر آنست مراد
 از محرم طبعیات و توفیق
 داشتن نیست بآست
 که سابقا ایشان را
 داده بودند از او شایسته
 و نیت و نصرت و
 یکران و دلنوازی
 آن آنست ضریح
 علیهم السلام و الهی
 الله و این آیت و
 حرام عطفی است بکتاب
 و حقیقه جمع کلام بایم
 مربوط است و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 ع نهای متعلق به
 تکریم قول و در حدیث
 که در حدیث عینی را
 گفته اند و تفسیر
 خود و انداختن اختلاف
 پیوسته در این باره
 فقیه و تفسیر شافعی
 و خدا آنها را داده
 انکه حقیقتا نیست
 که هیچ را حاضر بمان
 برداشته ظاهر چیز
 توانست و هر کار او
 مبنی بر حکمت می باشد
 و افسوس بود که در حدیث
 چون به قتل مسیح عزیم
 نمودند قبل از آنکه
 میان آنها و قاضی
 حاضر شده بود خدا
 مسیح را آسمان برداشت
 و آن شخص را بصورت
 مسیح نشانید که او را
 بداند که خداوند است

فَلْيَا قَوْمُ كُفِّرُوا بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْكَاذِبِينَ
 عهد خود را به سبب کفر ایشان با ماات خدا و کشتن ایشان اخیار بناحق و کشتن ایشان که دل ما
 به سبب عهد شکنی شان و انکار شان به آیت های خدا و کشتن شان بنابران بناحق و این گفتارشان که در حدیث
عَلَفَ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا
 معناه است که هرگز نماند از ایشان که ایمان بپس ایشان بپس ایمان بخارند مگر اندکی
 با طاف است بلکه میماند از ایشان به سبب کفرشان پس ایمان بخارند مگر اندکی
بِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ هَتَّانَا عِظًا
 بسبب کفر ایشان و گفتن ایشان بر مريم پنهانی بسبب گفتن ایشان بر آینه ما کشیم
 به سبب کفرشان و گفتارشان بر مريم قهقهه بزرگ را و به سبب گفتن شان که کشیدیم
عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رُسُولُ اللَّهِ وَما قَتَلُوهُ وَما صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ
 عیسی بر مريم را که فی الواقع بنابر خدا بود و نه کشته اند و نه صلیب کرده اند و این گفتارشان که کشیدیم
 عیسی بر مريم را که بنابر خدا بود و نه کشته اند و نه صلیب کرده اند و این گفتارشان که کشیدیم
وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا
 و هر آنچه که اینک اختلاف کردند در باب عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
الْبَاطِلَ الظَّنُّ وَما قَتَلُوهُ يَقِينًا
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
عَزِيزًا حَكِيمًا
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَیُؤْمِنُ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ یَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
فَیُظْلِمُ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَتَّىٰ
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
عَلَيْهِمْ طَبِئَتْ أَجْلٌ لَّهُمْ وَبَصُلٌ لَهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
كَثِيرًا
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
أَخَذَهُمُ الزَّلْزَلَةُ وَكُلُّهُمْ أَمْوَالُ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
لَكِنَّ الرَّاكِبِينَ فِي الْعِلْمِ
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
وَالْمُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمُونَ
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
أُولَئِكَ
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی

و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی
 و هر آنچه که اینک عیسی در شک انداخته اند او و نیست ایشان را بآن بلیغی

سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ اِنَّا اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ كَمَا اَوْحَيْنَا اِلَى نُوْحٍ وَاللُّبَّيْ
رَد دایم ایشان را مرد بزرگ بر آیت ما دمی فرستادیم بسوی تو چنانکه دمی فرستادیم بسوی نوح و پیغمبران
زود بیدیدیم بر ایشان ثواب بزرگ ما دمی فرستادیم بسوی تو چنانکه دمی فرستادیم بسوی نوح و پیغمبران
مَنْ بَعْدَهُ ۝ وَاَوْحَيْنَا اِلَى اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَا
پس از وی و چنانکه دمی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و
بعد از وی بودند و دمی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و
اَلْاَسْبَاطَ وَاٰیُسَ وَاَيُّوْبَ وَيُوْسُفَ وَهٰرُونَ وَسُلَيْمٰنَ وَاٰتَيْنَا دَاوُدَ
بر کافران و یسعی و ایوب و یوسف و هارون و سلیمان و داوود را
بِاَحْسَادٍ اَنْهٰی و یسعی و ایوب و یوسف و هارون و سلیمان و داوود را
وَمُورًا ۝ وَرَسَلًا قَدْ قَصَصْنٰهُمْ عَلَیْكَ مِنْ قَبْلُ وَرَسَلًا لَّهٗ نَقْصُصُهُمْ
زود چنانکه فرستادیم پیغمبرانی که داستان های شان را گفتاریم به تو پیش ازین و فرستادیم پیغمبرانی که داستان های شان
را گفتاریم به تو پیش ازین و فرستادیم پیغمبرانی که داستان های شان را گفتاریم به تو پیش ازین و فرستادیم پیغمبرانی که داستان های شان
عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللّٰهُ مُوسٰی تَكْلِيْمًا ۝ رَسَلًا مُّبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ لَعَلَّ
بر تو گفت خدا یا موسی سخن فرستادیم پیغمبران مژده دهنندگان و بیم کننده گان تا
از تخطئه ایم بر تو گفت خدا یا موسی سخن فرستادیم پیغمبران مژده دهنندگان و بیم کننده گان تا
يَكُوْنُ لِلنَّاسِ عَلَى اللّٰهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِيْمًا
ز باشد مردمان را بر خدا الزام بعد فرستادن پیغمبران و است خدا غالب استوار کار
نماند مردمان را بر خدا الزام پس از ارسال پیغمبران و است خدا غالب استوار کار
لٰكِنَّ اللّٰهَ يَشْهَدُ بِمَا اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ اَنْزَلْنٰهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلٰٓئِكَةُ يَشْهَدُوْنَ
لَیْنِ خدا الهام میفرماید در حق آنچه فرو فرستاده است بسوی تو که فرو فرستاده است از علم خود و فرشتگان نیز گواهی می دهند
لیکن خدا الهام میفرماید در حق آنچه فرو فرستاده است بسوی تو که فرو فرستاده است از علم خود و فرشتگان نیز گواهی می دهند
وَكُنْیَ بِاللّٰهِ شَهِيدًا ۝ اِنَّ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا وَاصْدَوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ
و کفایت خدا را شاهد گواهی می دهد که کافر شدند و باز داشتند یعنی مردمان را از راه خدا
و کفایت خدا را شاهد گواهی می دهد که کافر شدند و باز داشتند یعنی مردمان را از راه خدا
قَدْ ضَلُّوا ضَلٰلًا بَعِيْدًا ۝ اِنَّ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا وَآوٰظِلُوْا اَلَمْ يَكُنْ اللّٰهُ
په گم گشته گمراه شدند گمراهی دور بر آیت که کافر شدند و ستم کردند هرگز نیامرزد
په گم گشته گمراه شدند گمراهی دور بر آیت که کافر شدند و ستم کردند هرگز نیامرزد
لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا يَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ۝ اِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا
ایشان را خدا از نجات ایشان را راهی نماید ایشان را راه راست را به مگر راه دوزخ مجاودانند آنجا
که نیامرزد ایشان را راهی نماید ایشان را راه راست را به مگر راه دوزخ مجاودانند آنجا
اَبَدًا وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرًا ۝ يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُوْلُ
پیشرو و هست این آسان بر خدا اے مردمان هر آینه آمد بشما پیغمبر
پیشرو و هست این آسان بر خدا اے مردمان هر آینه آمد بشما پیغمبر
بِاِحْسَانٍ ۝ فَاَمِنُوْا خَيْرًا لَّكُمْ وَاِنْ تَكْفُرُوْا فَاِنَّ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوٰتِ
بیراستگی از جانب پروردگار شما پس ایمان آرید تا ایمان آوردن بهتر باشد برای شما و اگر کافر شوید پس هر آینه خدا را است که بفرستد
بیراستگی از جانب پروردگار شما پس ایمان آرید که بهتر است بیضا و اگر کافر شوید پس هر آینه خدا را است که بفرستد
وَالْاَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ۝ يٰۤاَهْلَ الْكِتٰبِ لَا تَغٰوِبُوْا فِیْ دِيْنِكُمْ
و زمین است و هست خدا و انا استوار کار و اے اهل کتاب از حد مگذرید در دین خود
و زمین است و هست خدا و انا استوار کار و اے اهل کتاب از حد مگذرید در دین خود

فتح الرحمن
۱۰۵
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰
۱۰۱
۱۰۲
۱۰۳
۱۰۴
۱۰۵
۱۰۶
۱۰۷
۱۰۸
۱۰۹
۱۱۰
۱۱۱
۱۱۲
۱۱۳
۱۱۴
۱۱۵
۱۱۶
۱۱۷
۱۱۸
۱۱۹
۱۲۰
۱۲۱
۱۲۲
۱۲۳
۱۲۴
۱۲۵
۱۲۶
۱۲۷
۱۲۸
۱۲۹
۱۳۰
۱۳۱
۱۳۲
۱۳۳
۱۳۴
۱۳۵
۱۳۶
۱۳۷
۱۳۸
۱۳۹
۱۴۰
۱۴۱
۱۴۲
۱۴۳
۱۴۴
۱۴۵
۱۴۶
۱۴۷
۱۴۸
۱۴۹
۱۵۰
۱۵۱
۱۵۲
۱۵۳
۱۵۴
۱۵۵
۱۵۶
۱۵۷
۱۵۸
۱۵۹
۱۶۰
۱۶۱
۱۶۲
۱۶۳
۱۶۴
۱۶۵
۱۶۶
۱۶۷
۱۶۸
۱۶۹
۱۷۰
۱۷۱
۱۷۲
۱۷۳
۱۷۴
۱۷۵
۱۷۶
۱۷۷
۱۷۸
۱۷۹
۱۸۰
۱۸۱
۱۸۲
۱۸۳
۱۸۴
۱۸۵
۱۸۶
۱۸۷
۱۸۸
۱۸۹
۱۹۰
۱۹۱
۱۹۲
۱۹۳
۱۹۴
۱۹۵
۱۹۶
۱۹۷
۱۹۸
۱۹۹
۲۰۰
۲۰۱
۲۰۲
۲۰۳
۲۰۴
۲۰۵
۲۰۶
۲۰۷
۲۰۸
۲۰۹
۲۱۰
۲۱۱
۲۱۲
۲۱۳
۲۱۴
۲۱۵
۲۱۶
۲۱۷
۲۱۸
۲۱۹
۲۲۰
۲۲۱
۲۲۲
۲۲۳
۲۲۴
۲۲۵
۲۲۶
۲۲۷
۲۲۸
۲۲۹
۲۳۰
۲۳۱
۲۳۲
۲۳۳
۲۳۴
۲۳۵
۲۳۶
۲۳۷
۲۳۸
۲۳۹
۲۴۰
۲۴۱
۲۴۲
۲۴۳
۲۴۴
۲۴۵
۲۴۶
۲۴۷
۲۴۸
۲۴۹
۲۵۰
۲۵۱
۲۵۲
۲۵۳
۲۵۴
۲۵۵
۲۵۶
۲۵۷
۲۵۸
۲۵۹
۲۶۰
۲۶۱
۲۶۲
۲۶۳
۲۶۴
۲۶۵
۲۶۶
۲۶۷
۲۶۸
۲۶۹
۲۷۰
۲۷۱
۲۷۲
۲۷۳
۲۷۴
۲۷۵
۲۷۶
۲۷۷
۲۷۸
۲۷۹
۲۸۰
۲۸۱
۲۸۲
۲۸۳
۲۸۴
۲۸۵
۲۸۶
۲۸۷
۲۸۸
۲۸۹
۲۹۰
۲۹۱
۲۹۲
۲۹۳
۲۹۴
۲۹۵
۲۹۶
۲۹۷
۲۹۸
۲۹۹
۳۰۰
۳۰۱
۳۰۲
۳۰۳
۳۰۴
۳۰۵
۳۰۶
۳۰۷
۳۰۸
۳۰۹
۳۱۰
۳۱۱
۳۱۲
۳۱۳
۳۱۴
۳۱۵
۳۱۶
۳۱۷
۳۱۸
۳۱۹
۳۲۰
۳۲۱
۳۲۲
۳۲۳
۳۲۴
۳۲۵
۳۲۶
۳۲۷
۳۲۸
۳۲۹
۳۳۰
۳۳۱
۳۳۲
۳۳۳
۳۳۴
۳۳۵
۳۳۶
۳۳۷
۳۳۸
۳۳۹
۳۴۰
۳۴۱
۳۴۲
۳۴۳
۳۴۴
۳۴۵
۳۴۶
۳۴۷
۳۴۸
۳۴۹
۳۵۰
۳۵۱
۳۵۲
۳۵۳
۳۵۴
۳۵۵
۳۵۶
۳۵۷
۳۵۸
۳۵۹
۳۶۰
۳۶۱
۳۶۲
۳۶۳
۳۶۴
۳۶۵
۳۶۶
۳۶۷
۳۶۸
۳۶۹
۳۷۰
۳۷۱
۳۷۲
۳۷۳
۳۷۴
۳۷۵
۳۷۶
۳۷۷
۳۷۸
۳۷۹
۳۸۰
۳۸۱
۳۸۲
۳۸۳
۳۸۴
۳۸۵
۳۸۶
۳۸۷
۳۸۸
۳۸۹
۳۹۰
۳۹۱
۳۹۲
۳۹۳
۳۹۴
۳۹۵
۳۹۶
۳۹۷
۳۹۸
۳۹۹
۴۰۰
۴۰۱
۴۰۲
۴۰۳
۴۰۴
۴۰۵
۴۰۶
۴۰۷
۴۰۸
۴۰۹
۴۱۰
۴۱۱
۴۱۲
۴۱۳
۴۱۴
۴۱۵
۴۱۶
۴۱۷
۴۱۸
۴۱۹
۴۲۰
۴۲۱
۴۲۲
۴۲۳
۴۲۴
۴۲۵
۴۲۶
۴۲۷
۴۲۸
۴۲۹
۴۳۰
۴۳۱
۴۳۲
۴۳۳
۴۳۴
۴۳۵
۴۳۶
۴۳۷
۴۳۸
۴۳۹
۴۴۰
۴۴۱
۴۴۲
۴۴۳
۴۴۴
۴۴۵
۴۴۶
۴۴۷
۴۴۸
۴۴۹
۴۵۰
۴۵۱
۴۵۲
۴۵۳
۴۵۴
۴۵۵
۴۵۶
۴۵۷
۴۵۸
۴۵۹
۴۶۰
۴۶۱
۴۶۲
۴۶۳
۴۶۴
۴۶۵
۴۶۶
۴۶۷
۴۶۸
۴۶۹
۴۷۰
۴۷۱
۴۷۲
۴۷۳
۴۷۴
۴۷۵
۴۷۶
۴۷۷
۴۷۸
۴۷۹
۴۸۰
۴۸۱
۴۸۲
۴۸۳
۴۸۴
۴۸۵
۴۸۶
۴۸۷
۴۸۸
۴۸۹
۴۹۰
۴۹۱
۴۹۲
۴۹۳
۴۹۴
۴۹۵
۴۹۶
۴۹۷
۴۹۸
۴۹۹
۵۰۰
۵۰۱
۵۰۲
۵۰۳
۵۰۴
۵۰۵
۵۰۶
۵۰۷
۵۰۸
۵۰۹
۵۱۰
۵۱۱
۵۱۲
۵۱۳
۵۱۴
۵۱۵
۵۱۶
۵۱۷
۵۱۸
۵۱۹
۵۲۰
۵۲۱
۵۲۲
۵۲۳
۵۲۴
۵۲۵
۵۲۶
۵۲۷
۵۲۸
۵۲۹
۵۳۰
۵۳۱
۵۳۲
۵۳۳
۵۳۴
۵۳۵
۵۳۶
۵۳۷
۵۳۸
۵۳۹
۵۴۰
۵۴۱
۵۴۲
۵۴۳
۵۴۴
۵۴۵
۵۴۶
۵۴۷
۵۴۸
۵۴۹
۵۵۰
۵۵۱
۵۵۲
۵۵۳
۵۵۴
۵۵۵
۵۵۶
۵۵۷
۵۵۸
۵۵۹
۵۶۰
۵۶۱
۵۶۲
۵۶۳
۵۶۴
۵۶۵
۵۶۶
۵۶۷
۵۶۸
۵۶۹
۵۷۰
۵۷۱
۵۷۲
۵۷۳
۵۷۴
۵۷۵
۵۷۶
۵۷۷
۵۷۸
۵۷۹
۵۸۰
۵۸۱
۵۸۲
۵۸۳
۵۸۴
۵۸۵
۵۸۶
۵۸۷
۵۸۸
۵۸۹
۵۹۰
۵۹۱
۵۹۲
۵۹۳
۵۹۴
۵۹۵
۵۹۶
۵۹۷
۵۹۸
۵۹۹
۶۰۰
۶۰۱
۶۰۲
۶۰۳
۶۰۴
۶۰۵
۶۰۶
۶۰۷
۶۰۸
۶۰۹
۶۱۰
۶۱۱
۶۱۲
۶۱۳
۶۱۴
۶۱۵
۶۱۶
۶۱۷
۶۱۸
۶۱۹
۶۲۰
۶۲۱
۶۲۲
۶۲۳
۶۲۴
۶۲۵
۶۲۶
۶۲۷
۶۲۸
۶۲۹
۶۳۰
۶۳۱
۶۳۲
۶۳۳
۶۳۴
۶۳۵
۶۳۶
۶۳۷
۶۳۸
۶۳۹
۶۴۰
۶۴۱
۶۴۲
۶۴۳
۶۴۴
۶۴۵
۶۴۶
۶۴۷
۶۴۸
۶۴۹
۶۵۰
۶۵۱
۶۵۲
۶۵۳
۶۵۴
۶۵۵
۶۵۶
۶۵۷
۶۵۸
۶۵۹
۶۶۰
۶۶۱
۶۶۲
۶۶۳
۶۶۴
۶۶۵
۶۶۶
۶۶۷
۶۶۸
۶۶۹
۶۷۰
۶۷۱
۶۷۲
۶۷۳
۶۷۴
۶۷۵
۶۷۶
۶۷۷
۶۷۸
۶۷۹
۶۸۰
۶۸۱
۶۸۲
۶۸۳
۶۸۴
۶۸۵
۶۸۶
۶۸۷
۶۸۸
۶۸۹
۶۹۰
۶۹۱
۶۹۲
۶۹۳
۶۹۴
۶۹۵
۶۹۶
۶۹۷
۶۹۸
۶۹۹
۷۰۰
۷۰۱
۷۰۲
۷۰۳
۷۰۴
۷۰۵
۷۰۶
۷۰۷
۷۰۸
۷۰۹
۷۱۰
۷۱۱
۷۱۲
۷۱۳
۷۱۴
۷۱۵
۷۱۶
۷۱۷
۷۱۸
۷۱۹
۷۲۰
۷۲۱
۷۲۲
۷۲۳
۷۲۴
۷۲۵
۷۲۶
۷۲۷
۷۲۸
۷۲۹
۷۳۰
۷۳۱
۷۳۲
۷۳۳
۷۳۴
۷۳۵
۷۳۶
۷۳۷
۷۳۸
۷۳۹
۷۴۰
۷۴۱
۷۴۲
۷۴۳
۷۴۴
۷۴۵
۷۴۶
۷۴۷
۷۴۸
۷۴۹
۷۵۰
۷۵۱
۷۵۲
۷۵۳
۷۵۴
۷۵۵
۷۵۶
۷۵۷
۷۵۸
۷۵۹
۷۶۰
۷۶۱
۷۶۲
۷۶۳
۷۶۴
۷۶۵
۷۶۶
۷۶۷
۷۶۸
۷۶۹
۷۷۰
۷۷۱
۷۷۲
۷۷۳
۷۷۴
۷۷۵
۷۷۶
۷۷۷
۷۷۸
۷۷۹
۷۸۰
۷۸۱
۷۸۲
۷۸۳
۷۸۴
۷۸۵
۷۸۶
۷۸۷
۷۸۸
۷۸۹
۷۹۰
۷۹۱
۷۹۲
۷۹۳
۷۹۴
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰
۹۰۱
۹۰۲
۹۰۳
۹۰۴
۹۰۵
۹۰۶
۹۰۷
۹۰۸
۹۰۹
۹۱۰
۹۱۱
۹۱۲
۹۱۳
۹۱۴
۹۱۵
۹۱۶
۹۱۷
۹۱۸
۹۱۹
۹۲۰
۹۲۱
۹۲۲
۹۲۳
۹۲۴
۹۲۵
۹۲۶
۹۲۷
۹۲۸
۹۲۹
۹۳۰
۹۳۱
۹۳۲
۹۳۳
۹۳۴
۹۳۵
۹۳۶
۹۳۷
۹۳۸
۹۳۹
۹۴۰
۹۴۱
۹۴۲
۹۴۳
۹۴۴
۹۴۵
۹۴۶
۹۴۷
۹۴۸
۹۴۹
۹۵۰
۹۵۱
۹۵۲
۹۵۳
۹۵۴
۹۵۵
۹۵۶
۹۵۷
۹۵۸
۹۵۹
۹۶۰
۹۶۱
۹۶۲
۹۶۳
۹۶۴
۹۶۵
۹۶۶
۹۶۷
۹۶۸
۹۶۹
۹۷۰
۹۷۱
۹۷۲
۹۷۳
۹۷۴
۹۷۵
۹۷۶
۹۷۷
۹۷۸
۹۷۹
۹۸۰
۹۸۱
۹۸۲
۹۸۳
۹۸۴
۹۸۵
۹۸۶
۹۸۷
۹۸۸
۹۸۹
۹۹۰
۹۹۱
۹۹۲
۹۹۳
۹۹۴
۹۹۵
۹۹۶
۹۹۷
۹۹۸
۹۹۹
۱۰۰۰

وكان عليه السلام في كربلاء يوم الجمعة في شهر ربيع الثاني سنة ۶۰ هـ

تفسیر غسانی -

عنه این کتاب در
نعمت پیغمبر و غلو
نموده از حدی و زنی
که در دنیا که در لغت
انصاری است و پسر
خدای گفت پس خدا
فرمود که و حرف دین
مرا نگویند و در تالش
کسی که بوی اعتقاد
دارد از حد گذرید و
از حقیقت مسلم
بیشتر فرزند
گویند و در
شان و از حد
چیزی که بگوید که اوست
و محقق باشد و چیزی
از خود متراشد این
چشم است که حضرت
علی را که پیغمبر خداست
و کلمه وی آفریده شده
بر تالش و بی پسر خدا
گفته اید به پسر خدا
اعتقاد کرده اید که
خدا و دم مسیح سوم مرتکب
ازین سخنان باز آید
خدا و او و یگانگ است
و کسی شریک او نیست
و کسی نمی تواند پسر او
شود ذات او از این
چیز پاک و منزله است
تا این نقائص از
انجاست که شایر و بی
اطاعت و پابندی
نگوید اگر از وی است
میگوید خدا پسر را بی
دادیده به پسر خدا که
و هر محامد شرک است
شدیده به تکیه بی
محمد رسول الله
سید المرسل و قرآن
مجید افضل الكتب
پرداخته بزرگترین
کفایتی گردیده فائده
طائفه از این کتاب
رسالت حضرت عیسی
علیه السلام را قبول
نگردید بگویند و هم

وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ

و گویند بر خدا مگر سخن راست جز این نیست که عیسی پسر مریم پسر مریم فرستاده

اللَّهُ وَكَلَّمْنَاهُ الْقَهْقَارَ إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلَهُ قُولُوا

خداست و فیض او است انداخت آنرا بسوی مریم و روحی است از جانب خدا پس ایمان آرید بخدا و پیغمبرانش و

تَقُولُوا أَنَلْنَاهُ إِنْتُمْ خَيْرُ الْأُمَّةِ إِنَّمَا اللَّهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَ أَنْ

گویند خدا این صمد اند باز ما خیرترین قوم گفتار تاین باز ما خیرترین امت است از هر امتی که باشد و یگانه است و بگویند خدا را از آن که

يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلٌ

باشد او را فرزند و مراد است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و پس است خدا کارساز

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدٌ لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ

ننگ ندارد عیسی از آنکه باشد بنده خدا و نه فرشتگان مقرب ننگ ندارند دیگران ننگ ندارد عیسی که باشد بنده خدا و نه فرشتگان مقرب

وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْمِلْهُمُ إِلَهِ جَمِيعًا

و هر که ننگ کند از بندگی او و هر که عار کند از بندگی او و استکبار کند پس و در جمیع می کند ایشان را بسوی خود همه را

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمُ

پس اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند پس نام دهد ایشان را مزد ایشان را زیاده و دهد ایشان را

مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفَوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمُ عَذَابٌ

از فضل خود و اما کسانی که ننگ داشتند و سرکشی کردند پس عذاب کند ایشان را عذاب از فضل خود و اما کسانی که ننگ کردند و سرکشی کردند پس عذاب کند ایشان را عذاب

أَلِيمٌ وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

دردناک و نمی یابند برای خود هیچ خدایی و ده سخن و هیچ یاری و بی دردناک و نمی یابند ایشان را سواي خدا حامی و نه مددگار

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا

ای مردمان اے مردمان محقق آمد نزد یک شما و نیل شما و نازل کردیم بسوی شما روشنی

مُبِينًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ

آشکارا (پس) اما کسانی که ایمان آورده اند بخدا و استوار گرفتند به کتاب پس دزدی در آورد ایشان را

فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَكَمَدُ إِلَيْهِمْ صَوَاطِئَ مُسْتَقِيمَةٍ

در رحمت و فضل از نزد یک خود و بیاورد ایشان را بسوی خود راه راست در رحمت خود و لغزش و می نماید ایشان را بسوی خود راه راست

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أَمْرُو أَهْلَكَ

تسب فتوی می کنند از تو بگو خدا حکم فتوی میدهد شمارد باب میراث کسی که والد و والد ندارد اگر مردی بمیرد حکم فتوی ای خواهد از تو بگو خدا حکم فتوی می دهد بشمارد باب طلاق اگر مردی یا کسی بمیرد

لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا

که فرزندش نیست یعنی و نه والد او را خواهری باشد و پس خواهرش را مستقیم آنچه گذاشته است و اگر این خواهر مرده آن برادر داشت

اِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَانْ كَانَتِ اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الشُّلُّثُ مِمَّا

اگر باشد آنرا فرزند پس اگر خواهران دو باشند پس ایشانرا مست در سوم حصه آنچه

تَرَكَ وَانْ كَانُوا اخوةً رَجُلًا وَنِسَاءً فَلِلَّذِي كَرِهَ مِثْرَ

گذاشته است و اگر ایشان تمام باشند مردان و زنان پس مرد را است مانند

حِظِّ الْاُنْثَيَيْنِ بَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ اَنْ تَصُوْا وَاَللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ

حق و در بیان میکند خدا برای شما که گواه نشوید و خدا بهر چیز داناست

سُوْرَةُ الْمَائِدَةِ مَكِّيَّةٌ مِّمَّا نَزَّلَ فِي الْبَيْتِ الْمَكِّيِّ وَبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فتح الرحمن
ترجمه و تفسیر
و اگر نباشد علقای تمام
مقام اعیانی بود ۱۲
صل یعنی شتر و گاو و گوسفند
و این سه قسم را انعام
گویند حال است مگر
بیت موقوفه و آنچه بیاید
و الله اعلم ۱۲
و این قتال و جریب
همه و قیصره و بیاید کرد
و الله اعلم ۱۲
و این توفیر
حاجیان و معقران
مسلمان نباید
بنا کرد و لغزش
بنا کرد و لغزش
و الله اعلم ۱۲
و این توفیر
فتح که پیش از آنکه
مسلمان شوند و الله
اعلم ۱۲ تفسیر عثمانی
پیشتر معلوم شد که خدا
بهائیت بندگان خود را
ی پس بدو اکنون بیاید
در هر چیزی و اعلم است
پس مطلب این است
که اگر در مسائل دینی
مضروقی واقع شود
بهر سبب در این ارشاد
معلوم می شود که اصحاب
نسبت به استفساری
که در مسئله کار نموده
بودند تحقیق و آئینده
بگردن چنین سوا بسا
ترغیب می شوند و
بگذارند و نگرانی آید
و اگر ظاهر هر چیز نگاه
است و شامی طایفه
که حتی این تقدیر شایع
و ادعای گوناگون و
که و کلا و دیگر موارد
معین و علت تحقیق
آن چیست پس عقل
انسان که استیلا

این است که اشیاء و صفات الهی بر خلاف و جرات و...

وَكُونُوا مِنَ الْخَيْرِينَ ﴿٥٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ

وادی در روز آخرت از زان کاران ع اے مومنان و قبیح کو برترید سے ی ناز

وَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ

پس جو کہ دو پہاڑے تان دو پہاڑے تان آ رہا تھا
 ۱۔ مسیح گنبد سرخو در و بشوید یا پہاڑے خود را

لِالْكَافِرِينَ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاقْبِلُوا لَهُ وَبِغْيَةِ أُولَئِكَ كُنْتُمْ مَرْضًى أَوْ عَلَى سِفْرِ

یا اگر باشد یا جناب پس غل کند و اگر باشد یا بیار یا مسافر
یا اگر باشد یا جناب پس خوب پاک کند و اگر باشد یا بیار یا مسافر

وَجَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِبِ فَأَوْلَسْتُهُمُ الشَّيْءَ وَلَهُمْ فِيهِ مَقَامٌ

ایباید کے ازشا از غلا جملے ما ضامن کردہ ہارشد زنمان را و پس نیاید آب پس قصد کنید

صَعِيدٌ اَطْيَفَ اَمْسَحَاوُ جَوْهَرٌ وَاَنْبِيَاؤُكُمْ مِنْهُ اَبْدَالُكُمْ لَكُمْ

فلک پاک را پس مسج کنسید
از آن خاک بروئے خود و دست خود
دخی خواہی خدا که مشرّع کند
پس نماید بروهای تان و دستهای تان

وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ ۖ اَوَّلَ كَرِّ

[illegible]

و یاد کنسید گفت خدا بر خلقش او چنان خدایا که عهد بسته است با شما باین انکار که

قُلْ لِّمَنْ يَمُنُّ بِالْغَيْبِ أَجْرٌ عَظِيمٌ

و فرمود شنیدم و فرمان برادر می کرد و می گفت و بفرستد از خدا بر آید خدا داناست آنچه در سینه ما باشد

و در این کتاب که در این باب است

ایمانان متعهد حق اللہ باشید عوامی و مہتممان باشید برہستی و حل کنند شمارا

باید چنانکه کان برای حد کوایی دهندگان بالاصاف و باعث تنگد شارا

میرزا محمد علی خان قزوینی
 محمد ترک عدل گویند عدل نزدیک تر است به پند میرزا گادی و بر سید

عنوان: **عنوان تفسیر** **عنوان تفسیر** **عنوان تفسیر**

وَعَلَى اللَّهِ الدِّينُ الْأَمْرُ وَالْأَوَّلُ
وَعَلَى اللَّهِ الدِّينُ الْأَمْرُ وَالْأَوَّلُ

و عده کرده خدا با آنکه ایمان آورده اند و کارهای

شأنه کرده باین مصحفین که ایشانراست آردش مزد نهدک و کسانیکو کافر شدند و بدو روح نسبت کرده آیات مارا

و کتبی کافر شدند و تلبیب کردند بآیت های

یَا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ادْعُوْا رَبَّکُمْ

ماجران دوزخ اند اے مومنان یاددارید احسان خدا بر خویش

۱۰۰
 فصلات اینجا
 نزدیک است
 یعنی بارسانست نزدیک
 شامی یعنی آزاد از غیر
 سافین مفهوم شد که
 نکاح حق در صورت نیست
 و از او اخلاقی احداث
 مفهوم شد که نکاح ستر
 در صورت نیست و اندک
 ۱۱۰ مترجم گوید یعنی
 طاهر کرده و با نیت و
 نزدیک شامی است
 سیرافیدن بر نیت نافع
 خصوصت و اندک
 یعنی عید یک وقت
 چیت پسند است
 تقریر عثمانی
 باید فاکه اجابت
 مناکحت با زن بای
 کل این باب باشد
 عقاید و اخلاق
 سلامی مومن خدا ترس
 زن را چنانچه شود
 شود هر چه فرستاده آنها
 ده و هر گز برای
 این را قریب است و اگر
 بعد از زهر الدنیا
 لاشه گردد و چون
 او را نکاح با زن
 زهره احتمال قوی این
 است لهذا تهیید
 بکنر بالا این حفظ
 و علو اصل موزون
 وقع است این نظیر
 است از حضرت
 صاحب خزانه
 این دو کتاب کتاب
 و نیز از مترجمین
 یعنی و اندک
 حال تمام نکاح
 است اگر عمل
 نم کند قبول درگاه
 نیست و زیر که
 فی خودش است
 دوست دارد

فتح الرحمن -
 واما لیس معجزات
 علیها زعم بحرو
 دفع طوره الله اعظم
 فلا یقنی لوشع
 وکانا فکما
 حکم کرد که این
 زمین متعلق نشود
 تفسیر عثمانی -
 عه شمار از اولت
 غالی ز غویان از اعدا
 بخشید بران ملک
 شان تصرف گردانید
 بر عاده بیشتر ازین
 شاه حضرت دوسف
 را بر خزان و ملطفت
 مصر تسلط از زانی
 فرمود و مستقبل نیز
 مثل حضرت سلیمان
 پیغمبر و پادشاه
 و نبوت های دین
 و دنیا شهادت مقهور
 از ان کرد و اینده
 ترین نصب و نبی
 دینوت می باشد و اینها
 عروج اقبال نبوی
 آزادی و سلطنت و
 این بود و برای شما
 رحمت گردید ع
 در آردان که بوسی طبع
 اسلام این خراب
 می شد بی اسرار
 نسبت به تمام ساکنین
 زمین بیشتر مورد
 های خدا واقع بودند
 و اگر انسان الطیف
 بر عوم عمل شود از این
 سبب هیچ نیست که
 خود قرآن که در خصوص
 امت محمد آفرین می
 نماید کتم خیر است از جهت
 لسان آل عمران
 رکع ۲۸ هم چنین
 فرموده "وکن لکم طنا
 اقم و سلطونوا
 شهاب علی الناس
 (بقره رکع ۱۴)

مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

واینگ خرده دهنده و بیم کننده آری بر آینه آمده است بشا خرده دهنده و بیم کننده و اینگ خرده دهنده و بیم کننده پس به تحقیق آید بشا خرده دهنده و بیم کننده و الله بر

شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَاذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَقُوا مَا ذُكِّرُوا بِهٖ اَنْعَمَ اللَّهُ

چیز تواناست و یاد کن چون گفت موسی قوم خود را ای قوم من یاد کنید نعمت خدا را چیز تواناست و چون گفت موسی مردم خود را ای قوم من یاد کنید نعمت الله را

عَلَيْكُمْ اِذْ جَعَلْ فِيكُمْ اَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُمْلُوكًا وَاتَّكَمُ قَالُوا لَوْ

بر خویش چون پیدا کرد در میان شما پیغمبران را و پادشاه ساخت شمار داد بشما آنچه نداد بر خویش چون پیدا کرد در میان شما پیغمبران را و گردانید شمارا پادشاهان عه خود را بشما آنچه نداد

اَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ ۝ يَقُوا مَا دُخِلُوا فِي الْاَرْضِ الْمَقْدَسَةِ الَّتِي

اینگ کس از عالمیان و ای قوم من در آید به زمین پاک ای کس را از عالمیان (زمان شما عه) ای قوم من در آید به زمین پاک کرده شده آن زمین که

كُتِبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى اَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَسِرِينَ ۝

مقرر ساخت امت از اعدای برای شما و گردان شود بر سمت پشت خود انگاه زیانکار گردید یعنی فرار نکنید محروم ساخته از اعدای شما و باز نگردید بهمان راه که آمده اید پس میگردید زیان کار

قَالُوا اَيُّ مَوْسَى اِنْ فِيهَا قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ ۝ وَاَتَاكَ نَذْرٌ خَلْهَا

گفتند ای موسی هر آینه آنجا گروهی هستند زور آور و دهر گزنا داخل نشوم آنجا تا آنکه گفتند ای موسی بدرستی که آن زمین گروهی است زور آوران و دهر گزنا داخل نشوم آنجا تا آنکه

يَخْرُجُوا مِنْهَا ۝ اِنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَاَنذِرْهُمْ اَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا ۝ قَالَ رَجُلٌ

ایشان بیرون آیند از آنجا پس اگر ایشان از آنجا بیرون شوند هر آینه ما در آنجا نمی گنجیم ایشان بیرون آیند از آنجا پس اگر ایشان بیرون شوند از آنجا پس ما در آنجا نمی گنجیم گفتند دومرد

مِنَ الدِّينِ يَخَافُونَ اَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا اِذْ خَلَا عَلَيْهِمُ الْبَابُ

از اهل تقوی که انعام کرده بود خدا بر ایشان و در آید ای قوم برای شما از راه دروازه از آنجا که ترسیدند از خدا انعام کرده بود الله بر ایشان و در آید بر ایشان دروازه

وَاِذْ اَدْخَلْتُمُوهُ فَاتَّكَمُ غُلَبُونَ ۝ وَ عَلَى اللَّهِ قَوْلُهُمْ اِنْ كُنْتُمْ

چون در آمدید به دروازه پس بر آینه شما غالب باشند و بر خدا توکل کنید اگر سلمان و چون در آمدید پس بر آینه شما غالب هستند و بر الله توکل کنید اگر هستند

مُؤْمِنِينَ ۝ قَالُوا اَيُّ مَوْسَى اِنْ تَدْخُلُهَا اَبَدًا اَمْ اَوْفِيهَا فَاَذْهَبَ

هستید گفتند ای موسی ما هرگز نه درین زمین هیچگاه مادام که ایشان در آنجا اندین و مومنان گفتند ای موسی بدانکه ما هرگز درین هیچگاه مادامیکه ایشان در آنجا اندین پس بد

اَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا اِنَّا هُنَا قَاعِدُونَ ۝ قَالَ رَبِّ اِنِّي لَا اَمْلِكُ

و بدو در کار تو بیروید و جنگ کنید هر آینه ما اینجا نشسته گایم گفت موسی ای پروردگار من قادر نیستم و بدو در کار تو پس جنگ کنید بدرستی که اینجا نشسته گایم گفت موسی ای پروردگار من مالک نیستم

اَلْاَنْفُسِىْ وَآخِىْ فَاَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ۝ قَالَ فَاَمَّا

الا بر خود و برادر خود یعنی بازون پس فیصل کن میان ما و میان گروه فاسق گاران گفت خدا پس بر آینه مگر نفس خود را و برادر خود را پس بجای کن میان ما و میان گروه فاسق گاران گفت خدا پس بر آینه

مُحَرَّمَةً عَلَيْهِمْ اَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْاَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى

حرام کرده شده است بر ایشان چهل سال و سرگردان میشوند در زمین پس اندوختنک مباش بر حرام کرده شده است بر ایشان چهل سال سرگردان میشوند در زمین پس اندوختنک مباش بر

سه این دوم و نیکو کلمات از حضرت (پوشش ابن نون) و (کاتب ابن یونس) است که از خدای ترسیدند لهذا از عاقله و غیره خوف و هراس نمداشتند -

عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ٤) وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ يَلْحَقُ أَذْ قَرِيبًا نَارًا

برگه	گروه	ستاره داران	و بخوان بر قوم خود خیر دو پسر آدم	براستی چون نیاز حق کردند قربانی را
ب	گروه	منازه کاران	و بخوان بر ایشان خیر دو پسر آدم را	براستی چون قربانی کردند قربانی را

مَقْبُولٌ مِنْ أَحَدٍ هَذَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَا تَمْلِكُ قَالَ

پس قبول کرده شد از سبک و قبول کرده شد از دیگران
پس قبول کرده شد از سبک و قبول کرده شد از دیگران

الْمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ۝ لِيَنبِئَ بَشَرًا مِّنْ قَبْلِكَ ۚ لِيُنذِرَ لِقَوْمٍ يُكَفِّرُونَ ۚ

گفت جز این نیست که قبول می کند الشهادت بر همین گمان اگر دراز کشی
 من دست خود را تا پیش من می بوی من دست خود را تا پیش من

فَأَنذِرْ بِإِسْمِ اللَّهِ الْكَافِرَ لَا تَتْلُوا فَرَقِيقَهُمْ وَلَا تَقْلَبْ أَعْقَابَهُمْ ۚ (٢)

من برگزیده علم نبوی دوست خدرا تا بکشم ترا هر آینه من می ترسم از او بپروم و کار عالمیان
من بستم و از گذشته دست خدرا بوی تو تا بکشم ترا هر آینه من می ترسم از الله که پروردگار عالمیان

فَتَكُونُ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ۖ

بر آینه من می خوانم که بیری گناه مرا و ناله خود را پس بآئینی از اهل دوزخ و
بر آینه من بخوانم که باز گردی تو به عقوبت گناه من و به عقوبت گناه خود پس بآئینی از اهل دوزخ و

ذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿٢٠﴾ قَطَّوْعًا لَهُ نَفْسُهُ قَتَلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ

این جزائے ستمگاران است
پس نفسِ آسپهل ساخت در نظار و کشتنِ برادرش را پس بکشتند او را

فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٣﴾ قَبِضَ اللَّهُ غَرَابِيبَهُ فِي الْأَرْضِ

دشمن از زبان کاروانی و
پس فرستادند از اشیای را که میخواستند
دشمن از زبان کاروان
پس فرستادند از اشیای را که میخواستند

لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْآتَهُ أَخْبَدَ قَالَ وَيَبْلُغُ الْعَمَى أَنْ أَكُونَ

ناجیادش چگونہ پرشد تنہوار برادر خود را گفت اسے واسے برمن آیا ہوا ہر شدم از او یا تم
ناجیادش چگونہ پرشد تنہوار برادر خود را گفت ای وای برمن آیا ہوا ہر شدم از او یا تم

مِثْلَ هَذِهِ الْعَرَابِ فَأَوَارَى سِوَاةَ إِنِّي وَأَصْبَحَ مِنَ التَّائِبِينَ

آند این تاریخ پس پیوسته شد می حق مراد بپادار خود پس رسیده از جهان شده کان
 بهر کفایت از حال ایشان رسیده کان

من الدنيا كذا

بسیب این حادثه حکم کردیم بر بنی اسرائیل که هر که بکشد سرش را بفرستد

فصل في بيان ما يجب من العلم بالدين

عض کے بغیر سادہ و زرین یعنی کچھ طریقوں اور تعداد پس چنانچہ کہ کثرت است مراد انرا ہم دنیا و ہر کہ

١٠٠٠

سبب زندگانی کے مشعلیں چنانچی کہ زندہ ساخت مردانرا ہمہ یجا و ہم آئندہ بی اسرائیل پنا مبران ما

وہاں سے پہلے بچان ہوتا کہ وہ بچہ مردان را بکند

بر نشان باری روشن باز ببارے از ایشان بعد ازین در زمین بجاور کنند باشند و

برقشانه کے دو من یا زبرداری ار ایشان بعد ازین دو مجاورت کے

[illegible]

فتح الرحمن

[illegible]

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ

جزاین نیست که جزائے کاینکه جنگ می کنند با خدا و رسول او می شتابند در زمین
جزاین نیست جزاء کاینکه جنگ می کنند با الله و رسول او می شتابند در زمین

فَسَادًا أَنْ يُقَاتِلُوا أَوْ يُصَلُّوا أَوْ تَقَطَّعَ أَيْدِيُهُمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ

بقصد نصاب یعنی طبع طریق می کنند آست که گشته شوند یا بد کرده شوند یا بریده شود دستها و پایها می افتان از
بقصد نصاب اند که گشته شوند یا بد کرده شوند یا بریده شود دست های شان و پایا می افتان بر

خِلَافٍ أَوْ يُنْفُوا مِنْ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْمٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ

جانب مخالف و یاد آور کرده شوند از وطن این رسوائی است ایشانرا در دنیا و ایشانراست
خلایف یاد آور کرده شوند از زمین ع این رسوائی است ایشانرا در دنیا و ایشانراست

فِي الْأُخُوَّةِ عَنِ أَبِي عَظِيمٍ ٤) إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنِّي فَيَكُنْ أَن تَقْدَرُوا

در آخرت عذاب عظیم بزرگ عذاب در آخرت عذاب عظیم

عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمَهُ أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٨ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

برالشان پس بدایند که خدا
برالشان پس بدایند که خدا

اللَّهُ وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ أَوْ سَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ فَإِنَّ صَلَاتَكَ شَرْعٌ

از خدا و بطریق قرب بسوی او و جهاد کفیه در راه ر و تیا

تَفْلَحُونَ ١٠ اِنَّ اِيَّانَا كَفَى الْوَعْدُ ١١

دستگار رشید بر آینه

مِثْلُهُ مَعَهُ لِفَتْحِهِ وَابْنُ عَرَبٍ لَوْ أَنَّ الْقَدَمَ أَيْقَنَ

براهمانند او پشیمان برای آنکه عوض خود و بعد آنرا از عذاب روز قیامت برتر قبول کرده و خود را از ایشان د

عَدَاكَ الْيَوْمَ

ایشانراست عذاب درد دهنده بخوانند که بیرون روند از دوزخ و نینسند بیرون رفتگان از دوزخ

وینا و لعل علی درویشی و محبت که بیرون آیند از آتش دوزخ و دستهایشان بیرون آیند

وایشان راست و لایب عالم و مومنه وزن و زود و ست ایشان را

اردن در استان راسک خطاب داریم و مرده دزد و زن دزد پس بفرید دستمای ایشانرا

پس میرے گویے کہ

وہاں سے آئے ہیں اور وہ اس کے استاذ صاحب خدا و خدا غالب و انامت
اس میں کہ تو یہ کرد

پس پر آئینہ خدا برعت باز می گردد بر آئینہ خدا آمد زنده مه ناست

خدا را تم کود و بیست و نه ارد ۱۰ روبرو پس بر آئینه خدا برعت بازی گردد بروی بر آئینه خدا آمرزنده مهربان است

ایک انداختہ کہ خدا مارا راست بادشاہی آسمانہاے وزین فدا ہو گئے

و زمین عذاب می کند هر که را خواهد و

100

والمعنى بقطع معلوم
 كقوله يود نذركم الحكم الهوى
 است والله اعلم
 والمعنى تحريف را
 از غير تحريف جداى كرد
 والله اعلم
 تفسير عثمانى

بنابر خوف مراد می آید
 و معنی داری که کتاب آسمانی
 تبدیل و تحریراتی می کند
 حکام و اخبار آن را
 مخفی دارند و از انجیب
 انتقام خدا برترسید پس
 از ایضاً محفلت نشاء

مقبولیت تو را نشاند
خطاب بر آن مؤسسه
علما، پیوسته می شود که
تکامل نزول قرآن را
و در دنیا آنها را
و حکم را بر آنرا
پیوسته می باشد

فخرت بیگز بود پوشت
در معنی آقا میرزا
تلفیق تحریکات نمودند
ضمنا بر امت مسلمه
بیعت است کرشما
نزد دیگر اقوام از کسی
رسیده یا در حجب

و ده جاهد گزین شده
تأب آسمانی خویش را
سایع مگو ایند چنانکه
ان است بجهنم حرقی
که کتاب خود را ضائع
دهد اند تا امروزه
فقط مانند آن است

و بعضی میگویند که
در بعضی موارد
در بعضی موارد
در بعضی موارد

روح می دانند میگفتند
خروج چارچ را به
دکتره وی معاف
بدستد و الرانج

لِّلَّذِينَ هَآؤُا وَآلِ الرَّبِّ اَنُورٌ وَّالْاَحْصَارُ بِنَا سَمِعُ حَفْظُوا مِنْ كِتَابِ اللّٰهِ

برسانے ہوئے
و حکم کی نفاذ خدا پرستان و احبار اشراف ہمہ حکم مکتوبہ بہ آیہ حافظ آں مردانہ شدہ انداز کتاب خدا

برسانے ہوئے
و حکم کی نفاذ خدا پرستان و احبار اشراف ہمہ حکم مکتوبہ بہ آیہ حافظ مردانہ شدہ انداز کتاب خدا

وَكَاؤُا عَلَيْهِ شَهْدَاءٌ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاحْشَوْا اللَّهَ وَلَا تَشْرَوْا
بران گواه بودند و پس مفتیم مترسده از مردمان و ترسیده از زمین و خرید کنید

بَايَتِي شِمًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يُخِمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ

۱۰۰
بہ آیت ہای من چہائے اندکہ اعلا و ہر کہ علم نیکند موافق آنچه فرو فرستاده خدا پس آن گزیده ایستند
الْكَافِرُونَ ۱ وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ

بالعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَذْنِ وَالْأَذْنَ بِالسَّمْعِ

عوض بجمع است و یعنی عوض بینی است و گوشش عوض گوشش است و دندان عوض دندان و دم عوض دم و بینی عوض بینی و گوشش عوض گوشش و دندان عوض دندان و

الْجُرُوحُ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ ۚ وَمَنْ لَّمْ

زمزم با اعتبار ماملت است پس هر که فکند آن زمزم پس این عفو کفارت است ویر او هر که
عوض زمزم با عقل آلت است پس هر که معاف کرده قعاص را پس این عفو کفارت است و می راعی و هر که علم

حکم زندہ آجندہ فرستاده است پس ایشانند ستمگاران و از پس فرستادیم بر پے
نکند موافق آجندہ فرستاده خدا پس آن گروه ایشانند ستمگاران و پس فرستادیم بر پے

این بیغامران بیست و هشت ساله را با در دانه آ پنج پیل ۱۰ بود یعنی قوریت
پسر مریم را با در دانه مرگن چن را که پیش از او بود از قوریت

والتینہ الراجیل فیہ ہدی و نور و مصدق الیما بین ید ید
 و دادیش اخیل و روی ہدایت و روشنی است و باور دارنده آنچه پیش وی بود
 و دادم اورا اخیل کہ دران ہدایت و روشنی بود و باور دارنده مران چنان کہ پیش از او بود

مِنْ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٣﴾ وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ
از تورات که گوریت باشد و هدایت و موعظه است برای متقین و فرودم باید که حکم کنند اهل

الْأَنْجِيلُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يُجِبْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ

هَمْ الْفَاسِقُونَ ۝ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا

باین یدایه من الکتب و مهیمنا علیه فاحلف بیکم و بینا

پیش از دے بودہ از کتاب و نگہان بروی پس حکم کن در میان ایشان با پنہ
پس حکم کن میان ایشان با پنہ

فلان مترجم گوید این
 وعله در زمان حضرت
 ابو بکر صدیق متفق شد
 و همباجران و انصار
 و تابعان ایشان با
 عنوان جباه کردند
 و الله اعلم
 مترجم گوید یعنی
 با اذن استیلا
 گفته الله اعلم ۱۲
 تفسیر عثمانی
 عه نزه یک است
 آن وقتی که خدا بفرستد
 خود پیروزی با و غلبه
 بای فیصله کن غلبت
 کند و در مکه مکرمه نیز که
 مرکز مسلم تمام عرب
 است حضرت اودا
 فاتحانه اعلی گردانید
 سواي آن از حکم قدرت
 خویش چیزی بر وی
 کار کرد که منافقان
 آنرا دیده تمام تو قرات
 باطل شان خاتمه پذیر
 دو برابر آنرا شکست
 شود که تیره موالات با
 و دشمنان اسلام جز دل
 در سواي و در دنیا
 و عذاب الیم
 در آخرت
 چیزی نیست چون
 ساجد این نصیحت و
 خسران پیش کشیدن
 گاه جزند است نیکین
 و کف افسوس بهم
 مایه آن چیزی حاصل
 نشود الان قد نمت
 و ما ننتقم و چنین
 شد دشمنان اسلام
 چون غلظت عام و فتح که
 و غیره را دیدند حوصله
 بای شان دیگر شد
 بسیار بود که کشیدند و
 بسا که جلای وطن گردید
 به امیدهای منافقان
 بر باد رفت و در محض
 مقابل مسلمانان درو و غلوی شان ثابت گردید که مشکی کرده موالات بهر کرده بودند ضایع شد و طوق خسران و بوی و باک ابدی در گردنشان آید و در آیت آئینه این مضمون بیان شود

مَنْ عِنْدَهُ قِصْبٌ عَلَى مَا اسْرَوْا فِيْ اَنْفُسِهِمْ نَدِمَ مِنْ ۝۲ وَيَقُولُ
 از نزد یک خود پس پشیمان بشوند بر آنچه پنهان داشتند در دل خویش و بگویند
 از جانب خود پس می شوند بر سستی که پوشیده اند در نفس های خود پشیمان ۲
 الَّذِينَ اٰمَنُوا اَلَهُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا الَّذِيْنَ اَقْسَمُوا بِاللّٰهِ يَمَانُهُمْ ۝۳ اَللّٰهُمَّ
 مومنان یعنی روز قیامت آیا ایشانند آنانکه قسم خوردند بخدا سخت ترین سوگند های خویش که البته ایشان
 مسلمانان آیا همان مردم اند که قسم می خوردند بر خدا به تاکید (سخت ترین قسم ها) که ایشان
 لَكُمْ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فَاصْبِرْ ۝۴ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا
 براه شما اند امروز نابود شد عملهای ایشان پس گشتند زبان کار
 با شایسته بر باد رفت عمل های شان پس ماندند در نقصان (زبان کاران) اے مومنان
 مَنْ يَّرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِيْنٍ فَسَوْفَ يَأْتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّوْنَ
 هر که از شما برگردد از دین خود پس خواهد آورد خدا گروهی را که دوست می دارد ایشان را و ایشان دوست می دارند و او را
 کسیکه از شما گشت از دین خود پس عنقریب می آید خدا قومی را که دوست می دارد (و شما) ایشان را و دوست می دارند ایشان را
 اَذَلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ اَعْرَاجُهُمْ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ يُجَاهِدُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ
 متواضع اند بر مومنان در سخت طبع اند بر کافران جهاد می کنند در راه
 نرم دل اند بر مومنان زبردست اند بر کافران جنگ می کنند در راه
 اللّٰهُ وَلَا يَخَافُوْنَ لَوْمَةَ اِلٰهٍ ۝۵ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَن يَّشَاءُ
 خدا و نمی ترسند از طعنت طاعت کننده این بخشش خداست می دهد آنرا بهر که خواهد
 خدا و نمی ترسند از طعنت کردن هیچ طاعت کننده این فضل خداست خواهد داد کسی را که بخواهد
 وَاللّٰهُ وَاَسِعُ عَلِيْمٌ ۝۶ اِنَّهَا وَلِيْلُكُمْ اَللّٰهُ وَرَسُوْلُهُ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوا
 و خدا بجا و داناست و این نیست که دست شما خداست و رسول او و مومنانی که
 و خدا صاحب کیش و داناست (جز این نیست) که مدد کار شما فقط خدا و رسول او است مومنان اند
 الَّذِيْنَ يَتْلُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رَاكِعُوْنَ ۝۷ وَمَنْ
 بر پای دارند نماز را و می دهند زکوة را و ایشان هم سست نماز گزارند و هر که
 سست بر پای دارند نماز را و می دهند زکوة و آن عابری کنندگان اند و کور کنندگان و کسیکه
 يَقُولُ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهُ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوا فَاِنْ حَرَّبَ اللّٰهُ هُمُ الْغٰلِبُوْنَ ۝۸
 دوستی کند با خدا و با رسول او و با مومنان پس هر آنچه عزمه خدا بخواست غالب
 دوست دارد خدا و رسول او را و مومنان را (پس هر آنچه) کرده خدا ایشان بر همه غالب اند
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اٰتٰكُمْ دِيْنََكُمْ هٰزُوا وَاُولٰٓئِیْهِ
 اے مومنانان دوست مگیرید کسانی را که دین خود را از شما گرفته اند و این همارا
 ای مومنان دوست مگیرید آن مردمان را که می گیرند دین شما را خنده و بازی
 مِّنَ الَّذِيْنَ اَوْثَرُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفٰرَ اُولٰٓئِیْهِ ۝۹ وَاتَّقُوا اللّٰهَ
 از کسانی که داده شده ایشان را کتاب پیش از شما و کفار از شما و بترسید از خدا
 آن مردمان که داده شده بر ایشان کتاب پیش از شما و نه کافران را و بترسید از خدا
 اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۝۱۰ وَاِذَا نَادٰیكُمْ اِلَى الصَّلٰوةِ اَتُّخَذُوا هٰزُوا
 اگر مسلمان هستید و چون ندا کنید و آنگاه که شما ندا می کنید بر آن می گیرند او را و بازی می گیرند
 فَاَعْبَادُ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُوْنَ ۝۱۱ قُلْ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ
 آن را فلان این بسبب است که ایشان عموماً هستند که بی عقل می باشند و اهل کتاب
 و بازی این بدان سبب است که آنان قومی بی عقل اند بگو ای اهل کتاب

فل يلقى سائر كتابه
 من ترجمه كويد حاصل
 آنست كه اگر پاي
 داشته علم توريت و
 انجيل را پيش از نزول
 قرآن ميش از انكه حضرت
 پيغمبر صلى الله عليه وسلم
 مبعوث شود برست
 فلو ان نصيبا من
 ميشه ليكن مخالفت
 كردند پس با فساد بلا
 مبتلا گشتند الله اعلم
 ما بين امريك آيت
 هم نرساندى الله اعلم
 ما بين كويد يعنى
 زمان و سائر كتابه
 و ترجمه كويد حاصل
 آنست كه برونى
 قول خود طرمى
 شود و بر ايك الزام
 شريعى كند و حجب
 آن نى روند قطعه نظرات
 انكه قرآن و الله اعلم
 ما بين واصل از
 هر فرد كه با شريون
 ايمان آرد از اهل نجات
 است و خصيصيت
 فرق را اعتبار
 نيست و الله اعلم
 تفسير عثمانى
 از بن معلوم شده كه تا وقت
 در ميان مسلمانان محبت
 و اخوت حكم بوده پس
 جمله و رشده صلاح
 باشند و در اجتناب
 از فساد و كوشش چنانكه
 در ميثاق اصحاب محول
 بود تا مساعى اهل
 كتاب در مقابل آنها
 بيهوده مى باشد
 با وجود اين همه حرايم شده
 و اعمال زشت افزون
 نيز اگر اهل كتاب از
 كويد خویش تا بيب
 مى شدند و بخت بغير
 صلى الله عليه وسلم و قرآن
 كردم ايمان مى آوردند

أَوْ قَدْ وَاَنَّا لَالْحَرْبِ أَطْفَاَهَا اللَّهُ لَا وَيسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فساد
 بوي از دهنه آتني را بر ايه جنگ فرو مى نشاندش خداوى شتابند
 و در زمين بر ايه فساد
 و الله لا يحب المفسدين ٥ و لو ان اهل الكتاب امنوا و اتقوا
 و خدا دوست نى دارد مفسدان را
 و اگر اهل كتاب ايمان مى آوردند و پرهيزگارى مى كردند
 و خدا دوست ندارد فاسق كندگان را ٥
 و اگر در هر آينه اهل كتاب ايمان مى آوردند و مى فرسيدند
 لا كفرنا عنهم سياتهم و اذ دخلناهم جنت التعيم ٦ و لو انهم
 ناپود ساخته از ايشان گناهان ايشان را و در آورده مى ايشان را بيوستها نهائى است
 البتة و در مى كردم از ايشان گناهان ايشان را و داخل مى كردم ايشان را در باغ هاى نعمت ٥ و اگر ايشان
 اقاموا التوراة و الانجيل و ما انزل اليهم من ربهم لا كفوا
 بر پايه داشتند علم توريت و انجيل را و آنچه فرو داده شده است بسوى ايشان از پروردگار ايشان ولى خودند
 قائم مى داشتند تورات و انجيل را و آنچه نازل شده بر ايشان از جانب پروردگارشان البتة خودند
 من قورهم و من تحت ارجلهم منهم امة مقتصدة و كثير
 از بالاي خود و از زير پاى بياي خود از ايشان گروهى هست ميانده و بسيار
 از بالاي خود و از زير پاى بياي خود از ايشان مردمانى بر راه راست گمازند و بسيار
 منهم ساء ما يعملون ١٠ يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من
 از ايشان بد چيزى است كه مى كند و
 از ايشان بدارست آنچه مى كند اى رسول برسان آنچه بر تو نازل شده از
 ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله يعصمك من الناس
 جانب پروردگار تو و اگر چنين نكردى پس تو نرساندى چيزى بپيام او را و خدا نگاهدارد ترا از مردم
 ان الله لا يهدي القوم الكافرين ١١ قل يا اهل الكتاب لستم على
 بر آينه خدا راه نى نمايد گروه كافران را بگو ايه اهل كتاب بستميد بر
 بر آينه خدا راه نى نمايد قوم كفار را بگو ايه اهل كتاب شما مستميد بر
 حتى تقيموا التوراة و الانجيل و ما انزل اليكم من ربكم و
 چيزى تا آنكه بر پايه علم توريت و انجيل را و آنچه فرو فرستاده شده است بسوى شما از پروردگار شما
 و بپيژ تا استوار داريد و انجيل را و آنچه نازل شده بسوى شما از طرف پروردگار شما
 ليزيدن كثير اومنهم ما انزل اليك من ربك طغيانا و كفرا ١٢ فلا
 البتة بيزايد و در حق بسيار است از ايشان آنچه فرو فرستاده شده است بسوى تو از جانب پروردگار و ليقى قرآن طغيان و كفرا پس
 البتة بيزايد و در باره بسي از ايشان آنچه نازل شده بسوى تو از طرف رب تو تا فراتى و كفرا پس
 تأس على القوم الكافرين ١٣ ان الذين امنوا و الذين هادوا و
 انده بگوشى بسوى قوم كافران و
 افسوس كن بر قوم كفار بر آينه آنانكه مسلمانان و يهودان و نصريان است حال
 الصابرون و الصابرون من امن بالله و اليوم الآخر و كل صابرا
 ستاره بپيژ مسلمانان و نصريان هر كه ايمان آرد از ايشان بخدا و روز آخر و كردگار و صابرا
 و فرق صابري و نصري هر كه ايمان بخدا و روز قيامت بخدا و عمل نيك كند
 فلا خوف عليهم و لا هم يحزنون ١٤ لقد اخذنا ميثاق بني اسرائيل
 بچيزى ترس نيست بر ايشان و ايشان اندوگين كنند و
 نه بر ايشان خويى هست و نداشتن هلائين مى شيند بر آينه گروهى عهد مى ايمان را
 بر آينه گروهى عهد مى ايمان را

كردم ايمان مى آوردند و آن كمال فضل و رحمت آنها را به نعمت باي اين جهان و آن جهان مرفق زى گروه ايزد رحمت خاى شتاب

فتح الرحمن

و لا یقین پیشوایان

یهود و نصرانی

که برائے ایشان

مذهب قرار داده

انذوالله اعلم

تفسیر عثمانی

ع چون مسیح را

خدا گفتند از مخرج

می آید که او را

موجود هم خوانند

لیکن معبود شدن

صرف بذات حق

است که اهل هر نوع

نفع و ضرر و اداری

اقتدار کامل باشد

زیرا که عبادت

تذلل انتهائی را

نامند و انتهائی تذلل

در پیشگاه ذاتی می

توان کرد که اداری

متمم عزت و

غلبه باشد و در هر

وقت شنوای احوال

هر کس که احوال ناما

جد این آیت با عقیده

مشرکان و تثلیث عقاید

تمام مشرکان و دینی خود

ع مقصد از این آیت

در عقیده ایست که

یک مولود بشری را

خدا آفرید و او را

در عمل آنست که

ت بهانیت گفته

می شود و در بیانیت

ب معبودها اکتفا

علیه السلام را حیدر گویند

از تمام قبایح یهود

بیان شده ظاهر می شود

که بنا بر اینها که در

دنیا پرستی و تمکیل

شبهات نفسانی

دین و دینداران در

تذلل آنها هیچ خلقت

و وقت تداوست

حق ابانت و قتل

انبیاء علیهم السلام

شمار آنها بود بر خلاف آنها نصاری و تعظیم انبیا و چندان غلو بود که از پیش آنها بعض را خدا پسر خدا خوانند و دنیا ترک و ربانیت اختیار نمودند و مراد از کافران و مشرکان

و لا نقعاً والله هو السميع العليم ۱۰ قل يا اهل الكتاب

و نه سودی و خدا همان است شنوا و انا بگو ای اهل کتاب

لا تغوا فی دینکم غیر الحق و لا تتبعوا أهواء قومی

از حد مگزید در دین خود بناحق و پیروی نکنید خواهش نفس قومی را که

از حد مگذرید در دین خود بناحق و پیروی نکنید خواهش نفس قومی را که

ضلوا من قبل و اضلوا کثیراً و ضلوا عن سواء السبیل ۱۱

گمراه شدند پیش ازین و گمراه کردند مردمان بسیار را و گمروی کردند از راه راست و

گمراه شدند پیش ازین و گمراه کردند مردمان بسیار را و گمروی کردند از راه راست

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود

لعنت کرده شد کافران را از بنی اسرائیل بر زبان داود

لعنت کرده شد کافران از بنی اسرائیل بر زبان داود

عیسی ابن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون ۱۲ کانوا

عیسی پسر مریم این بسبب آنست که نافرمانی می کردند و از حد می گذشتند یک دیگر را

عیسی پسر مریم این بسبب بود که نافرمانی کردند و یهود را از حد می گذشتند بودند که

لا یتناھون عن منکر فعلوه لکیس ما کانوا یفعلون ۱۳

منع نمی کردند از آن عمل زشت که مرتکب آن میشدند هر آینه بد چیز است که می کردند

منع نمی کردند یک دیگر را از عمل زشت که می کردند هر آینه بد چیز است که می کردند

ترے کثیراً منهم یتوکون الذین کفروا لکیس ما قد مت لهم

آنچه بنی که بسیار است از ایشان دوستی می کنند با کافران یعنی با مشرکان هر آینه بد چیز است که پیش فرستاده است برای ایشان

ی بینی بسیار است از ایشان را که دوستی می کنند با کافران ع هر آینه بد چیز است که پیش فرستاده است برای ایشان

انفسهم ان سخط الله علیهم و فی العذاب هم خلدون ۱۴

نفس ایشان آن چیز خشم خرقن خلاست بر ایشان و ایشان در عذاب جاوید اند

نفسشان آنکه خشم معرفت خدا بر ایشان و در عذاب ایشان جاوید اند

و کانوا یؤمنون بالله و النبی و ما انزل الیه ما اتخذ و هم

و اگر ایمان آوردند و خدا و پیغمبر را و آنچه فرو فرستاده شد به سوی وی البته دوست نه گرفتند

و اگر با شنید که ایمان آوردند و خدا و پیغمبر را و آنچه فرو فرستاده شد به سوی وی البته دوست نه گرفتند

اولیاء و لکن کثیراً منهم فسقون ۱۵ لتجدن اشد الناس

مشرکان را و لیکن بسیار از ایشان فاسقاند هر آینه بیابانی سخت ترین مردمان

مشرکان را و لیکن بسیار از ایشان فاسقاند هر آینه بیابانی سخت ترین مردمان

عداوة للذین امنوا الیهود و الذین اشروا و لتجدن

در عداوت مسلمانان یهود و مشرکان را و هر آینه بیابانی

در عداوت مسلمانان یهود و مشرکان را و هر آینه بیابانی

اقر بهم مودة للذین امنوا الذین قالوا انا نصری ذلک

نزدیک ترین مردمان در دوستی مسلمانان که گفته اند ما نصاری ایم این

نزدیک ترین مردمان در دوستی مسلمانان که گفته اند ما نصاری ایم این

یان منهم قسببیین و رهبا و انهم لا یتکبرون ۱۶

بسبب آنست که از جنس ایشان هستند دشمنان و گمراهان و بسبب آنست که ایشان تکبر نمی کنند

آنست که از جنس ایشان هستند دشمنان و گمراهان و بسبب آنست که ایشان تکبر نمی کنند

انها نصاری و تعظیم انبیا و چندان غلو بود که از پیش آنها بعض را خدا پسر خدا خوانند و دنیا ترک و ربانیت اختیار نمودند و مراد از کافران و مشرکان

انها نصاری و تعظیم انبیا و چندان غلو بود که از پیش آنها بعض را خدا پسر خدا خوانند و دنیا ترک و ربانیت اختیار نمودند و مراد از کافران و مشرکان

انها نصاری و تعظیم انبیا و چندان غلو بود که از پیش آنها بعض را خدا پسر خدا خوانند و دنیا ترک و ربانیت اختیار نمودند و مراد از کافران و مشرکان

انها نصاری و تعظیم انبیا و چندان غلو بود که از پیش آنها بعض را خدا پسر خدا خوانند و دنیا ترک و ربانیت اختیار نمودند و مراد از کافران و مشرکان

وَإِذِ اسْمَعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ

و چون بشنوند آنچه فرو فرستاده شده بر پیغمبر

و چون بشنوند آنچه فرو فرستاده شده بسوی پیشتر

تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا

به بینی چشمهای ایشان اشک میریزد بسبب آنچه شناختند از حق می گویند ای پروردگار ما

إِنَّا فَكُنَّا مَعَهُ الشَّاهِدِينَ وَمَا نَلَاؤُهُمْ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ

ایمان آوردیم پس بنویس مارا با شاهدان و چیست مارا که ایمان نیایم بخدا و آنچه آمده است ما از

الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يَدْخُلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ فَأَنَّا بِهِمْ

دین راست و طمع داریم که داخل کنی ما را پروردگار ما با قوم صالحان پس جزا داد ایشان را

عَذَابًا لِّمَا قَالُوا اجْتَنِبْ حَرَمِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَلِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ

عذاب برای آنکه گفتند بپروردگارتان ما را از زیر درختان آن جوی با جاویدان و این است

عَذَابُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

جزای نیکوکاران و کینه کار فرستند و بدروغ نسبت کردند آیات مارا ایشانند اهل

الْحَرِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْرِمُوا ظُلُمَاتٍ فَاخْلُ اللَّهُ لَكُمْ

دوزخ اے مؤمنان حرام مکنید لذاذت آنچه خدا حلال ساخته است شمارا

وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ۝ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ

و از حد نگزیدید هر آینه خدا دوست نمی دارد از حد گذرندگان را و بخورید از آنچه روزی داده است شمارا

اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا ۝ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ۝

خدا حلال پاکیزه و بترسید از خدا که شما بوی ایمان آوردید

لَا يُؤْخَذُ كُمْ اللَّهُ بِاللَّغْوِ إِيْمَانُكُمْ وَلَكِنْ يُؤْخَذُ كُمْ

بازخواست نمی کند از شما خدا بیهوشی و لیکن بازخواست می کند از شما

بِمَا عَقَدْتُمْ مِنَ الْإِيْمَانِ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ

بسیب محکم کردن سوگند یا بقصد و پس کفارت بپن منقده طعام دادن ده مسکین را است از

أَوْ سِتْرُ مَا تَطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْفُ مِائَةِ رَقَبٍ ۚ فَمَنْ

چون میماند از آنچه بخورد یا پوشش دادن ایشان را یا آزاد کردن صد برده پس هر که

لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۚ ذَٰلِكَ كَفَّارَةُ إِيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ

نیابد لازم است روزه داشتن سه روز اینست کفارت سوگند بای شما چون سوگند خورد یعنی و حلف شود

وَابْرَأُوا لَهُمْ مَسْكِينًا غَدَاةً بِرِزْقِهِمْ ۚ ذَٰلِكَ كَفَّارَةُ إِيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ

و بابر برهه و نظر بر مسکین غدا بپردازد سه آن اندازه که قسمت کردید بر ایشان شود مثلاً بپیران و یتیمان و یتیمان و چادر لقمه یعنی یک برده را آزاد کردن

و این یعنی جمله
در اکل امت
باشند والله
اعلم ۱۱ و

یعنی بهشت ۱۲
و مترجم گوید در
آیات مذکور اشارت
است بفضیلت قوتی
از نصایح که هرگاه

جعفر طیار خدمت
آنحضرت آمده مسلمانی
شدند و الله اعلم ۱۳
و این یعنی نیکو کاران

یا ترک کل کرم و امثال
آن در دست نیست
والله اعلم ۱۴
مترجم گوید یعنی بنویس

کفارت واجب نیست
چنانکه از دور نشیبه
مینور و بنویس گوید که الله

۱۱ زید است و زید
باشد و همین
منقده اگر طاعت
۱۲ شود کفارت

واجب است چنانکه
گوید و الله این حکم
خود میادین خانه
فرمایم و علی بن ابی طالب

و الله اعلم ۱۳
تفسیر عثمانی
۱۴ یعنی باینها و در دنیا
کفاره نیست بلکه

در همین منقده
واجب است تفسیر
تفسیر خود را و از حد
پاره سیقول گذشتند

است چون در فوق
ذکر تحریر طایبات بود
یعنی هر یک قسم تحریر
است لهذا احکام

یعنی بیان میشود
علیه یعنی بپرداز شکستن
قسم این کفاره داد
می شود به دادن نان

خیر است که ده مسکین
را بخاند آورده نان ده
برده را آزاد کردن

و این یعنی
در اکل امت
باشند والله
اعلم ۱۱ و

یعنی بهشت ۱۲
و مترجم گوید در
آیات مذکور اشارت
است بفضیلت قوتی

از نصایح که هرگاه
جعفر طیار خدمت
آنحضرت آمده مسلمانی
شدند و الله اعلم ۱۳

فتح الرحمن

والمعنى تامه و
حاشا لثوبه و الله
علم ۱۲ ط یعنی
قبل از تحریم ۱۲
و مترجم گوید یعنی
آنچه قبل از تحریم خود
مغفرت چون در
تقوی رسوخ پیدا
کردند و این سخن بدان
ماند که کسی گوید با تو
احسان کنم و باز تو
احسان کنم یعنی آنکه
پیوسته احسان کنم
والله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
ع چون آن
شرابی خوره خود
ضایع می شود بعضی
اوقات به دست
شده با هم دگری
جنگند حتی پس از
رفع نشه نیز گاهی
اتر جنگ با تے
می ماند و دشمنی بر پا
می شود و این
کیفیت بلکه به
مراتب بیشتر از آن
از قمار پیدا
می آید و در اثر
بردن باخت
جنگ و فداهای
سخت بر پای شود
و شیطان را برای
بر پا کردن منگامه
مؤلفه خوب دست
می دهد این بود فساد
و عیظ ظاهری اما
نقصان باطنی این
است که آن چون
درین چیزهای ناپاک
مشغول شود از یاد
خدا عبادات الهی
کاملاً غافل می شود
و دلیل آن مشایبه
و تخریب است افزونی
را که به شرطی مشغول
میشود بهینده تخریب

وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و نگاهدارید سوگندهای خود را و همچنین بیان می کند خدا برای شما آیه های خود را تا بپوشید شکر کنید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا خُطْبَةَ النَّبِيِّ إِذَا دُعِيَ إِلَى الْجَمْعِ

اے مسلمانان جزاین نیست که هر و قمار و شانسهای معبودان باطل و غیره بایست که مال پیدا است اے مومنان جزاین نیست که هر و قمار و شانسهای معبودان باطل و غیره بایست که مال پیدا است

مَنْ عَمِلَ الشَّيْطَانَ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۱۳

از کردار شیطان است پس احتراز کنید از او تا بپوشید جزاین نیست که می خواهد شیطان از کردار شیطان پس احتراز کنید از وی تا شکار شوید جزاین نیست که می خواهد شیطان

أَنْ يُوَقَّعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ

که بیندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی بسبب قمار و بازدارد شمارا که بیندازد در میان شما دشمنی و خصومت در خوردن خمر و قمار و بازدارد شمارا

عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ قَهْلًا أَنْتُمْ مُسْتَهْزِئُونَ ۱۴

از یاد خدا و از نماز پس آید احوال شما باز ایستادید و فراموشی می کنید از یاد خدا و از نماز پس آید استیسا باز ایستادگان ع و فراموشی می کنید

اللَّهُ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ عَلَى

خدا را و فرمانبرداری کنید پیغمبر را و بترسید پس اگر روگردانیدید پس بداند جزاین نیست که بر خدا را و فرمانبرداری کنید پیغمبر را و بترسید پس اگر روگردانیدید پس بداند جزاین نیست که بر

رَسُولِنَا الْبَلَّغُ الْبَيِّنُ ۱۵

پیغمبر ما نیست مگر پیغام رسانیدن آشکارا نیست بر کاشیکه ایمان آوردند و علیهای شایسته کردند رسول ما رسانیدن روشن است نیست بر کاشیکه ایمان آوردند و عمل شایسته کردند

جَنَاحٍ فِيمَا طَعِبُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا

کتابی در آنچه خوردند خط چون پر پریزگاری کردند و ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند باز پر پریزگاری کردند و کتابی در آنچه بیشتر خوردند چون از آینه ترسیدند (پر پریزگاری کردند) ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند باز پر پریزگاری کردند

أَمْوَالَهُمْ اتَّقُوا وَاحْسِنُوا إِلَى اللَّهِ يَجْزِيَ الْمُحْسِنِينَ ۱۶

ایمان آوردند باز پر پریزگاری کردند و نیکی کاری نمودند خدا دوست می دارد و نیکی کاران را ط اے (پر پریزگاری کردند) و یقین کردند ایمان آوردند بازمی ترسیدند (پر پریزگاری کردند) و نیکی کاری کردند خدا دوست می دارد و نیکی کاران را ط اے

أَمْوَالِكُمْ لَكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّدَقَاتِ آيَاتُكُمْ وَرَمَاهُمْ لِمَعَادِ

مسلمان هر آینه می آید شمارا پروردگار شما بخیر از شکار برسد بان دستهای شما و نیزه های شما خیر کند مومنان هر آینه می آید شمارا خدا بخیر از شکار که میرسد بان دستهای شما و نیزه های شما تمام معلوم کند

اللَّهُ مَنْ يَخَافَهُ بِالْغَيْبِ فَمِنْ أَعْدَائِهِ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ

خدا کسی را که غایبانه از وی ترسد پس هر که قدری کند بعد از این او است عذاب خدا کسی را که از وی ترسد در غیب پس هر که از حد درگذرد بعد از این پس مراد است عذاب

أَلِيمٌ ۱۷

درد دهنده اے مسلمانان کشید صید را چون احرام بسته باشید و هر که در ناک اے مومنان کشید صید را حال آنکه شما محرم باشید و هر که

قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَدٍّ فَجَزَاءُ مِثْلٍ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْوِ يَجْزِيهِ

کشد او را از شما بقصد پس واجب است جزا و آن جزا آنست که جزا کشته است از پیش چهار پاگان حکم کند بان بکشد او را از شما بقصد پس واجب است جزا و آنست که جزا کشته است از چهار پاگان حکم کند بر آن

میشود بهینده تخریب

ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَذَا يَبْلُغُ الْكَعْبَةَ أَوْ كِفَارَةَ طَعَامِ مُسْكِينٍ أَوْ

و صاحب عدالت از شما باشد که آن جزای را ببلد رسیده بکشد یا بر او دست طعام دادن و رویشان یا

عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لَيُّدُوقٍ وَبِالْأَمْرِ عَفَا اللَّهُ عَنْمَا سَلَفُ

برابر آن از روزه تا بخشد جزای کردار خود عفو کرده است خدا از آنچه گذشت

وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۝۲۰ أَحِلَّ لَكُمْ

و هر که دیگر بار کند انتقام گیرد از وی و خدا غالب صاحب انتقام است مطلق کرده شد برائے

صَيْدِ الْبَحْرِ وَطَعَامِهِ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ

شکار دریا و خوردن آن تا منفعت باشد برائے شما و برائے فایده و حرام کرده شد بر شما شکار

الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرَمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝۲۱ جَعَلَ اللَّهُ

بیابان تا وقتیکه احرام بسته باشید و بترسید از آن خدا که بسوی وی حشر کرده خواهد شد گردانید خدای تعالی

الْكَعْبَةَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَ

کعبه را که خانه بزرگوار است سبب انتظام امور مردمان و ماه حرام را و قربانی را و

الْقَلَادِ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

آنچه در گردن نشن تپاده اندازند این بیان برائے آنست که تابانند که خدای دانند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است

وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝۲۲ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝۲۳

دانا بداند که خدا همه چیز دانا است بدانند که خدا سخت است عقوبت او و آنکه بدانند که

اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝۲۴ مَاعَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ ۝۲۵ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ

خدا آمرزنده مهربان است نیست بر پیامبر مگر رسانیدن پیغام و خدای دانند آنچه آشکارا می کنید و

مَا تَكْتُمُونَ ۝۲۶ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ كَثْرَةُ

آنچه پنهان می کنید بگو اے محمد برابر نیست پلید پاک و اگر چه در محج آورد ترا بسیاری

الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ ۝۲۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

پلید پس بترسید از خدا اے خداوندان خرد تا شما بجات یا بید

أَمْوَالُكُمْ تَسْأَلُونَ عَنْ أَسْبَآءِكُمْ أَنْ تُبَدِّلَكُمْ تَسْأَلُكُمْ وَإِنْ سَأَلْتُمْ عَنْهَا جِئْنَا

مسلمانان سوال کنید از آن چیزها که اگر ظاهر کرده شود حقیقت آنها پیش شما علین کند شمارا و اگر سوال کنید از آن و قتیکه

يُنَزِّلُ الْقُرْآنَ تَبْدِيلُكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا ۝۲۸ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝۲۹ قَدْ سَأَلَهَا

فرود آورده می شود قرآن البتة ظاهر کرده شود پیش شما غفور ذال که لغای از آن سوال و خدا آمرزنده بزرگوار است و هر آینه سوال کرده

فتح الرحمن
و از منجم گوید جزای
صید کنی از سرچر تواند
بود مائل صید را در
حرم دین کند و مائلت
نزدیک شایقی خلقت
و هیبت است و
نزدیک الی صنف
لغیت یا لغیت صید
طعام خریدن ساید
و مسکینان و بدو
نزدیک شایقی بهر
سکته را مدعی و
نزدیک ایجینقه بر
مسکینان را بهر صاع
از کرم یا یک صاع
از جو یا شش مسکینان
علی اختلاف المذنبین
روزه دارد و الله اعلم
و از مترجم گوید یعنی بل
حرام و مال حلال برابر
نیست اگر چه حرام
لبیاء مع حی خود
والله اعلم ۱۲ و
نزدیک بعضی مردم
از انحراف نیز فرو
سوال می کردند که
گفت پدر من کیست
و دیگر می گفت که
مرجع من بهشت
است یا در آخر دین
ناب نازل شد ۱۲
تفسیر عثمانی
ع نزد خود مسند
این است که اگر در
۱۳ حال احرام
خ صید را بگوید یا
نم نین آن فرض
است و اگر کشت و
نفر مقبره بهر تجربه
کار قیت آنرا صعبی
نماید به اندازه قیمت
آن حیوانی را بخود
مثلا (بزی یا گاو یا شتر
و غیره) و نزدیک کعبه
یعنی در حدود حرام
رسانده و جمع کند
خود از آن نوزاد یا قیمت آنرا غله خرید بهر مسکین به مقدار حد و ذکر تقسیم کند و یا بهر تعداد مسکین که می رسد یا بقدر روزی بگیرد و عید یحیی از قبیل قدرت او بر آمده

فتح الرحمن

ما ترجمه گوید

بجاییت حکایه چند

اختراع کرده بودند

در آنها بقل اسلاف

خود شک می نمودند بیک

یکدیگر آن ماده شتر

است که او را برای

تجان مقرر می کردند

و بیکه نمیدادند سائبه

که برای تیان جانور را

می گزاشتند و بار بر

پشت او می نهادند و

دلیل آن ماده شتر

که او را بار در او می

شتر ماده بود و بار را

بیکه فصل دیگر بار را

زاد پس از آنکه تیان

می گزاشتند و بعد از آن

آن محل چندین

گرفتند و در آنجا

داشتند از کعب

و جز آن در آنجا

گفته اند و خداوند

این همه را فتح فرمود

آیت فرستاد و

پس اگر شما صلاح کردید

و شواله موقوف بجا

آوردید مخالفت مخالفان

ضرر نمی کند و الله اعلم

الها من ترجمه گوید سائبه

را اتفاق سفر افتاد

و در جائی که هیچ سائبه

نمود مخفی نشد تا چار

دو می را ترک خود

سپرد و بر دوش خود

گواه ساخت ایشان

از آن ترک حامی نقره را

نیانت کردند چون

ادبایست از ایشان

مطالع می نمودند قسم خوردند

که ما بان اطلاع نداریم

بعد از آن که جان نزدیک

صواعی پیدا شد گفت

که این دو دوشه بدست

من فروختند درین باب

آیت نازل شد و در کسر

از اولیاست قسم خورده آن جا را اگر گفتند

قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ﴿٢﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا

قَوْمٍ مِّنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ﴿٢﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا

سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَفْتَرَوْا عَلَى اللَّهِ

الْكَذِبَ ۖ وَكَثُرُوا لَا يَعْقِلُونَ ﴿٣﴾ وَإِذْ أَقْبَلُ لَهُمْ تَعَالَىٰ إِلَىٰ مَا أُنْزِلَ

اللَّهُ إِلَى الرَّسُولِ قَالُوا احْسِبْنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَلَا وَكُنَّا

أَبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَحْتَدُونَ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ

أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ

جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ

أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَصَابِتُكُمْ هُصَيْنٌ

الْمَوْتُ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَنْ بِاللَّهِ إِنْ أَرَبْتُمْ

لَا تَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَا نَفْسًا وَلَا تَمْلِكُ مِنْهُ جَانًا ۚ فَالَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِنَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٦﴾ فَإِنْ عَزَّ عَلَى الثَّمَانِ اسْتِخْفَافُ آخَرٍ يَفْقَهُهَا

مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقُّ عَلَيْهِمُ الْأُولَىٰ فَيُقْسِمَنْ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ

مِنَ الْكَلَامِ ۚ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ۚ فَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٦﴾ فَإِنْ عَزَّ

عَلَى الثَّمَانِ اسْتِخْفَافُ آخَرٍ يَفْقَهُهَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقُّ عَلَيْهِمُ الْأُولَىٰ

فَيُقْسِمَنْ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنَ الْكَلَامِ ۚ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ۚ

فَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٦﴾ فَإِنْ عَزَّ عَلَى الثَّمَانِ اسْتِخْفَافُ آخَرٍ

يَفْقَهُهَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقُّ عَلَيْهِمُ الْأُولَىٰ فَيُقْسِمَنْ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا

أَحَقُّ مِنَ الْكَلَامِ ۚ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ۚ فَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٦﴾

فَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٦﴾ فَإِنْ عَزَّ عَلَى الثَّمَانِ اسْتِخْفَافُ آخَرٍ

يَفْقَهُهَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقُّ عَلَيْهِمُ الْأُولَىٰ فَيُقْسِمَنْ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا

أَحَقُّ مِنَ الْكَلَامِ ۚ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ۚ فَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٦﴾

فَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٦﴾ فَإِنْ عَزَّ عَلَى الثَّمَانِ اسْتِخْفَافُ آخَرٍ

يَفْقَهُهَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقُّ عَلَيْهِمُ الْأُولَىٰ فَيُقْسِمَنْ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا

أَحَقُّ مِنَ الْكَلَامِ ۚ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ۚ فَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٦﴾

فَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٦﴾ فَإِنْ عَزَّ عَلَى الثَّمَانِ اسْتِخْفَافُ آخَرٍ

يَفْقَهُهَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقُّ عَلَيْهِمُ الْأُولَىٰ فَيُقْسِمَنْ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا

أَحَقُّ مِنَ الْكَلَامِ ۚ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ۚ فَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٦﴾

فَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٦﴾ فَإِنْ عَزَّ عَلَى الثَّمَانِ اسْتِخْفَافُ آخَرٍ

يَفْقَهُهَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقُّ عَلَيْهِمُ الْأُولَىٰ فَيُقْسِمَنْ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا

مَنْ شَهِدَ تَبَاوَمَا عَتَدَ لَنَا إِذَا دَلَّسَ الظَّالِمِينَ ۝ ذَلِكِ آدَتِي

از گواهی آن دو و از حد تجاوز نکرده ایم بر آئینه ما نگاه از ستمگران با ستم این اسلوب نزدیک تر است

أَنْ تَأْتُوا بِالْبَيِّنَاتِ عَلَى وَجْهِهَا أَوْ يَكْفُرُ أَنْ تَكُونَ آمِنًا بَعْدَ آمَانِهِمْ

یا که بیارند گواهی را بر وجه آن یعنی بر وجهیکه باید در گواهی دادن یا بر سرند از آنکه رد کرده شود سوگند یا بعد سوگند بای ایشان دل

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ يَوْمَ يَجْمَعُ

و بر سرند از خدا و بشنود حکم او را و خدا راه نمی نماید گروه فاسقان را و دل یاد کن آن روز که جمع کند

اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ ۚ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا بِأَنَّكَ أَنْتَ عَلَّمَهُ

خدا پیغامبران را پس بگوید چه جواب داده شد شمارا گویند هیچ دانش نیست ما را بر آئینه توئی دانسته

الْغُيُوبِ ۝ إِذْ قَالَ اللَّهُ يُعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى

امر پنهانی چون گفت خدا ای عیسی پسر مریم یاد کن نعمت مرا بر خویش و بر

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا أَنْتَ بَرُّوهُمُ الْقُدُّوسُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَكَذَلِكَ

والله خویش چون توت دادم ترا بر روح القدس یعنی بر کلمات حلیه القدس سخن می گفتی با مردمان در گواه در حالت معمری

وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ۚ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنْ

و چون آموختم ترا کتاب و دانش و توریت و انجیل و چون پیدای کردی از

الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأَذْنِي فَتَنْفَخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأَمْرِي ۚ وَتُبَرِّئُ

گل باشد شکلی مرغی حکم من پس دم میزوی در دے پس می شد مرغی حکم من و به می کردی

الرُّكْنَ وَالْأَكْبُصَ بِأَذْنِي ۚ وَإِذْ تَخْرِجُ الْمَوْتَى بِأَذْنِي ۚ وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي

گور را در آردا و بر من دار را حکم من و چون بیرون می آوردی مردگان را حکم من و چون بازداختم در تن بنی

إِسْرَءِيلَ عَنْكَ إِذْ جَنَّتْهُمْ بِالْبَيْتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ

اسرائیل را از تو نگاه که آوردی نزدیک ایشان معجزه ما پس گفتند کافران از ایشان نیست این

هَذَا إِلَّا رُسُلُ مِثْلِنَا ۚ وَإِذْ أُوحِيَ إِلَى الْخَوَارِجِ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرُسُلِي

و چون الهام فرستادم بسوی خواریان که ایمان آرید من و به پیغامبر من

قَالَ آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ۚ إِذْ قَالَ الْخَوَارِجُ يَعْيسَى ابْنُ

گفتند ایمان آوردیم و گواه باش یا عیسی بر آنکه ما مسلمانیم چون گفتند خواریان ای عیسی پسر

مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ ۚ قَالَ

مریم آیا می تواند پروردگار تو که فرو فرستد بر ما خواهی از آسمان گفت عیسی

مَرْيَمَ أَيَا مِثْلُ مَا تُكْفَرُونَ ۚ فَفَرَسْتُمْ بِرَأْسِ الْخَوَارِجِ مَلَأُوا مِنْهُ

مریم ای مگر چه می گویید که کفر دارید پس فرستادم بر سر خواریان مملو از آنکه

فتح الرحمن
ول یخبره اگر کسی داند
که بعد از سوگند من سوگند
مدعی نخواهد بود سوگند
در دغ خورد و اگر بداند
که چن کذب ظاهر شود
مدعیانرا سوگند و بهی
حق به سوگند ایشان
ناتر شود از
سوگند دروغ
احکامات ۱۲
و مترجم گاه و بگاه
بجانب شافعی است
که مراد از شهادت
و حقیقت است و از
منکم من اقامه و ذکر
اثبتن برای اثبات
و قسم دادن بحقیقت
مدعا علیه بودن دین
دعوی که خیانت کرده
اند و یقین صلوة عصر
بجست تخلیط یحیی و
اختیار اثبتن برائے
احیاء و اقامت اولیا
بجست مدعا علیه بودن
بر ایشان در دعوی
که بجست خد خود تقرب
می کند چنانچه در صورت
مذکوره دعوی اشتراک
کرده بودند ان لم یتم
فان غیر اشد لست بوجه
دعوی کسی و بجانب
ایحیی و مانند آنست
مگر آنکه تعیین صلوة
عصر بجست آنست که
تفتات در حکم همین
وقت می نشستند پس
گویا که گفته شد در حکم
تضاد الله علم ۱۲
و این یعنی نخست از مر
خضوع دنیا لیس این
گویند بر ابرو و
نسبت و نشانی از
دانش نبی و اولاد
براست خویش و الله
علم ۱۲ یعنی از گور
زنده بر می آوری الله علم
...
مگر عثمانی - ع - اگر در شریعت باشد حکم قسم دادن بجایست از جهت اینکه از قسم ترسیده در اول و ملائکه دروغ گفتند باز اگر سخن آنها دروغ برآید در شریعت قسم ...

فتح الرحمن
فلما مامل ابن

ست که الهام فرستاد
بسیوی حواریان در
هنگامی که سفره طلب
کردند و برالبع
حسب مراد دیدند
و مترجم گوید لید
ازان خوانی نازل
شد از آسمان برک
گرفت و نان پس
خورد و میرشدند
اعلم ۱۲ مترجم
گوید خدا تعالی روز
قیامت نعمتهائی
خود عیسی را یاد داید
ازان سوال کند که
خود را اله میگویید
بجهت تائید
برائے قطع حج
شبه نصاری
بالطبع وجه البتة
اعلم ۱۲ فتح الرحمن
و کپی بر آسمان
بر روی ۱۲

تفسیر عثمانی
ع یعنی من جهان
سخن نایاب بگویند
گفتی تو انستم ذات
مقدس تو منزله از
آنست که در الوهیت
و غیره بان ابناء قرار
داده شود هر گرا
توبه منصب جلیل
رسالت سرازیر گردد
شایسته نیست که
حرفی نافع از زبان
او براید اقتضای
سبوحیت تو و عظمت
من آنست که من
پنج گاه چنین سخن
نایاب گفته باشم
صرف نظر از حدیث
آخرین سخن این است
که از علم محیط تو هیچ
چیز خارج شده نمی
تواند اگر چنین واقعا
چنین می گفت در علم تو

أَتَقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ أَوْ لَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهَا وَتَطْمَئِنُّ

بتر سید از خدا اگر مومن هستید و لا گفتندی خواهیم که بخوریم ازان خوان و آرام گیرد
بتر سید از خدا اگر مومن هستید گفتندی خواهیم که بخوریم ازان و مطمئن شود

فَلَوْ بَنَّا وَنَعْلَمُ أَنْ قَدْ صَدَّقْنَا وَنَكُونُ عَلَيْهِمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ۝ قَالَ

دل باین ما و بدانیم که راست گفتی باما و با شیم بر نازل آن از گویان گفت
دل باین ما و بدانیم که راست گفتی باما و با شیم بر نازل آن از گویان گفت

عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا

عیسی پسر مریم یا خدا یا اے پروردگار ما خود را بر ما خواسته پراز طعام از آسمان تا باشد عید
عیسی پسر مریم ای خدا پروردگار ما خود را بر ما خواستی پراز طعام از آسمان تا باشد برای ما

عَيْدًا أَلَاؤُنَا وَإِخْرَاجُ آيَةٍ مِنْكَ ۝ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ۝ قَالَ

برای ما و برای او این امت ما و آخر امت ما و معجزه از جانب تو و روزی ده ما را و تو بهترین روزی دهنده هستی گفت
عیدی برای اول امت ما و آخر امت ما و نشان باشد از جانب تو و روزی ده ما را و تو بهترین روزی دهنده هستی گفت

اللَّهُ إِنِّي مُنْزِلُهَا عَلَيْكَ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ ذَلِكَ فَأَنَا أَعَدُّ لَهُ عَذَابًا

خدا من خود آورنده ام آنرا بر شما پس هر که از شما کافر خود بعد از این پس من لعنم او را عذاب یک لعنم
خدا من خود آورنده ام آن را بر شما پس هر که ناشکری کند بعد از این از شما پس من لعنم او را عذابی که لعنم

أَعَدُّ لَهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ۝ وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يُعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ إِنَّكَ

تنگم بآن پنج یک را از اهل عالم گفت و یاد کن آن وقت که گوید خدا اے عیسی پسر مریم آیا تو گفتی
تنگم بآن پنج یک را از اهل عالم و چون گفت خدا ای عیسی پسر مریم آیا تو گفتی

لِلنَّاسِ اخْذُونِي وَارْمُوا إِلَيْهِ مِنْ ذُرْوَى اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ

بر مردمان که خدا گیرید مرا و مادر مرا بخور الله تعالی گفت بیای یادمی کنم ترانه سوز
بر مردمان که بگیرید مرا و مادر مرا و موجود بخور از الله گفت پاک هستی تو نه سوز

لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمَ مَا فِي

مرا که بگویم آنچه لایق من نیست اگر گفته باشم این قول پس تو آنرا دانستی می دانی آنچه در
مرا که بگویم چنین سخن که حق آن را نداریم اگر این را گفته باشم پس هر آینه تو آنرا دانستی میدانی آنچه در

نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝ مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا

ضمیر منست و نه میدانم آنچه در ضمیر منست هر آینه تو دانستی امور پنهانی که گفته ام بایشان مگر
نفس من است و نمیدانم آن چه در نفس منست ضمیر منست هر آینه تو دانستی امور پنهانی که گفته ام بایشان مگر

مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مِمَّا قَدَّمْتُمْ

آنچه فرموده بودی مرا باین که پرستید خدا را پروردگار من و پروردگار شما و بودم بر ایشان گواه باین که امری را که
آن چه فرموده بودی بر منی که پرستید خدا را که پروردگار من و پروردگار شماست و بودم بر ایشان گواه و ادبیک در میان ایشان

فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَكَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبُ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝

بودم پس و قریب بر هر چیزی مرا و تو بودی لگه بپایان بر ایشان و تو بر همه چیز حاضر و شهود
بودم باز نیگامی تو مرا برداشتی بودی تو نگهبان بر ایشان و تو بر همه چیز حاضر و شهود

إِنْ تَعْلَمْهُمْ فَلْيَهْلِكْ عَذَابُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

اگر عذاب کنی ایشان را پس ایشان بندگان تو اند و اگر بیامرزی ایشان را پس توئی غالب استوار کار
اگر عذاب کنی ایشان را پس ایشان بندگان تو اند و اگر بیامرزی ایشان را پس توئی غالب صاحب حکمت

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ

گوید خدا که این روز نیست که نفع کند در آن راست گویان را راستی ایشان را باشد بویستانها میرود
گفت از گوید خدا این روز نیست که نفع کند و راست گویان را راستی ایشان است بویستانها میرود

وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝

و تو بر همه چیز حاضر و شهود

يُنْفِخُهَا لَنُفْخِرَ خَلِيدِينَ فِيهَا أَرْضُ اللَّهِ غَيْرَ صَوَاعِدٍ ذَلِكَ

تر بر آن جو بهای باشد (عازیدان) در آن همیشه خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شدند ایشان از خدا اینست

لَقَوْلِ الْعَزِيزِ ۵ اللَّهُ مُلْكُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى

رستگاری بزرگ خدا است بادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست و او بر رستگاری بزرگ خدا است پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست و او بر

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۵ كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۵

همه چیز تواناست همه چیز تواناست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا بخشاینده مهربان نهایت بزرگم است

لُحْمُ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ

ساخت این خدا است که آفرید آسمانها و زمین و پدید کرد تاریکی با روشنی بر ستایش با آن ندای راست که آفرید آسمانها و زمین و پدید کرد تاریکی با روشنی را

ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ۱ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ

باز آنانکه کافر شدند به پروردگار خود برابر می کنند اوست آنکه پدید کرد شما را از گل باز اوست آنکه پدید کرد شما را از گل باز

قَضَىٰ أَجَلَ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ كَائِرُونَ ۲ وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمُوتِ

مقرر کرد وقت مرگ را و در آن معین است نزد یک اوست باز شما شک می کنید و اوست خدا در آسمانها مقرر کرد وقت (مرگ) را در آن معین است نزد او باز شما شک می کنید و اوست خدا در آسمانها

وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ ۳ وَمَا تَأْتِيهِمْ

و در زمین می داند پنهان شما و آشکار شما و می داند آنچه عمل می کنید و می آید بکاران و در زمین می داند پنهان شما و آشکار شما و می داند آنچه عمل می کنید و می آید بکاران

مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ۴ فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ

یابج نشاند از نشانه های پروردگار ایشان الا ازان رو گردان شدند پس ثابت شد که ایشان بدو حق نسبت کردند و کذب کردند از نشانه های پروردگار ایشان معر می کنند ازان کلامی دجسته ازان اعراض کنندگان پس بدو حق نسبت کردند و کذب کردند

لَسَاءَ جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَتُوبًا أَمْ كَانُوا بِآيَاتِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۵ أَلَمْ يَرَوْا كَمَا

چون بیاید ایشان پس خواهد آمد بایشان جزای آنچه بویست می کردند و آیا ندیده اند که چه قدر چون بیاید ایشان پس اکنون خواهد آمد بایشان خبری آنچه بودند که بدان استغفاری کردند و آیا ندیده اند که چه قدر

أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نَكُنْ لَكُمْ

هلاک کرده ایم پیش از ایشان از آنکه استقام داده بودیم ایشان را در زمین آنقدر که استقام داده ایم شما را هلاک کرده ایم پیش از ایشان از آنکه استقام داده بودیم ایشان را در زمین آنقدر که استقام داده ایم شما را

وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا آلَافَ نَجْمٍ مِنْ تَحْتِهِمْ

و فرستاده بودیم باران بر ایشان در چاه ریزنده و پدید کردیم بویها سیرت زیر ایشان و فرستاده بودیم باران بر ایشان در چاه ریزنده و گردانیدیم جو بهای میرفت از زیر ایشان

فَأَهْلَكْنَاهُمْ بَدَأًا بَعْدَ آخِرِهِمْ وَنَسْنَاهُمْ مِنْ بَدَأِ أَوَّلِهِمْ ۶ وَلَوْ تَرَىٰ

پس هلاک کردیم ایشان را ابتدا از ابتدا و پدید کردیم بعد از ایشان امتی و دیگر یعنی مردمان و بجز اگر فرستاده بودیم پس هلاک کردیم ایشان را ابتدا از ابتدا و پدید کردیم بعد از ایشان امتی و دیگر یعنی مردمان و بجز اگر فرستاده بودیم

فتح الرحمن

طایفی تعصب

ایشان عمر شریک است

که اگر نزل کتاب

را بحس ظاهر بینند

نیز انکار کنند ۱۲

طایفی بوجه که

آنرا بحس ظاهر بینیم

والله اعلم ۱۳

یعنی ظهور طایف باین

و بحس ظلمت ملاک

ایشان است در

حکمت الکی الله اعلم

طایفی جزای کلمه

که بطریق مخفی باینها

می گفتند ۱۴

تفسیر عثمانی ۱۵

ع در هر کس لمن

بانی السموات والارض

تعیین مکان بود در

در مسکن فی السبل و

النباه به اعتبار

زمانه تعین است یعنی

حکومت و قبضه و

اقتدار او بر جا و هر

وقت است تمام آن

چیز با که در شب و

در روز زندگی را به آرا

مش و سکون بسوی

برنده و از چندین دشمن

مرئی و نامرئی مخفی

و مومن به امتحان

آنان در رحمت کامل است

نقش من بطلو باین

والنهار من الرحمن

را نبیا ۱۶- ت که

در خلال غفلت و بی

بوی روز در غفلت

غفلت و بی غایت شب

بهر خواب غفلت و بگو

را می شود به جوارح

و ضرورت به خودی

می اند- اکنون خود

بگویند که چنین بود که

را نگذاشتن و انداز

دیگری خواستن چه

فرموده اند تا نشاء

عَلَيْكَ كِتَابِي قُطَابِي فَلَمْ يَسُوهُ بَأْيْدِهِمْ لِقَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ

بر تو نوشته در روز پس ساس میگردند آنرا بدست خود گفتند

بر تو نوشته در روز پس ساس میگردند آنرا بدست خود هر آینه می گفتند

هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ۱۷ وَقَالُوا أَوَلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ط وَلَوْ أَنْزَلَ

این مگر سحر ظاهر و گفتند که اگر آنرا فرود آورده شد بر پناهنده فرستاده و اگر فرود

این مگر سحر ظاهر و گفتند که اگر آنرا فرود آورده شد بر پناهنده فرستاده و اگر فرود

مَلَكًا لَقَضَى الْأَمْرَ ثُمَّ لَا يَنْظُرُونَ ۱۸ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا

فرستاده البته یا بنی م رسانیده شده کار باز مهلت داده نشوند و اگر میگردیم آن فرستاده لازم میشد که نقش بر روی

فرستاده البته یا بنی م رسانیده می شد کار باز مهلت داده نشوند اگر میگردیم رسول فرستاده را هر آینه (مجلس) میگردانیدیم که او را

وَلَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يُلَبْسُونَ ۱۹ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ

و هر آینه مشتمل میگردیم بر ایشان آنچه الحال اشتباه می کنند و هر آینه مشتمل کرده شد بر پناهنده بر پناهنده

و هر آینه مشتمل میگردیم بر ایشان آنچه اشتباه می کنند و هر آینه مشتمل کرده شد بر پناهنده بر پناهنده

فَخَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۲۰ قُلْ سِيرُوا

پس فرود آمد بر ستم کنندگان از ایشان جز آنکه ستم میگردند و ستم میگردند

پس (فرود آمد) احاطه کرده به آنرا که ستم میگردند از ایشان آنچه ستم میگردند بر آن استناده میگردند

فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ۲۱ قُلْ لَيْسَ مَا

در زمین باز نظر کنید چگونه شد آخر کار دروغ و اندرندگان بگو کرامت آنچه

در زمین باز نظر کنید چگونه شد آخر کار تکذیب کنندگان بگو کرامت آنچه

فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كُتُبٌ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَنُ لِيَجْزِيَكُمْ

در آسمانها و زمین است بگو خداوند راست لازم کرد بر خود مهر بانی البته جمع کند شمارا

در آسمانها و زمین است بگو خداوند راست نوشت بر خود مهر بانی البته جمع کند شمارا

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يَمْنُونُ ۲۲

در روز قیامت هیچ شک نیست در آن آنرا که زیان کردند در حق خویش پس ایشان ایمان نمی آرند

در روز قیامت هیچ شک نیست در آن آنرا که زیان کردند در حق خویش پس ایشان ایمان نمی آرند

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۲۳ قُلْ أَغْنَىٰ

و او را است آنچه ساکن شد در شب و روز و او است شنوا دانای بگو آید دستی گیرم

و او را است آنچه ساکن شد در شب و روز و او است شنوا دانای بگو آید غیر خدا

أَتَسْجُدُ لِلَّذِينَ يَلْبِغُونَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُمْ يُطِيعُونَ وَأَطِيعُوا

بگو خدا ای پیدا کننده آسمانها و زمین داد در حق میدهد و در حق داده نمی شود بگو

بگویم مدد کار که پیدا کننده آسمانها و زمین است ع داد بپرداز در حق می دهد و در حق داده نمی شود ع

إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۲۴ قُلْ

بهر آینه امر کرده شده است مرا که باشم اول کسی که گردن نهاند حکم خدای را و فرموده شد که مباش از مشرکان بگو

بهر آینه امر کرده شده است مرا که باشم اول کسی که گردن نهاند حکم خدای را و فرموده شد که مباش از مشرکان بگو

إِنِّي أَخَافُ أَنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۲۵ مَنْ يُصِرْ

بهر آینه من می ترسم اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ هر که عذاب باز داشته شود از دوسه

بهر آینه من می ترسم اگر نافرمانی کنم پروردگار خود را از عذاب روز بزرگ هر که عذاب باز داشته شود از دوسه

يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْنَاكَ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ۲۶ وَإِنْ يَسْتَسْأَلِ اللَّهَ

آن روز پس مهر بانی که خدا ببرد و اینست مطلب بانی ظاهر و اگر سختی رساند خدا

آن روز پس به تحقیق مهر بانی کرده خدا بروی و این است کامیابی ظاهر و اگر برساند بتو خدای

آن روز پس به تحقیق مهر بانی کرده خدا بروی و این است کامیابی ظاهر و اگر برساند بتو خدای

آن روز پس به تحقیق مهر بانی کرده خدا بروی و این است کامیابی ظاهر و اگر برساند بتو خدای

آن روز پس به تحقیق مهر بانی کرده خدا بروی و این است کامیابی ظاهر و اگر برساند بتو خدای

آن روز پس به تحقیق مهر بانی کرده خدا بروی و این است کامیابی ظاهر و اگر برساند بتو خدای

آن روز پس به تحقیق مهر بانی کرده خدا بروی و این است کامیابی ظاهر و اگر برساند بتو خدای

آن روز پس به تحقیق مهر بانی کرده خدا بروی و این است کامیابی ظاهر و اگر برساند بتو خدای

فتح الرحمن

ول یعنی منکر شرارت
والله اعلم
یعنی گناهان خویش
را ۱۲ یعنی عمل بد
بشکل خیریه در
نهایت زشتی و نا
خوشی شده بر پشت
او بنهند ۱۲ -

تفسیر عثمانی
عنه تکیه بر کینه
آنها به آیات الهی و
تمام خوت و غرور آنها
تا آن گاه است که منکر
کیفر و نفاق و پوش
ربای الهی در مقابل
نگاه شان نیست
چون کسی که بگذر یک
روزه سوم چشم را حس
کنند این همه تکبر و غرور
خواهی آنها سرد می
شود و بهر آن قدر
تجاوز خواست
کنند که دوباره
در دنیا فرستاده
شوند تا آینه آیات
پروردگار خویش را
بیک گاه تکذیب نکنیم
و مومن را به عقیده
باشیم - الان تقدیرت
و ما یفیع الذم - عنه
اکنون نیز متناهی
آنها در مراجعت دنیا
به عزم و درست و
رغبت ایمانی نیست
بلکه چون نظر مکارفات
و مجازات عمل را که
با وجود و نازل روشن
در پرده انکاری پوشیده
محاسبه کردند و عذاب
الهی را بچشم دیدند و
همه اعمال شنیع
آنها که از نگاه مردم
پنهان بود فاش
گردید و در غمتونی
آنها که "والله ربنا
ما کنش کین"

ان هذا الا اساطیر الاولین ۵ و هم ینھون عنه و یتون عن ذلک

نیست این مگر قصصهای پیشینیان و ایشان منع می کنند از متابعت او و دوری ستوند از متابعت او و

یھلکون الا انفسهم و ما یشعرون ۶ و لو کرمی اذ و قفوا علی النار

هلاک نمی کنند مگر خویش تن را و نمی دانند و لعجب کنی اگر چه بینی ایشان را و قتیله باز داشتند شوند نزدیک آتش
هلاک نمی کنند مگر خود را و نمی دانند و اگر چه بینی ایشان را چون ایستاده کرده شوند بر آتش

فقاؤا الیک تتارذو و لا تکذب بایات ربنا و نکون من المؤمنین ۷ بل

پس گویند اے کاش ما باز گردانیده شویم پس دروغ نسبت نه کنیم آیات پروردگار خویش را و شویم از مسلمانان
پس گویند اے کاش ما باز گردانیده شویم بد نیاید تکذیب نکنیم آیات پروردگار ما را و باقیم از جمله باوردارندگان علامه

بد الھم ما کانوا یحجون من قبل و لورذو العادو الیماھو اعنه و اھم

اگر چه ایشان را جزا می پوشیدند پیش ازین یعنی برای عقاب باطل را و اگر باز گردانیده شوند الیه رجوع کنند بسوی آنچه منع کرده می شد
اگر چه ایشان را جزا می پوشیدند پیش ازین عده و اگر باز گردانیده شوند الیه رجوع کنند بسوی آنچه منع کرده می شد از آن هر آنچه

لکن بون ۸ و قالوا انھی الاحیاء الدنیا و ما نحن ببعوثین ۹ و لو

و هر آنچه ایشان را بهر فکرانند گفتند نیست هیچ حیات مگر زندگی این جهانی ما و نیستیم ما بر بعثتگان و لعجب کنی اگر
دروغ گویند و لعنت نیست این زندگی مگر زندگی ما و در دنیا نیستیم ما بر بعثتگان از قبور و اگر

کرمی اذ و قفوا علی رھم قال الیس هکذا الحق قالوا بلی و ینسأ قال

به پیشانی نگاه که بازداشتند بشعور پروردگار خویش گوید خدا آیا این درصحت نیست گویند آری و درست است قسم پروردگار گوید
به پیشانی چون ایستاده کرده شوند مفسور پروردگارشان بخوبی خدا آیا این درست نیست گویند آری و درست است قسم پروردگار گوید

قد و قوا العذاب بما کنتم تکفرون ۱۰ قد خسر الذین کذبوا الیقین الله

پوشید عذاب را بسبب آنکه کافر بودید به حقیقت زیاده کار شدند آنرا و دروغ نسبت کردند مکارفات خدا را
خدا پس بپوشید عذاب را بسبب آنکه کافر می شدید یعنی کفر خود بدست میزدان کردند آنرا تا کسی تکذیب کردند مکارفات خدا را

حتی اذ جاء لهم الساعة بغتة قالوا ایحسرننا علی ما فرطنا فیھا و هم

تا آن گاه که بیاید بایات قیامت تا گمان گویند اے پیشینیان ما بر تقصیر ما در باب قیامت و ایشان
تا چون بیاید بایات قیامت تا گمان گویند اای حسرت ما بر آنچه تقصیر کردیم در جیات دنیا و ایشان

یحسبون انهم علی ظھورھم الساعة ما یزرون ۱۱ و ما الحیوة الدنیا

پر دارند بارهاست خویش را و بر پشت تنهای خویش آگاه خوبید بد چیز است آنچه بر می دارند و نیست زندگی دنیا
پر دارند گمان خود را بر پشت های خود آگاه شوید بد چیز است آنچه بر می دارند و نیست زندگی دنیا

الاعب و لھو و اللذاز الاخرة خیر للذین یتقون افلا تعقلون ۱۲ قد

مگر بازی و لهو و هر آینه سرای آخرت بهتر است متقیان را یا بازی و لهو هر آینه
مگر بازی کودکان و مشغولی دلو انکان و هر آینه دار آخرت بهتر است برای کس مگر پیر و بزرگاری می کنند یا بازی و لهو

نعلم انه لیخرجنک الذی یقولون فانهم لا ینکونون و لیکن الظالمین

همید ایم که آمد و یقین میکنند ترا آنکه ایشان می گویند پس هر آینه ایشان دروغ نسبت می کنند ترا لکن و لیکن الظالمین
می دانیم بدستیک ترا آمد و یقین می گرداند آنچه می گویند پس بدستیک ایشان تکذیب می کنند ترا و لیکن این ستم گاران

بایات الله یجحدون ۱۳ و لقد کذبت رسل من قبلک قصبروا علی ما

آیات خدا را انکاری می کنند و هر آینه دروغ نسبت کرده شد پیش ما را پیش از تو پس صبر کردند بر
آیات خدا را انکاری می کنند و هر آینه دروغ نسبت کرده شد پیش ما را پیش از تو پس صبر کردند بر آنچه

کذبوا و اودوا حتی انھم نصرنا و لا مبدل لیکلمت الله و لقد جاءک

تکذیب خویش و در چانه شده شد خویش تا آنکه بیاید بایات نصرت ما و نیست هیچ کس و پیونده و عده هاست خدا را پیر آینه آمد بتو
تکذیب شد (در چانه شدن خویش) و بر آینه تا آنکه بیاید بایات نصرت ما و نیست هیچ کس و پیونده مرصحن (و عده های) خدا را پیر آینه آمد بتو

می گفتند آشکار گشت آنرا مخفی و غیر مرئی شرارت کرد در قلوب این ناشائستگان پرورش یافته بود عقل شده پیش روی شان آمد آنکس مصلح برای نجات خویش متناهی کنند

فتح الرحمن
و لا یعنی باسند
نهتپا

فردان وادیم و الله
اعلم و ۱۲ یعنی پاک
کرده نشوند ۱۲
تفسیر عثمانی

ع حضرت شاه
رحم الله می گوید درنگ
در توبه کنید چشم و
گوش و دلی که در این
وقت موجود است

شاید باز بدست
نیاید و توبه نوبه و
منتظار نیاید
رنا گمان یعنی عذاب
که علامات آن بیشتر
ظاهر شود لہذا مراد

از "چهره" آن
عذاب است که علامات
آن ظاهر شود و

اگر چه پیغمبر خدا از
نوع بشر نیست
امامان او و دیگران
تفاوت از زمین تا

آسمانست قوای
بشری و نوع است
علی - علی - میان
پیغمبر و غیر پیغمبر در

پیروی علی چنان
تفاوت است که میان
الحی و البصر بینا و نا

بینا تفاوت می
باشد چشم دل پیغمبر
برای برای نظاره
رضیات الهی تجلیات

ربانی بازی باشد که
دیگران از مشاهده
آن بلا واسطه
محرومند اما حال

نیز علی ۱۱
چنان است که ۱۱
پیغمبر و بر مقتضای
کردار خود در هر جنبه
و سکون خویش تابع

رضای الهی و منتقاد
علم خدای باشد
محافظ دینی باشد

قَسَمْتُ قُلُوبَهُمْ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۲ فَلَمَّ

سخت شد دل ایشان و زینت دار در نظر ایشان شیطان آنچه می کردند پس چون
سخت شد دل های ایشان و آراست در نگاه ایشان شیطان آنچه می کردند پس چون

نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ ۳ حَتَّى إِذَا فُزِّعُوا

فراموش کردند آنچه تذکر داده شد ایشان را بآن گناه ساقطیم بر ایشان در باطن هر چیز و تا آن هنگام که گناهان گشتند
فراموش کردند آن پندی را که داده شد به ایشان گناهان گشتند بر ایشان در باطن همه چیز تا هنگامی که گناهان گشتند

بِمَا أَوْتُوا ۴ أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً ۵ فَاذْهَبَ أَهْمُ مُبِلَسُونَ ۶ فَفُطِمَ دَابِرُ الْقَوْمِ

بآنچه دادیم ایشان را در غفلت کردیم ایشان را تا گمان پس شدند امید نداشتند پس بریده شدند
بآنچه دادیم ایشان را بجز قیام ایشان را تا گمان پس شدند تا امید (پس) بریده شدند بنیاد گزیده

الَّذِينَ ظَلَمُوا ۷ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۸ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ

ستمگاران و سبب است خدا نراست هر در و درگاه عالمها بگو (آبادیدید) اگر باز گیر
ستمگاران و همه ستایش با خدا راست که هر در و درگاه جهان ایشان است بگو (آبادیدید) اگر گیرد

اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مِنَ اللَّهِ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمُ

خدا شنوای شما را و چشم های شما را و مهر کند بر دلبانی شما کیست خدا غیر الله تعالی که آنرا بیارد
خدا شنوای شما را چشم های شما را و مهر کند بر دل های شما کیست خدا غیر الله که آن چیز را بیارد

بِهِ أَنْظِرْ كَيْفَ نَصَرَفَ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصِدُّونَ ۹ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ

بشما بین چگونه گوناگون بیان می کنیم آیتها باز ایشان را روگردان میشوند بگو (آبادیدید) اگر
بشما بین چگونه بیان می کنیم آیتها باز ایشان را روگردان میشوند بگو (آبادیدید) اگر

أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ ۱۰ وَ

بماید شما عذاب خدا ناگهان یا آشکارا آیا پاک کرده شوند و مگر قوم ستمگاران و
بماید شما عذاب خدا ناگهان عذاب یا آشکارا (آیا) پاک کرده شود مگر گروه ستمگاران و

مَا أَرْسِلُ إِلَّا رُسُلًا ۱۱ وَ مِنْذُرِينَ ۱۲ قَسَمٌ أَمِنٌ وَأَصْلَحَ

نی فرستیم پیغامبران را مگر بشارت دهنده و بیم کننده پس هر که ایمان آورد و نیکی کاری کرد
نی فرستیم پیغامبران را مگر بشارت دهنده و بیم کننده پس هر که ایمان آورد و اصلاح شد

فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۱۳ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سِمْسُمُ

پس هیچ ترس نبود بر ایشان و نه ایشان اندر بیکدیگر شوند و گمناهی بدو و نسبت کرده اند آیات را بر سر ایشان
پس هیچ ترس نبود بر ایشان و نه ایشان اندر بیکدیگر شوند و گمناهی بدو و نسبت کرده اند آیات را بر سر ایشان

الْعَذَابُ ۱۴ مَا كَانُوا يَفْقَهُونَ ۱۵ قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ

عذاب بسبب ناسی بودن ایشان بگوئی تو هم بشما که نزدیک من است خزینه های خدا
عذاب بدان جهت که من نمی بینم بگوئی تو هم بشما نزدیک من است خزینه های خدا

وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبُ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ ۱۶ إِنِّي أَنَا اللَّهُ ۱۷

و نه می گویم که سید الخیال را و نه می گویم که سید الخیال را و نه می گویم که سید الخیال را
و نه می گویم که سید الخیال را و نه می گویم که سید الخیال را و نه می گویم که سید الخیال را

هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ۱۸ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ۱۹ وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ

آیا برابر است بینا و بینا آری می بیند و برسان بقرآن یعنی بنده بقرآن که نرسد را
آیا برابر است بینا و بینا آری می بیند و برسان بقرآن یعنی بنده بقرآن که نرسد را

يَخَافُونَ أَنْ يَحْضُرَهُمُ الْيَوْمَ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا

میرسد خدا را و نه می گویم که سید الخیال را و نه می گویم که سید الخیال را و نه می گویم که سید الخیال را
میرسد خدا را و نه می گویم که سید الخیال را و نه می گویم که سید الخیال را و نه می گویم که سید الخیال را

مُجَاهِدٌ ۲۰ هَلْ يَسْتَوِي الْغَائِبُ وَالْغَائِبُ ۲۱ هَلْ يَسْتَوِي الْغَائِبُ وَالْغَائِبُ ۲۲

محافظ دینی باشد و نه می گویم که سید الخیال را و نه می گویم که سید الخیال را و نه می گویم که سید الخیال را
محافظ دینی باشد و نه می گویم که سید الخیال را و نه می گویم که سید الخیال را و نه می گویم که سید الخیال را

فتح الرحمن

فلا يعني انواع علم

غيب ۱۲ ولا يعني

وقت نوم ۱۳ ولا يعني

از مصيبت بائي

بيابان و دريا ۱۴

يعني چنانكه سنگ بر

نوم نوط باريد ۱۵

و لا يعني چنانكه تار و

بزمين رفت و لا

يعني افواج متعدد

پيدا شود و بايكديگر

جنگ كنند ۱۶

آدمي عثمان

عنه ملاني كه

مفاتيح را جمع

مفاتيح به فتح

بهم ترجمه كرده اند

مفاتيح الغيب را

گنجهاي غيب ترجمه

كرده اند و نوزديگان

كه جمع مفتوح به كسر سيم

است آنها مفتوح

الغيب را موافق

مترجم رحمه الله ترجمه

كرده اند يعني بگليد

بائي غيب مطلب

ابن است گنجهاي

غيب بگليده باي آن

تقريب قدرت خداست

از ان گنجها بر وقت

و هر چند بهر كنج ايد

ميكشيد و بگيري را

قدرت نيست كه به عقل

و حواس ياد بگيرد

ادراك تواند و بطول

عيني فرارسد يا بران

مقدار غيوب كه خدا

بروي متكشف گردانند

تواند از خود چيزي

بيفزايد زير اختراع

علوم غيب و درست

وي نپايد نشد و اگر چه

بكي از بندگان بر

مليون هزينت و عقل

عيني آگاهي كرده شده

باشد باز هم علم اصول

و كليات غيب را كه

مفاتيح غيب را كه

مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَخْلُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرُوجِ وَمَا تَسْقُطُ

بگليد باي غيب ولا يعني دانندش مگر او و مي داند آنچه در بيايان و درياست و لا يعني افتد

مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمٍ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَكْبِتُ

يخفت بزرگ الهي دانندش ولا يعني افتد ينج دانه و تاريكي باي زمين و نه ينج تري و نه ينج تاري

الْأَرْضِ كَيْتٌ مُبِينٌ ۝ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم

الا ثبت است و در كتاب روشن و دوست است آنكه قبض روح شماي كند بيشب و مي داند آنچه كسب كرده

بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقَظَّ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ

بروز باز برمي انگيزد و شمارد و روز تا با تمام رسانيده شود و ميحاج معين باز بسوي او بازگشت شماست باز

يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ

خبر دهد شما را بآنچه مي كرديد و دوست است غالب بالا بآنكه بندگان شود و مي فرستد

عَلَيْكُمْ حَفَظَةً ۝ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ

بر شما ملائكه نگاهميان تا و تقيده بيايد بهر كسي از شما مرگ قبض روح او كند فرستادگان ما و ایشان

لَا يُفِرُّونَ ۝ ثُمَّ رَدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ ۝ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ

لحقير مي كنند باز گرداننده شوند و گاه بسوي الله خداوند ایشان كه حق است مراد است حكم و او

أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ۝ قُلْ مَنْ يُنْجِيكُمْ مِنَ ظِلْمِ الْبُرُوجِ وَبِجْرَتِ الْبُرُوجِ

شماست بزرگ ترين حساب كنندگان است بگويست كه مي داند شمار از تاريكي باي بيايان و دريا مناهاات ميكنند بجناب او

تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۚ لَئِنْ أُنْجِيتُمْ مِنْ هَٰذَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۝ قُلْ

بزرگي و نیاز و پنهاني مي گوئيد اگر رهايي دهد ما را از اين و محنت هر آينه با شيم از شكر كنندگان بگو

اللَّهُ يَخْلُكُم مِّنْهَا وَمِنْ كُلِّ كُفٍّ ثُمَّ أُنْتُمْ تُشْرَكُونَ ۝ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ

خداي را باند شمار از ان محنت و از هر گناهي شما شريك او مقرر مي كند بگو دوست توانا

عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِن تَحْتِ أَعْيُنِكُمْ أَوْ

بر آنكه فرستد بر شما عذاب از بالا بآنكه شماست يا از زير باي شماست يا از زير باي شما يا در

يَلْسِكُمْ سُيُوفًا وَيُذِيقُ بَعْضَكُم مَّا بَعْضٌ أَنظُرْ كَيْفَ تُصْرَفُونَ ۝

بجنگ كنند شما را باهم و بگريزد و بچشد بعضي شما را جنگ بعضي بعضي بگريزد چگونگون بيان مي كيم آيت ما را

لَعَلَّكُمْ يَفْقَهُونَ ۝ وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ ۚ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ

تا به فهميد و بدروغ نسبت كردند قرآن را قوم تو و آن راست است بگو ليستم بر شما تا ایشان به فهمند و بدروغ نسبت كردند قرآن را قوم تو و آن راست است بگو ليستم بر شما

و كليات غيب را كه بگويند خدا بود مخصوص گرداننده علم يعني بگويم شب و در وقت خواب احساس و مشهود ظاهري بر جانمي ماند و ان نه تنها از

يُكَلِّمُ كُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرًّا وَسَوْفَ يُعَلِّمُونَ ۝ وَاِذَا رَأَيْتَ الَّذِي يَخُوضُ

تکلمان هر خبر را میعاد است و خواهد دانست و چون به پیشی آنان را که گفتگوی کنند

فِي آيَاتِنَا فَاَعْوِضْ عَنْهُمْ خَوْصًا فِي حَدِيثِ غَيْرِهِ ۝ وَاِمَّا يَنْتَشِرْكَ

در آیت بانی پس رو بگردان از ایشان تا در گفتگو بحث شروع کنند در سخن غیر آن و اگر فراموش گردانند ترا

الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِيْنَ ۝ وَمَا عَلَى الدِّينِ

شیطان پس نشین بعد یاد آوردن با گروه ستمکاران و نیست برک اینک

يَتَّقُونَ مِنْ حَسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلٰكِنْ ذَكِّرْهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَاِذَا الدِّينِ

پرهیزکاری کردند از حساب کاران چیزه و لیکن ذکر کن که بترسانند و اگر فراموش گردانند ترا

تَتَّخِذْ وَاِذْنَهُمْ لَعِبًا وَلَهُمْ اَعْرَاجُهُمْ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْهُمْ اَنْ يَّبْسِلَ

این خود گرفتند بازی دلبو و فریفت ایشان را زندگانی دنیا و پند ده بر آن بر آن احتیاط از آنکه بسوزند

نَفْسٌ يَّمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ ۝ وَاِنْ

نفس را بسبب آنچه کرده است نیست او را بجز خدا هیچ دوست و نه شفاعت کننده و اگر

تَقُولُ كُلُّ عَدَلٍ اِلٰيْكُمْ خُذْ مِنْهَا ۝ اُولٰٓئِكَ الدِّينُ اَبْسَا ۝ اَمَّا كَسَبُوْهُ لَهُمْ

خود خود بد بپردازد که تواند گرفته نشود از دین آن جماعه آنانند که بسوزند بویال آنچه کردند ایشان راست

شَرَّابٌ مِّنْ حَمِيْمٍ وَعَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝ اَلَيْسَ لَكُم مَّا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ ۝ قُلْ اَتَدْعُوْنَ اِمْرًا

آتش میدانی از آب جوشانیده و ایشان راست عذاب درد دهنده بسبب آنکه کافربودند بجوایا مناجات کنیم بجز

اللّٰهُ مَا يَنْفَعُنَا ۝ لَا يَضُرُّكَ اَوْ تَرُدُّ عَلٰى اَعْقَابِنَا بَعْدَ اِذْ هَدٰنَا اللّٰهُ ۝ كَالَّذِي

خدا کسی را که نفع ندهد و زیان نرساند ما را باز گردانیده شویم بر پاشنه های خود بعد از آنکه راه راست بخود است راه را هدايت کند

اسْتَهْوَتْهُ الشَّيْطٰنُ فِي الْاَرْضِ حَيْرَانَ ۝ لَهُ اَصْحٰبٌ يَّدْعُوْنَهُ اِلٰى

گمراه کرده باشند او را پریان در زمین حیران مانده مراد ایا دارند که می خوانندش بسوی

الْهُدٰى اِنْ تَدَّ اَوْ لَنْ اَنْ هَدٰى اللّٰهُ هُوَ الْهُدٰى ۝ وَاَمَّا نَا السَّلَامُ لِرَبِّ

راه راست که بهای بسوی ما بگویم هدایت خدا همان است هدایت حقیقی و فرموده شده است بارک منقاد شویم پروردگار

الْعٰلَمِيْنَ ۝ وَاَنْ اَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ وَهُوَ الَّذِي اَنْزَلَ الْكِتٰبَ الَّذِي

عالمهارا و فرموده شده که بر پا دارید نماز را و بفرستید از خدا و اوست آنکه بسوی او حشر کرده خواهد شد

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ ۝ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُوْنُ

و اوست آنکه بیا فرید آسمانها و زمین را بنشد بر محکم و روزی که بفرماید کُنْ پس می شود

وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُوْنُ ۝ وَاَمَّا نَا السَّلَامُ لِرَبِّ ۝ وَاَمَّا نَا السَّلَامُ لِرَبِّ

و اوست آنکه بیا فرید آسمانها و زمین را بنشد بر محکم و روزی که بفرماید کُنْ پس می شود

فتح الرحمن

دل یعنی چیز بر ۱۲

تفسیر عثمانی

عصفت سلمان

این است که گمراهان

را نصیحت کرده براه

راست آرند و کینه

از خدا اگر بکنند آستان

دیگری سر نهاده اند

برای سجده کردن

در پیشگاه حضرت

خداوند بجا نکرند

از سلمان این نوع

بخاست که جز خدا

بمصور متنی دیگری

سر خم نماید که در اختیار

وی نه سود است و نه

زبان یاد صحبت

این باطل مجاهد بگوید

توحید و ایمان را

باز گویند و یا بسوی

راه های بیجا و غوی

شک بر گرد آور

مساده الله چنین کند

مثال وی چون مسافر

که باز رفتی

در ششاس و

۱۲ جملی سفری کرد

تا گمان طول بیلان

فرشش داد و از راه

بر آورد و حیران و بهت

زده هر طرف می گود

رقعایش بدل سوزی

فریادی کند اینجا

بیای این طرف راه

راست اما وی

حیران و مجنون الحواس

شده نه چیزی میداند

و نه آن طرف می آید

بدانیکه برای مسافر

آخرت نیز راه راست

اسلام و توحید است

و آنکه بهت باعث

و میشد این سفر

بیان می رسد حضرت

پیغمبر است و متابین

وی - تیره بختی که بسیر

...

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ

این یقین کردند و یا میمنتند لیکن خود را به نقصان (بشرک) آن جماعه ایشان راست ایمنی وایشانند

وایک حجتنا الیہا ابرہیم علی قویم و قوم درخت

مَنْ تَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ① وَوَهَبْنَا لَهُ الْفُكُورَ وَنَعَقُورَ ط

هر که میخواهد پیرو دگر تو با حکمت و خردم ابراهیم را اسحاق و یعقوب
هر که میخواهد پیرو دگر تو استوار گرداناست و علما کریم ابراهیم را اسحاق و یعقوب

وَوَحَّاهُ دِينَا مِنْ قَبْلِ وَ مِنْ دَرَسَاتِ دَاوُدَ وَ سَلِيمِ وَ

٥) اَلرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ۝ يٰۤاٰدَمُ اَسْرِ بِاٰتَمَكَ الْوَاقِعَ ۝ وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ ۝ اِنَّكَ بِاَعْيُنِنَا ۝ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ۝ وَنَبِّحْهُ حِينَ تَقُومُ ۝ وَتَبْتَغِيْ رَحْمَتَ رَبِّكَ حَیْثُ مَا كُنْتَ ۝ وَاسْمِعْ لَكَ الْوَسْوَءَ الْخَفِيَّ ۝ الَّذِیْ یُفْخِرُ بِكَ وَیُخَوِّدُكَ ۝ ٦)

ایوب و یوسف و موسیٰ	و ہارون را	و ہم چین جزامی دیم	نیکو کاران را
ایوب و یوسف را و موسیٰ	و ہارون را	و ہم چین جزامی دیم	نیکو کاران را

وَأُذَكِّرُكَ يَا وَيْهَ وَعَيْسَىٰ وَآلِيَّاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٣٠﴾ وَاسْمِعِلْ

و (هدایت کردیم) زکریا و یحیی و عیسی و ایلیاس را هر یک از صالحان بود و (هدایت کردیم) اسمعیل و

و هر یک را فضل دادیم بر اهل زمان و هدایت کردیم بعضی را از پدران ایشان و
و هر یک را فضیلت دادیم بر عالمان و هدایت کردیم بعضی را از پدران ایشان و

وَأَخَوَاهُ وَاجْتَنِبْنَهُمْ وَهَدَيْنَهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ⑤

اولاد ایشان و برادران ایشان را و ولادت کردیم ایشان را پس می رام راحت

ایست بدایت خدا دالالت می کند بدان هر کرا خواهد از زندگان خویش و اگرش یک نفر میکند و نه نالودش دے

لَهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٥ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اتَّيْنَهُمُ الْكِتَابُ وَالْحُكْمُ مِنَ الْمَلِكِ

این جماعه آنانند که دایم ایشان را کتاب و شریعت و پیغامبری

۱۰۱

وَالَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ فَيُضِلُّهُمْ أَفَلا يَفْقَهُونَ

ہاں کے اندر کہہ دیا کرتا تھا پس بروش ایشان اقتدار کن بجو سو فی کلمہ اسباب موز بر تلمیح قرآن نیست این

وَمَا قَدْ رَوَى بِلْعَيْنِ ۝ وَمَا قَدْ رَوَى اللَّهُ عَنْهُ مِنْ رَجُلٍ إِذَا قَالَ أَمَّا أُنْزِلَ اللَّهُ عَلَيْهِ

و تعظیم فکر و تدخار اچنانچه سزاوار تعظیم او باشد چون گفتند و فرموده است خدا ایر



آیات توبیت و قرآن
اظهار کرده و الاساقی
بیقین بنده استند ۱۲
و حاصل آنست که
اگر بود گویند که خدای
تعالی هیچ بشر و حی
نمیفرستد نقض کرده
میشود توبت و اگر
گویند میفرستد بجهاد
فرستادن قرآن مجید
تعب است پس
اذا قالوا اجعل لى ان
قالوا فخذ ۱۲
و مترجم گویند ان
اولا عرب را کرده شد
که زبان نبی نمند
ثانیاً جمع اهل ارض
را بواسطه ترجمه پس
ایضا اقدام اول مرا
داست مانند آیت
هو الذی بعث فی
الامم رسولاً منهم
یتلو علیهم آیات اللّه
و در آیت دمار سناک
الارقمه لعل ملین اثم
از اوئی و ثانوی است
۱۲ و بی اعتقاد کنی
مثلاً که یحیی و سواش
از اهل ایمی است و
اتفاق سلف دلیل
بر آنست و الله اعلم
و یعنی انکائی
کتابی مثل قرآن فیک
کرد انشار بطریق
شاکت انزال
نفسه شد ۱۲
یعنی میزند و الله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه کلامی بسوز
کفشی بیاچیدست
ی آید سازد سالی
که بان فرمی
کرده با خود
نیاورده و مثل
من استند
کسینک می زند
تکلام سنی نشاء استیگری می کند و در حال مصیبت یا شامی باشد بخار نهد و از غمی بپیم که از شما شفاعت و عانت کنند و شما را دعوت لعلت گشت و دعای ای طوائف شامی

بَشِيرٍ مِّنْ هُنَّ مَن أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَ
یخ آدمی چیزے (بخو) پسر که فرو فرستاد کتابی که آورده است آن را
موسیٰ روشنی و
موسیٰ روشنی و
هَدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قُرْآنًا طِبْسُ تَبْدُوهُمْ وَ تَخْفُونَ كَثِيرًا وَ عَلَّمَهُ
هدایت مردمان را می گردانید و او را دو قسم و تها آشکارا می کنید آنرا و پنهانی می کنید بسیاری را و او مخفی شدیدی در قرآن
بدایت مردمان را می گردانید و او را دو قسم و تها آشکارا می کنید آنرا و پنهانی می کنید بسیاری را و او مخفی شدیدی
قَالُوا تَعْلَمُونَ أَنَّهُمْ لَا آباءَ لَهُمْ فَمَا قُلْ اللَّهُ لَهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ فِي خُوضِهِمْ يَلْعَبُونَ ۱
آپچه می دانستید شما و نه پدران شما میدانستید بخو خدا فرود آورد باز بجزایر ایشان را و در خرافات شان بازی می کنند
آپچه نمی دانستید شما و نه پدران شما بخو الله فرود آورد باز بجزایر ایشان را و در خرافات شان بازی می کنند
و هَذَا كِتَابُنَا أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ
و این قرآن کتابیست که فرستادیم او را بایرکت با و در دانه آیه پیش از او و تا بیم کنی اهل
و این قرآن کتابیست که فرستادیم او را بایرکت با و در دانه آیه پیش از او و تا بیم کنی اهل
الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ
مکه را و کائنات را که گرد مکه ساکن اند و متقدمان آخرت البتہ ایمان می آرند بقرآن و ایشان بر
مکه را و کائنات را که گرد مکه ساکن اند و متقدمان آخرت البتہ ایمان می آرند بقرآن و ایشان بر
صَلَاتِهِمْ حَافِظُونَ ۲ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ اتَّخَذَ إِلَهًا كُذَّبًا وَقَالَ
بناز خود محافظت می کنند و کیست ستمکار تر از کسی که بر بخت بر خدا دروغ می یافست
بناز خود محافظت می کنند و کیست ستمکار تر از کسی که بر بخت بر خدا دروغ می یافست
أَوْسَىٰ إِلَىٰ وَلَمْ يُوحِ إِلَيْنِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَىٰ
و می فرستاده شده است و حقیقت فرستاده شده است بسوی تو چیزی و از کسی که گفت فرود خواهم آورد مانند آنچه فرود آورده خداوند و تو می بینی
که می فرستاده شده است و حال آنکه می فرستاده شده بودی چیزی و کیست ظالم تر از آن کس که گفت فرود بیاورم مانند آنچه خدا نازل کرد
أَوِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا
و هیکه ظالمان در شداید مرگ باشند و فرشتگان دست خود را درازی کنند و میگویند بیرون آرید
چون باشند ظالمان در شداید مرگ باشند و فرشتگان درازی کنند دست خود را میگویند بیرون آرید
أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ
روجهائی خود را امروز جزا داده خواهیم شد عذاب رسوا کننده بسبب آنچه می گفتید بر خدا
روجهائی خود را امروز جزا داده خواهیم شد عذاب رسوا کننده بسبب آنچه می گفتید بر خدا
الْحَقِّ وَ كُنْتُمْ عَنْ آيَاتِنَا تَسْتَكْبِرُونَ ۳ وَلَقَدْ جَعَلْنَا نُفُوسَ آدَمَ
ناحق و بودید که از آیات او سرکش می کردید و بدستگیر آمدید برای حساب بسوی مایک یک چنانچه
ناحق و بودید که از آیات او سرکش می کردید و بدستگیر آمدید برای حساب بسوی مایک یک چنانچه
خَلَقْنَاهُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ تَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاهُمْ وَ رَأَوْا ظُهُورَهُمْ لَكُمُوعًا وَ
آفریده بودیم شمار اول بار و بجز استند آنچه عطا کرده بودیم شمار پس پشت خویش و می بینیم یا شما
آفریده بودیم شمار اول بار و بجز استند آنچه عطا کرده بودیم شمار پس پشتتان عهد می بینیم یا شما
شَفَعَاءَ كُمْ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ نَقَطَ بَيْنَكُمْ وَضْعًا
شفیعان شما را آنرا که گمان می کردید که ایشان در تربیت شما شریکان خدا اند هرگز بریده شدیم میان شما و گوشت
شفیعان شما را آنرا که گمان می کردید که ایشان در تربیت شما شریکان خدا اند هرگز بریده شدیم میان شما و گوشت
عَنْكُمْ فَانْتُمْ تُزْعَمُونَ ۴ إِنْ أَلَّ اللَّهُ فَبِئْسَ الْتَوَكُّلٌ يُجْرَبُ الْحَيُّ مِنَ
از شما آنچه گمان می کردید هرگز استند آنچه عطا کرده و آنها و خست با است بیرون می آرد زنده را از
از شما آنچه گمان می کردید هرگز استند آنچه عطا کرده و آنها و خست با است بیرون می آرد زنده را از

الْحَيِّ ذَلِكُمْ اللَّهُ فَأَلَيْ تَتُوفَكُونَ ۝ قَالِق

از زنده ایست خدا پس از بجا برگردانیده میشوید شکی نیست
از زنده ایست خدا پس کدام طرف برگردانیده می شوید شکی نیست

أَصْبَاحٌ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ

وگردانید شب را آرامگاه و گردانید آفتاب و ماه را معیار حساب اینست تقدیر
و گردانیده شب را آرامگاه و گردانیده آفتاب و ماه را برای حساب اینست تقدیر

الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ۝ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي

و اوست آنکه شما را برای شمستاره ها بتاراه یا باید بسبب آنها در
و اوست که گردانید برای شمستار باران تاراه یا باید بسبب آن در

سُبُلِكُمُ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي

از تاریکی بای بیابان و دریا هر آینه بتفصیل بیان کردیم نشانه ها را برای گروهی که می دانند و اوست آنکه
از تاریکی بای بیابان و دریا هر آینه بتفصیل بیان کردیم نشانه ها را برای گروهی که می دانند و اوست که

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَخَرَجْنَا بِهِ

و اوست آنکه فرو آورد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم
و اوست که فرو آورد از آسمان آبی را پس بیرون آوردیم

أَنْبَاءً فِيهَا نَبَاتٌ كُلٌّ فَخَرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُفُوسًا وَ

و اوست آنکه فرو آورد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم
و اوست که فرو آورد از آسمان آبی را پس بیرون آوردیم

أَخْرَجْنَا مِنْهُ طَائِفًا مِّنْ أَهْلِ الْيَمِينِ وَ

و اوست آنکه فرو آورد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم
و اوست که فرو آورد از آسمان آبی را پس بیرون آوردیم

أَخْرَجْنَا مِنْهُ طَائِفًا مِّنْ أَهْلِ الْيَمِينِ وَ

و اوست آنکه فرو آورد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم
و اوست که فرو آورد از آسمان آبی را پس بیرون آوردیم

أَخْرَجْنَا مِنْهُ طَائِفًا مِّنْ أَهْلِ الْيَمِينِ وَ

و اوست آنکه فرو آورد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم
و اوست که فرو آورد از آسمان آبی را پس بیرون آوردیم

أَخْرَجْنَا مِنْهُ طَائِفًا مِّنْ أَهْلِ الْيَمِينِ وَ

و اوست آنکه فرو آورد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم
و اوست که فرو آورد از آسمان آبی را پس بیرون آوردیم

أَخْرَجْنَا مِنْهُ طَائِفًا مِّنْ أَهْلِ الْيَمِينِ وَ

و اوست آنکه فرو آورد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم
و اوست که فرو آورد از آسمان آبی را پس بیرون آوردیم

أَخْرَجْنَا مِنْهُ طَائِفًا مِّنْ أَهْلِ الْيَمِينِ وَ

و اوست آنکه فرو آورد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم
و اوست که فرو آورد از آسمان آبی را پس بیرون آوردیم

أَخْرَجْنَا مِنْهُ طَائِفًا مِّنْ أَهْلِ الْيَمِينِ وَ

و اوست آنکه فرو آورد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم
و اوست که فرو آورد از آسمان آبی را پس بیرون آوردیم

و این یعنی هر صورت
ورفت و قرار داد
دیگر است و در طعم
مخفف یکبار و شیرین
و یک باره ترش یا
تلخ و آنکه اسامی ۱۲
تفسیر عثمانی
ع خداست گرفته
و آنرا واپس از
افشاندن و نهفتن
در زمین شن کرده سبز
می گردانده را از
زنده و زنده را از
مرد و بیرون می آورد
از مثلاً آفرینش انسان
از لطف و لطف از
انسان) شگانه اوست
می گردانید که می رود
کیست جزا و که تواند
این امور را انجام دهد
ع (مستقر) قرار
گاه و «مستقر»
جای سیر و گشت
مخداشن را گردانید
با معنی لغوی است -
مفسران در لغت
مصدق این در کلمه
اقتل و از آنجا
را حضرت شاعر
الطاهر در موعظه
نکاشته اند پسندیده
ایم - یعنی اول بر
مادر سپرده می شود که
۱۲ متدبر عالم آفرین
دور می پدید آید -
۱۸ پس از آن در دنیا
قیامی و زود - بعد از
آن به قبر سپرده میشود
که آهسته آهسته اثر
آخرت در وی پدید
آید پس از آن در
جنت یا دوزخ قیام
می درود و حکم وی
بر ماز جانان انسان
باید و سبب پدیدان

و این است که گویند همه را در اول خام و بی خبر و غیر قابل انتفاع می باشد بعد از آنکه روشن گردد و خوش گوار و مفید می گردد این همه ظهور قدرت الهیست -

فتح الرحمن

فل منكم كواكب

بود که گفتگویند

سابقه را خوانده و

انجمنی گویا مافوق از

کتب سابقه است

نه وی الهی پس

خدا متعالی قرآن را

بوجه نازل ساخت

و بوجه گوناگون

بیان کرد که محالین

شمر نمائند زیرا که

این ششم بیان از

خواندن کتب سابقه

نمی آید بدون وحی

الهی و الله اعلم

تفسیر عثمانی

ع حضرت شاه

رحمه الله گویند طلب

این آیت ازین است

که در چشم قوی نیست

که وی را دیده تواند

اما اگر خدا از سلف

و کم خواهر که بر او

توانند در دیدگان

بشر این قوت را

بوجودی آورد چنانکه

در آخرت مسلمانان

را حسب مراتب نشان

دیدار نصیب می شود

طوری که از نفوس کتاب

و سنت ثابت است

یا موافق به بعض

روایات در بیله

الاسماء حضرت

پیغمبر دیدار نصیب

شد علی ائمه

الاقوال در دیگر

مواضع چون نص

موجود نیست بنابر

توجه عمومی نفی رویت

اعتقادی شود بعض

مفسران سلف

ادراک اعطای

معنی کرده اند

یعنی نگاه آن

یادگار و می را اصلاح

می تواند در آخرت نیز رویت

ی شود و لفظ فیض البیان

تجلیات حضرت است که تمام

البصار و مبهرات را احاطه

نموده و این صورت لطیف

با آنکه در غیر

خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدْهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝ لَا تَدْرِكُهُ

آفریننده هر چیز است پس پرستش کنید او را و او بر هر چیز کارساز است درمی یابند او را

الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۝ قَدْ جَاءَكُمْ

چشم با بین در دنیا و او درمی یابد چشم را و او نهایت مهربان آگاه است در حق حقیقی آمد بشما

بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ۚ وَمَا أَنَا

دلیل با از جانب پروردگار شما پس هر که بینا شد پس بفرستد او را و او را است هر که نابینا ماند پس بر او نیست و ما

عَلَيْكُمْ بِحَفِيفٍ ۝ وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُدْرِكُونَ ۚ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ

بر شما کتابهای نازل و هم چنین گوناگون می دانیم نشانیها بر این است که از آنجا که گویند که خواننده کتابیان کتب آن را

لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۚ اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ وَ

برای کسی که می دانند یا محمد پیروی کن پیغمبر اگر وحی کرده شد پس بگویند که از جانب پروردگار تو هیچ معبود نیست مگر او

أَعُوذُ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ۝ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا ۚ وَمَا جَعَلْنَاكَ

ایمان کن از مشرکان و اگر خواست خدا اشریک مقرر نمی گردند و مگر و اینهم ترا

عَلَيْهِمْ حَفِيفٌ ۚ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝ وَلَا تَسْأَلُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ

بر ایشان نگاهبان و نیستی تو بر ایشان معبود و ای مسلمانان و دشنام بدهید که ستم را که مشرکان می پرستند

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْأَلُوا اللَّهَ عَدُوًّا بَغِيضًا ۚ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ

چیز خدا را بر ایشان دشنام خواهند داد خدا را از روی ظلم بغیر و انش هم چنین آراسته گردیم در نظر هر گروهی

عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝

کردار آن گروه باز بسوی پروردگار ایشان باشد رجوع ایشان پس بفرستد ایشان را بحقیقت حال آنچه می کردند

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهِ ۚ وَنُفِخَ

و سوگند خوردند که از کمال سخت ترین سوگند آن خویش که اگر بیاید بدیشان معجزه البته ایمان آورند

بِهَآءُ وَنُفِخَ فِي سُورَةٍ ۚ وَنُفِخَ فِي سُورَةٍ ۚ وَنُفِخَ فِي سُورَةٍ ۚ وَنُفِخَ فِي سُورَةٍ ۚ

آن بخویش این نیست که معجزه یا نزدیک خداست و چه مطلع ساخته است مشرکان را که مسلمانان این آیات میدانند که آن معجزه چون

جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ۚ وَنُفِخَ فِي سُورَةٍ ۚ وَنُفِخَ فِي سُورَةٍ ۚ وَنُفِخَ فِي سُورَةٍ ۚ

بیاید ایشان ایمان نیارند و صرف بیم دل ایشان را و می گردانیم دل های ایشان را و چه می آید ایشان را چنانکه

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا يَفْكُرُ الْكَافِرِينَ ۚ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ

ایمان نیارند و بد بطران اول یار و بجز او هم ایشان را در گمراهی خود سرگردان گشته

بِآيَاتِنَا وَلَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا يَفْكُرُ الْكَافِرِينَ ۚ

ایمان نیارند و بد بطران اول یار و بجز او هم ایشان را در سرگشتگی شان سرگردان گشته

بِآيَاتِنَا وَلَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا يَفْكُرُ الْكَافِرِينَ ۚ

ایمان نیارند و بد بطران اول یار و بجز او هم ایشان را در سرگشتگی شان سرگردان گشته

فتح الرحمن

من ترجم گوید بیتی

میت حرام است الا

وقتی ضرورت متناول

آن شخص است

والله اعلم

مترجم گوید بر او ازین

دوسه است که اهل

جاهلیت می گفتند

چرا که بر خود را بخیر

و گشته خدا را بخیرتر

والله اعلم

یعنی کافر بود بپایت

کرمش

چنانکه و سوا گفتار که

در لغت کفر سعی

می کردند الله اعلم

یعنی بر هر کس

از ما جز بیل فرود

آید و می نماند

مشود و الله اعلم

کفر عثمانی

عقیده مسلمانان

این است که بر خود

بالواسطه یا بلا واسطه

خدا پدید می آید

آدمی می ماند

در آفریدگان

او خوردن بعضی گوشت

و مفید است چون

سبب الگوره مانند

آن و اکل بعضی منقوش

و مصرف آن اشیای

ناپاک و سم الفار و مانند

آن اشیای را که

خلای میراند نیز در گوشت

است اولی که نفرت

سلیم از آن نفرت

می کند یا خوردن

آن برای

موت بطن

در وی مانده

نزد خدا

مفری باشد

چون حیوان و موی که

برگ طبیعی مرده و

دوفن آن در بعضی

فَكُورًا مِمَّا ذُكِّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا لَكُمْ

پس بخورید آنچه ذکر کرده شد نام خدا بروی یعنی نزدیک ذبح و اگر مؤمن باشید بآیات خدا و چیست شمارا

پس بخورید از آن حیوان مذبح که یاد کرده شده نام خدا بر آن اگر شما بر حکم الهی ادا ایمان دارید و چیست شمارا

أَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ ۝

که نمی خورید از آنچه ذکر کرده شده نام خدا بروی و حال آنکه آنچه بتفصیل بیان کرده است بر شما حرام کرده است و چه شمارا

إِنَّمَا ضَرُّكُمْ بِأَنَّهُمْ يَكْفُرُونَ بِالْبُضَائِمْ وَأَنَّهُمْ يَكْفُرُونَ بِالْبُضَائِمْ ۝

الا آنچه مضطرب باشید بسوی او و در آئینه بسیار می کنند بخوابش نفس خویش بفر و انش

من آنچه مجبور شوید بسوی آن و در آئینه بسیار مردم گمراه می کنند بر خیالات خود بی تحقیق (بدون دانش)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ۝ وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِلَهِ وَبَاطِنَهُ ۝

هر آینه پروردگار تو داناست بر ستمکاران و ترک کنید آشکارا و پنهان او را و هر آینه

(هر آینه) پروردگار تو داناست بر ستمکاران از حق و ترک کنید آشکارا و پنهان او را و هر آینه

الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِلَهِ سِجْرُونَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۝ وَلَا تَأْكُلُوا

کسی که گناه می کنند جز ادا ده خواهند شد بحسب آنچه میسب و خوردند و خوردید

مِمَّا لَيْدَ ذُكِّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَرَأَيْتَهُ لَفْسَقٌ ۝ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ

از آنچه یاد کرده شد نام خدا بروی و هر آینه خوردنش گناه است و هر آینه شیاطین

از آنچه یاد کرده شده نام خدا بر آن و این خوردن گناه است (و هر آینه شیاطین)

لِيُؤْكُلُوا إِلَى أُولَئِهِمْ لِيُجَادُوا لَهُمْ ۝ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ هُمْ

دوسه القاعی کنند بسوی دوستان خویش تا مشورت کنند با شما و اگر فرمانبرداری ایشان کنید هر آینه شما

(دوسه) می اندازند در دل با آن رفیقان خود تا مشورت کنند با شما و اگر فرمانبرداری کرده باشید از هر آینه شما

لَمْ يَشْرِكُوا ۝ أَوْ مِنْ كَانِ مَيْتًا فَاحْيَيْنَهُ وَجَعَلْنَاهُ نَورًا لِمَشْرِقِي

مشرك باشد و آیا کسی که مرده بود پس زنده ساختنش و پدید کردیم برای او نور که می رود

مشرك عده آیا کسی که مرده بود پس زنده کردیم او را و گردانیدیم بر او روشنی که می رود با آن

بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ

با دے میان مردمان مانند کسی باشد که در تاریکیها است نیست بیرون آئینه از آن هم چنین

در میان مردم مانند کسی هست که حال آن ایشست که افتاده است در تاریکی و نه بیرون آئینه از آن هم چنان

زَيْنَ الْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ

آراسته کرده شده است در نظر کارسان آنچه می کردند و هم چنین پدید کردیم در هر دیه

مزیّن کرده شده در نظر کارسان آنچه می کردند و هم چنان آفریدیم در هر دیه

أَكْبَرُ مِمَّا يَلِكُكُمْ وَافِيهَا وَمَا يُكْرَهُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ۝

ریشسان کشای آن دیه تا ساد کنند مد آن دیه و تحقیقت ضرورتی کنند مگر در حق خویش و نمی دانند

سرواران گنهگار را تا جیل افکنند و آنچه جیل (زندان) می کنند مگر بر نفس های خود و فکر نمی کنند

وَأَذِجَاءُ تَهُمُ آيَةُ قَالُوا لَنْ نَمُوتَ حَتَّى نَمُوتَ مِثْلَ مَا أَوْتَى رُسُلُ اللَّهِ

و چون بپاید بایشان نشان از گویند ایمان نیارند تا دیکه داده شود که ما مانند آنچه داده شده است پیغامبران خدا را و

و چون بپاید بایشان نشان از گویند ایمان نیارند تا دیکه داده شود که ما مانند آنچه داده شده است پیغامبران خدا را و

الله أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رُسُلَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ

خدا داناست چنانچه بپاید پیغامبری خود خواهد رسید این گناه کاران را رسوا می

خدا ابتر می داند آن موقع را که می فرستد آنجا پیغام بای خود را و بفرستد این گناه کاران را رسوا می

جذب شده باشد دوم حیوان طلال و طیب که بقاعه موافق و بنام خدا ذبح شده این را نیز خدا میسرانیده و با دست مسلمانان اهل کتاب ذبح شده و برگردان

عَنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٦٠﴾ فَمَنْ يَرْدِ اللَّهَ

نزدیک خدا و عذاب سخت بسبب آنکه بدی اندیشیدند پس هر کس را خدا خواهد که

يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِّلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَّرْ دَا نَ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ

به هدایت کند و گشاده می کند سینه او را برای اسلام و هر کس را خواهد که گمراه کندش تنگ کند سینه او را

ضَيِّقًا حَرَجًا كَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ طَكَ ذَلِكُ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى

در نهایت تنگی گویا بالا می رود در آسمان هم چنین می اندازند خدا ناپاکی را

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦١﴾ وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ

که اینک ایمان نمی آورند و این راه پروردگار توست راست به تحقیق واضح کردیم نشان بار را

لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ لَقَدْ دَارَ السَّلَامُ عَنْهُمْ رَيْبٌ وَهُوَ لِيُفْهِمَ بَمَا كَانُوا

برای گروهی که توبه می کنند راه سلامتی برایشان راست می شود و برای ایشان است خانه سلامتی نزد پروردگارشان و او مددگارشان است بسبب عملشان

يَعْمَلُونَ ﴿٦٣﴾ يَوْمَ يُخْشَرُ هَمُّ جَمِيعَةٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا إِنَّهُمْ لَكَاثِرٌ مِّنْ

در روزی که در روز قیامت خدا ایشان را همه بجا گوید اے گروه جن و انکه

الْأَنْسِ وَقَالَ أُولِيئِهِم مِّنَ الْأَنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتِعْ بِبَعْضِنَا بِبَعْضٍ وَ

مردمان و گفتند دوستان ایشان از آدمیان و اے پروردگار ما بهره مند شد بعض ما از بعض و

بَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ أَمْ لَكُمْ خَلْدٌ فِيهَا أَلَمْ

رسیدیم به عذاب خود که معین کرده بودی ما بر اے گوید خدا آتش جائے شفاست جاویدان آنجا نیست آنچه

شَاءَ اللَّهُ ط إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٦٤﴾ وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ

خدا خواسته است بود نیست و میانه پروردگار تو استوار کار دانا است و هم چنین مفصل می کنیم بعضی ستم گاران را

بَعْضُكُم مِّمَّنْ كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾ يَوْمَ تُخْشَرُ هَمُّ جَمِيعَةٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا إِنَّهُمْ لَكَاثِرٌ مِّنْ

بر بعضی شماست آنچه می گردند اے گروه جن و انکه

مِّنْكُمْ يَقْضُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيَنْزِلُ رُوحُكُمْ فَتُلَاقُوا رُوحَكُمْ هَذَا قَوْلُ

از جنس شما می خوانند بر شما آیات مرا و نیم می گردند شمار از ملاقات این روز شما گوید

شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ

اعتراف کردیم بر خویششان و فریب داده بود ایشان را زندگی دنیای و گواهی دادند بر خویششان

أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَلِيمُ الْقَدِيمُ ﴿٦٧﴾ وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ

که ایشان کافر بودند و اینک تو خداوند دانای و قدیم و اینک تو خداوند دانای و قدیم و اینک تو خداوند دانای و قدیم

فصل فی بیان حقیقت اسلام و محاسن آن و بیان آنکه حق تعالی بندگان را به هدایت می رساند و هر کس را که گمراه کند تنگ می کند سینه او را و این راه پروردگار توست راست به تحقیق واضح کردیم نشان بار را و این راه پروردگار توست راست به تحقیق واضح کردیم نشان بار را و این راه پروردگار توست راست به تحقیق واضح کردیم نشان بار را

و این راه پروردگار توست راست به تحقیق واضح کردیم نشان بار را و این راه پروردگار توست راست به تحقیق واضح کردیم نشان بار را و این راه پروردگار توست راست به تحقیق واضح کردیم نشان بار را

ف
بوش
عقوبت می آید دانند
ولا مترجم گوید این عاقبت
احکامی چند از حقان کرده
بودند از آنکه آنست که از
زراعت و موشی پاره بر
خدا مقرر می کردند پاره بر
تجان و حصه خدا بر یک
و ضعیفان ضعیف کردند
حصه بتان باستان بتان
میرسانند پس اگر چیزی
از حصه خدا در حصه
بتان مخلوط شد ترک
میکردند که خدا حاجت
ندارد و اگر از حصه بتان
در حصه خدا مخلوط شد
آنرا جدا می کردند که بتان
محتاج اند از آنکه
آنست که قتل خضران
تجزی کردند و پیشوایان
ایشان بدین موشی
داده بودند و از آنکه
کریض زراعت و موشی
را بر موشی است که غیر
بتان کسی دیگر نخورد
آنچه برای بتان ذبح
می کردند نام خدا بران
نمی گرفتند از آنکه آنست
که چون بخان و سواست
پرسیدند اگر زنده بود
مروان حال را
و آنست که زنتان را
و اگر مرده بود
بعد از حال می پرسیدند
خدا متعالی در این
مذایب باطل مژمو
و آنچه حکم حق است
فرمود و حوائی که بعد
این باطل بران تفتق
اند و کرده اند از آنکه
تکلیفی شباهین که
و سوسه کرده اند یا
پیشوایان که مذنب
قرار داده اند از آنکه
تغی عثمانی
ع حضرت کردگار
مادت ندارد که میرا بدون آگاه ساختن و خبر کردن در اثر علم و عقیان او در دنیا آخرت گرفتار کرده تباه و پلک کند ازین جاست که پیغمبران و نبیان فرستاده که بتان

غفلون ۲) وَلِكُلِّ دَرَجَتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَفَارِثُكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

غافل باشند و در هر نفس را مرتبه است از اجر آنچه کردند و نیست پروردگار تو بے خبر از آنچه بعمل می آرند
بے خبر باشند و برای هر یک درجه است از عالی که کردند و نیست پروردگار تو بے خبر از آنچه می کنند و

وَرَبُّكَ الْعَفِيفُ ذُو الرَّحْمَةِ إِنَّ يَتَشَابَهُ هَبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ مِنْ بَعْدِهِ

و پروردگار تو غنی خداوند رحمت است اگر خواهد دور کند شمارا و جانشین سازد و پس از شما
و پروردگار تو بے نیاز صاحب رحمت است اگر نخواهد ببرد شمارا و جانشین سازد پس از شما

مَا يَشَاءُ كَمَا أَتَشَاكُهُ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخِرِينَ إِنَّ مَا نُوْعِدُونَ

هر که خواهد چنانکه پیدا کرد شمارا از نسل قومی دیگر بر آئینده آنچه وعده کرده می شود و شمارا
هر که خواهد چنانکه پیدا کرد شمارا از نسل قومی دیگر (بر آئینده) چیزی که وعده کرده شده آید

لَا يَتُوبُ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ۵) قُلْ يَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَاِلٌ

البته آمدنی است و نیستید شما عاجز کننده گان بخوایم قوم من عمل کنید بر حالت خویش هر آئینده من نیز عمل کننده ام
هر آئینده آمدنی است و نیستید شما عاجز کننده گان بخوایم قوم من عمل کنید بر (حال) جای خود (هر آئینده) من نیز عمل کننده ام

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

آزود باشد که بدانند کسی را که باشد او را عاقبت پسندیده در آخرت هر آئینده رستگار نشوند ظالمان و
پس عنقریب خواهید دانست برای که میرسد خانه عاقبت (آخرت) هر آئینده رستگار نشوند ظالمان

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ

و مقرر کردند برای خدا از آنچه او پیدا کرده است از جنس زراعت و چهار پایان حصه گفتند این حصه برای خداست
و مقرر می کردند برای خدا از آنچه پیدا کرده از کشت و موشی حصه را بازی گویند که این برای خداست

بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِلشُّرَكَائِ فَمَا كَانَ لَشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ

بنحان خویش و این حصه برای شرکا که مقرر کرده ایم پس آنچه بود برای شرکا که اینان میرسد بخدا
به گمان خود و این حصه برای شریکان ماست پس آن حصه که برای شریکان ایشان است می رسد بطرف خدا

وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۶

و آنچه باشد برای خدا میرسد به شرکا که اینان بدین چیز است که مقرر می کنند
و آنچه برای خداست آن میرسد به شریکان شان بدست آنچه حکم می کنند

وَكَذَلِكَ زَيْنٌ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائُهُمْ

و هم چنین آراسته کرده است در نظر بسیاری از مشرکان قتل اولاد ایشان را شرکا که اینان قتل
و هم چنان آراسته کرده در نظر بسیاری از مشرکین قتل اولاد ایشان را شریکان ایشان

لِيَرُدَّوَهُمْ وَيُكَلِّسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ

تا پلک کنند ایشان را و تا مخلط کنند بر ایشان دین ایشان را و اگر خواست خدا نکردند این کار
تا که پلک کنند ایشان را و تا مخلط کنند بر ایشان دین ایشان را و اگر می خواست خدا نمی کردند این کار را

فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ۷) وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ

پس بگذار ایشان را با مقرر یات ایشان و گفتند این چهار پایان و زراعت حجرات
پس بگذار ایشان را با مقرر یات ایشان و می گویند که این موشی و کشت ممنوع است

لَا يَطْعَمُونَ إِلَّا مِنْ شِئَاءِ بَنِي عَدْنٍ وَأَنْعَامٌ حَرَمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ

نخورد آن را مگر آنچه ما بخوایم بنحان خویش و چهار پایان و چهار اند که حرام کرده شده است بودی بر پشت آنها چهار پایان و چهار
نخورد آن را مگر کسی مگر کسی را که ما بخوایم موانع همان ایشان و چهار پایانی اند که حرام کرده شده بر پشت آنها سوسه و چهار پایان

لَا يَذَرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا لِتَفْزَأَ عَلَيْهِمْ يَسْجِرُ بِهِمْ بَسْمَاكَانَا

و گمان خدا می برند بر سر ایشان و آن بسبب آنکه دروغ بگویند بر خدا جزا خواهد داد ایشان را بملک آنچه
و بوقت ذبح یا در وقت خوردن بر آنها می گویند که بتان می کنند بر خدا عنقریب سزا خواهد داد ایشان را به آنچه

عادت ندارد که میرا بدون آگاه ساختن و خبر کردن در اثر علم و عقیان او در دنیا آخرت گرفتار کرده تباه و پلک کند ازین جاست که پیغمبران و نبیان فرستاده که بتان

ولا یغنی عنکم جبارو
سواب باشد ۱۲
فی یعنی درختان
انگور و مانند آن
والله اعلم ۱۳
یعنی درختان برصاق
الیتاده والله اعلم ۱۴
فی یعنی افراد هر نوعی
یا اعتبار صورت مانند
یکدیگر اند به اعتبار
مزه والله اعلم ۱۵
فی یعنی ترو ماه از
هر یک والله اعلم ۱۶
فی یعنی نقل صحیح
بیاید از ابراهیم
المرجع واسمعیل
علیها السلام و
از کتب الهیه والله
اعلم ۱۷
تفسیر عثمانی
عنه مثله در آن خوانند
و زمان بخورند یا تنها
رجالی خورده می گویند
که بجای و آن بنده اند
آنها بزم خود این
قیود را بر بعضی چارپایان
و مزارع و شمع کرده
بودند که بنام تیان قف
شده بود بهم چنین بر
بعض حیوانات سوار
شدن یا بر نهادن را
حرام می انگاشتند و
قرار داده بودند که بنده
دو گز گرون یا سوارشان
یاده نشین یا بعضی حیوانات
نام خدا را نیز نکرده ادا
در صحرایان عریک
خدا واقع شود گفت
انچاست که این
خرافات و جهالت را
بسیوی خدا صوابی
کردند و یا محاذ الله
این احکام را خدا فرد
آورده و باین طریق
میتوان رضای الهی
را بدست آورد با

۱۴۷۷
این خدا می ناسوده و این همه افراد و بیتان زده است که به کفر این گستاخی های خویش برسند - غله آنچه که است که آن بر چیده ای برای ما مانند انگور و انشال آن و آنچه چنین

يَقْتُلُونَ ۝ وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالٍصَةٌ لِّدُنُونَا ۝
اقتلای کردند و گفتند آنچه در شکم این چهار پایان باشد و علیل است برای دستان ما و
انقضای کنند ع و می گویند آنچه که در شکم این مواشی است آن خاص (مطلوب است) به مروان ما و
مَحْرَمٌ عَلَىٰ اَزْوَاجِنَا ۝ وَاِنْ يَكُنْ مَدِينَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سِجِّيرَتِهِمْ ۝
حرام است بر زنان ما و اگر مرده باشد بهر مردان شریک اند جزا خواهد داد
حرام است بر زنان ما و اگر باشد مرده پس بهر مردان آن شریک اند سزا خواهد داد ایشان را
وَصَفَّيْهُمْ اِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۝ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا اَوْلَادَهُمْ سَفَهًا
بمقابل این بیان ایشان بر آینه او استوار گرداناست هر آینه زبان کار شده آنانکه کشتند فرزندان خود را از جهت بخر و
به این بیان (ایشان) بر آینه او صاحب حکمت داناست هر آینه زبان کار شدند آنانکه قتل کردند اولاد خود را بنیادانی
بَعْدَ عِلْمٍ وَحَرَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللّٰهُ اَفَرَأَيْتَ عَلَىٰ اللّٰهِ قَدْ ضَلُّوا اَوْ مَا كَانُوا
بغیر دانش و حرام کردند آنچه روزی داد ایشان را خدا بسبب دروغ لبستن بر خدا تحقیق گواه شدند ایشان و نشاند
بغیر دانش و حرام گردانیدند آنچه روزی داد ایشان را خدا از جهت بیتان با حق بر آینه گواه شدند و نه بودند
فَهْتَدَيْنَ ۝ وَهُوَ الَّذِي اَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ
راه یافتگان و خدا آنست که پیدا کرد بوستانهای پرداشته شده برای بهشت و بوستانهای غیر پرداشته شده برای بهشت
براه راست و دوست که پیدا کرده یا اعتبار که بلند کرده میشود و بر پایه و آنچه بلند کرده نمی شود بر پایه ع
وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مَخْتَلِفًا اَكْثَرًا ۝ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّيْحَانُ مَشَابِهًا ۝ وَغَيْرَ
و پیدا کرد درختان خرم را و درخت را گوناگون میوه های هر یک و زیتون و انار را مانند یکدیگر و غیر
و درخت خیار و درخت را که مختلف اند میوه آن و پیدا کرده زیتون و انار را مانند یکدیگر و غیر
مَشَابِهٍ ۝ كَلَّا مِنْ شَرِّ اِذَا اشْرَوْا ۝ وَاشْتَوْا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ ۝ وَلَا
مانند یکدیگر و کجایند از میوه های آن چون میوه بیرون آورد و بدیدند زکوة او در دوده و نه و اسیران
مانند یکدیگر از میوه های آن چون میوه آورد و داد کنند حق او را روز درد گردش و بچه جا
تَسْرِفُوْا اِنَّهٗ لَا يَحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ ۝ وَمِنَ الْاَنْعَامِ حَمُولَةٌ ۝ وَفَرَسَاتٌ
کنند هر آینه خدا دوست ندارد اسراف کنندگان را و پیدا کرد از چهار پایان بار بردارنده را و جانورهای را که بر زمین حملاند و فرستاده
خرق کنند (هر آینه) او دوست ندارد بیجا خرق کنندگان را و پیدا کرد از مواشی بار بردارنده و بزین متصل شده
كُلًّا امْتَارَهُ ۝ فَاَكْمَدُ اللّٰهُ ۝ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ ۝ اِنَّهٗ لَكُمْ
گوازی از آنچه روزی داده است خدا شمارا و پیروی کنید گامهای شیطان را هر آینه او شمارا
گوازی از آنچه روزی داد شما خدا و پیروی کنید قدمهای شیطان را (هر آینه) او برای شما
عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ۝ شَنِئَ اَزْوَاجَهُ ۝ مِنَ الصَّانِ اَتَيْنَ وَمِنَ النَّعْرِ
دشمن ظاهراست و آفرید بهشت قسم را از گوسفند دو قسم و از بز
دشمن ظاهراست پیدا کرده بهشت نروداده را از گوسفند دو و از بز
اَتَيْنَ ۝ قُلْ اَلَّذِيْنَ كَرِهْنَ حَرَمٌ اَمْ اَلَّذِيْنَ كَرِهْنَ ۝ اَمَّا الشَّيْطٰنُ ۝ اَمَّا الشَّيْطٰنُ
دو قسم و کجای این دو نر را حرام کرده است خدا بخالی یا این دو داده را یا آنرا که مشتعل شده است بر دهن و حمای
دو (بگو) برسان کن آیا هر دو نر را حرام کرده خدا یا هر دو داده را یا آن که مشتعل شده است بر دهن و حمای
اَلَّذِيْنَ نَبَّوْنِيْ بِعِلْمِيْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۝ وَمِنَ الْاَيْلِ ثَنِيْنٌ
این دو داده خبر دهید مرا ب دانش من اگر به حقیقت راست گو و پیدا کرد از گوسفند دو قسم
دو داده خبر دهید مرا ب دانش من (بدانش) اگر شما به حقیقت راست گوید و پیدا کرده از گوسفند دو
وَمِنَ الْبَقَرِ اَتَيْنَ ۝ قُلْ اَلَّذِيْنَ كَرِهْنَ حَرَمٌ اَمْ اَلَّذِيْنَ كَرِهْنَ ۝ اَمَّا الشَّيْطٰنُ ۝ اَمَّا الشَّيْطٰنُ
و از گاو دو قسم بگو یا این دو نر را حرام کرده است خدا یا این دو داده را یا آنرا که مشتعل شده است
و از گاو دو را بگو برسان کن آیا هر دو نر را حرام کرده یا هر دو داده را یا آن که مشتعل شده است

الانعام ۶
ولا یغنی عنکم جبارو
سواب باشد ۱۲
فی یعنی درختان
انگور و مانند آن
والله اعلم ۱۳
یعنی درختان برصاق
الیتاده والله اعلم ۱۴
فی یعنی افراد هر نوعی
یا اعتبار صورت مانند
یکدیگر اند به اعتبار
مزه والله اعلم ۱۵
فی یعنی ترو ماه از
هر یک والله اعلم ۱۶
فی یعنی نقل صحیح
بیاید از ابراهیم
المرجع واسمعیل
علیها السلام و
از کتب الهیه والله
اعلم ۱۷
تفسیر عثمانی
عنه مثله در آن خوانند
و زمان بخورند یا تنها
رجالی خورده می گویند
که بجای و آن بنده اند
آنها بزم خود این
قیود را بر بعضی چارپایان
و مزارع و شمع کرده
بودند که بنام تیان قف
شده بود بهم چنین بر
بعض حیوانات سوار
شدن یا بر نهادن را
حرام می انگاشتند و
قرار داده بودند که بنده
دو گز گرون یا سوارشان
یاده نشین یا بعضی حیوانات
نام خدا را نیز نکرده ادا
در صحرایان عریک
خدا واقع شود گفت
انچاست که این
خرافات و جهالت را
بسیوی خدا صوابی
کردند و یا محاذ الله
این احکام را خدا فرد
آورده و باین طریق
میتوان رضای الهی
را بدست آورد با

فتح الرحمن

والمعاد

است به نسبت به

الانعام و آن است

ثانی مذکور است

و شیر و یازده غیر آن

اگر چه حرام است

از بهیمة الانعام نیست

و در آن بحث

نداشته اند

علم ۱۲

یعنی مثل شتر و شتر

مرغ و الله اعلم

۱۲ یعنی لقمه از کتب

الهی و الله اعلم

تفسیر عثمانی

متعلقه به

است یا محض علم الهی

است پس شکار از آن

یا یا نراده یا چه

را که در حکم ناده است

در باره هر مردم یا در

باره بعضی حرام قرار

میدهند چنانچه در باب

گذشته ذکر شد چه سندی

دارد یا هر گاه سندی

ندارد که آنرا حکم خدا

ثابت کند پس چیز

بای را که خدا آفریده

حلال یا حرام گفتن

عینا چنان است که

معاذ الله مقام خدای

را بگوید و بر کتب یا علماء

و علماء بعد از ایشان

این بود و صورت هر یک

و تبا نه گفته است

عنه حضرت شاول

می فرماید یعنی از حیوانات

که خوردن آنها حلال

دارد اینها حرام

دین آیت و وضع

بگفته است که اشیا

مذکور فوق را که حلال

بود و حرام قرار داد

اکنون آن اشیا

بیان می شود که در

واقع حرام است

و شکار آنرا حلال می بیند از تفسیر و توضیح آیت در شتر مرغ سوره ناهیه در حرمت شکار میگویند و الله اعلم و الله اعلم

عَلَيْكُمْ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ أَمْ كُنْتُمْ شُرَكَاءَ آدَمَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ هَذَا

پس بر شماست این دو ماده آیا حاضر بودید و تمسک حکم کرد

بر او و رحمتی بر او داده آیا بودید شما حاضر و تمسک حکم داد شما را

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ

پس کیست ستمگر تر از کسی که بگوید بر خدا دروغ تا گمراه کند مردمان را

پس کیست ظالم تر از کسی که بپندارد بر خدا دروغ تا گمراه کند مردمان را بدون تحقیق (دانش)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ

پس آینه خدا راه نمی بیند قوم ستمکاران را

پس آینه خدا هدایت نمی کند قوم ظالمان را

مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتًا أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ

شیر حرام بر خورنده که خورد آنرا مگر آنکه باشد

شیر حرام بر خورنده که خورد آنرا مگر آنکه آن چیز باشد

لَحْمُ خَنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ

گوشت خوک پس هر آینه آن حرام است یا آنچه فاسق باشد که بر آن غیر خدا آواز بلند کرده شد

گوشت خنزیر پس هر آینه او ناپاک است یا آنچه ناپاک باشد (فاسق) که آواز بلند کرده شده است برای غیر خدا و وقت نوح او پس هر

غَيْرِ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا

نه چیزی کننده و نه از حد گذارنده پس هر آینه پروردگار تو آمرزنده مهربان است و بر یهود حرام ساختیم

نه از باغی که نرود و نه از عادی که نرود پس هر آینه پروردگار تو بسیار بخشنده و مهربان است و بر آن که بیکدیگر عهد کردند

كُلِّ ذِي ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهَا الْأَكْحَامَ

پس هر جانور ناخن دار و از گاو و گوسفند حرام کردیم بر ایشان چربی که در شکم است

پس هر جانور ناخن دار و از گاو و گوسفند حرام کردیم بر ایشان چربی که در شکم است و بر ایشان

ظُهُورَهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَاءُ عَمَلِهِمْ وَإِنَّا

پشت این دو قسم یا بر دوش است یا از زانو یا آنچه متعلق است با استخوان این طور جزا دادیم ایشان را بابت ایمان هر آینه

در چسبیده باشد بر پشت یا بر آن یا بر دوش است یا از زانو یا آنچه متعلق است با استخوان این طور جزا دادیم ایشان را بابت ایمان و بر ایشان

لَصْدَقُونَ فَإِنْ كَذَّبَ بِكُفْرٍ فَعَلَّامٌ قُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ

راست گویند پس اگر بدو دروغ نسبت کنند ترا بخوبی پروردگار شما خداوند مهربان است و در کرده نمی شود

راست گویند پس اگر بدو دروغ نسبت کنند ترا بخوبی پروردگار شما خداوند مهربان است بسیار است در کرده نمی شود

بِأَسْمَاءِ عَنِ الْقَوْمِ الْبَاطِلِينَ سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ

عقوبت او از قوم ستمکاران زود بشارت که بگویند

عقوبت او از قوم ستمکاران زود بشارت که بگویند

اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ

خدا یعنی رخصت او بود و شریک ما نکردیم و پدر ما نکردیم و نه حرام می کردیم چیزی را و نه حرام می کردیم چیزی را و نه حرام می کردیم چیزی را

خدا شریک نمی آفرید ما و نه پدر ما و نه حرام می کردیم چیزی را و نه حرام می کردیم چیزی را و نه حرام می کردیم چیزی را

قَبْلَهُمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ

پس از ایشان بود و تا آنکه چشیدند عاقبت ما بگو آیا هست نزد شما دانشی

پس از ایشان بود و تا آنکه چشیدند عاقبت ما بگو آیا هست نزد شما دانشی

فتح الرحمن
 دل متروک کو بیظاہر
 نزد یک این بند
 آنست که حرام گزیند
 اشیائی مذکورہ را
 در ازل بر قوم
 نوح و ہم جنس
 باز دادیم موسی را
 کتاب و اللہ اعلم
 و لایق بر این قبض
 ارواح ۱۲ قل حق
 ہا بلکہ قوم ۱۳ و
 یعنی طلوع نفس از
 مغرب یاد اید الا قول
 واللہ اعلم ۱۴ و
 یعنی آنروز تو بہ گنہگار
 و ایمان کافر قبول
 نشود واللہ اعلم ۱۵
 و لایق از تو مواخذہ
 نخواہد کرد واللہ اعلم ۱۶
 تفسیر عثمانی
 معلوم می شود
 احکامیک در فوق از
 قل انما اتوا احرام
 علیکم خوانند و
 شواہد شد
 ہمیشہ جریان داشت
 و ہم پیغمبران شرع
 بر آن متفق بودند
 پس از آن خداوند
 تورات را بر موسی
 علیہ السلام فرود آورد
 کہ در آن احکام شرع
 بتفصیل مزید درج
 بود تورات عطا و بہ
 حکوکاران آن روز
 کا نعمت خدا تمام
 گردید و در آیات با
 شرح و بسط بیان
 شد الواب باینست
 در حجت کشادہ گردید
 کہ مردم آن را بدانند
 و بہ تقای پروردگار
 خویش یقین کامل
 حاصل کنند و عہ
 کیست ستم کار تر از آنکہ
 بعد از فرود آمدن
 چنین کتاب روشن و

أَعْلَمُ تَتَّقُونَ ۝ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ
 شما پروردگاری کنید باز می گوئیم کہ داده بودیم موسی را کتاب تا نعمت تمام کنیم بر هر کہ بشکوار بود
 شما پروردگاری کنید باز می گوئیم داده بودیم موسی را کتاب برای اتمام نعمت بر هر کہ بشکوار بود
 وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً لِّعَالَمٍ يَلْقَاءُ رَبَّهُمْ كَوْنُونَ ۝
 و بیان کنیم ہر چیز را و ہدایت و مہربانی تا ایشان بملاقات پروردگار خویش ایمان آرند و
 و برای بیان ہر چیز و ہدایت و مہربانی تا ایشان بملاقات پروردگار خود ایمان آرند و
 هَذَا كِتَابُنَا أَنْزَلْنَاهُ فَبُذِرَ فَأَتَّبِعُوا آلَ هَارُونَ فَوَسَّاسُ الْوَسْوَاسِ الْأُولَىٰ ۝
 این قرآن کتابیست کہ فرود ستادیمش بابرکت پس پیروی او کنید و پرہیزگاری کنید تا مہربانی کردہ شود بر شما و شما
 این (قرآن) کتابیست کہ فرود ستادیمش بابرکت پس پیروی کنید آنرا و پرہیزگاری کنید تا مہربانی کردہ شود بر شما و شما
 تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَيَّ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِكَ وَأَنْتَ الْكَا
 گوئید بجز این نیست کہ فرود آوردہ شد کتاب یعنی تورات و انجیل پروردگروہ پیش از ما و تحقیق بودیم ما
 بجز این جز این نیست کہ فرود ستادہ شدہ است کتاب پروردگروہ پیش از ما و بدستیک ما
 عَنْ دَرَسْتِهِمْ لَعْفَلِينَ ۝ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ لَكُنَّا
 از تلاوت ایشان بے خبر یا گوئید اگر فرود آوردہ شدہ بر ما کتاب ہر آئینہ بودہ
 ہستیم از درس و تدریس ایشان بے خبر یا گوئید اگر فرود آوردہ شدہ بر ما کتاب (ہر آئینہ) ما بودیم
 أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً ۝
 راہ یافتہ تر از ایشان پس آمدہ است بقاطع از پروردگار شما و ہدایت و بخشایش
 راہ یافتہ تر از ایشان پس بدستیک آمد بقاطع از پروردگار شما و ہدایت و بخشایش
 فَسَنُأْظِمُّهُمْ مِنْ كَذِبٍ بَايَتِ اللَّهُ وَصَدَقَ عَنْهَا سَجَرَةُ الْذَيْنِ
 پس کیست ستم کار تر از کسیکہ بدروع نسبت کند آیات خدا را و اعراض کند از آن جزا خواهیم داد
 پس کیست ستم کار تر از کسیکہ بدروع نسبت کند آیات خدا را و اعراض کند از آن زود باشد کہ سزا دہیم آنان را کہ
 يَصْدِقُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِقُونَ ۝ هَلْ
 اعراض کنندگان را از آیات خویش بدترین عذاب بسبب آنکہ اعراض می کردند آیا
 بدترین آنکہ اعراض می کردند عذاب بدترین نیستند
 يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ
 منتظر نیستند مگر آنکہ بیایند بدیشان فرشتگان یا بیاید حکم پروردگار تو یا بیاید بعض
 منتظر مگر آن کہ بیایند بدیشان فرشتگان یا بیاید (حکم) پروردگار تو یا بیاید بعض
 آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا
 نشانیهای پروردگار تو روزیکہ بیاید بعض نشانیهای پروردگار تو لفع ندید نفسے را کہ ایمان
 نشانیهای پروردگار تو روزیکہ بیاید بعض نشانیهای پروردگار تو لفع ندید نفسے را کہ ایمان آن
 لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْظُرُوا أَنْ
 چاہودہ بود پیش ازین ایمان او یا لفع ندید نفسے را کہ کسب نکردہ بودور ایمان خود عمل خیر تو بہ او و بجز انتظار کنید بر آئینہ ما نیز
 کہ نیاوردہ بود ایمان پیش از این یا لفع نفسے را کہ کسب نکردہ بودور ایمان خود عمل خیر تو بہ او و بجز انتظار کنید بر آئینہ ما نیز
 مَتَّظِرُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ قَرَّوْا دِينَهُمْ وَكَانُوا شَيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ
 منتظریم تحقیق کسیکہ پر از آنہ کردند دین خود را و گروه کردہ شدند یسعی از ایشان
 منتظریم تحقیق کسیکہ پر از آنہ کردند دین خود را و شدند گروه مجرورہ تر از آنہای سرورکاری نیستند از ایشان
 فِي شَيْءٍ إِنَّمَا مَرَّاهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۝
 در ہر حساب و جز این نیست کہ کار ایشان گذارستہ شد بسوی خداست باز خبر دہد ایشان را بعلایق آنچہ می کردند ہر کہ
 در ہر چیزی جز این نیست کہ کار ایشان با خداست باز خبر دہد ایشان را بچہ می کردند ہر کہ

چنین کتاب روشن و بی مثال آیات آن را دروغ انگارند از پذیرفتن احکام آنند و گردانند و دیگران را نیز گردانند و تبلیغ در (صدق عنہا) او معنی از سلف منقول است

ولایتی معبودان
باطل که دوست می
گرفتند و خدا علم
و یقینی بر اعمال
ایشان را ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه آنگاه که عظم
عدوان کفر و عصیان
آنها از حد گذشت
در لذات و شهوات
این جهان فرو افتند
و از عذاب الهی بگریختند
نیز ایشانند و خواستند
از خواب آسایش
منتلذذ شوند ناگهان
عذاب با فرارسید
در این منظره مهلک
وحشت زانو نهادند
گرویدار همه حشمت
و کبریا و خویش را
فراموش کردند از
چار جهت جز فریاد
انگشتن فلین چیزی
شنیده نمی شد گویا
در آن وقت بر آن
با آشکار گردید و به
اقرار آمدند که خدا را
کسی نمی شنید
ما خود بر خویش
ظلم نمودیم
تنبیه در (۸۰)
نجاه با بستان مسلمانان
را چند قول است
غالباً مترجم محقق
آن را تفسیر و تفصیل
«الملکان» قرار داد
مثلاً اگر گفته شود تو
خدا فضل و جود و رزق
را بجز فلان کس و صفت
که پس نیست روی
و دست خویش را بدین
مثال شستن و تفهین
و تفسیر و صواب است
بمجهنم در این حال
از بیان کیفیت عذاب
(بلا کردن) تفصیل
و تفسیر می شود و الله اعلم

لَتَنْذِرُ بِهِ وَيُذَكِّرُ لِلْعَوَمِينَ ۵۱ اَتَبْعُوا مَا اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ
فَرُود آورده شد تا مردم نمی بان برای پند مسلمانان را پیروی کنید آنرا که فرود آورده شد بسوی باز آنها پروردگار را
تا ترساقی بر آن و نصیحت است مومنان را پیروی کنید آنرا که فرود آورده شد بر شما از جانب پروردگار شما
وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ اَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مِمَّا تَدَّكُرُونَ ۵۲ وَكَمْ مِنْ قَوْمٍ
و پیروی کنید بجز وی دوستان را اندک پند می پذیرید و کمند پیروی بجز وی دوستان را اندک پند می پذیرید
اهْلَكْنَاهُمْ فَاجَاءَ هَابًا سَنَابِلًا اَوْ هُمْ قَائِلُونَ ۵۳ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ
هلاک کرد پیش پس آمد بوسی عقوبت ما و ایشان شبانه آرمیده بودند با دقت ایشان در خواب میوز بود پس بود قول ایشان
اِذْ جَاءَهُمْ بَاسٌ اَلَا اَنْ قَالُوا اِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۵۴ فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِي
چون بیاید بایشان عقوبت ما آنکه گفتند هر آینه ما مستکار بودیم پس البته سوال خواهیم کرد آن کس را که
اَرْسَلَ اِلَيْهِمْ وَلَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ۵۵ فَلَنَقْضِيَ عَلَيْهِمْ بِعِلْمِهِمْ
پیغامبر فرستاده شد بسوی ایشان و البته سوال خواهیم کرد و پیغامبران را پس البته سوال خواهیم کرد و حضور ایشان را و بشارت
كُنَّا غَافِلِينَ ۵۶ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ ۵۷ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ
نبودیم غافل و سنجیدن اعمال با نصاب آن روز بود نیست پس هر کس گران شد با نیکو باشد او
فَاُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۵۸ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ۵۹ فَاُولَئِكَ الَّذِينَ
پس ایشانند رستگار و هر کس سبک شد با نیکو باشد او پس ایشانند رستگار
خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ يَسَاءَ كَانُوا يَاسْتَعْظِمُونَ ۶۰ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي
زبان کردند در حق خویش سبب آنکه بایات ما انکار می کردند و هر آینه استقامت دادیم شمارا در
الْاَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مِمَّا تَشْكُرُونَ ۶۱ وَلَقَدْ
زمین و پیدا کردیم برای شما در آنجا اسباب معیشت اندک می شنید و هر آینه
خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِادَمَ فَسَجَدُوا ۶۲
آفریدیم شمارا یعنی پدر شمارا باز صورت بستیم شمارا یعنی پدر شمارا باز گفتیم به فرشتگان که سجده کنید آدم را پس سجده کردند
اِلَّا ابْلَيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ۶۳ قَالَ مَا مَنَعَكَ اَلَّا تَسْجُدَ ۶۴
مگر ابلیس نبود از سجده کنندگان گفت خدا چه چیز منع کرد ترا از آنکه سجده کنی
اِذَا مَرَّتْكَ طَائِفٌ اَنْ اَخِيْرَ مِنْهُ ۶۵ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ
او قتی که امر کردم ترا گفت من بهترم از او آفریده مرا از آتش و آفریده او را از
طِينٍ ۶۶ قَالَ فَهَبْطُ مِنْهَا فَاَيَكُنْ لَكَ اَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاَخْرَجْ
گل گفت پس فرود درواز آسمان زیرا که لایق نیست ترا که سر کشی کنی در آن پس بیرون شو
فلن

و تفسیر می شود و الله اعلم

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ۝ قَالَ

لَقَدْ يَارَ خُذَا مَهْلِكُ دَهْرًا وَزَيْدُ آدَمِيَانِ بَرَا نَجْتَه شُونَ

قَالَ فِيمَا أُعْطِيْتَنِي لَا فَعَدْتُ لَهُمْ صِرَاطَكَ

بِسْ لَقْتُ سَبَبِ أَنْكَ كَرَاهِي مَرَا الْبَتَّ بَشَيْتُمْ بَرَايِ آدَمِيَانِ بَرَاه

ثُمَّ لَا تَبْتَهِمُ مِنْ قَبْلِنِ أَيْدِيَهُمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ

رَأْسِهِمْ وَأَنْزَلْنَا مِنْ فَوْقِهِمُ السَّمَاءَ سَاجِدَةً وَنُفُوسَهُمْ

وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ۝ قَالَ خُزْجُ

مِنْهَا مَنْ دَعَا إِلَى عِبَادَتِي مَعَ الْبَاطِلِ أَلْعَنُوهُ ۝ أُولَئِكَ

أَصْحَابُ السَّعِيرِينَ ۝ وَيَا أَدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ

مَعَ الْبَرَكَةِ وَكُلَا مِنْ شَرَفِهَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ

فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ فَوَسْوَسَ

لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاقِحِهِمْ

وَقَالَ لَكُمَا هَذِهِ الشَّجَرَةُ فَإِذَا أَنْتُمَا فَاكِهٌ

فَكُنَا مِنَ الْغَافِلِينَ ۝ فَخَرَّ سَاجِدًا لِلْهِ

وَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِنَ الْجَنَّةِ

فَكَانَا مِنَ الْمَخْرُوجِينَ ۝ وَكَانَ جَنَّةُ عَدْنٍ مِمَّا

كُنَّا نَقُولُ عَدْنٌ أَرْضٌ زَاكِيَةٌ ۝ وَكَانَ جَنَّةُ عَدْنٍ

مِمَّا كُنَّا نَقُولُ عَدْنٌ أَرْضٌ زَاكِيَةٌ ۝ وَكَانَ جَنَّةُ

عَدْنٍ مِمَّا كُنَّا نَقُولُ عَدْنٌ أَرْضٌ زَاكِيَةٌ ۝ وَكَانَ

جَنَّةُ عَدْنٍ مِمَّا كُنَّا نَقُولُ عَدْنٌ أَرْضٌ زَاكِيَةٌ ۝

وَكَانَ جَنَّةُ عَدْنٍ مِمَّا كُنَّا نَقُولُ عَدْنٌ أَرْضٌ

زَاكِيَةٌ ۝ وَكَانَ جَنَّةُ عَدْنٍ مِمَّا كُنَّا نَقُولُ

عَدْنٌ أَرْضٌ زَاكِيَةٌ ۝ وَكَانَ جَنَّةُ عَدْنٍ مِمَّا

كُنَّا نَقُولُ عَدْنٌ أَرْضٌ زَاكِيَةٌ ۝ وَكَانَ جَنَّةُ

عَدْنٍ مِمَّا كُنَّا نَقُولُ عَدْنٌ أَرْضٌ زَاكِيَةٌ ۝

وَكَانَ جَنَّةُ عَدْنٍ مِمَّا كُنَّا نَقُولُ عَدْنٌ

أَرْضٌ زَاكِيَةٌ ۝ وَكَانَ جَنَّةُ عَدْنٍ مِمَّا كُنَّا

نَقُولُ عَدْنٌ أَرْضٌ زَاكِيَةٌ ۝ وَكَانَ جَنَّةُ

عنه از حقوق خدا

بهشت یا آسمانها کسی

ماند می تواند سرایا

مطیع و فرمان بر حق

او باشد آنگاه خود

خواهد سرکش را

نگذارد نیست بهر

حال شیطان ملعون

که بران مقام عزت

بنا بر کثرت عبادت

و غیره تا نون نایزند

بوده را شر خود خدای

و تکبر فردا گفته شد

تبییه از شمولیت

الطیس در موهبت

تأملت در از تنبیه

که خداوند فطرت

یک از مطلقان حتی

الطیس بهم چنان نیا

فریده که خاص اینام

بدی مجبور و معطر

باشد بلکه بر اعتبار

فطرت اصلی خدیت

ترسین موجودات نیز

صلاحت آنرا داده

که بر کسب و اختیار

نیکی و تقوی یا نتهای

ترقی برسد عدا

مردم ناشکری باشند

خی تو خواند عازایانی برساند عاقبت کامیابی و فلاح از آن

تَخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّحْتَدُونَ ۝
 شياطين را دوست گرفته اند بجز خدا و می پنداشتند که ایشان راه یا فتگا مند
 زنده شياطين را دوستستان بجز خدا و پنداشتند که ایشان راه یا فتگا مند
 بَقِيَ آدَمُ خَلَدًا وَازْیَنَتَکُمْ عِنْدَکُمْ مَسْجِدٌ وَوَعَلُوا أَسْرَابًا ۝
 بماند آدم خدای خود را و نزدیک شما نزد یک سر نماز و بجزایده و میاشامید و از حد
 بماند آدم خدای خود را و نزدیک شما نزد یک سر نماز و بجزایده و میاشامید و از حد
 قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي
 بماند بر آئینه خدا دوست نمی دارد از حد گذرند کان را بجز که حرام کرد زینت خدا را که
 بماند بر آئینه خدا دوست نمی دارد اسراف کنندگان را بجز که حرام کرد زینت خدا را که
 خَرَجَ لِعِبَادَةٍ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي
 بر آید کرده است برای بندها خود که حرام کرده است بجز از رزق بجز پاکیزه از طایف و آکل برای مسلمانان است
 بجز از رزق بجز پاکیزه از طایف و آکل برای مسلمانان است
 حَيَوةَ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ الْآيَاتِ
 بر آید دنیا و خالص شده برای ایشان روز قیامت هم چنین بیان می کنیم نشا
 بماند دنیا خاص شده برای ایشان روز قیامت هم چنین مفصل بیان می کنیم نشا
 قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ ذُنَى الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَبَاطِنِ
 بماند گرویده کمی دارند و بجز این نیست که حرام کرده است پروردگار من بجز این را آنچه ظاهر باشد از آن و آنچه پنهان
 بماند گرویده کمی دارند بجز این نیست که حرام کرده است پروردگار من بجز این را آنچه ظاهر باشد از آن و آنچه پنهان
 الْاِثْمِ وَالْبَغْيِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَهُ بِإِذْنِهِ سُلْطَانٌ
 حرام کرده است گناه و تندی ناحق و آنچه مشربیک خدا مقرر کند چیزی را که خدا هیچ دلیل بر آن نازل نکرده است
 بماند را و حرام کرده است تندی ناحق را و آنچه مشربیک بجز داندید به خدا چیزی را که خدا نازل نکرده است بر آن بجز و بماند
 أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلِكُلِّ أَتَّةٍ أَجَلٌ وَآذَانُ
 بر خدا آنچه نمی دانید و هر گرویده را میجاد نیست و پس چون بیاید و
 بر خدا آنچه نمی دانید و هر گرویده را میجاد نیست و پس چون بیاید و
 جَاهَهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ۝ يَكُنْى آدَمُ
 بماند ایشان تاخیر نکنند یک ساعت و نه سبقت کنند لغیر و
 بماند ایشان تاخیر نمی توانند ساعتی و نه سبقت می توانند و
 مَا يَأْتِيَكُمُ رِسَالُكُمْ يَقْضُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ تَقَى وَأَصْلَحَ
 اگر بیایند بر شما پیغامبران از جنس شما می آیند بر شما آیات را پس هر که بر پیغمبر گاری کند و بشو کاری نماید
 اگر بیایند بر شما پیغامبران از شما که می خوانند بر شما آیات را پس هر که بر سر د و بشو کاری کند
 فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا
 پس از جنس ترس نباشد بر ایشان و نه ایشان اندویشان شوند و کسی که بدروع نسبت کردند آیات ما را و
 پس از جنس ترس نباشد بر ایشان و نه ایشان اندویشان شوند و کسی که بدروع نسبت کردند آیات ما را و
 سَتَكُذِّبُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝
 سر کشی کردند از قبول آنها ایشان بندگان دوزخ اند ایشان آنجا جاویدان اند
 سر کشی کردند از آن گروه باشندگان دوزخ اند ایشان آنجا جاویدان اند
 فَسَنُأْتِمُّكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ
 پس نسبت شما را از کسی که بر نسبت بر خدا دروغ را یا بدروع نسبت کرد آیات او را آن جماعت
 پس نسبت ظالم تر از کسی که تحت نهاد بر خدا دروغ را یا بدروع نسبت کرد احکام او را آن گروه

خود را ۱۲ و ۱۳ یعنی
 لایق ایشانست از پی
 دیگران نیز استعمال
 کنند و الله اعلم ۱۲
 و مترجم گوید درین
 آیت اشارت است
 به بردهای ربیبان
 بهر دو نصارت
 و مختصین عرب که
 توسع دارد و آکل و طعم
 کرده می داشتند
 و الله اعلم ۱۳
 یعنی و حق معین است
 برای ملک ایشان
 و الله اعلم ۱۴
 یعنی نزدیک شود ۹۹
 یعنی بر زبان حضرت آدم
 چنانکه در سورة بقره
 اشارت رفت و الله اعلم ۱۵
 تفسیر عثمانی
 علی که بر سر دارد
 می شود که بندهای و عده
 (اجل) فراسید عقلاً
 تاخیر من بود پس نفی
 آن نیز ضرر بود با چون
 تعلیم اجل از روی
 عقل امکان ندارد در
 نفی آن چنانکه می باشد
 بعضی از مفسران نسبت
 به این شبهه (الایهات)
 را بر شریفه (لا اجد اهل)
 عطفی دارند و بعضی
 از جهاد اجلیم (قرب
 و نور مراد است نزد
 من باین تکلفات حقا
 نمی تواند در محاربات
 برای ثبوت قوت و
 تاکیه بجزیکه بدو طوط
 مقابل باشد اکثر همان
 طرف را که مختل البوت
 است مقصود نفی
 نماید و طرف و مجرش
 را که از ادل غیر مختل
 است مختص برای میانه
 و تاکیه و تحسین کلام
 بر آنکه در سائر کتب معتبره است و لغت و تفسیر مختص

مِنْ غُلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا

وگویند سپاس آن خدا را است که هدایت کرد ما را

هَذَا وَقَوْمًا كُنَّا لِنَهْتَدِي لَوْلَا أَنْ هَدانا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلٌ

بسی این بهشت و هرگز مستد راه یافتن نبودیم اگر راه نه نموده ما را خدا بر آینه آمدند فرستادگان

بِنَبَاٍ الْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تَتْلُوا الْجَنَّةَ أَوْ رُشْمُوها مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

برود و کار ما راستی و نداد کرده شوند که این بهشت داده شد به آنرا بسبب آنچه می کردید

فَادَّيْ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَاهُ حَقًّا

ندا کنند اهل بهشت اهل دوزخ را که ما راست یا قیم آنچه وعده کرده بودیم با پروردگار ما راست

وَلَقَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَاهُمْ حَقًّا وَقَالُوا نَعْمَ فَإِنَّهُمْ هُمُ الْمُتَكِبُونَ

در آید شما هم راست یافتند آنچه بشما وعده کرده بود پروردگار شما راست گویند دوزخیان آری پس آواز کند آواز کننده در میان ایشان

لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى الظَّالِمِينَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

لعنت خدا بران است که مازمی داشتند مردمان را از راه خدا

يَبْغُونَ غَايِبًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَفُورُونَ وَيَذَرُهُمْ جَابِجًا وَعَلَى

نی خواستند برای آن بجای و ایشان آخرت اعتقاد نداشتند و در میان بهشت و دوزخ جا بیست و بر

عُرَافٍ رِحَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ

را مردمانی باشند که می شناسند هر یک را از اهل مواضع بقیافه ایشان و ندا کنند اهل اعراف اهل بهشت را

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ وَإِذَا اصْبَرْتُمْ

سلام بر شما بخیزید بهشت نه در آمدند و ایشان طمع آن دارند و چون گردانیده شوند

صَابِرٌ هُمْ يَلْقَاءُ أَصْحَابَ النَّارِ قَالُوا أَرَبْنَا لَتَجْعَلُنَا مَعَ الْقَوْمِ

ایستاد اعراف بظرف اهل اعراف بطرف اهل دوزخ گویند ای پروردگار ما کن ما را همراه گروه

ظَالِمِينَ وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ

و ندا کردند اهل اعراف مردمان را که می شناسند ایشانرا بقیافه ایشان

وَأَمَّا أَعْنَى عَنْكُمْ جَمْعَكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تُسَكِّدُونَ أَهْلَ الْأَرْضِ الَّذِينَ

و اما آنکه از شما بجهت شما و آنچه سرگشتی می کردید آری این جماعت اند آنانکه

يُسَمُّونَ لَا يَبَالِغُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ

نام می نهند که هرگز خدا ترسانند بایشان هیچ رحمت و نگرانی ایشانرا که در آمدید بهشت یا هیچ ترس نیست

وَأَمَّا الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ رَحْمَتِي وَلَا يَخْشَوْنَ عَذَابِي فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ

و اما آنکه بر من امید ندارند و از عذاب من ترس ندارند و اما آنکه بر من امید ندارند و از عذاب من ترس ندارند

فتح الرحمن

و لایق آن کینه پاک در دل بهشتیان باشد دور کیم مثل آنچه میراث عثمان و علی و طلحه و زبیر و عائشه رضی الله عنهم واقع شد دانند و علم ۱۲ یعنی بیخواسند که بهشت این راه را باطل سازد و آن سبب باقی است و الله اعلم ۱۲ و یعنی فقر است مسبلین که کافران از ایشان حساب نمی گرفته و الله اعلم ۱۲ تفسیر عثمانی علی این سنادی فرستد خواهد بود از سوی پروردگار یعنی امر از حد و جهد شافرا آورد از بیگوشش خود بهشت اهل بصورت جاودان میراث بد خویش آدم را حاصل نموده در حدیث است از هیچ کس را عیش به بهشت داخل کرده نمی توانند مطلب این است که عمل سبب حقیقی دخول جنت نیست و فقط سبب ظاهری است سبب حقیقی خاص رحمت کامل الهیست چنانچه از الفاظ حدیث «الا ان الله یغفر الذنوب» این مطلب ظاهر شود مترجم رحمة الله علیه در انشای صحبت می گفت سبب حقیقی دخول بهشت رحمت خلاصت و عمل مانند عطاات چنانکه قوت دلیل را برده می اندازد و میراثی است که در هر یک بهشتی است

فتح الرحمن

ول فراموش کردن خدا ترک ایشان است و درود بخ و الفدا علم و لا یعنی سلمان فراموش و بن رانه پرستیم و لا یعنی گایه جزا شب را بلباس نهاده و شانه در حساب نهاری گردانده و الفدا علم ۱۲ یعنی از پی در آمدن شبانه روز مشایه آنست که گویا کسے را دو ان و شتابان طبع و تفسیر عثمانی ۵۵ دوزخیان جوان خوش را باخته مفضل پادشاه اهل جنت دست نیاز روزی کنده می گویند سوختن اندکی آب بریزید یا از انجلی که خداوند بشمار ازانی داشته اند مستفید گردانید جواب داده میشود که این اشیاء بر کافران حرام گردانیده شد این همان کافران ۶۴ کربن الهی را با تفسیر قرار داده و برستم ۱۳ دنیا مفرور شده بودند چنانکه آنها روزی از در نیابتی گاه از آخرت اندیش میکردند باینکه امروز اوستی با نهایی و بیم و چنانکه آنها آیات را انکار می کردند ماینور و خوارشان را اجابت نمی کنیم عه در حال وجود کسانی مانند آن که در آن کلیه ضرورت پتفیس علی موجود است و هر چه را آگاهی و صراحت تمام بیان می کنند چنانچه مومنان بخوبی از آن برخوردار می گردند تعجب است که این معاندان خود خواه طوری به عاقبت خویش نگردند اکنون پشیمانی سودمند-

عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ۵ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ

بر شما و نه شما اندویش کنید و ندا کنند اهل دوزخ اهل بهشت را که

أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ يَنَازِلْهُمُ اللَّهُ قَالَ أَتَأْنِسُ أَلَّهِ خَمْهُمَا

بریزید بر ما چیزی از آب یا از سائر آنچه روزی داده است شمار خدا گویند هر آینه خدا حرام ساخته است این

عَلَى الْكَافِرِينَ ۶ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ

بر کافران آنرا که دین خود گرفتند بازی و لهو را و غریب او ایشان را زندگانی

الدُّنْيَا ۷ فَالْيَوْمَ نَسْفَعُكُمْ كَمَا نَسْفَعُ الْيَوْمَ هَذَا وَمَا كُنْتُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ

و دنیا پس امروز فراموش کنیم ایشان را چنانکه ایشان فراموش کردند ملاقات این روز خویش را و چنانکه انجاری کردند

يُحْذَرُونَ ۸ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ بَكْتِبٌ فَصَلُّوا عَلَيْهِ عَلَىٰ هَذَا وَرَحْمَةُ

بایات ما فل و هر آینه آوریم بر آینه ایشان کتابی که مفضل کردیم آفریده و الفدا علم ۵۵ دوزخیان جوان خوش را باخته مفضل پادشاه اهل جنت دست نیاز روزی کنده می گویند سوختن اندکی آب بریزید یا از انجلی که خداوند بشمار ازانی داشته اند مستفید گردانید جواب داده میشود که این اشیاء بر کافران حرام گردانیده شد این همان کافران ۶۴ کربن الهی را با تفسیر قرار داده و برستم ۱۳ دنیا مفرور شده بودند چنانکه آنها روزی از در نیابتی گاه از آخرت اندیش میکردند باینکه امروز اوستی با نهایی و بیم و چنانکه آنها آیات را انکار می کردند ماینور و خوارشان را اجابت نمی کنیم عه در حال وجود کسانی مانند آن که در آن کلیه ضرورت پتفیس علی موجود است و هر چه را آگاهی و صراحت تمام بیان می کنند چنانچه مومنان بخوبی از آن برخوردار می گردند تعجب است که این معاندان خود خواه طوری به عاقبت خویش نگردند اکنون پشیمانی سودمند-

لِقَوْمٍ يَوْمُون ۹ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ

مومنان را انتظار می کنند لغار مکه مصداق این وعده را روزیکه بیاید مصداق آن

يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوا مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَمَهْلِكُهُمْ

گویند کسانی که فراموش کرده بودند از ایشان هر آینه آمده بودند پیغامبران پروردگار ما راستی پس آیا هستند

لَنَا مِنْ شَفْعَةٍ فَيشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۱۰

برای ما شفیعان تا شفاعت کنند برای ما یا باز گردانیده شویم پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم هر آینه

خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْقَرُونَ ۱۱ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ

زیان کردند در حق خویش و گم شد از ایشان آنچه از آنست که بودند هر آینه پروردگار شما آن خدا است

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ

که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز و از زمین را در شش روز پس قرار گرفت و غلبه و تصد کرد

الْعَرِشِ يُعْشَى الْبَيْتَ الْبَارِئُ طَبَقُهُ حَيْثُ وَالشَّاهِدُ الْقَدِيمُ وَالنَّجْمُ

عرش کی پوشاند شب را بروز و شبی طبع روز را بشتاب و آفرید آسمانها ماه ستارگان را

مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ ۱۲ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَرُّوا لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۳

رام شده بفرمان خدا آگاه شود راست آفریدن و فرمانروائی بفرمان بزرگ است خدا پروردگار عالم

أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَعِدِينَ ۱۴ وَلَا تَقْسِدُوا

به پرستید پروردگار خود را زاری کنان و پوشیده از مردان هر آینه او دوست ندارد از خود گذراندگان و خدا کند

بِحُجَّتِهِمْ ۱۵ وَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ ذُرِّيَّتَهُ لِيُخْرِجَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا دُفْعًا وَلِيُخَفِّفَ

بجوانند پروردگار خود را بزرگاری و آهسته آهسته (پوشیده) هر آینه او دوست ندارد از خود گذراندگان و خدا کند

لَهُمْ فِي الدُّنْيَا دُفْعًا وَلِيُخَفِّفَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا دُفْعًا وَلِيُخَفِّفَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا دُفْعًا

بجوانند پروردگار خود را بزرگاری و آهسته آهسته (پوشیده) هر آینه او دوست ندارد از خود گذراندگان و خدا کند

فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ

در زمین بعد اصلاح آن و بپرسیدن او را به ترس و امید هر آینه بخشایش خدا

در زمین بعد اصلاح آن و بخوانید او را به ترس و امید هر آینه رحمت خدا

قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ تَارِيفًا بَیِّنًا

نزدیکی است از نیکوکاران و اوست آنکه می فرستد بادها را پانزده دینده پیش از

نزدیک است به نیکوکاران و اوست آنکه می فرستد بادها را مرده و دینده پیش از آمدن

رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَفْلَحَ سَمَاءُ بِاتِّفَاقٍ لَّيْلُكَ لَیْلٌ مِّمَّنْ لَّكُلِّ

رحمت خود و تا آنکه که بر دارد آن ابروگران را روان گیند آنرا بسوی شهر مرده پس فردا آنم بواسطه آن ابر

باران تا آنکه که بر دارد آن بادها ابرگران را برایم آنرا بسوی شهر مرده پس فردا آنم بواسطه آن

لَمَاءٍ فَأَخْرَجَتْهُ مِنْ كُلِّ الثَّغَارِ ۝ فَذَرْهُمْ لِقَوْمٍ يُعَذِّبُهُمْ

آب را پس بیرون آورم بآن آب از جنس هر میوه بم چشیدن بیرون آورم مردگان را و تا شش

آب را پس بیرون آورم به آن آب از جنس هر میوه بم چشیدن بیرون آورم مردگان را تا شش

لَتَذْكُرُونَ ۝ وَالتَّبَلُّدُ الطَّيْبُ يُخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۝ وَالَّذِي

بند پذیر شوید و شهر پاکیزه بر می آید بفرمان پروردگار او و زمین که

غور کند (بند پذیرید) و شهر پاکیزه بر می آید رستنی او حکم پروردگارش زمین که

حَبَّتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ تُصْرَفُ ۝ الْآيَةُ لِقَوْمٍ يُشْكِرُونَ

نایاب بود بر می آید رستنی او مگر ناهوار بهر دو پند هم چنین گوناگون بیان می کنم نشانیها را برای قومی که شکری کنند

شوره بود بیرون نباید گیاه او مگر ناقص هم چنان گوناگون بیان می کنم نشانیها را برای قومی که حق را می پند (شکری کنند)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ

و تا هر آینه فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا بجز معبود

درستی که فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا بجز معبود

عَلَيْهِ إِلَّا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ

بخود بر آمدن من ترسم بر شما از عقوبت روز بزرگ و گفتند ایشان از قوم او

بخود بر آمدن من ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ گفتند سرداران از قوم او

إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ قَالَ يَقَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَ

بر آید ای من ترا در گمراهی ظاهر گفت ای قوم من نیست با من هیچ گمراهی و

بر آید ای من ترا در گمراهی ظاهر گفت ای قوم من نیست مرا هیچ گمراهی و

لَكِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَتَلْعَمُونَ ۝ أَوْحَيْتُمَا أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ

لیکن من پیغامبرم از جانب پروردگار عالمها میرسانم بشما پیغامهای پروردگار خود را که خواهی می گنم

کین من پیغامبرم از جانب پروردگار شما می رانم بشما پیغامهای پروردگار خود را و نصیحت می کنم

لَكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُونَ ۝ أَوْحَيْتُمَا أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ

فتح الرحمن
و تا هر آینه رسول الله صلی
الله علیه وسلم ۱۲ و تا
یعنی پیش از باران ۱۲
و تا یعنی از قیوم رب
کردیم ۱۲ و تا هر آینه
گوید این مثل است
برای تاثیر مند در
طلب علم و علم تاثیر
آن در غیر علم و علم
علم ۱۲ و تا یعنی روز
قیامت ۱۲
تفسیر عثمانی
و تا آدم علیه
السلام در آغاز سو
گذارش یافت پس
از وی نوح علیه السلام
خبر داد و نوح
مشتی را راست کرد
برای هدایت
کسان آن زمین و
مقابل مشرکان پیش
گروید اگر چه بعثت
انبیا باید باعتبار
شریعت خاص آنها
بسوی قوم خودشان
باشد باز هم باعتبار
آن اصول اساسی
که در تعلیم تمام پیغمبر
مشترک است ایشان
گفت که تمام افراد بشر
طرف خطاب هر پیغمبر
و ا قی می شود چنانچه
در تعلیم توحید و در افرا
معاد همه پیغمبران مشفق
اللسانند پس ملاحظه
این انبیاء در حقیقت
تکذیب تمام انبیاست
بهر حال نوح علیه السلام
به توحید و غیره دعوت
عمومی داد می گویند
تا ده قرن بعد از آدم
تمام فرزندان او به مکر
توحید استوار بودند
بر وفق بیان این عبا
رضی الله تعالی عنهما
و تا هر آینه رسول الله صلی
الله علیه وسلم ۱۲ و تا
یعنی پیش از باران ۱۲
و تا یعنی از قیوم رب
کردیم ۱۲ و تا هر آینه
گوید این مثل است
برای تاثیر مند در
طلب علم و علم تاثیر
آن در غیر علم و علم
علم ۱۲ و تا یعنی روز
قیامت ۱۲
تفسیر عثمانی
و تا آدم علیه
السلام در آغاز سو
گذارش یافت پس
از وی نوح علیه السلام
خبر داد و نوح
مشتی را راست کرد
برای هدایت
کسان آن زمین و
مقابل مشرکان پیش
گروید اگر چه بعثت
انبیا باید باعتبار
شریعت خاص آنها
بسوی قوم خودشان
باشد باز هم باعتبار
آن اصول اساسی
که در تعلیم تمام پیغمبر
مشترک است ایشان
گفت که تمام افراد بشر
طرف خطاب هر پیغمبر
و ا قی می شود چنانچه
در تعلیم توحید و در افرا
معاد همه پیغمبران مشفق
اللسانند پس ملاحظه
این انبیاء در حقیقت
تکذیب تمام انبیاست
بهر حال نوح علیه السلام
به توحید و غیره دعوت
عمومی داد می گویند
تا ده قرن بعد از آدم
تمام فرزندان او به مکر
توحید استوار بودند
بر وفق بیان این عبا
رضی الله تعالی عنهما

و تا هر آینه رسول الله صلی
الله علیه وسلم ۱۲ و تا
یعنی پیش از باران ۱۲
و تا یعنی از قیوم رب
کردیم ۱۲ و تا هر آینه
گوید این مثل است
برای تاثیر مند در
طلب علم و علم تاثیر
آن در غیر علم و علم
علم ۱۲ و تا یعنی روز
قیامت ۱۲
تفسیر عثمانی
و تا آدم علیه
السلام در آغاز سو
گذارش یافت پس
از وی نوح علیه السلام
خبر داد و نوح
مشتی را راست کرد
برای هدایت
کسان آن زمین و
مقابل مشرکان پیش
گروید اگر چه بعثت
انبیا باید باعتبار
شریعت خاص آنها
بسوی قوم خودشان
باشد باز هم باعتبار
آن اصول اساسی
که در تعلیم تمام پیغمبر
مشترک است ایشان
گفت که تمام افراد بشر
طرف خطاب هر پیغمبر
و ا قی می شود چنانچه
در تعلیم توحید و در افرا
معاد همه پیغمبران مشفق
اللسانند پس ملاحظه
این انبیاء در حقیقت
تکذیب تمام انبیاست
بهر حال نوح علیه السلام
به توحید و غیره دعوت
عمومی داد می گویند
تا ده قرن بعد از آدم
تمام فرزندان او به مکر
توحید استوار بودند
بر وفق بیان این عبا
رضی الله تعالی عنهما

و تا هر آینه رسول الله صلی
الله علیه وسلم ۱۲ و تا
یعنی پیش از باران ۱۲
و تا یعنی از قیوم رب
کردیم ۱۲ و تا هر آینه
گوید این مثل است
برای تاثیر مند در
طلب علم و علم تاثیر
آن در غیر علم و علم
علم ۱۲ و تا یعنی روز
قیامت ۱۲
تفسیر عثمانی
و تا آدم علیه
السلام در آغاز سو
گذارش یافت پس
از وی نوح علیه السلام
خبر داد و نوح
مشتی را راست کرد
برای هدایت
کسان آن زمین و
مقابل مشرکان پیش
گروید اگر چه بعثت
انبیا باید باعتبار
شریعت خاص آنها
بسوی قوم خودشان
باشد باز هم باعتبار
آن اصول اساسی
که در تعلیم تمام پیغمبر
مشترک است ایشان
گفت که تمام افراد بشر
طرف خطاب هر پیغمبر
و ا قی می شود چنانچه
در تعلیم توحید و در افرا
معاد همه پیغمبران مشفق
اللسانند پس ملاحظه
این انبیاء در حقیقت
تکذیب تمام انبیاست
بهر حال نوح علیه السلام
به توحید و غیره دعوت
عمومی داد می گویند
تا ده قرن بعد از آدم
تمام فرزندان او به مکر
توحید استوار بودند
بر وفق بیان این عبا
رضی الله تعالی عنهما

و تا هر آینه رسول الله صلی
الله علیه وسلم ۱۲ و تا
یعنی پیش از باران ۱۲
و تا یعنی از قیوم رب
کردیم ۱۲ و تا هر آینه
گوید این مثل است
برای تاثیر مند در
طلب علم و علم تاثیر
آن در غیر علم و علم
علم ۱۲ و تا یعنی روز
قیامت ۱۲
تفسیر عثمانی
و تا آدم علیه
السلام در آغاز سو
گذارش یافت پس
از وی نوح علیه السلام
خبر داد و نوح
مشتی را راست کرد
برای هدایت
کسان آن زمین و
مقابل مشرکان پیش
گروید اگر چه بعثت
انبیا باید باعتبار
شریعت خاص آنها
بسوی قوم خودشان
باشد باز هم باعتبار
آن اصول اساسی
که در تعلیم تمام پیغمبر
مشترک است ایشان
گفت که تمام افراد بشر
طرف خطاب هر پیغمبر
و ا قی می شود چنانچه
در تعلیم توحید و در افرا
معاد همه پیغمبران مشفق
اللسانند پس ملاحظه
این انبیاء در حقیقت
تکذیب تمام انبیاست
بهر حال نوح علیه السلام
به توحید و غیره دعوت
عمومی داد می گویند
تا ده قرن بعد از آدم
تمام فرزندان او به مکر
توحید استوار بودند
بر وفق بیان این عبا
رضی الله تعالی عنهما

و تا هر آینه رسول الله صلی
الله علیه وسلم ۱۲ و تا
یعنی پیش از باران ۱۲
و تا یعنی از قیوم رب
کردیم ۱۲ و تا هر آینه
گوید این مثل است
برای تاثیر مند در
طلب علم و علم تاثیر
آن در غیر علم و علم
علم ۱۲ و تا یعنی روز
قیامت ۱۲
تفسیر عثمانی
و تا آدم علیه
السلام در آغاز سو
گذارش یافت پس
از وی نوح علیه السلام
خبر داد و نوح
مشتی را راست کرد
برای هدایت
کسان آن زمین و
مقابل مشرکان پیش
گروید اگر چه بعثت
انبیا باید باعتبار
شریعت خاص آنها
بسوی قوم خودشان
باشد باز هم باعتبار
آن اصول اساسی
که در تعلیم تمام پیغمبر
مشترک است ایشان
گفت که تمام افراد بشر
طرف خطاب هر پیغمبر
و ا قی می شود چنانچه
در تعلیم توحید و در افرا
معاد همه پیغمبران مشفق
اللسانند پس ملاحظه
این انبیاء در حقیقت
تکذیب تمام انبیاست
بهر حال نوح علیه السلام
به توحید و غیره دعوت
عمومی داد می گویند
تا ده قرن بعد از آدم
تمام فرزندان او به مکر
توحید استوار بودند
بر وفق بیان این عبا
رضی الله تعالی عنهما

۹
ع
۱۶
تفسیر عثمانی

بایتنا وما كانوا مؤمنين ۱۰ والی شود آخاهم صلیا م قال یقوم

آیات بار و نه بودند از مؤمنان و فرستادیم بسوی قوم خود برادر ایشان صا ح را گفت ای قوم من

عبدوا الله ما لكم من الیه غیره فاقد جاء تکم بیدنه من ربکم

عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبود غیر او هر آینه آمد بشما و بیست از جانب پروردگار شما

هذه ناقة الله لكم آية فذروها تا کل فی ارض الله ولا تمسوها

این ماده شتر نیست پیدا کرده خدا تا نه برای شما پس بگذاریدش که چرو در زمین خدا و مساند او را

یسوء فیاخذکم عذاب الیم ۱۱ واذکروا اذ جعلکم خلفاء من

بسیار سختی که نگاه بگردد شمارا عقوبت درد دهنده و یاد کنید نعمت الهی آن وقت که گردانید شمارا جانشینان

بعد عادی و بواکم فی الارض تتخذون من سواهم اقصورا و

بعد از قوم عاد و استوار داد شمارا در زمین می سازید از نرم آن کوشکیا

تتخذون الجمال بیوتاکم فاذکروا الاء الله ولا تعثوا فی الارض

تراشیده خانه های سارید کوه بار پس یاد کنید نعمت باطنی خدا را تا بهای مکنید در زمین

مفسدین قال الملائکة الذین استکبروا من قومهم للذین استضعفوا

فساد انگیزان گفتند آن اشراق که سر کشی کرده بودند از قوم او آنرا که هر کس ضعیف و استیافت ایشان را

لین امن من هم تعلمون ان صلیا مرسل من ربی قال انابکم

مرگانی را که ایمان آورده بودند از ایشان ای صلیا دعا که صا ح فرستاده شده است از جانب پروردگار تو و گفتند ای ایان هر آینه بایستد بگویند

ارسل بهم مؤمنون ۱۲ قال الذین استکبروا انابکم ای امنتم به

فرستاده شده است باین شریعت معتقد ایم گفتند سرکشان هر آینه بایستد محققان شدید

کفرون ۱۳ فحقروا التافة وعتوا عن امر ربهم و قال ایصلح انیتنا

کافر ایم پس کشند آن ماده شتر را و تجاوز کردند از فرمان پروردگار خویش و گفتند ای صا ح بیار ما

بما تعدنا ان کنتم من المرسلین ۱۴ فاخذتهم الرجفة فاصبحوا

آید و عید می کنی اگر هستی از پیغامبران پس گرفت ایشان را زلزله پس گردیدند بوقت مج

فی دارهم جثین ۱۵ فتولی عنهم و قال یقوم لقد ابلغتکم

مردم بزانو افتاده در سرای خویش پس صا ح اعراض کرد از ایشان و گفت ای قوم من رسانیدم بشما

رسالة ربی و نصحت لکم و لکن لا تحبون النصحین ۱۶ و لو طأ

پیغام پروردگار خود را و نصیحت کردم شما را لیکن دوست نمی دارید نیک خواهانان را و فرستادیم لوط را

پیغام پروردگار خود را و نصیحت کردم شما را لیکن دوست نمی دارید نیک خواهانان را و فرستادیم لوط را

نیز آمده شد و درین طریق احکام خدا را که از صا ح به صا ح و ناطقه بود و گفتند

در زمین خدا و
میکنید علم سردار
منکر و مدعیانان
بی نواضع است
می گفتند چه ممکن است
که مانند ما حال بزرگ
و دانش مندا امروز
نداشت باشند مگر
بشما معلوم شد که
صا ح فرستاده خدا
مسلمانان جواب داد
بی اما آنرا از دل پذیرفت
و بران ایمان آوردیم
و منکرین ازین جواب
حکیمان بخل شدند
و گفتند چیز بی ارزشا
پذیرفته ایما آنرا نمی
پذیریم و اگر مانند شما
چند نفر ایشان و
در آمده ایمان آورد
ازان چه کامیابی بزرگ
حاصل میشود
گویند آن ماده شتر
چندان قوی هیكل و
بزرگ بود که بکلام
چوبین سایر چار پایا
از وی رم می کرد و می
گریختند در روز یک
لوقت آن می بود تمام
آب چاه را می نوشید
و آنرا بقی می کرد گویا
چنانکه خلقت وی غیر
معمولی بود لازم و
آثار حیات و احتیاجات
او نیز بطور عادی نبود
آفریده شده بود سر
انجام مردم بخشم آمده
و بقتل آن اتفاق گرفته
و تقار شقی پایامی
اورا قطع کرد و پس
ازان بقتل خود حضرت
صا ح علیه السلام

فتح الرحمن

فلینس و اجبان بود که همه متفق میشدند براین و چون متفق نشدند منتظر فیصل کرده باشند و الله اعلم

تفسیر عثمانی

عوط علیه السلام

برادر زاده ابراهیم

علیه السلام بود با علم و

از علق بخت کرده و

شام آمد خدای آنها

جانب "سدم" و قری

اطراف آن مبعوث

که قمارم آنجا را

اصلاح کنند از امور

ناپاک و تنگین مخالف

فطرت و بی حیائی

که مبتلا بلکه موجود

آن بودند باز

دارند پیش از

این بادر جهان کسی

این مرض مملک را

نی شناخت می گویند

نخست این فعل ملعون

را شیطان جاهلی

سدم آموخت و از

آنجای مقامات و کثر

کو حضرت عوط علیه السلام

مردم را به حوالت این

فعل شنیع ناپاک متنبه

نموده خواست این قمار

را از مملکت بیاورد

فایده بر تجارت تنگین

هایمین انجیل موجوده

باید گرفت که نسبت

به چنین پیغمبر معصوم که

برای تطهیر دنیا از

این عمل شنیع و تنگین

مبعوث شده بود و این

اعلان ناپاک را ضروب

گردانند از شنیدن

آن کسی که حیا دارد

موبه نش راست

می شود بکرت کلمه

تخریج من افواههم

یقونون الا کلاما

اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة و اسبقکم بها من احید من

آن وقت که گفت ای قوم خود آیای کنید آن به حیائی که پیش از شما نموده است آنرا هیچ کس

آن وقت که گفت ای قوم خود آیای کنید آن به حیائی که پیش از شما نموده است آنرا هیچ کس

العلیین ۵ انکم لتاتون الرجال شهوة من دون النساء بل انکم

عالمها هر آینه شما میرید بشهوت بسوی مردان بجز زنان بلکه شما

عالمیان ع هر آینه می روید بسوی مردان بشهوت بجز زنان بلکه شما

قوم مسرفون ۹ و ما کان جواب قومک الا ان قالوا اخرجوهم من

کرده مسرفانند و نبود جواب قوم او الا آنکه گفتند بیرون کنید ایشان را از

کرده مسرفانند ع و نبود جواب قوم او هر آنکه گفتند بیرون کنید ایشان را از

قریبکم انهم اناس یتطهرون ۱۰ فان جینا و اهله الا امراته

و به خود که هر آینه ایشان مردم پاکیزگی طلب کننده اند پس بجات دادیم او را و اهل خانه او را مگر زنی را

و به خود که (هر آینه) ایشان مردی اند که پاکیزگی طلبند پس بجات دادیم او را و کسان او را مگر زنی را

کان من الغیرین ۱۱ و امطرنا علیهم مطرا فافظروا کیف کان

که بود از بانی ماندگان در اینجا و بارانیدم بر ایشان بارانی یعنی از سنگ پس بگر چگونه بود آخر کار

که بود از بانی ماندگان در اینجا و بارانیدم بر ایشان بارانی یعنی از سنگ پس بگر چگونه بود آخر کار

المجرین ۱۳ و الی مدین اخاهم شعیب قال یقوم عبد الله

کنایه ازان و فرستادیم بسوی قوم مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم من به پرستید خدا را نیست

کنایه ازان و فرستادیم بسوی قوم مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست

لکم من الله غیره ط قد جاءکم بینه من ربکم فاقوال الکلیل و

شمارا هیچ معبود جز او هر آینه آمده است بشما و بپس از پروردگار شما پس کنید پیمان و

شمارا هیچ معبود غیر او هر آینه آمده است بشما و بپس از پروردگار شما پس تمام کنید پیمان و

الذین ان ولا تبخسوا الناس شیء هم ولا تقصدوا الی الارض بعد

تراز و را و ناقص مدهید مردم را اشیای ایشان را و فساد مکنید در زمین بعد

وزن (تراز) را و ناقص مدهید به مردمان اشیای ایشان را و فساد مکنید در زمین بعد

اصلا حملاذ لکم خیر لکم ان کنتم مؤمنین ۱۰ ولا تقعدوا الیک

اصلاح آن این کار که کفایت بهترین است شمارا اگر باور دارند مکنید و متنبهید

اصلاح آن این کار که بهترین است شمارا اگر بپسندید مردمان و متنبهید

صراط یوعدون و تصدون عن سبیل الله من ین و تبغونها

راه که بترسانید و باز دارید از راه خدا کسی را که ایمان آورده است با و میجوید برای آن راه

راه که بترسانید و باز دارید از راه خدا کسی را که ایمان آورده است با و میجوید برای آن راه

عوجا و اذکنتم قلیلا فکثرکم و انظر و کیف کان عاقبه

بجی و یاد کنید آن وقت که شما اندک بودید پس بسیار گردانید شمارا و بنگرید چگونه شد آخر کار

عیب (بجی) و یاد کنید آن وقت که شما اندک بودید پس بسیار گردانید شمارا و بنگرید چگونه شد آخر کار

المفسدین ۱۲ و ان کان طایفة منکم اتوا بالذی ارسلت به و طایفة

مفسدان و اگر هست گروهی از شما مومن با آنچه فرستاده شدم همراه او و گروهی

مفسدان و اگر هست گروهی از شما که ایمان آورده اند با آنچه فرستاده شدم به همراه او و مردی

لکم یومنون فاصبر و احی یحکم الله بیننا و هو خیر الحکامین ۱۵

نامومن پس صبر کنید تا آنکه من حکم خدا در میان ما و او بهترین حکم کنندگان است و

که ایمانی بنادیده اند پس صبر کنید تا آنکه من حکم خدا در میان ما و او بهترین حکم کنندگان است

ع شانتها برقرار یک گناه نمی باشد بلکه ارتکاب این فعل مخالف فطرت و دلیل است بر این که شما از عهد انسانیست تجاوز کرده اید

ع شانتها برقرار یک گناه نمی باشد بلکه ارتکاب این فعل مخالف فطرت و دلیل است بر این که شما از عهد انسانیست تجاوز کرده اید

ع شانتها برقرار یک گناه نمی باشد بلکه ارتکاب این فعل مخالف فطرت و دلیل است بر این که شما از عهد انسانیست تجاوز کرده اید

ع شانتها برقرار یک گناه نمی باشد بلکه ارتکاب این فعل مخالف فطرت و دلیل است بر این که شما از عهد انسانیست تجاوز کرده اید

ع شانتها برقرار یک گناه نمی باشد بلکه ارتکاب این فعل مخالف فطرت و دلیل است بر این که شما از عهد انسانیست تجاوز کرده اید

ع شانتها برقرار یک گناه نمی باشد بلکه ارتکاب این فعل مخالف فطرت و دلیل است بر این که شما از عهد انسانیست تجاوز کرده اید

دل بین عادت
ملا زمانه است که
کامه سته و

گله راحت می باشد
از باب مواخذه بر
اعمال نبود و الله اعلم
تفسیر عثمانی
معنی "عود" از

چیز به بر آمدن دوباره
بازگشتی است اطلاق
آن حقیقه بر احباب
حضرت شعیب علیه

السلام صادق شده
می تواند زیرا از کفر باز
گشته داخل اسلام
شده بودند در باب

خود حضرت شعیب
علیه السلام قطعا
نمی توان کرد که او شاکر
در اول (مجادله)

در بین کفار داخل بودند
بعد از مسلمان شدن
ناچار یا به اعتبار
آن باین خطاب

نقلیه خواهد بود
معنی کما ینکره
حق مؤمنین نمی
استعمال شده

فیه اکثریت غالبه را
منع نموده برای
حضرت شعیب کلام
جدا گانه خصوصی در

نشد و این کلام در حق
دی مطابق نعم گفته
اگر گفته شد زیرا پیش
از بعثت تازمانیکه

حضرت شعیب علیه
السلام دعوت
تنبیغ را شروع نکرد
بود اهل مدین خاموشی

شعیب علیه السلام
را در باب کفریات
خود حس کرده شاید
علمان کرده باشند که
شعیب علیه السلام

نیز بمنزله ای مانده برینا
راضی است دیا عود مجازا یعنی مطلق "میسورت" گرفته شود (چنانکه بعضی مفسرین گفته اند) علی اگر چه با درخت روشنی و لعل و در این ازین کفریات هم گفته

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ

گفتند آن اشتران که سرکش کرده بودند از قوم او

خَرَجَتْكَ يَشْعِيبَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَةٍ أَوْ لَعُودًا فِي

خروج کن از این قریه و کسانی که ایمان آورده اند به خود یا ایست که باز گردید در

لَيْلَةٍ أَوْ لَوْ كُنَّا كَارِهِينَ ۚ قَدْ أَفْتَرْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِن كُنَّا

گفت آید عود کنیم اگر چه ما ناخواهیم یا شبیم هر آینه بر لبه با شیم بر خدا دروغ اگر باز گردیم

لَيْتَكُمْ بَعْدَ إِذْ خُذْنَا اللَّهُ مِنْكُمْ مَوَاقِفُ لَمَا كُنْتُمْ تُعَوِّدُونَنَا إِن

اینها بد از آنکه بر ما نیند خدا ما را از دوی و هرگز لایق نیست ما را که عود کنیم در آن مگر آنکه

لَهُ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا مَنَّا

خدا پروردگار ما احاطه کرده است پروردگار ما به همه چیز از دوی علم بر خدا توکل کردیم اے پروردگار ما

خَرَجْنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاحِشِينَ ۚ وَقَالَ لَمَسَ

کن در میان ما و در میان قوم ما راستی و تو بهترین فیض کنندگانی و گفت آن اشتران

لَيْنَ كُفْرًا مِنْ قَوْمِهِ لِيُنْزِلَ عَلَيْهِمْ شِيبًا يَمْنَعُ الْخَيْلَ مِنَ الْقَمَرِ ۚ وَإِن

بیان را خود اگر متابعت کنید شعیب را هر آینه شما آفتاب زیان کار باشد

خَرَجْتُمْ رَاغِبِينَ ۚ فَاذْكُرُوا فِي دَارِهِمْ جَمِيعًا ۖ الَّذِينَ كَذَّبُوا شَعْبِيًّا

و گرفت ایشان را زلزله پس هیچ کردند و سرای خویش مرده بر زانو افتاده آنانکه دروغ داشتند شعیب را

لَمْ يَخَوْفِ يَهُودَ الَّذِينَ كَذَّبُوا شَعْبِيًّا كَانُوا أَهْلَ الْخَيْلِ ۚ فَتَوَلَّى

ن بودند آنجا آنانکه تکذیب کردند شعیب را ایشان بودند زیان کار پس باز گشت

لَهُمْ وَقَالَ يَقَوْمُ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولِي وَتَصَدَّقْتُمْ لَكُمْ فَكَيْفَ

ایشان و گفت اے قوم من رسانیدم به شما پیغامهای پروردگار خود نیک خواهی کردم برای شما پس چگونه

نَبِيٍّ عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ ۚ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا

خود بر قوم کافران و نفرستادیم در هیچ دیه پیغامبری را مگر گرفتیم

بِهِم بِالْبِاسِ أَوِ الضَّرَأِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ۚ ثُمَّ بَدَّلْنَا نَافِثًا

و بیاورد که ایشان زاری کنند باز دادیم بایشان بجای

بِهِم بِالْبِاسِ أَوِ الضَّرَأِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ۚ ثُمَّ بَدَّلْنَا نَافِثًا

بیاورد که ایشان زاری کنند باز دادیم به ایشان بجای

بِهِم بِالْبِاسِ أَوِ الضَّرَأِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ۚ ثُمَّ بَدَّلْنَا نَافِثًا

داحت را تا آنکه بسیار شدند و گفتند هر آینه رسیده بود پدران ما سختی و راحت

بِهِم بِالْبِاسِ أَوِ الضَّرَأِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ۚ ثُمَّ بَدَّلْنَا نَافِثًا

بنا (نما) تا آنکه از حد جدا گردند (بسیار شدند) و گفتند هر آینه رسیده بود پدران ما سختی و راحت

ول یضرب الذین یشرکون
 الیاء الذین یشرکون
 تفسیر عثمانی
 ۵۰ در زمان بعثت حضرت
 چون مردم نماز را میخواندند
 عقاب پرشی آمدند و
 از طرف خدای تعالی
 بطور تکیه برضی و قهوه
 تکیه ای در مصائب و
 ناگواری و بلا میگذاشتند
 تا زمانه سختی خورده از
 شدت دست کشید
 و بطرف نگاه ایستاد
 شریعت را ازین تنبیه
 متاثر می شوند حضرت
 آنی شداند و مصائب
 را دور کرده بر آنها
 فراخی و عیش و
 خوشی و یغوثی و
 می فرایند که از
 احسان متاثر شده
 بشرف و محضرت
 رویت متوجه شوند
 یا هر چه پیش و قوت
 غرق شده بقی قافل
 و بدست شوند و با برکت
 که محبت اولاد دولت
 و کارهای شان بشرف
 کند جانقدر بر قوت
 و غفلت آنهای از راه
 حتی مصائب گذشتند
 را فراموش نموده می
 گویند سلسله رنج و
 راحت از قدیم ایام
 بهین منوال برسان
 داشته کفر و تکبر و
 غفلت آنها به این حد
 می رسد تا ناهایان خدا
 خدا آنها را می گیرد
 مگر بهین است و آن در
 عیش و نشاط با هم می شوند حضرت

فَاخَذَ لَهُمُ مِثْقَاتٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۱۰ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا
 پس هر یک ایشان را ناکهان و ایشان خبرند استند و اگر ایان دین با ایمان آوردند
 پس هر یک ایشان را ناکهان و ایشان خبرند استند ۵۰ و اگر ایان دین با ایمان آوردند
 وَاتَّقُوا الْفِتْنَةَ الَّتِي كَانَتْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ كَثِيرًا
 و پس بیزگاری کردند می کشادیم بر ایشان برکت با از جانب آسمان و زمین و لیکن بدو رخ نسبت کردند
 و پس بیزگاری کردند می کشادیم بر ایشان برکت با از جانب آسمان و زمین و لیکن تکذیب کردند
 فَاخَذَ لَهُمُ مِثْقَاتٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۱۰ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ
 پس هر یک ایشان را ناکهان و ایشان خبرند استند ۵۰ آیا این شدند اهل دین با ایمان
 پس هر یک ایشان را ناکهان و ایشان خبرند استند ۵۰ آیا این شدند اهل دین با ایمان
 بِأَسْبَابٍ بَيِّنَاتٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۱۰ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ
 عذاب با ایشان را شایسته و ایشان خفته باشند آیا این شدند اهل دین با ایمان یا این شدند عذاب
 عذاب با ایشان را شایسته و ایشان خفته باشند آیا این شدند اهل دین با ایمان یا این شدند عذاب
 ضَحِكُهُمْ يَنْعَمُونَ ۱۰ أَفَأَمِنُوا فِتْنَةَ اللَّهِ فَإِذَا يَأْتِيهِمْ فُتْرَانٌ مِّنَ اللَّهِ
 وقت چاشت و ایشان بازی می کنند آیا این شدند از مکر خدا و پس این می شوند از مکر خدا
 چاشت گاه و ایشان بازی می کنند آیا این شدند از مکر خدا و پس این می شوند از مکر خدا
 الْخَيْرُونَ ۱۰ أَوَلَمْ تَكُن لِّلَّذِينَ يَرْتُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا
 زیان کاران آیا دامن شد بر آنان و ادب زمین می شوند بعد از آنکه ساکنان آن زمین
 زیان کاران آیا دامن شد بر آنان و ادب زمین می شوند بعد از آنکه ساکنان آن زمین
 لَوْ شَاءَ أَصْبَنَهُمُ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُبْصِرُونَ
 اگر خواست می عقوبت رسانید می ایشان را بوض کنایان ایشان و مهربی بهم برده باشد ایشان پس ایشان می عقوبت
 که اگر خواست می عقوبت رسانید می ایشان را بوض کنایان ایشان و مهربی بهم برده باشد ایشان پس ایشان می عقوبت
 الْقُرَىٰ نَقِصَ عَلَيْكَ مِنْ أَثَرِهِمْ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ
 دین با از کرمی یکم پیش بعضی اخبار آن و هر آینه آمده بودند باین آنها پنداران ایشان با حجت
 دین با خواندم بر تو بعضی از خبرهای آنرا دیدرستی که آمدند باین آن پنداران ایشان با حجت
 فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كُنَّا نَقُولُ كَذَلِكِ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ
 پس هرگز ایمان نیادوند با چه تکذیب کرده بودند پیش از آن بچنین مهربی پند
 پس هرگز نیادوند که ایمان بیارند با چه تکذیب می کردند پیش از آن بچنین مهربی پند
 الْكَافِرِينَ ۱۰ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَمَلٍ وَإِنْ وَجَدْنَا
 کافران و نه باقیم در اکثر ایشان و تا بعد و در آینه یا بقیم اکثر ایشان
 کافران و نه باقیم در اکثر ایشان و تا بعد و در آینه یا بقیم اکثر ایشان
 لَفَسِقِينَ ۱۰ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ
 بعد از فرستادیم بعد از ایشان موسی را با نشانه های خود بوسی فرعون و قوم او
 بعد از فرستادیم بعد از ایشان موسی را با نشانه های خود بوسی فرعون و قوم او
 فَظَلَمُوا بِهَا ۱۰ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ۱۰ وَقَالَ
 پس کافرانند این نشانه ها پس بجز چگونه بود اکثر کار و گفت موسی
 پس کافرانند این نشانه ها پس بجز چگونه بود اکثر کار و گفت موسی
 يَفِرْعَوْنَ إِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۰ حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ
 ای فرعون بر آینه من پیغام برم از جانب پروردگار عالمی سزاوارم تا تو
 ای فرعون بدست من پیغام از جانب پروردگار عالمی استوارم (سزاوارم) به آنکه شکوم
 عیش و نشاط با هم می شوند حضرت

تفسیر عثمانی

ع و را نزد پادشاهان
آن چو مشک و شبنم
بنمودند و نه اندام
بادمان کشاده بسوی
فرعون شتافت فرعون
مضطرب شد از
موسى عليه السلام
خواهش نمود که از دست
خود را بگیرد و بگوید که
عليه السلام دست
من را بپذیرد: باز عصا
گشت عجل
دست خود را

بگریبان برود و در
 بغل فشرده و بیرون
 آورد و مردم به چشم
 دیدند که دستش
 خارق العاده سفید
 و درختان بود این
 سفیدی و درختی که از
 مرض برض و غیره نبودند
 چنان سلام می شد که گویی
 و اینها از طریق اجدادش
 از کس می کرده است
 در معلوم می شود

لَا إِلَهَ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي

اما سر من راست ببرد سبک آدرده ام بشما خجی روشن از پروردگار شما پس بفرست یامن بنی
 هذا مگر سخن راست ببرد سبک آدرده ام بشما خجی روشن از پروردگار شما پس بفرست یامن و مردمان

عِیل ۛ قَالَ اِنْ كُنْتَ جَمِیْتُ بِاٰیَةٍ فَاْتِ بِهَا اِنْ كُنْتَ مِنْ

از	اگر دوستی	از	اگر دوستی
از	اگر دوستی	از	اگر دوستی

مِدْقَيْنِ ④ فَأُلْقِ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثَعْلَبَانِ مُبِينِ ① وَتَنْزِيلُهَا

پس انداخت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دماغش ظاهر شد و بیرون آورد و دست خود را
پس انداخت عصای خود را پس ناگهان آن عصا از دماغش ظاهر شد و بیرون آورد و دست خود را

هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ ۖ قَالَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ قَوْمٍ فَرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا

کدام آن دست خورانی شد برای بینندگان گفته اشرف از قوم فرعون بایکدیگر برآیند این شخص
کدام آن سفید رخشان شد برای بینندگان عده گفته اشرف از قوم فرعون بایکدیگر برآیند این شخص

وَعَلَيْهِمُ الْآثَامُ وَالْغَلَاظِمُ ۚ إِنَّ يَخْرُجُكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ فَذَاتِهَا هَرُونَ ﴿٢٠﴾

رواناست میخواد که بیرون کند شما از زمین شما پس چه می فرمائید

خرداناست میخواد که بیرون کند شما از زمین شما پس چه می فرمائید

وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ۝ يَأْتُواكَ بِكُلِّ كَلْبٍ مِّن مَّاءٍ يَّائِسٍ مِّنَ الْوَيْدِ

کے معون سوخت دار اور ادا و بفرست در شہر یا قلعہ یاں را
تا یا با دند پیش تو ہر

وَجَاءَهُ ٣ فَرَحُونَ قَالُوا إِنَّا لَنَارُونَ ٤

د آندسا	د آندسا حراڼ پيش فرعون	کشفند هر آيند مارا مزدی می يايه	اگر ما
د آندسا	د آندسا حراڼ پيش فرعون	کشفند هر آيند مارا مزدی می يايه	اگر ما

الْغُلَبِيِّنَ ٥ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنْ الْمَقْذُودِينَ ٦

گفت آری و بر آئید شا از مفران بارید گفت اے موسیٰ
گفت آری و بر آئید شا از مفران بارید گفت اے موسیٰ

٣٩٠

است که بخت که اقلی یا ما باشیم اندر اند
ی اقلی یا ما باشیم اندر اند

اسم و اعلى 3. واسم هـ واسم عظم

و آرد وند مجادوئے بزرگ را

و اما در این کتاب که در این کتاب است

فرستادم بیوی منو خط که بفرستد
عصای خود را پس ناگهان آن عصا فرو می ریزد و آنکه بدو رخ اظهار می کند

عصای خود را پس با کمان آن عصا فرو می برد و پیکر را بدو رخ آفتاباری گرداند

تأبیت شد حق و باطل شد آنچه ایشان می کردند پس قوم قرون مغلوب شدند آنچه و خواهد

پس محتوب کرده شدند اینجا و خوار

و اینده شند سحران سیده کنان گفتند ایام آوردیم پیروده کار عالمها

و افکنده شدند ساحران سجده گزینان گفتند ایمان آوردیم بی پروردگار عالمیان

د آسمان پوښه اندوښه جاميت واکړلې بڼې اسرائيل دست فيطيان را که بوميان يې نړۍ ته راغلې و وطن شان (مصر) کوڼه کايد اېن حالات



ول یمنی دست راست
 وپای چپ الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 ع ازورگاه پروردگار
 ما از پذیرفتن آیاتش
 در نظر قبحم قرار یافت
 ایم در خواستی کنیم
 که مادر بر تجاوزات
 و معنی باشد تو مبر
 جمیل عطا کند و نام
 مرگ بر اسلام مستقیم
 دارو تا مبادا مضطر
 و متر ازل شده کاری
 کنیم که خلاف تسلیم
 رضای او باشد
 ع چون ان
 مشابه نشان
 حق سحرین بسوی
 افتادند و بنی اسرائیل
 بهر ای موسی علیه
 السلام پافشاری
 کردند بلکه بعضی قبطیان
 هم بفرعون و سیلان
 نمودند و در آن وقت
 مشوش و مضطرب
 شدند و فرعون را
 بدیده این کلمات به
 تشدد آماده کردند که
 موسی و قوم او بنی اسرائیل
 را موقع ندیده که آزاد
 در ملک فتنه و فساد
 برپا کنند و علوم مردم
 را بخود مایل گردانند
 بر علیه حکومت علم
 بغاوت برافرازند
 و در آینده پرستش
 تو موجود انیرا که تو
 بخود کرده مشوخ
 قرار دهنده
 فرعون خود را
 رب اعلی
 یعنی پروردگار اعلی
 میخواهد از کلام اعلی
 ظاهر است که برای
 ثبوت علویت خود
 بعضی پروردگاران
 ادنی تمیز کرده بودند چنانکه کلام الهی که
 هوید است بعضی گفته اند این معبودان ادنا مجسمه بایک و غیره بود و بعضی مراد از ان کتاب و ستاره انرا می دانند

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ۝ قَالَ فِرْعَوْنُ اَمَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ قَبْلَ اَنْ اُذِنَ لَكُمْ
 خداست موسی و هارون گفت فرعون ایمان آوردید بخوشی پیش از آنکه دستور دهم شمارا
 پروردگار موسی و هارون گفت فرعون ایمان آوردید بخوشی پیش از آنکه دستور دهم شمارا
 اِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مِّمَّكَ تَمْوِيهِ الْمَدْيَنَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا اَهْلَهَا ۚ فَسَوْفَ
 هر آینه این تدبیر نیست که اندیشیده اید آنرا در این شهر تا بیرون کنید اذان مسکنان آنرا پس زود
 هر آینه این تدبیر نیست که اندیشیده اید آنرا در این شهر تا بیرون کنید اذان مسکنان آنرا پس زود
 تَعْلَمُونَ ۝ لَا قِطْعَنَ اَيْدِيكُمْ وَاَجَلَ كُمْ مِنْ خِلَافِ ثُمَّ اَصْلَابِهِ
 خواهید داشت البته ببرم دست های شمارا و پای نهایی شمارا بخلاف یکدیگر و باز بردار کنم شمارا
 می دانید البته ببرم دست های شمارا و پای نهایی شمارا بخلاف یکدیگر و باز بردار کنم شمارا
 اَجْمَعِينَ ۝ قَالُوا اِنَّا اِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ۝ وَمَا نَنْقُصُ مِنْهَا اِلَّا اَرْ
 همه یک جا گفتند هر آینه ما بسوی پروردگار خود رجوع کنند گایم و انکار نمی کنی بر ما آنکه
 همه یک جا گفتند هر آینه ما بسوی پروردگار خود رجوع کنند گایم و دشمنی را کنار نمی کنی با ما مگر آنکه
 اَمَّا يَأْتِي رَبَّنَا لَسَّاجَةً تَتَّطَرَّبُ رَبَّنَا ۚ فَرَعُ عَلَيْنَا صِدْرًا وَاَوْتَوْنَا مَسِيلًا
 ایمان آوردیم به رشا نهایی پروردگار خود چون بیاید ما ای پروردگار ما بریز بر ما صیدری و فیض بر ما و احسان بر ما و حاکم مسلمانان را
 ایمان آوردیم به رشا نهایی پروردگار خود چون بیاید ما ای پروردگار ما بریز بر ما صیدری بر ما و فیض بر ما و حاکم مسلمانان را
 وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيَفْسِدُوا فِى
 و گفتند اشرف از قوم فرعون آیامی گذاری موسی و قوم او را تا فساد کنند در
 و گفتند اشرف از قوم فرعون آیامی گذاری موسی و قوم او را تا فساد کنند در
 الْاَرْضِ وَيَذَرُكَ وَاهْتِكَ ط قَالَ سَتَقْتُلُ اَبْنَاءَهُمْ وَتَسْتَفْتِنُ
 زمین و تا بگذارد عبادت ترا و معبودان ترا گفت خواهیم کشت پسران بنی اسرائیل را و زنده خواهم گذاشت
 زمین ع و تا بگذارد عبادت ترا و میان ترا ع گفت زود بکشیم پسران بنی اسرائیل را و زنده بگذاریم
 نِسَاءَهُمْ وَاِنَّا لَفَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ۝ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا
 و خست ان ایشان را و ما بر ایشان غالب ایم گفت موسی ب قوم خود مدد طلبید
 و خست ان ایشان را و ما بر ایشان غالب ایم گفت موسی ب قوم خود مدد طلبید
 بِاللّٰهِ وَاَصْبِرْ وَاِنَّ الْاَرْضَ لِلّٰهِ يُورِثُهَا مَنْ يَّشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۚ
 از خدا و صبر کنید هر آینه زمین خداست و ارث او می کند هر که خواهد از بندگان خویش
 از خدا و صبر کنید هر آینه زمین خداست (می دهد) و ارث آن می کند هر که خواهد از بندگان خویش
 الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ۝ قَالُوا اَوْذَيْنَا مِنْ قَبْلُ اِنْ تَاْتِينَا وَمِنْ بَعْدِ
 آخر کار برای پر هیزگار ان است گفتند اید اده شدیم پیش از آنکه بیایى نزدیک ما و بعد از آنکه
 آخر کار برای پر هیزگار ان است گفتند اید اده شدیم پیش از آنکه بیایى نزدیک ما و بعد از آنکه
 جَعَلْنَا طَالَ عَسَى رَبُّكُمْ اَنْ يُّهْلِكَ عَذَابُكُمْ ۚ وَسَخَّلْنَا فِى الْاَرْضِ
 آمدی نزدیک ما گفت امید است که پروردگار شما بپاک کند دشمن شمارا و خلیفه گرداند شمارا در زمین
 آمدی نزدیک ما گفت نزدیک است پروردگار شما که بپاک کند دشمن شمارا و خلیفه گرداند شمارا در زمین
 فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ۝ وَلَقَدْ اخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالْسِّنِينَ وَنَقَضْنَا
 پس بنگرد چگونه عمل می کنید و هر آینه گرفتار کردیم کسان فرعون را بقطعا و بنقصان
 پس بنگرد چگونه عمل می کنید و هر آینه گرفتار کردیم کسان فرعون را بقطعا و بنقصان
 مِنَ الشَّمْرِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ ۝ ۱ فَاِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا
 بیهوده ما تا شود که ایشان پند پذیرند پس چون آمدی بایشان فراخی گفتند این
 از میوه ها شاید ایشان پند گیرند پس چون آمدی بایشان فراخی گفتی گفتند این

چون بنی اسرائیل از
برونج پریشانی مطمن
شدند از موسی در خواست
نمودند که اکنون برای
ما شریعتی آسمانی بیا
تا با طینان خاطر به
آن عمل کنیم موسی
عرض شان را به بار
الهی تقدیم کرد خدای
تعالی با وی وعده نمود
که قلماسی روز و اکثر
چهل روز مسلسل
بروزه بگذارد و در کوه
طور مستغف شتورت
چو عظمای شود از من
کرد روز و مدت رکعت
بیست (بیست) باشد این
مطلب بود که اگر ۱۴
در انشای ریاضت
به اعتقاد انجام
دادن وظائف
عبودیت و آداب
تقرب بفتح نوع تغییر
از وی سزیدند
اقل یعنی سی روز کفایت
می کند و در باید اکثر
الاحادیث یعنی چهل روز
را تکمیل کند و یا شریعت
این سی روز بطور میعاد
فوری خواهد بود و
اکمال آن چهل روز از
حیث اختیاری و
استجابی بود و تکلیف
تعمیم اصل میعاد مقرر
شده باشد چنانکه
شعبه شریعت میگوید
خود را به موسی داد گفت
علی ان تا جبرنی ثانی
مجموعه انتم عشترا
اندر القصص کو هم
و بعضی مصنفین هم
گفته اند چنانکه در
سوره بقره مذکور است
اصل میعاد چهل روز
بود و در اینجا هم در
فتم میقات ربه
اشاره شده است این یک پیرایه بیان آن چهل روز است که ماسی روز و وعده کرده بودیم که کمتر از ده روز دیگر بود تا اشاره خود که یک ماه کامل (تذقیقه) را تکمیل از ماه

يَكْفُونَ عَلَىٰ أَسْوَاحِهِمْ ۖ قَالُوا أَيُّ مَوْسَىٰ جَعَلَ لَنَا الْهَآكُمَا ۖ هُمَا إِلَهُآ
گفتند بنی اسرائیل ای موسی ایسرا برای ما معبودی چنانکه ایشان را میهند معبودان
عبادت (قامت) می کردند بر بتان خویش گفتند بنی اسرائیل ای موسی ایسرا برای ما بتی (معبودی) چنانکه ایشان را عبادت می نمودند
قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مَّجْهُلُونَ ۝ إِنْ هَؤُلَاءِ مَتَّبِعُوا هُمْ فِيهِ وَبَطُلُ مَا
گفت بر آئینه شما که چه هستید که نادانی کنید هر آینه این جماعه باطل کرده شده است مذ پی که ایشان در اندوه باطل است آنچه
گفت بر آئینه شما که چه هستید که نادانی می کنید بر آئینه این جماعه باطل کرده شده است آنچه (مذپی) که ایشان در اندوه باطل است آنچه
كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ قَالَ أَغَيَّرَ اللَّهُ أَبْغِيَكُمْ إِلَهُآ وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَىٰ
گفت موسی آیا غیر خدا طلب كنم بر آئینه شما معبودی داد فضل داد است شمارا بر
گفت موسی آیا غیر خدا طلب كنم بر آئینه شما معبودی داد و برتری داد است شمارا بر
الْعَالَمِينَ ۝ وَإِذْ أَخْبَرْنَا مَنَ إِبْرَاهِيمَ عَنْ آلِهِ كَيْفَ هُمْ ۖ فَكَذَّبُوا ۖ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ۝
و یاد کنید نعمت ما چون نجات دادیم شمارا از گمان فرعون میرسانیدند به شما عقوبت سخت
جهان (عالمهای زمان) و یاد کنید چون نجات دادیم شمارا از گمان فرعون میرسانیدند به شما عقوبت بد
يَقْتُلُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ ۖ ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ
می کشتند پسران شمارا و زنده می گذاشتند دختران شمارا و درین مقدمه آرایش بزرگ بود از جانب
می کشتند پسران شمارا و زنده می گذاشتند زنان (دختران) شمارا و در این احسان (آرایش) بزرگ بود از جانب
عَظِيمٍ ۝ وَوَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً فَأَتَيْنَا الْبَيْتَ فَنَجَّيْنَاهُ
پرو در گذار شما و وعده کردیم با موسی سی شب و تمام کردیم آن میعاد را بده رشب پس کامل شد میعاد
پرو در گذار شما و وعده کردیم با موسی سی شب و تمام کردیم آن (وعده) را بده رشب پس کامل شد میعاد
رَبِّهِ أَزْبَعِينَ لَيْلَةً ۖ وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي
پرو در گذار او چهل شب و گفت موسی برادر خود هارون را جانشین من باش در قوم من
پرو در گذار او چهل شب و گفت موسی برادر خود هارون را جانشین من باش در قوم من
وَأَصْلَحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِقَاءَ رَبِّهِ
و اصلاح کاری کن و پیروی مناراه تبار کاران و چون آمد موسی بوعده گاه
و اصلاح کن کار آنها را و پیروی مناراه تبار کاران و چون آمد موسی بوعده گاه
وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ ۖ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَكْثَرَ الْبَآئِكُمْ ۖ قَالَ لَنْ تَرِنِي وَلَكِن
و سخن گفت با او پرو در گذار او گفت ای موسی مرا بخیل تا نظر کنم بسوی تو گفت خدا نخواهی دید مرا و لیکن
و سخن گفت با وی پرو در گذار او گفت ای موسی مرا بخیل تا نظر کنم بسوی تو گفت خدا (خدا) هرگز نخواهی دید مرا و لیکن
أَنْظُرَ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرِنِي ۖ فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ
نظر کن بسوی کوه پس اگر قرار گیرد بجای خود خواهی دید مرا پس وقتی که ظهور کرد پرو در گذار او
نظر کن بسوی کوه پس اگر قرار گیرد بجای خود خواهی دید مرا پس وقتی که تجلی کرد پرو در گذار او
لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعْقَةً ۖ فَلَمَّا آفَقَ قَالَ سُبْحَنَكَ
بر آن کوه گردانید آن کوه را زمین بجز سازه افتاد موسی به پیش آمده پیش چو بپوش آمد گفت بیا کی یادی کنم ترا
بسوی کوه گردانید او را در نیزه زمین بود و افتاد موسی به پیش چو بپوش آمد گفت بیا کی یادی کنم ترا
ثَبَّتَ إِلَيْكَ وَانَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ يُوسَىٰ إِلَىٰ أَصْطَفَيْتَكَ
باز گزیدم بسوی تو ومن اول مسلمانانم گفت ای موسی بر آئینه من برگزیدم ترا
باز گزیدم بسوی تو ومن اول ایمان آورده گاه گفت ای موسی بر آئینه من برگزیدم ترا
عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَارَمِي فَخِذْ مَا تُبَيِّنُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ ۝
بر مردمان به پیمانیهای خود و بشنو اندن سخن خود پس بجز آنچه عطا کردم ترا باش از شکر کنندگان
بر مردمان به رسانیدن پیغامهای خود (بشنو اندن) سخن خود پس بجز آنچه عطا کردم ترا باش از شکر کنندگان

فتح الرحمن

فلنبيته تاعذركم

از عبادت گوسالده

این جماعت اگر چه

عبادت نکرده بودند

بر عبادت کنندگان

انگازیم بکند پس

خدا بختیاری پاک است

والله اعلم ١٣ و ١٨

پس اگر در بنی

اسرائیل پاک

می شدند تهمت قتل

بر من نمی نهادند

والله اعلم ١٣

تفسیر عثمانی

ع اگر چه بارون

علیه السلام برادر عیسی

حضرت موسی علیه السلام

است مگر نیست وی

بما در آن جبهه بود

که بر نری و مهربانی

آماده گرد در این

آیت بیان محذرت

بارون است خلاصه

من با نمانده او آن خو

آنها را دانانند بیک

مرا به اجماع ندانند

بر عکس به قتل آورد

شدند اکنون توان

این کار دشمنان را

موقع ده که پیش و

شوند و شکام عقاب

و خشم و زمره طلائع

شمال گردان عده

از راه بد حتی شکر و

کفر توبه کند و ایمان

آورد در رحمت بخشایند

خدای غفور و رحیم

نیست این بخشایش

و غیره به آخرت متعلق

است گویا اشاره

بافست که مزای حق

که برگوسا پرستان

اجرا شد در حق آنها

شرط قبول توبه شمرده

شده بود توبه الی

بار بکم فاتحوا انفسکم

و البقره اکنون مواخذه

ان القوم استضعفوني وكادوا يقتلونني فلا تشمت بي

بر آئینه این قوم ضعیف شمرند مرا و نزدیک بودند که بکشند مرا پس شادمن بسبب امانت من

بر آئینه مردم کمزور دانستند مرا و نزدیک بود که بکشند مرا پس شاد گردان بر من

الاعداء ولا تجحلي مع القوم الظالمين قال رب اغفر لي و

دشمنان را و دشمن کن مرا با گروه ستمکاران گفت موسی ای پروردگار من بپامرز مرا و

دشمنان را و مگردان مرا با قوم گمراه (ستمکاران) ع گفت ای پروردگار من بپامرز مرا و

لا ارجي و ادخلنا في رحمتك وانت ارحم الرحيم ان الذين

برادر مرا و داخل کن مرا در بخشایش خود و تو بخشنده ترین بخشنده گان

برادر مرا و داخل کن مرا در رحمت خود و تو مهربان ترین مهربانان

اتخذوا العجل سينالهم غضب من ربهم وذلة في الحياة الدنيا

معبود گرفتند گوسالده را خواهد رسید باین جماعت عجز از پروردگار ایشان در سواهی در حیات دنیا

گرفتند معبود گوسالده را (زود) خواهد رسید به ایشان عجز از جانب پروردگار ایشان در سواهی در زندگی دنیا

وكذلك نجزي المفترين والذين عملوا السيات ثم تابوا من

و هم چنین جزای می دهیم افتر کنندگان را و هر آئینه کسانی که گناه با کردند باز توبه نمودند

و هم چنین جزای می دهیم افتر کنندگان را و کسانی که گناه با کردند باز توبه نمودند

بعدها و امنوا ان ربك من بعدها الغفور الرحيم و لكنا

بعد از آن گناهان و ایمان آوردند البته پروردگار تو بعد از توبه آمرزنده مهربان است و چون ساکن شد

علیهما بعد و ایمان آوردند هر آئینه پروردگار تو بعد از توبه البته آمرزنده مهربان است و چون ساکن شد

عن موسى الغضب اخذ الا لواح وفي نسخها هدى و رحمة

خشم از خاطر موسی گرفت الواح را و در مکتوب دے هدایت بود و بخشایش

از موسی خشم گرفت الواح را و در مکتوب آن هدایت بود و بخشایش

للذين هم لربهم يرهبون واختار موسى قومك سبعين رجلا

آنرا که ایشان از پروردگار خود می ترسند و اختیار کرد موسی از قوم خود هفتاد کس

آنرا که ایشان از پروردگار خود می ترسند و اختیار کرد موسی از قوم خود هفتاد کس

ليبقا بنا فلما اخذتهم الرجفة قال رب لو شئت اهلكتهم

برای بپاد ما فل پس و قتلگ گرفت ایشان را زلزله گفت موسی ای پروردگار من اگر می خواستی پیش ازین

برای بپاد ما پس و قتلگ گرفت ایشان را زلزله گفت موسی ای پروردگار من اگر می خواستی بپاک می کردی

من قبل و اياي اهلكتنا بما فعل السفهاء منا ان هي الا

ایشان را در پیش ازین و ما ایا بپاک می کنی ما را بجزای آنچه کردند بندگان از ما نیست این مگر

ایشان را در پیش ازین و ما ایا بپاک می کنی ما را بجزای آنچه کردند بندگان از ما نیست این مگر

فتنتك طضل بها من تشاء و تهدي من تشاء ط انت ولينا

امتحان تو گمراه می کنی بآن هر گمراهی و راه می نشانی بآن هر گمراهی تو کار ساز مانی

امتحان تو گمراه می کنی بآن هر گمراهی و راه می نشانی بآن هر گمراهی تو کار ساز مانی

فاغفر لنا وارحمنا وانت خير الغافرين و اكتب لنا في هذه

پس بپامرز ما و مهربانی کن بر ما و تو بهترین آمرزندگان گفتی و بنویس بپامرز ما در این

پس بپامرز ما و مهربانی کن بر ما و تو بهترین آمرزندگان گفتی و بنویس بپامرز ما در این

الدنيا حسنة و في الآخرة انا هدا النبك ط قال عذابي اصابني

در دنیا نیک و در آخرت نیز نیک بر آید ما رجوع کردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرساند عجز

در دنیا نیک و در آخرت نیز نیک بر آید ما رجوع کردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرساند عجز

دنيا نیک و در آخرت نیز نیک بر آید ما رجوع کردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرساند عجز

دنيا نیک و در آخرت نیز نیک بر آید ما رجوع کردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرساند عجز

دنيا نیک و در آخرت نیز نیک بر آید ما رجوع کردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرساند عجز

دنيا نیک و در آخرت نیز نیک بر آید ما رجوع کردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرساند عجز

فل منسوخه گوید اهل
 دین منسوخه بودند
 قسمی منسوخه کردند و
 قسمی از ان منسوخ کردند
 و قسمی نه منسوخ کردند
 و از ان منسوخ کردند
 و الله اعلم بالصواب
 یعنی قسم ثالث منسوخ
 گان را و الله اعلم بالصواب
 تفسیر عثمانی
 باب اول و اقرار بود
 سائین آن دیار کرد
 عهد و عهد علیه السلام
 پیش آمده بود از عهد
 عهد خود بطور قبیله و
 توفیق سوال کن اکثر
 مفسرین ازین تفسیر
 ۱۰ ایل را مراد
 ۲۰ گرفته اند که در
 ساحل بحر
 قلم برین
 ۱۰۰ دین
 و کوه
 طوره
 بود اهل آن
 دیار بنا بر قرب
 دریا بنا بر مای
 عادت داشتند
 خداوند روز شنبه
 شکار را بهرود
 حرام گردانیده
 بود باشندگان - ایل
 به نافرمانی و تجاوز از
 حکم عادی بودند و از
 طرف خدا مورد آزار
 و عتاب شد و ازین
 روز شنبه بابت بگفت
 پیدایش شد و بر سطح
 دریا شنا می کردند و بروز
 بای دیگر مفقود میشد
 آفریقات آنها طاق
 گردیده مقابل حکم
 الهی به جیل برداشته
 و جوی با جلا کرده
 حوض با ساختند
 چون بروز شنبه بای
 در حوض بای ساختن آنها جمع می شدند راه بر آمدن را مسدود میکردند و فرای آن بای می گرفتند تا شکار به روز شنبه عداوت نشود و گویا خواستند (معاذ الله) خدا را فریب دهند

عَلِمَ كُلُّ أَنَاثٍ مِّمَّنْ مَشَرَّحَهُمْ وَظَلَمْنَا عَلَيْهِمُ الْعَصَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ
 بدانست هر گروهی آب خور خود را و سائین ساقیم بر ایشان ایراد نازل کردیم
 و استند هر گروهی آب خور خود را و سائین ساقیم بر ایشان ایراد نازل کردیم
 وَالسَّلَوىٰ لَكُمْ مِّنْ طَبِیْعَتِ مَا رَزَقْنَكُمْ وَمَا ظَلَمْنَاهُ وَلَیِّنٌ كَانُوا
 و سلوی را کفیم بخورید از پاکیزه بای آنچه روزی داده ایم شمارا و ایشان بر ما ستم نکنند
 و سلوی را (کفیم) بخورید از پاکیزه بای آنچه روزی داده ایم شمارا و ستم نکنند بر ما
 أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝۳۰ وَأَذِقِلْ لَهَا أَهْلَ الْقَرْيَةِ وَكَوَامِهَا
 خود ایشان ستم می کردند و یاد کن چون گفتند ایشان را که ساکن شوید درین دیار و بخورید ازین دیار
 خود ایشان ستم می کردند و یاد کن چون گفتند ایشان را که ساکن شوید درین شهر و ده و بخورید ازین بر جا
 حَيْثُ بَشَرْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتَكُمْ
 هر جا که خواسته باشید و بگوئید حطه و داخل شوید بدروازه مسجد کنان تا بیامرزیم برای شما گناهای شمارا
 که خواسته باشید و بگوئید بیامرز ما را (سوال ملاحظه است) و داخل شوید بدروازه مسجد کنان تا بیامرزیم برای شما گناهای شمارا
 سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ۝۳۱ قَبْدَالِ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي
 زیاده خواهیم داد بنیکوکاران را پس بدل کردند ستم کاران از بنی اسرائیل سخن غیر آنچه
 زود افزون کردیم جزای نیکوکاران پس بدل کردند ستم کاران از بنی اسرائیل سخن غیر آنچه
 قِيلَ لَهُمْ فَارْجِعُوا إِلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي كُنتُمْ تَخْرُجُونَ ۝۳۲ فَارْجِعُوا إِلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي كُنتُمْ تَخْرُجُونَ
 فرموده شد ایشان را پس فرستادیم بر ایشان عقوبت از آسمان بمقابل آنکه ستم می کردند و سوال کن یا محمد پیوسته
 فرموده شد ایشان را پس فرستادیم بر ایشان عذاب از آسمان بسبب آنچه ستم می کردند و سوال کن یا محمد پیوسته
 عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كُنتُمْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ مَأْذِنًا فِي السَّبْتِ أَذْنَابِهِمْ
 از حال دین که بود ساکن بر لب دریا چون از حد می گزشتند در روز شنبه و قتل می آمد
 از حال دین که بود کنار دریا علی چون از حد می گزشتند در روز شنبه و قتل می آمد ایشان
 حِينَئِذٍ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا يَوْمَ لَا يُسَبِّتُونَ لِاتِّبَاعِهِمْ كَذَلِكَ
 ما میان ایشان ظاهر شده روزیکه ایشان بتعلیم مشغول می شدند و روزیکه تعلیم شنبه می کردند می آمدند ایشان هم چنین
 ما میان ایشان روز شنبه ایشان ظاهر بر روی آب و روزیکه تعلیم شنبه می کردند می آمدند ایشان هم چنین
 نَبَلُّوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝۳۳ وَأَذَقْنَا لِمَنْ يَكْفُرْ لَآلِئَهُمْ لَئِيْلٌ
 آزمودیم ایشان را بسبب آنکه فسق می کردند فل و یاد کن چون گفت گردید از اهل آن دیار چنانچه می دیدید گروهی را که
 آزمودیم ایشان را بسبب آنکه فسق می کردند فل و یاد کن چون گفت گردید از اهل آن چنانچه می دیدید گروهی را که
 اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۝۳۴ قُلْ أُوْا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ
 خدا استخوان بپاک خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کرد ایشان را عذاب سخت گفتند تا اعدا عذری باشد نزد یک پروردگار شما
 خدا بپاک خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کرد ایشان را عذاب سخت گفتند تا اعدا عذری باشد نزد یک پروردگار شما
 وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝۳۵ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ
 و تا باشد که ایشان بر بیزگاری کنند پس و قتل فراموش گردانند بآن بند داده شد ایشان را نجات دادیم کسانی را که منع می کردند
 و تا باشد که ایشان بر بیزگاری کنند پس و قتل فراموش گردانند بآن بند داده شد ایشان را نجات دادیم کسانی را که منع می کردند
 عَنِ السُّوءِ وَآخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَّيِّنٍ ۝۳۶ فَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ
 از کار بد و گرفتار کردیم و گرفتار کردیم و تبار کردیم آنان را که ستم کردند لعذاب بد سخت بسبب آنچه
 از کار بد و گرفتار کردیم و گرفتار کردیم و تبار کردیم آنان را که ستم کردند لعذاب بد سخت بسبب آنچه
 يَفْسُقُونَ ۝۳۷ فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ
 فاسق بودند پس چون تکیه کردند از ترک آنچه منع کرده شد ایشان را و از ان تعلیم ایشان را بخوبی بوزنگان خوانند
 فسق می کردند پس چون تکیه کردند از ترک آنچه منع کرده شد ایشان را و از ان تعلیم ایشان را بخوبی بوزنگان خوانند

وَاذْذَنْ رَّبِّكَ لِيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُوفُهُمْ

و یاد کن چون آگاه گردانند پروردگار تو فلک البتة بفرستد بر ایشان تازد قیامت کسی را که برساند ایشان و یاد کن چون آگاه گردانند پروردگار تو الله بفرستد بر ایشان تازد قیامت کسی را که بچاند ایشان

سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَمِيرٌ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ٥

عقوبت سخت بر آئینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و بر آئینه او آمرزنده مهربان است فل و عقوبت (سخت) بد بر آئینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و بر آئینه او آمرزنده مهربان است و

قَطَعْنَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَمْهَاءَ مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ

بر آئینه کردیم بنی اسرائیل را در زمین مرده گروه بعضی از ایشان را شایسته کارانند و بعضی از ایشان را سواى ایشان بر آئینه کردیم بنی اسرائیل را در زمین مرده گروه بعضی از ایشان را شایسته کارانند و بعضی از ایشان را سواى ایشان

وَبَلَّوْهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ٦ فَخَلَفَ مِنْ

و امتحان کردیم ایشان را بفضیلتها و مشقتها ۱ تا باز گردند یعنی بسوی راه راست پس از بی در آئینه ببرد و امتحان کردیم ایشان را بر خوبیها و بدیهای تا ایشان باز گردند یعنی بسوی راه راست پس از بی در آئینه ببرد

بَعْدَهُمْ خَلَفَ وَرَثَتُهُ الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَ

از ایشان جا نشینان بد که وارث تورت شدند فل اختیار می کنند متاع این عالم حسین را و از ایشان جا نشینان بد که میراث گرفتند تورت را می گیرند متاع این حیات حسین را و

يَقُولُونَ سَيَغْفِرُ لَنَا إِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلَهُ يَأْخُذُونَ ٧

می گویند آمرزیده خواهد شد برای ما و اگر بیاید مثله مانند آن البتة بپذیرند آن را فل آیا می گویند زود آمرزیده خواهد شد برای ما و اگر بیاید مثله مانند آن بپذیرند آنرا عه آیا

يُؤْخَذُ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَ

گرفته شده است بر ایشان آن عهد که در تورت است که نگویند بر خدا مگر سخن راست و گرفته شده است بر ایشان عهد که در تورت است که نگویند بر خدا مگر سخن حق و

دَرَسُوا مَا فِيهِ وَاللَّهُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٨

خوانده اند آنچه در تورت است و سرای آخرت بهتر است بر بیزگاران را آیا فهم نمی کنید خوانده اند آنچه در تورت است و سرای آخرت بهتر است مرا تا آنرا که بپذیرند آیا می فهمید

وَالَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ بِالْكِتَابِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ ٩

و آنانکه تسک می کنند بکتاب و بر پا داشتند نماز را هر آئینه ما ضایع می سازیم مزد و آنانکه تسک می کنند بکتاب و بر پا می دارند نماز را هر آئینه ما ضایع می سازیم مزد

الْمُصْلِحِينَ ١٠ وَادْنَقْنَا إِلَيْهِمْ قَوْلَهُمْ كَانَتْ ظُلُمَةُ آلِهَةٍ وَآلِهَتُهُمْ

این بیکو کاران را و یاد کن چون بر دشتیم کوه را بالای ایشان گویا دایه سائبان است و همان کردند که آن کوه خواهد افتاد و چون بر دشتیم کوه را بالای ایشان گویا دایه سائبانی است و ایشان کردند که آن کوه فرو آمده است

بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ١١

بر ایشان بقبولید آنچه دادیم شمارا بحد تمام و یاد کنید آنچه در دشت شما بهر گاری کنید و چون گرفت بر ایشان بقبولید آنچه دادیم شمارا بحد تمام و یاد کنید آنچه در دشت شما بهر گاری کنید

رَبِّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتُهُمْ وَآشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ

پروردگار تو از بنی آدم از پشت ایشان اولاد ایشان را و شاهد گردانید ایشان را بر نفسهای شان پروردگار تو از فرزندان آدم از پشت بنی ایشان اولاد ایشان را و شاهد گردانید ایشان را بر نفسهای شان

أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا

گفت آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری بلی شاهد شدیم این شاهد گرفتن برای اجتر از آن است که بگویند روز قیامت هر آئینه ما (گفت) آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری بلی شاهد شدیم تا نگویند روز قیامت بد رستیک ما بودیم

و این شهادت را برای آئینه محرم می گرداند که آنرا اعاده نکند از ضایع ترسد و بخواهند آن اعمال ناشایسته و کفر را اعاده کنند و بچند دفعه و حاشی فرود تر ازین نیست

فتح الرحمن

واینها پس تقدیر

ایشان گردیم ۱۱ و

یعنی تابع شهبوات

نفس شد تابع شهوات

نفس عالم توان

گفت ۱۲ یعنی علم

باور که کتب الهی خواند

بود بعد از آن با خواند

زن خود ایدائے

حضرت موسی علیه

السلام تقدیر نمودن

شده الله اعلم ۱۳

واینها منزلهت اورا

۱۲ یعنی برون و

دو اندک ۱۱

تفسیر عثمان

اکثر مفسرین بر آنند

که این آیات درباره

بلغم بن باعور نازل

شده و بلغم عالمی

در پیشگاه حضرت

بوده اثر افشای یک

زن و طبع دنیوی آیات

عَنْ هَذَا غَفْلِينَ ۱۱ اَوْ تَقُولُوا لَوْ اَنَّآ اَشْرَكَ اٰبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ

پس خبر بودیم از این گوید یا بگویند که چرا این نیست که شرک آورده بودند پدران ما پیش از ما و

بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۱۲ وَكَذَلِكَ

ما نسل بودیم آمده بعد از ایشان و آیا پاک می کنی ما را بعتقبت آنچه پدران کردند و هم چنین

بودیم ما فرزندان بعد از ایشان آیا پاک می کنی ما را به آنچه کردند پدران و هم چنین

تَقْصِلُ الْاٰیَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۱۳ وَاقْلُ عَلَيْهِمْ نَبَا الَّذِي

بیان می کنی نشانهها و تا باز گردند و بخوان برای ایشان خبر کسی

و آنچه بیان می کنی نشان بار و تا ایشان باز گردند و بخوان برای ایشان خبر کسی

اَتَيْنَا اٰیَاتِنَا فَانْسَخْ مِنْهَا فَاتَّبَعُ الشَّيْطٰنُ فَاَكَانَ مِنَ الْغٰوِيْنَ ۱۴

داده بودیم اورا علم آیات خود پس بیرون رفت از علم آن آیات و پس در پی او شیطا پس گشت از گمراهان و

داده بودیم اورا آیات خود پس بیرون رفت از آن آیات پس در پی او شیطا پس گشت از گمراهان

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلٰكِنَّهُ أَخْلَدَ اِلَى الْاَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوٰیهُ ۱۵

و اگر می خواستیم بر داشته اورا و به سبب این آیات و سبب میل کرد بسوی پستی و پیروی خواستش خود کرد

و اگر می خواستیم (بر آید) می برداشته سبب آن آیات و لیکن او سبوت نمود (میل کرد) بسوی زمین و پیروی کرد خواستش

فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ اِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ اَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ۱۶

پس صفت او مانند صفت سگ است اگر مشقت اندازی بر او و یا اگر رها کنی او و او در هر حال لالهت می زند

پس حالش مانند حال سگ است اگر مشقت اندازی بر او و یا اگر رها کنی او و او در هر حال لالهت می زند

ذٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآیٰتِنَا ۱۷ فَاقْصُصِ الْقَصَصَ

این صفت گروه بیست کرده و غ شمرند آیات ما را پس بخوان برای ایشان این چند

این مثال گروهی است که دروغ شمرند آیات ما را پس بخوان برای ایشان این چند

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۱۸ سَلَّمَ مَثَلًا لِّلْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآیٰتِنَا وَ

تا ایشان تا نال کنند باعتبار صفت بداند این قوم که دروغ شمرند آیات ما را و

تا ایشان تا نال کنند بداند حال قومی که دروغ شمرند آیات ما را و

اَنْفُسَهُمْ كَانُوْا يَظْلِمُوْنَ ۱۹ مَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَلَا يُضِلُّهُ ۲۰ وَمَنْ

بر خویشش ستم می کردند هر که راه نایدش خدا بهما نهد و یا بنده و هر که

بر خویشش ستم می کردند هر که راه ناید خدا (پس) اورا بهما نهد است و هر که را

يُضِلُّ فَلَا يُولِیْكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ۲۱ وَلَقَدْ ذَرٰنَا لَیْلَهٗمَّ كَثِيْرًا مِّنْ

گمراه سازد پس ایستاده ایشانند زیان کاران و هر آینه بیافریدیم برای و دوزخ بسیار و از

گمراه سازد (پس) آنگاه ایشانند زیان کاران و هر آینه بیافریدیم برای و دوزخ بسیار از

الْجِنِّ الْاِنْسِ لَیْلَهٗمَّ قُلُوْبٌ لَا یَفْقَهُوْنَ ۲۲ وَهٰذَا لَمَّا عَلِمْنَا اَنَّكُمُ

جنیان و آدمیان ایشان را و لیا است که نمی فهمند ما را و ایشان را چشم ما است که نمی بینند

جنیان و آدمیان ایشان را و لیا است که نمی فهمند به آن و ایشان را چشم ما است که نمی بینند

مَّا ذَرٰوْا لَیْلَهٗمَّ اَنَّا نَسْتَعْمُوْنَ بِهَآؤُلَآئِكَ كَا لَانْعَامٍ بِلَیْلَهٗمَّ اَصْلُ

ما را و ایشان را و لیا است که نمی شنوند ما را و ایشان را چشم ما است که نمی بینند

ما را و ایشان را و لیا است که نمی شنوند به آن و ایشان را چشم ما است که نمی بینند

وَلَیْلَهٗمَّ اَلْغٰفِلُوْنَ ۲۳ وَیْلٌ لِّلَّذِيْنَ اَلْسِنُهُمْ فَا دَعُوْهُمُ ۲۴

ایشانند بی خبران و خدا تراست نامها را نیک پس بخوانند از این نامها

(این گروه) ایشانند بی خبران و خدا تراست نامهای نیک پس بخوانند اورا به آن

وَذُرُوا الَّذِينَ يَلْحَدُونَ فِي سُبُلِهِ طَسِبَ جُزُؤُنَ مَا كَانُوا

و بجزای آنرا که بگردی می کنند در نام بائی خدا و داده خواهد شد ایشان را جزای آنچه

يَعْمَلُونَ ۹ وَ مَن خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۱۰

و از آن جماعه که پیدا کرده ایم گردیده است که دلائل می کنند بدین حق و بان دین حق عدل می کنند

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۱۱

و کسانی که دروغ داشتند آیات ما را پایه بختیم ایشان را تا غل هلاک

وَأَنزَلْنَا لَهُمُ الرِّجْسَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِمْ ۱۲ وَأَوَّلَىٰ آلِ يُونُسَ إِذَا نَادَىٰ فِي ظُلْمِهِ

و مهلت دهیم ایشان را هر آینه که بین من و حکم است آیات ما را نکرده که نیست این هم نشین ایشان را

مِّنْ جَنَّةٍ طَانٌ هُوَ إِلَّا نَذَرِمْ يَمِينِ ۱۳ أَوَّلَىٰ لِيُبْطِرُوا فِي مَلَكُوتِ

نجات دیوانه نیست او مگر بیم کننده آشکارا آیات ما را نکرده به پادشاهی خدا

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ ۱۴ وَأَن عَسَىٰ أَن يَكُونَ

در آسمانها و زمین و در آنچه خدا پیدا کرده است از هر چیز و آیات ما را نکرده در آن که شاید

قَدْ قَرَّبَ أَجَلَ هَمَزٍ فَيَايَ حَدِيثٌ بَعْدَكَ يُؤْمِنُونَ ۱۵ مَن

نزدیک شده باشد اجل ایشان پس بگدام سخن بعد قرآن ایمان خواهند آورد هر که

يُضِلُّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ طَوِيلٌ رَّهْمٌ فِي طَغْيَانِهِم يَعْمَلُونَ ۱۶

گمراه سازد خدا پس هیچ راه ناینده نیست او را و می گذارد ایشان را خدا و گمراهی شان سرگردان شده

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ

سوال می کنند ترا از قیامت که کی باشد استقرار او بجز جز این نیست که علم قیامت نزدیک

رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ طَهُ تَقَلَّتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

پروردگار من است پدید نیارد او را و وقت او مگر خدا گران شده است و در آسمانها و زمین

لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً طَيَسْأَلُونَكَ كَاتِبٌ خَفِيَ عَنْهَا قُلْ

نیاید بر شما مگر ناگهان سوال می کنند ترا از قیامت گویا تو کاتبی کننده اذان و صل

إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۱۷ قُلْ

جز این نیست که دانش او نزدیک خداست ولیکن بسیار سے از مردمان نمی دانند بگو

لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ طَو لَوْ كُنْتُ

نی توانم برائے خود نفع رسانیدن و نه ضرر کردن مگر آنچه خدا خواسته است و اگر

من

فتح الرحمن
ط یعنی ابو المسیح و
ابو الملائکی گفته ۱۲
فتح و یعنی منتقل
شده است
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

تفسیر عثمانی
ع چست که آیات
الذکر الکریم می کنند
داز عاقبت سوز آن
عاطفه آرنده این آیت
امانة الله را دیوانه و بی
فرو نیست و بی تمام مگر
نزد و تمام و باحوال
جزئی و کلی او علم دارید
عقل و دانش او
لایق و دیانت او از
اولین مسلم و
معروف است این
آیات را از پیشگاه و از
مقامی آه و ده که مالک
و شاهنشاه مطلق تمام
کائنات و آفریننده
هر چیز است هر گاه به
نظام سلطنت او که
نهایت استوار است
وقت نماید بلکه بر آنچه
خود و بزرگ خود و قهر
کنید بفرمان
فی علم آیات تکوینی
و آیات
تنبی
تصدیق می نماید و به
تسلیم آیات الهی و قدی
بانی می ماند آنها بپند
کشاید و وقت موت
و ملک شان نزدیک
شده باشد لهذا
برای حیات بر دلالت
بزر و ن آماده شوند
عده هدایت و طاعت
و هر چیز در قبضه خدا
اگر او تا طاعت خواهد بود
وسیله هدایت و در دینی
خود و آن از چیزه
خداوندی که خود را بر حسب عدل خویش آنرا توفیق هدایت می دهد که بنده به کسب و اخلاق خود بر آن روان شود اما کسیکه عالم را عابد و مبدی و مخرات تعظیم

خداوندی که خود را بر حسب عدل خویش آنرا توفیق هدایت می دهد که بنده به کسب و اخلاق خود بر آن روان شود اما کسیکه عالم را عابد و مبدی و مخرات تعظیم

فتح الرحمن

والتائبين

است يعني

خدا تائبه

آدم و حوا را پيدا

کرد و از ايشان

نسل پيدا

آورد بعد از آن تفصيل

انتشار نسل مي فرمايد

و مترجم گويد اين

تصويرات عالي دري

را که نزديک نقل

عمل نيت اخلاص

درست کند و چون

فرزند بوجود آيد آنرا

نرामوش سازد و در

تسبيه اشراک کند بخلق

بر حال و احوال که در

حديث صحيح آمده که

حوا حامله شد شيطان

بدارش و سو اس

انداخت و چون

فرزند متولد شد نام

او عبد الحارث مقرر

کرد و چون و چون

قرود در امثال اين

مواقع ضرر نيفت

آدم از لوث شرک برا

باشد و اين آيت

صحت او را مصاد

مت کند کذا قمت

و از نجا دلستر شد

که شرک در تسميه

نوعيت از شرک پاک

اين بانه غلظت ناله عدل

نای نهند ۱۲ آيت

اگر بگوئيد خودريد يا

بيات سجد بچ کارکنند

تفسير عثمانی

عنه تبارک و تعالی

مردان و به تمام خدای

می شناسيد چه بدرد

شناختن خود را ضرر کند

به حفظ خود را نرسند

علاوه بر اينکه مخلوق اند

از ان کمالات که مخلوقی

را به خلق دیگر تفوق و

انتباه ميدهد بيز خود و

شمار ايشان درست و پای

و چشم و گوش و بینی و

دیگر می سازد و لیکن این

اعضا دارای آن توانی

نیستند که اطلاق عضویت

بر آنها

نشد

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا

نفسهم ينصرون ۹ وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يُسِئُوا

وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا

نفسهم ينصرون ۱۰ خُلِ الْعَفْوَ وَأَمْرٌ

بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ۱۱ وَإِنَّمَا يَزْعُمُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ

تَزْعُمُ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۱۲ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا

مَسَّهُمْ طِيفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ۱۳ وَ

أَخْوَاهُمْ يُبْذَلُونَ لَهُمْ فِي النَّحْيِ ثُمَّ لَا يَقْصِرُونَ ۱۴ وَإِذَا الْمَأْتَتُهُمْ

بِآيَةٍ قَالُوا أَوْ لَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا

بَصَائِرُ مِّنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۱۵ وَإِذَا قُرِئَ

الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۱۶ وَادْكُرْ رَبَّكَ

فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ

وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ ۱۷ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ رَبِّكَ

لِإِسْتِغْرَابٍ مِّنْ عِبَادَتِهِ وَسِتْرَةٍ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ۱۸

وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا

نفسهم ينصرون ۱۹ وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يُسِئُوا

وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا

نفسهم ينصرون ۲۰ خُلِ الْعَفْوَ وَأَمْرٌ

بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ۲۱ وَإِنَّمَا يَزْعُمُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ

تَزْعُمُ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۲۲ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا

مَسَّهُمْ طِيفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ۲۳ وَ

أَخْوَاهُمْ يُبْذَلُونَ لَهُمْ فِي النَّحْيِ ثُمَّ لَا يَقْصِرُونَ ۲۴ وَإِذَا الْمَأْتَتُهُمْ

بِآيَةٍ قَالُوا أَوْ لَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا

بَصَائِرُ مِّنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۲۵ وَإِذَا قُرِئَ

الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۲۶ وَادْكُرْ رَبَّكَ

فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ

وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ ۲۷ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ رَبِّكَ

لِإِسْتِغْرَابٍ مِّنْ عِبَادَتِهِ وَسِتْرَةٍ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ۲۸

وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا

وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۹
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۱۰
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۱۱
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۱۲
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۱۳
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۱۴
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۱۵
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۱۶
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۱۷
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۱۸
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۱۹
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۲۰
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۲۱
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۲۲
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۲۳
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۲۴
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۲۵
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۲۶
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۲۷
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۲۸
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۲۹
وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا
نفسهم ينصرون ۳۰

وَالَّذِينَ تَدْعُو مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَ وَلَا

قال سورة انفال

در تقدیر فرمود آمده

است در آیات این

سوره اشارت بر تاج

این خدعه واقع شد

از آن جلد است که

مسلمانان غنیمت

مباحثه می کردند تا آنکه

غارت کرده بودند

خواستند که بنیایان

متصرف شوند و بیگانه

خواستند که علی الصبیح

قسمت شود خدا است

نازل ساخت که

متصرف و مختار در

غنائم خدا و رسول

است و دیگر بر

درین باب دخل نیست

و آنچه اهل جا بلیست

می کردند از استیلا

غارت کننده غنیمت

باطل است لهذا

حکم فرمود که غنیمت را

بخش قسم باید کرد چنانچه

قسم در میان غنائم

قسمت کنند و بی

در بیت المال نگاه دارند

بهر آنکه در میان

تصرف می است و صلا

است بزرگ غنای

کنندگان پس برین

بشارت است که

خبر از رسول حکم است غیر

خبر از علی بن ابی طالب

در مقام ایشانند که

و غیر اعتبار است از

اعلم که در هر چه

کلام حق قائم بر حق

حکم خداست و موافق

آنند و نفس چنانکه

بیرس آورده و چون

درست بود و نزدیکه

بر خلاف داده و

اعلم که تفسیر عثمانی

عنه بر سر این نیست که در

مبدء است مسلمانان

اختصاص این صاحب

رضی الله عنه

در حق

در حق

در حق

در حق

در حق

در حق

در حق

در حق

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

سُورَةُ الْاِنْفَالِ مِائَةٌ وَتِسْعُونَ آيَةً وَعَشْرُ كَوَاعِلَ

يَسْمَعُونَكَ عَنِ الْاِنْفَالِ قُلِ الْاِنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ

أَصْلِحُوا إِذَا تَبَيَّنَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ لَا يُخْرِجُ

عَلَيْهِمْ أَيْتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَهْمَةٍ يُتَوَكَّلُونَ

يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

حَقَّاقٌ لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

لَكَرِهُونَ

وَأَذِيعُكُمْ اللَّهُ أَحَدًا طَائِفَتَيْنِ أَهْلًا لَكُمْ

وَيُؤَدُّونَ أَنْ عَزِذَاتِ الشُّوْكَ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخْرِجَ

الْحَقِّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعُ دَابِرَ الْكَافِرِينَ

وَيُؤَدُّونَ أَنْ عَزِذَاتِ الشُّوْكَ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخْرِجَ

وَيُؤَدُّونَ أَنْ عَزِذَاتِ الشُّوْكَ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخْرِجَ

وَيُؤَدُّونَ أَنْ عَزِذَاتِ الشُّوْكَ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخْرِجَ

وَيُؤَدُّونَ أَنْ عَزِذَاتِ الشُّوْكَ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخْرِجَ

دل یعنی مشت فاکر
 دل مترجم گوید توبیخ
 است بان قصه اخلاص
 صلی الله علیه و سلم روزی
 یکشت سنگریزه سیاه
 کف انداخت پس
 به کس از ایشان بود
 که چیزی از آن پخش
 داخل شد استقلال
 تازه بخاطر مسلمانان
 ظاهر شد و این تأیید
 نبیه بود و ۱۲ و ۱۳
 بخبر ادا ۱۲ و ۱۳
 مترجم گوید توبیخ است
 بان قصه که ابو جبریل
 روزی در دود عاگرد
 که با مضایح که از
 میان آن مرد و
 گروه قاطع هم
 است و ۱۶
 باطل پیش گرفتار است
 ادرا پاک کن و حقیقت
 متصف باین صفات
 ابو جبریل و قوم او بودند
 ۱۷ یعنی مانند این
 کتاب که توبیخ خوانند
 و زبان محزون شدند
 و بر آن عمل نکردند
 و این یعنی نداشت
 ۱۸ یعنی عزیمت
 ادنی می کند ۱۹
 یعنی بلکه عام بود
 او الله اعلم
 و این گفته توبیخ
 بدعت است تا آنکه
 مکرر و ۲۰
 تفسیر عثمان
 علی کالی را که خداوند
 برای شنیدن گوش برده
 گفتن زبان بر این است
 دل و دماغ عطا فرمود
 آنجا که این وقت در مطهر
 مطهر کردند و توبیخ
 شعله شد که از زبان
 و از راه گوش از آنجا
 رفته بود که گوش
 که بال و دماغ حق را

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتُمْ رِازُ سَمِيَّتٍ وَ

پس شما کشته اید اینها را و لیکن خدا کشت ایشان را و تو یا محمد نا انگیدی و وقتیکه انگیدی و

پس شما نکشته اید ایشان را و لیکن خدا کشت ایشان را و وقتیکه انگیدی و

لَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ

لیکن خدا انگید و تا عطا کند مسلمانان را از نزدیک خویش عطایه نیکو هر آینه

لیکن خدا انگید و تا عطا کند مسلمانان را از نزد خود عطای نیکو هر آینه

اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدَ الْكَافِرِينَ إِنَّ

خدا شنوا دانا است و حال ایشانست و بدانند که خدا است کننده است کید کافران را اے کافران اگر

خدا شنوا دانا است این است (کاری) کرده و هر آینه خدا است کننده است کید کافران را اگر

تَسْتَفْتِيهِمْ أَفَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَمَا خَيْرَ لَكُمْ ۝

طلب یفر می کردید پس آمد بشما فتح و اگر باز ایستد پس آن بهتر است شمارا و

طلب یفر می کردید پس آمد بشما فتح و اگر باز ایستد پس آن بهتر است شمارا و

إِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فُتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كُنْتُمْ

اگر باز گردید یعنی باز گردید و دفع نکن از شما جماعت شما چیزی را اگر بسیار باشد و بدانند که

اگر باز گردید باز گردید و هرگز دفع نکن از شما جماعت شما چیزی را اگر بسیار باشد و بدانند که

اللَّهُ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

خدا با مسلمانان است و اے مسلمانان فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را

خدا با مسلمانان است اے مومنان فرمان برید خدا و فرستاده او را

وَلَا تَوَلَّوْا عُنْدَهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا

و روی مگردانید از وی و حال آنکه شما می شنوید و مشوید مانند آنکه گفتند شنیدیم

و روی مگردانید از وی حال آنکه شما می شنوید و مشوید مانند آنکه گفتند شنیدیم

وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۝ إِنْ هُمْ إِلَّا نَجَسٌ فَلَا يَكُونُ لَهُمْ عِندَ اللَّهِ شَرٌّ

و ایشان نمی شنوند و اگر آنکه بدترین جنس گان نزد یک خدا که آنست که

و ایشان نمی شنوند اگر آنکه بدترین جنس گان نزد یک خدا که آنست که

لَا يَقُولُونَ ۝ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ ۝ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ

در نمی یابند و اگر دانسته خدا در ایشان نیکی می شنود و اگر شنوا نیست ایشان را

در نمی یابند و اگر دانسته خدا در ایشان نیکی می شنود و اگر شنوا نیست ایشان را

لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مَغْرُوضُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ

روی می گردانید خدا را و این احوال کنند مانند اے مومنان قبول کنید خدا و رسول را

همانکه روی گردانیدی و ایشان احوال کنند مانند اے مومنان قبول کنید خدا و رسول را

همانکه روی گردانیدی و ایشان احوال کنند مانند اے مومنان قبول کنید خدا و رسول را

وَاذْكُرُوا اِذْ اَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْاَرْضِ تَخَافُونَ

و یاد کنید اے همراهان امت ای آن وقت که شما اندک بودید ناقوان مشرود در زمین یعنی در مکه می ترسیدید

اَنْ يَتَحَفَّظَكُمُ النَّاسُ فَاَوْكُمُ وَاَيَّدَكُمْ بِبَصَرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنْ

از آنکه بر بایند شمار مردمان پس جانے داد شمار ایمنی و مدینه و قوت داد شمار ابهرت خود و روزی داد شمار از

الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخَوْا اللَّهَ

چیز بایند تا شود که سپاسداری کنید اے مسلمانان حیانت مکنید با خدا

وَالرَّسُولَ وَتَخَوْا أَمْنِيَّتَكُمْ وَأَنْتُمْ تَقْلُمُونَ وَعَلِمُوا أَنَّهَا

در رسول و حیانت مکنید امانت بایند یک دیگر را دانست و بدانید که

أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ

مالهای شما و فرزندان شما آزمایش بزرگ است و آنکه خدا نزدیک است مزد

عَظِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا

بزرگ اے مسلمانان اگر بترسید از خدا پیدا کند برای شما تمایز را

وَيُغْفِرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

و در گذارد از شما گناهان شما را و بیامزد شمارا و خدا صاحب فضل بزرگ است

وَأَذِّنْ لِكُرُوكِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَيْتِ نَوَكٍ أَوْ يَتْلُوا جُوكَ

و یاد کن نیت ای پیغمبر آنگاه که بدستگاری می کردند حق تو را فراموش می کردند ترا یا بکشد ترا یا بیرون کنند ترا از مکه

وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ۝۲ وَإِذْ اتَّكَلْنَا عَلَيْهِمْ

و ایشان بدستگاری می کردند خدا بدستگاری می کرد یعنی بایست آن و خدا بهترین مکر کننده است و چون خوانده شود برین جماعت

إِيتَانَا قَالُوا اقْدُ سَمْعَنَا وَنَحْنُ لَقَلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ

آیات ما گویند شنیدیم اگر خواهییم بخوئیم مانند این نیست این مگر افسانه

الْأَوَّلِينَ ۝۳ وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ

پیشینان و آنگاه که گفتند بار خدا یا اگر هست این قرآن راست از نزد تو

فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حَجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوِ اثْبِقْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝۴ وَمَا

پس ببار بر ما سنگ از آسمان یا ببار بر ما عذاب دردناک عه و نیست

كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ

خدا که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان باشی عه و نیست بر کز خدا عذاب کننده ایشان

فتح الرحمن
وَلَا تَقْرَبُوا
فَقَدْ كَفَرَ
شده این را می ترسید
تفسیر عثمانی
عنه این آیت بفرمای
جهل و شکات و غنا
مشرکین که را نشان
می دهد یعنی آنها می گویند
خداوند را اگر دین
اسلام که از مدت و
و با این همه عجب
به تکرار آن می برداریم
حق است پس تأخیر
برای چیست و دایره
چرا مانند اقسام سلف
سفار ان می شود
و یا نیز بر عذابی مانند
آن مبتلا دستا
می شود می گویند
ما به تکرار و جهل از
که خدای عظیم
و عباد و پیشگاه کعبه
مکر کرده بود و عاقبت
هر چه خواست نمود
آن را در مکر و دین
خودش با شخصیت و نه
مردار بدست مسلمانان
ناوایان بی سرو سامان
مقتول گردید و بهقتاد
نفس مردار در ذلت
اسارت گرفتار شدند
بهین و سبیل خدا نیاید
آنها را بر انگشتان
مانند قوم لوط از آسمان
بر آنها سنگ نبارید
امتنی سنگ نبارید که خدا
بدست محمد صلعم بر حق
با اقل نه بود مثال
کوچکی از آن سنگ
باران آسمانی بود
فام تقصیر و کمال شد
تکلم و ماریت افشیت
و مکن الله منی عه
سنة الله ایست که
چون بر قوی نما بر
تکذیب اینها عذاب

فتح الرحمن

ولا يخفى سنت الله

آنست که تا پیش از

در میان قوم باشد

عذاب عام نمی کند

و همچنین تا آنکه ایشان

استغفاری کنند عذاب

نمی آید و اما این خبر

بجرت حضرت سید البشر

از میان ایشان ۱۲

و این یعنی اهل حق است

عذاب دارند لیکن چون

پیش از در میان ایشان

مایل بود احوال را

برخواست ۱۲ و

مترجم گوید داین

تصویر است حال

کسی را که میخواهد جزه

کل چیز پیدا باطل

سازد و کند ۱۲

و این نیز از اسلام ۱۲

تفسیر عثمانی

عده و چیز مایل نزول

عذاب است که بر او بدست

پیغمبر میان آنرا - دوم

استغفار یعنی در هر

کریه به سن قدم آن حضرت

صلعم عذاب مطهر بود

اکنون بر آنها هم

عذاب فرود آمده

پس هر کدام ۱۲

میکند که از نام

باشد و به توبه ادا

بدد - مورد و مواعده

نی شود - داد بزرگ

ترین گناه کرده باشد

حضرت پیغمبر فرمود چنان

نگز گدازان و چیز نیست

یکه وجود من و دیگر

استغفار - کذافی

الموضع عده

کسی نیک باز نگذاردان

حقیقی را از مسجد باز

می دارند تا زود نشان

چه ارزش دارد - برین

بطراف کبر بر افق

بکایه که خدا صفر

کشیدن و گفت زدن چنانکه در اکثر این امر و نیز در حقن رنگ و ناخوس عبادت بزرگ دانسته می شود و عرض خود خدا را می پرسند و در میان را می گذارند و نایاب

وَهُوَ يَسْتَغْفِرُونَ ۵ وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ

و ایشان استغفاری کنند و چیست مرایشان را که عذاب نکند ایشان را و خدا حال آنکه ایشان باز میمانند یعنی مردمان را

و ایشان مغفرت خواهند ع و چیست آن بار که عذاب نکند ایشان را خدا و ایشان باز می دارند مردمان را

عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ ط إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا

از مسجد حرام و نیستند سزاوار آنجا نیستند سزاوار آنجا نیستند سزاوار آنجا نیستند سزاوار آنجا نیستند سزاوار آنجا نیستند

الْمُنَافِقُونَ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۶ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ

متقیان و لیکن بیشترین ایشان نمی دانند و نیست نماز ایشان نزدیک

الْبَيْتِ الْأَمْكَاءِ وَتَصَدِيْقَهُ قَدْ وَفَّى الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ

خانه کعبه بجز صفر کردن و دستک زدن پس بچشید اس که کافران عذاب را بسبب

تَكْفُرُونَ ۷ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيُفْقُونَ أَمْوَالَهُم لِيَصُدُّوا عَنْ

کافر شدن خود هر آینه کافران خرج می کنند اموال خود را تا باز دارند مردمان را از

سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُفْقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ ۸ وَ

راه خدا پس زود باشد که خرج کنند آنرا باز باشد آن خرج کردن ایشان را بر اینان باز مغلوب شوند و

الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ تَحْتِهِمْ يَكْشَرُونَ ۹ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ

کافران بسوی دوزخ رانده شوند تا جدا سازد خدا ناپاک را از پاک

وَيَجْعَلِ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكَبُ رُكْنًا وَفِي جَعَلَهُ فِي

و بنهد ناپاک را بعضی آن را بر بعضی پس نوده سازد آنرا بر یک جا پس در آرد در

جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ۱۰ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَنْتَهُوا

دوزخ ای جماعه ایشانند زیرا کاران و بگو کافران را اگر باز ایستند

يُغْفِرْ لَهُمْ قَدْ سَلَفَ ۚ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنتُ الْأَوَّلِينَ ۱۱

آمرزیده شود ایشان را آنچه گذشت و اگر خود کنند پس هر آینه گذشته است روش پیشینان

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُنْهَ لِلَّهِ

و کارزار کنید ای مسلمانان با ایشان تا آنکه نیاید هیچ فتنه یعنی علیه کفر و باشد دینی همه برای خدا

فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۱۲ وَإِنْ تَوَلَّوْا

پس اگر باز ایستند از مشرک یعنی مسلمان شوند هر آینه خدا با شما می کند بینا است و اگر رو بگردانند و

فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلٰكُمْ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۱۳

پس بدانند که خدا مددگار شماست نیک مددگار است و نیک یاری دهنده است

پس بدانند که هر آینه خدا مددگار شماست نیک مددگار است و نیک یاری دهنده است

پس بدانند که هر آینه خدا مددگار شماست نیک مددگار است و نیک یاری دهنده است

پس بدانند که هر آینه خدا مددگار شماست نیک مددگار است و نیک یاری دهنده است

فتح الرحمن
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ

و بدانند که آنچه غنیمت یافته از کاروان از بهر جنس
و بدانند که آنچه غنیمت گرفته از چرایی

فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ

پس پنجم حصه اش خداست و پنجم را رسول و خویشاوندان را و یتیمان و درویشان
پس برای یتیم و خداست پنجم حصه اش و پنجم را درویشان و یتیمان و بی نوا یان

وَأَنَّ السَّبِيلَ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ

دستوران را اگر ایمان آورده اید بخدا و آنچه فرو فرستادیم بر بنده خویش روزیکه
دستوران را اگر ایمان آورده اید بخدا و آنچه فرو فرستادیم بر بنده خویش روزیکه

لَقُرْآنٍ يَوْمَ التَّفَجُّعِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِذْ أَنْتُمْ

خدا شدی از باطن روزیکه بهم آمدند دو گروه حق و خدا بر همه چیز تواناست و اگر ایمان آورده اید آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود
فیصل شدن مع روزیکه بهم آمدند دو گروه و خدا بر همه چیز تواناست مع (یا آورید) آنرا که بودید

بِالْعُدْوَةِ الدَّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَلَوْ

بکناره نزدیک بودید و ایشان بکناره دورتر و کاروان پایین تر از شما یعنی بجانب دما و اگر
بکناره نزدیک تر و ایشان بکناره دورتر مع و کاروان بودند فروتر از مکان شما مع و اگر

تَوَاعَدْتُمْ لَا خِلَافَ لَكُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ

پایک دیگر و عده جنگ مقدس گردید البتة اختلاف می نمودید در وعده لیکن جمع کرد تا با تمام رساند خدا کار را که
بیان خود و عده قتال می کردید بر آنچه خلاف می کردید و وعده خود مع و لیکن جمع کرد تا با تمام رساند خدا کار را که بود

مَفْعُولًا لِّمَن لَّهُمُ الْهَيْكَلُ مِنْ هَٰؤُلَاءِ عَن بَيْتِنَا وَيُنَاجِي عَنْ بَيْتِنَا وَ

کردنی بود تا ملاک شود کسی که ملاک شده است بعد قیام محبت و زنده ماند کسی که زنده شده بود قیام محبت و
کردنی تا ملاک شود کسی که ملاک شدنی است از حقی روحی و زنده ماند کسی که زنده شدنی است محبتی روحی و

إِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ إِذْ يَرْيَا كُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ

بر آنچه خدا شنود انانست و نگاه که بنمود خدا ایشان را بتو در خواب تو اندکی و اگر
بر آنچه خدا شنود انانست و نگاه که بنمود بتو ایشان را خدا در خواب تو اندکی و اگر

أَرَبَكُمْ كَثِيرٌ فَفُتِلْتُمْ وَلِتَنَازِعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ

بنموده بتو ایشان را بسیار البتة بزدلی می کردید و با یکدیگر نزاع می نمودید و کار و لیکن خدا سلامت داشت یعنی از بزدلی
بنمودی بتو ایشان را بسیار البتة بزدلی می کردید و با یکدیگر نزاع می نمودید و کار و لیکن خدا سلامت داشت هرگز از بزدلی

عَلِيمٌ يَذَاتِ الصُّدُورِ ۖ وَإِذْ يَرْيَا كُهُمُ اللَّهُ إِذْ التَّقِيْتُمْ فِي آعْيُنِكُمْ

داناست آنچه در سینه است و نگاه که بنمود بشما ایشان را چون رو برو شدید در چشم شما
داناست آنچه در سینه است و نگاه که بنمود بشما ایشان را چون رو برو شدید در چشم بانه شما

قَلِيلًا وَفُتِلْتُمْ فِي آعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا

اندکی و کم نمود بشمارا در چشم آنان تا با تمام رساند خدا کار را که کردنی بود
اندکی و کم نمود بشمارا در چشم بانه ایشان تا با تمام رساند خدا کار را که بود کردنی

وَاللَّهُ يَرْجِعُ الْأُمُورَ بَيْنَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ يَقِيْتُمْ فَعَةً

و بسوی خدا باز گردانیده شوند کار با اے مسلمانان چون رو برو شوید با هم و به
و بسوی خدا باز گردانیده شود کار با اے مسلمانان چون رو برو شوید با هم و به

فَأَطِيعُوا أَوْادَكُمْ وَاللَّهُ كَثِيرٌ الْعَلَمُ تَفْلِحُونَ ۖ وَأَطِيعُوا اللَّهَ

پس ثابت باشید و یاد کنید خدا را بسیار بود که شما رستگار شوید و فرمان برداری کنید خدا
پس ثابت باشید و یاد کنید خدا را بسیار تا شما رستگار شوید و فرمان برداری کنید خدا

و بدانند که آنچه غنیمت یافته از کاروان از بهر جنس و بدانند که آنچه غنیمت گرفته از چرایی
پس پنجم حصه اش خداست و پنجم را رسول و خویشاوندان را و یتیمان و درویشان پس برای یتیم و خداست پنجم حصه اش و پنجم را درویشان و یتیمان و بی نوا یان
و آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود و آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود
خدا شدی از باطن روزیکه بهم آمدند دو گروه حق و خدا بر همه چیز تواناست و اگر ایمان آورده اید آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود
فیصل شدن مع روزیکه بهم آمدند دو گروه و خدا بر همه چیز تواناست مع (یا آورید) آنرا که بودید
بکناره نزدیک بودید و ایشان بکناره دورتر و کاروان پایین تر از شما یعنی بجانب دما و اگر بکناره نزدیک تر و ایشان بکناره دورتر مع و کاروان بودند فروتر از مکان شما مع و اگر
پایک دیگر و عده جنگ مقدس گردید البتة اختلاف می نمودید در وعده لیکن جمع کرد تا با تمام رساند خدا کار را که بیان خود و عده قتال می کردید بر آنچه خلاف می کردید و وعده خود مع و لیکن جمع کرد تا با تمام رساند خدا کار را که بود
کردنی بود تا ملاک شود کسی که ملاک شده است بعد قیام محبت و زنده ماند کسی که زنده شده بود قیام محبت و کردنی تا ملاک شود کسی که ملاک شدنی است از حقی روحی و زنده ماند کسی که زنده شدنی است محبتی روحی و
بر آنچه خدا شنود انانست و نگاه که بنمود خدا ایشان را بتو در خواب تو اندکی و اگر بر آنچه خدا شنود انانست و نگاه که بنمود بتو ایشان را خدا در خواب تو اندکی و اگر
بنموده بتو ایشان را بسیار البتة بزدلی می کردید و با یکدیگر نزاع می نمودید و کار و لیکن خدا سلامت داشت یعنی از بزدلی بنمودی بتو ایشان را بسیار البتة بزدلی می کردید و با یکدیگر نزاع می نمودید و کار و لیکن خدا سلامت داشت هرگز از بزدلی
داناست آنچه در سینه است و نگاه که بنمود بشما ایشان را چون رو برو شدید در چشم شما داناست آنچه در سینه است و نگاه که بنمود بشما ایشان را چون رو برو شدید در چشم بانه شما
اندکی و کم نمود بشمارا در چشم آنان تا با تمام رساند خدا کار را که کردنی بود اندکی و کم نمود بشمارا در چشم بانه ایشان تا با تمام رساند خدا کار را که بود کردنی
و بسوی خدا باز گردانیده شوند کار با اے مسلمانان چون رو برو شوید با هم و به و بسوی خدا باز گردانیده شود کار با اے مسلمانان چون رو برو شوید با هم و به
پس ثابت باشید و یاد کنید خدا را بسیار بود که شما رستگار شوید و فرمان برداری کنید خدا پس ثابت باشید و یاد کنید خدا را بسیار تا شما رستگار شوید و فرمان برداری کنید خدا
آن طرف که از مدینه طایفه یهود مع کاروان تجارتی ابوسیفان سوزی نشیب ساعل روان بود سپاه قریش در میان کاروان و مسلمانان حایل گردیدند و آن طرف که بود از قریش

فل در این حال

الوجهل و تابان است

۱۲ من تحت تفقهیم

پاوی توانو انفت

یا فتن پانا الحرب لرا

جنگ شود پیر بهرگاه

تشرید بهرگاه بهرگز

تقریر عثمانی

ع قریش به قوت

و جمعیت خویش مخور

بودند و اثم باجی کن

صافه و محاصره می شود

دردانلیش بودند کمر

بی گناه سدره کاه

شان کرده دران انشا

فردا شیطان لعین بود

رئیس گناه یعنی سراف

این مالک با فوجی از

ذریعت خویش نمود

شد تا قریش را انفت

و ترمید بهت نماید

به الوجهل و پیر

افشای طینان

داد که ما بهر

ملک و حمایت شهادت

از طرف کتا بکی ظاهر

جمع باشند که ما با شما

چون در بدر

جنگ شدت کرد

شیطان جبرئیل و

دیگر فرشتگان را دید

از جهستی الوجهل یا

کشیده راه فرار پیش

گرفت الوجهل گفت

ای سرافد اکنون که

باید ملک کنی کجا سگری

جواب داد که من باشا

بوده ای تو اتم من چیز

بائی را می بینم که شاز

مشاهده آن قاهر به

لیفه فرشتگان خدا

از ترس راین توج

خدا ای بمیدل ندرام

و پیش ازین تاب

و مقاومت در من

نماده چه می ترسم که

در عذاب شدیدی آفت

و جیم گرفته ایم متا

و طعون دروغ گفت که

خدا در وادها افتاده

چون می دانست که

قوتی آنها را

و رَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِيهِ وَأُتِيَهُمُ الْغُلَامُ وَاصْبِرُوا

و رسول او را و باید که نزاع نکنید که درین صورت بزدل شوید و برو دولت شما و شکیبائی و زریه

و رسول او را و باید که نزاع نکنید که در این صورت بزدل شوید و برو دولت و قوت شما و شکیبائی و زریه

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ

بر آئینه خدا باشد کیما یان است و مبارشید مانند کسانیک بیرون آمدند از خانه های خود

بر آئینه خدا باشد کیما یان است و مبارشید مانند کسانیک بیرون آمدند از سرای های خود

بَطْرًا أَوْ رِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا

از روی سرکشی و خود نمائی مردمان و باز می دارند از راه خدا و خدا با آنچه

يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ وَادَّيْنَاهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا

می کنند در گیرنده است و انگاه که شیطان بیار است برای این کافران کردار بای ایشان را و گفت هیچ کس

می کنند احاطه کننده است و انگاه که بیار است برای کافران شیطان کردار بای ایشان را و گفت هیچ کس

غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌّ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِتْنَةَ

از مردمان طلبه کننده نیست بر شما امروز و بر آئینه من مدد کننده ام شمارا پس چون رو برداشتند بر دگر

غلبه کننده نیست بر شما امروز از مردم و بر آئینه من مدد کننده ام شمارا پس چون رو برداشتند بر دگر

نَكَصَ عَلَى عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بُرِيْتُ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ

بازگشت شیطان بر پاشنه های خود و گفت هرگز نمی بینم بی شکم از شما هرگز نمی بینم بی شکم از شما

بازگشت شیطان بر پاشنه های خود و گفت هرگز نمی بینم بی شکم از شما هرگز نمی بینم بی شکم از شما

إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ إِذْ يَقُولُ الْمُفْضِقُونَ

بر آئینه من می ترسم از خدا و خدا سخت عقوبت است انگاه که می گفتند منافقان

بر آئینه من می ترسم از خدا و خدا سخت عقوبت است انگاه که می گفتند منافقان

وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُضِلُّونَ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَذْوَ قَوْمَهُمْ

و آنانکه در دل ایشان بیمار است فریفته این پادا دین ایشان و بر کوه توکل کند

و آنانکه در دل ایشان بیمار است فریفته این پادا دین ایشان و بر کوه توکل کند

عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ وَلَوْ كُنْتَ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ

بر خدا بر آئینه خدا غالب و درست گدار است و کلمه می کردی اگر می دیدی اے میبند چون فرشتگان قبض ارواح

بر خدا پس بر آئینه خدا غالب با حکمت است و اگر می دیدی چون قبض می کنند ارواح

كُفَرُوا وَالْمَلَائِكَةُ يُضِلُّونَ وَجُوهَهُمْ وَأَذْوَ قَوْمَهُمْ

کافران می کنند میزنند بر روی ایشان و پشت بای ایشان را و می گویند بچشید عذاب

کافران را فرشتگان میزنند بر روی ایشان و پشت بای ایشان را و می گویند بچشید عذاب

الْحَقِيقُ ۝ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ

سوزان این بسبب آن کردار است که پیش فرستاده است دست شما بسبب آنست که خدا ظلم کننده نیست

سوزان را این بسبب آن کردار است که پیش فرستاده است دست های شما بسبب آن است که خدا نیست ظلم کننده

لِلْعَبِيدِ ۝ كَذَّابٌ أَلْ فِرْعَوْنُ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ

بر بندگان مانند عادت قوم فرعون و آنانکه پیش از ایشان بودند کافران بودند کافران

بر بندگان مانند عادت قوم فرعون و آنانکه پیش از ایشان بودند کافران بودند کافران

اللَّهُ فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝

خدا ایس گرفتار کرد خدا ایشان را بگناهان ایشان بر آئینه خدا توانا سخت عقوبت است

خدا ایس گرفتار کرد ایشان را خدا بگناهان شان بر آئینه خدا توانا سخت عقوبت کننده است

در عذاب شدیدی آفت و جیم گرفته ایم متا و طعون دروغ گفت که خدا در وادها افتاده چون می دانست که قوتی آنها را

دل مترجم گوید چون
این آیت نازل شد
واجب گشت ثبات
باده چند ان از کفار
بعد از ان فسخ شد
بوجوب ثبات در مقام
دو چندان و التوا
۱۲ دل مترجم گوید
از اسیران بدر خدا
گرفته با جهاد خوشتر
و مرضی نزدیک خدا
تعالی قتل اینجا
بود لیکن چون بنص
هر یک ممنوع نشده
بود و فرمود
و این آیت
نازل شد ۱۳
و این یعنی غیر
منصوص و التوا
تفسیر ثانی
در این آیت
بمسلمانان ترغیب
به جهاد است یعنی اگر چه
اندر باشند دل از
دست ندهند بنیان
الهی بر دشمنی که در
شان باشند غلبه
شوند زیر اسلامان
خاص در راه خدای
جنگند و جزوای و
مطبی ندارند مردن
را در راه خدا اصل
زندگی دانسته و جنگ
حاضر میشوند در حال
فتح و شکست یقین
دارند که زیادهای
نیج قربانی های خوش
در آخرت نایز میگردند
و در آخرت جای کرده
راه علای کلمه الله
ی کشنده میرت ایست
هم آغوش می شوند و
آن گاه که باین نیت
جهاد کنند تا ایستاد
ربانی مدعی کنند انچه
مرگ برکناری گردد
و از این دو مال شجاعت

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۳ وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ

هر آینه دے شنوا دانا است و اگر خواهند که فریب دهند ترا پس
هر آینه دی شنوا دانا است و اگر خواهند که فریب دهند ترا پس هر آینه

حَسْبُكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

کفایت کننده است ترا خدا به نصرت آنکه قوت داد ترا بیاری دادن خود و مسلمانان و پیوست آنکه الفت داد
کفایت کننده است ترا خدا دوست آنکه قوت داد ترا بیاری دادن خود و مسلمانان و پیوست آنکه الفت بدستی

بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا لَمِتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ

میان دلها ای ایشان اگر خرج می کردی آنچه در زمین است همه یک جا الفت نمی دادی میان دل های ایشان
میان دلها ای شان اگر خرج می کردی آنچه در زمین است همه نمی الفت می دادی میان دلها ای شان

وَلَكِنَّ اللَّهَ آتَاكَ بِمُنَادٍ عَزِيزٍ حَكِيمٍ ۵ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ

و لیکن خدا الفت انگذ میان ایشان هر آینه دے غالب با حکمت است اے پیغمبر کفایت کننده است ترا خدا
و لیکن خدا الفت در میان ایشان هر آینه دی غالب با حکمت است اے پیغمبر کفایت کننده است ترا خدا

وَمَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۶ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ

و کفایت کنند ترا آنکه پیروی تو کرده اند از مسلمانان اے پیغمبر رغبت ده مسلمانان را
و کفایت کنند آن را که پیروی تو کرده از مسلمانان اے پیغمبر رغبت ده مومنان را

عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ

اگر باشند از شما صد کس غالب شوند بر هزار کس از کافران بسبب آنکه ایشان گروهی هستند
اگر باشند از شما صد کس غالب شوند بر هزار کس از آنکه کافر شدند زیرا هر آینه ایشانند گروهی

وَأَنْ يَكُنْ مِنْكُمْ قَائِدٌ يُغْلِبُوا الْفَاسِقِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآثَرِهِمْ قِيَامُ

و اگر باشند از شما صد کس غالب شوند بر هزار کس از کافران بسبب آنکه ایشان گروهی هستند
و اگر باشند از شما صد کس غالب شوند بر هزار کس از آنکه کافر شدند زیرا هر آینه ایشانند گروهی

لَا يَفْقَهُونَ ۱ أَلَمْ خَفَّ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ

که نمی فهمند و اکنون سبک ساخت خدا از سر شما و دانست که در میان شما ضعف هست پس اگر
که نمی فهمند و اکنون سبک ساخت خدا از شما و دانست که در میان شما ضعف هست پس اگر

يَكُنْ مِنْكُمْ قَائِدٌ صَابِرٌ يُغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ

باشند از شما صد کس شکیبا غالب آیند بر دو صد کس و اگر باشند از شما هزار کس
باشند از شما صد کس شکیبا غالب شوند بر دو صد و اگر باشند از شما هزار کس

يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ۲ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ

غالب آیند بر دو هزار کس بفرمان خدا و خدا با صابران است و سزاوار نبود پیغمبر را
غالب شوند بر دو هزار بفرمان خدا و خدا با صابران است و سزاوار نبود پیغمبر را

أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يَتَخَنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ

که بدست دے اسیران باشند تا آنکه قتل بسیار بوجود آورد در زمین می خواهید مال
که بدست دی اسیران باشند تا آنکه قتل بسیار بوجود آورد در زمین می خواهید مال

الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۳ لَوْلَا كُنْتُمْ مِنَ

دنیا را و خدا می خواهد مصلحت آخرت را و خدا غالب با حکمت است اگر نبود دے حکم
دنیا را و خدا می خواهد مصلحت آخرت را و خدا غالب با حکمت است اگر نبود دی حکم

اللَّهُ سَبَقَ لَكُمْ فِيهَا أَخَذَ ثَمْرُهَا عَظِيمٌ ۴ فَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهَا

خدا پیشی گرفته و میرسد به شما در آنچه گرفته عذاب بزرگ پس بخورید از آنچه عینت گرفته
خدا پیشی گرفته هر آینه میرسد بشما در آنچه گرفته عذاب بزرگ پس بخورید از آنچه عینت گرفته

و از این دو مال شجاعت جنگ می نمایند کافران این حقیقت را نمی دانند بر آنکه اغراض لغائی و حقیرانند بهای می جنگد و از رحمت طلب و نعمت غیب محروم می ماندند

است لباس

۵ بن عبد المطلب

۶ یعنی مهاجران

۷ انما یا یکدیگر یا یکدیگر

نصرت دهند و مواخا

کنند و الله اعلم ۱۲

۱۳ یعنی کار سازان

۱۴ یا یک دیگر ۱۲

تفسیر عثمانی

لقد صفی ۱۹ تنبیه

ذکر اعداد ۲۰ و ۱۰

مکن است بدین جهت

یا شد که در آن وقت

تعداد مسلمانان در

سریه املایست و

در پیش صد نفری بود

و آیت آمیزه بعد از

مدتی فرود آمد که در آن

مسلمانان افزوده بود

سریه صد نفری بود این

دو آیت در مواضع آن

نسبت تفاوت اعداد

را بیان می کند و هرگاه

نزل آیت آمیزه شد

مسلمانان بیشتر شده

بوده لکن ابن عباس

در بخاری منقول است

حکمی که در آیت گفته

شده بود که مسلمانان

مقابل گفتد یا فشار

نمایند اگر در عدده

برابرشان باشند بر

حَالًا كَيْبَارًا وَأَتَقُوا اللَّهَ ط إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۵ يَأَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ

حَال یا کیزه و بر سید از خدا هر آینه خدا آمرزنده مهربان است ای پیغمبر بگو

حَال یا کیزه و بر سید از خدا هر آینه خدا آمرزنده مهربان است ای پیغمبر بگو

لَسْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَشْيَاءِ إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا

آنرا که در دست شماست از اشیاء اگر دانند خدا در دل شما نیکی بدید شما را بهتر

لَسْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَشْيَاءِ إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا

آنرا که در دست شماست از اشیاء اگر دانند خدا در دل شما نیکی بدید شما را بهتر

وَأَتَقُوا اللَّهَ ط وَأَتَقُوا اللَّهَ ط وَأَتَقُوا اللَّهَ ط وَأَتَقُوا اللَّهَ ط وَأَتَقُوا اللَّهَ ط

و از آنچه گرفته شد از شما و بپارزد شما و خدا آمرزنده مهربان است و

وَأَتَقُوا اللَّهَ ط وَأَتَقُوا اللَّهَ ط وَأَتَقُوا اللَّهَ ط وَأَتَقُوا اللَّهَ ط وَأَتَقُوا اللَّهَ ط

و از آنچه گرفته شده از شما و بپارزد شما و خدا آمرزنده مهربان است و

إِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَاَوْا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ ط

اگر خواهند خیانت با تو پس هر آینه خیانت کرده بودند با خدا پیش ازین پس قدرت داد بر ایشان

إِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَاَوْا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ ط

اگر خواهند خیانت با تو پس هر آینه خیانت کرده بودند با خدا پیش ازین پس قدرت داد بر ایشان

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۶ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا

و خدا دانایا حکمت است هر آینه آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۶ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا

و خدا دانایا حکمت است هر آینه آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ أَوْوُوا وَانصَرُوا

با مال خود و جان خود در راه خدا و آنانکه جای دادند و نصرت کردند

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ أَوْوُوا وَانصَرُوا

با مالهای خود و نفسهای خود در راه خدا و آنانکه جای دادند و نصرت کردند

أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يهاجَرُوا مَا لَكُمْ

این جماعه بعضی ایشان کار سازان بعضی اند و آنانکه ایمان آوردند و هجرت نه کرده اند نیست شمارا

أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يهاجَرُوا مَا لَكُمْ

این جماعه بعضی ایشان کار سازان بعضی اند و آنانکه ایمان آوردند و هجرت نکردند نیست شمارا

مِنْ وَلَا يَتَّبِعُهُمْ مِنْ شَيْءٍ يُخْتَصِمُ بِهِمْ جَاهِدُوا وَإِنْ أَنْتُمْ نَصَرُوا كُمْ فِي

از کار سازی ایشان هیچ چیز تا آنکه هجرت کنند و اگر مد طلب کنند از شما در

مِنْ وَلَا يَتَّبِعُهُمْ مِنْ شَيْءٍ يُخْتَصِمُ بِهِمْ جَاهِدُوا وَإِنْ أَنْتُمْ نَصَرُوا كُمْ فِي

از کار سازی ایشان هیچ چیز تا آنکه هجرت کنند و اگر مد طلب کنند از شما در

الَّذِينَ فَعَلِكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ ط

کار دین پس لازم است بر شما یاری کردن مگر بر جماعه که میان شما و میان ایشان عهد باشد

الَّذِينَ فَعَلِكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ ط

کار دین پس لازم است بر شما یاری کردن مگر بر جماعه که میان شما و میان ایشان عهد باشد

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۷ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ

و خدا با آنچه می کنند بیناست و آنانکه کافر شدند بعضی ایشان

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۷ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ

و خدا با آنچه می کنید بیناست و آنانکه کافر شدند بعضی ایشان

أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوا تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ

کار سازان بعضی اند اگر نکنید ای مسلمانان این کار را و باشد فتنه در زمین

أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوا تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ

کار سازان بعضی اند اگر نکنید ای مسلمانان این کار را و باشد فتنه در زمین

وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ۸ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا

و فساد بزرگ و آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند

وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ۸ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا

و فساد بزرگ و آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ أَوْوُوا وَانصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ

در راه خدا و آنانکه جای دادند و نصرت کردند این جماعه ایشانند مومنان

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ أَوْوُوا وَانصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ

در راه خدا و آنانکه جای دادند و نصرت کردند این جماعه ایشانند مومنان

۱۸۸ م
تفسیر عثمانی
لقد صفی ۱۹ تنبیه
ذکر اعداد ۲۰ و ۱۰
مکن است بدین جهت
یا شد که در آن وقت
تعداد مسلمانان در
سریه املایست و
در پیش صد نفری بود
و آیت آمیزه بعد از
مدتی فرود آمد که در آن
مسلمانان افزوده بود
سریه صد نفری بود این
دو آیت در مواضع آن
نسبت تفاوت اعداد
را بیان می کند و هرگاه
نزل آیت آمیزه شد
مسلمانان بیشتر شده
بوده لکن ابن عباس
در بخاری منقول است
حکمی که در آیت گفته
شده بود که مسلمانان
مقابل گفتد یا فشار
نمایند اگر در عدده
برابرشان باشند بر
مسلمانان گران آمد
این آیت نازل گردید
الان خفف الله الیه
یعنی خداوند ضعف
نمود و بفرمود که
تخفیف نمود اکنون به
مسلمانان حکم میشود
که اگر دشمن دد چند
آنها باشد اثبات
قلم فرض و گرفتن
حرام می باشد ازین
ضعف مسلمانان

باشد تخفیف حکم چند چیز بود آغاز هجرت مسلمانان اندک قوت و جلالت شان معلوم بود پس از چندی اکثری و تا توان گشته و نسل جدید مانند مهاجران انصار پیشین

والمعنى تكليف جهاد
 نشود و مترجم
 موجب مغفرت توفیق
 لغایت مسجد حرام ۱۲
 تفسیر عثمانی
 بقیه صفحہ ۱۸۹
 اگر مومنین اند از
 قوت و جھیت و ساز
 و برگ کفار براسی
 دل پدید آید باید
 خوف خدا در دلها بی
 شان بیشتر باشد نیک
 بداند که چون خوف
 خدا در دل جا کند دیگر
 خوف با فرائد آن تقاضا
 ایان آنست که مینور
 از نافرمانی خدا قهر
 وی در براس باشد
 زیر انفع و طر بر کمان
 در قدرت او تعالی
 است و بیج خلق
 بے مشیت او تعالی
 بر کویک ترین نفع
 و ضرر توانا باشد
 عه به نیک حکمت
 دیگر شکر و عیت جهاد
 فرموده شده یعنی
 کسانیک بر زبان
 دعوی بندگی و
 ایمان می کنند بسیار
 اند ولی تا محک امتحان
 در میان نباشد فالعمر
 و خشوش ترین نگردد
 خدای تعالی بوسیله
 جهاد آشکار می سازد
 که کدام مسلمان در
 راه و دای به شهادت
 و دارائی آماده است
 و تمجید جز خدا و
 رسول و مسلمانان
 او را دوست و همراز
 باشد چه آن کس
 او را قوی خویش بود
 این عهد است که
 مومنین بر آن از خون
 می خورند تا به جهاد علی

فَقَاتِلُوا أَلِیْمَةَ الْکُفْرِ ۖ إِنَّهَا لَآ أِیْمَانٌ لَهُمْ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ وَبَنَتْهُنَّ ۖ
 پس کارزار کنید با پیشوایان کفر هر آینه سوگند نیست ایشان را بود که ایشان باز مانند
 پس جنگ کنید با پیشوایان کفر بشک ایشان را هیچ قسمی نیست جنگ کنید با ایشان تا باز آیند (از سر قتل و طردن)
أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّذَلْنَاهُمْ ۖ اَیْمَانُهُمْ وَهَکُوءَ اِیْرَاجِ الرّسُولِ وَهُمْ
 آیا جنگ نمی کنید با گروهی که شکستند سوگند ان خویش را و قصد کردند جلا وطن ساختن پیغامبر را و ایشان
 آیا کارزار نمی کنید با قومی که شکستند قسم ماے خود را و قصد (مشوره) کرده بودند به بیرون کشیدن رسول از مکه و ایشان
بَدَّوْکُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ فَاتَّخِشُوا لَهُمُ فَا لَهِ اَنْ تَخْشَوْهُمْ اِنْ کُنْتُمْ
 ابتدا کردند لعن عید باشد اول مرتبه ای می ترسید از ایشان پس خدا سزاوار تر است تا که ترسید از وی اگر
 ابتدا نمودند بقتال شما اول بار آیا می ترسید از ایشان پس الله سزاوار تر است که ترسید از وی اگر ترسید
مُؤْمِنِیْنَ ۚ قَاتِلُوْهُمْ یَعْلَمْ اللّٰهُ بِاَیْدِیْکُمْ وَخِزْمَتِهِمْ وَیَنْصُرْکُمْ
 مسلمانید جنگ کنید با ایشان تا عذاب کند ایشان را عذاب بدست شما و سوا سازد ایشان را و فتح دهد شما را
 مومنان عه جنگ کنید با ایشان تا عذاب کند ایشان را الله بدست شما یگان و رسوا کند آنها و لغت دهد شما را
عَلِیْهِمْ وَیُکْشِفُ صُدُورَهُمْ ۚ وَیَدْهَبُ غِیْظُهُمْ ۚ
 بر ایشان و شفا بخشد سینه های گروه مسلمانان را و دور کند اندوه دل ایشان را
 بر ایشان و شفا دهد سینه های قوم مومنان را و ببرد اندوه دل مومنان را
وِیَتُوبُ اللّٰهُ عَلٰی مَنْ یَّشَاءُ ۚ وَاللّٰهُ عَلِیْمٌ حَکِیْمٌ ۚ اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ
 و بر رحمت باز گردد بر هر که خواهد و خدا دانای استوار کار است آیا گمان کردید که
 و توبه می دهد (بر جوع بر رحمت می کند) (الله) بر هر که خواهد و الله دانای بزرگ خداوند حکمت عظیم است آیا می پندارید ای مومنان
تَتْرُکُوْا اُولَیْمَۃَ اللّٰهِ الَّذِیْنَ جَاهَدُوْا مِنْکُمْ وَلَمْ یَتَّخِذُوْا مِنْ
 عزراشته شودید و هنوز متمیزند ساخته است خدا آنان را که جهاد کرده اند از شما و نگرفته اند
 گذشته شودید و حالیکه متمیز از الله آنکسایز که جهاد کردند از شما و نگرفته اند
دُوْنِ اللّٰهِ وَلَا رَسُوْلِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِیْنَ وَلِیَجْزَ ۚ وَاللّٰهُ خَبِیْرٌ بِمَا
 بجز خدا و بجز پیغامبر و بجز مومنان هیچ دوست نیمانی و خدا داناست با آنچه
 بجز الله و بجز رسول او و بجز مومنان دوستی نیمانی و الله خوب خبردار است به آنچه می کنید
تَعْمَلُوْنَ ۚ مَا کَانَ لِلْمُشْرِکِیْنَ اَنْ یَّعْبُرُوْا مَسْجِدَ اللّٰهِ شَهِدِیْنَ
 می کنید عه روان باشد مشرکان را که آباد سازند مسجد الهی خدا را اعتراف کرده
 نیست سزاوار برای مشرکان که عذت کنند مسجد الله را در حالیکه گواهی دهند تسلیم کنند
عَلٰی اَنْفُسِهِمْ بِالْکُفْرِ ۚ اُولٰٓئِکَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ وَفِی النَّارِ هُمْ
 بر خود بر نفس بای خود کفر را آن کرده تها شد عملهای ایشان و در آتش بهر
 بر نفس بای خود کفر را آن کرده تها شد عملهای ایشان و در آتش ایشان
خٰلِدُوْنَ ۚ اِنَّمَا یَعْبُدُ اللّٰهُ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْیَوْمِ الْاٰخِرِ
 باشند گزند و جز این نیست که عذت مسجد الهی خدا را کسیکه ایمان آورده است خدا و روز آخر و
 جاویدند جز این نیست که آبادی می کنند مسجد الله را کسیکه یقین کرده باشد و روز آخر روز قیامت است
اَقَامَ الصَّلٰوةَ وَآتٰی الزَّکٰوةَ وَلَمْ یُحْسِ اِلَّا اللّٰهَ فَعَسٰی اُولٰٓئِکَ
 بر پا داشته است نماز را و داده است زکوة را و ترسیده از هیچ کس سوا از الله پس امید است به این جماعت
 بر پا داشته نماز را و داده زکوة را و ترسیده از هیچ کس سوا از الله پس امید است به این جماعت
اَنْ یَّکُوْنُوْا مِنْ الْمُهْتَدِیْنَ ۚ اَجْعَلْنٰمُ سَقَایَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ
 از راه یا نجاتان باشند آیا کردید آب نوشانیدن حاجیان را و آباد ساختن
 که باشند از راه یا نجاتان باشند آیا کردید آب نوشانیدن حاجیان و آبادی

والمعنى تكليف جهاد
 نشود و مترجم
 موجب مغفرت توفیق
 لغایت مسجد حرام ۱۲
 تفسیر عثمانی
 بقیه صفحہ ۱۸۹
 اگر مومنین اند از
 قوت و جھیت و ساز
 و برگ کفار براسی
 دل پدید آید باید
 خوف خدا در دلها بی
 شان بیشتر باشد نیک
 بداند که چون خوف
 خدا در دل جا کند دیگر
 خوف با فرائد آن تقاضا
 ایان آنست که مینور
 از نافرمانی خدا قهر
 وی در براس باشد
 زیر انفع و طر بر کمان
 در قدرت او تعالی
 است و بیج خلق
 بے مشیت او تعالی
 بر کویک ترین نفع
 و ضرر توانا باشد
 عه به نیک حکمت
 دیگر شکر و عیت جهاد
 فرموده شده یعنی
 کسانیک بر زبان
 دعوی بندگی و
 ایمان می کنند بسیار
 اند ولی تا محک امتحان
 در میان نباشد فالعمر
 و خشوش ترین نگردد
 خدای تعالی بوسیله
 جهاد آشکار می سازد
 که کدام مسلمان در
 راه و دای به شهادت
 و دارائی آماده است
 و تمجید جز خدا و
 رسول و مسلمانان
 او را دوست و همراز
 باشد چه آن کس
 او را قوی خویش بود
 این عهد است که
 مومنین بر آن از خون
 می خورند تا به جهاد علی

الْبِسْمِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَنِي

مانند عمل کسیکه ایمان آورده است بخدا و روز آخر و جهاد کرده است در
حرام را برابر با عمل آن کسی که ایمان آورده باشد و بروز آخر و جهاد کرده

سَبِيلَ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٣٧﴾

راه خدا	برابر نیستند	نزدیک خدا	و خدا راه نمی نماید	گمراه گاران را
راه الله	برابر نیستند	نزد الله	والله راه نمی نماید	گمراه ظالمان را

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ

و آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا با اموال خویش و
و آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد کردند در راه الله با مالهای خود و

النَّبِيِّ اَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٧﴾ يَكْتَسِبُهُمْ

جان غلیس بزرگ تراند در مرتبه نزدیکی خدا و این جامعه ایشانند مطالب یا بان مرزده می دهد ایشان را
جان مای خود بزرگ تراست در درجه نزد اللہ و همین گروه ایشان کامیابند مرزده می دهد ایشان را

لَهُمْ فِي جَنَّاتٍ مِنْ دُرٍّ وَمِنْ حَبَبٍ لَمْ يَمُوتْ وَلَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ خَالِدِينَ

برادر دگاران بر حق از نزدیک خود کوشش و پیوسته آنها که ایشان را در آن جا نعمت دائم بود بایشان

فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا

۱۰۱. بے شک خدا نزدیک است و اے مسلمانان دوست گیرید
در آنها بے شک نزد اللہ اجر بزرگ است اے مومنان گیرید

بَاءَكُمْ وَآخَوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنْ اسْتَجَبُوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ

پدران خود را و برادران خود را اگر اختیار کنند نفرا بر ایمان و هر که
پدران خود را و برادران خود را دوستان اگر پسندیدند کفر را بر ایمان و هر که

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُولُوا لِمَا قِيلَ لَكُمْ وَادْفَعُوا عَنِ السَّبِيلِ ۚ إِنَّكُمْ أَعْيُنُكُمْ لَأَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ

از شما دوستی دارد با ایشان آن جماعه ایشانند متهمان بود اگر میستند پدران شما
دوستی دارد ایشان را از شما پس ایشان همین سیستم دارند بود (ای محمد) اگر میست پدران شما

وَأَهْلَؤُكُمْ وَأَخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ

و پسران شما	و برادران شما	و زنان شما	و خویشتان و ندان شما	و آن مال ہائے کہ
و پسران شما	و برادران شما	و زنان شما	و خویشتان و ندان شما	و مال ہائے کہ

فَلْيَرْفُئْهُمَا وَتِجَارَةً يَخْلُصُونَ كَسَادَهَا وَمُسْكِينُ تَرْضَوْنَهَا

کسب کرده اید آن را و بخدا ستمی نمی ترسید از بے رواجی آن و منزل با که پسند می کند
کسب کرده اید آن را و بخدا نمی ترسید از عدم رواج آن و جابای سکوئت که خوش دارید آن

أَحَبُّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا

آن را دوست تر نزدیکی شما از خدا و رسول او و از جهاد در راه او پس منتظر باشید
محبوب تر شما از الله و رسول او و از جهاد در راه خدا پس انتظار بکشید

حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأُخْرَىٰ مُؤَدَّةً وَأَلَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٨﴾ لَقَدْ

تا بیاورد اللہ عقوبت خود را و اللہ را بخوانی بمنی کز کرده فاسقانرا تحقیق

نَصْرَكُمْ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ

مردود شمارا خدا در جایای بسیار و روز چنین نیز چون بشکفت
مدر کرده شمارا اله در بسیار مواضع و روز چنین چون به شکفت

فتح الرحمن
 ولترجم گوید
 غزوه فتح در غیب
 جہاد مشرکین
 و اہل کتب نازل
 شد ۱۱ لغت کسا
 بے رواج ہونا
 اسودے کا تاری
 متاع جزآن ۱۲
 ولترجم گوید
 غزوه حنین شکست
 عموئے مسلمین دادہ
 بود ہذا ان خدا
 تعالیٰ نصرت داد و
 بجہت تذکرہ نعمت
 ابن آیات فرستاد
 تفسیر عثمان
 علوآب و درجہ
 نژاد و تہا فرے ظلم
 است بر کرد البدریکہ
 خواہد زانی حیدر
 در آیت ما قبل ذکر
 چیز آمدہ است (۱)
 ایمان (۲) ہجرت (۳)
 جہاد و این سہ را
 بر سہ نعمت بشدت
 آمدہ است (۱) رحمت
 (۲) رضوان (۳)
 حلو فی الحجۃ ابو حیان
 می نویسند رحمت بر
 ایمان مرتب است
 آنکہ ایمان ندادہ از
 رحمت الہی محروم است
 رضوان (کہ بلندترین
 مقام است اصلہ
 جہاد فی سبیل اللہ
 می یابد زیر اجماع
 فی سبیل اللہ جمیع
 لذات نفسانہ
 و تعلقات شخصی
 را ترک کردہ چنان
 ادمل خود را در راہ
 خدا متحد کند و برای
 خوشنودی حضرت
 وی تقصیر و تحملے
 قربانی آخرین خود را
 بدین ہی کند پس بعضی
 پس بہا جہاد امر دہ

نعم باید نهایی باشد آن مقام رضای باری تعالی است بجز ترک وطن مالوف و گذشتن خانه و مصالح را در راه خدا گویند و این بس عزیز می باشد

فتح الرحمن

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

كثرتكم فلم تغن عنكم شيئا وضاقت عليكم الارض بما رحبت

بسیاری شما پس دفع نکرد آن بسیاری از شما چیزی را و تنگ شد بر شما زمین با وجود فراخی آن

ثم وليتم تدبيرين ۱ ثم انزل الله سكينته على رسوله وعلى

پس بر گشاید بقیلت داده باز فرستاد خدا را تسکین خود را بر پیغمبر خود و بر

المؤمنين وانزل جنودهم ثروها وعذب الذين كفروا وذلك

مسلمانان و فرستاد لشکری را که شما ندیدید ایشان را و عقوبت کرد کافران را و این است

جزاء الكافرين ۲ ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء و

جزای کافران باز بر می آید پس رجوع بر می آید ازین پس هر که خواهد و

الله مغفور ۳ يا ايها الذين امنوا انما المشركون نجس فلا

خدا آمرزنده مهربان است ای مسلمانان جز این نیست که مشرکان پلید اند پس باید که

يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا وان خفتم عيلة فسوف

نزدیک نشوند مسجد حرام بعد از همین سال ایشان و اگر می ترسیدید از درویشی پس بزدی

يعينكم الله من فضله ان شاء الله عليكم حكيم ۴ قالتوا

تو که خواهد ساخت شمارا خدا از فضل خود اگر خواهد هر آنچه خدا داند دست راست و چپ کند

الذين لا يؤمنون بالله ولا باليوم الآخر ولا يحرمون ما حرم الله

با آنانی که ایمان نمی آرند بخدا و نه بروز آخر و حرام نمی شمرند آنچه حرام کرده است خدا

ورسوله ولا يدينون دين الحق من الذين اوتوا الكتاب حتى

و پیغمبر او و اعتبار نمی کنند دین درست را از این کتاب تا آنکه

يعطوا الجزية عن يديهم صاغرون ۵ وقالت اليهود عزير

دهنده جزیه را از دست خود خوار شدند و گفتند یهود که عزیر

ابن الله وقالت النصارى المسيح ابن الله ذلك قولهم يا قواهم

پسر خدا است و گفتند نصاری مسیح پسر الله است این قول ایشان است بدیهای ایشان

يضاهون قول الذين كفروا من قبل قاتلهم الله اتي بكون

مشابهت کرده اند با سخن قومی که کافر شدند پیش ازین و گفتند که خدا چگونه برگردانیده میشوند و

اتخذوا احبارهم و رهباهم اربابا من دون الله والمسيح ابن ماري

خدا گرفتند و بزرگان و پادشاهان خود را و خدا را بجز الله و مسیح پسر ماری را

همه بگرفتند و بزرگان خود و خدا را بجز الله و مسیح پسر ماری را و خدا را بجز الله

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

وَمَا أَمْرُهُمْ إِلَّا لِلْعَبْدِ وَالْهَاءُ وَاحِدَةٌ إِلَّا لَهُ هُوَ مُبْتَدَأٌ عَمَّا

دین فرموده شده اند مگر آنکه عبادت کنند یا خدا را نیست معبود بخیر وے یا کست وے از انکه
حال آنکه امر شده بایشان مگر آنکه عبادت کنند معبود یگانہ را نیست معبودی غیر او پاک ویراست از آنچه

لَيْسَ كُفْرًا أَنْ يُطْفِئُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَقْوَامِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ

شریک او مقر می کنند می خواهند که فروشانند نور خدا را بدیان خود و قبول نمند خدا
شریک او مقر می کنند می خواهند که فروشانند نور خدا را بدیان بای خود : منع می آرد البتہ

الْآن بَيِّنْهُ لَنَا وَتُورَةٌ وَزُكْرَةٌ الْكَافِرُونَ ۝ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

الا انك تمام سازد نود خود را اگر چه ناخوش شوند كافران
مگر از بيك تمام كنند نور خود را اگر چه بد بريدن كافران

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٥٠﴾

بهدایت و دین راست تا غالب کندش بر ادیان همه آن اگر چه ناخوش شودند مشرکان
بهدایت و دین راست تا غالب سازد آن را بر ادیان همه اگر چه بداندند مشرکان

لَا يَكُونُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا كَثِيرًا مِّنَ الْأَجْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَاْكُلُوا أَمْوَالَ

اے مسلمانان پر آئینہ بسیاری از دانشمندان و زاهدان اہل کتاب می خوانند اماں
اے مومنان بمحقق بسیار از علماء و عابدان اہل کتاب می خوانند مال ہای

النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيُصِدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكُونُونَ

مردمان را بیاطل و باز می دارند از راه خدا و آنانکه ذخیره می کنند
مردم را بناتق و منع می کنند (مردمان را) از راه الله و آنانکه ذخیره می کنند

الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَفْقَهُ هَاهُنَا سَبِيلَ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ

و لقره را و خرج غنی نمایند آن را در راه الله پس مرده سپید ایشان را

الْيَوْمَ يُخَالِفُ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكَلِّمُ فِيهَا جِبَاهَهُمْ وَجَنُوبَهُمْ

روزیکه گرم شود و بر آن مال در آنش دوزخ پس داغ کرده سودمان پستیای ایشان را و به پهلوی
 روزیکه گرم شود آتش بر آن مال بهار آتش جیمن پس داغ کرده شود به آن پستیای مای ایشان را و به پهلوی

وَضَهُورَهُمْ هَٰذَا أَمَّا كُنْتُمْ لَا تَفْقَهُونَ فَلَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

و پشت ایشان را و گفته شود ایست آنچه دجیره بپایید برای خود پس پیشید آنچه دجیره می گردید
و پشت بای شان گفته می شود برای ایشان این پشت آنچه خزان می گردید برای نفسهای خود اکنون پیشید و مال آنچه ذخیره می

ان عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يُذَكِّرُ

بر آئینه شمار ماه با نرود خدا دو ازمده ماه است در کتاب خدا روزیکه آفرید

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُوفٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ

آسمانها و زمین را اذان جمله چهار بار حرام است این است دین راست

فَلَا تَطْلُبُوهُ فِيهِمْ أَنْفُسَكُمْ وَوَقَاتُوا النَّفْسَ الْكَافِرَةَ
بِامْرِكَانِ هُمَا الْإِثَانِ چنانکه

پس ستم ملینده دران چهار ماه برخویشتن یعنی بختگینده بامشکان بیه ایان چنانکه

يَقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً مَا وَعَدْنَاهُمْ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ مَعَ الْمُتَّقِينَ ۝ إِنَّهَا لَنُؤْتِي

جنگ می کند با شما همه و بداند که هر آینه خدا با متقیان است عه جز این نیست که نشی

از این آیه بدون آنکه یکبار با کفار بهاره رو است ز چنانکه غزو هجرت که ذکر آن بی آیه در ماه رجب بود (طلم بر یکدیگر می پیسته گناه است اما در این ماه

ولا يجنبه شبها
 تقريري كنزدر الطال
 بين والدا ۱۲ و
 يني نكوة في دهنده ۱۲
 و يني دهنده خود ۱۲
 و مزمز گوید در روز
 حضرت امرايم تقدر
 بودا در محرم و رجب
 ذقده و ذي الحجه يا
 ايكيه جگم كنكند و
 اهل جايلت اين
 حكيمدا تحريف كرده
 كاهن صفدا محرم
 مياخند و محرم را

صفرو علی بذالقیاس
 واین را انسی میکنند
 خدا قاطعاً اعلان
 حکمران باقی و امت
 باوجود که جنگ ناحق
 بیجا و درست نیست
 و درین احوال حضرت
 آن مصلحت شود و
 جنگ با کافران همه
 وقت و در صورت اعت
 و نفی تحریف ایشان
 فرمود ۱۲ یعنی
 قتال ناحق ۱۳

تفسیر غنائی
عنه علیه السلام که در ترو
منه بخیل میگوید که در
راه خدا مال صرف
کند بر جبین گروهی
اگر بار دین را با وجود
اعراضی می کند و بهل
توی می نهد اگر اعدا
باز هم نهد: بدلیست
گردانیده و دان می
شود از این راه و اعدا
و نقره دارد و تش و
سرخ نموده بر جبین
و لیست و بهلوی
می گذارند تا خوب
لذت ندهد و خشن
و غیر که آن آتش
شود عده حضرت
روحانی می نگارند
از عده

بسم الله الرحمن الرحيم

دارا کی سپین است و لی بهتر است اگر کاری این ماه با اس گجه ده دانه جانب سلطانان نیز آغاز گردد.

ما من مخرج من هذا عظم
 صلى الله عليه وسلم در
 وقت عسرت و گری
 بود و متوجه غزوه تبوک
 شدند و بسیار
 از محاپه موافقت کردند
 و از مسلمانان هر کس
 بے عقد خلف
 کردند و توبه
 ایشان بجزایه
 روز قبول افتاد و از
 منافقان کلمات نفای
 سر بر زد و خدای تعالی
 در مدح ایمان و دین
 آنان و عفو از ایشان
 کس آیات و دستاورد
 و آیت ابوبکر صدیق
 را ۱۲ صلواتی در
 حالیکه اسب و حشم
 بسیار در داریا بجز
 قدر ضروری بدست
 شانه نشاند و باین
 توجیه آیت حکم باشد
 فیفسوخ والله اعلم
 تفسیر عثمانی
 در تفسیر بر حق اقام
 برای آنکه حساب
 ماه های خود را درست
 نگه دارند و روز بای
 یک ماه معین را ببرد
 از هر سال زیاده
 می کنند این در نسی
 داخل نیست از
 بعضی اکابر سلف
 راجع به نسی نقل کرده
 اند که عرب در زمان
 جاهلیت مدد ماه را
 سال را تبدیل می
 کردند مثلاً بجائے
 ۱۰ زده ماه میگرفتند
 و یا ساب را طوری
 اخلال میکردند که
 ذوالقعدة به ذوالحجه
 بدل میشد و در سال
 ۹ هجری راجع ابوبکر
 نیز بحساب ایشان

بِإِذْنِهِ فِي الْكَفْرِ يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَمْ جَاءُونَكَ عَامًّا
 زیاد نیست در کفر همراه گردانیده می شوند باین کافران حلال می گردان آن ماه را یک سال و حرام
 زیاد می است در کفر همراه گردانیده می شود به آن کافران حلال می گردان آن ماه را یک سال و
يُجْرِمُونَكَ عَامًّا لِيُؤْثِرُوا بِاللَّهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ
 می گردان آن را سال دیگر تا موافقت کنند با شما آنچه حرام ساخته است خدا پس حلال سازند چیزی را که حرام ساخته است خدا
 حرام می گردان آن را سال دیگر تا موافقت کنند با شما آنچه حرام ساخته است خدا پس حلال سازند چیزی را که حرام ساخته است خدا
ذِينَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ
 آراسته کرده شده است برای ایشان کردار را باین بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را و
 آراسته کرده شده برای ایشان کردار را باین بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را و
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَالَكُمْ أَزْأَقِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 ای مسلمانان چیست شمارا که چون به شما گفته میشود بیرون آید در راه خدا
 ای مسلمانان چیست شمارا که چون گفته می شود بیرون بیرون آید در راه خدا
أَنْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ
 گران شده میل می کنید بسوی زمین آیا رضامند شدید بزندگانی دنیا عوض آخرت
 گران شده میل می کنید بسوی زمین آیا رضامند شدید بزندگانی دنیا عوض آخرت
فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ۝
 پس نیست متاع زندگانی دنیا در برابر آخرت مگر اندکی اگر بیرون نیابید
 پس نیست متاع زندگانی دنیا در برابر آخرت مگر اندکی اگر بیرون نیابید
يَعْلَمُ بَكُمْ عَدَا ابْنِ الْمُنَافِقِ وَبِئْسَ مَا غَيْرَكُمْ وَلَا تَصْرُوهُ شَيْئًا
 عذاب کند شمارا عذاب بی دروغ منزه و بدل شما میگرد قومی را بجز از شما و ضرر رسانده نتوانید خدا را بجز
 عذاب کند شمارا عذاب بی دروغ منزه و بدل شما میگرد قومی را بجز از شما و ضرر رسانده نتوانید خدا را بجز
وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝
 و خدا بر همه چیز توانا است اگر تصرف نمیدید پیغمبر را چه پاک بر آینه قدرت داده است او را خدا تعالی آنگاه که بیرون کردند
 و خدا بر همه چیز توانا است اگر تصرف نمیدید پیغمبر را چه پاک بر آینه قدرت داده است او را خدا تعالی آنگاه که بیرون کردند
الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَا نِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ
 کافران دوم و کس آنگاه که این دو کس در غار بودند آنگاه که می گفت یار خود را و
 آنگاه که کافران در حالیکه دوم تن از دو بود و وقتی که هر دو در غار بودند آنگاه که گفت رسول برای رفیق خود
لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ
 اندوه مخور هر آینه خدا با ما است پس فرو فرستاد خدا تسکین خود را بر پیغمبر و قوت دادش
 غم گین مشو بیشک الهی همراه ما است پس فرود آورد الهی تسکین خود را بروی و تقویت داد او را
بِحُجُودٍ لَمْ تَكْرُوهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السَّفَلَةَ ۝
 به لشکر با اینکه ندیدید آنرا و فرو تر ساخت سخن کافران را و سخن
 به لشکر با اینکه ندیدید آنرا و فرو تر ساخت سخن کافران را و سخن
اللَّهُ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝
 خدا بگو نیست بلند و خدا غالب در دست کار است بیرون آید سبیلار و گرانان و
 الهی همانست بلندتر و الهی غالب خداوند حکمت بزرگ است بر اینند برای جهاد سبک باران و گران باران
جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ
 جهاد کنید بمال خود و جان خود در راه خدا این بهتر است شمارا
 جهاد کنید بمال خود و نفس بای خود و در راه خدا این بهتر است برای شما

در ماه ذوالقعدة در آن حدیث «ان الزمان قد استدار كهيئة النج» نیز بر طبق همین اصول تفسیر شده است حافظ ابن کثیر به تعقیب آن سخن را زده است که اینکه بجای

۱۰ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ لَوْ كَان عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا
 اگر می دانید اگر بودی آنچنان دعوت می کنی بفتح قریب المحصول و سفری آسان
 اگر می دانید اگر بودی آنچنان دعوت می کنی بفتح قریب المحصول و سفر میان

تَبْعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ السُّفُطُ وَسَيَجْزِيكَ اللَّهُ
 پیروی می کردند ترا و لیکن دور نمود ایشان را مسافت راه و سوگند خواهند خورد بخدا
 هر آینه پیروی می کردند ترا و لیکن دور شد بر ایشان مسافت و زود قسم شوند به خدا

وَأَسْتَطْعَمُ الْآخِرَ جَنَامَكُمْ يَهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
 اگر می توانم تسلیم بیرون می آیدیم با شما ملک می کنند خویش را و خدا می داند
 اگر قدرت داشتیم هر آینه بیرون می رفتیم همراه شما ملک می کنند نفس بای خود را و خدا می داند

لَهُمْ لَكِذْبُونَ ۝ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لَمَ أَذْنُتْ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ
 ایشان دروغ گویند عفو کند خدا از تو چنانکه صورتی دادی ایشان را منع اذن تا آنوقت بود که بویده استوند
 که بیشک ایشان هر آینه دروغ گویند عفو کند خدا از تو چرا رحمت دادی ایشان را تا اینکه آشکارا می شدند

لِالَّذِينَ صَدَقُوا أَوْ تَعْلَمُ الْكَاذِبِينَ ۝ لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ
 راست گویند و بدانی دروغ گویند را دستور می طلبند از تو آنانکه
 راست گویند و بدانی دروغ گویند را نمی خواهند اذن از تو آنانکه

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
 ایمان آوردند بخدا و روز آخر در مختلف از آنکه جهاد کنند با اموال خویش و جان خویش
 ایمان دارند بالله و بروز آخر در مختلف از آنکه جهاد کنند با اموال خود و نفس بای خود

وَاللَّهُ عَلَيْهِمُ يَاسْتَقِين ۝ إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
 خدا دانست متقیان جز این نیست که دستور می طلبند از تو آنانکه ایمان نمی آرند
 الله دانست به ترسندگان جز این نیست که رحمت می طلبند از تو آنانکه ایمان ندارند

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَمَا فِي رَبِّهِمْ
 بخدا و روز آخر و شک آورده است دل ایشان پس ایشان در شک خود
 بالله و بروز آخر و شک کرده دل بای شان پس ایشان در شک خود

يَتَرَدَّدُونَ ۝ وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عَشْرَةَ كَرَّةٍ
 سرگردان می شوند و اگر خواستند بیرون آمدن میپایا کردند برای آن سفر سامان را و لیکن ناپسند داشت
 (سرگردانند) عا و اگر اراده می داشتند بیرون شدن را هر آینه تیار می کردند بران اسباب و لیکن ناپسند داشت

اللَّهُ أَعْلَمُ أُنْبَاءَهُمْ فَتَبَطَّحُوا وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقُعْدِيْنَ ۝ لَوْ
 خدا بر آگاهی ایشان پس از حرکت باز داشت ایشان را و گفته شد بنشینید با نشینندگان و اگر
 الله قیام ایشان را پس باز داشت ایشان را و گفته شد بنشینید با نشینندگان اگر

حَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعِفُوا إِلَّا جَلْدَكُمْ
 برمی آمدند میان شما نمی افزودند در حق شما مگر ضایع و البته مرگ می تاخند میان شما
 بیرون می شدند در میان شما نمی افزودند در شما مگر فساد و هر آینه می تاخند لب فساد و فساد در میان شما

يُفَعِّلُكُمْ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمْعُونُ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلَيْهِ
 فتنه جوینان در حق شما و میان شما سخن می شنوند از ایشان و خدا داناست
 می طلبند برای تان فتنه را (دور میان شما) (مسخوندگان) جاسوسان برای ایشان است والله داناست

لِالظَّالِمِينَ ۝ لَقَدْ ابْتَغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَبُوا الْأُمُورَ
 ستمگران هر آینه طلب کرده بودند فتنه را پیش ازین و برگردانید برای تو
 ستمگران عا (بیشک) می جستند فتنه را از پیش و برگردانید برای تو مصححت با

فل یبکی لبوگند
 درخ: انک داین تقوی
 است القای عزم
 مختلف لمر فالتیمن
 ۱۲ فل یبکی سبی درفت
 می کردند ۱۲ یعنی
 سخن ایشان بجز می کنند
 نفس عثمانی
 عا س یک دل با
 شان ایمان و تقوی
 اب روشن است ایشان
 ۱۳ نسر و کینه کنند
 و از جهاد کنایه جویند
 اجازه خواهند آنچه را
 ایشانرا سزاوار
 است در آخر این
 پاره بیاید و تلو و
 اعینهم تفضیل من المرح
 تر نانا لا یجود اما
 یتفقون یعنی اگر
 انلاس و غیره ایشان
 را از شرف جها ن
 سبیل الله می بهره
 سازد دل بای شان
 به قرار و چشمان شان
 پر سرشک گردد و رتقا
 تنگی که از جهاد کناره
 می جویند اجازه
 نرفتن می طلبند شیوه
 طایفه ایست که بروند
 بای کرد کار یقین ندارند
 وزندگی آخرت را
 نیشنا سند و در نیشات
 بای خدا به پیروزی
 اسلام و مسلمین بنظر
 شک می نگرند عا
 اکنون نیز جاسوس
 بای شان در میان
 شهادت برخی از
 شهادت ساده لوح اند
 و نمی اندیشند از
 حرف ایشان که پیشتر
 متاخر می نمود این کفر
 هر چند این زمره چنانکه
 مقتضی شراست شما
 بود فتنه بر پا کرده

والتعداد یک حیث بودن این جاسوسان مفید است زیرا عزم و اراده و جاهلانی را بچشم سری می گردند و برای دیگران می گویند در میان بیت مسلمانان را جای نمی کنند

فایضه مراد بلاد

روم میرید که جان میباید

دیده مفتون غلام

شد و الله اعلم ۱۲

و کلمه یعنی پنهان باشد

مواظقت کرده ایم یا

از سفر تخطی نموده ایم

ما را هیچ پاک نیست

و الله اعلم ۱۲ لغت

عذره اسباب اور

ما مان سازد ساخت

فقطهم باز که

ان کو التبت کسی کو

کام سے باز رهنما

خبالا فساد خرابی

تباہی کا وضع

تحقیق گهرو سے دور

لا یضام تیر جلانا

دور انا سامعون

جاسوسین سماع و

جاسوس ۱۲

یعنی یا شهادت

۱۲ یعنی مشتق

جمع حال و حفظ اول

و تاسع بر پنج وقت

شود و الله اعلم ۱۲

تفسیر عثمانی

عنه مناقب بزرگ

و حدیث تیس گفت

مرا بگذارد زمان را

زبان بدین

بگویم ناب نیارم بهتر

آنست که آنجا نشوم

و مرا برید تا نگرا

انگرم این را گفته

و به ترس و کذب

پرده تقوی و زهد

دروغی را بر چنین

خود آوخت و در

مخاک کما می افتاد

و هم کفو نقاشی او

و در مخاک هم جا خواهد

داد بر می دیگر حکم

آیت را در باب

مناقضت گرفته و

مطلب لا لغتی

را چنین بیان کرده

حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَرِهُونَ ۖ وَمِنْهُمْ مَن

تا آنکه بیاید نصرت حق و غالب شود کار خدا و ایشان ناخوایان بودند و از ایشان

بگوید اَعْدَن لِي وَلَا تَفْتِنِي ۖ اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا ۚ وَإِنَّ

کمی گوید دستور می ده مرا در فتنه مینداز مرا و ایستاد از مرا در فتنه آگاه باش در فتنه افتاده اند و پیر آئینه دور

کسبیت که می گوید اذن ده مرا و ایستاد از مرا در فتنه آگاه باش در فتنه افتاده اند و پیر آئینه دور

لَمْ يَجِطْ بِالْكَافِرِينَ ۚ اِنْ تُصِيبْكَ حَسَنَةٌ تَسُوءُ هُمْ ۚ وَاِنْ

در گیرنده است کافران را اگر برسد به تو نفع ناخوش کند ایشان را و اگر

تُصِيبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا

برسد به تو مصیبت می گویند به تحقیق گرفته بودیم کار خود را از پیش و باز می گردند در حالیکه ایشان

هُمْ فَرِحُونَ ۚ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا اِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا ۚ هُوَ مُوَلِّدُ

شادمان شده بگو هرگز نرسد بجا مگر آنچه نوشته است خدا برای ما اوست کار ساز

وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۚ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا اَلَا

و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان بگو انتظار نمی برید در حق ما مگر یک

اَحْسَنَیْنَ وَنَحْنُ نَرَبَّصُ بِكُمْ اِنْ يُصِيبْكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ

از دو محضت یک را و ما انتظار می کشیم در حق شما که برساند عذاب را از

عِندَهُ اَوْ يَأْتِيَنَّاهُ فَنَرَبَّصُوا اِنَّا مَعَكُمْ مُّتَرَبِّصُونَ ۚ قُلْ اَلْفَق

نزد یک خود یا بدست ما پس انتظار کشید بر آئینه ما نیز با شما منتظر ایم بگو ای منافقان خرج کنید

طَوْعًا اَوْ كَرْهًا لَّنْ يَّتَقَبَّلَ مِنْكُمْ اِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ ۚ و

بخوشی یا ناخوشی هرگز قبول کرده نخواهد شد از شما هر آنچه شما هستید قوم فاسقان

مَامْنَعُهُمْ اَنْ يَقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ اِلَّا اَتَهُمْ كَفْرًا وَاِيَا اللَّهِ ر

مازنداشت ایشان را اذن که قبول کرده شود از ایشان خرج ایشان الا آنکه ایشان کافر شدند بخدا و

رَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ اِلَّا وَهُمْ كَسَالَىٰ وَلَا يَنْفِقُونَ

رسول او و نمی آیند به نماز مگر کاهلی کنان و خرج نه می کنند

اِلَّا وَهُمْ كَرِهُونَ ۚ فَلَا تَجْعَلْ اَمْوَالَهُمْ وَلَا اَوْلَادَهُمْ اِلٰهًا

مگر ناخوایان پس بپس بگفت نیارد تر مال ایشان و نه فرزندان ایشان جز این نیست

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ اَنْفُسُهُمْ

می خواهد خدا که عذاب کند ایشان را با آنها در زندگانی دنیا و بر آید جان ایشان

که اراده دارد و الله که عذاب کند ایشان را بسبب آن اموال و در زندگانی دنیا و بر آید جان ایشان

را چنین بیان کرده اند اگر ما را بطوری برید خسارت مال قبل می کنند و بنا بر این به الای الفتنه سقطوا بایشان جواب داده شد

فتح الرحمن
واینها ایمان
بزرگان خود
تفسیر عثمانی
عنه منافقان در انجیل
بای شان از اسلام
و پیغمبر آن نبوت و
بر مومنین مادی
استهزای کردند بها
دین را باز چرخ
پنداشتند و اگر
گاهی به تصور آن می
که سخنان شان حقیقت
پیغمبری رسدی گفتند
چه باک پیغمبر سرا پا
گوش است بر تاول
و تبلیغی که نایم می
شود و می پذیرد اما
چون انشروی الهی
لناق و خفت باطن
شان آشکار میگردد این
میرسیند که مبادا
یک صورت
قرآن از
مخاطب پویند
و نیات نهانی
شان پرده
بردارد در
حقیقت دل
منافی از جبین
و ناتوانی نمیند
یک طرف قیام کند
از این جهت همیشه
متزلزل بودند و اگر
گاهی از مشاهد
اغراض و کرامت
نفس حضرت پیغمبر
متسل می شدند از
بیم صاعقه قرآن
مضطرب می گردیدند
از این جهت خداوند
فرود بهتر است شما
بر تصور استهزای
خویش مدامت کنید
و نسبت پیغمبر
در محافل و تفرقه
خود را تسلی دهید اما
خدا آشکارای کند چیز را که شما از آن میترسید و خدا غایت شمارا فاش نموده و سواي تان می گرداند - عه آیه متوجه شکفتنی خاطر در کتاب این است که با خدا و پیغمبر

يَحَادِدِ اللَّهُ وَرَسُولَهُ فَأَنْ لَهُ تَارَاجَهُمْ خَالِدًا فِيهَا

خلاف کند با خدا و رسول او پس هر آینه او راست آتش دوزخ جاویدان

ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ۝ يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنْزَلَ عَلَيْهِمْ

اینست رسوائی بزرگ می ترسند منافقان از آنکه فرود آورده شود بر مسلمانان

سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ ط قُلْ اسْتَهِزْءُوا رَأَىٰ اللَّهُ

سورتی که خبر دهد ایشان را با آنچه در دل بای منافقان است بگو مسخر کنید هر آینه خدا

فَخُذْ مَا تَخَذَرُونَ ۝ وَلَٰكِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا نَخَوْضُ

پدید آورده است چیزی را که می ترسید و اگر سوال کنی ایشان را گویند جز این نیست که ملار بنزل نزوح می نمودیم و

نَلْعَبُ قُلْ أَبَا اللَّهِ وَآيَتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ

بازی می کردیم بگو آیه ها و آیت های او و پیغامبر او مسخر می کردید

لَا تَعْتَدُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ تَعْفُ عَنْ

عذر مگویند هر آینه شما کافر شدید بعد از ایمان خود و

طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ تَعَذَّبُ طَائِفَةٌ بَالَهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ۝

سرگروهی از شما البته عذاب کنیم گروه دیگری را باین سبب که تحقیق ایشان بودند مجرمان

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَمُرُّونَ بِالْمُنْكَرِ

مردان منافق و زنان منافق بعضی ایشان از جنس بعضی اند می فرمایند بکار ناپسندیده

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ

دست می کنند از کار پسندیده و می بندند دستهای خود را فراموش کردند خدا را

فَنَسِيَهُمُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ وَعَدَّ اللَّهُ

پس خدا فراموش ساخت ایشان را هر آینه منافقان ایشانند فاسقان و عده داده است خدا

الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَتُ الْكَافِرَاتُ جَاهَنَ خَالِدِينَ فِيهَا

مردان منافق و زنان منافق و کافران را آتش دوزخ همیشه باشندگان آنجا

هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ كَذَٰلِكَ

دوزخ پس است ایشان را و لعنت کرد ایشان را خدا و ایشان راست عذاب دائم مانند آنجا

مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَكَثُرَ أَمْوَالُهُمْ وَأُولَادُهُمْ

پیش از شما بودند و در درازنه ایشان را الله از محبت و برای ایشان است عذاب برقرار بمثل آن کسانی

که پیش از شما بودند و درازنه ایشان را الله از محبت و برای ایشان است عذاب برقرار بمثل آن کسانی

اسْتَمْتَعُوا بِخُلُقِهِمْ فَاَسْتَمْتَعْتُمْ بِخُلُقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ

پس بهره مند شدند به نصیب خویش پس لطف گرفتید تا به نصیب خود چنانکه بهره گرفتید بودند

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخُلُقِهِمْ وَخَضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا

آنکه پیش از شما بودند به نصیب خویش و مشروخ در هزارا گردید چنانکه ایشان مشروخ در هزارا کردند

وَلِيكَ حِجَّتُ اَعْمَالِهِمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاولِيكَ هُمْ

آن عالمه نابود شد عمل بای ایشان در دنیا و آخرت و آن جماعه ایشان

الْخَسِرُونَ ۝ اَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَاُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمٌ عَادُوا

زبان کاران آیا نیامده است بایشان خبر آنکه پیش از ایشان بودند قوم نوح و عاد و

نُوحٌ وَاقْتُلُوا اُولَئِكَ قَوْمٌ فَاَسْتَمْتَعْتُمْ بِخُلُقِهِمْ وَاقْتُلُوا

نموده و قتل نمودید آنرا که پیش از ایشان بودند قوم نوح و عاد و

بِالْبَيْتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

به نشان بای روشن پس برگزید که خدا ظلم کند بر ایشان ولیکن ایشان بر نفس بای خود ظلم می کردند

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ اُولَئِكَ يَعْزُزُ يَمْرُؤُونَ

مردان مسلمانان و زنان مسلمانان بعضی ایشان کار ساز بعضی اند می فرمایند

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ

بکار پسندیده و منع می کنند از کار ناپسندیده و بر پای دارند نماز را و می دهند

الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۝ اُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ اِنْ

زکوة را و فرمانبرداری می کنند خدا و رسول او را این جماعه رحم خواهد کرد بر ایشان خدا امر آئینه

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ۝ وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي

خدا غالب در مرت کار است و عده کرده است خدا مردان مومن را و زنان مومن را جنت بای که می رود

مِنْ تَحْتِهَا اَنْهَارٌ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسْكَنٌ كَرِيمٌ ۝ اُولَئِكَ

نیز آن جویمها همیشه باشند گان آنجا و جایمهای پاکیزه در بهشت بای همیشه ماندن

وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ اَكْبَرُ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ

و خوشنودی خدا بزرگتر است از هر چیزی است این است کامیابی بزرگ

جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ

و جهاد کن با کافران و منافقان و درستی کن بر ایشان و جای ایشان دوزخ است

وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ ۝ اُولَئِكَ

و منافقان و درستی کن بر ایشان و جای ایشان دوزخ است

دل یعنی از دنیا

دل یعنی سیف

دل یعنی بزیان

تفسیر عثمانی

عده قوم لوح به طاعت

قوم عاده به نادر و قوم

شود به صبر و شوق غیبی

پاک شدند خدای

مستحل حضرت ابراهیم

غیر اسلام را بطریق

شگفت و خارق عاده

تائید نمود که از مشایخ

آن قومش ذلیل و نا

کام و غرور و شمر یار

شان بخت بای ذلت

جان سپرد و محاب

مدین به صبر و حبه

در زنده و خود ذلک بآ

شدند مسلمان قوم

نوح و زید و زید شد

و سنگباران کردند

تقصیر این اقوام

باستثنای قوم ابراهیم

در سوره اعراف گذشت

عده در آغاز و کور

احوال شافقان

بیان شد این جا

در مقابل آن صفات

مؤمنان مذکور می شود

یعنی هر یک که شافقان

مردم را از بیکی باز

داشته به پری ترفیع

می دهند و مؤمنان مردم

را از پستی باز داشته

به جنت آمده می گردانند

مشتق منافق می شود

دست مسلمان گشته

است منافق از

نقل نمی دهند مالی

خود را به جهاد صرف

اند مسلمانان از

دارای خویش بر طبق

تواضع و زکوة

و صدقات می دهند

مناقی خدا را بجای

و مؤمنان کرده مسلمان

است

مطالعین ایضا
پیغمبر صلی و این
نوشه از حکم است
والله اعلم
یعنی مزدوری چپ
پیدا می کنند و صدمه
می دهند ۱۲ و کلمه
برود صورت یک
۱۳ تفسیر عثمانی
۱۴ جهاد عبادت
از خنثای کوشش
است در دفع چیز
های ناپسند گاهی به
سلاح و قتی به
شمشیر زمانی بقیه
نزد جهور است
در مقابل منافق که
لسانیه اسلام
معترف است عذر
دل مسلمان نمی باشد
جهاد با سیف مشهور
نیست و در عهد نبوت
بر چنین نژادین
جهت لفظ جهاد
این آیت مشخص می
می باشد یعنی با ناس
باشمشیر یا قلم به
هر چه صلاح باشد
جهاد شود بعضی جهاد
بر آنست که اگر لفاق
منافق تمام آشکار
شود یا وی نیز باید
به شمشیر جهاد کرد
بهر حال چون در
مخبره چون لفاق
منافقین مرتاسر
آشکار شد در این
آیت هدایت آمده
نسبت به آنها به
سخنی رفتار کنند
حضرت پیغمبر صلی
الله علیه و آله چون
فطرت پس لطیف و
مهربان داشت
فما جیه من الله
لنت بهم الخ
ال مکرر کوع ۱۱ و

وَيَسِّرُ الْبَصِيرُ ① يَخْلُقُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةً
دو می بد جائست می گزید می خورد بخدا که گفتند و بر آینه گفتند سخن
و بد طرح است آن علم قسمی خوردند باشد که گفتند (آیه توبه سیده) و بیشک گفتند کلمه
الكُفْرُ وَكُفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَكَهَنُوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقُصُوا لَهُ
کفر و کفر شده اند بعد اسلام خویش او قصد کردند آنچه نیافتند و انکار نه کردند مگر
کفر و علانیه کاوش کردند بعد از (انکار کردن) اسلام خود و قصد کردند به آنچه نیافتند و عیب نکردند مگر
أَنْ أَعْنَاهُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا إِلَىٰ خَيْرٍ
بر آنکه تو مگر ساخت ایشان را خدا و رسول او از فضل خود و پس اگر توبه کنند بهتر باشد
لَهُمْ وَإِنْ يَتُوبُوا يَعِدْ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا
ایشان را و اگر برگردند از توبه عذاب کند ایشان را خدا عذاب درد منده در دنیا و
ببرای شان و اگر روگردانند از توبه عذاب کند ایشان را الله عذاب درد ناک در دنیا و
الْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ وَلَا نُصِيرُ ② وَمَنْ لَهُمْ مِنَ
آخرت و نیست ایشان را در زمین یا هیچ کار ساز و نیست یاری دهنده و از ایشان کسی هست که
آخرت و نیست برای ایشان در زمین هیچ دوست و مددگار و از ایشان کسی هست که
عَذَابُ اللَّهِ لَكِنَّ اتِّمَامَ مِنْ فَضْلِهِ لَنُصَدِّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ
عذاب است با خدا البته اگر بدید ما را از فضل خود صدقه و عید و باقیم از نیکو کاران
پیمان کرده باشد که البته اگر بدید ما را از فضل خود صدقه می کنیم و اگر آینه ای باقیم از نیکو کاران
فَلَمَّا أَتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ يَجْلُو آيَهُ وَتُوبُوا لَهُمْ مَعْصُونٌ ③ فَاعْتَبِرُوا
پس و عینکه بداد ایشان را از فضل خود بچلی کردند بان و برگشته اعراض کنان پس خدا امتحان عاقبت حال ایشان را
پس چون داد ایشان را از فضل خود خویش جل کردند به آن و برگشته و ایشان اعراض کنند پس خدا امتحان عاقبت حال
نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَىٰ يَوْمٍ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَ
لَفَاقُوا دُولَ الْأَيَّامِ تَارُوكَ مِلَّةَ اللَّهِ يَسْبِقُونَ آيَةَ اللَّهِ يَتُوبُونَ بَعْدَ مَا وَعَدُوا
لَفَاقُوا دُولَ الْأَيَّامِ تَارُوكَ مِلَّةَ اللَّهِ يَسْبِقُونَ آيَةَ اللَّهِ يَتُوبُونَ بَعْدَ مَا وَعَدُوا
بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ④ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ
کیشامت آنکه دروغ می گفتند آیا ندانستند که خدا می داند سخن پنهان ایشان را و از گفتن ایشان را و
سبب آنکه دروغ می گفتند آیا ندانستند که خدا می داند سخن پنهان ایشان را و از گفتن ایشان را و
أَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ⑤ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ
آنکه خدا داننده غیب است آنانکه عیب می کنند در راه خدا رعیت کنندگان را از
آنکه خدا نیک دانا می عیوب است آنانکه عیب می کنند صدقه دهندگان را از
الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ
مسلمانان در صدقات و عیب می کنند آنان را که نمی یابند مگر مشقت خود را و
مسلمانان در صدقات و آنان را که نمی یابند مگر مشقت خود را
فَيَسْتَخِرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ⑥ اسْتَغْفِرُ
پس شیخی کنند با ایشان سخر کرد خدا بان سخر کنندگان و ایشان را است عذاب درد منده آمرزش طلب
پس شیخی کنند با ایشان (جز او خدا را) سخر کنندگان و ایشان را است عذاب درد منده آمرزش طلب
لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ
برای ایشان یا آمرزش طلب من برای ایشان و اگر آمرزش خواهی برای ایشان سبقتا بار هرگز نیامزد
برای ایشان یا آمرزش طلب کنی برای ایشان اگر آمرزش خواهی برای ایشان سبقتا بار پس هرگز نیامزد

اللَّهُ لَهُ ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

ایشان را خدا این بسبب آشتی که ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و خدا راه نمی نماید خدا ایشان را این بسبب آشتی که ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و خدا راه نمی نماید

فَرَحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ

شادمان شدند و پس گذشتگان به شستن خویش بر خلفان پیغمبر خدا شادمان شدند باز ماندگان به شستن خویش بر خلفان پیغمبر خدا

وَكَمْ هُوَ أُنْجَاهُ يَوْمَ هُمْ يَبْجَاهُونَ

و تا پسند کردند که جهاد کنند با موال خویش و بجان خویش در راه خدا و گفتند و تا پسند داشتند که جهاد کنند با موال خویش و بجانهای خویش در راه خدا و گفتند

لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرْبِ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ

با یک دیگر بیرون مروید در گرمی بجو آتش دوزخ سخت تر است در گرمی اگر در می یافتند چنین نکرده بیرون مروید در گرما بجو آتش دوزخ سخت تر است در گرما اگر در می یافتند چنین نمی کردند

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكِوْا كَثِيرًا وَجَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

پس باید که بخندند اندکی و بگریزند بسیار جزای آنچه می کردند پس اگر پس باید بخندند اندک و بگریزند بسیار جزای آنچه می کردند پس اگر

رَجَعَكُمْ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ الْخُرُوجَ فَقُلْ لَنْ

باز آرد ترا خدا طایفه ای بسوی من برگرداند پس دستور می طلبند از تو برای بیرون آمدن و بگو بیرون باز آرد ترا خدا بسوی من برگرداند پس دستور می طلبند از تو برای بیرون آمدن پس بگو برگرد

تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ

نخواهید آمد با من هرگز و جنگ نخواهید کرد همراه من یا هیچ دشمنی بر آئینده شما ضامن شد بدید به شستن بیرون نخواهید آمد همراه من یا هیچ گاه و هرگز جنگ نخواهید کرد همراه من یا هیچ دشمنی بر آئینده شما ضامن شد بدید به شستن

أَوَّلَ حَرَّةٍ فَافْعَلُوا مَعَ الْخَالِفِينَ وَلَا تَصِلْ عَلَى أَحَدِكُمْ ذَاتُكَ

اول بار پس بر پشت بینید با پس ماندگان و یا محمد نماز مگذار بر هیچ یکی از ایشان که نمید اول بار پس بر پشت بینید با پس ماندگان و نماز مگذار بر هیچ یکی از ایشان که نمید

أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّكُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَمَّا تَوَأْوَهُمْ

هرگز و یا نیست بر گور او بر آئینده ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و مردند و ایشان هیچگاه و یا نیست بر گور او بر آئینده ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و مردند و ایشان

فَيَسْقُونَ ۚ وَلَا يُغْنِيكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ

ناقص بودند و بشکفت نیارد ترا اموال ایشان و فرزندان ایشان جز این نیست که میخواهد خدا که ناقص بودند و بشکفت نیارد ترا اموال ایشان و فرزندان ایشان جز این نیست که میخواهد خدا که

يُعَذِّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ كُفْرَهُمْ ۚ وَإِذَا أُنْزِلَتْ

عقوبت کند ایشان را با آن در دنیا و بپوشد روح ایشان و ایشان کافر باشند و چون فرود آرد و عقوبت کند ایشان را با آن در دنیا و بپوشد روح ایشان و ایشان کافر باشند و چون فرود آرد و عقوبت

سُورَةٌ أَنْ أَمْنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنُكَ أُولُوا

سور که باین مطمئن که ایمان آرید بخدا و جهاد کنید همراه رسول او دستور می طلبند از تو خداوندان سور که ایمان آرید بخدا و جهاد کنید همراه رسول او دستور می طلبند از تو خداوندان

الْقَوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا أَذْنَا نَكُنْ مَعَ الْقُعُودِينَ ۚ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا

و دعوت از ایشان و گویند بگذار ما را تا با شما باشد استسگان راضی شدند با آنکه باشند قوت از ایشان و گویند بگذار ما را تا با شما باشد با شستن راضی شدند با آنکه باشند

فتح الرحمن
ول من هم كوفي مراد
خبرست با آنکه در دنیا
خواهند خنید و در
آخرت خواهند
گرفت ۱۳
یعنی برای اجرا
۱۴
تفسیر عثمانی
عنه چون عبد الله
ابن ابی ریحان
المتأقین در مدینه
منوره مرد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله
بر این مبارک
خویش را به کفن
وی داد و جواب این
فرموده را در دهان
او افکند تا جنازه
وی را خواند و در باره
اش دعای مغفرت
کرد حضرت عمر فاروق
شد و گفت ای پیغمبر
خدا او کسی بود که رفت
با انوی رنج باو دیدم
و بهار علم بردار کفر
و نفاق بود آیا خدا
تلقین استغفر لهم
اولا تستغفر لهم انم
پیغمبر گفت ای عمر
خدا مرا از استغفار
باز نداشت و مراد
این آزاد گذاشته
که امرزش خواهم یا
نخواهم بخشایش
کند خداست اگر
استغفار من در
باره آنها نافع اند
نشود ممکن است
بده دیگران مفید
نماند کرد و عثمان
بندگ اگر این دوست
اخلاق و رحمت عالم
پیغمبر خدا را ساینه
کنند با سلام آیند
چنانچه این امر
بود و پیوست
لایزال استغفار از خداوند باری در این جمله حضرت پیغمبر علیه السلام فرموده که خود نیز

تفسیر عثمانی
 عه چنانکه باشد
 مدینه هم منافقین و هم
 مومنین مخلص سید
 میشود در اعراب
 نشین نیز از مختلف
 موجودی باشند و
 طایفه از آنها که
 شده بدویان مخلص
 در خانه این رکوع
 ومن الاعراب من
 یؤمن بالله
 الیوم الاخر
 الایه ذکر میشود
 اینجا ذکر دو
 طایفه اعراب است
 معذون - قاعد
 در مصداق طائفه
 اول معذون
 مفسرین سلف
 اختلاف است که
 آیا مراد از آن
 منافقانی است که
 بهانه بای دروغ
 میباشند چنانکه
 از ترجمه معلوم می شود
 و یا مسلمانانیکه
 راستی عذر داشته
 و حقیقه از شرکت
 جهاد مذور بودند
 اگر شش اول گرفته
 شود در این آیت
 و قسم متاق بیان
 شده (۱) معذون
 یعنی کسانی که با وجود
 نقایص برای
 ظاهری حیل
 دروغ تراشیده از
 آنحضرت صلی الله
 علیه وسلم اجازه می
 طلبیدند (۲) قاعد
 یعنی آنانکه نخست
 بدو دعوی ایمان
 نمودند و ظاهری
 نیز نکردند پس که نام
 جهاد را شنیدند در
 خانه بای خویش
 آمدند و چنانکه

مَعَ الْخَوَافِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ۝ لَكِنَّ الرَّسُولَ
 بازتابان پس مانده و مهر نهاده شد بر دل ایشان پس ایشان فهم نمی کنند
 وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ
 و آنانکه ایمان آوردند با او جهاد کردند با اموال خود و جان بای خود و این جماعه
 لَهُمُ الْخَيْرُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ
 ایشان را است نیکی با و این جماعه ایشانند رستگاران آماده ساخته است خدا برای ایشان بوستانها
 بِجَنَّتِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝
 میرود زیر آن جویها جاوید آن آسجا اینست فیروزی بزرگ
 وَجَاءَ الْمُعَذَّبُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ
 و آمدند اهل عذاب از صحرا نشینان تا ازین عذر بخواهند داده شود ایشان را و نشنیدند آنانکه
 كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ
 دروغ گفتند یا خدا و رسول او یعنی در اظهار اسلام خواهر رسید بکافران از ایشان عذاب
 أَلِيمٌ ۝ لَيْسَ عَلَى الضَّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ
 درو دهنده نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر آنانکه
 لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرْبًا إِذَا نَصَحُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ مَا عَلَى
 نمی یابند آنچه خرج کنند هیچ گناه چون نیک خواهی کنند یا خدا و رسول او نیست بر
 الْحَسِينِ مِنْ سَبِيلِ اللَّهِ عَفْوٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَا عَلَى الَّذِينَ
 نیکوکاران بیای راه عتاب و خدا آمرزنده مهربان است و نه بر آنانکه
 إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا
 چون بیایند پیش تو سواری دهی ایشان را گوئی نمی یابم آنچه سوار کنم شما بران بازگردند و
 أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ
 چشم ایشان روان باشد بابت گریه یا بابت آنچه خرج کنند جز این نیست که
 السَّبِيلِ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُكَ وَهُمْ أَغْنَاءُ عَنْ رِضْوَانِ
 راه عتاب بر آنان است که دستور می طلبند از تو و ایشان توانگر اند راهی شدند باینکه
 يَكُونُوا مَعَ الْخَوَافِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝
 باشند بازتابان پس مانده و مهر نهاده خدا بر دل ایشان پس ایشان فهم نمی کنند
 باشند بازتابان پس مانده و مهر نهاده الله بر دل های شان پس ایشان نمی دانند

آزبندند و چنانکه بایک شدند و از جهاد گشته که برای عذر خواهی تیر میزدند به این تقدیر سید صیب الذین کفروا منهم بهر دو طایفه شامل است و معنی آن

يَعْتَدِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَأَوْكُمْ

عذر خواهی کنند پیش شما چون باز آید
عذر کنند بسوی شما هنگامیکه باز گردید

إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُونَ لَكُمْ قَدْ تَبَيَّنَ اللَّهُ مِنْ أَعْيَابِكُمْ

بسوی ایشان بگو عذر خواهی نکنید باور نکنیم سخن شما را هر آینه آگاه ساخته است خدا را از عیوب شما برای شما

وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ كَمَا تَبَيَّنَ إِلَيْهِمْ يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ

وخواهد دید خدا و رسول او عمل شما را یعنی در دنیا باز گردانیده شوید بسوی دامنزدن نهان و آشکارا

وَرُءَى بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ الْإِنسَانَ إِنَّهُ يَصْنَعُ الْإِنسَانَ مِثْلَ خَبِيرٍ

پس خواهد دید شما را با یکی میکردید سوگند خواننده خود بخدا پیش شما چون باز آید

يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ وَيَبْقَى الشَّجَرُ السَّادِقُ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى النَّاسِ نَذِيرٌ

پس آگاه می گرداند شما را بر آنچه قشای گردید زود است که هشم خورند بالند برای شما چون باز گردید

يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ وَيَبْقَى الشَّجَرُ السَّادِقُ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى النَّاسِ نَذِيرٌ

پس آگاه می گرداند شما را بر آنچه قشای گردید زود است که هشم خورند بالند برای شما چون باز گردید

يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ وَيَبْقَى الشَّجَرُ السَّادِقُ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى النَّاسِ نَذِيرٌ

پس آگاه می گرداند شما را بر آنچه قشای گردید زود است که هشم خورند بالند برای شما چون باز گردید

يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ وَيَبْقَى الشَّجَرُ السَّادِقُ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى النَّاسِ نَذِيرٌ

پس آگاه می گرداند شما را بر آنچه قشای گردید زود است که هشم خورند بالند برای شما چون باز گردید

يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ وَيَبْقَى الشَّجَرُ السَّادِقُ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى النَّاسِ نَذِيرٌ

پس آگاه می گرداند شما را بر آنچه قشای گردید زود است که هشم خورند بالند برای شما چون باز گردید

يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ وَيَبْقَى الشَّجَرُ السَّادِقُ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى النَّاسِ نَذِيرٌ

پس آگاه می گرداند شما را بر آنچه قشای گردید زود است که هشم خورند بالند برای شما چون باز گردید

يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ وَيَبْقَى الشَّجَرُ السَّادِقُ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى النَّاسِ نَذِيرٌ

پس آگاه می گرداند شما را بر آنچه قشای گردید زود است که هشم خورند بالند برای شما چون باز گردید

يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ وَيَبْقَى الشَّجَرُ السَّادِقُ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى النَّاسِ نَذِيرٌ

پس آگاه می گرداند شما را بر آنچه قشای گردید زود است که هشم خورند بالند برای شما چون باز گردید

يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ وَيَبْقَى الشَّجَرُ السَّادِقُ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى النَّاسِ نَذِيرٌ

پس آگاه می گرداند شما را بر آنچه قشای گردید زود است که هشم خورند بالند برای شما چون باز گردید

يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ وَيَبْقَى الشَّجَرُ السَّادِقُ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى النَّاسِ نَذِيرٌ

پس آگاه می گرداند شما را بر آنچه قشای گردید زود است که هشم خورند بالند برای شما چون باز گردید

يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ وَيَبْقَى الشَّجَرُ السَّادِقُ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى النَّاسِ نَذِيرٌ

پس آگاه می گرداند شما را بر آنچه قشای گردید زود است که هشم خورند بالند برای شما چون باز گردید

یعنی بر نسبت
از این جا

احوال یافتن و
مؤمنان مخلص مدینه

بیان شده بود اکنون
از یکی اوصاف اعراض

صحرای تنه بیان می
شود در میان آنها

نیز جنوع مردمند
کافر متناقض مسلمان

مخلص چون بادیه
نشینان فطرتا تیره

خو و سخت مزاحمت
چنانکه در حدیث است

ممن سکن البادية
حقا و از حمالس

علم و حکمت دور اند
فروع تهذیب دینیت

علم و عرفان در آنها
کمتر تاثیر می کند کفر

و اتفاق آنها نسبت
به کفر و منافقین

بلا شد بدتر می باشد
موقع نمی یابند که به

صحبت اهل علم و
صلاح برسند و احوال

در این شان سخت می
باشد و در راه کفر و

لحاق که خود اختیار
می کنند مانند سبیل

ایمان کور کور اند
در این شان سخت می

باشد و در راه کفر و
لحاق که خود اختیار

فتح الرحمن

و لیسوی در میان مسلمانان
 و قبل شوند و در
 احوال اولاد اقامت
 بینند و تفسیر عثمان
 ع و را بلی مدینه اگر
 از یک طرف این
 منافقان متحد اند که
 جزایم و مینات خود را
 در برده نفاق می پوشند
 و بر آن سخت استوار
 اند از سوی
 دیگر مسلمانانی
 هم پیدا می شوند که چون
 به مقتضای بیعت توفیق
 از ایشان صادر گردد
 تادم می شوند و با
 تامل به گنایان خویش
 اعتراف می کنند و گناه
 و صواب آنها مخلوط
 است گناه شان
 آنست که با وجود نیر
 عا که دعوت پیغمبر و رفو
 تیوک حاضر نشدند و
 صواب آنکه پس از آن باز
 غیاب خویش پشیمان و
 متأسف شدند و ظاهر
 و باطن توبه نمودند و در
 سایر اعمال مثالیست که
 ناز و دوزخ از کوه و ج
 غزافه و شرکیت زند
 این همه امور در دست
 حسا ایشان داخل
 است خدا این جهرا
 را امیدوار کنشایش
 خویش گردد از بدعت
 نگاشته اند این آیت
 در بده ابولیم و همرا
 او که از تن آسانی در
 تیوک حاضر نشدند و
 آمده اما بنیامین که
 پیغمبر را از تیوک شنیدند
 از فرط ندامت خلیفت
 را به ستون های مسجد
 بستند و سوگند کردند
 تا پیغمبر خود نیاید و آنها
 نه بخشایند و به دست
 خویش از زندان نجات

وَالشَّافِقُونَ الْآوُونَ مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَالْأَنْصَارُ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ
 و سبقت کنندگان از مجرمان و انصار و پیرویی ایشان کردند
 و سبقت کنندگان از مجرمان و انصار و پیرویی ایشان کردند
 بِأَحْسَنِ رِضَى اللَّهِ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي
 به نیکوکاری خوشنود شد خدا از جماعه و ایشان خوشنود شد ندا زوی و آماده ساخت برای ایشان بوستانهای گوناگون
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ① وَمِمَّنْ
 زیر آن جویها جارید آنجا همیشه اینست پیروزی بزرگ و از آنجا
 زبرد درختان آنها جویها جارید باشند در آن همیشه اینست کامیابی بزرگ و بعضی از آنانکه
 حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنْفِقُونَ ② وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَقَرُّوْا عَلَى
 حوالی شما اند از اعراب منافقانند و بعضی اهل مدینه خوشگشته اند
 گرد گرد شجاعت از اعراب با دیر نشین منافقانند و بعضی از اهل مدینه عادت گرفتند بر
 الْبِغْيَاءِ لَا تَعْلَمُهُمْ طَخُنَ عَلَيْهِمْ سَاعِدٌ بِهِمْ قَرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرُدُّونَ
 بنفاق و کینه دانی ایشان را امیدایم ایشان را عذاب خواهیم کرد ایشان را در دیار گم بازگردانیده شوند
 نفاق نمیدانی (نفاق) ایشان را امیدایم ایشان را زود عذاب کنیم ایشان را و مرتبه پس باز گردانیده شوند
 إِلَى عَذَابٍ عَظِيمٍ ③ وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا
 لیسوی عذاب بزرگ و دیگران سستند که اقرار کردند بگناهای خود آمیخته اند عمل نیک را
 لیسوی عذاب بزرگ و بعضی دیگر اقرار کردند بگناهای خود آمیخته عمل نیک و
 آخِرُ سَيِّئَاتِهِمْ إِنَّ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ④
 با عمل دیگر که بدست نزد یک است خدا بر رحمت متوجه شود بر ایشان هر آینه خدا آمرزنده مهربان است بگن
 دیگر عمل بد را فریب است که الله بر رحمت باز گردد بر ایشان بیشک الله بخشنده مهربان است عذاب
 مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ ط ⑤
 از اموال ایشان زکوة تا پاک سازی ایشان را و با برکت کنی ایشان را بان و دعای خیر کنی بر ایشان هر آینه
 از اموال ایشان زکوة تا پاک سازی ایشان را و با برکت کنی ایشان را به آن صدقه و دعای خیر کنی بر ایشان بیشک
 صَلَواتِكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ⑥ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ
 دعای تو سبب آرام است ایشان را و خدا شنوا داناست آیا ندانستند که خدا بخون گوید
 دعای تو تسکین مست برای او شان و الله بجز چیز نشنود ادا دانست آیا ندانستند که بیشک الله او قبول می کند
 التَّوْبَةُ عَنْ عَمَلِهِمْ وَيَا خُلَ الصَّدَقَاتِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ ⑦
 قبول می کند از سبندگان خود و میگرد صدقات را و آنکه خدا بخونست گوید بپذیرنده مهربان
 گوید را از سبندگان خود و قبول می کند صدقات را و بیشک الله اوست قبول کننده گوید مهربان
 وَقُلْ عَمَلُوا أَفْسِرِي لِلَّهِ كَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَارِدُونَ
 و بگو عمل کنید پس خواهد دید خدا و رسول او و مؤمنان عمل شما و گردانیده خواهند شد
 و بگو آنکه عمل کرده باشید پس زود می بیند الله عمل شما و رسول او و مؤمنان و بزودی باز گردانیده می شود
 إِلَى عِلْمِ الْغَيْبِ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ⑧ وَآخَرُونَ
 لیسوی داننده پنهان و آشکارا پس خبر دهد شما را آنچه می کردید و دیگران اند
 لیسوی دانای پندیده و آشکارا پس خبر دهد شما را آنچه می کردید و دیگران اند
 فَرَجَحُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ أَمَّا يَعْلَمُ بِهِمْ وَإِنَّمَا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
 حوقوف و استغاثه بر فرمان خدا یا اینست که عذاب کند ایشان را یا بر رحمت متوجه شود بر ایشان و خدا دانای
 است که خدا داده و رفته اند (قبول توبه نشان) برای حکم الله عذاب کند ایشان را یا بپذیرد و رحمت نماید بر ایشان و الله بجز چیز دانا

حِكْمَةٌ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَسَّحُوا بِرَأْسِهِمُ امْرُءًا كَرَاهٍ ۖ فَانْقَلَبُوا بِنُفْسِهِمْ عَلَيْهِمْ خِلَافٍ ۚ فَأَمَّا الْكُفْرَاءُ فَلَا تَعْلَمُ لَهُمْ سَاعَتُهُمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ الْبُزْءَ ۚ

وزارت ایشان اناندر کرساچتہ اند مسجد کے برای زیان و رسانیدن و بہکوت کمرہ برای الفرقہ افگنن میان
خدا و ملک بزرگ است عد و انانچہ فرا کرتند (ساختند) مسجدی را برای ضرر و کفر و برای الفرقہ انداختن میان

لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْأُولَىٰ وَالْآخِرَىٰ ۚ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ بِبَصِيرَةٍ

مسلمانان و زمین ها و مباحث بر آن است که جنگ کرده اند با خدا و رسول او و پیش ازین و
بر منان و برای انتقام مرگن شخص را که جنگیده با الله و فرستاده او و پیش ازین و

يُخْلِقْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحَسَنَ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

الیهو بنی خورند که چو استایم مگر حاصلت شیب را و حد کواهی میدیدیم که ایستادند و غلایانند
بر اینان سوز خورند که اراده نکردیم (به بنیاد که درین مسجد) مگر کاری نکردند و اندک کواهی میدیدیم که بیستایان خورند

نَقَمَ فِيهِ أَبَدًا الْمَسِيحُ جَدًّا أَسِسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَى أَنْ

ایست ایجا پر گز که بر آئینه مسیدی که بنیاد سپاده شده است بر میت لوی از اول روز بهت میت که
ایست برای ناز دوران (در مسیدی ضار) پر گز. بر آئینه مسیدی که اساس سپاده شده بر میت لوی از اول روز مسوده فرست

لَقَوْمٍ فِيهِ رِجَالٌ يُسْجِنُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا لِلَّهِ حُجُبًا مَكِينًا ⑨

استاده شیری در آن محبت و ارادت دارند که یک باشند از جنسیت ظاهری و باطنی و البته دوست محبت و پاکیزه

فَمِنْ أَشْهُسْ بُنْيَانِهِ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مِنْ أَشْهُسْ

آیا پس هر یک که اسامی نهاده آبادی خود را بر ترس از الله و بر همانندی (الله) بهتر است یا آن کسی که اسامی نهاده

بَيَانُهُ عَلَى شَفَا جُحْرِ هَارٍ وَأَنْهَارٍ فِي نَائِجَتِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

آبادی خود را برکنار رود که زیرش عمرو رسیل تپه شده در سرف سقوط یافت پس بیفتد آن عمارت یا بانی آن در آتش دوزخ و الله

قَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ اُولَٰئِكَ اَبْنَاءُ الَّذِي بَنَىٰ رِبْعَةَ فِي قَوْمِهِمْ

مردم ستمکاران را همیشه باشد عمارت ایشان آنگه خسته بودند و سبب شک و نفاق و دروغی بای شان

لَا تَقْطَعْ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۝ اِنَّ اللَّهَ اشَدُّ رِيقًا

عمر که پاره پاره شود دل بای ایشان و التذد انصاف بر هر خیزه خداوند حکمت بزرگست بیشک التذخریده است از

المؤمنين انفسهم واموالهم بان لهم الجنة يطبقون في

نفس ایشان و مال های ایشان را پاییکم باشد برای ایشان جهت جنگ می کنند و

سَبِيلَ اللَّهِ يُقْتَلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقِّي التَّوْبَةِ وَ

پس می کشند (کفار را) و کشته می شوند (گاهی) و عده که هست بر خیزد است در نورات و

الْأَجْمَلُ وَالْقُرْآنُ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبِشِرُوا بِهِ

و قرآن و کسب و فالنند و کربلای حسین از الله پس خوش باشید

يَسْمَعُ الَّذِي يَأْتِيهِ طُورُ ذَلِكَ هُوَ الْقَوْرُ الْعَظِيمُ ①

و این مقامات را کامیابی بزرگست

و منزه و مجید
 از منافق سمی
 ساخته بودند
 نامد تا قریب
 باشد و کینه
 خداست که
 از خود و
 و کلمات
 بر اساس
 گواهی است
 از
 اعلامی
 و دعوت
 که گناره
 گناهی از
 در اعلی
 و نبی
 تفسیر
 و در
 انبیا
 است

اینست تحقیقین عن
چو که در کسان در ترک
شرکت نور دیده بود
دو نوع بودند یکی
مناقض که از طریق
ملک و نفاق از
مسلمانان جدا ماند
دوم بعضی مومنان
که باین مرتبه آسان
از جهاد محروم
شدند و دسته اخیر
باز دو نوع بودند اکثر
آنها که پس از اظلم
مرحبت چنانکه سابق
تقریر خود را بستون
بای مسجد بستند و
سره نفری که نه خود را
بستون بستند و نه
عذر آوردند بر چو افس
شدند و بدو تقریر خود را
بدان که کاست بخش
یعنی علی الله علیه و سلم
بیان کردند و باب
آنها آیت و آخون
مرحون لا امر الله علیه
دازل شد یعنی امر آنها

صَافَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَوَلَّى

تنگ شد برایشان جان ایشان و دانستند که پناهی نیست از خدا مگر بسوی او باز

تَوَلَّى عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

خدا بر پشت متوجه شد برایشان تا ایشان رجوع کنند و هر آنکس که خدا توبه پذیرنده مهربانست ای

أَمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ۱ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ

مسلمانان بترسید از خدا و باشید باراست گویان ۱ سابقینینو اهل مدینه را

وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يُقَاتِلُوا

و آنانرا که حوالی ایشانند از اعراب که باز پس مانند از همراهی رسول خدا و نه آنانکه عقبیت کنند

بِأَنفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا

در حفظ خویش اعراف کرده از ذات رسول خدا این بسبب است که نمیرسد بایشان تشنگی و دگر

أَفْخَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَ

نه گرمی در راه خدا و نه سپردند جاییکه عشم آورد کافران را و

لَيَنَالُونَ مِنْ عَلَوٍ وَثِقَلٍ إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ أَنْ يَكُونَ صَاحِبًا

بدست نمی آرند از دشمن هیچ دست برده مگر نوشته شود برایشان بسبب آن عمل صالحی که آینه خدا

لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۲ وَلَا يَتَفَقَّحُونَ تَفَقُّعًا صَغِيرًا وَلَا كَبِيرًا

صالح نمی کند مزد بیکو کاران را و خرج نمی کنند هیچ خرج را اندک و نه بسیار

وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًّا إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا

و طعی نمی کنند هیچ میدانه را مگر نوشته شود برایشان عمل صالحی تا جزا دهد ایشانرا خدا در مقادیر نیکوترین آنچه

يَعْمَلُونَ ۳ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً ۴ وَلَا تَقْرَأُ مِنْ كُلِّ

می کردند و ممکن نیست مومنان را که بر آیند و ۴ همه یک جا پس چرایمرون نیارند از هر

وَقَرَّةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا

مطهر از ایشان چند کس بنادالشی مندا شوند در دین و برای اینکه بفرسانند قوم خود را چون

جَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يُحْذَرُونَ ۵ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَتَايَلُوا الدِّينَ

باز آیند بسوی ایشان شاید ایشان بترسند ۵ ای مومنان جنگ کنید با آنانکه

يُؤْتِكُمْ مِنْ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدَ وَافِقَكُمْ غَلَاظَةً ۶ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

نزدیک اندازد از کفار و باید که کاران بیایند در شمار دشمنی را و بدینند که خدا

يُؤْتِكُمْ مِنْ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدَ وَافِقَكُمْ غَلَاظَةً ۶ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

باز آید بسوی ایشان شاید ایشان بترسند ۶ ای مومنان جنگ کنید با آنانکه

فتح الرحمن
و این معنی مقام توبه
و این معنی طلب علم
و این معنی طلب علم
۱۱ از حق کاتب است
۱۲ تفسیر عثمان
۱۳ تفسیر عثمان
۱۴ تفسیر عثمان
۱۵ تفسیر عثمان
۱۶ تفسیر عثمان
۱۷ تفسیر عثمان
۱۸ تفسیر عثمان
۱۹ تفسیر عثمان
۲۰ تفسیر عثمان
۲۱ تفسیر عثمان
۲۲ تفسیر عثمان
۲۳ تفسیر عثمان
۲۴ تفسیر عثمان
۲۵ تفسیر عثمان
۲۶ تفسیر عثمان
۲۷ تفسیر عثمان
۲۸ تفسیر عثمان
۲۹ تفسیر عثمان
۳۰ تفسیر عثمان
۳۱ تفسیر عثمان
۳۲ تفسیر عثمان
۳۳ تفسیر عثمان
۳۴ تفسیر عثمان
۳۵ تفسیر عثمان
۳۶ تفسیر عثمان
۳۷ تفسیر عثمان
۳۸ تفسیر عثمان
۳۹ تفسیر عثمان
۴۰ تفسیر عثمان
۴۱ تفسیر عثمان
۴۲ تفسیر عثمان
۴۳ تفسیر عثمان
۴۴ تفسیر عثمان
۴۵ تفسیر عثمان
۴۶ تفسیر عثمان
۴۷ تفسیر عثمان
۴۸ تفسیر عثمان
۴۹ تفسیر عثمان
۵۰ تفسیر عثمان
۵۱ تفسیر عثمان
۵۲ تفسیر عثمان
۵۳ تفسیر عثمان
۵۴ تفسیر عثمان
۵۵ تفسیر عثمان
۵۶ تفسیر عثمان
۵۷ تفسیر عثمان
۵۸ تفسیر عثمان
۵۹ تفسیر عثمان
۶۰ تفسیر عثمان
۶۱ تفسیر عثمان
۶۲ تفسیر عثمان
۶۳ تفسیر عثمان
۶۴ تفسیر عثمان
۶۵ تفسیر عثمان
۶۶ تفسیر عثمان
۶۷ تفسیر عثمان
۶۸ تفسیر عثمان
۶۹ تفسیر عثمان
۷۰ تفسیر عثمان
۷۱ تفسیر عثمان
۷۲ تفسیر عثمان
۷۳ تفسیر عثمان
۷۴ تفسیر عثمان
۷۵ تفسیر عثمان
۷۶ تفسیر عثمان
۷۷ تفسیر عثمان
۷۸ تفسیر عثمان
۷۹ تفسیر عثمان
۸۰ تفسیر عثمان
۸۱ تفسیر عثمان
۸۲ تفسیر عثمان
۸۳ تفسیر عثمان
۸۴ تفسیر عثمان
۸۵ تفسیر عثمان
۸۶ تفسیر عثمان
۸۷ تفسیر عثمان
۸۸ تفسیر عثمان
۸۹ تفسیر عثمان
۹۰ تفسیر عثمان
۹۱ تفسیر عثمان
۹۲ تفسیر عثمان
۹۳ تفسیر عثمان
۹۴ تفسیر عثمان
۹۵ تفسیر عثمان
۹۶ تفسیر عثمان
۹۷ تفسیر عثمان
۹۸ تفسیر عثمان
۹۹ تفسیر عثمان
۱۰۰ تفسیر عثمان

صَدِّقْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا السَّحَرُومِيُّنَ (٢) إِنْ

درست نزد پروردگار ایشان گفتند کافران هر آینه این شخص جادوگر آشکار است هر آینه
درست نزد پروردگار ایشان گفتند کافران هر آینه این جادوگر آشکار است هر آینه

وَكُلِّمَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ

پرو و گار شما خدایت که آفرید آسمانها
و زمین را در شش روز باز مستقر شد

پرو و گار شما خدایت که آفرید آسمانها
و زمین را در مقدار شش روز باز مستقر شد

عَلَى الْعَرْشِ يَكْبُرُ اللَّهُ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَدْنَى ذَلِكَ

بر عرض تند بیری کند کار را نیست یا بج متفاعلت کند مگر بعد و ستردی وے این است
بر عرض تند بیری کند کار را نیست یا بج متفاعلت کند مگر پس از اجازة وی این است

اللہ ربکم و اعداؤہ افلاتن ترنون ﴿۳﴾ الیہ مرجعہم جمیعاً وعد

خدا پروردگار شما پس پرستید اورا آيا پند نمی گیرید بسوی او مست رجوع نمائید همه یک جا و عده کرده اسد

لله حقا اني بيلوا الخاق ثم يعيده ليحزي الدين امنوا و
 اخذوا عدة درمست هر آينه وے اول يار کند آفرينش را باز ديگر يار کندش تا جزا دهم آنان را اگر ايمان آورده اند و

خداوند در صفت بر آینه وی اولی بار کند آفرینش را باز دیگر باز کنش تا جزا دید آنانرا که ایمان آورده اند

عليه الصلوة باليسير والدين في الملة نوابه من عليم وعلم
الاهل الشريفة كرهه اندبا لغيا و آناكه كافر شدند ايشان راست آشا ميديني از آب گرم و عقوبت

کار باستان شسته کرده اند به التماس و گناهم کار شدند ایشان را صحت استامدیدی از آب گرم و عذاب

در ۱۰ مه ماه بسبب آنکه کافر بودند او از آنست که ساخت آفتاب را در خشنده ۶ ماه را

درود میده بسبب آنکه لاف بودند او است از کردارید انبیا را در سینه

روشن و معین کرد بر آنکه ماه منزل بار را تا بداند شمار سالها و تا بداند حساب را اینا فریده است خدا را
روشن و معین کرد بر آنکه ماه منزل بار را تا بداند شمار سالها و حساب را اینا فریده است خدا را

ذَلِكَ إِلَّا الْحَقُّ يَقْضِي الْأَيْتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ٥ إِنَّ فِي خَلْقِهِ

این را مگر بنده بدست بیان می کند تا آنها بر آن مکرر می دانند هر آینه در آمد و رفت
این را مگر بر آن نمی بیان می کند تا آنها بر آن مکرر می دانند هر آینه در آمد و رفت

النَّارِ وَالنَّارِ فَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ

شب و روز و در آنچه آفریده است خدا در آسمانها و زمین نشانیهاست که هر چه را که پدر میسر گاری می کنند
شب و روز و در آنچه آفریده است خدا در آسمانها و زمین نشانیهاست که هر چه را که پدر میسر گاری می کنند

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَطَمَنُوا بِهَا

بر آینه آنانکه امید دارند ملاقات ما را خوشنود شده اند بزندگانی بیا و آرام گرفته اند بان
بر آینه آنانکه امید ندارند ملاقات ما را خوشنود شده اند بزندگانی دنیا و مظهری نبوده اند به آن و

الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غٰفِلُونَ ٦ أُولَٰئِكَ مَا وَكَّلْنَا بِهٖم مَّا كَانُوا

آنکره از تن مانے مایے خیراند
آنکره از تن مانے مایے خیراند

يَكْسِبُونَ^٨ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ

کسی که بگوید هر آینه آمانه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و باید ایشان را پروردگار ایشان بسبب ایمان ایشان

اسان انسان آٿن ۽ الله تعاليٰ جي مڙو ڏيکارڻ زندگي ڏيندي ۽ ڊڪارڊ ٻار معاش ۽ ڇنڊين احڪام سر ڪري پير پيڻن اڏاڻ سرور است ڪو اٿين

فلین تاسوا فی عقیق
بالله ان ان باشد
تفسیر عثمانی
نه و تفسیر عثمانی
اندیشه و او که در دست
بای دینی و بایان
میرسد و محقق
سیماک الله است که با انجا
شود و بعد عا به او
ملک الملک و تفسیر و با
یوسفین شود و عقیق
و آیت قبل بیان شده
کی نیکو بقتل خواند
و امید ملاقات مارا
ندارد جای نشان
و دروغ است
و درین موقع و انود
می شود و مجرمان در
دنیا فوراً خود نمیشود
بلکه مصلحت می یابند
حال آنکه و صفت براف
این است که گاهی
بیباید و بیجا باشد
خودشان بخوانند
زود عذاب بر آنها
نازل شود مثلاً
گویند «اللهم ان
کان هذا هو الحق من
عندک فظهر علینا
حجارة من السماء»
(الفال رکوع ۱۲)
گاهی از حوادث
و نبوی به تنگ می
آید و ذر باره خود
و فرزندان خود و بیک
دعای بیساختن چنانکه
از تجربه ظاهر است
پس اگر خدا می توان
بقدره خواست نشان
عذاب و یادی را
بر آن زودی بر او
شان نازل کند که
به همان لحظه خواش
رسیدن خبر را دهند
یقین است که اگر
و بال بدی کن تفسیر
فرقت نیاند و

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ دَعْوُهُمْ فِيهَا سَمْعًا
یعنی بخت میروند از انجا که در بوستان های نعمت
میرود از زیر آن با جویها در بوستان های آرام و نعمت
اللَّهُمَّ وَتَحِيَّةٌ لَهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ۝ وَآخِرُ دَعْوُهُمْ أَنَّ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
اللهم باشد یعنی با کی تر است بار خدا یا و دعای خیر ایشان بایکدیگر سلام بود و نهایت دعای ایشان اینست
اللهم باشد یعنی با کی تر است بار خدا یا و (درد) ملاقات ایشان در بهشت سلام بود و آخر دعای ایشان اینست که حمد خدا را بگویند
وَلَوْ جَعَلَ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَسْتِجَارًا لَمْ يَكُنِ الْخَيْرُ لِقَاضِي الْبَيْعِمْ أَجَلًا
و اگر زود رسانیدی خداستحاله برودمان سختی را مانند آنکه زودی طلبی نعمت یعنی و نعمت میباید با تمام رسانید که در حق ایشان
و اگر زود رسانیدی خدا برودمان بدی (سختی را) مانند آنکه زودی طلبی نعمت را با تمام رسانیده شدی نبوی ایشان اجل ایشان
فَذَرِ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ وَإِذَا هُمْ
پس می گذاریم آنان را که امید ملاقات ما ندارند سرگردان شده در بیرای خویش و چون برسد
پس می گذاریم آنان را که امید ندارند ملاقات ما در شرارت ایشان سرگردان میروند و عذاب و چون برسد
الْإِنْسَانُ الضَّالُّ عَنِ الْجَنَّةِ ۝ أَوقَاعِدًا أَوْ قَائِمًا ۝ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ غُشَاةَ
رنگ بادی و عاکن بجناب محقق بر پهلوی خود یا بسته یا بسته پس آنگاه که برداشته ایم از دست برنگ
به آدمی رنج خواند ما محقق بر پهلوی خود یا بسته یا بسته پس چون برداریم از دست رنج و ی را
مَرَّكَانَ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضَرْمِ مَسَّةٍ ۝ كَذَلِكَ زَيْنٌ لِلْمَسْرِ فَيَنْ مَأْكَا
برود و گویا خوانده بود ما را بدفع کردن رنجی که رسیدش هم چنین آراسته کرده شد از حد گذشتن را
برود و گویا که هرگز خوانده بود ما را بدفع کردن رنجی که بدو رسیده بود هم چنین آراسته کرده شد و امران گفتند
يَعْمَهُونَ ۝ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا ۝ وَجَاءَهُ
می کردند و هر آینه ملاک کرده ایم قرن بارها پیش از شما چون ستم کردند و آمدند با ایشان
می کردند و هر آینه ملاک کرده ایم جماعت بارها پیش از شما چون ستم کردند و آورد با ایشان
رَسَلَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا إِلَيْهِمْ مُنْجِبِينَ ۝ كَذَلِكَ نَجْزِي لِقَوْمَ الْبَاطِلِ
پیغامبران ایشان با نشان های روشن و بر سر مسندان نبودند که ایمان آرند هم چنین ستم می کردیم و در هر گناه
الْمُسْرِفِينَ ۝ وَنَجْزِي الْإِنْسَانَ الَّذِي كَفَرَ بِرَبِّهِ ۝ وَنَجْزِي الْإِنْسَانَ الَّذِي كَفَرَ بِرَبِّهِ ۝ وَنَجْزِي الْإِنْسَانَ الَّذِي كَفَرَ بِرَبِّهِ ۝
ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلِيفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ
باز جانشینان شما را در زمین پس از ایشان تا به پیشیم چگونه کاری کنید
باز گردانیدیم شما را جانشینان گذشتگان در زمین پس از ایشان تا به پیشیم چگونه کاری کنید
وَإِذْ أَنْتَ عَلَيْهِمْ أَيْتَانِيتُ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا انْتِ
و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما و از آمدن گویند آنانکه امید ملاقات ما ندارند بسیار
و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما واضح گویند آنانکه امید ندارند ملاقات ما بسیار
يَقْرَأُ غَيْرُ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ ۝ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَبَدَّلَ مِنْ تِلْكَ
قرآنی بخوان این یا بدلی کن او را بخور او نبود مرا که بفرموش از جانب
قرآنی بخوان این یا بدلی کن او را بخور او نبود مرا که بدلی کنش از جانب
نَفْسِي إِنْ أَتْبَعُ إِلَّا مَا يَوْحَىٰ إِلَيَّ ۝ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ
خود پیروی می کنم الا آنچه وحی می رسد به من هر آینه من می ترسم اگر نافرمانی برود و اگر خود
خود پیروی می کنم مگر آنچه وحی می رسد به من هر آینه من می ترسم اگر نافرمانی برود و اگر خود را عذاب
يَوْمَ عَظِيمٍ ۝ قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُمْ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرِكُمْ بِهِ ۝ فَقَدْ
زود بزرگ بخور اگر خواست خدا خواند می آنرا بر شما و جز در بخورده خدا شما را بان هر آینه
زود بزرگ بخور اگر خواست خدا خواند می آنرا بر شما و جز در بخورده خدا شما را بان هر آینه
نَفْسِي إِنْ أَتْبَعُ إِلَّا مَا يَوْحَىٰ إِلَيَّ ۝ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ

يَسْتَفِيدُونَ مِنْ قِبَلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٥﴾ قَسِيطُ الْأَلَمِ مِنْ فَكْرِ

آباد رومی آباد مٹی آباد
پس گیت ستم کار تراز سے کریر بند

ننگی آدم من در میان شا غری پیش از وی آیا عراود می یابد
پس گیت ستم کار حراز کیک بر بند

عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٤٠﴾ وَيَعْتَدُونَ

بر خدا دروغ را یاد دروغ مقرر آیات و بر این آیه سخن اینست که رستماری می شوند که نه گاران دمی بر نه شده
خدا دروغ را بکنند آیات او را بر این آیه سخن اینست که رستماری می شوند که نه گاران دمی بر نه شده

من دون الله ما أضرهم ولا ينفعهم ويقع الهم على الذين هم أشد

بجز خدا چیزی که مضر نکند ایشان را و سود نرساند ایشان و می گویند ایشان شفاعت کنندگان مانند

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُمْطِرَ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ غَيْرِ مُقَادِرٍ لَهُ ۖ إِنَّكَ كَارِهُونَ

نزدیک خدا بگو آیا خبردار می گنجد خدا را یا نمی گنجد در آسمان با وزمین

و خداوند بگو آید خرداری کشید خدا را بایچه نمیداند در آسمان با و نه در زمین

سید بنده و بعلی عبد الباقی بن ۸ و ما کان التاسی الاممۃ واحد
بانی دیر است و برتر است از آنکه شریک مقرری کنند و بنودند مردمان مگر یک امت و

بانی دیر است و برتر است از آنچه ایشان شریک او میدارند و نه بودند مردمان مگر یک امت

وَأَخْتَفُوا أُولَئِكَ تَسْبِغَتْ مِنْ رَبِّكَ لِقَاضِي بَيْنَهُمْ فِيهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَخْتَفُونَ^٩ وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةً مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا

خلاف دارند وی گویند چرا زفته فرستاده شده است بر این پیغامبر نشانه از پروردگار و سبب جز این نیست که
خلاف دارند وی گویند چرا زفته فرستاده نشد بر محمد نشانه از پروردگار و بسبب جز این نیست که

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ اِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْظِرِينَ ۝ وَاِذَا اَذَقْنَا

علم غیب خدا را است پس انتظار بنمید هر آینه من بشما از منتظرانیم
و چون بخشاییم
علم غیب خدا را است پس انتظار برید هر آینه من باشما از منتظرانم
و چون بخشاییم

الناس رحمة من بعد ضراء مستهم إذا هم سألوا في آياتنا قل الله

مرمان را رفته پس از سخته کمر رسیده بود پاکشان ناگهان ایشان را بداندیشی باشد در شان های راستی بخود خدا
رفتن از دگر سخته کمر رسیده بود ایشان ناگهان ایشان را مکی باشد در شان های مایکچ خدا

... از خود پس از آنکه در سینه بویایان راهی این راه را سیر بایستد و از آنجا بخواهد

در بداندیشی بر آئینه فرستادگان نامی نویسند آنچه بداندیشی می کنند و ادست آنکه روان می کند شمار

دود سلامت از استاد رسانیده بن جزای مکر ششهر آئینه فرستادگان امی نویسد آنچه مکر میباید دوست آنکه روان میلند صفا را

والبواجر حجة اذ انتم في الفلك وبعدين محمد زكي عليه السلام
در مشي دور دريا تا و قشنگ با شد در شمس ها و در ان شدند شمس ها با صواوان خود بباد حوصل و

در پیش دریا تا و قلندر بارشید در نشیما در وان شدند با سواران خود بهاد خوش و

و جواب بجهت تباری که عاصف و جبه هم السوج بن کن مکان و

شادمان شدند ایشان به آن باد و ناگهان آید بادی سخت و سیاه بایشان موج از هر جا و

ظَنُّوا أَنَّهُمَ احْبِطُوا بِهِمْ ۖ دَعَا اللَّهُ مَخْلُصِينَ لَهُ الدِّينَ ۚ وَلَئِنْ

بدانند که از هر جهت آن با هر چهار کشته بخواند خدا را خالص کنندگان بروی در عبادت اگر

تلاوت می کند و نزد خدای بزرگ مناجات دینی مانرا اجزای نماید و اگر بعد از مرگ سلسله حیات متروک شود آنجا هم به شفاعت می پردازد

والا یعنی بر تو امید

طت ایرامی ۷۵

یعنی (علی بن ابی طالب) و (علی بن ابی طالب)

وہاں سے کہہ کر وہ نکلے

۱۹۴۰ء میں محمد علی جناح

۱۲۰۰ مترم کویده

که یکی که در داندانه اختیار نمود می باشد باید که عملیات آنها پیروزان و غیره

صالح یعنی ر دیت
 خدا سے تسلط ۱۱
 تفسیر عثمانی
 مع حکم خدا ناگہان
 در روزی شب آفتی
 رسید و مثل طوفان باد
 فرو آمدن زلزلای بوم
 شیخ و علی بن القیاس
 و تمام آن دراعت را
 چنان برهم زد که گوئی
 گویا در آنجا نرسیده
 بود چنین است مثل
 دنیا که چندی زیبا و
 خرم به نظر جلوه میکند
 بے خردان به دل انگیزی
 و حال آن مفتون
 می شود واصل
 حقیقت را فراموش
 می کنند اما این کتابی
 و آراستگی روزی چند
 بیش نیست و زد و
 است که دستخوش
 خدا زوال شده اند
 خاطر را فراموش کرد
 حضرت شاه و همه الملک
 این مثال را بپذیرند
 لطیفی بر حیات مخصوص
 بشری لطیف نموده
 است یعنی روح
 مانند آب از آسمان
 عالم بالا فرو
 آمد و در کالبد خلک
 آشفته قوت گرفت
 از اعتقاد آب غلگ
 انسان پیدا آمد و ی
 کرد و انسانی حیوانی
 پرورد را انجام داد
 چون در هر کالبد شد
 و متعلق بر وی افتاد
 کرده ناگهان در ملک
 فراموش در آن حال
 این نمایش را خاتم
 داد و چنان محو شد
 که از پیش بر وی
 زمین پریشان ماند
 و نابوده ایستاد و
 دستب یارون شد

انجیتنا من هذه لئلا نكون من الشكرين ﴿١٠﴾ فَلَمَّا أَتَاهُمْ إِذَا هُمُ
 خلاص کنی ما را ازین بلا باشدیم از شکر کنندگان پس هرگاه خلاص ساخت ایشان ناگهان ایشان
 خلاص کنی ما را از این هر آینه باشدیم از شکر کنندگان پس چون نجات داد ایشان را ناگهان ایشان
 يَبْعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا بَعَثْنَا فِي نَفْسِكُمْ
 بیزاری می کنند در زمین ناحق ای مردمان جز این نیست که بیزاری شما را بر جان نجات
 ستمی کنند در زمین بغير حق ای مردمان جز این نیست که ستم شما بر نفس های شماست
 مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَأُنْتَبِهُتُمْ ﴿١١﴾
 یا قیید بهره زندگانی دنیا باز بسوی ما رجوع متاست پس خبردار بیدار باشید با آنچه می گردید
 یا قیید بهره زندگانی دنیا باز بسوی ما باز گشت متاست پس خبردار بیدار باشید با آنچه می گردید
 إِنَّا مِثْلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَتَى لَنَا مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهَا نَبَاتُ الْأَرْضِ
 جز این نیست که صفت زندگانی دنیا مانند آب است که فرو آورد دیش از آسمان پس در هم آمیخت بسبب وی و در میان
 جز این نیست که صفت زندگانی دنیا مانند آبی است که فرو آورد دیش از آسمان پس بیاخت به آب و روی گی زمین
 مِمَّا يَكُلُّ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ
 از آنچه می خوردند مردمان و چهار پایان تا وقتیکه بدست آورد زمین پیرایه خود را و آراست شد
 از آنچه می خوردند مردمان و چهار پایان تا وقتیکه از کرمت زمین پیرایه خود را و آراست شد
 وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهِمْ لَدُنَّا فَوَعَدْنَاهُمْ أَلْهَافًا فَفَصَلْنَا
 و گمان کردند ساکنان آن زمین که ایشان توانا اند بر انتفاع از آن ناگهان بیدار بزمین فغان ما در شب یارون پس گردانیدیم
 و گمان کردند ساکنان آن که ایشان توانا اند بر انتفاع از آن ناگهان بیدار بزمین فغان ما در شب یارون پس گردانیدیم
 حَوبًا لِّمَا كَانَ لَكُم بِالْأَمْسِ كَذِبٌ لِّقَوْمٍ تَتَفَكَّرُونَ
 مثل زراعت از نزع بریده گویا بنزد و بیرون هم چنین بیان می یکنم ایشان را بایران کرمی که کامل می کنند
 مثل برداشت در دود گویا که هیچ نبودند و بیرون هم چنین بیان می یکنم ایشان را بایران کرمی که کامل می کنند
 وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
 و خدای خواند بسوی سرای سلامتی و دلالت می کند بر هر که خواهد بسوی راه راست
 و خدای خواند بسوی سرای سلامتی و راه می نماید بر هر که خواهد بسوی راه راست
 لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ
 آنان را که نیکو کاری کردند حالت نیک باشد و زیاده بر آن و در پوشش روی ایشان با هیچ سیاهی و تاراج خوار
 آنان را که نیکو کاری کردند حالت نیک باشد و زیاده بر آن و پوشش روی ایشان را با هیچ سیاهی و تاراج خوار
 أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٢﴾ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ
 این جماعه این بهشت اند ایشان را آنجا جاوید باشند گانند و آنان را که بس آوردند گردانیدند به
 این جماعه این بهشت اند ایشان را آنجا جاوید باشند گانند و آنان را که بس آوردند گردانیدند به
 جزاء سَيِّئَاتِهِمْ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُمُ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ ﴿١٣﴾
 جزای بدی مثل آنست و بیوشت ایشان را خوار می بندد ایشان را از خدا هیچ پناه و پند گویا
 جزای بدی مثل آنست و بیوشت ایشان را خوار می بندد ایشان را از خدا هیچ پناه و پند گویا
 أَغْشِيَتْ وَجُوهَهُمْ قُطْعَانٌ مِّنَ الْبُيُوتِ مِثْلُ مَا ظَلَمَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ
 پوشانیده شده است روی ایشان را بپوشش تاریک این جماعه این در دوزخ اند ایشان
 پوشانیده شده است روی ایشان را بپوشش تاریک این جماعه این در دوزخ اند ایشان
 فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٤﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَتَوْا مَكَانَنَا
 آنجا جاوید باشند گانند و بیوشت از رویک بر اینک از ایشان را همه یک جا باز گردیم و ایشان را بپند گانند
 آنجا جاوید باشند گانند و بیوشت از رویک بر اینک از ایشان را همه یک جا باز گردیم و ایشان را بپند گانند
 وَنَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَتَوْا مَكَانَنَا
 و بیوشت از رویک بر اینک از ایشان را همه یک جا باز گردیم و ایشان را بپند گانند
 و بیوشت از رویک بر اینک از ایشان را همه یک جا باز گردیم و ایشان را بپند گانند

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ۝

زبان گارشدند آنانکه دروغ داشتند طاقات خدا را و نبودند راه یافتگان و اگر بنمایم قرا
به ختم زبانشان کردند آنانکه تکذیب کردند لقای خدا را و نه بودند راه یافتگان و اگر بنمایم قرا

الَّذِي نَعِدُهُمْ اَوْتَوْهُ فَنَسَاكَ وَالنَّامُ جَعَلَهُ فِيهِ

بعض الذي نعد لهم أو توفيناك والينا فرجعهم ربح الله شهيد

دعده می کیم یا میبرایم ترا بهر حال بسوی من رجوع ایشان است باز خدا مطلع است
دعده می کیم یا میبرایم ترا پس بسوی من رجوع ایشان است باز خدا گواه است

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَرْجِعُونَ وَلَا يُمْتَدَّى

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولَهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ

دہرا متے را پیغا مبرے بہت پس چون آمد پیغا مبر الٹان فیصل کردہ شود میان الٹان
دہرا متے را پیغا مبری صست پس چون آمد پیغا مبر الٹان حکم کردہ شود میان الٹان

وَيَقُولُونَ ۖ وَيَقُولُونَ ⑤ وَمَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ

دبرایشان ستم کرده نشود و می گویند که باشد این وعده اگر هم شد

و انچه که در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است

صدیقین ۵۸ لا املک سیمسی صرا و لا یغیر ما شاء الله
راست گو بگوئی توانم برای خود زیاده و نه سود مگر آنچه خواسته است خدا

و اما در این کتاب که برای مردم است و نه سودی معرّه است خواه خدا

فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا

و اگر کسی را میباید که بهشت چون بیاید میباید ایشان کوفت نه کنند ساعتی و
و اگر کسی را میباید که بهشت چون می آید میباید ایشان پس نه موخر شده می توانند ساعتی و

بِسْتَقْدَامُونَ ٩ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابٌ بَيِّنَاتٌ أَوْ تَنَزَّلَتْ

بگو خبر دهید مرا اگر بیاید بشما عذاب او شما نگاه یا بروز
بگو خوب هستند دختر دیروز مرا اگر بیاید شما عذاب او شما نگاه یا بروز

بجو خوب بینید (خبر دیدم) اگر بیاید شما غلب او شما نگاه یا ببرد

بهر حال چه چیز را شتاب می طلبند از ان عذاب این نگهبانان بعضی وقتیکه محقق شود آیات الهی از آنکه گفته شود آیات انوار

چه چیز را به دستیار می طلبید چه کرده می توانند پیش از آن گن بسازان آریا باز و فیکر محقق شود ایان آریه بان اکنون و

وَقَالَ لَنُغْنِيَنَّكَ بِهٖ نَسْتَحْيِي لَكَ ۝ تَحْرِيلَ اللَّيْلِ يَنْ ظِلِّهِ وَاذْكُوا مِنْ اَعْدَابِ

پس گفتند که ما را از آنرا که هم کردند و چشیدند عذاب

الخَلْدِ هَلْ تَجْزُونَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿١٣﴾ وَيَسْتَنْبِئُونَكَ

و می پرسند چرا
می کردید

أحق هو طافا اي وسمي الله الحق واما انتم بعد حزينين ولو ان

در صورت است این و غده بگو آری قسم پروردگار من هر آنچه که در دست است و نگاهارزند ایستد و اگر باشد

درست است این وعده بخواری قسم به پروردگار من هر آینه وی در دست است و بیدار است و بیدار است و بیدار است

بر کس هم گفته را آنچه در زمین است البته ندید خود ده آنرا و در صمبر خود دارند پشمانی چون

باشد هر کسی را که ستم کرده است آنچه در زمین است هر آینه قلمی و مدادش را بپوشد بستاند خود را بنده میک

سوال کتاب و قضی بینهم یا قسط و هم لا یطعون ① الا ان

و حکم کرده میشود میان ایشان با صفات و ایشان ستم کرده نشوند آگاه باش دهر آینه

و دنگ علی الدین میرزا چون این مرد بدیقامت و سفاک را دید حاضران را گفت

100



طایفه خدا یار
چون که در روز قیامت
تفسیر عثمانی
ع این با هر است
با قرآن کریم است
قرآن از فاطمه تا فاطمه
پند است پند که در
را از مفرات مبلط
بازی در قرآن شفا
رج و دل است طری
قرب در فاضل الهی را
روشن میگردد قبول
سمت گمان خود را درین
جهان دآن جهان
سزاوار رحمت الهی
میدهد از محققان
یعنی بر آنکه درین
آین بر آن کمال نفس
انسان اشرار است
یعنی سیکه بقرآن کریم
تسک کند به تمام
مراتب فایز میگردد و لا اله
فقط از اعلی تا اقل
پاک میشود و کمال برسد
اشاره به آن است
در باطن از
عقاید ناسده ۱۱
و ملکات رویه صفا
میگردد و این از
شفاء لسانی الصلوة
مفهوم میشود و در تفسیر
وی به عقاید حقه و
اخلاق نافله است
نیشود و گفته به ی
بسیار مناسب
آنست (۳) پس از
اصلاح ظاهر و باطن
مورد نزول رحمت
الهی میگردد چنانکه
از کلام رحمت ظاهر
است (۱) فخر الدین
رازی (رحمات الله) در
تفسیر خود نوشته
این چهار لفظ است
است به شریعت
طریقت و حقیقت
ثبوت و حقاقت علی الترتیب در جمیع تفصیل آن نیست - و این مفسرین در تفسیر فاضل نگذرد - اصل نفس و وقت خداست که آن باید در طلب آن باشد

لله ما فی السموات والأرض ۱۰ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ۱۱
فدا ترست آنچه در آسمانها و زمین است آگاه باش هر آنچه در عده خداست مست و لیکن
خدا ترست آنچه در آسمانها و زمین است آگاه باش هر آنچه در عده خداست مست و لیکن
اكثرهم لا یعلمون ۱۲ هُوَ يَحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ رَاجِعُ ۱۳
بیشترین ایشان نمیدانند ازنده می کند و می میراند و بسوی وی بازگردانیده میشود
بیشتر از ایشان نمیدانند ازنده می کند و می میراند و بسوی وی بازگردانیده میشود
الناس قد جاءكم موسى وعظكم من ربكم وشفاءكم في الصدور ۱۴
مردمان آمده است بشما پسند از پروردگار شما و شفای آن علت را که در سینه ها است و
مردمان به حقیقت آمده است بشما پسند از پروردگار شما و شفای آن علت را که در سینه ها است و
هدى ورحمة للمؤمنين ۱۵ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ
راه نموده و بخشای مسلمانان را بگو بفضل خدا و برحمت او باین چیزها
راه نموده و رحمت مسلمانان را بگو بفضل خدا و برحمت او پس باین چیزها
فليفرحوا هو خير مما يجمعون ۱۶ قُلْ اَرَأَيْتُمْ تَأْتِلُ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ
باید که شادمان شوند آن بهتر است از آنچه جمع می کنند بگو آیا دیدید چیزی را که در دهن آمده است خدا برای شما از
باید که شادمان شوند آن بهتر است از آنچه جمع می کنند بگو آیا دیدید چیزی را که در دهن آمده است خدا برای شما از
يَرْزُقُ فَمَعْلُومٌ مِنْهُ خَرَأَافٌ حُلَامٌ قُلْ اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ
چون روزی پس ساقید بعضی آنرا حرام و بعضی آنرا حلال بگو آیا خدا اذن داده است شما را یا بر خدا
چون روزی پس ساقید بعضی آنرا حرام و بعضی آنرا حلال بگو آیا خدا اذن داده است شما را یا بر خدا
تَقْتَرُونَ ۱۷ وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
دروغ می بنویسید و چیست گمان آنانکه افترای کنند بر خدا دروغ را به روز قیامت
دروغ می بنویسید و چیست گمان آنانکه افترای کنند بر خدا دروغ را به روز قیامت
إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ۱۸
هر آینه خداوند فضل است بر مردمان و لیکن بیشتر از ایشان سپاسداری نمی کنند
بدرستی که خدا هر آینه خداوند فضل است بر مردمان و لیکن بیشتر از ایشان شکر نمی کنند
وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ
و نه باشی در هیچ شئی و نه خوانی هیچ کس را از او و نه سخن می گوئی هیچ کاری
و نه باشی در هیچ شئی و نه خوانی هیچ کس را از او و نه سخن می گوئی هیچ کاری
إِن كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ
مگر هستیم بر شما مطلع چون در می آید در آن کار و بگوئید شهود از پروردگار تو
مگر هستیم بر شما مطلع چون در می آید در آن کار و بگوئید شهود از پروردگار تو
مُنْقَالَ ذُرِّيَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ ۱۹
هم سبب ذره در زمین و نه در آسمان و نیست خوردن از آن و نه بزرگ تر
هم سبب ذره در زمین و نه در آسمان و نیست خوردن از آن و نه بزرگ تر
إِن فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۲۰ أَلَا إِنَّ أَوْلَىٰ لِأَنَّ اللَّهَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
الاولی شسته شده است در کتاب روشن آگاه باش هر آینه دوستان خدا هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان
مگر اولی شسته شده است در کتاب روشن آگاه باش هر آینه دوستان خدا هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان
يَحْزَنُونَ ۲۱ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۲۲ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ
انده بین شوند آنانکه ایمان آوردند و تقوی می کردند ایشان راست بشارت در زندگانی
انده بین شوند آنانکه ایمان آوردند و تقوی می کردند ایشان راست بشارت در زندگانی

الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

وَيَا دَل در آخرت نیست هیچ تبدیلی در سخنان خدا را این بشارت بهوست فیروزی بزرگ

وَيَا دَل در آخرت نیست هیچ تبدیلی در سخنان خدا را این بشارت بهوست رستگاری بزرگ

وَلَا يَحْزَنُ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٥

وعلین نه کند ترا سخن ایشان هر آینه علیه خدا راست بهم یک ها اوست شنوا و آگاه باش

وعلین نه کند ترا سخن ایشان هر آینه علیه خدا راست بهم یک ها اوست شنوا و آگاه باش

لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يُتَّبَعُ الَّذِينَ يُدْعُونَ

بر آینه خدا راست هر که در آسمان با است و هر که در زمین است و پیروی نمی کنند آنانکه پرستش می کنند

مَنْ دُونَ اللَّهِ شُرَكَاءُ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا خُرُوفٌ

بخیر خدا شریکان را حقیقت پیروی نمی کنند مگر وهم را و نیتند مگر دروغ گو

بِخَيْرِ مَا شَرِكُوا إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا خُرُوفٌ

بخیر خدا شریکان را پیروی نمی کنند مگر همان را و نیتند ایشان برگرد و رخ می گویند عده

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْيَوْمَ الْآيَةَ لِيَسْكَتَ فِيهِ وَالنَّهَارُ مُبْصِرٌ ٦

اوست آنکه ساخت برای شما شب را تا آرام گیرید در آن و ساخت روز را در روشنایی و در آن روز

اوست آنکه ساخت برای شما شب را تا آرام گیرید در آن و ساخت روز را در روشنایی و در آن روز

ذَلِكَ لَا يَتَّبِعُ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ٧ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَنَهُ هُوَ

ایشان با است گردیده را که می شنوند گفتند که کاران گرفتند خدا زنده پاک است اوست

اين نشان با است گردیده را که می شنوند که کاران گرفتند خدا زنده پاک است اوست

لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ عِنْدَ كُلِّ مَلَكٍ مَسْجُودٌ

بے نیاز اوست آنچه در آسمان با است و آنچه در زمین است نیت نزد یک شما با است

بے نیاز اوست آنچه در آسمان با است و آنچه در زمین است نیت نزد یک شما با است

هَذَا أَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا يَعْلَمُونَ ٨ قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَقُولُونَ

برین آید می گویند بر خدا آنچه نمی دانند بگو هر آینه آنانکه بر می بندند

ناراین آید می گویند بر خدا آنچه نمیدانند بگو هر آینه آنانکه بر می بندند

عَلَى اللَّهِ الْكُذِبُ لَا يَقْلِقُونَ مَتَاعًا فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ

بر خدا دروغ را رستگار نمی شوند ایشان را باشد بهره مندی در دنیا باز بسوی است بازگشت ایشان پس

بر خدا دروغ را رستگار نمی شوند ایشان را باشد بهره مندی در دنیا باز بسوی است بازگشت ایشان پس

نَذِيرُهُمْ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بَلَاغًا كَانُوا يَكْفُرُونَ ٩ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ

بخشایم ایشان را عذاب سخت بسبب آنکه کفر می کردند و بخوان بر ایشان خبر

بخشایم ایشان را عذاب سخت بسبب آنکه کفر می کردند و بخوان بر ایشان خبر

و اما این برده است
که مکتوب بود مذکور شد
در مقابل آن تذکار
و در میان آن دو و شایسته
بشارت داده شد که
در هر دو جهان با حق
می ماند در آن سلسله
بر آن حضرت صلی الله
علیه وسلم تسلی داد و
شود که از سخن بپای
و ایشان را شایسته
در حقیقت خاطر نشوند
غلبه قوت همه نهاد
راست او به تأیید
خویش حق را غافل
و منصور و خدایین را
و این رسوایی ناید حق
و عثمان را می شود
کافران را نشان را
میدانند عده مزین
و آسمان سلطنت
خدا و اهدا است
جن و انس و فرشتگان
هم مخلوق و مملوک دارند
مشربین که جز خدا نیکی
نمایند برای خوانند
و آن را بخوانند
و این بر سر می خوانند
و تیر تیرایی و نیکو
فاسد و واهی است
و حقیقت و درست
آنها نیست حجت
و بر باقی ندارند در
کلمات ارباب و ظنون
ره نم شد گامند
آفریننده مبدع
و در شتلی و تاریکی
ذات پاک اوست
آفریننده و خدای
ایشانی است قابل
و او را بخوانند

سَيُجْلَىٰ ۖ إِنْ يَنْظُرِ اللَّهُ لَا يَصْلَحُ عَمَلُ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَيُخَيِّتُ اللَّهُ الْحَقَّ

با حق خواهد ساخت آنرا هر آینه خدا راست می آورد کار مفسدان را و ثابت خواهد کرد خدا حق را

يَكْفُرُ بِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ۝ فَبِأَمْرِ يُوسَىٰ الْأَذْرِيِّ مِنْ قَوْمِهِ

پس ایمان نه آوردند بر مویس مگر جماعه از قوم و بی احکام خود اگر چه ناخوش دارند کنایه از ایمان پیدا کردند بخوشتی مگر اولاد قوم وی

عَلَىٰ خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَكَارِهِمْ أَنْ يَقْتُلَهُمْ وَإِنْ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ

با وجود خوف از فرعون و از اشراف قبط که عقوبت کن ایشان را و هر آینه فرعون سر کش بود

فِي الْأَرْضِ ۚ إِنَّهُ لَيْسَ الْمُسْرِفِينَ ۝ وَقَالَ مُوسَىٰ يَقُومُ إِنْ كُنْتُمْ

در زمین و هر آینه دمی از حد نگذرند گمان بود و گفت مویس ای قوم من اگر

أَمْنًا بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ ۝ فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ

ایمان آورده اید بخدا پس بروی توکل کنید اگر فرما برید عی پس گفتند بر خدا

تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ

توکل کردیم ای پروردگار ما را از کدوب قوم ستمگران و خلاص کن ما را بر رحمت خود

مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ الْقَوْمَ لَكُمَا

از گروه کافران و وحی فرستادیم بسوی مویس و برادر و سگس کن کنید قوم خود را

بِدِينٍ يَبُوءُونَ وَاجْعَلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۝

بر شهر معرقان با دین از زبان خان بانی خود را و بشارت ده مومنان را

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ نَارِيَةً وَأَمْوَالًا فِي

و گفت مویس ای پروردگار ما هر آینه تو داده فرعون و تمیله او را زینت و مال بانی بسیار در

أَحْيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا طِفْلًا عَلِيمًا وَمَوْلًا يُهْمُ

زندگانی دنیا ای پروردگار ما تا گمراه کند عالم را از راه تو ای پروردگار ما سرخ من مال ایشان را و

أَشَدَّ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ ۚ تَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝ قَالَ قَدْ

مهر کن بر دل ایشان که ایمان نیاورند تا بپایند عذاب درد دهنده گفت خدا بر آینه

أَجَبْتُمْ دَعْوَاهُمْ كَمَا فَاسْتَقِيمُوا لَا تَتَّبِعُوا سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۝

قبول کرده شد دعای شما پس ثابت باشید و پیروی کنید راه جاهلان را

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ

و گذرانیدیم اولاد یعقوب را از دریا پس از پی بردند فرعون و لشکر او

وَلَمَّا كَانَتْ لَيْلٌ نَادَىٰ أَهْلَ الْبَيْتِ أَنْ يَذْهَبُوا وَتِلْكَ لَآيَاتُ الْفِرْعَوْنَ وَجُنُودِهِ

و چون شد شب ندا کرد بآهلی خانه را که بپوشند و آنجا که نشاندند فرعون و لشکر او

فتح الرحمن
و این صلی علی
تفسیر عثمانی
۸ علی بن ابی طالب
۹ و تفسیر و تفسیر
۱۰ زبان بر دهنده
۱۱ او یکبار بر قوت مالک
خود داشته باشد
که قدرت و انزاعش
پایان خدا تعالی
در هر روز خدا و اما
توکل کن بر اشیاء
احتمال آنکه بشود که
نمی خردد آنجا بخدا
بپاورد حکم الهی را
مناجبت نماید و با تمام
جهد و چشم اندیش
تنها جان و اموالش
عده در اشرافیت
موسی علیه السلام افکار
خوش ظاهر گردند و
گفتند بیشک توکل
با خداست بخت
او دعای یکم را
توکل با مشق ستمگران
شکر داد تا قوت خود
بیشتر ماسم کنند و مال
مقابل کاری کرده
توکل بر زبیر و این
صورت درین ملاحظه
می افتد ستمگران
و تا کنی ناظر این حالت
لافت زنده گویند
اگر حق بیرون نمی بود
چرا این قدر تسلط
توکل بر شما حاصل
می کردیم و شما این قدر
توکل و پست می بود
این ملاحظه
گمراه می افزاید
و وجود ما را بی حیث
با حق فتنه آنها خواهد
گشت در حضرت
شاه میگذارد چون
بلات فرعون قریب
مندید موسی علیه السلام
نیز ظاهر از آنات بر

الدنیا و متبعهم الی حین ۹ ولو شاء ربک لا من من فی الارض

و دنیا و بهره مندر ساقیم ایشان را تا حدی و اگر خواست خدا ایمان آوردند و آنانی که در زمین اند و دنیا و بهره مندر ساقیم ایشان را تا حدی و اگر خواست پروردگار حق هر آینه می آورد و هر که در زمین است

کم بعد جمیع ما افانت لکم فی الناس حتی یؤاخذکم بنسبکم و ما کان

بیشتر ایشان یک جا آیا که بر آنان کرد مردمان را تا مسلمان شوند و در او بود

لنفس ان تؤمن الا بآذن الله و یجعل الرّجس علی الذین لا یعقون ۱۰

تا کسی را که ایمان آورد مگر بخواست خدا و می اندازد رجس را بر آنانی که در نمی یابند

قل انظر و اما ذافی السموات و الارض و ما تعبی الایت و النذر

بگو ببینید چه چیز است در آسمان ها و زمین و فائده می کند نشانه ها و ترسانندگان

عن قوم لا یؤمنون ۱۱ فقل ینظرون الا مثل ایاک الذین خلوا

از روی که باور نمی کنند پس انتظار می کشند مگر مانند مصیبت بانی آنانی که گذشتند

من قبلهم قل فانظر و الی معکم من المستظین ۱۲ ثم نبی

پیش از ایشان بگو انتظار بکشید هر آینه من نیز با شما از مستظایم باز خلاص می کنم

رسلنا و الذین امنوا کذلک حق علینا نبی المؤمنین ۱۳ قل

پیش از آنان خود را و آنانی که ایمان آوردند هم چنین بر ماست که سحابت و بیم مومنان را بگو

یا ایها الناس ان کنتم فی شک من دینی فلا اعد الذین تعبدون

ای مردمان اگر هستید در شک از دین من پس بشنوید که عبادت می کنم آن را که شما می پرستید

من دون الله و لکن اعد الله الذی یتوفکم و امرت ان اکون

بجز خدا و لیکن عبادت می کنم آن خدا را که بعضی از اواح شما کند و فرموده شد مرا که باشم

من المؤمنین ۱۴ و ان اقم وجهک للالدین حنیفا و لا تكون من

از مومنان و آنکه راست کن روی خود را برای دین ضیف و مباحث از

المشرکین ۱۵ و لاتدع من دون الله ما لا ینفعک و لا یضرک

مشرکان و بخود خدا چیزی را که سود بکند ترا و زیان نرساند بگو

فلن فعلت فذلک اذا امن الظالمین ۱۶ و ان یمسک الله بصیر

پس اگر نمی باشی آنگاه از شما که ظالمان را و اگر برساند خدا را

فلا کشف له الا هو و ان یردک بخیر فلا راد لفضله یصیب

پس نیست بردارنده آنرا مگر او و اگر خواهد حق تو بدهد پس نیست آنچه دفع کند عقل او را و اگر برساند عقل او را

تفسیر عثمانی

عبرای این مردم
بگو سعادتمندی که در جیل
و طاعتی را می پذیرند
چرا این چیزی نیست که
خاطر آفات و حوادثی
باشد که به کند باری
بیشتر فرود آید و هر
است او را در انتظار
آن وقت بایشم پایا
کام دست گویان و
در وقت گویان و در وقت
عده اگر مسلک دینی
من در اندیشه شایسته
گنجد و دهان به دهان
شکوک و شبهات و شک
اصل اصول دین خود را
که تو عهد خاص است
بشما و این تمام خلاصه
من از پرستش موجودان
مهم است و سقته بر تو
و هر چه ندارید که پس
خبر آنرا خواهم بگویم
۱۱ من خاص خدای
۱۲ از دست متعلل می
۱۳ پرستم روی شما و بگو
قدت دست چون
اماده کند در ایمان
شما کنند و چون خواه
یک بر آمد پس باید
کسی را بجهت خود که
مرگ حیات و دیدار است
عبادت تنها از عبادت
ساخته نیست هر آینه
انسان باید از انکه در
توحید و یگانگی و یگانگی
مستقیم شود و در عبادت
و پنهان بهان و دین
حنیف که دین ابراهیم
خیل الله است که
روی بخت و تو بخت
پاک از شوهری و شوهر
بجای خفی پاک گردد
چنانکه خاص باری
عبادت می کند خاص
از دست است و هر
زیر او و در میان خبر
در حق حال صاف است

فتح الرحمن

ولینے اعراض می
کلند ۱۲ ول متزعم
گوید می توان گفت

شیخ محمد بن سید عیسیٰ
 از آنست که فکر یابی
 ناصواب کند و بیست
 و ایسید دل خود را اطمینان
 دهد و عقاید حق را

فرا موش سازند
زیرا که عدد در اینجا
یعنی علوم صدر ۱۱

آمده است
تقدیر عثمانی

عقودن درخاستم

خبر و مشور را اختیار داد

نیت ممنوع قرار
۱۹۱۹ شد مناسب

آنست که در قبال

ان جو مالک
علی الاطلاق شود کہ

رنج و راحت خیر و
شر هم در قدرت

اوست و هیچ کس
نخستین و آخرین

وی فرو فرستاده

روح کند و پیر که
خواهد عنایت کند کس

توانند آنرا باز دارد

ویرا پیری آشکار

فرا رسید و بی هیچ کس
عذر محقول ننهاد که

انرا بنده خدا
آخه منم - خدا

برندگان خورشید

امام محمد - التوبق
بهرکه سود و زیان

مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٧٠﴾ قُلْ يَٰكُفَرَاءُ النَّاسِ قَدْ

بهر که خواهد از بندگان خود داور است آمرزنده مهربان یو اے مردمان

بهر که خواهد از بندگان خود داور آمرزنده مهربان است یو اے مردمان

جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى فانما يهتدى لنفسه ومن
 ضل فليس له ما يملأ كفاً

صَلِّ فَإِنَّهَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكَ بِوَكِيلٍ ۝ وَاشْبَعْ مَا
 كَرَاهَ صَدُوزِينَ يَدِيتَ كَرَاهَ مَيُودَ بَرَّانِ خُودَ وَبَشَمَ مَن بَرَّشَمَا
 كَرَاهَ شَدَّ بَسْ جَزَائِنِ يَدِيتَ كَرَاهَ مَيُودَ بَرَّانِ خُودَ وَبَشَمَ مَن بَرَّشَمَا
 كَرَاهَ مَيُودَ بَرَّانِ خُودَ وَبَشَمَ مَن بَرَّشَمَا

یومی ایست و اصیل حتمی بحم الله و هو حیدر الحیدین
 که می فرستادم بود شکلیا می بود ز تا آنکه میصل کند خدا داد بهترین میصل کند گان است
 چیز را که می شود بود مبرک تا حکم کند خدا داد بهترین میصل کند گان است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدا بحضرت مهربان بارم است
آغاز می کنم بنام هدای که بهایت
الرحمت اُحکمت ایتة فی فصلت من لدن حکیمه خیر ۱ الا تعبدوا

این کتبی است که استوار کرده آیات او باز جدا کرده شده از نزد علم کنیزه با جبر عبادت علییه
اَللّٰهُ اِنِّیْ لَکُمْ نَذِیْرٌ وَّبَشِیْرٌ ۝۵۰ وَاَنْ اَسْتَخْفِرَ اَرْکَمَ ثُمَّ لَوْ بَوَّ
 مگر خدا را چه از این که شمار از جانب او بیم کننده و بشارت دهنده ام و اگر آمرزش طلب کنید از پروردگار خود پانصد جبرع کنید

مگر خدا را هر آینه من گناهان از وی بیم و شرمند و مژده رساننده ام و آنکه از من بپسندید و دلخواه خود را بدو رسانید
 الیہ یرتعدون متاعا حسنا الی اجل مسمی و یؤت کل ذی فضل
 بسوی دے تا بهره مند سازد شما را به بهره نیک تا میسر شود معلوم و تا بدو به هر صاحب بزرگی را
 بسوی وی تا بهره موداری و دستار بر سر موداری و فلک تا وقت مقرر و تا بدو به هر صاحب بزرگی را

فَضْلُهُ مُوَ انْ تَوَلَّوْا فَاِنَّیْ اَخَافُ عَلَیْكُمْ عَذَابَ یَوْمٍ کَبِیْرٍ ۝ اِلَی اللّٰهِ

مرجع علم و هو علی کل شیء قدير ﴿۴﴾ اَلَا اِنَّهُمْ يَشْتَوْنَ

بَعْلَمَ مَا لَمْ يَرَوْهُ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّرُوفِ

میدانند آنچه بندهای می دارند و آنچه آشکارا می کنند هر آینه او داناست بر سر یک مالک سپینه باست و
محمد اند آنچه بندهای می کنند و آنچه آشکارا می نمایند هر آینه او داناست با سر یک در سپینه باست
نیز و مستقیل خود را از حق او منهد طاعتی شایسته را اختیار نمایند و غیر مختار گردانیده نشد که مسئول دشمنی تمام اعلی مردم باشد کارهای مرد

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا

در زمین	مگر	و نیست یارچ	جنبند
در زمین	مگر	و نیست یارچ	جنبند

ويعلم مستقرها ومستودعها كل في كتاب

وہی: باندھے جائے مانندن اورا او جائے نگاہداشتن اورا
وہی: داند قرار گاہ او و آرام گاہ وی را

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ

ست آنکه آفرید آسمانها و زمین را در شش روز و بود
ست آنکه آفرید آسمانها و زمین را در شش روز و بود

سَاءَ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ

بار آفریدن شما آنکه تا بیا ز امید بشمارد که کدام کس از شما بشوید تراست از جهت علی و اگر کوئی که هر آینه شما
از ایندگان کند با شما که کدام کس از شما بشوید تراست از جهت علی و اگر کوئی که هر آینه شما

بَعْدَ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ

موت گویند کافران نیست این سخن مگر چاروی
موت هر آینه گویند آنانی که کافرند نیست این سخن مگر چاروی

أَخْرَجَهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولَنَّ مَا

ما شير گيم از ايشان عذاب را تا مدت نموده شده هر آيند گويند چه چيز
ما زداريم از ايشان عقيب را نامدني نموده شده گويند چه چيز

وَمَّا يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا

گاه باش روزیکه بماید باستان نباشد بازداشته از ایشان و فراگرد ایشان را آنچه

٥٨ وَلَئِنْ اَذَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ رَدَدْنَاهُ اِلٰى عَذَابِنا

و اگر بچشایم آدمی را بخت از نزد خود بر گیرم آنرا از وی

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

نامهای است و آنچه را که می آید در این کتاب به دست آورده اند
نامهای است و آنچه را که می آید در این کتاب به دست آورده اند

السَّيِّئَاتِ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورًا ۖ إِلَّا الَّذِينَ

ج ۱۰ بدی ۱ از من هر آینه وی شادمان خود ستااست مگر آنکه

وَالصَّلٰحَةُ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَّاجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٣٦﴾

دکارهای شایسته کردند آن جامع ایشان را است آمرزش و مزد بزرگ

بعض ما يوحى إليك وضاعف به صدرك

بعض آنچه در ستاده می شود بسوی تو و بعضی بنویسد بان سینه تو
بده بعضی بعضی آنچه در ستاده می شود بسوی تو و تنگ میشود به آن سینه تو

انزل عليه كنزاً و جاء معه ملكاً انما

بر فرد آورده نشد بر دی گنج یا چراغ نایاب و فرشته جز این نیست که

اولاد و اولاد وار خصلت کرمیات از ان ظهور خود به هدایت کنونی رسیده اند آگاه است و بر طبق علم محیط غرض



و مترجم گوید این
جمله زیاده کرده ستدور
وسط قصه قوم نوح تا
تنبیه باشد بر لطیف
حال مشرکین که با
حال قوم حضرت نوح
والله اعلم - ۱۳ -

تفسیر عثمانی

نوح علیہ السلام

[illegible]

همان هر روز ختم شود
نماز پنجگانه در
هر دوایه و با کمال
توکل و حقیقت بخوانید
را ده خدا بر این است
خدا را دعوت کنید
تا قیامت هلاک گرداند
بوی خدا را شمع

عَلَيْهِ مَا لَمْ يَنْجِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِظَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا

بر این پیغام رسانیدن آل دانیست مزد من مگر بر خدا و بیستم یکسو کننده مسلمانان یعنی از صحبت خود
بر این پیغام پنج مالی نیست مزد من مگر بر خدا و بیستم من داننده آنکه گردیده اند هر آینه ایشان ملاقات
انهم ملقوا منكم والکئی اراکم قومًا تجہلون ۵ وای قوم من
هر آینه ایشان ملاقات کنندگانند با پروردگار خویش و لیکن من می بینم شما را قومی که جهالت می کنید و اے قوم من که
کنندگان با پروردگار خیرشند و لکن من می بینم شما را قومی که جهالت می کنید و اے قوم من که

يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتَهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٥﴾ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ

نصرت دهد مرا از عقوبت خدا اگر بپندم ایشان را آیا بپندم نمی گیرید
و نمی گویم بشما

عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مُلْكٌ وَ

و که نزدیک من خزینه بانی خداست و نه آنکه میدانم غیب را و نمی گویم که من فرشته ام و
و که نزدیک من گنج بانی خداست و نمی دانم غیب را و نمی گویم که من فرشته ام و

لَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا ۖ اللَّهُ

خدا بد ایشان چشم شما که نخواهد داد خدا بد ایشان چشمی نفعی
خدا به ایشان چشم های شما که نخواهد داد ایشان را خدا هیچ نیستی

أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ ۚ إِيَّا إِذَا الْكُفَّارَ الطَّالِبِينَ ﴿٤﴾ قَالُوا يَنْبَغُ

دانا فرست با پنجه در ضمیر ایشان است هر آینه من انگاه از ستم گاران باشم گفتند اے لوح

قَدْ جَادَلْتُنَا فَأَثَرْتَ جَدَّ النَّفَاقَةِ بَدَا تَعْدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنْ

از مکابره کردی با ما پس بسیار کردی مکابره را ما پس بسیار آنچه وعده می کنی اگر هستی از
هر آینه مجادله کردی با ما پس بسیار کردی جدال را ما پس بسیار آنچه وعده می کنی ادا اگر هستی از

الْصَّادِقِينَ ۝ قَالَ إِنَّمَا يَتَّبِعُكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ

راست گویان گفت جز این نیست که بیارد آنرا بشما خدا اگر خواهد و شما
راست گویان گفت جز این نیست که بیارد آنرا بشما خدا اگر خواهد و نیستید شما

بِعِزِّينَ ۝ وَلَا يَتَفَعَّلُوا نَصِيحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ

عاجز کننده بشنید و سودی بخند شمارا نصیحت من اگر خواهم که نصیحت کنم شمارا
(عاجز کننده گان) که عمر بخت خدا را عاجز گردانید و قطع بختی کند شمارا نصیحت من اگر خواهم که نصیحت کنم شمارا

اِنْ كَانَ اللّٰهُ يَرِيْدُ اَنْ يَغْوِيَكُمْ هُوَ سَيُكْفِرُكُمْ وَابِلَيْهِ تَرْجَعُونَ

اگر خدا خواهد آنکه شمارا گمراه سازد اوست بروردگار شما و بسوی او بازگردانیده شود

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَىٰ إِجْرَائِي وَإِنَّا بِرَبِّي

یا حمز ایامی گویند بر لبه است قرآن را بگو اگر بر لبه ام پس بر من است گناه من و من بے تعلک
آیا می گویند بر لبه است قرآن را بگو اگر بر لبه ام آن را پس بر من است گناه من و من بیزارم

سَأَجْزِمُونَ ۝ وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا

از کلاه ازین عاقلان دهی فرستاده شد بپوسته نوح که ایمان نخواهد آورد از قوم تو الا
از آنجا که گناه می کند و دخی فرستاده شد بپوسته نوح آنکه ایمان نخواهد آورد از هر گروه تو

من قد آمن فلا تبتأس بها كما توافعلون ١٢ واصنع الفلك

آنچه که ایمن آمده پس اندو تا که مباحل بسبب آنچه می کردند و باز کشتی را
 آنچه که چپ آمده خود بسبب آنچه می کردند و باز کشتی را

اعطاء و نهمة جزا عرف حضرت شاهي تبار و پد کش ها و انقضاض های قوم نوح تا این هاشمیه اعراضاتی بود که قوم پیغمبر می کردند

که گوی دهنه
بای آسمان
گشاده و پره بانی
شعاع شده بود بگوهای
منج درختان سر فراز
در آب پوشیده شدند
جز میفرشتان دیگر
هم مردم که نور علیهم السلام
در باره شان نفرین
کرد بود و غرق گردیدند
آنچه خدای متعال
بر ایشان فرموده و ادبهای
خویش را بر ایشان افکند
و به ابر با حکم کرد که
بایستند که محال آن
بود که در امتثال فرمان
بیه مثل و در طاعت الهی
درنگ می کرد آب
خشکیدن گرفت کشتی
به کوه جودی استوار
(جودی به بنفیه بعضی
نزدیک مریح است که
آنچه خدا خواهد یعنی کشتی
گرفته کاروان را بپایان
میرساند به سمت کاروان
گرفته شد از رحمت الهی
در شونده و بیطوره
گودال صیت ۹
و ملک مع ۱۳
بازند ۱۴
تنبیه ۱۵
احکامات ۱۶
است که مومنان
تمام گویی را فراموش
به دیاری خاص بود این
جامع تفسیر نیست
بر این و اقوال بعضی
محققان ارد پاک در
دایرة المعارف نقل شده
طوفان عظیمی را تا نیند
می نیند و اکثر کشتی
به طوفان عظیمی تا نیند
نسل موجوده انسان
از سر پیرنوع سام عام
یافت است و جعلت
فردیه هم الهامی بود که
و حیوانی که در طوفان

وَقِيلَ بَعْدَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۱ وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي
و گفته شد پس باد قوم ستمکاران را و آواز داد نوح پروردگار خود را پس گفت ای پروردگار من پسر من
و گفته شد (پس باد) و دردی باد قوم ستمکاران را و آواز داد نوح پروردگار خود را پس گفت ای پروردگار من پسر من
مِنْ أَهْلِي ۲ وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَكَمِينَ ۳ قَالَ يَبْنَوحُ
از اهل من است و هر آینه وعده تو راست است و تو بهترین حکم کننده هستی گفت ای نوح
از اهل من است و هر آینه وعده تو راست است و تو بهترین حکم کننده هستی گفت ای نوح
إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَشْعَلْنِ ۴ مَا لَيْسَ لَكَ
هر آینه وی نیست از گران تو هر آینه وی خداوند کار ناست ای نوح است پس سوال کن تو را از چیزیکه نیست ترا
هر آینه وی نیست از گران تو هر آینه وی خداوند کار ناست ای نوح است پس سوال کن تو را از چیزیکه نیست ترا
بِهِ عِلْمٌ إِنَّيْ أَعْطَاكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ۵ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ
دانش آن هر آینه من بند میدهم ترا برائے احترام از آنکه با منی از جاهلان گفت ای نوح پروردگار من هر آینه من خواهم پناه
بمان دانش هر آینه من بند میدهم ترا از آنکه با منی از جاهلان گفت ای نوح پروردگار من هر آینه من پناه میگیرم
بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ طَوَّافٌ ۶ تَغْفِرْ لِي وَرَحْمَتِي أَنْ
پناه از آنکه پرسم از تو آنچه نیست مراد من آن و اگر نیاموزی مرا در حق من پاشم از
چرا از آنکه پرسم از تو آنچه نیست مراد من آن دانش و اگر نیاموزی مرا در حق من پاشم از
الْخَسِرِينَ ۷ قِيلَ يَبْنَوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ
زبان کاروان گفته شد ای نوح فرود آ و همراه سلامتی از جانب ما و همراه برکت با فرود آمد و برود و برامت بای
زبان کاروان گفته شد ای نوح فرود آ و همراه سلامتی از جانب ما و همراه برکت با فرود آمد و برود و برامت بای
لَمْ يَكُنْ مَعَكَ طَوَّافٌ ۸ وَاسْمُ سَمِيعٌ ۹ تَبَشِّرْهُم مِّنْ عَذَابِ الْيَمِّ ۱۰ تِلْكَ مِنْ
پیدا شوند از همراهان تو و امت بانی و دیگر آنکه هر صندقی که ایستاد در دنیا باز برسد بایشان از جانب ما عذاب دوزخ دهنده این نعمت از
از آنها که با تو اند و امت بانی و دیگر آنکه هر صندقی که ایستاد در دنیا باز برسد بایشان از جانب ما عذاب دوزخ دهنده این نعمت از
أَتَى الْغَيْبِ نُوْحٍ بِأَلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ
الغایب است و می میرسد آن را بوسه گویی و استی آنرا تو و قوم تو پیش
الغایب است و می میرسد آن را بوسه گویی و استی آنرا تو و قوم تو پیش
هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ۱۱ وَإِلَى عَادِ أَخَاهُمْ هُودٌ ۱۲
از این پس مبرکن هر آینه عاقبت مرستقمان راست و فرستادیم بوسه عاد برادر اقیان بود را
این پس مبرکن هر آینه عاقبت نیکو متقمان راست و فرستادیم بوسی عاد برادر ایشان بود را
قَالَ يَقُومُ عَبْدُ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِ طَرَانِ أَنْتُمْ إِلَّا مَفْرُوقُونَ ۱۳
گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبودی بجز دین نیست شما مگر انرا گفته
گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبودی بجز دین نیست شما مگر انرا گفته
يَقُومُوا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجَرْتُمْ إِلَّا عَلَى الْبُذَى فَطَرَنِي
ای قوم من بنی طهر از شما بر این پیغام مزدی را نیست مزد من مگر بر کسیک آفریده است مرا
ای قوم من بنی طهر از شما بر این مزدی نیست مزد من مگر بر آنکه آفریده است مرا
أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۱۴ وَيَقُومُ اسْتَغْفِرُ وَأَرْبُكُمُ تَتُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ
آباد می باشد و ای قوم من آمرزش طلبید از پروردگار خود باز رجوع کنید بوسه و تا بهرستند بار را
آباد می باشد و ای قوم من آمرزش طلبید از پروردگار خود باز رجوع کنید بوسه و تا بهرستند از آسمان
عَلَيْكُمْ قَدْ سَأَلْتُكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتْلُوا مَجْرِيْلِينَ ۱۵ قَالَ
بر شما بارانی بپوشد و بپوشاید شما را و همراه قوت شما و در گردان مشوید گناه کار شده
بر شما بارانی بپوشد و بپوشاید شما را و همراه قوت شما و در گردان مشوید گناه کار شده
و گفته

وَمَا جِئْنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِ هَارُونَ عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ بِكَ

سے بڑا دیکھا وہی ما دیکھنے و نیسٹیم کا ترنک گفتہ مجبوعان خود را از گفتہ تو و نیسٹیم ما ترا

بِهِمْ مَبِينٌ ۝ إِن تَقُولُ إِلَّا أَعْلَوِي بَعْضُ الرِّهْتَانِ سَوْفَ قَالَ إِلَى

در دارندگان نمی گویم مگر آنکه رسانیده بنو

شَهِدَ اللَّهُ وَأَشْهَدُوا أَنِّي بَرِئٌ مِمَّا تَشْتُرُونَ ۚ وَمِن دُونِ فَكِدُونِ
 ۚ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّكُمْ إِذَا اسْتَأْذَنْتُمْ عَن ظَهْرِكُمْ سَوَاءٌ مِّنْ مَّوَدِّعِهِمْ

که می‌دانم خدا را و خاکواه باشم هر آن پند من می‌زورم از آنکه شما انانی که می‌دیدید بخردی پس بدستگاری کن که در حق من

جہدِ عالم لا نظرون (۴) اے نبی تو کھلت علی اللہ نبی ورتکم طہا من دایہ
 نزدیک ہا باز مہلت مدہید مرا ہر آئینہ من تو گل کردم بر خدا پیرورد کار من و پیرورد کار شامت یسے جہد

آینده من تو کل کردم بر خدا پروردگار من و پروردگار شما نیست هیچ جنبه

میرزا محمد علی صاحبزادہ ایران درویشی صراط مستقیم

در حد ابراهیم است موی پشیمانی او را بر آینه پروردگار من بر راه راستند (پس) اگر

دو کوهان شویده فرزند من و مادره نیست هر آینه رسا نیدم بشما پناه و اگر فرستاده شدم جهاد این بسوی شما جفا حقین سازد

فَاعْلَمُوا أَنِّي أَنزَلْتُ الْقُرْآنَ بِالْحَقِّ وَأَنِّي لَمُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى كُلِّ ظُلْمٍ إِنَّهُ رَبُّكَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

مخبر شما در این زبان نتوانید رسانیدن خدارا هر آینه میرود و کار من بر همه چیز نهمیان است و چون
مخبر شما در این زبان نتوانید رسانید اود را چیزیست بر آینه میرود و کار من بر هر چیز نهمیان است و چون

جاء امرنا نجينا هودا و الذين امنوا معه برحمة منا و نجينا هم

و انان را که ایمان آوردند پادای برحق از جانب خود و بر ما ندیم ایشان را

وذلك عاد جحدوا بآياتهم وعصوا
 واین ستم سرگزشت عاد انکار کردند آیات پروردگار خود را و نافرمانی نمودند

و اینست سرگذشت عادی که کردند به آیات پروردگار خود و تا فراموشی نمودند

و از بی ایشان فرستاده شد در دنیا
و از بی ایشان فرستاده شدند در دنیا

لَعَنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْإِنْسَانَ إِذَا حَدَّ أَكْفَرًا وَارْتَمَى الْإِبْعَادَ فِيمَا

در روز قیامت نیز آگاه باش هر آینه عاد کافر شدند به پروردگار خود آگاه باش نفعین باد عاد را که قوم
در روز قیامت نیز آگاه باش هر آینه عاد کافر شدند به پروردگار خود آگاه باش بدو مر عاد را که قوم

١١) والى شهود اخاهم صليحاً قال يقوم اعبدوا الله ما لكم

و استادی بسوی خود برادر ارشان صامی را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شما را

ان البقرة هو الشاة من الارض واستمره فيها
نقحودس بقره او پيدا کرد چهار از زمین و گردانید شمارا باشده در زمین

و باستانه گردانیده شادرا در زمین

1990

دل بخانه مالک اوست
 این یعنی حکم است
تفسیر عثمانی
 هفت شب و
 هشت روز مسلسل
 طوفان باد بود چنانکه
 دوزخ و عذاب مذکور
 شد خانه هفت شب متفق
 با پاشان گردید و در آن
 از پنج کده سته در
 افتادند بواجان
 زیرا کین بود که از بی
 می آمد و از بیایان
 بر می آمد و بدین راند
 هم می شکست ، بود
 علیه السلام و هر که
 را که به پادشاهان پنج
 می شد ندان آن غریب
 ببولان کند استیتم
 و پیران ایام و عمل
 صاحب از عذاب کین
 آخرت نیز نجات می یابد
عنه (تعلیه) شاید
 از این جهت در رساله
 گفته شده که تکذیب
 یک پیغمبر تکذیب همه
 پیغمبران است زیرا
 همه در توحید و اصول
 دین متفق و عهد گرد
 شده اند
 لعنت خدا بر پی
 آنهاست هر چه دارند
 و رفقای شان رود و
 تار سازند با لعنت
 و کشوند یک پس از
 قیامت نیز از تعقیب
 شان باز نایستد و حق
 لعنت همواره در گردن
 شان باشد
عنه (تعلیه)
 مفسرین
 بر آنند که روز قیامت
 زاری شود «الان عاذ
 بکرم الله» و گریه
 برباد سازندگان
 چیست باشد که تعبیر
 و آخری از این

تو در آنچه مردی شوی
بس فاضل و شیکار
تا مردی ترا خلف جز
و اندر بر سو چشم
نشاند چون در
همین تو آثار شد
علاج پدید آورد
تو ندانستی که در
مستقبل قریب از تو
بسیار مستقیقی شوند
باری و تدبیر اصلاح
و مشوره برادران قوم
خود را هدایت و هدیه
پدران را با قوت
قلب تابیده حایت
می تکی و درست است
که در آفرین پستی
مبوق تو بود از
مدب غوی قوم حیدا
بودی باز هم بدانش
و قابلیت فطری تو
اعتماد داشتیم و امیدوار
بودیم پس باز کمال عقل
و تجربه این روش تو
یا قی مانند مادر خاتو
مختالی بنیاد نهادی
و چندین بر فلات
مذهب نیالان ما
جهاد کردی که کافر
آمال ما بجا برابری
شد تو بیو ای یک
خدا و اشتباهی دیگر
کلید معبودان باستان
را ترک گوئی روش
بنده کلان را گذشتی
و بر خلاف آن چنین
سنگی را اختیار نمودی
نزد ما سخت شنید
ناک است هرگز
و همدان ایا قبول
آن را معنی فیض
در موهج القرون است
خود مندی نمودی برای
آنکه راه آباد اجداد
را روشن کنی اما توبه
چون آن که بقیع عصب
مکن است خدا غرضش

فَاَسْتَغْفِرُكَ ثُمَّ تَوَلَّى الْاَلِيَّةَ اِنْ رُبِيَ قَرِيبٌ مَّحْبُوبٌ ۝۱۰ قَالُوا اِيْضْلِحْ قَدْرَ
پس طلب آمرزش کنید از او باز رجوع کنید بسوئے او هر آینه پروردگار من نزدیک است پذیرنده دعا است گفت اے صالح
پس طلب آمرزش کنید از او باز رجوع کنید بسوئے او هر آینه پروردگار من نزدیک است اجابت کننده است گفتند اے صالح
گفت فینا مرجو اقبل هذا اتمهنا ان نعبد ما يعبد ابائنا و ائنا لنفي
بودی تو در میان ما امید داشتند پیش ازین آیا منی کنی ما را از انکه عبادت کنیم معبودانی را که عبادت می کردند پدران ما و نیز از
بدرستی بودی در میان ما امید داشتند پیش ازین آیا منی کنی ما را از انکه عبادت کنیم معبودی را که عبادت می کردند پدران ما و نیز از
شناختند و ما تدعون الیه مریب ۝۱۱ قال يقوم اریتم ان كنت علی
شیرایم ازا چه می خوانی اما بسوئی آن در شک بهمت انگنده عه گفت اے قوم من آیا دیدید اگر با شما بر
بینک من ربی و ائنی منه رحمة فمن ينصرني من الله ان
بچه از پروردگار خود و عطا کرده باشد من از جانب خود بخشایم پس که نرفت و بهما از عقوبت خدا اگر
بچه از پروردگار خود و داده باشد مرا از نزد خود بخشایم پس که نرفت و بهما از عقوبت خدا اگر
عصبت قدما تریذ و ننی غیر تحسیر ۝۱۲ و يقوم هذه ناقة الله لكم
نا فرمای او کنم پس زیاده نمی کند در حق من مگر زیان کاری را و اے قوم من ایستاده عترت که خدا فرستاده است برای شما
نا فرمای کنم او را عه پس شما زیاده نمی کنید در حق من مگر نقصان و اے قوم من ایستاده عترت که خدا فرستاده است برای شما
ایة فذروها تاكل فی ارض الله ولا تمسوها بسوء فإخذكم
نشان پس بگذاریدش تا بخورد در زمین خدا و مسازید بسوء فخری که آنگاه بگیرد شما را
نشان پس بگذاریدش تا بخورد در زمین خدا و مسازید بسوء فخری که آنگاه بگیرد شما را
عذاب قریب ۝۱۳ فاعقرها فقال تشعوا فی دارکم ثلثة ايام ذلک
عقوبت نزدیک پس بے گردند آن را پس گفت صالح بهر مذهب باشد در سران خود سه روز این
عقوبت نزدیک پس بے گردند آن را پس گفت صالح بهر مذهب باشد در سران خود سه روز این
وعد غیر مکذوب ۝۱۴ فلما جاء امرنا بنحوینا صلحا و الذین امنوا معه
و عده هست غیر دروغ پس و قتی که آمد فرمان ما بجا آمد و ایمان را که ایمان آوردند همراه او
و عده است غیر دروغ پس و قتی که آمد فرمان ما بجا آمد و ایمان را که ایمان آوردند همراه او
برحمۃ منا و من خزری یومئذ ان ربک هو القوی العزیز ۝۱۵
بخشایم از خود و در پادشاهم از رسوائی آن روز هر آینه پروردگار تو بپشت تو انا غالب و
بخشایم از خود و در پادشاهم از رسوائی آن روز هر آینه پروردگار تو بپشت تو انا غالب و
اخذ الذین ظلموا الصیحة فاصبحوا فی ديارهم جثین ۝۱۶
در گرفتند سگاران را آواز سخت پس بپشت کردند در سرایای خود مردگان بر زمین چسبیده
در گرفتند سگاران را آواز سخت پس بپشت کردند در سرایای خود مردگان بر زمین چسبیده
کان لم یغنوا فیها الا ان شئوا کفروا و اسر بهم حط الا بعدا
گو یا بر گزیده بودند آنجا آگاه باش هر آینه نمود انکار کردند پروردگار خود را هر آینه دوری باد
گو یا بر گزیده بودند آنجا آگاه باش هر آینه نمود انکار کردند پروردگار خود را هر آینه دوری باد
لشئوه و لقد جاءت رسلنا ابرهیم بالبشری قالوا سلما
نمودند و هر آینه آمدند فرستادگان ما پیش ابراهیم بشارت سلام گفتند
مقوم نمودند و هر آینه آمدند فرستادگان ما پیش ابراهیم بشارت گفتند سلام بر تو
قال سلم فما لیت ان جاء بعجل حنیذ ۝۱۷ فلما ساء ایدیههم
ابراهیم جواب سلام داد پس توقف نکرد و در آنکه آورد گوساله بریان پس چون دید که دست ایشان
ابراهیم جواب سلام داد پس درنگ نکرد تا آنکه آورد گوساله بریان پس چون دید که دست های ایشان

أَتَصِلُ إِلَيْهِ نَكْرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَحْزَنْ إِنَّا أَرْسَلْنَا

نبرد بان بدید از ایشان و بمحاطه آورد از ایشان
نبرد به تمام بدید از ایشان و بمحاطه آورد از ایشان

لِقَوْمٍ لَّوِيٍّ ۖ وَامْرَأَتَهُ قَلِيلَةً فَضَحِكْتُمْ فَبَشِّرْهُمَا بِمَا كَسَبَتْ وَرَأَى

د زن ابراہیم استاده یو د پس بخنځید دا پس مزده داد مش بتولد اسحق و لبد
د زن ابراہیم استاده یو د پس بخنځید پس مزده داد مش بتولد اسحق و لبد

الشيخ يعقوب ^{١٠٠٣} قال ^{١٠٠٤} يوم كنت عمالدا وأنا عجوز وهذا بعلي شيخا إن

گفت اے وائے من آیا خواہم زاد و من یرم و این شوہر من است کلاں سال شدہ ہر آئینہ
گفت اے وائے من عہ آیا خواہم زاد و من یرم و این شوہر من است کلاں سال ہر آئینہ

هذا الشق عجيب ^(٧) قالوا اجمعين من امر الله رحمت الله وبركته

فرستادگان گفتند آیا تعجب می کنی از قدرت خدا بخشایش خدا و برکات او
گفتند فرستادگان آیا تعجب می کنی از قدرت خدا بخشایش خدا و برکات او

عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ٥ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ

برطانت اے اہل این خانہ ہر آئینہ خداستودہ بزرگوار است پس چوں رفت از ابراہیم
برطانت اے اہل فانہ ہر آئینہ خداستودہ بزرگ است مع پس چوں رفت از ابراہیم

وَوَجَّهَ الْبَشَرُ إِلَىٰ قَوْمِهِ ۖ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ

تس و آمدش بشارت جدلی کرد با ما در باب قوم لوط هر آینه ابراهیم بردار

قَالَ مُنِيبٌ ٥ يَا بُرْهَيْمَ اعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ بِالْكِتَابِ

بسیار از دل رجوع کنند جدا بود اے ابراهیم روی بگردان از این خیال بدستیک (عالی این است) آمده است فریاد

لَهُمْ فِيهَا مِنْ غَيْرِ مُدْرِدٍ ۝ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لَوْ تَصْحِفُ أَعْيُنُهُمْ

و چون آمدند فرستادگان با پیشوایانده کین نزد ازهرن انرا

مضامینهم در عاقل هدا یوم عصبیب و جاءه نومیدیم از خون شیر

و گفت این روزی است بسیار سخت و آندند پیش بوط لوم اول شتابی دویند و بدو

وَمِنْ قَبْلِ كَانُوا يَعْمَلُونَ الشَّيْءَاتِ قَالَ يَوْمَ ذُنُوبِهِمْ وَلَوْ أَنَّ فِي هَذِهِ نَارُ فِجَارٍ أَكْبَرُ سَبْعِينَ مِائَةَ أَلْفٍ سَعِيرٍ لَأَمْسَتْ ذُنُوبُهُمْ حَمِيمِهَا

کفت اے قوم من ابن دختران من حاضر اند این بابا پیکره تر اند

[illegible]

برای شاپس برسد از خدا در سوا گفتند و در باب میمانان من آیات است از شدت مردی راه یافته

و اما بعد از این که ما را می بیند برین پی و این که تمام ما
دیده اند هر آینه تو دانسته که نیست نارا در دختران تو ما چو

وهر آینه تومیدانی آنچه

گفت اگر ما بقابل شما فرستے ہو تو یہ پانچا کر کے بہ قوم زور آوریں گے کہ ان کی کرم و فتنہ ان فقیر

گفت کاش مرا از کمالی که خواستی بودی یابن پناه گری می در پناه ستمگر نقد فرستادن

و بعد از آنکه از مدینه بازگشت و در مدینه اقامت نمود و در آنجا در مدینه اقامت نمود و در آنجا در مدینه اقامت نمود

طالع منزه گوید یعنی
 بسبب فروش و قح از
 باهک قوم کوطا ۱۳
 سترم گوید یعنی ایشان
 (مار و غش) و سوسه بزرگ
 و عادات قوم معلوم بود
 پس خوف قتل پیدا
 شد و الله اعلم ۱۳
 تفسیر غفرانی
 عه حضرت ساره که
 در آنجا باری خدمت
 یاجت کار میگردانند
 بود از بزرگداشتند
 خوف شرارت و خنده
 کرد خدا وی را مژده
 و دیگر ادب حق تراد
 این طالع منزه را (سخن)
 ارزانی میبخت و از نسل
 وی تمام یعقوب نواده
 بنویشتیم از یعقوب
 بنی اسرائیل که از اقوام
 نیکو دیناست وجود
 نماید این بشارت
 بساده از آن جهت
 داده شد که ابراهیم
 علیه السلام قبلاً از ایلین
 حاج میری نام میفرستاد
 داشت و ساره خواست
 وی نیز میری داشته
 باشد از میری که نامید
 شد بعد از بعضی علماء
 خندیدند ساره را و اهل بیت
 دیگر نیز توجه نمودند
 باینکه آنست که بابیان
 کردیم علماء از من
 در ادب سخن یعقوب
 استدلال میکنند که حضرت
 اسمعیل ذی نوح بود
 سخن از این کفر علی
 اینها کلامی و طبعی
 چنان است که زنان
 در محاوره میگویند
 این قانون در این
 اولاد پیدا گویند
 ساره و در آن وقت خود
 دود مال داشت و
 بپا نهادی و صاحبان

۱۲- ایام غفلت شایع است که نشینان ایشان بجای تپید و خیز و از انداز الی کم هم محامد و محاسن او صرفت و ریخت است ۱۱-

فلان یعنی پسر پسر ۱۲
 و این یعنی ملک کشنده ۱۳
 و این یعنی طالع چگونه سخن
 شمارا بشنوم ۱۴
 و این یعنی خواهی که بکار
 نیک بفرمایم و خود نکند
 و الله اعلم ۱۵
 و این یعنی اعتراض و
 تلقی لوط از عذاب و
 شد همانان وی گفتند
 اندوختن میباش از دست
 و فرستاده عظیم آمده
 ای که آنها را پاک و تبار
 گردانیم این بابی تو نبرد
 باز یاری دارد
 کند و جو
 هدایت رسانند
 در تقصیر است آنها
 در وازه را شکستند یا
 کوشش کردند از راه
 و پسر خود آینه جبرئیل
 علیه السلام بفرمان الهی
 لوط را جدا کرده بزدی
 خود را اندکی بسوی آنها
 حرکت داد و لوط گور
 شدند و هر یک را
 فریاد برآوردند بگریزید
 همانان لوط را مصلحت
 بزرگ عذاب بفرست
 مع عذاب خود می آید
 پاس از شب مانده با
 خانواده خویش ازین جا
 سفر کن به ولایت را
 هدایت ده تا بستانند
 آنچه که نام برتقا نگرند
 زوجه با تو می رود
 یا بازی گردد بدین سبب
 در عذاب که به قوم خود
 آمد نیست مبتلای
 شود گویند این زن
 قوم را از درد و همانان
 اطلاع داده بود و
 جبرئیل این مسکن
 شتر از نزدیک آسمان
 برداشت و پایانش گفتند
 نمازت با سر از بر شد
 برای انجام نجات در سوا

يَلْعَبُ اِنَّكَ رَسُلٌ رَّيَكُنْ يَصْلُواْ الْاَيْكُ فَاَنْتَ بِهَا لَكَ بِقُطْعٍ مِّنَ الْاَيْكُ
 ۱. لوط هرگز آینه فرستادگان پروردگار تو ایم نخواهند رسید بوی پس بر سر کان خود را بهاره از شب
 ۲. لوط هرگز آینه فرستادگان پروردگار تو ایم هرگز نرسند به تو پس بر سر کان خود را بهاره از شب
 وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَ اٰتِكَ اِنَّهُ مُصِيبُهُمْ اَصَابَهُمْ اَنْ
 ۳. و باید که واپس ننگرد هیچ کس از شما الاذن تو که رسیدنی است و او آنچه رسید باین قوم
 ۴. و باید که در پس ننگرد هیچ کس از شما مگر زن تو بدستگیر رسیده است و او آنچه رسید ایشان را عهده هرگز
 مَوْعِدُهُمْ الصَّبْحُ اَلَيْسَ الصَّبْحُ بِقَرِيبٍ ۱۱
 ۵. میعاد ایشان وقت صبح است آیا صبح نزدیک نیست پس چون آمدن زمان مقرر اند که زیر آن را
 ۶. میعاد ایشان وقت صبح است آیا صبح نزدیک نیست پس چون آمدن زمان مقرر اند که زیر آن را
 سَافِرُهُمْ اَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حَاجَرَةً مِّنْ سِجِّيلٍ ۱۲
 ۷. زیر آن و بارانیدیم بر آنها سنگها از ستم سنگ گل ته پیر و
 ۸. زیر آن و بارانیدیم بر آنها سنگها از گل ستم (در پی) ته پیر نشان کرده شد نزدیک
 رَّبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِيْنَ بِبَعِيْدٍ ۱۳
 ۹. پروردگار تو و این سنگها نیستند و در از ستمکاران
 ۱۰. پروردگار تو نیست آن فریاد از ظالمان دور و بسوی قوم مدین فرستادیم برادر ایشان شعیب را گفت
 يَقُوْمُ عَبْدُ اللّٰهِ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهُ ۱۴
 ۱۱. ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبودی مگر من و کم کنید بیایند
 ۱۲. ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبودی مگر من و کم کنید بیایند
 اِنِّ اَرْسَلَكُمْ بِخَيْرٍ وَّ اِنِّ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيْطٍ ۱۵
 ۱۳. هر آینه من می بینم شمارا به سودی و هر آینه من می ترسم بر شما از عذاب روز در گیرنده و ای قوم من کم کنید
 ۱۴. هر آینه من می بینم شمارا به سودی و هر آینه من می ترسم بر شما از عذاب روز در گیرنده و ای قوم من کم کنید
 الْيَمِيْنَ وَالْيَمِيْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْيَاءَهُمْ ۱۶
 ۱۵. بیایند و ترازد را با انصاف و کم مرسانند مردمان چیزهای ایشان را و تبار کاری کنید
 ۱۶. بیایند و ترازد را با صاف و کم کنند به مردمان چیزهای ایشان را و تبار کاری کنید
 فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ۱۷
 ۱۷. در زمین فساد کنان
 ۱۸. در زمین فساد کنان آنچه باقی گذارد خدا بهتر است و شمارا اگر بسید باور دارند و
 مَا اَنَا عَلَيْكُمْ بِمُحْفِظٍ ۱۸
 ۱۹. نیستم بر شما مکیان گفتند
 ۲۰. نیستم بر شما مکیان گفتند ای شما خواندن تو میفرماید ترا آنچه نزل نیک آنچه
 بَعْدَ اَبَاوُنَا وَاَنْ تَفْعَلَ فِيْ اَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ اِنَّكَ لَانتِ الْعَلِيْمُ
 ۲۱. ای پرستیدند پدران ما بگذاریم آنچه کنیم در مال خود هر چه خواهیم هر آینه نبرد و بداد شایسته
 ۲۲. ای پرستیدند پدران ما بگذاریم آنچه کنیم در مال ما خود هر چه خواهیم هر آینه تو پرورد باری
 الرَّشِيْدُ ۱۹
 ۲۳. راهنما و مقصود ایشان است بگوید گفت ای قوم من آیا دیدید اگر باشم بر حق
 ۲۴. راه یافتند گفت ای قوم من آیا دیدید اگر باشم بر حق از پروردگار خود و
 زُرْقِيْ مِنْهُ رُحًا حَسَنًا وَاَمَّا اَرِيْدُ اِنْ اَخَالَفْتُمْ لِيْ مَا اَنْتُمْ عَنْهُ
 ۲۵. داده باشم من از جانب خود روزی نیک و حق خواهم که خلاف کنم با شما من شده بسوی آنچه منع می شمارا اذن
 ۲۶. داده باشم من از جانب خود روزی نیک و حق خواهم که خلاف کنم با شما به آنچه منع می شمارا اذن

در آن شهر می زیستند همن جاب منک ملک کشنده اندامی باله (معیه) سزا که قوم

إِنْ أَرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

نی خواهم مگر اصلاح کاری و نیست توفیق من مگر ب فضل خدا برده توکل کردم
نی خواهم مگر اصلاح تا حدی که بتوانم و نیست توفیق من مگر به مدد خدا بر دی توکل کردم

وَاللَّهُ أُنِيبُ وَيَقُومُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنْكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلَ مَا أَصَابَ

وایستاد و رجوع می کنم و ایستاد و ایستاد در حق شما دشمنی من این خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید

وَيَقُومُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنْكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلَ مَا أَصَابَ

و ایستاد و رجوع می کند و ایستاد و ایستاد در حق شما دشمنی من این خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید

وَيَقُومُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنْكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلَ مَا أَصَابَ

و ایستاد و رجوع می کند و ایستاد و ایستاد در حق شما دشمنی من این خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید

وَيَقُومُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنْكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلَ مَا أَصَابَ

و ایستاد و رجوع می کند و ایستاد و ایستاد در حق شما دشمنی من این خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید

وَيَقُومُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنْكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلَ مَا أَصَابَ

و ایستاد و رجوع می کند و ایستاد و ایستاد در حق شما دشمنی من این خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید

وَيَقُومُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنْكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلَ مَا أَصَابَ

و ایستاد و رجوع می کند و ایستاد و ایستاد در حق شما دشمنی من این خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید

وَيَقُومُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنْكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلَ مَا أَصَابَ

و ایستاد و رجوع می کند و ایستاد و ایستاد در حق شما دشمنی من این خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید

وَيَقُومُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنْكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلَ مَا أَصَابَ

و ایستاد و رجوع می کند و ایستاد و ایستاد در حق شما دشمنی من این خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید

وَيَقُومُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنْكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلَ مَا أَصَابَ

و ایستاد و رجوع می کند و ایستاد و ایستاد در حق شما دشمنی من این خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید

وَيَقُومُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنْكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلَ مَا أَصَابَ

و ایستاد و رجوع می کند و ایستاد و ایستاد در حق شما دشمنی من این خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید

و ایستاد و رجوع می کند و ایستاد و ایستاد در حق شما دشمنی من این خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید

تفسیر ثنائی
عنه هر که بخشش من
و نیست که حال دنیا و
دینی شما اصلاح شود
هر که بخشش کنید از حقیقت
ذلت خلق و مذکور
ایمان و عزت فانی
شود مقصد من جز
اصلاح نیست در
بسیج حال با اندازه
توان و استطاعت
خویش اذن نمی گذم
اما اینک سخن من است
شود و در بخشش خود
کامیاب گردم هر چه
تصرف خدای پاک
است به توفیق و
امداد و محاور انجام
می شود و کل من کسرت
اوست و در هر کاری
به وی رجوع می کنم
عنه از افراط به
خفیت و دشمنی با او
کاری نمیکند که بران
اقدام سلف خویش
را مستوجب عذابی
گردانند که موجب
بربادی می شود
عذابی که به شامت
تکذیب و شقی برآید
نوح و هود و صالح و نوح
خفی نیست مخصوصا
داستان قوم لوط که
پس از همدانیت
نزدیک واقع شده
آنها می داشتند
آنها از یاد میرسد
انسان هر چند در
گذشته گناه کرده
و بسیار شقی باشد
چون از صدق می آید
گاه دی باز گردد
و بخشایش طلبید
کل کرم دی را ببارد
و بخشش دارد و الله
بر هر چه بخواهد
عناد و خفای حق می

فَرْعُونَ وَمَا أَمْرُ فَرْعُونَ بِرَشِيدٍ ۲ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

فرعون را و بنود فرعون بر او راست

پیشوا شود فرعون قوم خود را روز قیامت

فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَيُسْ أَلْوَرْدٍ ۳ وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً

فرعون را و بنود فرعون بر او راست

پیشوا شود فرعون قوم خود را روز قیامت

وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يَكُنُ الرَّفْقُ الْمَرْقُودُ ۴ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرْآنِ نَقُصُّهُ

در روز قیامت نیز مد عطا میست که داده شد آن لعنت

این از اخباریه است که می خوانیم آثرا

عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ ۵ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ

بر تو بعضی از آن باقیست و بعضی از آن بریده

وستم نکردیم ایشان را و لیکن ایشان ستم کردند بر خویش

فَمَا آغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَدُنَّا

پس هیچ دفع نکردند از ایشان معبودان ایشان که میخوانند

بجز خدا

جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۶ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ۷ وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا

آمد فرمان پروردگار تو و نه افزودند ایشان را بجز بلامتی

وهم چنین است که میفرستد پروردگار تو چون

أَخَذَ الْقُرْآنُ مِنْهُ وَهِيَ ظَالِمَةٌ لِمَنْ أَخَذَهُ ۸ أَلَيْسَ شَدِيدٌ ۹ إِنَّ فِي ذَلِكَ

در گرفت کند دین را و آنها ستمکار باشند هر آینه گرفت و س در دین ستم است هر آینه درین سخن

گرفت دین را و آنها ستم کار بودند هر آینه گرفتن خدا در دین ستم است هر آینه درین سخن

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ۱۰ ذَلِكَ يَوْمَ مَجْمُوعٍ لَهُ النَّاسُ وَ

نشانه است که را که ترسیده است از عذاب آخرت آن روز روزیست که جمع کرده شوند در آن مردمان و

نشانه است که را که ترسیده است از عذاب آخرت آن روزی است که جمع کرده شوند در آن مردمان و

ذَلِكَ يَوْمَ مَشْهُودٍ ۱۱ وَمَا تَوْخِيفُ الْآخِرَةِ إِلَّا جَلَّ مَعْدُودٌ ۱۲ يَوْمَ يَأْتِ

آن روز روزیست که همه حاضر شوند در دین و موقوف نمی داریم آنرا مگر تا مدت معین

آن روزیست که همه حاضر شوند در دین و تا قیامت نمی داریم آنرا مگر برای وعده مقرر شده روزی که بیاید

لَكُمْ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ۱۳ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا

سخن گوید نیکوید پس مگر بدستوری حق پس بعضی ایشان بدست سخت باشند و بعضی نیک باشند اما آنکه بدست سخت شدند

سخن گوید نیکوید پس مگر بدستوری حق پس بعضی ایشان بدست سخت باشند و بعضی نیک باشند اما آنکه بدست سخت شدند

فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ۱۴ خَلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمُوتُ

پس در آتش باشند ایشان را آنچه باشد زیر و زودم خراب باشد

پس در آتش باشند ایشان را آنچه باشد زیر و زودم خراب باشد

وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ۱۵ وَأَمَّا

و زمین غیر و تیتیک خواسته است پروردگار تو هر آنچه کند آنچه می خواهد

و زمین مگر آنچه خواهد پروردگار تو هر آنچه کند آنچه می خواهد

الَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

وَالَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

وَالَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

وَالَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

وَالَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

وَالَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

وَالَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

وَالَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

وَالَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمُوتُ وَالْأَرْضُ

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

اما آنکه نیک سخت شده پس در بهشت باشند جاویدان آنچه تا مدت بقا است آسمانها و زمین

لَا مَشَاءَ رَبِّكَ عَطَاءٌ غَيْرُ مَجْدُودٍ ۝ فَلَا تَكُ فِي مَرِيضَةٍ مَّا يَعْبدُ

بهر آینه فرست است پروردگار تو بخشنده غیر منقطع و پس مباحش در شب از آنچه می پرستند

هَؤُلَاءِ مَّا يَعْبدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَنَوْفُونَ لَهُمْ

این گروه نمی پرستند مگر چنانکه می پرستیدند پدران ایشان پیش ازین و ما البته تمام رسانیده ایم ایشان

لَصِيبٌ لَهُمْ غَيْرُ مَنْقُوصٍ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ

حصه ایشان را ناکامیده و هر آینه دادیم موسی را کتاب پس اختلاف افتاد در آن

وَلَا كَلِمَةٍ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُصُوفٍ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ

و اگر نبوده سخن که سابقا صادر شده از پروردگار تو هر آینه فیصل کرده بین میان ایشان و ایشان در شبهه ای اند

عَرِيبٌ ۝ وَإِنْ كُنَّا لَنَاقِلُوهُمْ فِي بَيْنِهِمْ رَبِّكَ أَعْمَلُوهُمْ إِنَّهُمْ لَيَعْمَلُونَ

از آن و هر آینه هر گس و فتنه بر ایشان می نمود البته تمام خواهد داد ایشان را پروردگار تو جزای کردار ایشان هر آینه می پاید

خَيْرٌ ۝ فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا لَعَلَّكُمْ تَهْتَكُونَ

و انست پس استوار باش چنانچه فرموده شده تو و آنانکه گویید که اند همراه تو و از حد در مگذرید هر آینه می پاید

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَسْكُمُ النَّارُ وَلَا تَمُوتُونَ

نی کنید بیناست و میل نکنید بسوی آنانکه ستم کردند که نگاه برسد بشما آتش و نیست

لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَائِهِمْ لَا تَنْصُرُونَهُ ۝ وَاقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي

خدا را بختر خدا دوستان باز نصرت داده نه شویید و بر پا کن نماز را دو طرف

النَّهَارِ وَزَلَمَ الْفُلُ ۝ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَ الشَّرَّاتِ ۝ فَذَكَرْ

روز و شایسته چند از شب هر آینه نیکی با می برد بدیها را این

ذَكَرَ لِلَّذِينَ هُمْ ۝ وَأَصْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝ فَلَوْلَا

پندست بهست چند پند بران را و کیمیا می کن هر آینه خدا صانع می سازد جزو نیکی کاران را پس چرا

كَانَ مِنَ الْقَوْمِ مَنْ قَبْلُكُمْ أُولَئِكَ أَتَقَبُّونَ عَنْ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ

زشتند از آن قومی که پیش از شما بودند اهل خرد که منع کنند از فساد در زمین

أَلَا قَلِيلًا مِمَّنْ ابْتِغَىٰ مِنْهُمْ مَالًا وَابْتِغَىٰ مِنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَالًا أَرْفُؤُهُمْ وَكَانُوا

آنانکه گسستی آن جماعت که خلاص ساختیم از میان ایشان و پیروی کردند ستمکاران پیوسته را که آموختی داده شد ندانان دولت

مَجْرِبِينَ ۝ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ۝

کنار کاران و هرگز نیست پروردگار تو که بپاک کند اهل دیه را پس ستم داهل آن نیکی کار باشند

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ۝

وَلَمْ يَزِدْكُمْ مِنْهُ

مدت ماندن در بهشت

و دوزخ را که مدت

دوام آسمان با در زمین

است در دنیا اگر

زیادتی را که در بهشت

خداست و در فهم

کسی نمی بخشد اعتبار

نکند حاصل بیان

دوام است بابلغ

و جود و لذت اعم ۱۲

و لایینه حضرت ایشان

از عذاب ۱۳ و

یعنی لذات دنیا

مشغول شدند ۱۴

تفسیر عثمانی

عنه این آیات را می

توان و دینت کرد اول

بقدر دوام آسمانها و

زمین دنیا شتبار و

دوزخ و سعادت در

بهشت می مانند اما

اگر پروردگار تو بیشتر

از آن اراده کن محضت

او معلوم است زیرا

اگر انوار است باشیم

در ازترین زمانه بار

تقصیر کنیم به اعتبار

ماحول بیشتر ازین

در قصه ما می نمود ازین

است در دنیا اگر زیادتی را که در بهشت خداست و در فهم کسی نمی بخشد اعتبار نکند حاصل بیان دوام است بابلغ و جود و لذت اعم ۱۲ و لایینه حضرت ایشان از عذاب ۱۳ و یعنی لذات دنیا مشغول شدند ۱۴ تفسیر عثمانی عنه این آیات را می توان و دینت کرد اول بقدر دوام آسمانها و زمین دنیا شتبار و دوزخ و سعادت در بهشت می مانند اما اگر پروردگار تو بیشتر از آن اراده کن محضت او معلوم است زیرا اگر انوار است باشیم در ازترین زمانه بار

والا متہم گوید درون
اعتلاف را نسبت میکند
باین باطل نہ باین حق
و یقول قال فی الحق کذا
و فی الباطل فرق پس استثنای
من رحم بے تحف میخیزم
واللہ اعلم ۱۳-

تفسیر عثمانی

[illegible]

اختلافی نمی مانند بدین
 جهت به "الامین" هم
 در یک "تبییه" که
 این که خداوند بر
 آنها به طیف حق پرستی
 نشان در هم فروده اند
 اختلاف کنندگان
 مستثنی می باشند

کتاب معنوی این
آیات در آغاز این
وره گذشته مطلب
این است که شخصی را
قبول می کند بر سر
شماره عاود خود استوار
باشد پس بر مقام خود
استقامت و درم شمار
بوی این حوادث در
نظاره برید و من
چنانچه در مقام هر چه
و دیده و غیب باشد
برداری استوار می گردد
تصویر بیک الدانو
عالم دانه السوره

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۚ وَلَا يَزَالُ ابْنُ مَرْثَدَةَ ۙ

و اگر خواسته پروردگار تو البته گردانیده مردان را یک ملت و همیشه باشند مختلف الا
و اگر خواسته پروردگار تو البته گردانیدی مردان را یک ملت، بیک راه و همیشه باشند اختلاف کنندگان مگر

مَنْ رَحِمَ رِبِّكَ وَلِذَاكَ خَلَقَهُمْ وَتَدَبَّرَ كَلِمَاتِ رَبِّكَ لَا تَكُنْ جَمْعًا مِنْ

آنکه بر دهنه رقم کرده است پروردگار تو و بر آستانه این اختلاف آفریده است ایشان را و تمام شد سخن پروردگار تو که البته هر کس در دنیا را
آنکه رحمت کند پروردگار تو و بر آستانه این آفریده است ایشان را و تمام شد سخن پروردگار تو که البته هر کس در دنیا را

الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ١٠ وَكَأَنَّهُ نَقْصٌ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ

جن و مردمان ہمہ یک جا فل و ہر چیز را میخوانیم بر تو از اجزاء پیغمبران آن چیز را کہ
جن و مردمان ہمہ آنها و ہر چیز را کہ میخوانیم بر تو از اجزاء پیغمبران آن چیز را کہ

نُتِبَتْ بِهِ فَوَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقِّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

ثابت می گردانیم باں دل ترا و آهه است بخود دین سوره سخن در دست و پندای و یاد کردنی برای مسلمانان

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اسْكُرُوا عَلٰى مَا كُنْتُمْ اِنَّا عٰبِدُونَ ﴿١٧﴾ وَانظُرُوا

و بگو آنان را که ایمان می آرند کار کنید بر طور خود هر آینه ما نیز کار می کنیم و انتظار کشید
و بگو آنان را که ایمان نمی آرند کار کنید بر حال خود هر آینه ما نیز کار می کنیم و انتظار کشید

أَنَا مُنْظَرٌ ۖ قَدْ ۙ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَالَّذِي يُرْجَعُ الْأُمُورُ

و اینها را نیز بنظر آیم و خدا را است علم غیب آسمانها و زمین و بسوی او باز گردانیده میشود کار
بسیار آینه را بنظر آیم و خدا را است علم غیب آسمانها و زمین و بسوی او باز گردانیده می شود کار

كَلِمَةً فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٣٧﴾

ہمہ آں پس عبادت کن اورا تو کل کن براد و نیست پروردگار تو بخیر از آنچه می کنی
ہمہ آں پس عبادت کن اورا تو کل کن براد و نیست پروردگار تو بخیر از آنچه می کنی

سورة يوسف و هي احدى عشرة آية و انما عشره كوعا

بسم الله الرحمن الرحيم

بسمِ خداے بخشاینده مهربان
آغاز می کنم بسمِ خداوند بے اندازه مهربان نهایت بارم است

الرِّفْقَ تِلْكَ الْكِتَابَ الْمُبِينُ ١٠ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ

این آیتها آیات کتاب روشن است
هر آینه ما خود فرستادیم آن را قرآن عربی ساخته باشد که صفا
این است آیات کتاب روشن مع
هر آینه ما خود فرستادیم آن را قرآن بزبان عرب ناما

تَعْلَمُونَ ۚ فَمَنْ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

دریابید با قصه می توانم برو بهترین قصه خواندن یوچی لرستان خود بسوزی تو
دریابید ایسان می گفتم برو شگرتین بیایان بدان جهت که وحی خود می بسوزی تو

هَذَا الْقُرْآنُ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ ۝ إِذْ قَالَ يَسُوعُ

ایمان قرآن را دہر آئینہ حال این صفت کہ تو بودی پیش از ان از بے خبران یاد کن چون گفت یوسف
ایمان قرآن را دہر آئینہ تو بودی پیش از ان از بے خبران چون گفت یوسف

لَا يَبِيهْ يَابَتْ لِي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كُتُبًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ابْتَهَمَا لِي

پندرہویں اسے پندرہن ہزار آئینہ من خواب دیدم یازدہ ستارہ را و آفتاب و ماہ را دیدم اینہارا ہر اسے خود
پندرہویں اسے پندرہن (ہزار آئینہ من) خواب دیدم یازدہ ستارہ و غور شید ماہ را دیدم ایشان را بمن

من من ورنه نبودن قراق آشکار است و همه احکام و شرائع و مواظب و اندازهای که در این برهمن مشتمل است پس در ضمن و در اوج کی باشد ۱۲-



يُحْيِيهِ ۝ قَالَ يَبْنَئِي لَا تَقْصُصْ رِيَاءُ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا ۝

همه کنند گفت ای پسر من بپایان من خواب من خواب را پیش برادران خود نگاه انداخته گفتند در حق تو خیال کرده کنان گفت ای پسر من بپایان من خواب من خواب را بر برادرانت گذاشته گفتند در حق تو فریبی

إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۝ وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَ

هر آینه شیطان آدمی را دشمن آشکار است و چنانکه خواب تو نمود هم چنین برگزید ترا برادر و کار تو و الهی شیطان آدمی را دشمن ظاهر است و بدین سان برمیگزیند ترا برادر و کار تو

يُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ

پایزد ترا از علم تأویل الاحادیث یعنی تعبیر رویا و تمام کند نعمت خود را بر تو و بر فرزندان یعقوب پایزد تو از تعبیر خواب با تمام کند نعمت خویش را بر تو و بر آل یعقوب

كَمَا أَتَاهَا ۚ أَلَيْسَ لَكَ مِنْ قَبْلِ إِبْرَاهِيمَ وَاسْحَقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ

چنانکه تمام کرده آن را برود چه تو پیش ازین ابراهیم و اسحاق هر آینه پروردگار تو و انا چنانکه تمام کرده آن را بر دو پدر تو پیش ازین ابراهیم و اسحاق هر آینه پروردگار تو و انا

حَكِيمٌ ۝ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلْمُتَذَكِّرِينَ ۝ إِذْ قَالَ

استوار است هر آینه هست در قصه یوسف و برادران او نشان ها سوال کننده گان را چون گفتند که با حکمت است هر آینه هست در داستان یوسف و برادران وی نشان ها برای پرسندگان عه چون گفتند

يُوسُفَ وَإِخْوَتَهُ أَحَبَّ إِلَىٰ آبِيهِمَا مِنْكُمْ ۚ عَصَبَةُ إِبْنِ أَبِي نَضْرٍ ضَلَّ

یوسف و برادر حقیقی او دوست تراند نزدیک پدر ما از ما و ما چنانچه ایتم هر آینه پدر ما در خطایم ابویوسف و برادر اعمیانی وی دوست تراند نزد پدر ما از ما و مردم توانایم هر آینه پدر ما در خطایم

فَمِنْ بَيْنِ ۝ أَهْلُوا يَوْسُفَ وَأَطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ فَتُكَوْنُوا

تفاهر است بشید یوسف را یا با بختیدش برین غیر معلوم تا حالی شود برآی شما و پدر شما و تا با سجدید آشکار است بشید یوسف را یا بختیدش در زمین تا حالش ماند بشما و چه پدران تان و با بشید

مِنْ بَعْدِهِ ۚ قَوْمًا صَالِحِينَ ۚ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَالْقَوَّةَ

بعد ازین گروهی صالحین گوید کنید گفت گوینده از ایشان کشید یوسف را و با بختیدش پس از وی گروهی شایگان گفت گوینده از ایشان کشید یوسف را و با بختیدش

فِي غَيْبَتِ الْحَبِّ يَلْقَاهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ۝ قَالُوا يَا بَنَا

در چاه تاریک تا برگردد او بعضی مسافران اگر کنند گانید گفتند ای پدر ما قوی چاهی تا فرآیدش بعضی ره گزریان اگر کنند گانید گفتند ای پدر ما

مَالِكٌ لَا تَمْنَأْ عَلَىٰ يَوْسُفَ وَإِنَّهُ لَنَا صَحْوَنٌ ۝ أَرْسِلْ مَعَنَا غُلَامًا يَرْتَعِ

بیمت حال تو که امین می پنداری ما را بر یوسف و هر آینه ما او را نیک خواهیم بفرستد او را با ما قدامتیه بسیار خورده چیست ترا که این نپنداری ما را بر یوسف و ما او نیک خواهیم بفرستد یوسف را با ما قدامتیه خورده و دیوه

وَيَلْعَبْ وَإِنَّهُ لَحَفِظُونُ ۚ قَالَ إِنِّي لَفِي حِزْبٍ نَفِيٍّ أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَاخْفَ

و بازی کند و هر آینه ما او را نگاه داریم گفت هر آینه اندک پس می کند مرا آنکه میریدش و می ترسم و بازی کند و هر آینه ما او را نگاه داریم گفت یعقوب هر آینه اندک پس می کند مرا که شما بریدش از پیش من و می ترسم

أَنْ يَأْكُلَهُ الدِّبُّ وَأَنْتُمْ عَنْ غَفْلُونَ ۝ قَالُوا الْيَنْ أَكُلَهُ الدِّبُّ وَ

از آنکه بخورد او را دگر و شما از دس می ترسید گفتند اگر بخورد او را دگر و که بخورد او را دگر شما از وی می ترسید گفتند اگر بخوردش دگر

فَخَنَ عَصَبَتَهُ إِنْ أَذْخَرْتُمْ ۝ فَلْيَذْهَبُوا بِهِ وَاجْعَلُوا لَهُ نَجْعًا لَعَلَّهُ

ما چنانچه ایتم هر آینه ما او را نگاه داریم پس چون بریدش و غنیمت کرده اند که با بختیدش با چنانچه ایتم هر آینه ما او را نگاه داریم پس چون بریدند یوسف را و گفتند که بختیدندش

وَأَنْتُمْ عَنْ غَفْلُونَ ۝ قَالُوا الْيَنْ أَكُلَهُ الدِّبُّ وَ

از آنکه بخورد او را دگر و شما از دس می ترسید گفتند اگر بخورد او را دگر و که بخورد او را دگر شما از وی می ترسید گفتند اگر بخوردش دگر

یوسف و برادرانش به کسانیکه خواهم اندازد ارادک چنین و قایل نبوده اند و اینها در عبرت پیدا است بر شنیدن آن قدرت و علم عظیم الهی در دل بافتن بند و صدا حضرت یحیی باقیات رسد ثابت گردد که حضرت یحیی باوصف آنکه ای بود ازینج کتاب و آموزگار استغاده کرده حقایق شریع و غیبه آن تنوع را که بیان می نماید خاصه تعریفش کرد که به تحریک بود و نایب بود از حضرت سوال نمود و بودند در این داستان در می بین عیبت آنکه است هم چنانکه یوسف را برادرانش از خانه بدر نمودند از خواصد به کشتن و جلای ادا و وطن با هم مشوره کردند هر گونه رنجبار سازند در لمانت و استغفات و کویک ترین فرد و کذا شتی نکردند عاقبت رفتی فرار سید که یاز آهند خدای متعالی یوسف را بقتل رسانید و آن جهان برگزید و ی نبی مازت و توانائی از گناه برادران چشم پوشید و با سبزه فراخ تمام تقصیرات شانرا بختیدیم چنین اقوام حضرت یحیی علی الله در شنیدن آن تنوع را که بیان

تفسیر عثمانی

عنه مفران در ضمن
 سخنان درو از بزرگوار
 آوری دیگری کنند که
 سنگ ازان بنالری
 آید اما خدای دانند که تا
 کجا راست است قرآن
 کرم با اعتبار بهر معنی
 خاص خود این همه
 تفصیلات را نشانایان
 ذکر در ذوق غافل غنی
 دانند بر اهمیت به
 این جزئیات
 مربوط نیست
 قرآن بخواند و
 های سامعین خوش
 را بر دقت آورد و افکار
 متذلل آن حاضر بایان
 و عرفان باشد قرآن
 عادت ندارد که باین
 عامر نظار در وقت
 عادی را که کافرو
 مسلمان حتی حیوانات
 نیز طبعاً در آن مشتعل
 مورد توجه شد قرار
 دهد در این جایز نیست
 تمام واقعات ۱۳
 متضمن حذف ۱۲
 و انجام سخن بیان
 شده یعنی برادران
 یوسف را به لطایف
 الحیل از نزد پدر
 بردند و چنانکه قرار
 داده بودند آماده شدند
 که در چاه پاشن بکنند
 در آن وقت بطوریکه
 هیچکس ندانند یوسف
 اشاره کردیم بر نشان
 مشهور روزی بیاید که
 این همه اعلان را بیاد
 آری و تو چنان متعاقب
 بلند فایز گوی که تبه
 رسیده نتواند و از
 طول عهد ترا نشانند
 تفصیل این سبک که
 اشدت خدای در
 غلب یو یا بیاداری
 بطریق الهام بود یا بواسطه

فِي غَيْبَتِ الْوَحْيِ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنْبِتْنَاهُمْ يَوْمَهُمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
 در چاه تاریک و وحی فرستادیم یوسف را که البته جزو اوحای ساخت ایشان را باین جابجا می ایشان و ایشان را نشانند
 در هر چاهی و اشاره کردیم در وحی فرستادیم بر یوسف که تو البته آگاه گردانی ایشان را باین کار نشان و آنها نشانند
 وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ ۝ قَالَ أَوَلَا يَأْتِيَكُمُ الْوَيْلُ أَنْ تَذْهَبُونَ لَسْتُمْ بِبَشَرٍ لَدُنَّكُمْ
 و آمدند پیش پدر خود شبانگاه غمگینان گفتند ای پدر ما هرگز آئینده بخیر می گردیم در ساقبت و گذشتیم
 و آمدند نزد پدر خود شبانگاه غمگینان گفتند ای پدر ما هرگز آئینده بخیر می گردیم بر یکدیگر و گذشتیم
 يُوسُفُ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَالْكَلْبُ الَّذِي دَبَّ وَمَا أَنْتَ بِشَيْءٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا
 یوسف را نزدیک رخت فروش پس بخورد در اگر گرس و پیشی تو باور دارنده اما اگر چه هستیم
 یوسف را نزد رخت فروش پس بخورد در اگر گرس و پیشی تو باور دارنده اما اگر چه هستیم
 صٰدِقِيْنَ ۝ وَجَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ ۝ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ
 راست گو و آوردند بر بالاس قمیس او خون دروغ گفت می بلکه آراسته است پیش شما
 راست گویان و آوردند بر پیراهن او خون دروغ گفت می بلکه آراسته است برای شما
 أَنْفُسَكُمْ أَمْ أَنْتُمْ عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ ۝ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ۝ ۱۳
 نفس شما تدبیر می را پس کار من صبر نیک است و خدا مدد طلبیده میشود از او می بر آنچه شما بیان می کنید و
 نفس ما می شما تدبیر می را پس کار من صبر نیک است و خدا مدد طلبیده میشود از او می بر آنچه شما بیان می کنید و
 جَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَىٰ دَلْوَةً ۝ قَالَ يَبْنَؤُا هَذَا
 آمد کاروانی پس فرستادند سقائے خود را پس انداخت دل خود گفت ای سقائے خود را
 آمد کاروانی پس فرستادند سقائے خود را پس انداخت دل خود را گفت ای سقائے خود را
 غُلْمٌ مِّنَ الْأَسْرُودَةِ ۝ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَكْمُونُ ۝ ۱۴ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ
 نو جوانی است و اهل خانه پنهان ساختند او را سرایه دانست با بچه کردند و پیرادران خود و خندان پنهان
 نو جوانی است و پنهان ساختند او را سرایه دانست با بچه کردند و پنهان ساختند او را سرایه دانست با بچه کردند و پنهان
 ذَرَاهُمْ مَعْدُودَةٌ ۝ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَىٰ
 در بچه چند بشمارده شده و بودند در باب یوسف از بے رغبتیان و گفت بخرید که خرید یوسف را
 در بچه چند بشمارده شده و بودند در شان یوسف از بے رغبتیان و گفت بخرید که خرید یوسف را
 مِنْ مِّصْرَ لَا تَقْرَأُ ۝ الْكُفْرِيُّ مَثْوًىٰ فِي بَنِي إِسْرٰءِيلَ ۝ وَتَنَفَّسْنَا لَهُ نَفْسًا وَجَدْنَاهُ مَلَكًا
 از اهل مصر بزن خود گرامی دار جانے او را شاید که بفرستد به ما یا فرزند گرامی او را
 از اهل مصر بزن خود گرامی دار جای او را شاید که بفرستد به ما یا فرزند گرامی او را
 كَذٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۝ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ ۱۵ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ
 هم چنین قرار دادیم یوسف را در آن زمین و تا بیا موزیم او را از علم تاویل الاحادیث
 هم چنین جانے دادیم یوسف را در آن زمین مصر و تا بیا موزیم او را از علم تاویل الاحادیث
 خدایا غالب است بر امر خود و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند و چون رسید یوسف بهایت و توت خود
 خدایا غالب است بر امر خود و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند و چون رسید بقوت خود
 اتَيْنَاهُ حِكْمًا وَجَلَدْنَاهُ لَكِنَّا لَنَنْجِزِيَنَّ لَهُمُ حُسْنَ دِينِهِمْ ۝ ۱۶ وَرَأَوْنَهُ الْقِيَامَ
 دادیم او را دانای و علم و هم چنین جزا میدیم بنیکوکاران را و گفت و شنید کرد یوسف ز زنی که
 دادیم او را دانای و علم و هم چنین جزا میدیم بنیکوکاران را و گفت و شنید کرد یوسف ز زنی که
 هُوَ فِي بَيْتِنَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابُ وَقَالَتْ هَيْبْ لَكَ ۝ قَالَ
 او در خانه اش بود تا بلند از حفظ خود (این کتابت از طلب جابجاست) و بر بست در بار و وقت پیش آ گفت
 او در خانه اش بود از نفس او و بست در بار و گفت پیش آ گفت

مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ زَنَىٰ أَحْسَنَ مَثْوًى إِنَّهُ لَا يَفْلَحُ الظَّالِمُونَ ۝ وَلَقَدْ

ی بنام بخدا این شخص صاحب من است نیکو ساخت جائے مراد ہر آئینہ رستگاری شوند ظالمان و ہر آئینہ

ہفت بہ وہم بہاء لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لَنَصْرِفَ عَنْهُ

نقد کرد آن زن بیوسے یوسف و قصد کرد یوسف بیوسے او اگر نہ بودے کہ دیدے یوسف میل پروردگار شدہ آچہ شدہ چنین کرم

السَّوءِ وَالْفَحْشَاءِ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ۝ وَاسْتَبَقَا الْبَابَ

ہر آئینہ دے از بندگان خالص کردہ ماست و بایکدیگر سبقت کردند بیوسے دروازه

وَقَدَّتْ قَيْصُصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ ۝ قَالَتْ لَكُنْزٌ مِمَّنْ

و دید آن زن پیراہن یوسف را از پس پشت و یافتند شوہر زن را نزد یک دروازه گفت چیت جزائے سید

رَأَىٰ بِأَهْلِكَ سُوءَ إِلَّا أَنْ يَسْجَنَ أَوْ عَذَابَ آلِيمٍ ۝ قَالَ هِيَ رَأَوْدَتُنِي

خواستہ باشد بابل تو کار بد مگر آنکہ بزندان کردہ شود یا عقوبتے درد و سوزندہ یوسف گفت این زن گفتہ شدہ کہ با من

عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَبِيصُهُ وَقَدْ مِّنْ قَبْلِ

تا غافل نہ مرا از محافظت نفس من و گواہی داد گواہی از قبیلہ زن کہ اگر هست پیراہن یوسف دریدہ از پیش

فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَذِبِينَ ۝ وَإِنْ كَانَ قَبِيصُهُ وَقَدْ مِّنْ دُبُرٍ

پس این زن راست گفتہ است و یوسف از دروغ گویاست و اگر هست پیراہن او دریدہ از پشت

فَكَذَّبْتَ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ فَلَمَّا رَأَىٰ قَبِيصَهُ وَقَدْ مِّنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ

پس این زن دروغ گفتہ است و یوسف از راست گویان است پس شوہرش چون دید پیراہن را دریدہ از پس گفت این نفسیہ

مَنْ كَيْدُكَ إِنْ كَيْدُكَ عَظِيمٌ ۝ يَوْسُفُ اعْرِضْ عَنْ هَذَا سَعَىٰ

زمر خواست اے زنان ہر آئینہ مگر شمائے زنان بزرگ است اے یوسف در گذر از این ماجرا

وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ ۖ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ۝ وَقَالَ نِسْوَةٌ

دائے زن طلب آمرزش کن برائے گناہ خود ہر آئینہ تو بودہ از خطا کنندگان و گفتند زنان چند

فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَاتُ الْعَزِيزِ تَرَ اَوْدِقَهُنَّ عَنْ تَفْسِهِنَّ قَدْ شَغَفَهَا حُبُّ

در شہر کردن عزیز گفت رشید میکنند با تو جوان خود تا غافل نہ دار از حفظ نفس خود ہر آئینہ ہوش جاگودہ است از روتے دوستی

إِنَّكَ لَكُلُّهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ

ہر آئینہ نامی بیستم اور اور گواہی ظاہر پس چون شنید زن عزیز غیبت ایشان را آدم فرستاد بیوسے ایشان

وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مَتَّكَ وَأَوْتَ كَلًّا وَاحِدًا فَمِنْهُنَّ سَيَكِينٌ ۖ وَقَالَتْ

وہما کرد برائے ایشان مجلس و داد ہر یکے را از ایشان کار دے و گفت

وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مَتَّكَ وَأَوْتَ كَلًّا وَاحِدًا فَمِنْهُنَّ سَيَكِينٌ ۖ وَقَالَتْ

دل بی خیانت او
تو اتم کرد و بی
عورت یعقوب حاضر
شد انگشت را بیدار
گزشتہ ۱۲
تفسیر عثمانی
عہ پناہ بخدا ہرگز
چنین کاری نخواہم کرد
عزیز مرے من است
عزیز مرا عزت و
آسایش نگہداشتہ
چگونہ من بہ شک و
ناموس کہے بردارم
کہ میں احسان خود
عمن کش ستہ کار روز
خوشی و روی کامیابی
نہ بندہ کہیکہ تیرہ
گفتہ ظاہری را
چنین رعایت نماید
باید از پروردگار حقیقی
چہ مقدار حاجت را بخواہد
مرا بہ غیبت خویش
ترسیت فرمودہ دہندگار
خود را برای خدمت
آسایش من برگماشتہ
و قبیح یعنی مسخر من بنم
انہ بل را البی غلام
مسائل را بچہ دانستہ و
ارادہ بران ایستادہ باشا
بر آن جہت کہ مملکت
کو یوسف از زندان خلاص
نمودہ و چون خود را
چہ در خدا دادہ و چہ
در دل بوی رسیدہ و چہ
در ہوش واقعیت
شد بسیار معنی کشود و
گفت او خواست نفس
مرا از راه بیرون کند
عزیز منم و خوشتر را
نجات دادم در این
گفتہ بودند کہ گواہی از
خاندان زنجار طلب کرد
یوسف بل از ی شگفتہ
گواہی داد از بیستہ
روایات بری آید گواہ
کو کی شہر خواہ بود کہ
را ندانستہ ۱۲

وَالْحَقُّ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ قَوْمًا مُتَعَبِّدِينَ

والتحق ويعقوب ما كان لنا ان نشرك بالله من شيء اذ كنا من قبله قوما متعبدين

والتحق ويعقوب ما كان لنا ان نشرك بالله من شيء اذ كنا من قبله قوما متعبدين

فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

فضل خداست بر ما و بر مردمان و لیکن بیشتر مردمان شکر نمی کنند

فضل خداست بر ما و بر مردمان و لیکن بیشتر مردمان شکر نمی کنند

يَا صَاحِبِي السِّجْنِ عَزَّ رَبُّكَ مُتَعَبِّدُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

ای صاحب زندان از زندان آیا معبودان پراننده بهتر اند یا خدا یکتای غالب

ای باران من و زندان آیا معبودان پراننده بهتر اند یا خدای یکتای غالب

لَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءً سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مِمَّا قَبْلُ

عبادت نمی کنید بجز خدا مگر نامهایی که شما نهادید و پدران شما مقرر کرده اند

عبادت نمی کنید بجز خدا مگر نامهایی که شما نهادید و پدران شما مقرر کرده اند

أَنزَلَ اللَّهُ إِلَهُكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ الْأَتَّعْبِدُونَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

فرستاده است خدا بر آنها هیچ و بیله نیست فرمان روانی مگر خدا را فرمود که عبادت کنید مگر

فرستاده است خدا بر آنها هیچ و بیله نیست حکم مگر خدا را فرمود که عبادت کنید مگر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْقِيَمَةُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ يَا صَاحِبِي

خودش را ایستگیش درست و لیکن بیشتر مردمان نمی دانند ای صاحب زندان

خودش را ایستگیش درست و لیکن بیشتر مردمان نمی دانند ای صاحب زندان

السِّجْنِ أَمْ أَحَدٌ كَمَا قَيَسْتَنِي رَبِّيَ خَمْرًا ۖ وَأَمَّا الْآخِرُ فَيُصَلِّبُ فَمَا كُلُّ

زندان اما یکی از شاپس بنوش اند مولای خود را مشرب و اما آن دیگر پس بر دار کرده شود پس بخورند

در زندان اما یکی از شاپس بنوش اند مولای خود را مشرب و اما آن دیگر پس بر دار کرده شود پس بخورند

ظَلِيمٍ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِينَ ۖ وَقَالَ لِلَّذِي

مرغان از سر او قیصل کرده شد کارای کرد و می سوال می کنید و گفت یوسف به شخصی که

مرغان از سر او حکم کرده شد کارای کرد و می سوال می کنید و گفت یوسف به آنکه

ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا إِذْ كُنِيَ عِنْدَ رَبِّكَ فَانْسَهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرٌ لِلرَّسُولِ

والتحق بود که خلاص یافته است از آن دو کس یا کس مرا نزد می مولای خود پس شیطان فراموش گردانید از خاطر و کربا کند پیش

والتحق بود که خلاص یافته است از آن دو کس یا کس مرا نزد می مولای خود پس فراموش گردانید او را بروی شیطان یا گردن برافرازد

فَلَيْتَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ ۖ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ

پس ماند یوسف در زندان چند سال و گفت پادشاه هر آنچه من خواب می بینم که هفت

پس ماند یوسف در زندان چند سال و گفت پادشاه هر آنچه من خواب می بینم که هفت

بُحُرٍ تَبْهَتُ بِهَا كَلْبُكُمْ سَبْعَ عَجَافٍ ۖ وَسَبْعَ سَنِينَ خَضِرٍ وَآخِرُ

کافری می خورند آنها را هفت گاؤ لاغر و می بینم هفت خوشه سبز را و هفت خوشه

کافری می خورند آنها را هفت گاؤ لاغر و می بینم هفت خوشه سبز را و هفت خوشه

بَسِطَ يَأْتِيهَا الْبَلَاءُ أَفْقُولِي فِي رِيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلزَّعْمِ بِأَعْبَادُونَ ۖ

خشت را ای جماعت من بپدید در باب خواب من امر خواب را تعبیر می گویند

خشت را ای جماعت در باران جواب دهید مرا در خواب من امر خواب را تعبیر می کنید

قَالُوا أَضْعَافُ أَحْلَافٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعِلْمِنَ ۖ وَقَالَ الَّذِي

گفتند این خوابها را نتوریده است و ما نیستیم به تعبیر خوابها را نتوریده است

گفتند این خوابها را نتوریده است و ما نیستیم به تعبیر خوابها را نتوریده است

كُنْتُ نَحْنُ خُفَى وَنَحْنُ بَدِيحٌ أَيْدِيهِمْ شَاهِدٌ سَيَدِينُ نَقَمٌ وَجَنِينٌ شَدَّ سَالِي أَرْهَمْتُ مَسْجُودَ كَرْدَنَ شَاهِدٌ حَاضِرٌ كَرْدَنَ خِيَارَ دَرِ الشَّرِ لِمَاتِ جَرَمِ أَعْدَامِ شَهَادَتِ

من بودم مخفی و در آن بدیدنی آید هر چه شاهد سیدین نغمه و جنین شد سالی از تهمت مسجود کردن شاه پراشت حاضر کرد و خیار در اثر لیمات جرم اعدام است

من بودم مخفی و در آن بدیدنی آید هر چه شاهد سیدین نغمه و جنین شد سالی از تهمت مسجود کردن شاه پراشت حاضر کرد و خیار در اثر لیمات جرم اعدام است

ولت ابراهیمی استوایم
نه تنبیه باره با بل
در باره تمام جهان فضل
و رحمت خداست بر ما
شخص دودمان ابراهیم
است که همه مردم از او
چراغ قلوب خود را
افروخته می توانند اما
و ریح که اکثر تدراین
نعمت عظیم را می دانند
باید احسان خدا را
قبول می کردند و بر
جاده توحید روانی
شماره ابراهیمی
پر و اختیاری
عصیان پویان اند
عده چنانکه بدوی
سند و اساس بر آنها
نام بای نهاده آید که
بیچ حقیقت ندانند
خدایانی را که خود نام
شماره آید می پرستید
باید از بهمانت خویشا
کنید و به چاره خالص
توحید نشیب و فراز و
کلمات بی خود ندارد
جمله راست و همواره
است هر که بر آن روان
شور و در اندیشه بخدا
رسیده ای تواند آید
کس افکند از حاق و
یا القصب سخن حق
را نمی فهمند
پس از ادای تبلیغ
خواب آنها را تعبیر کرد
و گفت آنکه خواب بدید
که پادشاه مشرب می
نوشاند تعبیرش آنست
که در بیداری نیز پادشاه
مشرب می نوشاند و آنکه
دید پادشاه از سرش
نان می خوردند بر آتش
می شود و پادشاهان سفر
معرض را خواهند خورد
تعبیر چنین است
شاه پراشت

فتح الرحمن

سوسه یوسف فرستاده
و طاقات کرد و انرا علم
دلا به شاه این تعبیر
شهره مشتاق مآفات
یوسف نشت و یوسف
علیه السلام مدته توقف
خود تا بر آت قصه اش
ظاهر گردد و انرا علم
دلا یعنی شهادت بر
اقرار زلفایه عفت
یوسف و بنده اند
والله اعلم
تفسیر عثمانی
عده هفت یوسف

از ان جهت همه را به
کرده منسوب خود کرده
یکی که در دیگران
مصادرت نمودند و
شاید از اصل فریبند
بنابر حقوق پرورش
یا حیا نام بنور برآید
یوسف علیه السلام
میدانست
حقیقت خود بخود
آشکار میشود و کذا

فی الموضع
برای تحقیق بطریق
نیش که در گوشتان اول
موضوعه است
تا زمان بدو در غرت
نگذرد و احتمال دارد
صوئیت یوسف
علیه السلام نیز برآید
اثر کرده باشد زیرا
دید یوسف می خواهد
بدون برانت از زندان

برآید و در ان ربی
بگید من علیم گفته
کید آنها را آشکار
کرد و احتمال دارد
ساقی نیز واقعه را
تفصیل داده و تزیین
یوسف و کید دشمنان
تا نیکو دها شده
این همه تحقیق و تفسیر
برای آن بود که
قرآنی و دایان یوسف

بِحَا مِنْهُمْ اِذْ كَرِهَ اُمَّةٌ اَنَا اُنْتِمْ كُمْ تَبَاوَلْتُمْ فَارْسَلُونِ ۝ يٰۤاَيُّهَا الصّٰدِقُ اٰتِنَا فِى سَبْعِ بَقَرٰتٍ سَيّٰنٍ يَّا كَاهِنَ سَبِّعْ عِىْ اَوْ

نجات یافته بود از ان دو کس و بباد آورد و بعد مدتی من بجز هم شمارا به تعبیر این خواب پس بفرستید مرا گفت ای یوسف

نجات یافته بود از آن دو کس و بباد آورد و بعد مدتی من بجز هم شمارا به تعبیر این خواب پس بفرستید مرا گفت ای یوسف

ایها الصديق اتينا في سبع بقرات سيمان ياكاهن سبع عى او

ایها الصديق اتينا في سبع بقرات سيمان ياكاهن سبع عى او

سبع مسكبات خضر و اخر يبيست لعل ارجع الى الناس لعلهم

سبع مسكبات خضر و اخر يبيست لعل ارجع الى الناس لعلهم

يعلمون ۝ قال تزرعون سن سبع سنين دابا فما حصدتم فذروا

يعلمون ۝ قال تزرعون سن سبع سنين دابا فما حصدتم فذروا

في سنبلة الا قليلا مما تاكلون ۝ ثم ياتي من بعد ذلك سبع

في سنبلة الا قليلا مما تاكلون ۝ ثم ياتي من بعد ذلك سبع

شدا اذ ياكلن ما قد ملن لهن الا قليلا مما تحصنون ۝ ثم

شدا اذ ياكلن ما قد ملن لهن الا قليلا مما تحصنون ۝ ثم

ياتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس وفيه يعصرون ۝ و

ياتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس وفيه يعصرون ۝ و

قال الملك اتوني به فلما جاءه الرسول قال ارجع الى ربك

قال الملك اتوني به فلما جاءه الرسول قال ارجع الى ربك

فستله ما بال النسوة التي قطعن ايديهن ان ربى يكيدهن

فستله ما بال النسوة التي قطعن ايديهن ان ربى يكيدهن

عليه ۱ قال ما خطبكن اذ راودن من يوسف عن نفسه ط قال

عليه ۱ قال ما خطبكن اذ راودن من يوسف عن نفسه ط قال

الحق ان اراودته عن نفسه والله ليس الصديقان ۝ ذاك ليعلم

الحق ان اراودته عن نفسه والله ليس الصديقان ۝ ذاك ليعلم

الى لمة اخنه بالغيب وان الله لا يهديى كيد الخائين ۝

الى لمة اخنه بالغيب وان الله لا يهديى كيد الخائين ۝

من حيات او بنوه ام غائبه و بدانند که خدا راه منی مساید چهل حیات گفتگان را

من حيات او بنوه ام غائبه و بدانند که خدا راه منی مساید چهل حیات گفتگان را

که من حیات مردم او را ده غیبت او و بر آینه خدا راه شما چهل حیات گفتگان را

که من حیات مردم او را ده غیبت او و بر آینه خدا راه شما چهل حیات گفتگان را

نزد ۱۳
تفسیر ختانی
عبارت تفسیر که برادر
یوسف داخل مصر رفت
چون مایه زهره زبان
ایقاری نداشتند بلال
شهر چون توجه اهلان
خاص یوسف را دیده
آنها مشا به کردند
برای او چشم دوختند
لبنان این سر قید فتن
شان به اهتمام رشت
خاص بلکشی بر وقت
یوسف علیه السلام بود
بنیامین که پس از یوسف
طرف غفلت و محبت
خاص پیدا بود نیز
بر اهلان همراه بود یوسف
اندک پیدا یازده پسر
زیاد که از یک پدر و
اگر به نسبت اجتماعی
بشهر در آنجا حضور
پیدا اهلان بر اهلان که
نزد یوسف و یوسف
در باده آنها می داشت
بود نگاه خاص مردم
بدان موجب مشهور
ایستاد و رفیق شکاری
حقیقی است و شایسته
بای مسر بر سر رود
کار و احوال و شرف
چشم است این است
که یعقوب نیز برای
بخت پسون خود را
نکرده و حسد سایر
مردم با تاهان
مردمان آیین
معه می رفتند
شده اند
نه و نه بای شهر
داخل خود و اهلان
معه می به آنها
نشانده بین زمین
گفتند میرا فیصله
قضا و قهرا بانه
داشته می توانند

لَنُكَلِّلَنَّكَ أَجْرًا نَظِيرَ الَّذِي كَانَ لَأَخِيكَ قَالَ هَلْ أَمْنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمْنُكُمْ عَلَى
تا پناه گیریم و هر آنچه ما بخواهیم و هر چه شما بخواهید این مگر چنانکه این گرفته بودم شما را بر
تا پناه گیریم و هر آنچه ما بخواهیم و هر چه شما بخواهید این مگر چنانکه این گرفته بودم شما را بر
أَخِيهِ مِنْ قَبْلِ قَالَهُ خَيْرُ حِفْظٍ لَهُ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ٥ وَلَمَّا
برادر و سه پیش ازین پس خدا بهتر است نگاهدارنده او و مهربان ترین مهربانان است و چون
برادر و سه پیش ازین پس خدا بهتر است نگاهدارنده او و مهربان ترین مهربانان است و چون
فَتَحَّامَتَا عَنْهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَهُمْ رَدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا بَنَانَا مَا نَبَغِي هَذَا
بکشادند رخت خود یافتند سرایه خود را باز گردانیده بایشان گفتند ای پسران ما چه می خواهیم پیش ازین است
بکشادند رخت خود یافتند سرایه خود را باز گردانیده بایشان گفتند ای پسران ما چه می خواهیم پیش ازین است
بِضَاعَتِنَا رَدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزِدُ بِكَلِيلٍ بَعِيرٍ
سرایه ما باز گردانیده بسوی ما و سرایه خود را برای کن خود و مهربانان کنیم و نزد خود را زیاد آریم پناه یک
سرایه ما باز گردانیده بسوی ما و سرایه خود را برای کن خود و مهربانان کنیم و نزد خود را زیاد آریم پناه یک
ذَلِكَ كَيْلٌ لِيُبَيِّنَ ٨ قَالَ لَنْ أَرْسِلَهُ مَعَكُمْ خَشِيَ تَوَاتُؤَ مِنْ مَوْتِنَا مِنْ
و آنچه آورده ایم پناه اندک است گفتند فرستم او را با شما تا آنکه و بعد مرا عهدی از
ازین پناه آسان اندک است گفتند هرگز فرستم او را با شما تا آنکه و بعد مرا عهدی از
اللَّهُ كَتَبَتْهُ يَدَايَ إِلَّا أَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَى
خدا که البتة باز آید او را امن مگر آنکه گرفتار کرده شود پس چون داندش عهدش یعقوب گفت خدا
خدا که البتة باز آید او را امن مگر آنکه گرفتار کرده شود پس چون داندش عهدش یعقوب گفت خدا
مَا نَقُولُ وَكَيْلٌ ٩ وَقَالَ لِيَبْنِيَ لَكَ خُذُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا
آپچه می گویم نگاهبان است و گفت ای پسران من در میانید از یک دروازه و در آید
آپچه می گویم نگاهبان است و گفت ای پسران من در میانید از یک دروازه و در آید
مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أَغْنَى عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ طَرِيقَ الْحَكَمِ
از دروازه های پراکنده و دفع نمی کند از شما از قضای خدا چیزی را نیست فرمان روانی
از دروازه های پراکنده و دفع نمی کند از شما از قضای خدا چیزی را نیست فرمان روانی
إِلَّا اللَّهُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ١٠ وَلَمَّا دَخَلُوا
مگر خدا را برود توکل کردم و برود باید که توکل کنند متوکلان و چون داخل شدند
مگر خدا را برود توکل کردم و برود باید که توکل کنند متوکلان و چون داخل شدند
مِنْ حَيْثُ أَفْرَهُمُ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً
از آن راه که فرموده بود ایشان را پدر ایشان دفع نمی توانست کرد از قضای خدا یکی سرایه را
از آن راه که فرموده بود ایشان را پدر ایشان دفع نمی توانست کرد از قضای خدا یکی سرایه را
فِي نَفْسٍ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لَمَّا عَلِمْنَاهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ
خطور که در همه دس و هر آنچه او بود خداوند و احسن با ما و موافق بودیم او را و دیگران
در همه یعقوب بود سرایه را داد و پدر یعقوب خداوند و احسن با ما و موافق بودیم او را و دیگران
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ١١ وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَى إِلَى الْخِصَاءِ قَالَ
مردمان نمی دانند و چون داخل شدند بر یوسف چنانچه داد یوسف خود برادر یعنی خود را گفت
مردمان نمی دانند و چون داخل شدند بر یوسف چنانچه داد یوسف خود برادر یعنی خود را گفت
إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِبَآئِنَا إِنَّا جَاءُنَا بِكُم مِثْلَ بَآئِنِ الْأُنْثَى
هر آنچه من برادر توام پس اندک باین میباش بسبب آینه می کردند پس و فکرم میباش که در آن ایستادن
هر آنچه من برادر توام پس اندک باین میباش بسبب آینه می کردند پس و فکرم میباش که در آن ایستادن
وَمَا آتَيْنَاكَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا كَمَا تَبْتَئِسُ بِهِ النَّاسُ وَاللَّهُ يَخْتَارُ ١٢ وَأَخِيكَ يَدْعُوكَ فَخُلُوعًا لَهُ
و آنچه ما تو را از شئی ندادیم مگر آنکه بسبب آینه می کردند پس و فکرم میباش که در آن ایستادن
و آنچه ما تو را از شئی ندادیم مگر آنکه بسبب آینه می کردند پس و فکرم میباش که در آن ایستادن
وَمَا آتَيْنَاكَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا كَمَا تَبْتَئِسُ بِهِ النَّاسُ وَاللَّهُ يَخْتَارُ ١٢ وَأَخِيكَ يَدْعُوكَ فَخُلُوعًا لَهُ
و آنچه ما تو را از شئی ندادیم مگر آنکه بسبب آینه می کردند پس و فکرم میباش که در آن ایستادن
و آنچه ما تو را از شئی ندادیم مگر آنکه بسبب آینه می کردند پس و فکرم میباش که در آن ایستادن

دل یعنی گفتن جزو

من وید فی

دخلة فهو جزو

والتر امل ۱۲

تفسیر عثمانی

ع یعقوب چون در

مرتبه تخت به پسران

خود اعتماد نموده بود

نسبت به بی اعتبار

نزد بنده این مرتبه

نیز گفت تا پسران را

نکوه اما سخن پیچیده بود

بنی بارت پسران دی

مضی ساخته بودند

یوسف نیز پسر بود

کذا فی الموضع گویا

مخاطب بکم جنس

انسانست و الله اعلم

بعض مفسران چنین

تفسیر کرده اند شما را

حفاظت دی در اینجا

پیر بیان بسید و با

اصول او را بخود

بروید آنگاه این در

هم تلفیق اگر چه

از متناهی دی بر آمد

و زدی اثبات نمیشود

شاید دیگری بنیان

کرده باشد شاید جای

آنگاه مدافعه کند گفتند

برادرش نیز در دی

دویم او را قوی گویند

اگر در دل خویش چنین

غش فی و این چنین

بنی در دی حال نرسد

آمده اید که از خود حق

روی برافشید بهر حال

من در این مصیبت

نیز میری کنم و لب به

شهادت نمی کشایم

از توانایی و مهرمانی

خدای متعال بعید

نیست که یوسف و

بنیامین و آن برادر

دیگر مان را که برای

ظاهر قیامند آنگاه

مانده برادر خود من باز آرد

دی بر چه راه دارد

باینکه مطابق حکمت خویش

مواظبی کن از این بری آنگاه

با ده صف چنین احوال یاس

انگیزد مردود هر باز هم

تولید زنده انبیا

استائیسوا منه خلصوا حیال قال کبیرهم الم تعلمون ان اباکم

نامیده شده اند و تنهان را گفتند چگونه گفتند بزرگ ایشان آیا ندانسته اید که پدر شما

نامیده شده اند از وی تنهان را گفتند چگونه گفتند بزرگ ایشان آیا ندانسته اید که پدر شما

أخذ علیکم مویثاقاً من الله ومن قبل ما فرطتم فی یوسف فکن

گرفته است بر شما عهد خدا و پیش از این تفسیر نموده بودید و در باره یوسف پس خدا

أبرح الارض حتی یأذن لی ابی اویحکم الله لی وهو خیر

خواهم شد از این سرزمین تا وقتی که اذن پدر مرا پدر من یا حکم کند خدا مرا و او بهترین

الحکیمین ۱۱ ارجعوا الی ابیکم فقولوا لایا بانا ان ابنک سرق و

حکم کنندگان است اے برادران باز روید بسوی پدر خویش پس بگوید اے پدر ما هر آنچه افسوس و زاری کرد و

ما شهدنا الا بما علمنا و ما کننا للغیب حفظین ۱۲ وسئل القرین

گواهی نه دادیم الا با آنچه می دانستیم و نه بدیم علم غیب را ایاد دارند و پرس از دین

التي کنا فیها والعیر التي اقبلنا فیها وانا لصديقون ۱۳ قال بل

که بودیم در آن و از کار وانی که آمدیم در آن و البت ما راحت گویایم گفت یعقوب بلکه

سئلت لکم انفسکم امر اقصبر جمیل عس الله ان یاتینی بهم

آراسته کرده است برای شما نفوس شما را که پس حال من صبر یک است امید است که خدا بیاورد پیش من این را

جمیعاً ان الله هو العليم الحکیم ۱۴ وتولی عنهم وقال یوسف علی یوسف

همه یک جا هر آنچه او دانا با حکمت است و در بگویند از ایشان و گفت ملک اندام من بر یوسف

والبیضت عینه من الحزن فهو کظیم ۱۵ قالوا اتالله یفتوا تذکر

و سفید شد چشم او بسبب اندام او پر شده بود از غم گفتند بخدا همیشه حق کی یاد می کنی

یوسف حتی تكون حرضاً و تكون من الهالکین ۱۶ قال انما اشک

یوسف را تا آنکه غمی نیار یا شوی از هلاک شدن گفت جز این نیست که بیان می کنم

بنی و حزنی الی الله و اعلم من الله ما لا تعلمون ۱۷ یبني اذهبوا

هم محنت خود را و اندام خود را به جناب خدا می دانم از جانب خدا آنچه نمیدانید اے پسران من بروید

فتجسسوا من یوسف و اخیه و لا تأیسوا من روح الله ان الله

پس تحقیق کنید از یوسف و برادر او و نا امید مباشید از رحمت خدا هر آنچه سخن است که

لا یاتس من روح الله الا القوم الکفرون ۱۸ فلما دخلوا علی

نامیده بنی شوند از رحمت خدا - مکر کرده کا سران پس چون داخل شدند بر یوسف

معی خود از فیض خدا مکر کرده کا سران پس چون داخل شدند بر یوسف

یوسف را تا آنکه غمی نیار یا شوی از هلاک شدن گفت جز این نیست که بیان می کنم

بنی و حزنی الی الله و اعلم من الله ما لا تعلمون ۱۷ یبني اذهبوا

قَالَ اَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَاَهْلُنَا الضَّرَّ وَجِئْنَا بِضَاعَتِنَا زُجْجَةً فَاَوْفِرْ

گفتند ای عزیز رسید دست ما و گران ما سختی و آورده ایم سرمایۀ ما معیول یعنی اندک یا ناسره پس مقام ده

گفتند ای عزیز رسید دست ما و گران ما سختی و آورده ایم سرمایۀ ما معیول (نامعقول) اندک بی اعتبار پس مقام ده

لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا اِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ۱۰ قَالَ

ارایانه و صدقه ده بر ما بر آئینه خدا جزای دهد صدقه دهندگان را گفت

هَلْ عَلِمْتُمْ مَاقَعَلْتُمُ يَوْسُفَ وَاَخِيهِ اِذْ اَنْتُمْ جَاهِلُونَ ۱۱ قَالُوا

آیا دانستید آنچه کردید یوسف و برادرش و چیکه شما نادان بودید گفتند

آیا دانستید آنچه کردید یوسف و برادرش چیکه شما نادان بودید گفتند

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ قَالَ اَنَا يَوْسُفُ وَهَذَا اَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا

آیا به حقیقت تو یوسفی گفت من یوسفم و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

اِنَّكَ لَآتَىٰ يَوْسُفَ گفت من یوسفی و این برادر من است بر آئینه الهام کرد خدا بر ما

ایستاد مصر زندگانی
مقام یوسف معلوم شود
وارد او داشتند تخت
در پی کسی بودند که
دی حاجم است یعنی بنی
تین مزید بر آن جوان
تقریب بود به غلغله
داشته بود استند
بدین امر نیز غریز را
متوجه گردانند و اگر
ادرا سنگ گام ۱۰ داشته
مهریان یا قند سخن
بنیامین را نیز میمان
آند ازین جهت گفتن
سخن که در حضور یوسف
عزیز السلام گفتند این
یوسف از عزیمت مصر در
این روز کار به نسبت
قطع و بیوالی به او خاورد
ما سخت مصیبت فرود
آمد به هر ضایع فتنه
داشتم فرقه شده
جز متنا اندک درو
باید که به عرض خریداری
غلغله خود آورده ایم
از ملام اخلاق و
علائق صالحت امید
درهم نقصان متدع
داد و نفع نزاری به
بهای اندک همان
مقدار یک سارق غله
داده بودی باز غنا
الربع فی این
رعایت در حقیقت
خیراته است که
میدمی یا چیز سخته
بطور غیرات بمانی
بخشائی خدا بخوخوا
می کند یوسف چون
شسته گریستن آغاز
کرد و ش برسم آمد
اشک از چشم جاری
شد آن گاه بفرمان
خدای متعال بولفتن
را تا بر گرد کیست و
آنها با وی چه کرده اند
بصورتی که در این گفتار است تعلیم - بصورتی که در این گفتار است تعلیم - بصورتی که در این گفتار است تعلیم

فَأَشْرَبُوا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَزْوَاجًا ۚ ثُمَّ لَمَّا أَتَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝٣

فتوح عام از عذاب خدا یا بیاید بایشان قیامت ناکهان و ایشان آگاه نباشند
فتوح از عذاب خدا یا بیاید بایشان قیامت ناکهان و ایشان آگاه نباشند

فَلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعْنِي

جو این راه من است می خواهم بسوی خدا
باجت ظاہر من پیروان من نیز میخوانند و
بر (بینائی) دید و دانسته من و هر که پیروی من کرده است

سُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا آتَانَا مِنَ الْمُسْرِكَيْنِ ﴿٧﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا

پاکي خداست و یتیم من از مشرک مقرر کنندگان و نه فرستاده ایم پیش از تو مگر مردانے
پاکي خداست و یتیم من از مشرک آندگان و نه فرستادیم پیش از تو مگر مردانے

وَنُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى ۖ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

از میسر شدیم بایشان از اهل دیهی با
از میسر شدیم بایشان از اهل ده با

يَكُنْ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ

پیش از ایشان بودند و هر آینه مراے آفت بهتر است
پیش از ایشان بودند و هر آینه مراے آفت بهتر است

الَّذِينَ اتَّقَوْا أَفْلا تَعْقِلُونَ ٥ خَتَّى إِذَا اسْتَيْئَسَ الرُّسُلُ

مرآتیان را که به نیز کردند آریا بخنی فهمیدند

وَقُلْنَا لَهُمْ فَلْيَلْزِمُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُخْرِجُهُمْ مِنْ لَحْيٍ مَبْجُورٍ

ماں می بروند بانگ ایشاق (بیدارستی که) کز دہشت شدند آمد یا برشت ان نصرت ما پس نجات داده شد بر کمر افراستی و دم و کرد و دہشتی

عذاب ما از گروه ستاران هر آینه هست در قصه پندامیران پند

ملاکب از گروه ستارگان برآیند هست در قعر پیغمبران پندی

فقد اذنان خبره را نیست قرآن سخن که بدو رخ بر بافته شود و لیکن هست بانه دارنده آنچه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میں ان کے بہت دیرینہ ہر چیز و ہدایت و بخشش مسلمانان را

سورة الكهف في سَمِ اللَّهِ الشَّجَرَةَ الْحَيَّةَ

بنام خداے بخشننده مهرمان
آغاز میکنم بنام خدا ای که به اعجاز و موهبت و قدرت و بزرگواری و مادیات عالم است

الْمَرْفُوعُ إِلَيْكَ أَيْ الْكِتَابُ وَالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ

این با آیات قرآنند و آنچه فرو فرستاده شد از پروردگار تو راست است
این با آیات کتاب (قرآن) است و آنچه فرو فرستاده شده بسوی تو از پروردگار تو حق است

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ① اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ

و لیکن انفر مردان ایمان نمی آرند
و لیکن بیشتر مردمان نمی گردند بدان
خدا آست که میدادست که مسلمانان را
خدا آست که (بر دادست) بنده گرد آسانها را

نکته آنکه است تا از احوال و مشکلات ببرد حاصل بکنند (تفصیلی) از این جهت بر می آید که زنان پنج گاه به نبوت مرافق زننده و از این جهت حضرت مریم هم برده

سوره در مقابل آسمان
 باقی بلند زمین پست
 مذکور شده و با آسمان
 از آفتاب و ماه که
 حرکت جداگانه و در
 مختلفه دارند بیانی رفته
 کاری که از انچه پیر
 حرارت آفتاب بود
 می آید از یزدت و توفیق
 ماه ساخته می شود و چنان
 احوال مختلف زمین
 و چیزهای مختلفی که
 بر زمین تعقیق دارد این
 چنانکه گویید که جانی
 کوه های الهیست و دو
 جانی دریاها و دره
 است و همه با اعتبار
 شکل و صورت رنگ
 و لذت خوردنی و گلابی
 تذکیه و تائیدشان به مختلف
 اند و این بود و در
 شب گلابی روشن و
 زامانی تاریکی می باشد
 و تعجب است اگر چه
 چند قطعه مختلف زمین
 از یک جنس بوده و
 از یک آب سیراب
 می گردد و از تابش
 آفتاب حرارت میگیرد
 همه یک هوای دزد
 اما ثمرات مختلف و
 متنوع می دهد و در کثرت
 و قلت محصولات هم
 آنقدر تفاوت می باشد
 که می بیند و حیران میشود
 این نکره و دقت از
 مشایده این همه آشکار
 قدرت یان می رسند
 که انسان هم اگر چه
 بعد از یک نوع اند و
 یک ابر و همت و یک
 آفتاب هدایت او را
 تربیه می کند اما باز هم
 از حیث ماده و معنی
 اختلافات زیاد دارند
 و همان قدرت غیر
 محوده است که از زمین تا آسمان نظام ترکیبی تمام مخلوقات را بقدر خود گرفته است و دره و نخی استوار هر چیز را بر عین و اثر آن را به بسیار استواری تحمید نموده است پس برای آن

بَغِيرَ عَمَلِكُمْ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَنَحْنُ الشَّمْسُ الْقَدِيرُ كُلُّ
 بغير استون با که بینید آنرا بعد از آن مستقر شد بر عرش و ما که آفتاب و ماه را برین
 بغير استون با که می بینید آنرا پس (تقدیر کرد) قائم شد بر عرش و ما که آفتاب و ماه را برین
 يَجْرِي لِأَجْلِ مُسَمًّى يَدْعُو لَكُمْ بِرُفْقَائِكُمْ لَكُمْ بِرُفْقَائِكُمْ لَكُمْ بِرُفْقَائِكُمْ
 میر می کند و میخواند و معین تدبیر کاری نماید بیان می کند نشان با تا نشان احوالات پیر و در کار خود
 میرود بروقت مقرر تدبیر می کند کار خود را بیان می کند نشان با تا نشان احوالات پیر و در کار خود
 لَوْ قَوْنٌ ۝ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسٍ وَأَنْهَارًا ۝
 یقین آرید و او آنست که گسترده زمین را و آفرید در آنجا کوه ها و نهرا و
 یقین کنید و او آنست که گسترده زمین را و در آنجا کوه های دهم و نهرا و
 مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۝ جَعَلَ فِيهَا رِوَاسٍ لِّبَنِي النَّاسِ ۝ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسٍ لِّبَنِي النَّاسِ ۝
 از هر نوع میوه و آفرید در زمین و دو قسم از ترش و شیرین بنشین و خیس و خشک شد شب را بروز هر آینه
 از آنکه میوه ها بیا فرید در آن دو صفت می پوشاند شب را بروز (هر آینه)
 فِي ذَلِكَ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَمَجِّجٌ ۝
 در این نشان است قوسه را که فکر می کنند و در زمین قطعه مختلف است پیوسته با یکدیگر
 در این نشان است قوسه را که فکر می کنند و در زمین قطعه مختلف است پیوسته با یکدیگر
 جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَرِوْاسٍ خَيْلٍ وَرِوْاسٍ صِنَوَانٍ ۝ وَغَيْرِ صِنَوَانٍ يُسْقَوْنَ ۝
 بوستانهاست از درختان انگور و کشت و خرما با بعضی بسیار شاخ و بعضی غیر آن سیراب کرده میشود از یک
 بوستانهاست از درختان انگور و کشت و خرما با بعضی بسیار شاخ از یک اصل رسیده و غیر آن بلکه متفرقه از اصول آب
 وَاحِلٌ ۝ وَفِيهَا رِوْاسٌ ۝ وَفِيهَا رِوْاسٌ ۝ وَفِيهَا رِوْاسٌ ۝
 آب و فصل می دهم بعض را بر بعض در هم میوه با هر آینه در این نشانهاست
 یک آب و بر در می دهم بعضی را بر بعضی در میوه با (هر آینه) در این نشانهاست
 لَقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ ۝ إِذْ أَتَاكَ ثَوْبَانِ ۝
 قوسه را که می بیند و اگر تعجب کنی پس تعجب است سخن ایشان که آیا دو لبتیک خاشخ تویم آیا مادر
 قوی را که خودی کنند و اگر تعجب کنی پس تعجب است سخن ایشان که آیا دو لبتیک خاشخ تویم آیا مادر
 خَلَقَ جَدِيدًا ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرُفْقَائِهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَعْلَى ۝
 آفرینش نو خوانیم بود ایشانند آنانکه نامعقد شدند بر پروردگار خویش و ایشانند باین صفت که طوطی در
 آفرینش نو خوانیم بود آن گروه که اند که نگر و بداند بر پروردگار خود و ایشانند باین صفت که طوطی با در
 أَعْنَابٍ ۝ وَفِيهَا رِوْاسٌ ۝ وَفِيهَا رِوْاسٌ ۝ وَفِيهَا رِوْاسٌ ۝
 گردن ایشان باشد و ایشانند اهل آتش ایشان آنگاه میدان باشند و
 گردن ایشان باشد و ایشانند اهل آتش آنها در آنجا میدان باشند و
 يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ ۝ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ السَّيِّئَةُ ۝
 بشتاب می طلبند از تو عقوبت پیش از رحمت و هر آینه گذشت است پیش از ایشان عقوبت با
 بشتاب می طلبند از تو بدی پیش از نیکی و هر آینه گذشته است پیش از ایشان عقوبت با
 وَإِنْ رَبُّكَ لَذُوْ مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ ۝ وَإِنْ رَبُّكَ لَشَدِيدٌ ۝
 و هر آینه پروردگار تو خداوند آمرزش است مردمان را با وجود ستمکار بودن ایشان و هر آینه پروردگار تو سخت
 و هر آینه پروردگار تو خداوند آمرزش است مردمان را با وجود ستمکار بودن ایشان (و هر آینه) پروردگار تو سخت
 الْعَقَابِ ۝ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا الْوَلَا أُنْزِلَ عَلَيْكَ آيَةٌ مِنْ رَبِّكَ ۝
 عقوبت است و می گویند کاذبان چرا فرستاده نشد بر این و بجهنم نشاند و از پروردگار او چه جزایی نیست
 عقوبت است و می گویند کاذبان که از کذب تدبیر فرستاده نشد بر ایشان و پروردگار او چه جزایی نیست
 عقوبت است و می گویند کاذبان که از کذب تدبیر فرستاده نشد بر ایشان و پروردگار او چه جزایی نیست

ولا تظنوا اننا

ناولها من

يكنى نزل

شدت يا ترس

ششیر و فرشته

و سلمان خوابان

والله اعلم

مزمع و بدیع

که در هر نفس خیر و شر

باز در همین لحظه

که در آسمان میگردانند

و به کمال باطن

نیو کاران دست

میازد و کار ایشان

را پیش میبرد و دیگر

را باک می کند و

اعلم لا تغییر

علا با موجودان

باشد خدا چیز

آفریده تواند

که از ان در اشتباه

آفته آن بار

پذیرفته اند

تواند که یک

بایک پای

بلکه دشمن

سازد و

باین خدای

توانای

چنین چیز

و ناقلان

پذیرفته

و فرجه

نه دنیا

صورت

در آخرت

پیشانی

باشد که

تا هزار

و نه

در هر

و ترس

باشد

کنند که

فهمیده

انهم

و الارض قل من رب السموات والارض قل الله قل افانزل

دشام دل بگو کیست پروردگار آسمانها و زمین بگو از طرف ایشان خداست بگو آیا اگر نقتد

دشام بگو کیست پروردگار آسمانها و زمین بگو خداست بگو آیا اگر نقتد

من دونك اولياء لا يبدلون انفسهم نفعوا لاضراط قل هل

بجز دے دوستانی که نمی توانند برائے خویشتن بجز دے دوستانی که نمی توانند برائے خویشتن

يستوى الاعمال والبصيرة هل تستوى الظلمات والنور ام جعلوا

برابرست تا بینا و بینا بے آیا برابرست تاریکی با درخشندگی آیا مقرر کرده اند

الله هزائم خلقه فتشابه الخلق عليهم قل الله خالق

خدا را از هزیمه بگفته اند آفریده خدا پس مشتبه شده است آفرینش بر ایشان بگو خدا آفریننده

كل شئ وهو اوحى القهار انزل من السماء ماء فسال

هر چیز است و او مست یگانه غالب فرو فرستاد از آسمان آب را پس رواں شد

او دية بقدرها فاحتمل السبل زبداء لياك وما يوقدون عليه

رو دها با اندازه خویش پس برداشت سبل گلی آسیده و از آنچه می کنند

في النار ابتغاء حلية او متاع زبد مثله مكن لك يضرب الله الحق

در آتش بطلب بهر آیه یا بطلب رخت خانه گلی است آینه گلی است آینه گلی است

و الباطل فاما الرب فبد هب جفاء و اما ما ينفع الناس فيك

و باطل را اما آن کف پس می رود تا چیزی شده و اما آنچه سود میرساند بمرودان می ماند

في الارض مكن لك يضرب الله الامثال للذين استجابوا ليه

در زمین مکن بهم چنین بیان می کند خدا مثل باران

الحسنه و الذين لم يستجيبوا له وان لهم قافي الارض جميعا

حالت نیک است و آنانی قبول نکردند بخیر ادا اگر ایشان را آنچه در زمین است همه یک جا

و مثله معه لا فتد و ايه اولئك لهم سوء الحساب و ما و لهم

و مانند آن همراه آن در بدل خود آن جماعه ایشان راست بد حساب و جائے ایشان

الحق كس هو اعلم انما يتد كروا لوالا الكتاب الذين يوفون

راست است مانند کسی باشد که وی تا بینا است جز این نیست که پند پذیرد بخیر خدا و ندانند و خامی کنند

الحق كس هو اعلم انما يتد كروا لوالا الكتاب الذين يوفون

راست است مانند کسی باشد که وی تا بینا است جز این نیست که پند پذیرد بخیر خدا و ندانند و خامی کنند

الحق كس هو اعلم انما يتد كروا لوالا الكتاب الذين يوفون

راست است مانند کسی باشد که وی تا بینا است جز این نیست که پند پذیرد بخیر خدا و ندانند و خامی کنند

الحق كس هو اعلم انما يتد كروا لوالا الكتاب الذين يوفون

بَعْدَ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ ۝ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند آن عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

فتح الرحمن
و اما بوی نفسی
تفسیر عثمانی
عنه عقلت و جلال
ای را در نظر گرفته
برسان بیاشند
دیرست و درین بنگارند
روزی که در ذره صفا
گرفتند می شود آید حاصل
خواهم داشت همه
بدی ما به نیکی جواب
می دهند و در مقابل
دشمنی طاعت می کنند
کسی را که به آن با
ستم کند می بخشد
ایشان را بخشد
و بهم افزونی نبات
نبات می بدی را
گذشته می نماید
اگر به عمل بدی باز
ایشان سرزند و در
مقابل آن کار نیک
یعنی (توبه) می کنند و
به تلافی گناه می پیوندند
سه کلمه (آباد) بطور
تقلیب است آنها
نیز در آن شامل اند
به کلامی که در جهنم
داده شده این باشد
دیگر است یعنی علاوه
بر مصلحتی که برای آنها
مصلحت می شود این
نعمت نیز از انانی
می شود که باید دان
و اما در این و ازواج
خودشان که آنها
نیز بوسیله اعمال
حسن خود در بهشت
داخل شده اند و
شوند حتی اگر از جمله
متحقین آنها که
در مرتبه کم باشند خواهند
بعضی و معرفت خود
در مرتبه او افزوده بین
کامان نزدیک میسر
والذین آمنوا و عملوا الصالحات
و الله اعلم بالصواب

بَعْدَ اللَّهِ خدا و نمی شکند عهد را و آنانی که می پیوندند آنچه فرموده است خدا

فلان یعنی اجار یهود
 میداند که رسالت
 آنحضرت صلی الله علیه
 وسلم صحیح است و الله
 اعلم یا یعنی به
 شبهات ثابت می
 کند که کج است
 یعنی
 یونانی که از
 جانب اولوند
 گفتم ثانی
 عه طوریکه که نشان
 انجام مکر خود را میدهند
 به کف موجود هم کند
 عاقبت معلوم میشود
 عده از تکذیب شما
 چیزی ساخته می شود
 چون خدای پاک نشأ
 بای بزرگ عداقت
 مرا آشکار میکند قرآن
 که کلام اوست هم
 چنانچه بر فرد آمدن
 خود از بارگاه الهی
 گواهی میدهد بر نبوت
 من نیز شاهد است
 اگر دیده بکشاید
 بیند که در احوال بسیار
 نامساعد است
 در آنی باین صورت و
 تاثیر آن در دل
 دشمنان و مخلوب
 و مقهور شدن بعضی
 برای حقانیت من
 در این آشکارا از
 طرف خداست و
 بسا نیکی از علم قرآن
 و تحقیق آن آگاه شد
 اندیز از دل گواهی
 میدهد که دروغی نباشد
 ام هم چنین دل بانی
 آنانی که در کتب سابقه
 سابقه و پیشگویی باشد
 آن یاد در خصوص من
 علم دارند گواهی می
 دهند که محمد صلی الله
 علیه وسلم مطابق با حق
 پیشگویی یا ظهور نموده

قُلْ لِلَّهِ الْمُلْكُ جَمِيعًا يُعَلِّمُ مَا يَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفْرُ
 پس خدا است بدستگاری همه یک ما میداند آنچه بعمل می آرد هر نفسی و خواهند داشت این کافران
 پس خدای راست (جزای) بکشانشان همه می دانند آنچه می کنند هر نفس و زود خواهند داشت این کافران
لِمَنْ عِثْبَى الدَّارِ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ
 که کرا باشد جزای آن سرای و می گویند کافران یعنی بیخامبر بخو
 که کرا باشد جزای آن سرای و می گویند کافران یعنی فرستاده شده بخو
كُفْرًا بِاللَّهِ شَهِيدًا ابْتِغَيْنِي وَبَيِّنْكُمْ لَوْ مِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ
 پس است خدا گواه در میان من و شما و پس است کسی که نزد یک اوست علم کتاب و
 پس است خدا گواه در میان من و شما و پس است کسی که نزد اوست علم کتاب و
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتَسْمِعُ وَمُسْمِعُ رُؤْيَا
 بسم خداوند بخشنده مهربان
 آغاز می کنم بنام خدای که به اندازه مهربان نهایت بارم است
الرَّحْمَنُ أَنْزَلَ إِلَيْنَا الْكِتَابَ لِنُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ
 این کتاب است که فرود فرستادیم آنرا بسوی تو تا بیرون آری مردمان را از تاریکی با بسوی روشنی
 این قرآن کتاب است که فرود فرستادیم آنرا بسوی تو تا بیرون آری مردمان را از تاریکی با بسوی روشنی
رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۱ اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي
 پروردگار ایشان بسوی راه خدا غالب ستوده بسوی راه خداست که او را است آنچه در آسمانهاست و آنچه در
 پروردگار ایشان بسوی راه خدا غالب ستوده خدای که او را است آنچه در آسمانهاست و آنچه در
الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ۲ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ
 زمین است و وای کافران را از عذاب سخت آنانی که افتخار می کنند
 زمین است و وای محبت است کافران را از عذاب سخت آنانی که بلند (افتخار) می کنند
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا
 زندگی دنیوی را بر آخرت و بازمی دارند مردمان را از راه خدا و می طلبند در دین
 زندگی دنیوی را بر آخرت و بازمی دارند (مردمان را) از راه خدا و می طلبند در آن
عِوَجًا أُولَئِكَ فِي صُلًى بُعِيدٍ ۳ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ
 کجی و ایشانند در کمرای دور و نه فرستادیم هیچ پیغامبر را مگر بپزبان
 کجی آن گروه در کمرای اند دور (از حق) و فرستادیم هیچ پیغامبر را مگر بپزبان
قَوْمٍ لَيَبَيِّنَ لَهُمْ قِصْلَ اللَّهِ مِنْ بَشَاءٍ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ
 قوم او تابیان کند برای ایشان پس گمراه سازد خدا هر گاه خواهد و راه نماید هر گاه خواهد و اوست
 قوم او تابیان کند برای بیم ایشان پس گمراه سازد خدا هر گاه خواهد و راه نماید هر گاه خواهد و اوست
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۴ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ
 غالب یا حکمت و هر آینه فرستادیم موسی را با نشانه های خود که بگویند که بیرون آید قوم خود را از
 غالب یا حکمت و هر آینه فرستادیم موسی را با نشانه های خود (گفته) بیرون آید قوم خود را از
الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ
 تاریکی با بسوی روشنی و بپندده ایشان را بیرون آید خداست هر آینه در این نشانه هاست هر
 تاریکی با بسوی روشنی و بپندده ایشان را بیرون آید خداست هر آینه در این نشانه هاست هر
صَبَّارٍ شَكُورٍ ۵ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
 شکیاست که گذارد و یاد کن آن وقت که گفت موسی قوم خود را یاد کنید نعمت خدا را بر خویش
 هرگز نه در این بلا شکر گویند بهر آلاء و یاد کن آن وقت که گفت موسی قوم خود را یاد کنید نعمت خدا را بر خویش

است که صد سال پیش موسی و عیسی علیهما و علی نبینا الصلوة والسلام خبر داده بودند خدا گواه باش که بحقیقت پیغمبری که ذات او صاحبان کتاب

اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا هَذَا سَاءُ الْبَيْتِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ

عذاب خدا گویند اگر راه نمودی ما را خدا را راه نمایی می گردیم شمارا برابر است بر ما

كِرْزَعًا أَمْ ضَبْرًا مَا لِلنَّاسِ مِنْ حَاجِبٍ ۝ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَهَا

که اضطراب کن یا شکیبایی در زیم نیست مار لایق و گفت شیطان و قتیله که اضطراب کن یا مبر تا می نیست مارا بیج محمی و گفت شیطان و قتیله

قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعْدُهُ الْحَقُّ وَوَعْدُكُمْ وَأَخْلَفَكُمْ

بعض کرده شد کار دل هر آینه خدا و وعده داد شمارا وعده راست و وعده دادم شمارا پس خلاف وعده کردم من باشا

وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي

و نبود مرا بر شما سلط لیکن بود آنکه بخوانم شمارا پس قبول کردید سخن مرا

فَلَا تَكُونُوا مَوْنًا وَلَا مَوْنًا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِحِكُمْ وَمَا أَنَا

پس طاعت کنید مرا و طاعت کنید خویش را نیستم فریاد رس شما و شما نیستید پس طاعت کنید مرا و طاعت کنید خویش را نیستم من فریاد رس شما و نیستید شما

بِمُصْرِحِي ۝ إِلَى كَفَرْتُمْ بِمَا أَفْرَكْتُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَظْلِمَ

فریاد رس من هر آینه من بیزد شدم از آنکه مرا شریک مقرر گردید پیش ازین هر آینه ستم کاران فریاد رس من (هر آینه من) بیزد شدم مقرر شدم از آنکه مرا شریک مقرر گردید پیش ازین هر آینه ظالمان

لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَأَدْخِلِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

ایشان را است عذاب درد دهنده و در آورده شدند آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند ایشان را است عذاب درد دهنده و در آورده شدند آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

بر بهشت با می رود زیر آن جوهرها جا میدهند در آن جا بیکم بر در درگاه خویش بر بهشت با (که) می رود زیر آن جوهرها جا میدهند در آن جا بیکم بر در درگاه خویش

حَبِطَتْ فِيهَا سُلُومٌ ۝ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً

دعای غیر ایمان با یکدیگر آماج سلام است آیا ندیدی چگونه پدید کرد خدا استی را ساخت سخن پاکیزه را دعای غیر ایمان (لطافتات) ایشان در آماج سلام است آیا ندیدی چگونه پدید کرد خدا استی را ساخت کلمه پاکیزه

كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ۝ تُؤْتِي أُكْلَهَا

مانند درخت پاکیزه که پایه خش استوار باشد شاخش در آسمان میدهد میوه های خود را مانند درخت پاکیزه که پایه خش استوار شد و شاخش در آسمان میدهد میوه های خود را

كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا ۝ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ

بر فصل بیکم بر در درگاه خویش و پدید می آورد خدا مثل بارا بر آینه مردمان تا بود که بر فصل بیکم بر در درگاه خویش و (میزند) بیان می کند خدا مثل بارا بر آینه مردمان تا بود که

يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ

پند پذیر شوند و حال سخن ناپاکیزه مانند درخت ناپاکیزه است پند پذیر شوند و مثال کلمه ناپاکیزه مانند درخت ناپاکیزه است

اجْتَنَبْتُ مِنْ قُورٍ الْأَرْضِ مَالَهَا مِنْ قَرَارٍ ۝ يُثَبِّتُ اللَّهُ

که بر کنده شد از بالاس زمین نیست ادرا بیج استوار می کند و استواری سازد خدا که بر کنده شده از بالا می زمین نیست ادرا بیج استوار می سازد خدا

دل منم گوید یعنی
و قتیله بشتیان به
بهشت در آید
و در جهان بدست
و اندر عالم دل
یعنی شریعت حق
۱۵ و در ملکوت ثابت
ست در دنیا بر در
رو به تازه می یابد و
مردمان شمع میشوند
و ملت جا پایست در
ملکوت استوارند
یک چند در میان مردم
شایع شود باز بریم
کرده آید و اندر عالم
تفسیر میانی
یعنی در امت باشد
و بر کوچک ترین اثر
کند می شود و گویا سپید
و کمی در آن ظاهر شد
حاصل این در مثال
آنست که دعای ایمان
و توحید مسلمان را است
و درست می باشد
زیرا دلایل آن پس
روشن و صحیح و استوار
است و چون موافق
به قدرت است بنده
آن در اعناق دل با
ریشه می دواند و شاخ
اعمال صالح به آسمان
قبول میرسد الیه
بصحة الکلم الطیب
و اصل الصالح بر خیزد
(ظاهر کوع) کام
موجدان از فرگودا
و شیرین آن همیشه
می بردارد خلاصه
نهیل همیشه بهار حق
و صداقت و توحید
معرفت روز بر روزی
بالد و دوا می نماید
بر عکس و دروغ غفل
کفر و دعای باطل
جیاد می دهد و یک
خداوند انک با در بیج
و قتیله بشتیان به

لَا صُنَاءَ ۝ رَبِّ ارْشُدْنِي وَأَنْصِلْنِي كَيْفَ أَمِينُ النَّاسِ ۝ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ
 بتان را اے پروردگار من این بتان گمراہ کردہ اند بسیارے را از مردمان پس ہر کہ پیروی من کرد پس ہر آئینہ او

يَتَّبِعُنِي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَافِرٌ رَحِيمٌ ۝ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ
 از ان من است و ہر کہ نافرمانی کرو مرا پس ہر آئینہ تو آمرزندہ مہربانے اے پروردگار ما ہر آئینہ من ساکن ہا ختم بعض
 از من است و ہر کہ نافرمانی کرو مرا پس ہر آئینہ تو آمرزندہ مہربانے اے پروردگار ما ہر آئینہ من ساکن ہا ختم بعض

دَارِيْنِي بِوَادِعٍ غَدَرِيٍّ ذُرِّيَّتِي مِنْ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ ۝ رَبَّنَا لِيَقِيْمُوا الصَّلَاةَ
 اولاد خود را بوادای بے زراعت نزد یک خانہ محترم تو اے پروردگار ما تیر یا وارندہ نماز را

فَجَعَلْ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْتَمَوْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ
 پس بکن دے چند را از مردمان رغبت کنند بسوئے ایشان و روزی وہ ایشان را از میوہ ہا

لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ۝ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا تُخْفِي وَمَا تُبْخِي
 تا بود کہ ایشان سپاسداری کنند اے پروردگار ما ہر آئینہ تو میدانی آنچه چہاں میداریم و آنچه آشکارا میکنی و پویشیدہ نیست

عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۝ أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي
 بر خدا هیچ چیزے در زمین و نہ در آسمان سپاس آن خدا تراست کہ

وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ ۝ إِنَّ سَمِيْعَ اللَّهِ عَزَّ
 عطا کرد مرا بآبودہ کلاں سالی اسمعیل و اسحق ہر آئینہ پروردگار من شنوندہ دعاست

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيْمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۝ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ
 اے پروردگار من بکن مرا برپادندہ نماز و از اولاد من نیز اے پروردگار و قبول کن دعائے مرا

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ يَوْمَ يَقُوْمُ الْحِسَابُ ۝
 اے پروردگار ما بیامرز مرا و پدر مرا و مسلمانان را روزیکہ قائم شود حساب

وَالْحَسْبُ لِلَّهِ غَاوٍ اَعْمَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ ۝ اِنَّهُمْ اَوْخَرُوْهُمْ
 و چندار خدا را بے جز از آنچه می کنند ظالمان جز این نیست کہ مہلت میدہد ایشان را

لِيَوْمَ تَشْخَصُ فِيْهِ الْاَبْصَارُ ۝ هُمُ طُغْيَانٌ مُّقْتَصِرٌ ۝ وَهُمْ اَكْبَرُ
 برائے روزیکہ خیز شوند در ان چشم ہا رشتاب کنندگان سرخود پروردگان یازخی گردد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى نَبِيِّنَا ۝ وَانْزِلْ عَلَيْنَا مِنْ غَدَاةٍ
 اے خداوند صلوات و سلام بر پیغمبر ما و بر سران مردمان را از روزیکہ بیا بد ایشان عذاب

مَقُولَ الَّذِينَ ظَلَمُوْا رَبَّنَا ۝ اِنَّا اِلَىٰ اَجَلٍ قَرِيْبٍ مُّجِيبٌ ۝ عَوْنُكَ
 ظالمان اے پروردگار ما عوون و امداد را تا میعاد سے نزدیک تا قبول کنیم خواندن ترا

تفسیر عثمانی
 عہدہ در آسمان و زمین
 زمین ہر چیز پر حضرت
 وی تحقیقیت پس
 پیدا و پیمان ما چنان
 پوشیدہ فائدہ و در ما
 مخفی را آئینہ و مقرر
 را چندی احوال است
 لیکن تحقیق جہی
 نذر الفاظ ما مخفی
 و مانع عام و ہر
 کاہن چیز ہای پوشیدہ
 و آشکارا مثل است
 حضرت شاہ رحمہ اللہ
 می فرماید در ظاهر دعا
 برای ہمہ فرزندان و
 در باطن منظور وی
 پیغمبر آخر زمان بود
 صلی اللہ علیہ وسلم
 عہدہ بنام میری
 لہو غیر متوقع است
 را از باطن ہاجرہ و
 اسحق را از لہجہ سنا
 مرحمت فرمودی چنانکہ
 دعای مرا کہ در بارہ
 اولاد عرض کردم
 پذیرفتی و رب مہرب
 فی من الصالحین این
 دعای مرا نیز پذیر
 دعا غائب این
 دعا را ہنگامی کو
 بود کہ از مردن پدر
 در حال کفر خندانست
 پس مقصد این است
 کہ از باب اسلام بفرستی
 کن در وقت قیامت
 شایستہ آمرزش گردان
 و اگر پس از رسول خبر
 مرگ وی دعا کردہ
 باشد شایستہ آن
 ہنگام خداوند حضرت
 ابراہیم را آگاہ
 نگردانیدہ بود کہ کافر
 شایستہ دعای مغفرت
 نبی باشد مغفرت کافر
 عقلا محال نیست اما
 سمعنا متنع است
 پس علم آن مرتبت
 بیانشہ قبل از معنی معنی است از اہل تشیع بعضی نگاہ ابراہیم کہ قرآن کاہن غافلہ شدہ یہ حقیقی او نبوہ کا با یونانی از بزرگان خدا دادہ اس نور اللہ

تعالیٰ عظمیٰ
و تعالیٰ شاد
نسبت جنون به
آزاده قرآن

رَبِّكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا

بسا بود که دوست دارند کافران (کاش می بودند مسلمانان) چه خویش بودی اگر

مُسْلِمِينَ ۲ ذَرَّهُمْ يَكْفُرُوا وَيَكْفُرُوا وَيَكْفُرُوا

مسلمان بودند بگذار ایشانرا تا بخورند و بهره مند شوند و مشغول کند ایشان را امیدوار پس خواندند مسلمان بودند بگذار ایشانرا تا بخورند و بهره مند شوند و مشغول کند ایشان را امیدوار پس خواندند

وَمَا أَهْلُكُنَا مِنْ قَبْلِهِ إِلَّا أَوْلِيَاءُ كِتَابٌ مَعْلُومٌ ۷ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ

و ما اهل کردیم پیش از ما را مگر کس را تو نشسته بود معلوم سبقت نمی کند هیچ گروهی و ما اهل کردیم ما هیچ قریه را مگر که آنرا وقت نوشته مقرب بود سبقت نمی کند هیچ گروهی

بَجَلِّهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ۵ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ

از مدت خود و باز پس نمی مانند و گفتند کافران اے سید خود آورده شده است بروی قرآن از وقت مقرر خود و باز پس نمی مانند و گفتند کافران اے سید خود آورده شده است بروی قرآن (هر آینه)

إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ۶ لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا مِنَ الَّذِينَ خَسِرُوا

هر آینه تو دیوانه چرا نمی آری پیش ما فرشتگان را اگر هستی از راست گویان تو دیوانه چرا نمی آری پیش ما فرشتگان را اگر هستی از راست گویان

مَا نَزَّلَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ إِلَّا الْحَقُّ ۵ وَمَا كَانُوا إِذْ أُنْزِلَتْ آيَاتُهُ

خود نمی فرستیم فرشتگان را مگر جدیر حکم و نباشند آنگاه مهلت داده شده هر آینه خود نمی فرستیم فرشتگان را مگر جدیر حکم و نباشند آنگاه مهلت داده شده (هر آینه) ما

نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَفُظُونَ ۹ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي

خود فرستادیم قرآن را و هر آینه ما در نگاه داریم و هر آینه پیغامبرانرا خود فرستادیم پیش از تو در خود فرستادیم قرآن را و در هر آینه ما در نگاه داریم و هر آینه پیغامبرانرا خود فرستادیم پیش از تو در

شَيْعِ الْأَوَّلِينَ ۱۰ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

فرقه باطنی پیغمبران و نمی آید بایشان هیچ فرستاده مگر بپایان بخندند کفر کنان فرقه باطنی پیغمبران و نمی آید بایشان هیچ فرستاده مگر بپایان بخندند استهزا می کردند

كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۱۱ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ

هم چنین در می آید استهزا در دل گناه کاران یعنی لغو لغو ایمان نیارند بقرآن و هر آینه گذشت هم چنین در می آید استهزا در دل گناه کاران یعنی لغو لغو ایمان نیارند بقرآن و هر آینه گذشت

سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ ۱۲ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ

آئین پیشینیان و اگر بگشاییم بر ایشان دره از آسمان پس شوند باین صفت در دره آئین پیشینیان و اگر بگشاییم بر ایشان دره از آسمان پس شوند باین صفت در دره

يَعْبُونَ ۱۳ لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ مُسْخَرُونَ ۱۴

بالا می روند البته گویند جز این نیست که بنده کرده شد چشم ما را بلکه ما قوی هستیم جادو زده بالا می روند البته گویند جز این نیست که بنده کرده شده چشم ما را بلکه ما قوی هستیم جادو زده

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَرِجَالًا لِّلنَّظِيرِينَ ۱۵ وَحَفَظْنَاهَا مِنْ

و هر آینه پدید کردیم در آسمان برجها و پیاده را پیش برای بنده گان و نگاه داشتیم از هر آینه آفریدیم در آسمان برجها و پیاده را پیش برای بنده گان و نگاه داشتیم از

كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ ۱۶ إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَ سَهَابَ مَبِينٍ ۱۷

هر شیطان رانده شده مگر آنکه بدزدی شنود پس در پی دزد آتش آشکارا هر شیطان رانده شده مگر آنکه بدزدی شنود پس در پی دزد آتش آشکارا

عظیم الشان برقرآن
و حاصل آن هرگز نباشی
ندد داینگ بداند که
این قرآن را ما فرستادیم
و ایم که هر نوع حفاظت
آنرا بر خود می فرمودیم
بهمان شان و پیشه که
خود فرستاده شده بدون
تبدیل حرفی و حرکتی
به اظهار همین می رسد
و نه در قیامت از هر
نوع تحریف لغوی و
معنوی محفوظ و مصون
می ماند و در هر روز
تبدیل شود به اصول
و احکام آن کفری
پدید نمی آید چندانکه
فصاحت و بلاغت
زبان و موسیقی های
علم و حکمت پیشرفت
کند مصلحت و اعجاز
صوری و معنوی آنرا
ضعف و نقص حس
نی شود اتمام و سلطنت
با بسیار غوامض و کوفیه
که آواز قرآن را عاشقان
و محو نمایند اما حفاظت
حرفی یا فقهی از آن کم
کنند این بیان
عظیم الشان الهی در
باب حفاظت قرآن
از چنان طغیان
و طرق حیرت
انگیزی ممکن نیست
که اگر تصعب و
محذور مخالفین چون
آنرا دیدند سر تسلیم
خود آورده اند و میروا
میروند تا جاییکه
معلومات داریم در هر
تا سر جهان کتابی
چون قرآن نیست که تا
روز و قرآن از هر نوع
تبدیل یا فقهی از آن کم

و هر آینه پدید کردیم در آسمان برجها و پیاده را پیش برای بنده گان و نگاه داشتیم از هر آینه آفریدیم در آسمان برجها و پیاده را پیش برای بنده گان و نگاه داشتیم از

بسم الله
الحجره
م ۲۴۳ نزل
رَبِّكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا
مُسْلِمِينَ ۲ ذَرَّهُمْ يَكْفُرُوا وَيَكْفُرُوا وَيَكْفُرُوا
وَمَا أَهْلُكُنَا مِنْ قَبْلِهِ إِلَّا أَوْلِيَاءُ كِتَابٌ مَعْلُومٌ ۷ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ
بَجَلِّهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ۵ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ
إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ۶ لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا مِنَ الَّذِينَ خَسِرُوا
نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَفُظُونَ ۹ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي
شَيْعِ الْأَوَّلِينَ ۱۰ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ
كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۱۱ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ
سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ ۱۲ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ
يَعْبُونَ ۱۳ لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ مُسْخَرُونَ ۱۴
وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَرِجَالًا لِّلنَّظِيرِينَ ۱۵ وَحَفَظْنَاهَا مِنْ
كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ ۱۶ إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَ سَهَابَ مَبِينٍ ۱۷

حَيَّاسُونَ ۝ قَالَ فَاحْرَبْ مِنْهَا وَأَنْتَ رَجِيمٌ ۝ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَلْعَذَابَ

۱- سیاہ بوئے گرفتہ گفت پس بیرون شود از بهشت هر آینه تورا ندیده و هر آینه برکت لعنت
۲- سیاہ بوئے گرفتہ گفت پس بیرون شود از بهشت پس (هر آینه) تورا ندیده و (هر آینه) برکت لعنت

إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ۖ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝۱۱ قَالَ فَإِنَّكَ

تادور حیات گفت اسے پروردگار من مہلت دے کہ میرا بیٹھتا ہو نذر دمان گفت ہر ایک تو

مَنْ الْمُنْظَرِينَ ١٢ إِلَى يَوْمِ أَوْقَتِ الْمَعْلُومِ ١٣ قَالَ رَبِّمَا أَغْوَيْتَنِي

از بہت دادہ شدگان تا روزِ وقتِ مقرر کلات اسے پروردگار من بسبب آنکہ گمراہ کردی مرا

از بہت دادہ شدگان تا روزِ وقتی (معلوم) مقرر وقت اسے پروردگار من بسبب آنکہ گمراہ کردی مرا

أَنْزَلْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا نُخَوِّفُهُمْ أَتَجْمَعِينَ ﴿١٥٢﴾ الْأَعْدَادُ كَيْفَ تَهْجُرُونَ

البی بیاریم محصیت را برای ایشان در زمین و البته گمراه سازیم ایشان را بیهیچا مگر زندگان خالص کرده گو

مُخْلِصِينَ ﴿١٥﴾ قَالَ هَذَا إِصْرُ آلِ عَلَى مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ

از ایشان گفت خدا این اعدا را برای این است بر من راست را بپوشانند (پندگان من نیست)

وَعَلَيْهِمْ سِتْرٌ إِلَّا مَنِ ابْتِغَا مِنَ الْغُيُوبِ ۖ وَإِنَّ جَهَنَّمَ

کذا برایشان عیله لیکن عیله تو بر کسے باشد که پیروی تو کند از گمراهان و دهر آئینه دوزخ

سورة الاحقاف ١٨ لها سبع ابواب ليكل باب منهم حجة

وعدہ گاہ ایشان است پھر یک جا اور پیفت در است ہمدردی را از گمراہان حصہ الیت

١٦) إِنَّ السَّاقِطِينَ فِي جَهَنَّمَ وَكُيُوتٌ ۝ (١) ادْخُلُوا هَاسِرِينَ

بدان گفته شده (پیر آینه) پیر نمیزگاران در یوستانها و چمنها بارشند و اهل شوند آبجای است

يَمِينِينَ ﴿١٠﴾ وَلَوْ عَنَّا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَيَّ شَرٌّ مِمَّصَلِّينَ ﴿١١﴾

و بیرون کشیدیم آن بجز در سینه مانع ایشان بود از کینه پیرا و یکدیگر کرده بر سخت مار زردی یکدیگر کرده

وَمَا نَصَبَ قَوْمٌ مِنْهَا بَدْعًا وَلَا نَعَىٰ ۖ وَأَنَّىٰ عِبَادِي اتَّقِي

دانش را در اینجا رهنه و بیستند ایشان از اینجا بیرون کرده شده چهره بندگان مرا که در این

الغور الرحيم وان عذابي هو العذاب الاليم وينبذهم عن

و (هر آینه) عذاب من همان عذاب درد دهنده است و جگرده ایشان را از

یوسف ابراهیم ۵ اذ دخلوا علیہ و قالوا سلیمان ط قال انما منکم

چون درآمدت بردی پس گفت سلام گفت ایما یم که بر آیم ما از شما

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ (٩) قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ

ما یم گفتند مترس (هر آینه) ما خرده می داریم ترا بفرزند وانا گفت آیا بشارت داد پدر ما

پس از آنکه طوفان و امواج و دیرینه کشت آیت "و یسئلونک عن الروح" نقل الروح من مردی به زن متصل بحث خوا



ولایت ارفضه
شبهت خواهد نهاد
نیت من انست
والله اعلم
این علم در وسط
قصه حضرت لوط نیا
کرده شد تا تنبیه باشد
بر تطبیق حال بشرین
که بر حال قوم لوط
امثال ایشان اند
اعلم
تفسیر عثمانی
ع چون این بشارت
در اذوقه و غیره
ناول بود که بن
سالی خود نگاه
کرد و چیزی نگفت
بر نظرش آمد غاصه
طبیعت انسانی است
نه گامیک خبری است
انگیزی شنود که بر
غلات توقع و غیر
ناول و ناگهانی
باشد اگر چه بر آن
یقین داشته باشد
پیشتر کادش و تحقیق
نی فایده لایعجب
افتد کی کند تا خبر
و نه کمال تکیه
و تفریح بر تکرار و
خبری پیرانه کرد
آن احتمال بی نوع
غلافی و تامل و
التباس فایده گویا
مقصود از اظهار
تعجب آنست که
بشارت خوب افع
و استوار شود از
تکرار مع لذت نوبی
حاصل گردد حضرت
ابراهم علیه السلام
باین صورت اظهار
تعجب نمود این کثیر
چنین گوید قال
متوجه نام کرده و
نیز و متحقق الوعد
ناجا بود مگر بدین

عَلَىٰ أَنْ تَسْمَعِي الْكِبْرُفِيمَ يُبَشِّرُونَ ۝ قَالُوا أَبَشِّرُكَ بِإِخْوِكَ ۝
 با وجود آنکه رسیدن پیری پس بچه قسم بشارت می دهد گفتند مرد و مادرم ترا براسستی پس مباحث
 با وجود اینکه رسیدن پیری پس بچه قسم بشارت می دهد گفتند مرد و مادرم ترا براسستی پس مباحث
 مِنَ الْقَانِطِينَ ۝ قَالَ وَمَنْ يَهْطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ۝
 از نا امیدان گفت و کیست که نا امید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان
 از نا امیدان گفت و کیست که نا امید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان
 قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ
 گفت پس چیست خبر شما ای فرستادگان گفتند (هر آینه) ما فرستاده شده ایم بسوی گروهی
 مَجْرُمِينَ ۝ إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَنَنبِئُوهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا آسَآئَهُ قَدْ رَزَقَهُ
 مگر کارکنان لوط (هر آینه) ما البته بشارت خواهیم داد ایشان را همه یک جا غرضش که مقرر کرده ایم
 كُنَاهُ كَارَانَ ۝ مگر کارکنان لوط (هر آینه) ما البته بشارت خواهیم داد ایشان را همه یک جا مگر کارکنان
 أَيُّهَا الَّذِينَ الْغَابِرِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ۝ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ
 که (هر آینه) دس اند باز ماندگان است پس و قتی که آمدند بلسان لوط فرستادگان گفت (هر آینه) شما گروهی
 كَذِبُونَ ۝ قَالُوا بَلْ أَنْتَ أَفْكٌ ۝ فَأَمَّا كَانُوا أَفْكٌ يَمْزُرُونَ ۝ وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ
 نا آشناید گفتند بلکه آدره ایم پیش تو آنچه در آن شب میگردید یعنی عقوبت آورده ایم پیش تو و عداوت
 نا آشناید گفتند بلکه آدره ایم پیش تو آنچه در آن شب میگردید یعنی عقوبت آورده ایم پیش تو و عداوت
 وَإِنَّا لَصِدْقُونَ ۝ فَآسَآئَهُ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ الْبَلِّ ۝ وَاتَّبَعُوا آدْبَارَهُمْ
 و (هر آینه) ما راست گویم پس بیکران خود را ببار از شب و توار بے ایشان رو
 و (هر آینه) ما راست گویم پس بیکران خود را ببار از شب و توار بے ایشان رو
 وَلَا يَتَفَقَّحُ مِنْكُمْ أَحَدٌ ۝ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ۝ وَوَقَضِينَا إِلَيْهِ
 و باید که پس ننهد از شما هیچ کس و برود آید سجا که فرموده شود و آن زمین شام بود و وحی فرستادیم بسوی لوط
 و باید که ننهد از شما هیچ کس و برود آید سجا که فرموده شده است و وحی فرستادیم بسوی لوط
 ذَلِكَ الْآفَرُونَ ۝ دَابِرَهُمْ وَأَوْفَىٰ مَقْطُوعٍ مُّصْبِحِينَ ۝ وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ
 این سخن که پنج ایشان بریده خود چون بوقت صبح در آیند و آمدند اهل شهر
 این سخن را بدرستی که بنیاد این گروه بریده شده است در حالیکه هیچ در آیند و آمدند اهل شهر
 يَسْتَبْشِرُونَ ۝ قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُون ۝ وَاتَّقُوا
 خوش داشته کنان گفت لوط (هر آینه) ایشان میهمان من اند پس رسوا می کنید مرا و بترسید
 خوش داشته کنان گفت لوط (هر آینه) ایشان میهمان من اند پس رسوا می کنید مرا و بترسید
 اللَّهُ وَلَا تَخْزَوْنَ ۝ قَالُوا أَوَلَمْ نُنْهَكْ عَنِ الْعَالَمِينَ ۝ قَالَ هَؤُلَاءِ
 از خدا و خوار کنید مرا گفتند آیا منع نکرده بودیم ترا از میزبانان غریبان گفت اینها
 از خدا و خوار و بمل مسازید مرا گفت آیا منع نکرده بودیم ترا از میزبانان غریبان (حایت عالم گفت اینها
 بَلِّغِي إِنْ كُنْتُمْ فَعِلَاءِينَ ۝ لَعَسَآ أَنْ يَكُنَّ لَكُمْ سَكِرَتُهُمْ يَعْنَهُمْ ۝
 دختران من اند اگر هستید کننده کاری قسم بزند گاهی تو که این کاران در گمراهی خویش سرگردان میشوند و
 دختران من اند اگر هستید کننده کاری قسم بزند گاهی تو که این کاران در گمراهی خویش سرگردان میشوند و
 فَأَخَذَ لَهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ۝ فَجَعَلْنَاهَا لِيَاسًا فَلَهَا وَأَظْهَرْنَا
 پس دریافت ایشان را از هولناک چون بوقت مشرق در آمدند پس ساجیم بالا آن شهر را از میان و باران
 پس دریافت ایشان را از هولناک در حالیکه داخل بودند در وقت طوفان آفتاب پس گردانیدیم بر آن شهر را از میان و باران

بشروه به تحقیق بشارت بعد بشارت چون از قاهر کلام نوسیدی تو هم می شنود آن سر اسر مخالف نشان بندگان خاصه عیدان اولاد

السَّبِيلَ وَمِنْهَا جَائِدٌ وَاسْتَأْذِنُوا لَهَا لَكُمْ أَنْ تَطِيرُوا وَنَحْنُ مُعَذِّبُونَ ۝ هُوَ الَّذِي

و بعض راه پانچ است و اگر فاسق و راه خودی شمارا همه یک جا اوست آنکه

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ۝

فرود آورد از آسمان آب را برائے شما از آن آب آشامید و از آن آب بيشه درختان است که در آن میجویند

يُكَلِّمُ لَكُمْ بِهِ الزُّبُرَ وَالزُّبُرُ نَاقُوتٌ وَالنُّجُيْلُ وَالْأَعْنَابُ وَمِنْ كُلِّ

میرواند برائے شما بلب آب زراست و از یون را درختان خربا و انگور و از هر جنس

الشَّجَرِ أَنْ فِي ذَلِكَ آيَةٌ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَنَحْنُ لَكُمْ الْيَسِيلُ ۝

میوه ها بر آید در این نشانه است که تفکر میکنند و منم که برائے شما شنب و

الْقَمَرُ وَالشَّمْسُ وَالْقُفَرُ وَالْجُوهَرُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِ إِيَّانَا فِي ذَلِكَ

روز و آفتاب و ماه را و ستارگان مسخرند بفرمان دی (بر آید) در آن

لَا يَتَّبِعُ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَمَا ذَرَأْنَا فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَوْ أَنفُسًا

نشانهاست که در زمین میبارد و مسخر کردیم برائے شما در زمین گوناگون رنگهاست اول هر آینه

فِي ذَلِكَ آيَةٌ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي يَخْرِجُ الْبَحْرَ لِيَأْكُلُوا مِنْهُ

در این نشانه است که در هر راه که میبارد و مسخر کردیم برائے شما در زمین گوناگون رنگهاست اول هر آینه

حُمَاطٍ يَأْكُلُونَ ۝ وَنَحْنُ لَكُمْ الْيَسِيلُ ۝ وَنَحْنُ لَكُمْ الْيَسِيلُ ۝

گوشت تازه یعنی ماهی و تابیروں آید از وی که پوشید آنرا و می بینی گشتی بار بار دونه

فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَالْقِيَامُ فِي الْأَرْضِ

در روز یا مسخر کرد در بارها طلب معیشت کنید از فضل او تا بود که شکر کنید و اقلند در زمین

رَوَّاسِي أَنْ يُسَيِّدَ بَيْنَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَالْقِيَامُ فِي الْأَرْضِ

که با من حکم برائے احراز از آنکه بجز اند شمارا و آفرید جو بهما و راه با تا بود که راه یاب شوید و آفرید که آنها

وَالْبُحُورُ هُمْ يَتَدَارَكُونَ ۝ أَمْ يَنْظُرُونَ إِلَّا الْإِنشَاءَ الْأَوَّلَ ۝ وَالْقِيَامُ فِي الْأَرْضِ

و ستارگان ایشان راه می یابند آیا سید می آفریند مانند کسی است که می آفریند آینه می گویند

لَنْ تَعْلَمَ الْوَعْدَ اللَّهُ لَا تَحْصُوهُمَا إِنْ اللَّهُ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَالْقِيَامُ فِي الْأَرْضِ

شمار نمی یابد نعمت خدا را احاطه نمیدانند آنرا هر آینه خدا آمرزنده مهربان است و خدا

يَعْلَمُ مَا تُسَبِّحُونَ وَمَا تَعْلَمُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

میدانند آنچه میگویند و آنچه آشکارا میکنند و آنکه می پرستند کافران ایشان را بجز خدا

مَدْعُونَ إِلَّا يَتَدَارَكُ اللَّهُ مَا تَدْعُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

میدانند آنچه میگویند و آنچه آشکارا میکنند و آنکه می پرستند کافران ایشان را بجز خدا

فصل فی شرح النحل
جوان و نباتات
تفسیر عثمانی
ع از آب میوه های
گوناگون پدید می آید
که در شکل و صورت و
رنگ و بود و نه و تباخیر
از هم متفاوتند که
در آن برای هر کس
آیت بزرگی از قدرت
کامل و صنعت
عجیب الهی ظاهر می
شود زیرا که در هر
یک زمین در هر نوع
یک نوع شجره از یک
آب و یک هوا پدید
می آید و بوی و طعم
همی آید - ع
خدا بر زمین کوه های
گران را گذاشته
تا بحرکت اقطار
خود یا شایک جاف و
نرم و از دریا
و آثار بری آید که
زمین را در آغاز
خلقت مصطفیانه
لرزش و جنبش بود
خدا نداده و بارید
آورد تا لرزش دی
فرود میند در ده گاه
باین سرائیس جدید
اعتزاز می نمایند که
کتابک خدا را در برگ
وجود کوه با کثرت
لازل را بازمی دارد
هر حال در مسند
حرکت و سکون بین
که حکامان اختلاف
دارند این آیت
نقض اثبات تعلق
ند و غیر از توحید
کوه با مسند و شجره
حرکت دائمی زمین
نیست که در آن
اختلاف باشد
تفسیر از طرف
تفسیر کبریا

و بعضی از اینها را در این کتاب

و بعضی از اینها را در این کتاب

و بعضی از اینها را در این کتاب

ولاد ان بعد تفق

شده و به اجازت را

مدینه جلسه داد و

پس به امیران سابق

آدمی بودند فرشته

نه بودند و الشدا علم

و این در حق

پیامبران و مومنان

تفسیر عثمانی

ع به اسباب تم

دید به پیغمبر که در صبر

و توکل استوار هستند

در هر دو جهان دوان

نصرت و اعطای ثواب

از عادت جدیدانیت

بیشتر از این نیز پیغمبران

را از میان مردم فرستاد

بودیم تا احکام را بپوشانیم

کنند و مردم را به انجام

نیک و بدی آگاه گردانند

اگر شما نمیدانید از

دانش مدانی که به

احوال اعم سابقه و

واقعات تاریخی

پیغمبران آگاهند تحقیق

کنیز تا سلوم شود که

بیشتر از این نیز است

رایه منصب پیغمبر است

سر از گردانیده باز

برو بینات و کتاب

و معجزه فرستاده

بودیم تا به برسانانی

که آنرا بدیدند یا

انکار کنند چه دانی

شد اهل حق به برکت

صبر و توکل پنهان

منصور و کامیاب

شدند و چگونه رسانید

ظالم پس از تمام بخت

تباہ گردیدند و وقت

کلمت ربکی لحسنی

علی بنی اسرائیل با

صبر و ادب و ناملان

لیست و قیوم و قیوم

و ما کالوا یغشون

(اعراف رکوع ۱۶)

مِنْهُمْ مَنْ حَقَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا

از ایشان کسی بود که ثابت شد بر دوشه گمراهی پس سیر کنید در زمین پس بنظرید

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ۱۰ اِنْ تَحْصُصْ عَلَىٰ هَذِهِم مَّا نَزَّلَ

چگونه شد آخر کار دروغ دارندگان اگر کوشتن کنی بر هدایت ایشان چه سود هر آنچه خدا

لَا يَهْدِي مَنْ يَظِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ حَاصِرِينَ ۱۱ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَمْدًا

راه نماید آتشا که گمراه میسازد و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده و قسم خوردند بخدا انکارترین

أَلْبَابُهُمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مِنْ لَيْمُونٍ بَلَىٰ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا وَلَكِنْ

سوگند بآنچه خود که بر نه انگیزد خدا آری که نمیدارد آری بر انگیزد و عده درست لازم شده بر دوشه و لیکن

أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۱۲ لَيْسَ لَكُمْ لِهَمَّ الَّذِينَ يَمْتَلِعُونَ فِيهِ ۱۳

بیشترین مردمان نمیدانند (آری برای کثرت) تا بیان کند برائے ایشان آنچه اختلاف می کنند در آن و

لَيْسَ لَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا وَآلَهُمْ كَأُلَاكِن بَإَيِّ ۱۴ اَللَّهِ قَوْلُنَا لَشَيْءٍ ۱۵ اِذَا

تا بداند کافران که ایشان در دوشه بودند نیست فرغان ما برائے چیزی چون

أَرَدْنَاهُ اَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۱۶ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

خواستیم آفریدن او را اگر گوئیم مر آن چیز را بشو پس بشود و آنرا که ترک دیار خود کردند برائے خدا

بَعْدَ مَا ظَلَمُوا النَّبِيَّ ثُمَّ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۱۷ وَلَا جَزَاءُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ ۱۸

بعد از آن که ستم کرده شد بر ایشان البته جاداییم ایم ایشان را در دنیا برائے نیک و بهر آینه مزد آخرت بزرگتر است

كَأَوْأَيْعَلُونَ ۱۹ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۲۰ وَمَا أَرْسَلْنَا

همی دانستند ۱۹ آنرا که صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل میکنند دل و نه فرستادیم

مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا ظَلَمَ فِي الْيَمِينِ فَرَسَوْنَا لَهُ اِلَيْهِمْ فَسَلُّوا اَهْلَ الدِّارِ اِنْ كُنْتُمْ

پیش از تو مگر مردانی را که در حق میفرستادیم بسوئی ایشان پس سوال کنید از اهل کتاب اگر

لَا تَعْلَمُونَ ۲۱ اَلْبَيْتِ وَالزُّبُرِ ۲۲ وَانْزَلْنَا اِلَيْكَ الذِّكْرَ لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ

نمیدانند ۲۱ فرستادیم ایشان را بلاملاک و کتاب ها و فرود آوریم بسوئی تو کتاب تا بیان کنی برائے مردمان

مَا نَزَّلَ اِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۲۳ اَفَاَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ

آنچه فرستاده شده است بسوئی ایشان و تا بود که ایشان تفکر کنند آیا این شده اند آنرا اندر نیندند برائے بد

اَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ وَيَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ۲۴

از آنکه فرو برد خدا ایشان را بر زمین یا بیاید بایشان عذاب از آنجا که نمیدانند

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

اِذَا كَفَرُوا فَزِيدُوا ۲۵ اَلَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا
 واز میوه بانه درختان خرما و درختان انگور همه هست که میسازید از آن شراب مست کننده میسازید از آن روزی
 و از میوه بانه درختان انگور میسازید از آن شراب مست کننده و میسازید از آن روزی

حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى
 حلال هر آینه درین نشانه است مگر چه را که در می یابید و الهام فرستاد پروردگار تو بوسه
 حلال (هر آینه) در این نشانه است مگر چه را که در می یابید و الهام فرستاد پروردگار تو بوسه

النَّجْلِ أَنْ تَتَّخِذَ مِنْ جِبَالٍ بُيُوتًا وَمِنْ الشَّجَرِ وَمِمَّا
 زبور شهید که بساز خانه ها از کوه ها و از درختان و از آنچه
 زبور شهید که بساز از کوه ها خانه و از درختان و از آنچه

يَخْرُجُ مِنْ بَطْنِيهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ ط
 مردمان بنای کنند باز بخور از هر جنس میوه ها و درود راه هائے پروردگار خویش رام شده
 مردمان بنای کنند باز بخور از هر جنس میوه ها و درود راه هائے پروردگار خویش رام شده

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ
 هر آینه درین مقدمه نشانه است مگر چه را که تفکر می کنید و خدا آفرید شما را و خدا
 هر آینه (در این مقدمه) نشانه است مگر چه را که تفکر می کنید و خدا آفرید شما را و خدا

يُؤْتِيكُمْ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ إِلَىٰ آدَمَ الْهَمَلُ لَئِنْ لَّمْ يَدْعُوا
 میسر اند شما را و از شما کسی هست که عائد کرده میشود بخوارترین طرأش آنکه نداند بیدار شدن
 میسر اند شما را و از شما کسی هست که رو کرده شود بسوی خوارترین زندگانی تا نداند بیدار از داشتن

شَيْطَانُ اللَّهِ عَلِيمٌ قَدِيرٌ وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ
 بزرگوار را هر آینه خدا دانای تواناست و خدا فضل داد بعضی شما را بر بعضی
 بزرگوار (هر آینه) خدا دانای تواناست و خدا برتری داد بعضی شما را بر بعضی

فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ
 در روزی پس نیستند آنانکه افزونی داده شدند عائد کنندگان روزی خود را بر آنها که مملکت است
 در روزی پس نیستند آنانکه افزونی داده شده عائد کنندگان روزی خود را بر آنها که مملکت است

أَيْمَانُهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ۝ وَاللَّهُ جَعَلَ
 خود را بیم ایشان در روزی برابر باشند آیا نعمت خدا را انکاری نمایند و خدا آفرید
 درست بانه ایشان پس باشند دلات موالی در مالداری یکسان آیا به نعمت خدا انکاری کنند و خدا آفرید

لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بَنِينَ وَ
 برای شما از جنس شما زنان را و آفرید برای شما از زنان شما پسران و
 برای شما از جنس شما زنان را و آفرید برای شما از زنان شما پسران و

حَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ
 بزرگان را و روزی داد شما را از پاکیزه ها آیا به باطل معتقد می شوند و بنعمت
 بزرگان و روزی داد شما را از پاکیزه ها آیا به باطل معتقد می شوند و بنعمت

اللَّهُ هُمْ يَكْفُرُونَ ۝ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ
 خدا ایشان ناسپاسی می نمایند و می پرستند آنچه جز خدا کسی را که نمی تواند برساند ایشان
 خدا ایشان ناسپاسی می نمایند و می پرستند آنچه جز خدا کسی را که نمی تواند برساند ایشان

وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ وَاللَّهُ يَخْتَارُ مَا يُؤْتِيهِ الْغَنِيُّ وَلَا
 و برای آنها عذاب عظیم است و خدا میگزیند آنچه را که بخواهد بدهد به غنی و به فقیر
 و برای آنها عذاب عظیم است و خدا میگزیند آنچه را که بخواهد بدهد به غنی و به فقیر

فل یفزع کس فی
 خواب که بگویند خود را
 برای خود سازد از انعام
 کفر عظمی
 عذبه یفزع در کسب
 امر اس شهید خالص
 و بیاد وای دیگر مخلوط
 شده و بعضی داده
 میشود و بقدرت
 خداوند شفا می دهد
 در حدیث جمیع است
 که شخصی مرض اسهال
 مبتلا بود براندیش
 از آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم معالجی خواست
 آنحضرت صلی الله علیه
 و سلم فرمود که شهید
 نباشد بعد از تو نبین
 شهید اسهال زیاده تر
 شد و ایضا حاضر شد
 عرض کرد که یا رسول
 الله اسهال زیاده
 تر شده است آنحضرت
 فرموده صدق الله
 کذب لعل افیک
 (خدا صادق و من
 کاذب است)
 باز تو نشان از داده
 نوشاندن همان کیفیت
 ظاهر شد آنحضرت
 کلمات خود را تکرار فرمود
 بالاخر به نوشاندن
 نوبت سوم اسهال بند
 شد و طبعیت صاف
 گردید الطاهر رفیق
 اصول خود گفت آنکه
 بعضی اوقات در شکم
 در کجوس فاسد میشود
 که هر غذا و یاد و اینکه
 در شکم میرسد بوی
 داده مگردد فاسدی
 گردد و لهذا اسهال
 واقع میشود حال که
 اش فقط همین است
 که مسهل و ملین را آن
 که بوی فاسد و بی
 در معده است

والمترجم محمد باقر
 این دو مثل آنست که
 آنچه در عالم تصرف
 ندارد یا خدا بر اینست
 چنانکه ملک ناقیان
 یا ملک توانا بر این
 نیست چنانکه ملک
 بے غیر یا صاحب
 هدایت و استبداد بر این
 نیست ۱۲-
 تفسیر عثمان
 عه مشرکین می گفتند
 که مالک البیت الهی است
 مگر این مردم در نزد
 خداوند متعالی یا
 خدا را این افراد و
 اشیاء از آن است
 که بدار بزرگان می
 توان بے واسطه و
 مستقیم رسید این
 مثل غلط است و
 در بارگاه احدیت مع
 قابل تطبیق نیست ۱۶
 خداوند همه امور
 را خواه بالا و سفلایا
 بلا واسطه خودش
 اجرا می فرماید و کسی
 کاری را چنان تفویض
 نمی فرماید که اراده و توفیق
 او ملغی شود مانند
 سلاطین که اقتیارات
 را در کام و عمل تفویض
 می کنند و بر سرستان
 یا برای پادشاهان
 و مستقل اند و پادشاه
 از حدود فیصله های
 تافعی و یا حاکم مطلق
 خبر ندارد و در امور
 جزئی مشیت اراده
 پادشاه را در او صدق
 فیصله کدام و غی
 است اما اراده و
 مشیت خداوند بزرگ
 بر کلیه و احوال خود
 و کلان و جزئی و کلی
 خود بواسطه اسباب
 و یا بلا واسطه

رِزْقًا مِّنَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ شَيْءًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۝۱۱
 چیزهائی که روزی دادن از آسمان و زمین چیزی را که توانائی ندارند و قادر نمی شوند پس
 تَصْرِفُ بِاللّٰهِ الْاَمْثَالَ ۝۱۲ اِنَّ اللّٰهَ بَعْلُكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝۱۳
 بیان میکند برائے خدا و استبدادها هر آینه خدا میداند و شما نمیدانید بیان کرد
 بیان میکند برائے خدا مثل با عه هر آینه خدا میداند و شما نمیدانید بیان کرد
 خدا و استبدادها بندگان را چیزی را که توانائی ندارند و قادر نیستند و از نزد خود روزی
 خدا امثال بندگان را چیزی را که توانائی ندارند و قادر نیستند و از نزد خود روزی
 حَسَنًا فَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لِّهٖ مَخْرَجًا ۝۱۴ سِرًّا وَّكَفًّا يَخْرُجُ مِنْهُ رِزْقًا مِّنَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
 نیک پس و می خرد می کند از آن روزی پنهان و آشکارا آید بر امری می شوند همه ستایش خدا را راست بلکه
 اَلَّذِي هُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝۱۵ وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّجُلَيْنِ اَحَدُ هُمَا اَبْرَءُ
 اکثر ایشان نمیدانند و بیان کرد خدا و استبدادها دیگر و در دو یکی از ایشان نیک است
 اکثر ایشان نمیدانند و بیان کرد خدا مثل دیگر و در دو یکی از ایشان نیک است
 لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ اَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَاتِ بِخَيْرٍ
 قدرت ندارد بر چیزی و او کمران است بر خواهر خود هر گاه درستش میارد و از آنجا می آید
 قدرت ندارد بر چیزی و او بار گران است بر خواهر خود هر گاه درستش میارد و از آنجا می آید
 هَلْ يَسْتَوِي هُوَ لَا وَمَنْ يَّمْرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝۱۶
 آیا برابر است این شخص و کسی که می فرماید مردمان را بعدل و خودش بر راه راست است و
 آیا برابر است این شخص و کسی که می فرماید مردمان را بعدل و خودش بر راه راست است
 وَلِلّٰهِ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ يَوْمَئِذٍ عَلِيمٌ ۝۱۷
 و خدا را است علم پنهان آسمانها و زمین و نیست کار قیامت بے نزدیک قدرت او مگر مانند چشم زدن
 و خدا را است علم پنهان آسمانها و زمین و نیست کار قیامت مگر مانند چشم زدن بلکه
 اَوْ هُوَ اَقْرَبُ ۝۱۸ اِنَّ اللّٰهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝۱۹ وَاللّٰهُ اَخْرَجَكَ
 او نزدیک است هر آینه خدا بر همه چیز توانا است و خدا می رود آورد و بخار
 نزدیک تر است بر هر آینه خدا بر همه چیز توانا است و خدا می رود آورد و بخار
 مِّنْ بَطُوْنٍ اَمْ هُنَّكَ لَا تَعْلَمُونَ شَيْءًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ
 از ستم ما و دران شما نمی دانید چیزی را و پدید ساخت برائے شما شنوائی و بینائی
 از ستم ما و دران شما نمی دانید چیزی را و پدید ساخت برای شما شنوائی و بینائی
 وَالْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝۲۰ الْمُرُّوْا اِلَى الْكَلْبِ الْمَسْحُوْرَتِ
 و در اینجا تا خود که شکر کنید آید و بدیدند بسوی و در اینجا تا خود که شکر کنید آید و بدیدند بسوی
 و در اینجا تا خود که شکر کنید آید و بدیدند بسوی و در اینجا تا خود که شکر کنید آید و بدیدند بسوی
 جَوَّالِ السَّمَاءِ مَا يَسْكُنُ فِيهَا مِنَ الْاِنۡدَادِ ۝۲۱ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ
 جوای آسمان نگاه نمیدارد ایشان را که خدا هر آینه در میان ایشان است و کسی را که ایمان می آورد
 جوای آسمان نگاه نمیدارد ایشان را که خدا هر آینه در میان ایشان است و کسی را که ایمان می آورد
 وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنۡ جُلُوْدِ الْاَنْعَامِ
 و خدا ساخت برائے شما از خانه های سگونت و ساخت برائے شما از پوست چهار پایان
 و خدا ساخت برائے شما از خانه های سگونت و ساخت برائے شما از پوست چهار پایان
 و خدا ساخت برائے شما از خانه های سگونت و ساخت برائے شما از پوست چهار پایان

اَلشَّارِكُ وَالْبَعْدُ لِلّٰهِ ثَمَنًا قَلِيلًا اِنَّمَا عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

استند خمن عهد خدا بهائے اندک هر آنچه نزد یک خداست بهتر است شارا
استانند خمن عهد خدا بهائے اندک هر آنچه نزد خداست بهتر است شارا

اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ بَاقٍ ۝ وَ

اگر دانسته اید آنچه نزد یک شماست فانی شود و آنچه نزد یک خداست پاینده است و
اگر دانسته اید آنچه نزد شماست تمام زحافی شود و آنچه نزد خداست پاینده است و

لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝

بدینیم صابران را مزد ایشان به نیکوترین آنچه می کردند
بدینیم صابران را مزد ایشان به نیکوترین آنچه می کردند

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيٰوةً

هر که عمل نیک کرد مرد باشد یا زن و او مسلمان است هر آنچه زنده کنییش بزنده گانی
هر که عمل نیک کرد مرد باشد یا زن و او مسلمان است پس هر آنچه زنده کنییش میدهم زنده گانی

طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَاِذَا

پاک و بدینیم آن جماعت را مزد ایشان به نیکوترین آنچه می کردند پس وقتیکه
پاک و بدینیم آن جماعت را مزد ایشان به نیکوترین آنچه می کردند پس وقتیکه

قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ ۝ اِنَّهٗ

خوانی قرآن خواندن پناه طلب کن بخدا از شیطان رانده شده هر آینه
خوانی قرآن را خوانی قرآن خواندن پس پناه طلب کن بخدا از شیطان رانده شده عه (هر آینه)

لَيْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِينَ اٰمَنُوْا وَعَلَىٰ رُءُوسِهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۝

نیست شیطان را علیه بر آنانکه ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل می کنند
نیست شیطان را علیه بر آنانکه ایمان می آوردند و بر پروردگار خود توکل می کنند

اِنَّمَا سُلْطٰنُهٗ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَكَّلُوْنَهُ وَالَّذِينَ هُم بِهٖ

جز این نیست که طلب او بر آنانیست که دوستداری اوست و آنانی که ایشان با خدا
جز این نیست که طلب او بر آنانیست که دوستداری اوست و آنانی که ایشان با خدا

مَشْكُورُونَ ۝ وَاِذَا بَدَأْنَا آيَةً مَّكَانٍ اٰيَةً وَّاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا

شکر می کنند و چون بدینیم آیتی بجای آتی و خدا داننده ترست آنچه
شکر می کنند و چون بدینیم آیتی بجای آتی و خدا داننده ترست آنچه

يُنَزِّلُ قَالُوْٓا اَلَا اِنَّمَا اَنْتَ مُفَوِّضٌ بَلْ اَكْثَرُ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝

نزد می آورد گویند جز این نیست که تو افرا کننده بلکه اکثر ایشان نمیدانند
نزد می آورد گویند جز این نیست که تو افرا کننده بلکه اکثر ایشان نمیدانند

قُلْ نَزَّلَهُ رُوْحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ

بگو فرود آورده است او روح القدس از جانب پروردگار تو بر راستی تا مستقیم سازد خدا مومنان
بگو فرود آورده است او روح القدس از جانب پروردگار تو بر راستی تا مستقیم سازد مومنان

اٰمَنُوْا وَهُدًى وَّبَشْرٰى لِّلْمُسْلِمِيْنَ ۝ وَلَقَدْ نَعْلَمُ اَلَهُمْ

را و برای راه نمودن و مژده دادن مسلمانان را و هر آینه ما میدانیم که کافران
را و برای راه نمودن و مژده دادن مسلمانان را و هر آینه ما میدانیم که کافران

يَقُوْلُوْنَ اِنَّمَا يَعْلَمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُوْنَ اَلْيَدِ

می گویند جز این نیست که می آموزد این پیغامبر را آدمی زبان کسی که
می گویند جز این نیست که می آموزد این پیغامبر را آدمی زبان کسی که

دل اینی در دنیا
نعت و سیم ۱۲
یعنی یک آیت بآیت
و دیگر تسبیح کنیم ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه در حدیث است
در خبر من تعلیم قرآن
و علم به بهترین شما
شخصه است که قرآن
را یاد بگیرد و در یزید
را یاموزد اندانین معلوم
مشکر که برای مومن تعلیم
و تعلیم قرآن بهترین
کار است و در آیات
ما قبل و در وضع
ذکر شده است که
در عرض کارهای نیک
اجز داده میشود و لهذا
درین موقع بعض
آدمی قرأت قرآن
را تعلیم می فرایند تا
شخص از به احتیاطی
اجرای این بهترین کار را
ضایع نکند شیطان
و اما کوشش می کند
اگر مردم را از کارهای
نیک باز دارد و خصوصاً
کاری مثل قرأت
قرآن که سرچشمه تمام
ای عملی است بر
۱۹ شیطان گوارد نمی
آید یقیناً به این کوشش
است که مومن را از این
یازید و در اگر درین
مقصود کامیاب نشود
او به چنان آفتابی مبتلا
سازد که از استحصال
نایده حقیقی قناعت
قرآن مانع گردد از تمام
این تدابیر و خوا کار و
و خرابی با نیک پیش
میشود طریقه حفاظت
بهین است که چون
مومن به قرأت
قرآن اراد کند
اولاً از صدق دل به
دلیل و از آن قناعت بران

و هر آینه ما میدانیم که کافران
و هر آینه ما میدانیم که کافران

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوْمًا كَانَتْ أُمَّتُهُمْ مُطْمَئِنَّةً بِآيَاتِهَا

و میان کرد خدا داستان ذریه کرد این آرمیده می آمد باو

و بیان کرد خدا مثال قریه کرد این آرمیده می آمد به آن

بَرَزُوا فَمِنْهُمْ مَنْ جَاءَهُ مِنْ نَاسٍ يَسْأَلُونَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ فَادَّعَاهَا

روزی او بشارتی از هر جائی پس ناسی می گویست بانه خدا پس چشاند خدا

روزی او بشارتی از هر جائی پس ناسی می گویست بانه خدا پس چشاند او را

لِللَّهِ لِيَأْسَ الْجُوعُ وَالْخَوْفُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ۝ وَلَقَدْ

اورا بشارتش گرسنگی و ترس تشبیب آنچه می کردند و هر آینه

خدا بشارتش گرسنگی و ترس تشبیب آنچه می کردند و هر آینه

جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ

آمد پیش ایشان پیغامبر از جنس ایشان پس دروغ داشتند پس گرفت ایشان را عذاب و ایشان

آمد پیش ایشان پیغامبر از جنس ایشان پس تکذیب کردند او را پس گرفت ایشان را عذاب و ایشان

لِلْيَمُونِ ۝ فَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ رِزْقًا اللَّهُ حَلَّالًا طَيِّبًا وَمَا أَشْكُرُوا

سنگار بودند پس بخورید از آنچه خدا روزی داد شمارا حلال پاکیزه و شکر کنید

سنگار بودند پس بخورید از آنچه روزی داد شمارا خدا حلال پاکیزه و شکر کنید

نَعِمْتَ اللَّهُ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ۝ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ

بر نعمت خدا اگر او را می پرستید جز این نیست که حرام ساخته است خدا بر شما

بر نعمت خدا اگر شما او را می پرستید جز این نیست که حرام ساخته است خدا بر شما

الْبَيْتَةَ وَالْأُمَّهَ وَالْحَمَّ الْخَنِزِيرَ وَمَا أَهْلُ الْبَيْتِ لِيُغَيِّرُوا

مردار را در خون و گوشت و خوک را و آنچه ذکر کرده شد بنام غیر خدا برزخ و پس هر که

مردار را در خون و گوشت خوک را و آنچه ذکر کرده شد نام غیر خدا برزخ آن پس هر که

أَصْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَا تَقُولُوا

سجده شدن نسیم کرده و از حد گذشته پس خدا آمرزگار مهربانست و گویند چیزه را که

سجده شدن نسیم کرده و از حد گذشته پس (هر آینه) خدا آمرزگار مهربان است و گویند چیزه را که

تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكُذْبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِيَتَفَكَّرُوا

بیان می کند علم او زبان شما بدروغ آن حلال است و این حرام است تا آنرا آنگاه

بیان می کند علم او زبان شما بدروغ آن حلال است و این حرام است تا آنرا آنگاه

عَلَى اللَّهِ الْكُذْبُ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ

بر خدا دروغ را هر آینه آنرا که افترا می کنند بر خدا دروغ را

بر خدا دروغ را هر آینه آنرا که افترا می کنند بر خدا دروغ را

بر خدا دروغ را هر آینه آنرا که افترا می کنند بر خدا دروغ را

ما ترجم گوید چنین

آزاد گردید که در وقت

دست جنت میگوید

باشد و الله اعلم

ما ترجم گوید

یعنی پیوسته

می گردند در شرف

طافه گفتند که خداوند

روز شنبه از خلق فارغ

شد پس در شنبه عبادت

باید کرد و طافه رسکوت

کردند خداوند تعالی

تعییم روز شنبه باین

سبب بر ایشان

واجب گردانید

والله اعلم

تفسیر عثمان

در طریق دعوت

و تبلیغ باید بهمان راهی

برود که خداوند نشان

داده است و هیچ

احتیاج باین اندیشه

نیست که چه کسی

پذیرفت و کز اذن

انکار و زیدیتیه را

بخدا بسیار بدنامان

ذات حالات افرادی

را که براه می آیند و

می آیند بهتر میدانند

هر طور که مناسب باشد

با آنکه اعمال می کنند

عده اگر در راه دگر

بشارخ و اندوه

رسانده شود در

وقت استقصا

قدرت اجازه دارند

که انتقام سادایان

بگیرند لیکن مقام مبر

از آن بلند تر است

و اگر صبر کردید نتیجه

آن در حق خود شما

و نیز در حق

تاشایان

بلکه خودی

کنندگان بهتر میباشد

یعنی عظام و

شانه و مبر کردن کار آسان

بِحَالَةٍ تَتَابَعُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ

بنادان باز گوید کردند بعد از آن و شما را اصلاح کرد پس هر آینه هر در دگر گو

بنادان باز گوید کردند بعد از آن و شما را اصلاح کرد پس هر آینه هر در دگر گو

بَعْدَهَا لَغُفُورٌ رَحِيمٌ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ

بعد از این توبه آمرزگار مهربان است پس ابراهیم بود بزرگوار عبادت کننده برائے خدا حنیفی گشته و

بعد از این توبه آمرزگار مهربان است پس ابراهیم بود بزرگوار عبادت کننده برائے خدا حنیفی گشته و

لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ شَاكِرًا لِّأَنْعُمِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى

نبود از مشرکان و سپاس دهنده نعمت های خدا را برگزیدش خدا دلائل خودش بسوئے

نبود از مشرکان سپاس دهنده نعمت های خدا را برگزیدش و راه نمودش بسوئے

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَرَأَيْنَاهُ فِي الْآخِرَةِ

راه راست و عطا کرد عیش درین سرانجام و در آئینه در آخرت

راه راست و دادیم ادرا در دنیا نیکوئی و در آئینه در آخرت

لِّبَنِي الصَّالِحِينَ ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا

از شما راسته حالان است بعد از آن وحی فرستادیم بسوئے تو که پیروی کن کیش ابراهیم را صیغ مشرعه و نبود

از شما راسته حالان است بعد از آن وحی فرستادیم بسوئے تو که پیروی کن کیش ابراهیم را صیغ مشرعه و نبود

وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّمَا جَعَلَ لِسَبْتٍ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ

از مشرکان جز این نیست که لازم کرده شد تعظیم شنبه بر آنکه اختلاف کردند در آن و

از مشرکان جز این نیست که لازم کرده شد تعظیم شنبه بر آنکه اختلاف کردند در آن و

إِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

پس هر آینه پروردگار تو حکم کند در میان ایشان روز قیامت در آنچه که اندران اختلاف می کردند و

پس هر آینه پروردگار تو حکم کند در میان ایشان روز قیامت در آنچه که اندران اختلاف می کردند و

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ

دعوت کن بپس مردمان را بسوئے راه پروردگار خویش بپند نیک و مناظره کن بایشان

دعوت کن مردمان را بسوئے راه پروردگار خویش بپند نیک و مناظره کن بایشان

بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ

بپایه که در نیک است پس هر آینه پروردگار تو داناست به کسی که گمراه شد از راه او و

بپایه که در نیک است پس هر آینه پروردگار تو داناست به کسی که گمراه شد از راه او و

هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا

و انانراست بر او یا باین و اگر عاقبت کنید پس عاقبت کنید به مثل آنچه

و انانراست بر او یا باین و اگر عاقبت کنید پس عاقبت کنید به مثل آنچه

عَاقَبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ وَاصْبِرْ وَمَا

با شما معاط کرده شد و اگر صبر کنید پس هر آینه آن صبر بهتر است صابران را و صبر کن و نیست

با شما معاط کرده شد و اگر صبر کنید پس هر آینه آن صبر بهتر است صابران را و صبر کن و نیست

صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَاسْتَخِرْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَلَقٍ مِمَّا

شکیبایی تو مگر بتوئیق خدا و اندوه مخور بر ایشان و مباش در تنگدلی از آنکه

صبر تو مگر بتوئیق خدا و اندوه مخور بر ایشان و مباش در تنگدلی از آنکه

يَمْكُرُونَ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

بداندیشی می کنند پس هر آینه خدا با پیر کاران است و آنانکه ایشان نیکو کارانند

بداندیشی می کنند پس هر آینه خدا با پیر کاران است و آنانکه ایشان نیکو کارانند

بَدَانَدِشِی مِی کُنند مَه (پس هر آینه) خدا با پیر کاران است و آنانکه ایشان نیکو کارانند

بَدَانَدِشِی مِی کُنند مَه (پس هر آینه) خدا با پیر کاران است و آنانکه ایشان نیکو کارانند

بَدَانَدِشِی مِی کُنند مَه (پس هر آینه) خدا با پیر کاران است و آنانکه ایشان نیکو کارانند

بَدَانَدِشِی مِی کُنند مَه (پس هر آینه) خدا با پیر کاران است و آنانکه ایشان نیکو کارانند

بَدَانَدِشِی مِی کُنند مَه (پس هر آینه) خدا با پیر کاران است و آنانکه ایشان نیکو کارانند

سُبْحَنَ الَّذِي سَأَلَ بَنِي إِسْرَءِيلَ فَهَنَّا وَهَمَّا وَثَقَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغُيُوبَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا بخشننده مهربان
آغازی کم بنام خدا یکی بے اندازه مهربان نهایت بار هم است

سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ

پاک است آنکه برده خود را
پاک است آنکه برده خود را

لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بُرُكْنَا حَوْلَهُ

نهی از مسجد حرام بسوی مسجد اقصی که برکت نهادیم گردا گرد آن
نهی از مسجد حرام بسوی مسجد اقصی که برکت نهادیم گردا گرد آن

لَنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝

تا بنمایم بعضی از آیات ما خود هر آینه اوست شنوا بینا و دادیم موسی را کتاب و
تا بنمایم بعضی از آیات ما خود هر آینه اوست شنوا بینا و دادیم موسی را کتاب و

جَعَلْنَا هَذَا لِبَنِي إِسْرَءِيلَ آيَةً وَلَئِن لَّا تَتَذَكَّرْ ۝

ساختیم بدایت بنی اسرائیل را
ساختیم او را راه نماینده مر فرزندان یعقوب را که میگردید

مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ۝

فوسه را که برداشتیم ایشان را با نوح یعنی برکتی هر آینه بود بنده سپاسدار و دخی فرستادیم بسوی بنی اسرائیل
کیکه برداشتیم ایشان را با نوح هر آینه دس بود سپاسدار و دخی فرستادیم بسوی بنی اسرائیل

فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ۝

در تورات که البته فساد خواهید کرد در زمین دو بار و البته طغیان خواهید کرد بر کشی بزرگ پس چون
در تورات البته فساد خواهید کرد در زمین دو بار و البته طغیان خواهید کرد بر کشی بزرگ پس چون

جَاءَ وَعَلَىٰ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا

باید وعده نخستین بار از ان دو نفر ستم بر شما بندگان خود را خداوندان کارزار سخت پس در آید
باید وعده نخستین از ان دو نفر ستم بر شما بندگان خود را صاحبان کارزار سخت را پس در آید

خِلَالَ الدِّبَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ۝ ثُمَّ يَدْعُنَا إِلَى الْكُرْةِ عَلَيْهِمْ ۝

میان خانها یعنی برائے قتل و هت و هت وعده خداوندی و باز دهم شمارا غلبه بر ایشان و
میان خانها و هت وعده خدا کرده شده باز دهم شمارا غلبه بر ایشان و

أَمْ دُونَكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاهُمْ أَكْثَرُ تَفِيرًا ۝

بچه در پی و دهم شمارا اموال و فرزندان و سازیم شمارا بیشتر باعتبار لشکر و تویم اگر نیکو کاری کنید
بچه در پی و دهم شمارا اموال و فرزندان و گردانیدیم شمارا بیشتر باعتبار لشکر اگر نیکو کاری کنید

أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَوَأَن أَسَأْتُمْ فَلَهَا ۝ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ

نیکو کاری کرده بار شد برائے جان خویش و اگر بد کاری کنید پس آن بدی جان شمار است پس چون باید وعده دیگر از نفر ستم نهان خود را
نیکو کرده باشید برای خود اگر بد کاری کنید پس آن بدی نفس شمار است پس چون باید وعده دیگر از نفر ستم نهان خود را

لِيَسْؤَ أَوْجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ رُوحَةٍ وَلِيَلْتَبَرُوا

تا خوش سازند روی شمار و تا در آیند مسجد چنانکه در آمده بودند اول بار و تا طاف کنند
تا نا خوش سازند روی شمار و تا در آیند به مسجد چنانکه در آمده بودند اول بار و تا طاف کنند

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

فَتَحِ الرَّحْمَنُ

بِرَبِّكَ يَذُنْ عِبَادَهُ خَيْرًا يَصِيرُونَ مَنْ كَانَ يَرْيَا لَعَابِلَ يَجْعَلْنَا

بِروردگار تو بندگان خود دانا بینا هر که خواسته باشد آسودگی دنیا و کتاب و ایم

لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ يَرْيَا ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَنْ مَوْماً قَدْ خُورَ

ویرادر اینجا هر چه خواهیم هر که خوانیم باز مقرر کنیم برای او دوزخ در آید بآن شویده رانده شده

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ

وهر که بخواد آخرت سعی کند برای او سعی که لایق اوست و او مسلمان باشد پس این جمله هست سعی ایشان

مَشْكُورًا ۱۰ كُلًّا لِمَنْ هُوَ لَهُ وَهُوَ آتٍ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ

مقبول هر فرستاده را بپس در پس میدیم این فرستاده و آن فرستاده از بخشش پروردگار تو نیست

عَطَاءُ رَبِّكَ فَحْظُورًا ۱۱ أَنْظِرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَآ آخِرَةَ

بخشش پروردگار تو یازده داشته شده به بین چگونه افزونی داده ایم بعض مردمان را بر بعضی و او نیز آئینه آخرت

لَكَ بَرَدِجٍ ۱۲ وَآكْبَرُ تَفْضِيلًا ۱۳ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مِنْهُ مِثْرًا

زیاده تر بود در درجات و بیشتر باشد در افزونی دادن مقرر کن یا خدا معبود دیگری را پس بشینی بگو سیدم لازم

لِحُدُودٍ ۱۴ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۱۵ إِنَّمَا

بپس یار مانده و حکم کرد پروردگار تو که عبادت نکنید مگر خودش را و بکنید بپدر و مادر بیگو کاری اگر

يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تُنْهَرُهُمَا

برسد نزد یک تو بگلاں سالی بیک از ایشان یا هر دو پس گوایشان را آفت یا نیک مزن بر ایشان

وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۱۶ وَآخِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَنِ ۱۷

و بگو مالشان من شکی نیست من برای ایشان بازوئی تواضع را از جهت مهربانی و

قُلْ رَبِّ ارْحَمْنَاهُمَا إِنِّي خَشِيتُ أَنْ يَضِلَّ رَبِّي عَنْهُمَا فَيَجْعَلَهُمَا بَعْضُهُمَا لِبَاسٌ لِّلْآخَرِ

بگو ای پروردگار من بخشای بر ایشان چنانچه پرورش کردند مرا در خود سالی پروردگار شما دانست است بآنچه در پیشگاهت

أَنْ تَكُونَ أَصْلَحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا ۱۸ وَأَتِ الْقُرْبَىٰ

اگر باشد شایسته پس بر آئینه و سعی است رجوع کنندگان را آمرزنده و بده سجده اند و قرابت

حَقًّا ۱۹ وَالْيَسِيرِينَ ۲۰ وَالْبَنِينَ ۲۱ وَالسَّبِيلَ ۲۲ وَلَا تَبْذُرْ رِبًّا ۲۳ إِنَّ الْمَعْدِنَ

حق دے را و در و یسیر و پیراه گذر و اسراف کن اسراف کردنی هر آئینه اسراف کنندگان

كَأُولَئِخْوَانِ الشَّيْطَانِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ۲۴ وَلَا تَعْرُضْ

بمسند برادران شیاطین و هست شیطان به نسبت پروردگار خود ناسپاس و اگر در دیگر دانی

بمسند برادران شیاطین و هست شیطان به نسبت پروردگار خود ناسپاس و اگر در دیگر دانی

ولا تفرحوا به

رتق و جاه ۱۲

تفسیر عثمانی

بقیه صفحہ ۲۸۲

این سخن و غیره در

کلمات منقول این

بزرگان حالت بیدار

را در هیچ جائے تصریح

نموده اند بهر حال بزرگان

کریم با تمام آقا و به

علمان ممتاز در تشبیه

واقعه ۱۱ اسراء ۱۲

و کفر نموده است و

خیالین در مقابل یا

جدیت تا از این واقعه

اندر کردند و در مقام

تکذیب و معصده بر

آندند مگر که قلم دانی

بعض مومنین هم درین

را توبه این پروردگار

دلیل بران است

که واقعه معراج

تنها عبارت از یک

سیر و حال و یا خواب

عجیب و غریب نبوده

است و عادی و محض است

صلی الله علیه وسلم کرد

طریق سیر و نشانات

روحانی از ابتدای

بخت بوده است

دعوی اسراف و تبذیر

به آنها چنانچه تعبیر

آورد حیرت انگیز

نبوده که بطور خصوصی

آن را محدود و تکذیب

و تردید و تشکیک

قرارد میدادند و مردم

را دعوت می کردند که

برایانید امر و نیک

سخنی عجیب مدعی نبوت

را توبه ۱۱ اسراء ۱۲

برای حضرت صلی الله

علیه وسلم ضرورتی

نبود که خاص باطن را

این واقعه انعکاس

و شوش می نمود

و شوش می نمود

و شوش می نمود

و شوش می نمود

و شوش می نمود

و شوش می نمود

و شوش می نمود

و شوش می نمود

طایفه در صورت
نخل ۱۲ شکلی در

صورت اسراف ۱۲

و سایر حق تعالی

تفسیر عثمان

نقد صفی ۲۸۵

نقار در اسری سیده

رایه این معنی گرفتن

خداوند خود را در

خواب و یاد عالم روحانی

از کبریت القادسی

برده و شایسته است

که شقی فاسر است

بجادی رایه این

معنی بگیرد که دایمی

بندگان مراد حق تعالی

را در خواب و یا محض

در عالم روحانی از

مصر بکشید و یاد

سوره کیف که حضرت

موسی علیه السلام برای

ملاقات حضرت خضر

علیه السلام رفت میبرد

او سفر کرد که برای

آن در چندین جا کشف

نااطق آمده است

مطلب آن چنین

گرفته شود که این همه

حرکت محض در خواب

و یا سر روحانی بتوجه

پیوسته است باقی

راحت به کل در یاد

که در آن حکیم آمده

ابن عباس فرموده

است و در یاد حق

اربابا رسول الله صلی

الله علیه و سلم مفرقین

عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا ۝ وَلَا

از ایشان بابتغای رحمتی که از پروردگار خود که امید دارند با حق پس بگو ایشان را سخن ملایم و مکن

از ایشان بابتغای مهربانی در روزی که امید دارند با حق پس بگو ایشان را سخن ملایم و مکن

تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعَلَ مَلُومًا

دست خود را بسته با گردن خود و دل گشای آنرا تمام گشادن که بکشینی ملامت کرده شده و دست خود را بسته با گردن خود و دل گشای آنرا تمام گشادن که بکشینی ملامت کرده شده

فَإِنْ رَّبُّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّكَ كَانَ بِعِزِّكَ

در مانده گشتی و هر آینه پروردگار تو می گشاید و تنگ می کند روزی برای هر که خواهد و تنگ می کند و هر آینه او به سر کار خود

خَيْرٌ الْبَصِيرِ ۝ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مَخْشِيَةَ إِمْلَاقٍ مَنْ تَرْزُقُهُمْ

دانا بیناست و مکتب اولاد خود را از ترس تنگدستی و مکتب اولاد خود را از ترس تنگدستی

وَأَيُّكُمْ إِنْ قَتَلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ أَنْ كَانَ فَاحِشَةً

شمارا هر آینه کشتن ایشان بخت گناه عظیم و نزدیک مشوید به زنا هر آینه دس بے حیایی است

وَأَيُّكُمْ إِنْ قَتَلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ أَنْ كَانَ فَاحِشَةً

شمارا هر آینه کشتن ایشان بخت گناه عظیم و نزدیک مشوید به زنا هر آینه دس بے حیایی است

وَسَاءَ سَبِيلًا ۝ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ

و بدراستی است و مکتب نفس را که حرام ساخته است خدا مگر بحق و هر که کشته شود

وَأَيُّكُمْ إِنْ قَتَلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ أَنْ كَانَ فَاحِشَةً

شمارا هر آینه کشتن ایشان بخت گناه عظیم و نزدیک مشوید به زنا هر آینه دس بے حیایی است

وَأَيُّكُمْ إِنْ قَتَلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ أَنْ كَانَ فَاحِشَةً

شمارا هر آینه کشتن ایشان بخت گناه عظیم و نزدیک مشوید به زنا هر آینه دس بے حیایی است

وَأَيُّكُمْ إِنْ قَتَلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ أَنْ كَانَ فَاحِشَةً

شمارا هر آینه کشتن ایشان بخت گناه عظیم و نزدیک مشوید به زنا هر آینه دس بے حیایی است

وَأَيُّكُمْ إِنْ قَتَلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ أَنْ كَانَ فَاحِشَةً

شمارا هر آینه کشتن ایشان بخت گناه عظیم و نزدیک مشوید به زنا هر آینه دس بے حیایی است

وَأَيُّكُمْ إِنْ قَتَلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ أَنْ كَانَ فَاحِشَةً

شمارا هر آینه کشتن ایشان بخت گناه عظیم و نزدیک مشوید به زنا هر آینه دس بے حیایی است

وَأَيُّكُمْ إِنْ قَتَلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ أَنْ كَانَ فَاحِشَةً

شمارا هر آینه کشتن ایشان بخت گناه عظیم و نزدیک مشوید به زنا هر آینه دس بے حیایی است

وَأَيُّكُمْ إِنْ قَتَلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ أَنْ كَانَ فَاحِشَةً

شمارا هر آینه کشتن ایشان بخت گناه عظیم و نزدیک مشوید به زنا هر آینه دس بے حیایی است

وَأَيُّكُمْ إِنْ قَتَلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ أَنْ كَانَ فَاحِشَةً

ذَلِكَ يَوْمَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ۖ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

این از آنکه هست که وحی فرستاده است بسوئی تو پروردگار تو از علم و مقرر کن با خدا معبود دیگر را
این از آن که است که وحی فرستاده است بسوئی تو پروردگار تو از علم و مقرر کن با خدا معبودی دیگر را

فَقُلْ فِي هَمَّتُمْ لَكُمْ مَا قَدْ حُورًا ۚ أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُمُ الْبَنِينَ وَالْحَنَافِينَ

آنگاه انداخته شوی در دوزخ طاعت کرده شده را نده گشته آیا بر گزیده شمارا پروردگار شما به پسران و خود را گرفت از
پس انداخته شوی در دوزخ طاعت کرده شده را نده گشته آیا بر گزیده شمارا پروردگار شما به پسران و خود را گرفت از

الْمَلَائِكَةِ إِنَّا نَاثِرٌ لَّكُمْ لِقَوْلِ الْوَاحِدِ ۚ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا

در میان دختران را هر آینه شای گویند سخن گران و بر آینه بهر لوح سخن لقیتم درین
در میان دختران را هر آینه شای گویند سخن بزرگ و بدستیک گردانیدیم برایت خود را از دل در این

الْقُرْآنَ لِيَذْكُرُوا وَمَا يُزِيدُهُمْ إِلَّا تَقْوَرًا ۚ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ

قرآن تا چند یاد گیر شوند و بی افزاید در حق ایشان مگر میدان را بگو اگر بودند با خدا معبودان دیگر چنانکه
قرآن تا چند یاد گیر شوند و بی افزاید در حق ایشان مگر میدان را بگو اگر بودند با خدای معبودان دیگر چنانچه

يَقُولُونَ إِذَا أُنْتَهَوُا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ۚ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ

ی گویند آنگاه طلب کردند به سوی خداوند عرش راه منازعت را یا است دسے بلندست از آنچه می گویند
ی گویند آنگاه طلب کردند به سوی خداوند عرش راه منازعت را عه بال است وی بلندست از آنچه می گویند

عَلَا كِبْرًا ۚ تَسْبِيحُ لَهُ السَّمُوتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ

بلندی عظیم بیای یاد می کنند او را آسمان هفت گانه و زمین و هر که در میان این هاست و نیست
بلندی بزرگ بیای یاد می کنند او را هفت آسمان و زمین و هر که میان این هاست و نیست

مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ أَتَقْفَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنْ كَانَ حَلِيمًا

از چیز گر بهای یاد میکنند با ستایش او و لکن شما هم نمی کنید یاد کردن ایشان را هر آینه دسے است بردبار
از چیز مگر بیای یاد می کنند با ستایش او و لکن شما هم نمی کنید تسبیح ایشان را عه هر آینه وی هست بردبار

عَفُورًا ۚ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

اگر ز گداز و چون بخوانی قرآن را میسازیم در میان تو و در میان آنانی که باور نمی دارند
اگر ز گداز و چون بخوانی قرآن را میسازیم در میان تو و در میان آنانی که باور نمی دارند

بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا ۚ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي

آخرت را پرده پوشیده و می بینم بر دل ایشان پوششها تا نفهمندش و در
آخرت را پرده پوشیده و می بینم بر دل ایشان پوششها تا نفهمندش و در

أَذَانِهِمْ وَقُرْآنًا إِذَا كُرِتَ رَبُّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ أَعْلَىٰ أَدْبَارِهِمْ

گوش ایشان گران را و چون یاد کنی پروردگار خود در قرآن تنها و گردان شوند بر جانب پشت خود
گوش ایشان گران را و چون یاد کنی پروردگار خود را در قرآن تنها و گردان شوند بر جانب پشت خود

فَقُرْآنٌ مِّنْ أَعْلَاهُمْ يَسْمَعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ

در میان شده و نادانانیم بچیزه که می شنوند بسبب آن و وقتی گوش می دهند بسوئی تو و وقتی که ایشان
در میان شده نادانانیم بچیزه که می شنوند بسبب آن و وقتی گوش می دهند بسوئی تو و وقتی که ایشان

يُحْكِي إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنَّا تَعْبِعُونَ الْأَرْجُلَ مَسْجُورًا ۚ أَنْ تَرْكَبُوا

راز گویند باشد و وقتی که می گویند این ستم گران پیروی نمی کنید مگر مرد جادو کرده را
راز گویند باشد و وقتی که می گویند این ستم گران پیروی نمی کنید مگر مرد جادو کرده را

عَبْرَتُكَ الْأَمْثَالُ فَضَلُوا أَفَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ۚ وَقَالُوا إِنْ كُنَّا

ازند داستان ما را بی تو پس گمراه شدند پس بی تو اند راه یافتن و گفتند آیا چون شوم
ازند براسه تو شمایا پس گمراه شدند پس بی تو اند راه یافتن و گفتند آیا چون شوم

طی ترجمه گوید
هر دو آیت کرامت
است از عدم انتفاع
ایشان بقرآن موافق
۱۲ و بی عیب و نقص
تفسیر عثمانی
عنه ترجمه گویند
نداشتند که محکم غیر
هم شد بلکه میخواستند
هر یک جدا بخشد
تحت سلطنت خدا
و از کون سازند اگر
با دشمنان نفع شود چون
در مقابل ملک عرش نما
ز و راقده را نهایی
سود است لهذا به
عبادت یک مخلوق
عاجز و ناتوان برود حق
نعمت الهی به خدای است
و اگر برای تقریب ملک
عوض معبودان موجود
باشد چنانچه کفار هم
میکنند البته خود آن
معبودان باطله و توحید
در حقان آفریننده عرش
را نمی و خواستار قرب
او توانی نامد پس برای
عبادین آنها هنوز فزونی
تر بدیده میشود که توحید
در حقان خداوندند گ
نابند زیر اعدای توانا
به زبان تمام اینها و
بر سبیل نعت انسانی
از شرک الهام پذیرد
کامل نموده است پس
جاست تعجب است که
این احقان چگونه را بی
کودک را در دستان می باشند
عنه هر یک از مخلوق
بزیان تلافی معاصرتان
حال پایی و خوبی پای
لحم او را بیان می
کنند باین شایانرا نمی
نهیید خواه از باعث
اینکه نذاتل میگوید
در حکم تفسیر است ۱۱

والتعالیٰ علم ۱۲ و ۱۳
گوید و این کلمه پیش
از او جاری بود ۱۲

تفسیر عثمان

ع ۱۵ این ذرات در هر
حال از نفس انسان است
که پیشتر در ای زندگی
بوده است و در خود
ذرات خاک اگر آثار
حیات پیدا شود
چندان مستعد نیست
و قدرت کامل حکیم
علی الاطلاق بقدر
بزرگ است که
نی توان برای ۱۲

آن عدی لعین نموده
غذایی که انسان را از
عدم بوجود میاورد
دوباره استخوان های
بای بوسیله او را که
شکل وجود در آن
باقیت اگر جهات
بخند حرکت آور نیست
حتی اگر ذرات وجود
شاید شکل سنگ و
آهن در آید که ظاهر
از شکل حیات محرم
است باز هم در

پیشگاه قدرت الهی
زنده کردن و بوجود
آوردن آن مشکل نبی
باشد بالاتر از آن اگر
بموت فانی مطلق هم
دچار شود؛ خداوند
قدرت دارد که شمار
جان نازده بخش و بجات
نور برگرداند
آنکه در جیل دارد اما
آزاد شود و امید پذیرد
که در دنیا چندان دیر
زیست نکرده بود دیدار
معدن پناه و یا در سال
عمر انسان در مقابل
هزاران سال آنرا

استعداد دارد
و این که از شدت جلال و کبریا

عِظًا مَا وَرَفَاتًا إِنَّا لَمُبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۱۱ قُلْ كُونُوا حِجَابًا أَوْ

استخوانی چند و اعضائی بوسیده از هم پاشیده آیا برانگیزه شویم یا برافروخته شویم یا برافروخته شویم یا برافروخته شویم

حَدِيدًا ۱۲ أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُ

آهن شود یا نوید دیگر شود از آنچه بزرگ نماید در خاطر شما پس خواهند گفت که باز پیدا کند ما را

قُلْ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ قَسِينُ غُصُونٍ إِلَيْكَ رُءُوسُهُمْ وَيَقُولُونَ

بگو کسی که اول بار باز پس خواهند چنانچه بسوی تو سر خود را و خواهند گفت

مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِينًا ۱۳ يَوْمَ يُدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْرٍ

که باشد آن بگو شاید که نزدیک باشد روزی که خدا بخواند شما را پس قبول می کند خواندن وی را حمد گویند

وَتَطَّوْنُ أَنْ لَّيْسَ بِيَوْمِكُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ۱۴ قُلْ لِّعِبَادِيَ يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

و گمان کنید که درنگ نکرده بودید مگر اندک و بگویند گمان مرا که بگویند کلان گمان بهتر است

إِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْخُذُ بَيْنَهُمْ طَائِفَاتٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُدْعَوْنَ إِلَى هَيْئَةٍ

بسیار با کفار هر آینه شیطان نزاع می افکند میان مردمان هر آینه شیطان هست آدمی را دشمن آشکارا

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ ۱۵ إِنْ يَشَاءُ يُحْصِرْكُمْ أَوْ يَنْصِلْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ

پروردگار شما را تا تراست بحال شما اگر خواهی بگردم کند بر شما و اگر نخواهد عقوبت کند شما و در مقام ترا میاورد

عَلَيْهِمْ وَكَيْلًا ۱۶ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ ۱۷ وَلَقَدْ

بر ایشان نگاه بمان و پروردگار تو را تا تراست بهر که در آسمان ها و زمین است و هر آینه

وَقَدْ لَبَّيْنَا لِبَيْنَ عَلَى بَعْضٍ وَأَتَيْنَاكَ أَوْ ذُرِّيًّا ۱۸ قُلْ دَعُوا الَّذِينَ

فضل داریم بعضی پیغمبران را بر بعضی و داریم داود را زبور بگو بخواند آمان را که

رَعَيْنَاهُمْ مِنْ دُونِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّعْفِ عَنْكُمْ وَلَا غَوْلًا ۱۹ أُولَئِكَ

کسان در آید الوهیت در حق ایشان بخواهند برافروختن نمی توانند از شما دزدان را از شما دزدان را

الَّذِينَ يَدْعُونَ يَتَّبِعُونَ إِلَى رَبِّهِمْ أَوْ سَبِيلَهُ إِلَهُمُ أَتَرَبُّونَ رَحْمَةً

ایشان را می پرستند کافران و ملطبی کنند بسوی پروردگار خویش و رب را که ام یک از ایشان نزدیک باشد و چون رحمت

وَيَخَافُونَ عَذَابَ اللَّهِ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ۲۰ وَإِنْ مِنْ قَرْنٍ

وکی ترسند از عذاب او هر آینه هست عذاب پروردگار تو ترسیده شده و نیست هیچ دین

الْأَخْمِ مَهْلِكُهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَمَةِ أَوْ مَعَلَّيْهَا عِلَّ أَبَاسُ يَدُ امْكُنْ

آلا مایک کننده هست ایم پیش از روز قیامت یا عذاب کننده دے ایم یعقوب تحت رحمت

مگر آنکه مایک کننده است پیش از روز قیامت یا عذاب کننده او نیز عذاب است

و این که از شدت جلال و کبریا

ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ۝ وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ

این وعده در لوح نوشته شده و باز داشت ما را از آنکه بفرستیم نشان ها مگر آنکه

كَذَّبُوا بِهَا الْأَوَّلُونَ ۝ وَآتَيْنَا نُوحًا مِّنْ قَبْلِهِ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكَ لَمَكِيدٌ مِّنَ الْمُكِيدِينَ ۝ فَاذْكُرْكُم بِهِ أَنِ لَّيْسَ بِكُمُ الْحَيَاةُ إِلَّا يَذَكِّرُونَ ۝

در دعای نوحه بودند آنرا پیشینان و دادیم نوح را آیه ای که فرمودند بگو و

رُسُلُ بِالْآيَاتِ ۝ إِنَّكَ أَنتَ الْخَوَّفُ ۝ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَدٌ مِّنَ النَّاسِ ۝

نی فرستیم نشان ها را مگر بر آنکه ترسانیدن و یاد کن چون گفتیم که اگر پروردگار تو در گرفته است هر مردمان را این در دگر خود

مَجْعَلْنَا الشَّجَاةَ الَّتِي أَرَيْنَاكَ الْإِفْتِنَةَ لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي

آن خیمه گاه را که نمودیم بر تو امتحان مردمان را و آن خیمه درختی را که لعنت کرده شد در

الْقُرْآنِ وَخَوْفُهُمْ ۝ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ۝ وَإِذْ قُلْنَا

قرآن مگر امتحان می دادی ترسانیم ایشان را پس بی افزاید ترسانیدن در حق ایشان مگر سرکشی بزرگ داد و یاد کن چون گفتیم

لِلْمَلِكَةِ السُّجْدَ ۝ وَالْإِدْمَ قَبْلَهُ ۝ قَالَ أَسْجُدْ لِمَنْ خَلَقْتَ

فرستگان را سجده کنید پس آدم پس سجده کردند الا ابلیس گفت آیا سجده کنم کسی را که آفریده

طَنًا ۝ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَٰذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَىٰ يَوْمِ

از کلامی باز گفت آیا دیدی این شخص را که فضل داده بر من اگر موافق گزاردی مرا تا روز

الْقِيَامَةِ أَخْتَنُكَ ۝ ذَرَيْتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ۝ قَالَ أَذْهَبُ مِمَّنْ تَبَعَكَ ۝ فَهُمْ قَانِ

قیامت البته از من بر کنم اولاد او را الا اندک کسی خدا فرمود بر دین هر کسی که پیروی تو کند از ایشان پس

جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءُ مَوْفُورًا ۝ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ ۝ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْهُمْ

در روز جزای من است همه شصت سزای کامل و از جای بخیمان بر کمر گواهی از ایشان

بصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ الَّتِي كَانُوا

باز خود و آواز کن بر ایشان سواران خود را و پیادگان خود را و شریک شو با ایشان در اموال و فرزندان

وَعَدْلُهُمْ وَمَا يَعْلَمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ۝ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ

در وعده ده ایشان را و وعده می دهی ایشان را شیطان مگر بفریب و بی آینه بندگان من نیست ترا بر ایشان هیچ

عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا ۝ رَبُّكُمْ الَّذِي يُزَيِّجُ لَكُمُ الْفَلَاحَ فِي الْبَحْرِ

قدرت و پس است پروردگار تو کار ساز پروردگار شما آنست که روان میکند برای شما قوتی با دریا

لَتَسْتَعْمِلُوا فِي الْفُلِ ۝ وَكَانَ بِكُمْ رَحْمًا ۝ وَإِذْ أَمْسَكُوا الصَّوْافِرَ فِي الْبَحْرِ

تا طلب معیشت کنید از فوغل او هر آینه او هست شما مهربان و چون برسد شما محتر و دریا

دل یعنی چون کافران
قصه معراج شنیدند
و آیت ان شجره الزقوة
طعام الاطعم بالیناس
رسید استعلا کردند
محل طعن ساختند
فما ترجم گوید این
تعبیر است معنی شیطان
را درگاه کردن ایشان
ما خود از من ریش
دزدان چو دیب
را غارت کند برایش
نوع میزند و سودان
و بیاد گاه خود را
آوازی دهد که این
سو میزد و از آن سو

تفسیر عثمانی

طه در حدیث است
که هر که از آن حضرت
صلی الله علیه وسلم
معه باقی چند خواستند
مثلاً اینکه کوه صفاه
را اطاعت نماید و ما را
از اطاعت و جواب
داد و کرده زمین را
بجمله و قابل زناعت
ناخوش و ک ایشان
می گفتند که اگر ایگانه
خواهش ما را بپذیرد
آوردی ترا قبول توام
کرد و جواب آن
خواهش این آیت
نازل گشت یعنی آبروی
چنین کار با در مقابل
قدرت کامل خداوندی
قطعاً و غیر نیست
چنانچه این گونه آیت
مطابق خواستش ام
سابقه برای ایشان
شان داده شد
با انهم آنها نیز نرفتند
و حتی در قمر و عقیان
خود افزوده و بالاخر
بر وفق منت الله
انجام آنها چنین شد

بنا بر این است که این است طایف حضرت و کلمات است

که استعمل را گاهی گاهی است پس اگر تمام خواہشات شما کمال شود چنانکه از وضعیت شما ظاهر است و خداوند میباید که شما نیز قبول می کنید و نگاه مطابق سوره انعام باشد

خَلَقَكَ الْاَقْلِيلًا ٦ سَنَةً مِّنْ قَدْ اَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ

س از تو میگردانم (مانند) روش آنانکه فرستاده ایم ایشان را پیش از تو از یغیران خویش و خواجایان
س از تو میگردانم (مانند) روش آنانکه فرستاده ایم ایشان را پیش از تو از یغیران ما و خواجایان

سُبُّهُ يُلَاقُ أَقْبَمَ الصَّالِوةَ لِلَّهِ وَالشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ لَيْلٍ وَ

بر یاد ارمیاد از وقت زوال آفتاب تا بهجوم تاریکی شب و
بر یاد ارمیاد از وقت زوال آفتاب تا تاریکی شب و

إِنَّ الْفَجْرَانَ فَرَّانَ الْفَجْرَكَانَ مَشْهُودٌ ① وَمِنَ الْيَلِّ فَهَيَّجْدُ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

وَنَافِلَةٌ لِّكَ مِنْ عَمَلِهِ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَجْهُودًا ۝ وَقُلْ رَبِّ

بزرگان شہنشاہی زیادہ شدہ برائے کوئٹہ نزدیک است کہ ایستادہ کنند تراپور و گار کوئٹہ بقاء پسندیدہ و انجمنی بزرگان
بزرگان شہنشاہی زیادہ شدہ مقرر نزدیک است کہ ایستادہ کنند تراپور و گار کوئٹہ بقاء پسندیدہ و انجمنی بزرگان

ادْخِلْنِيْ مَدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِيْ مَخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ لِّيْ مِنْ

در آردن پسندیده و بیرون آردن پسندیده و ساز برائے من از
در آردن پسندیده و بیرون آردن پسندیده و بده برائے من از

لَكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا ﴿٣٠﴾ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَّقَ الْبَاطِلُ إِنَّ

نزداد قولی ماری دهنده و بجو آمد حق و نایود شد باطل هر آینه
نزداد قولی ماری دهنده و بجو آمد حق و نایود شد باطل هر آینه

لَا يُلَاحِظُ كَانَ زَهُوْقًا ۝ وَنَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شَفَاءٌ وَرَحْمَةٌ
 باطل است نابود ستوده و فروم آید از قرآن آنچه شفاست و رحمت

با لب نایب و شونده و فرووی از هم از قرآن آنچه هست و رحمت است
 با لب نایب و شونده و فرووی از هم از قرآن آنچه هست و رحمت است

یومین و لا یزید الظلمین الا خساراً ۵) و اذا انعمنا علی

و لی افزاید و در میان مکرزیان را و چون التام کنیم بر
سلمان را و لی افزاید و در میان مکرزیان را و چون التام کنیم بر

انسان اعرض و زانچانیه و اذ امشده الشاركان یوسا قل كل
 رو بگرداند و بیچاند باز و س غوراد یوں رسد بوسه سمی نا امید باشد بگوهر کسی

آسان رو بگرداند و پہلو اچھی کند و چون رسد پوی مشرب باشد تا امید بخیر کسی

پس پیر درو گار شهادت انا تراست بآنکه دے یا بنده تر بود را و

پس پروردگار شما داناست بآنکه وی یابنده تر بود راه را و

بگو روح از فرمان پروردگار من است و شما نداده شده اید از علم

بجز روح از محکم پروردگار من است و داده نشده اید از علم

اولین نشانی که در این باب می آید و جبار الیم ۸

د اگر خوانیم بیزم آنچه را در حق فرستاده ایم بیوی تو باز

وہ اپنے آپ کو یہ سب دے رہا کار سے نہیں بانی گذار تمس نہ سبب تم از جانب پروردگار و ہر آئینہ نقض سے برتر

بسیار بود که از غلامان و بچه‌ها را از دست کرده و در کتبی گزینده می‌نهادند و آنرا می‌فروختند و از آن مردمانی که در میان آن بودند و دایمی

ولسنمزم محمودی
 مصفی روز بدر تحقق
 شود و چو کورچه
 ایندا آنحضرت بودند
 ح مقول شدند
 د ان کاو و حجت
 ا این حضرت شد وقت
 نزول آیت قصه
 انرا شنیدن و رفتن
 و هنوز ثانی بهجرت
 عکزه بودند و الله
 اعلم ۱۳ یعنی مقام
 شفاعت ۱۴ یعنی
 در هر حال اعانت کن
 مرا چه وقت دخول در
 جائی دهد وقت
 خروج از اینجا ۱۵
 تفسیر عثمانی
 ۱۶ شکیلا آمدن حق
 باطنی یگرین زمان ظهور
 از کلمات قرآن که میگوید
 نازل میشد و امراض
 روحانی دوری گردد
 و از اهرعاقضیاطه
 و اخلاق زبیر و تنگی
 و شبهاست محو و نابود
 مشد و محبت باطنی حاصل
 می گردد بلکه از اوقات
 از تاثیر مهابت آن
 محبت بدنی هم بدست
 می آید چنانچه در
 روح المعانی ۱۷ و
 زاد المعاد و غیره
 مکتب و تجربه آن بیان
 شده است. بهر حال
 کسانی ایمان می آورند
 و این نسخه مشهور را
 استعمال کنند از تمام
 امراض قلبی و روحی
 بنات یا خیر بارت
 مخصوص خداوندی و
 نیت بای ظاهری و
 باطنی سرفراز خواهند
 شد البتة و بعضی دیگر
 جان خود را بانه و طبع
 و طبع و دشمنی کنند
 با هر کسی و این دو

بیت المقدس
ازین آمده بود که در
بشروء خود و بی بی
اختیار است غای را
دارائی باشد و نشانی
اداست که به هر دو کار
خود چنین فراموش است
ضروری کند و لطیف
پس بر این است که
چیزی را که از جانب
ادعای باطن است
چون به هر دو کار
کارهای خود را بخدای
و احدی را بر نماند
من فرقی در سالت
را ادا می کند و نشانی
فراموشی را نشان داد
و با ظاهر نکردن
حکمت بالخدای تعالی
نعمت دارد و بیشتر هم
در همین سوره بعض
حکمت نشان نمادند
نشان فراموشی میان
عده در جواب قولی
آنها که گفتند
«و انما بالکفر»
و الملك قیلا ۱۰
خدای در شکست حاضر
شده تصدیق گفته البته
قولی که نمی خرد که الله
هم خداوند تقدیر خود را
تصدیق می کند و بر این
مرا می بیند که در حق
نبوت می گوید از احوال
ظاهر و باطنی من
کافرا آگاه است
وجود آن خداوند از
دست زبان من
چنین نشان علی
و علی بی هم ظاهر می شود
که نسبت به دیگر
خاندان الهی و قانون
علوی قدرت بر ارباب
بلندتر است و در
بروز را کامیاب و
اثره پیشرفت
مقامه تبلیغ را تو سه می دهد و کتب لغت که از این هم قدیم است

عَلَيْكُمْ كَيْدًا ۱۰ قُلْ لِّمَنِ اجْتَمَعَتِ الْاِلْسُنُ وَالْجَنُّ عَلَىٰ اَنْ يَّاتُوا بِمِثْلِ
بزرگ است بگو اگر جمع شوند آدمیان و جن بر آنکه بیارند مانند
بزرگ است بگو اگر جمع شوند آدمیان و جن بر آنکه بیارند مانند
هَذَا الْقُرْآنَ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ۱۱
این قرآن هرگز نیارند مانند آن و اگر چه باشد بعضی ایشان بر بعضی مدد مینده و
این قرآن هرگز نیارند مانند آن و اگر چه باشد بعضی ایشان بر بعضی مدد مینده و
لَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ
اگر آینه گوناگون بیان کردیم برای مردم این قرآن اگر چه در سوره های پیش قبول نکردند بیشتر مردمان
اگر آینه گوناگون بیان کردیم برای مردم این قرآن اگر چه در سوره های پیش قبول نکردند بیشتر مردمان
الْاَكْفُرَاءَ ۱۲ وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ حَتَّىٰ تُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ الْاَرْضِ ۱۳
مکرم ناسپاسی را و گفتند هرگز باور نداریم ترا تا آنکه جاری کنی برای ما از زمین چغندر و
مکرم ناسپاسی را و گفتند هرگز باور نداریم ترا تا آنکه جاری کنی برای ما از زمین چغندر و
تَكُونُ لَكَ حِجَّةٌ مِّنْ تَحِيْلٍ وَعِنْدَ رَبِّكَ الْاَمْرُ خَالِكًا ۱۴ اَوْ تُنْفِقُ
باشد ترا بوسه ستانی از حرام و حلال پس روان کنی چو نهاده میان آن روان گردانی یا خود آری
باشد ترا بوسه ستانی از حرام و حلال پس روان کنی چو نهاده میان آن روان گردانی یا خود آری
السَّمَاءِ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا مَائِدَةً ۱۵ اَوَلَمْ يَكُنْ لَّيْلٌ مِّنْ لَّيَالِي مَا هِيَ اُولَٰئِكَ
آسمان را چنانکه گمان می کنی بر ما پاره پاره یا بیاری خدایا و فرشتگان را در پاره پاره یا باشد
آسمان را چنانکه گمان می کنی بر ما پاره پاره یا بیاری خدایا و فرشتگان را در پاره پاره یا باشد
لَكَ بَيْتٌ مِّنْ ذُرِّ عَقْرٍ ۱۶ اَوْ تَنْزِيْلٌ فِي السَّمَاءِ ۱۷ وَلَنْ نُّؤْمِنَ بِرُفْقِكَ حَتَّىٰ تَنْزِلَ
ترا خانه از زر یا بالاروی در آسمان و باور نداریم ترا تا آنکه خود آری
ترا خانه از زر یا بالاروی در آسمان و باور نداریم ترا تا آنکه خود آری
عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ ۱۸ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيْ هَلْ كُنْتُ الْاَلْبَسُ الْاَسْوَدَ ۱۹ وَمَا
بر ما نوشته که بخوانیم آنرا بخوانید و در روز قیامت بر ما نوشته که بخوانید و در روز قیامت
بر ما نوشته که بخوانیم آنرا بخوانید و در روز قیامت بر ما نوشته که بخوانید و در روز قیامت
مَنْعَ النَّاسِ اَنْ يُّؤْمِنُوْا اِذَا جَاءَهُمُ الْهُدٰى ۲۰ اَلَا اَنْ قَالُوْا اَبْعَثَ اللّٰهُ رَسُوْلًا
نداشت مردمان را از آنکه ایمان آرند و قیامت آمد بایشان هدایت مگر آنکه گفتند آیا خداوند تعالی آدمی را پیغمبر
نداشت مردمان را از آنکه ایمان آرند و قیامت آمد بایشان هدایت مگر آنکه گفتند آیا خداوند تعالی آدمی را
رَسُوْلًا ۲۱ قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْاَرْضِ مُلْكٌ لِّمَن يُّكَفِّرُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ ۲۲ اَوْ لِمَن يَّزِيدُ
فرستاده است بگو اگر می بودند در زمین فرشتگان که می رفتند از میده هر آنچه میخواستند
رسول بگو اگر می بودند در زمین فرشتگان که می رفتند از میده هر آنچه میخواستند
عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَّسُوْلًا ۲۳ قُلْ كَفَىٰ بِاللّٰهِ شَهِيدًا ۲۴ اَتُنْفِئُ
میفرستادیم بر ایشان از آسمان فرشته را بگو پس است خدا گواه میان من و میان شما
بر ایشان از آسمان فرشته را بگو پس است خدا گواه میان من و میان شما
اِنَّهٗ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيْرًا ۲۵ وَمَنْ يُّهْدِ اللّٰهُ فَمَا لَمْ يَهْتَدِ ۲۶ وَمَنْ
هر آینه کسی را به بندگان خود و انا بیناست و هر که راه خود را خدا بخواند است راه باب و هر که
هر آینه کسی را به بندگان خود و انا بیناست و هر که راه خود را خدا بخواند است راه باب و هر که
يُضِلُّ ۲۷ فَاَنْ تَحْدِثَ اَمْرًا اَوْ لِيَاۤءٍ مِّنْ دُوْنِهٖ وَنَحْنُ هُمْ اَلْقِيَمَةُ ۲۸
که راه سازد و هر که راه خود را بخواند است راه باب و هر که راه خود را خدا بخواند است راه باب و هر که
که راه سازد و هر که راه خود را بخواند است راه باب و هر که راه خود را خدا بخواند است راه باب و هر که
مقامه تبلیغ را تو سه می دهد و کتب لغت که از این هم قدیم است

وَعَلَيْكُمْ سَامِعًا وَمَا وَكَلَّمَا خَبَرْتُمْ عَنْهُمْ سَعِيدًا ۝

در مذهب بر دین ناپیستا و کفر است ایسان و دوزخ است هرگاه در دنیا بدید میفرمایم بر ایسان است هرگاه ایسان

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَيَرْسُدُ الْمَاءَ ۚ وَإِلَىٰ عَرْشِهِ الْمُنَادُونَ ۚ يُسَبِّحُ لَهُ ثَمَرٌ كُلِّ شَيْءٍ أَسْفَلَ وَفَوْقَ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۚ

از این باب آید که کافرشند به نشانهای ما و گفتند آیا چوین شویم اسفند اسفند از هم پاشیده آیا بر

اولیٰ یروا ان الله الذی خلق السموت و الارض قادر

ایماندیده اند که آن خداست که آفریده آسمان ها و زمین را توانا است

پایان یافت و بعد از آنکه این کتاب را تمام کرد و در آن پس قبول نمود و تمام کرد

عزیزند مانند اینان و مقدر کرده است برای اینان میزهای گنجینه بیست در آن پس قبول نموده است که این

بگو اگر میبودید شما مالک خوش انباشته بخشش پروردگار را نگاه نیز بجای می کردید به ترس آنکه

اِنَّا نَقَّضْنَا وَفَاكِهَ كُنُوزِهِ الْمَاجِدِ ۚ وَجَعَلْنَا لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ۝۱۰۰

بدان خرج آید و هست آدمی بخجل کننده و هر آینه دادیم موسی را نه نشانه روشن
بدان خرج آید و هست انسان متکبر (بخجل) و هر آینه دادیم موسی را نه نشانه روشن

سَلَّ بَنِي إِسْرَءِيلَ إِجْمَاعُهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَمُوسَى

اس پر اس نے کہا کہ میں نے یہ سنا ہے کہ ایک شخص نے کہا تھا کہ اگر وہ لوگ جو خدا کے رسول ہیں ان کو قتل کر دیا جائے تو اللہ تعالیٰ ان کو جہنم میں ڈال دے گا۔

سُورَةُ ١٠١ قُلْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا تُنْزِلُ هَؤُلَاءِ مِنَ الْآرِثِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

کود مرده گفت (همراهی) خود استی که گفته شده است این نشانها را مگر پدر و مادر آسان با و زمین

یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اِذَا قُلْتُمْ لِلّٰهِ تَعَالٰی شَیْءًا فَاَنْذَرُوْهُ اِنَّ اِلٰهَکُمْ هُوَ ۚ فَاَنْذَرُوْهُ اِنْ کُنْتُمْ اَعْبُدُوْهُ ۚ

فیر دلال روحن است و (برآیند) من می پندام ترا است خر خون بلبان رسیده پس حواست که چنانچه فی اسرائیل است

پس ملازمین اور اہل خانہ کے ہمراہ آجوتے ہوئے ایک گاڑی میں بیٹھے اور

سَلُّوْا اِلَیَّ الْاَرْضَ فَاِذَا حَاءُ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ جَعَلْنٰكُمْ لَهَاۤ اٰمِنَةً ﴿١٠﴾ وَبِمَحَقِّ الْقَوْلِ

نمود در زمین پس چون بیاید و عده آخرت بیاریم شمارا در نیم آیه و براساقی و فرستادیم و آن را
نمود در زمین پس چون بیاید و عده آخرت بیاریم شمارا در نیم آیه و براساقی و فرستادیم و آن را

الْحَقُّ نَزَّلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۖ وَقُرْآنَ فَرْدٍ مُّطَهَّرًا ۖ

و فرستادیم ترا مکر مژده و پند و ترساننده و قرآن را به یزید و دستاریم تا بخوانی آنرا
و فرستادیم ترا مکر مژده و پند و ترساننده و قرآن را به یزید و دستاریم تا بخوانی آنرا

وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا ﴿٦﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ الْوَحْيُ وَأَنَا نَذِيرٌ

از آن بدو ملک و وفات و فرستادیم آنرا فرستادنی عسل و گویان اسیر به آن یا ایمان نمایند (از هر یک)

نہاے آئندہ بیچ مورد محلی باقی ماند کہ آیتی و اے موقع بکله میرند ۱۲۔

عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذْ أَخْرَجْتَ قَوْمَهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ

از غار ایشان بجاى راست و چون خواب نمودند و بیدار شدند از ایشان بجاى چپ و ایشان

فِي جُوفِ مِهْدٍ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَهُمْ

در گشادهای انداز غار این از نشانیهای خداست هر گاه نمایندش خدا بپسوند راه یابنده و هر که

يَضِلُّ فَلَنْ يُجِدَ لَهُ وَلِيًّا مَرَّشِدًا ۝ وَتَحْسَبُهُمْ آيَاتُنَا وَهُمْ رُجُودٌ

گمراه میکنند پس نیایی او را هیچ دوست راه نمایند و به پنداری ای بیننده ایشان را بیدار و ایشان خفته اند

وَنُقَلِّبُهمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ ۝ وَكَلْبُهُمَّ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ

و می گردانیم ایشان را بجاى راست و چپ و سگ ایشان گشاده است بازویهای خود را

بِالْوَحْيَيْنِ يَوْمَ أَطْلَقَتْ عَلَيْهِمُ لَوْنِيَّتُهمْ قَرَارًا وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ رَحْمَةٌ ۝

بر عقوبت در روزی که اطلاق یابی بر ایشان بپوشید و بگردانی از ایشان بطریق گریختن و پرتوئی از ایشان ترس و

وَكُنَّا يَوْمَئِذٍ لَّكُم بِلُتْسَاءِ كُوفٍ قَابِلٌ مِّنْهُمْ كَمَلَيْتُمْ قَالُوا

و ما بودیم برای شما روزی که افاقیت با یکدیگر سوال کنند و میان خود گفت گوینده از ایشان چه قدرت و رنگ گردید گفتند

لَبِئْسَ يَوْمًا أُوتِيتُمْ بَعْضُ يَوْمٍ قَالُوا لَكُمُ اعْلَمُ بِهِمُ الْيَوْمَ فَابْعَثُوا أَحَدَ كُوفٍ

در رنگ گردیدیم یک روز یا پاره روز گفتند پروردگار شما را تراست بمقدور و رنگ کردن شما پس بفرستید یکی را از میان خود تا بپرسد

هَذِهِ إِلَى السَّيِّئَةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَيْهَا أَرَأَيْتُمْ لَوْنِيَّتُكُمْ يَوْمَئِذٍ مِّنْهُمْ

خود بپوشید پس باید که نامل کند کدام یک از شما این سر طعم یا کوزه ترست پس بپاود بپوشید آنرا و

لَيَنْظُرَنَّ وَلَا يَشْعُرُونَ بِكُمْ أَحَدًا ۝ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ

باید که بسلی آمد و رنگت کند و خبردار نمند به حال شما هیچ کس را هر آینه ایشان را فزون اگر قدرت یابند بر شما

بِرْجُومِكُمْ أَوْ يُبْعِدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذْ أَبَدْنَا ۝ وَكَذَلِكَ

سنگار کنند شما را یا باز آرند شما را در دین خود و سنگار شما بپوشد آنگاه هرگز و هم چنین

أَعَزَّزْنَا عَلَيْكُمْ لِيَجْلِبُوا إِلَيْنَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا ۝

تجربدار گردانیم بر شما را بحال ایشان تا بیدارند که عده خداست است و آنکه قیامت هیچ شبه نیست و را

لَا يَتَنَارَخُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَأَيْتُمْ أَعْلَمُ

و متنازع می گردند در میان خود و امر ایشان پس گفتند عمارت کنید بر غار ایشان خانه بپاود و کار ایشان بپاود

وَقَالَ الَّذِينَ الَّذِينَ عَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَنْجُوَنَّ عَنْهُمْ تَخَفَ وَكُنَّا

و گفتند آنکه کذب است یا گفتند بر مقدمه ایشان البته بسازیم بر غار ایشان مسجدی

وَقَالَ الَّذِينَ الَّذِينَ عَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَنْجُوَنَّ عَنْهُمْ تَخَفَ وَكُنَّا

و گفتند آنکه کذب است یا گفتند بر مقدمه ایشان البته بسازیم بر غار ایشان مسجدی

و در روزی که افاقیت با یکدیگر سوال کنند و میان خود گفت گوینده از ایشان چه قدرت و رنگ گردید گفتند

عده من نسبت بدو
مل و دولت و خدام
زبانی و ادب اگر اختیار
این عمل شرک باشد
می بود چگونه صاحب
این همه راحت و نعمت
می شد و مشرک
بود آن مرد با ازین
بیانشی توان در دنیا
که چون یافتی چهار
شد از عقیده خویش
پشیمان گردید گفت
یا یقینی لم اشکر
بر بنی اعاد ازین
عبارات چنان بدی
آید که رفیق نا توان
که به یگانگی خداوند
ایمان کامل داشت
انهار کرده باشد
که شرک باطل است
و رفیق خود
نصیحت می کرد که
از شرک برگرد
علاقم دولت مند
و ره باب گفت که من
نسبت به کودارای
مال و کثرت دستم
یعنی تو اتم کردی من
باطل باشم و چون تو
شخص غرض تلاش
حق بجانب باشی
عده بافضل به
آزادی و آسودگی میگرد
و من اسیر زندگانی
خود را چنان عظیم کرده
ام که گمان نمی کنم این
باغبان خراب شود بانی
مانند قهر بعد الموت
اولا من یقین ندادم
که بعد از مردن در
استخوان با دو باره
زنده گردد به حضور
خداوند پیش شوم بیک
گر چنین بود و راست
ضرور آچنانسان
بهتری را نسبت به
این جای یا اتم کردی

مَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَلَّتْ لَهُمْ سُرَادِقُهَا
هر که خواهد کافر شود هر آینه ما مهیا کرده ایم برای ستمکاران آتشی را که در گرد و بالشتان سرپرده باشد و
هر که خواهد کافر شود (هر آینه ما) مهیا کردیم برای ستمکاران آتشی را که احاطه کند ایشان را سرپرده های او
إِنْ يَسْتَغِيثُوا إِيغَاؤُاِمْسَاءَ كَأَنَّهُمْ يَبْشُرُونَ لُجُوجَ بُيُوتِ الشَّرَابِ
اگر فریاد کنند به ادایشان رسیده شود بخوشامیدن آنکه مانند من گداخته بریان کند روسته ها را آن بد آشنایان است و
اگر فریاد کنند فریاد رسیده شوند به آنکه مانند من در ستم که اختیاریان کند روی باران بد آشنایان است و
سَاءَ تَرْتَفَعُونَ إِنَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ
دوزخ بد آرام گاه است هر آینه آنکه ایمان آوردند کردی کارهای شایسته هر آینه ما ضایع ننگین مزد
دوزخ بد آرام گاه است هر آینه آنکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته هر آینه ما ضایع ننگین مزد
مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
سید نیکو کرده است کار را این جماعه ایشان تراست بوستانهای بهشتی مانند من و در زیر ایشان کهرها
سید نیکو کرده است کار را این جماعه ایشان تراست بوستانهای بهشتی مانند من و در زیر ایشان کهرها
يُحْكَمُونَ فِيهَا مِنْ آسَافٍ وَمِنْ زَبَرٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ
زیور داده شوند از طلا و زیور داده شوند جامه های سبز
سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نَبْشُ الثَّوَابِ
و دیبای نازک و دیبای نازک متکیان در آنجا بر تخت های نیک جزا است و
و دیبای نازک و دیبای نازک متکیان در آنجا بر تخت های نیک جزا است و
حَسَنَاتُ مَنْ تَفَقَّاهُ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا
بهشتی نیکو آرام گاه است و میان کن برای ایشان و استیلا نفع دو شخص کردیم یکی از ایشان
بهشتی نیکو آرام گاه است و میان کن برای ایشان و استیلا نفع دو شخص کردیم یکی از ایشان
جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمْ بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا
دو بوستان از درختان انگور و گرد آرد آن پیدا کردیم درختان خرمای پیدا کردیم در میان این بوستان بازداشت هر دو
دو بوستان از درختان انگور و گرد آرد آن پیدا کردیم درختان خرمای پیدا کردیم در میان این بوستان بازداشت هر دو
الْجَنَّتَيْنِ أَنْتَ أَكْهَلَاوَلَمْ تَظْلِمْ مِّنْ شَيْءٍ وَفَجَّرْنَا خِلْفَهُمَا نَهْرًا
بوستان آوردند میوه های خود هیچ کم نکرد از میوه و جاری ساختیم میان آنها جوی آب
بوستان آوردند میوه های خود هیچ کم نکرد از میوه و جاری ساختیم میان آنها جوی آب
لَهُ شَرَفٌ قَالِ لِمَا جِئَ بِهِ وَهُوَ يَحْاورُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا
او را میوه های بسیار پس گفت هم نشین خود را داد و گفت تو میگوئی من بیشتر از تو در مال و طالب ترم با اعتبار
او را میوه های بسیار پس گفت رفیق خود را داد و گفت تو میگوئی من بیشتر از تو در مال و طالب ترم با اعتبار
وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا
و در آمد بوستان خود ستم کرده بر خویش گفت نمی پندارم که بپاش شود این بوستان و بپاشگاه
و در آمد بوستان خود ستم کننده است بر نفس خود گفت نمی پندارم که بپاش شود این بوستان و بپاشگاه
وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِّدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا
و گمان ندارم که قیامت محقق شود و بالفرض اگر باز گردانیده شوم بسوی پروردگار خود هر آینه خیرتر از این
و گمان ندارم که قیامت برپا شدنی است و بالفرض اگر رسانیده شوم باز گردانیده شوم بسوی پروردگار خود هر آینه خیرتر از این
مُنْقَلَبًا قَالَ لَهُ صَاحِبُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ
از این بوستانها گفت او را هم نشین او داد و گفت تو میگوئی ما و او گفت تو میگوئی ما و او گفت تو میگوئی ما
با این نشین عده گفت او را رفیق او داد و گفت تو میگوئی ما و او گفت تو میگوئی ما و او گفت تو میگوئی ما

مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّيْكَ رَجُلًا ۚ لَكِنَّهُ هُوَ اللَّهُ زَيْدٌ وَلَا أُشْرُكُ

از خاک باد از نطفه باز ترا مرد ساخت لیکن من انشاء دوزم که الله پروردگار هست و شریک مقرر نمی کنم

بِرَبِّي أَحَدًا ۚ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا

بای پروردگار خود هیچ کس را در آنچه چون در آمدی به بوستان خود گفتی آنچه خدا خواست است شد نیست و توانای منکر

بِاللَّهِ إِنْ تَرَىٰ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَا لَا وَوَلَدًا ۚ فَصَدِّ رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي

بشیت خدا اگر می بینی مرا کمتر از توام در مال و فرزند پس شاید که پروردگار من بدید مرا

خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلْ عَلَيْهَا حِسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَيُصْبِغُ صَعِيدًا

بهرتر از بوستان تو و شاید که فرستد بر بوستان تو غذای از آسمان پس گردد زمین به گیاه

لَقَدْ أَؤْيَبُ بِمَا يَأْتِيهِ وَأَوْفَا غُرَافِلُنْ تَسْتَطِيعُ لَهُ طَلِبًا ۚ وَأَجِطُ بِمَرْمَرَةٍ

افزائنده یا باشد آب او فرودتر پس توانی آنرا جستن و بقوت خاطر کرده شایه مانده او

فَأَصْبَغَ يَقْلِبُ كَقَلْبِهِ عَلَىٰ مَا نَفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا ۚ وَ

پس بامداد کردی مایه در دست خود حرکت بر آنچه طرح کرده بود در عمارت آن و آن افتاده بود بر سقف های خود

يَقُولُ لِيَلَيْتَنِي لَمْ أَشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ۚ وَلَوْ تَكُنْ لَهُ فِتْنَةٌ يَبْصُرُ وَنَهْ

می گفت ای کاش شریک مقرر نکردی بای پروردگار خود هیچ کس را و بود او را هیچ عاقلی که یاری و منهدم

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ۚ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ ۚ هُوَ خَيْرٌ

بجز خدا و نبود خود انتقام گیرنده ایجا ثابت شد که کار سازی خدا ای همیشه با شنیده راست و بهر است

وَأَبَا وَخَيْرٌ عَقِيبًا ۚ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَتْرَكْنَاهُ

از دین تو اب دادی و بهتر است از دین جزا دادی و میان من بر آن است و استیغاف زندگانی دنیا دوی مانند آب است که فرو بردن

مِنَ السَّمَاءِ فَاجْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذَرُوهُ

از آسمان پس در هم پیچید بسبب و رستی زمین پس شد آشکار در هم شکسته می پرانیدش

الرَّيْحُ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ۚ الْهَالِكُ وَالْبَتُونَ زِينَةً

باد و هست خدا بر همه چیز توانا و هست خدا بر همه چیز توانا

الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْبَقِيَّةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ تُوَابًا وَخَيْرٌ

زندگانی دنیا است و حیات پاینده شایسته بهتر است نزد پروردگار تو اب و حیات پاینده است

أَمَلًا ۚ وَيَوْمَ نُسِيرُ الْجِبَالُ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً ۚ وَحَشَرْنَاهُمْ

از جهت امید داشتن و آن روز گردانیم کوه ها را بر بیابان را ظاهر شده و جمع سازیم مردمان را

عنه خدایکراصل ترا
یعنی آدم علیه السلام را
از خاک بے جان
سپس خود را از نطفه
پیدا کرد زمین و یک قطره
ناچیز بود و او را از خاک
تغذیه و قوت می داد
و ده حلقه عطا کرد یک
مرد عالم و جیم ساخت
آیا باین همه انکار
میکنی که اوستای پس
از مردنت و دایه ترا
حیات داده خواهی
توانست نعمت ها
را که تو عطا کرده باشی
متانیده من بر زمین
عقیده یستم بلکه یقین
دارم که او تبارک
است و خدای او
به چو کس سیم نیست
و کس نمی تواند مقابل
حکم و اختیار او در زند
عالم به هر صورت
نعمت خداست و اگر
کسی آنرا بایه فرو نگذرد
آورد و دایه گرفت
می شود و ای کس که چنین
هزل و قول به باغ و خوش
نمایی
تجربیده اند بدانند
که ما را الله لا قوه
الا بالله می گفت
یعنی خدا آنچه بخواهد عطا
فرماید هیچ قوت و
اختیار نداریم حصول
آن تنها و البته به
اعاد و اعانت دوست
اگر او نخواهد می تواند
به آن واحد باشد و
به آیات است که فکر
مخلص در کار و پادشاه
خود اسودگی نازش بلباس
پسندیده باید این کلمات
را بگوید انشاء الله
لا قوه الا بالله
جمعیت و اولاد

لانش اندون مجبور باطل که آنرا شریک خدا گواهنده بود و خودش قوی داشت که با حق خدا عطفه و یا انتقام گرفته بیرون است ۱۲

والبی وادی از
 وادیهای دوزخ
 تا یکی بدگم می تواند
 رسید ۱۲ تفسیر شانی
 و درین پیدا کردن
 زمین و آسمان مابین
 ششایین را دعوت نموده
 بود که آمده تا شرکت
 که درست ساخته شده
 است و یاد بخیرت
 نقص و نظیر است
 خود را تکیه ایجا
 عالم از آنجا چرخ
 مشوره گرفته و نه
 اهلای خاتم
 بلکه وقت ۱۸
 آفرینش زمین
 و آسمان خلق وجود
 بهیچ تم نداشتند و
 چو خود آنها را آفریدند
 همه انانیتان پیر سر
 که شمار چطور پیدا
 کنیم و یاد دیگریم
 جنسان شمارا چگونه
 خلق نماییم و چگونه
 توان تصور نمود که
 این کار را می کردیم و
 از آنها استعداد
 می نمودیم زیر احوال
 این اشقای بدو عالم
 بر ما معلوم بود و یک
 میدانیم که آنها را
 و از راه حق می
 کنند جای حیرت است
 که چه مردم آنها ساء
 خدای پدید نموده
 پروردگار خود را
 گذارند آنها را برین
 و مدد کار خود
 ساخته
 سجده و تان ۱۹
 عاقلان العنکون علوا
 کبریا - مد قرآن کریم
 بچه معنات مختلفه
 انعام و انان و انان
 سخنان راست را
 می باشد مگر انسان چنان محاسن

فَلَمْ نَجِدْ مِنْهُمْ أَحَدًا ۱۰ وَ عَرَّضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفَاءَ لَقَدْ جِئْتُمُونَا
 پس نگذاشتیم از ایشان هیچ کس را در و بر آورده نتواند پیش پروردگار تو صف کشیده گویم هر آینه آمدید پیش ما
 پس نگذاشتیم از ایشان هیچ کس را در و بر آورده نتواند پیش پروردگار تو صف کشیده (هر آینه) آمدید پیش ما
 کَمَا خَلَقْنَا أَوَّلَ مَرَّةٍ زَبَلٌ زَعَمْتُمْ أَن لَّنْ جَنَعِلْ لَكُم مَّوْعِدًا ۱۱
 چنانکه آفریده بودیم شمارا اول بار بلکه می پنداشتید که نخواهیم ساخت برائے شما وعده گاه و
 چنانکه آفریده بودیم شمارا اول بار بلکه می پنداشتید که نخواهیم ساخت برائے شما وعده گاه و
 وَضَعُ الْكِتَابِ فَتَرَى لِّلْجُرُومِ مَشْفِقِينَ ۱۲ مَهَّافِيهِ وَيَقُولُونَ
 در میان بنیاده شود نامه اعمال پس بهیچ کنه کاران را ترسان از آنچه دران ست و می گویند
 بنیاده شود نامه اعمال پس بهیچ کنه کاران ترسان از آنچه دران نوسته است و می گویند
 يٰوَيْلَتَنَا مَا لَ هٰذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا ۱۳
 ای وای بر ما چه حال است این نامه را می گزارد هیچ محصیت خود را و نه بزرگ را مگر احاطه کرده است آنرا
 ای وای بر ما چه حال است این نامه را که نگذاشت است هیچ محصیت خود را و نه بزرگ را مگر احاطه کرده است آنرا
 وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا ۱۴ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ۱۵ وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ
 و بیابند هر چه کرده بودند حاضر و دست نمیداد پروردگار تو بسوی کس و یاد کن چون گفتیم
 و بیابند هر چه کردند بودند پیش پروردگار تو و دست نمی گزید پروردگار تو بر هیچ کس و یاد کن چون گفتیم به فرشتگان
 السُّجْدَ ۱۶ وَالْاٰدَمَ فَسَجَدَ ۱۷ اِلَّا اِبْلٰسَ ۱۸ كَانَ مِنَ الْاِلْحٰۤی ۱۹ فَفَسَقَ عَنْ
 سجده کنند آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس بود از جن پس بیرون شد از
 سجده کنند آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس بود از جن پس بیرون شد از
 اَمْرًا رَبِّهِ ۲۰ اَفَتَجِدَنَّ وَنَةً ۲۱ وَ ذُرِّيَّتَهُ اَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِنَا ۲۲ وَ هُمْ لَكُم
 فرمان پروردگار خود ای مردمان آیا دوست می گیرید او را و فرزندان او را بخیر من
 فرمان پروردگار خود ای مردمان که پیدا او را و فرزندان او را دوستان بخیر من و ایشان شمارا
 عَدُوًّا ۲۳ وَ يَبْسُ لِلظَّالِمِيْنَ بَدَلًا ۲۴ مَا اَشْهَدُ لَهُمْ خَلْقَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ
 و شهادت اندر شیطان بدو عرض است ستم کاران را حاضر نموده بودم ایشان را نزد یک آفریدن آسمانها و زمین
 و شهادت اندر شیطان بدو عرض است ستم کاران را حاضر نموده بودم ایشان را وقت آفریدن آسمانها و زمین
 وَ اَخْلَقَ اَنْفُسَهُمْ ۲۵ وَ مَا كُنْتُ مَخْلُوعًا ۲۶ اَلْضٰلِّيْنَ عَصٰۤیًا ۲۷ وَ اَقْبَمَ
 و نه نزدیک خود آفریدن ایشان و نیستم مدد کار گیرنده مگر امان را در روزی که
 و نه وقت آفریدن خودشان و نیستم مدد کار گیرنده مگر امان را در روزی که
 يَقُوْلُ نَادُوْا شُرَكَاءَیْ الَّذِیْنَ زَعَمْتُمْ ۲۸ قَدْ عَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِیْبُوْا لَهُمْ
 گوید خدای تعالی ای شرکان ندا کنید شرکان را که گمان می نمودید پس ندا کنید آن جماعه و بجا نمانند بگویند ندا کنید ندا کنید
 و باید و خدای تعالی ای شرکان ندا کنید شرکان را که گمان می نمودید پس ندا کنید آن جماعه و بجا نمانند بگویند ندا کنید ندا کنید
 وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَّوْبِقًا ۲۹ وَ رَاَ الْمَجْرُمُوْنَ النَّارَ فَظَنُّوْا اَنَّهُمْ مُّوٰفِقُوْهَا
 و ما بین ایشان مهلکه و به بینند که کاران آتش را و به بینند که ایشان را و ما و گمانند و دوی
 و گردانند در میان ایشان جای پلائی و بینند که کاران آتش را پس خواهند داشت که ایشان در آتش اند و دران
 وَلَمْ يَجِدْ وَاَعْنٰهَا مَصْرَفًا ۳۰ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِیْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لِلنَّاسِ
 و نیابند از آن جلای بازگشت و هر آینه گوناگون بیان کردیم در این قرآن برائے مردمان
 و نیابند از آن جلای بازگشت و هر آینه بار بار نهانیم در این قرآن برائے مردمان
 مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۳۱ وَ كَانَ الْاِنْسَانُ اَكْثَرُ شُغْرِ ۳۲ وَ مَا مَنَعَ النَّاسَ
 هر نوع و داستان و هست آدمی بیشتر از همه چیز در خصوص است و باز ندانست مردمان را
 از هر مصلحت و هست آدمی بیشتر از همه چیز در خصوص است و باز ندانست مردمان را

والبی وادی از
 وادیهای دوزخ
 تا یکی بدگم می تواند
 رسید ۱۲ تفسیر شانی
 و درین پیدا کردن
 زمین و آسمان مابین
 ششایین را دعوت نموده
 بود که آمده تا شرکت
 که درست ساخته شده
 است و یاد بخیرت
 نقص و نظیر است
 خود را تکیه ایجا
 عالم از آنجا چرخ
 مشوره گرفته و نه
 اهلای خاتم
 بلکه وقت ۱۸
 آفرینش زمین
 و آسمان خلق وجود
 بهیچ تم نداشتند و
 چو خود آنها را آفریدند
 همه انانیتان پیر سر
 که شمار چطور پیدا
 کنیم و یاد دیگریم
 جنسان شمارا چگونه
 خلق نماییم و چگونه
 توان تصور نمود که
 این کار را می کردیم و
 از آنها استعداد
 می نمودیم زیر احوال
 این اشقای بدو عالم
 بر ما معلوم بود و یک
 میدانیم که آنها را
 و از راه حق می
 کنند جای حیرت است
 که چه مردم آنها ساء
 خدای پدید نموده
 پروردگار خود را
 گذارند آنها را برین
 و مدد کار خود
 ساخته
 سجده و تان ۱۹
 عاقلان العنکون علوا
 کبریا - مد قرآن کریم
 بچه معنات مختلفه
 انعام و انان و انان
 سخنان راست را
 می باشد مگر انسان چنان محاسن

أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ
 از آنکه ایمان آرند چون بیاید بایشان هدایت و از آنکه طلب آمرزش کنند از پروردگار خود مگر با انتظار آنکه بیاید بایشان
سِتْرَةٌ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ۝ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ
 روش پیشینیان یا بیاید بایشان عقوبت گوناگون شده و نمی فرستیم پیمبران را
إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۚ وَيَجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ
 مگر بشارت دهنده و ترساننده و خصومت می کنند آنانکه کافران به خصومت باطل
لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاسْتَخَذُوا آيَاتِي وَمَا نُنْذِرُهُمْ إِلَّا هُزُؤًا ۝ وَمَنْ
 تا بفرماند بسبب آن سخن حق را و سخن گرفتند آیات مرا چیزی بجز برای آن ترساننده میشوند سخن الله و کیست
أَظْلَمُ مِمَّنْ ذَكَرَ آيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدْ مَتَّ بَدَاةَ
 ستمکار تر از کسی که بگوید آیه های پروردگار خویش پس دور گردان گفت از آن و فراموش کرد آنچه پیش فرستاده
لَنَا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَ
 برآیند ما ساخته ایم بر دل ایشان پرداتانی بپند و گمان را و ما خیمه دور گوشه های ایشان گمانی و
أَنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِلَّا ذُرِّيَّةً ۝ وَرَبُّكَ الْغَفُورُ
 اگر بخوانی ایشان را بسوی هدایت را و نیاید آنکه هرگز و پروردگار تو آمرزنده
ذُو الرَّحْمَةِ ۚ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَبِطَ الْبَشَرُ جُلُودًا فَهُمْ يُنْصَرُونَ ۚ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَبِطَ الْبَشَرُ جُلُودًا فَهُمْ يُنْصَرُونَ ۚ
 خداوند رحمت است اگر خواهد که برود از روی ایشان را با آنچه کرده اند کتاب فرستاده بدیشان عقوبت را بلکه
لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْثِقًا ۚ وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ
 ایشان را میباید است که نیابند این طرف از آن پناست و این دیر بهار باک کردیم
لِنَظُنُّهُمْ أَجْعَلْنَا لَهُمُ مَوْعِدًا ۚ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَتْلِهِ
 چون ستم کردند و همین کردیم برای باک ایشان میباید و یاد کن چون گفت موسیٰ لوجان خود را
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَابْتَغِ الْوَعْدَ بِحَسْبِ الْيَحْيَىٰ ۚ وَأَوْصَىٰ حَقًّا ۚ فَلَمَّا بَلَغَا
 بپند راه میرود تا آنکه برسم محل جمع شدن دو صیبا با بروم مدت باقی دراز پس چون رسیدند
بَحْرًا بَيْنَهُمَا نِسْبًا حَقًّا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ۝
 محل جمع شدن و دور با فراموش کردند مابقی خود را پس راه خود گرفت در دریا مانند نهی
فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِقَتْلِهِ إِتَّخَذَ أَنْتَا لِقَدْ غَفَبْنَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا
 پس چون گذشتند گفت موسیٰ لوجان خود را بپند برای طعام (چاشت) مارا همراهی باقیم ازین سفر خود
 یعنی نهاده امون حق را می شنود نه آخرای فهمد آنها را می شنود اند پس بسوی حق چه طور متوجه شوند و انجام خود را چگونه خیال کنند قطعا توقع نباید کرد که اختیار برآه خواهند آمد

عه نظر به عنوان آنها
 میخوان گفت که بعد از
 این که این قرآن هدایت
 عظیم الشان بر ایشان
 رسد ایمان نیابند
 و گویند و نهی غلط
 معقول ندارند آخر دور
 قبول حق چنانچه فرستاده
 و چه انتظار دارند بجز
 این که مانند اقوم ساجی
 خداست از آنها را بکلی
 متباه کن و یا اگر متباه
 کرده نشود قطعا عذاب
 الهی بر صورت باطنی
 مختلف بیرون چشمشان
 حاضر شود بلکه انهم من
 تفسیر این کلام و غیره
 حضرت شاه فیض لیسند
 و چه انتظار دیگری نماند
 مگر این که مثل اقوم ساجی
 پاک شوند یا عذاب
 قیامت را بچشم ببینند
 عذاب غیر این اختیار
 ندارد که هرگاه شاخا فشر
 آید و یا به تعلق خود آنها
 بخواهند عذاب را مسلط
 نمایند میباید
 مجادله بدهد و شریک
 حق با او از حق را بپست
 نمایند بزد آوری
 قذریهای صداقت را
 بپزند از شد مکن نیست
 لعل لام حرف را
 که در پیشانی کن از عذاب
 که ترسانند میشوند آنها
 مورد تضرع و تضرع خواهند
 معصرا این و نهی
 تضرع حق و استغفار را
 که میل میفرستد چنان
 فراموش نموده که بسوی
 گاهی بخیاالش می گذرد
 از سبب جدال
 با باطنی و استغفار
 باطنی ایشان بدول
 های شان بدهد و انگیزیم
 در گوشه های شان
 اختیار برآه خواهند آمد

فلما سمی فخره را
یا فتقد ۱۲ انفسه کما
عنه آن بنده همارت
از حضرت خضر علیه السلام
بود و حق تعالی او را از
رحمت خصوصی خود نواخته
و از علم اسرار کویتده
و از علم فرمود بود
در این مقام افتاد است
که حضرت خضر علیه السلام
کنیم و یا نبی و یا محسن
در اینجا ایستاده است
فیصل لغت من شده با
این امر هر چه بر طرف
در میان دارد که او را
نمی دانند و چنانکه
بعضی محققین می دانند
که انبیا نیکو خیریت
هدیه نیاورده باشند
بایشان اینقدر معرفت
و اختیار ندادند و بخود
که بنابر مصالح خضر ص
از شریعت مستغنی خضر
عکادیا القیید مطلق و یا
از خداوند بیکدیگر برتری
را استنفا کنند پس هم
تفاوت جزئی حضرت
خضر هم حاصل بود
و الشاهد بر سر
مال موسی علیه السلام
با حفظ ملاقات بود ۱۲
برهان سلام و تحیات
خضر علیه السلام علت
تشویب آوردی را از
موسی علیه السلام جویا
شد حضرت موسی علیه
السلام در جواب علت
آمدن خود را تفصیل
داد حضرت خضر علیه السلام
گفت ای موسی
بدون شبهه الله تعالی
تا تائید فرموده لیکن
حقیقت این است که
علیه السلام جزئیات
کوین از طرف الهی
از ذاتی شده و به آن
مقدور باشد اعطاء شده است و علم (اسرار شریف) آنقدر فرادان که بتواضع او هم داده نشده

نصیحه قال ارییت اذ اوینا الی الصخره فانی نسیت الحوت

سفر خود گفت آیا دیدی چون ارام کریمه تلبه کرده سگت پس من فراموش کردم ماهی را
زحمت گفت آیا دیدی چون پاسبان کریمه به نزد آن منگ پس من فراموش کردم ماهی را

وما أنسینیه الا الشیطان ان اذکره واتخذ سبیله فی البحر

یعنی آنجا و فراموش ساخت مرا از آنکه یاد کنم قصه آن مکر شیطان و راه خود گرفت در دریا
و فراموش من نکرد آنرا مکر شیطان که یاد کنم آنرا و گرفت ماهی راه خود را در دریا

بحما قال ذلک ما کننا نبع فارتد اعلی اثارههما قصصا

بمعنی عجیب گفت موسی این بود آنچه می جستیم پس باز گشتند بر نشان اقدام خود نقص کنان
بجزر محب گفت موسی این است آنچه می جستیم پس باز گشتند بر اقدام خود در شناختن نقص کنان

فوجد عبد امن عمادنا اتیننه رحمته من عندنا و علمنه

پس یافتند بنده را از بندگان ما که دادیم او را رحمتی از نزد خود و آموختیم او را
پس یافتند بنده از بندگان ما که دادیم او را رحمتی از نزد خود و آموختیم او را

من لدنا علما قال له موسی هل اتبعک علی ان تعلمین منی

از نزد خود علمی من گفت او را موسی آیا پیروی تو کنم بشرط آنکه بیاموزی مرا از آنچه
از نزد خود علمی من گفت او را موسی آیا پیروی تو کنم بشرط آنکه بیاموزی مرا از آنچه

علمت رشد ا قال انک لن تستطیع معی صبرا و کیف

آموخته شدی از راه یابی گفت بر آئینه تو نتوانی با من شکیبایی کردن و چگونه
آموخته شدی از راه یابی گفت دهر آئینه تو نتوانی با من شکیبایی کردن و چگونه

تصبر علی ما لم یخطبه خبر ا قال سنجد فی ان شاء الله صابرا

شکیبایی کنی بر چیزی که در نگرش آنرا از روی دانش گفت خواهی یافت مرا اگر خدا خواسته است شکیبایی
شکیبایی کنی بر چیزی که دانش آن در اختیار تو نیست گفت خواهی یافت مرا صبر کننده اگر خواهد خدا

ولا اعصی لک امر ا قال فان اتبعنی فلا تسألنی عن شیء حتی

و خلاف حکم یا تو در هیچ فرمانی گفت پس اگر پیروی من میکنی پس سوال مکن از من از هیچ چیز تا آنکه
و تا زمانی که منم ترا در هیچ امر گفت اگر مراقت (پیروی) من میکنی پس سوال مکن از من از هیچ چیز تا آنکه

أحدث لک منه ذکر ا فانطلقا حتی اذ اکیا فی السفینة

خود آغازم بر آنسوی ترازو حال آن بیلگت پس راه رفتند تا وقتی که سوار شدند بر کشتی
خود آغازم برای توازن و کرمی پس برود در نقتد تا وقتیکه سوار شدند در کشتی

خرقها قال آخرقها لتغرق اهلها لقد جئت شیئا امرا

خضر شکان کرد آن را گفت موسی آیا شکافتی کسی را تا غرق کنی اهل آنرا هر آینه آوردی چیزی عظیم را
باره کرد آن را گفت موسی آیا باره کردی آنرا تا مافوق کنی اهل آن را هر آینه کردی چیزی عظیم را

قال ألم اقل انک لن تستطیع معی صبرا ا قال لا تمواخذنی

گفت آیا نگفتم بودم که تو نتوانی با من شکیبایی کردن گفت موسی مواءه مکن مرا
گفت آیا نگفتم بودم که تو نتوانی با من صبر گفت موسی مواءه مکن مرا

بما نسیت ولا ترهقنی من امری عسرا ا فانطلقا حتی اذ لقیا

با من آنچه فراموش کردم و بر سر من مینداز در مقابله من سختی را پس راه رفتند تا وقتیکه برخوردند
به آنچه فراموش کردم و مینداز بر من در کار من دشواری پس برود در نقتد تا آنکه ملاقاتی شدند

علا فقتله قال اقلت نفسا زکیه تغیر نفسی لقد جئت شیئا مذکرا

با تو جوای خضر بشت او را گفت موسی آیا کشتی نفس پاک را بجز عوض نفسی هر آینه آوردی شیئی تا پسندیده
با پیروی پس بگفت او را گفت موسی آیا کشتی نفس پاک را بجز عوض نفسی هر آینه کردی چیزی تا معقول

از ذاتی شده و به آن مقدور باشد اعطاء شده است و علم (اسرار شریف) آنقدر فرادان که بتواضع او هم داده نشده

قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ

گفت آيا نگفتم بودم يا تو که هرگز نتواني گفت آيا نگفتم بودم يا تو که هرگز نتواني

مَعِيَ صَبْرًا ۱۰ قَالَ اِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَ هَٰذَا فَلَا تُصَحِّبْنِي ۚ قَدْ

با من صبري گفتم موسی اگر بپرسم ترا از چیزی بعد از این پس محبت کن با من هرگز نه

بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عَذْرًا ۱۱ فَانْطَلَقَا ۚ حَتَّىٰ إِذَا التَّيَّارُ اَهْلٌ قَرِيبًا ۚ وَاسْتَطَاعَ

رسیدی از جانب من بجهت عذر رسیدی از جانب من بجهت عذر پس راه رفتند تا وقتی آمدند باین وسیع طعام طلب کردند

اَهْلُهَا فَاَبَوْا اَنْ يُصِيفُوْهُمَا فَوَجَدَا فِيْهَا جِدَارًا يُرِيدُ اَنْ يَنْقُضَ ۙ فَاَقَامَا

از اهل آن پس قبول نمودند اهل دیه که ممانی کنند ایشان را پس یافتند در آنجا دیوای که خواست بامند پس ماند

قَالَ اَوْشَيْتَ لَتَتَخَذَنَّ عَلَيْهِمْ اَجْرًا ۱۲ قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ

گفت موسی اگر میخواستی بر آئینه می گرفتی بر غیر این دیوار من دس گفت ایست جدائی در میان من و تو

سَأَلْتُكَ بِتَاوِيلٍ مَّا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ۱۳ اَوَّا السَّغِيْنِ ۚ فَكَانَتْ

پرسیدم از تو ترا بجزخواستن بران شکیبائی کردن اما شکی پس بود

اَسْمٰكَيْنِ يَعْمَلُوْنَ فِي الْبَحْرِ فَاَرَدْتُ اَنْ اَعِيْذَ بِمَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَّالِكٌ

از اهل درویش چند که کار می کردند و در دیار پس خواستم که مهربان کنم آنرا و بود پیش روی ایشان بادشاهی

يَاخُذُ كُلَّ سَفِيْنَةٍ غَصْبًا ۱۴ وَاَمَّا الْعِلْمُ فَمَا كَانَ اَبُوهُ مُؤْمِنًا ۚ فَخَشِنَاكَ

که میگرفت هر کشتی در دست را به زبردستی و اما آن کوجوان پس بودند پدر و مادر او مسلمان پس ترسیدیم از آنکه

يُهْلِكُهَا طَغْيَانًا ۚ وَكَفَرًا ۱۵ فَارَدْنَا اَنْ يُّبَيِّنَ لَهَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَّ

غالب آید بر ایشان در سرکشی و کفر پس خواستیم که عرض دهیم در این راه و کار ایشان بهتر از دین اوست از روی پاکیزگی

اَقْرَبَ رَحْمًا ۱۶ وَاَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيْمَيْنِ فِي الْمَدِيْنَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ

نزدیک تر از جهت مصلحت و اما آن دیوار پس بود از دو کوجوان یتیم در شهر و بود زیر آن

كَنْزٌ لِّهِمَا وَكَانَ اَبُوهُمَا صَاكِحًا ۚ فَارَادَ رَبُّكَ اَنْ يَّبْلُغَا اَشْدَٰلَهُمَا وَيُخْرِجَا

گنجی از ایشان و بود پدر ایشان بیگانه کار پس خواست پروردگار تو که این کوجوان بپرسند به نهایت قوت خویش بر آرند

كَذٰلِكَ اَرْحَمُ مِنْ رَّبِّكَ ۚ وَما فَعَلْتُمْ عَنْ اَقْرَبِيْ ذٰلِكَ تَاوِيلٌ مَّا لَمْ تَسْتَطِعْ

پس خود از دین مهربانی پروردگار تو و نکردم آنرا از حکم خود این است سر آینه نتوانستی

عَلَيْهِ صَبْرًا ۱۷ وَيَسْأَلُكَ عَنْ ذِي الْقُرْنَيْنِ ۙ قُلْ سَأَتْلُوْا عَلَيْكُمْ مِنْهُ

بر من صبر کنی کردن و سوال می کنند ترا از دو القرنین بگو خواهم خواند بر شما از حال دس

عنه انچه بودی مدله مسلمان پیدا میشود که بعد از آن از آثار ارات خارجی در عین صباوت در بعضی بنیاد بدین راه میشود و اگر چه علم یقینی کامل آن مخصوص خداست باین امری ایشان بظلال این بر می رسد الله تعالی در باب آن بوضوح خضر علیه السلام آگاه نموده که او را بدین راه بشود اگر کمال می شد می دید اخلاق می برآمد بطوریکه همراه خود والدین خود را هم فرق می کرد و آنها را محبت او کافی گردیدند لهذا مثل بچه در حق والدین رحمت دو سید خصلت آنها گردید به منظور خدا آن بود که او را بدین راه بیان استوار بماند بیکت الهیه مقتضی شد که انصاف آئینه از راه آنها در شود به خضر حکم داد که بکشد بکش خضر علیه السلام اقبال امر نمود باقی ماند بعضی از این سخن رسول بعضی خوانند گفت که بگو اصلای نمی فرمود و اگر آفرید و بدینی باند که این قدر شریر شود و در دنیا موجود اند کافر شدن والدین او هم ایستنی نداشت و یا ایچو بانی که فیله آنها بدین راه شود انلا بدست آنها به پیغمبران راه می تا آنجا که مقلصان

فتح الرحمن
مل یحیی بحسب نظر

مردمان ۱۲ کثرت
گوید و این کنایت
است از کثرت او
برین دو کار ۱۲
تفسیر عثمانی
بقیه صفحہ ۳۰۴

قبل کوه اندر پایا
تکونیت ازین قبیل
جزیرا سواست غوده
اندا جواب آن بجز
اعتراف محض و تصور
چیزی دیگر نیست درین
موقع منظور آن بود
که طایفه خضر که کشته
آنها را و انود کنند هیچ
کس حکمت با مصلحت
تکونیه خدای تعالی
را احاطه کرده نمی تواند
گاهی صورت واقع در
ظاهر خراب و قبیح و یا
بے موقع معلوم بشود و بگویند
که یکو اوقات باطنی
علم و ادراک می دهد که در آن
حکمت بسیار پوشیده
می باشد - خضر
علیه السلام متوجه کشتی را
بشکست حالانکه کشتی
بانان با آنها احسان
کرده بود و ندیدند که در دریا
بدون اجرت سوار
کرده بودند یک بچہ را
که معروف بازی بود
بکشت و این حرکت
ظاهر انہایت بیخ
نظری آید - حضرت
خضر بر است کردن
دیوار بران این قرص
احسان کرد که برایشان
بر نہایت بے حواسی
پیش آمدہ بود و خدا
خود خضر علیہ السلام در
آخر توهمات این
افعال خود را بیان
نمی کرد تا او نیات را در
ہر طہ جرت می افکند
و یا خضر را امانت من و

ذکر ۱۱ اِنَّا مَكْنَالُهُ فِي الْاَرْضِ اَتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبِيًّا ۱۱
خبر کے ہر آئینہ ما دسترس و ادیم اور از زمین و داویم اور از ہر چیز سامانے پس در پے سامانے افتاد
خبر کے ہر آئینہ ما دسترس و ادیم اور از زمین و داویم اور از ہر چیز سبب پس در پے سببی افتاد
حَتَّىٰ اِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ ۱۲ وَ وَجَدَهَا عِنْدَهَا
تا آنکہ رسید محل غروب آفتاب در یافت آنرا کہ فرو میرود در چشمه گل دلائی دریافت نزد یک آن چشمه
تا چون رسید محل غروب آفتاب یافت آنرا کہ فرو میرود در دل گل دلائی دریافت نزد یک آن
قَوْلًا قُلْنَا اِيْلَ الْقُرْنَيْنِ اِمَّا اَنْ تَعْلَبَ وَ اِمَّا اَنْ تَخْشَىٰ فِيهِمْ حِسَابًا ۱۳
گفته بودیم ای ذوالقرنین اختیار بدست نیت یا اینست کہ عقوبت کنی یا بگری در میان ایشان ملاحظہ کن
تو را لایقیم ای ذوالقرنین یا عذاب می کنی و یا میگری در میان ایشان دروغ می بینی کنی
قَالَ اَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعْتَبُ عَنْهُ ثُمَّ يُدْرِىْ اِلٰى رَبِّهِ فَيَعْمَلُ فِيْهِ عَدُوًّا ۱۴
گفت اما کسی که ستم کرد پس عذاب خواهیم کرد و او را باز گردانیده شود بسوی پروردگار خویش پس عذاب کند او را عذاب سخت
گفت اما کسی که ستم کرد پس عذاب خواهیم کرد و او را پس باز گردانیده شود بسوی پروردگار خود پس عذاب کند او را عذاب سخت
وَاَمَّا مَنْ اٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهٗ جِزَاؤُ الْحُسْنٰی وَ سَنَقُوْلُ لَكَ مِنْ اَمْرِهَا
و اما آنکه ایمان آورد و کارش استوار کرد پس او را حالت خوش است از وی یاد داشت و خواهیم گفت در باب او از مقدمه خویش
و اما آنکه ایمان آورد و کارش استوار کرد پس او را است شایسته از حیث یاد داشت و خواهیم گفت او را از حکم خود
يَسِّرًا ۱۵ ثُمَّ اَتْبَعَ سَبِيًّا ۱۶ حَتَّىٰ اِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلٰى
سختی آسانی باز در پے سامانے افتاد تا و تکیه رسید محل بر آمدن آفتاب یافت که آن بر می آید
آسانی باز در پے سببی افتاد تا چون رسید محل بر آمدن آفتاب یافت آنرا که بر می آمد
قَوْلُهُ تَجْعَلُ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سَبِيًّا ۱۷ كَذٰلِكَ وَقَدْ اَحْطٰنَا بِكَ يٰ كُتَيْبُ
گفته بود که ختم کن برای ایشان این طرف از آفتاب پیچ پرده چپین بود و تھمه بر آئینہ در گرفت ایم با یک نزدیک و بود
تو سے کہ کثرت بودیم برای ایشان از پیش آفتاب پرده و در بحقیق احاطہ کریم کہ آنچه نزد است
خَبْرًا ۱۸ ثُمَّ اَتْبَعَ سَبِيًّا ۱۹ حَتَّىٰ اِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهُمَا
از وی خبر داری باز در پے سامانے افتاد تا و تکیه رسید در میان سدين یافت این جانب سدين
از حیث علم باز در پے سببی افتاد تا چون رسید در میان دو کوه یافت در پیش آن دو کوه
قَوْلًا اِلَيْكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ۲۰ قَالَ اِيْلَ الْقُرْنَيْنِ اِنِ يٰ جُوجُ وَ مَا جُوجُ
گفته بود که نزد یک نیستند آنرا کہ بفهمند سخن گفتند ای ذوالقرنین ہر آئینہ یا جوج و ما جوج
توئی کہ قرین نبودند کہ بفهمند سخنی را گفتند ای ذوالقرنین رہا آئینہ یا جوج و ما جوج
مُفْسِدُونَ فِي الْاَرْضِ قَهْلُ تَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلٰى اَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ
نہاد کنند گانند در زمین پس آیا مقرر کنیم بر آنے تو باجی بر سر طاعتی سازی در میان ما و
نہاد کنند گانند در زمین پس آیا مقرر کنیم برای تو مزوی برای یک سازی میان ما و
بَيْنَهُمْ سَدًّا ۲۱ قَالَ مَا مَكْنٰی فَيُرِيْ خَيْرًا فَاَعِيْنُوْنِيْ بِقُوَّةٍ اَجْعَلُ بَيْنَكُمْ
ایشان سده گفت آنچه دسترس داده است مراد راں پروردگار من بہتر است پس مدد کنید مرا بزرگوار تا بزرگوار
میان ایشان بندی گفت آنچه دسترس داده است در ان پیر و دو کار من بہتر است پس مدد کنید مرا بزرگوار تا بزرگوار
وَبَيْنَهُمْ رَمًا ۲۲ اَتُوْنِيْ زَوْجًا يَدِيْ حَتَّىٰ اِذَا سَاوٰى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ
و ایشان چاہے حکم بیارید پیش من بار ہائے آہن تا و تکیہ بر سر ساخت میان دو کوه گفت
و میان ایشان دیواری حکم بیارید من تحمہای آہن تا و تکیہ بر سر ساخت میان دو کوه گفت
اَنْفَعُوْا حَتَّىٰ اِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ اَتُوْنِيْ اَوْ غَرَّ عَلَيَّ قَطْرًا ۲۳ فَاَسْطَاعُوْا
آتش بر میدتا آنکہ آتش ساخت آن آہن را کشت بپزد پیش من تا بریزم بالائے این را و من گداخته را پس نتوانند
بپزد تا چون مردانند آتش کشت بپزد پیش من تا بریزم بالائے این را و من گداخته را پس نتوانند
دیا خضر را امانت من و

يظهره وما استطاع **وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ** **قَالَ هَذَا حَقٌّ مِنْ رَبِّي فَادْعُوا**

که بالا روند بران و نتوانستند او را **سوراج کردن گفت این عذاب است لعنی است از پروردگار من پس چون**

جاء وعد ربي جعله دكاء وكان وعد ربي حقا **وَتَرْكِبُنَا بِهِم مِثْقَالَ ذَرَّةٍ**

بیاید و عده پروردگار من دل کند آنرا هموار و هست و عده پروردگار من راست و بگذاریم بعض ایشان را

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا **وَعَرْضْنَا**

آن روز در هم آمیزند در بعض دیگر و میدهند و پروردگار من هم آوردن و رو بر یکایم

كُلَّ ذِي نَفْسٍ وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا **أَسْمِئِ الَّذِينَ كَفَرُوا**

در آن روز که در آینه در بعض دیگر و میدهند در صورت پس فتح آنکس ایشان را همه و عرضه نمایم

وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ **وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ**

و بگویم و بگویم که در آتش که در آنجا هستند و بگویم که در آتش که در آنجا هستند

وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ **وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ**

و بگویم که در آتش که در آنجا هستند و بگویم که در آتش که در آنجا هستند

وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ **وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ**

و بگویم که در آتش که در آنجا هستند و بگویم که در آتش که در آنجا هستند

وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ **وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ**

و بگویم که در آتش که در آنجا هستند و بگویم که در آتش که در آنجا هستند

وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ **وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ**

و بگویم که در آتش که در آنجا هستند و بگویم که در آتش که در آنجا هستند

وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ **وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ**

و بگویم که در آتش که در آنجا هستند و بگویم که در آتش که در آنجا هستند

وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ **وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ**

و بگویم که در آتش که در آنجا هستند و بگویم که در آتش که در آنجا هستند

وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ **وَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُنَّ الَّتِي هُمْ فِيهَا مَكِينٌ**

دل یعنی نزدیک شود
قیامت در آن مترجم
گوید این کتاب است
از خودی و به قدری
تفسیر عثمانی
عنه بعضی در وقت
هذا این سداست
شد و نامت معین بین
طوری بایماند از
احادیث صحیح معلوم
شود که بعد از نزول
حضرت مسیح علیه السلام
دقیق و چال و عده بر
آمدن با جوج و مروج
بقریب قیامت است
البیور آنوقت این
لم اشرف شیوه و انبیا
دیوار است که چنان
توراکش بر آینه کشاید
آینه را بدوی انداخته
کس نمیداند دنیا از
مقابل آنها عاجز می آید
به حضرت مسیح حکم میشود
که بنده خاص مرا
موقوفه کوه به طور
بروید بالآخر حضرت
مسیح علیه السلام به ملا
احدیت دعا و تصرف
میکند در تقیه بر
یا جوج و مروج
یک دای بیخ مسلط
می گردد که یکم همه پاک
میشوند تفصیل فریدار
کتاب حدیث باب
الامارات الساعه
ملاحظه شود عده
یا جوج و مروج مانند
امواج بحر می مانند
آورد و به تعداد شمار
می برآیند و یا مطایب
این است که از شدت
هول و اضطراب تمام
مخلوق با یکدیگر مخلوط
می شوند و در آن
درین یکدیگر داخل می
گردد و بهر آن که در
حقیقه برای آنها تیار

دل متوجه گوید القدر
چون می شود شد و دو
ساله گشت ۱۲

تفسیر عثمان ۱۳
عنه یعنی من بپرسم
و زوجه ام نازای

است چنانچه پنج ایضا
ظاهر می دلاوت موجود
نیست که صاحب زنده

شوم لیکن تو قدرت
در وقت ملامت خود
ممن غرضه عطا کرد

از عهده خدای دینی
بر آید باران مستقر
ترا برداشته بتواند

من درین حالت
ضعف و بیروی چه
گردد می توانم آرزو

دارم که یک پسر لائق
و این من مستند ایجاد
یا که خود را اشتغال کند

و مالک خزائن علم و
حکمت آنها و دارش
کمالات نبوت گردد

(تنبیه) از احادیث
همچو ثابت است که در
مال انبیاء علیهم السلام

در اثنای جدی می باشد
بلکه در اثنای آنها و
دولت علم حرمیان می

باشد روح الحقایق
و کتاب مستند است
و کافی مکنایز این

مضمون روایت شده
است - لهذا ثابت و
سجین است که در

"برخی حدیث من قال
یعقوب" و رایت
مالی مراد نیست و

تائید آن از خود کلمه
"آل یعقوب" ملاحظه
است زیرا اشعار

است که تنها پسر حضرت
زکریا می توانست
و ارث (سوال و

الطاف تمام آن بتوفیق
شود بلکه از ذکر نفس در اثنای

مثلكم یوحى الى انسا الهكم الله واحد فمن كان يرجو الفاء
مانند شما و می فرستاده می شود بپوست من که معبود شما همان معبود یکتاست پس هر که کونج دارد ملاقات

مثلكم یوحى الى انسا الهكم الله واحد فمن كان يرجو الفاء
مثلی شما و می فرستاده می شود بپوست من که معبود شما معبودی است یگانه و پس پس هر کسی که امید دارد لغای
ربه فلیعمل عملا صالحا ولا یشرک بعبادۀ ربّه احدًا

پرو و کار خود را باید که بکند کار پسندیده و شرک نپارد
پرو و کار خود را پس باید بکند کار پسندیده و شرک نپازد
در عبادت پروردگار خود کسی را

بسم الله الرحمن الرحیم
بسم خداوند بخشنده مهربان
۲ غازی گفته به نام غذای که به اندازه مهربان نهایت بارم است

لهم یعص ۱ ذکر رحمت ربك عبدك ذکریا اذ نادى ربّه نداء
این است بیان بخشایش پروردگار تو بر بنده خود زکریا چون ندا کرد پروردگار خود را بدعا
این است ذکر رحمت پروردگار تو بر بنده اش زکریا در اهل وقت که ندا کرد پروردگار خود را ندای

خفيا ۳ قال رب انى وهن العظم منى واشتعل الرأس شيبا ولم
پنهان گفت اے پروردگار من سر آینه شست شده است آستخوان از بدن من و برنگ آتش شعله زده سر من از جنت سفید شده
پوشیده گفت اے پروردگار من تحقیق ضعیف شده است آستخوان من و مظهر زده سر من از پیری و

ان کن بد عايتك رب شقيا ۴ و انى خفت السوالى من و راءى و كانت
بنوم در دعای تو اے پروردگار من بے سر و دهر آینه من بے ترسم از انقاص خود بعد از خود و هست
بنوم بدخواست از تو اے پروردگار من بے بهره و دهر آینه من نیز ترسم از افرای تو که در عقب من اند و هست

امرأتى عاقرا فهب لى من لدنك وليا ۵ و رثنى و برکت من ل یعقوب
زن من نازای پس عطا کن مرا از نزدیک خود
زن من نازای پس بخش مرا از طرف خود ممتحنی که وارث شود مرا و وارث شود از اولاد یعقوب

واجعله رب رضى ۶ ذکریا ان نبشرك بعلمه باسمه محمدا فنجعل له
و این او را اے پروردگار من مرد پسندیده و تقیم اے زکریا هر آینه باثبات مبدءیم ترا بطبقه که نام او میباید است میدانیم
و بگردان او را اے پروردگار من پسندیده اے زکریا با تحقیق ما باثبات میدیم ترا به پسرى که نام آن میباید است زکریا را بپسندیده

من قبل سميا ۷ قال رب انى يكون لى علم و كانت امرأتى عاقرا
پیش از این چه نام او را بگفت اے پروردگار من چگونه می شود برائى من طلق و هست زن من نازای و
پیش از این هم نام گفت اے پروردگار من از کجا باشد برای من پسر حال آنکه زن من نازای است و

قد بلغت من الکبر عتیا ۸ قال كذلك قال ربك هو على هین و
هر آینه رسیدم ام از سبب کلاں سالی به نهایت ضعف گفت هم چنین است و عده گفت پروردگار تو این کار بر من آسان است
تحقیق رسیدم ام از سبب کلاں سالی به نهایت (ضعف) گفته هم چنین است گفت پروردگار تو این کار بر من آسان است (چرا)

قد خلقتك من قبل و لم تک شیئا ۹ قال رب اجعل لى آية قال
هر آینه آفریدم ترا پیش ازین و نه بودی تو چنین گفت اے پروردگار من چنین کن برائى من نشانه فرمود
هر آینه آفریدم ترا پیش ازین حال آنکه نبودی چنین گفت اے پروردگار من چنین کن برای من نشانی فرمود

ایکة الا نكلم الناس ثلث لیل سويا ۱۰ فخرجه على قوم من النصارى
ایشان تو آست که سخن نتوانی گفتن بارو ماں سرست مانند روز در حالتیکه هیچ مزاج باشی پس بیرون آمد بر قوم خود از عجم عبادت
نشانی تو این است که سخن نتوانی گفت بارو مردم سرست مانند روز در حالی که هیچ وقت دست باشی پس بیرون آمد بر قوم خود از عجم

فاوحى اليهم ان سبحوا بكرة و عشیا ۱۱ لیخبر خدا لکب بقوة و
پس انشاید که بگوید ایشان که هیچ گویند صبح و شام
پس انشاید که بگوید ایشان که هیچ گویند صبح و شام (گفت خدا) اے منجی بگیر کتاب را باستعدادی و

ایس انشاید که بگوید ایشان که هیچ گویند صبح و شام
ایس انشاید که بگوید ایشان که هیچ گویند صبح و شام (گفت خدا) اے منجی بگیر کتاب را باستعدادی و

ایس انشاید که بگوید ایشان که هیچ گویند صبح و شام
ایس انشاید که بگوید ایشان که هیچ گویند صبح و شام (گفت خدا) اے منجی بگیر کتاب را باستعدادی و

تفسیر عثمانی

عنه و تفسیر کبریا در

آتش خود برداشته

پیش قوم خود آمد مردم

اورا دیده بلی حیران

گشتند و گفتند ای پریم

چه لایحه می کردی این چیز

ساخته گی را از کجا آورد

زیاده ازین دروغ

بزرگ چه باشد که یک

دختر باکره دے شویم

دعوی کند که مرا یک

پسر پیدا شده عده

اقوام مریم در باره او

بدگمان شده و گفتند

مادر و پدر و خاندان

تو همیشه مردمان نیک

بودند این خلقت بد

تو از کجا پیدا آمد از

مردمان نیک اولاد بد

عمل فجیع است از تنی

مریم را اخذ باردی

ازین گفتند که از نسل

باردن علیه السلام

برادر حضرت موسی

علیه السلام بود گویا

مقصود از اخذ

باردن اخذ باطنی

می باشد چنانکه در

وادکر اخلاص

علیه السلام را برادر

عاده گفته حال

آنکه عاده نام

مورث اعلای آن

قوم بود و ممکن است

د اخذ باردی

معنی ظاهری گرفته

شود از بعضی احادیث

میگوید ظاهر میشود که بابی

نام برادر مریم بود

بعده یک در عصر راجع

است در آن عصر هم

مردمانی و ذری

اسامی انبیاء صالحین

میگذاشتند و میگویند که

آن برادر مریم یک مرد

صالح بود پس حاصل

کلام این است که

برادر مریم و آن نیک

و مانتها رسا بود و نسبت

توبه باردن علیه السلام

مقتبی میشود پس این حرکت

نامترا اچه طور مرگب شدی ۱۲

مِنَ الْبَشَرِ احْدَادٌ فَقُولِي اِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ اَكَلَمَ الْيَوْمَ

از آدمیان کسی را پس بگو هر آینه من نذر کرده ام بپای خدا

از آدمیان کسی را پس بگو هر آینه من نذر کرده ام برای خدا

انسیا ۱۱ فَاَتَتْ بِهِنَّ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُنَّ قَالَا اَيُّ رَيْبٍ لَّكَ قَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ۱۲

پس آمدی پس آورد عیسی را پیش قوم خود برداشته گفتند ای سرم

پس آمدی پس آورد عیسی را پیش قوم خود برداشته گفتند ای سرم هر آینه کردی تو کاری که

یاخت هرون ماکان ابول امر اسوع و ما کانت امک بغیا ۱۳ و اشار

اے خواهر باردن نه بود پدر تو مرد بد و نه بود مادر تو زنا کننده

اے خواهر باردن نه بود پدر تو مرد بد و نه بود مادر تو زنا کننده

الیه ۱۴ قَالَا كَيْفَ تَكَلِّمُنِ مَن كَانَ فِي الْهَدْيِ صَبِيًّا ۱۵ قَالَ اِنِّي عَبْدُ

بطول خود گفتند چگونه سخن گوئیم یا کسیکه هست در گهواره در حال کودکی

سپری آن بچه گفتند چگونه سخن گوئیم یا شخصی که است در خور گهواره کودکی

الله ۱۶ اَتَسْتَفِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ۱۷ وَجَعَلَنِي مَرْكَازًا اِنْ مَا كُنْتُ سَوَ

خدا ام داده است مرا کتاب و ساخته است مرا پیغمبر و ساخت مرا خدایند مرا که

الهدی ۱۸ هَسْمَ داده است مرا کتاب و ساخته است مرا پیغمبر و کرده اند مرا را که

اوصفی بالصلاة والزكاة ما دمت حیا ۱۹ و بکر ابوالداتی و لم

سخم زموده است مرا به نماز و زکوٰۃ مادام که زنده باشم و ساخت مرا نیکو کار به

حکم مود زموده است مرا به نماز و زکوٰۃ مادامیکه زنده باشم و نیک سلوک کنده

یجعلنی جبارا شقیّا ۲۰ والسلام علی یوم ولدت و یوم اموت و یوم

نه کرده است مرا گردن کش بد بخت و سلام بر من صفت روزیک متولد شدم و روزیک

ساخته مرا گردن کش بد بخت و سلام است بر من در روزیک پیدا شدم و روزیک

ابعث حیا ۲۱ ذلک عیسی ابن مریم قول الحق الذی فیہ یخزون

برایم شوم زنده شده ایست تقدیر عیسی پسر مریم مراد میدارم سخن راست را که در

برایم شوم زنده بپای است در حال عیسی پسر مریم گفت سخن راستی که در آن مردم

ماکان لله ان یتخذ من ولید شیخه اذ اقصی امر افانسا

نیست لایق خدا آنکه بگیرد از فرزند پسر از امت چو سر انجام کند کار

بخت مزاد در خدا که بگوید و ذاق است پاک چو خواهد (الجاد) امری را پس جز این نیست که

یقول له کن فیکون ۲۲ وان الله ربی و ربکم فاعبدوه ههنا

میگوید بدش شود پس می شود و گفت هر آینه الله پروردگار من است و پروردگار شما پس

میگوید او را شو پس ادری شود و گفت هر آینه الله پروردگار من است و پروردگار شما پس

صار المستقیم ۲۳ فاختلف الأحزاب من بینهم فویل للذین

راه راست پس اختلاف کردند جماعت با میان خویش پس و آن

راه راست پس اختلاف کردند فرقه در میان خود پس خدای است آنرا که

کفر و امن مشهد یوم عظیم ۲۴ اسمع بهم و ابصر یوم یا توتنا

کافران را از حاضر شدن روز بزرگ چه قدر شنوایان بشوید چه قدر بینا

کافران را از دیدن روز بزرگ چه قدر شنوایان بشوید چه قدر بینا

لکن الظالمون الیوم فی ضلل مبین ۲۵ و انذرهم یوم الحسرة

لیکن این ستم گاران امروز در گمراهی ظاهر اند و بترسان ایشان را

لیکن این ظالمان امروز در گمراهی آشکارند و بترسان ایشان را از روز حسرت

برادر مریم و آن نیک و مانتها رسا بود و نسبت توبه باردن علیه السلام

مقتبی میشود پس این حرکت نامترا اچه طور مرگب شدی ۱۲

فضیلت حضرت
اسمعیل بر حضرت
اسحاق ظاهر میشود زیرا
که او را تنها نبی
فرموده اند اسمعیل را
« رسول بنی » گفته
حدیثی است در صحیح
المسلم « ان الله
اصطفی من ذریه ابراهیم
اسمعیل (الذی کنی از)
اولاد ابراهیم اسمعیل
را برگزیده حضرت
اسمعیل صورت
اعلای عرب حجاز
و از اجداد پیغمبر ما
علیه السلام است کثرت
ابراهیمی را حاصل بوده
بطرف « بنی جرهم »
« مبعوث و مصادق
الوعد » بودند مشهور
بود و عده را که با خدا
یابندگان میکرد ایفاء
نمی نمود - بایک شخص
و عده کرد - تا فرستاده
تو پس بیانی من
پس جابستم
گویند که او تا
یکسال نماند -
اسمعیل در میان خاندان
نمی - از بنی کریم
صلی الله علیه و سلم هم
منقول است که نبی
را نبشت ایشان
« بالذین الی الخصال »
پس حضرت گفت که
در شما هم جابستم
من توانم میگردد
و آن حضرت تا سه روز
بها غماقیام داشت
چون مصادق کرد
پس او فرمود که « مرا بیاور
زحمت دادی تا بدو
از سه روز باین طرف
هین جابستم حضرت
اسمعیل و حق کمال
صداقت را در وعده
ظاهر کرد که پدر خود گفت «

گان رسولاً نبیاً ۱ و نادینه من جانب الطور الايمن و قربنا نجماً ۲
بود فرستاده علیه السلام و نادا کردیم او را از جانب راست کوه طور و نزدیک ساحلیم و او را از گویان
بود رسول بنی و نادا کردیم او را از جانب کوه طور طرف راست (موسی) و نزدیک ساحلیم و او را از گویان
و هبنا له من رحمنا اخاه هرون نبیاً ۳ و اذ کثر فی الکتاب اسمعیل ۴
و عطا کردیم او را از رحمت خود برادر او هارون بنی سامعه و یاد کن در کتاب اسمعیل را
در حدیث هم برای او از رحمت خود برادرش هارون را بنویسد و ساحلیم برای او از رحمت خود برادرش هارون را بنویسد و یاد کن در کتاب اسمعیل را
ان الله کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً ۵ و کان یأمراً أهله ۶
هر آینه دس بود راست وعده و بود رسول بنی (موسی) و امر میکرد اهل خود را
(هر آینه) او بود راست وعده و بود رسول بنی (موسی) و امر میکرد اهل خود را
بالصلوة و الزکوة و کان عند ربه مرضیاً ۷ و اذ کثر فی الکتاب ۸
بنماز و زکوة و بود نزد پروردگار خویش پسندیده و یاد کن در کتاب
پس نماز و زکوة و بود نزد پروردگار خود پسندیده و یاد کن در کتاب
ادرس ان الله کان صدیقاً نبیاً ۹ و رفعه مکاناً علیاً ۱۰ اولئک الذین
ادرس را هر آینه دس بود راست کردار پیغمبر و برداشتم او را بمکانی بلند یعنی بر آسمان اجتماع آمانند که
ادرس را هر آینه او بود نهایت راست بنی و برداشتم او را به مقام بلند ایشان آمانند که
انعم الله علیهم من النبیین من ذریة ادم و من حملنا مع نوح ۱۱
انعام کرده خدا بر ایشان از زمره پیغمبران از فرزندان آدم و از آنکه همراه نوح و
انعام کرده الله بر ایشان از پیغمبران از اولاد آدم و از اولاد او که همراه نوح و
و من ذریة ابرهیم واسرائیل و من هدینا و اجبت لنا اذ الن ۱۲
از ذریه ابراهیم و یعقوب از جمله آمانند که را راست نمودیم ایشان را و هدایت نمودیم چون خوانده می شد
از اولاد ابراهیم و اسرائیل و از جمله کسانی که هدایت نمودیم ایشان را و هدایت نمودیم چون خوانده می شد
علیهم ایت الرحمن خر و اسجد او بکیا ۱۳ فخلق من بعدهم خلف ۱۴
بر ایشان آیات رحمتی افتادند سجده کنان و گریان پس جانشین شد بعد از ایشان تا خلق چند
بر ایشان آیات رحمتی افتادند سجده کنان و گریان پس آمد بعد از ایشان تا خلق
اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوة فسوف یلقون عذاباً الامن ۱۵
که ترک کردند نماز را و پیروی کردند خواهش باطن پس خود را چندی یافت جزای گمراهی
که ضایع کردند نماز را و متابعت کردند خواهشات را پس زود پاشند که بر سرند به جزای گمراهی
تاب و امن و عمل صالحاً و لیک یدخلون الجنة و لا یظلمون ۱۶
توبه کردند ایمان آورد و کار است الله بعمل آورد و آنگاه در آید در بهشت و این ستم کرده نشود
توبه کرد و ایمان آورد و کرد عمل نیک پس ایشان میبایند در جنت و کم کرده نمی شود از توبه آن گروه
شیلاً الجنة عدن الی و عد الرحمن عباده بالغیب ۱۷ ان الله کان
بر ایشان بوسه میزد و بهشت میباید داده است خداوند گان خود را نادیده هر آینه هست
چیزی جنت باشد (قامت که وعده داده است رحمتی بندگان خود را بغیب هر آینه هست
و عد ما تیک ۱۸ لا یسمعون فیها لغوا الا سلاماً و لهم فیها هم فیها
و عده او البته آینه بشنوند آنجا هیچ سخن بیهوده لیکن سلام و ایشان را در روزی ایشان ۳ سخن
بر وعده او رسیدن البته آینه بشنوند در آن سخن بیهوده لیکن سلام و ایشان را در روزی ایشان در آن
بکرة و عشیاً ۱۹ تلك الجنة التي نورث من عباده من کان تقواً ۲۰
پس و شام ایست آن بهشت که عطا کنیم از مندگان خویش که تا که برین کار بود و
پس و شام این همان جنت است که میراث میدهم از مندگان خود آنرا که برین کار باشد و

یابن اقل ما توهم محمد فی انشاء الله من الضامین (مافات رکوع ۳) و میبایند طوری ثابت کرد ع و بجان را بدایت میکرد و در اقل

لَا تَزَالُ تَطَاوُرُ بِكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِيَنَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ

فرشتگان گفتند که فرخی آیم الا حکم پروردگار و او است علم آنچه پیش ماست و آنچه عقب ماست و آنچه در میان این

ما كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَ

بست پروردگار تو فراموش نگار اوست پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه در میان هر دوست پس پرستش کن و او را و

صَاطِرٍ لِّعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِثُّ

شکیلا باش بر عبادت و می آید مدانی او را بهمانی یعنی مانند دیگر آدمی یعنی کاخر آیا چون میرم

سَوْفَ أَخْرِجُهُ حَيًّا ۝ أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ

بردن آورده خواهیم شد زنده شده آیا یاد نمی کند آدمی که ما آفریدیم او را پیش ازین و

بَكَ شَيْئًا ۝ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنَنْحَضِرَنَّهُمْ حَوْلَ

بندگی چیز پس قسم پروردگار تو که البته بر آفریم این منکران لعنت را با شیاطین باز حاضر کنیم ایشان را حول

جَهَنَّمَ حَيًّا ۝ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ

دور بر آوردن افتاده باز بر کشیم از هر گاه از ایشان جزا کند کننده ترست بر خدا

عِتْيًا ۝ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أُولَىٰ بِهَا صِلَاتًا ۝ وَإِنْ مِتَّكُمُ الْإِلَٰه

از دست نازنی باز ما داناییم با کسی مزار او تراند بر آمدن و درج و نیست نشان بیگس مگر

وَأَرْسَلْنَاكَ عَلَىٰ رِجْلِ رَبِّكَ حَتَّىٰ مَقْصُودِيَّاهُ ۝ ثُمَّ نَسِجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَدَرُ

فرستادیم بران هست این وعده لازم بر پروردگار تو مقرر کرده شد باز بر ما ایم متقیان را و بگذاریم

الظَّالِمِينَ فِيهِمْ جَنَّتُهُ ۝ وَإِذَا نَسِجْتُمْ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

ظالمان را آنچه بر آوردن افتاده و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما واضح آمده گویند کافران

لَّذِينَ آمَنُوا إِذْ يَقُولُ خَيْرٌ مِّمَّا قَالُوا ۝ وَكَلَّا هَلَكُنَا

مسلمانان را کدام یک ازین دو گروه بهتر است در مرتبه و بگو تراست از روی مجلس و بسیار لاف کردیم

قُلْ هَمَّ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَانًا وَرَثًا ۝ قُلْ مَنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ

بیش از ایشان طبع مردمان را که بهتر بودند باعتبار رخت خانه و از روی نموداری بگو هر که باشد در نماز

فَلْيُعِدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَذَّاهُ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ ۝ إِنَّا الْعَذَابَ إِنَّمَا السَّاعَةُ

افزون میدهد او را خدا افزون دادنی تا وقتی که بینند آنچه ترسانیده شدند یا حقوبت را و یا قیامت را

فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ أَشَرُّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جَنْدًا ۝ وَزَيْدُ اللَّهِ الْإِنْسَانِ

پس خواهند دانست کدام یک بدتر است در مرتبه و تا توان ترست باعتبار لشکر و زیاده میدهد خدا

فل یفیه قیامت ۱۲
فل یفیه از استند
خلق آسمان و زمین ۱۲
فل یفیه از استند
مغز در شدند ۱۲
تفسیر عثمانی
باری جبرئیل جبرئیل
روز نیا آمد آنحضرت
صلی الله علیه وسلم
افزوده و منقص بود
پس کفایت باین محقق
آغاز نموده که رب محمد
از وی روئیده و او را
و گذاشته است آنحضرت
صلی الله علیه وسلم
لکن زیاده ترافعه خاطر
شده باز جبرئیل جبرئیل
آنحضرت صلی الله علیه وسلم
پرسیده است زیاده ترافعه
و از وی که جواب
است مایعنان تو را
اگر ترا تا روز قیامت
نزد آید و آنرا بگو
چنانچه خواهد بود جبرئیل
لطیف داور جبرئیل
مواظقت با امریکه ای
ای که خداوند است که
فرستاده جبرئیل جبرئیل
یک فرموده است باین
است حاصل جواب
است که ما خلاصه
ماوراییم بدون امر
خداوند بر خود را
جدا نموده نمی توانیم
رفتن و پایان آمدن
ماجر بیکه دادن است
هر وقتیکه حکمت کامل
خود مناسب و اندک
نزد می دهد زیر علم
بر زاده داعی حال
مستقبل و هر مقام
در میان آنها فقط در
خود است و همان
زمت مالک و بعض
بر جبرئیل است و بعد از
اختیار می دهد که هر وقتیکه خواهد جا می برد و یا کسی را نزد خود بخواند کارها که خداوند خود

فلان ينفذ قیامت ۱۸
 م یقین مسلمان شد
 و وعده ثواب استحقاق
 تفسیر عثمانی
 بقره ص ۱۳۱ (تفسیر)
 از لایق پیش روی داد
 پس ما آسمان زمین
 است یعنی در جبین بایان
 شد زمین پیش روی
 و آسمان در پس است
 و در جبین بالا رفتن آسمان
 پیش روی زمین پس
 می باشد اگر از پیش
 روی عقب تقدم
 و آخر زمانی مراد باشد
 زمانه مستقبل پیش روی
 و زمانه ماضی پس
 است و زمان
 حال بین هر دو
 (تفسیر دوم) اهل
 فرود که در آستان
 جنت اقیانوس است
 مستند که از خداوند
 میرسد و بر هر کس
 در این آیت خلعت
 شریف خود که لایق
 ترسدین لادوی
 فقط ذاتی است
 که تمام زمان مکان
 در تصرف وی است
 و بدون علم و
 اجازه او بر هر کس
 خیزد هم بال خود را
 جنبانیده نمی تواند
 اگر انسان بخواهد
 میراث جنت را بدست
 آورد برود لازم است که
 شش فرشته گان طبع
 و متعلق حکم الهی گردد
 و بر طرف به مشایخ
 شد که خدای تعالی بفرستد
 که با گان مجلس خود
 را در آنجا بفرستد
 هم از پیش بفرستد
 آنجا را به جنت میرساند
 البته هر چه بگوید

اهتدوا هدی والبقیت الصلح خیر عند ربک ثوابا وخیر فرذا ۱۱
 راه یابان را هدایت و حسنات پاینده شالیه بهتر نزد رب تو از روی ثواب و بهتر از حجت بازگشت
 که راه یافتند هدایت و نیکی های پاینده بهتر است نزد رب تو از روی ثواب و بهتر از حجت بازگشت
 اقرعیت الذی کفر بایتنا و قال لا وتین ما لا وولدا ۱۲ اطلع الغیب
 آیا دیدی آن را که کافر شد بایات ما و گفت البتة داده شود مرا و ما را و فرزند
 آیا دیدی (پس کافر بدو) آنرا که کافر شده به آیات ما و گفت هرگز نداده چشم ما را و فرزند آیا مطلع شده غیب را
 امر اتخذ عند الرحمن عهدا ۱۳ کلا سنکث ما یقول ونسئله من
 یا گرفته است از نزدیک خدا عهدی نه چنان بود خواهیم نوشت آنچه می گوید و افزون همیشه
 را گرفته از نزد الرحمن عهد نه چنین است نوشته نگاه می داریم آنچه می گوید و زیاده می گیریم برای او از
 العذاب مدا ۱۴ و نثرته ما یقول و یاتینا فردا ۱۵ واتخذوا من دون
 عقوبت افزون دادی و باز ستایم پس از وی آنچه می گوید و باید پیش ما شنیده و خدا یان گرفتند
 عذاب درازی و می گویم از او بطریق میراث آنچه می گوید و باید نزد ما نهاد دست حالی او گرفتند (مفکران) خداز
 الله الهه لیکونوا لهم عزرا ۱۶ کلا سیکفرون بعبادتهم ویکفون
 بجز الهه تا باشند ایشان را سبب عزت نه چنان بود منکر خواهند شد برستش مبودان خود را و خواهند شدند
 خدا مبودان تا باشند برای ایشان سبب عزت نه چنین است ذره است منکر خواهند شد برستش ایشان و خواهند
 علیه هم ضدا ۱۷ الذ ترانا ارسلنا الشیطان علی الکفرین نورهم
 بر ایشان سبزه آید دیدی که می فرستیم شیاطین را بر کافران می جنبانیدند ایشان را
 بر ایشان مخالف آید دیدی که در هر آینه ما مسلط کردیم شیاطین را بر کافران که بر ایشان می سازند ایشان را
 فلا یجمل علیهم انما نعد لهم عدا ۱۸ یوم نحشر المتقین الی
 جنبانیدنی پس ستاب من بر ایشان جز این نیست که مدت می شماریم برای ایشان شمار کردی در روزیک بر اینجاست متقین را
 بر اینجاست پس ستاب من بر ایشان جز این نیست که مدت می شماریم برای ایشان شمار کردی در روزیک بر اینجاست متقین را
 الرحمن وفدا ۱۹ ولسوق المجرمین الی جهنم و رداه ۲۰ لا ینسکون
 نه من مهران آمده و روان کنیم گنه گاران را بسوق دوزخ شده گشت نتوانند
 رحمن بخورند و جماعت گرامی و میراثم گنه گاران را بسوق دوزخ شکان نتوانند
 الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا ۲۱ وقال اتخذ الرحمن
 شفاعت کردن الا سبک گرفته است نزدیک خدا عهدی و و گفتند فرزند گرفتند است
 شفاعت من سبک گرفته است از نزد الرحمن و عده می گویند که در دوزخ گرفتند رحمن
 ولدا ۲۲ لقد جئتم شیا اذا تکاد السموات یتفطرن منه وتنشق
 خدا فرمود ایشان را هر آینه آید دید چنان زشتی نزدیک اند آسمان ها که بشکافند ازین سخن و بشکافند
 فرزند هر آینه که متار آمدید را (دیدید) چنان فیل (زشت) نزدیک است و آسمان ها بشکافند ازین سخن و بشکافند
 الارض و تنخر الجبال هذا ۲۳ ان دعوا للرحمن ولدا ۲۴ وما ینبغی
 زمین و یا منند گوه ها باره باره شده بسبب آنکه اجماع کردند خدا فرزند دهنه منند
 زمین و یا منند گوه ها منند گشت بر اینیک می خوانند برای رحمن فرزند و سخی شایید
 للرحمن ان یتخذ ولدا ۲۵ ان کل من فی السموات والارض الا الی
 خدا ای که فرزند گیر نیست هیچ از آفرانکه در آسمان ها و زمین اند مگر آیند
 را منند را که بداند که فرزند نیست هیچ کسی در آسمان ها و زمین که نباید منده
 الرحمن عیدا ۲۶ لقد احصیهم وعدهم عدا ۲۷ وکلمهم الیوم القيمة
 پیش از من منده شده بر آینه به نام در گرفته است این نزد او شمار کرده است ایشان را شمار کرده است و بر یک از ایشان گفته است
 را که در دعوت خود بر من منده شده و احصایه کرده است و بر آینه به نام احاطه کرده است ایشان را شمار کرده است و بر یک از ایشان گفته است

قَدْ اَنَّ الدِّينَ اَمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُجُوْهًا

تجلی شده هر آینه آنکه ایمان آورده باشند و کارهای شایسته کرده اند برائے ایشان رحمن دوستی را و

وَلَا يُلْقِيْنَ فِيْ سُلْسَانٍ لِّتَبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِيْنَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدُنَّا وَكَمْ

چراغ نیست که آسان ساختیم قرآن را بر زبان تو تا مزه دهی بآن متقیان را و بترسانان را و بسیار

هَلَكًا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَوْمٍ قَدْ هَلَّتْ بِهِمْ مِنْهُمْ مِنْ اَحَدٍ اَوْ ثَمَنًا لَّهُمْ رَكْنًا

پس جز این نیست که آسان ساختیم قرآن را بر زبان رحمت تو تا مزه دهی به آن بگریزانان را و برترسانی به آن گروه متزلزلان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بسم خداوند بخشنده مهربان

طه مَا اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ ۝١ اَلَا تَذَكَّرُ ۝٢

تو فرستادم بر تو قرآن را تا برنج کنی لیکن فرو فرستادم بر تو که سخت نماند و آگاه گردانی که را که بر سر فرو فرستادم

مِّنْ خَلْقِ الْاَرْضِ وَالسَّمٰوٰتِ الْعُلٰى الرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ مُسْتَوِيٌّ ۝٥

از جانب سبک آفریده است زمین را و آسمانهاست بلند را و بسیار بخشنده است بر عرش و از عرش

لَهُ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَىٰ ۝٦

و در دست آید از آسمانهاست و آنچه در زمین است و آنچه در میان اینهاست و آنچه زیر خاک است و اگر آشکارا نیست

فَاِنَّ يَٰعِلْمَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ ۝٧ اَللّٰهُ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى ۝٨

پس در میان آسمانها و زمین و آنچه در میان اینهاست و آنچه در میان اینهاست و آنچه در میان اینهاست و آنچه در میان اینهاست

اِنَّكَ حَدِيْثٌ مُّوَسًى ۝٩ اِذْ رَاْنَا رَافِقًا لِّهٖ اَهْلًا اُنْكُتُ الرِّقِ اَسْمَتْ نَارًا

آگاه است تو خبر موسی چون دید آتش پس گفت اهل خود را درنگ کنید هر آینه من دیده ام آتشی

فَاَنْتُمْ مِّنْهَا لِقٰبِسٌ اَوْ اَجْدُ عَلَى النَّارِ هَدًى ۝١٠ فَلَمَّا اَنْشَأْنَا نَارًا وَرَبُّنَا

پس دیدارم که بیارم پیش شما از آن آتش شعله یا سیاهم بر آن آتش راه نمانی پس چون بیاید نزدیک آتش آواز داده شد ای موسی

فَاَنْتُمْ مِّنْهَا لِقٰبِسٌ اَوْ اَجْدُ عَلَى النَّارِ هَدًى ۝١١

پس دیدارم که بیارم پیش شما از آن آتش شعله یا سیاهم بر آن آتش راه نمانی پس چون بیاید نزدیک آتش آواز داده شد که ای موسی

فَاَنْتُمْ مِّنْهَا لِقٰبِسٌ اَوْ اَجْدُ عَلَى النَّارِ هَدًى ۝١٢

پس دیدارم که بیارم پیش شما از آن آتش شعله یا سیاهم بر آن آتش راه نمانی پس چون بیاید نزدیک آتش آواز داده شد که ای موسی

فَاَنْتُمْ مِّنْهَا لِقٰبِسٌ اَوْ اَجْدُ عَلَى النَّارِ هَدًى ۝١٣

پس دیدارم که بیارم پیش شما از آن آتش شعله یا سیاهم بر آن آتش راه نمانی پس چون بیاید نزدیک آتش آواز داده شد که ای موسی

فَاَنْتُمْ مِّنْهَا لِقٰبِسٌ اَوْ اَجْدُ عَلَى النَّارِ هَدًى ۝١٤

پس دیدارم که بیارم پیش شما از آن آتش شعله یا سیاهم بر آن آتش راه نمانی پس چون بیاید نزدیک آتش آواز داده شد که ای موسی

فَاَنْتُمْ مِّنْهَا لِقٰبِسٌ اَوْ اَجْدُ عَلَى النَّارِ هَدًى ۝١٥

و این یک دیگر
دوست باشند
یعنی هر دو بطریق اولی
میدانند
تفسیر عثمانی
علیه السلام را از
اینجا با بسط و
تفصیل زیاد
بیان فرموده تا
اسامین بدانند که حق
قرآن بکثرت حضرت
نبی کریم صلی الله علیه
و آله صلوات الله علیه
و شکی نیست که بر موسی
علیه السلام و علی نازل
شد همان طور آنحضرت
صلی الله علیه و آله نیز نازل
نمود و علی ای سلفه
شده و نبوی که و علی بر
موسی علیه السلام از
تعلیم توحید و نبی و شمس
بود و در حدیث آنحضرت
صلی الله علیه و آله میفرماید
اصول تا کتب و مواضع
شده است طوریکه
آنحضرت موسی در
تعلیم حق مشکلات
و دشواری را تحمل
نمودند آنحضرت
صلی الله علیه و آله هم
تحمل فرمودند چنانکه
موسی علیه السلام بر سر
مواضع و مشکلات بگذر
حاصل کرده و دشواری
ایشان تحمل فرمودند
و در حدیث آنحضرت
صلی الله علیه و آله میفرماید
آنحضرت موسی را
بیان فرموده که در حدیث
آنحضرت موسی را

عَلَى عَيْنِي إِذْ تَشَقُّ أَحْسَنُ فَقَوْلُ هَلْ أَذْلَكُمْ عَلَى مَنْ يَكْفُلُهُ

چون میرفت غواهر تو پیش می گفت آیا دلالت کند شمارا بر کسی که نگهبانی این طفل کند
پیش چشم من بخود من) چو میرفت غواهر تو پیش می گفت آیات من و هم شمارا که یک تربیه کند اود را

فَجَعَلْنَاكَ إِلَى آفَتِكَ كَيْ تَفَرَّ عَيْنَهَا وَلَا تَحْزَنَ ه وَفَتَلْتَ نَفْسًا

پس باز آوردم ترا بسوی مادر تو تا خنک شود چشم و داند و پلین نباشد
پس رسانیدم ترا باز آوردم ترا بسوی مادر تو تا خنک شود چشم او و غم نخورد

فَجَبَّكَ مِنَ الْعَمِّ وَفَتَلْتَ فَتَوَانَهُ فَلَيْسَتْ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدِينٍ

پس خلاص ساختیم ترا از اندوه و در محنت انگیزم ترا باز نمودن پس درنگ کردی سالهای چند در اهل مدین
پس بجات دادیم ترا از ان غم و بیاد نمودیم ترا از سوزنی پس درنگ کردی چندین سال در میان اهل مدین

تَوَجَّهْتَ عَلَى قَدَرٍ يَبُوسَى ١٤ وَأَصْطَنَعْتَكَ لِنَفْسِي ١٥ إِذْ هَبَّ أَنْتَ

باز آمدی موافق تقدیر الهی اے موسی
پس آمدی از تقدیر موافق تقدیر اے موسی و ساختیم ترا خاص برای خود

أَخْرَجْتُكَ بِلَيْتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ١٦ إِذْ هَبَّ أَلِي فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ١٧ فَقَوْلَا

برادر تو با نشانهای من و سستی نکن در یاد کن من بروید بسوی فرعون هر آینه دے از حد گرفته است پس بگویند
برادرت با نشان با من و سستی نکن در یاد من بروید بسوی فرعون هر آینه او بسیار سرکشی کرده پس بگویند

لَهُ قَوْلًا لِّئَلَّا نَعْلَمَ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى ١٨ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ

با و سخن نرم بود که بفرمایند برادر تو بداند که ما را بر آینه ما می ترسیم از آن قدری کند بر ما یا
برای او سخن نرم شاید او سستی کند در یاد کن ما را بر آینه ما می ترسیم که او را بفرماید

أَنْ يَطْغَى ١٩ قَالَ لَا تَخَفْ أَفَإِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَآرِي ٢٠ قَاتِلُهُ فَقَوْلَا إِنَّا نَسُوخٌ

از حد گذد گفت من ترسید هر آینه من با شما ام می شنوم و می بینم پس بروید پیش و بگوید هر آینه از حد گذد
فرمانان در زد عه گفت من ترسید هر آینه من با شما هستم می شنوم و می بینم پس بروید پیش و بگوید هر آینه از حد گذد

رَبِّكَ فَارْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ ه وَلَا تَعْدِلْهُمْ قَدْ جَعَلْنَاكَ بِأَيِّ

برادر کار تو ام پس بفرست با ما بنی اسرائیل را و عذاب کن ایشان را هر آینه آوردم پیش تو نشان
برادر کار تو ام پس بفرست با ما بنی اسرائیل را و عذاب کن ایشان را و هر آینه آورده ایم پیش تو نشان

مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى ٢١ إِنَّا قَدْ أَوْرَجْنَا إِلَيْنَا أَنْ

از جانب برادر کار تو و سلامتی کنه را که پیروی راه هدایت کند هر آینه و می فرستاده شد بسوی ما که
از رب تو و سلامتی است بر کسی که پیروی هدایت کند هر آینه ما حکم داده شد و می فرستاده شد بسوی ما که

الْعَذَابِ عَلَى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ٢٢ قَالَ فَمِنْ رَبِّكَ يَا بَسْمَ ٢٣ قَالَ رَبَّنَا

عذاب کنه را باشد که در دروغ و دروغ گردان شود و فرعون گفت پس کیست برادر و کار خدای موسی گفت برادر و کار
عذاب بر کنه است که کذب کند و دروغ گردان شود (فرعون) پس کیست رب شما اے موسی گفت (موسی) رب ما

الَّذِي آتَانِي كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ثُمَّ هَدَى ٢٤ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى ٢٥

آنست که او هر چیزی را صورت فاعل او باز راه نمودن بطلب معاش خودش گفت پس چیست حال غنیمت
آنست که او هر چیزی را صورت فاعل او نمودن بطلب معاش خودش گفت پس چیست حال غنیمت

قَالَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ لِي فِي كِتَابٍ لَا يُضِلُّ زَيْنًا وَلَا يَنْسَى ٢٦ الَّذِي جَعَلَ

گفت علم آن نزد یک برادر و کار من است در کتابی که غلط نکند برادر و کار من و نه فراموش سازد آنست که ساخت
گفت علم آن نزد برادر و کار من است در کتابی که غلط نمی کند بر من و نه فراموش اوست که ساخت

لَكُمْ الْأَرْضَ هَذَا أَوْسَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ط

برائے شما زمین را فرستاده و در آن کرد برای شما در آنجا راه ها و فرود فرستاد از آسمان آب را
برائے شما زمین را فرستاده و در آن کرد برای شما در آنجا راه ها و فرود فرستاد از آسمان آب

فتح الرحمن
تفسير عثمان

در وقت دعوت

تبلیغ و عطا نصیحت

صفتی بگو که نرم آسمان

رقت آورد و اعلی باشد

اگر چه به ترد و طغیان

او امید قبول نیست با

این همه تو این جنبل

که شاید قدری خود و

وقت نموده نصیحت

پایزد و یا جلال و

جسوت خدا را شنیده

بترسد و بفرمان بر واری

بایل شود سخن خود را

پیش از اظهار کن این

فرمایش خدا ندیده

برای دعا و مبلغین

دستور العمل عالی و

مفید نیست چنانچه

در جانی دیگر خداوند

یوضاحت ارشادی

فرماید ادرای علی

ربک با حکم و الوافه

الحسنه و جاد بهم باقی

بی احسن در خل رکوع

عنه تفصیل

ترس از فرعون بود

این می آید قبل حضرت

موسی عدم ایجاب خود

جاه و جلال فرعون

را دیده که تیرسیم

که آیا مستعد سخن شنیدن

است میان ممکن است

که پیش از آنکه سخن بدار

کامل بشود دست تو را

در از کند با بعد از

شنیدن بقره و غضب

آمده نسبت به بارگاه

کبریا که گشای و زبان

در ازای ناپید و یا مارا

اذیت کند که مقصد

اصلی قوت خود (تقلید)

میر این خوف محقق

موسی علیه السلام و تشریح

مقابلگی کرد از حد

تیسرے طبع ایدارہ
ندرد و صراط آہناتند
آخاب روشن آفتاب
است موسی علیہ السلام
گفت خوب است
بروز چمن
بزرگ شایان مقام
چاشت میدان تپیل
باید آمادہ باشد
تا مقابلہ آید یعنی در
زمانی کہ چمن عریض است
و خلایق زیادی اجتماع
می نمایند و باید در
روز روشن بماند
صورت گیرد تا بیند
گان چند روزی
حاضر باشند و در وقت
روز برای چمن آفتاب
و القاب و واقع نشود
حضرت شاه کیلیلیہ
کہ از مقابلہ در میدان
عمومی ہر دو فرزند کی
و شمشیر یعنی فرعون
می خواست موسی را
و حضور تمام مردم
نگشت بدید موسی
علیہ السلام آندوی
نگشت فرعون را
داشت در تمام شہر
ہائی مصر بر زمین آلودہ
فرعون شمشیر گزشتہ
عده واضح است کہ
حضرت موسی علیہ السلام
در آن جمیعت بزرگ
ہر شخصی را حسب دفع
و حال خود شمشیر
نعمت کرد چون
جادوگران قصد کرده
بودند کہ در مقابل حق
شکست یابند و اندازند
و حق را باطل معرفی
نمایند از حضرت
موسی بطور اخطار ایان
فرمودند کہ آگاہ باشید
بدست خود و لغت
و اہلک گنہگارانی
خدای و معجزات جوی را

فاخرجنا به از اوجاق من نبات شتی ۱۹ گواوا رعو انعامکم ان فی ذلک
پس بیرون آوریم بآن اوارج مختلف از نباتات
بخرید و بخرانید چہار پایان خود را (چرا آید) در آن
لایت لا ولی للہی ۲۰ منها خلقنکم و فیہا نعیدکم و منہا نکخرجکم
از زمین آفریدم شما را و در زمین باز آفریم شمار و از زمین بیرون کشیم شمار
شماران است برائے شما چنان خرد از زمین آفریم شمار و در آن بر میگردد ایم شمار و از آن بیرون خواهیم آورد شمار
تارۃ اخرى ۱ ولقد اریٰ نہ ایتنا کما فکذب و ابی ۲ قال اجمعتنا
بار دیگر و ہر آئینہ نمودیم فرعون را نشان ہائے خویش تمام آن پس در رخ بشود و قبول نکند گفت آیا آمدہ
بار دیگر (ہر آئینہ) نمودیم فرعون را نشان ہائے خود ہمہ آن پس در رخ پنداشت و نپذیرفت گفت آیا آمدہ (یہا)
لیخرجنا من ارضنا بسحر لیسوی ۳ فلما اتینک بسحر مثله فاجعل
تا بیرون نی مارا از زمین ما جادوی خود اے موسی پس ہر آئینہ بیاریم پیش تو جادوے ماخذ آن پس چنین کن
تا بر آری مارا از زمین ما جادوی خود اے موسی پس ہر آئینہ بیاریم پیش تو جادوے ماخذ آن پس چنین کن
بیننا و بینک موعدا لا تخلفہ نحن و لا انت مکانا نسوی ۴ قال
میان ما و میان خود وعدہ گاہیہ کہ خلاف کنیم آنرا و تو
بین ما و بین خود وعدہ کہ نہ خلاف کنیم آنرا و تو
موعدکم یوم الزینۃ و ان یحشر الناس حشر ۵ فتولی فرعون
و وعدہ گاہ شمار روز چین است و آنکہ جمع کردہ قوت مردمان وقت چاشت پس بکفاز بازگشت فرعون
دعدہ گاہ شمار روز چین است و آنکہ جمع کردہ قوت مردم وقت چاشت عہ پس بازگشت فرعون
فجمع کیدنا لانی ۶ قال لہم موسی و یدکم لا تفکروا علی اللہ کذابا
پس جمع کردہ کید خود را باز باید گفت موسی سحران را و اے بر شما اذا گفتید بر خدا دروغ را
پس و اہم آورد و تدبیر حقہ در کرم خود را باز باید گفت برای ایشان موسی دای ہر شما اگر گفتید در بندہ بر اللہ و دروغ را
فلیسبتکم بعد اب و قد حاب من افتری ۷ فتنارعو امرهم بینہم و
آنکہ ہلک سازد شمار اب و ہر آئینہ مطلب رسید ہر کہ افتر کرد پس گفتگو کردند و تنہا حیران غمورت خود در میان خویش
پس ہلک گرداند شمار کدام افتر عذاب و ہر آئینہ خود را در سید را نامیدند کہ یکبارہ اگر ہر دو شمشیر نزاع کردند و کار خود در میان خویش
اسرو التجوی ۸ قالوا ان ہذا ناس حشرین یزیدن ان یخرجکم من
پہان گفتند از ادا گفتہ اند این دو شخص سحران اند می خوانند کہ بیرون کنند شمارا از
مشرکہ کردند نہائی گفتند ہر آئینہ این ہر دو جادو گردند بخواہند کہ بکشند شمارا از
ارضکم بسحر ہما و نھما بطریقکما التبت ۹ فاجمعوا کیدکم ثم اتوا
زمین شما بسحر خود و بخواہند کہ دور کنند دین شائستہ شمارا پس ہم آید اسباب سحر خود را باز بیارید
ملک زمین "تان بزد جادوی خود و بپزند طریقہ شائستہ شمارا پس فراہم آید تدبیر اسباب سحر خود را پس بیارید
صفا ۱۰ وقد افلح الیوم من استع ۱۱ قالوا یوسی ایا ان تلقی و اما
صف شہید و ہر آئینہ رستہ رستہ آمد ہر کہ غالب آمد
صف شہید و ہر آئینہ کامیاب در سترہ شہید آمد گفتند اے موسی یا این است کہ تو اگهی (یعنی عصا) یا
ان تكون اول من اقل ۱۲ قال بل القوا فاذا احبالہم و عصیتہم
باز شہید اول کسیکہ افکند گفت بلکہ شما افکنید پس ناگہان رستہ ہائی ایشان و عصا ہائے ایشان
باز شہید اول کسیکہ بیفکند گفت بلکہ شما افکنید پس ناگہان رستہ ہا و عصا ہائے ایشان
مخیل الیہم من سحرہم انہا تسع ۱۳ فاجوس فی نفسہ خیفۃ موسی
نمودارست پیش موسی بسبب سحر ایشان کہ می داند پس یافت در صحر خود موسی ترسے را
مخیل گردید موسی بسبب جادوی آنہا کہ میداند پس دریافت در دل خود ہر اسمی را موسی
سحر گفتی و ایا پس راہ معانی حقین مقبوض پیش کردن تو باہر التذلل ہائے دروغ بکن است کہید ہلالت الہی دروغ می بندد سرا جاست

و لائل روشن راه پاس
 خاطر تو تنگی توایم و
 در مقابل تو بخود می
 خای حقیقی خود می
 تو پروا نداریم - اکنون
 هر چه از دست بری
 آید درین کن تو محض
 بین قه غایبی توانست
 که این زندگی زود گذر
 و خانی مارا خانه بدی
 ولی مایه اندیشه
 ندیم چو از ازل دار
 قدر را بجای دار فنا
 اختیار کرده ایم از
 رنج و راحت این
 جهاں صرف نظر نمود
 ایم تنهای ما بین است
 که مالک حقیقی پروردگار
 توانای ما ز ما را صنی
 شود و عوالم گناهان ما
 خضر سنا کنایه را که
 از خوف حکومت تو
 بجز و اگر از تنگنا
 نمودیم یعنی مقابل
 حق را ایجاد کردیم
 مناف فرایده میگویند
 ساحرین نشانهای
 حضرت یحیی علیه السلام
 را دیده بخوبی فهمیده
 بودند که این عمل جادو
 نیست و نمایانیا او
 مقابل نمود ما بعد از
 از خون غم خون بمقابل
 جرات کردند عده
 انسان باید ادا بشود
 آخرت باشد برای
 اطاعت بشنا فراموشی
 خدا نکلند چه قدر نگاه
 میم ای نبیهای منت
 است و بجهت صورت
 نجات و رستگاری از
 آن امکان ندارد -
 معصایب و نمایانیا
 ناوار و مغفل باشد
 موت بکند آنها را
 و در این دنیا باقی نماند

لَمَّا لَخِفَ تِلْكَ اَمْتًا اَعْلَى ۝ وَالْقَى مَا فِي يَدَيْكَ تَلَقَفَ مَا صَنَعُوا اِلَيْهِ
 هر آینه لطفی غالب و بقیل آنچه در دست راست و دست چپ تو را برده و چه برادران ساخته اند هر آینه
 صَنَعُوا اَلَيْسَ سِحْرًا وَلَا يَفْلَحُ السِّحْرُ حَيْثُ اَتَى ۝ ۱۵ ۝ وَالْقَى السِّحْرَ مَجْذَلًا
 آنچه ساخته اند جادو است و سحر کار نمی شود و سحر هر جا که رود و تقدیم چوین پس از فاخته شدن در ساحران سحره کنان
 هر چه ساخته اند فریب جادو گر است و کاشیاب نمی شود جادو گر هر جا که باشد پس از فاخته شدن در ساحران سحره کنان
 قَالُوا اَمْتًا يَرْثُ هَارُونَ وَمُوسَى ۝ ۱۶ ۝ قَالَ اَمْتُمْ لِقَبْلِ اَنْ اُذِنَ لَكُمْ اِنْ
 گفتند ایمان آوردیم به پروردگار بارون و موسی گفت فرعون آیا باور داشتید و از پیش از آنکه من برای شما امر آید
 گفت ایمان آوردیم به رب بارون و موسی گفت فرعون آیا بدیدید فتنه او را پیش از آنکه اجازه بدیم شما را هر آینه زود
 لِكُلِّكُمْ الَّذِي عَلَيْهِ السِّحْرُ فَلَا قِطْعَنَ اَيْدِيكُمْ وَاَحْلَكُمْ مِنْ
 بر او هر کس است شما را سحر هر آینه بر من دست بماند و بپایان شما را بلی از جانب راست و دیکر از
 کائنات است که اموجه است شما را جادو پس هر آینه قطع میکنم دستها و پایای شما مخالفت
 خَلَا فِي وَلَا وَصَلْتَكُمْ فِي جَدْوَعِ النَّخْلِ وَتَعَلَّسْتُمْ اِنْبَاءُ اَشْدَّ عَلَيْنَا
 جانب چپ و برادر شتم شما را بر تنه های خربا و البته خواهرید و است که کدام یک از ما سخت تر است عذاب او
 بل دیکر و هر آینه برادر شتم شما را در تنه های خربا و هر آینه خواهرید و است که کدام یک از ما سخت تر
 وَقَالَ اَلَا اَنْ تَوَثَّقُوا عَلٰى مَا جَعَلْنَا مِنْ الْبَيْتِ وَالَّذِي قَطَرْنَا
 و باینده ترست گفتند تو هیچ ندانیم ترا بر آنچه آمده است پیش ما از لائل و از هر چه تو میگوئی که آفرید ما را
 و باینده ترست گفتند بر من از خون فرزندایم ترا از آنچه آمده است نزد ما و لائل روشن و از آنکه آفرید ما را
 قَاضٍ مَا اَنْتَ قَاضٍ اِنَّا نَقْضِي هَذِهِ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ۝ ۱۷ ۝ اِنَّا اَمْتًا يَرْثُ
 پس حکم کن هر چه تو حکم کنده باشی جز این نیست که حکم نمی درین زندگانی دنیا هر آینه ایمان آوردیم به پروردگار خویش
 پس حکم کن هر چه حکم کنده باشی جز این نیست که حکم نمی درین زندگانی دنیا هر آینه ایمان آوردیم به پروردگار خویش
 يَغْفِرْ لَنَا خَطِيئَاتِنَا وَمَا اَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللّٰهُ خَيْرٌ وَاَبْقَى ۝ ۱۸ ۝
 تا ما را زدی و بماند ما را و آنچه مجبور کردی ما را بر آن از جادو و خدا بهتر است و باینده ترست
 تَاْمَنَ مِنْ يَّاتِ رَبِّهِ فَيُحَرِّمُ مَا قَانَ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَدْعُوْنَ فِيْهَا وَلَا يَخْشَوْنَ ۝ ۱۹ ۝
 هر آینه هر که بنیاید پیش پروردگار خویش که گناهش را پس از است و دروغ نمیزد و آنچه و نه زنده ماند و آنچه
 هر آینه هر که بنیاید نزد رب خود که کار پس از است و دروغ نمیزد و آنچه و نه زنده ماند و آنچه
 اَتَتْهُمُ مِنْ اَمْنٍ اَدْرَا اَعْمَلُ الصَّالِحِ فَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ الدَّرَجَاتُ الْعُلٰى ۝ ۲۰ ۝ جَنَّتْ
 بنیاید پیش او مسکن شده و عملها شایسته کرده پس این جماعه ایشان راست و درجه های بلند پوستانند
 بنیاید نزد او ایمن آورده و کرده اعمال شایسته پس این جماعه ایشان راست و درجه های بلند پوستانند
 مَدٰٓنٍ تَجْرٰى مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خٰلِدِينَ فِيْهَا وَاُولٰٓئِكَ جَزَآءُ اَمْنٍ تَرٰى
 بنیاید اندن میرود زیر آن جویها جادویدان آید و اینست جزای هر که پال شده است
 بنیاید اندن که میرود زیر آن جویها در حالی که همیشه باشند در آن و این است پادشاهی که پال شده
 لَقَدْ اَوْحَيْنَا اِلٰى مُوسٰى اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِيْ فَاَضْرِبْ لَهُمْ مَخْرَجًا مِّنَ الْبَحْرِ
 و هر آینه وحی فرستادیم بسوی موسی که حجت مشب بر بندگان را پس بساز برای ایشان راهی خشن
 و هر آینه وحی فرستادیم بسوی موسی که بوقت مشب بر بندگان را پس بساز برای ایشان در بحر راه خشن
 يَسٰٓءَلُ اَتَخَفَ رُكَّاءُ لَا تَخْشَوْنَ ۝ ۲۱ ۝ فَاتَّبَعَهُمْ فَرَعَوْنُ بِخَنُوْذَةٍ فَمِنْهُمْ
 در دنیا مترس از ریا فلقن دشمن و دوسا نخی از فلک پس نمایند ایشان که فرعون با مشرکهاست خویش پس پوستانند ایشان را از
 بنیاید از ریا فلقن دشمن و دوسا نخی از فلک پس نمایند ایشان که فرعون با مشرکهاست خویش پس پوستانند ایشان را از

والمعنى بدارن
 تورث ١٢ مترم
 تويد چون موسی باهنگا
 کس از قوم خود بجانب
 طو و جوشه حضرت موسی
 از همسلف کرد خطاب
 رسید الله اعلم ١٣
 یعنی مدت مفارقت
 من ١٤ یعنی بعد از آن
 تفسیر عثمانی
 علیه بعضی میگویند که
 ساری هم موسی نام
 داشت برقی به این
 تصور اندک و امرا یکی
 بود در نزد بعضی قطعی
 به هر حال مجهولین
 رای دارند این
 شخص در عمر حضرت
 موسی منافق بوده
 و مانند منافقین پیشه
 در صدد آن بود که در
 اغفر و به حیل های
 گوناگون بیرون
 حضرت موسی علیه السلام
 راه گمراه نماید بر همین
 این کفر باشد و کتب
 اسرائیلیه اوردن
 است علیه با اختیار
 خود این کار نکردیم بلکه
 ساری از کتاب آنرا
 بر ما نقل نمود و حقیقت
 چنین بود که اینجور است
 قوم فرعون را با خود
 برداشته بودیم و موسی
 داشتیم که آنرا چیدیم
 بعد از مشوره با جمعی آنرا
 از وجود خود بر آوردیم
 ساری آنها را در کشتن
 گذاشت و بقتل گو
 سال مشعل نموده با
 نشان داد این قصه
 را در فوائد سرور ٣٣
 اعلان ملاحظه فرمایید
 کنید (تنبیه) ١٣
 آیه یورات قوم فرعون
 چطور پوست بی اسرائیل
 افتاد و در مصرین و

الْيَوْمَ نَأْتِيكُمْ بِمُوسَى وَهَارُونَ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ ۝ يٰبَنِي إِسْرَءِيلَ
 دریا آنچه خود بخوانید ایشان را و گمراه کرد فرعون قوم خود را و راه نمود
 دریا آنچه فرعون ایشان را و گمراه کرد فرعون قوم خود را و گمراه نمود (اے بنی اسرائیل)
 قَدْ أَجَبْنَاكُمْ مِنْ عَبْدِكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ بِجَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا
 هر آینه نجات دادیم شما را و دشمنان شما و وعده دادیم شما را از جانب راست طور و فرستادیم
 (هر آینه) نجات دادیم شما را از دشمنان شما و وعده دادیم شما را از جانب راست کوه طور و نازل کردیم
 عَلَيْكُمْ الْمَنَّانَ وَالسَّلَوى ۝ كَلَّا مِنْ طَيْبَتِ مَارِزِقَانِكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ
 بر شما من و سلوای (تفصیل) بخورید از یاغیزه های آنچه روزی دادیم شما را و از حد نگذرید در آن
 بر شما من و سلوای (تفصیل) بخورید از یاغیزه های آنچه روزی دادیم شما را و از حد نگذرید در آن
 فَيَكُنْ عَلَيْكُمْ عِظْبِي وَمَنْ يَجْلُلْ عَلَيْهِ غِظْبِي فَقَدْ هَوَىٰ ۝ وَلَئِنْ
 آنگاه ثابت شود بر شما خشم من و هر که ثابت شد بر من خشم من البته پاک شد و هر آینه من
 پس فرد خواهد آمد بر شما غضب من و کسی که بر من غضب من پس تحقیق پلشت شد و هر آینه من
 لِنُغْفِرَ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ۝ وَمَا أَجَلَكَ عَنْ
 آمرزنده ام کسی را که توبه کرد و ایمان آورد و کارش نیک کرد باز راه راست یافت و وجه چیز نیک طلب آورد و تافا فلان
 بزرگ آمرزنده ام برای کسی که توبه کرد و ایمان آورد و کارش نیک کرد پس راه راست رفت و وجه چیز نیک طلب آورد و تافا فلان
 قَوْمِكَ يٰمُوسَىٰ ۝ قَالَ هُمْ أَوْلَىٰ عَلَيَّ أَنْزِلْنِي فِي جَنَّةِ النَّارِ رَبِّ لَنْزِلْنِي
 از قوم خود اے موسی گفتت قوم من ایشان اند بر من و دشمنانم بسوی تو اے پروردگار من تا خود موسی
 قومت اے موسی گفت ایشان اینک روانند در پی من و دشمنانم بسوی تو اے پروردگار من تا خود موسی
 قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِ مَا وَصَلَهُمُ السَّامِرِيُّ ۝ فَرَجَعَ مُوسَىٰ
 گفت خدا بر آینه ما را آزمودیم قوم ترا بعد از تو و گمراه ساخت ایشان را ساری پس باز گشت موسی
 گفت (هر آینه) ما آزمودیم قوم ترا بعد از تو و گمراه کرد آنها را ساری پس باز گشت موسی
 إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا ۚ قَالَ يَقَوْمُ إِنِّي بَعْدُكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسِينًا
 بسوی تو قوم خود خشم گرفته اند و خورده گفت اے قوم من آیا وعده نداده بود شما را پروردگار شما وعده نیک
 بسوی تو قوم خود غضبناک الفوس کنان گفت اے قوم من آیا وعده نداده بود شما را پروردگار شما وعده نیک
 أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنِ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ
 آیا دراز شد بر شما مدت و یا خواستید که از حد آید بر شما غیبه از پروردگار شما
 آیا دراز شد بر شما مدت یا خواستید که از حد آید بر شما غیبه از پروردگار شما
 فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي ۝ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا
 پس خلاف کردید وعده مرا گفتند خلاف نه کردیم وعده ترا با اختیار خویش و لیکن ما را تکلیف کردند تا ما برود
 بنابر این (دیس) خلاف کردید وعده ام را گفتند خلاف نکردیم وعده ترا با اختیار خود و لیکن ما را کرده شدیم
 أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَدْ تَتَذَكَّرُكَ الْفَتَى السَّامِرِيُّ ۝ فَأَخْرَجَ
 بار ما از زیورایه قوم قبضه پس از آنکه از ما و هم چنین گفت ساری باز بیرون آورد
 بارهای سنگین از زیور قوم فرعون پس بپوشیدیم آنها پس چنین انداخت ساری عه پس بر آورد
 لَهُمْ عَلَىٰ جَسَدِهِ خِوَارٌ فَقَالَ هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَتَنَسَّىٰ ۝ قَالُوا
 بر آینه ایشان کوساله را بر آورد و گمراه کرد و در آینه خود پس گفتند این ساری است و گمراه نمود و در آینه خود پس گفتند این ساری است و گمراه نمود و در آینه خود
 بر آینه ایشان یک کوساله را بر آورد و گمراه کرد و در آینه خود پس گفتند این ساری است و گمراه نمود و در آینه خود پس گفتند این ساری است و گمراه نمود و در آینه خود
 يَرْوُونَ إِلَّا رَجَعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا ۚ وَلَا يَسْئَلُكَ لَهُمْ ضَرًّا أَوْ لَفْعًا ۚ وَلَقَدْ
 فیدیدند این گمراهان که باز نمی گویند بسوی ایشان سخن را و نمی گویند بر آینه ایشان هیچ زیانی و نه سودی و هر آینه
 نمی بینند که جواب میدهد بایشان سخن ما و اختیار نموده در ایشان را هر قدر و نه لغوی و در هر آینه
 و باره آن اختلاف نظر دارند بعضی بر آنند که یا از آنها بجا نماند و یا بطور مال غنیمت داشته بودند و یا که ام صورت دیگری بوده خلاصه هر چه

وليس في القدر انزل
 كنهه ولا يبي لمن
 باشد لا تغيب عني
 على ذاك في جنين قرآن
 عظيم انشان سازد و نشان
 برای لغز و بهر وجه
 خود را این اندازد
 سخنان راست
 و مواضع مفید
 شنوایند حد
 چون قرآن خلی مفید
 عجیب است ما آن را
 بندر هیچ و تانی نازل
 می گویم تو هم در سنگام
 اخذ آن از جبرئیل
 تعجب کن و قهقهه
 فرشته و در خوانده
 بشنوند و تاملانند
 مخوان چه استشهد
 شد ما که قرآن از
 سین تو زایل نشود
 پس چه به این اندیشه
 میتلا می نوی که میا و
 فراغش کنم ملک بجای
 آن چنین دعا بکن
 پروردگار من را راجع
 بعبودیت صافی قرآن
 بیش از پیش علوم و
 مهارت بر من اندازی
 بفرمائی بی کسب
 شجیل بی موقع آنم
 علیه السلام در یک چیز
 چست حضرت شاه
 منوچهر گاهی که جبرئیل
 قرآن می آورد و خود
 آن حضرت متصل قرائت
 جبرئیل امین شروع
 به تلاوت می نمود تا
 فراغش شود خداوند
 رسول اکرم را در آیت
 و در سوره قیامت که
 آیت را تلاوت کرد پس
 شجیل بر آن علی بن
 و قرآن ازین کار نسلی
 داده بود که نگذاشتن
 آن در حافظه خود را
 آن هم بر من است

سَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ۝ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ
 دسه بد باره ست ایشان را روز قیامت بار کشیدن روزی که دمیده شود و در صور برانگیزیم کتا برنگاران را
 بدست برای نشان در روز قیامت بار کشیدن روزی که دمیده شود و در صور برانگیزیم کتا برنگاران را
 يَوْمَئِذٍ زُرُّقًا ۝ يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ۝ نَحْنُ
 آن روز که در چشم گشته میان حرم زنده در میان خویش که در رنگ نه کردید یعنی در دنیا مگرده شبانه روز ما
 آنروز که بود چشم گشته آهسته آهسته می گویند در میان خودشان که در رنگ مگرده در دنیا مگرده روز
 اَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ اِذْ يَقُولُ أَفَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ بَرِيَّةٌ اِلَّا يَوْمَئِذٍ ۝
 و انما نرسم بحقیقت آنچه می گویند چون گوید بهترین ایشان در روش در رنگ مگرده اید مگر یک روز
 و انما نرسم به آنچه می گویند چون گوید بهترین ایشان در روش در رنگ مگرده اید مگر یک روز
 وَلَيْسَ لَكَ مِنَ الْجِبَالِ فِقْلٌ يُشْفِقُكَ رَبِّي نَسْفًا ۝ فَيَذَرُهَا قَاعًا
 وی پرسند ترا از کوه با بخوبی گفته کند آنرا پروردگار من پرانگنده کردن پس بگذارد زمین را میدانه
 وی پرسند ترا از احوال کوه با پس بگوید آنرا پروردگار من پرانگنده کردن پس بگذارد زمین را میدانه
 صَفْصَفًا ۝ لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَّ اَلًا ۝ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ
 بهوار نه بین و داغای هیچ بجای و نه هیچ بلند می
 صاف می بینی در آن هیچ و نه بلند می
 و در آن روز می شتابند دنبال داعی را می شنوند
 لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ اِلَّا هَمْسًا ۝
 هیچ بجای نباشد آن ابراه را و پست شوند آواها برای خدا پس نشنوی مگر آواز نرم
 هیچ بجای نباشد آن سخن را و پست میشود آواها از ترس رحمن نمی شنوی مگر آواز نرم دست خدای
 يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ اِلَّا مَنْ اِذْنُ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ ۝
 آنروز نفع نمیدهد شفاعت مگر برای کسی که اجازه داده است خدا او را و پسند کرده است او را
 و در آن روز بکار نمی آید آن شفاعت مگر برای کسی که اجازه داده او را و پسندیده سخن او را
 قَوْلًا ۝ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَاِنْ يَحِيطُونَ بِهِ وَعِلْمًا ۝
 از روزی گفتار است میداند آنچه پیش رو آدمیان است و آنچه پس پشت ایشان است و آدمیان در می بینند خدا از روزی دانش
 میداند آنچه پیش روی ایشان است و آنچه در عقب ایشان است و ایشان احاطه نتوانند با و از روی علم
 وَغَنَّتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ۝
 و غنایش گفرد و بایست مردمان برانگنده هر آنچه می طلب نرسیده هر که برداشت
 و میان روی با خود را خوار شوند اصحاب روی با محضوری قیوم و خوار گردیدند بر آینه بی بهره اند که بر داشت با غل
 مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَفُ ظُلْمًا وَّ لَا هَمًّا ۝
 هر که بجا آورد کارهای شایسته و او مؤمن باشد پس دسه هر مردانست و نه از نقصان
 کسی که چیزی کار بایست شایسته و او مؤمن باشد پس نه خوف بایست نقصان و نه زیان
 وَكَذَلِكَ اَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَرَفَعْنَا فَوْقَهُ مِنَ الْوَعْدِ لَكَلَّهُمْ
 و هم چنین فرود ستادیم کتاب را قرآن عربی و گوناگون بیان کردیم اندران ترسانیدن را تا بود که
 و هم چنین فرود ستادیم قرآن بزیان عربی و بار بار مقرر شدیم در آن سخنان ترسانیدن تا که ایشان
 يَتَّقُونَ اَوْ يَحْدِثَ لَهُمْ ذِكْرًا ۝ فَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ
 بترسند بکار شوند یا پیدا کن در حق ایشان بزد پس بلند در دست خدا بادشاه ثابت و شتابانی کن
 بترسند یا بپندارند وصول بای ایشان فکر پس بلند قدرت خدا بادشاه راست (ثابت) و نه شتاب
 بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ اَنْ يُفَصِّلَ الْآيَاتِ وَحِجَّةً ۝ وَلَقَدْ رَزَقْنِي رِزْقًا عَسِيمًا ۝
 بخوان قرآن پیش از آنکه با تمام رسانیده شود و حجتی تو می زود بجای آنکه پروردگار من بیغیر امر او را نسلی
 بگذاشتن در قرآن پیش از آنکه تکمیل کرده شود بسوی تو و می آن و بجای آن که من پروردگار من را و نشنیده
 لیکن شایسته آن حضرت بقضای جبریت آنرا فراموش کرده باشد تا به علم از یاد بر آید این آیت بدیهه خداوند تا میگوید که در قرآن را نشنیده

ملایق و ان مثل
ست برقص و غیره
آن حواقر که با بقا
تفسیر عثمانی
عنه یعنی
خوینده ندان
و متعلقین خود را
هم به نماز تاکید کن
در حدیث است که
آنحضرت صلی الله علیه
و سلم فرمود که هر چه
سبقت ساز شود برای
تحصیل اختیار اود را
به نماز خواندن موافق
سازیده چون ده سال
شود اود را از نماز بکنند
آنند عده حقیقت
شاه صاحب مزیل
در کتب سابقه خبر
بعثت رسول خدا را
داده شده و یا مقصد
این است که نشانی
پیغمبران سابق کافی
و شافی بوده و این
پیغمبر هم اصول همان
سخنان سابق را تفسیر
می کند چه بدینی گوید و
یا نشانی این است که
واقعات را بدینی گوید و
سابق بیان می فرماید
و بهترین تفسیر به نزد
من آنست که این خبر
و غیره اختیار کرده اند
یعنی این مردم از روی
مخالفت و اعراسی
گویند که چرا کدام نشان
نیارود- آیا بر علاوه
صد آیات بینات
از جمله زیاد تر این
قرآن عظیم الشان به
آنها رسیده که چگونه
معنایین ضروری
و مهم کتب سابقه
را حادی محافظت
و برای عداقت آنها
حجت و گواه است و
انجا آنرا آفتاب روشن

الْآخِرَةِ أَشْدُّ وَأَبْقَى ۝ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ

آخرت سخت تر و پاینده ترست آیا راه نهد ایشان را اگر بسیار ملک کردیم پیش ایشان از

الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْجِدِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّأُولِي النُّهَى ۝

طیقات مردمان را می روند در منازل آن ملک شدگان هر آینه درین مقدر نشانه است خداوندان خود را

وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزِمَاوَا أَجَلٍ مُّسَمًّى ۝

و اگر نبود سخن که سابق صادر شد از پروردگار تو نبود سخن معین هر آینه عذاب لازم شده

فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ

پس صبر کن بر آنچه می گویند و تسبیح کن با حمد پروردگار خویش پیش از بر آمدن آفتاب و

قَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاثَى الْبَيْتِ فَسَبِّحْ وَاطَّرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ

پیش از فرو شدن آن و بعضی ساعتهاست سب و اطراف روز تسبیح کن بود که

مَرْضَى ۝ وَلَا تَذْنَبْ عَمَلَكَ إِلَى مَا تَتَّبِعُهُ أَزْوَاجُكُمْ هُمْ زَكَرَاتُ

خوشنوی شوی و بازگشتی و در حق خود را بگو آنچه بهر مند ساعت ایم آن جماعت بار از ایشان از قسم آری اهل

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا هُمْ فِيهِ وَرِثَتُكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ۝ وَأَمْرٌ

زندگانی دنیا تا جملایم ایشان را و در آن و درزی پروردگار تو بهتر است و پاینده ترست و دنیا

أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا لَّخَن تَرْتَفِكُ ۝

کسان خود را به نماز و استقامتی کن بر آدای طبع از تو رزق دادند ما روزی میدیم ترا

وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى ۝ وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِيَنَا بَيِّنَاتٌ مِنْ رَبِّهِ ۝ أَوَلَمْ

و عاقبت خیر اهل تقوی راست و گفتند که از این چرا نمی آید پیش ما نشانی از پروردگار خویش آیا

تَأْتِيَهُمْ بَيِّنَاتٌ مِّنَ الصُّحُفِ الْأُولَى ۝ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ

نیامده است دلیل واضح از جنس آنچه در کتابهای پیشین است و اگر ما بکشد کردیم ایشان را بگویند

مِّنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنُتَّبِعِ آيَاتِكَ ۝

پیش از فرستادن پیغامبر گفتند ای پروردگار ما چرا نفرستادی بسوئی ما پیغمبری آیات تو می کردیم

مِن قَبْلِ أَنْ نُنْزِلَ وَنُخْرِجَ ۝ قُلْ كُلٌّ مِّنْ رَّعْيٍ فَتَرْجِعُوا ۝

پیش از آنکه فرستادیم و رسوا کردیم بگو هر یک نقطه است پس شما هم نقطه باشید

فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصُّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى ۝

خواهید دانست که صاحبان راه راست و گمراه یافت

زود میداند که کیست صاحبان راه راست و گمراه یافت

و تالو الوان از این آیه من در به تالو الوان عند الله و انما انانته بر زمین ادرم یحیی انما انزلنا علیک الکتاب لعلی علیهم ان فی ذلک لرحمة و تکریم

فلان یعنی بخوارگی تو

احوال شایسته است

یعنی زن و فرزند

فلان یعنی مجروح و زخمی

و این منافع لطیف

است حاصل آنکه

در رسل این است

جاری نیست که چرا

آدمی رسول باشد

آزاد و تنزیه از زن

و فرزند می توان تقریر

کرد که اگر خدا از زن

فرزند می بودند

واجب نبود جان

او صاف کمال میبودند

و الشاطم ۱۲ و کتب

علا علی ۱۳ یعنی از

ذوب و فقه ۱۴ و

مراد ازین کلام رحمت

بر عباد است اصنام ۱۵

تفسیر عثمان

یعنی چون عذاب را

بخشم سره بیند بجا می

خدا اعزاز کرده و بیکم

فریاد نموده که یقینا

کلام و مجرم آن وقت

تاصف و ندامت

سودی نخواهد بخشید

چون وقت قبول تو به

نبود این اعتراض بکنه

و ندامت در آنوقت

فایده نرساند بالاخر

چنان عزمش کند که گویی

بر آن واحد و در گریه

از پا افتاده اند و یا

مانند چوبی میزند که

بعد از صحن خاکستر

میشود - العباد و الله

عنه یعنی چنین نیست

که در آن حکمت باشد

و غرض می باشد تا

بر آن دانشمند را

باید که آتش عالم

را بفرماید و بنار محض

نیاید و نماند از

آنچه خود فانی باشد

بل خوب بداند که دنیا برای آخرت

آفریده شده و انسان بجا زات و ملکات بر نیک بدر خواهد یافت و زود زود حساب گرفته خواهد شد ۱۶

كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۱ فَلَمَّا أَحْسَوْا بِاسْتِنَائِكُمْ

کهستم کار بود و تو پیداساختیم بعد از آن گروه دیگر پس چون دیدند عذاب ما

که بودند متدار و آفریدیم بعد از آنها گروه دیگر پس چون حس کردند آفت ما را

هَمُّهُمْ مِنْهَا بِرُكُوعٍ ۲ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ فَسُكِّنْكُمْ

تا که این ارشاد از بجا میاید و بگویند که ای پادشاهان از بازیگری بازگردید و به بازیگری که آسوده گشتید بازگردید و از بازیگری که آسوده گشتید بازگردید

لَعَلَّكُمْ تَسْكُنُونَ ۳ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۴ فَمَا زِلْتَ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ

تا بود که پرسیده شوید و گفتند ای وای ما را برای آنکه ما را آسوده سازید پس بفرموده ایشان

شاید که پرسیده شوید گفتند ای وای ما را برای آنکه ما را آسوده سازید پس بفرموده ایشان

حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَالِدِينَ ۵ وَما خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا

تا و قیام کرد انبیا و ایشان را از اهل زمین و آسمان و تا فریدیم آسمان و زمین را و آنچه

بَيْنَهُمَا الْعِيقِينَ ۶ لَوَ ارْتَدَّا عَنْ آيَاتِنَا لَآتَيْنَهُمَا سُلُوفًا مِمَّا كَانُوا يَكْفُرُونَ

در میان آنهاست بازیگری که باز گردیم و باز گردیم و باز گردیم و باز گردیم و باز گردیم

در میان آنهاست بازیگری که باز گردیم و باز گردیم و باز گردیم و باز گردیم و باز گردیم

كُنَّا فَعَالِينَ ۷ بَلْ نَقْذِرُ الْبَاطِلَ عَلَى الْبَاطِلِ مُدًا مَعًا فَذَاهِقًا هَاقًا

کنند می بودیم و باطل را بر باطل پس سرش میفکند پس تا که باطل نامزد شود

می بودیم کنده چنین نیست و باطل را بر باطل پس سرش میفکند پس تا که باطل نامزد شود

وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ ۸ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ

دو آن شمار است از آنچه میگویند و او را است آنکه در آسمان و زمین است و آنچه

و شمار است بر باری از آنچه میگویند و او را است هر که در آسمان و زمین است و آنچه

عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ ۹ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ۱۰ يَسْبُحُونَ

نزد یک او نیست و سر نمیکنند از عبادت او و مانده نمیگویند تسبیح میگویند

نزد او نیست و سر نمیکنند از عبادت او و مانده نمیگویند تسبیح میگویند

الْبَلِّ وَالْهَمَزِ لَا يَفْتَرُونَ ۱۱ أَوْ اتَّخَذُوا إِلَهًا مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ

شب و روز سستی نمی نمایند آیا این چنین را بیان گرفته اند از آفرینش و از آفرینش و از آفرینش

شب و روز سستی نمی نمایند آیا این چنین را بیان گرفته اند از آفرینش و از آفرینش و از آفرینش

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ۱۲ فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا

اگر بود در آسمان و زمین خدا بماند چند خدا بود و تبارک و تعالی

اگر بود در آسمان و زمین خدا بماند چند خدا بود و تبارک و تعالی

يَصِفُونَ ۱۳ لَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ۱۴ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ

صفت می کنند پرسیده نمی شود خدا از آنچه می کنند و ایشان پرسیده می شوند آیا معبودان گرفته اند

بیان می کنند (و این پرسیده نمی شود از آنچه می کنند و ایشان پرسیده می شوند آیا معبودان گرفته اند

إِلَهَةٍ طَعْنٌ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِمَّا رَفَعْنَا عَنْكُمْ قُبُلِي بَلْ

بجز خدا بگو بیارید دلیل خود را اینست کتاب آنکه با شماست پیش از من بودند بلکه

موجودان بگو بیارید سند خود را اینست یاد آنکه با شماست و یاد آنکه پیش از من بودند لیکن

اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ۱۵ وَما أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ

اکثر ایشان نمی دانند حق را پس ایشان را در گردانند و نه فرستادیم پیش از تو

اکثر ایشان نمی دانند حق را پس ایشان را در گردانند و نه فرستادیم پیش از تو

فلان منكم كوفي
 كرون آسان با نازل
 كرون مطرست و كرون
 زمين درياد من گياه
 از ۱۲
 تفسير عثمان
 عد در حق معنی افتخ
 و هر يك در هر آمل است
 ابتدا آسان با زمين
 هر دو در طاعت هم از
 يك در غير نماز افتاده
 بودند و در هر طاعت
 وجود هم با يك در مخلوط
 بودند بجا از قدرت
 خلق مقتدر بود در
 از هم جدا فرمود پس
 از اين جدايی يك
 به طبقات جدا گانه
 گروه در باين همه
 بسته بودند از
 آسان با من نازل
 می شدند در زمين سبز
 و نباتات هر ديدند
 بلا خرمهای نانی برای
 خانه بی نوع انسان
 برود و از هم جدا شد
 از بالا با من بجا
 آفا كه و از بايان
 زمين باز شد در حق
 زمين حق تعالى چشمه با
 و در با با حیران داد و
 انواع و اقسام نباتات
 در آن و با من در صفت
 را در دل خاک تفصيل
 داد و آسان با من
 به شاد من فرمود
 برای هر يك ستاره
 داده و اقامت مقرر كرد
 كردش هر يك را مختلف
 گردانید
 موجودات جانوری را
 كه شغری آید با او
 و با طاعت از آب
 پدید آید ماده حیات
 آنها آب است اگر
 در بعضی مخلوق ثابت

مَنْ رَسُوْلٍ اِلَّا نُوْحِيْ اِلَيْهِ اَنْهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا عَبْدُوْنَ ۝۱۵ وَقَالُوا اَتَجْعَلُ
 الا و می فرستادیم بوسه او كه نیست هیچ معبود بحق غیر من پس بر ستم من كنید و گفته فرزند گرفته است
 گروهی می فرستادیم بوسه او كه نیست هیچ معبود بحق غیر من پس بر ستم من كنید و گفته فرزند گرفته است
 اَلْحَمْدُ وَلَدًا اَسْبَحْنٰهُ بِمَلِكٍ عِبَادُ مَكْرَمُوْنَ ۝۱۶ لَا يَسْبِقُوْنَ بِاَلْقَوْلِ وَ
 پانی اوراست بلكه آنا كه در حق ایشان این زعم دارند بنده گانه گرامی اندیش می كنند بر خدا هیچ كنند
 فرزند را این لایق اوست / پانی است او را لیكن بنده گانه معزز پیش دست می كنند به هیچ من و
 هُمْ بِاَمْرِ يَصْلُوْنَ ۝۱۷ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ
 ایشان فرمان دس کاری كنند میمانند خدا آنچه در پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و شفاعت نمی كنند
 ایشان حكمت او کاری كنند میدانند آنچه پیش روی ایشان است و آنچه عقب ایشان است و شفاعت نمی كنند
 لَا يَسْأَلُ اَرْضُ وَهُمْ مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ۝۱۸ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ
 الا برای سبكه خدا خشنود شده است و ایشان از ترس خدا مضطرب باشند و هر كه بگوید از ایشان
 بگوید ای سبكه خدا از روی باغند و ایشان از عيب او میترسند و ترسند گانه و هر كه بگوید از ایشان
 اِلٰهَ مِنْ دُونِهِ فذٰلِكَ يُجْزٰى بِهِ جَهَنَّمَ ۝۱۹ كَذٰلِكَ يُجْزٰى الظَّالِمِيْنَ ۝۲۰
 كس خدام بجز الله پس سزا بهم او را و در حق هم چنین سزا میدهم ستمگران را آیا
 كس معبودم بجز او پس او را جزا میدهم و در حق هم چنین جزا میدهم ظالمان را آیا
 اَلَّذِيْنَ كَفَرُوْا اِنَّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنٰهُمَا وَجَعَلْنَا
 را دیدند كافران كه آسمانها و زمین بسته بودند پس را كردیم این باران و پدید آوردیم
 را دیدند كاذبان كه آسمانها و زمین بودند بسته پس را كردیم آنها را آسمان و آفریدیم
 مِّنَ الْمَآءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ اَفَلَا يُؤْمِنُوْنَ ۝۲۱ وَجَعَلْنَا فِي الْاَرْضِ رَوَاسِي
 از آب هر چیز زنده را آیا ایمان نمی آورند و پدید آوردیم در زمین كوه با
 از آب هر چیز زنده را آیه ایمان نمی آورند و نهادیم در زمین و نانی گانه كوه های بلند
 اَنْ تَبْقِيَاهُمْ فَجَعَلْنٰهُنَّ اَنْجَالًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُوْنَ ۝۲۲ وَجَعَلْنَا
 از آسمان استراز از آن بجا ماند ایشان را و پدید آوردیم در آسمانها كوه ها تا ایشان راه یابند و ساقط
 را بجا ماند از آن بجا ماند ایشان را و گذاشتیم در آن راه های نشانه تا ایشان راه یابند و ساقط
 السَّمَاءِ سَاقِفًا مُّحْفُوْطًا ۝۲۳ وَهُمْ عَنِ اٰيٰتِنَا مُعْرِضُونَ ۝۲۴ وَهُوَ الَّذِي
 آسمان را سقفی نگاه داشته شده و ایشان از ایشان بانه آسمان رو گردانند و اوست آنكه
 آسمان را سقفی محفوظ و ایشان از ایشان بانه آسمان اعراض كنند گانه اند و اوست آنكه
 خَلَقَ الْاَيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِيْ فَلَكٍ يَّسْبَحُوْنَ ۝۲۵ وَمَا
 از شب و روز را و آفتاب را و ماه را و هر يك از ستارها در آسمانهای شای كنند و
 بجا در هر روز و آفتاب و ماه را هر يك در خانه (مداری) شای كنند و
 جَعَلْنَا الْبَشَرَ مِن قَبْلِكَ الْخَلْدَ اَفَلَا يَمْنُوْنَ ۝۲۶ فَهُمْ الْخَالِدُونَ ۝۲۷ كُلُّ
 ما داریم هیچ آدمی را پیش از تو همیشه بودن آیا اگر كوهی ایشان همیشه باشند گانه
 نداریم هیچ آدمی را پیش از تو زنده گانه با دانه آیا اگر كوهی پس ایشان همیشه باشند گانه
 نَفْسٍ ذٰلِكَ الْمَوْتُ وَنَبَلُّوْكُمْ بِالْشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ۝۲۸ وَاِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ۝۲۹
 نفس چشیده مرگ است و بتلا می كنیم شمارا بپس و آسودگی بطریق امتحان و بوسه ما باز گرداننده شریك
 نفس چشیده مرگ است و می آزمایم شمارا به بدی (مختار) و بدی (آسودگی) آزمودنی ما باز گرداننده میجوید
 وَاِذَا رَاَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَنْ يَّسْتَجِدُوْا اِلٰهًا هٰذَا الَّذِيْ يَدْعُوْنَ
 و بگویند ترا كافران حق گیرند ترا مگر به شغری كوهی با این مختص با می كنند یعنی با است
 و بگویند ترا كافران حق گیرند ترا مگر به شغری كوهی با این مختص نام می برد

فرا بگوید ایشان آن فعل ندادند از آن مشتق است باز هم ایل كنید به اعتبار لا شك علم انفس صادق می آید

ولا این کنایت

سرت از غلبه استعجاب

بر آدمی و الله اعلم

ولا یعنی با سلام اکرم

و غلبه برین بجهت آن

تفسیر عثمان

عنه این مردم از انجا

بکی غافل اند و بر غیر

علیه السلام استهزاء

می نمایند چنانچه بطریق

تفسیر و تخریج گویند

«هذا الذي يذكر الله فيكم

أيا هم شخص است

که معبودان شمارا به یکی

ذکر می کند و اما خود

شمارا شمر ندارد بلکه

از ذکر معبود حقیقی حتی

انعام در حق او

بدی بر بند و از

کتاب بر حق او

انگاری کند و چون

از زبان پیغمبر مذمت

معبودان باطل را

می شنوند نهایت آذوره

می گردند و قیقه صورت

حال این طور است

پس باید تقصاوت

نمود که آیا حالت

خود آینه خنده آید است

و باز از فرق مقابل و

عنه بعضی چون

استهزاء و تشویر کنایه

را مشاهده می نمودند

از آدمی که در کد کد بهر

است برین اشخاص

بے جفا و تشویر و

نازل شود و خود کفاره

هم بطور استهزاء و غلبه

آنها طلب کردند و

با دماجت تمام گفتند

که اگر ما در نزد شما

استحق عذابیم پس چرا

خود را بر عذاب ادا می

می سازید ؟ خداوند

ببردارنده فتنان دهر

که انسان بس باری

الْهَيْكَلُ وَهُمْ يَذْكُرُ الرَّحْمَنُ هُمْ كَفَرُونَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ

معبودان را و ایشان یاد خدا را می کنند و آدمی را از علقه می آفریند

سَأَوْفِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُون ۝ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ عَنْ وُجُوهِهِمْ

تا در میان شما آیات من را بیاورم پس عجله مکنید و می گویند کی این وعده اگر

راست گو هستید اگر بداند کافران صورت حال آن وقت که باز خواهند داشت از روی خویش

شمارا راست گو هستید اگر بداند کافران آفرینش را که باز خواهند داشت از روی خویش

النَّارُ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يَنْصَرُونَ ۝ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ

آتش را و نه از پشت خویش و نه ایشان نهرت داده شوند چنانکه بفرمانند پس چرا اند ایشانرا

آتش را و نه از پشت های خود و نه ایشان می رسد و نه ایشان را می آید بفرمانند پس بفرمانند ایشانرا

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدِّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ۝ وَلَقَدْ اسْتَهْزَأُ بِرُسُلِ

پس نتوانند دفع کردن و نه ایشان مهلت داده شوند و هر آینه تشویر کرده شد به پیغامبران

پس بخوانند توانست رد آن را و نه ایشان فرست خواهند یافت و نه ایشان مهلت داده شوند و هر آینه تشویر کرده شد به پیغامبران

مِنْ قَبْلِكَ فَخَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ قَاكُنُوا بِسِتْرِهِمْ ۝ قُلْ

پیش از تو پس در گرفت با آنها تشویر کردند از ایشان ایچا یا استهزای کردند بچو

پیش از تو باز پس نازل گردید (احاطه کرد) آنها را تشویر می کرد از ایشان ایچا یا استهزای کردند بچو

مَنْ يَكُونُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ

کے نگهبانی می کند شمارا شب و روز از عقوبت خدا بلکه ایشان از یاد پروردگار خویش

که نگهبانی می کند شمارا در شب و روز از (عذاب) رحمت بلکه ایشان از یاد پروردگار خود

مُعْرِضُونَ ۝ أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ

رو گردان اند آیا ایشان را معبودان غیر ما که نگاه می دارند ایشان را از مصائب می توانست نهرت دادن

رو گردانند آیا برای ایشان معبودانی است که باز می دارند ایشان را از آزار می توانست یاری دادن

الْقِسْمِ هُمْ وَلَا هُمْ مِنْهَا يُحْصُونَ ۝ بَلْ مَتَّعْنَاهُمْ أَزْوَاجًا وَلَهُمْ حَقٌّ طَالِ

خویش را و نه ایشان از عقوبت ما به محبت خود محفوظ مانند بلکه بهر مندراخته ایم ایشان را و پدران ایشان را و قبیله دراز شد

نفس با آن خود را و نه ایشان از طرف ما مستحق رحمت اند (محفوظ داشت شوند) بلکه بیش دادم ایشان را و پدران ایشان را و قبیله دراز شد

عَلَيْهِمْ الْعَصْرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّكَ أَنْتَ الْإِلَهُ الَّذِي تَنْقُصُهُمْ مِنْ أَطْرَافِهِمْ

بر ایشان مدت عمر آیا نمی بینند که ما در گرفت می گیریم زمین و در حرب را می گزیم آن را از جوانب آن

بر ایشان زندگی آیا نمی بینند که ما می آیم زمین را می گزیم (آنها) می گزیم بانه آن

أَفَمُ الْغَالِبُونَ ۝ قُلْ إِنَّمَا أَنْذَرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمَّةُ لِلدَّعَاءِ

آیا ایشان غلبه کننده گانند و بل بجز این نیست که می ترسانم شمارا صراحتی حکم (و می) و می گفتند که این آواز خواندن را

آیا ایشان غلبه کننده گانند بجز این نیست که می ترسانم شمارا صراحتی حکم (و می) و می گفتند که این آواز خواندن را

إِذَا مَا يَنْذَرُونَ ۝ وَلَكِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ

چون ترساننده می شوند و اگر رسد بایشان اندک از عقوبت پروردگار تو هر آینه می گویند

چون ترساننده می شوند و اگر رسد بایشان (نهی) اندک از عذاب پروردگار تو هر آینه می گویند

يُوبِلُنَّ إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای بر دوز قیامت

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای بر دوز قیامت

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای بر دوز قیامت

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای بر دوز قیامت

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای بر دوز قیامت

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای بر دوز قیامت

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای بر دوز قیامت

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای بر دوز قیامت

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای بر دوز قیامت

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای بر دوز قیامت

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای بر دوز قیامت

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای بر دوز قیامت

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای بر دوز قیامت

اے دای ما هر آینه بودیم ستم گران و در میان بیم ترازو می گذاریم ترازوهای بر دوز قیامت

فَلَا تَظْلِمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ

برستم کرده شود بر هیچ کس چیزی و اگر باشد مثل یک دانه از خردل یا در هم آنرا و

لَفِيحًا كَاسِيبِينَ ۴ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً

امری که در دست و هر آینه دادیم موسی و هارون را کتاب فیصله کننده و روشنی و

ذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ ۵ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ

بندگی پذیران را آنانی که می ترسند از پروردگار خویش غایبان و ایشان از قیامت

مُشْفِقُونَ ۶ وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ تُنْكِرُونَ ۷

ترسانه کننده و این قرآن پند سے است بابرکت و فرستادیم آنرا ای شما بآن منکر اید و

لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِعِلْيَاسٍ ۱ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ

برآوردیم ابراهیم را راه یابی او پیش ازین و بودیم باحوال او دانایان چون گفت پدر خود را و

قَوْمِي مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ۲ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا

قوم خود را چیست این مجسمه ها که شما بر آن مجاورت دارید گفتند یا قیتم پدران خود را آنرا

عَبِيدِينَ ۳ قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۴ قَالُوا أَجِئْتَنَا

پرستنده گفت هر آینه بودید شما و پدران شما در گمراهی ظاهر گفتند آیا آورده ای ما

بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتُمْ مِنَ اللَّاعِبِينَ ۵ قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

بالحق راست را یا تو از بازی کننده گانی گفت بلکه پروردگار شما خداوند آسمان و زمین است

الَّذِي قَطَرْنَاهُ مِنْ عَالٍ ۶ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ۷ وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ

آنکه آفرید این بارها و من برین سخن قائم و از شاهدانم و قسم به الله (هر آینه) چاره کنم

أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُولََّوْا مُدْبِرِينَ ۸ فَجَعَلْنَاهُمْ جَذَا ذَٰلِ الْأَكْبَرِ ۹

بنیان شمارا بعد از آن که رو بگردانید پشت داده پس ساخت آنها را ریزه ریزه مگر بزرگ را از ایشان تا بود که

الْيَوْمِ يَرْجِعُونَ ۱۰ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَٰذَا بِالْهِنْدَانِ ۱۱ لَيْسَ الظَّالِمِينَ ۱۲ قَالُوا

بوسه او ایشان باز گردند گفتند که کرده است این کار بخدا یا نه هر آینه دوسه از شما کاران است بجهانم گفتند

بِمَعَانِفَةٍ يَدُّ كُرْهُهُمْ يُقَالُ لَكَ إِبْرَاهِيمُ ۱۳ قَالُوا أَفَاتُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ عَالِمِينَ ۱۴

شستیدم از جواز آن که ذکر تبار میگرد یعنی عیب می کرد گفت می شود او را ابراهیم گفتند بیارید او را و محصور چشم مردمان

لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ۱۵ قَالُوا أَإِنْتَ فَعَلْتَ هَٰذَا بِالْهِنْدَانِ ۱۶ إِبْرَاهِيمُ ۱۷ قَالَ بَلْ

تا بود که ایشان گواهی دهند گفتند آیا تو کرده ای این کار بخدا یا نه ابراهیم گفت بلکه

يَدُّ كُرْهُهُمْ يُقَالُ لَكَ إِبْرَاهِيمُ ۱۳ قَالُوا أَفَاتُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ عَالِمِينَ ۱۴

شستیدم از جواز آن که ذکر تبار میگرد یعنی عیب می کرد گفت می شود او را ابراهیم گفتند بیارید او را و محصور چشم مردمان

عصای حباب را قطع و صاحب نهانی است و بعد از آن حاسبه دیگر صورت می گیرد برای محاسبه اعمال تمام مخلوق بمعاد و مددگاری قطعا ضرورت نداریم بعد از آن خداوند نشان داد که سلسله انذار و تحذیر از ساجده باین طرف میسر بر میان داشته است و آنچه را بیکدیگر هر دو حضرت محمد صلی الله علیه و سلم مردم را می ترساند انبیای سابق هم مردم را از آنها می ترسانند و خداوند حضرت خلیل به پدر و قوم خویش گفت که اندکی از اصلیت و حقیقت آنها بیایان کنید که این بت های سنگی بدست خود تراشیده اید بیکدیگر دین خدا گردیده اند و هیچ شهادت عقل و فطرت و نقل معتقد به خدا را ندارند و باوجود نبوده لیکن بزرگترین دلیل بر حقیقت بت پرستی آن است که آنها را عباد از انیم الامم پرستش اصنام می کردند پس طریق بزرگان اسلاف خود را چگونه ترک نمانیم و الله ما بین دلیل حقایق و دانش خدا ثابت شد الهی باشد است که پدران شمارش شاگرد و بیله خود بودند شاگرد بوده به تقدیر کرد و آنرا است

و این را از کتاب و حدیث می گویند

صل العبد في آتش

انداخته و در آتش

زمین شام ۱۲

تفسیر عثمانی

ضرورت برسد از

من نیست فرض کنیده

که این بت کلن کج و

سالم ایستاده است

و او شکستن هم نزدش

موجود است این کار

را کرده باشد و بیک

در اثناء بحث تحقیق

بطور الزام و حکمت می

توانم دعوی کنم که بت

کلان همه بتین خود را

راست گشته اند اکنون

شاید دلیل دارد که

این عمل از او بوقوع

نیوست زیرا می دانند

که در دنیا کارهای کلان

را برای خود را و برای

عظیم باطنی کوچک را

می بیند و مسامحین

کلان مسامحت می

خورد و اتباع و محکوم

می سازند بنا بر این

طریق بهتر می برآید

فیصل دعوی ما در

این است که خود را

از این معبودان اگر

سخنی زده بخواهند

ببرسد که این اجرا

چگونه صورت گرفت

البته در این مسائل

غاموش نمی مانند

در دروغ و راست

را فیصل می کنند

ز قبیله از طرف

سیاق ما واضح شد که

گفتن بل غلط گیریم

بنا بر اخبار طایف

واقعه بود که حقیقت

دروغ گفته شد بلکه

الکلام شرطی است که

نقض تحقیق و تبیین آنها

بسیار اشغال فرموده

چون در دعوی و غیره

فعله لا یبدرهم هذا فستوههم ان كانوا یطغون ۱۱ فارجعوا الی انفسهم

کرده است از این بت بزرگ ایشان پس سوال کنید از جهان اگر سخن می گویند پس رجوع کرده اند بخود ایشان

فقالوا انکم انتم الظالمون ۱۲ ثم نکسوا علی رؤسهم لقد علمت ما هؤلاء

پس گفتند بایکدیگر برآیند شاید ستمکار پس گفتند برآیند ستمکارید پس فرمودند به سرهای خود (سر نهان شدند) و گفتند هر آینه می دانای که عمل اینها

یظفون ۱۳ قال افتعدون من دون الله فاما ان یفعلکم شیئا ولا یضرکم

سخن می گویند گفت ای عبادت می کنید بخدا چیزه را که هیچ بیگانه را رساند بجا و زیان نکند شما را سخن می گویند گفت ای عبادت می کنید بخدا چیزه را که هیچ بیگانه را رساند بجا و ضرر میرساند بجا

اولکم ولما تعبدون من دون الله افلا تعقلون ۱۴ قالوا حرقتهم

تا خوشی ست و بخواه با یکدیگر شامی برستند بخیر خدا ایامی جمیع بایکدیگر گفتند که بسوزانید او را و

انصروا الیه فاعلم انکم فعلین ۱۵ قلنا ینار کونی بردا و سلما علی

لصرت و پس خدا یان خود را اگر کنند اید و صلعتیم اے آتش سرد شود و سلامتی باش بر

ارهمیم ۱۶ و ارادوا ان یکید الفجعة لهم الا خسرین ۱۷ و یحین و لو طار الی

ایراهم و خواستند باو فریب کردن پس ساقیم ایشان را زبانی کارفرما و بر ما می بیند ابراهیم را و لوط را بسوی

الارض لقی برکن فیهم العلمین ۱۸ و وهبنا له السبق و یعقوب نافلة

زینتی که برکت نهادیم در آن عالم با او و عطا کردیم او را السبق و عطا کردیم او را یعقوب که بیشتر ابراهیم بود

و کما جعلنا صلیحین ۱۹ و جعلناهم ائمة ۲۰ و نیا و اوحینا الیه

و هر یک را ساقیم شیخو کار و پیشوا گردانیدیم و ابراهیم را و اوحی نمودند بفرمان ما و می فرستادیم بسوی ایشان

فعل الخیر و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة ۲۱ و كانوا الناعیدین ۲۲ و

کردن نیکیها و بر پا داشتن نماز و دادن زکوة و بودند ماری عبادت کنندگان و بودند نیکی با و بر پا داشتن نماز و دادن زکوة و بودند برای ما پرستندگان و امانی و

لوط ائمة حکما و علما و نجین من القرینة التي كانت تعمل نجاسة ۲۳

لوط را دادیم حکمت و علم و دیر بازیدیم او را از یه که می کرد کارهای ناپاک برآیند ایشان

و لوط را دادیم حکم و علم و نجات دادیم از قرینة که می کردند بایکدیگر برآیند ایشان

كانوا اقوام سوء فیسقین ۲۴ و ادخلناه فی رحمتنا ان من الصلیحین ۲۵

بودند قوم بد گنهار و در آوریم او را برکت خویش برآیند و سه بود از شایسته کاران

و نوح اذ نادى من قبل فاستجبنا له و اهلک من الکرب

و یاد کن نوح را چون دعا کرد پیش ازین پس قبول کردیم دعاى او را پس خلاص گردیم او را و گمان او را از اندوه

و لوط را چون دعا کرد پیش ازین پس قبول کردیم دعاى او را پس نجات دادیم او را و اهل او را از شرشانی

العظیم ۲۶ و نصرنا من القوم الذین کذبوا بآیتنا انهم كانوا اقوام سوء

بزرگ و نصرت دادیم از ابراهیم قومی که دروغ می کردند آیات ما را برآیند ایشان بودند گروهی بد

بزرگ و نصرت دادیم او را بر قومی که تمذیب می کردند آیات ما را برآیند ایشان بودند گروهی بد

و نصرنا من القوم الذین کذبوا بآیتنا انهم كانوا اقوام سوء

بزرگ و نصرت دادیم او را بر قومی که تمذیب می کردند آیات ما را برآیند ایشان بودند گروهی بد

و نصرنا من القوم الذین کذبوا بآیتنا انهم كانوا اقوام سوء

عَنْهُمْ مَبْعَدُونَ ۝ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَةً وَهُمْ فِي مَا شَأْنُهُمْ أَنْفُسُهُمْ

از دوزخ دور کرده شوند نه شنوند آواز دوزخ را و ایشان را بپای خود خبری نیست نفس ایشان

خَلِدُونَ ۝ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ

جای دارند از دوزخ و بزرگ ترس آنرا برایشان نیست و فرشتگان گویند ایست آن روز که

الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۝ يَوْمَ يُطَوَّى السَّمَاءُ كُتُي السَّجَّادِ لِلْكَتَبِ كَمَا

شمارا وعده داده می شد روزی که در پیچ آسمان را مانند سجده کنندگان برای کتاب چنانکه

بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعِيدُهُ وَعَدُ عَلَيْنَا حَافِلِينَ ۝ وَلَقَدْ كُتِبْنَا

آغاز کردیم اول آفرینش را دیگر باره کنیم آفرینش وعده لازم شده بر ما (بر آفرینش) ما ایستاده ایم و هر آینه نوشتیم

فِي الْبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ ۝ إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ۝ إِنَّ

در زبور بعد از ذکر است زمین مالک میشوند آنرا بنده گان راستین ما (بر آفرینش)

فِي هَذِهِ الْبَلَاغَةِ الْقَوْمَ عَمِيدِينَ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ۝ قُلْ

در این بشارت نعمت است گروه عابدان را و فرستادیم ترا مگر از روی مهربانی بر عالمها بگو

الْبَنِيَّانِ إِلَى اللَّهِ إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ قُلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ فَإِنْ

بنیانی نیست که حق فرستاده می شود مگر از یک خداست پس آیا گردن نهاده میستند پس اگر

تَوَلَّوْا فَقُلْ أَدْرَأَيْكُمْ أَقْرَبُ أَهْلُ بَيْتِهِ أَمْ بَعِيدٌ فَأَوْعَدُكُمْ

اگران کنند پس بگو خردم شما را چه که بر برابر باشد و حق دادم که نزد یک است یا دور است آنچه وعده داده می شود

أَنْ يَكُونَ لَكُمْ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ۝ وَإِنْ أَدْرَأَيْكُمْ لَعَلَّه

بر آفرینش خدای دانده شما را از سخن و می دانند آنچه پنهان می کنید و حق دادم شاید تا خبر خود

فِتْنَةً لَّكُمْ وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ۝ قُلْ دَرَبٌ أَحْكَمُ بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ

ابتلا باشد شما را و بهره مندی باشد تا مدتی پس بگو راه راست حق است و پروردگار ما بخشنده است

كَفَىٰ بِالْحَبِيبِ ۝ السُّتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ۝ وَسَيُجَنَّبُكُمُ الرَّحْمَنُ

از و سعه طلب کرده می شود بر آنچه بیان می کنید

بَارِي خَاسِرٌ يُّشَوِّدُكَ ۝ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۝ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُقَدِّرُوا

پس بگو خداوندی که می خواهد و میسر می آید

لَا يَسْمَعُ سَمْعًا وَلَا يَرَىٰ بَصَرًا ۝ يَوْمَ تَكُونُ السَّاعَةُ ۝ يَوْمَ تَكُونُ السَّاعَةُ ۝ يَوْمَ تَكُونُ السَّاعَةُ ۝

آن روز که روز قیامت باشد چیزهای بزرگ است روزی که می بیند آنرا

بَارِي خَاسِرٌ يُّشَوِّدُكَ ۝ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۝ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُقَدِّرُوا

پس بگو خداوندی که می خواهد و میسر می آید

فل یمنی در آخر زمان
پیغمبر می مبعوث شود
و امت او بر زمین
غالب شود و از انعام
تفسیر غلغلی
عنه این است بیان
رسالت باو وحید و
لب لباب رحمت عظیمه
که آن حضرت با خود آورده
اند همانا تو میدانی که
است انسان نیاید
در پذیرش نقی و قبولی
ایم نعمین بزرگ
مقدس و معین بزرگ
و طبیعتی را و او را پس
آیا شاد و قبول حق و
تسلیم یاق مستند و
حاضریه اگر آماده
باشند نهو الهام و در نه
من تبلیغ کرده برانست
و من خودم اینک خود
توان عاقبت خویش
را بنحیه عده اگر
باین تمام حجت و
الطباع کامل حق را قبولی
نکرد یا بشما اعلا بنمایم
کون من شما بیوم و شما
هم من جدانشد غل
شما شاد و غل من یمن
است و هر کس نیت
اعمال خود را می نگیرد
حضرت شاه رحمت الله
علیه ینوید و هر طرف
یا هر بر او است یعنی
یا غل هر دو
عنه این است بیان
رسالت باو وحید و
لب لباب رحمت عظیمه
که آن حضرت با خود آورده
اند همانا تو میدانی که
است انسان نیاید
در پذیرش نقی و قبولی
ایم نعمین بزرگ
مقدس و معین بزرگ
و طبیعتی را و او را پس
آیا شاد و قبول حق و
تسلیم یاق مستند و
حاضریه اگر آماده
باشند نهو الهام و در نه
من تبلیغ کرده برانست
و من خودم اینک خود
توان عاقبت خویش
را بنحیه عده اگر
باین تمام حجت و
الطباع کامل حق را قبولی
نکرد یا بشما اعلا بنمایم
کون من شما بیوم و شما
هم من جدانشد غل
شما شاد و غل من یمن
است و هر کس نیت
اعمال خود را می نگیرد
حضرت شاه رحمت الله
علیه ینوید و هر طرف
یا هر بر او است یعنی
یا غل هر دو

از این شهادت که در آیتانی این حدیث می کند و از شدت باها آمده و باطن مصلحت باشد که چندی مشغول اند و دنیوی گروه و پیاده مشغولت خود را می میریزد سازید ۱۲

عزل زلزله های بزرگ
قیامت و قیامت کی
در عین قیامت و
یا بعد از قیامت
و دم اندکی پیش از قیامت
که از علامت قیامت
بشارت و ماگر در این
موقع بود من مراد باشد
ایست بر معنای ظاهر
خوبانی میباید اگر اولی
مراد باشد و احتمال
دارد: سخت آنکه قیامت
زلزل شود و زمان غیر
دمنده باز زمان حال
بیشتر خوشتر شود
و باز زلزله ای و
شداید آنجا مراد باشد
و اگر بایم تره نباشد
تذلل علی مرضه بطله
تخلیل علی شرجین
معنی دارد که آنقدر
اضطراب و سختی و
اختلال حواس رو
میاید که اگر زبان
شیر دمنده موجود باشد
از فطرت و بیانشانی
اطفال خود را فراموش
می کنند و من زمان
حادثه را میگوید آن
وقت مردم چنانند
و بی خبر میشوند که میکنند
آنندامت شراب
می پندارد حال آنکه
در آن زمان موجود
نیست بلکه از مشاهد
عذاب خدا و دریت
عقوبات و عتوب باورش
و حواس خود را میبازند
(تفسیر) اگر این
پیشانی و آفتابی
برای مردم باشد
دره و لاجرم بنم افروز
الاکرونی با قمار اکثر
احوال است و در اینجا
انجات با اختیار است
تبدیل می باشد اگر این
ما تره در حق اکثر مردم باشد و در حق قطعا اشکال نیست ۱۲

تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعُ وَتُؤْتِي الْحَمْلَ حَمْلًا وَثَرًا

فافل شود بر شیر دهنده از طایفه که شیر می دهد و بر زن باردار شکم خود را زیاده بینی
غافل شود از آن بر زن شیر دهنده از طایفه که شیر میدهد و میداند بر زن حامله خود را و بینی

النَّاسُ سُكْرَانٌ كَمَا هُم بِسُكْرَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ۵۰ وَمَنْ

مردمان را مست شده و مستند است و لیکن عذاب خدا سخت است از
مردم را مست و مستند است (مست عظمی) و لیکن عذاب خدا سخت است و بعضی

النَّاسُ مَنْ يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مُرِيدٍ ۵۱

مردمان کسی هست که گفتگو می کند در شان خدا بغیر دانش و پیروی می نماید هر شیطان تمرد را که در فضای الهی توفیق شده است
مردم آن است که گفتگو میکنند در شان خدا بغیر علم و پیروی می کنند هر شیطان سرکش را که توفیق شده

عَلَيْهِ أَنْ مَن تَوَلَّاهُ فَإِنْ يُضِلَّهُ يَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِينَ ۵۲

برو دے کہ ہر کدوست داری او کند پس دے گمراہ کننش و راہ ناید پس بسوئے عذاب آتش آے
برو دے کہ (بر آئیند) کسی که دوستی کند با او پس بر آئیند و گمراہی کند آنرا و راہی ناید و راہ بسوئے عذاب دوزخ آے

النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ثَرَابٍ ثُمَّ مِنْ

مردمان اگر در شک اید از رنجیز پس بر آئیند ما از خردیم شما را از خاک باز از
مردم اگر هستید در شک از زنده شدن دوباره پس بر آئیند ما از خردیم شما را از خاک باز از

نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنَبِّئَنَّكُمْ

نطفه باز از خون بسته باز از گوشت پاره صورت دادیم و غیر صورت دادیم و می گوئیم ما را از خردیم برای شما
نطفه می باز از خون بسته باز از پاره گوشت صورت دادیم و غیر صورت دادیم و می گوئیم ما را از خردیم برای شما

وَنَقَرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَدَّدٍ ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

و قرار میدیم در رحمها چیزی را که خواهیم تا میعاد رسین باز بیرون می آوریم شما را کودکی شده باز تربیت می کنیم
و قرار میدیم در رحم با آنرا که خواهیم تا وقت معین باز بیرون می آوریم شما را (مردم) طفل باز تربیت میکنم

لِنَبَاغُوا أَشَدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّنْ يَتَّقِي وَيَمْشِي إِلَىٰ آثَارِ اللَّهِ يُخْرِجُ

تا برسد به نهایت جوانی خود و از شما کسی بود که تقوی ادا کرد و آید و از شما کسی بود که بازگردد انهد شود به بدترین طر
تا برسد به نهایت قوت خود و بعضی از شما آن است که دانات کرده میشود و بعضی از شما آن است که بازگردانده میشود به بدترین طر

لِكَيْ لَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتُرَى الْاَرْضَ هَامِدَةً ۵۴ فَاذْأَنْزَلْنَا

تا نداند چیزی را بعد از آن که می دانست و می بینی زمین را خشک شده پس و قیامت فرود ستادیم
تا نداند چیزی را بعد از آن که دانستن آن و می بینی زمین را خراب افتاده (خشک) پس چون فرود آوریم

عَلَيْهَا الْمَاءَ أَهْلُهَا تَرَىٰ وَرَبِّكَ وَأَنْتَبِتُ مِنْ كُلِّ رَوْحٍ فَهَبْ ۵۵ ذَٰلِكَ يَنْزِيلُ

بر آن آب را جیش کند و با فزاید و بدو یاند از هر قسم روئی و هوا ایستهم به موجب آنست که
بر آن آب را تازه شود (روح کند) و میفرزاید و بدو یاند از هر قسم باد و روئی (و زیاده) پس لبیب آن است که هرگز

اللَّهُ هُوَ الْحَقُّ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْمَوْتَىٰ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۵۶ وَأَنْتَ

الله هموست ثابت و آنکه دے زنده می کند مردگان را و آنکه دے بر هر چیز توانا
الله اوست ثابت و آنکه او زنده می کند مردگان را و آنکه اوست بر هر چیز توانا

السَّاعَةِ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ۵۷ وَمِنْ لَّكُلِّ

قیامت آمدنی است نیست رنجیز در آن و آنکه خدا بر انگیزد و آنرا را که در گور باشند و از مردمان کسی هست
قیامت آمدنی است نیست شک در آن و آنکه خدا بر انگیزد و آنرا را که در گور باشند و بعضی از مردمان

مَنْ يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ ۵۸

که گفتگو کند در شان الله بغیر دانش و بغیر هدایت و بغیر کتاب روشن پیچنده
آنست که مجادل می کند در شان الله بدون علم و بدون برهان و بدون کتاب روشن در حالیکه مردمانند است

عَلَيْهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

تا کہ گمراہ کند از راه خدا اور است و در دنیا رسوائی و بچاقم اورا روز قیامت
تا کہ گمراہ کند (مردم را) از راه خدا یزای دوست در دنیا و سوائی و بی عیاشی اورا روز قیامت

عَذَابُ الْحَرِيقِ ۝ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْت يَدَكَ وَإِنَّ اللَّهَ لَيَبْظُرُ

غلاب سوختن گویم این به سبب آن اعلیٰ صفت که پیش فرمودش دودست تو و به سبب آن صفت که خدا داشت هم گفته
غلاب (آتش) سوزنده (گفته میگوید از طرف خدا این به آن صفت صفت که پیش فرموده بود دست تو و آن خدا صفت گفته دست

عَبِيدُ اللَّهِ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْبِدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَلَدٌ

و از مردمان کے بہت کہ عبادت می کند خدا را بر کناره پس اگر برسد اورا جنتے
و بعضی از مردمان آنست کہ بندگی میکند اللہ را بر کناره پس اگر برسد اورا جنتے

طَمَانٍ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبْ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ

رام کرد یاں عبادت و اگر برسد ادا بلائے
بر گرد بر مدئے خود نریان کار شد در دنیا :
بت می اندر بر بندگی و اگر برسد ادا نصیحتی
بر می گرد بر روی خود نریان کرد در دنیا :

لَا خَيْرَ دَلِكْ هُوَ اخْسَرَانُ السَّيِّئِينَ ۝ كَذَّبُوا عَنْ كَوْنِ اللَّهِ ۝

خبر	ایست	زیان	ظاهر	به نیایلی می خواند بخزند اجمیرم اگر زیان ندرساندش
خبر را	پس است	زیان	آشکارا	می خواند پرستش می کند، بخزند الله بخزند اگر زیان را بماند او را

وَالْأَيْفَعَةُ ط ذَلِكَ هُوَ الصَّلَاةُ الْبَعِيدَةُ ٦ يَدْعُو الْبَنَاضِرَةَ أَقْرَبَ مِنْ

سوڈن ویدیش	اینسٹ	گمراہی	دور	یوحنا کے راکر زبان اونزدیک قرمت از
نئے دہادورا	گیس است	گمراہی	دور (از حق)	یوحنا (دیر مرنہ) گیس راکر عزرا اونزدیک قرمت از

وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ فَكَفَرُوا بِهِ فَتَقَدَّرَ عَلَيْكَ الْعَذَابُ إِنَّا نَسْفِكُ بِالْحَدِيدِ

د: هر آينه بد خداوند است و بد عار است هر آينه خدا در آرد آنان را که ايمان آورده اند
خ: هر آينه بد دوست و بد رفيق است هر آينه الله در آرد آنان را که ايمان آورده اند

عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّتٍ يَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٥٠﴾

رای شایسته کرده اند و برنوستاها که میزدند زیر آن جوینها سهر آینه غذا می کند آنچه می خوابد
ده اند کارهای شایسته در جنت با نیک میزدند زیر آن جوینها سهر آینه غذا می کند آنچه می خوابد

كَانَ يَظُنُّ أَنَّ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَمَّا دُسِدَ

که گمان کن که هرگز ده خواهر کردار الهی در دنیا و آخرت پس بیادیزد در میان

السَّامِعُ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يَذْهَبُ بَيْنَ كَيْدِهِ مَا يَغِيظُ ۝ وَكَذَلِكَ

بیا یا با یاد باید که حضور خود پس در نزد
 آید دوری کند این تدابیر را چنانچه در کتب چشم آدرده و هم چنین
 به آسان (بالا) پس علاج کند آنجا میبندد آیا داخل می کند حیل را چنانچه در کتب چشم آدرده (دادا) و هم چنین

لَمْ يَكُنْ يَدْعُهُمْ إِلَّا الْإِسْلَامَ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَدْعُونَ

زستادیم قرآن را آیات روشن دیدار می نماید هر گرا خواهد ^{بر آینه} آنان که ایمان آورده و ندو
زستادیم قرآن را آیات روشن و اینک اثر راه می نماید هر گرا خواهد شد ^(بر آینه) آنانکه ایمان آورده و نه

يُنْهَدُوا الصَّابِقِينَ وَالنَّصْرَةَ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَتَوْا بِهَا

و بران و ترسایان و نصاری و مجوس للعبد و آتایک شرک آورده اند

اللَّهُ يَفْضُلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنْ أَلَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝

مطلع صت	هر آینه عدا بر سر چرخ	حاجت جصل خواهد کرد میان ایشان در روز قیامت
۱۴۰۲ است	(هر آینه) شیر بر لب چرخ	(پند) الله فیصل کند در میان ایشان در روز قیامت

کتابخانه کلام مقام و کلام حضرت است ۱۸۰

طایفه از مرد تنگ

تفیر عثمانی

عنه یک نوع سوره

آن است که تمام مخلوق

آسمان و زمین در آن

اشترک دارند این سوره

عبادت از آن است که

پیش قدرت او تامل

جل جلاله بکویت تمام

و مستقاد و تابع باشند

خواه خواه همه بجز رند

که محصور او تامل

سر نیاز فرد

آرند نوع دوم

سوره برای سوره بعد

جدا گامی باشد آن

این است که هر چیز را

که برای کلام کلامی آفریده

در آن مشغول شود چنین

سوره را بسیار می کنند

و بسیار می کنند

مگر از آن است که

سائر مخلوقات

بجای آن نمی آید

در آن الله سوره

سوره هر چیز مطابق شان

و وضعیت آن مراد

خواهد بود و باید از من

فی الارض و دیگر سوره

مقدور شود - سوره

که کل کعبه شریف از آن

مقدس و متبرک بوده ولی

بعد از در قرن هجری

متداول ازین مقام شرف

باقی نماند حضرت ابراهیم

از جانب خداوند ماحور

شد ثابت الله را بر همه

کنند و موقع آن

مقام مقدس باو

نشان داد و سوره

احضرت ابراهیم

عبدالسلام بر سر خود

و بعد تعریف کند با خود

شریک ساخت (عزیز)

پیشتر (مصدق) و کرد

و نمائند آن احوال

نمای گوید بعضی احکام متعلق آن بیان گردید ۱۲

الَّذِينَ يَسْجُدُونَ لِلَّهِ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَ

آیندی که سجده می کنند خدا را آنگاه در آسمان باشند و آنگاه در زمین اند و آفتاب و

آیندی که (هر آینه) الله را سجده می کند آنگاه در آسمان باشند و آنگاه در زمین اند و آفتاب و

النَّجْمُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ

ماه و ستارگان که باو درختان و چهار پایان و بسیار از مردمان و بسیار کس هستند که

ماه و ستارگان و کوه باو درختان و چهار پایان و بی از مردمان و بسیار از ایشان

حَقُّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُنِ هُنَّ اللَّهُ فَمَالَهُ مِنْ مُكْتَرَمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ

ثابت شده است بر ایشان عذاب و هر که از او کند خدا بر نیست و در هیچ گوی دارند هر آینه خدا می کند

لا يَشَاءُ هَذِهِ خَصْمَتِي فَمَنْ يَصْحَبُهَا فَإِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُؤْتِي

آفرینی خواهد این دو فریق دشمنان یکدیگر اند خصومت کردند در میان خود و در کار خود قطع کرده شد

آفرینی خواهد این دو فریق دشمنان یکدیگر اند خصومت کردند در میان خود پس آنگاه کافر شدند بریده شده

لَهُمْ تَبَاتٌ مِنْ نَارٍ يَصْحَبُ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمْ لَا يَرَوْنَ سَاءَ مَا فِي

برای ایشان جامه از آتش رفته شود بالای سر ایشان آب گرم که اخته گردد بر هر چه در

برای ایشان جامه از آتش انداخته می شود از بالای سر برای ایشان آب جوش که اخته می بر آید بر آن آفرید

بَطُونِهِمْ وَأَجْلُوهُمْ وَلَهُمْ تَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ كُلُّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا

شکم ایشان باشد و پوست نیز و برای آن وقت ایشان همی باشند که باز آید بر گامی که خواهند که بر آید

شکم باقی ایشان است و پوست باینهمه ایشان راست چش (گردان) از آید بر گامی خواهند که بر آید

مِنْهَا مَنْ غِيَا عِيدٌ وَافِيهَا وَذَوْ قُوَا عَذَابِ الْحَقِيقِ إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ

از دوزخ قلماس شوند از آنده باز گردانیده شوند آنجا و گفته شود بچشید عذاب سوختن بر آینه خدا درمی آرد

از دوزخ از جهت غم باز گردانیده می شوند در آن و گفته شود بچشید عذاب آتش سوزان بر آینه الله می آرد

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُجْرُونَ فِيهَا

آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و در پوستانها می رود و زیر آن جوی می آید و می خورند آنجا

آنان را که ایمان آورده اند و کرده اند اعمال شایسته و در تحت پا که جاری می باشد زیر آن جوی می آید و می خورند ایشان در آنجا

مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَتُؤْتَوْنَ لِبَاسًا فِيهَا خَيْرٌ وَهَذَا إِلَى الْكَلْبِ

و ستونهای از زر و پوشانیده شوند و در لباس ایشان آنجا برایشان بود و در آنده شده و ایشان را بر آید

و ستونهای از طلا و مروارید و پوشاک ایشان در آنجا برایشان است و در آنده شده و ایشان را بر آید

مِنْ الْقَوْلِ وَهَذَا إِلَى عِزِّ الْعَمِيدِ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصْطَدُوا عَنْ

از سخن و ولایت کرده شد ایشان را بر آید خدا سوره هر آینه آنگاه کافر شدند و بازمی دارند از

سخن و ولایت کرده ایشان را بر آید راه خداوند است و هر آینه آنگاه کافر شدند و منع می کنند از

سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً لِمَا كَفَرُوا بِهِ وَالْبَيْتَ

راه خدا و از مسجد حرام که پیدا کرده ایم آنرا برای مردم که برابر است باشند در آن و در شوند از حرام

راه الله و از مسجد حرام آنکه گردانیده ایم آنرا برای مردم که برابر است باشند در آن و در شوند از حرام

وَمَنْ يَرْذُفِ بِالْحَادِ يُظْلَمُ نَذِقْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ وَادْبُوْنَا لَا يَرْهِيهِ

و هر که خواهد آن مجروری بپوشد ظلم می چشاند و در عذاب دردمند و یاد کن چو من مرا چشیدم برای ابراهیم

و کسی که خواهد در آن مجروری بپوشد ظلم می چشاند و در عذاب دردناک و یاد کن چو من مرا چشیدم برای ابراهیم

ولا يفتنه ضرار

ایشان را

سبب آنکه ایشان

ظلم شدند

درین آیت و اینست

بر صحت خلافت خلفا

از پیروان ایشان از

مهاجرین و انصار و

و مکن شدند زمین

پس لازم آید که قاصد

صلوة و اجازة و

امر معروف و نهی منکر

از اینان بظهور رسد

و عین فی الامراض چون

باین خصال جمع شود

همانست خلافت نبوت

تقریر عثمانی

درین آیت اصل

نقد قرآنی بیان شد

یعنی بعضی ازین کردند

چنانچه گوشتند

خوردن و

خوراندن

یا حق ریختن

گاهی رضای ایضا

حاصل کرده می توانند

و این گوشت و خون

بر خاسته بدو الهی

رسیده می تواند

تقوی و ادب دلش

بکفر و ادب علیه

که چگونه با صیبت

و غلامی رفت

تا یک چیز نباشد

و اینرا اجازه نمود

و بنام او به بین الله

برده و فتح می نمایند

گویند پیغمبر این از برای

ظاهر که خود را هم

راه رضای تویری

قرآنی دادن حاضر

این همان تقوی است

که مایه و من یظلم

شمار الله خانه من

تقوی القلوب و ذکر

شده که عاشق خدا

طفیل آن رضای محبوب

الصَّلَاةُ وَمِمَّا زَكَّاهُمْ يَنْفِقُونَ ۝ وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ

منازرا و آنان را که از آن پاکیزه کردی دادیم ایمان را ایشان خرج می کنند و هم از آن قربانی را ساخته ایم برای شما

منازرا و آنان را که از آن پاکیزه کردیم ایشان را خرج می کنند و شما را برای هدیه می فرستیم که از آن هدیه برای شما از

شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ۝ فَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حَتَّىٰ تَمُوتُوا ۝ فَإِذَا

شعائر خدا شمارا و در آن بیستی است پس یاد کنید نام خدا را

شعائر الله را تا بمیرید نام الله را بران (خدا را) و هرگاه که می خواهید از آن یاد کنید پس چون

وَجِبَتْ جَنُوبُهُمْ فَأَمَرُوا الْأَقْبَانِ وَالْمَعْتَرَةَ كَذَلِكَ

بزمین افتاد پهلوی آن بخورید اذان و بخورید در پیش بے سوال و او سوال کننده را هم چنین

(بزمین) بیفتد پهلوی بانه آنها پس بخورید اذان و بخورید تناعت کننده و بیقرار را

سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ لَن نَّبَيِّنَ لَكَ سُحُورَهُمْ لَوْلَا دِمَاؤُهُمْ

رام گردانیدیم چهار پایا را برای شما لعل که شکر کنید می رسد بخدا گوشت قربانی با و نه خون این با

مست شود چهار پایا را برای شما تا عشا شکر کند هرگز نمی رسد به الله گوشت بانه آنها و نه خون بانه آنها و

لَكِن نَّبَيِّنَ لَكَ التَّقْوَةَ مِنْكُمْ ۝ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَنُكَبِّرَنَّ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا

لیکن می رسد بگوشت پرستگاری از شما

لیکن می رسد باو حلاله تقوی شما

هَذِكُمْ وَلِتُكَبِّرُوا الْحَسَنِينَ ۝ إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا

راه نمود شما را و بشارت ده بیکو کاران را

راه نمود شما را و بشارت ده بیکو کاران را

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ۝ اذْهَبْ لَكَ الْبَدَنَ لَكَ الْبَدَنَ

هر آینه خدا دوست نمی دارد هر خیانت کننده ناسپاس را

هر آینه خدا دوست نمی دارد هر خیانت کننده ناسپاس را

وَلَا يَكُنْ لَكَ الْبَدَنَ لَكَ الْبَدَنَ ۝ اذْهَبْ لَكَ الْبَدَنَ لَكَ الْبَدَنَ

هر آینه خدا دوست نمی دارد هر خیانت کننده ناسپاس را

هر آینه خدا دوست نمی دارد هر خیانت کننده ناسپاس را

وَلِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ الَّذِينَ

و البته نصرت خواهد داد خدا کسی را که نصرت نصرت خواهد داد خدا کسی را که نصرت نصرت خواهد داد خدا کسی را که نصرت

و البته نصرت خواهد داد خدا کسی را که نصرت نصرت خواهد داد خدا کسی را که نصرت نصرت خواهد داد خدا کسی را که نصرت

مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ ۝ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالنَّعْمِ

دست رکن و بیکو ایشان را در زمین بر پا دارند نماز را و بدین زکوة را و بفرمانند بیکو بیکو

دست رکن و بیکو ایشان را در زمین بر پا دارند نماز را و بدین زکوة را و بفرمانند بیکو بیکو

وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۝ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ۝ وَإِنْ يَكْذِبُوا فَعَدَاكَ

و منع کنند از کار ناپسندیده و خداست نهایت همه کارها و اگر دروغ بگویند دروغ خود را

و منع کنند از کار ناپسندیده و خداست نهایت همه کارها و اگر دروغ بگویند دروغ خود را

قَالَهُمْ قَوْمٌ نَوحٌ وَعَادٌ وَثَمُودٌ ۝ وَقَوْمٌ آيَاهِهِمْ وَقَوْمٌ لُوطٌ

پیش از ایشان قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و قوم لوط و قوم لوط

أَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُلَّ بَنِي مُوسَىٰ فَأَمَلْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهَا

ای مدین و دروغی که در مدینه بود پس مهلت دادم این کافران را و آنکه بخت کرده شده موسی پس مهلت دادم کافران را باز گرفتم ایشان را

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۝ فَكَانَ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ

پس چگونه بود عقوبت من پس با و پیچید که بپایان آنرا و من استیلا نمود پس و من استیلا نمود از قریه ای که ظالم بود و آنرا

خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَبْنَوتُ مَعْطَلَةٌ ۝ أَفَلَمْ يَسِيرُوا

افتاده است بر سقفهای خود و بسیار راه میرا رانده و بسیار بخت کرده و بسیار بخت کرده و بسیار بخت کرده و بسیار بخت کرده

فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ

در زمین تا بود ایشان را و دلها که نمیکند با آنها گوشها که بشنوند و در زمین تا بود ایشان را و دلها که نمیکند با آنها گوشها که بشنوند

بِهَا فَأَمَّا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ۝

پس آنچه حال نیست که نا بینا می شوند چشمها و لیکن نا بینا می شوند دلها که در سینه اند و در زمین تا بود ایشان را و دلها که نمیکند با آنها گوشها که بشنوند

وَيَسْأَلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ ۝ وَإِنْ يَوْمًا عِنْدَ

و در روزی طلبند از تو عذاب را و هرگز خلاف نخواهد کرد خدا و وعده خود را و هرگز خلاف نمی کند خدا و وعده خود را و هرگز خلاف نمی کند خدا و وعده خود را

رَبِّكَ كَأَنَّهُ سِنَةٌ قَنَعَدُونَ ۝ وَكَانَ مِنْ قَرْيَةٍ أَمَلْتُ لَهَا وَ

پس در روزگار تو مانند بر سر سال است از آنچه می شناسی و بسیار است و بسیار است و بسیار است و بسیار است و بسیار است و بسیار است

فِي ظِلِّهَا تَأْخُذُهَا إِلَى الْمَصِيرِ ۝ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي

آن استیلا نمود باز گرفتار کردم آنرا و بسوی من است باز گشت و باز گشت و باز گشت و باز گشت و باز گشت و باز گشت و باز گشت و باز گشت

أَنَا كَذَّابٌ مُبِينٌ ۝ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ

من برای طاعت کننده و عمل کننده ایمان آورده اند و کارهای شایسته کردند ایشانرا است آمرزش و آمرزش و آمرزش و آمرزش و آمرزش و آمرزش و آمرزش و آمرزش

وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُجْرِمِينَ ۝ أُولَٰئِكَ

و روزی بزرگ و آنان که سعی کردند در آیات ما مجرمان و مجرمان و مجرمان و مجرمان و مجرمان و مجرمان و مجرمان و مجرمان

يُحْمَلُونَ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى

در روزی و در فرستادیم پیش از تو و پیش از رسول و پیش از رسول و پیش از رسول و پیش از رسول و پیش از رسول و پیش از رسول و پیش از رسول

الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُجِزُّهُ اللَّهُ إِنِّي

شیطان چیز را در آرزو دهم و پس دوری کند خدا آنچه شیطان انداخته است و باز محکم می کند خدا آیات خود را و شیطان در آرزو می آید پس زاری می گرداند الله آنچه را که شیطان پیش محکم می سازد الله آیات خود را و شیطان در آرزو می آید پس زاری می گرداند الله آنچه را که شیطان پیش محکم می سازد الله آیات خود را

و این یعنی اگر خدا را
نزد مال و در یک روز
تمام کن من بسیار
عزیزت بکنم
معامله که جز آن
نمیداند
تفسیر
من و اگر بگویم دیده
بدل خود نشوند این
دین یا عیدین برابر
است گویا اگر چشم های
ظاهر آنها باطن
لیکن چشم های باطن
شان کور است و در
حقیقت کوری و در
ناهنیانی ظاهر و در
تراست را به او بخوا
عین عذاب در
وقت همین بقیه نماند
می شود پس نماند آنرا
و کذب است و عذاب
خواستن به بوده است
در سالها
برابر یک روز آن
است و چنانچه امر
موجب در قیامت
اوست و بعد از قیامت
نزد سال نیز در وقت
تعبه و اخلاص
بوده جای گرفتار
آوردند و با طلب
این است که هرگز
سال و او تامل در
یک روز انجام میشود
مگر عمل مطابق
حکمت و معصیت
او باشد اجر میکند
طلب مجتهد کسی
و این تاثیر ندارد
و چنین گفته شود که
و عذاب اخروی
حتی عمل میشود
قیامت می آید و بخوا
سزای کامل و در
نزد بندگان روز
قیامت را بیان نمود

دل مترجم گوید مثلا
آنحضرت صلی الله علیه
و سلم خواب دیدند که
بجست کوه اندر نشسته
که غشی بسیار دارد پس
و هم بجانب یام و بحر
رفت و در نفس الامر
در کوه و در مثل آن حضرت
صلی الله علیه و سلم خواب
دیدند که یک در آمده اند
حلق و قهر میکنند پس
و هم آمد که در بهل مال
این سخن واقع شود و در
نفس الامر بعد از
سألهای چند تحقق
شد و اما مثال این
صورت استحقاق عذاب
و منافقان در میان
می آید و الله اعلم
و فی الجمله برکت
تفسیر عثمانی
مفسرین در تفسیر
این آیت اختلاف
دارند مترجم تحقق
داده اند و در شرح
روشن حضرت
شاه عبدالقادر
رحمت الله را اختیار
فرموده است و حضرت
شاه ولی الله قدس
سره در آخر ترجمه
الباقیه بدان طرف
اشاره کرده است
حضرت شاه صاحب
دره موضع القرآن
بنویسند مطلقا یا
فرضی که از طرف الله
نمائے بهی میرسد
در آن تقدیر یک خد
تفاوت واقع میشود
البته فکر و اجتهدا
میجو و درست و لغو
می شود و گوی نیچای
آنحضرت صلی الله
علیه و سلم در خواب
دیدند و خواب نبی
و حیاست که از مدینه بکوفه رفت و عمره را بجای آوردند تصور نمودند که شایدها مثال چنین یوتو ع آید تفسیر بر ص ۳۳۹

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ لِيَجْعَلَ مَا يَفْقِرُ الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ
و خدا و انا با علمت است و تا بگوید خدا آنچه شیطان فتنه را برای آنانی که در دل ایشان
و الله نهایت دانا با علمت است تا بگوید خدا آنچه الفاسقین را فتنه را برای آنانی که در دل های ایشان
مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةُ قُلُوبَهُمْ طَوَّانَ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ۝
بیماری است و آنان که سخت است دل ایشان و دهر آینه ستمکاران در مخالفت و دور دور از اند
مرض است و برای آنانی که سخت است دل های ایشان و دهر آینه ظالمان در مخالفت و دور اند
لِيَعْلَمَ الَّذِينَ أَوَّلُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ
تا بداند آنان که داده شده است ایشانرا علم که حق است از جانب پروردگار پس ایمان آرند پس بنیالین
تا بداند آنان که داده شده است ایشانرا علم که حق است از جانب پروردگار پس ایمان آرند پس بنیالین
قُلُوبُهُمْ طَوَّانَ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صَوَابٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ وَلَا يَزَالُ
دل ایشان و دهر آینه خدا راه نموده است مسلمانان را بسوی راه راست و همیشه باشند
دل های ایشان و دهر آینه الله هدایت کننده است آملانی را را ایمان آورده اند بسوی راه راست و همیشه باشند
الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مَرِيضَةٍ مِنْهُمْ عَسَىٰ تَأْتِيهِمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ
کافران در ستم از آن وحی تا وقتیکه بیاید ایشان قیامت ناگهان یا بیاید ایشان عقوبت
کافران کافرتند در شک از آن تا وقتیکه بیاید ایشان قیامت ناگهان یا بیاید ایشان عذاب
يَوْمَ عَقَابِهِمُ ۝ أَلَمْ يَكُنْ يَوْمَئِذٍ يُوحِي قَوْلَهُ لِمَنْ يَشَاءُ أَنِ ابْنِ خُلُوفٍ مُّطَهَّرٍ ۝
روز نهانیت محض باورش ای آن روز خداست حکم کند میان ایشان پس آنانکه ایمان آورده اند و کارهای
روز نهانیت محض در آن روز خدا را راست میفهمی کن میان ایشان پس آنانکه ایمان آورده اند و کردند
الطَّالِحِينَ فِي جَنَّتِ التَّعْلِيمِ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاُولَٰئِكَ
خاسته کردند در پوسته نهانیت یافت باشند و آنچه کافرتند و دروغ طردند آیات ما را آن چاره
کارهای شایسته در جنت باشد بر نعمت باشند و آنچه کافرتند و دروغ طردند آیات ما را پس آنچاه
لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَاتَلُوا أَوْ
ایشان را باشد عذاب خوار کننده و آنانکه هجرت کردند در راه خدا پس کشته شدند یا
برای ایشان است عذاب ذلت و ستم و آنانکه هجرت کردند در راه خدا پس کشته شدند یا
مَاتُوا أَلَيْسَ لَهُمْ اللَّهُ رَحْمَةً وَاسْتِغْنَاءً ۝ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُ خَيْرُ الرَّزُقِينَ ۝
نمودند بر آینه روزی دهد ایشانرا خدا دوزی نیک و دهر آینه خدا و سببترین روزی دهنندگان است
نمودند بر آینه دهر ایشانرا الله روزی نیک و دهر آینه الله دوست بهترین روزی دهنندگان
لِيُدْخِلَهُمْ قَدْ خَلَّيْنَا رُحُونَهُ طَوَّانَ اللَّهِ عَلَيْهِ حَلِيمٌ ۝ ذَٰلِكَ وَمَنْ
القدر داده و ایشانرا محبت که خوشترند و خوشترند دهر آینه خدا و انا بر باراست حکم ایست و هر که
دهر آینه در آرد ایشان را محبتی که پسند کنند آرد و دهر آینه الله بهترین و انا بر باراست این است علم و کبر
عَاقِبَ بَيْتٍ مَّا عَوَّقِبَ تَمَّ بَغْيٌ عَلَيْهِ لِيَنْصُوتَهُ اللَّهُ طَوَّانَ اللَّهِ لَعَفُو
در پس ایست افتاد و بمانند آنکه اید داده شد و اورد این از آن خود کرده شد بر دین بر آینه نصرت تواند داد و اورد خدا بر آینه خدا
فقرت کند بمانند آنچه عقوبت کرده شد و اورد این پس شدی کرده شود بر دین بر آینه نصرت تواند داد و اورد خدا بر آینه خدا
عَفْوٌ ۝ ذَٰلِكَ بَانَ اللَّهُ يُؤَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ
آوردگار است این نصرت بسبب آنست که خدا در شب را در روز و در روز را در شب و در روز را در شب و در روز را در شب
آوردگار است این بسبب آنست که دهر آینه الله داخل می کند شب را در روز و داخل می کند روز را در شب و
أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ ذَٰلِكَ بَانَ اللَّهُ هُوَ الْحَيُّ ۝ وَإِنَّ مَابَدَّكَ مِنْ كَذِبٍ
بر بسبب آنست که خدا شنوا بیناست این نصرت بسبب آنست که خدا بچو هست ثابت و آنچه می خوانند کافران و کفر و
بر بسبب آنست که دهر آینه الله شنوا بیناست این بسبب آنست که دهر آینه الله دوست حق و دهر آینه الله آنچه را که می خوانند بجزیراد

هُوَ الْبَاطِلُ وَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّى الْبَاطِلَ وَبَسَبَ آتِیْنِ أَنْتَ كَذِبًا بَاطِلًا مَبْدُوءًا بِرُوحٍ شَجَاجَةٍ ۝

وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَوَّى الْبَاطِلَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ الْغَنِيُّ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّى الْبَاطِلَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ الْغَنِيُّ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّى الْبَاطِلَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ الْغَنِيُّ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّى الْبَاطِلَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ الْغَنِيُّ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّى الْبَاطِلَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ الْغَنِيُّ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّى الْبَاطِلَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ الْغَنِيُّ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّى الْبَاطِلَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ الْغَنِيُّ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّى الْبَاطِلَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ الْغَنِيُّ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّى الْبَاطِلَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ الْغَنِيُّ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّى الْبَاطِلَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ الْغَنِيُّ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّى الْبَاطِلَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ الْغَنِيُّ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّى الْبَاطِلَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ الْغَنِيُّ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

فل منزه كودیدین
آیت اشاره است
بآنکه اختلافی شرعی
سبب اختلاف
عصو است و همه
شرایع حق صحت دارد
زبان خود معقول است
پس نزاع در حقیقت
آنهاست باید کرد
تفسیر غنی بجهت
چنانکه به نیت عمر
را شروع کردند لیکن
در میان راه مجروح
که احرام را شکستند
در سال دوم تو خراب
صورت گرفت و با آنکه
بر حضرت و عده غلبه
به کافران داده شد و عمر
نمودند که جنگ علیه
این و عده علی فدا شد
لما صان وقت وقوع
نه میسر به دیگر وقت شد
باز الله میفرماید که
یاد عده بقدر یک سر
موسم لغات موجود
نیست آری در خیال
و اجتماع خود بقرنات
مکن نیست بنی عربی گلی
حتی الوتر را با اینها
تقصی خودی آتیخت
هر کدام را جدا گانه
اشاره می نمود و درین
صورت نسبت صالحه
به شیطان چنانکه موا
الشیطان
ان ذکره «نسبت
کلامی» به او نه
است و این چنین
این انقباضات -
عظیم الشان را بدین
الذکر که گفته اند در
حقیقت مجرب حقیقی
همان خدای باریست
که فرمودی همه باطل است
باید همه ایمان ذات را
خدا بخوانند و معبود

وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَوَّى الْبَاطِلَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ

ملک بنی نفع روح
در وید بن نفع

تفسیر عثمانی

سوره غفره

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۝ ۱ ۝

هر آنکه راستکار شدند مسلمانان

هر آنکه ایمان بردارند و مسلمانان

صَلَاتُهُمْ خَاشِعُونَ ۝ ۲ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعَصِّمُونَ ۝ ۳ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ

از خویش خاضع کنندگان اند و آنان که ایشان از بیهوده روگردانند و آنان که ایشان

از خود فروغی کنندگانند و آنان که ایشان از حق پیروی روا گردانند و آنان که ایشان

لِلزَّكَاةِ قَاعِلُونَ ۝ ۴ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَفِظُونَ ۝ ۵ ۝

زکوة را ادا کنندگانند و آنان که ایشان بفرج خود نگاه دارند و آنان که ایشان بفرج خود

نگاه دارند و آنان که ایشان بفرج خود نگاه دارند و آنان که ایشان بفرج خود

أَمَلَتْ أَيْمَانُهُمْ فَاِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۝ ۶ ۝ فَمَنْ يَتَّبِعْ مَا تَدْعُ فَإِنَّكَ أَنتَ الْفَارُوقُ ۝ ۷ ۝

بر نیکی گان که طلب دست ایشان است پس هر آینه انبیا نگویند که طلب کنند مومن این آیتها

بر نیکی گان که طلب دست ایشان است پس هر آینه انبیا نگویند که طلب کنند مومن این آیتها

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَقْدَامِهِمْ عَاهِدُونَ ۝ ۸ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى

از خود نگاه دارند و آنان که ایشان امانت بپوشانند و عهد خود را رعایت کنند و آنان که ایشان بر

ایشان امانت گذارند و آنان که ایشان امانت بپوشانند و عهد خود را رعایت کنند و آنان که ایشان بر

صَلَاتِهِمْ حَفِظُونَ ۝ ۹ ۝ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ۝ ۱۰ ۝

از خود نگاه دارند و آنان که ایشان امانت بپوشانند و عهد خود را رعایت کنند و آنان که ایشان بر

ایشان امانت گذارند و آنان که ایشان امانت بپوشانند و عهد خود را رعایت کنند و آنان که ایشان بر

فَمِنْهُمْ خُلَدُونَ ۝ ۱۱ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ ۝ ۱۲ ۝ ثُمَّ

ایشان را آفریدیم از گاه و آینه آفریدیم آدمی را از غلاف گل

ایشان را آفریدیم از گاه و آینه آفریدیم آدمی را از غلاف گل

جَعَلْنَاهُ نَظْفًا فَنِيَّ ۝ ۱۳ ۝ ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَاقَةً ۝ ۱۴ ۝ وَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ

سایه آدمی را نظف در قرارگاه استوار

سایه آدمی را نظف در قرارگاه استوار

مُضْغًا ۝ ۱۵ ۝ وَخَلَقْنَا الْمُضْغَ عِظًا ۝ ۱۶ ۝ فَكَسَوْنَا الْعِظَ لَحْمًا ۝ ۱۷ ۝ ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَيْنِ

گوشت پاره پس سایه آن گوشت پاره را استخوان

گوشت پاره پس سایه آن گوشت پاره را استخوان

ثَنَابِكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ۝ ۱۸ ۝ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَنَبَشَرُونَ ۝ ۱۹ ۝ ثُمَّ إِنَّكُمْ

پس بزرگ است خداوند که نیکی تر از آفرینندگان را اندازد و بزرگ است خداوند که نیکی تر از آفرینندگان را

پس بزرگ است خداوند که نیکی تر از آفرینندگان را اندازد و بزرگ است خداوند که نیکی تر از آفرینندگان را

وَمَا الْقِيمَةُ تَبْعَانِ ۝ ۲۰ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا قَوْكُم مِّنْ سَبْعٍ طَرَائِقٍ ۝ ۲۱ ۝ وَمَا كُنَّا عَنْ

و از قیامت بر اینچنین گردید و هر آینه آفریدیم پای شما هفت آسمان و خودیم ما از

و از قیامت بر اینچنین گردید و هر آینه آفریدیم پای شما هفت آسمان و خودیم ما از

سَخْنٍ غَفِيلَيْنِ ۝ ۲۲ ۝ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ۝ ۲۳ ۝ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْآرِضِ وَانبَاتَ

از زمین آب و فرو فرستادیم از آسمان آب را ببارانند پس جا دادیم او در زمین و هر آینه ما

از زمین آب و فرو فرستادیم از آسمان آب را ببارانند پس جا دادیم او در زمین و هر آینه ما

فَالْأَنْبِيَاءُ نَزَّلُوا ۝ ۲۴ ۝ وَفِي الْآخِرَةِ نَزَّلُوا ۝ ۲۵ ۝ وَفِي الْآخِرَةِ نَزَّلُوا ۝ ۲۶ ۝

و در آخرت نازل شدند و در آخرت نازل شدند و در آخرت نازل شدند

و در آخرت نازل شدند و در آخرت نازل شدند و در آخرت نازل شدند

وَفِي الْآخِرَةِ نَزَّلُوا ۝ ۲۷ ۝ وَفِي الْآخِرَةِ نَزَّلُوا ۝ ۲۸ ۝ وَفِي الْآخِرَةِ نَزَّلُوا ۝ ۲۹ ۝

و در آخرت نازل شدند و در آخرت نازل شدند و در آخرت نازل شدند

و در آخرت نازل شدند و در آخرت نازل شدند و در آخرت نازل شدند

این سوره در روز قیامت نازل شد و در روز قیامت نازل شد و در روز قیامت نازل شد

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ وَقُلْ رَبِّ ارْزُقْنِي مَنَازِلَ مُبَارَكًا وَأَمَّا خَيْرُ الْمَالِئِينَ ۝ إِنَّ

سنگاران و بجوای پروردگار من خود را در منزل مبارک و تو بهترین خود را در گنجی هر آینه درین

فِي ذَلِكَ آيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَلْكَافِبِينَ ۝ ثُمَّ أَشْنَانَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ۝

اجرا آن جهاست و هر آینه ما بودیم امتحان کنندگان باز میازیدیم بعد ایشان عرصه دیگر را

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝

پس فرستادیم میان ایشان را از قبیل ایشان که عبادت خدا کنند ششایع مجبور بجزو آیینی نرسید

وَقَالَ السُّلَاطِمُ الَّذِي فِي كَفَرٍ وَأَوَّكِدَ بَوَاقِيَاءَ الْآخِرَةِ وَأَتَوْفَهُمْ فِي

و گفتند رئیس آن قوم و آن که کافر شد و دروغ میفرمود و طاعتات سرایان را باطل می داد و خود را در

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ لَا يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا

زندگانی دنیا نیست این شخص مگر آدمی مانند شما و از این خورده و می خورد و از این آشامیده و می آشامد

شَرَبُونَ ۝ وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذْ الْخَيْرُونَ ۝ أَيْعِدُكُمْ

می آشامید و اگر فرمان برداری کردید آدمی را مانند خویش هر آینه شما را آنگاه نیاید که بپوشد و بدهد شما را

إِنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا إِنَّكُمْ تُخْرَجُونَ ۝ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ

که شما چون نمیرید و عوید غاسک و استخوان می چندید و آلوده خواهم شد بعد مدت بعد مدت

لِمَا وَعَدُونَ ۝ إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ۝

آنچه وعده داده میشود و شما را نیست زندگانی الا زندگانی این جهانست ما می میریم و زنده می شویم و برانگیخته می شویم

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا مَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ رَبِّ

بست این سخن مگر مردی است که افترا کرده و گفته بر خدا دروغ می گویم و ما نیستیم او را تصدیق کننده گفت ایست ب من

أُصْرِكُنِي بِمَا كُذِّبْتُ ۝ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِّيُصْبِحُنَّ نَدِيمِينَ ۝ فَأَخَذْتُهُمْ

گفت و مرا با آنکه کذب است و مرا دروغ گفت باندگ زانکه پس همان خواهم شد پس گرفت ایشان را

الْقَبْرِ يَأْتِيهِمْ فَيُجَلِّدُهُمْ ثَمًّا فَيَعْلَمُ الظَّالِمِينَ ۝ ثُمَّ أَشْنَانَا مِنْ

آوردن کشت محسب و عده راست پس گردانیدیم ایشان را مثل خاشاک در هم شکست پس وادی با و کرده و ستمگران را باز آیدیم

بَعْدَهُمْ قَرْنًا آخَرِينَ ۝ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ۝

بعد از ایشان قرنهای دیگر را سبقت نمیکند هیچ گروهی از میعاد خود باز پس میمانند

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا أَمْ كُنْتُمْ لَهَا كُذَّابُونَ ۝ فَاتَّبَعْنَاهُمْ

باز فرستادیم پیغامبران خود را پیوسته آمد با پیغامبران و ستمگران را که دروغ می گفتند و ما را تصدیق نمی کردند

فتح الرحمن

تفسیر عثمانی

عده که در حق خدا

از حق خود را میگیرند

از حق خود را میگیرند

این نشانی بگرفت

و نصیحت حاصل می

کند و کلماتی که

از خداوند

از خداوند

که بعد از این

روزی باطلات

حاصل میشود فقط

زندگی دنیا و عیش و

آدم آن سبب است

شان را احاطه کرده بود

لغو می شود اگر میگوید

از عقل و خود بینی

است که در دنیا

استخوانها را از این

بلاوات خالی آید

خدا را برگرداند

انسان در صحت

از قریب بیرون می شوند

چنین سخن میگویند که

باید میکنند یعنی

نه آخرت است و نه

حساب و کتاب

تدریجی که سلسله دنیا

همین طریقت است

مردن پس از این است

که پیش نظر هر کس

است کسی باید بداند

و کسی غایب شود

از این چیز نیست

سعی میکند که من از

جانب خداوند

بهتر خداوند

بارا ده زندگی

طایفه ای نیست
بلکه ستمگر است
تفسیر عثمان
عنه شاید این بیان
نفته یازمین بلند باشد
که در وقت وقوع حمله
حضرت مریم در آنجا
قرین داشت چنانچه
آیات سه مریم و فاطمه
من قتیله ان و عذری
قد جسد ربک شکر سزا
و بجزی الیک جسد
الغیر فقط علیک
رطباً جنیاً و لسان
ی که لکان تبه بلند
بود و در آنجا
چغیر و باغی و چنان
است و در وقت
خزان یک بود
کذا فرمایند که در
لیکن مفسرین فرمایند
تولید کنان و اقامه
از حضرت حضرت
میست است یک
باصفا و طام نام
دو تن از بنحین
شدند که حضرت عیسی
و مروری و در آنجا
ناش خواهد شد لهذا
از این طوفان باد
و دشمن شده و سپه
قتلش بود حضرت
مریم از الهام ربانی
او اگر گفته مهر
رخت و مهر از مرگ
تلاطم کور بر پیشانی
مراحت کرد چنانچه
دره انجیل حق و باطن
و احوال گذشته و فطرت
مصر به اعتبار دور
نیل است و در
غزنی می شد و مراد از
ساده چین و رد و زل
است بعضی بزرگوار
جای طینی شام
نسطین را در آنجا
اند و هیچ جسد نیست که

بعضاً وجعلناهم آحاد یثقیل القلوب لا یؤمنون ۱۲ ثم ارسلنا موسیٰ
بعضی در ملک و ساجیم است با او ایشان پس دوری با او گردید و اگر ایمان نمی آورند
عقب بعضی دور ملک و گردانیدیم ایشان را ایشان پس دوری با او گردید و اگر ایمان نمی آورند
واخاه هرون هابیتنا و سلطان مبین ۱۳ الی فرعون فاستلکروا
و برادر او هارون را با ما ستمنا و خویشتن و با او پل ظاهر
و برادرش هارون را با ما نشان با خود می رود
و کانوا قوماً کالین ۱۴ فقالوا آلؤ من لیبشرین مثلنا و قومهم ما لنا
و بودند مردمی سرکش پس گفتند آیا ایمان داریم بعد آدمی مانند خویشتن و قوم ایشان را
و بودند مردمی سرکش پس گفتند آیا ایمان داریم بعد آدمی مانند خویشتن و قوم ایشان را
عبدالون ۱۵ فکذبوا همافکنا و من الیهلکین ۱۶ ولقد اتینا موسیٰ
خدمت کنندگانند پس دروغ گفتند ایشان را پس ستمند از ملک کردند و هر آینه دادیم موسی را
خدمت کنند پس تکذیب کردند ایشان را پس ستمند از ملک کردند و هر آینه دادیم موسی را
الکتب لعلهم یتلدون ۱۷ وجعلنا ابن مریم و امة ایه و اوتهم الی دیوة
کتاب بود که ایشان را می رسد و ساجیم بر سر برادرش را نشان داد و دادیم ایشان را نیز شیعی بلند
کتاب تا ایشان راه یابند و گردانیدیم بر سر برادرش را نشان داد و جای دادیم ایشان را یک طایفه زمین بلند
ذات قرآن و معین ۱۸ یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعلموا اصالحکم
خداوند استقامت دارد خداوند استقامت دارد و ساجیم بر سر برادرش را نشان داد و جای دادیم ایشان را یک طایفه زمین بلند
که خداوند استقامت دارد خداوند استقامت دارد و ساجیم بر سر برادرش را نشان داد و جای دادیم ایشان را یک طایفه زمین بلند
الی بما تعملون علیهم ۱۹ وان هذه امة واحدة و امة واحدة و امة واحدة
هر آینه من با خود می کند و انهم و هر آینه نیست ملت شما ملت یکتا و من بر قدر کار شما
و هر آینه من با خود می کند و انهم و هر آینه نیست ملت شما ملت یکتا و من بر قدر کار شما
فانفقون ۲۰ ففطعوا افرهم بینهم زبیرا کل حزب بما لدیهم فرعون ۲۱
پس بر سرید از من پس متفرق ساختند ایشان را و در میان خویشتن پاره پاره بر گردید و با خود نزدیک است و دامن است
پس ترسان با سید از من پس جدا کردند خود را در بین خود پاره پاره هر گردید و با خود نزدیک است و دامن است
قد رهقونی غمرهم حتی جلی ۲۲ انجسبون انما لیدهم من مال و
پس بگذاریم ایشان را و در غفلت ایشان تامل می آید و اگر ایمان ندارند که اگر ایمان ندارند که اگر ایمان ندارند
پس بگذاریم ایشان را و در غفلت ایشان تامل می آید و اگر ایمان ندارند که اگر ایمان ندارند که اگر ایمان ندارند
بنین ۲۳ نسا ربهم فی الخیرات بل لا یستغفرون ۲۴ ان الذین هم
ترسانان سبی در سبکی با می کشیم بر آنسای ایشان باطل می دانند و هر آینه آنان که ایشان
پس آن ستمنا می کشیم بر آنسای ایشان در غفلت ایشان چنان نیست خندانند (هر آینه) آنانکه ایشان
من خشية ربهم یشفقون ۲۵ والذین هم یأیت ربهم یؤمنون ۲۶
از ترس پروردگار خویشتن معطر باشند و آنان که ایشان بایات پروردگار خویشتن ایمان می آورند
از ترس پروردگار خود ترسانند و آنانکه ایشان به آیات پروردگار خود ایمان دارند
والذین هم یزیمون لا یشیرکون ۲۷ والذین یؤتون ما اتوا و قلوبهم
و آنانکه ایشان بر سر دور و کار خویشتن ستم می کنند و آنان که می بینند آنچه می بینند و دل ایشان
و آنانکه ایشان بر سر خود ستم می کنند و آنانکه می بینند آنچه می بینند و دل ایشان
وجه الله الی ربهم رجعون ۲۸ اولئک یشیرعون ۲۹ فی الخیرات و
ترسان است سبب آنکه ایشان بسوی پروردگار خویشتن باز خواهند گشت این چنان ستم می کنند در سبکی با و
ترسان است سبب آنکه ایشان بسوی رب خویشتن رجوع کنند گان اند این چنان ستمند در سبکی با و
اندر هیچ جسد نیست که

وَأَلَّا يَعْظُمَهُمْ عَلَى بَعْضِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ۝ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَ

در آیه غالب آمد بر بعضی ایشان بر بعضی بیای صفت می خرد از آنچه تقدیر می کنند داننده نهان و

الشَّهَادَةِ فَذُكِّرُوا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَمَّا هُمْ فِي شَكٍّ ۝ قُلْ رَبِّ إِنَّمَا تُرِيدُ

آشکار است بر ترست از آنچه مشرک می آرند بگو ای پروردگار من اگر بخواهی مرا آنچه ترسیده می شوند

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَإِنَّا عَلَى أَنْ تُرِيدَ مَا

ای پروردگار من پس داخل کن مرا در گروه ستمگران وهر آینه بر آنکه بخواهی مرا آنچه

يُعِدُّهُمْ لِقَارُونٍ ۝ إِذْ قَرَّبَهُ بَابُئِي هِيَ أَحْسَنُ السَّبِيلِ أَتَمَحْنُ أَكَلَهُ

داده میدهم ایشان را تو انانیم و مقابل کن بدی را بجهنم که آن نیک است ما دانا تر ایم

بِمَا يُصِفُونَ ۝ قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ۝ وَ

آنچه بیان می کنند بگو ای پروردگار من ای پناهم بگو از دغده های شیاطین و

أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ۝ حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ

ای پناهم بگو ای پروردگار من از آنکه حاضر شوند پیش من در غفلت خویش باشند تا وقتیکه بیاید کسی را از ایشان موت گوید

رَبِّ اجْعَلْ لِي عَمَلًا صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ

ای پروردگار من باز گردان مرا بود که کار نیکی کنم در مراستی که بگذرستم چنین باشد هر آینه این سخن است که دوی

قَالَتْهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ وَأَذِّنْ فِي الصُّورِ

گویند از آن و پیش ایشان حجابی باشد تا روزی که برانگیخته شوند پس چون دمیده شود در صور

فَلَا تُنَادِيهِمْ فِي يَوْمٍ مَبِيدٍ وَلَا يُتَسَاءَلُونَ ۝ قَمِينَ ثَقُلَتْ مَوَازِينُ ۝

پس فراوان باشد میان ایشان آن روز و نه بایکدی جواب سوال کنند پس هر که گران آید پهلای ترازی او

فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُ ۝ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ

پس آن جماعت ایشانند رستگاران و هر که سبک شود وزن او پس آن جماعت آنانند

خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ۝ تَلْفَحُ وَهُمْ النَّارُ وَهُمْ

از نال کردند در حق خویش در دوزخ جاوید باشند گشتند می سوزد و در ایشان را آتش و ایشان

فِيهَا كَالْحِجُونَ ۝ أَلَمْ يَكُنْ أَيْتِي تَسْتَغِيثُكَ فَمَا تَكِيدُونَ ۝ قَالُوا

آنجاره در ترش بستند گویم آیا خوانده می شد آیات من بر شما پس آنرا دروغ می پنداشتید گفتند

رَبَّنَا عَلِمَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ۝ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا

ای پروردگار ما غالب آمد بر ما بد بختی ما بودیم گمراه ای پروردگار ما بیرون آر ما را از آنجا

آسمان و مشرق در برزخ و تنها خداوند تعالی است ز او ضرورت به پسر دارد و در اختیار یک حکومت و سلطنت او کسی میتواند شریک شود و نه جز او کسی بیک ذره اختیاریست دارد و اگر چنان بودی بر حاکم با اختیار رحمت خود را گرفته علیهم السلام و بصیحت خود را فرام آورده بر روی بگویم می برد و این نظام حکم و حیر العقول عالم بر هم و متقلب میگردد برای ترمیم صلوات تفسیر آیه و کان فیها آیه الا الله فصدنا از او سرور انبیا مطهر کنید عطف چش در باره حق تعالی چنین گشتی را مرتکب میشوند بقیه یک هذاب شدید نال میشد و نیاز به هر مومن بدایت داده شد که از هذاب الله ترسیده چنین دعا کند که هرگاه بر ظالمان هذاب نازل شود الهی مرا بانهائش نرانی چنانکه در حدیث است و انما اودت بقوم فتنه فتون غیر مفتون مطلب نیست که خداوند ابا را بد راه ایمان و احسان مستقیم و شایسته تمام بد که از تفسیر می سرزند که البیاض باشد ما هم نموده و در خطبه ت...

نمود هذاب و واقع شرم چنانکه در موقع دیگر ارشاد شد و الله اعلم بالصواب...

فتح الرحمن

والمؤمنون

در غزوه بدر

مصطفی حضرت

و انشاء قسم شده و

منافقان در انست

بدای سستی کردند و

عاجه اظهار برات

نمودند و جاهل و قوت

نمودند خداستجائ

بردت صدق نازل

ساخت و دم منافقان

و مدح بر آن کفین

و تنهید بر آن کفین

خود و اهل بیت

عبد الله بن ابی طالب

و اهل بیت عیسی که

می گفتند طایف و قلیل

چنین میگویند و مانع

ایم و به تحقیق نبی

تفسیر عثمانی

عنه این خطاب و

کلمات برای تسلی

مسلمانان است که

انرا می دانند و پیشین

مصدقید یا انصاف

به حاشیه صدق و خاوا

اش - ظاهر است که

آنها فوق العاده فکلی

و پریشان بودند یعنی

اگر چه این شهرت برکت

کرده و رخ نموده و

تا کور بودند لیکن در

حقیقت در اعجاز آن

برای شایسته و بهتری

مستور بوده و تا این

قدرت و عظمت

بجز خرافات و ایداهای

مفید و صیر کردن آیا

خالی از اجزای باشد

آیا این شرف کم است

که خود حق تعالی در

کلام پاک خود در زمین

و برات شهادت نازل

کجود و شهادت شهادت

و صواب است و باید

تسلیم و کفر شهادت

عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ۱۱ إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ

بر شما و رحمت از و آنکه خدا توبه پذیرنده با حکمت است چه چیز را که آید و در وقت حاجت را

عَصَبَتُمْ مِنْكُمْ لِتُحْسِبُوهُ شَرًّا لَّكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لَكِنَّ أَفْرَى ۱۲

جمله اند از شما میبندید این جهت را بدید حق خویش بلکه آن بهتر است برائے شما هر کس را

مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ

از ایشان چه چیز است که حاصل کرد از معصیت و آنکه سر انجام داد محله آن جهت را از ایشان و او است عذاب

عَظِيمٌ ۱۳ لَوْلَا رَأَيْتُمْ ظُلْمَ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ

بزرگ مگر چرا می بینید که چون شنیدید آنرا گمان میکردند مردان مسلمان و زنان مسلمان در حق خویش

خَيْرٌ أَوْ قُلُوبُهُمْ ۱۴ لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِمْ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ

بسیار را و می گفتند این اقرار است ظاهر است چه اگر نیاورند بر این سخن چهار گواه

فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَذِبُونَ ۱۵ وَلَوْلَا

پس چون نیاورند گواهان را پس آن چهار نفر نزد خدا ایشانند دروغ گو و اگر نمی بود

فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَنْفَضْتُمْ

فضل خدا بر شما و رحمت او در دنیا و آخرت هر آنچه میرسد بشما در حق و کفر گفتند

فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۱۶ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالسَّبْتِ وَرَبُّكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا

در آن عذاب بزرگ و در آن عذاب بزرگ و می گفتند در آن عذاب بزرگ و می گفتند در آن عذاب بزرگ

لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتُحْسِبُونَهُ هَيِّئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ۱۷ وَلَوْلَا

که نبود شما را حقیقت آنرا دانش می چند استخفید آنرا آسان و او نزدیک خدا بزرگ بود و چنان شد

إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ قَالِيكَونَ لَنَا أَنْ تَكْفُرَ هَذَا سُبْحَنَكَ هَذَا أَهْتَانٌ

که چون شنیدید آنرا می گفتند بیزمان آنرا می گفتند این سخن را ایستاد و این سخن را ایستاد

عَظِيمٌ ۱۸ يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا إِلَى الْإِثْمِ أَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ مَوَدِّعِينَ ۱۹

بزرگ است پند میدهد خدا تا باز بعل بنارید مانند این هر کس اگر مسلمان است

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۲۰ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ

و بیان می کند خدا برای شما آیات را و خدا دانای با حکمت است بر آنکه آنرا دوست می دارند آنکه

تَشْبَعُ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا اللَّهُ عَذَابُ الْإِيمَانِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

تا کس شود جهت بدکاری در مسلمانان این امر است عظیم در دنیا و آخرت

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَجْعَلْ لَكَ اللَّهُ لَكُمْ عَذَابًا عَظِيمًا ۲۱ وَتِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ

و آنکه هر کس این کار را بکند خدا عذاب بزرگ برای او در دنیا و آخرت

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَجْعَلْ لَكَ اللَّهُ لَكُمْ عَذَابًا عَظِيمًا ۲۲ وَتِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ

و آنکه هر کس این کار را بکند خدا عذاب بزرگ برای او در دنیا و آخرت

باز این قرآن خوانان جاری فرمود و برای مسلمانان حق از ادراج و ابل بیت میفرمود و این را از شما شنیدید و این را از شما شنیدید و این را از شما شنیدید

وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ٩ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ إِنَّ

و طای داند و شما نه میدانید و اگر بنویس نقل خدا بر شما در حمت او و آنچه
و الله میداند و شما نمیدانید و اگر بنویس نقل خدا بر شما در حمت او و آنچه

والله میداند و شما میدانید
و اگر بیودی فضل خدا بر شما و رحمت او
و اینکه (مهرآینده)

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يُكَلِّمُ الَّذِينَ يَدِينُ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ط

خداوند مهربان است چه چیز با که نیستد اے مسلمانان از پی مرید گامہائے شیطان را
اللہ تعالیٰ کند و مهربان است چہا کہ نمی شد اے مومنان پیروی کنید قہمہائے شیطان را

[illegible]

وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ طُ وَلَا

وہ کہ جس نے شیطان کو پس ہر آئینہ دے میفرماید بے حیائی و کارنا پسندیدہ و اگر نہ ہوئے
جس کی کہ بیروی کند نہ مہائے شیطان را پس (ہر آئینہ او) شیطان را نشان می دهد کد بے حیائی و سخن بد و اگر بیروی

فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّكُمْ مِنْكُمْ أَحَدٌ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ

نقل خدا بر شما در وقت ادب است
پاک نشدی از شما هیچ کسی برنگز و لیکن الله

حسن علیا برکت او پادشاهی از شما پادشاهی پسران و لیکن الله

وَالَّذِينَ يَشَاءُونَ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ① وَلَا يَأْتِلُ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ

بال میزاد میرزا خواجه و والد بر همه چیز شنودا نامست و میگویند بخورند حاجان درجه بزرگ از شهادت

السَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ

در ده
در ده

در راه

وَيَعْلَمُ أُولَئِكَ بِأَن يُغْفَرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ

آیا دوست نمیدانید که بیا مرزد و خدا آفرنده و خدا آفرنده

٢) إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْسِنِينَ الْغُفْلَاتِ أَلَمْ يُؤْمِنُوا

برایانست که برایمانه آنان کرد ششم می مهند زنان پاک و اعتبار را از بدکاری بهنجار را ایمان آوردگان را لعنت کرده شدند
برایان است (بر آئینه) آنانکه و ششم زن کاری می مهند زنان پاک و اوصاف به خیر و معاصات را لعنت کرده شدند

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٣﴾ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ

دنيا و آخرت و ايشان را مست غدا بزرگ روزيك گواهي دهند بر ايشان
دنيا و آخرت و ايشان را مست غدا بزرگ روزيك گواهي دهد بر ايشان

لِسِدِّيقِهِمْ وَأَيُّهُمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٧﴾ يَوْمَ مَازِلُ يَقُولُ اللَّهُ

انہائے ایشان و دست ہائے ایشان و پائہائے ایشان با پتھری گردند آفرود تمام برساند بالیشان خدا استخوان
ان ہائے ایشان و دست ہائے ایشان و پائہائے ایشان بہ آتھری گردند و ان روز کامل مسجد بد ایشان را اللہ

يَزِيهِمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ٥

ایمان الیقین ایشان را بدین حد که خدا بخواست ثابت ظاهر زمان پاک
سزاوار ایشان و بدین در آن روز که خدا او صحت ظاهر کننده زنان پدید

جَنِينًا وَانْحِيْتُونَ لِخَيْبَتِهَا وَالطَّيِّبَاتِ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ

اندک مردان ناپاک و مردان ناپاک لائق اند بزرگان ناپاک و زنان پاک لائق اند بمردان پاک و مردان پاک
لایق اند بران سپید و لائق است بران سفید و زنان پاکیزه لائق هستند برای مردان پاکیزه و مردان پاکیزه

طَلَبْتَ أُولَئِكَ مُبْتَغُونِ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (٧١)

آنکه بزرگان پاک این مقام بری انداخته مردم می گویند ایشان را صفت آمرزش در روزی نیکو
است پس در آن روزان پاکیزه ما را بگریه و زاری ایشان را صفت آمرزش در روزی پاک است

و چون در آن وقت که از آن کس خورده اید از این کس چنان سوگند صریح نظر کنید و گفته آن را ادا نماید ۱۲ -

ملا یعنی باطله لغت
و لا یعنی واضح لغت
و لا یعنی واضح لغت
تفسیر عثمان
عقبتی بدست خا
مسکون خاص خود
خا مسکون دیگر کس
بے عیال و بے خودا
عقبتی برادران
ک شخص دیگر عیال
با خوده در آن وقت
در آمد کسی را پسند
می کند و یا نه و بسزا
پیش از یک آدم در
آید و از داده اجازه
حاصل نماید اما بهترین
آواز یا آواز اسلام
می باشد و حدیث
است که سر بر تپه
بگوید اجازه داخل
شدن را بگوید اگر
بعد از این هم که در
سلام گفت اجازه به
او داده نشود پس
بگوید در حقیقت این
یک تنیم یکمانه است
که اگر بی آن پابندی
شود در حق صاحب
خا و از اولیای خا
کنده هر دو منفرد
بهتر باشد تا سزا
امروز خود مسلمانان
آن بدایات منفرد
فرموده اند و اقوام
دیگر آنرا از کتب
مسلمانان می آموزند
و ترقی کرده میروند
و از این امت است
خود را از این امت
این امت را از این
مفقی میگردد و بنا برین
درین آیات ماسنل
استقامت را بر این خود

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا
اے مسلمانان در میانید بختانها غیر خانه های خویش تا آنکه دستور می طلبید و
اے مؤمنان در میانید بختانها که غیر خانه های شما است تا آنکه اجازه بگیرید و
تَسْلِمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۱۰ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا
سلام کنید بر اهل آن این بهترین است شما را بود که بپند بپوشید پس اگر نیابید
سلام کنید بر اهل آن این بهترین است برای شماست پس اگر نیابید
فِيهَا أَحَدٌ أَفْلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا
در آنجا که کسی را در میانید آنجا تا آنکه دستور داده شود شما را و اگر بشما گفته شود که باز گردید
در آن کس را پس در میانید در آن تا آنکه اجازه داده شود بر سته شما و اگر گفته شود برای شما باز گردید
فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَعْمَلُونَ عَلَيْهِ ۱۱ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
پس باید که باز گردید آن پاک ترست شما را و خدا آنچه می کنید و دانست نیست بر شما گن است
پس بگردید این پاکیزه تر است برای شما و الله با آنچه می کنید و دانست نیست بر شما گن است
أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا
در آنکه در میانید بختانها که مسکون کس نیست در آنجا بختانها خدا می دانند آنچه
در این که در میانید در خانه های غیر مسکون کردن متاع شماست و الله میداند آنچه
تُذَكَّرُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ۱۲ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ
آشکارای کنید و بپوشید می دارید بگو مردان مسلمانان که پوشند چشم خود را و
ظاهر می کنید و آنچه پنهان می دارید بگو برای مؤمنان که بپوشانند چشم خود را و
يُحْفَظُوا أَرْجُوهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكى لَهُمْ إِنْ اللَّهُ خَيْرٌ لِّمَا يُصَدِّعُونَ ۱۳ وَ
نگاه دارند شرمگاه خود را این پاکیزه ترست ایشانرا از آنکه خدا بپوشد چشم خود را و
نگاه دارند شرمگاه خود را این پاکیزه ترست ایشانرا از آنکه خدا بپوشد چشم خود را و
قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ
بگو زنان مسلمانان را که پوشند چشم خود را و نگاه دارند
بگو برای زنان مؤمنه که بپوشانند بر خا از نظر بای خود را و بپوشند بر خا از نظر بای خود را و
يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْحَكُنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا
آشکاره کنند آرایش خود را و الا آنچه ظاهر است از آن حواصص و باید که فرو گذارند و امن بمانند خود را و بپوشند بر خا از نظر بای خود را و
ظاهر کنند آرایش خود را و الا آنچه ظاهر است از آن حواصص و باید که فرو گذارند و امن بمانند خود را و بپوشند بر خا از نظر بای خود را و
يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ
نمایند آرایش خود را الا بپوشانند خویشتن یا پدران خویشتن یا پدران بپوشانند خویشتن یا پسران خویشتن
ظاهر کنند زینت (مسکون) خود را مگر بپوشانند خویشتن یا پدران خویشتن یا پدران بپوشانند خویشتن یا پسران خود
أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانَهُنَّ أَوْ بُنَىٰ إِخْوَانَهُنَّ أَوْ
یا پسران بپوشانند خویشتن یا پسران خویشتن یا پسران بپوشانند خویشتن یا پسران خویشتن یا پسران خود
یا پسران بپوشانند خویشتن یا پسران خود یا پسران بپوشانند خویشتن یا پسران خویشتن یا پسران خود
نِسَاءَهُنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولَى الْأَرْبَابَةِ مِنْ
زنان خویشتن یا آنچه مالک او شده است دست ایشان یعنی غلامان یا غلامان که صاحب شهوت نباشند از
زنان خود یا آنچه مالک او است دست بای ایشان یا خدمتگاران که صاحب شهوت نباشند از
الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْحَكُنَّ
مردان یا طفلان که هنوز مطهر نشده اند بر خرمگاه زنان و نوزند زمین را
مردان یا طفلان که هنوز مطهر نشده اند بر خرمگاه زنان و نوزند زمین را
مردان یا طفلان که هنوز مطهر نشده اند بر خرمگاه زنان و نوزند زمین را

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقْوَاهُ ۖ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا

بنی اسرائیل! خود را از خدا بترسید و در جرم گنای خود به سوی خدا پشیمان شوید

الْمُؤْمِنُونَ لَكُمْ نُورٌ ۖ وَالْكَافِرُونَ ۖ وَالْأَيَّامُ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْكُمْ

مؤمنان! نور است برای شما و برای کافران نور نیست و ایام از شماست و صالحان از شماست

عِبَادُكُمْ وَأَمَّا بَكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۖ وَاللَّهُ

بنده شماست و اما بابت شما اگر در فقر باشند خداوند از فضل خود و خداوند

وَاسِعٌ عَلَيْهِ ۖ وَلَيْسَتْ خُفْرُ الدِّينِ لَا يَحْدُونُ نِكَا حَاحَتِي يُغْنِيهِمْ

بسیار دهنده و فراوان است و بابت فقر دین را نمی توانند محصور کنند و نیکی ها مرا کافیست

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۖ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِبَرُ عَنْ مَلَائِكَةِ آيَاتِ كَرَمِ

خدا از فضل خود و آنانی که طلبند بزرگی را از ملائکه آیات کرامت خدا

فَكَفَرُوا بِهِمْ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي سَكِينَةٍ ۖ وَاللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ

پس کفر کردند با ایشان را اگر بداند و ایشان را در آرامش و امان و اطمینان و امانت

وَلَا تَكْفُرُوا أَفْتِكُمْ عَلَى الْبِعَاءِ إِنْ أَرَدْنَا نَحْصِنَ لَكُمُ الْبِعَاءَ عَرَضٌ

و اگر کفر کنید بپایان خود را اگر ایشان را بپایان خود می خواهید تا به سرانجام

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْفُرْ هُنَّ فَنَّا اللَّهُ مِنْ بَعْدِ إِنْ هُمْ غَفُورٌ

زندگانی دنیا و هر که کفر کند اینها را پس از خداوند آمرزنده و آمرزنده

رَحِيمٌ ۖ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ مُبِينَاتٍ ۖ مَثَلًا لِمَنْ خَالَوْا مِنْ

مهربان است و هر آینه فرو آوریم بپایان آیت های روشن را فرود آوریم داستان از حال آنان که گذشتند

قُلُوبُهُمْ وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ ۖ اللَّهُ تَوْرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ

قلب از شما و موعظه برای پرهیزکاران و تورات آسمانها و زمین است صفت نور او

كَأَنَّهُ نَارٌ مُنِيرَةٌ ۖ فِي رِجَالِهِ رِجَالٌ ۖ كَأَنَّهُمْ كَوْكَبٌ

همانند آتش روشن کننده و در پاهای او پاهایی است که مانند ستاره ها

دُرِّيُّ يُوْقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ وَلَا شَرْقِيَّةٍ ۖ يَكَادُ زَيْتُهَا

درخشان است از نور و زیتون از درخت مبارک زیتون و نه شرقی است و زیتون است که درخت آن

بُضْيٌ ۖ وَأَوَّلُكُمْ تَسْبِيحُهُ نَارُ تَوْرَةٍ عَلَى نُورِ هُدًى لِلنُّورِ مَنْ يَشَاءُ

روشنی و اول شما تسبیح او آتش تورات است بر روی هدایت نور و هر که خواهد

وَرَوَى نَارُ تَوْرَةٍ عَلَى نُورِ هُدًى لِلنُّورِ مَنْ يَشَاءُ ۖ

و روشن نمود آتش تورات بر روی هدایت نور و هر که خواهد

صلی حاصل این آیت
آنست که مواضع زینت
و قسم ست آنچه در دست
آن خرج است و آن
و چه کفین بود و آنچه
و دست آن خرج نیست
مانند مرد گردن عقد
و ذراع و ساق پس
سره و چه کفین از
اجنبان فرض نیست
بلکه سنت است و دست
غیر آن از اجنبان فرض
ست نه از محرم و الله
اعلم ۱۲ و ای نبی قلیله
روشنی است ۱۲ و
یعنی در تفسیر است ۱۲
تفسیر عثمانی
بعضی مردم در جاهلیت
کنیزان را یکسب زنا
امری نمودند عبد الله
بن ابی ریحان را تقییر
چند کنیز داشت که از زنا
کاری آنها رو به پستی
می آورد و از آنجا بعضی
مسلمان شدند و از
ان فضل شنیع انکار کردند
جنابان آن مخون آنها
را ملت و کوب مسکود
این آیت در اثر این
و اذیت نازل شد و به
رعایت این شان نزول
برای زیادت تفسیر
تیه اراده تخصیص
تیه اشتغال مشاع دنیا
را در این آیت ۱۱ ان
اردن متحنا لتبغوا
عرض الحیوة الدنیاه
زیاده خود و در محرم
کاری کردن بر کنیزان
بهر حال محرم و نهائیت
زبون است و تمام
کاری آنها پاک است
خواه کنیزان برضا و
رغبت این کار را
کنند و بگویند اینها
آنها را اگر کنیزان

دل حاصل این شل
تشبیه نوری است
که بسبب هواظیت
بر طهارت و عبادت
در دل مسلمانان حاصل
میشود بنور چراغ کرد
غایت درخشندگی باشد
و بحسب اشعار بآن
مواظیت می فرماید ۱۱
دل حاصل این شل
آنست که اعمال کافر
حاصل شود در آخرت
از این پنج ثواب نباشد
۱۱- دل حاصل این
شل آنست که بر کافر
قلبات بهیبت مترجم
شده است و انوار ملکیت
از دست بجای عدم می افتد
است ۱۲
تفسیر عثمانی
ع و ذکر بر بندگان را
شاید ازین سبب جدا
گاز فرمود که آنها در وقت
پریدن در بین آسمان
و زمین مطلق می باشند
و این طور پریدن آنها
در پوزانته بی بزرگ
قدرت است
حق تعالی به هر چیز
مناسب حال آن
طریق امانت و مصلحت
و تسبیح خوانی را الهام
فرمود هر چیز آن طریق
را نموده و ظریف خود را
ادامه کند لیکن
چانه افروز
و تحسین است ۱۱
که با افزودن آن
بر غرور غفلت و غفلت
و جهالت گریختار آمد
از یاد ملک حقیق غافل
و از ادای وظیفه
عبودیت روگردان
میشود - تنبیه
ذامع به تسبیح خواندن
الضاح مخفی در
یاد به نوزدهم داده ایم

وَيُضِرُّ بِاللَّهِ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ فِي بَيِّنَاتٍ لِّقَوْلِ اللَّهِ

و بیان می فرماید خدا دلائل استقامت است بر آنست که خدا به هر چیز داناست و در خاتمهای که مقصود داده است خدا
برای مردم و الله به هر چیز داناست و در خاتمهای که مقصود داده است الله

أَنْ تَرْفَعَهُ وَيَذْكُرُ فِيهَا اسْمَهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۝

که بلند کرده شود آنرا یاد کرده شود آنرا نام او بهیای یاد می کنند خدا را آنجا صبح و شام
که بلند کرده شود آنها و ذکر کرده میشود در آنها نام او بهیای یاد می کنند خدا را در آنها صبح و شام

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ

مردانیکه باز ندارند ایشان را سوداگری و نه خرید و فروخت از یاد کردن خدا و برپا داشتن نماز و دادن
مردانی که غافل نمی سازد ایشان را سوداگری و نه بیع از یاد الله از برپا داشتن نماز و دادن

الزَّكَاةِ صِيخَاتٌ يُؤْمِنُ أَنْ يَتَّقَلَبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ۝ لِيُنْجِيَهُمْ

زکوة می ترسند از آن روز که مضطرب شوند در آن دلها و دیدها تا جزا دهد ایشان را
زکوة می ترسند از روی که مضطرب میشوند در آن دلها و چشمها تا جزا دهد ایشان را

اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ

خدا بخوبی بهترین آنچه کردند و زیاده دهد ایشان را خدا از فضل خویش و خدا روزی میدهد هر کس را خواهد
الله جزای بخوبی تری از آنچه کرده اند و زیاده دهد ایشان را از فضل خود و الله روزی میدهد کسی را که خواهد

بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِفِئَةٍ يُقْبِعُهَا بَيْتٌ

بغیر شمار یعنی بسیار و آنانکه کافر شدند اعمال ایشان مانند سراب است بمیدانهای بیواری پندلش
بغیر شمار و آنانکه کافر شدند اعمال ایشان مانند سراب است بمیدانهای بیواری پندلش

الظَّمَانِ مَاءٌ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ قَوْفٌ

تشنه آب است تا وقتی که بیاید نزد یک آن نیابد شئی چیزی و یافت خدا را نزدیک آن پس تمام رسانید بوی
تشنه آب تا چون بیاید یان نمی یابد آنرا چیزی و یافت الله را نزدیک آن پس تمام رسانید او را

حِسَابُهُ ۝ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ أَوْ كَظُلُمٍ فِي بُحْرٍ مُّجِيٍّ يَعْشَى

حساب و میراد خدا از دو گفته حساب است و یا مانند تاریکی در دریای عمیق می یوشد این کافرا
حساب دی و الله زود کننده حساب است یا مانند تاریکی در بحر عمیق که می یوشد آن را

مَوْجٌ مِنْ قَوْفِهِ مَوْجٌ مِنْ قَوْفِهِ سَحَابٌ ظَلَمَتْ بَعْضُهُمْ قَوْقَ بَعْضٍ

موجی از بالای آن موجی دیگر از بالای آن بر بود تاریکی است بعضی آن بالائی بعضی دیگر
موجی از بالای آن موجی دیگر از بالای آن بر باشد تاریکی است بعضی آن بالائی بعضی دیگر

إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكُنْ يَرَهُمَا وَمَنْ لَمْ يُجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ

چون بیرون آورد دست خود نزدیک نیست که به بیندش دیگر انداد او را خدا روشنی پس نیست او را هیچ
چون بیرون آورد دست خود را نزدیک نیست که بیند آنرا و هر که نداده الله او نور پس نیست او را هیچ

نُورٍ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْطَّيْرِ

روشنی و آید دیدی که خدا بهیای یاد می کنندش هر که در آسمانهاست و زمین است و مرغان
نوری آید دیدی که الله بهیای یاد میکنندش هر که در آسمان باست و زمین است و مرغان

صَفَتْ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ ۝ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ۝

بالی کشاده هر یکی دانسته است خدا دعای او را و تسبیح او را و خدا داناست آنچه میکنند
بال کشاده هر یک بحقیق دانسته است دعا و تسبیح خود را و الله داناست آنچه می کنند

وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ

و خدا را است بادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خداست بازگشت آید دیدی که خدا
و الله را است بادشاهی آسمانها و زمین و بسوی الله است بازگشت آید دیدی که الله

يَاذِرُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيُعَذِّبَ الَّذِينَ يَشَاءُ ۝ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو قُدْرَةٍ

و خدا را است بادشاهی آسمانها و زمین و بسوی الله است بازگشت آید دیدی که الله
و الله را است بادشاهی آسمانها و زمین و بسوی الله است بازگشت آید دیدی که الله

يَاذِرُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيُعَذِّبَ الَّذِينَ يَشَاءُ ۝ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو قُدْرَةٍ

و خدا را است بادشاهی آسمانها و زمین و بسوی الله است بازگشت آید دیدی که الله
و الله را است بادشاهی آسمانها و زمین و بسوی الله است بازگشت آید دیدی که الله

يُخْرِجُ سَحَابًا مِمَّنْ يُولُفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ

دران می کند انرا باز نزع می نماید میان آن باز می سازدش تو بر تو پس می بینی قطره را که بیرون می آید از

میزان برادر پس ترکیب می کند میان او بعضی را به بعضی بازی گرداند آنرا تو بر تو پس می بینی قطره های باران را که می آید از

خلیله و یُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُخْسِبُهُ بِهِنَّ

میان آن در خودی آورد از جانب بالا از کوه ها که آنجا هست زلال را پس میرساندش بهر که

تَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ لِيُكَادَّسَنَّا بَرْقُهُ يَذْهَبُ يَالْأَبْصَارَ

خواهد و باز میداردش از هر که خواهد نزد یک مست درخشندگی برنی که در آن ابر برده است دور کن چشمها را

يَقْبَلُ اللَّهُ الْعِلَّ وَالْهَاطِلَانِ فِي ذَلِكَ كَعِبْرَةٍ لَأُولَى الْأَبْصَارِ وَ

می گرداند خدا شب و روز را هر آینه درین مقدمه نمند بهت خداوندان چشم را

اللَّهُ يَخْلُقُ كُلَّ دَآبَّةٍ مِنْ مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنٍ وَمِنْهُمْ مَنْ

خدا آفرید هر جانور را از آب پس از اینهاست آنکه می رود بر شکم خود و از اینهاست که

يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ

می رود بر دو پا و از اینهاست که می رود بر چهار پای می آفریند خدا هر چه خواهد

إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبِينَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي

بر آینه خدا بر هر چیز تواناست بر آینه خود آوردیم آیات روشن را و خدا دلالت می کند

مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ

هر که خواهد بگویند راه راست را و می گویند ما ایمان آوردیم بخدا و رسول و

أَطَاعُوا أَمْرًا يَنْفَرُ مِنْ بَعْضِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

و از برداری نمودیم و باز روی گرداند فرق از ایشان بعد ازین و میمند ایشان مومنان

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ

و چون خوانده می شوند بسو خدا و رسول او تا حکم فرماید میان ایشان ناگهان جامعه از ایشان

مُخْرَجُونَ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِمْ مُذْنِبِينَ أُنِ

در گردانند گانند و اگر باشد ایشان را حق بیایند بسو او گردانند نهاده آید در

قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ لَمْ يَأْتُوا آمَنًا فَإِنْ أَنْ يُخَيِّفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ رَسُولَهُ

دل ایشان بیمار است یا در شک افتادند یا می ترسند از آنکه مستند بر ایشان خدا و رسول او

يَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا

لیکن این جامعه ایشانند مستکاران جز این نیست که می باشد قول مسلمانان چون خوانده می شود ایشانرا

بَلَّانِ كَرِهَ الْإِثْمَ كَرِهَ الْغُلُوبَ كَرِهَ الْمُنَافِقِينَ كَرِهَ الْمُنَافِقِينَ كَرِهَ الْمُنَافِقِينَ

لفظ عربی
عنه چنانکه در این
کوبای رنگ است
قول بعضی سلف چهار
طوره آسمان کوبای
ژال و جود میباریدند
بروق آن ترجمه کرده
است لیکن واضح تر
و قوی تر این است که
از سه ماه باید ابر بران
باش و مطلب این است
که ابر باید در کثافت
و ثلث است که با
میباشند زلالی باران
اند که از آن به لیاری
مردم نقصان جانی و
مالی میرسد و برقی
از آن محفوظ ماند
مثل مشهور است
که زلال بر یک شاخ
گاو می بارد و شمشیر
خشب می ماند عده
بعد از روز و شب بود
از شب روز فقط بقدر
او قیاسی می آید و او قیاسی
گاهی روز و گاهی شب
را دراز و کوتاه می کند
و گاهی آنها را به روی
و سر و آنها را به روی
تبدیل می نماید عده
بنی آدم باید از دیدن
چنین نشان های
عظیم الشان قدرت
بصیرت و عبرت حاصل
کنند به آن شب شاه
حقیقی به صدق و
اخلاص دل رجوع کنند
که در قبض و تصرف
از تمام تصرفات
و تقلبات می باشد
لله آیات تکوینیه و
تشریفیه آنقدر واضح
است که بعد از دیدن
و شنیدن آن
نیاید از آن
عجایب گروهی ولی
براه راست شخصی
روان میشود که خدای

تا بعد از این می باشد - لیکن نهاده این نشان های واضح و روشن را می بینند لیکن به اعتبار توجیه دیدن و ندیدن آنها یک برابر است -

فل یمنی چنانکه بنی اسرائیل را بعد از آنکه با دانه ساخت ۱۲
 فل یمنی چنانکه طالبان حضرت عثمان مکره مند مترجم گوید تفسیر این آیت در حدیث آمده این خلافتی بعدی نشئون سنه ۱۲۰ و التا علم ۱۲
 تفسیر عثمانی عیسی مناضقین قسم های سخت تالیفی خورده میخوانند به تو یقین بدهند که اگر تو حکم بدی مانتام خانه و اهل و عیال را ترک داده تبار بر تنم که در راه خدا بر آیم آخر فقط یک اشاره کنند بینه که چنانچه همه ملل و دولت خود را در راه الله تبار خواهم کرد نظریه اظهار تبار خواهم کرد که این قدر قسم های کمال و سوگند های طویل ضرورت نیست حقیقت فرمانبرداری شما بر هر منکشف شده است که نه و عادی بسا می کنید و در وقت عمل آهسته پامیکشید بر شما لازم است که در کل احکام الهی مثل مسلمانان صادق و اخلاص نشان دهید از قسم خوردن چه حاصل با فرض کنید که بندگان را بقسم متیقن و قانع بر بازید لیکن بحضرت الله چالاک و فریب هیچکس تاثیر ندارد چه او تعالی حج به تمام سخنان آشکارا و پوشیده آنگهی دلد بالاخر بر تمام مکاری و لغات

إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ يُجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِمْ أَنْ يَقُولُوا اسْمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ

بوسه خدا و رسول او تا حکم کند میان ایشان آنکه گویند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم و این جامع بوسه الله و رسول او تا حکم کند در میان ایشان آنکه گویند شنیدیم و تسلیم خودیم حکم را آن گروه

هُمْ الْمُقِلُّونَ ۚ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحْشِلْ لِنَفْسِهِ لِمًا

ایشانند رستگاران و هر که فرمان برداری کند خدا و رسول او را و ترسد از خدا و خدا را عذاب آید پس این چنانچه ایشانند رستگاران و هر که فرمان برداری کند الله و رسول او را و ترسد از الله و خدا را عذاب آید پس این چنانچه

هُمْ الْفَائِزُونَ ۚ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أُفْرِقَ لَهُمْ لَيُجْتَمِعْنَ

ایشانند غمخواران و قسم خوردند بخدا بموکه ترین قسمهای خود که اگر بفرمان ایشان را از الله بیهوده برون دارند و وطن خود ایشانند مقصد رستگاران و سوگندی خوردند (مقاتلان) به الله بموکه های خود که اگر بفرمان ایشان را از الله بیهوده برون دارند و وطن خود

قُلْ لَا تَقْبَلُوا عِلَاقَةً مَعْرُوفَةً إِنْ أَلَّ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ تَعْلَمُونَ ۚ قُلْ

بگو قسم بخورید فرمانبرداری پسندیده مطلوب است بر آنچه خدا جبار است با آنچه می کنید بگو قسم بخورید فرمانبرداری پسندیده مطلوب است بر آنچه الله جبار است بر آنچه می کنید عیب بگو

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكُمْ مَآحِظٌ وَ

فرمانبرداری خدا بکنید و فرمانبرداری پیغمبر کنید پس اگر رو بگردانید پس جز این نیست که بر پیغمبر است آنچه بدوی لازم کرده شد فرمان بردار الله را و فرمان بردار رسول را پس اگر رو بگردانید پس جز این نیست که نسبت بر رسول آنچه لازم کرده شده بر وی

عَلَيْكُمْ مَآحِظٌ وَإِنْ تُطِيعُوا تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ

بر شماست آنچه بر شما لازم کرده شده و اگر فرمان برداری او کنید راه یابید و نیست بر شما مگر پیغام رسانیدن بر شماست آنچه لازم کرده شده بشما و اگر فرمان بردار او راه یابید و نیست بر رسول مگر تبلیغ

الْمُتَّقِينَ ۚ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَكَلَّوْا الصَّلَاتِ لَيْسْتَ خَالِفَةً

آشکارا وعده داده است خدا آنرا که ایمان آوردند از شما و کردند عمل بآنست که البته خلیفه ساز ایشانرا

فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ

در زمین چنانکه خلیفه ساز خسته بود آنان را که پیش از ایشان بودند و البته محکم کند برای ایشان دین ایشان را

الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي

آنکه پسندیده است برای ایشان و البته بدیل کند در باره ایشان بعد از ترس ایشان ایمنی را بر پرستش کنند مرا

وَلَا يَشْكُرُونَ بِنِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۚ

متریک مقرر نکنند باین چیز را و هر که ناسپاسی کند بعد از این پس آن گروه ایشانند فاسقان و متریک نمی سازد بمن چیز را و هر که ناسپاسی کرد بعد از این پس آن گروه ایشانند نافرمان

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۚ

و بر پا دارید نماز و بدهید زکوة را و فرمان برداری کنید پیغمبر را بود که بر شما رحم کرده شود و بر پا دارید نماز را و داده باشید زکوة را و اطاعت کرده باشید رسول را تا بر شما رحم کرده شود

لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَمْعَ جُزْئِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِي النَّارِ

مپندار کافران را عاجز کننده در زمین و جائی ایشان آتش است و مپندار اینک کافران عاجز کننده خداست در زمین و جائی ایشان آتش است و

لَيْسَ الْمَصِيرُ ۚ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْيَسَادُ نَكُمْ الَّذِينَ مِنْ مَلَائِكَةٍ

آن بد بازگشت است ای مسلمانان باید که دستوری بکنید از شما آنانکه مالک ایشان شده است آن بد مزبوع است ای مسلمانان باید اجازه خواهد از شما آنانکه مالک ایشان است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ جُزَاءٌ مِنْهُ فَتَكُونُوا تَارِكِينَ

وَرْت هاست شافا و آنا که در سیده اند بعد احتلام از شما سه نیت پیش از نماز

وَرْت هاست شافا و آنا که در سیده اند به بلوغ از شما سه باره یکبار پیش از نماز

فَجَزَىٰ جَزَاءً لِمَنْ أَتَىٰ ظَهْرَهُ مِنْهَا فَلْيُصِرْ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

جزا و جزای خودی بنهد جام هاست خود را از نیم روز و پس از نماز

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْمَوْلَىٰ فَعَدُوًّا

فلا یعنی غلامان و
کنیزگان ۱۲ و ۱۳ حاضر
آنست که محارم اطفال
نیز درین ساعات
استیذان کنند زیرا
که مردمان جامه زین
ساعات از تن میکنند
و عریان میشوند محارم
معنی آنست که محارم
را و اطفال را عریان
دیدن در وقت نیست
والله اعلم
یعنی نگاهبان وکیل
حفظا و باشد ۱۲
و کما یعنی آنست که
از رسم و عادت موقوف
ست نکات می کند
و حاجت اذن معوج
نیست والله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه یعنی غلامان و
کنیزان چهار رکوع
بیش مسئل استیذان
را اجازه گرفتن ذکر
شده این معنون
تثبیر آن است نظریه
مناسبات مخصوص
در میان مضامین
دیگر بیان شده
حضرت شاه صاحب
مینویسد یعنی زنان
پیر اگر در خانه بای خود
در جامه کم باشند
درست است و اگر
پرده کامل داشته
باشند از این هم بهتر
و اگر در عین بر آمدن
از خانه جامه زانند
مانند برقع و غیره
بکشند بای نیست
بیشتر که در آن اظهار
زینتی نباشد که حکم
پنهان کردن آنها
در آیت و ولایت بدین
زینت الهی داده
شده است ازین

فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ خَيْرٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ

پس سلام گویند بر قوم خویش: عاے خیر یا برکت یا کیزه: خود آمده از نزدیک خدا
پس سلام کنند کان خود ساهی که ثابت است از جانب الله یا برکت یا کیزه
هم چنین روشن میبازد

اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتُ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٥﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا

خدا برای شما آیات را بود که بفهمید
جز این نیست که مسلمانان آمانند که ایمان آورندند
اللہ کے لئے شما کتبها و خود تار شما بداند
جز این نیست که مؤمنان آمانند که ایمان آورندند

بِاللهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كُنَّا أَهْلًا لِّمَعْرَءَةٍ مِّنَ الْأَهْلِ لَنُتِمَّ بِهَا
بِاللهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كُنَّا أَهْلًا لِّمَعْرَءَةٍ مِّنَ الْأَهْلِ لَنُتِمَّ بِهَا

و چون باشند باو سه بر کار سه که منع کردن ایشان می طلبد نمودند آنکه دستگیری طلبند زمین مری
به الله و رسول امر و چون باشند باو بی بر کاری منع آورده نمودند آنکه اجازت طلبند از وی را اجازه را می کنند

اِنَّ الدِّينَ يَسْتَاذِنُكَ اَوْلِيَاكَ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ

هر آینه آنانکه دستور می طلبند از توایشان آنان اند که ایمان آورده اند بخدا و بر رسول او
(هر آینه) آنان که اجازه می طلبند از تو آن گروه آنان اند که ایمان دارند به الله و رسول او

فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذِنَ لِمَنْ بَشُرْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ

پس اگر دستوری طلبند از تو برائے بعض کار خود منظور ده هرگز خواهی از ایشان
پس چون اجازه خواهند از تو برای بعض کار خود پس اجازت بده هرگز خواهی از ایشان

لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ① اتَّبِعُوا أَمْرَ الرَّسُولِ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

برای ایشان از خدا بر آینه خدا آرزنده مهربانست مشتمل بر طلبیدن پنا مبردا در میان خویش
برای ایشان از الله بر آینه الله آرزنده مهربان است می کند خواستگار رسول را در میان خود

كُلُّ عَائِدَةٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ يَكْفُرُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمُ الْأُولَاءُ

مانند طلبیدن بعض از متابعین دیگر را هر آینه می داند عند آنانرا که بسبب بیرون می روند از شما پناه جوینان
مانند خواستن بعض شا بعضی را طریقی (هر آینه) میداند الله آنان را که بسبب بیرون می روند از شما پناه جوینان مدد

وَالَّذِينَ يَخِشُونَ اللَّهَ بِغَيْبٍ ۚ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَرَوْنَ كَذِٰلِكَ كَأَنَّهُمْ يَعْلَمُونَ أَلَمَّ بِكَ

پس باید که بترسند آنانکه خلاف علم پیغمبری کنند از آنکه برسد بدیشان ملائکه یا برسد بایشان
پس باید که بترسند آنانکه مخالفت می کنند از علم ادا از آنکه برسد ایشان را قشتی یا برسد ایشان را

عَذَابُ آيَةٍ ۝ الْآرَاءُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ

غذایی در دسترس آگاه شود هر آینه خدا را ست آنچه در آسمانهاست و زمین ست میدانند و شی و را که شما
غذایی درونک بشوید هر آینه اللہ برای اللہ است آنچه در آسمانها و زمین است تحقیق میدانند حالی را که شما

عَلَيْكُمْ وَيَوْمَ تَرْجَعُونَ إِلَىٰ رَبِّكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا عَمِلْتُمْ أَتُوبُ أَمْ يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا عَظِيمًا (٣٠)

بر این هفت روز یک بار که او را میخواندند بسوی او پس خبر ده ایقان را با آنجا خوانده اند و الله بهر چیز داناست

سورة الفاتحة

11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50 51 52 53 54 55 56 57 58 59 60 61 62 63 64 65 66 67 68 69 70 71 72 73 74 75 76 77 78 79 80 81 82 83 84 85 86 87 88 89 90 91 92 93 94 95 96 97 98 99 100 101 102 103 104 105 106 107 108 109 110 111 112 113 114 115 116 117 118 119 120 121 122 123 124 125 126 127 128 129 130 131 132 133 134 135 136 137 138 139 140 141 142 143 144 145 146 147 148 149 150 151 152 153 154 155 156 157 158 159 160 161 162 163 164 165 166 167 168 169 170 171 172 173 174 175 176 177 178 179 180 181 182 183 184 185 186 187 188 189 190 191 192 193 194 195 196 197 198 199 200 201 202 203 204 205 206 207 208 209 210 211 212 213 214 215 216 217 218 219 220 221 222 223 224 225 226 227 228 229 230 231 232 233 234 235 236 237 238 239 240 241 242 243 244 245 246 247 248 249 250 251 252 253 254 255 256 257 258 259 260 261 262 263 264 265 266 267 268 269 270 271 272 273 274 275 276 277 278 279 280 281 282 283 284 285 286 287 288 289 290 291 292 293 294 295 296 297 298 299 300 301 302 303 304 305 306 307 308 309 310 311 312 313 314 315 316 317 318 319 320 321 322 323 324 325 326 327 328 329 330 331 332 333 334 335 336 337 338 339 340 341 342 343 344 345 346 347 348 349 350 351 352 353 354 355 356 357 358 359 360 361 362 363 364 365 366 367 368 369 370 371 372 373 374 375 376 377 378 379 380 381 382 383 384 385 386 387 388 389 390 391 392 393 394 395 396 397 398 399 400 401 402 403 404 405 406 407 408 409 410 411 412 413 414 415 416 417 418 419 420 421 422 423 424 425 426 427 428 429 430 431 432 433 434 435 436 437 438 439 440 441 442 443 444 445 446 447 448 449 450 451 452 453 454 455 456 457 458 459 460 461 462 463 464 465 466 467 468 469 470 471 472 473 474 475 476 477 478 479 480 481 482 483 484 485 486 487 488 489 490 491 492 493 494 495 496 497 498 499 500 501 502 503 504 505 506 507 508 509 510 511 512 513 514 515 516 517 518 519 520 521 522 523 524 525 526 527 528 529 530 531 532 533 534 535 536 537 538 539 540 541 542 543 544 545 546 547 548 549 550 551 552 553 554 555 556 557 558 559 560 561 562 563 564 565 566 567 568 569 570 571 572 573 574 575 576 577 578 579 580 581 582 583 584 585 586 587 588 589 590 591 592 593 594 595 596 597 598 599 600 601 602 603 604 605 606 607 608 609 610 611 612 613 614 615 616 617 618 619 620 621 622 623 624 625 626 627 628 629 630 631 632 633 634 635 636 637 638 639 640 641 642 643 644 645 646 647 648 649 650 651 652 653 654 655 656 657 658 659 660 661 662 663 664 665 666 667 668 669 670 671 672 673 674 675 676 677 678 679 680 681 682 683 684 685 686 687 688 689 690 691 692 693 694 695 696 697 698 699 700 701 702 703 704 705 706 707 708 709 710 711 712 713 714 715 716 717 718 719 720 721 722 723 724 725 726 727 728 729 730 731 732 733 734 735 736 737 738 739 740 741 742 743 744 745 746 747 748 749 750 751 752 753 754 755 756 757 758 759 760 761 762 763 764 765 766 767 768 769 770 771 772 773 774 775 776 777 778 779 780 781 782 783 784 785 786 787 788 789 790 791 792 793 794 795 796 797 798 799 800 801 802 803 804 805 806 807 808 809 810 811 812 813 814 815 816 817 818 819 820 821 822 823 824 825 826 827 828 829 830 831 832 833 834 835 836 837 838 839 840 841 842 843 844 845 846 847 848 849 850 851 852 853 854 855 856 857 858 859 860 861 862 863 864 865 866 867 868 869 870 871 872 873 874 875 876 877 878 879 880 881 882 883 884 885 886 887 888 889 890 891 892 893 894 895 896 897 898 899 900 901 902 903 904 905 906 907 908 909 910 911 912 913 914 915 916 917 918 919 920 921 922 923 924 925 926 927 928 929 930 931 932 933 934 935 936 937 938 939 940 941 942 943 944 945 946 947 948 949 950 951 952 953 954 955 956 957 958 959 960 961 962 963 964 965 966 967 968 969 970 971 972 973 974 975 976 977 978 979 980 981 982 983 984 985 986 987 988 989 990 991 992 993 994 995 996 997 998 999 1000 1001 1002 1003 1004 1005 1006 1007 1008 1009 1010 1011 1012 1013 1014 1015 1016 1017 1018 1019 1020 1021 1022 1023 1024 1025 1026 1027 1028 1029 1030 1031 1032 1033 1034 1035 1036 1037 1038 1039 1040 1041 1042 1043 1044 10

خبرام خداے نشایندہ مہربان

آغازی کنم نام خدا اینک بے اندازه مهربان نهایت بارحم است

تبارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيرا ①
 بسیار با بركت مت آنکه فرود آورد قرآن را بر بنده خویش تا باشد ترساننده عالم را

بسیار بابرکت است آنکه خود آورده و کتاب فیصله قرآن را بر جبهه خود گذاشت برای عالمیان تیرا نند

می یافتند پیغمبر را غیر مقت دیه از مجلس بدن اجازه آمه می میز آمدند مثله آنکه ام سلطان اجازه گرفت و برخواست این من

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ يَتَخَدُّ وَلَدًا اَوْ اَمَةً يَكُنْ لَهُ

آنکه در است پادشاهی آسمان با و زمین و آنچه فرزند گرفت و هیچ شریک نیست

شَرِيكَ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدْ اَرَاهُ تَقْدِيرًا ۝ وَاَتَخَذُوا

در پادشاهی و بیافرید هر چیز را پس اندازه کرد او را یا اندازه کردن و گرفتند کافران

مِنْ دُوْنِهِ اِلَهًا لَّا يَخْلُقُوْنَ شَيْئًا وَهُمْ يَخْلُقُوْنَ ۝ وَلَا يَمْلِكُوْنَ

جز الله آن معبودان که نمی آفرینند چیزی را و خود و آنچه آفریده می شوند و نمی توانند

اَنْ نَفْسٌ مِّنْهُمْ تَضُرَّ اَوْ لَا نَفْعًا ۝ وَلَا يَمْلِكُوْنَ مَوْتًا ۝ وَلَا حَيٰوةً ۝ وَلَا شَيْئًا ۝

برای نفسی از ایشان و نه سودی و نمی توانند مرگ را و زنده گانی را و نه هیچ را

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا اِنْ هٰذَا اِلَّا اَفْكٌ ۝ اِفْتَرَاهُ وَاَعَانَهُ عَلَيْهِ

و گفتند کافران نیست این مگر دروغی که پراخته است آنرا و یاری داده اند او را پراختن آنرا

قَوْمٌ اٰخَرُونَ ۝ فَقَدْ جَاءَ وَظَلَمًا ۝ وَزُورًا ۝ وَقَالُوا اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ

گروه دیگر پس بطل آوردند ستم و دروغ را و گفتند قرآن افسانه های پیشینیان است

اَكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَا عَلَيْهِمْ مُّبَكَّرَةٌ ۝ وَاَعْمِلًا ۝ قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِي

که نگاشته است آنرا پس آن خوانده می شود بروی و محراب و بگو فرود آورده است آنرا سبک

يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ اِنَّكَ كَانَ عَقُورًا رَّجِيمًا ۝ وَاَعْمِلًا ۝

میداند آن که در آسمان با و زمین است هر آنچه و می آفریند و می کند و هر چه می بیند و

قَالَ اَمَّا لِهٰذَا الرَّسُوْلِ يٰۤاَكْلُ الْكَلَامِ وَفِيْهِ فَاِذَا نَزَلَ

گفتند چیست این پادشاه را که بخورد کلام و می گوید اگر نازل شود

اَلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُوْنُ مَعَهُ نَدِيْرًا ۝ اَوْ يُلْقِيْ اِلَيْهِ كِتٰبًا ۝ لَّهٗ جَسَدٌ

بوسه و فرشته تا باشد همراه و می ترسانند یا چنانکه از آسمان برآوردند و می بیند یا چنانکه از آسمان

يَاۤاَكْلُ مِنْهَا ۝ وَقَالَ الظَّالِمُوْنَ اِنْ تَتَّبِعُوْنَ اِلَّا رَجُلًا مَّسْحُوْرًا ۝ اَلَمْ

که خورد از آن و گفتند این ستمکاران پیروی نمی کنید مگر مردی جاود کرده را

كَيْفَ نَكُوْنُ اِلَّا اَمْثَالُ الْاَوَّلِيْنَ ۝ فَضَلُّوا ۝ اَفَلَا يَسْتَطِيعُوْنَ سَبِيْلًا ۝ تَبٰرَكَ

چگونه باشیم مگر مانند اولیانی که گمراه شدند پس نمی توانند راه را پس بزرگوار است

الَّذِي اِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذٰلِكَ جَنَّتْ بَحْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا

آنکه اگر خواهد بدید ترا بهتر از این بستاند یا که می رود زیر درختانش

والبعضی تا با او می آمدند
تفسیر عثمانی
عده در صورتیکه مانند
باطل را بخورد و برای
خرید و فروش و بازار
با برود و بین ما و او
فرق و امتیازی باشد
اگر اقتضای رسول بودی
بالتی چون و تشنگان
از خوردن و نوشیدن
و حیوان طلب حاش
نارغ بودی
اگر با او یک دسته
تشنگان نمی بودی
یک نفر از تشنگان
خدا باید برای ایشان
صدقت و انعام
مع
دیده و بخورد و پیغمبر
تسلی میگردانند
ازین که محض یک
نفر در حالت ضعف
و نهایت بیگنی عوای
پیغمبری میکند چه
حاصل می شود
و اگر تشنگان هم
بعیت او نباشند
آنکه از آسمان یک
خزانه غنی ظاهر
نقشه می آید و انداخته
درین شرح کرده
مردم را بوسی خود
لب می کرد اگر ازین
هم قطع نظر کنیم باید
ماندند و سزاوار
زین را با غنی
از آنکه را غنی
و غیره میداشت
که اگر بدستشان ازین
داده نمی توانست که
کم خودش را ایشان
و آسودگی میبستند
که ازین خود را میگرد

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُ مِصْرَبٌ مِنَ الْمَرْءِ الْمُنِفِيٍّ إِذَا تَنَادَوْا بِمِصْرَبِ الْمُنِفِيٍّ

چون هرگاه بر آنها مصیبتی از مرد منافق افتد اگر با هم فریاد برانند که مصیبتی از مرد منافق افتد

كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ۝ إِذَا رَأَوْهُمُ مِنَ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيغًا

و کذب کردند بقیامت کند دوزخ را چون بیند دوزخ ایشانرا از مسافت دور بشنوند از او آواز غمی خوردن

وَزَفِيرًا ۝ وَإِذَا أَلْقَا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّبِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ

و غریب و چون انداختند از آن دوزخ مکانی تنگ و نزدیک را دعوت کردند آنجا بر خویش

ثُبُورًا ۝ لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ۝ قُلْ أَذَلِكَ

بهبلاک و گوئیم بدو عانید امروز بیک بلاک و بدو عانید بهلاک بسیار

خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ ۝ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءٌ وَصِيدًا ۝

بهتر است یا بهشت جاوید آنکه وعده داده شده است متقین را باشند ایشانرا پاداش و جای بازگشت

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ ۝ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدٌ مَسْئُورًا ۝ وَوَعَدَ

ایشانراست در آنچه آنچه می خواهند در حالیکه جاویدند در آن است این وعده پروردگار تو و وعده طلبیده شده و آن روز

يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضَلُّنَا عِبَادِي

جمع کند خدا ایشانرا آنکه می پرستند بجز خدا پس گوید آیا شما گمراه کردید این بنده را

هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ۝ قَالُوا اسْمِعْ كُنَّا نَسْتَبْغِي لَكَ أَنْ تَنْجِدَ

یا ایشان بخود غلط کرده اند راه را گویند بهای یادی کنیم ترا سزاوار نباشد ما را که هیچ دوست گیریم

مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْنَاهُمْ وَأَبَاءَهُمْ حَتَّى سَأَلُوا الَّذِينَ كَفَرُوا

بجز تو و لیکن بهره مند ساختی ایشانرا از پدران ایشانرا تا آنکه فراموش کردند پسند و

كَانُوا أَقْوَمًا بَوْرًا فَقَدْ كَذَّبْتُمْ بِهِ تَقُولُونَ ۝ فَمَا اسْتَطِيعُونَ صَرْفًا

شدند گریه و ماتش گوئیم اے کرده کاذان هرگز نمی توانستند شمار این میوه را در آنچه می پرستیدند

وَلَا نَصْرًا ۝ وَمَنْ يَظْلِمْ مِثْلَ نُونٍ فَوْهٍ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ

و نه یاری دادن و هر که گناه باشد از قضا بجز عذاب و نه مدد کردن و هر که ظالم است از ششای چشم او را عذاب بزرگ

مِنَ الرُّسُلِينَ إِلَّا أَتَاهُمْ لَمَّا كُنُوا الظَّالِمِينَ يَتَشَوَّنُ فِي الْأَسْوَاقِ

پیشامبران مگر باین صفت که ایشان میخوردند طعام و میفرشتند در بازارها

وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ۝ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ۝

و گردانیدیم بعضی شما را در حق بعضی امتحانی آیا صبر می کنید و هست پروردگار تو بینا

عنه مقابل عطا یا الهی یک بار از تو ندارد اگر او تعالی بخاهد باغبانهای پیشانی بهتر از آن که این مردم از تو مطالب دارند به تو عطا می نماید بلکه او قدرت دارد که باغبان و هنر با وجود و تقوی که در آخرت تو دادنی است همه را فی الحال درین دنیا تو از زانی فرایده لیکن حکمت الهی حاصل محقق آن نیست و اگر تمام مطالبات و نیازهایت را ندین تمکین کرده شود باز هم این مردم حق و صدق را قبول دار نیستند باقی دلائل و معجزاتی که بر آن اثبات صدقات پیغمبر علیه السلام بیان شده از حد کفایت زیاده است حقیقت این است که این بدستخان از سوء استداد خود در پی تباهی و بر بادوی خود میگذشتند بلکه برای آنها فتنه شده بود لیکن مسبب فتنه اینان این شد که در پیش آرم زنا آمده و در شرف غفلت غرق گردیده از یاد تو غافل شدند و به نصیحت هیچ کس گوش نتهاد ندادند و از پیغمبر و التماس نکردند و بر حق دینی مغرور گشتند از لطف و کرم خود جدا قرار داد آنها و آباد و اجداد آنها فدا کردند

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا

وگفتند آنانی که امید ندارند ملاقات ما را چرا

أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ وَأَوْتَيْنَاكَ الْفُلَ

فرود داده شد بر ما فرشتگان را یا چرا نمی بینم پروردگار خود را هر آینه بزرگ شدند و از غم خویش سرگشته

وَقَالُوا كَذِبٌ بَرَاءٌ

وگفتند براهی دروغ بزرگ

وَقَالُوا كَذِبٌ بَرَاءٌ

وگفتند براهی دروغ بزرگ

وَقَالُوا كَذِبٌ بَرَاءٌ

وگفتند براهی دروغ بزرگ

وَقَالُوا كَذِبٌ بَرَاءٌ

وگفتند براهی دروغ بزرگ

وَقَالُوا كَذِبٌ بَرَاءٌ

وگفتند براهی دروغ بزرگ

وَقَالُوا كَذِبٌ بَرَاءٌ

وگفتند براهی دروغ بزرگ

وَقَالُوا كَذِبٌ بَرَاءٌ

وگفتند براهی دروغ بزرگ

وَقَالُوا كَذِبٌ بَرَاءٌ

وگفتند براهی دروغ بزرگ

عشقلان

حبط کردیم او را

توسعه می آسمان بر

بهشت معناده خود

باش را ما این گاه

منشوق شود و از عالم

تفسیر شتانی

عده ای که امید

ندارند که روزی بخت

ما حاضر خواهند شد

و حساب اعمال خود

را خواهند داد

خوف سزای خداوند

غافل گردیده و سخنان

میاندار و گستاخانه

بزیان می آرند شلّا

میگویند فرشتگان

که بر محمد صلی الله علیه

وسلم وحی آورند

چرا با آن وحی ما

نازل نشدند یا

خداوندی که ما را

روبرو با خود ما سخن

نگفت تا آنکه بر آید

تصدیق قول تو تا آنکه

فرشتگان نزد ما می

آمدند و یا خداوند

را در بر و میدیدیم

که دعوی تری صدق

و تأیید میکرد چنانکه

در خانه دیگر فرماید

و شما و این نوسن

نک حتی تویی مثل

ما و تو مثل رسول الله

و انما رکوت ۵۵

و در سورة الاسراء

خج اولی بالشد

و الملكة قلیلا

(اسراء رکوت ۱۴)

عده آنها خود را

بزرگ خویش میباش

مع بزرگ پنداشته

اند که نزول می

و شده فرشتگان

را آرزو میکردند

و شرف نشوند

ع علت کم گرفتار
قرآن آید میسر
تصور کرده اید اگر
غول کنید بدینسان
فرستادن قرآن
دارای فواید زیاد

است چه در
صورتیکه یکبار
تو فرستاده
میشد آن
چنانیکه باید و شاید
از آن بهره گرفته نمی
توانست مثلاً درین
صورت حفظ کردن
قرآن آسان تر شد
و نهی آن سهولت

دست داد و کلام
که موجب حفظ
شد و مردم با تفاهل
مصارف و هفت پای
که در آن رعایت
گرفته شده موقع

موقع اطلاع یافتند
و در آن فواید جاف
برکت را دیدند از
تجلیات و تعبیر
ایافته اند فایده و جان
نیگام نموده و

را بطریق سوال صحیح
و عوץ در یافتند
قلب میسر میماند
را تسکین حاصل شد
و گویا به نزول هر

آیین دعوی انجام
تجدید شده رفت و
بهر نیل غلبه شد
کرات و مراتب نازل
شد و آن فی نفسیک
برکت مستقل بود و
بسیار فایده دیگر در آن

موجود است که از آن
جلو در نیجا خطب و غیر
فوائد اشاره فرموده
است معذرت باب
اصحاب الرس
و عاجزان چنان

فَوَاعِدُكَ وَرَبُّكَ تَزِيلًا ۱۵ وَلَا يَأْتُكَ بَعَثُكَ إِلَّا بِمَثَلٍ إِلَّا جِئَكَ بِالْحَقِّ ۱۶
دل ترا و خواندیم آنرا با بختی و نیاوردند کافران پیش تو هیچ داستانی مگر بیاریم پیش تو جوابی راست و

دل ترا و خواندیم آنرا اندک اندک بملکت سه دخی آوردند کافران نزد تو مثل رسالی مگر می آید تو جواب راست و

أَحْسَنَ تَفْسِيرًا ۱۷ الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ
نیکوتر در بیان آنانکه برانگیخته شدند ایشان بر روی خویش بسوی دوزخ این چنانکه
نیکوتر از روی بیان آنانی که برانگیخته فرمایم آورده شدند در حالی که بر روی افتاده باشند بسوی دوزخ آن گروه

تَشْرِكُكُمْ نَاوَأَصْلُ سَبِيلًا ۱۸ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ لِكُتُبٍ وَجَعَلْنَا مَعَهُ
بدترند یا اعتبار مکنان و غلط کنند ترند راه را و هر آینه دادیم موسی را کتاب و ساختیم همراه او
بدترند از روی درجه و بسیار در افتاد گاه از راه و (هر آینه) دادیم موسی را کتاب و گردانیدیم همراه او

أَخَاهُ هَارُونَ وَنِيزًا ۱۹ فَقُلْنَا أَذْهَبَ إِلَىٰ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا
برادر او هارون را و نیزه پس گفتیم بروید بسوی آن قوم که دروغ میگویند آیات ما را
برادرش هارون را و نیزه پس گفتیم بروید بسوی آن قومیکه تکذیب کردند آیات ما را

فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْوِيرًا ۲۰ وَقَوْمُ نُوحٍ كَذَّبُوا الرَّسُولَ فَعَبَّوْا عَنْهُ
القصه پس هلاک ساختیم آن قوم را هلاک کردی و قوم نوح چون دروغ میگویند پیغمبران را و عیب میگویند از آیات ما را
پس هلاک ساختیم آنها را از توبه برگردانده و قوم نوح را و قتیله تکذیب کردند رسولان را و غرض را خیر از آنرا گردانیدیم ایشان را

لِلنَّاسِ آيَةٌ ۲۱ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ۲۲ وَعَادًا وَثَوْدًا ۲۳
برای مردمان نشانه و همیاء کردیم برای ستمکاران عذاب دردناک و هلاک ساختیم عاد و ثمود و
برای مردم نشانی در عبرت و همیاء کردیم برای ستمکاران عذاب دردناک و هلاک ساختیم عاد و ثمود و

أَصْحَابَ الرَّسِّ وَفَرُّوْنَا بَيْنَ ذَلِكَ كُنُوزًا ۲۴ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
اهل رش را و طبعات بسیار را در میان ایشان و برای هر یکی بیان کردیم داستانها و همیاء را
اهل چاه را و جماعت بسیار را در میان این مذکورین و برای هر یکی بیان کردیم داستانها و همیاء را

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا تَنزِيلًا ۲۵ وَلَقَدْ آتَيْنَا آلَ فِرْعَوْنَ الْوَحْيَ الْوَحْيَ الْوَحْيَ الْوَحْيَ
هلاک ساختیم هلاک کردی و هر آینه رسیدند کافران بدینچه که باران زده شد بر روی باران بدینچه باران سنگ آید
هلاک کردیم ریزه ریزه کردن و هر آینه رسیدند این مردم بران توبه که باران زده شده بود بر روی باران بدینچه

يَكُونُوا أَزْوَاجًا ۲۶ وَإِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزِلًا ۲۷
نمی دیدند آنرا بلکه توبه نمیداشتند برانگیختن را و چون بینند ترا نگرند ترا
نمیدیدند آنرا فی المثل توقع نداشتند دوباره زنده شدن را و چون بینند ترا نگرند ترا

إِلَّا هَزْوًَا أَهْلَ الدُّنْيَا ۲۸ بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ۲۹ إِنْ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ الْهَيْدَةِ
الاضغرة آید این شخص است آنکه خدا میخواست پیغامبر فرستادش هر آینه نزدیک بود که گمراه فرماید از پرستش خدایان ما
مگر سخره (گویند) آید این آنکس است که فرستاده اند از رسول (هر آینه) نزدیک بود که گمراه کند ما را از معبودان ما

لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا ۳۰ وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ
اگر نه آن بودی که شکیبایی کردیم بر آن خواهی شد و از آنست چون به بینند عذاب را کیست
اگر ما استوار نمی بودیم بر آنها و آینه داند و قتیله بینند عذاب را کیست

أَصْلُ سَبِيلًا ۳۱ أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ ۳۲ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ
غلط کنند عذر را آید دیدی آنرا که گرفته است خدای خود خواجش نفس خود را یا تو میروی بروی
گم شده تر از راه آید دیدی آنرا که گرفته معبود خویش هوای خود را آید تو هستی بروی

وَكَيْلًا ۳۳ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا
آنچه بیان آید می بیند آری که بیشتر بین ایشان می شنوند یا می بینند ایشان را
مضامین و کتب بیان پیدا آید پینداری که اکثر ایشان می شنوند یا می دانند می بینند ایشان را مگر

وَكَيْلًا ۳۴ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا
آنچه بیان آید می بیند آری که بیشتر بین ایشان می شنوند یا می بینند ایشان را
مضامین و کتب بیان پیدا آید پینداری که اکثر ایشان می شنوند یا می دانند می بینند ایشان را مگر

وَكَيْلًا ۳۵ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا
آنچه بیان آید می بیند آری که بیشتر بین ایشان می شنوند یا می بینند ایشان را
مضامین و کتب بیان پیدا آید پینداری که اکثر ایشان می شنوند یا می دانند می بینند ایشان را مگر

وَكَيْلًا ۳۶ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا
آنچه بیان آید می بیند آری که بیشتر بین ایشان می شنوند یا می بینند ایشان را
مضامین و کتب بیان پیدا آید پینداری که اکثر ایشان می شنوند یا می دانند می بینند ایشان را مگر

وَكَيْلًا ۳۷ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا
آنچه بیان آید می بیند آری که بیشتر بین ایشان می شنوند یا می بینند ایشان را
مضامین و کتب بیان پیدا آید پینداری که اکثر ایشان می شنوند یا می دانند می بینند ایشان را مگر

كَلَّا نَعْمَ رَبُّهُمُ أَضَلُّ سَبِيلًا ١٠ أَلَمْ تَر إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ

نه چاره پایان بلکه ایشان غلط کنند خورشید را آیدند بی بوسه پروردگار خود چگونه دراز کرد سایه را و اگر

شَاءَ لَجَعَلَهُ سَائِلًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسُ عَلَيْهِ دَلِيلًا ١١ ثُمَّ قَبَضْنَا إِلَيْتِ

خواست کرد آیددی آنرا اگر سید باز بر گشتیم آفتاب را بروست راه نداشت باز فرماستیم سایه را به سوی خویش

قَبْضًا سَبِيرًا ١٢ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا ١٣ وَ

فرماست آنرا و اوست آنکه ساخته برای شما شب را پوششی و خواب را راحتی و

جَعَلَ لَهَا تَشْوِيرًا ١٤ وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا لِّبَنِي يَدْيَ رَحْمَتِ

ساخت روز را وقت برخاستن و اوست آنکه فرستاد بادها را بپوشش و بپوشش رحمت خویش

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ١٥ لِّنُخْرِجَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْمَنًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا

و فرود آوردیم از آسمان آب پاک را تا بزنیم سازیم بایان آب شسته مرده را و تا بپوشانیم از آنچه

خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَا سَيِّ كَبِيرًا ١٦ وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيُبَ دَرُوفًا لِّي

آفریده ایم چهار پایان را در دم بسیار را و هر آنچه گوناگون بیان کردیم بین در میان ایشان تا بیند بپوشش و بپوشش

أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كَثُورًا ١٧ وَأَوْسَيْنَا الْبَعَثَ فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ١٨ فَلَا

بیشترین مردمان مگر ناسپاسی را و اگر می خواستیم میفرستادیم در هر دیه ترساننده پس

نُطْعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ١٩ وَهُوَ الَّذِي يُجِبُ الْغُرُوبَ

نشان میر کافران را و جهاد کن بر ایشان بجهاد بزرگ و اوست آنکه در آید غروب را

هَذَا آتِ بَقَرَاتٍ وَهَذَا أَمْلَحُ أَجَاحٍ ٢٠ وَجَعَلَ بَيْنَهُم بَارِزًا وَحِجْرًا

این یک آب شیرین و این شکر است و این شور است و این شیرین است و میان هر دو حجابی مانعی

فَجَوْرًا ٢١ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ السَّمَاءِ بَشَرًا جَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ

مقبوط و اوست آنکه آفرید از آب آدمی را پس ساخت او را خداوند نسب و دامادی و هست

رَبُّكَ قَدِيرًا ٢٢ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ ٢٣

پروردگار توانا و می پرستند بجز خدا چیزهای را که نفع ندهد بایشان و ضرر نرساند بایشان و

كَانَ الْكَافِرُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ ظَاهِرًا ٢٤ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ٢٥ قُلْ

هست کافر بر حقانیت پروردگار خود پستی دارند و نفرستادیم ترا مگر بشارت دهنده و ترساننده بگو

مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِن أَجْرٍ إِلَّا مِن شَاءِ أَن يُبَيِّنَ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ٢٦ وَتَوَكَّلْ

نی طلبم از شما بر هیچ چیز و آن هیچ مزدی نیست بر من که بگویم برای شما آیات را که بگویم و توکل کن

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فلا ينفكوا من الصلاة
فالبسب ١٢
تفسير عثمان
على سائر الكائنات
بزرگ و یا غفله
بانی آسمانی که
فرشتگان آنرا
نظارت میکنند و
یا ممکن است
منازل
دوازده گانه
آفتاب بر او
باشد که
نیمه دایره
بیان کرده اند حضرت
شاه صاحب دیوبند
آسمان بدوازده
حلقه تقسیم است و هر
یکی را برج گویند
و نشان هر یکی تارکات
است این عدد در
برای حساب مقرب
کرده است و در
الفرقان آمده افزون
و کاستن و یا آمدن
و رفتن را مختلف
فرمود و در این مطلب
این است که برین را
عوض دیگری ساخته
است مثلاً اگر کار
روزانه از آن باشد
انجام میدهند و اگر
در شب باشد یا قیام
آنها بر روز اجرائی
نمایند که در فی الجمله
مستند بندگان خدا
باشند مشرکین از
شنیدن نام و حق
نفرت می کنند بیکر
بر گفتار و کردار خود
انگیزانند و می بینند
از رفتار و کردار آنها
تواضع مناسبت خاک را
و فی بعضی آشنای
و در بعضی برتر
خرامان راه

عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسُبْحَانَ مُحَمَّدٍ وَكَفَى بِهِ يَدُ نُوْحٍ عَمَادَهُ
و بیای یا کون همراه مستایش او پس ست و ستی بندگان تو پیش
و بیای یا کون همراه مستایش او و کافی جزو است اینان بندگان خود
خَبِيرًا ۱۱) الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
آنکه بیا فرید آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست در شش روز
آنکه آفریده آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست در شش روز
ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۱۲) وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ
پس استوار استوی بر عرش او خداوند رحمت بزرگ است پس سبوح است خداوند از آنچه
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۱۳) قَالُوا أَوْعَدَ الرَّحْمَنُ أَسْبَحًا لَهُمَا تَأْمُرُنا وَآزَادَهُمْ نُفُورًا ۱۴)
در سجده کنید و رحمت را گویند و چیت و رحمن آیا سجده کنید بپیش من یا نه بپایان
در سجده کنید و رحمت را گویند چیت رحمن آیا سجده کنید بپیش من یا نه بپایان
تَبَرُّكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ۱۵)
بزرگوار است آنکه ساخت در آسمان برجها را و ساخت در آن چراغ را و ماه را روشن و درست
و ماه را بزرگوار است آنکه ساخت در آسمان برجها را و ساخت در آن چراغ را و ماه را روشن و درست
وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَن أَرَادَ أَنْ يَنْتَهِزَ ۱۶) أَوْ يَذَّوِّبَهُمْ
آنکه ساخت شب و روز را جانشین یکدیگر بر آید یکدیگر را ببرد و ببرد و ببرد
و او است آنکه ساخت شب و روز را مختلف و خلف از یکدیگر ببرد برای آنکه خوابد که ببرد یا خواهد
تَسْكُرُوا ۱۷) وَعِمَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا
شکر گذاری کردن و بندگان خدا آنانند که میروند بر زمین با سستی دل و چون
شکر گذاری را و بندگان رحمن آنانند که می گردند بر زمین بر آهستگی و بر تواضع است و چون
خَاطِبُهُمُ الْجَهْلُونَ قَالُوا أَسْمَاءُ ۱۸) وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا
سخن گویند بایشان نادانان گویند سلام بر شما باد و آنانکه شب میگذرانند برای پروردگار خویش سجده کنان و
خطاب کنند از نادانان (بی ادبانه) گویند سلام و آنانکه شب میگذرانند برای پروردگار خود سجده کنان و
قِيَامًا ۱۹) وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ
قیام کنان و آنانکه می گویند ای پروردگار ما بازدار از عذاب دوزخ را هر آینه
قیام کنان و آنانکه می گویند ای رب ما بازدار از عذاب دوزخ را هر آینه
عَنْ أَهْمَا كَانَ عَذَابًا ۲۰) أَمْ سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا أَوْ مَقَامًا ۲۱) وَالَّذِينَ
عذاب دوزخ لازم شونده است هر آینه دوزخ بد آرام گاه است و بد مقامت است و آنکه چون
عذاب دوزخ است شدید لازم (هر آینه) دوزخ بد جائی لغو و بد جائی اقامت است و آنکه چون
إِذَا انْفَقُوا الْمَيْسِرَ فَأُولَئِكَ يَقْتَرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ۲۲) وَالَّذِينَ لَا
خرج کنند اسراف نه نمایند و سبکی نکنند و باشد عطاء ایشان میان جاہلین معتدل و آنانکه نمی پرستند
خرج می کنند اسراف نمی کنند و سبکی نمی کنند (در خرج) و باشد میان اسراف و سبکی معتدل و آنانکه نمی پرستند
يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ الْأَبَاحُ ۲۳)
با خدا معبود دیگر را و نمی کشند هیچ نفسی را که حرام کرده است خدا مگر بحق
بالله معبود دیگر و نمی کشند آن نفسی را که حرام گردانیده (الله) نفس بحق
وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ۲۴) يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ
و نه زانیانند و هر که بکند این کار بر خورده عقوبت و عوار و چند کرده شود او را عذاب روز
و نمی کند زنا و هر که بکند این کار بر خورده عقوبت و عوار و چند کرده شود او را عذاب در روز

و فی بعضی نیست که از یاد و لغص مانند مرغان قدم می بردارند بیک رفتار آن حضرت علی الله علیه و سلم که در حدیث منقول است چنین رفتاری را تأیید نمی کنند ۱۴

الْقِيَمَةُ وَيُحَدِّثُ فِيهِ مَهَانًا ۱۰ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا

بجاست و جاوید اند آنگاه بخوار کرده شده مگر آنکه توبه کرد: ایمان آورد و عمل شایسته نمود

فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۖ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۱۱

پس آنکار بدل سازد خدا بدیهای ایشان را به نیکی با و هست خدا آمرزنده مهربان و

مَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ۱۲ وَالَّذِينَ لَا

هر که توبه کند و کارش نیک بجای آورد پس هر آینه و توبه رجوع می کند: بخندار رجوع کردنی و آنانکه

يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ هُمْ فِيهَا مُذْهِبُونَ ۱۳ وَالَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ

گواهی دروغ نمیدهند و چون بگویند بر بیگانه برودند بر شایسته بزرگان و آنانکه چون پند داده میشود ایشان را

بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَمُجِّرُوا وَاعْلَمُوا بِمَا كَانُوا يَكُونُونَ ۱۴ وَالَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ

بایات پروردگار ایشان گمراه نشدند و آفریدند ایشان را فل و آنانکه می گویند اسے پروردگار ما به بخشش

لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فِتْنَةً أَعْيُنٌ وَاجِعِلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ۱۵ أُولَٰئِكَ

اما از زنان ما و از فرزندان ما روشنی چشم و بکن ما را پیشوائے متقیان آسمانه

يُجْزَوْنَ الْعُقُوبَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلْقَوْنَ فِيهَا نَجَاتٍ وَسَلَامًا ۱۶ خَلْدًا يَنْفُضُهَا

جزا داده شود ایشان را محض بلند بمقابل آنکه صبر کردند و بر خور آنکه شود ایشان را آنجا بدلتی نبرد سلام جاویدان آنجا

حَسَنَاتٍ مُسْتَقَرًّا أَوْ مَقَامًا ۱۷ قُلْ مَا يَعْجَبُوكُمْ رَبِّي لَوْلَا دَعَاؤُكُمْ فَقَدْ

بهشت نیک آرام گاه است و نیک مقام است بگو با قدری شمارد شمار پروردگار من اگر نشاء عبادت شما پس هر آینه

كُنَّا بَعْدَ مَا كُنَّا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لَكَ عِلْمًا ۱۸ وَالَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ

ما را بعد از آنکه ما را پرستیدیم بجز آنکه ما را پرستیدیم و بگو بدان ما را برای پرستیدگان را پرستیدگان آن گروه

طَسَّرَ ۱۹ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۲۰ لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسًا أَدَّىٰ كُؤُوتًا

این آیات کتاب روشنی است شاید تو هلاک کننده غفلت را به سبب آنکه

مُؤْمِنِينَ ۲۱ إِنْ تَشَاءْ نَنْزِلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْيُنُهُمْ

مسلمان نمی شوند اگر خواهی فرود آوریم بر ایشان از آسمان نشاء پس شود گردن ایشان

لَهَا خاضِعِينَ ۲۲ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثًا إِلَّا كُنُوا

پیش آن میایند کننده و نمی آید بدیشان هیچ پندس از جانب پروردگار ایشان توبه آید آورده مگر می باشند

بیش آن می ایستاد کنندگان و نمی آید بایشان هیچ پندس توبه آید آورده و حاجب رحمت مگر باشند

ملایق بلکه دیده و
شبهه بجهه کنند
تفسیر عثمانی
۱۰ اول و گمراهی
کافری بود که بعد از آن
ایمان آورد و این ذکر
گاه کردن در حین اسلام
است در باره آن
بهم این ایش است
که چون توبه کند یعنی از
کارهای بد اعراض
نماید نزد الله تعالی
مقام و توبه می باید قبول
شکر که معصوم مندرجه
سوره فاطر و من
بقتل صوحنا متقدما
فجره و جهنم خالدا فیها
و غضب الله علیه و
نیز و اعداء خدا را
غفلت و در رکوع
س در حق غیر تائب
است و الله اعلم
عنه حضرت شاه
صاحب مذهب بود که
گناهش اهل نمی شنوند
و از چیزهای بازی و
لغو بپرهیزند
۱۱ می نمایند
نه نه خوشحال
و نه باز تکیه
آنها می جنگند
۱۲ اگر دور
چنین جائے
نیک اندک
زمان هم اقامت
کے نصیب شود
غفلت است حال آنکه
این اقامت گاه است
ابدی می باشد لله
نعم و نقصان را بشاء
خاطرشان نمودیر
بنده لازم است که
مخوّر و سبب پاک
نشود زیرا خدا پرور
اور اندر - آری

صلواتی بنده گوشتن
بنی اسرائیل گفت بود
پس هم چنین پرورش
کردن که آن قدرت
بود گفت بنات ١٥
تفسیر ششانی
آنجا تنه از آگاهی
اعراضی نمودند بآ
تأذیب و استهزا هم
می کردند پس تفسیر
روینا و آخرت
سنای کردار
بای خود را خوانند
یافت و در آن وقت
حقیقت چیزیکه آن
تفسیری کردند براس
شان آشکار خواهد
شد. عه اگر این
کذبین بر احوال نیز
پیش یا افتاده شان
نوری کردند براس
حصول معرفت مبداء
و معاد کافی بود و آگاهی
بینند که ازین خاک
بند و محصور سخت
یک نظام استوار
تکوینی چه گلهامان
رنگ رنگ و انواع
واقسام نظام و دیو
باید دیدی آید آیین
دلیل بران نیست که
مالتیک قدرت و
حکمت بی انتها دارد
و زمام دود و احق
اوست این چنین بر
روقی را بدینگونه
و زینت بخشیده است
و تمنا و تقلید است
که هر وقتی بخواهد آفر
و بران بعد از ویرانی
دوباره آباد نماید بنه
علیه بعد از اینکه این
آیات تکوینی خوب
فهمیده شود براس
تصدیق آیات شریحه
اشکالی باقی نمی ماند
آری اگر کسی نخواهد که این آیت را بپذیرد آن سخن جدا گانه است ١٢

عَنْهُ مُعْرِضِينَ ٥ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

ازان روگرداننده پس ثابت شد که ایشان دروغ می کردند پس خواهد آمد بایشان بامصدق دهنده که بان
ازان روگردانندگان پس (بدستیکه تکیه کردند پس زود آید بایشان خبرهای آنچه به آن

يَسْتَهْزِءُونَ ٦ أُولَئِكَ يَرْوَوْنَ إِلَى الْأَرْضِ كَمَا أَنْبَأْتَنَاهُمْ مِنْ كُلِّ رُفْدٍ

سخن می کردند آیاننده اند بسوئے زمین چه قدر رو یا نیدیم در اینجا از هر جنب
استهزا می کردند عه آیانندند بر زمین که چه قدر رو یا نیدیم دران از هر جنب

كَرِيمٍ ٧ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّعُلُوِّ مَا كَانُوا أَكْثَرُهَا مُؤْمِنِينَ ٨ وَإِنَّ رَبَّكَ

نیک هر آینه درین ماجرا نشانده است و دیدند بیشترین ایشان مسلمانان و هر آینه پروردگار تو
متمم پسندیده (هر آینه) در این (رو یا نیدن) نشانده است (بمال قدرت) و نیست اکثر ایشان یقین کنندگان عه

لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ٩ وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَنِ اتَّبِعْ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

همان است غالب مهربان و آنگاه که آواز داد پروردگار تو موسی را که بیا پیش کرده است کاران
همان غالب مهربان و چون ندا کرد پروردگار تو موسی را که برو پیش قوم ظالمان

قَوْمَ فِرْعَوْنَ ١٠ أَلَيْسَ لِقَوْمِهِمْ آلَاءُ بَاطِلُونَ ١١ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ١٢

بیابیش قوم فرعون آیا بر میزگاری نمی کنند گفت اسے پروردگار من هر آینه من سے ترسم از آنکه دروغ می گویند مرا و
به قوم فرعون آیا نمی ترسند گفت اسے پروردگار من (هر آینه) من می ترسم از اینکه تکریم کنند مرا و

يَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَٰؤُلَاءِ ١٣ وَلَهُمْ

تنگ شود سینه من و جاری نمی گردد زبان من پس بفرست بر من فرست بسوئے بardon و قوم فرعون را
تنگ میشود سینه من و روانی ندارد زبان من پس بفرست بر من فرست بسوئے بardon و هست ایشان را

عَلَيْكَ ذَنْبٌ فَخَافُوا أَنْ يَقْتُلُونَهُ ١٤ قَالَ كَلَّا فَإِذْ هَبْنَا بَالِيتَنَا إِنَّا مَعَكَ

بر من گناه است پس می ترسم که بکشند مرا گفت نه چنین باشد پس برود برید بگشت نمای ما هر آینه ما را
بر من و دعوی گناه پس می ترسم که بکشند مرا گفت نه چنین است پس برود برود و آیت های ما اگر نرفته هر آینه ما را

مُسْتَمْعُونَ ١٥ فَاتَّبَعَ فِرْعَوْنَ قَوْلَهُ لَا تَأْتِيكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٦

شنونده ایم پس بیایند بفرعون پس بگویند هر آینه ما فرستاده پروردگار عالمیا ایم یا این پیام که
شنونده هستیم برود برود بفرعون پس بگویند هر آینه ما فرستاده پروردگار عالمیا ایم یا اینکه

أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ ١٧ قَالَ أَلَمْ تُؤْتِكُمْ فِينَا وَلِيدًا ١٨ وَلَكِنَّتَ فِينَا

بفرست همراه ما بنی اسرائیل را گفت اسے موسی آیا پرورش نکردیم نزد میان این خویش در حال طفلی و درنگ کردی
بفرست با ما بنی اسرائیل را گفت فرعون آیا پرورش نکردیم نزد خانه خود مثل پس در حال طفلی بودی و اگر راندی در میان

مِنْ عَمَلِكُمْ سِنِينَ ١٩ وَفَعَلْتَ فَعَلْتُمْ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ

از عمر خود سالها و کردی آن کردار خود را که از تو بعمل آمد و تو از ناسپاسان دارنده گانی
از عمر خود سالها و کردی آن کرده خود را که کردی حال آنکه تو از ناسپاسانی

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذْ وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ٢٠ فَقَرَّرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَكَّدْتُ

گفت کردم آن کردار آن گناه و من از گمراهان بودم پس ترسیدم از شما چون بترسیدم از عقوبت شما پس عطا
گفت (موسی) کردم آن کار را آن وقت در حالیکه از خطا گذران بودم پس بگویم از شما چون ترسیدم از شما پس عطا

لِي بَنِي حُكَمَا وَجَعَلْنِي مِنَ الرُّسُلِ ٢١ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَسْمِيهَا عَلَىٰ أَنْ

مرا پروردگار من دانش و سزاختم مرا از پیغامبران و آید این نعمت است که منت می نهی بر من که
مرا بد من حکم و مقرر نمود مرا از رسلین و آن نعمت است که منت می نهی از آفرینش که

حَكَمْتُكَ بَنِي إِسْرَءِيلَ ٢٢ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ٢٣ قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ

بنده گرفتی بنی اسرائیل را گفت فرعون و چیست پروردگار عالمیا گفت موسی پروردگار آسمان و
نظام ساهی بنی اسرائیل را گفت فرعون چیست رب عالمیان گفت (موسی) پروردگار آسمان با

وَالْأَرْضِ مَا بَيْنَهُمَا ۖ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ لَيْسَ بِكُلِّهَا ۖ أَتَسْتَعْجِلُونَ ۝

و ازین و آنچه در میان اینهاست اگر یقین آورده اید گفت فرعون آنرا در احوالی او بودند ایامی شنوید
و ازین است و آنچه در میان آنهاست اگر بهیند یقین کنندگان (یقین کنید) گفت فرعون آنرا کرد و او بودند ایامی شنوید

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ١٤ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ

گفت موسی پروردگار شمامست و پروردگار پدران پیشین شمامست گفت فرعون هر آینه بینا نمیرد که فرستاده شده پس که شما
گفت موسی هب رب شما و رب پدران پیشین شما گفت فرعون (هر آینه) رسوین شما که فرستاده شده بسوین شما

لنَجْنُوْنَ ۝۱۸ قَالَ رَبِّ الشَّرْقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا اِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُوْنَ ۝۱۹

اولاد امت گفت موسی پروردگار مشرق و مغرب و آنچه در میان آنهاست اگر در حق یابید
اولاد امت گفت موسی او مت رب مشرق و مغرب و آنچه در میان آنهاست اگر عقل و دل و دایم سخن امان سازد و عده

قَالَ لَنْ اَتَّخِذَ الْهَاطِثِيْنَ اَصْحَابًا ۚ اَجْعَلْنٰكَ مِنَ السَّاجِدِيْنَ ۝ قَالَ اَوْ لَا

گفت اگر خدایا مرا غرق کنی غیر مرا البته بکنم ترا از زندانیان گفت ایان زندان کنی

جُنُودِكَ بِشَيْءٍ مُّهِينٍ ﴿٦١﴾ قَالَ فَاتَّبِعْنِي فَإِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿٦٢﴾ وَاتَّقِ

اگر چه بیارم پیش تو چیز رو شن، را گفت بیار آنرا اگر از راست گویانی پس باند اخت
 مرا که بیارم نزد تو چیز ظاهر کنده (معجزه رو شن)، گفت غرض بیار آنرا اگر همچو از راست گویان، میر انداخت

عَصَاهُ وَادَّاهِيَ تَعْمَانُ كَمِيبِينَ ﴿٢٣﴾ وَتَزَعُ يَدَهُ وَادَّاهِيَ بَيْضَاهُ لِلتَّيْمَانِ ﴿٢٤﴾

قصه خود را پس ناگهان و سه اردو هاست آشکارا بود و بر آورد دست خود را پس ناگهان و سه سفید بود برای همیشه گان
قصه خود را پس ناگهان و سه اردو بای آشکارا بود و بر آورد دست خود را پس ناگهان و سه سفید بود برای همیشه گان

قَالَ لَمَّا حَوَّلَ اِنَّ هَذَا السَّحَرُ عَلِيمٌ يُرِيدُ اَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ اَرْضِكُمْ

تلف زلفون بچاسته که خواهی ادو بدند هر آینه این شمعین جادو گر گیت دانا میخواند که بیرون کند شمار از زمین بشمار
تلف زلفون به سردارانی که گرد او بودند (هر آینه) این شمعین جادو گر گیت عالم میخواند که بیرون کند شمار از وطن بشمار

قَالَ الرَّجُلُ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ

خود پس چه میفرمایند
کفتند که چون دارا را و برادرش را و یفرست در شهر

حَشْرِينَ ۝ يٰكُلُّ سَّاعٍ عَلَيَّ ۝ فِي مِةِ السَّحَرَةِ لَيْقَاتٍ يَوْمٍ مُّعَاقٍ ۝

تایبادت به پیش تو هر جادوگر داناد پس جمع کرده شد مسا حانرا میعاد روز سه شنبه
 مع کفندگان را تایبادت نزد تو هر جادوگر بزرگ عالم را پس جمع کرده شد جادوگران بوعده روز معلوم

وَقُلْ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ﴿٤٠﴾ لَعَلَّكُمْ أَنْتِبِعَ السَّحَرَةُ إِنْ كَانُوا هُمْ

آیا شما جمع هفتده اید بود که مایه روی سحران کنیم اگر ایشان
آیا شما جمع شوند اید یعنی شما نیز جمع شوید که مایه روی سحران را اگر مانند ان نام

فَالْحَاءُ السَّحَرَةُ قَالَهُ الْفِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَكْبَرُ إِنَّ كُتُبِي خَيْرٌ

پس چون حاضر شدند سحران گفتند فرعون را آیا دارا زنده بود اگر نه
پس چرا آمدند و اگر او زنده بود فرعون را آیا بتقوا بار بار شد مزوی اگر نه

٨٠ قَالِ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَئِنِ الْمَقْرَبِينَ ٩ قَالِ لَهُمْ مَوْسَى

گفت آری و هر آینه شما آنگاه از مقربان باشید گفت بایشان موسی
گفت ذرعه من و هر آینه شما آنگاه از مقربان باشید گفت برای صاحبان موسی

قُلْ مَا أَدْعُوكُمْ إِلَّا لِمَعْرِفَةِ اللَّهِ قُلُوبًا مَلَكُوتِيَّةً لَا تُبَدِّلُ مَا فَرَغَ اللَّهُ مِنْ آيَاتِهِ لِلَّذِينَ يَعْلَمُونَ ﴿١٠﴾ وَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ دِينُ اللَّهِ الَّذِي هُوَ لَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ فِيهِ كُفْرًا ۖ وَالْقَوَاعِدُ بِحَسْبِ الْعِلْمِ

نفس انداخته رسن های خود را و نهضای نفس خود را گفتند چه بزرگی فرعون
که آنرا کشما کشما بلند کند

این قدر از این نخست ناموفق بگویند که در آن زمان حاصل نشود.

بسم الله الرحمن الرحيم

قِيلَ لَهُمْ إِنَّمَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ^{١٩} مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ

گفتند شود بایشان بجاست آنچه می پرستیدید بخدا یا
گفتند شود بایشان بجاست آنچه می پرستیدید بجز خدا

يَنْصُرُونَ^{٢٠} فَكَيْفَ يُؤْفِقُهُمُ وَالْعَاُونَ^{٢١} وَجُنُودُ إِبْلِيسَ

خداستقام می کنند پس بر روی انداخته شوند در این جهان و گمراهان و لشکرهای شیطان
استقام می کنند برای خود را نگاه میدهند خود را از عذاب پس بر روی انداخته شوند در این جهان و گمراهان و لشکرهای شیطان

أَجْمَعُونَ^{٢٢} قَالُوا أَوْ هُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ^{٢٣} تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ

همه یک جا گوییم و ایشان آنگاه یا یک دیگر را بر روی کنند
همه یک جا گوییم و ایشان آنگاه یا یک دیگر را بر روی کنند

مُبِينٍ^{٢٤} إِنْ شِئْتُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ^{٢٥} وَمَا أَصْلَانَا إِلَّا الْبُحْرَمُونَ^{٢٦}

ظاهر ظاهر چون برابریا حقیم تنها یا پروردگار عالمها
ظاهر ظاهر چون برابریا حقیم تنها یا پروردگار عالمها

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ^{٢٧} وَلَا صِدْقٍ حَمِيمٍ^{٢٨} قَالُوا أَنْ لَنَا كَرَّةٌ

پس نیست از اینج شفاعت کننده و نه دوست مهربانی کننده
پس نیست از اینج شفاعت کننده و نه دوست مهربانی کننده

فَنَكُونُ مِنَ السُّومِيَّةِ^{٢٩} إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِمَنْ أَكْثَرُ عِلْمٍ

پس شویم از سومانان
پس شویم از سومانان

مُؤْمِنِينَ^{٣٠} وَإِنَّ رَبَّكَ لَهْوَ الْغَيْرِ الرَّحِيمِ^{٣١} كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ

مومنان
مومنان

الرُّسُلَيْنِ^{٣٢} إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ^{٣٣} هَآؤُنِي لَكُمْ

پیغامبران را
پیغامبران را

رَسُولٌ أَمِينٌ^{٣٤} فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا^{٣٥} وَمَا أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ مِنْ

برائے شما پیغامبر آمانم پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید
برائے شما پیغامبر آمانم پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید

أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ^{٣٦} فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا^{٣٧}

مزد من نیست مگر پروردگار عالمها
مزد من نیست مگر پروردگار عالمها

قَالُوا أَنْتُمْ مِنْ لَدُنْكَ وَالْبَعْلَاءُ الْآرِدُونَ^{٣٨} قَالُوا وَمَا عَلَيْنَا بِمَا كَانُوا

گفتند آری ایسان آوردیم بر تو حالانکه پیروی تو کرده اند مفلحان
گفتند آری ایسان آوردیم بر تو حالانکه پیروی تو کرده اند مفلحان

يَعْمَلُونَ^{٣٩} إِنْ حَسَبَ إِلَهُمُ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ^{٤٠} وَمَا أَتَا بِطَارِدٍ

ی کردند
ی کردند

الْمُؤْمِنِينَ^{٤١} إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ^{٤٢} قَالُوا الْبَيْنُ لَكُمْ تَنْتَهُ يَنْوَحُ

مومنان
مومنان

مومنان (از محض خود) بنیم من مگر ترساننده آشکارا گفتند اگر باز نمائی تو ای کون

مومنان (از محض خود) بنیم من مگر ترساننده آشکارا گفتند اگر باز نمائی تو ای کون

پرستان و تمام لشکر
ابلیس چه درود و زرخ
بر روی انداخته شود
چون هر چه بخواهند بدارم
مجادل کنند یکی دیگری را
لزم قرار ده و بالآخر
همگان بگرای خویش
الاعتراف نمایند و انزوا
کنند که حقیقت خطا و
گناهانی بزرگتر از این
نشان داد که اینها و
دیگر چیزها حق خلق
دادیم و آنها را ایستاد
عالمیان برابریا حقیم
و درین مگر انجاشیست
بزرگ پیروی کردیم
انکون که درین مصیبت
در هیچ گرفتاریم نمی
بهار ما میاید و نه شیطان
بد ما میرسد بلکه خود
آنها میترسند
دوخته شده
اندر کینیت
که بخشود خدای
تجانی شفاعت مارا
کنند یا انلا و دستی
پیدا شود درین وقت
مصیبت و در ماندگی
محض با انظار
دلسوزی و بهدروی
ناید راست است
الا خلاصه و من بعضهم
لبعض عدو الاتقیون
از خوف رکع ١٦
عنه ترا بگویند توان
پذیرفت در حالی که
جزئی چند از مردان
رفیق با تو رفیق و اتقی
نیست این گروه
پست که از روی نایش
با تو رفیق شده اند چنان
با تمام دلچای همه موافق
خواهند گردید و فضل
و شرف ما اجازه نمی
دهد که در مجلس پیروی
این سفیلان باشیم
نخست آنها را از پیروی خود دور کن پس بلا داخل مذکره شمرده من و طایفه خود را که عبادت از آگاهانیدن شما و انجام دادم تکمیل فرما شایه های پیروده شما بدین من نیست ١٧

لَعَلَّكُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ١٧ قَالَ رَبِّ انِّي قَوْمٌ ضَالُُّونَ ١٨ فَافْتَحْ

البرق من سحابك انك انزلت من سحابك قوماً ضالين وافتح لهم باباً من رحمتك انهم ضالون

بَنِي وَبَيْنَهُمْ قِتْلَةٌ وَابْتِغْنِي وَمِنْ قَوْمِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ١٩ فَابْتِغْنِيهِ

میان من و میان ایشان قتل و بختی و بختی را از میان من و از میان قومی که ایمان آورده اند

مَنْ مَعَهُ فِي أَفْلاكِ الْمَشْجُونِ ٢٠ ثُمَّ أَخْرَجْنَا بَعْدَ الْبَقِيَّةِ ٢١ إِنْ فِي

آنرا که همراه او بود در کشتی پر کرده شده باز عرق ساقی بعد از این باقی ماندگان را

ذَلِكَ آيَةٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرَهُمْ مُؤْمِنِينَ ٢٢ وَإِنْ رَبِّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ

آنرا که از امت و نیستند اکثر ایشان را و اگر آیت باشد که تو را میسر است

الرَّحِيمُ ٢٣ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهُ إِذِ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودُ أَلَا

مهربان و دروغ گفت و داشتند طغیان را چون گفت بایشان برادر ایشان هود آیا

تَقْوُونَ ٢٤ إِنْ كُنْ رَسُولٌ أَمِينٌ ٢٥ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ ٢٦ وَمَا

ای ترسید اگر آینه من برای شما پیغامبر باشم پس ترسید از خدا و فرمانرواری من کنید

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرْتُمُ الْإِنْعَامَ ٢٧ الْعَالَمِينَ ٢٨ أَتَبْكُونَ

سوال می کنم از شما بر بختی و رسالت من می پرسید از خدا و فرمانرواری من کنید

بَلْ رِيعَ آيَةٍ تَعْبَثُونَ ٢٩ وَلِتُخَدَّوْنَ مَصَالِحَ لَعَلَّكُمْ تَخْلَدُونَ ٣٠ وَإِذَا

بلند می بینید آیه ای که بازی کنید و آن را می سازید و می خردید و می خردید و می خردید

بَطَشْتُمْ بَطْشَتُمْ جَبَّارِينَ ٣١ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ ٣٢ وَاتَّقُوا اللَّهَ

دست می کشید دست می کشید دست می کشید دست می کشید دست می کشید دست می کشید

أَمَلَكُمْ مِمَّا تَعْمَلُونَ ٣٣ أَمَلَكُمْ بِأَنْعَامِ وَبَيْنَ ٣٤ وَبَيْنَ ٣٥ وَبَيْنَ ٣٦

امداد کرده شما را با آنچه می کنید امداد کرده شما را با آنچه می کنید امداد کرده شما را با آنچه می کنید

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ٣٧ قَالُوا اسْوَأُ عَلَيْنَا أَوْ عَظُمَتْ

ای خداوند من من ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ گفتند بمان است بر ما که بزرگ است یا نه

أَمْ لَكُمْ مِنْ آيَاتٍ ٣٨ إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ٣٩ وَمَا خُنْ بِمَعْدَيْتِهِ

آیا شما از آیه ای دارید اگر این فقط عادت پیشینیان است و شما را بابت وعده من

فَكَذَّبُوا فَاهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرَهُمْ مُؤْمِنِينَ ٤٠

پس دروغ گفتند و هلاک شدیم این در آنرا آیه ایست و آنچه که اکثر ایشان را

در آیه ادا داد و پیشین است با هیچ صورت از آن بازی نمی کند به تهدیدات عذاب لطیف می شود ۱۲

طالع قوم عادی نمیر
کتابهای بلند و حکم
کتابهای بلند و حکم
تجربه از آن حاصل می
شد شوق زیاد
داشتند و عمارات
بود و باش خوش را
به تحلف زیاد آباد
می کردند و در آن
عزیزان بزرگ منظره
را بهار برده پول
عزیزان ضایع می کردند
موی چنان می بیند که
با کدو آنها داد و دان
می داشتند این عمارات
و یاد که با آنها می
می شود بکن اورد
از آنرا و فرایه های
آنها را باقی مانده
است عادی بود
کمی می کشی که این نعمت
بای گوئی را بشنا
از آنرا می فرموده است
آیا بر سر شایع حق
نداده اگر این شریعت
در کشتی شاد و ممتد
مراد از این است
که سادامانند مقام
سابق در عذاب شد
گرفتار شود و بدین دلیل
بسته و طبیعت را ادا
کردم شایع انجام خود
بسیار در موعظه
توبه مانده است
این جاوی تو بر
تأثیری ندارد از قیام
الایام این طریقت
و ستوری جاری است
که چند شخص خود را
تفسیر معنی نموده مردم
را از عذاب می ترساند
سلسله از این مردمان
که از تفسیر الایام جریان
دارد از آنرا که
در خاطر نیست روشن
موافق

تفسیر عثمانی
 عیسیٰ بن مریم
 کر ازین عیش و سرور
 آرام و بانها ۱۸
 و پوستها ۱۱
 و چشمها و امانت
 اندوز خواہید بود
 و از ان خانہاے
 پر تعلق زیبا نیک
 کوہ بار تراشیدہ آہن
 بر پا کردہ باد باغخاہید
 برآمدہ و یا ایک آیین
 عمارت حکم و مصلحت
 از عذاب خداست که
 خواهد داد و یا بدین
 خام را از سرگردانید
 و از خدای تعالی ترسید
 سخنان را بپذیرد و
 برای خیر و بهبودی
 می گویم و اگر تو
 پیغمبری و نسبت ما
 در حق متنازع و داری
 بخدا بگو چنان آیتی
 بر ما بنماید که از دیدن
 آن ما ہم تسلیم کنیم
 سپس فرما بگو که
 کذبین ملک یک
 دارد بیشتر بر آن کجاست
 و چنین باشد حضرت
 صالح و هارون حق
 تعالی بقدرت کامل
 خود این نشان بین
 میفرماید و از فرمود
 است در موضع القرون
 آمده است و تقدیر
 خدای تعالی در این مقام
 حضرت صالح و هارون
 با او از سنگ پدید
 آمد و آزادی گشت
 به جمل کربلای
 چندی و کوفی
 که برای نوشیدن
 آب میرفت همه
 مواشی از درم خورده
 دوری گیرند و در تنجو
 چنین قرار داده شد که
 بنوبت یکدیگر شتر را
 و عرض آب برد

وَإِنْ رَأَيْتَ أَنَّكَ لَهْوَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهِمْ إِذِ

و اگر آینه بر در و کار تو همان است غالب مهربان در حق خود تکیه نمود و بیجا بران را
 و اگر آینه را ببینی که تو دوست غالب مهربان تکذیب کرد تکیه نمود و بیجا بران را

قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ ۝ أَتَتَقُونِ ۝ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ آلَ هَارُونَ

گفت بایشان برادر ایشان صالح آیا می ترسید بر آئینه من برائے شما بیجا مهربان عالم
 گفت بایشان برادر ایشان صالح آیا می ترسید (بر آئینه من شمارا رسول امیل

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۝ وَاسْأَلْكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا لِلَّهِ

پس ترسید از خدا و فرمان برداری من کنید و سوال می کنم از شما بر طبق رسالت که نزد نیست مزد من مگر بر
 پس ترسید از الله و فرمان بردار مرا و می خواهم از شما بر طبق رسالت که نزد نیست مزد من مگر بر

رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ انْتَرَوْكُمْ فِي مَا هُمْنَا آمِنِينَ ۝ فِي جَنَّتٍ وَعَجُونِ ۝

پروردگار عالمیان ایمن گناشته خواهید شد در آنچه ایستاد
 پروردگار عالمیان آیا گناشته خواهید در چیزهایی که ایستاد ایمن در باغها و چشمها

وَزُرُورٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضْبَةٌ ۝ وَتَنَجُّونَ مِنَ الْجِبَالِ بَيُوتًا

و ششها و درختانی که شکوفه آن نازک است و می ترسید از کوہ ط خانه
 و گشت با و گشتانی که شکوفه آن نرم و نازک است و می ترسید از کوہ ط خانه با طلف

فَرَاهِينَ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۝ وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ۝

آشکارا شده پس ترسید از خدا و فرمان برداری من کنید و اطاعت کنید حکم بیجاگان و از حد گذرندگان
 در حالی که مهربان پس ترسید از الله و فرمان بردار مرا و اطاعت کنید حکم بیجاگان و از حد گذرندگان

الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ لَا يُصْلِحُونَ ۝ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسْرِفِينَ

آنکه فساد می کنند در زمین و اصلاح نمی نمایند گفتند جز این نیست که تو از جادو و زود گانی
 آنانی که فساد می کنند در زمین و اصلاح نمی کنند گفتند جز این نیست که تو از جادو و زود گانی

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بَآيَاتٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ هَٰذِهِ

تویی که معرادی مانند ما پس بیا نشان اگر از راست گویانی گفت این
 یعنی تو معرادی مانند ما پس بسیار نشانی اگر صحتی از راست گویان مع کنت (صالح) این

نَاقَةٌ كَآتِيَةٌ بِرَبِّ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ۝ وَلَا تَمْسُوهَا بِسَوْءٍ فَيَأْخُذَكُمْ

باده شتر است و در یک نوبت آب خوردن است و شمارا نوبت روزی معلوم است و من مکنید او را بدی یا مادی مکنید
 باده شتری است و در امت نوبت نوشیدن آب و شمارا نوبت نوشیدن روز مقرر است و من مکنید او را بدی یا مادی مکنید

عَنْ أَبِي يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ فَعَقَرُوْهَا فَاصْبِرْ إِنَّكَ مِنَ الْصَّابِرِينَ ۝ فَآخَذَهُمُ الْعَذَابُ

عذاب روز بزرگ پس بزدند آنها پس صبر کنید (خداوند) ایشان پس گرفت ایشان عذاب
 عذاب روز بزرگ پس بزدند آنها پس صبر کنید (خداوند) ایشان پس گرفت ایشان عذاب

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ۝ وَإِنْ رَأَيْتَ أَنَّكَ لَهْوَ

بر آینه درین ماجرا نشان است و بخودند بیشترین ایشان مسلمانان
 (بر آینه) درین ماجرا نشان است و بخودند اکثر ایشان مومنان و در آینه را ببینی که تو دوست

الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهِمْ إِذِ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ

غالب مهربان در حق خود تکیه نمود و بیجا بران را چون گفت بایشان برادر ایشان
 غالب مهربان تکذیب کرد و قوم لوط بیجا بران را و تکیه گفت بایشان برادر ایشان

لُوطٌ أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا لِلَّهِ وَأَطِيعُوا

لوط آیا می ترسید بر آئینه من برائے شما بیجا مهربان عالم پس ترسید از خدا و فرمان بردار مرا
 لوط آیا می ترسید (بر آینه من شمارا رسول امانت کارم پس ترسید از الله و فرمان بردار مرا

و روز دیگر مواشی مردم را بخارده شود و الله با ماله شتر بیدی پیش میاید و در عذاب بزرگ نازل خواهد شد ۱۲۸

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٦ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ مِنْكُمْ

و آنچه بابت پیروی من از شما نمیخواهم اگر مزد من مگر بر پروردگار عالمیان است و شما آنچه را که برای شما پروردگار شما

مِنْ أَرْزَاقِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّعَذِّبُونَ ٧ قَالُوا الَّذِينَ لَمْ تَنْتَهِ يَلُوطُ

از زنان شما بلکه شما قومی از حد گذراندگانید گفتند اگر باز نمائی تو را سے لوط

لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَخْرُجِينَ ٨ قَالَ إِنْ لِعِبَادِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ٩ رَبِّ

برآیند باشی از بیرون کردگان گفت هر آینه من هر عمل شمار از دشمنانم

يُحْيِي وَأَهْلِي فَمَا يَعْمَلُونَ ١٠ فَتَجَبَّنَا وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ١١

بجات ده مرا و اهل من را از دایم آید پس بجات و اهل من را از دایم آید

فِي الْغَابِرِينَ ١٢ ثُمَّ دَفَعْنَا الْآخَرِينَ ١٣ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا

در بانی ماندگان پس پلاک سافتم آن دیگران را و بارانیدیم بر ایشان باران

فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ١٤ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِّمَنْ أَكْثَرُ هُمْ

پس بدست باران ترسانندگان هر آینه درین ماجرا نشانه است و بودند بیشترین ایشان

مُؤْمِنِينَ ١٥ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ١٦ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْمَكَةِ

مسلمانان و هر آینه پروردگار تو همان دست غالب مهربان در وسط مشرودند مانتگان ایکه

الرَّسُولِينَ ١٧ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٨ إِنْ لَكُمْ رَسُولٌ

پیغمبران را بچون گفت بایشان شعیب آیا نمی ترسید هر آینه من برای شما پیغمبر

أَمِينٌ ١٩ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ٢٠ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ

بالا کنم پس بترسید از خدا و فرمان من برید و سوال می کنم از شما بر مبلغ رسالت هیچ مزدی نیست

أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٢١ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ٢٢

مزد من مگر بر پروردگار عالمیان تمام پیمایید پیمان را و مباشید از زیان دهنندگان

وَبِرْزَاقٍ يُسْطَرُّ السُّنْقِيَّةَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْبُوا

دران کنیده بر ترازوی راست و کم کمین مردان را چیزی های ایشان را چنان بانی مردان را کم کنید و نسا و کمین

فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ٢٣ وَاتَّقُوا اللَّهَ خَلَقَكُمْ وَأَجَلَهُ الْأَوَّلِينَ ٢٤

در زمین فاسد شوندگان و بترسید از خدا که آفرید شما را و خلقت نخستینان را

وَبِرْزَاقٍ يُسْطَرُّ السُّنْقِيَّةَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْبُوا

در زمین فاسد شوندگان و بترسید از خدا که آفرید شما را و خلقت نخستینان را

عنه درین تمام مردمان جهان محض مرد بار احمد مشهورت را می خود قرار داده اید و باید که در میان باشد آن بقی تنها شکر طلب این فعل زشت نشود عه این وعظ و نصیحت را بگذار اگر آید بهم را اما این گفتار خود از دست نمودی هر آینه تر از این شهر بیرون می کنیم قریه ما سه آنان را خلع کردیم و از آسمان سنگ باران نمودیم تا یکایک توده خاک گردیدند و آنها هم مفعول و اعراف و غیره گذشت - این کثیر بیوید که صاحب الایک عبارت از همان قوم مدین است - ایکه در حق تو که این مردم آنرا می پرستیدند بیان نسبت صاحب الایک نامیده شدند و بنا برین شعیب را بکلمه انوهم بالتعبیر فرمود زیرا که اوت اینیار محض بر تعلقن قوی و نبی نباداشت - اگر مدین گفتی شد البتة انوهم موزون بود و چون بعنوان اصحاب الایک یاد شدند کثرت را به نسبت مذموبی آنها ست نهاد - انوهم نامیدن شایان شان حضرت شعیب بود بر حال مدین هو اصحاب الایک یک قوم است و شعیب بطرف بین قوم نبوت

فل يعني آتش مثل
سائبان ظاهر شد و
بلک ساخت
تفسیر عثمانی

عنه خبر قرآن و خبر
آن در کتابهای مائمه
آسمانی موجود است
و انبیای گذشته
مسلمانان پیشگویی

کرده اند اگرچه در آن
آثار تحریف و تبدیل
زیاد بعل آمده با وجود
آن یک اندازه ازین
گونه خبر پیش گویند

تا به امروز هم
یافت میشود
داین مطلب در ۱۳
نیز متوجه گرفت که

مضامین پیش ازین
قرآن اجلا و یا تفصیلا
در کتابهای سابقه
مندرج است خصوصا
قصص و توحید و

رسالت و مصاد و غیره
مضامین که همه کتب
سماده و انبیاء
مطابق بر این اتفاق داشته
باشد و از این جهت

که قرآن پیش ازین
و صحائف آسمانی
داده شده بود چنانچه
بعضی افراد آنها علانیه
و بعضی در مجالس

خصوصی خود با مرتضی
اقرار کرده اند و چنان
برین علم برخی از
انصاف پسندان
مسلمان شده اند

حضرت عبداللّه ابن
سلام و غیره الغرض
این اعتراف
دانشندان
بنی اسرائیل برای
یک منصف نیستی
کردن طالب حق
باشند تا بی بزرگی

قَالُوا لَئِنْ آتَيْنَاكَ مِنَ الْمُسْحَرِينَ ۖ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ كَاذِبًا
لَقَدْ جِئْتَ مِنْ رَبِّكَ كَذِبًا ۖ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا

الْكَذِبِينَ ۖ فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِیْنَ ۚ
و دروغ گویان پس بر ما باره از آسمان اگر هستی از راست گویان
و دروغ گویان پس بر ما باره از آسمان اگر هستی از راست گویان

قَالَ رَبِّیْ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۚ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَ هُمُ عَذَابُ يَوْمِ الظِّلَّةِ ۚ إِنَّ
گفت پروردگار من دانای تر است از آنچه می کنید پس تلافی کرد در این گرفتاری ایشان را عذاب روز سائبان را
گفت (مصحف) رب من دانای تر است از آنچه می کنید پس تلافی کرد در این گرفتاری ایشان را عذاب روز سائبان را

كَانَ عَذَابُ يَوْمِ عَظِيمٍ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّمَن كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ۚ
بود عذاب روز بزرگ هر آینه درین ماجرا نشانه است و چونند اکثر ایشان را ایمان مسلمانان
بود عذاب روز بزرگ (هر آینه) درین ماجرا نشانه است و چونند اکثر ایشان را ایمان مسلمانان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۚ وَإِنَّ لَكَ لَنَزِيلَ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۚ نَزَلَ بِهِ
و هر آینه پروردگار تو همان است غالب مهربان و هر آینه قرآن فرود آورده پروردگار عالمهاست فرود آورده
و (هر آینه) رب تو است غالب مهربان و (هر آینه) قرآن فرود آورده رب عالمیان است فرود آورده آنرا

السُّرُوحِ الْأَمْنِ ۚ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ ۚ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ
روح الامین یعنی جبرئیل بر دل تو تا شوی از ترسانندگان بر زبان عربی
فرشته امانت کار (یعنی جبرئیل) بر دل تو تا شوی از ترسانندگان (فرود آورده) بر زبان عربی

مُبِينٍ ۚ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ۚ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَن يَكْفُلَهُمْ
روشن و هر آینه خبر دهنده در محققه باشد پیوسته نبیان است که آیه است برای ایشان نشانه آنکه بداند حقانیت قرآن را عالمان
روشن و (هر آینه) این (مضمون) قرآن در کتاب باشد پیوسته نبیان است که آیه است برای ایشان (مشرکان قریش) نشانه حقانیت

بَنِي إِسْرَءِیْلَ ۚ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ۚ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا
بنی اسرائیل و اگر فرود می آوردیم قرآن را بر بعضی عجمیان پس بخواند بر ایشان هرگز نمی شنیدند
بنی اسرائیل و اگر نازل می کردیم قرآن را بر بعضی عجمیان پس بخواند آنرا بر ایشان هرگز نمی شنیدند

بِهِ مُّؤْمِنِينَ ۚ كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُتَجَمِّعِينَ ۚ لَآيَةُ وَمَنُونَ بِهِ
آنرا باور دارند گمان هم چنین در آوردیم انکار در دلهاست گمان گمان ایمان نمی آورند بقرآن
به آن گروه پیدگان بخوبین در آوردیم تلافی را در دل بایست کفار ایمان نمی آورند بقرآن

حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۚ فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۚ فَيَقُولُوا
تا آنکه ببینند عذاب درد دهنده پس بیاید ایشان ناگهان و ایشان به خبر نمانند پس گویند
تا آنکه ببینند عذاب دردناک پس آید ایشان ناگهان در عاید ایشان بخوبی نمانند پس گویند

هَلْ كُنَّا مُنْظَرُونَ ۚ أَفَعَدَّ إِلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ ۚ أَوْ عَذَابًا
آیا ما مهلت داده شویم آیا عذاب را را بشتاب می طلبید (آید یا دیدی) (مهلتی) اگر بهره مند گردایم ایشان را
آیا ستم ما مهلت داده شدگان آیا عذاب را را بشتاب می طلبید (آید یا دیدی) (مهلتی) اگر بهره مند گردایم ایشان را

بِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۚ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ۚ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۚ
سائبان پس بیاید بر ایشان آنچه ترساننده می شدند چه چیز را دفع کند از سر ایشان بهره مند شوند ایشان را
سائبان پس بیاید بر ایشان را آن عذاب که وعده داده شد بایشان که نه از این و نه از آنرا آنچه توقع می کردند

وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ۚ ذِكْرًا لِّمَن كَانَ ظَلَمًا مِّنْهُمْ ۚ
و پاک نه کردیم هیچ را الا او را بیم کنندگان بودند بجهت پند دادن و نوبییم ستمکار
و پاک کردیم هیچ را ستمکاران بود بر این که ترسانندگان بجهت پند دادن و نوبییم ستمکاران

وَمَا تَزَلْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ١٩ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَظِيلُونَ ٢٠ اِنَّهُمْ

و فرود نیاوردند قرآن را شیطانان و سزاوار نیست ایشان را و نمی گوانند بر آینه شیطانان
و فرود نیاورده قرآن را شیطانان و تشایه ایشان را و نمی گوانند (هر آینه) ایشان

عَنِ السَّمْعِ لَمْعًا ٢١ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُكُونَ مِنَ

از شنیدن دور گردانند و پس خوان با خدا معبود دیگری آنگاه باشی از
از شنیدن (لام) دور کرده شد گانند پس خوان با خدا معبود دیگری را پس میشوی از

الْمُغْلَبِينَ ٢٢ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ٢٣ وَاخْضَعْ جَنَاحَكَ لِمَنِ

غلب گردان و بیم کن قبیله خود را و است کن بازوئی خود را برای آنکه
غلب کرده شد گان و بر سران قبیله نزدیک تر خود را و است کن بازوئی خود را برای آنکه

تَبْعًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ٢٤ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرَأٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ٢٥

پیروی تو کردند از مسلمانان پس اگر نافرمانی کنند پس بگو بر آینه من بے حلقم از آنچه شما می کنید
پیروی تو کرده اند از مومنان پس اگر نافرمانی کنند ترا پس بگو (هر آینه) من بیزلم از آنچه شما می کنید

وَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ٢٦ الَّذِي يَرَىٰ جَهَنَّمَ تَقْوَمُ ٢٧ وَتَقْلَبُ فِي

و توکل کن بر غالب مهربان آنکه می بیند ترا چون بر می خیزی یعنی وقت تجد و می بیند نشستن تو در میان
و توکل کن بر غالب مهربان آنکه می بیند ترا و قتی که بر می خیزی (برای) بیدار شدن ترا (حرکت ترا) در میان

السَّجْدِينَ ٢٨ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٢٩ هَلْ أَنْبَعَكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزِلُ

بجه گنندگان و است بر آینه دین همان است شما و انا آیا خبر دهم شما را بر چه کسی فرودی آید
بجه گنندگان و است (هر آینه) او است شما و انا آیا خبر کنم شما را که بر چه کسی فرودی آید

الشَّيَاطِينُ ٣٠ تَنْزِيلٌ عَلَىٰ كُلِّ آفَاقٍ آتِيَةٍ ٣١ يُكْفُونَ السَّمْعَ وَآكُرْهُمْ

شیطانان فرودی آید بر هر دو غلوه گنهار می کنند گوش و می بینند ایشان
شیطانان فرودی آید بر هر دو غلوه گنهار می کنند سخن شنیده را و اکثر آنها

كَذِبُونَ ٣٢ وَالشُّعْرَ آتَيْتُ بِهِمُ الْغَاوُونَ ٣٣ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ

در واد گویانند و شاعران پیروی ایشان می کنند گمراهان آینه بدی که ایشان در هر میدان
در غلوه گنارند و شاعران پیروی ایشان می کنند گمراهان (شاعران را پیروی می کنند گمراهان آینه بدی که ایشان در هر میدان

يَهْمُونَ ٣٤ وَاللَّهُ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ٣٥ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

سرگردان شوند و آنکه ایشان می گویند آنچه نمی کنند و سرگردان ایمان آورده اند و عملها می
سرگردان میشوند و اینک ایشان می گویند آنچه نمی کنند مگر آنکه ایمان آورده اند و کارهای

الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ

ثابت گردند و ذکر خدا کردند بسیار و انتقام کشیدند بعد از آنکه مظالم شدند و خواهند دانست
ثابت کرده اند و ذکر کرده اند الله را بسیار و انتقام گرفتند بعد از مظالم شدند و اکنون خواهند دانست

الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ٣٦

ظالمان که کدام یکدوم بگردند و یکدوم مرجع خواهند گشت
ظالمان که کدام یکدوم بگردند و یکدوم مرجع خواهند گشت

يَسْمِعُ اللَّهُ السَّخِيمَ الرَّحِيمِ ٣٧ وَتَسْمَعُونَ ٣٨

بنام خدا بخشاینده مهربان آغاز می کنم بنام خدا اینکه بے اندازه مهربان نهایت بارم است
آغاز می کنم بنام خدا اینکه بے اندازه مهربان نهایت بارم است

طَسَّ تِلْكَ آيَةُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ ٣٩ هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ٤٠

اینها آیات قرآن و کتاب روشن است هدایت و بشارت است برای مسلمانان
این آیات قرآن و کتاب روشن است هدایت و بشارت است برای مومنان

و ما ینبغی لهم و ما یستظیلون
کلام ملائکه و استظیلون
تواضع کن ١٩ و استظیلون
از قیام بر کعبه و از کعبه
بجود ١٩ و استظیلون
گذردان ١٩ و استظیلون
بهر معنوی مبالغه می
گفتند ١٩
تفسیر عثمان
ع پیش از یزید
اول اقارب خود را
تنبیه کن چه از حدیث خبر
خواهی و دلسوزی حق
آنها مقدم تراست
و نیز طبعا صداقت و
حقانیت آدمی بذریع
مبالغه یا اقل بش از یزید
و منبیه و شیوه
موضع القرآن می نویسد
به جزا می کشد آیت
نازل شد آنحضرت
تمام قریش را دعوت
داد و بگوش آنها رسانید
حق و عدو و خیر و کای
تورا آنگاه داد و گفت
حق برای شماست چیز
کرده نمی توانم خود شما
نظر عاقبت خود را نمایند
عده و قتی که بران
تجدیدی یزیدی و طبر
موسلین را میگری
که آیا آنها بیاد خدا
معرفت اند و باغافل
رومخ ادب و قتی که برای
نظاره ایستاده می شوی
و در نماز حاجت
دعای و سجود
دیگر افعال عبادت
مقتدر یا نماز کنانی
میکنی و بعضی سلف
گفتند آنکه زهرا را چنین
اهداد آنحضرت
مرادند یعنی او را حضرت
از صلب یک بنی به
صلب بنی دیگر منتقل
شد بلا طریقی بی غیر

عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ٥ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَ الْخَلْقُ

آفریدار مفسدان و هر آینه دادیم داود و سلیمان را علم و گفتند سبایش آن خلقت است

الَّذِي فَضَّلْنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ٦ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ

که فضل دادیم او را بر بسیاری از بندگان مومن خود و وارث شد سلیمان داود را

وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ٧ إِنَّ

و گفت ای مردم داناییده ما گفتار مرغان و داده شد ما را از هر چیز

هَذَا هُوَ الْفَضْلُ الْبَيِّنُ ٨ وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ

این است فضل باین و حشر آید بر او سپاهیان لشکرهای او از جن و آدمیان

وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ٩ حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادٍ مُّثَلٍّ قَالَتْ نُبْكُكُم بِمَا لَكُم

در مرغان پس این جامه بعضی را تار میدان بعضی را ستاده کرده می شد تا و عقیده رسیده اند میدان موران گفت مورچه ای

الْقَمْلُ ادْخُلُوا مَسْكِنَهُمْ لِأَيِّحْطِ بِكُمْ ١٠ سُلَيْمَانَ وَجُنُودَهُ وَهَمَّ أَنْ يُشْعِرُونَ

مورچگان در آمد بجایگاه خود تا در هم شکند شما را سلیمان و لشکرهای او نادانسته

فَتَبَسَّ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي

پس خندان تبسم کرد از گفتار مورچه و گفت ای پروردگار من الهام کن که مرا که شکر این نعمت گویم که

نَعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ آلِي وَإِنِّي لَأَكْفُرُ بِكُلِّ غَافِلٍ ١١ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأُدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ

ایام کرده من و پدر و مادر من و الهام کن مرا که بجا آورم کرد از شایسته که خوشنود شوی بان و در آورم ابرمعت خود

فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ١٢ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرِ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَىٰ لِهَذَا مُدًّا

در از ره بندگان شایسته خویش و باز جست احوال مرغان پس گفت چیست بمن که نمی بینم به بدر

أَمْ كَانُ مِنَ الْغَافِلِينَ ١٣ لَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا شَدِيدًا ١٤ أَوَلَمْ يَكُن لَّهُمْ آيَاتُ

یا هست از غافلان و آید عذاب کفر او را عذاب سخت یا چون کنم او را باین مت که میارید پیشین

بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ١٥ فَتَنَّاكَ عِزًّا بَعِيدَ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ مَحْطُ بِهِ ١٦ وَ

بخت ظاهر پس در تنگ کرد (بدرها) نزمان در از چون حاضر شد پس گفت احاطه کرده ام به آن معلومی که تو را محظوظ

جَنَّتْكَ مِنَ سَيِّئَاتِنَا يَاقِينُ ١٧ إِنِّي وَجَدْتُ أُفْرَاةً تَسْلُكُهُمْ وَأُوتَيْتُ

آوردم تو از جبهه ساجده خجسته را هر آینه من یافتم کنه پادشاهی می کند بر ایشان و داده شده است او را

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ١٨ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ١٩ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ

از همه چیز هر آنچه داد او را همه مت بزرگ یافتم که او و قوم او سجده می کنند

الحمد لله رب العالمین
چشمهانی این
۱۶ باز شود و حقایق را
در پادشاهی ایشان
و قنای وقت معجزه با
ایشان داده می شد
ایشان می پنداشتند
که این همه جادو است
حال آنکه بدل یقین
داشتند که موسی
علیه السلام صادق
است و آیه ای که نشان
میدهد یقیناً معجزات
خداوند است جادو
و عقیده نیست مگر
محض بازی الهی
و خود دیده و دانسته
بر خلاف غیر خود به
تکذیب حق اصرار
از راستی انکار میکنند
در نتیجه پس از چند
روزی دریا نفتند
که انجم چنین مفسران
صانع چگونه شد همه
را اسوان بحر عظیم
خود برود کسی را گورد
کنن هم نصیب بخت
عده حضرت سلیمان
پسر حضرت داود
علیه السلام است
الذی تعالی بر یک از
پادشاهان را لاف نشان
دی بهره مخصوصی از
علم عطا فرمود و تحت
لقد علم تمام علوم شرق
و احکام و اصول و
سیاست و حکمرانی
و غیره مندرج است
در آن از جمله پسران
داود علیه السلام
ماشهور اصلی است
حضرت سلیمان علیه السلام
بود که الله تعالی در
ذات وی نبوت و
پادشاهی هر دو را
مع فرمود ملک و

عنا فابیان عبارت
تقریباً ۴۰ است
معلوم بشود که با نورانی
را معرفت خالق ایشان
نظراً حاصل است
و یا شاید این قسم
معرفت تفصیلی پسین
به طور خرق عادت
مربوب شده باشد
اگر خدا بخواند این
معرفت را در
یک چوب خشک
هم آفریده می
تواند باقی وجود
اینگونه عقل و
معرفت فطری در
جانوران چنانکه
عدای شیرازی
در اسفار
از آن به علم
حضور و ادب
به شعور
تعبیر کرده است
مستلزم آن نیست
که بفرست آنها
انبیاء مبعوث
شوند زیرا که
معرفت فطری کسی
نیست بلکه جلی است
و بشت انبیاء یا
کسب استحقاق دارد
و نیز این معنی نیست
که چنانکه تا یک
اندازه دارا عقل
و شعور باشد و تکلف
هم باشد چنانکه در شریعت
حق تعالی را مطلق
فراموش نماند با آنکه عقل
از بلوغ تا یک اندازه
خوبی عقل دارد عقل
شعور حیوانات را
ازین قیاس کنید
در تنبیه در موضع آخر
آمده است که خود را
به کارهای است که
از زمین می کشد و می
خورد نه آنکه بخورد و نه میوه

لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنُ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَاهُمْ فَصَدَّ عَنْ
آفتاب را بجز خدا و آراسته است برای ایشان شیطان کردارهای ایشان را پس باز داشت ایشان را از
آفتاب را بجز الله و آراسته است برای ایشان شیطان کردارهای ایشان را پس باز داشت ایشان را از
السَّبِيلِ لَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ۱۱) أَلَيْسَ جَدُّ اللَّهِ الَّذِي يَخْرِجُ الْحَبَّ ۱۲)
راه پس ایشان راه نمی یابند بسوی آنکه سجده کنند آن خدا را که بیرون می آرد و پست شده
راه حق پس ایشان راه نمی یابند باینکه سجده کنند آنکه را که زمین شیطان برای آنست که سجده کنند الله را آنکه در حق است
فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۱۱) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
در آسمانها و زمین و می داند آنچه پنهان می دارید و آشکارا می کنید خداست نیست هیچ معبودی غیر
در آسمانها و زمین است و می داند آنچه پنهان می دارید و آشکارا می کنید خداست نیست هیچ معبودی غیر
هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۱۲) قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ
او پروردگار عرش بزرگ است گفت سلیمان و ابیم دید آیه است تعقی یا هستی از
ادمت پروردگار محنت بزرگ گفت سلیمان (علیه السلام) اکنون می بینیم که آیه است تعقی یا هستی از
الْكَذِبِينَ ۱۳) إِذْ هَبْ بِنُفْسِي هَذَا أَفَالِقَهُ إِلَهُهُمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانْطَرَفَ
دروغ گویان بپراکنش نام را پس بیند آنکه آیه است ایشان باز در و بگردان از ایشان پس بگرد
دروغ گویان بپراکنش نام را پس بیند آنکه آیه است ایشان باز در و بگردان از ایشان پس بگرد
مَا ذَا يُرْجِعُونَ ۱۴) قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ الْأَيْمَنُ إِلَىٰ كَيْتِبِكُمْ ۱۵) رَأَيْتُمْ
چه جواب بازی دهند بلفظ گفت ای اعیان حزب راست (پیشین) به پیش من انداخته شد بسوی من نام گرامی بر آینه این نام
که چه جواب می دهند گفت (بلفظ) ای اعیان حزب راست (پیشین) به پیش من انداخته شد بسوی من نام گرامی بر آینه این نام
سَلِّمْنَ وَرَأَيْتُمْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۱۶) أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَىٰ وَأَتَوْنِي
از جانب سلیمان است و هر آینه این نام تمام خدا بخشانیده مهربان است باین معنوی که بگوید که بپیش من
طرف سلیمان است و هر آینه این نام تمام الله به حد مهربان نهایت با هم است باین معنوی که بگوید که بپیش من
مُسْلِمِينَ ۱۷) قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتَوْنِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَارِطَةً
سلیمان شده گفت بلفظ ای اعیان حزب راست (پیشین) به پیش من انداخته شد بسوی من نام گرامی بر آینه این نام
که چه جواب می دهند گفت (بلفظ) ای اعیان حزب راست (پیشین) به پیش من انداخته شد بسوی من نام گرامی بر آینه این نام
أَمْرًا أَحْتَمِي تَشْهَدُونَ ۱۸) قَالُوا نَحْنُ أَوْلَىٰ بِالْأَمْرِ وَأَوْلَىٰ آبَائِنَا شِدَائِكُمْ
بپیش کار را تا حد حجت حاضر شوید پیش من گفتند ما خدا و اولادمان را داریم و خداوند کارزار
بپیش کار را تا حد حجت حاضر شوید پیش من گفتند ما خدا و اولادمان را داریم و خداوند کارزار
الْأَمْرُ إِلَيْكَ فَانْظُرْ فِي مَا ذَا تَأْمُرُنَّ ۱۹) قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً
ندیدند مومن بسوی من است پس در هر چه چیزی فرمائی گفت هر آینه بادشاهان چون در آینه بدید
کار با اختیار است پس بپیش من چه حکم میفرمائی گفت (هر آینه) بادشاهان چون در آینه بدید به قره بی
أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا آيَةً أَهْلِهَا أَذِلَّةٌ وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ۲۰) وَإِذْ
خراب کنند آنرا و سازند عزیزترین این آنرا رسوا تر و هم چنین می کنند و هر آینه من
خراب کنند آنرا و سازند عزیزترین این آنرا رسوا تر و هم چنین می کنند و هر آینه من
فَرَسَلَهُ إِلَيْهِمْ يَهْدِيَةً فَنَفِذَهُ بِنُفْسِي بِمِثْرِ الْمُرْسَلِينَ ۲۱) فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمُ
فرستاده ام بسوی ایشان مخفی پس به نیت یک چیز بازی آیند فرستادگان پس چون آمد آن فرستاده پیش سلیمان
فرستاده ام بسوی ایشان مخفی پس به نیت یک چیز بازی آیند فرستادگان پس چون آمد آن فرستاده پیش سلیمان
قَالَ أَمَّا دُونُ مَالٍ فَمَا آتَيْنِي اللَّهُ خَيْرَ مِمَّا آتَيْتُم بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ
گفت سلیمان آیا اندامی که من را بگفت پس آنچه عطا کرده است مرا خدا متعالی بهتر است از آنچه عطا کرده است شما را بلکه شما بگفت
گفت آیا اندامی که من را بگفت پس آنچه عطا کرده است مرا خدا متعالی بهتر است از آنچه عطا کرده است شما را بلکه شما بگفت

خود نه آنکه بخورد و نه میوه بلکه ازین قدرتی که الله تعالی با او عطا کرده کارسازد و شاید این سبب است که در آخر فرمود و الله اعلم

تَرْجُونَ ۝ اَرْجِعْ اِلَيْهِمْ فَلَا يُنَبِّئُكُمْ بِمَجْزُوۡدٍ اَوْ قَبْلِ لَهۡمَ ۖ وَاَتُخَرِّجُهُمْ مِنْهَا

شاید ای قومید باز رو بسوئ ایث ان پس بر آئینه میبایم برایشان شکر مانع که طاقت نباشد ایشان را بمقابل آن و هرگز نمیرسد

اَدۡلٰهُ وَهٖ صَاغِرُوۡنَ ۝ ۱۰ قَالَ يٰۤاَيُّهَا السَّوۡءُ اَلَيْكُمۡ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيۡنَ يَعۡرِشُهَا قَبۡلَ اَنْ يَّاۡتُوۡنِيۡ

روا کرده و ایشان غار باشند و گفت سلیمان اے عزیزان کدام یک از شما می آرد پیش من بخت و در پیش از آن که می آید نزد من

مُسۡلِمِيۡنَ ۝ ۱۱ قَالَ عِفۡرِيۡتٌ مِّنۡ اِلۡحِیۡنَ اَنَا اَتِيۡكَ بِهٖ قَبۡلَ اَنْ تَقُوۡمَ مِنْ مَّقَرِّكَ وَ

مسلمان شده گفت عفریت از حین من بیاورم نزد یک تو پیش از آنکه بر خیزی از جایت خود

اِنۡیۡ عَلَیۡكَ لَقَوۡیۡ اَمِيۡنٌ ۝ ۱۲ قَالَ الَّذِیۡ عِنۡدَہٗ عِلۡمٌ مِّنۡ الْكِتٰبِ اَنَا اَتِيۡكَ بِهٖ قَبۡلَ

بر آئینه من بران عرض خوانا می بیاورم نزد یک تو پیش از آنکه بر خیزی از جایت خود

اَنْ تَرٰنَا اَلِیۡكَ طَرَفُكَ فَلَمَّا رَاہُ مُسۡتَقِرًّا عِنۡدَہٗ قَالَ هٰذَا مِنْ فَضۡلِیۡ ۖ

از آنکه باز گرد بسوئ تو چشم تو پس چون سلیمان دید آنرا قرار گرفته نزدیک خویش گفت ای عارف عادت از فضل پروردگار است

لِیُّکُوۡنَیۡ ؕ اَشۡکُرُہُمۡ اَکۡثَرُ وَمَنۡ شَکَرۡ فَاۡمَّا یَشۡکُرُ لِنَفْسِہٖ ۖ وَمَنۡ کَفَرَ فَاِنَّ کُفۡرًا لِّرَبِّیۡ ۖ

تا من کمتر از آنکه شکر گذاری می کنم یا ناماسی می نامیم و هر که شکر گذاری کند پس جز این نیست که شکر گذاری میکند برای فائده نفس خود و هر که کفر نماید

عَنۡیۡ کَرِیۡمٌ ۝ ۱۳ قَالَ نَذَرُوۡا لَهَا عَرۡشُہَا اَنۡنَظُرَ اَتَهۡتَدِیۡ اَمۡ تَکُوۡنُ مِنَ الَّذِیۡنَ لَا

باید باز گردم از آنکه است گفت سلیمان متوجه سازید برای امتحان این زن بخت و در آنجا بایستد یا بدیاری شود از آنکه

یَهۡتَدُوۡنَ فَلَمَّا جَآءَتْ قَبۡلَ اَھۡلَکَۡا عَرۡشِکَ ۖ قَالَتِ کَاۡنَہُ ۖ وَاَوۡتِیۡنَا الْعِلۡمَ مِنْ

راه نمی یابند چون بیاید بلیقوس گفت شد آیا تم بین من بخت و گفت گویا ای جان من است و بهایم بخت و در آنجا بایستد

قَبۡلَہَا وَنَا مُسۡلِمٰیۡنَ ۝ ۱۴ وَصَدَّهَا مَا کَانَ تَعۡجِدُ مِنْ دُوۡنِ اللّٰہِ اِنَّہَا کَانَتْ مِنْ قَوۡمٍ

پیش از من مقدم و بهایم مسلمانان و بازداشت سلیمان آن زن را از آنچه عبادت می کرد بجز خدا بر آئینه دی بود از گروه

کَافِرِیۡنَ ۝ ۱۵ قَبۡلَ لَهَا اِذۡ خَلٰی لِصُرَّۙ فَلَمَّا رَاۡہُ حَسِبۡتُۖۤ اَنۡہُ وَکَشَفَتۡ عَنْ سَاقِیہَا

از آنکه گفت شد بسوئ که در آنی باین کوشک پس چون بدید آنرا چندان اشتیاق چون آب و جامه برداشت از دو ساق خود

قَالَ اِنَّہُ صَرَحَ مُسۡرَدٌ مِّنۡ قَوۡاۡرِیۡہٖۤ اَنۡہُ قَالَ اِنۡیۡ ظَلَمۡتُ نَفۡسِیۡ وَاسۡلَمۡتُ

گفت سلیمان این کو شکر است به نفس در خشان ساخته شده از آب گینها گفت بلیقوس اے پروردگار من بر آئینه من تم کرده ام بر خویش اسلام

سَلِیۡمِنَ لِلّٰہِ رَبِّ الْعٰلَمِیۡنَ ۝ ۱۶ وَلَقَدْ اَرْسَلۡنَا اِلَیۡہِ مُوۡدَۙ اَخَاہُمۡ صٰلِحًا اِنْ عِبَدَ اللّٰہَ

سلیمان برائے خدا پسر بروردگار عالمها و هر آئینه فرستادیم بسوئ مود برادر ایشان صالح را که عبادت کند خدا را

فَاِذَا ہُمۡ فَرِیقَیۡنِ یَخۡتَصِمُوۡنَ ۝ ۱۷ قَالَ یَقُوۡمُ لِمَ تَسۡتَعۡجِلُوۡنَ بِالسَّیۡئَۃِ

و هر آئینه فرستادیم بسوئ مود برادر ایشان صالح را به این که عبادت کند خدا را

اِذۡ ہُمۡ فَرِیقَیۡنِ یَخۡتَصِمُوۡنَ ۝ ۱۸ قَالَ یَقُوۡمُ لِمَ تَسۡتَعۡجِلُوۡنَ بِالسَّیۡئَۃِ

و هر آئینه فرستادیم بسوئ مود برادر ایشان صالح را به این که عبادت کند خدا را

اِذۡ ہُمۡ فَرِیقَیۡنِ یَخۡتَصِمُوۡنَ ۝ ۱۹ قَالَ یَقُوۡمُ لِمَ تَسۡتَعۡجِلُوۡنَ بِالسَّیۡئَۃِ

و هر آئینه فرستادیم بسوئ مود برادر ایشان صالح را به این که عبادت کند خدا را

فصل مترجم گویید

علیه السلام خواست که

بلیقوس را معجزه نماید

و نقل جمال او را کرد

فراوان اگر مناسب اند

بنیاح آرد پس تدبیر

ساخت ۱۲

تفسیر عثمانی

۱۳ تا حد بر گفت

و به ملک خود پیغام

جنگ را رسانید

بلیقوس یقین کردید

که این شخص پادشاه

عادی نیست مافورا

خداوند بزرگی دقوة

بخشوده است جلیل

و قتال سودی نخواهد

بخشید و نه حیل و زور

پیش او کار گزیده

می تواند بالآخر بفرض

اظهار اطاعت و انقیاد

با ساند و سلطان زیاد

ردان شد تا بحضد

حضرت سلیمان علیه

السلام حاضر شود

چون ملک نزدیک

ملک شام رسید

حضرت سلیمان

پادشاه خود فرمود که

از من شاکست که

پیش از رسیدن

بلیقوس تحت شلای

اورا بجهور من حاضر

کند و درین مقصود

حضرت سلیمان علیه

السلام این بود که

از چندین پرسو

عظمت و قوت

خدا داد خود را به

بلیقوس اظهار نماید

ا تا او بداند که این

شخص تنها پادشاه

نیست بلکه دارا اے

یک قوت فوق العاده

باطنی نیز می باشد

و تنبیه از توبل ان

فل يلقى مصائب
بروق قدر الی جاری
بی شود ۱۲

تفسیر عثمانی

عنه حضرت صالح

علیه السلام بسیار

آسمان را فریاد می کرد

طریق ایشان را قطع

و تلقین نمود و بالاخر

تهدید عذاب داد پس

قوم او را قتل و یا صلح

استنا با قومشان گفت

من الصادقین ۸

را عراف رکوع ۱۲

یعنی اگر تو را استخوانی

عذاب الهی را بر ما

بیار تأثیر از کدام راه

گذراست با حضرت

صالح فرمود که ای

بدبختان با عجب است

راه ایان و توبه یکنوازی

را اختیار نمی کنید کرد

دنیای آخرت بگوشا

آید بکس بطلب بدی

تجیل می کنید اگر

وقت بفرارند

تمام سرکش بکفر شیطان

خاندانی باید ستودند

و فرصت است که اند

نگاهان توبه کنید تا

محو بماند حیرت و

استغفار نمی کنید

که الله تعالی بجای

عذاب بر شما رحمت

کند ع ۵ از وقتیکه

قدم محسوس تو آمده و

بدین سخن با آغاز

کردنی ۲

مصائب خط ۲

و غیره چهار ۱۲

ششم و در هر ۱۹

خارج جنگ و دعوی

شروع شده است

ع ۵ این مصائب

و نواب از سبب من

نیست بلکه از بدبختی

خود شماست که الله تعالی بواسطه شراکت با و بد کرداری بای تان بر شما مقدر کرده است ۱۲

قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا اسْتِغْفَرُونَ وَاللَّهُ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۲ قَالُوا أَظْهَرَ بَلًا

پیش از راحت چرا طلب آمرزش می کنید از خدا اولاد که مرده شود بر شما گفتند مشکون بدرگرم از تو

وَمِنْ مَعَكُمْ قَالُوا ظَنَرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّفْتِنُونَ ۳ وَكَانَ

و از آنانکه همراه تواند گفت مشکون بدرگرم نزد یک خداست بل شما قومی هستید که استخوان کرده می شوید و بودند و حال

الْمَدْيَنَةِ تِسْعَةَ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ۴ قَالُوا

شهر مدینه که فساد می کردند در زمین و اصلاح نمی نمودند گفتند

نَقَا سَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ كُنَّا قَوْمًا مَّهْلُكًا أَهْلًا

باید که بگویم قسم خدا بخورده که البته غیب خون کنیم بر صاحب و اهل خانه او باز البته خواهیم گفت و اوست که حاضر نبودیم وقت ملاک شد

أَتَاكُمُ الْقَوْمُ ۵ وَمَكَرُوا مَكْرًا أَوْ مَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يُشْعُرُونَ ۶ قَالُوا

هر آینه ما را است گوئیم و بد سگالی کردند بنوع از جمله و بد سگالی کردیم ما نوسه از جمله ایشان نمی دانستند پس بنگر

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُّكْرِهِمْ ۷ أَنَا ذُرِّيَّتُهُمْ وَنُفَرِّقُهُمْ ۸ قَالُوا

چگونه بود سر انجام بد سگالی ایشان که ما ملاک کردیم ایشان را و قوم ایشان را هم یک جا پس این است

بَيُوتُهُمْ خَاوِيَةً مُّنْظَرًا وَإِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۹

خانه های ایشان خالی مانده به سبب قسم کردند هر آینه درین باجرا نشان هست گروهی را که میدانند

أَحْبَبْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۱۰ وَلَوْ طَارَ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ

مخات دایم آنان را که ایمان آوردند و پرهیزگاری می کردند و فرستادیم و طوطا چون گفت بقوم خود آیا بعل می آرید

الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْجَرُونَ ۱۱ أَيْسَرُكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ

کار بے حیائی را و دشنامی ببینید آسان شای آید بر مردان باراده شهوت بجز

النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّجْهَلُونَ ۱۲ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُو

زنان بلکه شما قوم نادانانید پس شد جواب قوم او مگر آنکه گفتند بیرون کنید

الْقَوْمَ الَّذِينَ قَرَّيْتُمْ أَنْتُمْ أَنْتُمْ بَيِّنَاتٌ لِّقَوْمٍ يُفْهَمُونَ ۱۳ قَالُوا أَظْهَرَ بَلًا

ای طوطا از مردی که پیش هر آینه ایشان مروج مالی طلبید پس مخات دادیم او را و اهل او را مگر زکشت

قُلْ رَحِمَهُمِنَ الْغَافِلِينَ ۱۴ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ۱۵

گو سبب رحمت خدا بر ایشان است و باران بر ایشان باران است پس بدست باران ترس ازندگان

قُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَاءَ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ۱۶ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۱۷

گو سبب رحمت خدا بر ایشان است و سبب لعنت بر ایشان است و ایشان را آید خدا بهتر است یا آنچه شما می کردید

قُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَاءَ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ۱۶ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۱۷

گو سبب رحمت خدا بر ایشان است و سبب لعنت بر ایشان است و ایشان را آید خدا بهتر است یا آنچه شما می کردید

قُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَاءَ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ۱۶ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۱۷

گو سبب رحمت خدا بر ایشان است و سبب لعنت بر ایشان است و ایشان را آید خدا بهتر است یا آنچه شما می کردید

قُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَاءَ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ۱۶ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۱۷

گو سبب رحمت خدا بر ایشان است و سبب لعنت بر ایشان است و ایشان را آید خدا بهتر است یا آنچه شما می کردید

قُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَاءَ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ۱۶ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۱۷

گو سبب رحمت خدا بر ایشان است و سبب لعنت بر ایشان است و ایشان را آید خدا بهتر است یا آنچه شما می کردید

وَقَعِ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ

النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ۝ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا

لِّمَن يَكُنَّ بِلَايَتِنَا فَعْمَاءٌ لَّيْسَ لَهُمْ شِرْكٌ ۚ وَإِذْ أَجَاءُوا وَفَالَ

لَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَكُنَّ لِي بِلَايَتِنَا فَعْمَاءٌ لَّيْسَ لَهُمْ شِرْكٌ ۚ وَإِذْ أَجَاءُوا وَفَالَ

لَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَكُنَّ لِي بِلَايَتِنَا فَعْمَاءٌ لَّيْسَ لَهُمْ شِرْكٌ ۚ وَإِذْ أَجَاءُوا وَفَالَ

لَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَكُنَّ لِي بِلَايَتِنَا فَعْمَاءٌ لَّيْسَ لَهُمْ شِرْكٌ ۚ وَإِذْ أَجَاءُوا وَفَالَ

لَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَكُنَّ لِي بِلَايَتِنَا فَعْمَاءٌ لَّيْسَ لَهُمْ شِرْكٌ ۚ وَإِذْ أَجَاءُوا وَفَالَ

لَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَكُنَّ لِي بِلَايَتِنَا فَعْمَاءٌ لَّيْسَ لَهُمْ شِرْكٌ ۚ وَإِذْ أَجَاءُوا وَفَالَ

لَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَكُنَّ لِي بِلَايَتِنَا فَعْمَاءٌ لَّيْسَ لَهُمْ شِرْكٌ ۚ وَإِذْ أَجَاءُوا وَفَالَ

لَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَكُنَّ لِي بِلَايَتِنَا فَعْمَاءٌ لَّيْسَ لَهُمْ شِرْكٌ ۚ وَإِذْ أَجَاءُوا وَفَالَ

لَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَكُنَّ لِي بِلَايَتِنَا فَعْمَاءٌ لَّيْسَ لَهُمْ شِرْكٌ ۚ وَإِذْ أَجَاءُوا وَفَالَ

لَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَكُنَّ لِي بِلَايَتِنَا فَعْمَاءٌ لَّيْسَ لَهُمْ شِرْكٌ ۚ وَإِذْ أَجَاءُوا وَفَالَ

لَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَكُنَّ لِي بِلَايَتِنَا فَعْمَاءٌ لَّيْسَ لَهُمْ شِرْكٌ ۚ وَإِذْ أَجَاءُوا وَفَالَ

لَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَكُنَّ لِي بِلَايَتِنَا فَعْمَاءٌ لَّيْسَ لَهُمْ شِرْكٌ ۚ وَإِذْ أَجَاءُوا وَفَالَ

لَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَكُنَّ لِي بِلَايَتِنَا فَعْمَاءٌ لَّيْسَ لَهُمْ شِرْكٌ ۚ وَإِذْ أَجَاءُوا وَفَالَ

عنه حضرت شاه صاحب ردة اللہ دے استناد میر ۱۶ بیوی امیر بایک ۱۷ پیش از قیامت ۱۸ کوه صفا نزدیک ۱۹ که واقع است ۲۰ شگفتا میشود و از آن ۲۱ جانوری می بر آید که ۲۲ باردم سخن خواهد زد ۲۳ و خواهد گفت که حالا ۲۴ قیامت نزدیک است ۲۵ ایما ندارد آن ۲۶ صادق و مستقران حقیقی ۲۷ را جدا جدا نفرین خواهد کرد ۲۸ (در صحرای قرآن) از ۲۹ بعضی روایات معلوم ۳۰ میشود که این واقعه در زمانه آخر روزی که ۳۱ آفتاب از مغرب طلوع کند و بوقوع ۳۲ خواهد پذیرفت - ۳۳ قیامت تمام واقع ۳۴ ایست که تمام نظام ۳۵ موجوده عالم در هم ۳۶ و بر هم شود لهذا بر ۳۷ چنین خواهد که بطور ۳۸ علامات قریبه مقدسه ۳۹ الجیش آن بر روز خواهد ۴۰ نمودن باید متوجه کرد ۴۱ شاید بگوید دایه ۴۲ الارض نشان ۴۳ دادن این آیت ۴۴ مطالبات پیوسته ۴۵ را که شما از زبان پیغمبر ۴۶ فی بر تقدیر امروز ۴۷ آن را بجهود از زبان ۴۸ یک جانور قبول می ۴۹ کنید لیکن بجز حق ۵۰ در آن بیگانه سودی ۵۱ ندید و تنها بجهنم ۵۲ تحقیق کند بین مقصود ۵۳ است زیرا وقت ۵۴ پذیرفتن گذشت ۵۵ علم و کوشش نزدیک ۵۶ آن شایع گارد اشتباه

عنه هزاران هزار
شکر و طاعت راست
که مراد از هدایت
ساخت و تحقیق
مستحق توصیف و
ستایش تنها ذات
اقدس الهی
است و در کرام
هر خوبی و یا
کمالی رسد ۳
از ان بارگاه قدس
میرسد و در حق
گفته اند که فرعون خوابی
دید و در کام بنان چنان
تعبیر کرد که در بدست
یک شخص یعنی اسرائیل
سلطنت تو برپا می
شود و بنا بران
فرعون بطور حفظ ما
تقدم این تدبیر احمقانه
و ظالمانه را سنجید
که باید بنی اسرائیل
را پیشه ضعیف گردان
تا بمقابل حکومت او
بیچ و بده و جبر و
غارت باشد و
آینده تمام آن یهودی
که بنی اسرائیل پیدا
شود باید بقتل برسند
تا بدین وسیله از
معیبت آینده جلوگیری
گردد و چون از
طرف و خزان اندیشه
نیست لهذا باید آنها
زنده بمانند که چون
بزرگ شود مثل
کنیزان خدمت مارا
کنند و این کفر شامی
نویسد که بنی اسرائیل
میں خود از یک پیشانی
صورت بپوشید و خلیفه
علیه السلام صحبت
می نمودند که در این خبر
داده شده بود بدست
یک جوان اسرائیلی
تربای سلطنت مصر
مقدم است و گفته این سخن بگوش فرعون رسیده آن بے خرد از برای جلوگیری
تغافل اند این تدبیر ظلم و ستم را جاری نمود ۱۲

أَن آتُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ وَأَن آتُوا الْقُرْآنَ فَمِنَ الْهُتَاءِ ۝

و فرموده شد آنگاه بخوانم قرآن پس هر که راه یافت پس جز این نیست که
و فرموده شد ام که بخوانم قرآن را پس هر که راه یافت پس جز این نیست که

يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ قَعْلًا إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ ۝

راهی باید براسی لغیر خود یافتن و هر که گمراه شود جز این نیست که من از بیم کنند مایم
راه می باید بر لغیر خود و هر که گمراه شود پس بخوانم قرآن را پس هر که راه یافت پس جز این نیست که

أَحْمَدُ لِلَّهِ سُبْحَانَكَ أَيُّهَا فَتَعْرِفُوهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝

ستایش خداست راست خواهد نمود شمار آیات خود پس بشناسید آنرا و نیست پروردگار تو غفلت از آنرا می کند
بمستایش خداوند است و خداوند است که نشان بدید بشمار آیات خود را پس بشناسید آنرا و نیست پروردگار تو غفلت از آنرا می کند

سَوْفَ الْقَصَصُ وَنَبِيٍّ إِسْمَاعِيلَ ابْنًا رَحِيمًا ۝ وَنَحْنُ آيَةُ رَبِّكَ

بنام خداست بخفا شده مهربان
آغاز می کنم بنام خداوند که بے اندازه مهربان نهایت با رحمت است

طَسَمَ ۝ تِلْكَ آيَةُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ تَتْلُوا عَلَيْكَ مِن نَّبَأِ مُوسَى

این آیت است کتاب روشن است بخوانم بر تو بعضی خبر موسی
این آیت است کتاب روشن است بخوانم بر تو بعضی خبر موسی

فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ

فرعون بر راستی برانکه گروهی که باور می دارند هر آینه فرعون
فرعون را بر راستی برای گروهی که یقین می کنند هر آینه فرعون بکبر خود در زمین

جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ مَطَائِفَ مِّنْهُمْ يَذِخْرُ أُنْثَاءَهُمْ

راست است این آن را گروه کرده زبونی گرفت جماع را از ایشان می گشت پس از ایشان را
گردانید این آنرا گروه کرده معجزه ساخت یک طایفه را از ایشان می گشت پس از ایشان را

يَسْتَنْسِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى

زنده می گشت است و خزان ایشان را هر آینه دسی بود از مفسدان
زنده می گشت است و خزان ایشان را هر آینه دسی بود از مفسدان

الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَاهُمْ آيَةً ۝ وَجَعَلْنَاهُمْ

آنانکه زبون گرفتند در زمین و پیشوا سازیم ایشان را و وارث کنیم ایشان را
آنانکه ضعیف گردانیده شده بودند در زمین و بخوانیم ایشان را پیشوایان و بخوانیم ایشان را از انانان ملک زبونان

وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ

و دسترس دیم ایشان را در زمین و بنماییم فرعون را و هامان را و لشکر باکی ایشان را از زمین گرفتگان
و جانی دیم ایشان را در زمین (و معر دشمن) و نشان دیم فرعون و هامان را و لشکر باکی ایشان را از دست یاریان

مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ۝ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنِ اضْمُرِي بَنِيكَ

آپدستی فرسیدند و الهام فرستادیم بسوی مادر موسی پنهان کرده او را
خداوندی را که فرعونیان از ان می ترسیدند و حکم کردیم مادر موسی که پنهان کرده او را پس چون خبر می

عَلَيْهِ فَالْقِيَامُ فِي الْيَوْمِ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا سرَادُوهُ إِلَيْكَ ۝

برو دسی بپند از آنرا در دریا و دسترس دیم گمراشته او را بخوانم بسوی تو
بردی بپند از او را در دریا و دسترس دیم گمراشته او را بخوانم بسوی تو

جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ وَالْقِطْلَةُ الَّتِي فِرْعَوْنُ لِيَكُونَ لَهُمْ

گرداننده او دیم از پنهان میزبان پس بر گرفتند آن را اهل خانه فرعون تا آخر کار خود برانکه ایشان
گرداننده او دیم از پنهان میزبان پس بر گرفتند آن را اهل خانه فرعون تا آخر کار خود برانکه ایشان

عَلَّوْا وَخُزَّاءَ إِنْ فِرْعَوْنُ وَهَامَنْ وَجُنُودُهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ ۵

و فرعون و هامان و لشکر باطنی ایشان بپوشیدند و فرعون و هامان و لشکر باطنی ایشان بپوشیدند

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ

و فرعون زن فرعون این طفل خوش چهره است مرا و تو را کشیدش بود

أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۶ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ

که بخد و پدر ما یا فرزند گیریم او را و ایشان حقیقت حال نمی دانستند و گفت دل مادر

مُوسَىٰ فِرْعَاوُنَ كَادَتْ لَتَشْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا

پس خالی از صبر هر آینه نزدیک بود که آشکارا کند آن قصه را اگر ما نمی بستیم بر دل او رسته و

لَتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۷ وَقَالَتِ رَجُلَتُهُ قَصِيْدَةٌ قَصُرَتْ بِهٖ عَنْ

تا باشد از باور دارندگان و گفت خواهرش را بر بے او میرود پس بدید او را از

جَنَبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۸ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ

در و قوم فرعون نمیدانستند و حرام ساختیم بر موسی شیر دایگان پیش از وصول خواهرش بر او

قُلْ أَتَدْرِكُونَ أَهْلَ بَيْتِ يَاقُوْبَ لَكُمْ وَهَمْلُهُ نَاصِحُونَ ۹ فَرَدَدْنَاهُ

آری مادر او تا خشک شود چشم و داند و تابد اند که وعده خدا راست است و لیکن

كُنْهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۱۰ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ

بزرگترین مردان نمیدانستند و چون رسید به نهایت جوانی خود و درست اندام شد و او را حکمت و

عِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۱۱ وَدَخَلَ الْبَيْتَ عَلَىٰ خَیْرِ

شخص و خیرین جزای و نیکو کاران را و در آمد در شهر بر وقت

ثَقْلٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شَيْعَةِ

بزرگ از آن پس یافت در آن دو مرد که با یکدیگر جنگ می کردند آن یک از قوم موسی بود

هَٰذَا مِنْ عَادٍ فَاسْتَعَاثَهُ الَّذِي مِنْ شَيْعَتِهِ عَلَى الَّذِي

از عداوت از دشمنان و پس مدد طلب کرد از کسی که از قوم او بود

مِنْ عَادٍ فَكُرِهَ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ

از عداوتش بود پس گفت زود او را موسی پس تمام کرد کارش را گفت (موسی) این کار از عمل

و لایق صبری و دایم

تفسیر عثمانی

عنه به فرعون و هامان

خود را در یک صندوق

چوبی گذاشته در آب

سپارد صندوق شنا

نمود بجای رسید کاهن

فرعون حضرت اسمیرا

آنها گرفت چهره و روبرو

این پس برخواست و آمدید

زیر آلتانجا بت و

شرافت از تاعمر اش

پس از او و از انقض

پیشش برداشت مگر

نیکی برداشت این بود

که آن پس چون بزرگ

شود و سخن فرعون و

فرعونان کرد و در میان

روح ایشان شرد و از

همین سبب الله تعالی

آنها را نجات داد که او را

برودند فرعون یعنی چه

خبر داشت که بدست

خوش شخصی را باز و

نعم پرورش میدهد که

به دشمنی و خوف او

بزرگان پس را بکشتن

ارسال نموده است

در تحقیق

سجده فرعون در آن

و معجزان او در

اجرای مقصد نایاب

خود خدای بزرگ کردند

چه با آنکه چهره های زیاده

اسرائیلی را بر یک شب

بقتل رسانیدند و موسی

را زنده گذاشتند لیکن

بدون از کتاب خطا

چاره نداشته آری

تقدیر خدا را تغییر داد

یا شیت از روی راز و

دانش می توانست خطا

بزرگ آنها این بود که

آنها پنداشته که

فیصلی ای تقاضا

را تمایل بر انسانی

والمعنى من موسى اذا
قوى ههنا كفت في انك
كغضب كرهه بمرن

في آية ۱۲
تفسير عثمان

عصه حضرت موسى
خواست که آن ظالمها
بگیرد مگر ظلمت پنداشت
که چون زبانی از اظهار
غضب نموده است
مباد امر از بند مونس
علیه السلام کوشش
داشت که خون در ده
را پنهان نماید مگر روز
از زبان اسرائیلی آن
را از افشاد عده

خبر قبل بفرعون رسید
و بظهور او مشوره کرد
که شخص اجنبی آیا این
قدر جزت و جرات
پیدا کرده است که
اگر آدم شایسته و ملا

زمین سلطان را بقتل
برساند به به سپاهیان
امداده شد که فوراً
موسی را اگر خدای کند

اگر موسی را می یافتند
شاید قتل می رسانیدند
الله تعالی یک توبه از
مشورت کننده گان

را خواجه و هب موسی
علیه السلام
فرمود و نامبرده ۸
باشتاب از ۵

راه نزدیکی خورد ایوبی
را رسانید و در انداخت
آگاه نمود و مشوره داد
که فوراً از شهر بکاید

حضرت شاه صاحب
در موع القرآن میفرماید
که این کلمات بگوشت
پیغمبر رسانیده شد که
مردم امراده کششند و او را
خواهند کرد و او هم از
وطن خارج خواهند شد
چنانچه هر کفار و کافران
بودند که به پیغمبر میفرمودند

الشَّيْطَانُ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۲۰ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي

شیطان است هر آینه شیطان دشمن گمراه کننده آشکارا است گفت ای پروردگار من مرا بخیز من ستم کردم بر خویش

فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ ۲۱ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۲۲ قَالَ رَبِّ بِنَا أَنْعَمْتَ

پس بپارم مرا پس بپارم زید من هر آینه دے آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخیر انجام بزن تو

عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ ۲۳ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفاً

بر من پس بر من خوارم بود مددگار گناهکاران گفت ای پروردگار من مرا بخیز من ستم کردم بر خویش

يَتَزَوَّجُ فَإِنَّهُ الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِأَلَا مَسْ بَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ

انتظار کن ای موسی تا آیدان شخصی که مدد طلب کرده بود و دیروز باز بفریاد می میخواند گفت بفرم

مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِي مُّبِينٌ ۲۴ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْطَشَّ بِالَّذِي هُوَ

موسی هر آینه تو گمراه آشکارا هستی پس چون خواست که دست دراز کند به شخصی که دے

عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَهُوسَى إِنْ تُرِيدُ أَنْ تُقَاتِلَنِي كَمَا قَاتَلْتَ نَفْسَكَ بِأَلَا مَسْ

دشمن مونس و دشمن فریاد کننده بود گفت فریاد کننده ای موسی آیا میخواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی نفسی را دیروز

عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَهُوسَى إِنْ تُرِيدُ أَنْ تُقَاتِلَنِي كَمَا قَاتَلْتَ نَفْسَكَ بِأَلَا مَسْ

دشمن مونس و دشمن فریاد کننده بود گفت فریاد کننده ای موسی آیا میخواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی نفسی را دیروز

عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَهُوسَى إِنْ تُرِيدُ أَنْ تُقَاتِلَنِي كَمَا قَاتَلْتَ نَفْسَكَ بِأَلَا مَسْ

دشمن مونس و دشمن فریاد کننده بود گفت فریاد کننده ای موسی آیا میخواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی نفسی را دیروز

عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَهُوسَى إِنْ تُرِيدُ أَنْ تُقَاتِلَنِي كَمَا قَاتَلْتَ نَفْسَكَ بِأَلَا مَسْ

دشمن مونس و دشمن فریاد کننده بود گفت فریاد کننده ای موسی آیا میخواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی نفسی را دیروز

عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَهُوسَى إِنْ تُرِيدُ أَنْ تُقَاتِلَنِي كَمَا قَاتَلْتَ نَفْسَكَ بِأَلَا مَسْ

دشمن مونس و دشمن فریاد کننده بود گفت فریاد کننده ای موسی آیا میخواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی نفسی را دیروز

عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَهُوسَى إِنْ تُرِيدُ أَنْ تُقَاتِلَنِي كَمَا قَاتَلْتَ نَفْسَكَ بِأَلَا مَسْ

دشمن مونس و دشمن فریاد کننده بود گفت فریاد کننده ای موسی آیا میخواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی نفسی را دیروز

عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَهُوسَى إِنْ تُرِيدُ أَنْ تُقَاتِلَنِي كَمَا قَاتَلْتَ نَفْسَكَ بِأَلَا مَسْ

دشمن مونس و دشمن فریاد کننده بود گفت فریاد کننده ای موسی آیا میخواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی نفسی را دیروز

عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَهُوسَى إِنْ تُرِيدُ أَنْ تُقَاتِلَنِي كَمَا قَاتَلْتَ نَفْسَكَ بِأَلَا مَسْ

دشمن مونس و دشمن فریاد کننده بود گفت فریاد کننده ای موسی آیا میخواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی نفسی را دیروز

قَالُوا لَا تَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّجَاءُ سَكَنًا وَأَيُّهَا شَيْخُ كَبِيرٌ ۝ قَسَقَ

عقده آب می نوشانیم تا آنکه باز گردانند شبانان مواشی را و پدر ما پیر کلان سال است پس موسی آب نوشانید

لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ ارْنِي لِمَا أَتَزَلَّتْ إِلَى مِنْ خَيْرٍ

برای این هر دو باز آورد لبوی سایه پس گفت ای پروردگار من هر آنچه فرود آوری بسوی من از نعمت

فَقِيلَ ۝ فَمَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِخْبَاءٍ وَقَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ

پس آمد بوسی یکی ازین دو زن راه میرفت بشیرم گفت هر آینه پدر من میخواهد ترا

يُخْرِجُكَ أَجْرًا مَسْقِيَتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ

تا ببرد مزد آنچه آب نوشانیدی مواشی ما را دادی پس چون رسید موسی نزد شعیب و قصید کرد پیش او قصه را گفت

وَأَخْفَفَ مَجَازٍ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ

مژمن خلاص شدی از قوم سزگاران گفت یکی ازین دو دختر ای پدر من

سُتَاجِرُهُ زَانٌ خَيْرٌ مِنْ أَسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيَ الْأَمِينُ ۝ قَالَ رَأَيْتِي

مزدور گردیدم او را هر آینه بهتر من کسی که مزدور گیری شعله توانا با امانت باشد گفت شعیب هر آینه من

أَرِيدُ أَنْ أُنْكَحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيْ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي شَهْرِي

میخواهم که بزنی پدرم ترا یکی ازین دو دختر خود بشرط آنکه مزدوری من کنی بهشت

حَجَّجَ فَإِنْ أَتَيْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أَرِيدُ أَنْ أَمْسُقَ عَلَيْكَ

سال دارم تا آنکه ده سال را پس آن بزرگ مت از نزدیک تو دهمی خواهیم که معقت امانت بروی

سَيُحَدِّثُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّاحِلِينَ ۝ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ

خواهی یافت مرا اگر خدا خواسته است از شما بستان گفت موسی ایست عهد میان من و میان تو

فِيمَا الْاَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ

بر کدام ازین دو مدت که دادیم تعدی نباشد بر من و خدا بر آنچه می گوئیم

وَكَيْلٌ ۝ فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ

راه است پس چون ادا کرد موسی آن میعاد را دروان شد باری خود دید بجانب

الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا تَلْعَلْ أَتِيكُمْ مِنْهَا

آه نور آتش گفت باری خود توقف کنید هر آینه دیده ام آتشی آمد دارم که بیارم از آنجا

خَبَرًا أَوْ جَذْوَةً مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ۝ فَلَمَّا أَتَاهَا نُورٌ

خبر رسد یا بیارم شد آتش بود که شما تحویل گریه کنید پس چون آمد نزدیک آتش آواز داده شد

فَرَسَ يَأْتِيهِمْ مِنْ أَلْفِ سَائِرٍ خَدَّوهُمُ يُرِيدُ

فرس می آید بر ایشان از هزار سائیر که خدایتان میکند پس چون رسید آنرا نزدیک آتش آواز کرده شد

فصلی در بیان
موسی علیه السلام
چون از بنی اسرائیل
خارج شد و در راه
بود که از ایشان
سوال کرد که چرا
این کار را می کنید
و موسی علیه السلام
فرمود که اینها
از جهل و نادانی
اند و من را از این
کار خبری نیست
و اینها را از من
پرسیدند و من
فرمودم که اینها
از نادانی و جهل
اند و من را از این
کار خبری نیست
و اینها را از من
پرسیدند و من
فرمودم که اینها
از نادانی و جهل
اند و من را از این
کار خبری نیست

مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ

فاز کرانه راست میدان در جانبگاه با برکت از میان درخت که

يَسْمُو سُلَيْمَى إِنْى أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا

ای موسی هر آینه من خدایم پروردگار عالمها و آنکه با تکیه عصای خود را پس چون

رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَّى يُعْقِبُ يَهُوَسَى أَقْبَلَ

دید که عصا حرکت میکند گویا و بر پشت رو بگردانید پشت داده و باز نه گشت بقیتم ای موسی و پیش آنی

وَلَا تَخَفْ رَأَيْكَ مِنَ الزَّمِينِ ۝ أَسْأَلُكَ يَدَاكَ فِي جَنِيكَ

و نترس هر آینه تو از ایمنی و در آید دست خود را در گریبان خود

تَخْرُجُ بَيْضَاءُ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهَى

تا بیرون آید سفید شده از غیر فتنه و بهم آر بجوی خود بازوئی خود را از ترس و

فَإِنَّكَ بَرْهَانٌ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۝ إِنَّهُمْ كَانُوا

پس این بر دوش انسانند فرمود آمد از جانب پروردگار تو بسوی فرعون و جماعت او هر آینه ایشان بودند

قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ

گروه بدکاران گفت ای رب من هر آینه من کشته ام از ایشان یکی را پس می ترسم که

يَقْتُلُونِ ۝ وَأَخْبَىٰ هَرُونَ هُوَ أَفْضَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْنَا

گفتند و برادر من هارون هیچ تر است از من از جهت زبان پس بفرست او را

مَعِيَ رِدْءًا يُصَلِّي ۝ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَلِّمُونِ ۝ قَالَ سَتَشَدُّ

براه من مدگنده که باور دارد مرا هر آینه من می ترسم از آنکه دروغی بخندند مرا گفت خدا حکم خواهد کرد

عَصَاكَ بِأَخِيكَ وَتَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا ۝

بازوئی ترا به برادر تو خواهد داد شمارا علیه پس تو از آن رسد بقصد ایها بسوی شما

بِأَيِّتِنَا أَنْتَبِهَا ۝ مَنْ اتَّبَعَكَ الْغُلَيُّونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَتِنَا

بسیب ایشانهاست ما شما را آید که پیروان تو باشند غالب میشوند پس چون آمد نزد ایشان موسی بآیاتی

بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي

حاجج آمده گفتند نیست این مگر جادوئی بر بسته و نشنیده ایم این را در

أَيَّامِنَا الْأَوَّلِينَ ۝ وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ

پس ایان گفت موسی پروردگار من دانای تر است بهر که آورده است هدایت

بِهِدَانٍ ۝ فَتَقَبَّلُوا دَعْوَاهُ ۝ وَكَفَّتْ مُوسَى بَيْنَ يَدَيْهِمْ

پس ایشان را پذیرفتند و بایستادند و موسی را در میان ایشان ایستاد

فلان بر سر من
ترس که بسبب ظهور
خواران پیدا شده
و من ترسم که بیهوش
آید و بانه کناست
است از جمع خاطر و
شورش شدن چنانکه
مقتضی حال کناست
است از تواضع
تفسیر فلان
دست خود را به
پهلوی خود پیوست
کن خوف را در حق
گردد شاید برای آینه
همان وضعیت
از خوف نشان داد
باشد عطف از شخص
برای تصدیق و تائید
براه باشد قطودل
انسان استقله قوی
می گردد و اگر در اثر
تکذیب از طرف آنها
نوبت به بحث و مناظره
برسد شاید بگفتند
من مانع بیان گردد
حالی وقت رقابت
باردن برای نامده
میرساند زبان
ادفع تره قهرمان
دست چون عجز
را مشاهده نمودن نفس
کناست عذمت
و متعلقه که آن
الطوف خدا الیکما
منسوب میکند او
نیز سخنان جلود و دو
است که قوه و شجاعت
از صافته آورده
است داین دعوی
اد که گوی خدا برین
و می نازل کرده است
حقیقت نه از حق
تجلی افزای سحرانه
است لطف سخنانی
راکی گوید (مثلاً غام)
دنیا را خدای یگانه
آفریده و بیک وقت

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ الْكِتَابَ فَتَلَاهُ
تَفْسِيرُ ثَمَانِي

عنه چون موسی علیه السلام

آوردیم را الی انا

اللہ رب العالمین

نمود آنچه ایستاده بود

و فی شنیدی محض

انعام حق تعالی است

که ترا برین و اخوات

و حقان مطلع گردانید

و ای تو هم همان قسم

سلوک نمود که با موسی

علیه السلام نموده بود

معاذ که یا مست در

جبل طور و مصر و

مدین واقع شده بود

مثل آن یا تو در جبل

النور مکتوبی که فلان

در آن است و هر که

و مدینه روی داد و گویا

همان حالت تکرار شد

عنه حضرت شاه

صاحب ینویس

گفته که از شنیدن

معجزات حضرت

موسی گفتند که اگر

چنین معجزه را این

بنی میداشت البتہ

حق پذیر فیکم و تنبیک

از پیروان پیرسند

و سخنان تورات

و اطاعت ازین

پیغمبر خداست

و خدا میطلان

خود شنیدند و شکر

ایک بت برستی کفر

است حیات آخرت

بر حق است و الهی را

بنام خدا استعالی

ذبح نشود و در

است و از عیب

چنین علامات

پیغمبر آخر الزمان ظهور

میکند و غیره و غیره

بهر دو اعتقاد از قرآن

نموده گفتند و قرآن و

و تورات و جادو و جادو و موسی و عیسی و السلام هر دو جادو گردانیدند (البته که تصدیق یکدیگر را می کنند ۱۲)

فَرُسُلَيْنِ ۳ وَ مَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحِمْنَا مَنَ ۴

فرستاده و بودی تو بطرف طور چون آواز دادیم و لیکن این رحمت است از

فرستاده پیغمبران را و بودی تو به کنار طور چون آواز دادیم و لیکن این رحمت است از

رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَتْهُمْ مِّنْ نَّذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۵

بهر دو کار تو تا ز برای گروهی را که نیامده بود بدیشان هیچ ترساننده پیش از تو بود که ایشان پسند پذیر شوند

رب تو عه تا برسانی گروهی را که نیامده بود بایشان هیچ ترساننده پیش از تو باشد یا بداند (پند پذیرند)

وَلَوْ لَا أَن تَصِيبَهُمْ مَّصِيبَةٌ مِّمَّا قَدْ مَتَّ أَيْدِيَهُمْ قَيِّقُولُوا أَسْرَبْنَا ۶

و اگر نه آن بودی که برسد بدیشان عقوبتی بسبب آنکه پیش فرستاده است دست ایشان پس گویند اگر چه در کار

و اگر نه آن بودی که برسد بدیشان عقوبتی بسبب آنکه پیش فرستاده است دست مای ایشان پس گویند که رب ما

لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنُتَّبِعَ آيَاتِكَ وَ نَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۷

چرا نه فرستادی بسوئے ما پیغامبر را تا پیروی آیات تو کنیم و باشیم از مسلمانان

چرا نه فرستادی بسوئی ما پیغمبری تا پیروی کنیم آیات تو را و باشیم از مسلمانان

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أَوْتِي مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَى ۸

پس چون رسید بایشان حق از نزد ما گفتند چرا داده نشد باین پیغامبر مانند آنچه داده شد بموسی

پس چون رسید بایشان حق از نزد ما می گفتند چرا داده نشد باین رسول مانند آنچه داده شد بموسی

أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَى مِنْ قَبْلِ قَالُوا اسْخِرْنَا تَزَاهِرَ أَفْوَ ۹

آیا کافر نشده اند با آنچه داده شد موسی را پیش ازین گفتند دو سحرانند مواقی یک دیگر شده است

آیا الا کافر نشده اند به آنچه داده شده موسی را پیش ازین گفتند هر دو جادو اند که با هم مواقت کرده اند

قَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَفْرٍ وَن ۱۰ قُلْ فَأَوَّا بَكْتِيبٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْلُ ۱۱

گفتند هر آینه ما بهر یک کافر ایم و بگو پس بپایه کتابی فرد آمده از نزد یک خدا که دوسه را نماینده هر یک است

گفتند هر آینه ما بهر یک کافر ایم و بگو پس بپایه کتابی از نزد الله که آن بهترین نماینده حق باشد

مِنْهُمْ أَتَتَّبِعُ ۱۲ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۱۳ وَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ ۱۴

ازین دو تا پیروی او کنم اگر راست گویند پس اگر قبول نکنند سخن تو را

از این دو تا پیروی کنم آن را اگر شما راست گویید پس اگر قبول نکنند سخن تو را

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۱۵ وَ مَنْ أَصْلٌ مِّنْ اتَّبَعَهُ هُوَ ۱۶

پس بدانکه جز این نیست که پیروی می کنند خواهش نفس خود را و کیست همراه تر از کسی که پیروی خواهش نفس خود کند

پس بدان (جز این نیست) که پیروی می کنند خواهشات خود را و کیست همراه تر از آنکه پیروی کند خواهش خود را

بَغَيْرِ هُدًى مِّنْ اللَّهِ ۱۷ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۱۸

بدون راه هدایت خدا ۱۷ هر آینه خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را

بدون راه هدایت الهی ۱۸ هر آینه الله راه نمی نماید گروه ستمکاران را

لَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۱۹ الَّذِينَ اتَّبَعْنَاهُمْ ۲۰

هر آینه ما به دو راهی آیدیم برای ایشان این قرآن را تا بود که ایشان پسند پذیرند آنرا که داده ایم ایشان را

(هر آینه ما به دو راهی فرستاده ایم برای ایشان کلام خود را تا ایشان یاد بدارند و پسند پذیرند) آنرا که دادیم ایشان را

الَّذِينَ اتَّبَعْنَاهُمْ ۲۱ وَ إِذْ أَيْتَلَّ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا ۲۲

کتاب پیش از قرآن ایشان بقرآن ایمان می آرند و چون قرآن خوانند و بشنود برایشان گویند ایمان آوردیم بان

کتاب پیش از قرآن ایشان به آن یقین می کنند و ایمان می آرند و چون خوانند و بشنود قرآن برایشان گویند یقین کردیم

بِأَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا ۲۳ إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ۲۴

هر آینه دوسه راست است از جانب پروردگار ما هر آینه ما پیش از تو ندان

پس این هر آینه آن راست است از جانب پروردگار ما هر آینه ما پیروی پیش ازین مسلمانان

این جمله

این گروه

این گروه

این گروه

این گروه

يَا تَوْنُ أَجْرَهُمْ لَمَّا تَبَيَّنَ بِمَا صَبَرُوا أَوْ يَدَارِعُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ وَ

عاده میشود ایشان را نزد ایشان دو بار بسبب آنکه صبر کردند و دفع می کنند بخصالت نیک بدی را و

مبارک از قنهم یتفقون ۴ وَإِذْ أَسْمِعُوا اللّٰغُوءَ عَرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا

از آنچه روزی داده ایم ایشان را خرج می کنند و چون بشنوند سخن بے بوده را رد بگردانند از آن و گویند

لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ نَسَاءٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَهْلِيْنَ ۵

ما راست کردار ما است ما و شما راست کردار ما می شما سلام بر شما باد نمی خواهیم صحبت جاهلان را

أَنْتَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ

یا محمد هرگز تو راه نمی نمایی هر که را دوست میداری ولیکن خدا راه می نماید هر که خواهد و او

أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۶ وَقَالُوا إِنْ تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ لَتُخْطَفَنَّ

و از تو است برای ما قتلان و گفتند بعضی اهل که اگر پیروی بدایت کنیم با تو رفته شویم

مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ تُنْكِنْ لَّهُمْ خَسْرًا مَّا امْنًا يَجْبِي إِلَيْهِ شَرَاتُ كُلِّ

از زمین خود و آیا جای ندادیم ایشان را در حرمی یا امن رسانیده میشود بسوی آن میوه های هر

شَيْءٍ مِنْ رِزْقَانَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۷ وَكَمْ أَهْلَكْنَا

چیز (در حالیکه) روزی است از طرف ما ولیکن اکثر ایشان نمی دانند و بسیار کلام کردیم

مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فِتْنًا مَسْكَنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ

از دیه که از حد رد گشتند در گذران خود پس اینهاست جای ماندن ایشان مانده شد آنجا بعد

بَعْدَهُمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكَثَاخُنْ أَوْرَثِينَ ۸ وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ

از ایشان مگر اندکی و بهر چه بود آخر و ارث آن مسکن و نیست پروردگار تو هلاک کننده

الْقَرْيَةِ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ آخِرَةٍ أَوْ عَلَيْنَا أَيْتَانَا وَمَا كُنَّا

در ما تا آنکه بفرستد در قبیله آن پیغامبر که بخواند بر ایشان آیات ما و هرگز نیستیم

مُهْلِكِي الْقَرْيَةِ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ۹ وَمَا أَوْتَيْنَاكَ مِنْ شَيْءٍ

هلاک کننده دیه یا مگر دوران حال که اهل اینهاست ستمکار باشند و هر چه داده شد شمارا از هر نوعی

فِتْنَاءَ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا

پس بهره مندی زندگانی دنیا و آرایش و زینت و آنچه نزد خداست بهتر و پاینده تر است آیا

تَعْقِلُونَ ۱۰ أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كُنْ مَتَّعْنَاهُ

نی فهمید آیا پس سبک و عده دادیمش و عده نیک پس او دریا بنده آنست مانند کسی است که بهره مند از نعمت

در شرح صحیح مسلم از تفصیل نوشتیم و نوشتش کرده ایم که اشکالات را رفع نمایم تلاخ ۱۲

ط مخرج گوید هر چه
پیش از آنکه آنحضرت
صلی الله علیه و آله
و آله بیرون بفرستد
فرمان از آن لازمست
۱۲ یعنی مردمان
اخراج کنند ۱۲-
تفسیر عثمانی
عنه خود را سفرد
و مستغنی گرفتند و در
قبول حق گرفتند بلکه
هر حق بهر وقتیکه رسید
برضا و رغبت نزد آن
سر تسلیم خم کردند-
تفسیر- سخا ابرو در
توحات و شتاست
که ایمان این اهل کتاب
بر پیغمبر خود و مرتبه صل
آمد- بار اول مستقله
بار دوم در ضمن ایمان
آوردن بر نبی کریم صلی
الله علیه و آله و سلم که
آنحضرت مصدق تمام
انبیای سابقین می
باشد و تأکید صغایه
که ایمان داشتن ایشان
ضروری است- بر
علاوه بر خود آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم ایمان
آنها در مرتبه صل آمد
یکی اکنون بالذات و
بالاستقلال دوم در ضمن
اینکه بر پیغمبر خود پیشتر
ایمان آورده بودند زیرا
بر پیغمبر در باب آنحضرت
بشارت میداد و در
تصدیق نبوت او
پیشگویی می نمود بنابراین
اجرای مردم بهم در مرتبه
لی می باشد باقی شرح
۱۰ ثلاثه تون
۹ اجزاء مرتین را
که حدیث آمده نمی
توان درین مختصر خلاصه

وَلَا يَخَافُ عَذَابَ
الْعَذَابِ
وَلَا يَخَافُ عَذَابَ
الْعَذَابِ
وَلَا يَخَافُ عَذَابَ
الْعَذَابِ

تفسير عثمان

عنه يعني گفته شود

که اکنون آنها را برای

کمال عظیمه میگردانند

از امانت و جود و قاهر

می باشد چه خودشان

در معصیت خود گرفتار

خواهند بود که امان

المفسرون و قاهر

تجربه حضرت شاه

ما حسب الله است

که شایسته چون نام

نیکان را بگوید میفرماید

گفته شود که آن نیکوکار

را بخوانند آن نیکان

بهم جواب خواهند داد

زیر آنکه آنها فرین

حرکات مشرق و مغرب

نمودند و باقی خبر

نداشته عده

کامیابی آن جهان

فقط بگذراند ایمان و عمل

صالح حاصل می گردد

حال هم اگر کسی از کفر

و شرک توبه کند و

ایمان بیاورد و راه نیک

اعتقاد نماید حق تعالی

از خطای سابق سزاوار

او در گذشت او را

فاخر المومنین می گرداند

(تفسیر) - معنی آن

یکون من المومنین

و عده ایست یکسان

و انداز شش پادشاه

یعنی برادران هم است

که امیدوارند از کفر باشند

هر چه برای ایمان است

چنین فعل کسی را

مخیر کرده می تواند

طریق و عده را محض

از فضل و کرم خود میکنند

مَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا هُوَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ۱ وَيَوْمَ

مَتَاعِ زنده گانی دنیا باز و در روز قیامت از حاضر گردگان است و روزی که

بَنَادِيَهُمْ يَقُولُ آيِنُ شَرِكَايَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ۲ وَقَالَ

آواز دهد ایشان را پس گوید ای شرکای من که شما کمان می کردید گفتند

نَدَانَا (عَلَا) ایشان را پس فرماید بخوانید آن شرکای من که شما دعوی می کردید (کمان می کردید) گویند

الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَهُمْ

آنانکه ثابت شد بر ایشان حکم عذاب است ای پروردگار ما این جماعت اند که گمراه کردیم گمراه کردیم ایشان را

كَمَا غَوَيْنَا تَبَيَّنَ أَنتَ الْبَاطِلُ مَا كَانُوا آلِيَا نَا يَعْبُدُونَ ۳ وَقِيلَ

چنانکه خود گمراه شدیم گفت ای حق میگویم از همه بسوی تو ایشان ما را نمی پرستیدند

ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَلَ عَؤُهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ ۴

بخوانید شرکایان خود را پس بخوانند ایشان را پس ایشان قبول نكند دعای آن جماعت و به بینند عذاب

لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ۵ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ

و میگویند کافر ایشان راه یابی بودند و روزی که آواز دهد خدا ایشان را پس گویند چه جواب دادید

الْمُرْسَلِينَ ۶ فَعَبَّيْتُ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءَ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ۷

پیشانیان را پس من خبر دادم آن روز پس ایشان با یکدیگر سوال نكندند

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ

پس آنکه توبه نمود و ایمان آورد و کار خالص کرد پس امید است که باشد از

الْمُفْلِحِينَ ۸ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ

رستگارین و پروردگار تو می آفریند هر چه خواهد و برمیگزیند هر که خواهد نیست ایشان را

الْحِكْمَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۹ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا

استعاره پالی خداوند است و بلندتر است از آنچه شرک می آرند و پروردگار تو میداند آنچه

يَكُنْ صَدُورُهُمْ وَمَا يَعْلَمُونَ ۱۰ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ

پیشانیان میداند و آنچه ایشان را آنچه آنها را می دانند و او است خدا نیست هیچ چیز او را است

الْحَدِيثُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ نَزَلَهُ إِلَهُكُمْ وَرَأَيْتُمُ الْجُحُودَ ۱۱ قُلْ

مناقب در دنیا و آخرت و او را است فرمانروایی و بسوی او باز گردانیده شوید

أَسْمِعِيكُمْ أَنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْغُلَّ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ

آباد دیدید که اگر گردانید سراسر است بر شما شمشیر را بچند روز قیامت

بیت (خبر میدهد) که اگر گردانند شد بد شما شمشیر را بچند روز قیامت

تبار و آخرت و او را است حکم و بسوی او باز گردانیده می شوید

تبار و آخرت و او را است حکم و بسوی او باز گردانیده می شوید

مَنْ أَلِهَ غَيْرَ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَضَائِعُ ۖ أَفَلَا تَسْتَعْمِلُونَ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ

کس که بتها را بپرستند که بیاورند بکس بزرگواری را آیا نمی بینید

أَنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ مِنَ اللَّهِ

که اگر خداوند بخواند بر شما روز را پاینده تا روز قیامت است

غَيْرَ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ ۖ أَفَلَا تَبْصُرُونَ ۝ وَ

غیر خدا که بیاورد شما را شبی که در آن می خوابید

مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا

از رحمت خود ساخت برای شما شب و روز را تا آرام گیرید و در شب و روز بگردید

مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ

از فضل او و تا شکر کنید

شُرَكَاءِي الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ۝ وَتَرَعْنَا مِنْ كُلِّ

آن شرکاء من که گمان می کردید

شَيْءٍ إِفْلَكُنَا هَٰؤُلَاءِ مَا تَدْعُوهُمُ إِلَىٰ هَٰؤُلَاءِ فَأَعْلَمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ

کتاب را و پس گویند قوم را بیاورید و بپای خود

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ إِنْ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ

از ایشان آنچه افتری کردند

فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ ۖ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُتُوبِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ

پس نود کرد بر ایشان و عطا کرده بودیم او را از کتب

بِالْعَصْبَةِ أَوْ لِي الْقُوَّةُ ۖ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ

بجانب صاحب توانایی را چون گفت باد قوم او

حُبُّ الْفَرِحِينَ ۝ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ۖ وَ

دوست می دارد و بپسندد گناه و بگو در آنچه خدا عطا کرده است ترا

لَا تَكُنْ تَصِيبُكَ مِنَ الدُّنْيَا وَآخِرَتِكَ ۖ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمَا

و تو را از میان دنیا و آخرت

وَلَا تَتَّبِعِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ۝

والتی در روز ۱۲
والتی هر یک از
بر قوم خود گویا
والتی در دنیا
علی صانع بجای
تفسیر عثمانی
علی بعضی مفسر
در معانی و اخراج
تفسیر کرده اند
قانون آنقدر بود
داشت که یک دست
مردان تو من هم آنرا
به سخن برداشتی
قوانین لیکن اکثر
مفسرین در معانی
را کلیه با تفسیر خود
اندیشی عده مند و
خزاین او آنقدر زیاد
بود که در برداشتن
کلیدهای آن چندان
مرد قوی مانده شوند
این چندان متعجب
نیست چنانکه بعضی
تفاسیر صدها آنرا
شرح داده اند
عنه باین دوست
آنانی و زانی چنان
و مباحثات میکنی
حالا که اجمیت آن
نزد خدای تعالی برابر
یک بال گشت نیست
باید برای خدا شتایی
هر شخص را که
لافت میزند و غیر
و غرضی نمایند
پسند و بپسند
منظور حضور آن ملک
حقیقی نباشد جز
تجاری و بلاست چیزی
نیست مع مال
مهریه خدا برای این
است که بپایان
آنرا و آخرت
بپایان و شکر و طاعت
و سرکشی فرق شده
خود و بپایان

والتی با حضرت موسی علیه السلام مخالفت کن در زمین خدای تعالی برادر است روان شود در ملک و فساد را بپایان کردن و این مردم شرور و فاسقند و فساد را خوب نیست ۱۲

فل یعنی در صورت لزوم یا داش مجال غفلت نیست و الله اعلم تفسیر عثمانی
 به نیت حصول دولت علیه کیت و افسوس که او شتم حقیقی را از افسوس کرد و ببرد و نیات خدا را از خود و متکبر گشت و آن دولت را کفیل بخت خود بخت داشت خیر نداشت که چندین گروه در اثر شرارت و سرکشی خود در سلبی نباده و پاک شدند آنها سلطنت های قوی داشتند و نسبت به این بیون تر از آن و عساکر بیشتر را دارا بودند و او سرانجام ایشان را شنید مگر بجز حاصل نکرد و این آیت کریمه در توحید و یگانگی آنک
 هیچ حاجت برسان نیست بلکه الهی تعالی بر پرزده گناه آنها آگاه است و فرشتگان آن عهد است کرده اند و گردان باب گاهی استفسار شود مقصد و خوش کردن و سرزنش نمودن خواهد بود و یا گناه از کثرت گناهان است معنی تعداد آن گناه بعدی زیاد است که بهر سید است بجز بخت هر یک نیست و موصوفه القرائه آمده است در پاره گناه برستی پس نمی آید چه اگر کار خیرم در دانش میداشت هر آن که می کرد در آن خیر و منفعت

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي ۖ أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ

گفت جز این نیست که داده شده است مرا مال فراوان بنا بر دانشی که نزدیک من است آیا ندانست که خدا پاک کرد گفت (جز این نیست) داده شده من این مال بنا بر دهنی که نزد من است آیا ندانست این را که الله پاک کرد

مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا

پیش از دوی از قرنهای آن قوم را که توانا بود از دوی و بیشتر بود از جمعیت پیش از دوی چندین گروه را کسی را که او نیرومند تر و داز دوی قوت و زیاده تر بود از دوی جمع کردن مال عده

وَلَا يُسْئَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ۝۳ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ

و بپرسیده نمی شوند گناهکاران از گناهان خویش و بپرسیده نمی شوند از گناهان خود گناهکاران عده پس بیرون آمد بروی قوم خود در آرایش خویش

قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لِيَكُن لَنَا مَثَلٌ مَّا أُوتِيَ

گفتند آنانکه طلب می کردند زندگی دنیا را که ما را باشد ماثله آنچه داده شده است گفتند کسانی که طلب می کردند زندگی دنیا را که ما را باشد ماثله آنچه داده شده

قَارُونُ لَكَ لَدُنْكَ وَحِطَّ عَظِيمٌ ۝۴ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ

قارون را هر آنچه دوی خداوند نصیب بزرگ است و گفتند آنانکه داده شد ایشان را علم قارون را هر آنچه او صاحب نصیب بزرگ است و گفتند کسانی که داده شده ایشان را فهم و علم

وَيَلَكُمْ تَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقِيهَا

وای بر شما تواب خدا بهتر است برای آنکه ایمان آورد و کارهای نیک کرد و توبه کرد و توبه را بدین معنی خیرانی است شمار (وای بر شما) تواب خدا بهتر است برای کسی که یقین کرد و کارهای نیک و تقوی کرد و توبه را بدین معنی

إِلَّا الصَّابِرُونَ ۝۵ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبَدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ

مگر صابران را پس فردی بر دیم او را و سراسر او را بر زمین پس نبود برای او مگر بصیر کنندگان پس فردی بر دیم او را و سراسر او را بر زمین پس نبود برای او

مِنْ قُوَّةٍ يَنْظُرُونَ ۖ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ ۝۶

هیچ کردی که نصرت دهند او را غیر خدا و نبود خودش از انتقام کنندگان هیچ کردی که نصرت دهند او را غیر خدا و نبود قارون از متع کنندگان طلب

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيُكَانَ اللَّهُ

و بامداد کردند آنانکه آرزوی کردند منزلت او را دیروز می گفتند اے محب که خدا و بامداد کردند آنانکه آرزوی کردند منزلت او را دیروز می گفتند اے محب که الله

بِلِسْطِ الرِّسْقِ لَيْسَ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيُقْدِرُ لَهُ ۖ لَوْلَا أَنَّ مِنْ اللَّهِ

نشاده می کند رزق را برای هر که خواهد از بندگان خوش و تنگ می سازد و اگر ندان بود که انعام کرد خدا من باید رزق را برای هر که خواهد از بندگان خود و تنگ می سازد اگر احسان نمی کرد خدا

عَلَيْنَا كَخَسَفَ بَنَاءُ وَيَكَاثُهُ لَا يَفْلَحُ الْكَافِرُونَ ۖ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ

بر ما هر آنچه خود بر دوی ما را اے محب که رستگار نمی شوند کافران این سرای باز پسین بر ما (هر آنچه) خودی بر دما را آیا میدانی که رستگار نمی شوند کافران آن سرای آخرت

فَجَعَلْنَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا ۖ

مقرر می کنیم آن را برای آنکه نمی خواهند بزرگی در زمین و فساد و مقرر می کنیم برای آنکه نمی خواهند بزرگی در زمین و فساد را و

الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ۝۷ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا ۖ وَمَنْ

حسن عاقبت است بر هر که کارهای نیک را است هر که بپایند و حسن عاقبت است بر هر که کارهای نیک را است هر که بپایند و

جَاءَ بِالسَّبِيلِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا

بیارو بی بی پس جزا داده می شوند آنانکه بد عمل کردند

بیارو بی بی پس جزا داده می شوند آنانکه بد عمل کردند

يَعْمَلُونَ ۚ إِنَّ الَّذِي فِي رُحْصِ عَلَيْكَ الْقُرْآنُ لَرَّادٌ إِلَىٰ مَعَادٍ

می کردند (هر آینه) آن خدای که در ستاد بر تو قرآن را البته بازگردانده است ترا بسوی جای بازگشت

قُلْ رَبِّيَ أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝۳

بگو پروردگار من داناتر است بآنکه آورده هدایت را و بهر که در گمراهی ظاهر است

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقِيَ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ

و تو نمی دانستی که فرود آورده شود بسوی تو کتاب (بسیار) مگر از مهربانی رب تو (بسیار) و فرستاده شد بسبب رحمتی از

فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ ۝ وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ

پس هرگز مشو (پس هرگز مشو) مددگار کافران و باز ندارند کافران ترا از تبلیغ آیات خدا

بَعْدَ إِذْ أَمِنْتَ لِتُؤْتِيَ الْمَالَ ۝ وَإِذْ أَمَرْتُكَ بِالْإِيمَانِ ۝ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ

بعد از آنکه خود آورده شد بسوی تو و بخوان بسوی رب خود و هرگز م باش از

الْمُشْرِكِينَ ۝ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَافٍ

بشترکان و محوان با خدا معبود دیگر را نیست هیچ معبود حق غیر او

كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ۝ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝۶

هر چیز هلاک شونده است مگر روی او و او را است فرمانروایی و بسوی او باز گردانیده شوید

يَسْمِعُ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ ۝ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

شناسم خدا را بهشت شننده مهربان

لَهُ ۝ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ

آیا پنداشتند مردمان که گذاشته شوند بخود آنانکه گویند ایمان آوردیم و ایشان

لَا يُفْتَنُونَ ۝ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ

امتحان کرده نشوند و هر آینه امتحان کردیم آنانرا که پیش از ایشان بودند پس البته بشنید

اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَافِرِينَ ۝۳

خدا آنانرا که راست گفتند و البته بشنید کفار را

الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ ۝ أَنْ يَسْبِقُونَهُ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

آنانکه بد عمل میکنند و بد است حکمی که می کنند بر او و بد است آنچه حکم می کنند

الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ ۝ أَنْ يَسْبِقُونَهُ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

آنانکه بد عمل میکنند و بد است حکمی که می کنند بر او و بد است آنچه حکم می کنند

الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ ۝ أَنْ يَسْبِقُونَهُ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

آنانکه بد عمل میکنند و بد است حکمی که می کنند بر او و بد است آنچه حکم می کنند

والبی آخرت
تفسیر عثمان
پیشتر و الهام
للتقین فرمود که هر
چیز که در این کتاب است
انجام نیک است
یعنی در آخرت جزا
در فوق معلوم گردید اکنون
خاطر نشان بنماید که
در دنیا هم فتح ازین
از همین مردم می باشد
ببین که امروز از جود
سم نقد بتنگ آمده به
ترک که می خورد شده
مگر آن خدای که تا بیفر
ساخت و کتابی چون
قرآن تو را فرستاد
تو را فایز و کامرانی
فوق العاده و پس
بدان جای خواهد
آورد حضرت
شاه صاحب جمعی
و اولیده این در
آیت نهنگام
بجای بخت نازل
شد و به
آنحضرت
صلی الله علیه و سلم
فاده شد که باز به
می گوید بنابر این
آنحضرت صلی الله
علیه وسلم به مظهریت
و مظهریت تمام به
آمد بعضی مفسرین از
معاد و موت را در
گرفته اند و بعضی آخرت
و بعضی جنت و بعضی
سرزمین شام را که
آنحضرت صلی الله
علیه وسلم پیش از نزول
این آیت به شرف
معران به آنجا تشریف
برده بود و خانه علی بن
ابن ابی طالب را این احوال
لطیف بسیار عتیق و
بسیار داده یعنی برادر
نفع گفته اند ۱۲

از هزاره در اینجا تکمیل است (کافی البخاری) غرض که علامتی از قرب اجل بود چنانکه ابن عباس و عمر رضی الله عنهما در اشای قصیر از احوال فرستاده و

مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝

هر که امید داشته باشد ملاقات خدا را پس هر آینه میعاد خدا البته آئینده است و او است شنوا و آگاه

وَمَنْ جَاهَدْ فَإِنَّا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ۝

هر که جهاد کند جز این نیست که جهاد میکند برای نفس خویش هر آینه خدا بے نیاز است از عالمیان

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۝

وَأَن نَّكَفِّرَنَّهُمْ أَوْ نَعَذِّبَهُمْ أَشَدَّ الْعَذَابِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُوتُوا بُرْهَانًا مِنَّا وَلَٰكِن بَصِيرَتُهُمْ ذَوَّابِقَ الدَّيَّانِ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ

بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا وَإِن جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ

عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِنِّي مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُم فِي الصَّالِحِينَ ۝

عنه شخصی که مصدق
و فوائد را باین
امیدی برده که من
یک روز بخیر خدا
حاضر شدم و تمام دور
آنجا انسان در برابر
هر عمل بد خوانده می
شود اگر ناکام باشد
منی نایک از منی با
موجوده مراتب بلند
تر است برین نازل
میشود اگر کامیاب
بر آمد هیچ گفت
باور پنجاه می گردد
و خوشنودی الهی
و دیدار او نصیب
خواهد شد باید عقیده
را سخا داشته باشد
که عده خدا احتیاجی
است و هیچ قوت
آنها باز داشته نمی
تواند اندک های که آن
تخص بدل برزده
بود برآورده میشود
باعث روشنی دید
او می گردد خدا متعالی
سخن بر کس را می
شنود و میداند و
محبت هیچ کس را
ضایع نمی کند عفو
الهی تعالی را از اطاعت
کسی چه نوع از نصیبت
کسی چه زیان میرسد
او تعالی ازین چیزها
بعلی بے نیاز است
بند و اطاعت
پروردگار خود و هر قدر
رجح و محنتی که یکیش
ثمره آن را در دنیا
و آخرت می یابد پس
استحاضه یک مجاهدت
می کنند گاهی چنان
خیال کنند که از رجح
و محنتی که در راه خدا
می کنند بر او تعالی
احسان می کنند
و اعیان باطن احسان از او تعالی است که ایشان را توفیق اطاعت و ریاضت می بخشد من کردم خلق تا سودی کنم بلکه تا بر من گمان برود کنم

عنه پنج خردمند
 بت پرستی را چنانکه
 نمیدانند چه بت
 پرستان هم بدین خود
 میدانند که این حرکتی
 است متناه در صلی
 معنی نگر برای استوار
 داشتن شیرازه قوی
 فیهی ساخته و تقیه
 کرده اند که بنام آن نما
 ایشان متحد متفق
 و یار یکدیگر و دست
 هم کار باشند چنانکه
 داین ایام طرز عمل
 اقوام عیسوی و یهودی
 را چنین مشاهده می
 کنیم و این مطلب
 است که بت پرستی
 باین سبب شیوع
 یافته که آن کلام کار
 معقولی است بلکه
 مسبب همه آن
 تقلید کورکورانه
 و تعصب قومی
 و ملی و ملیت
 با همی باشد
 و این مقامات
 که مشاء بت پرستی
 همین محبت و دوستی
 با همی دوده است
 یعنی چندان از افراد
 مشهور قوم که مردم
 آنها را دوست
 داشته و چون از
 بان رفتند مردم به
 تذکار و فور محبت
 خویش نسبت ایشان
 مجسمه و تصاویر آنها را
 ساخته و بطور یادگار
 نگه داشته اند پس به
 تعلیم احترام آن همه
 در تصاویر پرداخته
 و بالاتر آن تعلیم ترقی
 نموده عبادت کرده به
 مفسرین این همه
 احتمالات را که از
 آیت استنباط میشود بیان کرده اند و ممکن است که از موده بینکم آن محبت بت پرستان مراد باشد که با بنیان خود دارند چنانکه در جانی دیگر انداد میگویند کتب الله فرموده

وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝۹ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 و نیست شمارا بخیر خدا نیست دوست و نه یاری و نه مددگار
 و نیست کس شمارا بخیر خدا حامی (دوست) و نه مددگار
 و آنانکه کافر شدند
 و آنانکه کافر شدند
 بآیت الله و لقایه اولیک یسئوا من رحمتی و اولیک لهم
 آیات خدا و ملاقات او آن جماعه نا امید شدند از رحمت من و آن جماعه ایشان راست
 آیات خدا و ملاقات او آن جماعه نا امید شدند از رحمت من و آن جماعه راست
 عَذَابٌ إِلَيْهِ ۝۱۰ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ
 عذاب در دوش منده پس نبود جواب قوم ابراهیم مگر آنکه گفتند بکشید او را یا بسوزانید او را
 عذاب در دوش من پس نبود جواب قوم ابراهیم مگر آنکه گفتند بکشید او را یا بسوزانید او را
 فَأَجْلَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝۱۱
 پس برهانید خدا او را از آتش بر آئینه درین ماجرا نشانهاست بر آنی که دوسه که باور میدارند و
 پس نجات داد او را خدا از آتش (بر آئینه) درین نشانهای بزرگ است برای قومی که عین می کنند و
 قَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ
 گفت ابراهیم جز این نیست که بت گرفته اید بخیر خدا بجبهت دوستی در میان خویش در زندگانی
 گفت ابراهیم جز این نیست که مقرر کرده اید (بر گرفته) بخیر خدا بنان را (بجانبی) بجبهت دوستی بین خودتان در زندگانی
 الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ ۝۱۲ وَلَيَعْنُ بَعْضُكُم
 دنیا باز در قیامت نامتقد شود بعض شما بعض و لعنت کند بعض شما
 و دنیا باز در روز قیامت منکر شوند بعض شما بعضی را و لعنت کند بعض شما
 بَعْضًا زُومًا وَكُم النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ مُّصْرِمٍ ۝۱۳ فَأَمِّنْ لَهُ لَوْطًا
 بعض را دجای شده و زحمت و نیست شمارا هیچ یاری دهنده پس باور داشت ابراهیم را لوط
 بعضی را و قرارگاه (جانی بازگشت) شما آتش است و نیست شمارا هیچ مددگاری پس قبول کرد او را لوط
 وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝۱۴ وَوَهَبْنَا
 و گفت ابراهیم هر آینه من بگریز کننده ام بسوی پروردگار خویش بر آئینه دس غالب با حکمت است و عطا کردیم
 و گفت (ابراهیم) هر آینه من بگریز کننده ام بسوی پروردگار خود بر آئینه دس غالب با حکمت است و دادیم
 لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ
 او را اسحق و یعقوب و مقدر داشتیم در اولاد دس پیغمبری در کتاب را و دادیم او را
 او را اسحق و یعقوب و گردانیدیم در اولاد او (ابراهیم) پیغمبری و کتاب را و دادیم او را
 أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَرَأَيْنَاهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۝۱۵ وَلَوْ طَا
 مزد او در دنیا و بر آئینه دس در آخرت از صالحان است و فرستادیم لوط را
 ثواب او را در دنیا و (بر آئینه) او در آخرت البته از نیکوکاران است و فرستادیم لوط را
 إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأَتَانُونَ الْفَاحِشَةَ ذَمًّا سَبْقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ
 و گفت گفت بقوم خود هر آینه شما باین می آرید کار به حیاتی را که پیش دس نموده است بر شما بسوی آن باین
 و گفت گفت قوم خود را (بر آئینه) شما باین می آرید کار به حیاتی را که پیش دس نموده بر شما به آن هیچ کس
 مِنَ الْعَالَمِينَ ۝۱۶ أَيْتَكُمْ لَأَتَاؤُنَ الرَّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ ۝۱۷
 از عالمها آیا شما بقصد شهوت می آرید بمرده ان و قطع طریق می کنید
 از عالمیان آیا می ستایید بمرده ان و میزید
 وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا
 و باین می آرید در مجلس خود کار نا پسندیده پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند
 و باین می آرید در مجلس خود کار نا پسندیده را پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند

بیت پرستی را چنانکه
 نمیدانند چه بت
 پرستان هم بدین خود
 میدانند که این حرکتی
 است متناه در صلی
 معنی نگر برای استوار
 داشتن شیرازه قوی
 فیهی ساخته و تقیه
 کرده اند که بنام آن نما
 ایشان متحد متفق
 و یار یکدیگر و دست
 هم کار باشند چنانکه
 داین ایام طرز عمل
 اقوام عیسوی و یهودی
 را چنین مشاهده می
 کنیم و این مطلب
 است که بت پرستی
 باین سبب شیوع
 یافته که آن کلام کار
 معقولی است بلکه
 مسبب همه آن
 تقلید کورکورانه
 و تعصب قومی
 و ملی و ملیت
 با همی باشد
 و این مقامات
 که مشاء بت پرستی
 همین محبت و دوستی
 با همی دوده است
 یعنی چندان از افراد
 مشهور قوم که مردم
 آنها را دوست
 داشته و چون از
 بان رفتند مردم به
 تذکار و فور محبت
 خویش نسبت ایشان
 مجسمه و تصاویر آنها را
 ساخته و بطور یادگار
 نگه داشته اند پس به
 تعلیم احترام آن همه
 در تصاویر پرداخته
 و بالاتر آن تعلیم ترقی
 نموده عبادت کرده به
 مفسرین این همه
 احتمالات را که از
 آیت استنباط میشود بیان کرده اند و ممکن است که از موده بینکم آن محبت بت پرستان مراد باشد که با بنیان خود دارند چنانکه در جانی دیگر انداد میگویند کتب الله فرموده

اَتُكَادُ بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ رَبِّ

یادش با عذاب خدا را اگر هستی از راست گویان گفت اے پروردگار من

اَضْرِنِي عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِدِينَ ۝ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا

لهم ده مرا بر قوم مفسدان و وقتیکه آوردند فرستادگان ما

إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشْرَى ۝ قَالُوا آتِ سَامَهُ لِمَا كُفِّرَتْ

پیش ابراهیم مژده را گفتند هر آینه ما ملک گفتند اهل این

الْقَرْيَةِ ۝ إِنْ أَهْلُهَا كَانُوا ظَالِمِينَ ۝ قَالَ إِنْ فِيهَا لَوْطٌ

دشمن هر آینه اهل این دیه ستمکار بودند گفت ابراهیم هر آینه در اینجا لو ط است

قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَكَ

گفتند ما داناییم بهتر که آنجاست از غلامی کنه ادا و اهل او را زن و

كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ۝ وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَىٰ

باشد از بانی ماندگان و وقتیکه آمدند فرستادگان ما پیش لوط اندوختن کرده شد بسبب ایشان

وَضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ ۖ إِنَّا مُنْجُونَكَ

و تنگ دل شد بسبب ایشان و گفتند آن فرستادگان مترس و اندوه بخور هر آینه نجات دهنده تو

وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ ۖ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ۝ إِنَّا مُنْزِلُونَ

دانی تو را سگر زن ترا که هست از بانی ماندگان هر آینه ما فرود آورنده ایم

عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا

بر اهل این دیه عقوبت را از آسمان بسبب آنکه

يُفْسِقُونَ ۝ وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً ۖ بَلِيَّةٌ لِّقَوْمٍ يُفْقَهُونَ

بدکاری می کردند و هر آینه گذاشتیم از آن دیه نشانه و آیه را برای قومی که بفهمند

وَالِیٰ مَدَیْنٍ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا

و فرستادم یسوی مدین برادر ایشان شعیب را پس گفت اے قوم من عبادت خدا کنید و رجوع دارید

إِلَىٰ يَوْمِ الْآخِرِ وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۝ فَكَذَّبُوهُ

و روز باز پسین را دهر سو مگرید در زمین فسادکنان پس بدو عیب گفتند و

فَاَخْلَصْنَاهُمْ لِشَرِّ الْجَفَّةِ ۖ فَاَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جُثَمَيْنِ ۝ وَعَادَا

پس در گرفت ایشان را زلزله پس با عداوت کردند در خانه های خود بر روی دوزخ و آتشی و بپاک گردید عدا

پس گرفت ایشان را زلزله پس بپاک گردید عداوت و بپاک گردید عدا

پس گرفت ایشان را زلزله پس بپاک گردید عداوت و بپاک گردید عدا

عذاب و آتش را
لوط علیه السلام
بغیرت گمان حکم کرد
پس شد کائنات قریه را
پاک و تنه کند
خفت فرشتگان
آورد حضرت ابراهیم
آورد در روز گاری
آورد و پسر یارو
داد و گفتند که ما آیم
تا آن قریه رسد
راحم و نالو و کیم نیرا
که اهل آن هیچ عیب
از حرکات خشنود
باز نمی آید
این واقعات رسد
اوان بود و حجر
و غیره گذشت است
رتبه مژده دادن
پس حضرت ابراهیم
علیه السلام همراه خبر
ملکت قوم لوط شد
اشاره باین باشد
که اگر کار نکند
زمینی را از قوی خلی
میکند از طرف دیگر
بینا و یک قوم غفلت
یعنی اسرار را
نهادنی است چنانکه
علامه نیشابوری تفسیر
خوبش بدان اشاره
نموده است
آیا با وجود لوط
باز هم در تنه ای
کند و اهل او را از
آنجای آورده و بپاک
می آید؟ غالب
حضرت ابراهیم از
راه شفقت خیال
کرد که چون این عذاب
رو بر روی لوط میروم
نازل گردد ممکن است
از دیدن منظر هولناک
عذاب وحشت و
اضطراب با دلایل
گرد و زهره در کلام

در خانه های خود بر روی دوزخ و آتشی و بپاک گردید عدا

والتزمهم كيد ماص
 شراكت ك ايشان
 بيتان پناه برده اند
 تان نفع ندند
 چنانكه عاكبوت سنج
 نانه نمید ۱۲۴
 تفسیر تمانی
 عا اطفال و اشد
 شونده نوجب كند كه
 هم معبودان باطل را
 بیک رسته فسله
 فرمود كسی را استغناء
 كولو یعنی بعض مردم بتان
 رای پرستند بعض
 آتش و آب را بعض
 ادبیه و انبیاء فرستاد
 را پرستش می كنند
 بنابر این انقدر تال فرمود
 كه خداوند همه آگاهی
 دارد اگر كی هم از آنها
 قدرت و اختیار متقل
 میداشت خدا فاعمال
 نفی مطلق فی فرموده
 عا مشركین كه
 می گفتند كه خدای توانی
 مثال ما نه عاكبوت
 و همس و دیگران
 حقیرا كه مثالی قدرت
 اوست بیان میکند
 در جواب آن فرموده
 این مثال باطابق
 مقتضای حال
 و بلی نوزن و
 بر مثل پوره
 منطبق میشود
 مگر تنها فرموده
 مطلب آن را مدتی
 می فهمند و اشخاص
 جاهل و نادان را عا
 فهم آن حصه نباشد
 نیا به مثال را به مشیت
 در تبه مثال دهنده
 تعلق داد بلك
 حیثیت مثل
 را بنگید اگر آن چیز
 حق و كرم و باشد
 تخیل هم از چنین چیزی

وَلَقَدْ بَعَثْنَا لَكُمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِكُمْ فَصَدَّكُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَذُوقُوا الْعَذَابَ ۚ

و نمود را و هر آینه واضح شده است شمارا بعض مساكین ايشان و راسته ساخته بود برای ايشان
 و نمود را و هر آینه ظاهر شده برای شما از مساكین ايشان و همین داده بود برای ايشان

الشَّيْطَانُ أَغْوَا لَهُمْ فَصَدَّاهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا

شیطان کردار ماے ايشان را پس بازداشت ايشان را از راه و ايشان
 شیطان کردار ماے ايشان را پس بازداشت ايشان را از راه و ايشان

مُسْتَبْصِرِينَ ۚ وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ قَدْ

میتا بودند و بلک کریم قارون و فرعون و هامان را و هر آینه
 دانایان (میتا بیا) و بلک ساجیم قارون و فرعون و هامان را و هر آینه

جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا

آمده بود با ايشان موسی با ايشان ماے واضح پس بگر کردند در زمین و نبودند
 رسید (آمده بود) با ايشان موسی با ايشان ماے آشکارا پس بگر کردند در زمین و نبودند

سَاقِينَ ۚ فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا

سبقت كنندگان پس هر يك را گرفتار ساختیم بگناهش پس از ايشان كسی بود كه فرستادیم بر او باد سنگ بار
 سبقت كنندگان از ما پس هر يك را گرفتار ساختیم بگناهش پس از ايشان كسی بود كه فرستادیم بر او باد سنگ بار

وَمِنْهُمْ مَّنْ أَخَذْنَا تِلْكَ الصَّيْحَةَ وَمِنْهُمْ مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ

و از ايشان كسی بود كه گرفت اورا آواز سخت و از ايشان كسی بود كه فرود و سلس زمین
 و از ايشان كسی بود كه گرفت اورا آواز سخت و از ايشان كسی بود كه فرود بردیم اورا در زمین

وَمِنْهُمْ مَّنْ آخَرْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا

و از ايشان كسی بود كه عرق ساختیم و هرگز مكن نبود كه خدا ظلم كند برای ايشان و لیكن ايشان
 و از ايشان كسی بود كه عرق ساختیم و همین نبود كه خدا ظلم كند برای ايشان و لیكن ايشان

أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۚ مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَاءَ

بر خود یشتن استم می کردند داستان آنانكه دوستان گرفتار اند بجز خدا
 بر خود استم می کردند مثال آنانكه گرفتارند بجز خدا دوستان

كَسَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ

بچه داستان عنكبوت است كه فرا گرفت خانه و هر آینه سست ترین خانهها
 مانند مثال عنكبوت است كه ساخت خانه و هر آینه سست ترین خانهها

لَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا

خانه عنكبوت است اگر میدانستند و هر آینه خدا میداند حال چیزيك
 خانه عنكبوت است اگر آنها بدانند (هر آینه خدا میداند دانند آنچه)

يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ لَّا يَرْفَعُهُمْ الْعِزُّ الْحَكِيمُ ۚ وَتِلْكَ

ی بدستند بجز دے از هر چه باشد و اوست قاطب با حمت و این
 ی بدستند بجز از هر چه كه باشد عا و اوست قاطب با حمت و این

الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ۚ خَلَقَ اللَّهُ

داستانها بیان می كنیم آن را برای مردم و نمی فهمند آن را مگر دانایان آخرید خدا
 مثال ما بیان می كنیم آنرا برای مردم و نمی فهمند آن (مثال ما) را مگر دانایان عا آخرید خدا

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّمُؤْمِنِينَ ۚ

آسمانها و زمین را به حق و حمت هر آینه درین کار بشارت است برای مسلمانان
 آسمانها و زمین را به حق و حمت (هر آینه) درین کار بشارت است برای مؤمنان

اِنَّ مَا اَوْحٰى إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ

نخشان یا محمد آنچه وحی فرستاده شد بسوی تو از کتاب و
نخشان رای محمد آنچه وحی کرده شد بسوی تو از کتاب و

اقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهٰی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ

بر باد نماز را هر آینه نماز منع میکند از کار بی حیائی و فعل ناپسندیده و هر آینه یاد کردن خدا

اَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ۝ وَلَا تَجَادُوا اَهْلَ الْكِتَابِ اِلَّا بِالنِّسْبِ

بزرگوار است از همه خدا میداند آنچه می کنید و مجادله کنید با اهل کتاب مگر بصورتی که

هِيَ اَحْسَنُ اِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا اَمَّا بِالَّذِي اُنْزِلَ

و است نیک است مگر با آنان که ستم کردند از ایشان و بگوید ایمان آوردیم با آنچه فرود آورده شد

اَلَيْنَا وَ اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ وَ اَلْهٰنَا وَ اَلْهٰكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۝

سوی ما و آنچه فرود آورده شد بسوی شما و معبود ما و معبود شما یکی است و ما او را فرمان برداریم و

كَذٰلِكَ اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ اَتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ

چنانکه کتاب بای ساحتی فرود آورده بودیم هم چنان فرود آورده بسوی تو کتاب پس آنانکه دادیم ایشان را کتاب ایمان می آورند بان و

هٰؤُلَاءِ مِنْ يَّوْمِنَ بِهِ وَ مَا يَجْحَدُ بِالَّذِي اَلَّا الْكُفْرُونَ ۝ وَمَا كُنْتَ

و این است که ایمان می آورده بدان و انکار نمی کنند آیات ما را مگر کافران و نمی

تَسْمَعُوْنَ مِنْ قَبْلِهِ مَنْ كُتِبَ وَلَا تَخْطُبُهُ يَمِينُكَ اِذَا رَأٰتَا السَّيْطٰنَ

خاندانی پیش از نزول قرآن هیچ کتاب را و هیچ نوشتی هیچ کتاب را بدست راست خود آنگاه در شک می افتادند پس بدیشان

بَلْ هُوَ اَيُّتٌ بَيْنَتٍ فِیْ صُدُورِ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ وَ مَا يَجْحَدُ بِالَّذِي اَلَّا

بل این قرآن آیات روشن است محفوظ در سینهاست آنانکه داده شد ایشانرا علم و انکار نمی کنند آیات ما را مگر

اَلظٰلِمُونَ ۝ وَ قَالُوا لَوْلَا اُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰیٰتٌ مِّنْ رَّبِّهِ قُلْ اِنَّمَا الْاٰیٰتُ

مستلزمان فل و گفتند چرا فرستاده شد بر این پیغمبر گشایان از جانب پروردگار و چه جز این نیست که ایشانرا

عِنْدَ اللَّهِ وَاِنَّمَا اَنْزَلْنٰهُم مِّنْ اَوْفَوْفِرْسَادِهِ لَقَدْ اَرْسَلْنٰهُم بِالْبَيِّنٰتِ لَوْ كَانُوا يَفْقَهُوْنَ ۝ اَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ اَنَّا اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

نزد یک پروردگار من است و نیز این نیست که من ترساننده آنها را با کفایت نکرده است ایشانرا آنکه فرستادیم بر تو کتاب را

فَلْيَعْلَمُوْا اَنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَرَحْمَةً وَ ذِكْرًا لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ۝

که خوانند و بدانند که در این کتاب رحمت و یاد است برای قومی که تسلیم میکنند (ایمان می آورند)

قُلْ كَفَىٰ بِاللّٰهِ بَيِّنٰتٍ وَ بَيْنٰكُمْ شٰهِيْدًا يَعْلَمُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَ اَلْاَرْضِ ۝

بگو کفایت خدا گواه میان من و میان شما میداند آنچه در آسمانها و زمین است

اِنَّ مَا اَوْحٰى إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ

فتح الرحمن

فل منظم گوید بعض
مفسران گفته اند که مراد
از الذین ادعوا العلم تنها
آنست که بگویند ما را علم است
و اینست باینکه بعضی از
انصار علیه السلام و اهل علم
تفسیر عثمانی
علیه السلام را در
آنحضرت صلی الله
علیه و آله و سلم پیش از
نزول قرآن مجید بین
همین این که گذشت
بر می دارند که در این کتاب
آنحضرت صلی الله علیه
و آله و سلم پیش از آمدن
نفس و نه کتاب
خوانده و گاهی نظم در
دست خود گرفت اگر
چنین بود برای این
باطل برستان گنجایش
شدی بود که شاید بکتاب
گذشته را خوانده و این
چیز را از آن اقتباس
کرده و در تفسیر عبارت
خود آورده و اکنون
قرات نماید اگر چه در
صورت هم آن اظهار
آنها غلطی بود زیرا
شیخ الاسلام خوانده
و نویسنده بیک تمام آنرا
خوانده و نویسنده
و نیز هم اگر بگوید هم
دست شونده وقت
تمام موقوفات را
با خود شامل کنند
چنین کتابی به نظر
مردم کرده می افتد
باز هم برای رد عقوبان
موجب بدست می آید
که سخنانی جعل کنند
اجماع اهل علم و دین
بر اینست که این کتاب
اسرار الهی است که گفته اند

اِنَّ مَا اَوْحٰى إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ

فان تریب میفرماید بر بخت
جست و خیزد باین آیات
تفسیر عثمان
عظمتی باشد هر
چیز در وقت مقرر خودی
آید و عذابی را که خواهد
تواند و خواهد شد حضرت
شاه صاحب الزمان علیه السلام
که عذاب این است خاص
بود که دست مسلمانان
نقل اسیر شوند چنانچه
مخاطبی که به جلاله که
عکرا غفر علی الله علیه السلام
بر سر آنها رسیده است این
خداست و خواهد گفت و بیا
بهم عذاب سخن خواند
ز دمانند مال کیست
ز کوه نمیدید در
حدیث آمده است که
مال بزرگوار بشکل
بار جان کردن میشود
و هر کس را سپرد و
خواهد گفت که من مال
تو و خزانه توام من
حضرت شاه صاحب
رحمة الله علیه میفرماید
بنیادی که علم و ستم
گفتار در مکه از حد گذشت
پس همانان بکرم بخت
داده شد چنانچه در
حدود و شتاب و در عیال
بوی جیش رفتند
بعرف این چیز اشاره
است که این چند روز
زندگی را در هر چنانکه
مکن باشد بگذرانند
بعد از آن چه پیش آید
بگما و تقدای آید بدین
وسیله به مهاجرین کی
داده شد و تا ترکان
و مقدت از
آن حضرت صلی الله علیه
سلم بر دوشان شاق
و سنگین نگذاشتند و گویا
خاطر آن نبود که
وطن خویش اندک
و انقاد خود و بزرگ

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝۱
و آنانی که ایمان آوردند بباطل و کافر شدند بخدا آن جماعه ایشان اند زیان کاران
و آنانی که ایمان آورده اند بباطل و کافر شده اند بخدا آن جماعه ایشانند زیان کاران
وَلَا يَسْتَعْمِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَا أُجَلَ مَسْئَلِهِ لِمَا عَمِلُوا ۝۲
و شتاب نمی طلبند از تو عذاب را و اگر بخود می رسد مباد مبین البته آمدی بدیشان عذاب و
بشتاب نمی طلبند از تو عذاب را و اگر بخود می رسد مباد مبین ای آمد بایشان عذاب و
لِيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝۳
چرا آید بپایه بدیشان ناگهان و ایشان ندانند شتاب طلبی کنند از تو عذاب را و هر آینه
هر آینه می آید بایشان ناگهان و ایشان ندانند عذاب را و شتاب طلبی کنند از تو عذاب را و هر آینه
بِحَمَلِهِمْ يَوْمَ يَنْفَعُهُمُ الْعَذَابُ ۝۴
دوزخ در گیرنده است کافران را روزی که بپوشاند ایشان را عذاب از بالای ایشان دوزخ
دوزخ احاطه می کند مگر آن کافران را روزی که فرا گیرد ایشان را عذاب از بالای ایشان دوزخ
تَحْتَ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذوقوا ما كنتم تعملون ۝۵
زیر پای ایشان و بگوید خدا بچشید جزای آنچه می کردید فلان اعدایان من سران من
زیر پای ایشان و بگوید خدای بچشید جزای آنچه می کردید فلان اعدایان من سران من
إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِنِّي أَفْعِدُونَ ۝۶
هر آینه زمین من گشاده است پس مرا مخصوص عبادت کنید هر نفس چشیده مرگ است باز
(هر آینه) زمین من گشاده است پس مرا بپرستید هر نفس چشیده مرگ است باز
لِيَكُنْ أَزْجَعُونَ ۝۷
بسی می باز گردانیده شود و آنانی که ایمان آوردند و کافران را شاکست گردانیده شود و آنانی که ایمان آوردند و کافران را شاکست گردانیده شود
بسی می باز گردانیده شود و آنانی که ایمان آوردند و کافران را شاکست گردانیده شود و آنانی که ایمان آوردند و کافران را شاکست گردانیده شود
الْجَنَّةِ عَرْضُهَا جَعْدَى مِنْ نَحْوِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَفْعِدُونَ ۝۸
بهشت بملکهای بلند میرود و زیر آن چون نهایی جاویدان آنجا نیک است مزد این عمل کنندگان
جنت بمنزلهای بلند میرود و زیر آن جوی یا جاویدان در آن نیک است ثواب عمل کنندگان
الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رُءُوسِهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۝۹
آنانی که صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل می کنند و بسا جاویدان که بر می دارد
آنانی که صبر کردند و بر پروردگار خود توکل می کنند و بسا جاویدان که بر می دارد
رَبِّ قَهَّازِ اللَّهُ يَرْسُ قَهَّازِ أَيَاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝۱۰
روزی خود را خدا روزی میدهد و او شمارانیز و او ست شنوا دانایا و اگر سوال کنی ایشان را که
روزی خود را خدا روزی میدهد و او شمارانیز و او ست شنوا دانایا و اگر سوال کنی ایشان را که
مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَنَحْنُ أَشْجَرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ لِيَقُولَ اللَّهُ فَاثِي ۝۱۱
کیست آنکه آفرید آسمانها و زمین و ما را گردانید آفتاب و ماه را گردانید گویند الله پس چگونه
کیست آنکه آفرید آسمانها و زمین و ما را گردانید آفتاب و ماه را گردانید گویند الله پس چگونه
يُوقُونَ ۝۱۲
گردانیده میشوند از راه توحید خدا فراخ کند روزی برای هر که خواهد از چندگان خویش و تنگ میزند برای هر که خواهد
باز گردانیده میشوند خدا فراخ روزی را برای هر که خواهد از چندگان خود و تنگ میزند برای هر که خواهد
إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝۱۳
بهر آینه خدا به هر چیز داناست و اگر بپرسی ایشان را کیست آنکه فرود آورد از آسمان آب را پس زنده ساخت
بهر آینه خدا به هر چیز داناست و اگر بپرسی ایشان را کیست آنکه فرود آورد از آسمان آب را پس زنده ساخت

الرَّحِيمَ ۝ وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝

مهربان وعده کرده است خدا اخلات نمکند خدا وعده خود را و لیکن بیشترین مردمان نمیدانند

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا لِّأَمِّنِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَفْلُونَ ۝

میدانند ظاهر را از تدبیر زندگانی دنیا و ایشان از آخرت بیخبر اند

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا

آیا تامل نکردند در خوی خود که بنا نهاده است خدا آسمان را و زمین را و آنچه

بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ

در میان آن هر دو است مگر به تدبیر درستی و تعیین میادی مقرر و هر آینه بسبب سزای مردمان بکلمات پروردگار خویش

لَكَفِرُونَ ۝ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

نامتقدانند آیا سیر نکردند در زمین پس بنگرند چگونه شد عاقبت

الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا

آنانکه پیش از ایشان بودند بودند قویتر از ایشان و شهرهایند در زمین را و آباد کردند آن را

أَكْثَرًا مِّنَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ

بیشتر از آباد کردن ایشان آن زمین را و آمدند بدیشان پیغامبران ایشان بآیات روشن پس ممکن نبود که خدا

لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ

ستم کنند بر ایشان و لیکن ایشان بر خویشان ستم می کردند باز حال بد عاقبت آن کسان شد که

إِسَاءُوا الشَّوْاى أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا كَسِرُونَ ۝

بدی کردند بسبب آنکه دروغ داشتند آیات خدا را و بان استهزا ستم کردند

اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ وَيَوْمَ يَقُومُ

خدا نو پیدای کند آفرینش باز و بداده کندش باز بسبب او گردانیده شود و روزی که تمام شود

السَّاعَةِ يَبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ۝ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ مِنْ شَرِكَائِهِمْ شَفْعُو

قیامت لازم شده خاموش مانند گنجه گاران و نماند بر سر ایشان از شرکیان ایشان هیچ شفاعت کننده

وَكَانُوا إِشْرَاقًا لَهُمْ كَفِيرِينَ ۝ وَيَوْمَ يَقُومُ السَّاعَةِ يُؤْمِنُ يَتَفَرَّقُونَ

و باشند بر شرکیان خویش نامتقد و روزی که تمام شود قیامت آن روز پراکنده شوند مردمان

فَالْمُؤْمِنُونَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ۝

اما آنکه ایمان آوردند و کردارهای نیک کردند پس ایشان در بهشت خوش حال گردیده شوند

در همین دوران علاوه بر اخبار جنگ دعوی نبوت رسول کریم صلی الله علیه و آله و تحریک اسلامی برای اهالی که سبب پیچیدگی مخصوصی گردیده مشرکین که بواسطه آتش پرست فاسد را دنیا بخود نزدیک میدانستند و نصاری از ادیان سببی که اهل کتاب بودند برادران مسلمانان و یا اطا و دشمنان قریب آنها قرار داده بودند چون از غلبه فارس خبر میرسد مشرکین بکوشش می شدند و آنها را مقابل مسلمانان یک نال غلبه خود می گرفتند و توهمات خوبی برای آینده خود می نمودند مسلمانان نیز طبعاً آزرده می شدند که اگر عیسویان اهل کتاب از طرف جوس آتش پرست مغلوب شوند مباد آنها بافت ثنات مشرکین و اتو کردند بالاخره از سوره بعد ۳۰۴ (نهمین) که از ولادت نبوی مصاب قری تقریباً چهل و پنج ساله از بعثت و پنج سال گذشت بود و در عهد خسرو پرویز که کفر و فانی امسک فارس بر دولتمد شکست مهلک و غیبت گئی و او آورد چنانچه شام و مصر و آسیا صغیر و غیره را روی ها از دست دادند و مصر و ایران را بر تاج محمد را چنان زشت آید که آمد که با وجود آنکه سبب چنانچه در سلسله روحی با هم مختلط اند استغفای بزرگ یا قس و یا میرشدند و ناخین ایرانی مقدس ترین صلیب نصاری را از بیت الله

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَٰئِكَ فِي

۱۱۱ کافر شدند و دروغ داشتند آیات ما را و ملاقات آخرت را پس ایشان در

عَذَابٍ مُّخْتَصِرُونَ ۵ فَيَسْأَلُ اللَّهُ جَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَجِيلٌ يُّنصَبُونَ ۶

عذاب حاضر کرد کنند پس بیای یاکند خدا را و قتیکه شام می کنند و قتیکه صبح درمی آیند

وَلَهُ الْحُكْمُ فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَعِشْيَا وَجِيلٍ يُّظَاهَرُونَ ۷

و در او است ستایش در آسمان ها و زمین آخر روز و آنگاه که در وقت زوال در می آیند

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ

پس از زنده را از مرده و بزمی آورد مرده را از زنده و زنده می سازد زمین را

بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ نُخْرِجُكَ مِنَ الْجَبَلِ ۸ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِّنْ

بعد از مردن آن و هم چنین بر آورده خواهد شد یعنی از قبور و از ایشان بآید خدا آنست که آفرید شما را از

تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْشُرُونَ ۹ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ

خاک باز تا که شما مردم بشوید جا بجا برگزیده شده و از ایشان بآید خدا آنست که بیا فرید برای شما

مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۱۰

از جنس شما زنان را تا آرام گیرید بسوی ایشان متوجه شده و پیدا کرد میان شما دوستی و مهر بانی

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُونَ ۱۱ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمُوتِ

بهر آینه درین کار ایشان بآید بر آنست که تفکر می کنند و از ایشان بآید خدا آنست که آفریدن آسمان ها

وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ السِّنِّكُمْ وَأَوَّانِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ ۱۲

و زمین و گوناگون بودن زبان ها و رنگ ها و سن شما و از ایشان بآید خدا آنست که آفریدن زمین را

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَاقِبُكَ بِالنَّارِ وَالنَّارِ وَابْتِخَارُكُمْ مِنْ قَضَائِهِ ۱۳

و از ایشان بآید خدا آنست که آفریدن شما و رزق و طلب کردن شما از فضل او و از ایشان بآید خدا آنست که آفریدن شما و رزق و طلب کردن شما از فضل او

فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُونَ ۱۴ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خُوفًا

درین کار ایشان بآید برای قومیکه تفکر می کنند و از ایشان بآید خدا آنست که بیا فرید برای شما برق را از برای ترسانیدن و

طَمَعًا وَيُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ

دریغ دادن و خود می آورد از آسمان آب را پس زنده می کند بسبب آن زمین را بعد مرده آن پس آفرید

فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۱۵ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ

درین کار ایشان بآید برای قومیکه فکر می کنند و از ایشان بآید خدا آنست که ایستادگی آسمان و

صلوات بر محمد و آل محمد
که هر هفته ازین
اوقات و فصل تشریف
لوا از زوال الفان
او بخاند مجدوی گردد
پس با مورش از صبح
والله اعلم
تفسیر عثمانی
بقیه صفحہ
در آیتان اقتدار قیصر
رم بلی جنگ بر ابر
گردید ظاهر ازین صفت
بانی خاکد رم و باره
توت گرد و در سلاط
فارس ربای یابد
از شاه این
حالات مشرکین که
شادانی با گردند به
ایله و آزاد مسلمان
پر دافعت و آرزوی
بزرگ بهای خود پر
در اینند حتی بعض
مشرکین به ابوبکر صلی
رضی الله عنه گفتند که
امروز برادران ما
ایرانیان برادران
شمار و میان را محو و
ناید و کرده اند نام شمار
ببین طومرست صل فایم
کرد و در آنوقت و آن
عظیم ایشان بر خلاف
سلسله اسباب ظاهر
اعلان عمومی نمود که
بیشک و درین سال
رومی با از دست فدا
باغلب شده اند لیکن
در نظر ۹۰ سال باز
آنها غالب و منصور می
شوند بر اسرار این
پیشگویی حضرت ابوبکر
صدیق رضی الله تعالی
عنه با این روش که در
سیرت و آثار و صفات
شرعی و غیره ازین
که در آیتان تشریف
سال و در این باب

نشدند مگر مشرک و باطل و در این بین قیام شد و شراب و زین و بدهی حضرت ابوبکر اول به رای خود و کلام بقیه سنین را که محقر کرده بود پس به اوست و بی کرم می انداختند و علم در اوان

فلما من شئت
که ملک با ملک برابر
نیش و پس ملک خصل
شکایت از تیران گفت
تفسیر عثمان
بقیه حرفه ۴۰۰ در حق
هرگز قصه مردم تغییر گرفت
که اوست در زان منته را
دوباره بدست آورد
نزد گفت که اگر لایق
مرا بر ناس
پیر و زنی بخشد
از من
پایلیا
امیت المقدس بیار
مفریکیم قدرت
خدا توانا همیشه
که مطابق پیشگوئی قرآن
عجی در داخل جود
۹ سال یعنی بعد از مرد
یک سال از هجرت
تمام در روزی که انقض
و یادی خدای تعالی
سماوات بر خورشید
فتح و نصرت نمایان
حاصل نموده شد و آن
بای کردند از مشرکین
این خبر که خدای تعالی
رومیان اهل کتاب
را نیز بر مجرایان ایران
مظفر منصور خود
است بیشتر بود
شد و هفتاد و پانزده
که خداوند دشمنان
مزید نصیب شد
بیاری مردم از مشرکان
صدافت این پیشگوئی
حیرت انگیز قرآن ایان
آورده بود حضرت
الکر صد شتر از
مشرکین بکس گرفت و
آنحضرت علی الشهد
علیه السلام در باب آنجا
حکم مقرر داد و اقل
علی بن ابی طالب و
آل و ابی بکر

الْأَرْضُ بِأَمْرِ رَبِّهَا إِذَا دَعَاكَ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتَ تَخْرُجُونَ
زمین بکلمه او باز چون بخواند شمار یک بار بخواند تا زمین بر آید
زمین بکلمه او باز چون بخواند شمار خواندنی از زمین آنکه شما بر آورده میشوید (از قبور خود)
وَلَهُ مَن فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ ۵ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ
و خداوند است آنچه در آسمان با و زمین است هر یک برای او فرمانبردارند و او است آنکه نو میکند
و خداوند است آنکه در آسمان با و زمین است همه برای او قاطع فرمانبردارند و او است آنکه ابتدای آفرینند
الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمُوتِ
آفرینش را باز دوباره کند دشوار این دوباره کردن آسان تر است بر او و خداوند است صفت بلند تر در آسمان با
خلق را باز اعاده می کند آفرینش را اعاده آسان تر است بر او و خداوند است شأن بلند تر در آسمان با
وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۶ ضَرْبُ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ
و زمین و او است غالب با حکمت بیان کرد برای شما مثال از نفس شما
و زمین و او است غالب با حکمت بیان کرد برای شما مثال از نفس شما
هَلْ لَّكُمْ مِّنْ مَّالِكُمْ آيَاتُكُمْ مِّنْ شُرَكَائِكُمْ فِي مَا تُخَفُّونَهُمْ
آیا هست برای شما از پندگانی که مالک ایشان است دست شما از هیچ شریکی را چنان عطا کردیم شمارا تا شما
آیا هست شمارا از آنچه دست بای شما مالک آن اند از غلمان شما (مشرکین در آنچه داده ایم شمارا پس شمارا و ایشان)
فِيهِ سَوَاءٌ يَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۷ كَذَلِكَ تَقْضِي الْآيَاتِ
در آن یکسان باشند بر سید ایشان مانند ترسیدن از خود خویش همچنین بیان می کنیم نشان
در آن برابرند بر سید ایشان مانند ترسیدن از خودتان (خودتان) همچنین نقضین میدیم نشان بار
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۸ بَلِ اتَّبَعُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ
برای قومی که می فهمند بلکه پیروی کرده اند ستمگران خواهش بای نفس خود را بفر علم
برای قومی که نمی کنند بلکه پیروی کرده اند آرزوهای خود را بدون علم
فَمَن يَهْدِي مِّنْ أَضْلٍ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ مُّصِيرٍ ۹ فَاقْصِرْ وَجْهَكَ
پس کراه نماید کسی را که گمراه کرد خدا و نیست ایشان را یاری دهنده پس راست کن روئے خود را
پس که راه نماید کسی را که گمراه کرد خدا و نیست ایشان را یاری دهنندگان پس راست بدار روی خود را
لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ
برای عبادت حنیف شده پیروی کن دین خدا را که پدید کرد مردمان را برین هیچ تبدیلی نیست
بدین (خدا) یکسو شده (لازم بگیر) دین خدا را که پدید کرد مردمان را برین هیچ تبدیلی نیست
يَخْلُقُ اللَّهُ ذَٰلِكَ الدِّينَ الْقَيِّمَ ۱۰ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۱۱
این دین خدا را نیست دین درست و لیکن اکثر مردم نمیدانند
دین خدا را این است دین راست و لیکن اکثر مردم نمیدانند
مُتَّبِعِينَ الْبِرِّ وَالْإِقْوَامَ وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۱۲
عبادت کنید رجوع کرده بسوئے و پیروی کنید از سبیل از سبیل و بر پا دارید نماز را و مباشید از مشرکان
رجوع کنید بسوئی او و پیروی کنید از سبیل از سبیل و بر پا دارید نماز را و مباشید از مشرکان
مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلٌّ جُزْءٌ مِّمَّا لَدَّهُمْ
مباشید از آنکه پراکنده ما عبادت دین خود را و سبیل گمراه کرده با آنچه نزد یک است
از آنکه رخنه انداختند در دین خود پراکنده ما عبادت دین خود را و سبیل گمراه کرده هر گردی بر آنچه نزد ایشان است
فَرِحُونَ ۱۳ وَإِذَا آمَسَ النَّاسُ فَذُرُّهُم مَّا يَدْعُونَ ۱۴ وَادْعُ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ
خوشمندانند و چون برسد مردمان صبح بخوانند بپند و دعا و دعا کرده بسوئے و سبیل باز
خوشمندانند و چون برسد مردم صبح بخوانند بپند و دعا و دعا کرده بسوئے و سبیل باز

ولسن مترجم گوید یا ایہ کہ
 بشد ز یادت میدہند
 را بنام نہادہ شداد -
 ولسن یعنی نقطہ و غرق و
 سائر محاسب جزائے
 علی بن آدم بی بابت ۱۱۱
 تفسیر عثمانی
 عہ ہانگوہ کہ گرفت
 بر انسان بکار ہائے
 نیک بے بی برد و جوع
 بسوی خدا را ہم میداند
 چنانچہ در وقت خوف
 و شجاعت بدلد چو س میسند
 و سرکش ترین انسان
 بہم و فتنہ کہ دچار صیحت
 می گردد خدای احد را
 یادی نماید و در آنوقت
 تمام پناہ گاہی دروغ از
 ذہن او میسراید بہمان
 مالک صادق کہ گرفت
 انسانی اور ابدان طرف
 رہنوی میگرد میادش
 میسازد مگر مسافران
 برین حالت و نا امانی
 نمی مانند بخروج کہ از لطف
 و کرم خدا صیحت رفع
 شد از او تا بقیہ شرف
 شہداء از حقہ مدد و مدد
 معبود این دردش را می
 سراید گویا ہم چیز بار
 آہا بآوردہ اند خدا
 بیج چیز بار داری افزون
 ز العیاد باللہ خوب
 است چند روز عیش
 عشرت کند بعد از ان
 باو مسلم میشود کہ بترجیح
 دنیا شکاری چیست ؟
 حقش میدانشست
 باین نکتہ بی ہمی کرد کہ
 خدای کہ فیما ربیب
 اختیار و وقت صیحت
 و صحیح را بخواند سزاوار
 آفت کہ ہر وقت میاد
 او باشد عہ شہادت
 علی مسلم و دعوت انسانی
 مشرک را بطور واضح و
 منقطع کہ معبود متولد نہ

وَاِذَا قُمْنَا مِنْهُ رَحْمَةً اِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرِئْصِهِمْ يَشْرِكُوْنَ ۝۱۱ لِيَكْفُرُوا

چون پنهان ایشان را از جانب خود آگاهی یافتی از ایشان به پروردگار خود و سراییدی از بند عاقبت حال ایشان شوند

بِأَنبِيَائِهِمْ فَمَنْ مَعَهُمْ قَسْوَفٌ يُعَذِّبُونَ ﴿٤﴾ أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ

باجه عطا کردیم بدیشان پس بهره مند شوید زو و تحقیقت حال خواہید دانست آیا فرود آور دیم بر ایشان
یا آنچه دادیم بر ایشان را پس بهره مند شوید پس زود میدانید که آیا فرود آور دیم بر ایشان

سَلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانَ فِي بَيْتِ يَشْرِكُونَ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً

دیکھیں اس آن دیں بہان می کند برائے ایشان با پنچ با خدا شریک می آرند و چون بخفاہیم مردمان را بخفاہیستے
دیکھیں بر آن بیان می کند آنچه را کہ آن شرک می آرند عہد و چون بخفاہیم مردم را رحتی

وَأَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ إِذَا عَاهَدْتُمْ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّهُمْ يُقْبَلُونَ ۝

زبان میزند به آن و اگر برسد به ایشان سختی بسیار آنچه پیش فرستاده است دست ایشان ناکامان ایشان نوسید می شود
زبان میزند به آن و اگر برسد به ایشان سختی بسیار آنچه پیش فرستاده است دست، باقی ایشان ناکامان ایشان ناسید می گردند

وَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ السَّرِقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُقْدِرُ أَنْ فِي ذَلِكَ

آنندیند که خدا گشاده می کند روزی را برای هر که می خواهد و تنگ می کند برای هر که نخواهد هر آینه درین مقدمه

لَا تَقُومُوا لَهُمْ فَايَ ۙ ذَٰلِكَ الْقَرْنَىٰ ۖ وَالْيَسْكِينِ ۖ وَابْنِ

زنان باست برای قوی که ایمان می آرند پس بده صاحب خویش را حق دی و مسکین را و

السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ

و دیگر رسد را این دادن بهر دست بر آنکه کسی طلبند روسته خدا را و این جماعه ایشانند

أَتَيْتُم مِّن رَّالذِّبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا

روان‌پوشی و پوشاک

وَاللَّهُ يَكْفِيكَ الْغَنَاءَ

مخاض را بد نزد یک خدا داد و بچه داد و با شکر از مدته طلب کنان ردی خدا را پس این جماعه

و اما در این کتاب که در حدیث آمده است و از آنجا که در حدیث آمده است

ایشان دو چند کننده دل خدا است که بیا خرید شمارا باز روزی داد شمارا باز و نیز اند شمارا باز

[illegible]

زندہ کرد اند سوار اویا از ستر پیکان شما کے ہست کہ بکنند ازین کار چیزے یابی اور است

رندہ کراندہ شہسایا ارشد یگان شہسایست در بکوه بوانہ ازین کوه شہسایست

و بلند ترست از آنچه شریک می آرند چیداشد خواو در میانان و در دریا بسبب آنچه بعل آرد و

و بلند تر است از آنچه مشرعی آنرا بدید احدی درین و در هر یک سبب آن چه در این است

دست مردمان تا بخت خداشان را جزاے بعض آنچه علی کردند بود که ایشان باز کردند و

است این مردم تا بحالند ایشان را جزائی بعضی از آنکه زده بودند تا ایشان را بدار کردند

فائدہ ادا کر حلقہ ان بخت و مسدیدی و دلدندہ اغو و مسدود پیران ام

عنه تا بنده جهان است
 اصل تباری را از کفر
 بگذرانند از فضل و
 لطفش خدای تعالی
 منفعت زیادی بدست
 آید در این نعمت با
 شکر خدا را همیشه بخواند
 (تفسیر اهل در باب
 اخلاص و توفیق در شکر
 و آب ذکر و در مقابل
 آن دین موقع بشارت
 و نعمت الهی را ند کرداد
 شاید بدین طریقی هم
 اشاره باشد که بعضی
 از بندگان با و فیما
 بهر جا را اگر بامید
 داشته باشند که بمان
 رحمت عقیق نازل
 میشود با دای سرود
 شوق بوزیدن نموده
 خرقه فضل در حمت
 را میسراند کافران بد
 باید که از شرارت و کفر
 نعمت باز آیند و چنی
 الطاف و احسان
 خدای تعالی را می بینند
 بندگان شکر گزارند
 عه سابق خود بود
 که قبولان درود دان
 جدا کرده میشوند و کین
 از سبب انکارشان
 و چاق و شسته و مال اند
 اکنون خاطر نشان می
 فرمایند که این اجرا در
 دنیا هم یقیناً بقوه و قدرت
 زیر اعداد عده داده
 و عادت اوست که
 هم چنین دکنه این انتقام
 گیرد و نوزاد کافران
 انما داد و اعانت
 خود بر دشمنان غالب
 گردانند ذکر کرد در این
 میان ازین سبب آمد
 که چنانچه پیش از توفیق
 بماند با دایم بود
 همان طریقی که مانت فلک
 و زمین را روشن شده میوه

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ
 بگو سیر کنید در زمین پس در بگردید
 چگونه بود انجام آنانکه پیش از ایشان بودند
 بگو سیر کنید در زمین پس در بگردید
 چگونه شد انجام آنانکه پیش از ایشان بودند
 كَانْ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ۝ فَاقْرَأْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيُّمِ ۝
 بودند بیشترین ایشان مشرکان
 پس راست کن روی خود را برائے دین درست پیش
 بودند اکثر ایشان مشرکین
 پس راست کن روی خود را برائے دین درست پیش از
 قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا مَرَدٍّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصْدَقُونَ مِنْ
 از آنکه بیاید روزی که بازگشتن نیست آنرا از جانب خدا آنروز متفرق شوند هر که
 از آنکه بیاید روزی که بازگشتن نیست آنرا از طرف خدا آن روز مردم جدا جدا می شوند هر که
 كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ ۝ وَمَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلَا نَفْسَ لَهُ يَهْدِيهِ ۝
 کافر شد پس بر وی است کفر او و هر که کرد صالح باشد خداوند او را هدایت کند
 کافر شد پس بر وی است کفر او و هر که کند کار شایسته پس برای نفس خودشان آرام گاه می سازند
 لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
 تا جزا دهد خدا آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند از فضل خود هر آینه و سدی نیست
 تا جزا دهد خدا آنان را که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته از فضل خود بر آینه او تعالی دوست ندارد
 الْكَافِرِينَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ
 کافران را و از نشان های خدا آنست که می فرستد باد های
 کافران را و از نشان های او تعالی آنست که می فرستد بادها را از هر دهنده و برای آنکه بچشاند شمارا
 مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْزِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَكَلَّمَ
 از رحمت خود یعنی باران دهد برای آنکه جاری شود کشتی با بفران او برای آنکه در دری طلب کنید از فضل او برای آنکه شما
 از رحمت خود (یعنی باران) و تا جاری شود کشتی با بفران او و تا طلب کنید از فضل او در زرق او تا شما
 تَشْكُرُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فِي أَوَّلِهِمْ
 شکر کنید و هر آینه فرستادیم پیش از تو پیغامبران را بمسوی قوم ایشان پس آوردند بیعتی قوم خود
 شکر کنید و در هر آینه فرستادیم پیش از تو پیغامبران را بمسوی قومشان پس آوردند پیشی قوم خود
 بِالْبَيِّنَاتِ فَاتَّقِنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ
 نشان با پس انتقام کشیدیم از آنانکه نافرمانی کردند و بجز نصرت مسلمانان
 نشان های روشن پس انتقام کشیدیم باز آنانکه نافرمانی کردند و حق است بر ما مدد
 الْمُؤْمِنِينَ ۝ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُبَثِّرُ سَآئِفًا بِسُطَّةٍ فِي
 لازم بر ما خدا آنست که می فرستد بادها را پس برانچه ازین باد پس خدا بکشد آن ابرار را در
 برای مومنان هم خدا آنست که می فرستد بادها را پس برانچه ازین باد پس می کشد آن را در
 السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيُجْعَلُ كَسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ ۝
 آسمان چنانکه خواهد و بگرداند باران پس می بینی که قطرات
 آسمان چنانکه خواهد و می نهد آنرا تو را میگرداند باران پس می بینی که قطرات
 فَاذَا أَصَابَ بِهِ مِنْ يَسَاءٍ مِنْ عِبَادَةٍ إِذْ أَهْمَ يُسَبِّحُونَ ۝
 پس چون برساندش بهر که خواهند از بندگان خدا ایمان ایشان شادمان شوند : اگر چه
 پس چون برساندش بهر که خواهند از بندگان خود ناگاه ایشان شادمان شوند : دهر آینه
 كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ كَسْبًا يُسَبِّحُونَ ۝ فَانْظُرْ إِلَى
 بودند پیش از آنکه فرود آورده شود بر ایشان باران را نا امید شوند
 بودند پیش از آنکه فرود آورده شد بر ایشان (باران) پیش از ظهور سحاب نا امید از باران پس بپایان بسوی
 بودند پیش از آنکه فرود آورده شود بر ایشان باران را نا امید شوند
 بودند پیش از آنکه فرود آورده شد بر ایشان (باران) پیش از ظهور سحاب نا امید از باران پس بپایان بسوی

ما یمنی شل قدر رستم
 داسفند یار ۱۲-
 تفسیر عثمانی
 بقی صفی ۹۹
 خلاصی کسی را
 بگویشد این
 مثل از ان ناس
 گفته شود و در صورتیکه
 بنفکین مشی سنگر بزه
 لشکری پناه ویر باد شد
 می گویند که خدای تعالی
 بر قدرت خود آنرا تبار
 فرود اگر چه بدین کلمه
 پاک کردن هم کار وقت
 بمان نیت تواناست
 درت بدین نیت او
 گز تفنگ و یا توپ
 هیچ تاثیر کرده نمی تواند
 در توفیق و در حلقه دیگر
 ز خود توفیق و هم
 لکن الله اعلم و ما
 رستنا و رست
 و لکن الله اعلم و ما
 در کوه ۲ چون این کلمه
 یک واقعه خارق العاده
 بود که در قتل و
 درمی و در کوه
 مسلمانان و غیره
 آمدن و مستقیماً بسوی
 خدای تعالی نسبت کردند
 مطلب و انگل لایع
 الموتی را ازین چنین
 بداند یعنی خدای قادر
 نیست که سخن بزنند
 و آواز خود را به
 مرده برسانند زیرا
 این چیز خلاف اسباب
 ظاهری است و اگر چه
 کدام سخن شمار میشوند
 و چون مومن بدان انگار
 کرده می تواند اکنون
 اگر از انصوح، شذیذ
 بعض سخنان یا این
 طریق غیر معمولی ثابت
 شود فقط تا بهمان حد
 باید به صراحه موتی
 را قائل بنویسم محض از قیاس می توانیم سخنان دیگر را تحت
 صراحه ایادیم - بهر حال درین آیت از نفی و اصاح و مطلق نفی و صراحه می شود و الله اعلم ۱۲-

مَبْطُونٌ ۵ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۵
 بے بهره گونی بچنین مهر می بندد خدا بر دل
 درو نگویان هم چنین مهر می بندد خدا بر دل بآنکه
 نمی فهمند و نمی دانند
 فاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ۵
 پس صبر کن هر آینه وعده خدا راست است و سبکسار نکند ترا آنکه یقین نماند
 پس صبر کن هر آینه وعده خدا راست است و سبکسار نکند ترا آنکه یقین نماند
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۵
 بسم خدا بخشنایند مهر بیان
 آغاز می کنم بنام خدا ای که بے اندازه مهربان نهایت یارم است
 اِنَّكَ اَنْتَ الْكَرِيمُ الْحَكِيمُ ۱۰ وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ ۱۰
 این آیت بآن کتاب یا حکمت است بدایت و بخشایش شده بر آنکه نیکی کاران
 این آیت بآن کتاب یا حکمت است بدایت و رحمت است برای نیکی کاران
 يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۵
 بر پا می دارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشان با آخرت یقین می دارند
 بر پا می دارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشان با آخرت یقین می دارند
 اُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۵
 این جماعه بر هدایت اند از پروردگار ایشان و این جماعه ایشانند در ستکاران و از درودان
 این جماعه بر هدایت اند از جانب پروردگار ایشان و این جماعه ایشانند در ستکاران و از درودان
 مَن يَشْتَرِ لِنَفْسِهِ اَھْلًا بِحَدِيثٍ يُضِلُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَاُولَئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ۵
 کسی است که می ستاند سخنان را که بر آنکه باز نیست خط تا گمراه کند مردم راه را خدا بجز علم و بجز رآخرا
 کسی است که می ستاند سخنان را که بر آنکه باز نیست خط تا گمراه کند مردم راه را خدا بجز علم و بجز رآخرا
 هُنَّ رَاۤءِ اُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۵
 راه خدا را این جماعه ایشان راست عذاب خوار کننده و چون خوانده شود برین شخص آیات مآر و بگرداند تکریم کنان
 سخن این جماعه ایشان راست عذاب خوار کننده و چون خوانده شود برین آیات مآر و بگرداند تکریم کنان
 كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا كَاَنَّ فِيْ اُذُنَيْهِ وَفَرَّاهُ فَلَبِثَ بَعْدَ اُولَئِكَ اَلِيْمٌ ۵
 گویا نشنیده است آنرا گویا در هر دو گوش و گوش دے گزاف است پس خبر ده او را لعذاب درودیده هر آینه
 گویا نشنیده است آنرا گویا در هر دو گوش و گوش او گری است پس خبر ده او را لعذاب درودناک (هر آینه)
 الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ لَهُمْ جَنَّٰتُ النَّعِيْمِ ۵ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا
 آنانکه ایمان آوردند و کردارهای خالصه کردند ایشان راست بهشت است بجا و دیدان آنجا
 آنانکه ایمان آوردند و کردارهای خالصه کردند ایشان راست بهشت است بجا و دیدان در آنجا
 وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۵
 و وعده داده است خدا وعده راست و او است غالب با حکمت آفرید آسمان را
 و وعده داده است خدا وعده راست و او است غالب با حکمت آفرید آسمان را
 تَرَوْهَا وَكَانَ فِي الْاَرْضِ رَوَاسِيْ اَنْ يَّمِيْدَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ قَوْمٍ مِّنْ دُونِكُمْ
 به بینید آنرا و افکند در زمین کوه را بر آنکه بچنانند شمار و پراکنده کرد در زمین از هر کس جا و آن
 که بینید آنرا و افکند در زمین کوه را تا میان (حرکت) بنده شمارا و پراکنده کرد در زمین از هر کس جا و آن
 وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَآءً فَالنَّجْمُ فِيْهَا مِنْ كُلِّ ذِيْ قُرْبٰنٍ ۵
 و فرود آوردیم از آسمان آبی پس رویانید هم در زمین از هر جفت و صفت نیک این است آفرینش
 و فرود آوردیم از آسمان آبی پس رویانید هم در زمین از هر جفت و صفت نیک این است آفرینش
 رَاۤءِ اُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۵
 رَاۤءِ اُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۵

لَقَدْ آتَيْنَاكَ مَا خَلَاقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ

بلیستند آنچه را که آفریدند آنرا که بخود دادی و بدوین از آنکه بخود دادی

وَلَقَدْ آتَيْنَا لَقْمًا الْحَكِيمَةَ إِنَّ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا

و لایستند آنچه را که آفریدند آنرا که بخود دادی و بدوین از آنکه بخود دادی

اشْكُرْ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝ وَإِذْ قَالَ لَقْمٌ

شکر کند برای نفس خود و هر که کفر کند پس هر آینه خدا بی نیاز است و یارکن چون گفت لقمان

بَنِيَّ وَهُوَ عِظَةٌ يَبْنِي لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ ط إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ۝

پسر خود را و پند میداد آن پسر را ای پسر من شرک مکن یا خدا هر آینه شرک ظلمی است بزرگ

وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَّلَهُ

و نگاه داشتیم آدمی را بر والدینش بپرورداری و مادر و پدر را بر او بار داد و در حال سستی و آلامی سستی میکرد و از

شَامِكَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ ۝ وَإِنْ جَاهَدَاكَ

در دو سال مت یا بن مضمون که شکر گذاری کن مرا و پدر و مادر خود را بسوی من رت بازگشت و اگر گوشه نشین گشتی از والدین

لِي أَنْ تَشْرِكْ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي

برای من که شرک مکن با من چیزی که نیست ترا بحقیقت آن دانش پس توان برداری ایشان کن و صحبت و در بالیشان در

لَدُنِّيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ

در نزد من و پیروی کن راه کسی که رجوع دارد بسوی من باز بسوی من نیست رجوع شما

فَإِنَّكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَبْنِي إِنَّهَا أَنْ تَكُ مَثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ

پس بیا که شما را آنچه می کردید گفت ای پسر من هر آینه خرد اگر باشی هم سنگ دان از

خُودٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاءِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِي بِهَا اللَّهُ

خود را و تو کن در یک صخره یا در آسمانها یا در زمین بهر حال حاضر کند آنرا خدا

اللَّهُ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ يَبْنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْعَمْرِ وَنَهْ عَنِ

خداوند لطیف و خبر دهنده ای پسر من بر پا دار نماز را و بفرمان بکار بندیده و منع کن از

مُنْكَرٍ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ۝ وَلَا تَصْغُرْ

از خود و صبر کن بر آنچه برسد به تو هر آینه این مقدمه از کارهای بزرگ است و متاب

خُذْكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَشْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ط إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ

خود را بخود از طرف مردمان یعنی متکبر و راه مرد در زمین خرامان هر آینه خدا دوست نمیدارد هر نازنده

ول یعنی هر وقت
سست تر شود اندک
تفسیر عثمانی
این است که حضرت
لقمن پیغمبر بود یک
یک انسان پاکبانه
و پیر میگردید که
تعالی بدرجه کمال به
او عقل و فهم و سخاوت
و داناتی و طهارت و
پرهیزگاری و غیره
حقایق را اظهار نموده
که مطابق احکام و هدایت
پیغمبر بود و نصایح
عالمات و مومنان و صلوات
او برین مردم و غیر
یک حجت آن دادند
نقل فرموده و در تبه
در شرف او افزوده
است شاید از ذکر
آن مقدمه این باشد
هم چنانکه تفسیر بود
شرک داشتن آن
از شهادت نفرت
انسانی از وی اینها
ثابت است و در مذهب
مختلف و دنیا هم این
شهادت و دوی را دیده
و تصدیق دارند پس
توحید را ترک گفتن و
شرک را اختیار کردن
گرای آشکار است
(تفسیر) اینکه حضرت
لقمن باشند کدام
ملک بود و کدام مصر
زیرت می کرد و تا حال
بصورتی که این نصایح
از مردم می گویند که
لقمن جعفری بود و در
مهد حضرت داود
علی السلام زبیت
میگردد بسیار و
اقتل او در قفس

عده بعضی از چنان
انکه با او بیرون رفتند
احسان آشکارا چشمها را
خود را میزدند
منند و در نهایت
التعالی و باری
شئون و صفات
و یاد احکام و شرائع
و مجادله می کنند تا آنها
کلام اصول را در عقلی
و لایزال کتب روشنی
و در صحت ایشان است
و ناز که الهادی بر حق
هدایت یافته اند بلکه
محض تقلید و کورانی
آباد اجداد را پیش
گرفته اند که در آن در
آیت آئینه می آید
از توحید چنین بر می آید
که مژده محقق قدس الله
موازه علم و غایبانه
بطور عقلی و از سببی
یک نوع نیست و امر را
گرفته است که سلسله
فوق و در جهان عالم
عقل و فکر ناشی می شود
مطلب این طریقه
که این مردم نه علم و ادب
دارند نه باورشان به حق
و جهانی حاصل است
و در کتاب روشنایی
دلیل عقلی را دارا هستند
این سخن ضعیف با
تزلزل است و تقریر
ما را باب آیت محض
از عرض تسبیح ابرو
گرفته عده علقه
خود را با التعلی
مروط سازید و انکار
و تکذیب کسی پاک
دارد میگویند هم با
محضر را حاضر شد
اندوگان وقت تمام کرد
آنها بمیدان شهر
آورده و خود را پیش
چرا خود را پنهان کرده
میزانند چه او تامل

فَخُورًا وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْصِصْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ
خود ستانده را و میاز روی کن در رفتار خود و فرو داد
خود ستار و میاز روی کن در رفتار خود و لیست کن
الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرَةِ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مِمَّا فِي السَّمُوتِ
آوازها را از خرافات باشد آیا ندیدید که خدا را میگردانید بر آسمان آنچه در آسمان است و
آوازها را از خرافات است آیا ندیدید که خدا را میگردانید بر آسمان آنچه در آسمان است و
وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ
آنچه در زمین است و تمام کرد بر شما نعمت را باری آشکارا و پنهان و از مردمان کسی است
آنچه در زمین است و تمام کرد بر شما نعمت را باری آشکارا و پنهان و از مردمان کسی است
مُجَادِلٍ فِي اللَّهِ يَغْيِرْ عِلْمَ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٌ مُنِيرٌ ۚ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ
که مبارزه می کنند در باب خدا بغیر دانش و بغیر هدایت و بغیر کتاب روشن و چون گفته شود باریشان
که مبارزه می کنند در باب خدا بدون علم و هدایت و بغیر کتاب روشن و چون گفته شود باریشان
اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَحْنُ مُسْلِمُونَ وَمَا جَاءَنَا بِهِ بَعْدَ آيَاتِهِ
که پیروی کنید چیزی را که فرود آورده خدا گویند بلکه پیروی می کنیم چیزی را که یا نیت بران پدران خود را پیروی می کنند
که پیروی کنید چیزی را که فرود آورده است خدا گویند بلکه پیروی می کنیم چیزی را که یا نیت بران پدران خود را پیروی می کنند
الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ ۚ وَمَنْ يَسْلُكْ سَبِيلَ الْجَهَنَّمَ
شیطان می خواند ایشان را بسوی عذاب دوزخ و هر که متوجه ساخت روی خود را بسوی خدا
شیطان می خواند ایشان را بسوی عذاب دوزخ و هر که متوجه ساخت روی خود را بسوی خدا
وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقُلِ اسْتَغْفِرْ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ إِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ
و دوسه نیکو کار است پس سر آئینه دست زده است بدست آویزی محکم و بسوی خداست بازگشت
و او نیکو کار باشد پس دهر آئینه چنگ زده است به حلقه در میان محکم و بسوی خداست عاقبت
الْأُمُورِ ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزَنُهُ الْكُفْرُ ۚ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم
کارها و هر که کافر شود پس اندوختن ننگ تر از کفری بسوی ماست رجوع ایشان پس خبر دار کنیم ایشان را
تمام کارها و هر که کافر شود پس اندوختن ننگ تر از کفر و بسوی ماست بازگشت ایشان پس خبر دار کنیم ایشان را
بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۚ نَسْتَعْتِبُكُمْ قَوْلًا
با آنچه می کردند هر آئینه خدا داناست محضی که در سینه ها باشد بهره مند میازیم ایشان را اندکس باز
به آنچه می کردند هر آئینه خدا داناست به آنچه میازیم ایشان را اندکس باز
نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ غَلِيظٍ ۚ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمُوتَ
به بیچارگی بر ایم ایشان را بسوی عذاب سخت و اگر سوال کنی از ایشان کیست که میافرید آسمانها
به بیچارگی بر ایم ایشان را بسوی عذاب سخت و اگر سوال کنی از ایشان کیست که میافرید آسمانها
وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
و زمین را البته بگویند خدا آفرید بگو ستایش خدا را است بلکه اکثر ایشان نمیدانند
و زمین را البته بگویند خدا آفرید بگو ستایش خدا را است بلکه اکثر ایشان نمیدانند
لِلَّهِ مَا فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۚ وَلَوْ أَنَّ
خدا را است آنچه در آسمانها و زمین است هر آئینه خدا تاملت بے نیاز ستوده و اگر آنچه
خدا را است آنچه در آسمانها و زمین است هر آئینه خدا تاملت بے نیاز ستوده و اگر آنچه
فَالْأَرْضُ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامَ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِ سَبْعَةِ
در زمین است از درختان قلمها شوند و یا سیاهی بود زیاد می کند آنرا بعد از زمین دریا سفید دریا و دیگر
در زمین است از درختان قلمها شوند و دریا یا سیاهی شود و دریا بعد از آن یا سفید دریا

وَلِيْلَهُ الْوَحْيُ
نزل تنبيه
عروج اوقاف
گذرد کم از هزار سال
چنان نمایند و آن به
پیش خدای تعالی در
یک روز تمام شود و فرست
آست که با هم ایشان
بعد از او می رسند
والله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه تعالی باید داشت
که خدایا یا ز جنت
احکام خواهد بود و یا
جنت اوان - پس
انسان با کون فیض یا
زمانی با فخر یا مادی
و اوان زمانی را با قیام
ماحق استقبل حق
برسم تقسیم کرده اند
از جمله آنها علم کل احکام
غیبیه بر علیه الصلوة
والسلام عطا کرده شد
در ظاهر علم غیبیه احکام
الاصول و الفروع من رسول
الایه (جن - روح ٢)
جزئیات آنرا از کتب
است توجیه تفصیل
کرده اند اما علم کلیات
داصول اوان غیبیه
را حق تعالی مختص به
فلسفه فرموده است
علا بر جزئیات منقشه
بسیاری مردم را حسب
استعدادشان اطلاع
داد - و بر رسول کریم
صلی الله علیه و آله هم
آنقدر حقه افزایم
عطا کرده که
فیقول آنرا اندک
نمود با انبیا علم کلی
اوان غیبیه خاصه
رب المیزت است
و چون کلامین آیت
مذکور است در احادیث
یه تعقیب الشیبه
یاد شده که علم کل آن خاص خداوند تعالی است و در حقیقت هر چه از جانب کل انواع اوان غیبیه اشاره شده به پای ارض حق تعالی به غیب و مابین در آنرا مذکور

وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَكُونُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ
و نمیداند هیچ نفسی که کدام زمین خواهد مرد هر آینه خدا
و نمیداند هیچ نفسی که کدام زمین خواهد مرد عه بر آینه خدا
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بسم خدا تعالی بخشایند
آغاز می کنم بنام خدا یکی به اندازه مهربان نهایت با رحم است
اللَّهُ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ هَاقُّوا يَقُولُوا
فروزد آوردن کتاب هیچ شبه نیست در آن از جانب پروردگار عالمهاست آیای گویند
فروزد آوردن کتاب هیچ شبه نیست در آن که از جانب پروردگار عالمیان است آیای گویند
اَفْتَرَاهُ قَبْلَ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَهُمْ مِنْ نَذِيرٍ ۝ قُلْ
بر یانته است آنرا بلکه حق است در خود آمده از جانب پروردگار تو تا ترسانی قوی را که نیامده است به ایشان هیچ
اَفْتَرَاهُ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَهُمْ مِنْ نَذِيرٍ ۝ قُلْ
بر یانته است آنرا بلکه حق است در خود آمده از جانب پروردگار تو تا ترسانی قوی را که نیامده است به ایشان هیچ
لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا
تا بود که ایشان راه یابند خدا آنست که آفرید آسمان با زمین و آنچه مابین آنهاست
شاید که ایشان راه یابند خدا آنست که آفرید آسمان با زمین و آنچه مابین آنهاست
فِي سِتْرَةٍ إِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَوْ
در سترش روز باز قرار گرفت بر عرش نیست شمارا بجز او هیچ دوستی و نه
در سترش روز باز قرار گرفت بر عرش نیست شمارا بجز او هیچ دوستی و نه
شَفِيعٌ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ۝ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ
شفاعت کننده آیایند پذیر می شوید تدبیر می کند کار را از آسمان بسوی زمین باز
شفاعت کننده آیایند پذیر می شوید تدبیر می کند کار را از آسمان بسوی زمین باز
يَعْرَجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعْدُونَ ۝ ذَلِكَ عَلَى
بالا می رود آن کار بسوی خدا و در روزیکه است مقدار آن هزار سال از آن حساب که می شمارید و ایست صفت داد
بالا می رود آن امر بجانب او و در روزیکه اندازه آن هزار سال است از آنچه که می شمارید این است دعوت و دانسته
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ۝ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ
نهان و آشکارا غالب مهربان آنکه به فکرترین وجه ساخت هر چیزی را که آفریدش و
نهان و آشکارا غالب مهربان آنکه به فکرترین وجه ساخت هر چیزی را که آفریدش و
يُدْخِلُ الْإِنْسَانَ مِنْ ظُلْمٍ ۝ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ
نور کرد آفرینش آدمی را از محل باز پدید آورد نسل او را از قطعه از آب
آغاز نمود آفرینش آن را از محل باز پدید آورد نسل او را از قطعه از آب
مُهَيِّئِينَ ۝ ثُمَّ سُوْرُهُ وَنُفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ
خوار باز درست اندام کرد و در وی روح خود پدید آورد برسانه شما گوش و
به قدر باز درست اندام کرد او را و دمید در وی از روح خود پدید آورد برای شما گوش و
الْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ مَّا تَشْكُرُونَ ۝ وَقَالُوا إِذَا ضَلَلْنَا فَنُفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ
چشمها و دلها اندک شکر می کنید و گفتند چون گم شویم در
چشمها و دلها اندک شکر می کنید و گفتند چون گم شویم در
الْأَرْضِ إِنْ أُنْفِخَ فِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ بَلْ هُمْ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ
زمین آیایند آفرینش نو خوانیم بود بلکه ایشان بملاقات پروردگار خویش کافرانند
زمین آیایند آفرینش نو خوانیم بود بلکه ایشان بملاقات رب خود منکران اند

یاد شده که علم کل آن خاص خداوند تعالی است و در حقیقت هر چه از جانب کل انواع اوان غیبیه اشاره شده به پای ارض حق تعالی به غیب و مابین در آنرا مذکور

قُلْ يَتُوبُ إِلَيْكُمْ ذَلِكَ الْمَوْتُ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

بگو چنانچه روح شما از تنهای که مرگ شده است بر شما باز میسوی پروردگار خویش گردانیده شود

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُرْسَلُونَ كُنُوزَ الْمَالِ الَّتِي كَانُوا يَكْسِبُونَ

و اگر بینی در وقتیکه گنایان سرانگشتان سرهای خود را میفروشند و در گنایان گنایان را میفروشند

لَهُمْ عَنَّا قَارِعَةٌ تَعْلَمُونَ مِثْلَ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

بر شماست که ما را آیدیم کارش را بشناسید و ما را آیدیم کارش را بشناسید

نَفْسٌ هَذِهِ كَانَتْ تَكْفُرُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

این نفس است که اینها را میفروشد و اینها را میفروشد

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُرْسَلُونَ كُنُوزَ الْمَالِ الَّتِي كَانُوا يَكْسِبُونَ

و اگر بینی در وقتیکه گنایان سرانگشتان سرهای خود را میفروشند و در گنایان گنایان را میفروشند

لَهُمْ عَنَّا قَارِعَةٌ تَعْلَمُونَ مِثْلَ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

بر شماست که ما را آیدیم کارش را بشناسید و ما را آیدیم کارش را بشناسید

نَفْسٌ هَذِهِ كَانَتْ تَكْفُرُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

این نفس است که اینها را میفروشد و اینها را میفروشد

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُرْسَلُونَ كُنُوزَ الْمَالِ الَّتِي كَانُوا يَكْسِبُونَ

و اگر بینی در وقتیکه گنایان سرانگشتان سرهای خود را میفروشند و در گنایان گنایان را میفروشند

لَهُمْ عَنَّا قَارِعَةٌ تَعْلَمُونَ مِثْلَ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

بر شماست که ما را آیدیم کارش را بشناسید و ما را آیدیم کارش را بشناسید

نَفْسٌ هَذِهِ كَانَتْ تَكْفُرُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

این نفس است که اینها را میفروشد و اینها را میفروشد

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُرْسَلُونَ كُنُوزَ الْمَالِ الَّتِي كَانُوا يَكْسِبُونَ

و اگر بینی در وقتیکه گنایان سرانگشتان سرهای خود را میفروشند و در گنایان گنایان را میفروشند

لَهُمْ عَنَّا قَارِعَةٌ تَعْلَمُونَ مِثْلَ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

بر شماست که ما را آیدیم کارش را بشناسید و ما را آیدیم کارش را بشناسید

نَفْسٌ هَذِهِ كَانَتْ تَكْفُرُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

این نفس است که اینها را میفروشد و اینها را میفروشد

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُرْسَلُونَ كُنُوزَ الْمَالِ الَّتِي كَانُوا يَكْسِبُونَ

و اگر بینی در وقتیکه گنایان سرانگشتان سرهای خود را میفروشند و در گنایان گنایان را میفروشند

لَهُمْ عَنَّا قَارِعَةٌ تَعْلَمُونَ مِثْلَ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

بر شماست که ما را آیدیم کارش را بشناسید و ما را آیدیم کارش را بشناسید

وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝
و گفته شود بایشان بچشید عذاب آتشی که آنرا می داشتید
و گفته شود بایشان بچشید عذاب آتشی که آنرا می داشتید
لَنْذِيقَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ لَأَذِّنُ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝
البته بچشایم ایشان را عذاب نزد یک یعنی در دنیا این طرف از عذاب بزرگ بود که ایشان باز کردند
بهر آینه بچشایم ایشان را عذاب اندک و نزدیک، مساوی عذاب بزرگ تا ایشان باز گردند
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْجَاحِدِينَ ۝
و کیست ستمگر تر از کسی که بپند داده شده آیات پروردگار خویش باز رو بگردانید از آن برآیند ما از کینه گران
و کیست ظالم تر از کسی که بپند داده شود به آیات پروردگار خویش باز روی برگرداند از آن (بهر آینه) ما از کینه گران
مَنْتَقِبُونَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مَرْيَةٍ مِمَّنْ لَقِيَهُ
انتقام گشتند ایم و بهر آینه دادیم موسی را کتاب پس مباحث در سوره از ملاقات قرآن
انتقام گیرنده ایم ع و لا هر آینه دادیم موسی را کتاب پس مباحث در سوره از ملاقات آن ع
وَجَعَلْنَاهُ هَدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ ۝ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ آيَةً يَهْدُونَ ۝
و ما جیم موسی را هدایت برای بنی اسرائیل و پدید آوردیم از ایشان پیغمبرانی که راه می نمودند
و گردانیدیم آنرا هدایت برای بنی اسرائیل و گردانیدیم از ایشان پیغمبرانی که راه می نمودند
يَا مَرْيَمُ اقْنُصِي رُءُوسَكَ وَكَانُوا يَايَتِنَا يُوقِنُونَ ۝ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ بِفَضْلِ
ایران ما و تقصیر صبر کردند و آیات ما یقین می آوردند بهر آینه پروردگار تو فیصله کند
بجمله ما و کتب صبر کردند و بودند که به آیات ما یقین می کردند (بهر آینه) پروردگار تو فیصله کند
بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمَا هَلَكَنا
میان ایشان روز قیامت در آنچه اندان اختلاف می کردند آیا دایم شد ایشان را که چه قدر هلاک کردیم
میان ایشان در روز قیامت در آنچه دران اختلاف می کردند آیا راه نمود ایشان را که چه قدر هلاک کردیم
مَنْ قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْجِدِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً
پیش از ایشان از قرنهای میرود ایشان در خانه های آن چاه هر آینه درین کار نشان هست
پیش از ایشان از قرنهای میگردند دلیل بر در مسکن ایشان (بهر آینه) درین نشانها هست
أَفَلَا يَسْمَعُونَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ
آیا نمی شنوند آیا ندیدند که ما رودای می نهم آب را بسوی زمین به گنایه تا بسوی زمین
آیا نمی شنوند آیا ندیدند که ما رودای می نهم آب را بسوی زمین به گنایه تا بسوی زمین
بِهِ زُرْعَاتُهَا كُلُّ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ۝ وَيَقُولُونَ
بسیب آن زراعت را بخورند از آن زراعت چهار پایان ایشان و خود ایشان نیز آیاتی بپنددند و میگویند
به آن زراعت را که بخورند از وی چهار پایان ایشان و خود ایشان نیز آیاتی بپنددند و میگویند
مَنْ هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ
کس خواهد بود این فتح اگر راست گویند بگوید روز فتح سود ندارد
کس خواهد بود این فیصله اگر راسته را استخوان بگوید روز فیصله نفع ندارد
الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْمَانَهُمْ وَأَلَهُمْ يَنْظُرُونَ ۝ فَاعْرِضْ
کافران را ایمان آوردند ایشان و نه ایشان مبهلت داده شوند پس رو بگردان
کافران را ایمان آوردند ایشان و نه ایشان مبهلت داده شوند پس روی بگردان
عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ ۝
از ایشان و انتظار بکن بهر آینه ایشان نیز منتظرند
از ایشان و منتظر باش (بهر آینه) ایشان نیز منتظر باشند

وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝
و گفته شود بایشان بچشید عذاب آتشی که آنرا می داشتید
و گفته شود بایشان بچشید عذاب آتشی که آنرا می داشتید
لَنْذِيقَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ لَأَذِّنُ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝
البته بچشایم ایشان را عذاب نزد یک یعنی در دنیا این طرف از عذاب بزرگ بود که ایشان باز کردند
بهر آینه بچشایم ایشان را عذاب اندک و نزدیک، مساوی عذاب بزرگ تا ایشان باز گردند
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْجَاحِدِينَ ۝
و کیست ستمگر تر از کسی که بپند داده شده آیات پروردگار خویش باز رو بگردانید از آن برآیند ما از کینه گران
و کیست ظالم تر از کسی که بپند داده شود به آیات پروردگار خویش باز روی برگرداند از آن (بهر آینه) ما از کینه گران
مَنْتَقِبُونَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مَرْيَةٍ مِمَّنْ لَقِيَهُ
انتقام گشتند ایم و بهر آینه دادیم موسی را کتاب پس مباحث در سوره از ملاقات قرآن
انتقام گیرنده ایم ع و لا هر آینه دادیم موسی را کتاب پس مباحث در سوره از ملاقات آن ع
وَجَعَلْنَاهُ هَدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ ۝ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ آيَةً يَهْدُونَ ۝
و ما جیم موسی را هدایت برای بنی اسرائیل و پدید آوردیم از ایشان پیغمبرانی که راه می نمودند
و گردانیدیم آنرا هدایت برای بنی اسرائیل و گردانیدیم از ایشان پیغمبرانی که راه می نمودند
يَا مَرْيَمُ اقْنُصِي رُءُوسَكَ وَكَانُوا يَايَتِنَا يُوقِنُونَ ۝ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ بِفَضْلِ
ایران ما و تقصیر صبر کردند و آیات ما یقین می آوردند بهر آینه پروردگار تو فیصله کند
بجمله ما و کتب صبر کردند و بودند که به آیات ما یقین می کردند (بهر آینه) پروردگار تو فیصله کند
بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمَا هَلَكَنا
میان ایشان روز قیامت در آنچه اندان اختلاف می کردند آیا دایم شد ایشان را که چه قدر هلاک کردیم
میان ایشان در روز قیامت در آنچه دران اختلاف می کردند آیا راه نمود ایشان را که چه قدر هلاک کردیم
مَنْ قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْجِدِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً
پیش از ایشان از قرنهای میرود ایشان در خانه های آن چاه هر آینه درین کار نشان هست
پیش از ایشان از قرنهای میگردند دلیل بر در مسکن ایشان (بهر آینه) درین نشانها هست
أَفَلَا يَسْمَعُونَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ
آیا نمی شنوند آیا ندیدند که ما رودای می نهم آب را بسوی زمین به گنایه تا بسوی زمین
آیا نمی شنوند آیا ندیدند که ما رودای می نهم آب را بسوی زمین به گنایه تا بسوی زمین
بِهِ زُرْعَاتُهَا كُلُّ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ۝ وَيَقُولُونَ
بسیب آن زراعت را بخورند از آن زراعت چهار پایان ایشان و خود ایشان نیز آیاتی بپنددند و میگویند
به آن زراعت را که بخورند از وی چهار پایان ایشان و خود ایشان نیز آیاتی بپنددند و میگویند
مَنْ هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ
کس خواهد بود این فتح اگر راست گویند بگوید روز فتح سود ندارد
کس خواهد بود این فیصله اگر راسته را استخوان بگوید روز فیصله نفع ندارد
الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْمَانَهُمْ وَأَلَهُمْ يَنْظُرُونَ ۝ فَاعْرِضْ
کافران را ایمان آوردند ایشان و نه ایشان مبهلت داده شوند پس رو بگردان
کافران را ایمان آوردند ایشان و نه ایشان مبهلت داده شوند پس روی بگردان
عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ ۝
از ایشان و انتظار بکن بهر آینه ایشان نیز منتظرند
از ایشان و منتظر باش (بهر آینه) ایشان نیز منتظر باشند

ما مترجم گوید که

در غزوه احزاب بر

مدینه باجم کوه نود آن

حضرت صلی الله علیه و

سلم بخندق متحصن

شدند و از منافقان

سخنان نفاق سرزد

مخلصان استقامت را

در زند و آخر

فتح اسلام واقع

شد و ای ایله درین

ایمان و مدین آنان و

منت نهادن بر ایشان

باز ساخت ۱۲

مترجم گوید حاصل کلام

آنست که در جهاد توقف

ی کنند اگر جنگ

در مقدمه نفسانی پیشد

توقف میکردند ۱۲-

تفسیر عثمانی

ع سال چهارم و پنجم

هجرت یهود بنی نضیر

از مدینه اخراج شده بود

(ذکرش در سوره بقره)

خدا آمد در میان قبیله

گشتند و در پیش بک بنی

نضیر و غطفان و غیره

قبایل عرب را تحریص

نمودند تا علیه ایشان

بزنند قوه مقده آنها را

مدینه باجم میارود -

تقریباً یک لشکر

مع

جرا در حدود

دوازده هزار نفر که

با تجهیزات کامل

عسکری مجهز و بر

قوه خود را از آن بود

تفصیل گردیده بود

بنی نضیر که قوه محکم

آنها جانب مشرقی

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

بجریانیم و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

وَمِنْ نَحْوِ وَابِرْهَيْمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم

و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گریتم از ایشان

ولا یعنی در برابر
شما و یعنی از هر
آینده و در دند ۱۲۰-
تفسیر عثمانی
بقیه صفحہ ۱۲۱

حلیه با و بهیانا با سخته
 از میدان جنگ آواره
 گرفتند رسول کریم
 صلی الله علیه و آله با صوا

منشورہ فرمود بالاخر یہ
منشورہ حضرت سلمان
فارسی تجویز شد کہ خدائی
بود ان سمع شد کہ از ان

طرف اندیشه حله و خطر
بود و خضر گشت در میان
شدید استیلا داشت

و قد سمعنا من بعض الحكماء
 و قد سمعنا من بعض الحكماء
 و قد سمعنا من بعض الحكماء
 و قد سمعنا من بعض الحكماء

سنگی به شکلهای خود
تنگ بسته بودند مسگر
پایمان و سپه سالار
از صفت و زین

شدن آن زمین بسنگین
و حیرت انگیز و عجب

انه متغول بودند -
 همدین بر زمین سلطان
 بر میزدند و میقتلند
 من الذم رایع

اعلى اليه ادا يقينا
واذ حضور محي
بگفته ميشد اللهم

مذق تیار شد و
سکر اسقام و مقاب

ن سنگر گرفتند
بابیت یابیت
وز هر دو لوح
کام گاه

چون در بین آنها
حاصل بود گفتار
تعداد بسیار زیاده

تند عونا بر شهر

لَنْ تَرْضَاهُ مِنَ السَّوْتِ أَوْ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تَتَّبِعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ قُلْ

مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكَ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ أَنْ أَرَادَ بِكَ شَيْئًا أَوْ أَرَادَ بِكَ رَحْمَةً

وَلَا تُجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ

وَمَا تُجِدُوا برائے خویش بجز خدا دوستی و نہ یاری و مہندہ ہر آئینہ خدا میداند
وَمَا تُجِدُوا برای خود بجز خدا دوستی و نہ مددگاری (ہر آئینہ) میداند خدا

باز دارندگان را از شما و گویندگان را به برادران خویش که بیامید بسوخته ما و حاضر نمی شوند

بہارِ ناز مگر اند کے
بچل مگر گاہ
بچل ناز بہ نسبتِ شام
درمے کنی (دو حاکم) بچلاند
لیاس الافیہ (۱۰) شہد علیکم فی ذلک الخوف رائیہم
لیس چون بیاید ترس بہ بینی کہ ایشان
برشما پس چون بیاید وقت ترس بینی ایشان را

پسروں کی زندگی دور اعیانہم کا لہری بچنے علیہ من الموت
 ارے بگرنہ بسوے توی مرد و چشماے ایشان مانند کسیکے بے ہوش کردہ شود از سختی موت
 کی پسند کیوی لو دوری خورد چشماے ایشان مانند کسیکے بے ہوشی انداختہ باشد بیدی از سختی مرگ

در کتب اربعه و سابقه با سنده جدا شده علی الخیر

پس نابود ساخت خدا کردار بانی ایشان را و همت این کار بر خدا
بنامه ایمان نیاوردند پس نابود گردانید خدا کردار بانی ایشان را و همت این کار بر خدا

و اگر بیایند شکر ما بخنایند
و اگر بیایند شکر ما بخنایند

ش ایسان مہر ایکن بودند در میان! عراب سوال می کردند از اخبار شما و اگر باشند در میان شما
ش ایسان مہر ایکن می بودند در میان عرب ہائے و باقی سوال می کردند از خبر پای شما و اگر باشند در میان شما

ان یزجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیرا (اولی الامر منکم)

خَبَابُ قَالَ وَاهْدِ اِمَامًا وَعَدَنَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

در اندازد و بر اندازی می شود گاهی از ازا محض و زرقین در میدان مبارزه داد و ستاعت میدادند بقیه بر صفی ۳۰

مل یعنی شهید شد
 وک یعنی بنی قریظه را
 فرود آورد ۱۲ وک یعنی
 خیمه را وک مترجم گوید
 از وراج آن حضرت چنانکه
 نزدیک آن حضرت بود
 از زمین دنیا طلب
 میکردند خدا استعاضه
 ایشانرا پسنداد و در
 خود و احکامها شریعت
 یا ایشان نازل یافت
 و زینب علی السد ثانی
 عنها و عقد زید بود
 در میان ایشان
 ناسازگاری پیدا آید
 رفقه بطلاق مجبور شد
 و بعد انقضای عدت
 خداستعاضه او را و افضل
 از وراج طهارت کرد
 منافقان زبان طعن
 کشادند که زن پسر
 خود را بمنزله گرفت
 خداستعاضه در میان آنکه
 پسر خوانده حکم میدهد
 نازل ساخت ۱۲ و
 مترجم گوید مراد اینجا
 اید که پیغمبر است
 بزبان درازی ۱۲
 تفسیر عثمان
 بقیه صفه ۲۱۹
 اگر چه معنی
 مسلمانان و میان
 مشرکین و یهود و نصاری
 در حکم محصور بودند
 وجود آن زنان اطفال
 خود را بخانه های محصور
 و مضبوط رسانیده خود
 زنان با استقامت و
 شجاعت تمام وظیفه
 حفاظت عداوت را
 انجام دادند سرانجام
 بتدریج عائله را طاعت
 قیوم ابن مسعود الانبی
 چون مشرکین و یهود و بنی
 قریظه نفاق و شقاق
 افتاد از طرف پیغمبر
 لشکر نامری خداستعاضه

وَمَّا زَادَهُمُ الْإِيْمَانُ وَتَسْلِيمًا ۝ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا
 و این بجز آنکه از حق ایشان مگر باور داشتند و گردن نهاده از مسلمانان مردانند که راست کردند
 و بیفزودایشانرا آنکه دیدند مگر ایمان و تسلیم از مؤمنین بر سر داشتند که راست کردند در نشان دادند
 مَا عَاهَدُوا وَاللَّهُ عَلَيْهِ فِيمَنْ لَمْ يَنْصَرِفْ مِنْهُمْ مِنْ يَنْتَظِرُ وَمَا
 آنچه عهد بسته بودند با خدا بر این پس از ایشان کسی هست که با تمام رسانیده قرار داد خود را و از ایشان کسی هست که انتظار میکنند
 بَدَلُوا تَبَدُّلًا ۝ لِيُجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ
 بدل کردند و بدیل کردند تا جزا دهد خدا راست گویان را در مقابل راستی ایشان و عذاب کند منافقان را
 لِيُجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ
 تا جزا دهد خدا راست گویان را در مقابل راستی ایشان و عذاب کند منافقان را
 إِنَّ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ
 اگر خواهد یا بر حمت باز کرد بر ایشان هر آینه خدا هست آمرزنده مهربان و بازگرداننده خدا
 اگر خواهد یا بر حمت باز کرد و بسوی ایشان هر آینه خدا هست آمرزنده مهربان و بازگرداننده خدا
 كَفَرُوا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ يَكُونُونَ فِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَخْتَارُ ۝ وَكَانَ اللَّهُ
 کافران را با خشم ایشان نیاختند هیچ منفعت و کفایت کرد خدا از طرف مسلمانان در مقابل جنگ و هست خدا
 کافران را بحال خشمشان نیاختند هیچ منفعت و کفایت کرد خدا از طرف مومنان در جنگ و هست خدا
 قَوْمًا غَيْرَ يَرَاهُمْ ۝ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صِدْقِهِمْ
 گویان غالب و فرود آورد آنان را که مددکاری این لشکر را کرده بودند از اهل کتاب و از جمله بانی ایشان
 تَوَاتَا غَالِبٌ ۝ وَفَرَّدُوا دَرْدًا خَلَا آتَانَاكَ مَدَدُكَ الْيَوْمَ لِيُكْفِرَ اللَّهُ عَنْكُمْ
 توانا غالب و فرود آورد خدا آتانا که مددکاری آن لشکر را کرده بودند از اهل کتاب از جمله بانی ایشان
 وَقَدْ فِي قُلُوبِهِمُ الرَّعْبُ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ۝ وَأَوْرَثَكُمْ
 و افکند در دل ایشان خوف طائفه را می کشید و اسیر میکرد فتنه طائفه را و عاقبت کار بشمار داد
 و انداخت در دل بای ایشان خوف گروهی را می کشید و اسیر می گرفتند گروهی را و (عیراث) داد بشمار
 أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّوُّهَا ۝ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ
 زمین ایشان را و خانه های ایشان و اموال آنان و زمینی را که با مال نبوده اید آنرا و هست خدا بر همه
 شَيْءٍ قَدِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُحِبُّونَ الْحَيَاةَ
 چیز توانا و ای پیغمبر بگو بزنان خود اگر خواسته باشید زندگانی
 چیز توانا ای پیغمبر بگو بزنان خود اگر شامی خواهید زندگانی
 الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ۝ وَ
 دنیا و آرایش آن پس بیا بید تا جامه بدم شمارا و بیا بتم شمارا را بگردن نیک و
 دنیا و آرایش آنرا پس بیا بید تا جامه بدم شمارا و بیا بتم شمارا را بگردن نیک و
 إِنَّ كُنْتُنَّ تَرْضَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَرْضَ فَإِنَّ إِلَهَكُمْ خَيْرٌ ۝ وَكَانَ اللَّهُ
 اگر میخواهید خدا و پیغمبر او را و سرای آخرت را پس هر آینه خدا آماده ساخت برای زنان بیکو کاری کنند
 اگر شما میخواهید خدا و رسول او و سرای آخرت را پس هر آینه خدا آماده ساخت برای زنان بیکو کار
 مِنْكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُمْ بِفَاحِشٍ
 از شما مزد بزرگ ای پیغمبر هر که بیاورد از شما بیکو کار
 از شما مزد بزرگ ای پیغمبر هر که بیاورد از شما بیکو کار
 مُبِينٍ يَضَعُ لَهَا الْعَذَابَ ضِعْفَيْنِ ۝ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ۝
 ظاهر و روشن دهنده عذاب دو چندان و هست این بر خدا آسان
 ظاهر و چند کرده شود بر او عذاب دو چندان و هست این بر خدا آسان
 لشکر نامری خداستعاضه در دل کفار بود و این (شأنی) بقدرت الله استعاضه طوفان شدیدی - بقیه بر صفه ۲۱

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُمْ لَدَىٰ رَسُولِهِ

و هر که فرما بر داری کند از شما مرد و
و هر که فرما بر داری کند از شما خدا را و رسول او را

عَمَلٍ صَالِحٍ جُزْءًا مِّنْ أَجْرِهَا مَرَّتَيْنِ ۖ وَاعْتَدْنَا لَهُمُ جَزَاءً

مکند کارهای بدیهیم او را مزد او دو بار
و مبیاییم برائے او روزی نیک
و مبیاییم برائے او روزی با غایت (نیک)

لِلسَّائِلِ النَّبِيِّ لَسْتُمْ كَأَحَدٍ مِّنَ السَّائِلِ إِن تَقِيَّتْ فَلَاحْضِعْنَ

ای زنان پیغمبر نیستید شما مانند هر کدام از سائرها زنان اگر پرستید گاری وارید پس ملائمت مکنید
ای زنان پیغمبر نیستید شما مانند هر یک از سائرها زنان اگر پرستید (پرستید گاری کنید) پس ملائمت مکنید

الْقَوْلِ فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرْضٌ وَقُلْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۚ وَقُلْ

در سخن گفتن که آنگاه طمع کند کسی که در دل او بیمار گشت و بگوید سخن نیکو و بیاورد
در سخن گفتن آنگاه طمع کند کسی که در دل او مرض است و بگوید سخن معقول (نیکو) و قرار بگیرد

فِي بُيُوتِكُمْ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ

در خانه های خود و بر نهند و اظهار نمایند از جاهلیت اولی که در جاهلیت پیشین بود و بر پا دارند نماز را و
در خانه های خود و ظاهر نشینند (نمیزند) و بر پا دارند عادت جاهلیت پیشین و بر پا دارند نماز را و

آتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ

باید زکوة را و فرمان برداری خدا و رسول او نماید جز این نیست که میخواهد خدا تا دور کند از شما پلیدی را
باید زکوة را و اطاعت کند خدا و رسول او را جز این نیست که میخواهد خدا تا دور کند از شما سخن های پاک را

أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ۖ وَاذْكُرْنَ مَا يُكُن فِي بُيُوتِكُمْ مِنْ آيَاتِ

ای اهل بیت و تپا پاک کند شما را پاک گرداند و یاد کنید آنچه خوانده میشود در خانه های شما از آیات
ای اهل بیت پیغمبر و پاک کند شما را پاک گرداند و یاد کنید آنچه خوانده میشود در خانه های شما از آیات

لِلَّهِ وَالْحِكْمَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ۚ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

خدا و از حکمت هر آینه خدا است لطف کننده خبر داور
خدا و دانای (حکمت) هر آینه خدا است دانای اسرار خیر داور

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ

مردان و زنان باور دارنده و مردان باور دارنده و زنان باور دارنده و مردان راست گوینده و زنان راست گوینده
مردان مومن و زنان مومن و مردان بندگی کننده و زنان بندگی کننده و مردان راست گویند و زنان راست گویند

وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّادِقِينَ

مردان و زنان راست گویند و مردان و زنان راست گویند و مردان راست گویند و زنان راست گویند
مردان و زنان راست گویند و مردان و زنان راست گویند و مردان راست گویند و زنان راست گویند

وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّادِقِينَ

مردان و زنان راست گویند و مردان و زنان راست گویند و مردان راست گویند و زنان راست گویند
مردان و زنان راست گویند و مردان و زنان راست گویند و مردان راست گویند و زنان راست گویند

لِلَّهِ كَثِيرًا ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِن يَكُن لَّهُم مَّا كَانُ

خدا را بسیار و مردان و زنان را یاد کند مبیای کرده است خداست
خدا را (بسیار) بسیار و مردان و زنان را یاد کند مبیای کرده است خدا برائے ایشان آمرزش و عفو است

يُؤْمِنُونَ وَلَا مُؤْمِنَةٌ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا إِن يَكُن لَّهُم مَّا كَانُ

مومن و زن مومن را چون مقرر کند خدا و رسول او آنرا بشارت ایشان را اختیار
مومن و زن مومن را چون مقرر کند خدا و رسول او کاری را که بشارت ایشان را اختیار

وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّادِقِينَ

مردان و زنان راست گویند و مردان و زنان راست گویند و مردان راست گویند و زنان راست گویند
مردان و زنان راست گویند و مردان و زنان راست گویند و مردان راست گویند و زنان راست گویند

خونک با دیداشد
کرین سنگینه با به
چروهای کفله میخورد
آتش با سیکاف و خفته
بودند از شدة باو خفته
گردید و دیگرهای شین
بر زمین افتاده پیچ
صورت بخت و پیر
نواستند بر عاده
از شدت باو خفته
ظلمه و لایح باها
شده و خفته سردی
و تابی طاعت فرسا
رودید در اثر آن شکر
کهار پریشان و دسر
اسیر شد بالا خرابو
سفیان لیک توانا
زبردست نشان بود
طلبل رحیل نواخت
ناچار تام لشکر کفار
به کوچ کشی پرداخت
خائب و خاسر برآمد
خود بر گشته و کفی
الذالمین القتال
و کان الله یأخذه
این جنگ با جنگ
احزاب و کجایی
جنگ خندق بهم
ی که بین و مومن بود
مشید و بحالت فاقه
و گشتی خندق کنین
و بین نمودا و شش
محصر رتد جنگیدن
حالی بود که منافقین
را زبانی دل خود را میزد
آوردند و مومنین
ایزابت و استقامت
نمودند و حضرت صلی
الله علیه وسلم در بین
جنگ فرمودند که در
آینده کفار برانجام
نموده نمی توانند بلکه
بر آنها هجوم خواهد بود
چنانچه پس از ظهور
سید عالم جیش و
رعبه شایع در میان

کَرِيمًا يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُنِيرًا ۝ وَإِنَّا لَنَاصِرُونَ
 بَنِي إِسْرَءِيلَ بِمَا مَنَعَهُمْ فَتَوَلَّوْا حَتَّىٰ تَخْرُجُوا مِنْ دَارِهِمْ وَتَعْلَمُوا أَنَّكُمْ كَائِدُونَ ۝

وَاللَّهُ يَدْرِيهِ وَيَسْرَحُ أَمْنِيَّةً ۝ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِّنَ اللَّهِ
 فَضْلًا كَثِيرًا ۝ وَلَا تَطْعَمِ الْكُفْرِينَ وَالْمُتَّقِينَ ۝ وَذَرِكُوا مَا فِي الْيَدَيْنِ أَلَا يَتَذَكَّرُونَ ۝

وَاللَّهُ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكَفَىٰ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ
 ثُمَّ وَلَدْنَ لَكُم بَنِينَ فَتَسَوُّوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مِمَّنْ عَدَلْتُمْ ۝

وَاللَّهُ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكَفَىٰ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ
 ثُمَّ وَلَدْنَ لَكُم بَنِينَ فَتَسَوُّوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مِمَّنْ عَدَلْتُمْ ۝

وَاللَّهُ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكَفَىٰ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ
 ثُمَّ وَلَدْنَ لَكُم بَنِينَ فَتَسَوُّوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مِمَّنْ عَدَلْتُمْ ۝

وَاللَّهُ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكَفَىٰ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ
 ثُمَّ وَلَدْنَ لَكُم بَنِينَ فَتَسَوُّوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مِمَّنْ عَدَلْتُمْ ۝

وَاللَّهُ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكَفَىٰ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ
 ثُمَّ وَلَدْنَ لَكُم بَنِينَ فَتَسَوُّوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مِمَّنْ عَدَلْتُمْ ۝

وَاللَّهُ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكَفَىٰ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ
 ثُمَّ وَلَدْنَ لَكُم بَنِينَ فَتَسَوُّوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مِمَّنْ عَدَلْتُمْ ۝

وَاللَّهُ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكَفَىٰ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ
 ثُمَّ وَلَدْنَ لَكُم بَنِينَ فَتَسَوُّوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مِمَّنْ عَدَلْتُمْ ۝

وَاللَّهُ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكَفَىٰ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ
 ثُمَّ وَلَدْنَ لَكُم بَنِينَ فَتَسَوُّوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مِمَّنْ عَدَلْتُمْ ۝

وَاللَّهُ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكَفَىٰ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ
 ثُمَّ وَلَدْنَ لَكُم بَنِينَ فَتَسَوُّوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مِمَّنْ عَدَلْتُمْ ۝

وَاللَّهُ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكَفَىٰ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ
 ثُمَّ وَلَدْنَ لَكُم بَنِينَ فَتَسَوُّوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مِمَّنْ عَدَلْتُمْ ۝

وَاللَّهُ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكَفَىٰ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ
 ثُمَّ وَلَدْنَ لَكُم بَنِينَ فَتَسَوُّوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مِمَّنْ عَدَلْتُمْ ۝

وَاللَّهُ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكَفَىٰ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ
 ثُمَّ وَلَدْنَ لَكُم بَنِينَ فَتَسَوُّوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مِمَّنْ عَدَلْتُمْ ۝

وَاللَّهُ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكَفَىٰ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ
 ثُمَّ وَلَدْنَ لَكُم بَنِينَ فَتَسَوُّوهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مِمَّنْ عَدَلْتُمْ ۝

فل یخبر ان کذا بر تو
 رسا نید است ۱۲
 یعنی بفرستد و نوح ای
 ۱۳ یعنی بدین باب نوح
 چیز باست که بر آمنت
 فرض شد و بر آن حضرت
 نه ۱۴ تفسیر عثمانی
 بقیه صفحہ ۲۲۲-
 خلیفہ نوح و انش سر اخ
 ادوا یا نقد بالاخر عم
 پدرش برادر او حضرت
 آنحضرت صلی اللہ علیہ
 وسلم رسیدہ و عرض کردند
 کہ معاویہ بگریه میزدید
 را با بسیارید رسول
 کریم صلی اللہ علیہ وسلم
 فرمود کہ ضرورت معاویہ
 نیست اگر کو خوشی رضای
 خود بخوابد یا بشیر و د
 چو آنہ بہ حضرت زید
 مراجعہ کردند حضرت زید
 گفت منی خواہم کہ از
 حضور آنحضرت صلی
 اللہ علیہ وسلم جدا شوم چہ
 او را نسبت بہ اولاد ہم
 عزیز تر نگاہ داشته
 است و نسبت بہ مادر
 و پدر مرا دوست نر
 میدارد آنحضرت صلعم
 تا مہرہ ما بہر خواندہ
 آزاد نمود چنانچہ مردم
 قرار دم در داج آن صفہ
 اورا بنام زید بن محمد
 میخواندند تا آنکہ ازیت
 ۱۵ ادعو ہم الیاء ہم ہو
 تسلط علی اللہ نالہ
 شد بعد از ان بجائے
 زید بن محمد ادرا
 بنام پدرش زید بن
 عاصہ میخواندند چو
 مطابق حدیث قرآن از نام
 وی شرف این نسبت
 بزرگ بود بختہ شد
 شاید برای تلافی آن
 ازین جمعیست سائرہ
 صحابہ رضی اللہ عنہم

ان شرف مخصوص بہ او بخشیدہ شد کہ نامش در قرآن تہریر شد و ذکر شد چنانکہ در آئی می آید در نقل قضایہ منہا و طرا بقیه صفحہ ۲۲۳

فل یجلی لیا ایمنه
 من یجلی لیا ایمنه
 میسر یا و ایمنه نفس غیر
 میسر ۱۲ و مترجم
 گوید این آیت ناسخ
 آیت سابقه است
 و بی غیر توده ۱۲
 تفسیر عثمانی
 بقیه ص ۳۳
 بهر حال چون حیثیت
 خانده حققت ۶
 زینب بسیار ۱۲
 بلند بود و زید
 بن حارث ظاهر ۱۳
 داغ غلامی را بر داشته
 آزاد شده بود لهذا
 خود او نیز برادر او
 رعای منافکت را
 بازید نداشت لیکن
 منظر خدا در سوال بن
 بود که هر چه تفریقات
 را امتیازات میبوم
 در راه تمام قضا
 حایل نشود بنابر این
 آنحضرت زینب و
 برادرش را مجبور کرد
 که این منافکت را قبول
 کنند آن وقت این
 آیات نازل شد و
 ایشان رضای خود را
 زبان رضای خدا
 و رسول کردند و نکاح
 زینب با زید جاریه
 منعقد گردید - ع
 حضرت شاه صاحب
 می نویسد که اگر مردی
 پیش از یک زن داشته
 باشد مرد واجب است
 که پیش هر یک زن
 نبوت برده بکین این
 بر آنحضرت واجب بود
 و این حکم از نبی صبیح
 که اولاد مطهرات آنرا
 حق خود ندانند و کسی
 که بدین اسلام را اضی
 است حکم مذکور را قبول
 نمهر و نه پس کس

أَدْنَىٰ أَنْ تَقْرَأَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنَ وَلَا يَخْزَنُ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ ط
 از آنکه خف شود چشم ایشان و اندوه نخوردند و خوشنود شوند بآنچه بدی ایشان را همه ایشان
 قریب تر است بر آنکه در پیش خود چشم بانی ایشان و اندوه مناک نشوند در امانی باشند و آنچه داده همه ایشان را
 وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ۱۱ لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ
 و خدا میداند آنچه در دل بایست شماست و هست خدا دانایا برد بار
 و خدا میداند آنچه در دل بایست شماست و هست خدا دانایا برد بار
 مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدِّلَ رَحِيمَنَ مِنْ أَزْوَاجِهِ وَلَوْ أَجْنَحُكُمْ حَسَنُوهُنَّ الْأَمَّا
 بعد از این و نه حلال است آنکه بدل کنی بجای ایشان زنان دیگر را و اگر بیگفتند آنرا ترا حسن ایشان مگر آنچه
 بعد از این و نه حلال است آنکه بدل کنی بجای ایشان زنان دیگر را اگر چه بیجوب اندازد ترا حسن ایشان مگر آنچه
 مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا ۱۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 مالک شد دست تو و هست خدا بر همه چیز
 مالک آن باشد دست تو و هست خدا بر همه چیز
 لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرِ نَبْظِ
 در نیامید بخانه های پیغمبر مگر و غنیمت داده شود شمارا برائے طعمه نه انتظار کنان
 در نیامید بخانه های پیغمبر مگر آنکه آذن داده شود و بشما بخوردن طعام در حالی که نظر نیامید
 إِنَّهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا
 بختی شدن طعام را و لیکن چون خوانده شود شمارا در آمد پس چون طعام خورید پراکنده شوید و نه
 بختی شدن آن را و لیکن چون خواسته شوید پس در آمد پس چون طعام خورید پراکنده شوید و
 مُسْتَأْنِسِينَ لِكَلِمَةٍ إِنْ دُلَّكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَشْجِي مِنْكُمْ
 آرام گران برائے سخن هر آینه این کار میرساند بدینجا میرساند پس شرم میداشت از شما
 منشیان را که ندانان برائے سخن یک دیگر را آینه این کار شما میرساند بدینجا میرساند پس شرم میداشت از شما
 وَاللَّهُ لَا يَسْتَشْجِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلَكَ شَيْءٌ فَسْأَلُوكَ ۱۳
 و خدا شرم نمیدارد از سخن راست و چون طلب کند از زنان پیغمبر رخصت پس طلب کند آنرا از
 و خدا شرم نمیدارد از سخن راست و چون خواهی از زنان پیغمبر متاهی پس طلب کند از ایشان از
 وَرَأَىٰ حِجَابٌ ذَلِكُمْ أَطْهَرَ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبُهُنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا
 پس پدید این خلعت پاک ترست برائے دل شما و دل ایشان و سزاوار نیست شمارا که بر ایشان
 بیرون برده این سوال بیرون برده پاک دارند و تراست برای دل بانی شما و دل بانی ایشان چنان نیست شمارا که بر ایشان
 رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُجُجًا مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ
 پیغمبر خدا را و نه آنکه نکاح کنید زنان او را پس از دس هرگز هر آینه این کار هست
 پیغمبر خدا را و نه آنکه به نکاح بیکدیگر زنان او را پس از وی هرگز هر آینه این کار
 عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا ۱۴ إِنْ تَبَدَّلَ شَيْءٌ أَوْ خَفِيَ فَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ
 نزد خدا بزرگ است اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس هر آینه خدا هست بهر چیز
 نزد خدا گناه بزرگ است اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس هر آینه خدا هست بهر چیز
 عَلَيْهِمْ لَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ فِي آبَائِهِمْ وَلَا أَبْنَائِهِمْ وَلَا إِخْوَانِهِمْ
 و بر ایشان نیست هیچ بزه بر زنان در پیرده بنوشیدن پیش پدران خویش و نه پیش پسران خویش و نه برادران خویش
 و بر ایشان نیست هیچ گناه بر زنان در عدم ستر نزد پدران ایشان و نه پیش پسران خود و نه نزد برادران خود
 وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِمْ وَلَا أَبْنَاءَ أَخَوْتِهِمْ وَلَا نِسَاءَ بَنِيهِمْ وَلَا مَلَائِكَةً
 و نه پسران برادران خویش و نه پسران خواهران خویش و نه زنان هم جنس خویش و نه آنکه آن شده
 و نه نزد پسران برادران خود و نه نزد پسران خواهران خود و نه نزد زنان خویش و نه نزد زنان مسلمانان و نه نزد آنچه مالک آن شده
 و نه نزد پسران خویش و نه نزد پسران خواهران خویش و نه نزد زنان خویش و نه نزد زنان مسلمانان و نه نزد آنچه مالک آن شده

وَلْيَاؤُلَا نَصِيرًا ۝ يَوْمَ تَقْلُبُ وُجُوهُهُمْ فِي التَّارِيقُونَ يَلِيكَ تَكُنَا

پس دوستان و دشمنان روزی گردانیده شود روی ایشان در آتش گویند اے کاش

اطعنا الله واطعنا الرسول ۝ وَقَالُوا رَبَّنَا اطعنا سادتنا وکبراءنا

فرمان می بردیم خدا را و فرمان می بردیم بزرگان را و گویند اے پروردگار ما را بپایند فرمان بردیم بزرگان خود را

فَضَلُّوا السَّبِيلَ ۝ رَبَّنَا آتِهِمْ ضَعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمُ لَعْنًا

پس گمراه ساختند ما را از راه اے پروردگار ما پدید ایشان را دو چند از عذاب و لعنت کن ایشان را لعنت

کَبِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ

تو که اے مسلمانان مباشید مانند آنکه در میانند موسی را پس پاک ساخت خدا تان را

مِنَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

از آنچه گفتند بودند و مست نزد خدا با آبرو اے مسلمانان بترسید از خدا

وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۝

و بگوید سخن استوار تا اصلاح آرد کردار های شما و بیامرزد و بپوشد گناهان شما را و

مَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَا فَوْزًا عَظِيمًا ۝ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى

هر که فرمانبرد خدا و رسول او را پس بر آئینه طلب یافتیم بزرگ بر آئینه ایست در ویم امانت را و

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا ۝

آسمانها و زمین و بر کوه ها پس قبول نکردند که بردارند آنرا و ترسیدند از آن و

حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ۝ يُعَذِّبُ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ

برداشت آنرا آدمی هر آینه و سست است کار نادان قل تا شود آخر کار عذاب کند خدا منافقان را

وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ

و زنان منافق را و مردان مشرک و زنان مشرک را و صیاف کند رجوع بر حق کند بر مردان مسلمانان و

الْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝

زنان مسلمان و همست خدا آمرزنده مهربان

سُبْحَانَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الأرض وله الحمد في

همه شایسته خدا است که بدست او است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و در او است ستایش در

همه شایسته خدا است که بدست او است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و در او است ستایش در

و لا ترمی بغير حق

وقت غلبه مستمک و جاهل

بنی اسرائیل گفتند که

اذا دامت روزه

عجب اتفاق کرد که

آب غلبه میکرد و جاهل

خوبتر میگفتند بود

فرمان خدای تعالی

آن سنگ روان شد

موسی غلبه میگفت

تا آنکه جاهل از حق

اسرائیل بران

دیدند گفتند

اوست ندارد و اوست

انتخاب خدای را گویند

والله اعلم بالصواب

استعداد و تعلیم

با و اوست و اوست اعلم

و اوست اعلم بالصواب

و علم ندارد و قابلیت

آنها را در و اوست اعلم

تفسیر عثمانی

عنه لای و اوست

کنند که سبب ایضا

پیغمبران گردون

آبرو و جاهت پیغمبر

نزد الله تعالی بسیار

است با و هیچ کردند

نقص نرسد چه از

تعالی تا آنکه باری است

رسان را از پیغمبر خود

روی کند آری خط

خرابی عاقبت برای

شماست ببینید که

مردم به موسی علیه السلام

چهره بخدا و ازین

بار شدند

مگر الله تعالی از سبب

و جاهت و مقبولیت

او بهتر را باطل گردانید

به خفا و به عیب

بودن موسی علیه السلام

را با ثبات رسانید

در روایات است که

بعضی مفسرین بجهت

موسی علیه السلام

تصفت کردند که حضرت

بارون را بجهت برده

بقتل رسانیده است

خدا تعالی بیک طریق خلاق

الطاهره آنرا ترویج فرمود

بقدر برهان

بقیه صف ۳۲۷ - و در
 یحیی است که حضرت
 موسی از بهائیت حیار
 در برفان رواج مردم
 آنحضرت از مردم پنهان
 غسل می کرد - مردم گفتند
 که مبدل او دارای
 عیب است یعنی دل
 بر من دارد و یا خصمه
 او آمده - روزی
 حضرت موسی علیه السلام
 خواست بجزئ غسل
 کند لباس را از برکت
 به شئی بنهاد آن سنگ
 کالار اگر قدر کثرت
 حضرت موسی با و
 خود در عقب آن دیده
 سنگ در هاسیک مردم
 دیده توانست ایستاده
 شد - همه مردم موسی
 علیه السلام را برهنه
 و دانست که در وجود
 او عیبی نیست شاعری
 چو بگوشت کفر پو شد
 لباس بر او عیبی دیده
 به عیان را لباس
 عربانی داد - بعض
 مفسرین نوشته اند که
 قلدن بزنی یک مقدار
 پول داد تا نسبت به
 موسی عظیم قیمت بندد
 او در حقیقت مرد عالم
 نو که موسی علیه السلام
 را عیان داشت با وادی
 گرفتار است با و خیر
 حق تعالی قادر در
 در زمین فرو برده بزیان
 همان زن نزدیک آن
 تحت را نود چنانکه
 در سوره قصص
 گذشت (تنبیه)
 و دیدن موسی علیه السلام
 بحالت برهنگی در پی
 سنگ از سبب مجوس
 به اختیار بود و
 شاید این خیال هر بدش

الْآخِرَةُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۝ يَعْلَمُ مَا يَكُونُ فِي الْأَرْضِ فَمَا يُخْرِجُ مِنْهَا
 آخرت و اوست با حکمت ۲۱ میداند آنچه در می آید بر زمین و آنچه بر می آید از دس
 آخرت و اوست با حکمت ۲۱ میداند آنچه در می آید در زمین و آنچه بر می آید از دس
 وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ۝ وَقَالَ
 و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا می رود در دس و اوست مهربان آمرزنده و گفته
 و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا می رود در دس و اوست مهربان آمرزنده و می گویند
 الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِيَنَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَكُمُ الْعِلْمُ الْغَيْبِ
 کافران نخواهد آمد پیش ما قیامت بخوارست قسم پروردگار من البته خواهد آمد بشما پروردگار که دانسته بود منیده است
 مکران (کافران) نمی آید بر ما قیامت بخوارست (آری) قسم است به پروردگار من هر آنچه خواهد آمد بر شما پروردگار می آید
 لَا يُعْرَبُ عَنْهُ مُثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا
 غائب نمی شود از دس هم وزن ذره در آسمان ها و نه در زمین و نه
 غائب نمی شود از دس هیچ مقدار ذره در آسمان ها و نه در زمین و نه
 أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۝ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ
 خرد تر از آن و نه بزرگ تر مگر ثبت است در کتاب ظاهر تا جزا دهد آنان را
 هیچ چیز خرد تر از آن و نه بزرگ تر از آن مگر در کتاب آشکار است تا پا دادش دهد سانی را که
 آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ
 که ایمان آوردند و عمل با نیکو کردند آن جماعه ایشان را است آمرزش و روزی گرامی و آنانکه
 ایمان آوردند و کردند اعمال شایسته آن مردمان اند که برای ایشان است آمرزش و روزی گرامی و آنانکه
 سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ ۝ وَكَرَىٰ
 سعی کردند در رد آیات ما مقابل کنند آن جماعه ایشان را است عذاب از عذوبت در دهنده و سعی بیند
 سعی کردند در آیات های ما برای شکست دادن (مقابل کنند) آن مردمان را ایشان را است عذاب شدید و دانی می بیند
 الَّذِينَ أَوْسُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَكْذِبُ
 آنانکه داده شده است ایشان را علم چیزی را که خود آورده شده است از جانب پروردگار تو راست است و دلالیت کند
 آنانکه داده شده است ایشان را علم چیزی را که خود آورده شده است از جانب پروردگار تو راست است و دلالیت کند
 إِلَىٰ صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ
 بسوئی راه خدا غایب ستوده کار و گفتند کافران باید بگردانید دلالیت کنیم شما را بر
 بسوئی راه (خدا) غایب ستوده کار و می گویند کافران آیا دلالیت کنیم شما را بر
 رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا امْرَأَتُكُمْ كُنَّ فَسُوقٌ ۝ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝
 مردی که خبر می دهد به شما چون پاره کرده شود پاره کرده شود پاره شده است و اگر زن شما در آفرینش نو باشد
 مردی که خبر می دهد به شما چون پاره کرده شود پاره کرده شود پاره شده است و اگر زن شما در آفرینش نو باشد
 أَفَتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جُنَّةٌ مُبِلٌ ۝ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
 آیا بر بسته است بر خدا و در را یا با و جوسه است بلند آنانکه ایمان نمی آرند با آخرت
 آیا افتر کرده است بر خدا و در را یا با و جوسه است بلند آنانکه ایمان ندارند به آخرت
 فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ۝ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا
 در عذوبت باشند و در گمراهی دور اند آیا ندیدند بسوئی آنچه پیش روی ایشان است و آنچه
 در عذاب و در گمراهی دور افتاده اند آیا ندیدند (ندیدند) به آنچه پیش روی ایشان است و آنچه
 خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ شَأْنَهُمْ خَسِيفٌ ۝
 پس پشت ایشان است از آسمان و زمین اگر خواهیم فرو بریم ایشان را بر زمین یا
 پس پشت ایشان است از آسمان و زمین اگر خواهیم فرو بریم ایشان را بر زمین یا

نظر نموده باشد که سبب به جمعی رسیده موسی علیه السلام را ایستاده خواهد بود - در حرکت سنگ بطور عادی بود - بقیه بر عظمه ۳۳۳

والمی جواب سوال کنند
 وای کاش که پرسیده
 در سنی آن بودید ۴۲
 تفسیر عثمان
 بقیه ۴۲۹ محققین
 آثار قدسیه کتب بسیار
 بزرگ از عصر امرت
 الاشمه را بر دیوار کرد
 از "سدره" باقی نماند
 یافتند آن را از گنجینه
 این کتابی که در کربلا
 غایب است و او که در
 قرآن است معلوم شده
 اعظم حضرت شاهره
 میگوید که چون الله تعالی
 اراده فرستادن عذاب را
 فرمود و آن بنده کوشش
 بیاورد که بخواهد آب را
 کاوی و آب بیاورد که در
 دایره آب آب عذاب
 بریزد و آنکه در کربلا
 غیب داشت
 و این است
 که هر دو خانه
 است و میگوید (و اجتمع
 تعجبی لازم آید)
 یقیناً که از دور است
 و دیگری در غلغله است
 پس از دست که بگوید
 بعد از خود تا آن سخن
 در دست را بپذیرد
 این در محراب طافه الیق
 که می گفتند به دورتر
 از قدیم الایام بوده اند
 پس منقشه و مجاور
 نبردند و در آنجا
 خاطر نشان بود که یک
 یقیناً تنها کار کرده
 است در عدم عین
 آن یک حس خطاب
 حکمانه بهار بوده شد و این
 کینه در دماغه یقیناً
 غلط است اکنون از
 شنیدن دلائل فوق جود
 شایسته است که کدام
 یک به غلط است گویا
 باقی آن برتری سخن مذکور و امر حق واده بشود که نفس خود را بگذرد - ع این جار است و باقی خود را بگذرد و غرض از این است که نقطه عرب بکتابت

مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ ۖ وَإِنَّا أَوْ أَتَاكُمْ لَعَلَّ هُدًى أَوْ فِي

از جانب آسمان یا زمین باز بخود خدا میدهد و هر آنکه بیا شما بر هدایت یا در

از آسمان یا زمین نشان بدهد (یعنی که خدا میدهد و هر آنکه بیا شما بر هدایت یا در

صَلِّ مُبِينٌ ۖ قُلْ لَا تَسْأَلُونَنَا أَجْرَ مَنَاوَلَا نَسْأَلُكُمْ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝

نگارای ظاهر بگو سوال کرده نخواهد شد شمار از گناه ما و سوال کرده نخواهد شد ما از آنچه شما می کنید

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبَّنَا تَقِيَّتَهُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ۝

بگو جمع خواهد کرد پروردگار ما میان ما و شما براساس حق و اوست که گشاید و دانای

بگو جمع می کند پروردگار ما میان ما و شما براساس حق و اوست که گشاید و دانای

أَرْوِي الَّذِينَ الْحَقُّ بِهِ شُرَكَاءُ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْغَنِيُّ الرَّحِيمُ ۝

بناشد مرا آنکه ایشان را حاجت داده اید یا خدا شریک من نیست بلکه خدا بی نیازی و با حکمت و

مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا

نه فرستادیم ترا الا برای همه مردمان بشارت دهنده و هشدار دهنده و لیکن اکثر مردمان

يَعْلَمُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۝

میدانند و می گویند که بویاید این وعده اگر شما راست گوید

تَكُم مِّمَّ عَادِ يَوْمَ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ۝

شمار است وعده روزیکه باز پس نماند از آن ساعت و نه پیشدستی کنید

قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ

گفتند کافران ای سران هرگز باور نداریم این قرآن را و نه آن که پیش از وی بود

وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْجَعُ بَعْضُهُمْ إِلَى

و توبه نمی کنند اگر ببینی چون ستمگران ایستاده و بازگردانده میشوند نزد پروردگار و بعضی را به بعضی بازگردانند بعضی را به بعضی

بَعْضُ الْقَوْلِ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضْعِفُوا الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا وَالْوَلَا

بعض سخن را و بعضی گویند آنکه تاکنون گرفته شد ایشان را با آنکه ستمگر می گردند اگر نمی بودید

أَنْتُمْ لَكُمْ مَوَدَّةٌ ۝ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا الَّذِينَ اسْتَضْعِفُوا اسْتَضْعِفُوا

شما هر آنکه ستمگر می گردیدم گفتند ستمگران شما را و آنکه ستمگر می گردیدم ستمگر می گردیدم

أَيُّهَا بَارِئُ شِمَارِ الْأَبْدَانِ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ۝

ایا ما باز داشتیم شمار را از بدایت بعد از آنکه آمد شما بلکه شما بودید گناه کاران

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضْعِفُوا الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ۝

و گفتند ستمگران شما را بگویند ستمگران شما را و آنکه ستمگر می گردیدم ستمگر می گردیدم

عده دعای نبوت
پیغمبر و معجزات خوارق
او یادی از اسلام که آمد
شهر از انزل و بدر
از پیر جد اکنده یا قرآن
که در لسان تائید و تائید
میانه بجز جادوی
آشکارا چیز دیگری
نیست از سبب انباشت
عده از تعصب و غنا
منصرف شده بانها
داخل تمام خلایق
تعالی قیام کند چنانچه
جمع شده با هم بحث و
مشوره نمایند و بینهائی
نور کند و بسجده که این
رفیق شلای رسول
الذی مسلم که پیش از
چهل سال بین شما
زینت خود و حالات
جزئی و کلی او را از
طوفان پیش تابیده است
بچشم سر دیده آید و
است و دیات
صدق و عفاف
دین داریش
اورا امانت
بوده و در هیچ یک
مساله گامی الزام
نفسانیت و یا خود
غرضی بر عائد نکرده
اید آید و امانت که
میواند که انبیا با الله
بهرض چون مبتلا شد
و مردم را دشمن هم
دیگر ساخته است
آیا از دست دیوان
گان می آید چنین
سخنان حکمت گویند
آیا بخوبی می تواند برای
قوم خود این تقدیر
خواهی و لسی و سیر
لله اخروی و ترقی
دنیوی آنها چنین
دستور اصل بزرگ
تقدیم نماید و امانت
نظرات پس هرکس

فَالْيَوْمَ لَا يَسْأَلُكَ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ
پس امروز نمی گویاندر بعضی شما برای بعضی نفع و ضرر را و می گوئیم
ظلموا ذوقوا عذاب النار التي كنتم بها تكذبون و اذ انتل علیهم
ستم گران بپوشید عذاب آتشی که شما آنرا دروغ می پنداشتید و چون خوانده میشود بر ایشان
اینها بپوشید عذاب آتشی که شما آنرا دروغ می پنداشتید و چون خوانده میشود بر ایشان
آیات مار و شمشیر آمده گویند بایکدیگر نیست این بیخبر سرگردان که بخوابد که بماند و شمارا انا بچه
آیت بای مار و شمشیر گویند نیست این شخص مکر مدعی است می خواهد که باز دارد شمارا از آنچه
یستندید بدان شما و گویند نیست این مکر مدعی بر بانه و گویند کافران
عبادت می کردند بدان شما و گویند نیست این (قرآن) مکر مدعی بر بانه و گویند کافران
للحق كما جاءهم ان هذا الا سحر مبين و ما آتینهم من كتب
سخن راست را چون برسد بایشان نیست این مکر مکر ظاهر و ندادیم مشرکان عرب را کتابها
سخن حق را چون برسد بایشان نیست این مکر مکر جادوی آشکارا و ما ندادیم انرا برای کتایب
بدر رسوای ما ارسلنا اليهم قبلك من نذير و كذب الذين
که بخوانند آنرا و نه فرستادیم بسوی ایشان پیش از تو هیچ ترساننده و دروغ داشتند آنرا
که بخوانند آنرا و نه فرستادیم بسوی ایشان پیش از تو هیچ ترساننده و نکذیب کردند آنرا
من قبلهم و ما بلغوا عتبارا و آتینهم فكلوا بوارسلي فكيف
پیش از ایشان بودند و نرسیدند (ایشان) به ده یک آنچه که داده بودیم ایشان را و پیش از آنکه بدست میزدیم ایشان را پس چگونه
پیش از ایشان بودند و نرسیدند (ایشان) به ده یک آنچه که داده بودیم ایشان را و پیش از آنکه بدست میزدیم ایشان را پس چگونه
كان نكير قل انما اعطاكم بواحدة ان تقوموا لله مشركا
بوده عقوبت من بگو جز این نیست که بپوشید برای خدا و گان و گان و
انكارا عقوبت من بگو جز این نیست که بپوشید برای خدا و گان و گان و
فرادی شت تفكر و اقام صاحبكم من جنه طان هو الا نذير
یک یک باز تامل کنید که نیست این شما هیچ جوئی نیست او مکریم کننده
یک یک باز تامل کنید که نیست این شما هیچ جوئی نیست او مکر ترساننده
لكم دين يدي عذاب شديد قل ما سألکم من اجر فلو
برای شما پیش از آمدن عذاب سخت بگو آنچه سوال کرده باستم از شما جیس نزد پس آن
برای شما پیش از آمدن عذاب سخت بگو آنچه سوال کرده باستم از شما جیس نزد پس آن
لكم ان اجرى الا على الله وهو على كل شئ شهيد قل
شمار است نیست مزد من مگر بر خدا واد بر همه چیز جبر دار است بگو
برای شماست نیست مزد من مگر بر خدا و نزد اوست هر چه بخواهد بپوشد جبر دار است بگو
ان ربي يقذف بالحق علام الغيوب قل جاء الحق و ما
بر آید برود و کار من بجز تائید علم غیب می راست را آن پروردگار دانسته پویشیده بگو آمد حق راست و
(بر آید برود و کار من بجز تائید علم غیب می راست را آن پروردگار دانسته پویشیده بگو آمد حق راست و
يدي الباطل و ما يعبد قل ان ضللت فاني اضل على
آفرینش بوی کند جزو باطل و نه دیگر بار آفریند بگو اگر گمراه شدم پس جز این نیست که گمراه می شوم
پدید آمده می تواند دروغ بپوشد و نه عاده کرده می تواند دروغ بپوشد و نه عاده کرده می تواند دروغ بپوشد (پس جز این نیست)
نظرات پس هرکس

عَسَىٰ وَإِنْ اهْتَدَيْتَ فِيمَا يُرْسِي إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ وَلَوْ

نفس خویش و اگر راه یا کم پس بسبب آنست که در حق فرستاده بگویند من پروردگار من بر آئینه و سه شوقا نزدیک است و عسی اگر

تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَاقَتْ وَأَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ وَقَالُوا آمَنَّا بِ

بینی چون معطر پش شوند پس بنام خدا از عذاب خلاص شدند و گرفته شدند از هر جانب نزدیک ملک و گویند آنجا ایمان آوردیم بقرآن

وَأَنَّ لَهُمُ التَّنَاقُوسَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ

و از کجا بود ایشان را بدست آوردن ایمان از جائی دور یعنی محال شد و حالانکه کافران را بقرآن پیش ازین و

يَقْدِرُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ وَجِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا

نیازند و در نادیده از مکان دور و جدای افکنده شد میان ایشان و میان آنچه

يَسْتَمِعُونَ كَمَا فَعَلَ بِالشَّيْبَانِ مِنْ قَبْلِ أَنَّهُمَا كَانُوا فِي شَكٍّ قَرِيبٍ

کی خواستند چنانچه کرده شد با مثال ایشان پیش ازین هر آینه ایشان بودند در شک خوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا بخواند میسران

الحمد لله فاطر السموات والأرض جاعل لکم لکمکة رسلا ولی اجنبکم

بدرستای خدا تراست آفریننده آسمانها و زمین سازنده فرشتگان را پیغمبران را زنده ایشانرا خداوند باز در

مَنْزِلَةٍ وَتِلْكَ وَرَبِّكَ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

بازوگان دوگان و سه گان و چهار گان و چارگان چارگان زیاده می کند در آفرینش هر چه خواهد هر آینه خدا بر هر چیز

قَدِيرٌ مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهُمَا وَمَا يُمْسِكُ

تواناست آنچه گشاده سازد خدا برای مردم از رحمت پس هیچ بند کننده نیست آنرا و آنچه باز بند کند

فَلَا مُمْسِكُ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ادْكُرُوا

پس هیچ گشاده سازنده نیست آنرا بعد از آنچه بفرستد و او است غالب با حکمت اے مردمان یاد کنید

نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ

نعمت خدا را بر خویش آیا هیچ آفریننده هست غیر خدا روزی میدهد شما را از جانب آسمان

وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَىٰ تَوْفَقُونَ وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ

درین نیست هیچ معبود مگر او پس از کجا گردانیده می شود و اگر بدو ع نسبت کنند ترا پس هر آینه

كَذَّبْتَ رَسُولًا مِنْ قَبْلِكَ وَاللَّهُ يَرْجِعُ الْأُمُورَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ

بدو ع نسبت کرده شد چنانچه ایمان پیش از تو و بسوئی خدا باز گردانیده میشود کارها اے مردمان

نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ

نعمت دروغ کرده شده یه چنانچه ایمان پیش از تو و بسوئی خدا باز گردانیده میشود کارها اے مردمان

فل یعنی گرفته شوند
آسانی ۱۲ و این
نظیر میگویند ۱۲-
تفسیر عثمانی
عسی اگر من این را
بدرستای خدا از عذاب خلاص
خودم برپا کرده ام پیش
از چند روز و هم میگویند
و چیز بخاری من تمام
نی شود یعنی عداوت
و نیاز بدو ش خود
گرفتن دولت همه
داستان و رسوایی آخرت
را بدین فتن را بسیار
باید (لیکن اگر
من بر راه راست
۱۲ هستم چنانکه فی الواقع
می باشم بدانند که
این همه از تائید
و امداد حضرت
رب العزت و از برکت
و تداومی الهی است
که هیچ وقت مرا ترک
نمی کند خدا می بیند
چیز را را میشوند و از
هر کس من نزدیک
تر است و بیشتر من
مدد خواهد فرمود خداوند
پیشا قرآن خود را در
دینار و شوق خواهد کرد
خواه شایان را قبول
کنند یا از انانیا
نامیدر عده در
آلوقت خواهند گفت
که سخنان پیغمبر را باو
نمودیم اکنون ایمان
می آید حال آنکه ایمان
آوردن آنوقت فایده
ندارد آنوقت از رحمت
وقت که ایمان آورده
خود را اجتناب میدارند
اکنون بین ایشان
و ایمان فاصله
و نداشت آنها کجای
نوازند بطرف ایمان
راه یابند مطلب
این است که ایمان مقبول و مخفی آن است که پیش از مرگ در دنیا حاصل شود - در آخرت چون پنجم صریح بینند همه باوری کنند در این هیچ کمال و مزیت نیست ۱۲

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرُّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرُّكُم بِاللَّهِ

بر آئینه و عده خدا راست است پس فریفته نگذارند شما را زندگی دنیا و نه فریب دهد شمار را بتبت خدا

الْغُرُورُ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا وَالْطَّيِّبَاتُ لِلْغَايِبِ

شیطان فریب دهنده هر آینه شیطان شمار را متبت دشمن پس دشمن گیرید و او را دشمن جز این نیست که عیبه گزیده خود را

لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

تا باشند از اهل دوزخ آنانکه کافر شدند ایشان را است عذاب سخت و

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

آنانکه ایمان آوردند و کردند عمل پاك شالسته ایشان را است آمرزش و مزد بزرگ آنانکه آید راست کرده و

لَهُ سَوْءٌ عَمَلُهُ قَدْ أَهْلَ حَسَنَاتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ يُفْضِلُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ

برای او عمل زشت او پس نیک دید آنرا مثل بومن بهای پاك پس بر آئینه خدا گمراه هر که خواهد و راه بنماید هر که را

يَشَاءُ وَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا

خواهد پس باید که پاك نشود نفس تو بر ایشان اندوهی دروغ بر آئینه خدا داناست

يَصْنَعُونَ وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيُنْزِلُ بِهِ الْمَاءَ

ی کند عده و خداست که فرستاد باد باران پس بر آئینه آن باد باران پس روان کردیم ابر را بسوی شما

مَنْ كَانَ مِنَ الْمُتَكِبِينَ يَمُوتُ كَذَلِكَ النُّشُورُ

مردی که از متکبران است پس زنده سا ختم بان ایزد زمین را بیدار کرده بودن آن هم چنین خواهد بود بر اینچنین مردگان هر که

يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ط إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ

خواهد از چندی پس خدا را است از چندی بهر یک جالبوسه او بالا میرود سخن پاک و کار

الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

صالح بلندی گرداند مثل خدا و آنانکه می اندیشند فتنه ایشان را است عذاب سخت و

لَكُمْ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفٍ ثُمَّ

بدانند یعنی آتش بلبل ناپود خود و خدا آفرید شمار را از خاک باز از نطفه باز

جَعَلَكُمْ مِنْ زَبْءٍ وَاجْتَمَعُوا مِنْ أَنْتُمْ وَلَا تَضَعُوا الْأَعْيُنَ وَلَا تَعْمُرُوا

گردانید شمار را جفت مردوزن و در ششم بر نیندازد و زنی و نه میزاید مگر بعلم خداوند گمانی شود

مِنْ مَعْبُودٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عَمْرٍ إِلَّا فِي كُتُبٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ

یعنی خود از عمری و کم کرده نمی شود از عمری الا ثبت است در کتاب هر آینه این کار بر خدا

ساده آیا آن شخصی که

شیطان در نفوس

کار بد را خوب انمود

کرده است مساوی

آن شخص شده میتواند

که نفس الهی را شایل

حال او گردیده و

بدان و سلب خوب و

بد را از هم تمیز داده

نیکی را با نیک دیدی را

بدی میدانند چون

هر دو برابر

نیتند چگونه

ممکن است که

سراخام برود مگر

شود بر عاده نیاید

خیال کرد که آدمی چنان

دید داشته بدی را

نیکی خواهد شمرد که خدا

تواند خواهد که شخصی

را بنا بر سود استعداد

و اختیارش گمراه کند

مقلد نمک و شقلب

و از گون شود و چون

شده از بس که

استعداد و اختیار

بخواهد بهدایت

را بخون شود و هیچ

شیطان قدرت و

مجال ندارد که او را

براه غلبه برود یا

سخن نمکوسد یا و

لغبانند بهر حال شخصی

که با خواهی شیطان

بدی را می داند هر را

ترقیان داشت هرگز

فی توان متوق بود

که چنین گمراهی براه

راست بیاید چون

چنین نیست و نیز

سلسله هدایت و

صلوات همه تابع

مشیت و طاعت ایزد

متنازل است در غم

این میانند و فتنه

و دیگر سخن گمن و در

فکر آنچه را می بیند و در

مَنْ فَضَّلَهُ اللَّهُ غُفُورٌ شَكُورٌ ۝ وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنْ

از فضل خود بر آینه او آمرزنده قدر دانست و آنچه که فرستادیم بسوی تو از

از فضل خود بر آینه او است آمرزنده قدر دان و آنچه که فرستادیم بسوی تو

الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ

کتاب حق است راست باور دارنده آنچه پیش از دیت بر آینه خدا به بندگان خود خبر دار

بَصِيرٌ ۝ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا

بیناست باز میراث دادیم قرآن را پاناکه برگزیدیم ایشان را از بندگان خود و

فِيهِمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ ۝ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ ۝ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ

بعض ایشان ستمگار است بر نفس خود و بعض ایشان میان دوست و بعض ایشان سبقت کننده است

بِالْخَيْرَاتِ ۝ يَذُنُ اللَّهُ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ۝ جَنَّاتُ عَدْنٍ

بسته علی با حکم خدا این است فصل بزرگ بوستان باغ بهشت ماندن

يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ

در آیند آن جا زور داده شود ایشان را از بجا از قسم دست و پاهای طلا و زیور داده شوند مرد و اید لباس ایشان

فِيهَا خَيْرٌ ۝ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ ۝

آنجا خیر است و گفتند بجز ستایش خدا تراست که دور کرد از ما اندوه را

إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ۝ وَالَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ

بزرگوار پروردگار ما آمرزنده قدر شناس است آنکه خود آورد ما را بسرای بهشت ماندن از

فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا الْغُوبُ ۝ وَالَّذِينَ

فضل خود نرسد ما را در آن رنج و نرسد ما را در آن ماندگی و آنرا که

كُفِرُوا وَلَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ

کافر شدند ایشان راست آتش دوزخ نه حکم کرده شود بر ایشان تا بمیرند و نه سبک کرده شود

عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَٰلِكَ يُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ بِصُطْرٍ خَوْفٍ

از ایشان چیزی از عذاب دوزخ هم چنین سزا میدیم هر نامیاس را و این دوزخ فریاد کنند

فِيهَا ۝ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذَا عَمَلِ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۝ أَفَا

در آنجا که بپروردگار ما بیرون آر ما را تا بکنیم کار شایسته بجز آنچه می کردیم

كُنَّا نَعْمَلُ ۝ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذَا عَمَلِ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۝ أَفَا

در آنجا که بپروردگار ما بیرون آر ما را تا بکنیم عمل نیکو غیر از عملی که می کردیم

كُنَّا نَعْمَلُ ۝ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذَا عَمَلِ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۝ أَفَا

در آنجا که بپروردگار ما بیرون آر ما را تا بکنیم عمل نیکو غیر از عملی که می کردیم

كُنَّا نَعْمَلُ ۝ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذَا عَمَلِ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۝ أَفَا

در آنجا که بپروردگار ما بیرون آر ما را تا بکنیم عمل نیکو غیر از عملی که می کردیم

ول یعنی از پیغامبر
معلم بارت محمد پیر سید
والله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
عبد الله بن عباس
است و اگر بهرست بخوبی
از هیچ اشکان بهتر و
برتر است و از ایشان
کتاب ساخت البتة
افرادیکان نیستند چه
از آنجا که آنان اندک با
وجود ایمان آلودن
مصحح مبتدیان گناه اند
زاین است «طالم
لنفسه» و نیز آنانند
که با عدل و دیندار
رفتار دارند و غرق گناه
اند و بزرگ و بی حی
باشند و آنجا را مقصد
نامید و طالع از آن
بندگان کامل است که
بفضل و توفیق خداست
تو را در مقام آورده
نیکی با سایر می کنند
و در تحصیل کمال از
مقتصدین پیش میرند
چیزهای سبب را هم
ترک نمی کنند و از
خوف گناه از کفر و فسق
بیکه بعضی مباحات
نیز بر میز می کنند -
بزرگی و فضیلت اعلی
نقطه بهره ایشان است
با وجود این تفاوت همه
را از یک جنیت از
جمله بندگان برگزیده
خویش شمرده و هر یک
دوره بدرجه ابله نیست
اند که بهر کاری که بخواهند
باشند بالاخر حقایق
وقت به جنت می رود -
در حدیث فرموده که
گناه کاران و اموال است
یعنی عاقبت الامر صفای
خواهد شد و گناهان
روی اختیار کرد

است و کسی که سابقه پرداخت نیت به هر گوی سبقت بود باید دانست که این دو مثال کریم است و در بارگاه وی هیچ کس نیست ۱۲

فی یوم یزید خدا
تغیر عثمانی
عنه این جا
بیدار خیاں داده میشود
بیشمار قتل و کشتن
داده بودیم که به آن فکر
میکردید و هر کافری که از حق
نموده بودیم که اگر در
دوران آن اراده فکری
میداشتید تا نیک
دیده و بفرموده راه راست
را میسر است یا اعتبار
کنید حق بسیاری از
شما بعد از سن شصت
و هفتاد سالگی میگردند
بر عیال و چنان اشخاص
و حالات نزد شما فرستاده
شد که شمار از آنجا
به بترسانند از خوف
غفلت بیدار کنند
آیا بعد از این چه میفرمود
باقی مانده است ؟
آنکه برای ابد الایمان
مرد عذاب را بچشید
از هیچ طرف توقع مدد
نکنید - عه اوستایی
بسیج احوال و احوال
پنهان و آشکار کنید
خود آگاه بوده و از آگاهی
دل دار امیدانزیت
و استعدادهای کس از
پیشیده نبوده و موافق
آن با هر شخص حال
میکنند و این را هم
میدانند که مردمانیکه بر
تخلیص خود فریاد و
زاری می کنند که
دو باره چنین خطبه
مرتب می شود در
دعای خود در مکه و مدینه
چه اگر مقتدا بار بپوش
رجعت داده شوند از
شرارت خود باز نمی
آیند - زیرا طبیعت
ایشان چنین است
" و در دو انوار

قَدْ وَفَّقْنَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ مَّصِيرٍ ۝ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ
پس آنچه را که برای ستمکاران را بپوشید و یاری دهنده
پس بپوشید (عذاب را) پس نیست ستمکاران را بپوشید و یاری دهنده
وَالْأَرْضُ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ
و زمین است هر آنچه را که در دانات میگویند پس
و زمین است (هر آنچه را که در دانات است به آنچه در سینه است همه اوست که در دانات است شمار
خَلِيفَ فِي الْأَرْضِ ۝ مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ ۝ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ
جانشین در زمین پس هر که کافر شود بر وی است هر که کافر است و نمی افزاید
جانشین را در زمین پس هر که کافر شود پس بر وی است هر که کافر است و نمی افزاید کافران را
كُفْرَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۝ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ
کفر ایشان نزد یک پروردگار ایشان کفر عقوبت را و نمی افزاید در حق کافران کفر ایشان
كَفْرَتِهِمْ ۝ نَزْدُورُ دِ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ ۝ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ
کفر ایشان نزد پروردگار ایشان کفر عقوبت را و نمی افزاید کافران را کفر ایشان
الْأَخْسَارُ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ
مگر زیان را بگو آیا دیدید شریکان مقرر کرده خود را آنگاه که پرستید موانع
مگر زیان بگو آیا دیدید شریکان خود را آنگاه که می پرستید بجز
اللَّهُ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ ۝ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ
خدا بنمایند مرا چه چیز آفریده اند از زمین آیا ایشان راست میگویند در آسمان یا
الَّذِينَ بَنَاهُمَا ۝ چه چیز آفریده اند از زمین یا ایشان راست میگویند در آسمان یا
أَمْ أَتَيْنَهُمْ كِتَابًا فَمِنْهُمْ عَلَى بَيِّنَةٍ ۝ بَلْ أَنْ يَعْلَمُ الظَّالِمُونَ بَعْضَ
نه بلکه آیا دادیم ایشان را کتابی پس ایشان بر حجت اند از آن بلکه وعده نمیدادیم ستمکاران بعضی از ایشان
یا داده ایم یا ایشان کتابی را که اجازه میدهد بشریک قرار دادن ایشان پس ایشان بر حجت اند از آن (نه چنین است) بلکه وعده نمی دهنیم ستمکاران
بَعْضُ الْأَعْمُرِ ۝ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا
بعضی را مگر بطریق رفیق پس هر آنچه خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را از آنکه از جای خود بلند
بعضی را مگر از دوی فریب هر آنچه خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را از آنکه از جای خود زایل شوند
وَلَكِنْ زَالَتِ الْأَنْفُسُ مِنْهُمْ ۝ أَحَدٌ مِنْ بَعْدِهِ ۝ إِنَّ اللَّهَ كَانَ حَلِيمًا
و اگر بلند نگاه ندارد این پروردگار را بپوشد پس بعد از خداست
در قسم است اگر زایل شوند نگاه نمیدارد آن را بپوشد پس بعد از دوی هر آنچه اوست بر دوی
عَفْوًا ۝ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ ۝ لَيَكُونُنَّ
آمرزگار و قسم خودند بخدا سخت ترین قسم هائے خود که اگر بیاید یا ایشان ترساننده البته خواسته بود
آمرزگار و قسم بخودند به الله سخت ترین قسم هائے خود که اگر بیاید یا ایشان ترساننده هر آنچه خواسته بود
أَهْدَى مِنْ أَحَدٍ ۝ الْأَمْسُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ
راه یافته ترا از هر یک است پس چون آمد بایشان ترساننده زیاده نکرد و حق ایشان
راه روند ترا از هر یک است یا چون آمد بایشان ترساننده زیاده نکرد و حق ایشان را
الْأَنْفُورِ ۝ اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ ۝ وَكَرَّ السَّيِّئُ طَوَّلًا ۝ حَقِيقٌ
مگر مغروران را بسبب سرکشی در زمین و حیل اندیشیدن برای کار بد و احاطه نمیکند
مگر لغت از حق دانند و سرکشی در زمین و حیل اندیشیدن برای کار بد و احاطه نمیکند
الْمَكْرُ السَّيِّئِ ۝ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۝ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ
و بل بدانند شیعه هیچ مگر باطل او پس متکرر نیستند مگر آیین عقوبت پیشینیان را
فریب بد مگر باطل او پس استغفار ندارند مگر مکرر عقوبت پیشینیان را

فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا

پس نخواهی یافت آیین خدا را تبدیلی و نخواهی یافت آیین خدا را تحویلی

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ

آیا سیر نکردند در زمین تا به بینند چگونه شد سرانجام آنانکه پیش از

قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانَ اللَّهُ لِيُخْزِيَهُمْ مِنْ شَيْءٍ

ایشان بودند و آن جماعه بودند زیاده تر از ایشان در قوت و دیر گزینست که عاجز کند خدا را چیزی را

فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا وَلَوْ يَوَدُّ أَحَدٌ

در آسمان ها و نه در زمین هر آینه او هست دانای توانا و اگر گرفتار کردی

اللَّهُ النَّاسُ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكُ عَلَى ظُهُرِهِمْ مِنْ ذَنْبِهِمْ وَلَكِنْ يُوْخِرُهُمْ

خدا مردان را بسزائے آنچه می کردند نذاشته بر پشت زمین هیچ جا ویران و لیکن موئف می دارد ایشان را

إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا

تا مسمیاء معین پس چون آمد میعاد ایشان پس هر آینه خدا هست به بندگان خود بینا

سَوَاءٌ كُنْتُمْ مَكِيدِينَ قُلْ ثَلَاثَةٌ وَشِيعَانُونَ أَلَمْ يَكُنْ مِنْكُمْ مَنْ مَقُولًا

رَبِّ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا بخشنده مهربان آغاز می کنم بنام خدا سید بے اندازه مهربان نهایت بار خد است

يَس ۝ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ۝ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ عَلَى صِرَاطٍ

تسم بقرآن با حکمت هر آینه تو از پینا مبلوئی بر راه تسم بقرآن با حکمت که هر آینه تو از رسولانی بر راه

مُسْتَقِيمٍ ۝ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ۝ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتُوا

راستی مراد کو ارم فرو فرستادن غالب مهربان تا بترسانی قومی را که ترا ننیده شده اند

أَبَاؤَهُمْ قَوْمٌ مُّغْفِرُونَ ۝ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ

پدران ایشان پس ایشان غافلان اندول هر آینه ثابت شد وعده عذاب بر اکثر ایشان پس ایشان

لَا يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلًا فَبُهِتُوا إِلَى الْأَذْقَانِ

ایمان نمی آرند هر آینه ساجیم در گردن ایشان طوقها پس آن طوقی را تا زنجیر باشند

فَهُمْ مُّقْدَحُونَ ۝ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ

پس ایشان سر بر بالا کرد گزند و ساجیم پیش روی ایشان دیوار و

بَيْنَ يَدَيْهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا

ول یخبر ربی بکلی
این بجهت بیخبر نشد
بود ۱۲- تفسیر عثمانی
ع اگر در مقابل هر
گناه جزئی روان را
مواخذ کند هیچ ذی
روح بر سطح زمین باقی
نماند یعنی تا فران باز
سبب تا فرانی خود تبار
شوند و فرمان برداران
کامل که عادت تا فرار
آنها بسیار کم است
از سبب تلف تو گویند
زیرا عالم را نظامی
است که زندگانی چند
انسان صالح و جانی
نگه بخلاف حکمت
است چون این
در طبقه مردم بلی
از زمین تو گویند
کام نظیری بر آن
نگه داشتن حیوانات
هم باقی نماند زیرا در
آنها و حتی تمام عالم
برای همین حضرت
انسان است شاید
مولا شایسته احد صاحب
رحم الهی پس تفصیل
که در وجه ملازم گفته اند
که تفسیری اظهار
یافته باشند اما غامض
مفهوم و در وجه ملازم
چنین نوشته اند که
اندک تا فران بسبب
تا فرانی و فرمان بردار
و در ابواب اسطوخودوس
عصیان غاصبان که
کرده میفرستند عذاب
قرآن کریم به کمال شرف
اعجازی و تعلیمات پر
حکمت و مضامین
عالی یک شاهد قوی
است بر این که پیغمبر
ای که آنرا آورده
یقیناً فرستاده خدا
و به شک و شبهه

فلترجم کوبد این
هر دو آیت تفسیر
ست یا س ایشان را
از شافعی حق ۱۲
و تفسیر از اعلیٰ خیر
و شرافت یعنی لوح
محفوظ ۱۲-
تفسیر عثمانی
عنه این قریه نزد اکثر
نویسندگان شهر
الظاهر میباشد
و در مملکت شام
است و در باب
هشتم و یازدهم
کتاب اعلان
را تخیل
شبهه ۱۸
شهر الظاهر بآنند
تفاوت میان شافعی
است لیکن این کثیر
در حدیث از حدیث
تاریخی و از روی
سابق قرآن بران
بعضی اعتراضات
کرده است - اگر
آن اعتراض با هیچ
باشد باید قریه دیگری
را تسلیم نمود - و الله اعلم
بیان این قصه برای
مؤمنین بشارت و
برای مکذبین عبرت
می باشد و نام
بائے ایشان را نمی
توان بطور صحیح تعیین
نمود و نه بطور یقین
می توان گفت که این
باستحقاق فرستادگان
الذات تعالی بود و یا
بواسطه پیغمبری حکم
شده بود که بطور انبیا
از به فلان قریه بروند
برود احتمال است
مگر متبادر و قریب به
قیاس میسر است که
پیغمبران باشند شاید
بیش از حضرت مسیح
علیه السلام بعثت شده باشند

خلفهم سداً فأغشى بينهم فلم لا یبصرون ۹ وسواء علیهم
پس پشت ایشان دیوار سیاه شد و بیندیشید و پس ایشان را هیچ نمی بینند
غیب ایشان دیواری پس پرده انداختیم بچشم بایست ایشان پس ایشان را هیچ نمی بینند
و لیکن است بر ایشان

أندرتهم أم لم تنذرهم لا یؤمنون ۱۰ إنا ننبئهم من تبع
که ایم کنی ایشان را یا ایم کنی ایشان را یا ایم کنی ایشان را یا ایم کنی ایشان را
که بر سر ایشان را یا بر سر ایشان را یا بر سر ایشان را یا بر سر ایشان را
جز این نیست که می ترسائی آن را که پیروی

الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشره بغفره و أجر کبیر ۱۱ إنا
پس ذکر و ترس از خدا غایبانه پس بشارت ده او را بامرزش و مزد گرامی هر آینه ما
کنند و ترس از رحمن بدون دیدن پس بشارت ده او را بامرزش و مزد گرامی هر آینه ما

نحن نوحی الوحی و نکتب ما قد موأناهم و کل شیء احصیناه
زنده می گردانیم مردگان را و می نویسیم آنچه پیش فرستادند و می نویسیم نقش را قدم ایشان را و هر چیز را احاطه کردیم
زنده می گردانیم مردگان را و می نویسیم آنچه پیش فرستادند و می نویسیم نقش را قدم ایشان را و هر چیز را احاطه کردیم

فی امام مبین ۱۲ و اضرب لهم مثلاً أصحاب القرية إذ جاءها
در کتاب ظاهر و در میان کن برای ایشان داستان قصه اهل دیه چون آمدند بآن دیه
آنها را مثل (در قرآن) در میان کن برای ایشان یک مثل مردان آن قریه مسود شده چون آمد به آن ده

المرسلون ۱۳ اذ ارسلنا الیهم اثین فکذبوا ثم ارسلناهم فکذبوا
پس ما بران آنها را فرستادیم بیوسه ایشان دو س را پس بدو فرستادیم که بشارت ایشان را پس بشارت ایشان را پس بشارت ایشان را
فرستاده شدگان را و آنها را فرستادیم بیوسه ایشان دو س را پس بدو فرستادیم که بشارت ایشان را پس بشارت ایشان را پس بشارت ایشان را

إنا الیکم مرسلون ۱۴ قالوا ما أنتم إلا بشر مثنا لا و ما نزل إلکم من
هر آینه ما بیوسه شما فرستادیم که بشارت ایشان را پس بشارت ایشان را پس بشارت ایشان را
هر آینه ما بیوسه شما فرستادیم که بشارت ایشان را پس بشارت ایشان را پس بشارت ایشان را

من شیء إنا أنتم إلا کذابون ۱۵ قالوا ربنا علم إنا الیکم
هیچ چیز نیستید شما مگر دروغ گو گفتند آن سلف پروردگار ما می داند که هر آینه ما بیوسه شما
هیچ چیز نیستید شما مگر دروغ گو گفتند آن سلف پروردگار ما می داند که هر آینه ما بیوسه شما

لکم رسولون ۱۶ و ما علینا إلا البعۃ النبین ۱۷ قالوا إنا تطیرنا بکم
فرستادگانیم و نیست بر ما مگر پیغام رسانیدن ظاهر گفتند هر آینه ما مشوک بدگریم پس شما
فرستاده شدگانیم و نیست بر ما مگر پیغام رسانیدن روضه گفتند اهل قریه هر آینه ما فانی بدگریم پس شما

لین لم تنهوا الذرۃ منکم و لیس منکم مناعذاب الیم ۱۸
اگر باز نمیدانید سنگسار کنیم شما را و البتہ برسد بشما از جانب ما عقوبت درد دهنده
اگر باز نمیدانید (ازین کار) هر آینه سنگسار کنیم شما را و البتہ برسد بشما از عذاب درد ناک

قالوا طاعکم معکم این ذکرتم بل أنتم قوم مسرفون ۱۹
گفتند شگون بد شما همراه شماست آیا اگر میزداد و شوم شما را بر شگون بد عمل کنید بلکه شاکر و س از حد گذشتید اید
گفتند فرستادگان نال بد شما همراه خود شماست آیا اگر میزداد و شوم شما را بر شگون بد عمل کنید بلکه شاکر و س از حد گذشتید اید

وجاء من أقصا المدینة رجل یسوع قال یقوم اتبعوا
و آمد از دورترین محلهای آن شهر مردی از شهابان گفت ای قوم من پیروی کنید
و آمد از ختلهای آن شهر مردی که میدوید گفت ای قوم من پیروی کنید

المرسلین ۲۰ اتبعوا من لا یسئلكم اجرا و هم مهتدون ۲۱
ان پیغامبران را پیروی کنید کسی را که نمی طلبد از شما هیچ مزدی و ایشان راه یافتگان اند
فرستادگان را پیروی کنید کسی را که نمی طلبد از شما هیچ مزدی و ایشان راه یافتگان اند

و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم

و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم

و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم

و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم

و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم

و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم

و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم

و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم

و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم

و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم
و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم و لفرقتهم یزیتهم

ملک بن پیش از
انفصال رفته اند
۱۲ و بنی شتر و کر

گدن ۱۲
تفسیر عثمانی

عنه آفتاب راه مقبره
خوش را منتظر نماید
و بقدر یک دقیقه یک
انگشت هم از آن میخیزد
و شام خورشید شود و انقطاع
که بدان معروف است
باز بنی الیست و در گوش
شب روز در حرکت
سالیانه خود منازل
معینه و مقربا احتما
طی می کنند پس هرگاه
خداوندی دردی در حق
را از آنجا مشرور می
کند این نظام تا تزیین
قیامت بهین طریق
جریان دارد و نگاه
وقتی فرارسد که با و
حکم داده میشود که از
مغرب برگردد و این
بهان دقتی است که در
های توبه را می بینند
و مکاشفه حق الحریف
الصحیح حقیقت این
است که تمام این نظام
طلوع و غروب آفتاب
از طرف آن نفل توانا
و با خبر بر پاشده است
که با هیچ کس انتظام
او غلبه دارد و هر که
و نیز برکت و دانای
او انتقادی گرفته اند
بر وقت و هر طور که
خودش اراده کند که
این نظام را برهم
در هم ناید کسی بحال
انکار ندارد و عهده
حضرت شاه صاحب
در حمه الله در باب
تعبیر لا اله الا الله
لهم ان تدرك القرء
نکته بیان می نماید که
و قیامت و آفتاب در آخر ماه یکجا می شوند و آفتاب را میگرد

وَمَا لَا يَعْلَمُونَ ۵ وَآيَةُ لَهُمُ اللَّيْلُ ۵ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَاذَاهُمْ

و از آنچه ایشان نمیدانند و نشانه هست ایشان را شب باشد و شب می کشیم از آن روز را پس ناگهان ایشان را
و از آنچه نمیدانند و یک نشانه است برای ایشان شب می کشیم از آن روز را پس ناگهان ایشان را

مُظْلِمُونَ ۵ وَالشَّمْسُ بَجَرَى لِمَسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ

تاریکی آیندگان باشند و آفتاب میزد و بر آیه که قرارگاه و لیست
تاریکی باشند و آفتاب میزد و بقرارگاه خود این است اندازه غالب

الْعَلِيمُ ۵ وَالْقَمَرَ قَدْ رَدَّ مِنْ مَنَازِلِ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ۵

دانا و ماه مقرر کردیم بر آن و منزل را تا آنکه باز گردد بشکل شام کهنه
دانا و برای ماه مقرر کردیم منزل با تا آنکه باز گردد و مانند شام کهنه خوشه خرا

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ تُسَابِقُ النَّهَارَ وَكُلٌّ

نه آفتاب می رسد و نه ماه در مسافت است که در یابد و نه شب سبقت کننده است بر روز و هر یک
نه آفتاب را مسافت است که در یابد و نه شب سبقت کننده است بر روز و هر یک

فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۵ وَآيَةُ لَهُمُ أَنْ نَأْتِيَهُمُ الْفُلْكَ

از آفتاب و ماه دستار در آسمانی سیری کنند و نشانه هست ایشان را که ما بر آید استیم قوم بنی آدم را در کشتی
در مدار خود شنا می کنند و یک نشانه است ایشان را که ما بر آید استیم قوم بنی آدم را در کشتی

الْمُشْحُونِ ۵ وَخَلَقْنَا لَهُمُ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ۵ وَإِنْ نَشَأْ غَرَقْهُمْ

پیر کرده شده و آفریدیم بر آن ایشان اند کشتی آنچه سواری شوند بر آن و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را
پیر کرده شده و آفریدیم بر آن ایشان مانند کشتی آنچه سواری شوند بر آن و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را

فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقِذُونَ ۵ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ۵

پس هیچ فریاد رس نباشد بر آن ایشان و نه ایشان را پاره شوند عیال رحمت کردیم از جانب خود و بهره مند ساختیم تا آنکه
پس نباشد فریاد رسی بر آن ایشان و نه ایشان خلاص کرده شوند مگر از روی رحمت خود و بهره مند ساختیم تا آنکه

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَتَأْخُطُّكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۵

و چون گفته شود بایشان که ترسید از عقوبت که پیش دوست شما باشد و از عقوبت که پس پشت شما باشد بود بر شما مگر کرده شود و از عقوبت
و چون گفته شود بایشان که اجتناب کنید از آنچه که پیش روی شماست و از آنچه که در عقب می گذارید تا شما را مگر کرده شود و از عقوبت

فَأَتَيْنَاهُمُ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِنَا فَتَوَلَّوْا ۵ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا اللَّهَ

پس آمد بایشان یکی نشانه از نشانه های پروردگار ایشان را تا از آن روز گردان باشند و چون
پس آمد بایشان یکی از احکام رب ایشان مگر باشند از آن روز گردان باشند و چون

فَقِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَعْلَمُونَ أَنَّكُمْ تَعْلَمُونَ ۵ وَإِنْ تَعْلَمُونَ أَنَّكُمْ تَعْلَمُونَ

گفته شود بایشان که ترسید از عقوبت که پیش دوست شما باشد و از عقوبت که پس پشت شما باشد بود بر شما مگر کرده شود و از عقوبت
گفته شود بایشان که ترسید از عقوبت که پیش دوست شما باشد و از عقوبت که پس پشت شما باشد بود بر شما مگر کرده شود و از عقوبت

الطَّعْمِ مَنْ تَوَلَّىٰ اللَّهَ طَعْمَةً ۵ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۵

آیا طعام وایم کسی را که از خدا میترسد و خواست طعام داد و او را نیستید شما مگر در گمراهی ظاهر
آیا طعام وایم کسی را که از خدا میترسد و خواست طعام داد و او را نیستید شما مگر در گمراهی ظاهر

يَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۵ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا

می گویند کافران که باشد این وعده اگر راست گوئید و عده اگر هستید راست گویان انتظار نمی برند مگر
می گویند کافران که باشد این وعده اگر هستید راست گویان انتظار نمی برند مگر

صَيْحَةٍ وَاحِدَةٍ خَافُوا مِنْهُمْ وَهُمْ لَا يُخَفُّونَ ۵ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ تَوَصِّيَةً

یک نوحه تنه را بجز در ایشان را و ایشان خصوصیت کتان باشند پس نتوانند و صیت کردن
یک آواز سخت را که بجز در ایشان را در عالم ایشان در مسامات خود خصوصیت می کنند پس نتوانند و صیت کردن

و قیامت و آفتاب در آخر ماه یکجا می شوند و آفتاب را میگرد

لی یعنی صاحب
 نیم باشد ۱۲-
 تفسیر عثمانی
 چنانکه آنها هم
 از آیات ایشان
 خود را به اند
 اگر چه ایم بود
 جزا در همین دنیا بیانی
 ظاهری آنها را ستایش
 ایشان را بلی کور
 گردانیم تا هیچ راه
 در اطراف یافته نتوانند
 بهان طور که این مردم
 نمی خواهند راه بانی
 شیطانی را ترک
 گویند و براه خدا رو
 شوند قدرت داریم که
 صورت های آنها را
 مسخ کرده بکلی محو
 و بیکر گردانیم که باز
 برای تکلیف کلام
 احتیاج از جان
 خود جنبیده نتوانند
 لیکن ما چنین اراده
 نکردیم و آنها را ازین
 بواسطه قوی محروم
 نساختیم این صفتی بود
 که از طرف ما به ایشان
 داده شده بود
 امروز چشم ها
 دست با و پا
 و دیگر اعضای
 شان گوی خوا بود
 که این مردمان بد
 فرجام را بچکار
 تا شاید آفتی کرده
 بودند عیله بودند
 چشم و رخ صورت
 را مستحبه ندانید
 آیا نمی بینید که یک
 آدم قوی و متندرست
 در حالت پیری چگونه
 از ویدیق شنیدن و
 رفتن معذور گردانید
 میشود بهمان طر که در
 طغیبت کم زور و
 ناتوان و بی سبب در تریه دیگران محتاج بود و پیری باز بسوی همان حالت برگردانیده می شود پس خدایکه در حالت پیری و کهن سالی آنها قوت های شان را سلب میکند

فَاَسْتَبْقُوا الصِّرَاطَ فَاَنِي يَبْصُرُونَ ۱۰ وَ لَوْ شَاءَ لَمَسَخْنَهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ
 پس سبقت کنند بسوی راه پس از کجا به بینند و اگر خواهم مسخ کنیم ایشان را بر جائی ایشان
 پس سبقت کنند بسوی راه پس چگونه بینند و اگر خواهم مسخ کنیم صورت های ایشان را در جائی ایشان
 فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ۱۱ وَمَنْ نَعْبُدُ فَتَنْكَسِرْ فِي الْخَلْقِ
 پس نتوانند گذشتن از اینجا و باز نگردند و هر که را عذر از میدیم نگوئیم ری گنیش در آفرینش
 پس نتوانند رفتن از اینجا و نتوانند باز گشتن و هر که را عذر از میدیم نگوئیم ری گنیش در آفرینش
 أَفَلَا يَعْقِلُونَ ۱۲ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
 آیا در نمی یابند و نیاوریم این پیغام را بشعرو لایق نیست و این مگر پند
 آیا عقل ندارند و نیاوریم این پیغام را بشعرو لایق نیست و این مگر پند
 وَ قُرْآنٍ مُبِينٍ ۱۳ لِيُنْذِرَ مَنِ كَانَ كَانِ حَيًّا وَيُخَيِّقَ الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِينَ ۱۴
 و قرآن آشکارا تا بترساند هر که زنده باشد قبل و ثابت شود حجت بر کافران
 و قرآن آشکارا تا بترساند هر که زنده باشد (بزندگی روحانی) و ثابت شود الزام بر کافران
 أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ۱۵
 آیا ندیدند که ما آفریدیم برای ایشان از آنچه ساخته است دست ما چهار پایان را پس ایشان آنرا مالکند
 آیا نمی بینند که ما آفریدیم برای ایشان از آنچه ساخته است دست ما چهار پایان را پس ایشان آنرا مالکند
 وَ ذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ۱۶ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ
 و رام ساختیم چهار پایان را برای ایشان پس بعضی از آن سواری ایشان است و بعضی از آن خوردند ایشان را است
 و رام ساختیم چهار پایان را برای ایشان پس بعضی از آن سواری ایشان است و از بعضی آنها بخورند و ایشان را است در آن
 مُشَارِبًا ۱۷ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ۱۸ وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّهُمْ
 آشامیدنیها آیا شکر نمی گزارند و گرفتند بدوین الله معبودان را تا بود که ایشان
 آشامیدنی یا آیا پس شکر نمی کنند و گرفتند بدوین الله معبودان را تا بود که ایشان
 يَنْصُرُونَ ۱۹ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ ۲۰ فَلَا
 یاری داده شوند نتوانند یاری گردن ایشان و این بتان برای ایشان لشکر حاضر کرده شده اند پس
 بد کرده شوند نمی توانند معبودان مدد گردن ایشان حال آنکه بتان برستان برای معبودان لشکر حاضر کرده شده اند پس
 يَجْرِيكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۲۱ أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا
 اندو بگویند ترا سخن ایشان هر آینه ما میدانیم آنچه نهان می کنند و آنچه آشکارای نماید آینه دیده است آدمی که
 اکنون اندو بگویند ترا سخن ایشان هر آینه ما میدانیم آنچه نهان می کنند و آنچه آشکارای نماید آینه دیده است آدمی که
 خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ۲۲ وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ
 آفریدیم او را از لطف پس ناگهان او خصومت کند و آشکارا شد و پدید آورد برای ما مثنی و فراموش کرد
 آفریدیم او را از لطف پس ناگهان او خصومت کند و آشکارا شد و پدید آورد برای ما مثنی و فراموش کرد
 خَلَقَهُ قَالَ مَنْ مِثْلِي الْعِظَامُ وَ هِيَ رَمِيمٌ ۲۳ قُلْ يَحْيٰىهَا الَّذِي أَنشَأَهَا
 آفرینش خود را گفت که زنده کند استخوانها در حالیکه آن کهنه شده باشند بگو زنده کند خدای که آفرید او را
 آفرینش خود را گفت که زنده کند استخوانها در حالیکه آن کهنه شده باشند بگو زنده کند خدای که آفرید او را
 أَوَّلَ مَرَّةٍ طَوْفًا وَ هُوَ يَكِلُ خَلْقَ عَلِيمٌ ۲۴ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ
 اول بار و او بهر قسم آفرینش و اناست آنکه پیدا کرد برای شما از درخت سبز
 اول بار و او بهر قسم آفرینش و اناست آنکه پیدا کرد برای شما از درخت سبز
 نَارًا فَذَاتُكُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ ۲۵ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ
 آتش را پس ناگهان شما از آن درخت آتش آفرید آیا نیست آنکه آفرید آسمان را
 آتش پس اکنون شما از آن آتش آفرید آیا نیست آنکه آفرید آسمان را

فتح الرحمن

فل منترجم گوید
یعنی نزدیک پروردگار
خود را مترجم
گوید یعنی شایسته
والله اعلم بالصواب
و منترجم میفرماید
یعنی کلمه را از کلمات
علا اعلی یک بار
رودن ۱۲ و ۱۳
یعنی مالک و جن
سموات و ارض
۱۲ فل یعنی
از حال کاروان
۱۲

تفسیر غفرانی

و آتش آسمان
بشارتگان است و
بواسطه بعضی مترجمانی
که می افتند کار منع و
منع شیاطین نیز گفته
میشود. چیست این
ستاره گانیکه می افتند
آیا غیر از کواکب نوریه
یک نوع کواکب مستقل
است و یا بواسطه
های کواکب نوریه تکلیف
مشده انسان یک قسم
آتش سوزان پیدا
میشود و یا خود اجزای
کواکب جدا شده می
افتند و علامه حکام
را جمع به آن اقوال
مختلف دارند بهر حال
حقیقتش هر چه باشد
کار در جم شیاطین هم
انسان گرفته میشود شریک
آن در قوا و سوره مجرا
مطالع شود حدیث مراد
از مجلس اعلی مجلس
فرشتگان است یعنی
بیشایسته تقدس
داده شده که مجلس
فرشتگان بر سرند و
خبر و حق الهی را شنیده
برگردند و هر تنقید

وَالْأَرْضُ بِقَدْرِ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ طَبَقًا وَهُوَ الْخَلْقُ

وزین را توانا بر آنکه آفریند مانند ایشان طبع و هویت آفریننده
وزین را توانا بر آنکه بیافریند مانند این کفار بلکه توانا است و اوست آفریننده

لَعَلَّكُمْ إِذَا أَرَادَ شَيْءًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

دانا جز این نیست فرمان خدا چون بخواهد آفریند چیزی را این است که گوید بشی شود پس می شود
دانا جز این نیست حکم خدا این است که چون بخواهد آفریند چیزی را گوید برای او موجود شود پس موجود میشود

فَسُبْحَنَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

پس پاک است آن دانی که بدست او است بادشاهی هر چیز و بسوی او بازگردانیده شود
پس پاک است آن دانی که بدست او است سلطنت هر چیز و بسوی او بازگردانیده می شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام خدا بخشنایند و مهربان
آغاز می کنم بنام خدا بنیک بے اندازه مهربان نهایت با رحم است

وَالصَّفَّتْ صَفًّا ۱ فَالزُّجَرُ زَجْرًا ۲ فَالْثَّلِثُ ذِكْرًا ۳ إِنَّ الْهَكْمَ

نعم حکمت از ملاکه که صف می کشند صف شدنی و پس هم بجای که کلمات می کشند کلمات کردنی بر آید بهر چه
نعم به صف بسته کنندگان صف بسته باز به رانندگان زجر گان باز بخوانندگان ذکر گان هر آینه معبود شما

وَاحِدٌ طَبَقٌ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ۵

یکی است اد پروردگار آسمان ها و زمین است و آنچه در میان این باست و او پروردگار مشرق باست
یکی است پروردگار آسمان ها و زمین است و آنچه در میان آنهاست و پروردگار مشرق باست

إِنَّا نَبِّئُكَ السَّمَاءُ الدُّنْيَا بِزِينَتِ الْكَوَاكِبِ ۴ وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ

بر آئیند ما آرایش دادیم آسمان دنیا را بزینت یعنی بشارت از هر
بر آئیند ما زینت دادیم آسمان نزدیک را بزینتی که کواکب است و در آخر یکم این کواکب را برای حفاظت از هر

شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ۶ لَا يَسْتَعِينُونَ إِلَى الْبَلَاءِ الْأَعْلَى وَيَقْدِرُونَ مِنْ

شیطان سرکش مقصد آنکه گوش نه بیند شیاطین بسوی عا اعلی و انداخته میشود بسوی ایشان شهاب از
شیطان سرکش عا می توانند گوش نه بیند شیاطین بسوی سخنان مجلس علی و انداخته میشود بسوی ایشان شهاب از

كُلِّ جَانِبٍ ۸ دَحْخُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَأَصِيبٌ ۹ إِلَّا مَنْ خُطِفَ

هر جانب بر جانب رجعت را ندان ایشان را ایشان را است عذاب دائم مگر آنکه
بر طرف بر آن را ندان عا و ایشان را است عذاب دائم مگر آنکه بر باید

الْخُطْفَةُ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ ثَاقِبٌ ۱۰ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمَ اشْدَّ خَلْقًا أَمْ

بر باید که پس از عا او افتد مثل سوزنده پس استفتاء کن از ایشان آیا ایشان سخت تر اند در آفرینش یا
بر دانی (بدردی) پس در عا او شود مثله سوزنده اکنون بر سر از ایشان آیا ایشان مشکل تر اند از حیث آفریدن یا

مِنْ خَلْقِنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَّازِبٍ ۱۱ بَلْ عَجِبْتَ وَ

سبحان ما آفریده ایم بر آئیند ما آفریدیم ایشان را از گل چسبند بلکه عجیب گزنی و
آنانکه آفریده ایم بر آئیند ما آفریدیم ایشان را از گل چسبند بلکه عجیب می گزنی و

يَسْخَرُونَ ۱۲ وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ۱۳ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً

ایشان مسخر می کنند و چون بپند داده شود ایشان را پند نمی گیرند و چون به پند نشاندن را
آنها را مسخر می کنند و چون پند داده شود ایشان پند نمی گیرند و چون به پند نشاندن را

يَسْتَسْخَرُونَ ۱۴ وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ۱۵ عِزَّ امْتِنَا

مسخر کنند و گفتند نیست این قرآن مگر سحر ظاهر آیا چون می بینیم
مسخر می کنند و می گویند نیست این مگر جادوی آشکار (دوی گویند) آیا چون می بینیم

بِرُحْمَتِكُمْ يَا رَحْمَنُ ۱۶

ببر رحمت تو ای رحمن

فتح الرحمن

مل یعنی باشا ملین
والله اعلم ۱۲

مل یعنی دواز

جانب چپ نیز
بجهت گمراه کردن
والله اعلم ۱۲

تفسیر عثمانی

عنه این حکم لغزشگاه
داده میشود که بپند

اینهارا جمع
کرده راه دوزخ

را بر آنها نشان
دهید و تنبیه

عنه از دوزخ
مرا از حقیقت

بایک تم گنبد گاران
است و یازنان

کافه است و از
انجیدون من

دون الله افعال
و شیطین و غیره را دند

عنه در حقیقت خود
تان ایمان نیارید

و اکنون الزام را
بیگویند مای اندازید

ما چه قدرت داشتیم
که نمی گذاریم ایمان

در دل شما جائی
بگیرد بلکه دوزخ مثل

والصفت تجاوزه
کردید و فرموده

تا همین بے آرایش
را نشاندید و اغوی

اذا پذیرفتید اگر
عقل انهم و عاقبت

اندیشی خود را بکاری
بردید گاهی بسخنان

ما گوش نمی نهادید بر
ظاهرست که ما گواه

بودیم و از یک گمراه
بدون اینکه دیگران

بگرای دعوت نماید
چه توقع میتوان کرد

ما همان کاه را که
مناسب حال ما بود ابراهیم

وَكُنَّا نُرَبِّوْا بَعْظَمَاءَ إِنَّا لَنَسْعُوْهُنَّ ۝۱۶ أَوْ أَبَاؤُنَّ أَوْ أَوْلَادُهُمْ ۝۱۷ قُلْ

و ما نسیم حاکم و استخواسی چند آیما بر اینجند شویم
یا پدران محنتین ما بر اینجند میشوند
یا پدران محنتین ما
یا پدران محنتین ما

نَعْمَ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ۝۱۸ فَانْصَرِفْ إِلَى زَجْرَةٍ وَاحِدَةٍ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ۝۱۹

آرے و شما خوار باشید
پس جز این نیست که آن بر اینجند شویم
پس جز این نیست که آن بر اینجند شویم
پس جز این نیست که آن بر اینجند شویم

قَالُوا يَوْمَئِذٍ كُنَّا هَذَا يَوْمَ الدِّينِ ۝۲۰ هَذَا يَوْمَ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ

گویند اے و اے بر ما این است روز جزا
گویند اے و اے بر ما این است روز جزا
گویند اے و اے بر ما این است روز جزا
گویند اے و اے بر ما این است روز جزا

تَكْذِبُونَ ۝۲۱ احْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ۝۲۲

یدوزخ نسبت می کردید گفت خود بر اینجند شویم
تکذیب می کردید بجهت گنبد گاران
تکذیب می کردید بجهت گنبد گاران
تکذیب می کردید بجهت گنبد گاران

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ ۝۲۳ وَقَفَّوْهُمْ أَهْلَهُمْ مَسْئُولُونَ

بجز خدا پس دلالت کنید ایشان را بسوئے راه دوزخ
بجز خدا پس دلالت کنید ایشان را بسوئے راه دوزخ
بجز خدا پس دلالت کنید ایشان را بسوئے راه دوزخ
بجز خدا پس دلالت کنید ایشان را بسوئے راه دوزخ

مَا لَكُمْ لَا تَنْصَرِفُونَ ۝۲۴ بَلْ هُمْ أَلِیَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ۝۲۵ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ

چسیت شما را ای پدر بگری می کنید بلکه ایشان امروز
چسیت شما را که بعد بگری می کنید و مدد کرده نمی توانم
چسیت شما را که بعد بگری می کنید و مدد کرده نمی توانم
چسیت شما را که بعد بگری می کنید و مدد کرده نمی توانم

عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۝۲۶ قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنْ لَيِّمِينَ ۝۲۷ قَالُوا بَلْ

بر بعضی بایک دیگر سوال کنند گان گفتند هر آینه شما می آمدید پیش ما از جانب راست
بر بعضی از یک دیگر سوال کنند گان گفتند هر آینه شما می آمدید پیش ما از جانب راست
بر بعضی از یک دیگر سوال کنند گان گفتند هر آینه شما می آمدید پیش ما از جانب راست
بر بعضی از یک دیگر سوال کنند گان گفتند هر آینه شما می آمدید پیش ما از جانب راست

لَمْ تَكُونُوا مَوْمِنِينَ ۝۲۸ وَمَا كَانُوا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَنِ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا

شما نبودید مسلمانان و نبود ما را بر شما هیچ تسلط
شما نبودید مؤمنان و نبود ما را بر شما هیچ تسلط
شما نبودید مؤمنان و نبود ما را بر شما هیچ تسلط
شما نبودید مؤمنان و نبود ما را بر شما هیچ تسلط

طُغْيَينَ ۝۲۹ فَوَقَّحْنَا قَوْلَ رَبِّنَا إِنَّكَ لَفِيْئُونَ ۝۳۰ فَأَعْوَيْنَكُمْ تَأْتِكُمْ

از حد گذارشته پس لازم شد بر ما سخن پروردگار که البته ما چشیده عذاب با شمایم پس گمراه کردیم شما را
از حد گذارندگان پس لازم شده بر ما سخن پروردگار که البته ما چشیده عذاب با شمایم پس گمراه کردیم شما را
از حد گذارندگان پس لازم شده بر ما سخن پروردگار که البته ما چشیده عذاب با شمایم پس گمراه کردیم شما را
از حد گذارندگان پس لازم شده بر ما سخن پروردگار که البته ما چشیده عذاب با شمایم پس گمراه کردیم شما را

غَوِيْنِ ۝۳۱ فَأَنْهَاهُمْ يَوْمَ مِمَّا فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝۳۲ إِنَّكَ لَذَلِكَ تَفْعَلُ

گمراه بودیم پس حقیقت همه ایشان آن که دوزخ عذاب با هم مشترک باشند
گمراه بودیم پس حقیقت همه ایشان آن که دوزخ عذاب با هم مشترک باشند
گمراه بودیم پس حقیقت همه ایشان آن که دوزخ عذاب با هم مشترک باشند
گمراه بودیم پس حقیقت همه ایشان آن که دوزخ عذاب با هم مشترک باشند

بِالْمُجْرِمِينَ ۝۳۳ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ۝۳۴

با گنبد گاران
با گنبد گاران
با گنبد گاران
با گنبد گاران

وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرُكَ كَوَالِهِنَا لَشَاعِرٌ مَجْنُونٌ ۝۳۵ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَ

و می گفتند آیما متربس کننده معبودان خود با شمایم بر اے کافران
و می گفتند آیما متربس کننده معبودان خود با شمایم بر اے کافران
و می گفتند آیما متربس کننده معبودان خود با شمایم بر اے کافران
و می گفتند آیما متربس کننده معبودان خود با شمایم بر اے کافران

فل یعنی بعد خوردن
و نوشیدن ایشان
بدون باز بر بند
تفسیر عثمانی
ع حضرت نوح
علیه السلام تقریباً یک
سال قوم خود را نصرت
کرده می نمودند مگر مشرک
و ضرر رسائی آنها را با
تورشده رفت بالاخر
حضرت نوح علیه السلام
مجبور شد بدانی برادر
فرستاده بود متوجه
شده عرض نمود
"رب انی مغلوب
فانصره" (قر ٢٥)
رواج (ابن جریر ١٠٠٠)
من مغلوبم تم بعد من
بر من بگریز که خدای
تعالی دعای او را
چطور شنید و چگونه
بماداش رسید
نوح علیه السلام را
با خاندان وی از
ایذای قومش کشتند
روز بادی می رسانیدند
و در بنده باز در
وقت طوفان بولند
آن همه را خلافت
فرمود و تنها از
اولاد نوح
راده بازه پر
نفوس ساخت دنا
بنی کاسکدینا بیدار
است ذکر خدا را
بین مردم باقی گذاشت
چنانکه تا روز مردم
برو سلام میفرستند
و در تمام دنیا بکلمات
"نوح علیه السلام"
یا میشود این بود انجا
بندگان بیک باغ
حال دشمنان او را
بگریز که هر طغیان
گردیدند چنانکه امروز
نام دشمن آنها هم
باقی مانده و در شصت و شصت

مِنْهَا فَمَالِیُّونَ مِنْهَا الْبَطُونَ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ثُمَّ إِنَّ
ازان درخت پس برکنند از ان شکم بار
پس برآیند ایشان را بران طعام آینه خنی باشد از آب گرم باز برآیند
ازان پس برکنند گشت از ان شکم بار
پس برآیند ایشان را بران طعام آینه خنی است از آب جوش باز برآیند
مَرْجِعُهُمْ إِلَى الْجَحِيمِ إِنَّهُمْ الْقَوَالِبُ لَهُمْ ضَالِّينَ ۝ فَمَهُمْ عَلَى
بازگشت ایشان بسوئے دوزخ بود
هم آینه ایشان گمراه یافتند پدران خود را پس ایشان بر
مرجع ایشان بسوئے خرس آتش است دهر آینه ایشان یافتند پدران خود را گمراهان پس ایشان بر
أَتْرَهُمْ يَلْعَنُونَ ۝ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا
پس پدران خود بسوئے رانده می شوند دهر آینه گمراه شده بودند پیش از ایشان اکثر پیشینیان و دهر آینه فرستادیم
نقش قدم پدران می شتابند و تحقیق گمراه شده بودند قبل از ایشان اکثر پیشینیان و تحقیق فرستادیم
فِيهِمْ مُّذَكِّرِينَ ۝ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَذَكِّرِينَ ۝ إِلَّا عِبَادَ
در میان ایشان فرستادگان پس بین چگونه شد انجام بیم کردگان مگر سندگان
در میان ایشان بیم دهندگان اکنون بین چگونه شد انجام بیم کرده شدگان را پاک کرده شد همه مگر سندگان
اللَّهُ الْمُخْلِصِينَ ۝ وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا فَلْيَعْمَلْ لِمَجِیْبُونَ ۝ وَنَحْنُ بِهِ
خالص ساخته خدا
و دهر آینه آواز داد ما را نوح پس نیک قبول کننده دعا کنیم ما و برآیندیم او را
برگزیده خدا و تحقیق ندا کرد ما نوح پس نیک اجابت کننده دعا کنیم و برآیندیم او را
وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ۝ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ۝ وَتَرَكْنَا
و گمان او را از اندوه بزرگ
و سقیم اولاد او را ایشان را فقط باقی مانده و گذاشتیم
و اتباع او را از پریشانی بزرگ
و گردانیدیم اولاد او را آنها ایشان باقی ماندگان و گذاشتیم
عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۝ سَلَّمَ عَلَى نُوْحٍ فِي الْعَالَمِينَ ۝ إِنَّا كَذَلِكُمْ نَجْزِي
برسوئے تناسل نیک در پسینیان سلام باد بر نوح در عالمها
هم آینه ما و برآیندیم او را نوح در عالمها
بمسوئے در مردم پسینیان (اینکه) سلام باد بر نوح در عالمها (هم آینه) ما و برآیندیم او را
الْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۝ ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْآخِرِينَ ۝
نیکوکاران را
هم آینه او از بندگان گردیده ماست باز غرق ساختیم دیگران را
نیکوکاران را
هم آینه او از بندگان خاص گردیده ماست باز غرق ساختیم دیگران را
وَأَنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَآبْرَهِيمَ ۝ إِذْ جَاء رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝ إِذْ قَالَ لِرَبِّهِ
و دهر آینه از اتباع نوح بود ابراهیم
چون آمد پیش پروردگار خود بدل بر از غیب چون گفت به پدر خود
و دهر آینه از پیروان اوست ابراهیم
چون آمد پیش پروردگار خود بدل پاک چون گفت به پدر خود
قَوِّمَهُ مَاذَآ تَعْبُدُونَ ۝ أَفَعَا إِلَهَ دُونِ اللَّهِ تُرِيدُونَ ۝ فَمَا ظَنُّكُمْ بِهِ
بقوم خود چه چیز را عبادت می کنید
آیا بایرانے خاسد خود مبودان را بجز خدای جوید پس چیست گمان شما به پروردگار
قوم خود چه چیز را می پرستید
آیا مبودان بدو ساخته غیر الله را میجوید پس چیست گمان شما به پروردگار
الْعَالَمِينَ ۝ فَظَرَّ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ۝ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ
عالمها
پس در شکیست ابراهیم بپار نظر میکن در ستارگان گفت برآیند من بپار خواهی شد پس باز گفتند از او
عالمها
پس شکیست ابراهیم بپار نظر میکن در ستارگان گفت برآیند من بپار خواهی شد پس روی گردانند از وی
مَذَكِّرِينَ ۝ فَرَأَى إِلَى إِلَهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ۝ مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ۝ فَرَأَى
بشت گردانند پس بنیان متوجه شد بسوئے مبودان ایشان پس گفت آیا چیزی نمی فرید چیست شمارا که سخن نمی گوید پس بنیان
بشت گردانند گمان پس بنیان رفت بسوئے مبودان ایشان پس گفت
آیا نمی خورید چیست شمارا که سخن نمی گوید پس بنیان
عَلَيْهِمْ ضَرَبَ بِأُيُوتِهِ ۝ فَأَقْبَلَهُ إِلَهِهُ يَذُوقُن ۝ قَالَ أَتَعْبُدُونَ
بر ایشان می زدنی بقوت
پس رو آوردند به ابراهیم شتاب کنان
بر ایشان به زدن قوی
پس روی آوردند مگرشان بسوئے ابراهیم و هلاک می شدند گفت ابراهیم
پس رسید
باقی مانده و در شصت و شصت

وَالْحُجُوتِ ٥٠) وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ٥١) قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُيُوتًا فَأَلْقُوهُ

بزرگ را که خودی ترا شنید و خوابید از او شنید و آنچه می شنید گفتند باینکه بگویند برای ابراهیم عار نه و ناپس یافتند و در آن
 بچه که می ترا شنید حال آنکه آتش از دیده است بشما و آنچه را که می سازید سه گفتند باینکه بگویند برای ابراهیم بنابر آتش خفا

١٣٠
فَأَرْأَوْا بِهٖ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمْ ^{١٣١}الْأَسْفَلِينَ ^{١٣٢}وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى

در آن شب که این قصه کردند باو سے بدستگاری را پس ساحتی ایشا ترا زیر تر و گفت اے ایوانی که هر آنکس من رو نداده است
من بخلاف او را در آتشی پس خواستند باو مکر را پس گردانیدیم ایشا ترا ازو ترین گفت ایوانی که هر آنکس من رو نداده است

وَلِي سَيِّدِي رَّبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ فَشَمَّ نَبِيَّكُمْ حَلِيمٌ ۝ فَكَانَ

پیرورد گارڈ راہ خواہ نمود مراغ سے پیرورد گارمن عطا کن مراصل از شالیست گارادن پس لیسات وادیم اور پیرورد را سے پیرورد گارڈ راہ خواہ نمود مرا سے پیرورد گارمن بنیشت مرا فرزندنی از منی کارار و پیرورد را دیکر اور پیرورد را سے پیرورد گارڈ را

عَنْ السَّعْدِيِّ قَالَ يَدْبِي إِلَى أَرِي فِي الْمَنَامِ أَيْ أَدْمُحُ فَوَظَّاهُ أَتَاهُ

...بانی این کتابی است که در آنجا که می بینیم از خواب که من بزرگ می شوم و به نیت خودم می رانم

[illegible]

ان باب النور والهدى ان شاء الله من تصديق (۱۸) فليست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سما وندك لى بچين ۱۱ و نادينه ان يابى هم ۱۲ قد صدقت لى بچان ۱۳

نیز نند علم را برود و انداخته و پیشانی (پهلوی) دنا کردیم و در آنجا که اسرار ایزدیم تحقیق راست کردی خواب طوره را تحقیق

این جزای دوم بیو کاران را هر آینه این ماجرا امتحان ظاهرست دعوهر او دادیم

تحقیق این ایما بجان امتحان آشکار است و غرض اود ادم جانور مایل به

عظیم و ترک علیہ فی الاخرین سلام و ارحمہ کذا لک بنی الحسین

در پسینا بزرگ و باقی گذارستم بر ابراهیم در پسینان سلام باد بر ابراهیم و جمیع خدایان و جمیع کاران را

وَمِنْ بَرِّهِ إِذَا دُعِيَ إِلَى الْوَسِيلَةِ وَتَبَرُّهُ بِمَا شَقِيَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ۝

اینه و سازندگان نزدیکه است و بشدت دادیم ادرایا بختی میامیر از شاسلگان را
 قیالیا هم از بندگان خاص گروهیدگان است و مرده دادیم ادرایا بختی میامیر از شاسلگان را

كُنَّا عَلَيْهِ وَعَلَى اسْتِيقٍ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ (٢٩)

نهادیم بر ابراهیم و بر اسحق و از اولاد ایشان نبض میگیر کار است و بعضی اسم گفته آشکار است بر خویشین
نهادیم بر ابراهیم و بر اسحق و از اولاد هر دو یکی کار است و بعضی اسم گفته آشکار است بر نفس خود عده

قَدْ مَنَّ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ۖ وَخَيَّرَهُمَا قُلُوبَهُمَا ۖ وَلِئِيلَ الْكُذِّبَ الْعَظِيمُ ۝

و بحالت دادیم ایشان را و قوم ایشان را از اندوه بزرگ
و بحالت دادیم برده و قوم ایشان را از اضطراب بزرگ

عزهم فكانوا هم الغلبين ٥ وايتهم الكتب المستبين ٥ وهديتهم

مرت دادیم ایشانرا پس بودند ایشان غالبان و دادیم ایشانرا کتابی و دولت کردیم ایشانرا
ت دادیم ایشانرا پس بودند ایشان غالبان و دادیم ایشانرا کتاب و دادیم ایشانرا

وَأَطِيعُوا أَمْرًا مُسْتَقِيمًا ۝ وَتَرْكُنَا عَلَيْهِ سَافِرِي الْأَرْضِينَ ۝ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ۝ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝

و با آنکه گدازشیم بر ایشان نشانے نیک در پستانان سلام باد بر عوینی و
در پستانان را ازین راه سلام باد بر عوینی و

و مانی که از استیسم بر میزد و در پستیان (را این را) سلام باد بر موی و

سجاد انی که در دلد (سفید) مصرین کوما میر و بن در به کما سا جوی "ایزایم" و سا کان و ارج کرز ه اند سین حضرت س صا تبیه کوهی در

دل یعنی در روز نوح
تفسیر عثمانی
سه نزد بعضی محققین
حضرت الیاس علیه
السلام از نسل حضرت
بارون است الرشد
تعالی اورا بوی کدی
از شهرهای ملک شام
که در بعلبک نام
داشت فرستاد و مردی
آن یک بیت در کمال
نام گذاشته بودند
ولی رسیدند حضرت
الیاس آنهارا از
غضب خدا و از انجا
بدین بدستی ترسانید
عده آشکارا است
که در بعضی از آنها
قدیمی تخیل و ترکیب
ظاهر الیاس حیرت بار
بود و فی آنند یکین
آنها باین کل صانع
نبی توان گفت صانع
حقیقی ذاتی است
که نام اصول و
فروع و ابرار
واعراض -
صفات موصوفات
را پیدا آورده شما
و پدر این شمار آفرید
است پس چگونه
دارد که این لعن الخاقین
رنگدشته پیشش
بسته پس و میرا زید
و از آن ملک
جویند حال
آنکه بطور ظاهر
به آفرین یک
فرد هم قدرت ندارد
بلکه وجود او بی نهایت
پرستندگان و دوست
زیرا هر طور که خواهند
مشکل صورت آفرین
ساخته و استاده
کردند الیاس
را الیاس نام
میگویند چنانکه بر طوطی

هَرُونَ ۱۰ اَنَا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۱۱ اَعْبَادَنَا الْمُؤْمِنِينَ

بارون هر آینه ما هم چنین جزا میدیم بنیکوکاران را
بارون (بحقیق) ما چنین جزا میدیم بنیکوکاران را
بر آینه ایشان از سندگان گردیده مانند
بحقیق این هر دو از سندگان خاص گردیدگان ما این

وَأَنَّ الْيَاسَ لَبَيْنَ الْمُرْسَلِينَ ۱۲ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ

وهر آینه الیاس از فرستادگان بود
و بحقیق الیاس از رسولان است
چون گفت ب قوم خود آیا می آید
چون گفت ب قوم خود آیا می آید

بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ لِمَا خَلَقْنَا ۱۳ اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمْ

بعل را (و بعل نام بی ست) و ترک می کنید بنیکو ترین
بعل را (و بی گذارید بر پرستش) بنیکو ترین آفرینندگان را (حقیق) باشد یا ظاهر می باشد که انذار است رب شما و رب پدران
چون گفت ب قوم خود آیا می آید

الْأَوَّلِينَ ۱۴ فَكَذَّبُوهُ فَاتَّبَعَهُمْ سَخِرُون ۱۵ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۱۶

مخسین شما پس دروغ پیوسته داشتند اورا پس هر آینه شما حاکم گردانید و عکس سندگان خاص کرده خدا
مخسین شما پس تلذیب کردند اورا پس بدین سبب که ایشان حاضر کرده میخوانند سندگان برگزیده الله

وَتَرْكِبًا عَلَيْكَ فِي الْأَخِيرِينَ ۱۷ سَلَّمَ عَلَى آلِ يَاسِينَ ۱۸ اَنَا كَذَلِكَ نَجْزِي

و گذاریم بر الیاس تنگنا یک در پیشان سلام باد بر الیاس هر آینه ما هم چنین جزا میدیم
و بانی گذاریم بر الیاس در مردم پیشان (این را که سلام باد بر الیاس سه (بحقیق) ما هم چنین جزا میدیم

الْمُحْسِنِينَ ۱۹ إِنَّ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۲۰ وَإِنْ لَوْ طَائِفَتٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۲۱

بنیکوکاران را
بنیکوکاران را (بحقیق) ادا از سندگان گردیدگان خاص است و بحقیق طوطی از فرستادگان
بنیکوکاران را

إِذْ جَعَلْنَا وَاهِلَةَ الْجَمْعِينَ ۲۲ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَدِيرِينَ ۲۳ ثُمَّ دَرَسْنَا الْأَخِيرِينَ

یاد کن چون بجای دادیم اورا اهل خانه او را همه یحسگر پیرزنه کردیم از باقی ماندگان باز ملاک ساهیم آن دیگران را
چون بجای دادیم اورا اهل او را همه یحسگر پیرزنه کردیم از باقی ماندگان باز از پنج برکنده اندا حیم آن دیگران را

وَأَنكُمْ لَتَبُورُونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ۲۴ وَيَالَيْلٍ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۲۵ وَإِنْ

وهر آینه شما لگدی کنید بر مساکین آن قوم هیچ کسان و بوقت شب نیز آیا در می یابید و هر آینه
و بحقیق سسهای گذرید بر ایشان وقت صبح و هنگام شب آیا نقل می کنید و بحقیق

يُوسُفُ لَبَيْنَ الْمُرْسَلِينَ ۲۶ إِذَا بَقِيَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ۲۷ فَسَاهُمْ

یوسف بود از فرستادگان
یوسف از رسولان است چون گر بخت رسید بسوی کشتی برگردیده پس قرعه اندازی کرد
یوسف بود از فرستادگان

فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ۲۸ فَانْتَقَمَ الْحَوْتُ وَهُوَ لَدِي ۲۹ قُلُوبًا ۳۰

پس شد از مخلوبان
پس فو برد اورا بای داده گفته بود کار میرا که موجب ملامت باشد پس اگر از آنست که
پس شد از نذریدگان (مخلوبان) پس لغز کرد اورا بای و او بود ملامت شده پس اگر بنودی اشیک

كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ۳۱ لَكِبْتُ فِي بَطْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۳۲ فَنَبَذْنَاهُ

از سبیم کنندگان می بود
البته بانی میماند در شکلی تاریک مردمان بر اینچنین شوند پس بر تافیه اذرا
اد بود از سبیم کنندگان البته بانی میماند در شکلی تاریک مردمان بر اینچنین شوند مردگان پس میفکنند یک اذرا

بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ۳۳ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ ۳۴ وَأَرْسَلْنَا

بر زمین بے گیاه و او بیمار بود
و رویانیدیم بر سر او درختی از قطن کرد و فرستادیم اذرا
برای بے گیاه و او بیمار بود و رویانیدیم بر روی درختی از نوع بیاره دار و فرستادیم اذرا

إِلَى وَائِلَةِ الْفِائِزِ يَذُودُونَ ۳۵ فَأَمْنُوا فَاسْتَجَبْنَا ۳۶ فَاسْتَفْتَاهُ

بسوی صندلزار یا بیشتر از آن یا بیشترند
پس ایمان آوردند پس بهر متد ساهیم ایشان را مانند کسی استفسار کن
بسوی صندلزار یا زیاده از آن پس ایمان آوردند پس بهر متد ساهیم ایشان را مانند کسی استفسار کن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۳۷ وَتِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ ۳۸ وَالْكِتَابُ الَّذِي يَنْزِيلُهُ

بسم الله الرحمن الرحيم
پس ایمان آوردند پس بهر متد ساهیم ایشان را مانند کسی استفسار کن
پس ایمان آوردند پس بهر متد ساهیم ایشان را مانند کسی استفسار کن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَهُمُ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ۖ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ۚ

یابرد در گذار آمد غمناک و ایشان را بپرسید آیا دختر آفریدم در میان ایشان حاضر بودند
یابرد گفت که آنرا غمناک اند و مرا ایشان را بپرسید آیا آفریده ایم ملائکه را زمان ایشان حاضر بودند

الَّذِينَ هُمْ عَنْ أَفْكَهِمْ لَيَقُولُونَ ۖ وَلَكَ اللَّهُ ۖ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٣﴾

آگاه باش هر آینه ایشان از دروغ گوئی خود می گویند که میزاد خدا استی و هر آینه ایشان دروغ می مانند
آگاه باش بصدق ایشان از افترای خود می گویند که زانیده الله درند و تحقیق ایشان در علمایان اند و

صُطِفَ الْبَنَاتُ عَلَى الْبَنِينَ ۝ وَالْكُمُ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۝ اَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝

یا برگزیده دختران را بر پسران چیست شمارا چگونه حکم می کنید
آیا اندیش نمی دارید

وَلَكُمْ سُلْطٰنٌ مِّمَّنْ ۙ فَاُولٰٓئِكَ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۙ وَجَعَلُوا

پس بیارید کتاب خود را اگر مستید راست گو و مقرر گردند کافران
پس بیارید کتاب خود را اگر مبینید راست گویان و مقرر گردند

بينه وبين الجنة نسياء ولقد علمت الجنة انهم لحضرون ﴿٥٠﴾

ایمان خداست و میان جنیان حبشی را و هر آید دانسته اند چنان که ایشان البته حاضر کرده باشند
ایمان خدا و میان جنها قرابت را و تحقیق دانسته اند چنان که ایشان البته حاضر کرده می شوند (کتاب)

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿٦١﴾ ۞ اِعْبَادِ اللَّهَ الْخَاصِّينَ ﴿٦٢﴾ فَاتَّقُوا

آل است التذرا انچه بیان می کنند
مگر بنده گان برگزیده الش (مذهب نمی شوند) تحقیق شما به آنچه

عَبْدُونَ ﴿٧٥﴾ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ﴿٧٦﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ لِّجَبْرِ ﴿٧٧﴾ وَمَا مَنَّا

نیت نیستید بر خدایا فکند به پنجگس مگر کسیک او را غل شونده دوزخ است و نیست پیچیک از ادا

لا إله إلا الله محمد رسول الله ﴿٢٤﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ﴿٢٥﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿٢٦﴾

وہر آیتہ صاف کنند گایم و ہر آیتہ نمازچ کو پسند گایم

گر اور است مقام معین و تحقیق باصف زد گایم

ان کا منہ لیٹوون ۱۶ وان عینا نادیر ابن رولین لکنا عبد
ہر آئینہ کا فران عرب ہی گفتند اگر بوردے پیش ماخبرے از پیشتیان البترشہیم میندگان

محمی گفتند اگر بودی نزد ما کتابی از رکنی، اولین البتہ می شدیم مستدگان

باز کافر شدند بآن زمان پس خواهند است عاقبت کار را و هر آئین را با عبادت و عده

تجزیه الشد (برون بر آنها کتاب آمد) پس کافر شدند به آن اکنون خواهند داشت و تحقیق پیغمبر صادر شده علم

[illegible]

این بندگان مرسل مکه هر یک بنده بیخبران البتہ ایشانند نعمت داده سدگان ویرانیند شکر

پس در بگردان از ایشان مدتی

عقلمندان پس اعراف کن ارایان پند سے زمین حال است مرا پس ایشان اردو خوانند و پند ایشان

کتاب طایفه پس چون خود آمد عتاب میداد ایشان
پس بدانشده حاج ترسانده شدگان را عراض کرد

کند و آتش اوله دگر و نه که ماهه دهم بلکه فرشتگان را منزه زن را بخور خودند آه و آه و فلیک ما فرشتگان را ای آفریدم آفریناده تماشای کرد

ولسانی برای حساب
 و غلب ۱۲ الف لیلی
 بیان چنانکه سوانح
 واقع است ۱۳ و
 یعنی تبار ۱۴
 تفسیر عثمانی
 ۱۵ اکنون چیزی که
 احوال فرنگستان و
 جنیان بتیبه که در
 باب آنها بعضی مردم
 چه قائل بے بوده
 و باطل تمام کرده اند
 چنانکه بعضی قابل
 گفتنی که فرنگستان
 و خزان حلا میزد چنان
 از ایشان بر سریده
 می شد که مردمی
 ایشان کیستند در
 جواب می گفتند که خزان
 چنانی بزرگ اند
 گویا این طریقی است
 باشد و قیافه اندی
 حاد را باین فرنگستان
 قابل مشاهده و در
 آینه حال پیرو ذکر
 می شود مگر پیش از آن
 بطور تبیین عقیده و نحو
 سیخ قلوب را در او
 است چنانچه از این
 سوره بعد از این که
 قدرت ظاهر و خوار
 سخن در امل و نقص
 عظمت و هدایت
 خود بیان می کند چنان
 میفرماید که اکنون این
 پیروان پیوسته اگر
 فرما خدا اے صاحب
 این خلقت قدرت
 بے مثال بر آن خود
 اولاد پیوسته می کرد
 و خداوند آباد خزان
 عابدی خود پیوسته
 و پس از آن را بشما
 از آن می کرد که فی
 بزرگ است که برای
 خداوند و سراسر اولاد

دل این قرآن آخر
که آن را در بایتم الله
اعلم ان فی
بر بیان آورده
هم نمی تواند
که با آن روبرو
تکلیف باشد برای
والله اعلم
یعنی از جنس هر چه
که با انبیا مخالفت کردند
و کفر کردند و غیره
تفسیر عثمان
عنه صفت نه ما
چند که در کتاب آمده
خود ادعی آخرین
میکنند یعنی بیشتر
شدیم که گذشته
چنین سخنان میگویند
لیکن بنده خود را
چنین نگفته اند و
امکان دارد که مراد
از دین آخرین مذنب
میوی باشد چنانکه
قول اکثر مفسران است
یعنی از نصاری که این
کتاب را نمی شناسند
ایم که خدا یان را
بر طرف نموده تنها به
یک خدا معتقد باشند
چه آنجا که بر خدا نازل
اندر آن حضرت صلی
الله علیه و آله را رسول
قول نمی کنند اگر در
کتابهای سابق چیزی
اصل نموده و
می بود آنها ضرر
قول میکردند - لذا
معلوم شد که این سخن
است محض ساحت
و با نیت از انبیا و انبیا
عنه فرما که از ان
ما کلام خدا را
و از این قول خود هم
بگذریم که از شدت از
آسمان بطوری فرستاد
شد که این سخن
که از زمین با نظر محمد صلی

عنهم حتی جین و ابصر فسوف یبصرون ۵ سبحن رب العزیز
از ایشان تا دیده و بصر پس ایشان نیز خواهند دید پاکست پروردگار تو خداوند علیم
از ایشان تا دیده و بصر پس ایشان نیز خواهند دید پاکست پروردگار تو خداوند علیم
عنا یمضون ۶ وسلم علی المرسلین ۷ والحمد لله رب العالمین
از اینها این جماعه بیان می کنند و سلام باد بر فرستادگان خدا و سپاس خدا تراست پروردگار عالمها
از ان سخنانیکه بیان می کنند مشرکان و سلام باد بر رسولان خدا و همه صفات پسندیده خدا تراست که پروردگار هر عالم است
بسم الله الرحمن الرحیم
بیام خدا بخشایند مهربان
آغاز می کنم بنام خدایکی که اندازه مهربان نهایت با رحمت است
ص وَالْقُرْآن ذی الذکر ۱ بل الذین کفروا فی عزة و شقاق ۲ کم
قسم بقرآن خداوندی که یادگار است برای کافران در سرشتی و مخالفت اند بسیار
قسم بقرآن خداوندی که یادگار است برای کافران در سرشتی و مخالفت اند بسیار
اهلکم من قبلهم من قرن فنادوا ولات جین مناص و یجوبون ۳
یاد کردیم پیش از ایشان آن فرسها را پس فریاد بر آوردند و نبود آن وقت خلاصی نمی گنجیدند از آن
یاد کردیم پیش از ایشان آن فرسها را پس فریاد بر آوردند و نبود آن وقت خلاصی نمی گنجیدند از آن
جاءهم منذر منهم و قال الکفرون هذا شیء کذاب ۴ اجعل لاهل
یاد بر ایشان رسید گفته از قوم ایشان و گفته این کافران این سخن جادوگر و غلو نیست آیا کرده اند خدایان متعدد را
یاد بر ایشان ترساننده از قوم ایشان و گفته این کافران این سخن جادوگر و غلو نیست آیا کرده اند خدایان متعدد را
الها و احدا ۵ ان هذا شیء عجب و انطلق الیکم من ان امشوا
یک خدا بر آید این چیز است عجیب و بر فتنه ایشان قوم از ایشان بایست که گویان که بروید
به خدای بیگانه هر آنچه این چیز است بسیار عجیب و بر فتنه ایشان قوم از ایشان در عاید می گفتند بروید
واصبروا علی الهتکم ۶ ان هذا شیء یبئ ۷ ما سمعنا هذا فی لیله
و شکیانی گفتید بر عبادت خدایان خود بر آید این دین تو فتنه است که آماده کرده شده است شنیدیم این قول را از دین
و صبر کنید بر عبادت معبودان خود تحقیق در این چیز غرضی است این چیز نیست که آماده آن کرده میشود شنیدیم
الاخرة ۸ ان هذا الا اختلاق ۹ او نزل علیه الذکر من بیناط
پسین دل نیست این مگر افتراف آیا فرود آورده شد بر من معض قرآن از میان ما
آخرین نیست این مگر افتراف آیا فرود آورده شد بر من معض قرآن از میان ما
بل هم فی شک من ذکرى بل لما ید و قوا عذاب ۱۰ عندهم خزائن
بلکه این کافران در شکند از یاد من بلکه هنوز پشیده اند عذاب را آیا نزد یک ایشان است از خزانه های
در چنین نیست که از روی عقیده گفته باشند بلکه ایشان در شک اند از من در دیگر مشا ندارد بلکه هنوز پشیده اند عذاب را آیا نزد یک ایشان است از خزانه های
رحمة ربک العزیز الوهاب ۱۱ ام لم یملک الشهبوت و الارض و ما بینهما
رحمت پروردگار تو غالب بخشایند که ایشان تراست بادشاهی صامتا و زمین و آنچه در میان آنهاست
رحمت پروردگار تو غالب بخشایند که ایشان تراست سلطنت آسمان با زمین و آنچه در میان آنهاست
فلینقرضوا فی الاسباب ۱۲ جند قاهنالك فله و من الازحاب ۱۳ کذبت
پس باید که بالا رود و آخر بر پاهای او لشکر است ایضا هم آمده شکست داده شده از هر چه که در میان او است
پس باید که بالا رود و آخر بر پاهای او لشکر است ایضا هم آمده شکست داده شده از هر چه که در میان او است
قبلهم قوم نوح و عاد و فراعون ذوالاوتاد ۱۴ و شود و قوم لوط و
پیش از ایشان قوم نوح و عاد و فرعون خداوند میخواست و شود و قوم لوط و
پیش از ایشان قوم نوح و عاد و فرعون که خداوند میخواست و شود و قوم لوط و

که از زمین با نظر محمد صلی الله علیه و آله و سلم انتخاب کرده و آید تمام مملکت تنها پس یک فرد برای این منصب الهی داشت و خدا که ام رئیس معمول را با خیریت است که بر او ملامت

اصحاب النبوة اولئك الاكابر ان كل الاكابر الرسل في عقلي

رايان ايله تكميل گردانين جماعت با نيست پنج کس از ايشان مکرده و حق دانست بفرمان ايشان بود و آياتي

وما ينظر هؤلاء الا صيحة واحدة ما لها من فواق ووقالوا ربنا

داغدار ني برند لغزارين عصر مگر يك نره تن در اعني لطف قريمت گريشات ترايچ گوشت و گفته بطريق استزاد اے پروردگار ما

عجل لنا قسطا قبل يوم الحساب اصبر على ما يقولون واذكر عبدنا

استاب ده بار امر نوشت از عقوبت پيش از روز حساب صبر کن بر آنچه مي گويند و ياد کن بنده ما داود

داود ذا الابد الله اواب اناسه حزن الجبال معه يسبحن بالعشي

خداوند قوت را بر آيينه او رجوع كنند و دولت بر آيينه رام ساقيم همراه او كوههارا يسبح مي گفتند بوقت شام

والاشراق والظلمة محشورة كل له اواب وشهدنا قللك واتينا

و صبح و در مسواقيم ارفقان را بجا شده هر يك براي او رجوع كنند و بوقت دوام سلطنت او را داده ايم و ما

الحكمة وفصل الخطاب وهل انتك نبوا الخصم اذ تسوروا النجاة

حکمت و سخن و ابلغ و آيا آمده است پيش تو بر گروه خصومت كنند بايكي ديگر چون از ديو حيله داخل شدند مسجد

اذ دخلوا على داود ففرغ منهم قالوا لا تخف خصمنا

چون داخل شدند بر داود پس بر سر سید ايشان گفتند مترس ما و خصومت كنند ايم حماد زده کرده بعض ما

على بعض فاحكم بيننا بالحق ولا تشطط واهدنا الى سواء

بر بعض پس حكم كن ميان ما مستحي و جور كن بر بعض پس حكم كن ميان ما با نجات و حماد زكن (از حق) و دلالت كن ما را بر راه

الفرار ان هذا ارجى له تسعون وتسعون نجي ولى نعمة واحدة

راست اين برادر من است بدست او دست نوود نه پيش و پيش من يك مينست

فقال اقلني يا عذرتي في الخطاب قال لقد ظلمك بسؤال نعجتك

پس گفت اين شخص من بپاراين يك مينست را و درستي كرو باين در سخن گفت داود بر آيينه ستم كرده بود و خواستن پيش تو

الى نعاجه وان كثيرا من الخطاء ليغني بعضهم الى بعض الا الذين

تا بهم آرد ميشهائے خود و هر آينه بسيار اے از ستمگان ستم مي كنند بعض ايشان بر بعض مگر آنكه

امنوا وعملوا الصالحات وقليل ما هم وظن داود انما قتلت فاستغفر

بايان آردند و كار بائے شاسته كردند و اندك اندك ايشان و دست ناخت داود كه ما آزموده ايم او را پس طلب آمرزش را

ربك وخررا العاوانك فغفرنا له ذلك وان له عندنا لرفع و

از پروردگار خود بفرموده و در جوار خود بگذاييد پس بيازديدكم براي او آنچه را كه مغفرت خواست و به ديديك او را است نزد ما قرب و

رايان ايله تكميل گردانين جماعت با نيست پنج کس از ايشان مکرده و حق دانست بفرمان ايشان بود و آياتي

ال و الحق بسوء
مهم خدا را و حق بسوء
گويد که داود علیه
السلام نوود نه زن
داشت مع اذن
ديگر که در خطبه شمس
ياد نماز او بود
در خواست کرده خدا
حق از دشمنان را
بجهت تقيده داود
خبر خشم تقيش
اشدات باين قصه
است در عين آيات
داود اعلم
تفسير عثمانی
ع حضرت شاه
صاحب ميونيد
در عين موقع
تقدیر او را عليه السلام
کار ايشان ياد
آوردی نوود که او بهم
عبد کو مستطاولت صبر
تعليل زياد نوود بالاخر
حکومت تقيش او
شده و جلالت و ديگر
تخليق را در جبهه
منسوب و منسوب
بيقرار ايم بجز راجع را
پيود (تخليق) حضرت
شاه صاحب
« ذاليد و را » و آيا
دست نيرومند ترجمه
کرده است حق توت
سلطنت و يا اشاره
بيان است که ايم
در دست و مي نرمي
شده و يا نيروي دست
عبادت از آن است
که از مال سلطنت حق
خورند و نقطه بوقت
دست و باز و ي نوود
کافي کرده عيش حق
نوود و ادب و بيقيد
بر ساطع بسوي خدا
رجوع مي کرده و عيش
بسيار مدبر و دانلود
علي و علي عطا خود نوود

دل بی ناز
عزیزت شد
دل بی ناز
کرد و ساقی آینه را بر
از جنب عزت برادر
خدا تعالی و الله اعلم
فلترجم گوید سلیمان
علیه السلام از
امرا و خضع ۱۳
شده بخاطر آورد ۱۱
که انبیا با صد زن
صحت دلم و دهر زنی
چهر زاید و بیکه شاه
باشد جهاد کننده مرا
اعتقاد حق امرانند
فرشته گفت ان الله
جو سلیمان بهر کوه پس
بیچ زن حاضر لایک
زن طفل ناقص خلقت
زاده آن طفل را بر
تحت سلیمان انداختند
سلیمان علیه السلام بفرست
شده و روح را به لذت
کرد الله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه در حدیث صحیح
است که حضرت سلیمان
روزی قسم خورده که انبیا
نزد تمام زوجات خود
میرود که به بیعت و
یا وود یا بعد از فراغ
میشوند تا آنکه هر زن
پسری تولد کرد و کرد
راه خدا جهاد کنند
انشاء الله تعالی
بزرگان نرا اندا اگر چه
در دلتش موجود بود
فرشته القا کرد که
انشاء الله بگو اوده
خدا با حق رفت که در
نقیض آن مباشرت از
بیچ زن او فرزند می
بوج دنیا خفته از
بعن یک زن طفلی
ناقض خلقت تولد
شده بعضی مفسرین
می گویند که دایه او را آورده بر وقت سلیمان نهادند که از اینک بگوید قسم تو آنرا درین وقت بهر وجهی که بخواهی از خدا بخواه آن حضرت سلیمان علیه السلام را اندامت دست داد

حَسَن نَّابٍ ۱۱ يٰۤاٰدُ وَاٰتَا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِی الْاَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ
نیکی باز گفت راست گفتیم اے داود و هر آینه ساجیم ترا بادشاه در زمین پس حکم کن میان مردمان
نعمین بگو اے داود و هر آینه ساجیم ترا انانیت در زمین پس حکم کن میان مردمان
يَا اٰحَقَّ لَا تَتَّبِعِ الْهَوٰی فِضْلَكَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ اِنَّ الَّذِیْنَ یَضِلُّوْنَ عَنْ سَبِیْلِ
برای کسی و پیروی پس خواهش نفس را اگر آن گمراه کند ترا از راه خدا هر آینه آنرا گمراه می خواند از راه
بالتفات و پیروی پس خواهش را اگر گمراه کند ترا از راه الله بدرستی آنرا گمراه می خواند از راه
اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیْدٌ ۱۲ اِنَّمَا نُوَلِّیْهِمْ اَشْیَآءَ نَحْنُ مُبْتَلٰۤی ۱۳ وَ مَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضَ
خدا ایشان را راست عذاب سخت بسبب آنکه فراموش کردند روز حساب را و نیازیم آسمان و زمین را و
الله ایشان را راست عذاب سخت بسبب آنکه فراموش کردند روز حساب را و نیازیم آسمان و زمین را و
وَمَا یُبَیِّنُ لَهُمْ اٰیٰتِیْهِمْ اِلَّا اَنْ یَّكْفُرُوْا ۱۴ فَوَيْلٌ لِلَّذِیْنَ كَفَرُوْا مِنْ لَّعْنَةِ اللّٰهِ
آنچه در میان ایشانست بے بهره این گمان که ذرات است پس دانسته کاران را سزا عفو بت آتش
آنچه در میان ایشانست عفو این گمان آنان است که منکر شده اند پس عذاب است از عفو آتش آنان که منکر
اَمْ یَجْعَلُ لِلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ کَالْمُفْسِدِیْنَ فِی الْاَرْضِ ۱۵ وَ یَجْعَلُ
آیا بیسازیم آنرا که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند ما را مانند فاسقین که در زمین آریا می سازیم
آریا می گردانیم آنان را که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند ما را مانند فاسقین که در زمین آریا می گردانیم
الْمُتَّقِیْنَ ۱۶ كَتَبَ اَنْزَلْنٰهُ اِلَیْكَ مَبْرُوْرًا ۱۷ وَ اٰیٰتِهٖ وَ لَیْسَ لَكَ اِلَٰهٌ اِلَّا
بهر نیز آنرا مانند هدایت این قرآن کتابت با برکت کرد و آوردیم او را بسوی تو نازل و مایه نازل کردیم و آیات او را
قرسندگان خدا را مانند هدایت این قرآن کتابت با برکت کرد و آوردیم او را بسوی تو نازل کردیم و آیات او را مانند هدایت
اَلْاَنْبِیَآءِ ۱۸ وَ وَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَیْمٰنَ ۱۹ نَعْمَ الْعَبْدُ اِنَّهٗ اَوَّاهٌ ۲۰ اِذْ عَرَضَ عَلَیْهِ
خود و عطا کردیم داود را و فرزند سلیمان نام بختی بنده بود سلیمان بر آینه او رجوع کننده بود بخدا ایدلین چو بنده
داش و دادیم داود سلیمان بختی بنده بود سلیمان بر آینه او رجوع کننده بود بخدا ایدلین چو بنده بود
بِالْعِشْقِ الصَّفٰتِ الْجَمَادِ ۲۱ فَقَالَ اِنِّیْ اَحْبَبْتُ حَبَّ الْخَمْرِ عَنْ ذِکْرِ رَبِّیْ ۲۲
وقت بگذاشتن اسبان نیز و پس گفت بر آینه دوست داشتیم این اسبان را از قبیل رعیت بل اغراض کنان از ذکر و یاد
بوقت عصر اسبان حاضر نیز و پس گفت سلیمان بر آینه اسبان را از قبیل رعیت بل اغراض کنان از ذکر و یاد کرد
حَتّٰی تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ۲۳ وَ اَرَدُوْهَا عَلٰی قَطْفِیْ ۲۴ اَلَسَوْفَ وَ الْاَعْنَاقِ ۲۵
تا آنکه پنهان شد از آفتاب در پرده و باز گردانید این اسبان را بر من پس شروع کرد دست رسانیدن بر آینه و گردن های
تا آنکه پنهان شد از آفتاب در پرده و باز گردانید این اسبان را بر من پس شروع کرد سر کردن ساقها و گردن را و
لَقَدْ فَتَنَّا سُلَیْمٰنَ ۲۶ وَ الْقَبِیْلَةَ لَیْسَ بِجَسَدٍ اَنْ اَنْتَ ۲۷ قَالَ رَبِّ اَعْفِرْ لِّیْ ۲۸
هر آینه از خودیم سلیمان را و انداختیم بر تخت او کالبدی که در سجده گفت ای پروردگار من بسیار مرا
بدرستیک از خودیم سلیمان را و انداختیم بر تخت او کالبدی که در سجده گفت سلیمان او پروردگار من بسیار مرا
هَبْ لِّیْ مَلَكًا ۲۹ یَسْبِغِیْ لِیْ اَحْمَرًا ۳۰ اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ ۳۱ فَسَخَّرْنَا لَهُ
عطا کن مرا آن بادشاهی که راست نماید بیچ کس را عطا کن مرا بر آینه کوبی بخشا بنده پس سحر گردانیدیم
عطا کن مرا بادشاهی که راست نماید بیچ کس را عطا کن مرا بر آینه کوبی بخشا بنده پس سحر گردانیدیم برای او
الرَّیْسَ یَحْزَرِیْ ۳۲ بِأَمْرِ رَءِیْسٍ اَحْمَرٍ ۳۳ اَصَابَ ۳۴ وَ الشَّیْطٰنِ ۳۵ كُلُّ بَنَآءٍ وَ خَوَاصٍ
باد را بر وقت بفرمان او یا بختی روان شده هر جا که خواسته باشد و سحر گردانیدیم دیوان را بر حکمت بنا کنند و او را بهر فرد و دنده
مادر او که میرفت بفرمان او بهر فردی هر جا که خواست و سحر گردانیدیم اشیا را بر حکمت و خواص را
وَ اٰخَرِیْنَ مُقَرَّرِیْنَ ۳۶ فِی الْاَصْفَادِ ۳۷ هٰذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ اَوْ اَمْسِكْ
و سحر گردانیدیم دیوان دیگر را دست و پا بهم بسته در زنجیر بختی اینست بخشش عطا کن یا نگه دار
و دیوان را دست و پا بهم بسته در زنجیر با این است عطا کن یا نگه دار یا باز دار

والمی نذر اسلمین
تفسیر عثمانی
عنه لانا علی وکرمه

بالا عبادت است از
جمله کائنات مقررین غیر
هم که جوهر آنها تبار
الهی تصدیقات کونیه
بنظیر و پیغمبر
را جبهه بتدبیر ۲۳
و مباحثه که ۱۳

در باب فناء بقا
نظام عالم بین ما علی
یعنی آید آید آید آید
که بشما اطلاع می گردد
اموریکه انشاء تعالی را

خبر داده بشما بایان
گردد هر چه می گویم
اثر و جوی و اعلام اوست

باجرای این مباحثه
ام که همگان را اذعان
مستقبل خوشنایک

آهنگی و مضامین تمام
آگاه سازیم ایستادن
وقت موجود و جزائی

فرا خواهد رسید قیامت
چه وقت برپا خواهد شد
پس بر این آگاهی

نداده اند و در حدیث
است که هر یک اجتماعیک
میان خود ترازو بیفزین

علیه السلام اجل آمد
را جبهه به درود و قیامت
مذکر شد بگفتن

بحضرت ابراهیم علیه السلام
گرددند فرمود که علم ندادم
باز بحضرت موسی علیه السلام

گرددند او هم چنان جواب
داد بالاخر هر چه حق
میست علیه السلام و جوی

نمودند فرمود و در حدیث
رسالت معین قوت
قیامت باین معلوم

نیت تنها این است
میدانم که خدای تعالی
در دو آن را این وعده

داد و است را آنچه در
عبدی است که حضرت مسیح
وقت درود قیامت را از حضرت جبرئیل در یافتن فرمود

قَدْ تَوَدَّ لَكَ فَبَسَلْ لِقَارِهِ ۖ قَالَ لَوْ اَرَبْنَا مِنْ قَدَمِ لَكَ هَذَا فَرَدَّ عَذَابُ بَعْضِ

رسم قدیم را خجسته را بر آستین ما پس بد قرار گایست دست دوزخ گویند اے پروردگار ما هرگز این تقدیم ساخته باش بر آستین ما
پیش آوردید عذاب را بر آستین بد قرار گایست دوزخ گویند ای پروردگار ما لیکه پیش آورده است برای ما این را پس زیاد من در عذاب و چند
فی النار ۱۱) وَقَالَ لَكَ لَا تَرَى رَحَالَكَ تَعْدُ هُمْ مِنَ الْكَثَرَةِ ۖ أَخَذَ نَهْمُ

در آتش و گفتند اهل دوزخ چیست ما را کثرت مردانی را که می شمریم ایشان را از بدلان علی آریا سخره می گویند
در آتش و گویند چیست ما را که نمی بینیم مردانی را که می شمریم ایشان را از بدلان آریا گرفتار بودیم ایشان را
سُخَّرَ بِأَمْرِ ذَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ ۖ إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَافُ أَهْلَ النَّارِ ۖ

ایشان را آریا بد کشته است از ایشان دید ما هر یک از این راست است مراد از آن حضرت کردن اهل دوزخ است با یکدیگر
(تعلیم) سخره (که اکنون سزاوارد دخول دوزخ نیستند) با خطا غوره است از ایشان چهره های ما بدیداری که این می خورند زبانی اهل دوزخ
ثُمَّ اَنَّا مَنَدَرٌ ۖ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۖ رَبُّ السَّمَوَاتِ

جز این نیست که من ترساننده ام و نیست هیچ مبود مگر خداست یگانه با قوت
من این رسول ترساننده ام و نیست هیچ مبود مگر حق تعالی یگانه با سلطه پروردگار آسمانها و
الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ۖ قُلْ هُوَنُوعُوا عَظِيمٌ ۖ اَن تَمْرَعَنَّهُ

زمین و آنچه میان اینهاست غالب آمرزگار بگو این طبع بزرگ است شما از دوسه
زمین و آنچه میان آنهاست غالب آمرزگار بگو این خبر بزرگ است شما از آن
مَعْرُوضُونَ ۖ مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَائِكَةِ اِذْ يَخْتَصِمُونَ ۖ اَن يُدْعَوْ

روگرداننده آید نیست مرا هیچ دانش بحال این جماعتند تقدیر فرستگان چون با یکدیگر جواب و سوال می کنند و حج مستانه نمی شود
روگرداننده آید نیست مرا هیچ علم بر گروه برتر (از فرشتگان) آنها که با هم گفت و شنودی کردند و می فرستاده می شود
إِلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ اَن نَّذِيرٌ مُّبِينٌ ۖ اِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلِكَةِ اِنِّي خَالِقُ بَشَرٍ

بیوسه من مگر آنکه من ترساننده آشکارم و یاد کن چون گفت پروردگار تو به فرشتگان هر یک من آفریننده ام آدمی را
مکن مگر اینکه من رسول ترساننده آشکارم و چون گفت پروردگار تو فرشتگان را (بر این) من آفریننده ام بشر را
مِنْ طِينٍ ۖ فَذَاسُوْنَهُ وَنَفْثَ فَيْدٍ مِنْ رُوحٍ فَقَعَالَهُ سَجْدِينَ ۖ

از گل پس چون راست گفت او را و بدیم در دوسه روح خود را پس در آفتاب او را سجده کنان
پس چون در دست گفت او را و بدیم در دوی یک روح خود را میفتند پیش او سجده کنان
فَسَجَدَ الْمَلَكَةُ كُلُّهَا اِجْمَاعُونَ ۖ اِلَّا ابْلِسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ

پس سجده کردند فرشتگان تمام ایشان همه یک جا مگر شیطان سرکش گردید
پس سجده کردند فرشتگان تمام ایشان همه یک جا مگر ابلیس سرکش گردید و کبرت از
الْكٰفِرِيْنَ ۖ قَالَ يَا بَلِيسَ مَا مَنَعَكَ اَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيدِي ۖ

لافران گفت خدا اے شیطان چه چیز باز داشت ترا از آنکه سجده کنی چیز را که آفریدم
لافران فرمود خدا اے ابلیس چه چیز باز داشت ترا از آنکه سجده کنی برای آنچه آفریدم بدست خود
اَسْتَكْبَرْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِيْنَ ۖ قَالَ اَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ

آیا تکبر کردی یا حققت هستی از بلند تدران گفت من بهترم از دوسه آفریدی مرا از آتش
آیا تکبر کردی یا حقستی از بلند تدران گفت ابلیس من بهترم از دوی آفریده مرا از آتش
وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ۖ قَالَ فَارْجِعْ مِّنْ قَدَمِكَ رَجِيمٌ ۖ وَاِنْ عَلِيكَ

و آفریدی او را از گل گفت بگردن منو از بهشت هر آینه تو را نداده شده و هر آینه بر تو
و آفریده او را از گل فرمود پس بگردن او از آن (هر آینه) مردودی و (حققت) بر کفایت
لَعَنَتْنِي اِلَى يَوْمِ الدِّينِ ۖ قَالَ رَبِّ فَاَنْظِرْنِي اِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ۖ قَالَ

لننت من باد تا در جزا گفت ای پروردگار من پس مهلت ده مرا تا آنروز که برانگیخته شوند مردمان گفت
لننت من تا در جزا گفت ای پروردگار من پس مهلت ده مرا تا آنروز که برانگیخته شوند مردمان فرمود

لَعَنَتْنِي اِلَى يَوْمِ الدِّينِ ۖ قَالَ رَبِّ فَاَنْظِرْنِي اِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ۖ قَالَ

لننت من باد تا در جزا گفت ای پروردگار من پس مهلت ده مرا تا آنروز که برانگیخته شوند مردمان گفت
لننت من تا در جزا گفت ای پروردگار من پس مهلت ده مرا تا آنروز که برانگیخته شوند مردمان فرمود

اَنْ اَعِدَّ اللهُ لِمُخْلِصِ الدِّينِ ۝ وَاَمْرًا لِّرَافِدٍ اَنْ اَكُونَ وَلِلسَّيِّدِ ۝

بر عبادت کتم خدا را خالص ساخته بر آئینه او پرستش و فرموده شد مرا بآنگاه باشم نخستین مسلمانان که جنگی کنم التذرا خالص کنان برای او پرستش بر او امر کرده بمن باینکه باشم اول زمان برادران را امر کرده شد مرا

قُلْ اِنِّيْ اَخَافُ اِنْ عَصَيْتُ رَبِّيْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قُلْ لِلّٰهِ اَعْبُدُ ۝

بگو ای من می ترسم اگر تافاتی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ بگو خدا را عبادت میکنم بگو اله را عبادت می کنم

مُخْلِصَالَهُ دِیْنِ ۝ فَاَعْبُدُوا مَا كُنتُمْ مِّنْ دُونِهِ قُلْ اِنَّ الْخَیْرَ لَیْسَ

خالص ساخته بر آئینه او پرستش خود را پس عبادت کنید هر که را خواهید بجز خدا بگو هر آینه زیان کاران خالص کنان برای او عبادت خود را پس عبادت کنید آنچه را خواهید بجز خدا بگو بدتر سبکی زیان کاران کامل

الَّذِیْنَ خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ وَاَهْلِيَهُمْ یَوْمَ الْقِیَمَةِ اَلَا ذٰلِكَ هُوَ الْخَسِرَانِ ۝

آنانکه در زیان دادند خویشین را و اهل خود را روز قیامت ط آگاه باش این مقدمه هاست زیان آنانکه کفر کرده اند انداخته نفس بآن خود را و اهل خود را در روز قیامت آگاه باش بهین است زیان

السَّیِّئِ ۝ اَلَمْ یَكُنْ لَهُمْ مِّنْ نُّوْرِ هُمْ ظَلُّواْ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِ هُمْ ظِلُّ ذٰلِكَ

ظالم ایشان را از بالا ای ایشان را سبب آنجا باشد از آتش و اندر ایشان نیز مثل سبب آنجا این عذاب ایشان را است از بالای ایشان ابر باد طغیان از آتش و از پایین ایشان نیز ابر باد طغیان این عذاب

یُخَافُ اللّٰهُ بِعِبَادَةٍ یَّعْبُدُوْنَ فَاتَّقُوْنَ ۝ وَالَّذِیْنَ جُنَّبُواْ الطَّاغُوتَ

بهرسانند خدا ازان بندگان خود را اے بندگان من ترسید از عذاب من و آنانکه احتراز کردند از بتی می ترسانند اله بآن بندگان خود را اے بندگان من ترسید از عذاب من و آنانکه احتراز کردند از بتی

اَنْ یَّعْبُدُوْهُمَا وَاَنْ اَبْرَاۤءِیَ اللّٰهُ لَیْسَ اِلٰهٌ اِلَّا هُوَ الْعَزِیْزُ الْحَمِیْدُ ۝

از آن عبادت کنند او را در جوع کنند بسوی خدا ایشان را است مرده پس مرده ده آن بندگان مرا کرمی شنوند که بپرستند آنها را در جوع کردند بسوی اله ایشان را است مرده پس مرده بده آن بندگان مرا کرمی شنوند

اَلْقَوْلُ فِیْ تَبٰیعُوْنَ اَحْسَنَہٗ اَوْ لَیْکَ الَّذِیْنَ هَدٰۤیَہُمُ اللّٰهُ وَاُولٰٓئِکَ هُمُ الْاَوَّلُوْنَ

سخن من پیروی می نمایند بگویند ترین آنرا ایشان شنند آنگاه که هدایت کرده است ایشان را خدا و ایشان را شنند خدا و ندان سخن من پیروی می کنند بگویند توین آن سخن را عده ایشان شنند آنگاه که هدایت کرده است ایشان را است اله و ایشان را شنند خدا و ندان

اَلَا لَیْکَ ۝ اَفَمَنْ حَقَّ عَلَیْهِ کَلِمَةُ الْعَذَابِ اَفَاَنْتَ تَنْقُذُ مَنْ فِی النَّارِ ۝

خود پس کیست ثابت شد بر او عذاب آیا تو خلاص توانی کرد ای روز نمی را بقول آیا پس کیست ثابت شده بر وی عده عذاب آیا تو خلاص کرده میتوانی آنرا که در آتش افتاده

لَیْکَ الَّذِیْنَ اَتَقُواْ رَبَّهُمْ عَرَفُوْا مِنْ نُّوْرِهَا عَرَفُوْا مَبِیْعَتَ الْجَحِیْمِ ۝

لیکن آنگاه که ترسیدند از پروردگار خود ایشان را است حکمهای بلند بالای آن کلمات دیگر عادت کرده شده میرود لیکن آنگاه که ترسیدند از پروردگار خود ایشان را است بلا خاستها کفوف آن بلا خاستها ب دیگر عادت کرده شده میرود در

تَحْتِهَا الْاَنْعَامُ وَعَدَلَ اللّٰهُ لَا یُخْلِفُ اللّٰهُ الْبِعَادَ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنْزَلَ

زیر آن جویند عده کرده است خدا خلاص می کند خدا و عده را آیا ندیدی که خدا از فرستاد زیر آن جویند عده کرده است اله خلاص می کند اله از عده خود آیا ندیدی که اله از فرستاد

مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَکَہٗ یَنْبِیْئِیْ فِی الْاَرْضِ ثُمَّ یَخْرِجُ مِنْہَا حَبًّا مُّخْتَلِفًا

از آسمان آب پس در آورد آنرا بچشمه سارها در زمین باز بر می آورد لبیب آن کشت را گونا گوی از طرف آسمان آبی باز روان کرد آن آب را در چشمه های زمین باز بر می آورد به آن کشت که مختلف است

اَوْ اَنَّهُ تَمْرِ یَجِیْجٍ فَذَرٰہُ مَصْفًّیۡ ثُمَّ یَجْعَلُ حَبًّا اَوْ اَنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَذِکْرٍ ۝

است اسم او باز خشک میشود پس می بینی آنرا از در شده باز می کند آنرا ریزه ریزه هر آینه درین مقدمه بین است است رنگ باز اوار آن باز خشک میشود پس می بینی او را از در شده باز می کند آنرا ریزه ریزه (هر آینه) درین است نصیحت (تذکره)

فل یمنی از خشک ۱۲

فل یمنی بآن کینه خود او اهل خانه را

دا بخلل از اطفال ۱۳

تفسیر عثمانی

ع قدومم خداست

بکان اهل من جنگی

همان ذات بیامه رای

کتم - شاهر کرمی بر سینه

اعتقاد دارد بگرایی

تقدیر بجهت که انجام ترش

ما سوی الله چه خواهد شد

در آیت الهی انجام چنان

عمل را تو نمی کنی

عده یعنی بآن کینه

تو ناگونی می شنوند بگر

سخن غیب و مفید را

پذیرفته متابعت میکنند

یا مطلب این است که

سخن خدا می شنوند

از آنجا که ترش است بر

هدایت اعلای اعلی

ست عمل می کنند شایسته

یک لایه از یک حیث

پیروی رخصت و

اباحت دارد و از

پیروی دیگر عزیمت

آنها رخصت را گناه

عزیمت را اخیلا می

کنند و یا چنانی ترجمه

کنند که کلام هدای را

شیده سخنان بهتر آنرا

پیروی می کنند زیرا

سخنان او همه بهتر و

مفید است و گناه

تالان المفسون حضرت

شاه صاحب مطلب

آنرا این طور بیان کرد

است - بیک پسندیده

از او بعلی آید یعنی

امرا تعلیم و از نبی

اجتناب می نمایند چنانکه

عمل کردن اذن الله

نیک است اجرا کردن

آخر الذکر نیز نیک باشد

مع آنگاه که بپرید

عده و کوه از پشت حکم عذاب بر ایشان ثابت شده است می توانستند راه کاها بیاورند باینجا چنانکه بدستشان از آنجا که آمد کلام کس بر او آورده میشود ۱۲

ملایین و عده یا ۲۲
و عید و انذار یا ۱۳

بشارت ۱۲
و یقین بخبر دوزخ ۱۱

چیزه نیاید که عذاب را باین نگردانند و دانند این نجات باشد و یقین بدهد که چند کس نایک او باشند مانع شود هم چنین کسی که معیوان بسیار بایستد و شکی نیست ضایع است و دوزخ که غاص بر آن یک کس است آن یک کس است و لی مع امر او باشد هم چنین کسی که مع او باشد و شخص خدا کار از او است و الله

اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی

مع مطلب مثالی
یعنی تکرار شده این است
کوبیدی احکم ملاحظه
و قصص به پیروی ای
مختلف تکرار کرده شد
تا بدستی زمین نشین
شود و نیز در همین تواتر
آیت تکرار میشود و

بعضی عده از
تفسیر و

مثالی این
مطلب گرفته اند

که بعضی آیات که
سلسله کتب

مضمون غلی درازی
شود این قبیل آیات
را در تفسیر و توجیه

در بعضی مواضع بایک
نوع مضمون در جمله

دوم آن نوعی است که
اش بیان میشود چون

ان اولاد یقین
نعمه ان العباد
ملی جمیع یا

نمی عبادی ای آه
انفورا الرحمه ان عذاب
بما انقلب الامم یا

اولی الالباب ۱۷ افسن شرع الله صدمه الاسلام فهو على نوبه

خداوندان خود را آيا کسی که شهادت کرده است خدا سینه او را برای دین پس او بر دوشی باشد

من ربه فویل للقسیة قلوبهم من ذکر الله اولیاء فی ضللی منین

از جانب پروردگار خود مانند سخت دلائل است پس و آیت آنرا که سخت است دل ایشان از یاد کردن خدا ایشان در گمراهی است

الله نزل احسن الحدیث کتبنا فتنسأهم متانی نقشعهم من جلود

خدا نازل ساخت بهترین سخن کتاب که در میان خود ما یکدیگر تکرار شده عده مراد است میشود از ان بر پوست است

الذین یحشون ربهم ثم تلین جلودهم و قلوبهم الی ذکر الله ذلک

آنانکه می ترسند از پروردگار خود بعد از ان نرم میشود پوست ایشان و دل ایشان نزد یک ذکر خدا این است

هدی الله یهدی به من یشاء و من یشاء الله فیما له من هاد

هدایت خدا راه می نماید بآن هر که خواهد و هر که را که خدا کند خدا پس نیست و راه را می بیند

افمن یقنی یوجبه سوء العذاب یوم القیمة و قیل للظالمین ذوقوا

آيا کسی که اصرار می کند بر دوزخ خود از سختی عذاب روز قیامت و گفته شود ستمکاران را بچشید

ما کنتم تکسبون کذب الذین من قبلهم فاتهم العذاب من

و بال آنچه می کردید بدو عتاب نسبت کردند آنانی پیش از ایشان بودند پس بیاید بدیشان عذاب از

حیث لا یشتعرون فاذا هم الله الخزی فی الحیوة الدنیاء و العذاب

آنگاه که نمیدانستند پس چشاند ایشان را خوار در زندگی دنیا و هر آینه عذاب

الآخرة الذین لم یعلمون و لقد ضلوا للنایس فی هذا القرآن

آخرت سخت تر است اگر میدانستند و هر آینه بیان کردیم بر آن مردمان در این قرآن

من کل مثل تعلم یتدکرون قرانا عربیا غیر ذی عوج تعلمهم

از هر نوع داستان بود که ایشان پند گیرند خود آوریم قرآن عربی بی عیب بود که ایشان

یتقون ضرب الله مثلا رجلا فیه شرکاء فتنسأهم و رجلا سکا

بر هر یک که آورده الله مثل یک مردی را که در میان شریمان اختلاف کنند و باشند بر ضد یکدیگر و یک مردی که غافل باشد

رجل هل یستون مثلا الحمد لله بل اکثرهم لا یعلمون انک

بر آن مرد که آیا بر او برسد در صفت ستایش خدا از راست بلکه ایشان نمیدانند و یا محمد بر آینه که

میت و انهم میبتون ثم اناکم یوم القیمة عند ربکم ختصهون

خواهی مرد و هر آینه ایشان خواهند مرد باز البته شما روز قیامت نزدیک پروردگار خویش بایکدیگر ختصه است خواهی مرد مردی است و هر آینه ایشان هم مردی هستند باز البته شما روز قیامت نزدیک پروردگار خود مجادل خواهید کرد

و بخند که الله تفر و الله دون با عیاد و چنین آیات را مثالی میگویند که در این دو نوع مضمون مختلف بیان شده است عده کسی را که اینها را متماثل میانه باطن

تفسیر عثمانی

چند آیت
پیش در فیه
الله شافع
فی شکار الیه
رو شرف و جیل
شرفین بیان شده
بود تا بران مشرکین غیر
علیه السلام را از بنان
خود می رساندند که
به پیش کن سبب
تو من و تحقیق معبودان
مار البقره و غضب
مبار بباد اترامه
الله و مجنون و جوط
الحواس بازند
جواب داده شده که
تشیخ کینه خدای
مقتدر بکار نگرید
ازین خدایان عاجز و
نا توان چه خون و
هر اس بداد آقاوار
امداد و جانین آن عزیز
منتقم کافی نیست کرد
و بیکان برسد و بیگانه
محبت کند این هم یک
خط و گمراه و بیگانه
که شرف این مشرکین
بود می کند که می خواهند
پرستنده خدا را احد
را یا چنین باز بجا
تبرسانند حقیقت
اینجا نهفته است
که کسی ما براه راست
روان کردن و با اذن
راه و خوف ساختن
همداختار خداوند
است چون خدا شخصی
را بسبب نادانی و بگو
آتش برده کاهجانی
و نه چون آتش در شخص
همین خطا و محاسن
و دیوانه می گردد حتی
برای نسیدن سخنان
عادی هم قوت اسباب
می گردد آیا این بجز
دل این قله نشود
و تیر نداشتند که
خوار و ذلیل گردانند

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ
 پس کیست ستمگار تر از کسی که دروغ بر خدا و دروغ داشت
 پس کیست ستمگار تر از او که دروغ گفت بر خدا و مکتوب کرد

بِالصِّدْقِ أَذْجَلُ الْإِسْ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ۝ وَالَّذِي
 دین راست را چون بیاد آید یا نیست در دوزخ جائز کاران
 ستم راست را به ستم دیگر رسیده او آیات در دوزخ جائز است برای کاران و آیت

جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۝ لَهُمْ فِي أَشْجَارٍ
 آورد دین راست را و باورد آیت از آنجا که ایشان متقین
 آورد دین راست را و باورد آیت از آنجا که ایشان متقین

عِنْدَ رَبِّهِمْ ذُلٌّ لِّكَ جَزَاءُ الْحَسَنَاتِ ۝ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي
 نزدیک پروردگار ایشان این است جزای نیکو کاران
 نزدیک پروردگار ایشان این است جزای نیکو کاران تا از ایل کند خدا از ایشان بدترین آنچه

عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ أَلَيْسَ لِلَّهِ
 کردند و بدید ایشان را مزد ایشان را بحسب نیکو ترین آنچه می کردند
 کردند و بدید ایشان را مزد ایشان را بحسب نیکو ترین آنچه می کردند

بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۝ وَمَنْ يَضِلَّ اللَّهُ فَمَا
 کار سازنده خود را و می ترسانند ترا با آن که غیر خدا اند
 کافی بنده خود را و می ترسانند ترا با آن که غیر خدا اند و هر اگر گمراه کند خدا پس نیست

لَهُ مِنْ هَادٍ ۝ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ ۝ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ
 اورا هیچ راه نمانده و هر گمراه نماید خدا نیست اورا هیچ گمراه کننده
 اورا هیچ راه نمانده و هر گمراه نماید خدا نیست اورا هیچ گمراه کننده آیات خدا غالب

ذِي انتِقَامٍ ۝ وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمُوتَ وَالْأَرْضَ لِيَقُولُوا
 خدا بدان انتقام کشیدن و اگر به پرسشی ایشان را که آفرید آسمانها و زمین البته بگویند
 انتقام گیرنده و او است اگر پرسشی ایشان را که کدام کس آفرید آسمانها و زمین را البته بگویند

اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ
 خدا آفرید بگوید دیدید آنرا که می پرستید بجز خدا
 الله (آفرید) بگوید دیدید آنرا که می پرستید بجز الله اگر خواهد بدین حق من خدای توانی سختی را

هَلْ هُنَّ كُشْفَتْ ضَرَّةٌ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتٌ رَحْمَتِي
 آیا این بتان دروغ کننده سختی او هستند یا اگر خواهد بدین حق من بخشایش او هستند
 آیا این بتان زایل کننده ضرر او هستند یا اگر خواهد بدین رحمتی آیا این بتان هستند باز در دهن رحمت او

قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ قُلْ يَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى
 بگو بسست مرا خدا بر دوش تو عمل کند تو عمل کنندگان
 بگو بسست مرا خدا بر دوش او بشارتی کند اعتماد کنندگان بگو ای قوم من عمل کنید

مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخَيِّرُ بَيْنَ
 دین خود هر آنچه من بخواهم عمل کند ام بر دوش خود پس خواهند دانست که را که بیا بدین
 عمل خود (بر آنچه من بخواهم عمل کند) پس زود را که بیا بدین است که بیا بدین یا عذاب که رسوا کنند او را

يُحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
 که را که خود آید بر دوش عذاب دائم هر آنچه ما فرود آوردیم بر تو کتاب را بحسب راستی
 فرود آید بر دوش عذاب دائم به حقیقت ما فرود آوردیم بر تو کتاب را بحسب راستی مردمان بر راستی

و نه خداوند مقتدر و آمر هیچ قوت دیگری با او ندارد می تواند قوه مقابل ستمکاران و فرشت و پادشاه کرده میفرود نماید بر سر خداوندی مقتدری است که استقامت و خدایان شخص

ع حضرت شاه صاحب میسر
یعنی خداوند متعال
خواب هر روز و یا
شب جان را بدست
ی کتبه باز پس
میفرستد - همین
علامه و نشانی آخرت
است - معلوم گردید
که در حین خواب هم
روح کشیده میشود
چنانکه بهر کلام مرگ
اجرای می شود اگر در
خواب روح متفرق
شده ماند تا ماتحت
واقع شد مگر این روحی
است که آنرا پادشاه
(ظاهری) می گویند
چنانکه پادشاه آن
تنفس جاری میشود
و نبض با حرکت میکند
و همان روح میشود آن
دیگری است که پیش
از موت نزع می شود
و مرقع القرآن (نوی
از حضرت علی کرم الله
در نقل کرده است
که در حین خواب
روح می برآید مگر
تعلق آن بند بر شمع
باید میان چنانچه
باین وسیله جات
باطن می شود و هم
چنانکه آفتاب از
دری ۹۳ لیون
میل زمین را زایل
شمارها گرم نگ
میکند ازین برای
آید که خواب هم
همان چیزی برآید که
در وقت موت خارج
میشود لیکن انقطاع
بطوری نیست که از
موت واقع میشود
و الله اعلم ۱۲

فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِ وَمَا اَنْتَ عَلَيْهِ
پس هر که راه یاب شد پس نفس او را است و هر که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه میشود بر ضرر خود یعنی برایشان
پس هر که راه یافت پس بر او راست فائده آن و هر که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه میشود بر ضرر نفس خود و توفیقی برایشان
يُكَلِّمُ ۝ اَللّٰهُ يَتَوَفَّى ۝ اَلْاَنْفُسَ ۝ حِيْنَ مَوْتِهَا ۝ اَلَّتِي لَمْ تَكُنْ فِيْ مَعَامِلٍ
نظایر این خدا متعالی نفس را در وح می کند نزد یک موت آن و آن روح که زنده است نفس آن میکند نزدیک خواب آن
نزد و از التوفی شد نفس را از معام مرتکب ایشان و می کشد در خواب آن نفس باقی را که زنده اند
فِيْهِمْ سِدُّ ۝ اَلَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا ۝ اَلْمَوْتُ ۝ وَيُرْسِلُ ۝ اَلْاَخْرَىٰ ۝ اِلَىٰ ۝ اَجَلٍ مُّسَمًّى ۝ اَلَّذِي
پس نگاه میدارد آن را که حکم موت کرده است بروی و میگرداند آن دیگر را تا وقتی که همین بر آید
پس نگه میدارد آن نفس را که حکم کرده بر آنها مرگ را و میفرستد آن دیگر را تا وقت همین بدرستی که
فِيْ ذٰلِكَ لَا يَتْلُوْهُمُ ۝ اَلْقَوْمُ ۝ يَتَفَكَّرُوْنَ ۝ اَمَّا ۝ اَشْخُلُوْا ۝ مِنْ دُوْنِ ۝ اَللّٰهِ ۝ شَفَعَاءُ
در این مقدمه شان است بر آن قوس که تامل می کنند آیا شفاعت کنندگان گرفته اند بجز خدا
در این نشانهاست بر آن قوس که تفکر می کنند چه آیه ای که اند بدون (و ازین) الله شفاعت کنندگان را
قُلْ ۝ اَوْ كُنَّا كَانًا ۝ اَلَا يَمْلِكُوْنَ شَيْئًا ۝ اَلَا يَعْلَمُوْنَ ۝ قُلْ ۝ اَللّٰهُ ۝ الشَّفَاعَةُ ۝ جَمِيعًا
بگو ایشان را که گرفتار اگر چه نمی توانستند هیچ کار می دانستند بگو در اختیار خداست شفاعت همه یک جا
بگو (آیا شفاعت کنند) اگر چه ملک هستند چیز بر او نمی دانند بگو حاصل الله راست (ملکیت) اختلافت همه را خواهد
لَهُ مُلْكُ ۝ السَّمٰوٰتِ ۝ وَ ۝ اَلْاَرْضِ ۝ ثُمَّ ۝ اَلْبَرِيَّةُ ۝ تَرْجَعُوْنَ ۝ وَاِذَا ذَكَرَ ۝ اَللّٰهُ ۝ وَحْدَهُ
مراد است بادشاهی آسمانها و زمین باز میسر و اگر در اندیشه خواهد شد و چون یاد کرده شود خدا تنها
مراد است بادشاهی آسمانها و زمین پس بسوی او گردانیده میشود و چون یاد کرده شود الله تنها
اَشْمَزَتْ ۝ قُلُوْبُ ۝ اَلَّذِيْنَ لَا يُوْمِنُوْنَ ۝ بِالْآخِرَةِ ۝ وَاِذَا ذَكَرَ ۝ اَلَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهِ
متنفر شود دل آنها که ایمان نمی آرند با آخرت و چون یاد کرده شوند آنها که بجز او هستند
منقبض گردد دل بر آن آنها که ایمان ندارند به آخرت و چون یاد کرده شوند آن مجبورانی که بجز او تعالی هستند
اِذَا هُمْ ۝ يَسْتَنْشِرُوْنَ ۝ قُلْ ۝ اَللّٰهُمَّ ۝ فَاطِرُ ۝ السَّمٰوٰتِ ۝ وَ ۝ اَلْاَرْضِ ۝ عَلِمُ ۝ الْغَيْبِ ۝
تاگاه ایشان شادمان میشوند بگو بار خدا ایا اے پدید آورنده آسمانها و زمین دانسته بهمان و
آنکه شاد میشوند بگو اے الله آفریننده آسمانها و زمین دانسته بهمان و
الشَّهَادَةِ ۝ اَنْتَ ۝ تَعْلَمُ ۝ بَيْنَ ۝ عِبَادِكَ ۝ فِيْ ۝ مَا كَانُوْا ۝ اِفِيْهِ ۝ يَخْتَلِفُوْنَ ۝ وَلَوْ ۝ اَنَّ
آشکارا تو حکم کنی میان بندگان خود در چیزی که ایشان در آن اختلاف میکنند و اگر باشد
آشکارا تو می که حکم کنی میان بندگان خود در چیزی که ایشان در آن اختلاف می کردند اگر باشد
لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا ۝ فَاِذَا فِي ۝ اَلْاَرْضِ ۝ جَمِيعًا ۝ وَ ۝ مِثْلَهُ ۝ مَعَهُ ۝ لَا تَقْدِرُوْنَ ۝ عَلَيْهِ ۝ مِنْ ۝ شَيْءٍ
آنان را که ستم کردند آنچه در زمین است همه بلیا و مانند آن همراه آن البته عوض خود دهند و ترا بسبب سختی
برای آنان که ظلم کردند آنچه در زمین است همه مانند آن بر آن البته تلافی خواهند کرد آنرا از
اَلْعَذَابِ ۝ يَوْمَ ۝ اَلْقِيٰمَةِ ۝ وَ ۝ بَدَا ۝ اَللّٰهُمَّ ۝ مِنَ ۝ اَللّٰهِ ۝ مَا لَمْ يَكُنُوْا ۝ اِيْحْتَسِبُوْنَ ۝ وَ ۝ بَدَا
عذاب روز قیامت و ظاهر شود ایشان را از جانب خدا آنچه بکارمان نمیدانستند و ظاهر شود
عذاب سخت در روز قیامت و ظاهر شود ایشان را از جانب خدا آنچه بکارمان نداشتند و ظاهر شود
لِلّٰهِ ۝ سَيِّئَاتٌ ۝ مَا كَسَبُوْا ۝ وَ ۝ سَاقٍ ۝ يَّهْمُ ۝ مَا كَانُوْا ۝ اِيْحْتَسِبُوْنَ ۝ وَ ۝ بَدَا ۝ اَللّٰهُمَّ ۝ مِنَ ۝ اَللّٰهِ ۝ مَا لَمْ يَكُنُوْا ۝ اِيْحْتَسِبُوْنَ ۝ وَ ۝ بَدَا
ایشان را جز اے بد آید که کرده بودند دور کرد و ایشان را آنچه بدان استنهای کردند پس چون برسد
ایشان را جز اے بد آید که کرده بودند و احاطه کنند ایشان را آن عذابی که بکارمان استنهای کردند پس چون برسد
اَلْاِنْسَانُ ۝ حَمْدًا ۝ عَنَّا ۝ اِذَا ۝ اَخْلُوْهُ ۝ نَعْمَ ۝ مِمَّا ۝ قَالَ ۝ اِنَّمَا ۝ اَوْتَيْتُ ۝ عَلَيْهِ
آدمی را سختی بخواند باز چون بدویم او را سختی از طرف خود گوید جز این نیست که داده شده مرا بخواند و کسی که در وقت
الانسان را سختی بخواند باز چون بدویم او را سختی از طرف خود گوید جز این نیست که داده شده مرا بخواند و کسی که در وقت

وَلَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ سِرُّهُمْ ۚ

تفسیر عثمانی

عنه این آیت مقام

رضیع حق و رحمت بی

پایان حضرت ارحم الراحمین

را اعلان می کند و در

حق شدید ترین لطیف

مایوس هیچ حکم

شفاداد و شرک محو

زنجیر مادتها پیوسته

غفرانی بجای امتداد

با کرمه فاسقه فاجر

هر که باشد پیر از یکبار

آیتها میشود سببی

عروج و نیست که از

رحمت خدا مایوس

۲ شود و بلی قطع امید

کنند زیرا که او تامل

بجایگاه گمان هرگز

نخواهد رساند می کند

و هیچ کس دست

او را گرفته نمی تواند

برهان نیاید سبب

رحمت حضرت او تا

امید شود این قدر

همت که در مواضع دیگر

فات قدس الهی امر

فرموده که هرگز شرک

را بدین توهم صاف

نخواهد کرد - پس

ان الله لا یغفر الذنوب

جیسا را باطن برسد

پایه مقید داشت

چنانکه حضرت او

عز وجل میفرماید ان

الله لا یغفر ان یشرک

به و یغفر ما دون

ذلك لمن یشاء

النسار و ع

ما ازین تقدیر لازم نمی

آید که الله تعالی بدین

توبه هیچ گناه خود را

کسان را صاف کرده

نی تواند و این

مطلب است که

برای هیچکس حرم

بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ قَدْ قَالُوا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

بل این فتنه است و لیکن اکثر ایشان میدانند هر آنچه گفتند این کلمه آنانکه پیش از ایشان بودند

فَمَا آخَرُهُمْ ۚ فَاصْبِرْ لَهُمْ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا ۚ

پس دفع خود از ایشان بدار آنچه می کردند پس رسید بدیشان عقوبت باری آنچه کردند و

الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ هُوَ الَّذِي يَصِيبُهُمُ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا ۚ

آنانکه ستم کردند ازین جماعه خواهد رسید بدیشان عقوبت باری آنچه کردند و ستمند ایشان عاجز نماند

وَأَمَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ هُوَ الَّذِي يَصِيبُهُمُ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا ۚ

و اما آنانکه ستم کردند ازین جماعه خواهد رسید بدیشان عقوبت باری آنچه کردند و ستمند ایشان عاجز نماند

وَأَمَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ هُوَ الَّذِي يَصِيبُهُمُ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا ۚ

و اما آنانکه ستم کردند ازین جماعه خواهد رسید بدیشان عقوبت باری آنچه کردند و ستمند ایشان عاجز نماند

وَأَمَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ هُوَ الَّذِي يَصِيبُهُمُ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا ۚ

و اما آنانکه ستم کردند ازین جماعه خواهد رسید بدیشان عقوبت باری آنچه کردند و ستمند ایشان عاجز نماند

وَأَمَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ هُوَ الَّذِي يَصِيبُهُمُ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا ۚ

و اما آنانکه ستم کردند ازین جماعه خواهد رسید بدیشان عقوبت باری آنچه کردند و ستمند ایشان عاجز نماند

وَأَمَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ هُوَ الَّذِي يَصِيبُهُمُ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا ۚ

و اما آنانکه ستم کردند ازین جماعه خواهد رسید بدیشان عقوبت باری آنچه کردند و ستمند ایشان عاجز نماند

وَأَمَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ هُوَ الَّذِي يَصِيبُهُمُ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا ۚ

و اما آنانکه ستم کردند ازین جماعه خواهد رسید بدیشان عقوبت باری آنچه کردند و ستمند ایشان عاجز نماند

وَأَمَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ هُوَ الَّذِي يَصِيبُهُمُ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا ۚ

و اما آنانکه ستم کردند ازین جماعه خواهد رسید بدیشان عقوبت باری آنچه کردند و ستمند ایشان عاجز نماند

وَأَمَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ هُوَ الَّذِي يَصِيبُهُمُ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا ۚ

و اما آنانکه ستم کردند ازین جماعه خواهد رسید بدیشان عقوبت باری آنچه کردند و ستمند ایشان عاجز نماند

وَأَمَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ هُوَ الَّذِي يَصِيبُهُمُ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا ۚ

و اما آنانکه ستم کردند ازین جماعه خواهد رسید بدیشان عقوبت باری آنچه کردند و ستمند ایشان عاجز نماند

وَأَمَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ هُوَ الَّذِي يَصِيبُهُمُ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا ۚ

و اما آنانکه ستم کردند ازین جماعه خواهد رسید بدیشان عقوبت باری آنچه کردند و ستمند ایشان عاجز نماند

وَأَمَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ هُوَ الَّذِي يَصِيبُهُمُ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا ۚ

فلان یعنی مختار و
 متصرف اوست
 والله اعلم ۱۱-
 تفسیر عثمانی
 عه حضرت شاه
 صاحب میگوید که
 بار اول نفع صورت
 برای فانی عالم و بار
 دوم برای زنده شدن
 است. این نفع سوم
 بعد از حشر برای
 بے پوش ساختن
 و نفع چهارم
 برای پوشید کردن
 است. بعد از آن
 تمام مخلوقات مظهر
 خداوند پیش میشوند
 یا کفر و کفر همارت
 کردند اکثر علای حقوق
 نفع صورت فقط دو بار
 بعلی از در مرتبه اول
 پوشش بواسطه دران
 زایل میشود پس ندگان
 می مانند یک اینکه
 مرده بودند برادران
 آنها کیفیت پیوستگی
 طوری میشود بعد از
 نفوذ دوم و دیده میشود
 بدیده آن ارواح
 مردگان بسوی ابدان
 بر می گردد و بپوش
 شدگان با فانی آید
 و در آن وقت منظر
 عجیب غریب حیرت
 آورده مشهود می گردد
 پس از آن بکمال عت
 بحضور خداوند تقدوس
 حاضر کرده میشوند
 (تنبیه از الامن
 شاه الله بعضی چرخ
 میکانیل ۱۴۰۰۰
 و ملک الموت را
 مراد گرفته اند
 بعضی بهراره
 آنها علامه العرش
 را نیز شامل کرده اند
 نزد بعضی انبیاء

عَلَىٰ لِقَائِهِمْ مُسَوِّدَةٌ ۚ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ۝۱۱

بر خدا روای ایشان سیاه شده است آیا نیست در دوزخ جای متکبران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحِبُّونَ دِيَارَهُمُ الْبَاقِي ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا ۝۱۲

ای کسانی که ایمان آورده اید جزای کسانی که ديار خود را دوست دارند بجزای آن است و خدا بخشنده است

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝۱۳

خدا را جز خدا نیست و او بر هر چیزی نگهبان است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَأْتِيهِمُ اللَّهُ أَوْ أَتَانَهُمْ فَهُم مُّسَوِّدُونَ ۝۱۴

و کسانی که کفر کردند خدا بر آنهاست و آنها را سیاه می کند

أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَعْبُدُونَ ۚ إِنَّمَا تَتَّبِعُونَ أَفْعَالَكُمْ ۝۱۵

آیا غیر خدا را می پرستید؟ شما فقط اعمال خود را پیروی می کنید

إِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ لَكِنَّ أَشْرَكَ يَحْبِبُونَ عَمَلَهُمْ ۝۱۶

به سوی کسانی که پیش از تو بودند که اگر شرک را دوست دارند و بهر آنکه می پرستند

أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَعْبُدُونَ ۚ إِنَّمَا تَتَّبِعُونَ أَفْعَالَكُمْ ۝۱۷

آیا غیر خدا را می پرستید؟ شما فقط اعمال خود را پیروی می کنید

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَأْتِيهِمُ اللَّهُ أَوْ أَتَانَهُمْ فَهُم مُّسَوِّدُونَ ۝۱۸

و کسانی که کفر کردند خدا بر آنهاست و آنها را سیاه می کند

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَأْتِيهِمُ اللَّهُ أَوْ أَتَانَهُمْ فَهُم مُّسَوِّدُونَ ۝۱۹

و کسانی که کفر کردند خدا بر آنهاست و آنها را سیاه می کند

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَأْتِيهِمُ اللَّهُ أَوْ أَتَانَهُمْ فَهُم مُّسَوِّدُونَ ۝۲۰

و کسانی که کفر کردند خدا بر آنهاست و آنها را سیاه می کند

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَأْتِيهِمُ اللَّهُ أَوْ أَتَانَهُمْ فَهُم مُّسَوِّدُونَ ۝۲۱

و کسانی که کفر کردند خدا بر آنهاست و آنها را سیاه می کند

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَأْتِيهِمُ اللَّهُ أَوْ أَتَانَهُمْ فَهُم مُّسَوِّدُونَ ۝۲۲

و کسانی که کفر کردند خدا بر آنهاست و آنها را سیاه می کند

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَأْتِيهِمُ اللَّهُ أَوْ أَتَانَهُمْ فَهُم مُّسَوِّدُونَ ۝۲۳

و کسانی که کفر کردند خدا بر آنهاست و آنها را سیاه می کند

يَذُنُّ لَكُمْ يَوْمَئِذٍ الْخُرُوجَ مِنْ سَبِيلٍ ۝ ذَلِكُمْ يَأْتِيكُمُ الْغَيْثُ أَنْزَلَهُ اللَّهُ
 وَهُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا فَلَا يَمَيِّزُ كُفْرَ
 الْإِيمَانِ يَوْمَئِذٍ ۝ فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۝ وَلَوْ كَفَرَ
 الْكَافِرُونَ ۝ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى
 مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْزِلَ الْيَوْمَ التَّلَاقَ ۝ يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ ۝
 لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۝ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۝
 الْيَوْمَ نَجْزِي كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۝ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝
 وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطِبِينَ ۝ مَا
 لَاطِلِبِينَ مِنْ حِمِيمٍ ۝ لَا تَشْفِعُ إِلَّا مَنْ أَسَفَ الْأَعْيُنَ وَخَالَجَفِي
 الصَّدُورِ ۝ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ
 لَا يَقْضُونَ شَيْئًا ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي
 الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا
 زَمِينًا تَابِعُوا مَنَاسِكَتَهُمْ ۝ وَتَابِعُوا مَنَاسِكَتَهُمْ ۝ وَتَابِعُوا مَنَاسِكَتَهُمْ ۝

وَلَا يَمَيِّزُ كُفْرَ الْإِيمَانِ يَوْمَئِذٍ ۝ فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۝ وَلَوْ كَفَرَ الْكَافِرُونَ ۝ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْزِلَ الْيَوْمَ التَّلَاقَ ۝ يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ ۝ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۝ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۝ الْيَوْمَ نَجْزِي كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۝ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطِبِينَ ۝ مَا لَاطِلِبِينَ مِنْ حِمِيمٍ ۝ لَا تَشْفِعُ إِلَّا مَنْ أَسَفَ الْأَعْيُنَ وَخَالَجَفِي الصَّدُورِ ۝ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ شَيْئًا ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا زَمِينًا تَابِعُوا مَنَاسِكَتَهُمْ ۝ وَتَابِعُوا مَنَاسِكَتَهُمْ ۝ وَتَابِعُوا مَنَاسِكَتَهُمْ ۝

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ شَيْئًا ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا زَمِينًا تَابِعُوا مَنَاسِكَتَهُمْ ۝ وَتَابِعُوا مَنَاسِكَتَهُمْ ۝ وَتَابِعُوا مَنَاسِكَتَهُمْ ۝

فل یعی مجلهای بملک
 بسیار بنا کردند
 تفسیر عثمانی
 مع چون کسی آمان
 را از عذاب دنیا نجات
 داده توانست از عذاب
 آخرت چنان رستگاری
 خواهد داد مع حضرت
 شاه صاحب رعد الله
 بنویس به فرعون گفت
 بود که مرا بگذارد شاید
 از این سلطنت او
 مشوره قتل را نپذیرد
 زیرا از فرشته مجرب
 تر سیده بود که ببادا
 رب او انتقام بگیرد
 مزید بر آن خود فرعون هم
 بدل ترسان در عوب
 شده بود لیکن بفرض
 اینکه مردم قوت و
 شجاعت خود را اظهار
 کند از انتهای شقاوت
 و بی حیالی خود این
 چنان بلا زد تا مردم
 بداندند که هیچ خوف
 و هراس او را از اهدا
 حکم قتل نیست
 و اراده او را هیچ
 بازداشت نمی تواند
 مع چون موسی
 علیه السلام از مشوره
 بای آنها آهی
 یافت به قوم
 خود فرمود که من
 این تهدیدات را
 قطعاً خیال نمی آورم
 یک شخص فرعون چیست
 اگر متکبرین اجدادین
 تمام دنیا یک جامع
 شوند باز هم پروردگار
 من دشمنای من است
 که از شر آنها نجات
 دهم من خود را فقط به
 پناه او سپرده ام همان
 ذات تعالی حامی و
 مددگار من است

هَمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآتَاكَ فِي الْأَرْضِ فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ
 زیاد تر از ایشان بقوت و بهشت آنها در زمین فل پس گرفتار کرد ایشان را خدا بگناهان ایشان
 ایشان سخت تر از ایشان از روی قوت و لشکان باور زمین پس گرفت ایشان را الله بسبب گناهان ایشان
 وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ① ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ
 و نبود ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده این عقوبت بسبب آن بود که می آمدند بایشان پیغامبران ایشان
 و نیست ایشان را از (عذاب) التذلیع منع کفره معاین (گرفت) بسبب آن است که می آمدند بایشان پیغامبران آنان
 بِاللَّيِّنَاتِ فَكُفُّوا فَاخَذَهُمُ اللَّهُ لَعْنَةُ قَوْمٍ شَرٍّ يَدُ الْعِقَابِ ②
 به نشانههای پس ایشان کافرشند پس گرفتار کرد ایشان را الله به حقیقی القوم شریک عقوبت است
 بانشانههای پس کافرشند پس گرفتار کرد ایشان را الله به حقیقی القوم شریک عقوبت است
 وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ ③ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ
 و هر آینه فرستادیم موسی را به نشانی و سولت و بخت ظاهر قاهر بسوی فرعون و
 (قسم است) به حقیقی فرستادیم موسی را بانشان بای خویش و حجت ظاهر بسوی فرعون و
 هَامِنْ وَقَارُونَ فَقَالُوا سِحْرٌ كَذَابٌ ④ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ
 بامان و قارون پس گفتند جادوگری دروغ و غلو نیست پس چون آمد بدیشان به پیغام راست از
 بامان و قارون پس گفتند جادوگری دروغ و غلو نیست پس چون آورد بایشان حق را از
 عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَازْتَحِبُوا نِسَاءَهُمْ
 نزد یک گفتند بکشید فرزندان آنان که ایمان آوردند همراه او و زننده نگذارید (دختران) ایشان را
 نزد ما گفتند بکشید پسران آنان را که ایمان آوردند همراه او و زننده نگذارید (دختران) ایشان را
 وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ⑤ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ
 و نیست کید سازای کافران مگر در تباهی و گفت فرعون ای یاران بگذارید مرا تا بکشم
 و نیست کید سازای کافران مگر در تباهی و گفت فرعون بگذارید مرا تا بکشم
 مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبِّي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ
 موسی را و باید که دعا کند بجانب پروردگار خویش هر آینه من میترسم از آن که بدین مملکت را یا بدیده آورد
 موسی را و باید که بخواند پروردگار خود را (بامداد خود) مع (لرزان) میترسم از آنکه بدل کند دین شما را یا ظاهر سازد
 فِي الْأَرْضِ فَسَادًا ⑥ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ
 در زمین فساد را و گفت موسی هر آینه من پناه گرفته ام به پروردگار خود و پروردگار شما
 در زمین فساد را و گفت موسی هر آینه من پناه بردم به پروردگار خود و پروردگار شما
 مِنْ كُلِّ مَسْكِةٍ كَبِيرٍ يَوْمَ الْحِسَابِ ⑦ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ
 از هر مسکری که بزرگ است که ایمان می آورد بروز حساب و گفت مردی مؤمن
 از هر مسکری که بزرگ است که ایمان می آورد بروز حساب و گفت مرد مؤمن
 مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ
 از خویشان فرعون که پنهان میداشت ایمان خود را آیا می کشید مردی را بسبب آنکه می گوید پروردگار من
 از اقارب فرعون که پنهان میداشت ایمان خود را آیا می کشید مردی را بسبب آنکه می گوید پروردگار من
 اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ
 خداست و هر آینه آورده است بگواهیهای روشن از جانب پروردگار شما و اگر بفرض دروغ گو باشد پس وبال
 خداست حال آنکه (به حقیقی) آورده است بگواهیهای روشن از پروردگار شما و اگر باشد دروغ و غلو پس بروی است
 كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ
 برادر است دروغ و غلو را و اگر راست گو باشد البتة برسد بایشان بعضی آنچه وعده میداد شما را هر آینه خدا
 (روایی) دروغ و غلو را و اگر باشد صادق برسد بر شما بعضی آنچه وعده می کند بر شما به حقیقی الله

لَا تَخْلُفُ الْإِنْفِصَالُ وَارِي (طه کورع ۲) بنا بر آن چون حمایت و امداد او تعالی حاصل باشد از انسان معزور و متکبر چه خوف خواهد بود ۱۳۰

لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ۱ يَقَوْمُكُمْ الْمَلَائِكَةُ الْيَوْمَ

راهنما ناپايد کسی را که باطل از حد گذرانده دروغ گو ای قوم من امروز شمار است پادشاهی در حالیکه

ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا ط

غالب شده در زمین پس که نصرت دهد ما را از عذاب خدا اگر بیاید پس ظاهر کنند گاننده در زمین پس که نصرت دهد ما را از عذاب الله اگر بیاید پس

قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ

لَفْت فرعون گفت من ندیدم شمارا مگر آنچه از راه می بینم و دلالت نمی کنم شمارا مگر براه لفت فرعون نصیب نمی کنم برای شما مگر آنچه را که میدانم و نشان میدهم بشما مگر راه

الرَّشَادِ ۲ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا يَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ

راستی و گفت سخنی که ایمان آورده بود اے قوم من هر آینه من می ترسم بر شما از مانند هدایت و گفت همان شخصی که ایمان آورده بود ای قوم من (هر آینه) من می ترسم بشما از مانند (واقعات)

يَوْمِ الْأَحْزَابِ ۳ مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ الَّذِينَ

روز عاقبت هائے پلیدان مانند صورت حال قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه روز احم گذرانده مانند حال قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه

مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظَلَمًا لِلْعِبَادِ ۴ وَيَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ

بعد از ایشان بودند و خدا اراده نمی کند بر بندگان و اے قوم من هر آینه من می ترسم بعد از ایشان بودند و نیست الله که اراده کند ستمی را بر بندگان و اے قوم من هر آینه من می ترسم

عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ۵ يَوْمَ تَوَلَّوْنَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ

بر شما از روز آواز دادن بایکدیگر روزی که رو بگردانید پشت داده بود شمارا از خدا هیچ بر شما از روز ندای پلیدی بیکدیگر روزی که گردانید (از موقف) باز گشتان پشت شمارا از الله هیچ

عَاصِمٍ ۶ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۶ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ

نگهبانان رنده و هر گز گمراه سازد خدا پس نیست او را هیچ راه نماینده و هر آینه آمده بود پیش ازین بشما یوسف نگهبان رنده و هر گز گمراه سازد الله پس نیست او را هیچ رهنا و (هر آینه) آمده بود بشما یوسف

مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ طَحْتَىٰ إِذَا هَلَكُ

پیش ازین با بایدها روشن پس همیشه بودید در شک بودید از آنچه آورده بود پیش شما آنرا تا دقتیکه مرد پیش ازین با بایدها روشن پس همیشه بودید در شک از آنچه آورده بود نزد شما آنرا تا آن گاه که مرد

فَلْتَمِمْ كُنْ يَتَّبِعُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ رَسُولٍ كَذَّابٍ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ

لغیر خدا را فرستاد خدا بعد از دوی پناهم را بهم چنین گمراه می کند خدا هر گز اوست او لغیر هر گز نخواهند فرستاد الله بعد از دوی پناهم را بهم چنین گمراه می کند الله هر گز او

مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ۷ الَّذِينَ يَجَادُونَ فِي آلِيتِ اللَّهِ يَغْيِرُ سُلْطَنَ

از حد در گذرانده شک آورنده آنرا از مبارزه می کنند در آیات خدا بغیر کدام سندی که بیاب شک آورنده است (گمراه می کند خدا) آنرا که عدال می کنند در آیات خدا بغیر کدام سندی که

أَتَاهُمْ طَكِرَ مَقَاتِلَ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَّابٌ يُطْبِعُ اللَّهُ

آمده باشد پیش ایشان سخت ناپسند شد این مبارزه ایشان نزد یک خدا و نزد یک ایمان آوردند و چنین نهی می کند خدا آمده باشد با ایشان سخت بیزار می (نابیند) است این مبارزه ایشان نزد خدا و نزد آنانیکه ایمان آوردند و چنین نهی می کند الله

عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَكِبٍّ جَبَّارٌ ۸ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا مَعْزُومِي لِمَ تُؤْخَذُ

بر هر دل متکبر بر سرکش و گفت فرعون اے مایمان عمارت کن بر اے من که سرکش بر سر دل متکبر بر سرکش و گفت فرعون ای مایمان بنان بر اے من که سرکش

عنه عموم مفسرین

از یوم التناد روز

ندای پلیدی بیکدیگر روز

قیامت را هر دو میگیرند

و قیامت هر دو بر سر است

جمع شدن و حساب

دادن و در حق خود انده

میشوند و اهل جنت

و اهل دوزخ و اهل

اعراف یکدیگر را

صد لغو هستند کرد و بالاخر

نذاخواهد آمد و یا اهل

الجنة خلوه و لا موت

و یا اهل النار خلوه و لا

موت و کما دردی اند

لیکن حضرت شاه

صاحب راجحه الله له

یوم التناد روزی را

مرا گرفته است که در آن

بر فرعون بیان عذاب

نازل شد چنانچه

می نویسند که روزی را

بر ایشان دود شد

که در محرق قلم مرق

گردیدند و نه گام فرق

شدن تمام نفری یک

و دیگر اصدای کردند

شاید آن مردوح من

بذریه کشف معلوم کرد

باشد و یا ازین قیاس

که بر قوم عذاب بین

طور دارد می شود و

انظار کردید که قصه

تمام شد و ناو پیغمبر

بود و اکنون بعد از

او که ام پیغمبر آمدنی

است بگو یا از ابتدا

سلسله رسالت بیا

انکار کردید لیکن حضرت

شاه صاحب راجحه الله

میفرماید که ایا می مصر

در حیات حضرت یوسف

به نبوت او قائل نشد

بعد از آن که این شاه پیغمبر و خداوند را از انوار کبریا

کرد که یوسف درین شهر نهایت مبارک بود و هر آینه متافسانه می بخشد آمد و یا آن کار و یا اکنون این اقرار این است اسراف و بگوئی دعای مردوح من این بود که در لغت

فل یمنی اعادة الیسا
تفسیر عثمانی
عنه کسانیکه دلائل
توحید و کتب ساهیه
و معجزات و هدایات
پیغمبران او خواستند
مجادله کنند و انزال الهی
نموانی بسمند
خونسدای من را خن
نمایند حقیقه در دست
آنها هیچ حجت الی
غیبت و نور حقیقت
این چیزهای واضح
و آشکار گنجایش نکند
و تردیدی باشد فقط
تکبر مانع آنهاست
که حق را تسلیم به
پیغمبری بروی نمایند
زیرا میخواهند نسبت
به پیغمبر و قدر باشند
و یا اظهار اوج خود
شدن مجبور شوند
لیکن بدانند که آنها
باین مقدم خود
گاهی خواهند
رسید آنها را مجبور
میشوند که یا بطلان
پیغمبر سر طاعت
نمکنند و یا نسبت
به او در قدرت و وسعت
پرستند و خواستند
از ب خود شایستگی
و شایسته نگردند
است الهی آیت
معلوم شد که خدا بقول
بندگان میرسد
این سخن بدون شک
و شبهه صحیح است
که مخاطب این نیست
که هر دعای هر بنده
را قبول کند یعنی آنچه
میخواهد با او بداند
بلکه اجابت و پذیرش
نوع است که در
احادیث بیان شده
اعطای چیزی بوقوف
بر مشیت او و تامل

يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا
مُجَادَلَةٌ وَلَعَنَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا
كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۖ تَحْقُقُ
اراده غلبه کنند ایشان بر سنده بان پس پناه طلب کن از خدا هر آینه خدا بموت شنوا بینا
هر آینه آفریدن
هر گاه کسی نیستند رسدگان به آن عطف پس پناه ببر به الله از غیر آنها تحقیق الله دوست شنوا بینا
تحقیق آفریدن
السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ حَقِّ النَّاسِ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ
آسمانها و زمین بزرگتر است از آفریدن آدمیان و لیکن اکثر مردمان
آسمانها و زمین بزرگتر است از آفریدن مردمان و لیکن اکثر مردمان
لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ۖ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
عمی و بینا نیستند و برابر نیستند و برابر نیستند و برابر نیستند
و برابر نیستند و برابر نیستند و برابر نیستند و برابر نیستند
الصَّالِحِينَ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۝ إِنْ السَّاعَةُ لَا تَنبِيئُكَ
شایسته کرده اند بایده کار اند که پند پذیر می شوید
کارهای نیک و نه بد کار اند پسند می پذیرید
لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۙ وَقَالَ رَبُّكُمْ
نیست شک در آن و لیکن اکثر مردمان باور نمیدارند و گفت پروردگار شما
نیست شک در آن و لیکن اکثر مردمان باور نمی کنند و میفرماید پروردگار شما
أَعْمُو نِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ
دعا کنید بخواب من تا قبول کنم دعای شما را هر آینه آنانکه تجرعی کنند از عبادت من داخل خواهند شد
را بخوابید قبول می کنم خواست شما را تحقیق آنانکه تجرعی کنند از عبادت من بزودی در آیند
جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ۝ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ
پروردگار خوار شده خداست آنست که آفرید برائے شما شب را تا آرام گیرید
در روز و ذیل شدگان خدا همان ذاتی است که آفرید برائے شما شب را تا آرام کنید در آن
وَاللَّهُ مُبِصِّرُ الْإِنسَانِ لَكَ وَفَضَّلَ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنْ أَكْثَرُ
در آن و آفرید روز را آنچه که در آن دیدن بگذرد باشد هر آینه خدا خداوند فضل است بر مردمان و لیکن اکثر
در گردانیده روز را طوری که در آن دیدن میشود تحقیق الله خداوند فضل است بر مردمان و لیکن اکثر
النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۝ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ مَلَأَ الْهَوَاءَ
مردمان شکر نمی کنند این است خدا پروردگار شما آفریننده هر چیز نیست هیچ موجودی
مردمان شکر نمی کنند این است الله پروردگار شما آفریننده هر چیز نیست هیچ موجودی
الْأَهْوَاءَ كُلِّي تَوْفِيقُونَ ۝ كَذَلِكَ يُؤَفِّقُ الَّذِينَ كَانُوا يَاسُونَ ۙ آيَاتِ اللَّهِ
بجزو پس از بجا بر گردانیده میشود هم چنین بر گردانیده میشود آنانکه آیات خدا
بر حق می دانست پس بجا معرفت کرده میشود هم چنین معرفت کرده شده بودند آنانکه آیات خدا
يُخَدِّدُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ
الطَّارِي كُرُونِ خدا ای آنست که ساخت برای شما زمین را قرارگاه و آسمان را
الطَّارِي كُرُونِ الله آنست که گردانیده برای شما زمین را قرار و آسمان را
بِنَاءٍ وَصُورَكُمْ فَحَسَنَ صُورَكُمْ وَرَفَعَكُمْ مِنَ الطُّبَيْتِ طَذْلَكُمْ
سقف و صورت بخت شمارا پس بنویس ساخت صورت های شما و روزی داد شمارا از چیزهای پاکیزه آن است
سقف و صورت بخت شمارا پس بنویس ساخت صورت های شما و روزی داد شمارا از چیزهای پاکیزه آن است

بر مشیت او و تامل حکمت است کما قل فی موضع آخره فیکشف ایدعون الیه ان شاء الله (الهم رکع ۴) بهر حال کار بنده خواستن است و خود خواستن یک عمل است بلکه

اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَرَّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

خدا پروردگار شما پس بسیار بابرکت است خداست پروردگار عالمها اوست زنده نیست هیچ معبود سوا

هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۝ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝

او پس عبادت کنید او را یک جهت ساخته برائے او عبادت ستایش خدا شما پروردگار عالمها

قُلْ إِنِّي نَهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَسْتُ

گویم بر آنچه من منع کرده شدم ازان که عبادت کنم آنان را که شما پرستید بجز خدا و قتیکه

جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأَمْرُهُ أَنْ أُسْلِمَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝

آمد باین نشانهها از جانب پروردگار من و فرموده شد مرا که منقاد شوم پروردگار عالمها را

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَرَأٍبٍ ثُمَّ مِنْ نَفْثٍ ثُمَّ مِنْ عِلْقَةٍ ثُمَّ

اوست آنکه آفرید شما را از خال باز از لطف منی باز از خون بسته باز

يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِيَكَوُنُوا أَشْيَوْا حَاجَةً

بیرون می آورد شما را کودک شده باز بانی می گذارد تا برسید به نهایت قوت خود باز بانی میگذارد تا شوید پیران سال و

مِنْكُمْ مَنْ يَتُوفَى مِنْ قَبْلِ وَلِيَبْلُغُوا أَجَلَ مُمَسِّيٍّ وَلَعَلَّكُمْ

بعضی از شما هست که بغیر روح او کرده شود پیش ازین و بانی می گذارد تا برسید به بدنی معین (برای مرگ) لعل و ناهید

تَعْقِلُونَ ۝ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ ۝ فَإِذَا قُضِيَ أَمْرُ الْأَمْرِ

بفهمید اوست آنکه زنده می کند و می میراند چنانچه بپایان رسد امر آن نیست که

يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَخَادُونَ فِي آيَةِ

ی گوید پس بشنو گوید مرا راستی پس (را) میشود آماندید یسوی آنکه مکاره می کنند در آیات

اللَّهُ أَنِّي يَصْرَفُونَ ۝ الَّذِينَ كَذَبُوا بِالْكِتَابِ وَبِأَرْسُلِنَا بِهِ

خدا را از کج گردانیده میشوند آنانکه دروغ می شنوند کتاب را و آنچه فرستادیم با آن

رُسُلَنَا فَتُؤْتَوْنَ عَنْهَا الْقُلُوبُ ۝ إِذَا الْأَغْطَالُ فِي أَعْنَاقِهِمُ وَالسَّلَاسِلُ

بنا بر آن خود را بخوابانند و آنست حقیقت حال و قیود طوقها در گردن ایشان باشند و زنجیرها

يُسْحَرُونَ ۝ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ۝ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ إِنَّكُمْ

شده میشوند در آب گرم باز در آتش بر تافته شوند پس در آتش سوخته میشوند (آتش از خارج و داخل محیط آنها میباشد) باز گفته شود ایشانرا کجاست

كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ ۝ مَنْ دُونِ اللَّهِ قُلُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ

شریک مقرر می گردید بجز خدا گویند که شما را از لغو ما ببلد هرگز

شَرِكٌ لِي كَرِهْتُمْ ۝ بَلْ لَمْ تَكُنْ لَكُمْ شُرَكَاءُ بَلْ كُنْتُمْ تُكَلِّمُونَ

شریک می گردید بجز خدا گویند که شما را از ما ببلد نبودیم

س از پنج حریف
بنات او تنهایی گاهی موت
و قیام عائد شده و نهانند
می شود و مردا میخ است که
چون حیات او ذاتی است
تمام لوازم حیات او هم
ذاتی میباشد س
کلمات و خوبی ها همه
متعلق بحیات است
کیسکی علی الاطلاق
است خاص و مستحق
عبادت و مالک تمام
کلمات و خوبی ها می
باشد از همین سبب
الحمد لله رب العالمین
را بعد از هر صیغه
چنانکه آیت اقبال
از ذکر نعمت ها و قدرات
اللهم رب العالمین

فرموده بود آنکه بعضی
سلف منقول است
که قتیکه لا اله الا الله
تغییر شود باید الحمد لله
رب العالمین را به آن
مقرر ساخت مأخذ
آن همین آیت است
س بعد از امشاده

ع علامات و افعال

چرا بخشود خدا

و احد سرع و بدت نم کنند

و خاص تابع زمان

مع او نشاء

یعنی از طفلی بچوایی

و از جوانی به پیری

و میرسد و بعضی از

و پیش از جوانی و یا

و پیری و وفات میکنند
بهر حال همه لغوی تا
بیک میعاد معین و
دعه نوشته و سبانی
مستند به کس از موت
و حشر مستحق نیست
هر آنکه از دنیا چار باشد
نوشید و زجا هر پیری
کلین علیها فلان
ص حضرت مشاه

و الله اعلم

قَدْ عَوَّاهُ مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ۝

پیش ازین چه چیز را که پیش ازین گمراه می کند خدا را فراموش را گمراهی بر سر من پیش ازین چه چیز را که گمراه می کند الله را فراموش را

ذَلِكَ بِمَا كُنْتُمْ تَقْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بَغْيًا حَتَّىٰ وَيَسْأَلُكُمْ تَمْرُ حُونَ ۝

این عقوبت بسبب آنست که شما در زمین ناحق و بسبب آنست که می تا زیدید این را اعمال را بسبب آنست که شما در زمین ناحق و بسبب آنست که چنانچه زیدید خود را ناحق را

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَلِدِينَ فِيهَا قَبْلُ مَتَّوًى الْمَتَكِبِينَ ۝

در آید بدرواز باشد دوزخ جاویدان آید پس بد جائی متکبران است دوزخ را که می شود از طرف خدا در آید بدرواز باشد دوزخ جاویدان در آن پس (دوزخ) بد متکبران است

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۖ وَمَا نَرِيكَ بِغَضِّ الذِّمِّي نَوْءُهُمْ ۖ

مبصر کن ای محمد صبر کن که وعده خدا راست است پس اگر بنمایم ترا بعضی آنچه وعده میدیم ایشان را فساد پس مبصر کن (ای محمد) بعضی وعده الله حق است پس اگر بنمایم ترا بعضی آنچه وعده میدیم لغار را پس آن وعده محیل شد یا

تَوَفِّيْنَاكَ وَالنَّيَّارِ جَعُونَ ۖ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ

اگر بعضی را که تو کنیم پس بسوی ما باز گردانیده شوند لا فرغان و هر آینه فرستادیم پیاپی را پیش از تو اگر بنمایم ترا پیش از ظهور آن عذاب بسوی ما باز گردانیده شود که فرغان پس اقسام آنها می گویم که الله و بعضی فرستادیم رسولان را پیش از تو

مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ

از ایشان کسی هست که قصه اش خوانده ایم بر تو و از ایشان کسی هست که قصه اش خوانده ایم بر تو و بنمود بعضی از ایشان آنان را که بیان کردیم حال شان را بر تو و بعضی از ایشان آنان را که بیان نکردیم بر تو و هیچ نیست

لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِذَنِّ اللَّهِ ۖ وَأَذْجَاءُ أَمْرٍ اللَّهُ فَضِي بِالْحَقِّ

بنا بر حق را که بیاورد نشانه می بران خدا پس و فتنه آید از آن خدا فیض کرده شود بر راستی بنا بر حق را که بیاورد نشانه می بر حکم الله پس چون بیاورد حکم خدا میسر کرده شود بحق

وَحَسْبُ هَٰذَا لِكَ السَّيِّطُونَ ۖ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ

و زبان کارش نند آید بده گویان خدا آنست که آید بر راستی شما مواشی را و ظاهر شود در اینجا زبان مذهب گفتگان الله است آنکه آید بر راستی شما چهار پایان را

لَتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَكُونُونَ ۖ وَلَكُمْ فِيهَا مَمَسَاتٌ رَفَعُوا لِيَسْبَغُوا

تا سوار شوید بر بعضی آنها و بعضی آنها را میوزید و شمار است در آنها منافع بسیار و تا بر سید تا سوار شوید بر بعضی آنها و بعضی آنها را میوزید و شمار است در آنها منافع بسیار و تا بر سید

عَلَيْهَا حَاجَةٌ فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ۖ

سوار شده بر آنها بمقصدی که در سینه شما مستقر شده است و بر چهار پایان و در سینه شما سوار شده بر آنها بمقصدی که در دلهای دارید و بر چهار پایان و در سینه شما

وَبَرِّكُمْ آيَاتِي فَآيَاتُ اللَّهِ تُنَكِّرُونَ ۖ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي

و خدا می نماید شمار ایشان آنهاست خود پس کدام یک از ایشان را که خدا الهام می کند آیه سیر نموده اند در و می نماید الله شمار ایشان آنهاست خود پس کدام یک از ایشان را که الله الهام می کند آیه عاجز شده پس سیر نموده اند در

الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا

زمین را میگرد چو نه بود آخر کار آنانند پیش از ایشان بودند بودند زمین را تا میگردند که چو نه بود عاقبت کار آنان که پیش از ایشان بودند بودند

أَكْثَرُ مِنْهُمْ وَأَشَدُّ قُوَّةً ۖ وَآثَارُ فِي الْأَرْضِ فَمَا آغْنَىٰ عَنْهُمْ

بیشتر از ایشان و زیاده تر بقوت و به نشانها در زمین پس و نه خود از ایشان بیشتر از ایشان و سخت تر از حيث خود و نشانها در زمین پس و نه خود از ایشان

مطلب آیت را چنان
عمری که کسی را
که در دنیا بخواند هر روز
برای این است که آنها
در واقع چیزی نبوده اند
گویا این جمله جبر است
و افسوس اعتراض علی
شان میباشد لیکن
خلاصه کلام حضرت
شاه (رحم الله) این
است که مشرکین او
انکار کرده بودند که ما
قطعا آنها را شریک
نکردیم و اینیم لیکن از
دو خطای بی ساخت
نزدبان شان می بر آید
«مغفله» که در بین
انهار اعتراض شریک
کردند و این می باشد
بعد از آن انگلی دل
گرفته به انکاری بر دراز
که ما بدون خدا قطعا دیگر
کس را خوانده بودیم
«عده» عذاب
که الله تعالی به آنها
داد است یعنی
انهم می گردد
در میان دل و بعضی
و عده در حیات تو اجرا
شود (چنانکه در واقع
«بد» و «مق» که
و غیره بظهور می رسد)
و یا بعد از وفات تو
الیا گردد بهر حال اینها
از ملاحظه ما به هیچ جا
نرسد نمی تواند شد
انجام ایشان بدست
قوی ما است و چون
این زندگی بپایان رسد
مندانگی چنان دیگر
نگین عذاب الهی
پس می آید الهام
ظلمی بیخ صورت
مکن نیست
و علی توضیح بعضی
مبصران را بگویم
که در این آیه بیان

مطلب آیت را چنان
عمری که کسی را
که در دنیا بخواند هر روز
برای این است که آنها
در واقع چیزی نبوده اند
گویا این جمله جبر است
و افسوس اعتراض علی
شان میباشد لیکن
خلاصه کلام حضرت
شاه (رحم الله) این
است که مشرکین او
انکار کرده بودند که ما
قطعا آنها را شریک
نکردیم و اینیم لیکن از
دو خطای بی ساخت
نزدبان شان می بر آید
«مغفله» که در بین
انهار اعتراض شریک
کردند و این می باشد
بعد از آن انگلی دل
گرفته به انکاری بر دراز
که ما بدون خدا قطعا دیگر
کس را خوانده بودیم
«عده» عذاب
که الله تعالی به آنها
داد است یعنی
انهم می گردد
در میان دل و بعضی
و عده در حیات تو اجرا
شود (چنانکه در واقع
«بد» و «مق» که
و غیره بظهور می رسد)
و یا بعد از وفات تو
الیا گردد بهر حال اینها
از ملاحظه ما به هیچ جا
نرسد نمی تواند شد
انجام ایشان بدست
قوی ما است و چون
این زندگی بپایان رسد
مندانگی چنان دیگر
نگین عذاب الهی
پس می آید الهام
ظلمی بیخ صورت
مکن نیست
و علی توضیح بعضی
مبصران را بگویم
که در این آیه بیان

و لا یخلف شیاطین
والله اعلم و الله اعلم
و من بعد انما اختار کثیرا
قابل رحمت و
آخرت قابل و غلبت
نیست و الله اعلم
و لا یخلف شیاطین
و لا یخلف شیاطین
تفسیر عثمانی
و لا یخلف شیاطین
م صاحب رحمت
و لا یخلف شیاطین
بعض از میر آسان
و لا یخلف شیاطین
آخرت میر کنند
و لا یخلف شیاطین
نشین آنها
مقصد مد خروج
از آنها گاهی امکان
ندارد و بعضی کار
دنیا بدین کار و خوشه
رویشد و مادر آخرت
هر چه معذرت و فریاد
گفت قطعا پذیرفته نمی
شود و آواز قتل
کرم مانند برق در دل
های سامعین تاثیر
می کند کسی که شنید
فریاد آن می گردد که کاف
برای دفع تاثیر آن
چنان تدبیر می کند که
به شنیدن آن خطا
عوض نگیرد و آنقدر
فایده می آید که هر چه
که می بیند هم شنیده
نمی تواند بدین وسیله
از غفلت و یاوه سرای
مآذ از قرآن مجید غافل
بماند و در این ایام هم
جامان بجهت تفسیر با
رای مجید که حق کل
آمد مفید بدین راه
کردن شود و هر چه
شنیده نشود لیکن
غرض رعد صدات
از آواز پندار و سر
قلب مطرب می شود

لَا يَعْلَمُ كَثِيرٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ۝ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ
مخبرند که بسیار از آنچه می کنید و این گمان شما آن گمانی که برده بودید به پروردگار خود
آردَكُمْ فَاصْبِرْ ۝ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالْخَاسِرُ مَثْوًى
آوردن شما را پس صبر کنید از زیان کاران پس اگر صبر کنند پس آنرا غایب
لَهُمْ طُؤَانٌ يَكْسِبُ عَلَيْهِمْ مَا هُمُ مِنَ الْمَعْتَبِينَ ۝ وَفِيضْنَا لَهُمْ قُرْآنًا
ایشان است و اگر غافلند پس نیستند ایشان صغیر کرده شده و بر کاسیم برای ایشان بهشتیان
فَرِيقًا لَهُمْ مَّابِئْنَ آيِدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي
پس آید است که در آن بهشتیان برای ایشان آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و ثابت شد بر ایشان
أَمْرٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ۝
امتیاز پیش از ایشان گذارشته اند از جن و آدمیان به عقوبت ایشان بودند که زبان کاران
وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا هَذَا الْقُرْآنَ وَالْغَوَافِیةَ لَعَلَّكُمْ
و گفتند کافران گوش نپذیرید مشنید این قرآن را و سخن بی برده و کلام در انداختن آن بود که شما
تَغْلِبُونَ ۝ فَلَئِنْ يَقُنَ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا أَشَدًّا وَلَا تَجْرِي لَهُمْ
غالب شوند پس اگر بگویند کافران را عذاب سخت و البته جزا از بهر ایشان را
أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ ذَلِكَ جَزَاءُ الْعَدَاءِ اللَّهُ الْبَاقِ لَهُمْ
بجسب بدترین آنچه می کردند این است جزای دشمنان خدا که آنرا سخت ایشان را
فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ مَا كَانُوا يَلْعَنُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ
در آنجا منزل علی الدوام باشد و آنرا عذاب و عذاب است با آنکه می کردند و گویند
كَفَرُوا رَبَّنَا إِنَّ الَّذِينَ أَضَلْنَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ جَعَلَهُمْ
کافران ای پروردگار ما را بگذار که گمراه ساختند ما را از جن و انس که بهیند ازیم آنها را
تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَ مِنَ الْآسَفِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا
زیر قدمهای ما شود تا شوند از قوت ماندگان به عیب آید گفتند پروردگار ما
اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْتَاهُ أُنْتِ نَزَّلَ عَلَيْهِمُ السُّمُوكَ ۝ لَا تَخَفُوا
خداست باز تا نام نماند (برای) فرود می آید بر ایشان فرشتگان (گویند که اینها) مترسند
لَا تَخَفُوا إِنَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلَكِنَّ كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ تَخَنُّنٌ
انده خورید و غرض حال شود به بهشتی که داده داده می شده
عزیزین مطیع و خوش باشید به آن بهشتی که شمار به آن داده می شده

الرمح هم این تدبیر را مجازا از آواز حق به اهل قلب می رسد که از زشت تر از این چیست که که خوش بپند و نصیحت را گوش کند و ندانند که باستان

عنه آنکه آنخاص از زبان آنایکرم را بگوید
خداي متعال دعوت می دهند آیت تنزیله را میشنوند آیات کوچه خدا را در صفی دیگر می بینند باز هم از مجرودی باز نمی آید و سخنان واضح و راست را تو شبیهات بی اساس می گوی و باز آنرا قصدا تحریف و تغییر داده مطلب را غلطه مفسوس کنی و با تامل نموده و از پذیرفتن این آیات پشیمانی میکنی حق تعالی چنین بگردان بداد خوب میداند ممکن است که این مردم بر سرکاری بای خود بنابر عجز و رفقار و کردار آنها بر خدا نمانی نیست - آنگاه که بجنور او تعالی برود بچشم مهر خواسته بدینی الحان او تعالی آنها را به طاعت داده است زیرا عباد او است که بجز رافقا گرفتاری کند از مبین سبب خود و معلوما ششم از مباحث علمون بعیر یعنی هر چه بنوا سید بکنید ۱۹ مگر یاد داشته باشید که تمام حرکات تان نزد الله تعالی ثبت و محفوظ است و مدعی خساره آنرا خواهید بود داشت چالا خوب فکر کنید آن تحقیق بجزای شرفی بای خود در پیش شکر در می بیند و تحقیق از سبب رفتار شرافت مندانه و کردار صالحانه و نیکیا نشود و اما پس و سلام باشد ازین دو نفر کدام یک بهتر است ؟

شَيْءٌ قَدِيرٌ ۵ اِنَّ الَّذِيْنَ يُلْحِدُوْنَ فِيْ اٰيٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا

چیز تواناست هر آینه آنانکه می گزینند در آیات ما پوشیده نیستند از ما (بجمله) آنانکه می رفتاری میکنند در آیت های ما پوشیده نمی شوند بر اوست جزا سید ایم که مجرودی نشان

اَمَنْ يَلْقٰ فِي السَّارِ خَيْرٌ اَمْ مَنْ يَلْقٰ اَمْسًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ ط

آیا سیکه انداخته شود در آتش بهتر است یا سیکه بیاید ایمن شده روز قیامت آیا آنکه انداخته شود در آتش بهتر است یا آنکه بیاید به امن روز قیامت

اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ اِنَّهٗ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ۵ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

بکنید هر چه خواهید هر آینه خدا با آنچه می کنید بیناست (بجمله) آنانکه کافر شدند (بجمله) آنانکه کافر شدند

بِالَّذِيْ كَرِهْتُمْ اٰتٰهُمْ وَاِنَّهٗ لَكِنَّا عَنْ يَدَيْهِ لَا يُرِيْدُ اِلَّا الْبَاطِلُ

بقرآن و فتنه آمد بدیشان پوشیده نیستند از ما تحقیق آن کتابیست که ای قدر راه نمی یابد بدو باطل به نصیحت (بقرآن) مجرودی که آمد به ایشان (پوشیده نیستند از ما) عفو و عفو (قرآن) کتابیست نادره و عفو القدر می کند باطل

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهٖ تَنْزِيْلٌ ۵ مَنْ حَكِمٌ حَسْبُ

از پیش روی او و نه از پس پشت او فرستاده شده است از خدا ای دانا ستوده از پیش روی آن و نه از عقب آن فرستاده شده است از حکیم ستوده

مَا يَقَالُ لَكَ اِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ اِنَّ رَبَّكَ

ما می گویند نمی گویند چیزی که پیش از تو هر آینه پروردگار تو را می گویند گفته می شود و می گویند گفته شده

لَدُوْكَ مَغْفِرَةٌ وَّذُوْ عَقَابٍ اَلَيْسَ ۱۱ وَلَوْ جَعَلْنٰهُ قُرْاٰنًا اَعْجَبِيَّا

خداوند آمرزش است و خداوند عقوبت در دهنده است (اگر می ساختیم این کتاب را قرآنی بزرگان نمی خداوند آمرزش است (مؤمنان را) و خداوند عقوبت در دهنده است (کافران را) و اگر می ساختیم این کتاب را قرآنی بزرگان نمی

لَقَالُوْا اِلَّا فِصْلٌ اٰتٰهُ اَعْجَبِيٌّ قَوْمٌ بَلِيْغٌ ۱۲ هُوَ الَّذِيْنَ

هر آینه می گفتند کافران چرا داغ کرده شد آیات او را آیات قرآن نمی ست و محاط علی بگو قرآن مسلمانان هر آینه می گفتند (کافران چرا) ایمان کرده شد (بزرگان ما) آیت های او (قرآن) عجبی است و مخاطب علی بگوید (قرآن چرا)

اَمْ نُوْهِدِيْ وَتَشْفَعُ ۱۳ وَالَّذِيْنَ لَا يَمُوْؤْنَ فِيْ اٰذَانِهِمْ قُرْ

را هدایت و شفاست و آنانکه ایمان ندارند در گوش ایشان گران نیست مؤمنان هدایت و شفاست و آنانکه ایمان نمی آورند در گوشهایشان گران است

وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمٰی اُولٰٓئِكَ يَنْادُوْنَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيْدٍ ۱۴ وَ لَقَدْ

و قرآن بر ایشان کور است این آجمله بمن چنانست که از داده میشوند از جائی دور و قرآن بر ایشان کوری است آن جمله در چنان اند که آواز داده میشوند از جائی دور (و بجمله)

اَتَيْنَا مُوسٰی الْكِتٰبَ فَاخْتَلَفَ فِيْهِ وَاُولٰٓئِكَ سَبَقَتْ مِنْ سَرِّكَ

دادیم موسی را کتاب پس اختلاف کرده شد در آن و اگر نبود که کتابی که سابق صادر شده از پروردگار تو دادیم موسی را کتاب پس اختلاف کرده شد در آن و اگر نبود که کتابی که سابق صادر شده از پروردگار تو

لَقَضٰی بَيْنَهُمْ ۱۵ وَ اَلْهَمُّ لَفِيْ شَاكٍ مِّنْ مَُّرِيْبٍ ۱۶ مَنْ عَمِلْ صَالِحًا

البته فیصل کرده شد در میان ایشان و هر آینه ایشان در شک قوی اند از طرف قرآن البته فیصل کرده شد در میان ایشان و (هر آینه) ایشان در شک اضطراب اند از خداوند از قرآن هر که بکند کار نیک

فَلِنَفْسِهٖ ۱۷ وَ مَنْ اَسٰءَ فَعَلٰیهَا ۱۸ وَ مَا رَّبُّكَ بِظَلٰمٍ لِّلْعٰبِدِ ۱۹

پس نفع او است و هر که بدکاری کند پس وبال برویست و نیست پروردگار که ستم کننده بر بندگان پس برای (نفع) خود او است و هر که بدکاری کند پس وبال آن بر وی است و نیست پروردگار که ستم کننده بر بندگان

خود و اما پس و سلام باشد ازین دو نفر کدام یک بهتر است ؟

فل یمنی از بهیست
الهی و الله اعلم
تفسیر عثمانی
ع اگر چه مشرکین

را در دنیا مهلت می دهد
لیکن نباید فهمید که
آنها برای همیشه نجات
یافته اند جمع اعمال
و اعمال آنها در حضور
خداوند محفوظ و ثبت
است که وقت معین
مکشوف میشود نباید
باین فکر غرق شد که آنها
چرا قبول نمی کنند و در
صورتی قبول نمی کنند
چرا فراموش شده
صورتیت این چیز
باید در توبیت ظریف
توفقه است که
پیغام حق را برسانی
چون وقت خود بخوابد
تمام حساب آنها را
نمی توانیم کرد و
بیشک او تکیه داشت
داشت که هر دایره
قسم می ساخت و میگفت
راه روان میفرمود
لیکن مقتضای حکمت
او باین رفت که
رحمت و غضب خود
بر دروازه اخبار فرایند
بر آن در احوال منکشف
افکلاف و لغوات
نهاد کسی را بسبب
فرمان برداری خود
رحمت خود قرار داد
و کسی را بنابر ظلم
عصیان وی از
رحمت خود دور
انداخت
کسی که از
رحمت حق دور شد
مستحق غضب گردید
و حکمت الهیه آنها را
مستوجب سزا گردانید
بسیاری ما در
و بجا ندارند این رفیق و مددگاری را یافته اند که آنها را از سزای الهیه نجات دهد

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

حم و عسق کذالک یوحى الیک و الی الذین من قبک الله
یعنی وحی میفرستد بسوئے تو و بسوئے آنها که پیش از تو بودند
محل این سوره وحی فرستاده بسوئے تو و بسوئے آنها که پیش از تو بودند

العزیز الحکیم له ما فی السموات و ما فی الارض و هو العلی العظیم
غالب باعلت او است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و او است بلند مرتبه بزرگ قدر
غالب باعلت مراد است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او است بلند مرتبه بزرگ

تکاد السموات یتفطرن من فوقهن و التلک یتسبحون بحمد ربهم
نزدیک است که آسمانها بشکافتن از جانب بالا سق خود و فرشتگان
نزدیک است که آسمانها پاره شوند (بشکافتن) از طرف بالای خود و فرشتگان

و یتسبحون لیس فی الارض الا ان الله هو الغفور الرحیم
و امرزش طلب می کنند بر آسمان که در زمین اند آگاه شو هرگز آینه خدا دوست آمرزگار مهربان
و امرزش می آید برای آنها که در زمین اند آگاه باش (بر آینه) الله دوست آمرزگار مهربان

الذین اتخذوا من دون اولیاء الله حفیظ علیهم و ما انت
آنانکه دوستان گرفتند بخیر خدا خدا نگهدار است ایشان و نیستی تو
آنانکه گرفتند بخیر خدا دوستان الله نگهدار است احوال و اعلی ایشان و تو نیستی

علیکم بوکیل و کذالک اوحینا الیک قرآنا عربیا لتنذر امم
بر ایشان شهادت و هم چنین وحی فرستادیم بسوئے تو قرآن عربی تا برسانی این
بر ایشان شهادت و هم چنین وحی فرستادیم بسوئے تو قرآن عربی را تا برسانی این اصل قرآن

القری و من حولها و نذیر یوم الجمع لا کریب فیه فریق فی الجنة و
که را و آنان را که گرداگرد آن هستند و هر ساقی از روز قیامت هیچ شبیه نیست در آن گروهی و در بهشت باشند و
(محل را) و آنان را که در نواحی آن اند و هر ساقی از روز قیامت هیچ شبیه نیست در آن گروهی و در بهشت باشند

فریق فی السعیر و لو شاء الله لجمعهم امم واحدة و لکن
گروهی در دوزخ و اگر خواست خدا گردانید ساقی ایشان را یک امت و لیکن
و اگر خواست بودی الله (بر آینه) گردانید مردم را یک امت و لیکن

یدخل من یشاء فی رحمتی و الظالمون قالهم من ربی و لا تصدق
در سق از هر که خواهد بر رحمت خود و ستمکاران نیست ایشان را و یارای دهنده
میدارد الله هر که خواهد در رحمت خود و کافران نیست ایشان را هیچ کار سازی و نه مددگاری

ام اتخذوا من دونه اولیاء قال الله هو الولی و هو یحیی الموتی و هو
آیا دوستان گرفتند بخیر خدا پس خدا بجهنم کار سازد و چون زنده می کند مردگان را و او
آیا گرفتند بخیر خدا (اگر می کند کار سازی) پس الله چون است کار سازد و او است که زنده می کند مردگان را و او است

علی شیئ قدیر و ما اخلفنا من شیئ فعدک الله الی الله
بر هر چیزی توانا است و آنچه انقضای شد از من پس فیض شود و بجا
بر هر چیزی توانا است و آنچه انقضای شد از من پس فیض شود و بجا

ذکر الله ربی و ما اخلفنا من شیئ فعدک الله الی الله
این است خداوند در کار من بر او توکل کردم و بسوئے او توکل می کنم و بسوئے او توکل می کنم و بسوئے او توکل می کنم

ذکر الله ربی و ما اخلفنا من شیئ فعدک الله الی الله
این است خداوند در کار من بر او توکل کردم و بسوئے او توکل می کنم و بسوئے او توکل می کنم و بسوئے او توکل می کنم

ذکر الله ربی و ما اخلفنا من شیئ فعدک الله الی الله
این است خداوند در کار من بر او توکل کردم و بسوئے او توکل می کنم و بسوئے او توکل می کنم و بسوئے او توکل می کنم

ذکر الله ربی و ما اخلفنا من شیئ فعدک الله الی الله
این است خداوند در کار من بر او توکل کردم و بسوئے او توکل می کنم و بسوئے او توکل می کنم و بسوئے او توکل می کنم

ذکر الله ربی و ما اخلفنا من شیئ فعدک الله الی الله
این است خداوند در کار من بر او توکل کردم و بسوئے او توکل می کنم و بسوئے او توکل می کنم و بسوئے او توکل می کنم

جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا مِّنَ الْأَنْعَامِ لِتَزْكُوا

بہد کرد برائے شما از جنس شما و پیدا کرد از جنس چهار پا یا بیاں اقسام چند پرانده می کند شما را از جنس برای شما جنس شما و از چهار پا یا بیاں جنس با پرانده و بسیار می سازد شما را

وَلَا لَیْسَ بِمِثْلِ شَيْءٍ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ ۝ لَهُ مُقَالِبُ السَّوَادِ

و این تدبیر نیست مانند او چیزی و او مست شنوا بینا و او است مقلب دانه های آسمان را

وَالْأَرْضُ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن یَّشَاءُ وَیَقْدِرُ إِنَّ یُکَلِّ شَیْءًا عَلَیْهِ

و زمین گسترده می کند رزق را بر آن که خواهد و متکلی می کند بر آن که خواهد هر آنچه او بخواهد و او است

شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّینِ مَا وَصَّی بِهِ نُوْحًا وَالدِّیْنِ الَّذِیْ أَوْحَیْنَا إِلَیْكَ وَ

برانموده از خدا راه دین را آنچه را که وصیت کرد و بود به آن نوح را و آنچه را که وحی کردیم به تو و

مَا وَصَّیْنَا بِإِبْرَاهِیْمَ وَمُوسَىٰ وَعِیْسَىٰ أَنْ أَقِمْوْا الدِّیْنَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا

آنچه را که وصیت کردیم به ابراهیم و موسی و عیسی را باین مضمون که قائم کنید دین را و متفرق نشوید

فِیْهِ ۚ لِكُلِّ عَمَلٍ مُّشْرِكٍ مَّا تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ اللَّهُ یَجْتَبِی إِلَیْهِ مَن

در آن و منظور از هر مشرک آن است که دعوت می کند ایشان را بپسوند

یَّشَاءُ وَتَهْدِی إِلَیْهِ مَن یَّهْتَبِ ۝ وَمَا تَرْفَعُ إِلَّا مَن یَّعْلَمُ بَعْدَ مَا جَاءَهُمْ

خواهد و راه می نماید بپسوند خود هر که را بخواهد می کند و در پرانده شدند امتها بگویند از آن که آمد بدیشان

الْعِلْمُ یَغْیَابُ بَیْنَهُمْ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَهْلِ مِثْلِهِ

دانش از میان آن می میزد و اگر نبود سخن که در کتاب ما بود و او می نمود تا زمانه معین

لَقَضَی بَیْنَهُمْ وَإِنَّ الدِّیْنَ أَوْرِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَقَدْ شَكَّ

الزکیص کرده میزد میان ایشان و در آینه آنگاه داده شد ایشان را کتاب بعد از انبیا

مِنْهُ مُرِیْبٌ ۚ فَلِلَّذِیْنَ فَادَعَوْهُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ

از دین پس بسوزاننده و دین و دعوت کن و قائم باش بحسب آنکه فرموده شد ترا و پیروی کن خواهش این کاذبان را

وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَیْنَكُمْ اللَّهُ

و بگو ایمان آوردم به آنچه فرود آمد از خدا بر کتاب که هست و فرموده شد مرا اگر انصاف کنم میان شما خدا

رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلِنَا أَعْمَالُ لَكُمْ أَعْمَالُ لَكُمْ لَا حِجَّةَ بَیْنَنَا وَبَیْنَكُمْ اللَّهُ

پروردگار ما و پروردگار شماست ما را عملهاست ماست و شما را عملهاست شماست و باینکه نیست میان ما و شما خدا

یَجْمَعُ بَیْنَنَا وَبَیْنَکُمْ ۚ وَالَّذِیْنَ یُجَاهِدُونَ فِی اللَّهِ مِنْ

جمع می کند میان ما و شما و آنهایی که می جنگند در راه خدا

و صلواتی بر ستمانی
حاصل آید که انبیا
علیهم السلام از اصول
دین مشتق انداختند
شراعت در ذرات است
و پس دانش اعظم است
و صلواتی بر ستمانی
تفسیر عثمانی
عبد از آدم علیه
السلام اولین رسول
حضرت نوح علیه السلام
است با کمال عظمت
که در حقیقت سلسله
تشریع احکام از حضرت
نوح آغاز گردیده و
آخرین پیغمبر است
محمد مصطفی صلی الله
علیه و سلم می باشد که
سلسله رسالت و
نبوت بر او متکی گشت
از جمله انبیا و رسولیک
در میان این امت
آمد حضرت ابراهیم
حضرت موسی و عیسی
علیهم السلام مشهور
ترند و یاد کنندگان
اسماء این حضرات
در هر عصر و تعداد آن
موجود بوده اند این
پیغمبر را پیغمبر ان
اول الوهم می گویند
بهر حال حق تعالی
در این موقع و زمانه
و هنوز که در اصل
این سلسله یک چیز
بوده است زیرا که در
عقاید اخلاق و اصول
و ایمان و مشتق بوده
اند از یک دین و بعضی
قواعد صورت زمانه
تفاوت پذیرد آمده
و اما عقاید و اصول
نوعی در این راه هر
یک از اینها گشته
گردیده است باینکه
آنرا از اصول فرموده

فل يعنى جبهه در اسلام
داخل شد و الله اعلم
تفسير عثمانى
عنه چون صدق دين
خدا و كتاب و محفلان
او علم ظاهر و باطن و
بها افراد دانش مندان
قبول کردند بر حق با وجود
قول نکردن آن بصدق
اين چيز را اقرار نمودند
لهذا آن يك با وجود اين
قد ظهور و ضوح بازم
گفتگو مى کنند و با قبول
کنندگان داخل محاربه
ميشوند آنها مستحق
غضب خداى تعالى
و عذاب شديد هستند
چونکه همه مجادله هاى
آنها در حق و بهمنه
بحث با حق است
ياد خواهد داد اهل حق
عنه که اين بقاء
يقين ندارد تقسم قسم
و استعزاز بکمال بى
اعتنائى مى گویند
رغب صاحب اين
قيامت که مآينه آخر
سبب تاخير حجت چرا
زود نمى آيد ليکن کمال
که الله تعالى با ايمان
و يقين همه مندراخته
است از تصور اين
صافيت بولک
ميل زند به اسان بى
شوند و خوب ميدانند که
بوقوع بومستى است
و گسى آنرا باز داشته
نمى تواند نهان آن به
آماهى کان على الدوام
مصرف مى باشند
اکنون به سنجيد که عاقبت
اين کافران معارضه
کننده چه ميشود و قتيلا
شخصى برود قیامت
با حق يقين ندارد چه
آماهى کرده باشد
آرى هر قدر که برين حقيقت استعزاز کنند در گمراهى فوئيش افروخته ميرود ۱۲

بَعْدَ مَا سَخِيبَ لَهُ جَهَنَّمَ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَ
ازان که قبول کرده شد فرمان او دل مکاره ايشان باطل است نزديک پروردگار ايشان و بر ايشان است خشم و
ازان که قبول کرده شد آن خصوصيت ايشان باطل است نزديک پروردگار ايشان و بر ايشان است غضب و عذاب و
لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۝ اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَاتِ
ايشان راست عذاب سخت ۝ خدا آنست که فرود آورد کتاب را بر راستى و تراشيد و تراشيد
ايشان راست عذاب سخت ۝ الله آنست که فرود فرستاد کتاب را بر حق و تراشيد و تراشيد
وَمَا يَذُرُّكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ۝ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
و چه چيز مطلق ساخت ترا بر حقيقت امر شايد که آمدن قيامت نزديک باشد زود طلب مى کنند قيامت را آنان که ايمان ندارند
و چه چيز آگاه مى سازد ترا از يقين قيامت بدون ازى شايد آمدن قيامت نزديک است ايس متابت كتاب و علم ايمان كن پيش از آنكه
بِهَآءِ الَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ الْأَكْبَرُ
با آن و آنان که باور داشته اند ترسانند از ان و ميدانند که آن راست است آگاه شو هر آينه
بر آن و آنانکه يقين داشتند ترسان گاهند از ان و ميدانند که (بحقيق) آن ثابت است آگاه شو (هر آينه)
الَّذِينَ يَمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝ اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ
آنانکه مكاره مى كنند در آمدن قيامت هر آينه در گمراهى دور اند خدا مهربان است بر بندگان خود
آنانکه مخاصمه مى كنند در آمدن قيامت (هر آينه) واقع اند در گمراهى دور ۝ الله داراي لطف است بر بندگان خود
يُزْخَرُقُ مِنْ يَشَاءٍ ۝ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ۝ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ
روزي مبدد هر گرا خواهد و دوست توانا غالب هر که خواسته باشد گشت
روزي مبدد هر گرا خواهد و دوست مقتدر غالب هر که باشد که خواهد گشت
الْآخِرَةِ نَزَدَ لَهُ فِي حَرْثِهِ ۝ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا فَلْيَ سَعَى ۝
آخرت بغير زحمت بر آسايى او در گشت او و هر که خواسته باشد گشت دنيا به هم اورا بعض دنيا
آخرت را مى افزايم براى او در گشت وى و هر که باشد که خواهد گشت دنيا را ميدانيم اورا از ان (در مورد و غيره)
وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ۝ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا سَخِيبَ ۝
و نيست اورا در آخرت بهنج نصيب ۝ آيا كافران را شريكان هستند که مقرر کرده اند براى ايشان از
و نيست اورا در آخرت بهنج بهره ۝ آيا براى ايشان شريكان اند که راه ساختند براى ايشان از
الَّذِينَ مَالَهُمْ يَازُنُ بِهِ اللَّهُ طَوْفًا وَلَكِنَّمَا يَقْضَىٰ بَيْنَهُمْ
دين آنچه نمروده است آن را خدا و اگر نمرودى و عده فيصل کردن اكنون فيصل کرده ميشد ميان ايشان و
دين آنچه اذن نداده به آن الله و اگر جودى كلف فيصل (در تاثير عذاب) (البته) فيصل کرده ميشد در ميان ايشان و ميان
إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِنْ
هر آينه ستمكاران ايشان راست عذاب درد دهنده به بينى ستمكاران را ترسان از جزائى آنچه
بحقيق كافرين راست عذاب دردناك مى بينى كافرين (در روز قيامت) ترسان گاه از جزائى آنچه
كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعُهُمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْحٍ
بلى آورده اند و آن البته رسنده است با ايشان و آنانکه ايمان آورده اند و كارهاى شايسته کرده اند در سمره زار
کردند و آن (البته) واقع شدنى است با ايشان و آنانکه ايمان آورده اند و كردند كارهاى نيك باشند در باغهاى با كينه تر
الْجَنَّةِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ۝
بوستان ها باشند ايشان را باشد آنچه در خواست کنند نزديک پروردگار خویش اين است فضل بزرگ
جنت با ايشان راست آنچه ميخواهند نزديک پروردگار ايشان اين است همان فضل بزرگ
ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ
اين آن نواب است که مرده و بپوشد آن بندگان خود را که ايمان آورده اند و كارهاى شايسته کرده اند
اين آن (نواب) است که مرده مبدد الله آن بندگان خود را که ايمان آورده اند و كارهاى نيك کرده اند
بجو

لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا التَّوَدُّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً

نی طلب از شما بر پنج قرآن پنج مزدی لیکن باید که پیش گیرید دوستی در میان خویشاوندان و هر که بکند نیکی

نَزِدْ لَهُ فِيهَا حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَىٰ

بفرستیم بر او در آن پنج حسن را هر آینه خدا از کار قدر شناس است آیاتی گویند بنمایم بر او افترا کرده است بر

اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشَأِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَ

خدا دروغ را پس اگر خواهد خدا مهر کند بر دل تو و نابود می سازد خدا بی هو ده را و

يُحَقِّقُ الْحَقَّ يَكْفِيكَ إِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ بَدَاتِ الصُّدُورِ وَهُوَ الَّذِي

اثبات می کند دین درست را به سخن های خود (هر آینه) خدا داناست بر آنچه در سینه است و او است آنکه

يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ

قبول می کند توبه را از بندگان خود و درمی گذرد از گناهان و می داند آنچه می کنید

وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ

و قبول می کند دعای آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و زیاده می دهد ایشان را از فضل خود

وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۝ وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ

و کافران ایشان را عذاب سخت و اگر فراخ کردی خدا رزق را بر بندگان خود

لَبَغَّوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِن يَنْزِلُ بِقُدْرٍ فَلْيَسِّرْهُمُ إِنَّ بَعَادَةَ خَيْرٌ

البته فساد می کردند در زمین و لیکن فرود می آرد با اندازه آنچه خواهد (هر آینه) خدا بر بندگان خود دانا

بَصِيرٌ ۝ وَهُوَ الَّذِي يَنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ

بیناست و او است آنکه فرود می آرد باران را بعد از آنکه نا امید شدند و پراکنده می سازد رحمت خود را

وَهُوَ الْوَلِيُّ الْأَكْبَرُ ۝ وَمِن آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

و او است کار ساز ستوده کار و از نشان های او آفریدن آسمانها و زمین است و آفریدن آنچه بر آنرا نگذاشته

فِيهَا مَن دَابَّةٌ ۝ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذْ يَخْلُقُ قَدِيرٌ ۝ وَمَا أَصَابَكُمْ

در میان این هردو از جانوران و او برهم آوردن ایشان و قیام خواهد توانا تر است و آنچه برسد بشما

مِّن مَّصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ۝ وَمَا أَنتُمْ

از مصیبت پس بسبب گناهان است که بعل آورد و استیفاء شده در سبب از بسیاری و نیست شما

بِعَجْزٍ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

عاجز کننده در زمین و نیست شمارا بخیر خدا هیچ کار ساز و نه نصرت دهنده

وَلَا يَتَىٰ بَيْنَ يَدَيْهِ
رحم کنید و این را از سنان
تفسیر عثمان
عنه یعنی اگر آن
راه غنی و نیکی اختیار
کند الله تعالی به حسن و
خوبی او میفرماید چون
در آخرت اجر و ثواب
بسیار بدو میدهد و
در دنیا خوی نیک باو
عطا میفرماید لهذا بری
آید که نترسد باری او را
مست فرموده است
درین موقع این معنوی
را شاید از سببی تذکر داده
کرد اقامت قرابت
از شما مطلوب است
که حاصل آن شمارا از
ایضا نظم بازداشتن
لیکن کسی که پیش از آن
نیکی نماید نیک بداند که
بمحسوس خدای متعال نیکی
کسی ضائع نمیشود بلکه
زیاده شده می رود
عنه حضرت ش
ماحب (رحم الله)
و سمع الله الباطل و ما
بره حق تعالی علیه
عطفت می کند چنانچه
میفرماید یعنی الدنیا
چگونه کسی را بگذارد که
بر ذرات او دروغ نهد
بر دل چنان مهر بندد که
بیخی معنوی برای بقین
دروغ نیاید
و اگر او تعالی
بگذارد کفر را
بگذرد آنکه بپایم
بفرستد محفل او کند
نگر او تعالی از سخنان
متین خود دین بسین را
باثبات میرساند دین
سبب کلام خود را بر بی
می فرستد بر او

فل من یترک لویة یسری
أمر بترک لویة یسری
کندند و آن قبیله متفق
شوند و انتقام کشند و الله
اعلم و فل من یترک لویة
مغفرت در حق خود
است و انتقام بخت
و در حق صفا و قوم انتقام
لازم است مگر آنکه عفو
در گذارد و الله اعلم و
تفسیر غمانی
عنه ایشان پس
و بجز تباهی نمی گردند که
جارات بعضی اهل
آنها داده شود و نیز
معاصرتین بزرگ بگردند
که از گرفتند است
بجای جای گرد و پناه
بخت حضرت شاه
عاصب و رحمة الله علی
نویسد یک نیکو حال
هر عقده را از داخل شکم
خود میدانند در آنوقت
بلی در می ماند ایشان
از غمهای دنیایی
تدبیری بخیجه نخواهند
توانست عهده یعنی
در جائیکه عفو مناسب
باشد صحت کند شفا
چون از حرکت نشسته
حقن کبریت شود و قیصر
حقن کبریت بماند
برگزیده و قصه روحه اعتراف
کرد و ایشان صحت
گرفتند این فصل محمود است
و باینکه انتقام صحت
باشد مثلاً شخصی بدین
سبب کوفت غایب و از
زور و ظلم و فشار
آوردن کوشش کند و
باز در محافه و جواب
به حوصله و جرأت او
از باده دیا قلع نظر از
میثیت شخصی به توین
وین یا با بخت و تامل
جمعیت مسلمین معین
شد و در این چنین حالت است

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ۝۸۰ إِنَّ تَشَاءُ يُسْكِنُ الرِّيحَ

و از نشان است او طغی در دریا مانند کوه با هر خواه باز دارد با و را

وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱ وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱

پس آید آسمان شود دودی بر پشت دریا پس آید درین مقدمه نشان است هر صبر کند

وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱ وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱

پس آید آسمان شود دودی بر پشت دریا پس آید درین مقدمه نشان است هر صبر کند

وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱ وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱

پس آید آسمان شود دودی بر پشت دریا پس آید درین مقدمه نشان است هر صبر کند

وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱ وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱

پس آید آسمان شود دودی بر پشت دریا پس آید درین مقدمه نشان است هر صبر کند

وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱ وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱

پس آید آسمان شود دودی بر پشت دریا پس آید درین مقدمه نشان است هر صبر کند

وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱ وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱

پس آید آسمان شود دودی بر پشت دریا پس آید درین مقدمه نشان است هر صبر کند

وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱ وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱

پس آید آسمان شود دودی بر پشت دریا پس آید درین مقدمه نشان است هر صبر کند

وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱ وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱

پس آید آسمان شود دودی بر پشت دریا پس آید درین مقدمه نشان است هر صبر کند

وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱ وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱

پس آید آسمان شود دودی بر پشت دریا پس آید درین مقدمه نشان است هر صبر کند

وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱ وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱

پس آید آسمان شود دودی بر پشت دریا پس آید درین مقدمه نشان است هر صبر کند

وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱ وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱

پس آید آسمان شود دودی بر پشت دریا پس آید درین مقدمه نشان است هر صبر کند

وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱ وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱

پس آید آسمان شود دودی بر پشت دریا پس آید درین مقدمه نشان است هر صبر کند

وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱ وَأَن تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ أَسْفُوفٍ ۝۸۱

پس آید آسمان شود دودی بر پشت دریا پس آید درین مقدمه نشان است هر صبر کند

لَیْسَ عَزْمُ الْأُمُورِ مِمَّنْ یُضِلُّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَدَّیْ مِنْ بَعْدِهِ ۝۱۰

از کار بایسته محض و است و هر گاه گمراه کند خدا پس نیست او را هیچ کار سازد پس بعد از او

تَرَى الظَّالِمِیْنَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ یَقُولُونَ هَلْ رَدَّیْهِمْ إِلَى مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ ۝۱۱

بینی ستمکاران را چون مشاهده کنند عذاب را گویند آیا هست بسوی ی باز گشتن به راهی

وَتَرَهُمْ یَعْرَضُونَ عَلَیْهَا خَشَعِیْنَ مِنَ الدَّالِ یَنْظُرُونَ مِنْ طَرَفٍ ۝۱۲

و بین ایشان را پیش آورده شوند نزدیک و در خ متواضع شده از خواری می گردند بگوشه چشم

خَفِیْ وَ قَالَ الَّذِیْنَ آمَنُوا إِنَّ الْخَیْرَ یَنْزِلُ مِنَ الدِّیْنِ خَیْرٌ وَأَنْتُمْ أَنْفُسُکُمْ ۝۱۳

پنهان شده و گفتند اهل ایمان هر آنچه نازل گران آید از دین از خود نازل شده نفس های خود

وَأَهْلِبُهُمْ یَوْمَ الْقِیَمَةِ مَا لَا إِنْ الظَّالِمِیْنَ فِی عَذَابٍ مُّقِیْمٍ ۝۱۴

و بپوشاند و نهدان خود را روز قیامت آگاه شود هر آینه ستمکاران در عذاب دائم باشند و نپاشند

كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلَیَاءَ یَنْصُرُوهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مِنْ یُضِلُّ اللَّهُ ۝۱۵

ایشان را کار سازان که نصرت دهند ایشان را و هر گاه گمراه کند خدا

فَمَا لَهُ مِنْ سَبِیْلِ ۝۱۶

پس نیست او را هیچ راه

مَرَدُّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُم مِّنْ مَّجَآئِیْمٍ ۝۱۷

بست آفران از جانب خدا نیست شمارا هیچ پناهی آن روز نیست بر آنست شمارا هیچ بازخواست کننده

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا آتِیًا ۝۱۸

پس اگر اعراض کنند از قبول وین ایست نفرستاده ایم ترا بر ایشان مگر پیغام رسانیدن

وَأَنَّا إِذَا دَقَّقْنَا الْأَنسَانَ مِّنَ الرَّحْمَةِ فَفَرِحَ بِهِ ۝۱۹

و هر آینه چون بخشاییم آدمی را از جانب خود محنتش را دین شود بان و اگر برسد بآدمیان

بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِیْهِمْ فَإِنَّ الْإِنسَانَ لَقُورٌ ۝۲۰

بسیب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان پس آدمی ناسپاس و درنده است خدا را است بادی ای انسانها

وَالْأَرْضُ حَرْشٌ لِّمَنْ یَّشَاءُ یُخِیْبُ لِمَنْ یَّشَاءُ ۝۲۱

و زمین کی آفرینند هر چه خواهد عطای کند دشمنان هر گاه خواهد و عطای کند بپسوان

وَالَّذِیْنَ یُؤْمِنُونَ یُؤْتُونَ حَسَنَاتٍ ۝۲۲

و کسانی که ایمان دارند و دشمنان می گرداند کسی را که خواهد عظیم (انای) (هر آینه) است

تفسیر عثمان
ع ۱۰ از کار بایسته محض و است
ع ۱۱ بین ستمکاران را چون مشاهده کنند
ع ۱۲ و بین ایشان را پیش آورده شوند
ع ۱۳ پنهان شده و گفتند اهل ایمان
ع ۱۴ و بپوشاند و نهدان خود را
ع ۱۵ ایشان را کار سازان که نصرت دهند
ع ۱۶ پس نیست او را هیچ راه
ع ۱۷ بست آفران از جانب خدا
ع ۱۸ پس اگر اعراض کنند از قبول
ع ۱۹ و هر آینه چون بخشاییم آدمی را
ع ۲۰ و زمین کی آفرینند هر چه خواهد
ع ۲۱ و کسانی که ایمان دارند و دشمنان
ع ۲۲ و کسانی که ایمان دارند و دشمنان

الْعَلِيمُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا

دانا دے آنت ک ساخت براے شما زمین را بساط و ساخت براے شما در زمین راه

لَكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً يَقْدِرُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

تا بود که شما راه یابید و دے آنت که فرو آورد از آسمان آبی یا نازل پس زنده کردیم بآن

بَلَدًا مَّيِّتًا كَذَلِكَ نَخْجُوهُ ۝ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَنْثَرُ وَاجِبًا

شهر مرده را هم چنین بر آورده خواهد شد و دے آنت که میا فرید اقامت حیوانات تمام آن و زمین مرده را هم چنین بر آورده می شود (از قبرها) و دے آنت که میا فرید بر جفت باردا

جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْقُلُوبِ آلَاتٍ ۚ وَارْتَمُوا بِكُمْ تُبُون ۝ لَنْتَسُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ

ساخت براے شما آلتی ها و چهار پا یان چیزه را که بران سوار شوید تا راست بشینید بر پشت مرکوب باز ساخت برای شما از کتبی ها و چهار پا یان آنچه سوار میشوید تا برابر بشینید بر پشت های آن باز

تَذَكَّرُوا فَعَزَّ رَبُّكُمْ إِذْ اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا

یاد کنید نعت پروردگار خود را و تنگ راست نشینید بران و بخوانید یا خدا که مسخر ساخت برلے ما این مرکوب را یاد کنید احسان پروردگار خود را و تنگ سوار شوید بران و بخوانید یا که است آن ذاتی که مسخر ساخت برای ما این را

وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ۝ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ۝ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادَةٍ

و نبودیم بران توانا و هر آینه ما بسوی پروردگار خویش رجوع خواهیم کرد و مقرر کردند برانے خدا از بندگان او و نبودیم به آن توانا و هر آینه ما بسوی پروردگار خود باز گردند گایم و مقرر کردند برای خدای تعالی از بندگانش

جُزْءًا مِّنَ الْإِنسَانِ لَكُفُورٍ مِّمَّنْ هُمْ أَتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلَةً ۚ وَاصْفَوْكُم

اولاد را هر آینه آدمی تا سپاس ظاهر است آیا گرفت خدا از مخلوقات خدا دشمنان را و برگزیده است شما را جز اولاد) تحقیق آدمی بسیار تا سپاس آشکار است آیا گرفت خدا از مخلوقات خود دشمنان را و برگزیده است شما را

بِالْبَيْنِينَ ۝ وَإِذْ ابْتِأَسَّ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ

به پسران و چون خرداده شود یکی از ایشان بگوید آنچه مثل ساخته است برانے خدا روئے او به پسران (و حال آنکه) چون خرداده شود یکی از ایشان را به (گول) آنچه گردانیده برای رحمن مانند گردود و دے او

مَسُودًا ۚ وَهُوَ كَظِيمٌ ۝ أَوْ مَن يُنْشِئُ فِي الْحَلِيِّ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ

سیاه گردد و او را زخم باشد آیا آنرا که پرورده میشود در زیور و داد در صفت حقومت سیاه داد پرطم باشد آیا آنکه پرورش داده میشود در زیور حال آنکه او در حق همه

غَيْرِ مَيِّتٍ ۝ وَجَاءُوا الْمَلِكَةَ الَّتِي هِيَ عِندَ الرَّحْمَنِ إِنَّا شَا

ظاهری گردد و برانے خدا ثابت کرده اند و دشمنان مقرر کردند فرستگان را که بندگان خدا اند الظاهر کننده حجت نباشد لایات فرندی خدا داد و مقرر کردند (فرستگان) فرستگان را زان آنکه ایشان زندگان رحمن اند

شَهِدُوا وَخَلَقَهُمْ سَنَكْتُبُ شَهَادَتَهُمْ وَيُسْكَونَ ۝ وَقَالُوا الْوَيْلُ

آیا حاضر بودند نزد آفرینش ایشان نوشته خواهد شد این گواهی ایشان و پسریده خواهند شد و گفتند کاذبان اگر خواستند آیا حاضر بودند به آفرینش ایشان اکنون نوشته میشود گواهی ایشان و پسریده میشوند و گفتند کاذبان اگر میخواست

الرَّحْمَنِ مَا عَدَدْنَاهُمْ يَا لَهمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِن هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ۝

خدا بدستش نمی گردیم این فرستگان را نیست ایشان را باین مقدمه دانش نیستند ایشان مکر دروغ گو آیا رحمن پرستش نمی کردیم ایشان را نیست ایشان را باین ز گفتن حق علم نیستند ایشان مکر تخمین می کنند (در دخی کوبند)

أَتَيْنَهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهَمَّ بِهَا مَسَّةٌ مِّنْهُمْ ۚ بَلْ قَالُوا أَنَا وَابْنُ

داده ایم ایشان را کتابی پیش از قرآن پس ایشان بآن کتاب چنانچه اندیشه می کردند یا قیامید بدان خود را داده ایم ایشان را کتابی پیش ازین پس ایشان به آن چنگ در زدگان اند (نی) بلکه می گویند لایمان یا قیامید بدان خود را

فلا یحیی الذین یعبدون
یعنی بگوید و زنده
اعلم ان غیر عثمان
بقیه ص ۵۵ - دواس
ظاهر در آن چندان
دخی اند و خیال من این
صورتی است که در وقت
عاشقه مدله را زنی اند
عنه آ آرا را با تین
فی مثل صلوات الجرس
تغیر فرموده است در
الباب - بدو الخلق
صحیح بخاری برای این
گونه صورت و می تفرغ
آدم ملک موجود است
همین کیفیت را در حد
رو و برات علی بیان
فرمود است و می
قرآنی انکار همین
صورت می آید چنانکه
۱ در نزل با روح
ج الا حین علی قلبک
و نانه نزل علی قلبک
باذن الله از لفظ
تقلب است
میشود و نه آنکه اصل
باصول بطور پوسیده
باطنی بعضی از قاری
از وجود پیوسته هستی
جدا گانه بنظر نمی رسد
و نه بطوری که مادی شده
که شخص با دیگری صحبت
کند تا بهم نشینان قیام
تیر آن مطلب را می
نمیداند لهذا این نوع
را خصوصاً در این آ
بلفظ و حیاء تعبیر
فرموده اگر لفظ و حی
در لغت بر افشاء شده
سر به دلالت می کند
در صورت سوم این
ست که فرشته تجسد
شده پیش نی بیاید و
کلام و پیام خدا را
طوری برساند که یک
نفر بدین خطابی می

نزد حضرت جبرئیل یک و در جمله صورت اصلی خود پیش آن حضرت صلی الله علیه و سلم آمد اکثر بار در صورت حضرت وحید علی رضی الله عنہ و گاهی بغیر آدم فرمودن هم تشریف آورده است

عَلَىٰ أُمَّةٍ قَدْ آتَىٰ فِيهِمْ بَيِّنَاتٌ مِّنْ ذِكْرِكَ تَتْلُوهَا

ترسانند را مگر گفتند سخنان آن گویا که (هر آینه) ما را بر این براهین و آیات که از تو در هر روز می آید

مِّنْ ذِكْرِكَ أَكَالُهَا وَتَارَةً يَّاجِدُهَا بِمَا يَكْفُورُ بِهَا وَكَانَ عَلَىٰ عَشِيرَتِهِ

ترسانند را مگر گفتند سخنان آن گویا که (هر آینه) ما را بر این براهین و آیات که از تو در هر روز می آید

مَقْتَدُونَ ۚ قُلْ أَوْ لَوْ أَنَّ أَكُلُهَا وَتَارَةً يَّاجِدُهَا بِمَا يَكْفُورُ بِهَا وَكَانَ عَلَىٰ عَشِيرَتِهِ

ترسانند را مگر گفتند سخنان آن گویا که (هر آینه) ما را بر این براهین و آیات که از تو در هر روز می آید

بِمَا أُرْسِلْتُ بِهِ كَفَرُونَ ۚ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

بآنچه فرستاده شد شما را (هر آینه) آن ناممکن است پس انظار کنید که چگونه عاقبت

الْمُكَذِّبِينَ ۚ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ

در روزی که گفتند که ای برادر من و قوم و خویشان من منزه است از آنچه شما پرستش می کنید

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيُجِيبُنِي ۚ وَجَعَلَهَا كَانِتَةً بِقَابَةِ قَبِيحَةٍ

الا آن که مرا آفرید پس او را من دعا می کنم که جواب من را بدهد و او را در جایگاه ناپاک و زشتی نهاد

أَلَا لَهُمْ يَوْمَئِذٍ عِذُونَ ۚ بَلْ مَتَّعْتَهُمْ فِيهَا وَاَبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ

آیا برای آن روز عذر دارند؟ بل من آنرا در آنجا بفرستادم و پدران و اجداد آنها را تا آنکه بر آنها حق آمد و رسولی

مُبِينٌ ۚ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذَا ظَاهَرُوا لَكُمْ عِزَّهُمْ أَنتَدَّبُوا إِلَيْهِ فَوَلَّوْا أَفْئِدَتَهُمْ

و اگر آنرا که در برابر شما ظاهر می شود عزت و بزرگی آنها را می بینید و آنرا از خود دور می دارید

وَقَالُوا لَا تَنْزِلْ هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمَةٍ ۚ أَهَمْ

و گفتند چرا نازل شده بر این مرد از این دو شهر بزرگ؟ آیا این بزرگان را

يَقْسِمُونَ بِرَحْمَتِ رَبِّكَ إِنَّا قَدْ خَلَقْنَاهُمْ مِن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ۚ وَنَحْنُ إِلَهُكُمْ ۚ أَفَمَا رَأَوْا

قسم می دهند بر رحمت پروردگار تو که ما را از یک نفس آفریدیم و ما خدایان آنها هستیم آیا آنرا

وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ ۚ فَمِنْهُمْ أَتَمَنَّا بِأَن يَكُونَ مِنَ الْفَاسِقِينَ ۚ أَفَمَا

و بعضی را بر بعضی درجات بلندتر کردیم پس از میان ایشان چه کسی را از فاسقین می دانستیم؟ آیا آنرا

رَحْمَتِ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَكْتُمُونَ ۚ وَلَوْ أَنَّ لِلنَّاسِ أَشْجَاتٌ مِّثْلَ خِلَافَةِ

رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه می پندارند و اگر برای انسانان شجراتی مثل خلیفه

صلوات الله علیه و آله و سلم
عادل و حضرت ابراهیم
علیه السلام می باشد که
و آنرا می بیند و از حق
که در طایفه و از علم
و آنرا می بیند و از حق
عز و الشان علم ۱۲
تفسیر عثمانی
بقی ص ۱۳ - درین
وقت چشم فرستاد
میدید و گوشتها آواز
اورای می شنید و جالب
نزدیک می رسید و آنرا
مکانه را
می شنید
و می بیند
از سر
دو مهر می زد و حدیث
عائشه حدیقه می بیان
شده است این حدیث
و هم آنهاست و درین
من بین صورت را
درین آیت به
او بر سن رسولان
بازوایشان را تغییر
فرموده است و الله
اعلم بالصواب و چون
و می صورت عجب
بلی نادر و باطنی بود
لبنه از حدیث عائشه
بدان توصیف شده
عنه انسوس که بر سر
ایرانیم (علیه السلام)
را بدست نیاوردند و در
و حیث او فرستاد بلکه
در فلکات سامان دنیا
که خدا به آنها داده بود
و گرفتار آمده از غلای
تهدس بلی خانی شد
تا آنکه حق تعالی برای
میدار ساقش نشان
از غلبه نظمت آن
پیغمبر خود را فرستاد که
در راس ذی زبانت
روشن و واضح است
اذا انما حق را از خداوند
قرآن را به مردم ظاهر

صلی الله علیه وسلم
 ۱۲ صلی الله علیه وسلم
 حضرت موسی علیه السلام
 گفت بود الله اعلم
 و سلمت هم گوید بر این
 سزا که بکس بخدای
 تباری معبود نیست شریک
 ایراد کردند که ترسایان
 عیسای را می پرستند
 و اگر کسی غیر معبود
 را ماضی شکر آید یا
 عیسای باشند و گمان
 کردند که کفایت غالب
 آمدند خدای تعالی لشق
 شریف بود الله اعلم
 تفسیر عثمان
 در آن عصا که
 گرد و لوح معراج
 معراج بسیار کلان
 میدانستند فرعون
 کشیده آب دریای
 نیل را بر روی نهی
 بیاض خود آورده بود
 مطلب او این بود
 که با این همه سامان و
 شوکت و حشمت آیا
 حیثیت ما تقاضا
 دارد که مقابل آدم
 صاحب حیثیت
 معجز چون
 موسی گردن خود را خم
 نایم عیسای گویند
 فرعون که بای طلاق
 میپرست بر رئیس و
 زیری را که در نوازش
 خود فرو میداد یا کرده
 بای طلاق می پرستید
 و فوج حضور او صف
 بسته ایستاده می شد
 مطلبش ازین سخن
 این بود که با شخصیک
 ما در اعت و احترام
 میدیم چنین معاملی
 کنیم پس کسی را که
 خدای تعالی بطور ناب
 خود بفرستد آیا درست
 او کرده بای طلاق و در جلد او یک فوج فرشتگان هم نباشد ۱۲

اِذَا هُمْ مِنْهَا يَخْبُثُونَ ۝ وَمَا تَرَوْهُم مِّنْ اٰیَةٍ اِلَّا هِيَ اَكْبَرُ مِنْ اُخْتِهَآ

تا که این ایشان از آن نشان پائی خندیدند و آنچه خود دیدم ایشان هیچ نشانه مگر وی بزرگتر بود از سابق مانند خود از یک دیگر خود

وَآخِذْهُمْ بِالْعَآذِ ابْلَٰغُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَقَالُوا اِنَّ السَّحَرَادَّ عَلٰى

و گرفتار کردیم ایشان را بعقوبت بود که ایشان رجوع کنند و گرفتار کردیم ایشان را بعقوبت تو که ایشان رجوع کنند

رَبِّكَ بِمَا عَمِدَ عِنْدَكَ اِنَّا لَكَاثِمُونَ ۝ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَآبِ

بجانب پروردگار خود بیان اسماء کرده است نزد یک تو هر آینه راه یافتیم پس آن هنگام که دور کردیم ایشان عقوبت را

اِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ۝ وَنَادٰى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهٖ قَالَ يَقَوْمِ اَلَيْسَ لِي

تا که این ایشان عهدی شکنند و آواز داد فرعون در میان قوم خود گفت ای قوم من آیا نیست بدست من

مَلِكٌ مِّمَّنْ هٰذِهِ اَلَا نَهْرٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِیْ اَفَلَا تَبْصُرُونَ ۝ اَمْرًا

پادشاهی مصر و این جوهرها می رود از زیر کوشک من آیا نمی بینید پادشاهی مصر در حالیکه این جوهرها می رود در قفس من آیا نمی بینید

خَيْرٌ مِّنْ هٰذَا الَّذِیْ هُوَ يَھِنُّ ۝ وَلَا یُکَادُ بَیِّنٌ ۝ فَلَوْلَا اَلْقِیْ عَلَیْهِ

بهتر از این شخص که در آن خوار است و نزدیک نیست که سخن واضح و بیلت پس چرا نه فرود آورده شد برین شخص

اِسْوَرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ اَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلٰٓئِكَةُ مُقَاتِلِیْنَ ۝ فَاسْتَحَقَّ قَوْمًا

دستوانها از زر یا چرا اینها آمدند همراه او فرشتگان صف بستگان عیسای خفیف العقل ساخت قوم خود را

فَاَطَاعُوهُ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا فٰسِقِیْنَ ۝ فَلَمَّا اَسْفَوْا اتَّقَمْنَا مِنْهُمْ

پس قبول کردند فرمان او را هر آینه ایشان بودند گروه فاسق پس آن هنگام که خشم آوردند و نوازش کردیم ایشان را

فَاَعْرِضْ لَهُمْ اَجْمَعِیْنَ ۝ فَجَعَلْنٰهُمْ سَفَآءً مِّثْلًا لِّلْآخِرِیْنَ ۝ وَلَمَّا

پس عرض را جمیع ایشان را همه یک جا پس ما عظیم ایشان را پیش رو و داستان پیشینان را ای و آنکه که

ضَرَبَ ابْنُ مَرْیَمَ مِثْلًا ۝ اِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ یَصِلُوْنَ ۝ وَقَالُوا اَلَمْ یُنْخَلِّ

داستان زده شد به پسر مریم تا که این داستان همچو شو قتی آواز بلند می کنند و گفتند آیا معبودان ما بهترند

اَمْ هُوَ اَوْ اَمْ بَوَّهٓ لَكَ الْاَجْدَادُ اِبْلَٰغُ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ ۝ اِنْ هُوَ اِلَّا

یا عیسای آن حرف نزدند یا تو مگر مکار بود یا و ایشان قومی خصومت کننده اند نیست عیسای مگر

عَبْدٌ اَنْعَمْنَا عَلَیْهِ وَجَعَلْنٰهُ مِثْلًا لِّبَنیْ اِسْرَآءِیْلَ ۝ وَلَوْ نَشَآءُ لَجْعَلْنٰ

بنده که انعام کرده ایم بروی و ما عظیم او را نشان بر آن بنی اسرائیل و اگر میخواستیم البته کرده

مِنْكُمْ مَّالِیْکَةً فِی الْاَرْضِ یَخْلُقُوْنَ ۝ وَاِنَّهٗ لَعَلَمٌ لِّلْسَاعَةِ

بدن شما فرشتگان در زمین خلیفه شوند و هر آینه عیسای نشان است قیامت را و هر آینه این مردم نشان است برای قیامت

فَلَا تَسْتَوِينَ بِهَا وَأَتَّبِعُونَ هَذَا صِرَاطَ مُسْتَقِيمٍ ۝ وَلَا يَصْدَقُكُمْ

پس شیعه کمند در قیامت و یحیی یا محمد پیروی من کنید ایست راه راست
پس شایک نیارید و آمدن قیامت و پیروی کنید مرا این است راه راست

الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ

شیطان بر آینه اور حق شما و حق من ظاهر است
شیطان بر آینه او برای شما و حق من ظاهر است آشکارا

قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ

آورده ام بطاعت را و آورده ام تا بیان کنم برائے شما بعضی آنچه اختلاف می کنید
در تحقیق آورده ام بشما سخنان حکم و تا بیان کنم برائے شما بعضی آنچه که اختلاف می کردید

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرَ اللَّهِ هُوَ رُبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ

پس بترسید از خدا و فرمان من بترسید هر آینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس به پرستید و ادرا ایست راه
پس بترسید از الله و اطاعت کنید مرا هر آینه الله دوست پروردگار من و پروردگار شما پس پرستید و ادرا این راه

مُسْتَقِيمٌ ۝ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ

راست پس اختلاف کردند جماعت با در میان خویش پس واسطه آنانرا که ستم کردند از
راست است پس از هم جدا شدند چندین گروه از بین ایشان عده پس برای آنانکه ظلم کردند از

عَذَابٍ يَوْمَ إِلَهِ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ

عذاب روز درو دهنده آها انتظار نمی کنند مگر قیامت را که بیاید بدیشان ناگهانی و ایشان
عذاب روز درو دهنده انتظار نمی کنند مگر قیامت را که بیاید بدیشان ناگهانی در حالی ایشانرا ع

لَا يَشْعُرُونَ ۝ الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الشَّقِيقِينَ ۝

خبردار نباشند دوستان آنروز بعضی ایشان را بعضی دشمن باشند مگر برادر همتا گاران
به خبر باشند دوستان در آنروز بعضی ایشان را بعضی دشمن باشند مگر برادر همتا گاران الله

يَعْبَادُ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَخْزَنُونَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْآيَاتِ

نقته شود ای بندگان من نیست هیچ ترس بر شما امروز و نه شما اند باین شویید اسے آن بندگان من که ایمان آوردند باین
که گفته می شود برای ایشان ای بندگان من نیست هیچ ترس بر شما امروز و نه اند باین می شویید آن (بندگان ما) که ایمان آوردند باین

كَانُوا مُسْلِمِينَ ۝ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُخْبَرُونَ يُطَافُ

مسلمان بودند نقته شود در آمدید به بهشت شما و زنان شما و شما را خبر خواهد شد
بودند فرمان بر وارد در آمدید به بهشت شما و زنان شما و شما را خبر خواهد شد کرده اند شود

عَلَيْكُمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ تَتَلَذَّ

برایشان کاسه های بر طلا و صراحی ها و باشد در بهشت آنچه خواهش کند نفس و لذت گیرد
برایشان کاسه های بر طلا و صراحی ها و باشد در بهشت آنچه خواهش کند نفس با لذت گیرد

الْأَعْيُنَ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثَتْهُمُ بِمَا كَانُوا

از دیدن او چشمها و شما اینجا جاویدان باشید و این آن بهشت است که (مثل) میراث داده شد شمارا بسبب آنچه
(از دیدن او) چشمها و شما در اینجا جاویدان باشید و این آن بهشت است که (مثل) میراث داده شد شمارا بسبب آنچه

تَعْمَلُونَ ۝ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْ أَنْتَاجِهَا وَفِيهَا زُجْجَةٌ ۝ إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي

عمری کردید شمار است اینجا میوه بسیار که از آن میخورید هر آینه زخم گاران در
عمری کردید شمار است در آن میوه بسیار که از آن میخورید هر آینه کافران در

عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ۝ لَا يَفْقَهُونَهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْسَوْنَ ۝ وَمَا ظَنُّوا أَنَّهُمْ

عذاب دوزخ جاویدان اند ستم کرده نشود از ایشان عقوبت و ایشان در آن عذاب نا امید شده خاموش باشند
عذاب دوزخ جاویدان اند ستم کرده نشود از ایشان عذاب و ایشان در آن عذاب نا امید می باشند خاموش باشند

عَذَابٍ دُونَ ذَلِكَ جَاءُوا بِهِمْ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ إِنَّ الْمَلَأَ فِي

عذاب دوزخ جاویدان است ستم کرده نشود از ایشان عذاب و ایشان در آن عذاب نا امید می باشند خاموش باشند
عذاب دوزخ جاویدان است ستم کرده نشود از ایشان عذاب و ایشان در آن عذاب نا امید می باشند خاموش باشند

عنه یعنی سخنان و بی
و یا حال و بعضی چیز
های که شریعت موسوی
آنرا حرام گردانیده
بود بیان می کنیم که تا
در اصل حکم بعضی از این
حرم حکم را از عمران
روایت (۵) عده یعنی
اختلاف پیدا شد
میبود از انکار کردند
و نصاری و دی ایمان
آوردند سپس نصاری
مکروزیان به چندین
فرقه تقسیم شدند یکی
حضرت مسیح را پسر
خدا میخواند کسی او را
یکی از اجزای الهی می
دانند دیگری را حق
جدا گفته اند بعضی
نهی می گویند اصل حضرت
مسیح روحانی نیست
عده مردمانی که
او را با وجود جنین میآورد
۲ اما بفرموده این است
۳ و آخر ایمان می آوردند
چیز را انتظار دارند
از شایده احوالشان
میوان گفت ایشان
وقتی با در خواست کرد
که قیامت یکدم ناگهانی
بر آنها قائم شود لیکن
پذیرفتند آن وقت
کاری نخواهند داد
لله در آن روز
دوستان از یکدیگر
یگریزند تا سبب
یکدیگر را بی دیگری
گرفتار نشود جمیع دوستی
با محبت با منقطع می
شود. انسان پیشانیان
می گردد که با فلان آدم
شتر برادر آدمی کرده بودم
چرا بچرخ از امروز
گرفتار محبت شدم
در آنوقت محبت
صمیمی هم از دیدن

درین اندیشه کن
 که مباد ابرامیک بقدرت
 اللہ تعالیٰ در محرم پدید
 آمده کمال خود باقی بماند
 و فرعونیان هم ازان
 بگذرند آنرا ایمان حاصل
 بگذارند زیر آلچون
 لشکر فرعون

۴۹ این راه را
بیندردان ۱۴
میدانید چنانچه
طورش چون فزونیا
راه را خشک صاف
دیدند در آن چاهند
از خود در آنها آب بحر
بحکم خدای تعالی اذ
چهار طرف حرکت
کرده با هم پیوست
و بدین وسیع تمام
شکر در آب غرق گردید
عنه بنی اسرائیل
را مالک آن ساختیم
چنانکه در سوره شعرا
نمذکار یافته ازین بری
آید که بعد از غرق فزونیا
بنی اسرائیل در مصر
وست یافتند و اگر
این واقعیت ثابت نباشد
مطلب چنین دشوهر
نوع مسا می که فزونیا
گذاشته بودند همان
قسم را بنی اسرائیل
دادیم و الله اعلم

است که مردمان چون
 آن دروازه آسمان
 می گرد که از آن روزی
 اش فردی آید و با
 عل صالح او
 از آن با این رفت ۱۳۴
 و از زمین بمان ۱۳۵
 موضع گری می ۱۳۶
 کند که برین نماز
 میخواند یعنی
 افسوس که این
 سعادت از ما

مُخْرَقُونَ ﴿٢٧﴾ كَذَلِكَ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَ الصَّافِينَ ﴿٢٨﴾ وَمَقَامُ كَرِيمٍ ﴿٢٩﴾

نعمت گانوافی فکرهایین ۱۰ کذالك و اورثها قوماً اخرين ۱۱ ﴿۱۸﴾ فما بكت
گذران بار فایمت کردان محفوظ بودند هم چنین شد و عطا کردیم این چیزها گردی دیگر را پس نگر است
سایان آملش را بودند و ان تنفعان هم چنین شد و میراث دادیم آن را برای قوم آخر سه پس گریه نکرد

عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كُنُوا مُنْظَرِينَ ﴿٩٩﴾ وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي
 إِدْرِيسَ قَوْمَ فِرْعَوْنَ آسَانَ وَزَيْنَ وَنَدَّ نَدَّ مَهْلَتَ دَادَهُ وَهَرَّ آيَنَهُ أَخْلَا مَكَرَ دِيمِ بَنِي
 بِرْفَرُونِ آسَانَ وَزَيْنَ مَهْ وَنَجَّيْنَا دَادَهُ شَدَّ لَانِ وَهَرَّ آيَنَهُ حَجَّاتِ دَاوِدَ بَنِي

اسرائیل را از عذاب خوار کننده که از جانب فرعون بود برآیدند فرعون بود سرکش
اسرائیل را از عذاب ذلیل کننده از عذاب فرعون (برآیدند) او بود بلند

از تندی کنندگان و سرائین و برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته بر عالم را و دادیم ایشان را
از جمله از حد گذرندگان و (سرائین) برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته بر عالمها و دادیم ایشان را

مَنْ الْبَيْتَ مَافِيهِ يَكُونُ آمِينَ ۴ اِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ۵ اِنْ هِيَ اِلَّا

از تم معجزات آنچه در این امتحان ظاهر بود هر آینه این جماعه می گویند که نیست عاقبت کار مگر
از ثانی با آنچه در آن نعمت آشکارا بود لعل (هر آینه) این کفار مکمل می گویند نیست یا هیچ مردی که بعد از آن زندگی

مَوْتَنَا الْاُولٰی وَمَا نَحْنُ بِمُشْرِكٍ ۝۴۷ فَاَتُوبَا بِاٰیٰتِنَا اِنْ كُنْتُمْ

صِدِّاقِينَ ۛ اَھم خیر اھم قوم تبع ۛ وَالَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ اَھل کُتُب ۛ

راست گویان آری ایشان بهترند (قوی ترند) یا قوم شیخ و آنرا ندیدیش از ایشان بودند هکس ساجده ایشان را
اِنَّهُمْ كَانُوْا فَجْرٌ مِّنْ ۙ و ما خلقنا الله و ت و الارض و ما بينهن
 هر آینه آنها که گویا بودند و نیافریدیم آسمان را و زمین را و آنچه در میان هر دو است

لَعَلَّكُمْ يَتَّقُونَ ﴿٩﴾ مَا خَلَقَهُمْ هَٰذَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠﴾ إِنَّ

روز قیامت میعاد ایشانست چه یک
روز فیصله موعده محقر همه ایشان است

وَالَهُمْ فِيهَا رُحَمَاءُ مُنَادُوا لَهُمْ فِيهَا أَنْ يَخْلُتُوا بِهِمْ فَأَتَوْا بِهِمْ وَأَمَّا الْأَنْفُسُ الَّتِي أُتِيَتْ بِالْهَدْيِ فَرِغَ عَلَيْهِمْ ذِكْرُهَا وَأُتِيَ الْمَلَكُ الْأَمْرُ فَنَادَىٰ بِالسَّائِرِينَ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الصَّغِيرُ وَالْكَبِيرُ ۚ

درخت زقوم طعام نهار است مثل مس که اخته شده بجوش در شکم با
درخت زقوم خوراک گناه کار (کلان) است مانند مس که اخته بجوش میخیزد در شکمها

ستانیده شد که اگر کج تخم عمل صالح ندارد چرا آسان و زمین برکش گرید کند بلکه استاید خوش میشود که دشواری جهان پاک لعل یعنی بدنی نه



۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

اَعْلَىٰ الْحَيْمِ خَدُّوهُ فَاَعْتَوَهُ اِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيْمِ ٥ ثُمَّ جَلَبُوا فَوْقَ

بازو خستیدن آب گرم گوشت را بر سر ایشان که کار را پس سختی بخشیدش بسوی دوزخ باز بر نهد بالا

رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَيْمِ ٥ ذُقْ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيْمُ ٥ اِنَّ هَٰذَا

سر او از آب گرم که عقوبت است بجوش بر آید تویی بزرگوار گرامی قدر هر آینه اینست

مَا كُنْتُمْ بِمُتَسَبِّحِيْنَ ٥ اِنَّ الْمُسْتَقِيْمِيْنَ فِيْ مَقَامٍ اَمِيْنٍ ٥ فِيْ جَنَّةٍ وَ

اینگه در آن شب می گردید هر آینه متقیان در جایگاه یا امن باشند در بوستان یا و

عِيْنٍ ٥ يَلْبَسُوْنَ مِنْ سُندُسٍ وَّاسْتَبْرَقٍ مُّتَقَابِلِيْنَ ٥ كَذٰلِكَ

چشمها بپوشند از حریر نازک و حریر لک رو بروی یکدیگر کشیده این چنین باشد حال

وَرَوْحَتُهُمْ يَمْجُوْنَ عِيْنَ ٥ يَدْعُوْنَ فِيْهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ اَمِيْنٍ ٥

و که خدا نغم ایشان را با جود کشاده چشم لطیفند آنجا هر میوه را ایمن شده

لَا يَدْعُوْنَ فِيْهَا الْمَوْتَ اِلَّا الْمَوْتَ الْاَوَّلٰى ٥ وَوَقِفْهُمْ عَذَابِ

چندند آنجا مرگ این چشیده بودند مرگ نخستین را و نگاه داشت ایشان را از عذاب

الْجَحِيْمِ ٥ فَضَلًا مِّنْ رَّحْمَتِكَ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ٥ فَاَمَّا اَيُّسَرُهُ

دوزخ بسبب بخشایش از جانب پروردگار تو ایست فیروزی بزرگ جز این نیست که آسان ساخته فر آنرا

بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ٥ فَاَرْتَقِبْ اِنَّهُمْ مُّرتَقِبُوْنَ ٥

ب زبان تو شاید که ایشان را فایده یابد پس منتظر باش (باحتی که آنها بدرستی که ایشان نیز منتظر اند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ٥

بسم خداوند بخشنده مهربان آغاز می کنم بسم خداوند باریک است

حَدَّثَ تَنْزِيْلُ الْكِتَابِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ٥ اِنَّ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ

فرو فرستادن این کتاب از جانب خداوند غالب بر مملکت است هر آینه در آسمانها و زمین

اٰيٰتٍ لِلْمُؤْمِنِيْنَ ٥ وَفِيْ خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ اٰيٰتٌ لِّقَوْمٍ

نشانههاست باور دارندگان را و در آفرینش شما و آنچه پراکنده می کنند از جانوران نشانههاست قومی را که

يُوقِنُوْنَ ٥ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِّزْقٍ

یقین دارند و در آمدن شب و روز و در آنچه فرو آورده خدا از آسمان روزی را و

فَاَحْيَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيحِ اٰيٰتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُوْنَ ٥

پس زنده کرد به آن زمین را بعد مرده بودن آن و در گرداندن باد و نشانههاست قومی را که عقل می کنند

دل یعنی باران ۱۲

تفسیر عثمان

یعنی نداشتند

که این روز در راه خواستند

و به درین خواب بودند

که فقط همین طور دراز

عوب خواب گذشت

بالاخر با خاک آمیخته خاک

خوابم شد آنگاه چیزی

نظاره نمیرسد اکنون

دیدم سخنانیکه از طرف

پیغمبران بیان شده بود

همه راست برآمد عده

هر میوه را که بخت بود

بایشان حاضر آورده می

شود هیچ نگر و اندیشه

انقطاع و اشتغال آنرا

نداشتند در کمال آسایش

خاطر متوجه دنیا نبودند

یعنی اگر انسان

اراده پذیرفتن ایشان

آوردن کند در پیش

همین آسان زمین فکر

در نظام حکم آن تدبیر

ناید قبول می کند

حاصلی اینها را

آزید و نیکمیدار می

بجمل حکمت و قوی آنها

ساخت و به قدرت

لا محدود خود به حفاظت

آنها پرداخته العبقه

تدل علی البعید والاقلام

تدل علی المسیر فکیف

لا یل هذا الظالم العجیب

الغریب علی الصالح

اللطیف الخیر للعص

اگر کسی از عقل و شعور

کار نگیرد بر ایشان

بگوید اگر در نظام این

امر بدون آن قادر

مطلق و حکیم مقتدر است

واقعا در کمال نیست

چنانکه پیشتر در مواضع

متعدد بحث شده

است ۱۲

فل يعني مقدر نیستند
 کجاست جزای اعمال
 ایشان باشد
 تفسیر عثمانی
 علی انسان بعد از
 خود و کلاً فیسده می تواند
 که این چیز از اختیار و
 اقتدار او خارج بود
 محض از فضل الله
 تملک و قدرت کامله او
 این اشیا در کار
 مبرود اند و باینکه
 بر ما هم لازم است که
 بکاری مشغول باشیم و آن
 کار فقط همین است که
 فرمان برداری و اطاعت
 آن نعم حقیقی و محسوس
 علی الاطلاق لحاظ
 مستعار خود را صرف
 غایب تاد آید
 سر انجام ما درست
 گردد و آنجا
 رسیده هر نوع بدی
 و شکایتش روی خواهد
 آمد و هر کس پا داشت کرد
 بای خود را خواهد یافت
 مدتی تورات داده
 سلطنت یافت فیصل
 و امتحان دانش یافتیم
 و تقه دین ایشان عطا
 فرمود و چقدر بفرمان رسید
 از زمین آنها مسووف گردانیم
 این بود غذائی روحانی
 غیر ازین غذائی جسمانی هم
 بایشان بیل داده شد
 حتی درین دسوی بر
 ایشان توفیق بود
 الله درین عمر بر تمام
 جهان ایشانرا فضیلت
 علی حاصل بود اما باعتبار
 بعضی فضائل جزیه قیام
 در آن عمر هم فروت
 نداد و بعضی احکام
 نهایت واضح و مفصل
 و با محبت آفرین
 بین دوام کرد و باین
 دین باین جهت و برهان پیش کرده میشود

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْتَهِهَا عَلَيْكَ يَا حَقُّ قِيَامِي حَدِيثُ بَعْدَ اللَّهِ آيَاتُ يُؤْمِنُونَ

این نشانها خداست می توانیم آنرا بر تو برآستی پس بکدام سخن بعد از سخن الله و آیت های او ایمان آرند

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ۝ يَسْمَعُ آيَاتُ اللَّهِ تَنْتَهِ عَلَيْكَ ثُمَّ يُصْرَفُ مُسْتَكْبِرًا كَأَن

داسه هر دروغ گوئی گناه کار را می شود آیات خدا را خوانده میشوند بروی باز اصراری کند و بخود و دیگران گویا

لَمْ يَسْمَعْهَا ۝ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَ هَاهُنَا

نشیده است آنرا پس مژده ده او را عذاب درد آلوده و چون دانفت شد بر چیزی از آیات ما به تشنه گرد آنرا

أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝ وَمَنْ وَرَأَيْتَهُمْ جَهَنَّمَ وَلَا يَغْنَى عَنْهُمْ مَسَا

آنگاه که ایشانراست عذاب خوار کننده آن طرف ایشان دوزخست و دفع نگیرد از ایشان آنچه

كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ ۝ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝

کسب کردند چیزی را و دفع نگیرد نیز آنکه دوستان گرفته اند جز خدا و ایشانراست عذاب بزرگ

هَذَا هَدًى ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝

این قرآن هدایت است و آنانی که کافر شدند بایات پروردگار خویش ایشانراست عذاب درد آلوده از جنس نفیست خدا

الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِي لَكُمْ فِيهِ بَا مَرَّةً وَتَلْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۝

آنست که سخر کرد بر ماے شما دریا را تا روان شوند شتی با در آن بفرمایند او و تا طلب معیشت کنید از فضل او و

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَسَخَّرَ لَكُمْ فِي السَّهْوِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَنَّةً مَعِينَةً

تا شکر کنید و سخر کرد بر ماے شما آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است بر ما است و از نزد خود

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا وَلِلَّذِينَ

هر آینه درین مقدر نشان است که بفرماید بگو مسلمانانرا که در گذر کنند از آنچه که

لَا يَرْجُونَ أَتَى اللَّهُ لِيَجْزِيَ قَوْمًا نَسَاكَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا

تو بخ روزگاری خدا ندادند و تا سزا دهد خدا اگر چه را از ایشان محسب آنچه می کردند هر که بکند کار شایسته

فَلَنَفْسِهِ ۝ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلِمَ أَنْتَ إِلَىٰ رَبِّكَ تَرْجَعُونَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي

پس بر ما است و هر که بدی کند پس (و باین آن) بر او است باز بسوی پروردگار خویش رجوع کرده خواهد شد و هر آنچه از او می

أَسْرَأَيْلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ وَرَفَقَهُمْ مِنَ الطَّيِّبِ وَقَضَلْنَاهُمْ

اسرائیل را کتاب و دانش مندی و پیغمبری و روزی دادیم ایشان را از نعمت پاکیزه و فضیلت و دادیم ایشان را

عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَآتَيْنَاهُمْ بَيْنَتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ

بر عالمها لغو دادیم ایشانرا آنجهای که واضح و در باب دین پس اختلاف نکرد مگر بعد از آنکه آمد بایشان

لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ

والتشديد في قوله ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه من اختلاف

يُخْتَلَفُونَ ٥ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِّ عِزْمَتٍ مِنَ الْأَقْرَبَاتِ تَتَّبِعُ أَهْوَاءَ

يكونون في اختلافهم ثم جعلناك على شريعتين من الأقربيات تتبع أهواء

الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ٦ إِنَّهُمْ لَنُيْغْوِعَنَّكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ

الذين لا يعلمون انهم لن يغويك من الله شيئا وان الظالمين

بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ٧ هَٰذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى

بعضهم اولى ببعض والله ولي المتقين هذا بصائر للناس وهدى

وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ٨ الَّذِينَ جَاءُوا السِّيَّاتِ أَنْ يُجْعَلَهُمْ

ورحمة لقوم يوقنون الذين جاءوا السيات ان يجعلهم

كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ مِّمَّا هُمْ وَمَا هُمْ بِسَاءٌ مَا يُخْتَلَفُونَ ٩

كالذين آمنوا وعملوا الصالحات سواء مممما هم وما هم بساء ما يختلعون

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ فِي يَوْمِ الْقِيَمَةِ ١٠

ولقد خلق الله السموات والارض في ستة ايام وكان عرشه يوم القيمة

لَا يُظْلَمُونَ ١١ أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ

لا يظلمون افرايت من اتخذ الهه هواه واهله الله على علم وختم

عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشًّا فَمَنْ يُهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا

على سمعه وقلبه وجعل على بصره غشا فم يهديه من بعد الله افلا

تَذْكُرُونَ ١٢ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْدِيكُمُ إِلَّا إِلَهُكُمْ

تذكرون قالوا ما هي الا حياتنا الدنيا نموت ونحيا وما يهديكم الا الهكم

وَالَهُمْ يَذْكُرُ مِنْ ذَلِكَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ هُمُ الْيَظُنُونَ ١٣ وَإِذْ أَنْتَلَّ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا

والههم يذكرو من ذلك من علم انهم الياظنون واذ انتل عليهم اياتنا

يُحْيِيكَ ثُمَّ يُمِيتُكَ ثُمَّ يُجْعَلُكَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ

يحييك ثم يميتك ثم يجعلك الى يوم القيمة لا ريب فيه ولكن

لَسَوْفَ يَكُونُ لِشَرِّ الْأَعْمَارِ حِسَابٌ ١٤ وَكَانَ عَرْشُهُ فِي يَوْمِ الْقِيَمَةِ ١٥

لسوف يكون لشر الاعمار حساب كان عرشه يوم القيمة

على لبي غير از اين
زندگي حياتي است زندگي
در بگيرت و فقط سين
يك جهان است كه
زيتن مادر دن داران
بيل هي آيد همان طور كه
بواسطه باران سبز واز
زمين ميرود و اكر خشك
سالي شد بر چرخ خشك
شده ختم گردد و بخت
انسان نيز بهين طور
است و قتي آيد كه
پيدا ميشود بعد از ان
تا يك وقت سين زنده
مي ماند بالاخر قوتش مانده
اودا ختم ميدهد بهين
سلسله موت و حيات
در دنيا جاري است
بعد از ان پاي نيميت
على لبي زمان نام
ديراست تا بايد داشت
كه ان پاي كاري كرده بني
تواند زير اكر آن حسن
دارند نشود زنده اوده
نابرابر اين مردم چيز
بسي معلوم نيست حال آنكه
تقررت اود دنيا نافذ
جاري است پس چرا
اين مرد خداوند را
تمام كار با بني دانند كه
وجود و متصرف على الاطلاق
بود نش از روي دلائل
نظريه و برابن عقلي و
تقليد ثابت شده است
و زمانه را قوت و تقررت
دادن و شب و روز
كه بايد بگري اود دنيا
اوست بهين معني در
حديث دانموده شده
كه عبارات از الله
است آنرا نبايد خوان
زيرا چون انسان بهر
بيدي گويد بهين نيست
ي گويد كه جودش در
لسوي او منسوب است
حالا كه نامي حوادث

ع اگر چه از
طرف ما به این
نصحت و تفسیر
اتمام جت کوبایی
شد لیکن سر زود و خوش
شمار نکشت یا فر
بصوره کامل جنایت
کار شد و یا از کفر
توبه جزمین به طلب
گرفت شود که از اول
به جنایت کاری آلوده
بودید و در انفات
و ناکر قنار آمد و بیگاه
خیال بخورید که از این
دنیا گای رخت رخت
پرستن و محض خندا
پیش مشن هم است
و اگر گای بد ما شفا
خطور هم کرد دل خود را
باین تصور تسلی دادید
که در شلیک ما در دنیا
مقابل مسلمانان
آزاد استیم در آخرت
هم چنین زود قوت
را خواهیم داشت
سه انسان باید
بیوی او قالی متوجه شود
احسانات و انعامات
او را قدر کند محض بر
بدایات او را نشود
از همه منصرف شد فقط
برای حصول خوشنودی
او قالی فکر کند مقابل
بزرگ و عظمت او همیشه
با اختیار و رضای خود
مطیع و متقارب است
خیال نکرده و سر کشی را
گای بیل خود دنیا در
در حدیث قدسی است
«الکبریار را فی القبر»
از اری قن ناز غنی
و اهل دنیا فتنه
فی النار (کبریا)
چادر من عظمت
از این است بنا بر این
هر کسی که یکی از این
دو چیز با من منازعه

و منازعه کند من را در آتش بربتاب خواهم نمود (۱۱۷)

اَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ

اکثر مردمان نمیدانند و خدا تراست بادی آسمانها و زمین در روزی که قائم شود اکثر مردمان نمیدانند و خدا تراست بادی آسمانها و زمین در روزی که قائم شود

السَّاعَةُ يَوْمَ يَكُونُ النُّجَسُ الْمُبْطَلُونَ ۱ وَ تَرَى كُلَّ اُمَّةٍ جاثيةً فوق كل امة

قیامت آنروز زبان کار شوند و تبار کاران و بیستی بر گرد دیت را بزانو آورده بر گردیده را قیامت در آنروز زبان کار شوند و تبار کاران و بیستی بر فرق را بزانو نشسته بر فرق

تَدْعٰى اِلٰى كَيْفِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۲ هٰذَا كَيْتَبَا يَنْطِقُ عَلَيْكُم

خوانده شود بگوئید تا اعمال او یعنی بر آنکه او را سوال میپرسد گوئیم امروز جزا داده شود شما را بحسب آنچه می کردید گوئیم این کتاب است که از این کتاب ما کو ای می بدید اعمال شما خوانده می شود بگوئید تا اعمال او را از طرف خدا گفته شود امروز جزا داده می شود بحسب آنچه می کردید این است کتاب که از این کتاب ما کو ای می بدید اعمال شما

يَا اَحْقٰبُ اِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِئُكُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۳ فَاَمَّا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحٰتِ

براستی هر آینه ما نمی دانستیم آنچه شما می کردید پس اما آنانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند بخوبی هر آینه ما می دانستیم آنچه شما می کردید پس اما آنانی که ایمان آوردند و کردند کارهای نیک

فِي دَارِ خُلُقِهِمْ رِجْلُهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ۴ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ۵ وَاَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

پس در آید ایشان را پیر و در کار ایشان در رحمت خود اینست فیروزی ظاهر و اما آنانی که کافر شدند پس در آید ایشان را پیر و در کار ایشان در رحمت خود همان است رستگاری آشکار و اما آنانی که کافر شدند

اَقْلَمُ تَكُنْ اِيْتِي تَتْلٰى عَلَيْكُمْ فَاَسْتَكْبِرْتُمْ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ۶ وَاِذَا قِيلَ

ایشانرا گوئیم آیا خوانده می شد بر شما آیات من پس سخر گردید و توم گنهار بودید و چون گفته می شود (گفته میشود برای ایشان) آیات من خوانده میشد بر شما پس سخر می گردید و بودید قوم مجرم و کافر و چون گفته میشود برای شما

اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ ۷ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيْهَا قُلْتُمْ قٰنْ دَرِيْ مَا السَّاعَةُ اِنْ نَّظُنُّ

که وعده خدا راست است و قیامت هیچ شبه نیست در آن گفتید میانه ایم چیست قیامت تصور میکنیم آنرا که وعده خدا راست است و قیامت هیچ شک نیست در آن می گفتید میانه ایم چیست قیامت هیچ تصور نمی کنیم

اَلَا ظَنُّوْا مَا خُنُّ بِمُسْتَقْبَلِيْنَ ۸ وَبِذٰلِكَ نَهَمُّ سَيِّئَاتِ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا

مگر با حال ضعیف و بیستیم ما یقین کننده و ظاهر شد ایشانرا عقوبت باشد آنچه بآنها عمل کرده بودند و گرفت ایشانرا آنچه مگر خیال و بیستیم ما یقین کنندگان و ظاهر شد ایشانرا بدیهای آنچه کرده بودند و متعجب شود بایشان آنچه

كَانُوا بِمُسْتَهْزِءُونَ ۹ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسِفُكُمْ كَمَا نَسَفْنَا لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا

پس استهزای کردند و گفته شود امروز فراموش کنیم شما را چنانکه فراموش کردیم این روز خود را بران استهزای کردند و گفته شود امروز فراموش گذاریم شما را چنانکه فراموش کرده بودیم این روز خود را

وَمَا وُكِّلَ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَّاصِرِينَ ۱۰ ذٰلِكُمْ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰتٰنَا مِنْ اٰيَاتِ اللّٰهِ

و جانهای شما در آتش است و نیست شمار آنچه لغت دهنده این عذاب لبیب است که شما گرفته بودید آیات خدا را و جانهای شما در آتش است و نیست شمار آنچه لغت دهنده این عذاب لبیب است که شما گرفته بودید آیات خدا را

هٰذَا وَخَرْنَاكُمْ الْيَوْمَ الْاٰخِرَ فَاَلَيْسَ الْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَاَلَا هُمْ

و فریفته کرد شما را زندگانی دنیا پس امروز بیرون کرده نشوند از دوزخ و نه از ایشان به مسخره و فریفته کرده بود شما را زندگانی دنیا پس امروز بیرون کرده نشوند از دوزخ و نه از ایشان

يَسْتَعْتَبُونَ ۱۱ فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَ رَبِّ الْاَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱۲

از عبادت ساختن خدا طلب کرده شود پس خدا تراست ستایش پروردگار آسمانها و پروردگار زمین پروردگار عالمها طلب میشود (و عذر) گوئیم پس مرا خدا تراست حمد که پروردگار آسمانها و پروردگار زمین پروردگار عالمها است

وَلَهُ الْكِبْرِيَاۤءُ فِي السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۳

و او را است بزرگی در آسمانها و زمین و او است غالب با حکمت و تنها او را است بزرگی در آسمانها و زمین و او است غالب با حکمت سه

سورة الاحقاف مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ثَلَاثُونَ آيَةً

بسم خداست بخشنده مهربان
آغاز می کنم بنام هدایتگر بے اندازه مهربان نهایت یارم است

حَمْدٌ تَذِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

فرو فرستادن کتاب از جانب خداست غالب یا حکمت مست
فرو فرستادن کتاب است از طرف الله غالب یا حکمت

مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَالْبَيْنَينَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ

نیافریدیم آسمانها و زمین و آنچه در میان هر دوست مگر به تدبیر درست و بپایان رسیده و آنچه
نیافریدیم آسمانها و زمین را و آنچه در میان آنهاست مگر بحکمت و بمقدیر معیاد معین و آنچه

كُفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا وَأَعْرَضُوا عَنْهُ قُلْ أَسْرَيْتُمْ أَنْتُمْ نَفْسَكُمْ مِنْ دُونِ

لایا فرشتند از آنچه ترسانیده شده ایشان را و گردانیدند بگو آید بید آنچه می پندارید
لایا فرشتند از آنچه ترسانید و فرستادند اعراض کنندگان اند بگو بگریه آنچه می پندارید

اللَّهُ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَيْتُونِي

خدا بنمایید مرا چه چیز آفریده اند از زمین یا ایشان را شریکت در آسمانها بسیارید بمن
الله بنماید مرا چه چیز آفریده اند از زمین یا ایشان راست میفرستد در آسمانها بسیارید بمن

بِكُتُبٍ مِّنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَمَنْ

کتابه که آمده باشد پیش ازین یا بقیه از علم اگر هستید راست میگویند
کتابی که قبل ازین (قرآن) است یا بقیه از علم (پیغمبران) اگر هستید راست میگویند

أَضَلُّ قَوْمٍ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

لراه تر از سبک بخواند و بجز خدا چیزی را قبول نکند خواندش ندارد در قیامت
لراه تر از سبک بخواند و بجز الله آنرا که اجابت نکند (خواندن) او را تا روز قیامت

وَهُمْ عَنْ دَعْوَاهُمْ غَفُلُونَ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا

و این معبودان باطل از خواندن ایشان غافل اند و چون جمع کرده شوند مردمان معبودان ایشان را دشمنی و باشند
و ایشان از خواندن ایشان بے خبران اند و چون جمع کرده شوند مردمان معبودان ایشان را دشمنان و باشند

بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ وَإِذْ أَنذَرْتَهُمْ إِيَّانَا يَنْبِئُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

عبادت ایشانرا منکر و چون خوانده شود بر ایشان آیت مادی آمد گویند این کافران
عبادت ایشانرا منکران و چون خوانده شود بر ایشان آیت مادی آشکارا گویند آنان را که کافر شدند (به نسبت)

لِلْحَقِّ لَنَجْآءَهُمْ هَذَا بِحُرْمَتَيْنِ ۖ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ

حق درست را بچون بیاید بدیشان این سحر ظاهر است بلکه میگویند بر بسته است آنرا بیغایب مگر
سخن حق (قرآن) مجرودی که آمد بایشان این جادوی ظاهر است (بلکه) آیه ای گویند که اقتراره است آنرا (محمد) بگو اگر

افْتَرَيْتَ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفْقِضُونَ فِيهِ

بر بسته ام آنرا پس نمی توانید شما برای من از الله چیزی را خدا دانای ترست بفرستد شما در قرآن
انرا کرده باشم آنرا پس نمی توانید برای من از الله چیزی را خدا دانای تر است بخوانی که فرو میرود در آن

كُفْرِهِ شَهِيدًا لِّبَنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا

بسم خدا اظهار حق کننده در میان من و در میان شما و دوست آمرزگار مهربان بگو نیست من
کافی گواه است الله میان من و میان شما و دوست آمرزگار مهربان بگو نیست من

مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَيْتُمُ الْآمِیُوتَ

از پیغمبران و نمیدانم چه کرده خواهد شد با من و با شما یعنی در دنیا پیروی نمی کنم الا آنچه وحی فرستاده میشود
و نمیدانم (بطور تفصیل) چه کرده خواهد شد با من و شما می دانم چه کرده میشود (بنمایند) پیروی نمی کنم مگر آنرا که وحی کرده میشود

اگر در دعای شریک خود راست هستی از کدام کتاب آسمانی سندی بیاد داری یا چنان اصول علی ثابت کنی که نزد عقلاء و ائمه مسلم باقی ماند باشد چیزی که دلیل نقلی یا عقلی ندارد آن چیز محکوم بر کفر خواهد شد و چه گمراهی و حاقق بزرگ تر ازین فعل خواهد بود که از خدا منصرف شد و چنان مخلوق بیجان و بایسته اختیاری را حاجت ردای خویش قرار دهد که با اختیار مستقل خود به فریاد کسی رسیده میتواند بلکه این هم ضروریست که آنها از خواندن کسی اهل بیت آگاهی داشته باشند قطع نظر از جان سنگی که چگونه اختیار رے ندارد حتی فرشتگان و پیغمبران هم که قدرت وادارند بر چیز را بشنوند و یا کاری را اجرا کنند معذرت تنها با حق را شنیده و همان کاری را اجرا کرده می توانند که از طرف الهی اجازه و قدرت آن بایشان اعطای شده باشد چون در محشر به امداد اعانت میشود حاجت می افتد این معبودان بپناه بر پرستندگان بجا آمده که می توانند کاری بطور دشمن و متغایر آنها را بشناسد و می تواند و نیز برای زیاده و در اظهار خواهند کرد بلکه این ازین اندازه اظهار خواهد نمود که سنا خوانا یا تابعی و نافرست

روایات این مردم هرگز را نمی پندارند اکنون بسجده در آن وقت یا چه حسرت وندامت و چار میشود ؟

حکم در آن زمان
 مشرکان جاہل عرب
 بعلم و عقل بنی اسرائیل
 عقیده داشتند چون
 صیت شهرت نبوت
 آنحضرت صلی اللہ علیہ
 وسلم بلند شد مشرکین
 خواستند نظریه
 علای بنی اسرائیل
 را درین باره معلوم
 کنند غرض حقیقی این
 این بود که آن مردم
 را کذب غایتنا برای
 شان و بیلی بدست
 آید که بگوید این علم
 اهل کتاب هم سخنان
 او را کذب می کنند
 مشرکین درین مقصد
 پیشه تا کام
 خدای تعالی از زبان
 بنی اسرائیل تصدیق
 نمایند آنحضرت صلی
 اللہ علیہ وسلم را خود
 قطعه بهین عقیده
 مردم هم مانند
 تورات را کتاب آسمانی
 دانست آنحضرت صلی
 اللہ علیہ وسلم حضرت موسی
 را پیغمبری گفتند بدین
 طریق و حق رسالت
 از طرف آنحضرت
 و حق قرآن که کم چیز
 جدید و غریب نیست
 بلکه باین طریق بعضی
 علما یهود صحیح اقوال
 کردند و گواهی دادند که
 بدون شک و شبهه در
 کتاب بانی از ظهور
 یک رسول عظیم الشان
 از ملک عرب و کتاب
 او خبر داده شده و این
 رسول همان رسول موعود
 است و این کتاب
 هم چنان است که
 در آن باره خبر داده شده
 بود این شهادت های
 علما یهود در حقیقت بران

إِلَى وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

بسیار است من و بیستم من مگر ترسانند آشکار بجوایا دیدید اگر باشد قرآن از نزد یک خدا و

صلی بر محمد و آل محمد
از جن پیش آنحضرت
صلی الله علیه و سلم آمدند
و آنحضرت مسلم را آغوش
خاز فرمود و در بطن محکم
قرآن استماع کردند
چون بازگشتند قوم خود را
انذار نمودند اشارت
باین قصه است در این

آیات ۱۲ - تفسیر عثمان

عیش از بعثت
محمدی چیزی از اخبار
آسمانی به جلیان معلوم
می شد از وقتیکه نزول
و بی آنحضرت شروع
شد آن سلسله تقریباً
مسدود گشت و زدن
جلیان بدربار شهب
بکثرت آغاز یافت
آنها خیال کردند که هر
یقیناً و اقرباً بی
بظهور رسیده که
در آثار آن خبر بانی
آسمانی زیر حفاظت
و نگهبانان آن قرار
گرفته شده گروهی بای
ستعداد جلیان بغرض جتو
و تفحص در مشرق و
مغرب دنیا پراکنده شدند
از جمله تجاوز جاعلی
به بلطن حمله اتفاق
افتاد در آن وقت
تصافاً آنحضرت م
باجند صحابی خود نماز فرمود
می خواند الله تعالی روح
آن جمعیت جنات را
برای استماع قرآن
بدین طرف منعطف
فرموده و آن قرآن بگوش
آنها شنیدند عجیب مؤثره
و دلکش شنیدند و عظمت
و هیبت آن دلها را
آنها را فرا گرفت یک
دیگر را گفتند که خدای
ما چه دینی است که این
خام پاک را بشنودیم

فَلَمَّا رَاَهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالَ لَئِنْ هَذَا عَارِضٌ مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ

پس چون دیدند آن عقیبت را بصورتی که بر سر رود آمده میماند آنها را گفتند این امریست باراننده بر ما
پس چون دیدند آن عذاب و خود را بصورتی که بر روی آورده بود او بهای ایشان گفتند این امریست باراننده بر ما

بَلْ هُوَ آسَافٌ مِّثْلُ بَرِّهِمْ فَلَمَّا أَتَاهَا ذُكِّرَتْ بِهَا رَبُّنَا لَعْنَتُهُمْ وَأَسَدُّ الْأَبْصَارِ

بلکه حقیقت آن امر چیز نیست که شتاب طلب کرده اند و آنرا با و نیست و عقیبت در دهنده است بر جمیع مردم چیز را فرمان
گفت بود چنین نیست بلکه این آن عذابی است که بشتاب می طلبید آنرا با و نیست که در آن عذابی است در دهنده است بر جمیع مردم چیز را فرمان

رَبُّهَا فَاصْبِرْ لَا يَصْبِرُ إِلَّا الْأَمْسَكُ كَذَلِكَ نُجْزِي الْقَوْمَ الْجَارِمِينَ

پروردگار تو صبر پیش گشته باین صفت که دیده می شد بجز خاندانهای ایشان هم چنین جز امید بهم گروه گناه گاران را
پروردگار تو صبر پیش گشته بدیده می شد بجز خاندانهای ایشان هم چنین جز امید بهم گروه گناه گاران را

وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِي الْمَدِينَةِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ سَعَاءَ وَابْصَارًا

و هر آینه چنانچه در مدینه بودیم قوم عا در آنرا چنانچه چانداده ایم شمارا در آن و ساخته بودیم بر آن قوم عا دگوش و چشم با
و هر آینه چنانچه در مدینه بودیم قوم عا در آنرا چنانچه چانداده ایم شمارا در آن و ساخته بودیم بر آن قوم عا دگوش و چشم با

أَفْدَاكَ عَنْهُمْ فَأَصْنَعْ لَهُمْ سَعَاءَ وَابْصَارًا

دل با پس دفع نکرد از ایشان گوش ایشان و نه چشمهای ایشان و نه دل با پس دفع نکرد از ایشان گوش ایشان و نه چشمهای ایشان

شَيْءٌ إِذْ كَانُوا يَمْجَدُونَ بِأَيْتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا يَبْهَمُونَ

چیز را از بزرگ انگاری می کردند به نشانههای خدا و فرا گرفت بایشان آنچه بآنها
از سببی که انگاری می کردند از سخنان خدا و منکس شد بایشان آنچه بآنها

يَسْتَمِرُّونَ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حولَ كُم مِّنَ الْقَرْيِ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ

استمرار می کردند و هر آینه پلاک کردیم آنچه حوالی شماست از دیه با
استمرار می کردند و هر آینه پلاک کردیم آنچه گرد گرد شماست قریه با و دور دادیم آیات گوناگون را

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ فَوَلَا تَصْرَفْهُمْ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ

بود که ایشان باز گردند پس چرا نصرت ندادند ایشان را آنانکه معبودی گرفتند بجز خدا
شاید که ایشان باز گردند (از کفر) پس چرا مدد نکردند ایشان را آنان که گرفته بودند آنان را بجز خدا معبودان

فَرِيكَا الْهَيْهَاتَ طَبْلٌ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ أَفْكَهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

فرب خدا یو یایان بلکه گم شدند از لفظ ایشان و همین سمت در دوع ایشان و آنچه بر می یافتند و
از برای آنکه قرب به خدا (چنین نیست) بلکه گم شدند از ایشان و همین است (اثر) در دوع ایشان و آنچه بر می یافتند (در دوع بر خدا)

وَإِذْ صَرَّفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ

و یاد کن چون متوجه ما هستیم بیوسه تو جاعلی را از جن می شنیدند قرآن پس چون حاضر شدند پیش پیغمبر
(و یاد کن) چون متوجه ما هستیم بیوسه تو جاعلی را از جن می شنیدند قرآن پس چون حاضر شدند نزد تو و

قَالُوا انصتوا فليأقضي ولو إلى قومهم منذرين

بایکدیگر گفتند خاموش باشید پس چون تمام کرده شد باز گشتند بسوی قوم خود باین که گفتند اسے قوم ما
گفتند (بایکدیگر) خاموش باشید تا بشنویم پس چون تمام کرده شد (از قرآن) باز گشتند بسوی قوم خود باین که گفتند اسے قوم ما

فَاسْمِعْنَا كُنَّا أَتَرَلْ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

هر آینه ما شنیدیم کتابی که فرود آورده شد بعد از موسی باور دارانده آنچه پیش از او بود راه می نماید
(هر آینه) ما شنیدیم کتابی که فرود آورده شد بعد از موسی باور دارانده آنچه پیش از او بود (راه می نماید)

إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ يَقُومُنَا حَيُّوَادِ عِیَ اللَّهِ

بیوسه حق و دیوسه راه راست اسے قوم ما قبول کنید سخن دعوت کنند بسوی خدا
اسے قوم ما اجابت کنید و طاعت کنند انقدر را

فل یجئ جئک فتن
شود اعیلاج بسارح
نماند الله اعلم ۱۲

تفسیر عثمانی

ع خدا قدرت دارد
که برین کافران عذاب
آسان بفرستد و باشد
«عاد» و «ثمود» آنها را
پاک کند لیکن منظور خدا
از شروع نمودن جهنم

و قتال این بلاست

که بدگان را منع

استحسان کند او

میخواهد ببیند که چه

مسلمان برای

نثار کردن جان

مال خود در مقابل نام

خدا آماده هستند و از

بین کفار چند نفر ازین

پیش آمد با تقید و میدار

میفرستد و ازین مصلحتی که

الله تعالی بایشان

داده است فائده می

بردند ازین سبب

مانند قوههای سابق

آنها را یکدم نمی گردد

مستاصل نمی کنند حال

بهشتی که از زبان انبیاء

علیهم السلام و در جلدان

میج خودشان بایشان

معرفی و معلوم شده بود

دران داخل کرده بودند

چون در آنجا رسند هر

بهشتی نشین خود را

خود بخود خواهند شناخت

و لش بهان طرف

که جای رایش

اوست پس می کند

(تفسیر ابن عباس)

«عزیز الله» را معنی

الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ

کافران پیروی نادرست کردند و مؤمنان پیروی دین راست کردند که از جانب

د (محقق) آتاکه ایمان آورند پیروی کردند حق را که از طرف

بپروردگار ایشانست همچنین بیان می کند خدا برای مردمان داستانهای ایشان را پس چون مصاف کنند با

بپروردگار ایشان است هم چنین بیان می کند الله برای مردمان احوال ایشان را پس یون مخبل (ملاطانی) متوید

كُفَرُوا فَضْرَبَ الرِّقَابُ حَتَّى إِذَا أَتَتْهُمُ وَهُمْ فَتَنُ وَالْوَثَاقُ فَمَا مَنَّا

کافران پس میزدند گردن باردا تا و تفتیک خونریزی بسیار کردید در ایشان پس محکم کنید قدرت را پس یا احسان خلاص کردن

با کافران پس بزرگ کردن بانی ایشان را تا چون بسیار کشید ایشان را (و امیر گرفتید) پس مضبوط کنید قدرت را پس یا

بَعْدُ وَامَّا فِدَاءُ حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهُمْ ذَلِكَ وَلَوْ كَشَاءَ اللَّهُ

بعد ازین و یا ما می بوض گرفتیم تا آنکه بنهد جنگ سلاح خود را دل نیست علم و اگر خواسته خدا

بعد ازین و یا ما و منه کنید تا آنکه بنهد جنگ سلاح خود را علم این است و اگر میخواست الله

لَا تَصْرَفْنَهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُو أَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ

خود اتقام کشیده از ایشان و لیکن میبخواهد امتحان کند بعضی شما را یا بعضی و آنانکه کشته شدند در راه

خود اتقام میکنند از ایشان و لیکن میخواهد که امتحان کند بعضی شما را بعضی و آنانکه کشته شدند در راه

اللَّهُ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ سَيَهْدِيَهُمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ هُوَ يَدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ

خدا پس خط نخواهد کرد عمل ایشان را راه خواهد نمود ایشان را و نیک خواهد کرد حال ایشان را و خواهد در آید ایشان را بهشت

الله پس هرگز ضلالت نخواهد کرد عمل بای ایشان را و از روی راه نماند ایشان را و اصلاح کند حال ایشان را و در آید ایشان را بهشت

عَرَفْتُمْ هَآلَهُمْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ

که شناسا کرده است ایشان را با این اے مسلمانان اگر نصرت دهید دین خدا را نصرت دهد خدا شما را و ثبات کند

که معلوم گردانیده آنرا برای ایشان اے مؤمنان اگر نصرت دهید الله را نصرت دهد شما را و ثبات کند

أَقْدَامَكُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَنْفَسُوا لَهُمْ وَاضِلْ أَعْمَالَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ

قدم بانی شما را و آنانکه کافرانند پس برون افتاده بپایک است برای ایشان و ضلالت کرد الله اعمال ایشان را این بسبب آنست که ایشان

قدم بای شما را و آنانکه کافرانند پس برون افتاده بپایک است برای ایشان و ضلالت کرد الله اعمال ایشان را این بسبب آنست که ایشان

كُفَرُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَاحْبِطْ أَعْمَالَهُمْ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

نابیند کردند چیزه را که فرو آورده است خدا پس حبط کرد خدا عمل ایشان را و آسایش نکرده اند در زمین تا بنظرند

نه پس بنده بنده چیزی را که فرو فرستاده است الله پس ضایع کرد اعمال ایشان را و آسایش نکرده اند در زمین تا بنظرند

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ذَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ذُلًا لِكُفْرِي

چگونه بود انجام آنانکه پیش از ایشان بودند برهم زد خدا بر ایشان و کافران را میبزد

که چگونه بود عاقبت آنانکه پیش از ایشان بودند (بلکه رفتند و دیدند) از هیچ کن الله ایشان را و برای کافران است

أَمْثَلُكُمْ هَآذَا ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ

مانند این عقوبت اے این بسبب آنست که خدا کار ساز مسلمانانست و بسبب آنست که کافران نیست هیچ مددگار ایشان را

مانند آن عقوبت اے این بسبب آنست که الله مدد کار مؤمنان است و بسبب آنست که کافران نیست هیچ مددگار ایشان را

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

هر آینه خدا در آرد آنرا که ایمان آورده اند و کارهای نیک است کرده اند به بوسه ستاها میبرد زیر آل

بر آینه الله میدارد آنان را که ایمان آورده اند و کردند کارهای نیک به جنت با میگرد میرود زیر درختان آنان

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ

جویبار و آنانکه کافرانند بهره میگیرند و میخورند چنانکه میخورند چهارپایان

جویبار و آنانکه کافرانند بهره میگیرند و میخورند چنانکه میخورند چهارپایان

چگونه درین جهان زبیل و رسوا شدند و محبوبه ای آنها چندان بجاک برآید که شد آریاب کافران امروزی بجز سزا بدارده نمی شود ۱۳

وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ ۚ وَكَانَ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَةٍ تَرَكُوا

داش جانے ایشان است و بسیار از دیر کوی تر بود از دیر تو
و آتش ملن ایشان است و بی از (ایل) قریه که آن قوی تر بود از ایل قریه تو

الْبَقِیَّ أَخْرَجْنَاكَ أَهْلَکُمْ فَلَا تَنَاصِرُ لَهُمْ ۚ أَفَسِنَّ کَانَ عَلٰی بَیِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ

که جلا وطن کرد ترا بپاک ساختیم ایشان را پس نیست هیچ نصرت دهنده برائے ایشان آیا هر که باشد بر طریق روشن از
که بیرون کرد ترا بپاک ساختیم ایشان را پس نیست هیچ مددگار برای ایشان آیا هر که باشد بر راه روشن از

رَبِّهِ کَسَنَ زُیْنٌ لَهُ سُوءٌ عَمَلُهُ ۚ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۚ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِیْ

پیر در کار خویش مانند آن کس است که آراسته کرده شد در کارهای پاک و آراسته اند آن که پیردی کرد و خواستش خود را صفت پیشینه که
پیر در کار خود مانند کسی است که زینت داده شد برای او عمل بد و پیردی کرد و خواستش بآن خود را صفت بهشتی که

وَعَدَ الْمُتَّقُونَ ۚ فِیْهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَّاءٍ غَیْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَّمْ یَتَغَیَّرْ

و عده داده شد متقیان را اینست در آن بهشت جوهرهاست از آب که بدیر ماندگی متغیر نشده و جوهرهاست از شیر که مزه او
و عده داده شده به متقیان (این است) در آن جوهرهاست از آب که بدیر ماندگی متغیر نشده و جوهرهاست از شیر که مزه او

طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِیْنَ ۚ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّیٍّ وَلَهُمْ

برند گشت و جوهرهاست از می که لذت دهنده آشامیدن گاه را و جوهرهاست از شکر که عذوق شده و ایشان است
مزه او و جوهرهاست از شراب خوشگوار برای آشامندگان و جوهرهاست از شهد عذوق کرده شده ایشان است

فِیْهَا مِنْ کُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ ۚ کَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِی

آنجا هر جنس میوه با ایشان راست آمرزش از
در آن از هر جنس میوه و آمرزش از پیر در کار ایشان (آیا ایل بهشت) مانند آنست که همیشه باشد در

النَّارِ وَسُقُومَاءٌ حَیْمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءُهُمْ ۚ وَمِنْهُمْ مَنْ یَسْتَعْرِضُ لِبَیْکَ

آتش و نوشانیده شوند آب گرم پس پاره پاره ساخت رود بآن ایشان را و از مردمان است که گوش می بیند بپیکر
آتش نوشانیده میشوند آب گرم پس پاره پاره می کنند و ده بای ایشان را و بعضی ایشان آن است که گوش می بیند بپیکر

حَتّٰی إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِکَ قَالُوا لِلَّذِیْنَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ

تا دهنده که بیرون روند از نزد تو گویند یا آنانکه عطا کرده شد ایشان را علم چه چیز گفت پیشین
تا چون بیرون روند از نزد تو گویند به آنانکه داده شده آنها را علم چه گفت آنجا

أَنفَاقُ أُولَئِکَ الذِّیْنَ طَبَعَ اللَّهُ عَلٰی قُلُوبِهِمْ ۚ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۚ

الحال آن جماعه آنانست که مهر نهاده است خدا بر دل ایشان و پیروی کردند خواستش نفس خود را
اکنون آن جماعه آنانند که مهر نهاده است الله بر دل بای ایشان و پیروی کردند خواستش بای خود را

وَالَّذِیْنَ أَهْتَدُوا وَازَادَهُمْ هُدًی وَاتَّبَعُوا تَقْوَاهُمْ ۚ فَهَلْ یَنْظُرُونَ

و آنانکه راه یاب شدند زیاده کرد خدا ایشانرا هدایت و عطف کرد بدیشان تقوی ایشان را شکر میکنند
و آنانکه راه یافتند زیاده کرد خدا ایشانرا هدایت و داد بدیشان تقوی ایشان را پس انتظار نمی برند

إِلَّا السَّاعَةَ ۚ أَنْ تَأْتِیَهُمْ بَغْتَةً ۚ فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا ۚ فَأَنّٰی لَهُمْ إِذَا

مگر قیامت را که بیاید بدیشان ناگهان پس برآینده است علامات قیامت پس از کجا بماند برائے ایشان پس از کجا بماند
مگر قیامت را که بیاید بدیشان ناگهان پس هر آینه آمده است علامات آن پس کجا باشد برای ایشان چون

جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ ۚ فَأَعْلَمُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۚ وَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ ۚ

بیاید قیامت ایشان پس یقین کن که نیست هیچ معبود مگر خدا و آمرزش طلب کن برائے گناهان خود و
بیاید قیامت ایشان پس در گشتن ایشان به پس ثابت باش باین اعتقاد که نیست معبود مگر الله و آمرزش بخوان

لِلَّذِیْنَ آمَنُوا وَالَّذِیْنَ هُمْ یَعْلَمُونَ ۚ وَیَقُولُ

در حق مردان مسلمان و زنان مسلمان و خدا می داند چه است و چه است مانند شما و می گویند
و برای مردان مومن و زنان مومن و الله میداند باز گشت شمارا و مسکن شمارا و می گویند

ولا تترحموا علی الذین انجنا
تا آخر سوره در باب جنید
مردم ضعیف الایمان نزل
شد ۱۲ فصل حاصل این
آیات ۳۴ آن شخص
است که بر مجلس علم در
آید بغیر تحقیق آن
نرسد بسبب بوم بود
نفس بر دل او حجاب
استفسار دیگران کرد
و تخویف است بقی
مثل این شخص را الله
اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
یعنی نصاح قرآن
مثال بآنچه در کتاب
گذشته و عده و وعید
جنت و دوزخ همه را
شدند اکنون برای
باور کردن انتظار کدام
وقت را در انداز همان
ساعتی را انتظار دارند
که قیامت قائم شود و چند
علامات قیامت بظواهر
شده است و تفصیل
در رسد موقع تحصیل
فهم دانش و باور کردن
برای آنها کجا باقی ماند
یعنی فهمیدن و باور کردن
آنوقت بکار نمی آید زیرا
که نجات به آن مرتب
نی شود حضرت شاه
عناح بن موسی نوید
علامه بزرگ قیامت
بعثت نبی است همه
انبیاء انتظار بعثت
قائم النبیین را اشتند
چون او مبعوث شد
(مقصود و تخیل عالم
حاصل گشت انزین
فقط قیامت قیامت
باقی است در حدیث
آمده که نبی کریم بسوی
انگشت شهادت
و انگشت وسطی اشاره
کرده فرمود انما الساعة
لها فقیه من و قیامت مانند این دو انگشت استیم گویان از قیامت این قدر پیش برآمده ام که انگشت وسطی از انگشت شهادت پیش برآمده است و در شرح صحیح مسلم تفصیل آن داده است و درین

فل یعنی منافقان

یا بعد از ۱۲۰۰

ظلمت نفاق بر روی

ایشان بود ای شد

والله اعلم ۱۲

تفسیر عثمان

ع حضرت شاه

صاحب (رحم الله)

مینویسد یعنی ازین

به تنگ آمده آردی

جهاد می کنی و اگر خدا

حزب شمار غالب

کنی فدا بر باری نمایی

(تنبیه) مترجم محقق

قدس الله سره ترجمه

«تولیم» را به حکومت

ناکش شد به کرده است

چنانکه رانی بسیاری

مفسرین چنین است

علمای دیگر «تولی»

را بمعنی اعراض گرفته

چنین مطلبی گیرند

اگر شمار جهاد در راه

الله تعالی اعراض کنید

ظاهر است که در دنیا

امن و العاف تا کم

نمی شود چون در دنیا

امن و العاف باقی

نماند ظاهر است که

فدا و فدائی و حق

ناشناسی برود

کاری آید و بعضی چنان

تفسیر کرده اند که اگر شما

از ایمان آردن اعراض

کردید کیفیت رسد

جاهلیت خود می کنند

یعنی خرابی با دلی نمی یاب

و فدا می کرد در انصاف

وقت بود و بر

سخنان ادنی

و جزئی روابط

و خویشاوندی منقطع

میگشت تمام نقش باقی

با دیگران نام میبود و اگر

خطاب آیت مخصوص

منافقین باشد

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَا تَزَلِ سُورَةٌ فَرَأَىٰ سُورَةَ مُحْكَمَةٍ وَذَكَرَ فِيهَا

سماکان چو افزو فرستاده نشد سورتی پس چون فرستاده شود سورتی

مؤمنان چرا فرود فرستاده نشد سورتی پس چون فرستاده شود سورتی

الْقِتَالِ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُنْظَرُونَ إِلَيْكَ نَظْرَ

قتال به بینی آنان را که در دل ایشان مرض و شک نفاق است می بینند بسوی تو مانند نظر کردن کسی که

جنگ می بینی آنان را که در دل ایشان مرض و شک نفاق است می بینند بسوی تو مانند نظر کردن کسی که

الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا

او را بپوشیده از مرگ باشد بسبب حضور موت پس و آنست ایشان را حال ایشان بحسب ظاهر فراموشی است و سخن میگویند

بپوشیده از مرگ باشد بسبب حضور موت پس و آنست ایشان را حال ایشان بحسب ظاهر فراموشی است و سخن میگویند

عَزَمُوا الْأَمْرَ فَوَصَّدَ قَوْلُ اللَّهِ لَكَ خَيْرٌ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ

مهم شود کار اگر عزم خود را است کردند به با خدا بهتر بودست بر آنست ایشان پس اسے ضعیف ایمان اگر متولی

مؤکد شود کار پس اگر است کردند به با خدا بهتر بودست بر آنست ایشان پس اسے ضعیف ایمان اگر متولی

تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

اوه مردمان متولید البتة نزدیک اید از انکه تباہ کاری کنید در زمین و قطع قبیلہ داری نمائید این جماعه آنانند

داده شود شمار آنان فساد کنید در زمین و قطع کنید رشتہ داری بای خود را (آری) اسے آن جماعه آنان اند

لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَاصْبِرْ لَهُمْ وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قُلْ أَتَدْعُونَ الْبَرِّ

که لعنت کرد ایشان را خدا پس که ساخت ایشان را و کور کرد چشمهای ایشان را آیا تا بل نمی کنند در قرآن

که لعنت کرد ایشان را الله پس که ساخت ایشان را و کور کرد چشمهای ایشان را آیا تا بل نمی کنند در قرآن

أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ

یا بر دل با قفل آن دلهاست بر آئینه آنانکه برگشتند بر جانب پشت خویش پس از آن که

یا بر دلها یا ایشان قفلهاست بر آئینه آنانکه برگشتند بر پشت بای خود پس از آنکه

مَا تَكُنْ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَهُمْ ذَلِكَ يَأْتِيهِمْ قَوْلُ

ظاهر شد ایشان را راه هدایت شیطان آراسته کرده است بر آنست ایشان مهلت داده است ایشانرا تا بهر لبیب آلت ایشان

ظاهر شد ایشان را راه هدایت شیطان آراسته کرده است بر آنست ایشان مهلت داده است ایشانرا تا بهر لبیب آلت ایشان

لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَا تَزَلِ اللَّهُ سَبْطَ جَعَلَكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ

یا آنکه ناپسند کرده اند چیزی را که خدا فرستاده است و فراموش داری شما خویش را که در بعض کارهای و خدا

بر آتانی که ناپسندیدند چیزی را که فرود فرستاد الله که فراموش داری شما خویش را که در بعض کارها و الله

يَعْلَمُ أَسْرَارَهُمْ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ

میدانند سخن پنهان گفتن ایشان را پس چگونه باشد حال وقتی که قبض روح ایشان کنند فرشتگان میزنند رویهای ایشان

میدانند را از گفتن ایشان را پس چه حال که باشد چون قبض کنند ارواح ایشان فرشتگان در حالیکه میزنند رویهای ایشان را

وَادِّبَارَهُمْ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا اسْتَحْطُوا وَكَرَهُوا بِضُغْطِ اللَّهِ

و پشتمانی ایشان را این عقوبت بسبب آنست که ایشان پیروی چیزه کردند که حشمت او را پسندیدند و ناپسندیدند و ناپسندیدند و ناپسندیدند

و پشتمانی ایشان را این بسبب آنست که پیروی کردند چیزه را که حشمت او را پسندیدند و ناپسندیدند و ناپسندیدند و ناپسندیدند

أَعْمَالَهُمْ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَهُ اللَّهُ

اعمال ایشان را آیا پسندارشته اند آنانکه در دل بانی ایشان بیماری است که ظاهر سخنانند کرد خدا

علمای ایشان را آیا پسندارشته اند آنانکه در دلها یا ایشان مرض است که ظاهر سخنانند الله

أَصْغَاءَهُمْ وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَاعْرِفْهُمْ بِلِسَانِهِمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ

اینهاست ایشان را و اگر میخواهیم می نمودیم ایشان را بگو پس می شناسی ایشان را به قیافه ایشان و الله ایشانرا می شناسد

کنند بانی ایشان را و اگر میخواهیم می نمودیم ایشان را را (میگویند) پس البتة شناسایی ایشانرا به علامات ایشانرا می نمودیم

چنین مطلب هم گرفته می شود که اگر جهاد اعراض کنید از شما این توقع کرده میشود که از مشرکات بای منافقان خود در زمین خرابی بر پا میگرداند و از مسلمانان

چنین مطلب هم گرفته می شود که اگر جهاد اعراض کنید از شما این توقع کرده میشود که از مشرکات بای منافقان خود در زمین خرابی بر پا میگرداند و از مسلمانان

فِي كُنْهِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ۝ وَلَسَبُّوْكُمْ حَتَّىٰ تَعْلَمَ

در اسلوب سخن و خدا میداند کردارهای شما را و البته امتحان کنید شما را تا بشناسیم

الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّادِقِينَ وَنَبِّئُوا الْخَبَرَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

مجاهدان را از شما و صابران را و بیاورم احوال شما را هر آینه آنان که کافر شدند

وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَقَّ قَوْلُ الرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ

و بازداشتند از راه خدا و مخالفت کردند با پیغمبر بعد از آنکه واضح شد ایشانرا

لَهْدَىٰ كُنْ يَضُرُّوهُ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

راه هدایت هیچ زیان نرساند خدا را و خدا شاهد است بر هر چیزی و ای کسانی که ایمان

آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ ۝ إِنَّ

مسلمانان فرمان برید خدا را و فرمان برید پیغمبر را و باطل کنید عمل های خود را و هر آینه

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَا تَوَاوَهُمْ كَفَرًا فَلَنْ

آنان که کافر شدند و بازداشتند از راه خدا بازگردند و ایشان کافر بودند پس هرگز

يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ۝ فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ ۝ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ ۝

خداوند آمرزد خدا ایشان را پس سستی کنید و بوسه دهید و شما را غالب و شما را از ایشان

وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَفْزِقَكُمْ أَعْمَالَكُمْ ۝ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ ۝

و خدا با شماست و منافق نخواهد ساخت عمل های شما جز این نیست که زندگی دنیای بازی است و

لَهُمْ وَإِنْ تَوَمَّنُوا وَيَتَّقُوا يَوْمَ تُجْزَىٰ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلُكُمْ أَمْوَالَكُمْ ۝

بهبود نیست و اگر ایمان آرید و بپرهیز گاری کنید بدید شما را از شما ندانند طلبه از شما مال شما را و

لَنْ يَسْأَلَ كُومًا فِي حِفْظِكُمْ تَبْخُلُوا وَيُخْرِجْ أَصْنَافَكُمْ ۝ هَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدِلُونَ

آنها را از شما مال شما را پس مبالغه کنید در خوشامتنی بخل می کنید و پرهیز گاری کنید و پرهیز گاری کنید

تَدْعُونَ لِنَفْسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ

که خوانده میشود شما را تا خرج کنید در راه خدا پس از شما کسی است که بخل می کند و هر که بخل کند

فَأَنْتُمْ يَبْخُلُونَ عَنْ نَفْسِكُمْ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ ۝ وَإِنْ

پس جز این نیست که بخل می کنید از خود و خدا تو غنی است و شما محتاجید و اگر

تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أُمَّتَ الْكُومِ ۝

روگردان شوید بدل گردد گروه دیگر از شما باز نشاندند آنجا که مانند شما

روگردان شوید بدل گردد قومی را غیر از شما پس نباشند مانند شما

و لایق بار خدا و دریا
و سمع ۱۲ و لایق جمع
مال ۱۳ و لایق
منفعت اتفاق از خود
باز میدارد ۱۴ و لایق
گوید آنحضرت صلی الله
علیه وسلم خواب دیدند
گویا آنحضرت با اصحاب
در یک داخل شدند و
باطنیان خاطر حلق و
قصر مشغول اندیشیدن
سال بقصد مدینه متوجه
کعبه شدند و چون بخانه
رسیدند کفایتش از
وصول بکعبه مانع آمدند
و بعد تشویش بسیار یافتند
صلح کرده بغیر از وصول
بکعبه بازگشتند خدایتعالی
آن عمل را از ایشان
قبول فرمود و از آن جهت
که در آنجا نشانی توفیق
بجهت تائید نزول آنحضرت
صلی الله علیه و سلم کرده
بودند را ضعیف شد خواب
آن عمل قوت بسیار
تغییب ایشان گردانید
تخصیص فی خیر کرد
ازین سفر بلا تراجی و الت
شده و قنایم خیر اخص
بما حاضران بیعت کردند
و غیر ایشانرا از آن فرود
منع نمود و مضمون روای
سال آینه ظهور رسیده
پس در باب وعده توفیق
در پیشرفت منافقان بسیار
توفیق مضمون روای و
بیان حکمت توفیق و
تهدید منافقان از سفر
حدیبیه و بیان توفیق
خود باین بیعت این سر
نازل فرمود و الله اعلم
تفسیر عثمانی
۱۰ و امثال آن مقصود
۸ آزمائش است از
پسین آزمائش سخت

کافی بود که کدام مردم در راه خدا اندی بکنند و در شدید ترین امتحانات ثابت قدم و استوار می باشد و کدام باز جاننازی پهلوانی می کنند ۱۲

فَمَنْ شَكَتْ فَإِنَّمَا يَكُنْ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

پس هر که بشکست عهد پس جز این نیست که می شکند بضر نفس خود و هر که تمام کند آنچه بر آن با خدا عهد کرده است

فَسِيوِيَّتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا

پس خواهد داد او را مزد بزرگ اکنون خواهند گفت برای تو پس ماندگان از بادیه نشینان عرب مشغول کرد ما را

أَمْوَالُهُمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ

اموال ما و فرزندان ما پس طلب آمرزش کن برائے ما می گویند بزرگان خود آنچه نیست در

بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ

در حق شما سود دادن بلکه هست خدا با آنچه می کنید خبردار بلی ظننتم آن که لَنْ

تَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَرَبِّكَ فِي قُلُوبِهِمْ

باز نخواهد گشت پیمبر و مسلمانان بسوی اهل خانه خویش هرگز و آراسته شد این قلوب در دل شما

وَظَنَنْتُمْ ظَنُّ السَّوْءِ وَكَتَبْتُمْ قَوْمًا لَوْرًا وَمَنْ لَمْ يُؤْمَرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

و ظن کردید ظن بد و نوشتید قومی پاک شده و هر که ایمان نیاورد به الله و رسول او

فَأَنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا وَكَانَ ذَلِكَ الشَّهْوَتِ وَالْأَمْرُ خُصٌّ يُغْفَرُ

پس بر آئینه ما آماده کردیم برای کافران آتش را و قدر است پادشاهی آسمانها و زمین می آمرزد

لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا سَيَقُولُ

بر هر که خواهد و عذاب می کند بر هر که خواهد و هست خدا آمرزگار مهربان خواهند گفت با تو

لَا تَخْلَفُونَ إِذْ أَنْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَائِمٍ لِتَأْخُذُوا هَذَا وَتَتَّبِعُوا مِمَّا يَدُونَ

پس که از ایشان و قبیله روانه شوید شما بسوی غنیمت ها و تا بگریید آنرا بگذرید ما را تا از آنجا بگذرید شما را تا از آنجا بگذرید

يَبْدُو أَوَّلَكُمْ اللَّهُ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُوا كَذِبَكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ فَسَيَقُولُونَ

پس خواهند گفت و عده خدا را بگو پیروی ما نخواهد کرد هم چنین فرموده است خدا پیش از این پس خواهند گفت

لَا تُحْسِنُوا وَلَا تَبْلُ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ إِلَّا قَلِيلًا قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنْ

پس بلیه حسدی کنید با ما بلکه همیشه هم می کردند مگر اندک بگو یا محمد پس گذارندگان را از

لَا تُحْسِنُوا وَلَا تَبْلُ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ إِلَّا قَلِيلًا قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنْ

پس بلیه حسدی کنید با ما بلکه همیشه هم می کردند مگر اندک بگو یا محمد پس گذارندگان را از

لَا تُحْسِنُوا وَلَا تَبْلُ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ إِلَّا قَلِيلًا قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنْ

پس بلیه حسدی کنید با ما بلکه همیشه هم می کردند مگر اندک بگو یا محمد پس گذارندگان را از

پس بلیه حسدی کنید با ما بلکه همیشه هم می کردند مگر اندک بگو یا محمد پس گذارندگان را از

صل یعنی آنکه در
سفر حدیبیه موافقت
نکردند و الله اعلم ۱۲
الف یعنی غنیمتهای
ج غیر الف یعنی
فارس در دم داشتند
در زمان حضرت ابوبکر
و حضرت عمر متحقق
شد و الله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
ع بعد از مراجعت
حدیبیه با آنحضرت
صلی الله علیه و سلم حکم
داده شد که به «بیتر»
بجای برده شود و در آنجا
بهدو سکونت داشتند
و آنجا بهمدی کرده در
جنگ ۱۰۰ هزاره
اقوام کفار را برای هجوم
برین آماده ساخته
آورد و در حدیبیه حق تعالی
به آنحضرت خبر داد و این
نشینان که به «حدیبیه»
نزق بودند در موکب قریه
استغای شو نیست
خواهند کرد چرا که درین
بجای خطره کمتر و امید
غنیمت بیشتر است
بایشان بگو کیش از
استغای شما الله تعالی
بماطلاع داده است
که شادین سقر یعنی
ما هرگز نخواهید رفت
درین صورت شما
چگونه همراه ما رفتی
توانید اگر بیاورید
معنای آن این میشود
که گویا فرموده خداوند
تبدیل کرده شده حال
آنکه هیچ عودت تبدیل
آن ممکن نیست ع
یعنی اینها چنانکه فهم اند
داند بخوبی فهمیده غی
توانند که مسلمانان
همه در وقت غایت دارند
ایمانی مؤمنان

فَلَا تُطِيعُوا أَمْرَكُمْ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوْفِيقُنَا مِنْ

پس اگر فرمان برداری کنید بیده خدا شمارا مزد نیک
و اگر روی گردان شوید چنانکه روی گردان شده بودید

قَبْلُ يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ

پیش ازین عقوبت کند شمار خدا عقوبت در دهنه نیست بر نابینا کتابی
دنه بر تنگ
دنه بر تنگ

حَرْجٌ وَلَا عَلَى السَّرِيسِ حَرْجٌ مُؤْمِنٌ يُطِيعُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ

کتاب ہے و نہ بیمار کتاب ہے و
دہر کہ فرمان برد خدا و رسول اور در آردش

سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ مَنْ تَعَبَّهَا الْإِنْفَرُ وَمَنْ يَتَوَلَّى يُعَذِّبُهُ عَذَابًا أَلِيمًا ۖ

بیوستنہا میر و وزیر آں جوئے ہا
وہر کردہ گرداں شود عقوبت کندش یعقوبت در دہند

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ

هر آینه خوشنود خدا از مسلمانان و فقیه بیعت می کردند با تو زیر رحمت پس و انت

مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَنَّا لَهُمْ قُرْبَىٰ

آنچه در دل ایشان است پس فرو آورد اطمینان دل بر ایشان و کباب داد ایشان را آنچه نزدیک

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ فَتُحْمَلُ بِهِ الْبُحْرَانُ ۚ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

و عنایت بے بسیار که بدست آرد از او

و حکایت ہے کہ بیمار کو بچرند آفرما و بہت التذ عاب باحت و غلہ و دودہ انشت سبارا

اللہم خذنا شدة خذنا فعدا لکم هذا وكف

حضرت یونس علیہ السلام کی کہانی

[illegible]

دست مردمان را از شما و تابا شد این مقدمه شاه مسلمانان را و تا بخاید خدا شکار را

دست بای مردمان را از شما و تابا به (این عیبت) شاه (توحات) برای مومنان و تاروان کند شما را در این

راست و دله داد خدای تعالی بای دیگر نیز که هنوز دست نیافته اید بران والته است خدا آنرا دهم

راست و برزودی داد شمارا) نیت دیگری که (بمیز) قدرت ندارد بران. جفتی احاطه کرده قدرت الهی آن را دوست الهی

همچو چیز تو آناف و اگر جنگ می کردند با شما کاران البته پیوسته شما می گردانیدند پشت را باز

بهر چیز گوانا تر و اگر چهل می کردند با شما کافران البتہ می کرد این غیبت با ما باز نمی یافتند

و یار و یار نصیر الله است و صاحب دین و دنیا
کار ساز و نه لغت دهنده مانند آئین مذکور است پیش ازین و سخاوی یافته

حاجت كننده و نه مددگار (این را طریق چهارده است) آن طریق که گذشته است قبل از این و هرگز نیاید

این خدای تعالی و او است آله باز داشت دست کافر از شما و دست شما را

مرطبه الله لغیری و دوست آنکه باز داشت دست های کافران را از شما دوست های متدار

فاینین در تحلف
ازش این سفر و الله
اعلم ۱۱ فاینین غلام
خیز و غیره ۱۲ فاینین
غلام خیز ۱۳ فاینین
در حدیث ۱۴ فاینین
یعنی کفار ترش مع
شدند که آنحضرت
را صلی الله علیه و سلم
توسیلش رسانند
و خداست
و است
ایشان را
از قتال باز
داشت و هم صلح
انجامید ۱۵ فاینین
غلام فارس و در ۱۶
تفسیر عثمانی
عاندی صبر کن
در این جنگ بشما
قطعا اجازه داده می
شود. لیکن بعد از آن
حرکتی برای زیاد پیش
می آید و مسلمانان با
قوه ای نهایت
جنگجو داخل بیگاری
شوند که سلسله آن
تا زمان جریان خواهد
داشت که آن قوهها
یا مسلمان میشوند
و یا بتاییدیه بزمی مطیع
اسلام می گردند اگر
و اقا مشق جهاد
وارید و آنوقت در
میدان کارزار داخل
شده و اد شجاعت
بدید. اگر درین موقع
حکم خدا یاد می
خدا بشما بهترین مبارز
خواهد داد و تمهید مراد
از این اقوام مجتوبین
حلف و پیروی باشند
که قوم مسیحه که ناب
بود و یا «هوان» و
نقیف «و غیره که در
چنین «یا ابناء قاتل
شده بود و یا از سر

مَنْ يَبْطُلْ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

از کافران در میان که بعد از آنکه فیروز شد ساخت شمارا بر ایشان و هست خدا با آنچه می کنید

بَصِيرًا هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ

چنانکه این کفار قریش آنانند که کافر شدند و بازداشتند شمارا از مسجد حرام و بازداشتند قربانی را

مَعُوقًا أَنْ يَصْلَوْهُ فَحَلَّ وَالْكَافِرُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٍ

موقوف داشته از آنکه برسد بجای خود و اگر نبودند مردان مسلمان و زنان مسلمان

مَنْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فَمَا يَكُنْ لَهُمْ مَعْرَضٌ يُغَيِّرُ عِلْمَ لِيَدْخُلَ

که نمیدانید ایشان را اگر نبود خوف آنکه پس برسد بشما تا بفرماندگان و آنرا تغییر دهد علم را تا بدخل

لِلَّهِ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّوُا الْعَدُوَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ

هر که خواهد به رحمت خود اگر این مؤمنان جدا میشدند از کفار البتة عذاب میدادیم آنان را که کافر شدند از ایشان

عَذَابًا أَلِيمًا اِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ

عقوبت درد دهنده آنگاه که محکم کردند کافران در دل خویش قیوت را از جنس غیرت

الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ

جاهلیت پس فرود آورد خدا اطمینان خود را بر پیمبر خود و بر مسلمانان

وَالزَّكَّاءَ كُلِّهِ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا طِيقَ كَانَ اللَّهُ

و ثابت گردید برایشان سخن پر بهزگاری و بودند سزاوار تر آن و اهل آن و هست خدا

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّسُلَ بِالْحَقِّ

بهر چیز دانایا و ثابت راست نمود خدا پیغامبر خود را حواب مطابق واقع

لَدْخُلَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ

باید مضمون که البتة داخل خواهند شد مسجد حرام اگر خدا خواسته است ایمن شده تراشیده موئ سر خود را

وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ

و مقصران گرفته تر سال شده پس دانست آنچه ندانستید شما پس میسر کرد پیش ازین

فَتَحَاقِرِيَّا هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ

تنه نزدیک را اوست آنکه فرستاد پیغامبر خود را به هدایت و دین راست تا غالب کند دشمن

عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ

بر ادیان همه آن و کفایت خدا اظهار حق کننده محمد صلعم پیغامبر خداست و آنانکه همراه اویند

وَقَاتِلُوا أَشْرَارَهُمْ وَكَانُوا نَوَاحِيَهُمْ فَسَيَرْجُوهُمْ اللَّهُ وَأَنَا نَكَّةٌ بَعْدَ ذَلِكَ

و در میان که یعنی در قریب شهر گویا مین داخل شهر را بدانید

فلان تملیض است
بأن قصه که بعد از نقاد
صلح بنه او قن از او باشر
قریش خواسته که بنجر
بر صحابه تاحث آرند
صحابه همدا امیر کرده
پیش آنحضرت علی الله
علیه وسلم آورده اند غنیمت
غلو فرمود ظاهر از رویک
برنده ضعیف است و
میگفت آنست که این آ
بشارت بقیع کرد
آوردن لفظی از
جهت تحقیق و توضح
بشدت و الله اعلم
فلان یعنی تصدیق رویا
بافعل تحقیق شد
و فتح عاجلا میرسد
والله اعلم و صلوات
جماعت از مسلمانان این
صلح را کرده بودند آخر
خداست اطمینان را
بدل ایشان انداخت
تا برضی آنحضرت صلی الله
علیه وسلم رضادادند الله
اعلم

تفسیر غمانی

چند سوره مشرکت
در حدیث رسیده
بودند که فتح یافته آنحضرت
را شهادت کنند و بعضی
مسلمانان را که تپا بپایند
آزاد بکنند چنانچه یک
اندازه آزاد را بپایند
حتی یک مسلمان را هم
کشند کلمات استثنای
آنکه کشند بالاخر صحابه
رضی الله عنهم آنها را
زنده دگر کرده
بجسور رسول کریم صلی الله
علیه وسلم حاضر کردند
آنحضرت آنها را اسرا
فرمود و فتح استقامت کردند
درین کار بهر سبب
واقعات اشتهار شده
و در بیان که (یعنی)

صلح حاصل شد آنست
که اسلام در اول حال
ضعیف بود و مسلمانان
کم بودند و فقر غالب
و بسیار تنگدست و عاقبت
حال غلبه اسلام آنست
که پیش از آن در خانه تنگدست
و کمتر بود و گوید ۱۵
خدا متعالی این
سوره را بر سر تن تعلیم کرد
آداب فرود آورد که در کتب
از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و سلم
در امر دینی پیشدستی
نکنند و با حضرت
بخواندند و طالب
نکند و اگر ناستی چیزی
گوید بفرستد حال
امضاست حضرت نمائند
در صورتیکه میان ایشان
خاصه جنگی واقع شود
اصلاح آن بچشم کند
از راستن با یکدیگر
و عقب بدرمان و
غیبت کردن و ظن بد
مقرر کردن و بدو نسب
بر دیگران فخر کردن
کرد و ضعف ایمان را
بر ضعیف ایمان تنبیہ
فرمود و الله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
ع حضرت شاه قاسم
رحمته الله علیه در تفسیر
و تزی که در سرشت
کسی باشد در هر موقع
مکسان برود میکند و
آنکه باریه ایمان صلاح
یا فیه باشد تنبی و
نری هر یک محقق خود
ظهور می نماید علم او شتر
آنکه اگر با کافری به
احسان و حسن سلوک
پیش آید مصلحت
مشرقی باشد با آن نداد
مگر در مصلحت دین نباید
مشاور است و
کنز و بد آن ۱۲

أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ ۖ هُمْ فِيكُمْ رُجُومٌ ۖ قَدْ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا
سخت اند بر کافران و مهربان اند در میان خود می بینی ایشان را که گویا گنده و بجهه نمایند می طلبند فضل را
سخت اند بر کافران و مهربان اند در میان خود می بینی ایشان را که گویا گنده و بجهه نمایند می طلبند فضل را
مِنْ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا ۖ سِيمَاهُمْ فِي وَجُوهِهِمْ ۖ مِنَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا السَّجُودَ ذُلًا ۖ مَثَلَهُمْ
از خدا و خوشنودی او را نشان صلاح ایشان در روی ایشان است از اثر سجده این (که مذکور شد) صفت ایشان است
فِي التَّوْرَةِ ۖ وَ مَثَلَهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ ۖ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطَاةً فَكَرَاهَ
در تورات و در انجیل ایشان است در انجیل ایشان مانند زراعتی هستند که بر آورده گیاه مزخرفه پس قوی کردند آن را
و کوریت و صفت ایشان را انجیل ایشان است که بر آورده گیاه مزخرفه پس قوی کردند آن را
فَاسْتَعْظَمُوا ۖ وَ اسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ ۖ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ
پس سطرش پس استوار شد بر ساق خود که شکفت می آورد زراعت کنندگان را دل بسبب دیدن ایشان کافران را
پس سطرش پس استوار شد بر ساق خود که شکفت می آورد زراعت کنندگان را دل بسبب دیدن ایشان کافران را
وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً ۖ وَ أَجْرًا عَظِيمًا ۖ
و عده داده است خدا آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کردند از این است آمرزش و مزد بزرگ
و عده داده است الله آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کردند از این است آمرزش و مزد بزرگ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بسم خداست بخشنده مهربان
آغاز می کنم بنام خداوندی که بے اندازه مهربان نهایت ماحم است
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۖ وَ اتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ
ای مسلمانان پیش دستی نکنید در روی الله و رسول او و ترسید با الله از الله (هر آینه) الله
سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ
شنو و داناست ای مسلمانان بلند نکنید آوازهای خود را بالاتر آواز
شَنُوءِ الْمَوْتِ ۖ وَلَا تَهْرُؤَالَهُ بِالْقَوْلِ ۖ كَهَيِّ هُمْ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ
پیغامبر بلند گوید با او سخن را مانند بلند گفتن بعضی شما با بعضی برائے آخر از آنکه نابود شود
سُيُومِهِمْ ۖ وَلَا تَهْرُؤَالَهُ بِالْقَوْلِ ۖ كَهَيِّ هُمْ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ
پیغامبر بلند گوید با او سخن را مانند بلند گفتن بعضی شما با بعضی برائے آخر از آنکه نابود شود
أَعْمَالُكُمْ ۖ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ۖ إِنَّ الَّذِينَ يَغْضَوْنَ أَصْوَاتَهُمْ عَنِ
عمل شما و شما جز در بنا شنید هر آینه آنانکه بیست می کنند آوازهای خود را نزدیک
عَمَلِ بَاسْمِ شَمَا وَ شَمَا جَزْ بِنَا شَد (بحقیق) آنانکه بیست می کنند آوازهای خود را نزدیک
رَسُولِ اللَّهِ ۖ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَمَّا حَنَّ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ
پیغامبر خدا آن جماعه آنانند که آزموده است خدا دل های ایشان را برای تقوی ایشان راست آمرزش
فَرِادَهُ ۖ اللَّهُ آن جماعه آنانند که آزموده است الله دل های ایشان را برای تقوی ایشان راست آمرزش
وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۖ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ يَنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ
و مزد بزرگ و مزد بزرگ هر آینه آنانند که آواز میدهند ترا از پس حجاب اکثر ایشان
(بحقیق) آنانند که آواز میدهند ترا از پس حجاب اکثر ایشان
لَا يَعْقِلُونَ ۖ وَ لَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ
و اگر ایشان صبر کردند تا تو قیام کنی بیرون آئی بگوئی ایشان بهتر بود برائے ایشان
و اگر ایشان صبر کردند تا تو قیام کنی بیرون آئی بگوئی ایشان بهتر بود برائے ایشان

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَاٍ فَبَيِّنُوْا
 خدا آمرزگار مهربانست و الله آمرزگار مهربان است و اے مسلمانان اگر بیاید پیش شما فاسق خبری را پس تحقیق کنید
 اِنْ تَصِيْبُوْا فَاَوْمَرًا بِجَهَالَةٍ فَتَصِيْحُوْا عَلٰی مَا فَعَلْتُمْ نَدِيْنٌ ۝ وَاَعْلَمُوْا
 اگر آنرا از آنکه ضرر رسانند قوسی را بنادانی پس پیشان شوید بر آنچه علی کردید و بدانید
 اِنْ فِيْكُمْ رَسُوْلٌ اَللّٰهُ لَوْ يُّطِيعُكُمْ فِيْ كَثِيْرٍ مِّنَ الْاَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلٰكِنَّ اَللّٰهَ
 اگر در میان شما رسول خداست اگر فرمان برده شمارا در بسیارى از کارها بر سرچ در افتید و لیکن خدا
 حَسْبُ الْيُكُومِ الْاِيْمَانُ وَزَيِّنٰكُمْ فِيْ قُلُوْبِكُمْ وَكَرَّهَتْ الْيُكُومِ الْكُفْرُ وَالْفُسُوْقُ
 دوست گردانید نزد یک شما ایمان را و آراسته کرد آرزو دل پلای شما و ناخوش گردانید پیش شما کفر را و فسق را
 وَالْعَصِيّانَ اُولٰٓئِكَ هُمُ الرّٰشِدُوْنَ ۝ فَضَلًا مِّنَ اللّٰهِ وَنِعْمَةً
 و نافرمانی را این جماعه ایشانند راه یافندگان با احسان از نزدیک خدا و به نعمت
 وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ۝ اِنْ طَرَفَيْنِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اُفْتَتِحُوا فَاصْلِحُوْا
 و خدا دانا با حکمت است و اگر دو گروه از مسلمانان با یکدیگر جنگ کنند پس صلح کنید
 يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَاٍ فَبَيِّنُوْا
 ایمان ایشان پس اگر خبری که بیاید از ایشان که خبری می کنند تا آنکه رجوع کند بسوی
 اَمْرًا اَللّٰهُ فَاَنْتُمْ فَاصْلِحُوْا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَاَقْسِطُوْا اِنَّ اَللّٰهَ
 حکم خدا پس اگر رجوع کرد صلح کنید میان ایشان با انصاف و داد دهید هر آینه خدا
 يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ ۝ اِنَّهَا الْمُؤْمِنُوْنَ اِخْوَةٌ فَاصْلِحُوْا بَيْنَ اَخَوِيْكُمْ
 دوست می دارد و داد دهندگان را جز این نیست که مومنان برادران اند پس اصلاح کنید در میان دو برادر خود
 وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ۝ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ
 و بترسید از خدا تا بر شما رحم کرده شود اے مسلمانان مسخر ننگند گروهی را
 قَوْمٍ عَسٰى اَنْ يَّكُوْنُوْا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءِ عَسٰى اَنْ يَّكُوْنَ
 گروهی است که باشد آن گروه بهتر باشد از ایشان در نفس الامر و نه زنان مسخر ننگند باز آنکه احتمال است که آن زنان
 خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا تَكْبُرُوْا اَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوْا بِالْاَلْقَابِ بِئْسَ لَاسْمِ
 بهتر باشند از ایشان و عیب کنید در میان خویش و یک دیگر را به لقب یا سنی بدخواهید بدنامی است
 الْفُسُوْقُ بَعْدَ الْاِيْمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ۝
 فاسق بعد از ایمان آوردن و هر که توبه نکرد پس آن جماعه ایشانند ستمکاران و
 فسق بعد از ایمان آوردن و هر که توبه نکرد پس آن جماعه ایشانند ستمکاران

فل منترجم گوید این
 تفریع است بحال
 قوسه از بنی تمیم که بجهت
 همه پیش آن حضرت
 علی الله علیه وسلم آمدند
 و چون در مسجد یافتند
 و عندا هستند که در کلام
 حجه شریف دارند نزد
 حرم یا که از بلندند که در
 شرع کردند و الله اعلم
 و یعنی بگوید که
 در جا بیت کرده باشند
 بعد از اسلام نشان دهند

ناید ساخت ۱۲

تفسیر عثمانی

ع اگر رسول الله

و علی الله علیه وسلم

کدام خبر یا رأی شما

علی کنند به میری چه

حق تابع خواہش است

و آدم مردم نیست

اگر چنین شود تمام نظام

زمین و آسمان در دست

بر هم خواهد شد که

قال نعمالی و لولای

الحی ایها هم لفسد

السلط و الارض

(المؤمنون - رکوع ۱۱)

خلاصه خبر یا رأی شما

تحقیق کنید و حق را

تابع خواہد

و رأی خود

مسازید بلکه

خواہش است

خود را تابع بنماید

بدین طریق ریشه همه

مناقشات کنه میشود

حضرت شاه صاحب

میگوید اگر مشوره

شما قبول نشود از آن

بدنبرد چه رسول در حکم

خدا علی کن و خیر

بهبود شایسته در همین

است اگر خواہی

شمار قبول کند هر کس

در باب بهبود خود

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِشْمٌ

اے مسلمانان! احتراز کنید از بسیاری گمان بد هر آنچه بعضی بد گمانی گناه است
اے مؤمنان! اجتناب کنید از بسیاری گمان بد تحقیق بعضی گمان گناه است

وَلَا تَحْسَبُوا أَنِّي مَغْلُوبٌ ۚ بَعْضُكُم مَّعْضَاۤءُ ۚ أَحَدُكُم أَن يَأْكُلَ

و چاسوسی مکنید و غیبت نکنید بعضی شما بعضی را
و محسوس مکنید (امور پوشیده مسلمان را) و غیبت نکنید بعضی شما بعضی را آیا دوست میدارد علی از شما که بخورد

لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا

گوشت برادر خود که مرده باشد پس شغف متوجه از آن شد و بر سرید از خدا هر آینه خدا توبه پذیرنده مهربان است اے
گوشت برادر مرده خود را (و دوست نمیدارد) پس میداند آنرا پس غیبت را همچنان بد بشارید و بر سرید از الله تحقیق الله بسیار توبه

النَّاسِ إِنَّا خَلَقْنَاهُ مِن ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاهُ شَعْبًا قَبَائِلَ

مردمان برای آینه آفریدیم شمار از یک مرد و یک زن و ما خیمت شمارا جماعتها و قبیلهها
مردمان (بر آینه) ما آفریدیم شمار از یک مرد و یک زن و محمد را ندیدیم شمارا نژادها و قبیلهها

لِتَعَارَفُوا ۚ إِن كَرِهْتُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَيْهِ خَيْرٌ ۝ قَالَتْ

تا با یکدیگر بشناسان شوید هر آینه گرای ترین شما نزد یک خدا بر هیز کار ترین شماست هر آینه خدا دانا و خرداوست گفتند
تا با هم بشناسان شوید تحقیق گرای ترین شما نزد الله بر هیز کار ترین (توبه ترین) شماست (تحقیق) الله بهر چیز دانا و خرداوست گفتند

الْأَعْرَابُ أَمْ أَفْلَ تَعْلَمُونَ ۚ قَالُوا أَسْلَمْنَا وَلَكِنَّا كُنَّا نَحْمِلُ

اعراب ایمان آوردیم یا ایمان تحقیقت نیاریدید و یلین بگوئید منقاد شده ایم و هنوز در نیاریدید ایمان
کرب بمانی ما دیه نشنید که ایمان آوردیم یا ایمان نیاریدید و لیکن بگوئید منقاد شده ایم در حال که داخل نشده ایمان

فِي قُلُوبِكُمْ ۚ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِفْكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا ۚ

بدل مانس شما و اگر فرمانبرداری خدا و رسول او کنید که ندیدید شمارا از جزائے اعمال شما چیزی
در دل مانس تان عدا و اگر فرمانبرداری کنید الله و رسول او را ناقص نکنید چیزی را از اعمال شما

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

هر آینه خدا آمرزگار مهربان است جز این نیست که مؤمنان تحقیقت آنانند که ایمان آوردند بخدا و پیغمبر او
(تحقیق) الله آمرزنده مهربان است جز این نیست که مؤمنان کامل آنانند که یقین کردند به الله و رسول او

ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۚ أُولَٰئِكَ

باز شکی نکردند و جهاد نمودند با اموال خود و جان خود در راه خدا آن جماعه
باز شک نیاروند و جهاد (کوشش) کردند مال بمانس خود و نفس بمانس خود در راه الله آن جماعه

هُمُ الصَّدُوقُونَ ۚ قُلْ أَعْلَمُونَ ۚ اللَّهُ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي

اینهاست راست گویان بگو آیا خبر داری کینه خدا را بدین خود و خدا میداند آنچه در
اینهاست راستان بگو آیا خبر داری کینه الله را بدین خود حال آنکه الله میداند آنچه در

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ يَسْمُونَ عَلَيْكَ

آسمانهاست و آنچه در زمین است و خدا بهر چیز داناست منت می بینند بر تو
آسمانها و آنچه در زمین است و خدا بهر چیز داناست منت می بینند بر تو

إِنْ أَسْلَمُوا فَقُلْ لَّاسْمَؤُا عَلَيَّ ۚ إِسْلَامُكُمْ بِلِ اللَّهِ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ

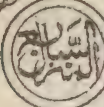
بایک مسلمان شده اند بگو منت نمیدارم با سلام خود بلکه خدا منت می بیند بر شما بایک
بایک مسلمان شده اند بگو منت نمیدارم بر من با سلام آوردن خود بلکه الله منت می بیند بر شما به آنکه

هَذَا كُمْ لِلْإِيمَانِ أَنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ

بدایت کرد شمارا بایمان اگر راست گویید
بدایت کرد شمارا بسوی ایمان اگر راست گویان عدا (هر آینه) الله میداند پویشیده آسمانها

عده در این آیت و
انودی کند که چون ایمان
و یقین که حق در دل
را رخ شود ریشه در دانه
خفا کل غیبت عیب
جونی و بقره از آدم دور
میشود و تحقیق عیب
و از اردادن دیگران
آفته باشد بداند
که در دل وی ایمان تا
هنوز بجای جا نگرفت در
حرفی آمده یا معشر
من امن بمانس و لم
یغض الا ایمان الی تبلیه
لا تغایر الا مسلمین و لا
تتبعوا عواثرهم و الا حشر
این کثیر (صفحه) بگوید
حضرت شاه صاحب
رحمه الله میفرماید یکی
میگوید که ما مسلمانیم یعنی
مسلمان را قبول کردیم
درین صورت مصداق
نیست اما یکی میگوید
که من پوره یقین دارم
یقین او کامل است
آنرا آن کجاست کسیکه
و اقرار باب ایمان
خود یقین کامل دارد و او
از آنها رجسین و دعوی
میرسد دعوی مشرک
عده حضرت شاه
صاحب (رحمه الله)
میفرماید اگر یکی از
دست مایل آید و فوجی
و عقین خود نمایند
بلکه شانش خداست
که اجرای آن بمانس را
توفیق داده گوید خافتم
سوره خاطر نشان نمود
که اگر برای یا بدست
به هدایت قرآنی و تعلیم
اصلاحی توفیق نصیب
شمارد احسان و
منت گذارد بدین
شکر احسان و انعام
خدا را ادا کند
که او بشما چنین توفیق از ان فی فرموده

۲۸ ص ۱۳۲
از جیه ایشان ۱۲
۱۳۲ ص یعنی لوح
مخوط ۱۲



تفسیر عثمانی

۱۵ از بزرگی عظمت
شان قرآن چه توان
گفت این کتابی است
که به نزل خود هر کس بها
راستش کرد و با قوت
الجزیه و اسرار و مود
لی انتهای خود نیاز را
محو حیرت ساخت و بزرگ
قرآن دارای مجده شرف
بذات خود شایسته است
که از هر کوه نقض عیب
پاک بوده و عجب کلمه
آن طرف ننگ جینی و
انتقاد واقع نمیشود با
این بزرگان آنرا بقول
نمی کنند انکار آنها
ازین سبب نیست
که آنها بر علیه آن کلام
حجت و بر بانی دارند
بلکه محض از جهل حافت
خود بر این واقف عجب
می کنند که چنان از
خانمان طایفه خود آنها
مردی به عنوان رسول
بسوی آنها آمد و خود را
بزرگ معرفی کرده بگفتن
را بپند و نصیحت میداد
مزیل بر آن سخن عجیبی
گفت که هیچ کس آنرا
نادر کرده نتواند اینک
چون میگوید با خاک
آمیخته آیا باز بسوی
زندگی برگرداند و بشویم
این باز مشتق بسیار
دور از عقل و از ایمان
و عادت عجب است
علاوه بر اینکه
بسیار در امان است

وَالْأَرْضُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَن يَعْمَلُونَ ۝۵۰

د زمین و خدا بیناست با چیزی کند
د زمین را و خدا بیناست با آنچه می کنید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم آغاز می کنم بنام خداوند بخشنده مهربان

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۝۱ بَلْ عَجِبُوا أَنَّ جَاءَهُم مُّذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ

قسم به قرآن با بزرگی که تو پیشانی امیر خدای بلکه تعجب کردند که از آن آمد بدیشان ترساننده از قوم ایشان پس گفتند

الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ۝۲ عِذَابُكُمْ لَكُمْ لِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۳

آن کافران این چیز است عجیب آیا چون نمی ترسید و خاک شویم حشر کرده شویم این باز گردانیدن است و عذاب از عذاب

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتَابٌ حَفِيفٌ ۝۴

پس آید دانسته ایم آنچه کم می کند زمین از ایشان و نزد یک ما کتابیست که یاد دهنده است و سبب است از ایشان (خداوند تبارک و تعالی) و حقیر است آنچه کم می کند زمین از ایشان و نزد ما کتابی است که همه چیز را در آن محفوظ است و چنین است

بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فِي أَمْرٍ قَرِيبٍ ۝۵ أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ

حق راست را و فتنه بیاید بدیشان پس ایشان در کارش شریک اند آمدند به سوی آسمان

فَوَقَّعَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهُمُ الْأَرْضَ وَفَرَّجْنَا فِيهَا مَخْرَجَ الْمَاءِ ۝۶

بالا می آورد چگونه بنا کرده ایم آنرا و آراسته ایم آنرا و نیت در آن هیچ شکافی

وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَشْجَارًا وَأَنْبُتًا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ۝۷ تَبَصَّرُوا ۝۸

و انداختیم در آن کوه ها و رویمانیدیم در آن از هر نوع خوش آینه

لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنتَبٍ ۝۹ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ثَلَاثًا فَابْتِئْنَا بِهِ بَعْدَ وَحْيٍ

بر هر بنده رجوع کننده و فرود آوردیم از آسمان آب باریک است پس رویانیدیم بسبب آن بوسه ستانها و دانست

الْحَصِيدِ ۝۱۰ وَالتَّخْلُ بَسِيفَتِ لَهَا طَلْعُ نُضِيدٍ ۝۱۱ زُرْ قُلُوبَ الْعِبَادِ ۝۱۲

کرد و می کنند آنرا و درختان خرا بلند بالا بر آمده آنرا بیه است گوهر گوهری بر سر بندگان و زنده ساخته ایم

بِهِ بِلَدَةٍ قَبِيلَةٍ كَذَلِكَ الْخُرُوجِ ۝۱۳ كَذِبَتْ قُلُوبُهُمْ قَوْمٌ وَاصِبٌ ۝۱۴

پس آن شهر مرده را هم چنین باشد بر آمدن از کور بدو رخ نسبت کردند پیش از ایشان قوم لوح و اهل رس

وَنُفُودٌ ۝۱۵ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطَ ۝۱۶ وَاصِبٌ الْأَيْكَةُ وَقَوْمُ ثَبَعٍ ۝۱۷

و نمود و عاد و فرعون و برادران لوط و اهل ایکه (باشندگان جحش) و قوم ثبع

كُلُّ كَذِبٍ الرُّسُلِ فَحَقِّ وَعِيدًا ۝۱۸ أَفَعَيَّنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي

همه یک بدو رخ نسبت کردند بر اینها همان را پس ثابت شده و عده عذاب من آیا عاجز شده بودیم در آفرینش نخستین ملکی ایشان در

فلین کرنا تین
والله اعلم
یعنی اگر کلمه حق باشد
فرشته دست راست
ی نوید اگر کلمه باطل
باز فرشته دست چپ
ی نوید والله اعلم
صلوات بر ائمه و آل
کنند و گواهی دهند
و مقرر می کنند عادت
بادشاهت که اسیر را
پیش ایشان دو کس
گرفتاری آوردن جهت
دو فرشته را خطاب نمود
۱۱ یعنی از ایشان
از اس و الله اعلم
۱۲ یعنی هر چند در
اندازند یا در طلب کنند
والله اعلم
تفسیر عثمانی
۱۳ مراد از رنگ جان
رنگ گردن است که
آنها را شتر رنگ میگویند
که چون آن رنگ بریده
شود انسان می میرد
شاید گویای از جان و
روح باشد مطلب
۱۴ این است که ما را با حق
علم از روح و نفس
هم ترازو یکسان یعنی چنانکه
انسان در باب اعمال
خود علم دارد و علم ما نیست
بلطی که او جان خود را
دارد و هم بیشتر است
نیز علت و مشا را
باسمول و تاشی
چنان قرین حاصل
می باشد که معلول و
ناشی را یا نفس خود را
هم نمی باشد حضرت
شاه صاحب الدجمله
بنویسند خداوند
واقع انسان نزدیک
است اما که قادر
از جان است کسی
بد خوب گفتار است
جان نهان در جسم و او در جان نهان و ای نهان ای جان جان

لَبِئْسَ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْنَاهُ قُلُوبًا ۝

شبه انداز آفرینش نو و هر آینه آفریدیم آدمی را و میدادیم چیز و غلط میکرد راندش
شبه انداز آفرینش نو و هر آینه آفریدیم آدمی را و میدادیم چیزی را که بخاطر گذارنده

بِهِ نَفْسَهُ ۝ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ۝ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَكَلِّمِينَ عَنْ

نفس او و ما نزدیک تریم به او از رگ جان نگاه که یادی گیرند و یادی گیرند به پهلوی
آنها نفس او و ما نزدیک تریم به او از رگ جان عه (یاد کن) چون فرا گیرند و (فرشته) فرا گیرند از

الْيَمِينِ ۝ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدًا مَّا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَبُّ رَقِيبٍ ۝ عَتِيدًا

راست کننده و پهلوی چپ نشیننده و زبان می آورد آدمی سخن مگر نزدیک او نگاهانی است میباید
چانب راست و از جانب چپ نشینندگان زبان می آورد آدمی سخن مگر نزدیک او نگاهانی است میباید

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ۝ ذَٰلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ۝ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ

و بیاید بختی موت بر راستی ایست آنچه از آن کناره می کردی و دمیده شود در صور
و بیاید بختی بختی (سخت) مرگ بر راستی (لغت میشود) این است آنچه که از آن کناره می کردی و دمیده می شود در صور

ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعْدِ ۝ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ۝ لَقَدْ

ایست روز وعده عذاب و بیاید هر نفس همراه او روان کننده است و گواهی دهنده و گواهی هر آینه
این است روز وعده عذاب و می آید هر نفسی همراه او یک رواننده و یک گواهی دهنده (بر آینه)

كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَٰذَا فَكُشِفْنَا عَنْكَ غِطَاءٌ ۝ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ

بودی در غفلت از این بودا چشم تو از تو پیروده ترا پس چشم تو امروز تیز بین است
بودی در غفلت از این بودا چشم تو از تو پیروده (غفلت) ترا پس چشم تو امروز تیز است

وَقَالَ قَرِينُهُ هَٰذَا مَا لَدَىٰ عَتِيدٍ ۝ أَلْقِيَ فِيْ جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَتِيدٍ ۝

و گفت فرشته هم نشین او ایست آنچه نزدیک من بود حاضر کرده شده گویم با فلانده و فرشته در دوزخ هر ناپسند سرکش را
و گوید فرشته هم نشین او این است آنچه نزدیک من حاضر است (گویم) با فلانده ای و فرشته در دوزخ هر ناپسند سرکش را

مُنَاجٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ ۝ لِذِي نَجْدٍ ۝ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۝ أَلْقِيهِ فِي

بر اسمان کننده مال را در گذشته از حد را شک اندازنده آنکه مقرر کرد با خدا مجبور می دیگر پس با فلانده این هر یک را در
مقرر کننده مرخص را در گذشته از حد شک اندازنده آنکه مقرر کرد با خدا مجبور می دیگر پس بید از پید او را در

الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ۝ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتَنِي وَلَٰكِنْ كُنَّا فِي ضَلَالٍ

عذاب سخت گفت هم نشین او گفت ای پروردگار من گمراه نکردم این شخص را و لیکن دس بود در گمراهی
عذاب سخت گفت شیطان رفیقش ای پروردگار من گمراه نکردم این شخص را و لیکن او بود در گمراهی

بَعِيدٍ ۝ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدُنِّي ۝ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعْدِ ۝

دور فرمود خصومت کنید نزدیک من حالانکه پیش ازین فرستاده بودم بسوئے شما وعده عذاب
دور میفرماید (اللہ) خصومت کنید نزدیک من حال آنکه پیش ازین فرستاده بودم بسوئی شما وعده عذاب

مَّا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدُنِّي ۝ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ ۝ لِلْعَبِيدِ ۝ يَوْمَ نَقُولُ لِرَجُلٍ

غیر داده سخن شود وعده نزدیک من و تسلیم منستم کننده بر بندگان روزی که گوئیم دوزخ را
غیر داده نشود سخن نزدیک من و تسلیم منستم کننده بر بندگان روزی که گوئیم دوزخ را

هَلْ أَمْتَلَيْتَ ۝ وَنَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ ۝ وَآزَلَفْنَا الْجَنَّةَ لِمُتَّقِينَ ۝ غَيْرِ

آیا پیر شدی و دوزخ گوید آیا هیچ زیاده ازین هست و نزدیک گرداننده شود بهشت برای متقیان نه
آیا پیر شدی و دوزخ گوید هیچ زیاده ازین هست و نزدیک گرداننده شود بهشت برای متقیان

بَعِيدٍ ۝ هَٰذَا مَا تُوْعَدُونَ ۝ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيفٌ ۝ مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ

دور مانده گوئیم این است آنچه وعده داده میشد شما را نزدیک کرده شده برای رجوع کننده ادب نگارنده را برائے هر کسی که ترسد از خدا
دور نیست (گوئیم) این است آنچه وعده داده میشد شما را برای رجوع کننده نگارنده (خود) هر که ترسد از خدا

بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ۖ ادْخُلُوا هَاسِرًا ذَٰلِكَ يَوْمَ الْخُلُودِ ۝ ١ ۚ
 نایدیده و پیش آمد بیدل متوجه شده گوئیم داخل شوید در بهشت همراه سلامتی ایست روز همیشه با شیدان ایشان است
 نایدیده و بیارود دل رجوع کننده به خدا (گوئیم) داخل شوید در بهشت در حال سلامتی عا این است روز همیشه بودن ایشان است
مَا كَيْشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ۝ ٢ ۚ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ
 آنچه خواهند در بهشت و نزد یک ما زیاده است از آن و بسیار هلاک کردیم پیش ازین است با که
 آنچه خواهند در بهشت و نزد ما زیاده هم است و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از امت با که ایشان
أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّجِيصٍ ۝ ٣ ۚ فِي ذَٰلِكَ
 قوی تر بودند از این چنانچه در دست درازی پس نقص کردند در شهرها که هیچ گریز گاه نیست هر آینه درین مقدمه
 قوی تر بودند از این چنانچه از روی قوت پس بختکاو کردند در شهرها آیا جای گریز هست و عده (هر آینه) در این (مذکور)
لَذِكْرَىٰ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ۝ ٤ ۚ وَلَقَدْ خَلَقْنَا
 بندگان را کردی که برای کسی باشد مراد دل یا گوش نهند و دوست متوجه حاضر) و (هر آینه) آفریدیم
 جای بخشنده (بندگان) است برای کسی که باشد مراد دل یا گوش نهند و دوست متوجه حاضر) و (هر آینه) آفریدیم
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ۖ وَمَا مَسْنَانٌ ۝ ٥ ۚ نُفُوفٍ
 آسمان با زمین و آنچه در میان برود هست در شش روز و نرسید مایه ای ماندی
 آسمان با زمین را و آنچه در میان آنهاست در شش روز و نرسید مایه ای ماندی
فَأَصْبَرَ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ
 پس صبر کن بر آنچه می گویند و بپای باد کن همراه ستایش پروردگار خویش پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از
 پس صبر کن بر آنچه می گویند و تسبیح گفته باش با ستایش پروردگار خود پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از
الغُرُوبِ ۝ ٦ ۚ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ۝ ٧ ۚ وَأَسْقِعْ يَوْمَ يَنَادُ
 فرداشدن و در بعض اوقات شب بپای باد کن خدا را و عقب نماز نیز و بظن این قصه روز یک آواز دهد
 غروب و در بعض اوقات شب تسبیح بخوان خدا را و بعد از سجده نماز نیز و بشو روز یک آواز دهد
السَّنَادِ ۝ ٨ ۚ قَرِيبٌ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمُ
 آواز دهنده از جای نزدیک دل روز یک بشنوند نعره تند بغیر ترده و آنروز روز
 آواز دهنده از جای نزدیک روز یک بشنوند آواز محقق را آنروز روز
الْخُرُوجِ ۝ ٩ ۚ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَاللَّيْلُ الْمَصِيرُ ۝ ١٠ ۚ يَوْمَ تَشَقُّقُ
 بر آمدن ایشان است هر آینه ازنده می کنم و می میرانیم و بسوی است باز گشت روز یک بشکافد
 بر آمدن است (هر آینه) ازنده می کنم و می میرانیم و بسوی است باز گشت روز یک بشکافد
الْأَرْضُ عَنْهُمْ سَرَاعًا ۚ ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْكَ يُسِيرُ ۝ ١١ ۚ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ
 زمین از سر ایشان بیرون آیند شتابان این بر ایشان است آسان بر ما بسیدایم ایچ می گویند
 زمین از ایشان برآمده شتابان این حشر بر ما آسان است ما خوب می دانیم آنچه می گویند
وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِمُجِبَّارٍ قَفْ ۚ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَتَذَكَّرْ ۝ ١٢ ۚ
 و نیستی تو بر ایشان جبر کننده پس بپند ده به قرآن هر که میترسد از عده عذاب من
 و نیستی تو بر ایشان جبر کننده پس بپند ده بقرآن کسی را که می ترسد از عده عذاب من
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ ١٣ ۚ وَاللَّهُ يَسْتَعِزُّ بِعِزِّهِ ۝ ١٤ ۚ
 بسم خدا می بخشنایند مهربان
 آغای می کنم بنام خداوند بے اندازه مهربان نهایت بارحم است
وَالذَّرِيَّةُ ذُرِّيَّةٌ ۚ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ
 تسبیح باد بپای بر آئنده کننده خاک و جز آن بر آئنده کردنی پس تسبیح باد با بر دانه بار آب پس تسبیح بپای بر آئنده کننده تسبیح باد بپای بر آئنده کننده خاک را بر آئنده کردنی پس بر دانه گان باد پس بر دانه شونده یا آسانی پس تسبیح کننده گان کار
 تسبیح باد بپای بر آئنده کننده خاک و جز آن بر آئنده کردنی پس تسبیح باد با بر دانه بار آب پس تسبیح بپای بر آئنده کننده تسبیح باد بپای بر آئنده کننده خاک را بر آئنده کردنی پس بر دانه گان باد پس بر دانه شونده یا آسانی پس تسبیح کننده گان کار

فلان این تصویر هست
 آنرا که هر در استماع
 نذر اسرادی باشند
 و الله اعلم بالصواب
 ارتفاق و بلاد بار ۱۲۱
 تفسیر عثمانی
 عفت که در
 دنیا را یادگار دارند از
 گناهان محفوظ بوده
 بسوی اوج خودند
 و بدون مشاغل از قهر و
 جلال او ترسیدند و بایک
 دل پاک در جوار کبریا
 محض و حاضری ندهند
 این جنت به بجز مردم
 داده شده بود و قی در
 رسیده که سلامتی و
 عافیت در آن داخل
 گردد و فرشتگان را
 سلام گویند و ایچ خود
 را نیز به آنان رسانند
 طلب اهل بیان تعجب
 اخروی کفار بود در میان
 مقابل آنها که تنگم این
 جنت آمد اکنون با ناز
 مجازات کفار گری کند
 یعنی پیش از آخرت
 در دنیا هم چندان قوم
 شرور و سرکش را تپاه
 کرده ایم که آنها در قوت
 و تقوا نسبت با قوم
 موجوده کفار را تپ
 بیشتر بودند و آنها بر
 شهرهای بزرگ و زیاد
 دست یافته بودند
 باز چون عذاب الهی
 در رسید بر روی زمین
 هیچ جای گریز و پناه
 نیافتند و در این طلب
 است که در وقت عذاب
 خواسته در قوت پناه
 خود جای پناه و فرار
 کنند و هیچ پناهی و مأوی
 نیافتند شرح آنرا که
 از حد ترجمه بی است
 با شرح اهل انوار

فل یفنی صورتهای مختلف دارند باین شکل
شیر و شکر و بره و شکر
عقرب و الذاریت ۱۲
و این معنی پیش از وجود
خارجی در عالم ملکوت بود
و عقوبت و امتثال آن
منصور میشود و الله
اعلم ۱۲ و الله اعلم ۱۲
در کتب خود یقین دارید
که ما البته میگویم بچنین
باین بشر یقین باید آورد
والله اعلم ۱۲

تفسیر غفران
عنه بیشتر رحمت است
را در عبادت الهی
گذرانند و در آخرت
نزدیک بامداد از خداوند
آمرزش تقصیر خویش را
میگویند که بار الهی
حق عبودیت را داد اگر چه
بتو انبیا کوتاهی و کوتاهی
ما را در حق تو پیش میآید
فرمان کثرت عبادت
آنها را مغفرتی است
بلکه بر مناصب ترقی
بندی شان در خوف
و خشیت آنها
می افزود

و فتح ۱۸
چنانکه در
معنی زدن خود مشبه
نزداید درین کلام بهم
شک و شبه نیست
و ذری لغتنا خواهد بود
قیامت بر پا خواهد شد
آخرت حتمی آید و
و عبادی فدای متعال
خود پرورد میشود و بعد
از این بر مناسبت
و فی الاموال و فی السائل
را محرم و مباحان
نوازی حضرت ابراهیم
را حکایه می کنند که
تمهید است برای آنکه
لوط علیه السلام از
همه اینها برتر است
و الله اعلم ۱۲

انما نؤعدن لصادق وان الدين لواقع والسماء ذات الحجاب انكم

هر آینه و عده که کرده میشود بظن راست است و هر آینه جزای اعمال بود نیست قسم باسمان خداوند را بهمان هر آینه شما
بجای آنکه و عده داده میشود بظن راست است و هر آینه انصاف واقع شدنی است قسم به آسمان مشک (مزنین) هر آینه شما

لنفي قول فتخافون يوفك عنه من اوله قتل الخراصون الذين هم

در سخن ما هم اختلاف دارند و مستبد باز کرده اند میشود از قرآن هر که در علم الهی از غیر مصروف است که در وقت نماز است که در وقت نماز است که در وقت نماز است

في غمرة ساهون يسئلون اياك يوم الدين يومهم على النار فيفتنون

در بهنجری اند فراموش کننده اند می پرسند که خواهد بود روز جزا آری آن روز که ایشان را در آتش عذاب کرده شد
عرق جهالت میوه کنندگان اند می پرسند که خواهد بود روز انصاف (جزا) روزی که ایشان را در آتش عذاب کرده شد و سخته اند میشوند

ذوقوا فتنة هذا الذي كنتم به تستعجلون ان المتقين في جنات

گویند بخت این عقوبت خود را اینست آنچه آنرا اشتاب طلب می کردید هر آینه متقین در بوستانها
(لغز شود برای نشان) بچند چیزای شرارت خود را این است آنچه آنرا اشتاب میخواستند بقیق حقیقان در بهشت با ط

وعجلون اخذين ما اثمهم ربهم كانوا قبل ذلك محسنين كانوا

و چشمه را باشند بدست آورنده آنچه داد ایشان را پروردگار ایشان هر آینه ایشان بودند
و چشمه را باشند که ندان آنچه داده ایشان را پروردگار ایشان (هر آینه) ایشان بودند پیش ازین مشکو کاران بودند

قليل من اليل ما يجعون وبالا سهارهم يستغفرون وفي اموالهم

پیش ازین میگو کار بودند باین صفت که اندک از شب خواب کردند و بوقت صبح بایشان طلب آمرزش نمودند
(باین صفت) که اندکی از شب خواب کردند (بواسطه شغل و عبادت) و در صبح بایشان طلب آمرزش نمودند و در اموال

السائل والمحرور وفي الارض ايت للمتقين وفي انفسكم افلا

برای سوال کننده و بر برای تنگ دست کم سوال و در زمین نشانه است یقین کنندگان را و در ذات شما نشانه است آیا
برای سوال کننده و برای بهره (که سوال می کنند) و در زمین نشانه است یقین کنندگان را و در ذات برای شما نیز آیا

تبصرون وفي السماء رزقكم وما نؤعدن قورب السماء والارض انه كاشي

می نگرید و در آسمان رزق شما و آنچه وعده داده میشود و شما را و زمین هر آینه اینها را راست
می نگرید و در آسمان است رزق شما و آنچه وعده داده میشود و شما را و زمین هر آینه اینها را راست است

مثل ما انكم تنطقون هل اتيك حديث ضيف لبراهيم المشركين اذ

مانند آنکه شما سخن می گوید که آیا آمده است پیش تو خبر مباحثان گرامی ابراهیم
مانند آنکه شما سخن می گوید که آیا آمده است پیش تو خبر مباحثان ابراهیم گرامی چون

دخلوا عليه فقاوا مسلما قال سلم قوم مشكرون فراغ الى اهله فجا

در آمدند بر او ابراهیم پس سلام گفتند جواب سلام داد بید گفت ایشان گروهی هستند ناشناخته پس توجه شد به سوی اهل خانه
در آمدند بر او ابراهیم پس سلام گفتند سلام گفت ابراهیم سلام داد بید گفت ایشان گروهی هستند ناشناخته پس توجه شد به سوی اهل خانه خود پس آورد

بجمل سمين فقر به اليهم قال الا تاكفون فاجس منهم خيفة قالوا

کتاب کوساله فرید پس نزدیک ساخت آنرا بایشان گفت آیا بخورید پس چون خوردند در خانه خود یافت از ایشان ترس گفتند
چون سال را بریان کرده درو غن پس نزدیک ساخت آنرا بایشان (چون دید که نمی خوردند) گفت چرا نمی خوردید پس در خانه خود یافت از ایشان ترس گفتند

لا تخف وبشرهم بغيره عليه فاقبلت امراته في صرة فصكت وجهها

مترس و بشارت دادندش بغير ترس و انا پس پیش آمدن ابراهیم با دانه و طهارت زود و بی خود را یعنی به نجس
مترس و مزه دادند او را به بر سر خوان و انا پس پیش آمدن او در حال جرق زدن پس طهارت زود و بی خود را

وقالت عذرة عقيم قال اكن ذلك قال ربك انه هو الحكيم العليم

و گفت آری برای پیروزی من از اینها ترسیدگان گفتند عظیم ترسیدگان گفتند عظیم ترسیدگان گفتند عظیم ترسیدگان گفتند عظیم ترسیدگان
و گفت (آری برای من حال آنکه) من پیروزان از اینها ترسیدگان گفتند عظیم ترسیدگان گفتند عظیم ترسیدگان گفتند عظیم ترسیدگان با علم

و الله اعلم ۱۲

یعنی صلواتی خان
حضرت لوط علیه السلام
اعلم ۱۲ صل
یعنی آثار آن
سنگباران و جوی
است دانش اعلم ۱۲
صل یعنی شکر خود ۱۲
صل یعنی اعلیٰ دانسته
تفسیر عثمانی
در روز بروز و شرف
شان زیاده شده -
آخر کار عذاب الهی آنها را
فراتر رفت و یک صاعقه
شد و در هاله ای که چشم
سر میزدند همه آنها را از
بین رفته بجهنم برد و
طاقت و دعا و یاریگری
و شان و شوکت آنها را
یکدم تهاکم آید و سخت
بچسبید از آنها استوار
که بعد از افتادن با زیر
خیزد - چگونه می توانستند
انتقام بگیرند و چه کسی را
بیک خود طلبند -
عنه زمین و آسمان
بهمه آفریده شده قدرت
خدا در بعضی تصرف
او است ازین جهت
جرم او جای که بخیزد پناه
برده نمی تواند - نیز اگر آرد
در کار عجیب و صنعت
غریب خالق کائنات
مورد تفکر کند معرفت
کامل می رسد -
۲ یعنی نوح و اهل بیت
۳ این زیاده است
۱ و امور حکایه و حدیث
به تجارب و مشاهدات
خود و عرفان دارند که
در هر یک نوع و جنس
نموده یافت میشود
و ما از دو جنس چیز
بای متقابل و متضاد
مراست مثل شب و شب
در دو زمین آسمان تاریک
و روشن - سیاهی و

قال فما خطبكم ايها المرسلون ۵۱ قالوا
ایها المرسلون گفت پس چیست مقصد شما ای فرستادگان گفتند
اننا ارسلناك الي قوم مجرمين ۵۲ لنرسل عليهم حجارة من طين ۵۳
همه آئینه ما فرستاده شدیم بر تو برای قوم گناهکار تا بفرستیم بر سر ایشان سنگ باری از گِل
(همه آئینه ما فرستاده شده ایم بر تو برای گروه گناهکاران را که از آن تا بفرستیم بر ایشان سنگی از گِل)
مسوفة عند ربك للسيفين ۵۴ فاخرجنا من كان فيهما من
که شایسته کرده شده است نزد یک پروردگار تو برای آنکه از همدیگر و دل شده اند پس بر آوردیم هر کرا بود در آن قریه از
نشان کرده شده نزد پروردگار تو برای آنکه از همدیگر و دل شده اند پس بر آوردیم هر کرا بود در آن قریه از
المؤمنين ۵۵ فما وجدنا فيها غير بيت من المسلمين ۵۶ وتركنا فيها
مؤمنان پس نیافتیم در اینجا غیر یک خانه از مسلمانان دل و گذاشتیم در آن قریه
مؤمنان پس نیافتیم در اینجا غیر یک خانه از مسلمانان دل و گذاشتیم در آن قریه
ابن الذين يخافون العذاب الاليم ۵۷ وفي موسى اذا ارسلناه الى
نشان برای آنکه می ترسند از عذاب دردناک و در قصه موسی نشان است چون فرستادیم بر او
نشان برای آنکه می ترسند از عذاب دردناک و در قصه موسی (نشان نشان است) فرستادگان را چون فرستادیم
فرعون بساطين مبينين ۵۸ فتولى بركته وقال سحر او مجنون ۵۹ فاخذنا
فرعون بدلیل واضح پس روگردان شد همراه قوت خود و گفت جادوگر است پس گرفتیم او را
فرعون بدلیل واضح پس روی گردان شد با قوت خود (و گفت جادوگر است پس گرفتیم او را)
وجنوده فثبناهم في اليم وهو ليم ۶۰ وفي عاد اذا ارسلنا عليهم
و لشکر او را پس انگشتیم ایشان را در دریا داد و کشته بود کاره را که موجب طاعت باشد و در قصه عاد که نشان است چون فرستادیم بر ایشان
و لشکر او را پس انگشتیم ایشان را در دریا داد و کشته بود کاره را که موجب طاعت باشد و در قصه عاد که نشان است چون فرستادیم بر ایشان
الريه العقيم ۶۱ ماتدر من شئ انت عليه الا جعلته كالميم ۶۲ وفي
با دهن بی منفعت نه از دریا و نه از زمین پس بگذاشتیم آنرا مانند اسفنج بوسیده و در
با دهن بی منفعت نگذاشتیم از چیزی را که بگذشت بران مگر که گردانید آنرا مانند بوسیده و در
شود اذا قيل لهم تسعوا حتى جين ۶۳ ففتوا عن امرهم فاحذرتهم
تصد نمودن نشان است چون گفته شد ایشان را بگریزید تا بهر منتهای شید تا بدست پس سرکشیدند از فرمان پروردگار خویش پس در گرفت ایشان را
(تصد نمودن نشان است چون گفته شود برای ایشان بگریزید تا بهر منتهای شید تا بدست پس سرکشیدند از فرمان پروردگار خویش پس فراتر رفت ایشان را)
الصعقة وهم ينظرون ۶۴ فما استطاعوا من قيام وما كانوا منتصرين ۶۵
لوه شد و ایشان می دیدند پس توانستند برخاستن و نبودند انتقام کشنده
صدای مهیب و ایشان می دیدند پس توانستند برخاستن و نبودند انتقام کشنده
وقوم نوح من قبل انهم كانوا اقواما فسيقين ۶۶ والسماء بين يديهم
و یلک ما هیتیم قوم نوح را پیش ازین همه آئینه ایشان بودند گروهی بدکار و آسمان را بنا کردیم بقوت
و یلک ما هیتیم قوم نوح را پیش ازین همه آئینه ایشان بودند گروهی نا فرمان و آفریدیم آسمان را بقوت
وانا لکوسعون ۶۷ والارض فرشتها فرفع الساهدون ۶۸ ومن كل
و همه آئینه توانایم و زمین را گسترانیدیم پس بپاشیدیم آسمان را
و همه آئینه توانایم و زمین را گسترانیدیم پس بپاشیدیم آسمان را
شی خلقنا زوجین لکم تکثرون ۶۹ ففرؤا الى الله الى لکم منه
چیز آفریدیم دو قسم تا شما پند پذیر شوید و بگریزید پس بگریزید بوسه خدا همه آئینه من بر آنکه شما از جانب او
چیز آفریدیم دو قسم تا شما پند پذیر شوید و بگریزید پس بگریزید بوسه خدا همه آئینه من بر آنکه شما از جانب او

صلی بنی آدمیان بنده
 می گردند تا در ماکل مشرب
 مساوت کنی بخلایق
 خدا را بشما علم ۱۲
 یعنی تورات یا قرآن ۱۳
 و صلای بنده را بر آسان
 است ۱۴ یعنی آسان
 ۱۵ تفسیر عثمانی
 علی که توفیق و دعوت
 و تبلیغ و الحاح و ادراک
 آنرا از آینه انقیاب
 زیاده کردن و اندک
 شدن برای توفیق ضرور
 نیست الزام هر بے
 الطاعتی بر خودش خود
 ایش آن خواهد آمد آری
 و غیظ و تعلقین و تقصیر
 است پس این کلام
 دوام داده در نصیب یک
 ایمان باشد این پند
 توفیق و کام می شود و
 که بیک ایمان آورد و پند
 آینه پند نفع خدای تبارک
 می شوند و نیز بر سر
 کافران محبت
 خدا تمام می شود ۱۳
 عده از بندگی ۲
 شان من هیچ فائده
 نمی رسد بلکه نفع خود
 ایشان است من
 چنان آقا مالک استم
 که به ظلمان خود بگویم
 «برهید برای من کما فی
 کتب و یا بنان و
 خوراک پدید فاخت
 بی نیاز من از بن بخلایق
 پاک و برتر است من
 از آنها روزی نخواهم
 بود یا ایشان روزی
 میرسانم خوب بسنجید
 بچون و فایده و مند و
 توانا یا یا در راه
 خدات شایم
 حاجت است
 حکم بندگی محض
 اذن بر همه بجا داده
 شد مگر قول و فعل را به شهادت عقلیت و کبریا می اعتراف کرده مستحق الطمان و مرا هم مضوی می گردید «من نکریم خلق ناسو» می گویم: بلکه تا بر بندگان جوی گویم

نذیر مبین ۳ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْ نَّذِيرٍ مِّبِينٍ ۵

ترساننده آشکارا و مقرر کننده با خدا معبودی دیگر را هر آینه من برای شما از جانب او ترساننده آشکارا
 ترساننده آشکارا و مقرر کننده با خدا معبودی دیگر (هر آینه) من برای شما از جانب او ترساننده آشکارا

كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سِحْرٌ أَوْ
 کذا که پیش نیامده است نزد یک آنانکه پیش از ایشان بودند هیچ پنجامبر

سحر گفتند جادوگر نیست یا
 سحر گفتند جادوگر نیست یا

فَجَنُونٌ ۴ أَوْ أَصَوَابُهُ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاعُونَ ۵ فَنُفِّلْ عَنْهُمْ فَمَا
 دیوانه است آیا یا یکدیگر وصیت کرده آمده اند یا یکدیگر از ایشان کرده سرکش اند پس روئ بازگشت از ایشان پس بفرست
 دیوانه آیا یا یکدیگر وصیت کرده مرده اند یا این (آری) بلکه ایشان گروهی سرکشند پس روی گردان از ایشان پس نیستی

أَنْتَ بِمَلَكُوتِهِ ۶ وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ۷ وَكَانَ خَلْقُ الْحَجَرِ
 تو ملامت کرده شده و پندیده بر آینه پند دادن سود میدهد مومن را و نیافریده ام جن
 تو ملامت کرده شده و پند داده باش پس بگو (پند دادن نفع میدهد مومن را) و نیافریده ام جن

وَالْإِنْسِ إِلَّا لِبَعْدٍ ۸ وَمَا أَرِيدُ مِنْهُمْ شَرْقَ وَمَا أَرِيدُ أَنْ
 و انس را مگر برای آنکه بپرستند مرا می خواهم از ایشان رزق را و ستم خواهم کرد
 و انس را مگر برای آنکه بپرستند مرا یعنی از آنها بپرستند را خواهم این می خواهم از ایشان بچ رزق و منی خواهم کرد

يُطْعَمُونَ ۹ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۱۰ فَإِنَّ لِلَّذِينَ
 مرا طعام دهند هر آینه خدا بجهولست رزق دهنده خداوند توانای زور آور و پس بر آینه آنرا که
 طعام دهند مرا (هر آینه) الله همان است روزی دهنده خداوند توانای زور آور عده پس بر آینه است آنرا که

ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِّثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْتَبُونَ ۱۱ قَوْلٌ
 ستم کرده اند نصیب است یعنی از عقوبت مانند نصیب یاران گذشته ایشان پس باید که شتاب طلب نکنند از من پس دانستی
 ستم کرده اند نصیب مانند نصیب یاران گذشته ایشان پس باید که شتاب طلب نکنند از من پس وای

لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ۱۲
 کافران را ازل روز ایشان که وعده داده میشوند
 کافران را ازل روز ایشان که وعده داده میشوند

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۱۳ وَاللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۱۴
 بسم خداست بخشنده مهربان
 آغاز می کنم بسم خدا یگانه بی اندازه مهربان نهایت ماحم است

وَالطُّورُ ۱۵ وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ ۱۶ فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ ۱۷ وَالْبَيْتُ الْمَعْمُورُ ۱۸ وَالسَّعْفُ
 قسم به کوه طور و قسم بکتاب نوشته شده در کاغذ کشاده و قسم بجای معمر و قسم بسقف
 قسم است به کوه طور و کتاب نوشته شده در ورق کشاده و به خانه آباد و به سقف

الْمَرْفُوعُ ۱۹ وَالْبَحْرُ الْمَسْجُورُ ۲۰ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ۲۱ لِّمَن دَافِعٌ ۲۲
 برافراشته شده و قسم بدریا پر کرده شده هر آینه عذاب پروردگار تو یود نیست نیست اورا هیچ دفع کننده
 بلند و به دریای جوشان (پر) که به تحقیق عذاب پروردگار تو واضح شدنی است نیست اورا چیزی دفع کننده

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ۲۳ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ۲۴ قَوْلٌ يَّوْمَئِذٍ
 روزی که جنبش کند آسمان جنبش کردنی و روان شود کوه با روان شدنی پس دانستی آنروز
 روزی که بلرزد آسمان بلرزده آمد و روان گردد کوه با روان شدنی پس شایبی است در آن روز

لِّلْمُكَذِّبِينَ ۲۵ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ۲۶ يَوْمَ يَدْعُ عَوْنُ
 در روزی که شمارندگان را آنانکه ایشان به بے بوده گوئی بانه می کنند روزی که به سختی روان کرده ستونند
 برای تکذیب کنندگان آنانکه ایشان به پیروده گوئی باز نمی کنند روزی که بسخن روان کرده شوند

وَالطُّورُ ۱۵ وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ ۱۶ فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ ۱۷ وَالْبَيْتُ الْمَعْمُورُ ۱۸ وَالسَّعْفُ
 بسم خداست بخشنده مهربان
 آغاز می کنم بسم خدا یگانه بی اندازه مهربان نهایت ماحم است

الْمَرْفُوعُ ۱۹ وَالْبَحْرُ الْمَسْجُورُ ۲۰ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ۲۱ لِّمَن دَافِعٌ ۲۲
 برافراشته شده و قسم بدریا پر کرده شده هر آینه عذاب پروردگار تو یود نیست نیست اورا هیچ دفع کننده
 بلند و به دریای جوشان (پر) که به تحقیق عذاب پروردگار تو واضح شدنی است نیست اورا چیزی دفع کننده

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ۲۳ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ۲۴ قَوْلٌ يَّوْمَئِذٍ
 روزی که جنبش کند آسمان جنبش کردنی و روان شود کوه با روان شدنی پس دانستی آنروز
 روزی که بلرزد آسمان بلرزده آمد و روان گردد کوه با روان شدنی پس شایبی است در آن روز

لِّلْمُكَذِّبِينَ ۲۵ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ۲۶ يَوْمَ يَدْعُ عَوْنُ
 در روزی که شمارندگان را آنانکه ایشان به بے بوده گوئی بانه می کنند روزی که به سختی روان کرده ستونند
 برای تکذیب کنندگان آنانکه ایشان به پیروده گوئی باز نمی کنند روزی که بسخن روان کرده شوند

وَالطُّورُ ۱۵ وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ ۱۶ فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ ۱۷ وَالْبَيْتُ الْمَعْمُورُ ۱۸ وَالسَّعْفُ
 بسم خداست بخشنده مهربان
 آغاز می کنم بسم خدا یگانه بی اندازه مهربان نهایت ماحم است

الْمَرْفُوعُ ۱۹ وَالْبَحْرُ الْمَسْجُورُ ۲۰ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ۲۱ لِّمَن دَافِعٌ ۲۲
 برافراشته شده و قسم بدریا پر کرده شده هر آینه عذاب پروردگار تو یود نیست نیست اورا هیچ دفع کننده
 بلند و به دریای جوشان (پر) که به تحقیق عذاب پروردگار تو واضح شدنی است نیست اورا چیزی دفع کننده

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ۲۳ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ۲۴ قَوْلٌ يَّوْمَئِذٍ
 روزی که جنبش کند آسمان جنبش کردنی و روان شود کوه با روان شدنی پس دانستی آنروز
 روزی که بلرزد آسمان بلرزده آمد و روان گردد کوه با روان شدنی پس شایبی است در آن روز

لِّلْمُكَذِّبِينَ ۲۵ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ۲۶ يَوْمَ يَدْعُ عَوْنُ
 در روزی که شمارندگان را آنانکه ایشان به بے بوده گوئی بانه می کنند روزی که به سختی روان کرده ستونند
 برای تکذیب کنندگان آنانکه ایشان به پیروده گوئی باز نمی کنند روزی که بسخن روان کرده شوند

وَالطُّورُ ۱۵ وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ ۱۶ فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ ۱۷ وَالْبَيْتُ الْمَعْمُورُ ۱۸ وَالسَّعْفُ
 بسم خداست بخشنده مهربان
 آغاز می کنم بسم خدا یگانه بی اندازه مهربان نهایت ماحم است

إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ۚ أَلَمْ تَجْعَلُوا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بسم الله الرحمن الرحيم

أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

إِنَّمَا تُحْزَنُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۚ أَلَمْ تَكُنْ لَهُ آيَاتُ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

دران منهل
بهشتیان بسوی یکدیگر
موجر شده محبت خواهند
کرده کمال خوشنود
خواهند گفت که ما در دنیا
همیشه ترسان و لرزان
بودیم و فکری کردیم پس
از مرگ سرانجام چه
خواهد شد و اندیشه
کنیده همیشه در اندیشه
احسان پروردگار را
کنیده که امر و جهان را
ما مومن و مطمئن داشت
و از حرارت آتش دوزخ
برکنار فرموده است
ما از خدای خویش خوف
در عبادت و او را
میخوانیم - امروز دیدیم
که حضرت اوجحض به
لطف و کرم خود و لطف و
ماریده و باطنانکه
سزاوار عنایت او
رفتار نمودند کافرا
پیغمبر خدا را گاهی دیوانه
و گاهی کاین من گفته
و جهان می پنداشتند
که از جن باو شیاطین
چند خبر راست در روز
گرفته نشری کنند. گر این
مساندین این قدر نمی فهمید
که کلام دیوانه و کاجنی
تا امروز توانسته که چنین
تصاویح قیمت را رواند
زبانی حکیمان را بچنین
طرح آشکار و شائسته
بیان نماید ازین سبب
فرمود که آنها را از این
آنیک بدانی و نصیحت
پیغمبر را بایشان
ببرسان و از باوه
گوئی آنها افسرده
مشو. فضل و رحمت
کردگار یار و مددگار است
نه کاینی و نه بچون بلکه
رسول مقدس خدای
ازین سبب به تبلیغ

عده آیانجانی کنند
کلمات پیغمبر کلام
خانیست بلکه از دل
خود آنرا تراشیده است
و بدو در سبوی خدا
منسوب نموده ملی
تشفیه که برستی یقین
ندارد و نخواهد آنرا تسلیم
کنند چنین احتمالات
به بود و به بود و را
پیدا می کنند و نه برای
تحقق یا در گذشته قوی
بدرا بهمان نسبت است
همین مفهوم کافی است
که اگر مردم هیچ قوتی برای
دنیا را نمی گفتم باز هم
ماست این قرآن آورده
غیبت انداخته چنانکه یکس
نی تواند مثل خدا
زمین و آسمان پیدا
کنند سخن مثل قرآن
خدای توانا نام ساخته
نی تواند عده چرا
سخن پیغمبر را نمی پذیرند
آیا فوق ایشان خدای
نیست که پذیرفتن سخن
او بر آنها لازم باشد
آیا ایشان بدون کلام
آفریننده خود خود پیدا
شده اند یا خود را خدا
می پندارند و یا این
خیال خام را می برند که
آسمان زمین آفریده
خود آنهاست بنا بر این
هر چه میگویند میکنند
و هیچکس مانع آنها
نیست این همه
قیالات مجلی باطل و
مبطل است ایشان
هم در دل با آن خودی
دانند که خدا ضرور
موجود است که خود
ایشان و جمیع
آسمانها و زمین را انشاء
پیدا آورده است
اگر یا وجود این علم
از انان ایمان و ایتقینی

تَرَبُّوا فَاِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنَافِقِينَ ۝ اَمْ تَأْمُرُهُمْ اَحْلَافُهُمْ هَذَا
انتظار بقیه بر آینه من باشد از انتظار کشند کلام
انتظار برید به (تحقیق) من نیز باشد از انتظار کشند
اَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاعُونَ ۝ اَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ فَلْيَاثُوا
یا ایشان گروهی سرکش اند آیمای گویند بر بسته است قرآن را نه بلکه ایمان نه آید که بیارند
یا ایشان گروه سرکش اند آیمای گویند که خود گفتار است قرآن را بلکه ایشان ایمان نمی آورند پس باید بیارند
بِحَدِيثٍ مُثْلِهِ اِنْ كَانُوا صِدْقًا ۝ اَمْ خَلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ اَمْ هُمْ
سخن مانند این اگر راست گویند آیمایشان آفریده می شوند بلیز آفریننده یا ایشان
سخن مانند این اگر راست گویند آیمایشان آفریده شده اند بدون آفریننده یا خود ایشان
اَلْخَالِقُونَ ۝ اَمْ خَلَقُوا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بَلْ لَا يُؤْفِقُونَ اَمْ عِنْدَهُمْ
خود آفریدگار اند آیمایشان آفریده اند آسمان با زمین را بلکه ایشان باور نمی کنند آیمایشان آفریدگار اند
آفرینندگان اند آیمایشان آفریده اند آسمان با زمین را (نچنین است) بلکه یقین نمی کنند عده آیمایشان آفریدگار اند
خَرَجَ اِنْ رَّيَّاكَ اَمْ هُمُ الْمُضْطَرُّونَ ۝ اَمْ لَهُمْ سُلٰكٌ يَسْتَعْمِلُونَ
خزانه های پروردگار است یا ایشان خزانه جیره دست آیمایشان را بر دانه هست که بران صدور کرده
خزانه های پروردگار است یا ایشان شد مسلط شدگان (غالان) آیمایشان را از زینت ابریت که می رستند
فِيْهِ فَلْيَاثِرْ مُسْتَقَرُّهُمْ سُلٰطَنٌ مُّبِيْنٌ ۝ اَمْ لَهُ الْبَنٰتُ وَلَكُمُ
میتواند پس باید که بیارند سخننده ایشان دلیل ظاهر را آیمایشان را دختران پیدا می شوند شمارا
بران پس باید که بیارند سخننده ایشان سند آشکار آیمایشان را دختران و دختران و شمار است
اَلْبَنُونَ ۝ اَمْ تَسْأَلُهُمْ اَجْرًا فَمَنْ مَّغْرَمٌ مِّمَّنْ قَالُوْنَ اَمْ عِنْدَهُمْ
پسران آیمایشان می گویند از ایشان مزد می رسد بر راست پس ایشان از عزامت گرانبار شده اند آیمایشان آفریدگار اند
پسران آیمایشان می گویند از ایشان مزد می رسد بر راست پس ایشان از عزامت گرانبار شده اند آیمایشان آفریدگار اند
الْغَيْبُ فَمَنْ يَكْتُمُونَ ۝ اَمْ يَكْرِيدُوْنَ كَيْدًا فَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا هُمْ
علم غیب است پس ایشان می نویسند آیمایشان خواهند بداند یقینی پس کافران ایشان در
علم غیب است پس ایشان نوشته نگاه میدارند آیمایشان خواهند بداند یقینی پس آیمایشان در
الْمَكِيْدُونَ ۝ اَمْ لَهُمْ اِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ۝ و
ضرر بداند یقینی گرفتار شده آیمایشان را معبودی هست بخیر خدا یا که خدا است از آنکه شرک می کنند و
ضرر بداند یقینی گرفتار شده آیمایشان را معبودی بخیر الله پاک است خدای از آنکه شرک می آورند و
اِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوْا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ ۝ فَذَرْهُمْ حَتّٰى
اگر ببینند یک باره از آسمان افتاده گویند این ابر است برهم نشسته پس بگذار ایشان را تا آنکه
اگر ببینند باره از آسمان ریزد آینه گویند ابر است تیره پس بگذار ایشان را تا آنکه
يَلْقَوا يَوْمَهُمُ الَّذِيْ فِيْهِ يَصْعَقُونَ ۝ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ
لذات کنند بان روز خود که در آن بے پوشش کرده شوند روز بدیع تلفند از ایشان که ایشان
لذات کنند آن روز خود که در آن بے پوشش کرده شوند روز بدیع تلفند از ایشان که ایشان
مَشٰوَا لَا هُمْ يَنْصُرُوْنَ ۝ وَاِنْ لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا عَذَابًا دُوْنَ ذٰلِكَ
چیز را و نه ایشان نصرت داده شوند و هر آینه ستمکاران را عذاب است غیر این
چیز را و نه ایشان مدد کرده شوند (و تحقیق) ستمکاران را عذابی است پیش اذان
وَلٰكِنْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝ وَاَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَانَّا كَبٰعُ عَيْنِنَا وَا
و لیکن اکثر ایشان نمیدانند و صبر کن بانتظار حکم پروردگار خود هر آینه تو حضور چشم مانی و
و لیکن اکثر ایشان نمی دانند و با حق منتظر (صبر کن) هر گاه پروردگار خود را پس (بدیعی که) تو پیش نظر مانی و

فلما بينت ان
هنات علم الانسان
١٢ الفير عثمان
٥ بقية ٥٥ - ورب

خود را بدل خود بد این
رویت تنها بد این طلب
نمود ملک طلب بصیر بود
از دیدار پروردگار بهر دور
ولدت اندر زبون چنانکه
از دماغ البصر بر می
آید از همین سبب یاد
این عباس در بعض روایات
ظلالی فرموده که راه
مرتین مرتبه تقطیع می نمود
درین موقع از دوا بار داشت
مطلب این است که
در یک وقت واحد دو
طریق دیدار کمالی را
حدیث «انشق القمر»
بکلام مرتین تا هم بدین
چشم ظاهری

و هم بدین
چشم دل آما
باید دانست که این رویت
آن درستی نیست کفنی
آن در «لا تدرک الابصار»
کرده شده زیرا که غرض
انسان نفی احاطه است
یعنی نگاه با احوال
کرده نمی تواند علاوه
بر آن چون از این علم
پرسیده شد که دعوی
رویت مخالف آیت
«لا تدرک الابصار»
می باشد فرمود -

رویک واک
از آنجا که

الذی هو نوره
ترندی ازین معلوم شد
که تجلیات و الوارطه اند
قدوس متفاوت است

بعض الوارطه البصر
است و بعض نیست
و رویت در فی الجمله
هر دو در حدیثی است

و از این سبب می توان
گفت که در حدیثی که در آخر

فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ۚ وَكُم مِّن تِلْكَ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ

پس خدا تراست آنچه و این جهان و بسیار فرشته اند در آسمان باشد که نفع نمی کند شفاعت ایشان
پس تراست نیکی آن جهان و این جهان و بسیار فرشته است در آسمان با نفع نمی کند شفاعت ایشان

شَيْءٌ إِلَّا مِنْ بَعْدِ ۚ إِنَّ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ ۚ إِنَّ الَّذِينَ

چیزی را مگر بعد از آنکه حکم دهد الله برای کسیکه بخواهد خدا و پسند کند (بجای آنکه)

لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيْسُوا مِنَ الْمَلِكَةِ تَسْمِيَةِ الْأَنْتَ ۖ وَمَا لَهُمْ بِهِ

باور ندارند آخرت را مسمی می کنند فرشتگان را بنام و نیت ایشانرا بشود این مقدمه
ایمان نمی آرند بر آخرت (سر آینه) بنامند ملائکه را بنام زنان و نیت ایشان را باین (گفته خود)

مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَسْمَعُونَ إِلَّا الظَّنَّ ۚ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا

باینچ دانش پیروی نمی کنند مگر وهم را و هر آینه وهم نفع نمیدهد از شناخت حقیقت چیزی را
باینچ علم پیروی نمی کنند مگر وهم را و بدستیک وهم نفع نمیدهد از شناخت حقیقت چیزی

فَاَعْرِضْ عَنْ مَن تَوَلَّىٰ ۚ عَنْ ذِكْرِ نَاوَكُم يَرُدُّ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۚ هَٰذَا

پس اعراض کن از کسی که روگردان شد از یاد کردن ما و طلب نکرد مگر زندگانی این جهان را اینست
پس اعراض کن از کسی که روگردانید از ذکر ما و طلب نکرد مگر زندگانی دنیا را این است (طلب دنیا)

مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِهِمْ صَلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ

هنایت ایشان از رومی دانش و هر آینه پیرو دگر گو دانا است بهر که غلط کرد راه خدا و دوست
رسیدن ایشان از علم تحقیق کرد تو او دانا تراست بهر کسی که گمراه شده از راه او داد

أَعْلَمُ بِهِمْ اهْتَدَىٰ ۚ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ

دانا بهر که راه یافت و خدا تراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است عاقبت کار جز ابد
دانا تراست بهر که راه یافت و تراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا جز ابد

الَّذِينَ اسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِي الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحَسَنَةِ ۚ الَّذِينَ

آنانرا که بدکاری کردند بحسب آنچه عمل نمودند و جزا دهد آنان را که نیکی کاری کردند بحسب نیک آنانکه
آنانرا که بدی کردند قرار عمل شان و جزا دهد آنان را که نیکی کردند بنیاد ایشان نیک است آنانکه

يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْأَثَمِ وَالْفَوَاحِشِ ۚ إِلَّا اللَّتَمُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ

پرهیزگاری می کنند از کبائر گناهان و بیهوشی با سوائے کنهان صغیره هر آینه پروردگار بسیار آمرزش است
پرهیز می کنند از گناه بزرگ و از کارهای بی حیائی لیکن از اندک آلودگی را که لغو صغیره تحقیق در آمرزش پروردگار تو بجا

هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَتُمْ فِي بُطُونِ

او است دانا باحوال شما و قتی که پدید کرد شما را از زمین و وقتی که شما بچید بودید در شکم
او دانا تراست باحوال شما و قتی که پدید کرد شما را از زمین و وقتی که شما بچید بودید در شکم باغی

أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوهُ أَنْفُسَكُمْ ۚ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَىٰ ۚ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي

مادر این خویش پس ستایش نمید خویشتن را خدا دانا تراست بهر که پرستش کرد آیا دیدی کسی را که
مادر این خود پس ستایش نمید نفس باشد خود را دانا تراست بهر که پرستش کرد آیا دیدی کسی را که

تَوَلَّىٰ ۚ هُوَ غَطَّىٰ قَلِيلًا وَكَثِيرًا ۚ وَابْرَهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ ۚ إِلَّا تَرَوْا نِسْرَةً

روگردان شد و داد اند که از مال و سخت دل شد آیا نزدیک او است علم غیب پس گویا او هر چیز را محشم می بیند آیا
روی گردانیده و داد اندکی و سخت دل شد آیا خرد او است علم غیب پس او می بیند هر

لَمْ يَكُنْ بِمِثْلِهِ مِثْلُ مُوسَىٰ ۚ وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ ۚ إِلَّا تَرَوْا نِسْرَةً

خبر داده نشد باینچ در صحیفه موسی و ابراهیم که نادر بود مقصودش آنکه می خواهد داشت هیچ بر دارنده و
خبر داده نشد باو به آینه در صحیفه موسی و صحیفه ابراهیم و نادر بود که بر نمی دارد هیچ بر دارنده

و از این سبب می توان گفت که در آخرت تعجب عوامان میشود و حق است که توبه بینائی ایشان نیز و کامل تر ساخته میشود و هیچ وقت پیر

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ١ فَقَالُوا أَبَشَرًا مِمَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُ ٢ إِنْ أَتَاكُمْ

دروغ نموده قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یکدم از قوم خود را پیروی کنیم (هر آینه ما آن گاه

لَغَى ضَلِيلٌ وَ سَعِيرٌ ٣ الْغَى الذِّكْرُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ ٤

در گمراهی و دیوانگی با شیعه آیا نازل کرده شد بر دوسه و جمعی از میان ما می بلک او دروغ گوئی

أَشْرَ ٥ سَبِّعَلُونَ غَدًا آمِنُ الْكَذَّابُ ٦ إِلَّا مَرْسَلُوا ٧

خود پسندست خواهند داشت فردا کیست دروغ گوئی خود پسند هر آینه ما خوانیم فرستاد

النَّافِرِ فَنَنَّا لَهُمْ فَأَرْتَقِبْهُمْ وَأَصْطَبِرْ ٨ وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ

باده شتر را بجهت آبیاری ایشان را پس ای صاحب خطرات ایشان بادش و صبر پیش گیر و خبردار کن ایشان را که آب مقسوم است

بَيْنَهُمْ ٩ كُلٌّ لِنَشْرِبِ مَحْتَضَرٌ ١٠ فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ ١١

در میان ایشان بهر یک حصه از آب حاضر شود صاحبش پس آواز دادند یار خود را پس دست درازی کرد و بجز درج ساخت

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ١٢ إِنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً

پس چگونه بود عقوبت من و ترسانندگهای من هر آینه ما فرستادیم بر ایشان یک تیره

فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْحَمِيطِ ١٣ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلَّذِينَ هُمْ مِنْ

پس شدند مانند خیزله در هم شکسته و در حقیقت آسان گردانیدیم قرآن را بر آسانست پس آید هست هیچ

مُدَّكَ ١٤ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ١٥ إِنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا ١٦

بند گیرنده است دروغ نموده قوم لوط ترسانندگان را هر آینه ما فرستادیم بر ایشان باد سنگباراننده

إِلَّا لَوْ طَافَ لَبِئْسَ مَا كُنَّا لَكَ بِنِعْمِي مِنْ شُكْرٍ ١٧

ای خانه لوط که خاص ساخته ام ایشان را وقت محرم برای از تو و یک خویش هم چنین برای دهم هر گاه شک گذاری کردی

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ بَيْنِنَا لَوْ طَافَ لَبِئْسَ مَا كُنَّا لَكَ بِنِعْمِي مِنْ شُكْرٍ ١٨

و هر آینه تو ترساننده بود ایشان را از عقوبت ما پس مکاره کردند در آن ترسانندگها و هر آینه سخن گفتند تا غفلت و دست لوط را از

صَبِغَهُ وَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ١٩ وَلَقَدْ صَبَّحَهُم

خطاهان او پس محو کردیم چشم ایشان را پس بختید عذاب مرا و ترسانندگان مرا و هر آینه غارت کرد ایشان را

بِكُرَّةٍ عَذَابٌ مُسْتَقَرٌّ ٢٠ وَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ٢١ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ

یک نگاه عقوبت جانی گیرنده پس بختید عذاب مرا و ترسانندگهای مرا و هر آینه آسان ساختیم قرآن را

لِلَّذِينَ هُمْ مِنْ مُدَّكَ ٢٢ وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ٢٣ كَذَّبُوا

بر آسانست پس آید هست فکر کنند (پند گیرنده) و هر آینه آمدند خویشان و ندان فرعون را ترسانندگان بملکد یب کردند

فل منترجم کویا خطبه
احاط است که از شاهان
خشک و خار بر آس
گوسفند بنا کنند و آن
مردان یا ناچار
سے گرد خدا شاهی را آن
پانچاں مشه تشبه دار
تفسیر عثمانی
سے فرشتہ آسمانی
نیست بلکد اند ما
یک بشر است و ملا
بر ان تنها است که
پنج قوت و جمعی ندارد
میخواهد که نا معلوب
و تابع خود بسیار
چنین نمی شود تنهای
چون و حماقت خواهد
بود که گرفتار دام تبلیغ
او گردیم - او مار ابر
که او گمراهی قبول نکردید
در آتش خواستند آفتاب
عالم که او قهر بر عکس
است چه اگر مبالغ
او شوم که او خود را در
آتش می افکند
عنه حضرت شاه
صاحب رحم الله
تعالی اختیارید آن
شتراده بهر آینه
میرفت همه جانورین
می روید مدعی می گردیدند
الله تعالی نوبت مقدر
فرمود که یک روز او برود
در دزد بیکر جانوران دیگر
آب نوشند
حضرت شاه صاحب
رحم الله اختیارید
دزد بدکاری که یک
تند او را نمی داشت
یک رفیق خود را تحریک
کرد که شتر را بداند
آن مرد شتر را می کرد
لله یعنی حضرت
لوط علیه السلام را
ملکد یب کردند لوط
را بلکه تمام پیغمبران را

والمعنى بهوالت
توان گرفت ١٢-
تفسير عثمان

عنه جبرئيل سامع
دادن هم در حق نادران
حقیقه انعام است و
بیان کردن این سزا
تامرود از استماع آن
دست از گناه کشند
نیز یک انعام مستقل است
حضرت شاه صاحب
(رحمه الله) بنویسد
«در هر آیت نعمتی را
نشان داد، بعضی

از آنها فی الحال
نعمت است
و در باب دیگری
خبر دادن هم نعمت است
تا از آن
گناه کنند»

عنه از انسان
و باین فرض اینکه در کتاب
گناهان او علم آوری
شود سوال کرده نمی شود
زیرا که خدای تعالی از

ازل هر چیز را میباید
و آگاه است البته
بلور الزام و توقع
استغفار قانونی پس
می آید که تا آن «فربک
لنقلنهم المصعین» (در حجر
رکوع ١٦) و یا مطلب
این است که بوقت
برخاستن از قبر با

سوال می شود اما پرسش
بعد از آن منافی آن
نمیست مع کسیکه
در دنیا خائف بر اسرار
بود از عجز و بی کمبود

رب خود ایستاده شد
و در دوزخ حساب ادا
دارد و از سبب همان
بیم و ترس از تلافی
الله گناه می کرد و گناه
براه می گوی روحانی
بود برای وی در بهشت

و در باغ عالیشان همیا
است که صفات آن حد آیت
ما بعد بیان کرده شده ١٢-

الْأَعْرَبُ كَيْفَ تُكْذِبُ ١١ فَاذْ انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ١٢

از نعمت باین پروردگار خویش دروغ می شمرید پس چون بشکند آسمان
نعمت های پروردگار خود شما هر روز و تلذیب می کنید پس چون باره گردد آسمان

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ١٣ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ قِي

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید پس آنروز سوال کرده نشود
پس کدام نعمت های پروردگار خود شما هر روز و تلذیب می کنید پس در آن روز پرسیده نشود از گناه او یا هیچ آدمی

لِأَجَانٍ ١٤ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ١٥ يَعْرِفُ الْبَحْرُ مَوْنَ بِسِيمَاهُ فَيُؤْخَذُ

نه حتی پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید
نه چون صیقل بکدام نعمت های پروردگار خود شما هر روز و تلذیب می کنید

بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ١٦ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ١٧ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي يُكَذِّبُ

موسسه پیشانی و پایها نیز پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید
از موسسه های پیشانی و از پایها پس کدام نعمت های پروردگار خود شما هر روز و تلذیب می کنید

بِهَا الْبَحْرُ مَوْنَ ١٨ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِئٍ آبٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

آنها را در میان آتش و میان آب و گرم جوشیده
آنها را در میان گرم جوشان پس کدام نعمت های پروردگار خود

تُكَذِّبُ ١٩ وَلَيْسَ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ٢٠ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ٢١

دروغ می شمرید و کسی را که ترسیده است از آستانه حق پروردگار خویش در دوستان
شما هر روز و تلذیب می کنید و کسی را که ترسیده است از آستانه حق پروردگار خویش در دوستان

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ٢٢ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ٢٣ فِيهَا عَائِشٌ تَجْرِي ٢٤

در دوستان خدادانه شاهانه پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید
در آن مشاهیر بسیارند پس کدام نعمت های پروردگار خود شما هر روز و تلذیب می کنید در آن دو بوستان دو چشمه میروند

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ٢٥ فِيهَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ رِزْقٌ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خود دروغ می شمرید در آن دو بوستان از هر میوه دو قسم باشد
پس کدام نعمت های پروردگار خود شما هر روز و تلذیب می کنید در آن دو از هر میوه دو قسم می باشد پس کدام نعمت های پروردگار خود

تُكَذِّبُ ٢٦ مُتَكِينِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَاتُ الْجَنَّتَيْنِ ٢٧

دروغ می شمرید متکیان بر فرشهای پست که استرآن از حریر است و دیوه آن دو بوستان نزدیک بود
شما هر روز و تلذیب می کنید متکیان بر فرشهای پست که استرآن از حریر است و دیوه آن دو بوستان نزدیک است

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ٢٨ فِيهِنَّ قُصُورٌ الطَّرِيقُ لَمْ يَطْنِئْنَ إِلَّا قَبْلَهُنَّ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید در آن کوچهها جواران باشند و از آنها چشمهها جاری است و آنها را هیچ آدمی پیش از آن
پس کدام نعمت های پروردگار خود شما هر روز و تلذیب می کنید در آن کوچهها جواران باشند و از آنها چشمهها جاری است و آنها را هیچ آدمی پیش از آن

وَالْجَانُّ ٢٩ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ٣٠ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ٣١

و در آن جانی پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید در آن گویایان جواران یا قوت و در جان اند
پس کدام نعمت های پروردگار خود شما هر روز و تلذیب می کنید در آن گویایان جواران یا قوت و در جان اند

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ٣٢ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ٣٣ فَبِأَيِّ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید جز اینست جزای نیکی کاری مگر انعام بسیار پس کدام یک
پس کدام نعمت های پروردگار خود شما هر روز و تلذیب می کنید جز اینست جزای نیکی مگر نیکی پس کدام

الْأَعْرَبُ كَيْفَ تُكْذِبُ ٣٤ وَمِنْ دُونِهَا جَنَّاتٌ ٣٥ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبُ ٣٦

از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید و غیر اینها جنانهاست پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید
نعمت های پروردگار خود شما هر روز و تلذیب می کنید و غیر اینهاست پس کدام نعمت های پروردگار خود شما هر روز و تلذیب می کنید

مَدَهَا مَتْنٌ ١٩ فَبَايَ الْاَرَبِكَمَا تَكْذِبُنِ ٢٠ فِيْهَا عَيْنٌ نَّصَاحَتِيْ فَبَايَ ٢١

در دوستان سبز که از غایت سبزی بسیار میزند پس کدام یک را از نعمت بانی پروردگار خویش دروغ می گویند در آن دو بهشت هست دو چشمه جوشنده باشند پس کدام

اَلْاَرَبِكَمَا تَكْذِبُنِ ٢٢ فِيْهَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرَمَانٌ ٢٣ فَبَايَ الْاَرَبِكَمَا تَكْذِبُنِ ٢٤

از نعمت بانی پروردگار خویش دروغ می گویند در آن دو بهشت هست درختان خرم و انار باشند پس کدام یک را از نعمت بانی پروردگار خویش دروغ می گویند

فِيْهِنَّ خَيْرٌ حَسَنٌ ٢٥ فَبَايَ الْاَرَبِكَمَا تَكْذِبُنِ ٢٦ حَرَمٌ مَّقْصُورٌ ٢٧

در آن کوشتها زنان برتر از باده با جمال باشند پس کدام یک را از نعمت بانی پروردگار خویش دروغ می گویند حرمی است که از هر مردی که بخواهد

فِي الْاَحْجَامِ ٢٨ فَبَايَ الْاَرَبِكَمَا تَكْذِبُنِ ٢٩ لَمْ يَطْمِئِنْهُمْ اَنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا ٣٠

در جهنم پس کدام یک را از نعمت بانی پروردگار خویش دروغ می گویند هرگز آرام نگرفتند پس کدام یک را از نعمت بانی پروردگار خویش دروغ می گویند

جَانٌ ٣١ فَبَايَ الْاَرَبِكَمَا تَكْذِبُنِ ٣٢ مَتَكِيْنٌ عَلٰى فَرْوِ خَضِرٍ وَعَبْقَرِي ٣٣

پس کدام یک را از نعمت بانی پروردگار خویش دروغ می گویند در آن دو بهشت هست درختان سبز و درختان بنفشه

حَسَنٌ ٣٤ فَبَايَ الْاَرَبِكَمَا تَكْذِبُنِ ٣٥ تَبَرُّكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ الْاَكْبَرِ ٣٦

پس کدام یک را از نعمت بانی پروردگار خویش دروغ می گویند در آن دو بهشت هست نام پروردگار تو خداوند بزرگ و انعام

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ٣٧ وَتَسْبِيْحٌ لِّرَبِّكَ ٣٨

بسم الله الرحمن الرحيم این دعا را بخواند هر روز یکصد بار

اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ١ لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ ٢ خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ٣

اِذَا رَجَّتِ الْاَرْضُ رَجًّا ٤ وَبَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ٥ فَكَانَتْ هَبَاءً ٦

مُتَبَيَّنًّا ٧ وَكَانَ اَرْوَاجًا ثَلَاثَةً ٨ فَاصْحَابُ الْبَيْمَنَةِ ٩ مَا أَصْحَابُ

السَّبْقُونَ ١٠ اُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ١١ فِى جَنَّتِ النَّعِيمِ ١٢ ثَلَاثَةٌ ١٣ مِنَ الْاَوَّلِينَ ١٤

وَقَلِيلٌ مِنَ الْاٰخِرِينَ ١٥ عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ ١٦ مَّتَكِيْنٍ عَلَيْهَا مَتَقِلِيْنٌ ١٧

وَالَّذِينَ كَانُوا اَزْوَاجًا ١٨ هُمْ اَزْوَاجٌ ١٩ هُمْ فِيْهَا مُقَرَّبُونَ ٢٠

وَالَّذِينَ كَانُوا اَزْوَاجًا ٢١ هُمْ اَزْوَاجٌ ٢٢ هُمْ فِيْهَا مُقَرَّبُونَ ٢٣

وَالَّذِينَ كَانُوا اَزْوَاجًا ٢٤ هُمْ اَزْوَاجٌ ٢٥ هُمْ فِيْهَا مُقَرَّبُونَ ٢٦

وَالَّذِينَ كَانُوا اَزْوَاجًا ٢٧ هُمْ اَزْوَاجٌ ٢٨ هُمْ فِيْهَا مُقَرَّبُونَ ٢٩

وَالَّذِينَ كَانُوا اَزْوَاجًا ٣٠ هُمْ اَزْوَاجٌ ٣١ هُمْ فِيْهَا مُقَرَّبُونَ ٣٢

وَالَّذِينَ كَانُوا اَزْوَاجًا ٣٣ هُمْ اَزْوَاجٌ ٣٤ هُمْ فِيْهَا مُقَرَّبُونَ ٣٥

فل یخبر المسلمان
شوند که در آن روز
یعنی از امام سجاد
تفسیر عثمانی
عنه حضرت شاه
صاحب (رحمه الله)
میفرماید پیشتر
است از امام سجاد
پسند عبارت از من
امت (محمدیها) است
و یا اولین از
همین امت (مرا را بخند)
یعنی افراد درجه اعلی
پیشتر به تعداد زیادند
اندر بعد از آن که شتر
میروند تنه اکثر
مفسرین در تفسیر
آیت این هر دو
احتمال را بیان کرده
اندر حافظ ابن کثیر
(رحمه الله) احتمال
دوم را ترجیح داده
در روح المعانی
حدیث ابو بکره را
از طبرانی و غیره پسند
حسن نقل کرده است
که در آن رسول کریم
صلی الله علیه وسلم
راجع باین آیت
فرموده اند «ما جمیعاً
من جمه الامه والاشد
اعلم» این کثیر یک
مطلب سوم آیت است
را بیان کرده این نزد
الله (شیر احمد) آنرا
پسندی کند یعنی در
طبقه اولی همراه است
برکت صحبت پیغمبر و یا
قرب زمان از مقربین
درجه اعلی بسیارند و
طبقات باید آن سخن
نماند «کما قال علی الله
صلی الله علیه وسلم خیر القرون
قونی فی الذین یلوئهم

مل بی بفتح و دال

تفسیر عثمان

عده در آنجا سخنان

نوعی باشد نه کسی

و در غای گوید نه بدی

تهدید و پشیمانی کند

از هر طرف تنها آواز

های سلام یا سلام

یا بلند میشود بعضی چنان

یکدیگر را در فرشتگان

بر جنتیان سلام می کنند

و سلام رب کرم میرسد

که صحتی است از احد

و اکرام نهایت زیاده است

کثرت سلام اشاره

ببوی این مطلب

است که اکنون در اینجا

رسیده از تمام آفات

و مصائب دنیا مضبوط

و مقنون و محمول

می باشد بچگونگی آزار

بشایسته رسد گاهی نه

موت و فتنه و شای

آیه طه

میوه های گوناگون

و نهایت فراوان

نه بیشتر کسی آنرا بد

جیده و مانند صواب است

و بعضی دوقی و دیناست

که تنم شود بلکه ابد با باد

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقْرَءُوْا لِهٰذَا الْقُرْاٰنِ حَتّٰى يَخْرُجَ الشَّمْسُ

آورد شدی کند بر ایشان نور جوان جاویدان

مَرِيْعِيْنَ ۝ لَا يَصْلَحُوْنَ عَنْهَا وَاَنْتُمْ فَوْقَ ۝ وَفَاِذْ هِيَ تَخْرُجُ

شراب جاری نه در سر داده شود ایشانرا از آن شراب و نه بیخوش شوند

وَلَحِمَّ طَيْرٍ مِّمَّا بَشَنَّهُوْنَ ۝ وَحُوْرٌ عِيْنٌ ۝ كَاَمْتَالٍ لِّلْوَلُوْءِ الْمَكْنُوْنِ

و با گوشت مرغیان از هر جنس که پسند کنند

بِحَرَّاءٍ يُّنَاكَ اَوْ اَيُّعْمَلُوْنَ ۝ لَا يَسْمَعُوْنَ فِيْهَا نَحْوًا وَّلَا نَذِيْرًا ۝

با دوش دیمیم کسب آنچه می کردند

سَلَامًا سَلَامًا ۝ وَاَصْحَابُ الْيَمِيْنِ ۝ مَا اَصْحَابُ الْيَمِيْنِ فِيْ سِدْرٍ مَّخْضُوْدٍ

سلام یا سلام یا بعد و اطعام و دست راست

وَوَظِلٍّ مِّنْ دُوْدٍ ۝ وَكُمَاءٌ مَّسْكُوْبٍ ۝ وَفَاِذْ هِيَ كَثِيْرَةٌ

در درختان کوه تو بر تو غره آن و در سایه دراز

لَا مَقْطُوْعَةٌ وَّلَا مَمْنُوْعَةٌ ۝ وَفَرَشْنَ الْمُرُفُوْعَةَ ۝ اِنَّا اَنشَاْنَهْنَ اَنْشَاءً

نه پاره ای رسد و نه از آن منع کرده شود

فَجَعَلْنَهْنَ اَبْكَارًا ۝ عَرَبًا اَنْرَابًا ۝ وَاَصْحَابُ الْيَمِيْنِ ثَلَاثَةٌ ۝

پس ما قسیم ایشانرا دهیم و نیزه خوب شوند نزدیک شوهران

الْاَوَّلِيْنَ ۝ وَثَلَاثَةٌ مِّنَ الْاٰخِرِيْنَ ۝ وَاَصْحَابُ الشِّمَالِ ۝ مَا اَصْحَابُ

پیشینان

الشِّمَالِ ۝ فِيْ سَمُوْمٍ وَّحَمِيْمٍ ۝ وَظِلٍّ مِّنْ يَّحْمُوْمٍ ۝ لَا يَارِدُوْهُ

دست چپ

اَلْكُرْبِيُّ ۝ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَبْلَ ذٰلِكَ مُّزَوِّجِيْنَ ۝ وَكَانُوْا اَبْصَرُوْنَ ۝ عَلٰى

نه با عزت بود هر آینه ایشان بودند پیش از این

الْجَنَّةِ الْعَظِيْمِ ۝ وَكَانُوْا اَيُّوْمًا وَّكُنَّا نَرٰ اٰبَاوَعِظَامًا

کناه بزرگ یعنی شرک

عَاثًا لِّلْبَعُوْثُوْنَ ۝ وَاَبَاوُنَا الْاَوَّلُوْنَ ۝ قُلْ اِنَّ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ

آما را بر آنچه می شویم

۝ اِنَّمَا هِيَ اُمَّةٌ مِّمَّنْ خَلَقْنَا ۝ وَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقْرَءُوْا لِهٰذَا الْقُرْاٰنِ حَتّٰى يَخْرُجَ الشَّمْسُ

آما را بار دیگر بر آنچه می شویم

۝ اِنَّمَا هِيَ اُمَّةٌ مِّمَّنْ خَلَقْنَا ۝ وَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقْرَءُوْا لِهٰذَا الْقُرْاٰنِ حَتّٰى يَخْرُجَ الشَّمْسُ

۝ اِنَّمَا هِيَ اُمَّةٌ مِّمَّنْ خَلَقْنَا ۝ وَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقْرَءُوْا لِهٰذَا الْقُرْاٰنِ حَتّٰى يَخْرُجَ الشَّمْسُ

فلا يفتن مني رايه
 يعني تفتيت مني رايه
 از حاله بحاله تا آدمي
 پيدا اى شود و الله اعلم
 فلا يفتن مني رايه

تفسير عثمان
 س که کس است
 کوردم با در لفظه
 راي سازد در آنجا
 ظاهر و بجلي از شما
 نیز نفوذ ندارد پس
 بدون ذات مقدس
 با کست که در فطرت
 چنين صورت دلپذير
 را در هم يکي و باز دران
 روح ميده عطف

در ظاهر فخر را شاد و زين
 چپايشيد ليکن در داخل
 خاک آن را برورش
 دادن باز آن را بر آرد
 کشت سبز و خرم را سوز
 کار کيست و کيست
 باين پنج دخواست قاهر
 و سطح هم کرده نمی تواند
 که آن تيار کردگی است
 در بايان هم بگويم
 ميشود و در خزانه است
 زمين هم آن آب را
 فقط ما فخره می گفتم
 چه قدرت داشتند که
 آب را می ساقط و يا
 پديد نو شعله و رستی
 از ابرهای ستايند
 لعل اگر بخوانيم آب
 شيرين زلال را
 بفرست العين شود و محبت
 تحت بگردانيم که آنرا
 نوشيده چو ايند و زيبا
 زراعت شايد پديد
 شامسان را بچل
 می گويد که
 چو بديار
 خزان آب
 انديشيدن را بافتند
 از اشتهایم در بعض

لَجِبُوا حَتَّىٰ هَلَّىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ١٣ ثُمَّ لَأَن تَكُونُوا أَصْحَابُ

جمع کرده شوند در ميعاد يك روز مقرر باز هر آينه شما اسے گرايان

الْمَكْدُوبُونَ ١٤ لَأَن تَكُونُوا مِنْ جَحِيمٍ ١٥ ثُمَّ لَأَن تَكُونُوا مِنْهَا الْبَاطِلُونَ ١٦

درد و مضارندگان خواهد خورد از درختان زقوم پس بخوايد کرد از ان زقوم شکم بار
 تذبذب کنندگان البته می خوريد از درختی که آن زقوم است پس می گويد از ان شکم بار

فَتَارِيُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ١٧ فَتَارِيُونَ شَرِبَ الْهَيْدِ ١٨ هَلَّا أَتْرَهُم

پس خواهيد آشايد بران طعام از آب گرم پس خواهيد آشايد مانند آشايدان شتران سستيم اينست مهايي اليك
 پس مي نوشيد بران انگ آب جوشان پس مي نوشيد مانند تو مي دن شتران ان لفظي زده اين است مهايي اليك

يَوْمَ الدِّينِ ١٩ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ فَلَوْلَا تَصَدَّقُونَ ٢٠ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ٢١

ما آفرينيم شما را پس چرا بادر نمی گويد يعني اعاده را آيا می بينيد آنچه نيز مي گويد در زمين و صل
 روز الحساب لجزا ما آفرينيم شما را پس چرا تصديق نمی گويد پس خوب بخريد (آيايديد) آني را که نيز نماند (در زمين)

أَن تَكُونُوا كَالْفُحَّوْنِ ٢٢ أَمْ كُنْتُمْ تَقْدَرُونَ ٢٣ أَن نَّبْنِيَ بَنِيكُمْ الْمَوْتَ وَنَا

آيا شماي آفرينيد آنرا يا ما آفرينيد ايم و ما معين کرديم در ميان شما مرگ را و ميستيم
 آيا شماي آفرينيد آنرا يا ما آفرينيد ايم ما معتر کرديم در ميان شما مرگ را و ما ميستيم

نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ٢٤ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَلَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ٢٥

ما عاجز کرده شده از آنکه عوض شما آريم قوسه مانند شما و بيا فرستيم شما را در عطف که مي گويد
 ما عاجز شده از آنکه عوض شما آريم قوسه مانند شما و بيا فرستيم شما را در عطف که مي گويد

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ٢٦ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ٢٧

و هر آينه دانسته ايد آفرينش نخستين را پس چرا پسند نمی گويد آيايديد آنچه می گويد
 و هر (حق) دانسته ايد آفرينش نخستين را پس چرا ياد نمی گويد پس خوب بخريد (آيايديد) آن چيزی که ياد

أَن تَكُونُوا تَزْرَعُونَ ٢٨ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنَّ الْأَرْضَ يَنْبَغِي عَلَيْكُمْ أَرْسَالُهَا ٢٩

آيا شما مير و يا نيد آنرا يا ما رويا نده ايم اگر خواهيم بگردانيم آن زراعت را که اسے در هم شکست به نجيب مايند
 آيا شما مير و يا نيد آنرا يا ما رويا نده ايم و عده اگر خواهيم بگردانيم آنرا که اسے در هم شکست يا مالش را که ما مي دانيم

تَقْلَهُونَ ٣٠ إِنَّا لَكَنُفَرُّونَ ٣١ بَلْ كُنْتُمْ كَافِرِينَ ٣٢ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي

گويند پس آينه ما عادت کشت گانيم بلکه ما محروم مانند گانيم آيايديد آن آب را که
 پس ما روز نجيب انان می گوئيد که (حق) ما فخر داشتيم بلکه ما اسے بهره گانيم پس خوب بخريد (آيايديد) آني را که

كُنْتُمْ تَشْرَبُونَ ٣٣ أَن تَكُونُوا مِنَ الْخَالِدِينَ ٣٤ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنَّ الْأَرْضَ يَنْبَغِي عَلَيْكُمْ أَرْسَالُهَا ٣٥

ي آشايد آيا شما فود آورده ايد آن را از ابر يا ما خود آورده گانيم اگر خواهيم
 مي نوشيد آيا شما فود آورده ايد آن را از ابر يا ما خود آورده ايم اگر خواهيم

جَعَلْنَاهُ آجَا فَا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ٣٦ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ٣٧

شور بگردانيم آنرا پس چرا شکر نمی گويد گدايديد آن آتش را که از ميان شما درخت بر می آيد آيا شما
 گردانيم آنرا شور پس چرا احسان نمی پذيريد و شکر نمی کنيد لعين حق بخريد (آيايديد) آتشی را که از فود پديد می آيد و درخت

أَن تَكُونُوا مِنَ الْخَالِدِينَ ٣٨ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنَّ الْأَرْضَ يَنْبَغِي عَلَيْكُمْ أَرْسَالُهَا ٣٩

آفرينده ايد درخت آنرا يا ما آفرينده ايم ما صاحب ان درخت را بر ابي يند و منفعت
 آفرينده درخت آنرا يا ما آفرينده ايم ما صاحب ان درخت را بر ابي يند و منفعت

لِلْمُتَّقِينَ ٤٠ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ٤١ فَلَا أُفْسِدُ يَوْمَ الظُّلُمِ ٤٢

برائے مسافران پس بجا می ياد کن پروردگار بزرگ خود را پس سوزند بخورم با قوتان سستار با وصل
 برای محرابيان (مسلمان) پس بجا می ياد کن نام پروردگار خود را که از هم بزرگ است پس سوزند بخورم بگير و حق سستار گان

أَن تَكُونُوا مِنَ الْخَالِدِينَ ٤٣ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنَّ الْأَرْضَ يَنْبَغِي عَلَيْكُمْ أَرْسَالُهَا ٤٤

آيا شما مير و يا نيد آنرا يا ما رويا نده ايم اگر خواهيم بگردانيم آن زراعت را که اسے در هم شکست به نجيب مايند
 آيا شما مير و يا نيد آنرا يا ما رويا نده ايم و عده اگر خواهيم بگردانيم آنرا که اسے در هم شکست يا مالش را که ما مي دانيم

لايات است که رسول کريم صلی الله علیه و سلم آب را نوشيده مي فرموده که الحمد لله الذي سقانا هذا الماء و انما نحن و هم بمثل هذا جاجا بنو نهار (ابن کثير)

ما بعث من بعد نوح مفسر
لا من مفرم كونه لفظ
ولا داخل است بر
معه نهاده اعادة آن بر
ناگه است ۱۲

تفسیر عثمان
ع حضرت شاه
صاحب در علم الشاهی

نویسده یعنی فرستادن
آن کتاب را دست
میزنند آن کتاب همین
قرآن است که در دستها
فرستاده و یاد لوح محفوظ
لوحش شده و بعضی غیر

لا اله الا الله و الله اعلم
راجه کرده است یعنی این
قرآن را است نیز فرستاده
مگر در میان پاک یعنی کسی که
دل صاف و اخلاق پاک
دارد و عده یک ثانیه

هم او را باز داشته می
توانند حتی است که
او به تحقیق خود بگوید
اگر آن مرده از جمله
محققین الهی است

بلندترین درجه راحت
و عیش جهانی در دعای
خواهد رسید و اگر
از اصحاب همین
باشد باز هم
برایش اندیشه و
خطری نیست حضرت

شاه صاحب در علم الشاهی
میفرماید یعنی از طرف
آنها خود را جمع و آسوده
دار و این مطلب
است که از طرف
اصحاب همین باو سلام

خواهد رسید و یا بگویند
بیشتر گمانند براس
تو ترانس سلامتی و
امن است و قود و زوره
اصحاب همین در شال
استی در بعضی احوال است
است که برای میرنده
پیش از حوت این

بشارت بارسانده میشود
هم چنین به جریان راجع به بد حالی و بد بختی آنها اطلاع داده میشود ۱۴

وَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ۝ إِنَّ اللَّهَ أَكْبَرُ مِنَّا وَعَلَىٰ رَبِّكَ الْحُسْبَانُ ۝

و این نشتی است بزرگ اگر بداند
در تحقیق این صفتی است اگر بداند قسم بزرگ
هر آینه این کتاب قرآن است که امقدر نوشته شده است در کتاب پوشیده
بجای این قرآنی است با عزت نوشته شده در کتاب پوشیده

أَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ۝ تَزِيلُ رِيبَ الْوَلِيمِينَ ۝ أَفَبِهَذَا الْحَنِثِ

کردست نمی رسانند آن مگر پاک کردگان و فرستاده شده است از پروردگار عالمی
مس نمی کند آن را مگر پاک ساخته شدگان را پاکان و فرستاده شده از طرف پروردگار عالمی که آن آیه این سخن

أَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ۝ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ ۝ فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ

شما کار کننده آید و می سازید نصیب خود آنکه شما بدو رخ نسبت می کنید پس نگاه کرد سرور و مفسر
شما سستی می کنید و می گیرید همه خود را اینکه تلذیب می کنید آنرا پس چرا نه چون برسد

أَحْقَابُ ۝ وَأَنذَرْتُكُمْ جَهَنَّمَ تَنْظُرُونَ ۝ وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ

بنای گلو و شما نگاه می بینید و مانند یک فریم باو به نسبت شما و لیکن
روح بگو حال آنکه شما در آن وقت می بینید و مانند یک فریم بسوی او نسبت شما و لیکن

لَا تَنْصُرُونَ ۝ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ۝ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ

نمی بخیرید پس اگر هستید غیر مقهور حکم الهی چرا باز نگردانید روح را اگر
نمی بینید پس چرا نه اگر هستید غیر مقهور حکم الهی (غیر جزا داده شده) که آن چرا باز نمی گردانید آن روح را اگر هستید

صِدْقِينَ ۝ فَلَوْلَا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۝ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتِ

راست گوید پس اما اگر باشد مرده از نزدیک کردگان بارگاه الهی پس او را است راحت و گل خوشبو و بوستان
راست گویان پس اگر باشد آن مرده از جمله مقربین پس برای او راحت و روزی و بهشت

نَعِيمٌ ۝ وَأَقْلَانِ ۝ فَسَلِّمْ لَهُ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ۝

نعمت و اما اگر باشد از اهل سعادت پس سلامت است ای صاحب خاطر از اهل سعادت
پر نعمت است و اگر باشد او از اشخاص دست راست پس سلامتی برسد به او از اشخاص دست راست

وَأَقْلَانِ ۝ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ ۝ فَنَزَلَ مِنَ جَمِيمٍ ۝ وَتَصْلِيَةٌ

و اما اگر باشد از دور و شمارندگان گمراهان پس او است مهجانی از آب گرم و او را است در آردن
و اگر باشد از مکذبین گمراهان پس او را است مهجانی از آب جوشان و انداختن

بِحُكْمٍ ۝ إِنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ الْيَقِينُ ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝

به دوزخ هر آینه این خبر دست به شمع است پس بیای بیاید و در دگر بزرگ خود را
بجای این سخن همانا شایان یقین است پس بیای یا و نام برده کار خود را که از همه بزرگ است

سُبْحَانَ اللَّهِ مَا فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ لَهُ مُلْكُ

بها که یاد کرد خدا را بر همه در آسمانها و زمین است و او است غالب و انا او را است
بها که یاد کرد خدا را آنچه در آسمانها و زمین است و او است غالب با حاکم او را است باو شاهی

السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ هُوَ

آسمانها و زمین زنده می کند و می میراند و او بر همه چیز توانا است او است
آسمانها و زمین زنده می گرداند و می میراند و او بر همه چیز توانا است او است

الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ هُوَ الَّذِي

مخفی است و او است آخرین همه و او است آشکار و او است پنهان و او بر همه چیز داناست او است آنکه
پیش از همه و پس از (ختمی) همه و او است ظاهر و او است پنهان و او بر همه چیز داناست او است آنکه

فلما بلغه روز است
برگم ۱۲ ص یعنی هر
کسیکه نمرد آنچه بگذارد
ملک خدا باشد پس آن
نخل کردن نهایت
شعبه است ۱۳
تفسیر عثمانی
ع از ایمان آوردن
بر الله و یا از تعقیب
راه های معرفت و یقین
کردن چیز مانع شما
میشود و درین مسامحه
سستی و تقصیر و غرض
چرا باشد غرض وقت
کنید و تکیه بر رسول خدا
شمارا بسوی کلام چیز
غیر مانوس مستحق بلک
بطرف پروردگار و در حق
حقیقی شهادت می کند
که عقیده آن در اصل
فطرت شما و ولایت
نهاد شده و نیز از راه
و بیعت او تمسک را
پیش از اعلان خود بدینا
گوده ای چنانچه تا پیشین
اقرار یک اندازه نایم بود
چیزی در عقوبت بنی آدم
یافت میشود باز نیکو
دلائل و براین ارسال
رسل یاد بانی و تجدید
آن عهد و پیمان از ان
نیز کرده است و انبیای
سابقین از امت های
خود این عهد را هم
گرفتند که به اتباع
خاتم الانبیاء صلی الله
علیه و سلم خواهند پیوست
نیز بسیاری از شما
بستند که بر دست
میداد رسول کریم
صلی الله علیه و سلم عهد
آمیخته کرده اند که بیعت
و طاعت و الطاق
فی سبیل الله و طریقه
امور ایمانیه بای می شود
پس بعد از این میباید

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ ط
آفرید آسمانها و زمین را در شش روز باز مستقر شد بر عرش
بیا فرید آسمانها و زمین را در شش روز باز مستقر شد (تصد کرد) بر عرش
يَعْلَمُ مَا يَلْجِ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ
میداند آنچه در می آید به زمین و آنچه بر می آید از آن و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا می رود
میداند آنچه می آید در زمین و آنچه می آید بر آید از آن و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا می رود
فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ٥ لَهُ فَالْكُ السَّمَوَاتِ
اندر آن و او با شماست هر جا که باشید و خدا با آنچه می کنید بیناست او را است با شما بی آسمانها
در آن و او با شماست هر جا که باشید و الله به آنچه می کنید بیناست او را است با شما بی آسمانها
وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ يَرْجِعُ الْأُمُورَ يُورِثُ الْيَلَّ فِي النَّهَارِ وَيُورِثُ النَّهَارَ
و زمین و بسوی خدا باز گردانیده میشود کارها و در روز و در روز و در روز و در روز
و زمین و بسوی الله باز گردانیده میشود کارها و در روز و در روز و در روز و در روز
فِي الْيَلِّ وَهُوَ عَلَيْكُمْ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٦ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَاَنْفِقُوْا
در شب و او داناست بطن سینه ایمان آرید بخدا و رسول او و خرج کنید
در شب و او داناست به آنچه در سینه است ایمان آرید به الله و رسول او و خرج کنید
مِمَّا جَعَلَكُمْ مُّسْتَخْلِفِيْنَ فِيْهِ فَاَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَاَنْفَقُوْا لَهُمْ اَجْرٌ
از جمله آن مال که ساخته است شما را جانشین و دیگران در دس پس آنان که ایمان آوردند و خرج کردند از شالوات انراست مزد
از آنچه که بدست شما داده است نامی خود ساخته در آن از جمله آن مال که ساخته است شما را جانشین و دیگران پس آنکه ایمان آوردند از شما و
كَيْفَ ٧ وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالرَّسُوْلِ يَدْعُوْكُمْ لَتُؤْمِنُوْا بِرَبِّكُمْ
بزرگ و چیست شما را که ایمان نیارید بخدا و رسول او دعوت می کند شما را که ایمان آید به پروردگار خود
بزرگ و چه شده شما را که ایمان نمی آید به الله در حالی که رسول می خواند شما را که ایمان بیارید به پروردگار خود
وَقَدْ اَخَذَ مِيْثَاقَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ٨ هُوَ الَّذِيْ يَنْزِلُ عَلٰى عَبْدٍ
و هر آنچه عهد گرفته است از شما که اگر هستید با پروردارنده و دوست آنکه فرو میفرستد بر بنده خود
و (و تحقیق گرفته است عهد محکم از شما اگر هستید مؤمنان به او و دوست آنکه فرو میفرستد بر بنده خود
اِنَّ رَبِّيْنَا لَيَخْرِجُكُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ ٩ اِنَّ اللّٰهَ بِكُمْ لَرْءُوْفٌ
آیات و اخرج تا بیرون آرد شما را از تاریکی بسوی روشنی و خدا بر شما بخشنده
آیات و اخرج تا بیرون آرد شما را از تاریکی بسوی روشنی و (و تحقیق) الله بر شما نازل می کند (و بخشنده)
رَّحِيْمٌ ١٠ وَمَا لَكُمْ اَلَّا تَتَّقُوْا اِنِّيْ سَبِيْلُ اللّٰهِ وَلِلّٰهِ مِيرٰثُ السَّمٰوٰتِ وَ
مهربان است و چیست شما را که خجسته کنید در راه خدا و خدا را است واپس گذاشته آسمانها و
مهربان است و چه شده شما را که خجسته نمی کنید در راه الله و خدا را است میراث آسمانها و
اَلْاَرْضِ لَا يَسْتَوِيْ مِنْكُمْ مَّنْ اَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ لَفْتٍ وَقَاتِلْ اَوْثٰكُ
و زمین و برابر نیست از شما آن که خرج کرد پیش از فتح و مقاتله کرده آن گروه
و برابر نیست از شما آن که خرج کرد پیش از فتح و مقاتله کرده آن گروه
اَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِيْنَ اَنْفَقُوْا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوْا وَكَوْنُوا عَدَدُ اللّٰهِ
در مرتبه بزرگ تر ندان آنانکه خرج کردند بعد از فتح و مقاتله کردند و هر یک را و عده داده است خدا
بزرگ ترند از روی درجه از آنان که خرج کردند بعد از فتح و مقاتله کردند و هر دو فریق را عده داده است الله
اَحْسَنُ ١١ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ١٢ مَن ذَا الَّذِيْ يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا
حالت نیک و خدا با آنچه می کنید خبردار است و کیست آنکه قرض دهد خدا را قرض دادن
نیکی را به شماست و خدا به آنچه می کنید خبردار است کیست آنکه قرض دهد الله را قرض دادن
پس بعد از این میباید

تأیید آن نمی باشد که سید را داده باور کردن را داشته باشد باور نموده و سید باور کرده باشد از باور کردن و عیناً خود برگردد ۱۲

ولسازم گوید چنانچه
 در دنیا رویاروی تحصیل آمد
 کند که اینجا تحصیل نور
 نیست و الدوام ۱۲
 ولسازم گوید چنانچه
 در دنیا رویاروی تحصیل آمد
 کند که اینجا تحصیل نور
 نیست و الدوام ۱۲
 ولسازم گوید چنانچه
 در دنیا رویاروی تحصیل آمد
 کند که اینجا تحصیل نور
 نیست و الدوام ۱۲

حَسَنًا فَيُضِعُّهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ① يَوْمَ تُرَى الْإِيمَانُ وَالْمُؤْمِنَاتُ

یاد آگاہی روزیہ بہرینی مردان مسلمان را و در نان مسلمان را
 روزیہ بہرینی مردان مسلمان و زنان مسلمان را

سَمِعَ نَوْمَهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَإِنَّا نَكُفِّرُ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَنْ سَيِّئِهِمْ وَلِيَجْزِيَ قَوْمَهُمْ فِي يَوْمٍ ذُو عِلَّةٍ

کوی شتابه نور ایشان پیش روی ایشان و بفرق های راست ایشان و گفته میشود مرده با دشمنان از هر دو شمار است و پست آنها را کمید و

مَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَلِيدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٥﴾ يَوْمَ يَقُولُ لُ

زیر آن جوئے جاوید باشد آن جا اینست
 مطلب یابی بزرگ روز یک گویند
 بزرگوار کا صفت بزرگ روز یک گویند

١٠٩ ١٠٨ ١٠٧ ١٠٦ ١٠٥ ١٠٤ ١٠٣ ١٠٢ ١٠١ ١٠٠ ٩٩ ٩٨ ٩٧ ٩٦ ٩٥ ٩٤ ٩٣ ٩٢ ٩١ ٩٠ ٨٩ ٨٨ ٨٧ ٨٦ ٨٥ ٨٤ ٨٣ ٨٢ ٨١ ٨٠ ٧٩ ٧٨ ٧٧ ٧٦ ٧٥ ٧٤ ٧٣ ٧٢ ٧١ ٧٠ ٦٩ ٦٨ ٦٧ ٦٦ ٦٥ ٦٤ ٦٣ ٦٢ ٦١ ٦٠ ٥٩ ٥٨ ٥٧ ٥٦ ٥٥ ٥٤ ٥٣ ٥٢ ٥١ ٥٠ ٤٩ ٤٨ ٤٧ ٤٦ ٤٥ ٤٤ ٤٣ ٤٢ ٤١ ٤٠ ٣٩ ٣٨ ٣٧ ٣٦ ٣٥ ٣٤ ٣٣ ٣٢ ٣١ ٣٠ ٢٩ ٢٨ ٢٧ ٢٦ ٢٥ ٢٤ ٢٣ ٢٢ ٢١ ٢٠ ١٩ ١٨ ١٧ ١٦ ١٥ ١٤ ١٣ ١٢ ١١ ١٠ ٩ ٨ ٧ ٦ ٥ ٤ ٣ ٢ ١

مردان منافق، وزان مواقر، یا سالمانان، غفلت کمرید بسوئے مآمار دشمنی، گمراہیم از نور شما

قِيلَ ارْجِعُوا ورائكم فالتمسوا انورا فضررب بينهم بسور له باب ٥

نقشه شود باز گردید پس پشت خویش پس بگوید و شش را از او پس چرا کرده شود در میان ایشان دلداره که او را در دانه باشد

١٠٩

اندر دهن آن دوله د آجگار محنت است و بیرون آن دیوار بجای خراب پیش او عذاب است آلوده دهنده منافقان مسلمانان را که با بنود هم

در دافل آن رحمت است و از طرف میردن آن عذاب است عاقلند منافقان مسلمانان را آیامانند ویم

مَعَهُ قَاوُلِي وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمُ أَنْفُسَكُمْ وَلِرَبِّكُمْ عَذَابٌ

همراه شما حرکت آری و لیکن شما در بلاد افغانند بدین نظر برای خود را اختیار کرده وید (مسلمانان حوادث بدر) و شک کرده و در فریقت شما

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلِّصْنَا مِنَ الْغَوْرِ ۝ فَالِقَةَ الْيَمِّ ۝

آرزو با تا آنکه بر سید فرمان خدا صل و فریب دلا شتار اور فرمان برداری خدا شیطان فریبیده پس امروز فراگرفت شود

از زبان اناظر رسیده علم خدا و غریب داد شمارا به (رحم) الله شیطان فریبند معین امروز قبول می شود

وَمِنْهُمْ قَوْمٌ لَا يَمُنُّونَ بِاللِّدِينِ لَعَنُوا مَا وَعَدَهُمُ اللَّهُ فِي مَوَافِقِهِمْ

از شما ندیده و نه از کافران جای پنهان نمودن رخ است

يَسِّرَ الْمَصِيدَ ۝ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ

بر بازگشت است و آید وقت نرسیده است مسلمانان را که بنیایش کند دل ایشان و وقت یاد کرده و حسد

بدیاریست است احوال و متان خرسیده موسسان که برسد دل های ایشان از یاد کردن الله

وفاقر بن الحسن واکالید بن او واکالید بن قبا

و آنچه فرود آمده ازین حق و نباشند مانند آتانی که داده شده است ایشانرا کتاب بیست و نهمین پس دراز شد

عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ فَقَسَرْتُ قُلُوبَهُمْ وَكَثُرَ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ﴿٥﴾ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

پیرایشان آمد پس سخت شد دل ایشان و بیدارے از ایشان بیداران آمد بدانید که خدا

المکمل قین والہم صلیا قہ و اقروضوا للہ قرضا حسنا یضعفہ

مردان تجارت دہندہ و زنان تجارت دہندہ و آنانکہ قرض دادہ اند خدا را قرض نیک و چون دادہ شود

مردان صدقہ دہندہ و زنان صدقہ دہندہ و آنانکہ قرض میدہند خدا را قرض نیک و چون دادہ میشود

لہم ولہم اجر کبیر و الذین امنوا باللہ و رسولہ اولئک ہم الصدیقون

ایشان را و ایشانراست مزد کرامی قدر و آنانکہ ایمان آوردند بخدا و پیغمبر ان او ایمان علیشانند مد لسان

بایشان و ایشانراست ثواب کرامی و کسانیکہ ایمان آوردہ اند بہ اللہ و تمام رسولان او آن کردہ ایشانند ایمان دلمان راست

والشہد اعیندہ لہم لہم اجرہم و نورہم و الذین کفروا و کذبوا

و غیرہان نزد یک پروردگار خویش ایشانراست مزد ایشان و نور ایشان و آنانکہ کافر شدند و دروغ گفتند

و کواہبند نزد پروردگار خود ایشانراست ثواب ایشان و نور ایشان و کسانیکہ کفر کردند و کذب کردند

بایتنائ اولئک اصحاب الحیو اعلموا انہا الحیوۃ الدنیا لعبہ لہو و زینہ

آیات بار آن بجای اہل دوزخ اند بدانید کہ زندگانی دنیا بازی و تماشاست و آمیزش است

آیات بار آن کردہ اہل دوزخ اند بدانید کہ زندگانی دنیا بازی و تماشاست و آمیزش است

و تفاح ربکم و تکاثر فی الاموال والاولاد کمثل غیث الحب الکفار

و خود ستائے است در میان خویش و از یکدیگر زیادہ طلبی است در مالہا و فرزندان مانند بارانے کہ شکفتہ آوردہ زراعت کنندگان را

و خود ستائی است در میان تان و زیادہ طلبی است در مال و اولاد مانند بارانی کہ خود سافزاید بہ لعل زراعت کنندگان را

نباتہ ثم یہرب فترہ مضفرۃ ثم یكون حطاما و فی الآخرۃ عذاب

رستہ او باز خشک شود پس زرد بہ بینی آنرا باز و رہم شکستہ گردد و در آخرت عذاب

ببرہ آن باز بقوت می آید خشک میشود پس شکستہ می شود در ہم شکستہ (پاکان شدہ) و در آخرت عذاب

شدیدا و مغفرۃ من اللہ و رضوان و ما الحیوۃ الدنیا الا متاع

عنت است و نیز آرزوی است از جانب خدا و خوشنود است و نیست زندگانی دنیا مگر بہرہ کہ

عنت است و نیز آرزوی است از جانب خدا و رضامندی است و نیست زندگانی دنیا مگر متاع

الغرور ساقوا الی مغفرۃ من ربکم و جنۃ عرضہا کعرض السماء

باغیث فریب باشد سبقت کند بسوی آرزوی از جانب خدا و بسوی بہشتی کہ بہشتی او مانند بہشتی آسمان

فریب رشتہا بسوی آرزوی کہ از جانب پروردگار شامست و بسوی بہشتی کہ بہشتی آن مانند بہشتی آسمان

والارض اعدت للذین امنوا باللہ و رسولہ ذالک فضل اللہ یؤتیہ

و زمین باشد آادہ کردہ شدہ برای آنانکہ ایمان آورند بخدا و پیغمبر ان او اینست فضل خدا میدہد

و زمین است آادہ کردہ شدہ برای آنانکہ ایمان آوردہ اند بہ اللہ و رسولان او این است فضل خدا میدہد

من یشاء واللہ ذو الفضل العظیم ما اصاب من مصیبۃ فی الارض

بہر کہ خواهد و خدا قداوت فضل بزرگست و نہر سید یحییٰ عیسیٰ در زمین

بہر کہی کہ خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است و نہر سید یحییٰ عیسیٰ در زمین

ولا فی انفسکم الا فی کم من قبل ان تدر اہام ان ذالک علی اللہ یسیر

و نہ در جان شما مگر نوشتہ شدہ است در کتابی پیش از آنکہ بیا فرمایم آن را و نیز این کار بر خدا آسان است

و نہ در نفس ہائے شما مگر نوشتہ شدہ است در کتابی پیش از آنکہ بیا فرمایم آن را و نیز این کار بر خدا آسان است

لکیلا تأسوا علی ما فاتکم ولا تفرحوا بما آتاکم واللہ لا یحب کل محتال

بجز آادہ ایم تا اندوہ بخورید بر آنچه رفت از دست شما و تا شادمان خوشید با آنچه عطا کرد و شمارا و خدا تعالی دوست نمی دارد و بہر چہ محتال

خود را بداند و بخورد بر آنچه رفت از دست شما و شادمان خوشید بہ آنچه دادہ است شمارا و خدا دوست نمی دارد و بہر چہ محتال

فخور الذین یسخطون و یا مرون الناس بالبخل و من یقول

خود ستائندہ را و آنان کہ بخل می کنند و مردمان را بہ بخل سے فرمایند و بہر کہ در دامن شود

خو کند را و آنانکہ بخل می کنند و امری کنند مردمان را بہ بخل سے و بہر کہ در دامن شود

سراجہ لان خیر کون کاران متوکلین و صاحبان بہت است کہ پول را دوست ندارند و میدانند کہ در حق و راحت فقط از جانب بہان مالک علی الاطلاق است ۱۲

صلی بنی یهود کردار
ایشان حدایه ایست
مسلمین بود و الله اعلم
صلی بنی یهود السلام علیک
السلام علیک گویند
بنی مرگ بر تو باد و
صلی بنی یهود بنی مرگ
راست است بایستی
که بار اعلی رسید
والله اعلم
تفسیر تفسیری
که در مشهوره نقل
و لغز باشد صورت
اختلاف آن در لغز
ترجم و شواهدی کرده
بر آن در ساحت همه
همو مانند طاق را بفر
می کنند و از یک طاق
اول سر بود و باز پنج
شاید از این مسلمانان
و در حداد احتیاط فرمود
بعد از آن به دو لادانی
من ذلک و لا اکثر یقیم
نمود و این حضرت
مهر خورشید خلافت نما
در شش صفا به دایره کرد
و حال آنکه عدد شش
طاق نیست و شاید از
سببی باشد که در آن
وقت همین شش نفر
برای هر خلافت نسبت
بدیگران اهل حق تر
بودند لهذا از پنج کی تا
آنجا صرف نظر نمی شد
نیز انتخاب خلیفه از
جمله همین شش نفر
می آمد پس ظاهر است
که غیر از شخص انتخاب
شده عدده رای دهند
به پنج بالغ میشود باز
هم احتیاط حضرت
عزیز بصورت مساوی
تعداد رای دهندگان
نام عهد الله این عمر
را گرفته بود و الله
تعالی اعلم ۱۲

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى

آیا ندیدی که خدا میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و آنچه پنهانی باشد یا یکدیگر را از گفتن

ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَاجِعُهُمْ وَالْأَكْثَرُ سَادُ سُوءِهِمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ

سه نفر مگر خدا چهارم ایشان است و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن

وَلَا أَكْثَرُ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا أَنَّهُ يُبَيِّنُ لَهُمْ سُبُلَ عَمَلِهِمْ وَأَوَّلَهُ الْقِيَمَةِ

و خدا پنهانی است و نه زیاد از این مگر خدا پنهانی است بر کجا باشند باز به ایشان را روز قیامت آنچه کرده اند

إِنَّ اللَّهَ يَجْلِسُ فِي سَمَاءٍ عَالِيَةٍ ۚ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا عَنِ الْجَنَّةِ ۖ ثُمَّ

هر آنچه خدا بهر چه و آسمان است آیا ندیدی بسوی آنها که برگشته اند از جهنم و آنچه پنهانی باشد از گفتن

يَعُودُونَ لِمَا تَهْوَاهُ أَعْنَهُ وَيَكْجُرُونَ بِالْآثِمِ وَالْعَدُوِّ إِنْ وَمَعْصِيَتِ

نمودی کنند و آنچه از آن برگشته اند و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن

الرَّسُولِ وَإِذْ أَجَاءُوكَ بِمَا لَمْ يَحْجِبْكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ

پیغمبر و چون بر ما رسید پیش تو دعا کنند و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن

لَوْ لَا يَعْلَمُ بِنَا اللَّهِ بِنَا نَقُولُ حَسْبُكُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا قَبْلُ أَنْ تَنْصِبُوا

چرا عذاب می کند ما را خدا بسبب آنچه می گوئیم پس است ایشان را و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ أَتَاكُمْ جُنُودُ الْإِنَّمَاءِ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَمَا يَكُونُ

ای آن که این ایمان آورده اند و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن

الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

و پیغمبر و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن

إِنَّمَا الْجَنَّةُ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَآلِهِمْ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ۚ وَالَّذِينَ آمَنُوا

چرا این نیست که از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن

إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَقَسَّمُوا فِی الْبَحْرِ فَأَنْتُمْ سَوَاءٌ ۚ فَاذْكُرُوا اللَّهَ الَّذِي كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ

چون گفته شود شما را در فرج بشوید و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن

فَاذْكُرُوا أَنْفُسَكُمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَآلَهُمْ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ۚ وَالَّذِينَ آمَنُوا

پس بر خیزید تا بلند کنید خدا را بر سر آسمان آورده اند و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن و آنچه پنهانی باشد از گفتن

فل منكم كيدان
علم منوع است باقر
که می آید و الله اعلم
فل یعنی منافقان یا
بیرون دینی می شوند و الله
اعلم ۱۲

تف غرقانی
علم قسم های دروغ
خوره جان دال خورا
از دست مسلمانان
می کنند و خود مسلمانان
خاک بر کرده بر سر این دروغی
دیگران را از قبل

ببر معی راه هدایت
میدارند پس بایست
دانش که این معنی

بدین طریق بیخ حوت

یافته می توانست الهی

تهیات ذلت آور

همسند و چون وقت

مزار در رسد بیکس

و یکی را از اهل الهی

نجات داده می تواند

تعالی که خواهد داد و

اولاد بدو آنها خواهد

خورد که برای حفاظت

آنها قسم های دروغی

خوردند یعنی حالت

وروش اینجا را در اینجا

هم بکار خواهند برد -

شکی که نزد شما دروغ

گفته خاص می شنوند

و می پندارند که خیلی

پوشش بسیار به سیم و حیل

خونی بکار می برند و بگویند

خدا هم بخوردن قسمها

دروغ میاری شوند که

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُوْلَ فَقُلُوْا

یا ایها الذین ایمنوا چون خواہید که را از گوید یا بنمایید پس گفت بدیدید
یا ایها الذین ایمنوا چون خواہید که را از گوید یا بنمایید پس گفت بدیدید

بِاٰیۡنٍ بَیِّنٍ تَجُوْا لَکُمۡ صَدَقَۃٌ ذٰلِکَ خَیْرٌ لَّکُمْ وَاَظْهَرُ وَاِنْ لَّمْ تَجِدُوْا

پیش از داد از حق خود خیرات را این کار بهتر است و آشکارا و اگر نیابید
پیش از داد از حق خود خیرات را این کار بهتر است و آشکارا

فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝۶۰ اَشْفَقْتُمْ اَنْ تُقَالُوْا اٰیۡنُ بَیِّنٌ تَجُوْا لَکُمۡ

پس خدا از امر کار مهربانست و آیا ترسیدید از آنکه گفت بدیدید پیش از داد از حق خود
پس از آئین الله آمرزنده مهربان است آیا ترسیدید از آنکه گفت بدیدید پیش از داد از حق خود

صَدَقَیْتَ وَاَذْکُرُ اللّٰهَ عَلَیْکُمْ فَاَقِمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّکٰوةَ

خیرات را پس چون بگوید و در گزاردید خدا از شما پس بر بادارید نماز را و بدیدید زکوة را
خیرات را پس چون بگوید و در گذشت خدا از شما پس بر بادارید نماز را و بدیدید زکوة را

وَاطِیْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ وَاِنَّ خَیْرَ لِّمَا تَعْمَلُوْنَ ۝۶۱ اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ

و فرمانبرداری کنید خدا را و رسول او را و خدا جبردار است و یا بچیزی کنید
و فرمانبرداری کنید خدا را و رسول او را و خدا جبردار است و یا بچیزی کنید

تَوَلَّوْا اٰقُوْبًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ وَاَهْلَۤا مِنْهُمْ وَاَلَمۡنَیۡمُ وَاَنۡیَلُوْنَ عَلٰی

دوستی کردند با قوس که غضب کرده است خدا بر ایشان و نیستند پس منافقان از شما و از یهود و مسلمانان
دوستی کردند با قوس که غضب کرده است خدا بر ایشان نیستند این منافقان یهود از شما و از ایشان و مسلمانان میخورند بر

الَّذِیۡنَ کَذَبُوْا بِمَا عٰمَدُوْا ۝۶۲ اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيْدًا اِنَّهُمْ سَاءَ

بر او را و ایشان میدانند آماده ساخته است خدا برای ایشان عذاب سخت و بد آئین بدست
بر او را و ایشان میدانند آماده ساخته است خدا برای ایشان عذاب سخت و بد تحقیق ایشان بدکار است

مَّا کَانُوْا یَعْمَلُوْنَ ۝۶۳ اَتَتَّخِذُوْا اٰیۡمَانَهُمْ حَنَۃً فَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ

آبچیزی کردند و گرفتند سوگند های خود را پس باز و در پی مردم را از راه خدا
آبچیزی کردند گرفتند سوگند های خود را پس باز و در پی مردم را از راه خدا

فَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝۶۴ لَنْ نُّغْفِرَ عَنْهُمْ اٰمَآةً وَّلَا اَوْۤاۤدَهُمْ مِنَ اللّٰهِ

پس بر او عذاب است عذاب خورنده و دفع نخواهد کرد ایشان را از اهل اولاد ایشان از عذاب خدا
پس ایشان را است عذاب ذلت آور و دفع نخواهد کرد از ایشان کل ایستادن و اولاد ایشان از عذاب خدا

شَیْءًا وَّلَاۤ اُولٰٓئِکَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمۡ فِیْهَا خٰلِدُوْنَ ۝۶۵ یَوْمَ یَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ

چیزی را این جهان اهل دوزخ اند ایشان آنجا جا میدار باشند روزی که بر ایشان را خدا
چیزی را ایشان را اهل دوزخ ایشان باشند در آنجا جا میدارند روزی که بر ایشان را خدا

جَمِیْعًا فَاَقْبِلُوْنَ لَهُ کَمَا یَخْلُقُوْنَ لَکُمْ وَیُحْسِبُوْنَ اَنَّهُمْ عَلٰی شَیْءٍ اَلَّا

همه را یک جا پس سوگند خوردند و حضور او چنانکه سوگند میخورند و حضور شما و می پندارند که ایشان بر چیزی هستند آگاه
یک جا پس سوگند خوردند و حضور خدا چنانکه سوگند میخورند نزد شما و می پندارند که ایشان هستند بر چیزی راه نیک آگاه

اَنَّهُمْ هُمُ الْکٰذِبُوْنَ ۝۶۶ اَسْتَحْذَرُوْا عَلَیْهِمُ الشَّیْطٰنَ فَاسْمِعُوْهُمۡ ذِکْرَ اللّٰهِ

بر آئین ایشان اند در غلو یان غالب آمده است بر ایشان شیطان پس فراموش ساخت از خاطر ایشان یا کردند خدا
بر تحقیق ایشان اند در غلو یان غلبه کرده است بر ایشان شیطان پس فراموش گردانید از ایشان یا خدا

اَوَّلَیۡکَ حِزْبُ الشَّیْطٰنِ اَلَاۤ اِنَّ حِزْبَ الشَّیْطٰنِ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ۝۶۷

این جماعت لشکر شیطان است آگاه شو هر آئین لشکر شیطان ایشان را از زبان کاران
این جماعت گروه (لشکر) شیطانند آگاه شود هر آئین (لشکر) شیطان ایشان را از زبان کاران

است. تعویجات آن زرد نیاروی کامیابی بر آید و متواضع و زود آخرت کدام راه نجات در بائی است از عذاب شدیدی ۱۲

إِنَّ الدِّينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ ۝ كَتَبَ

هر آینه آنانکه خلاف می کنند با خدا و رسول او این جماعه در جهنم ترین مردم اند حکم کرد

(به تحقیق) آنانکه خلاف می کنند با خدا و رسول او این جماعه اند در جهل ذلیل ترین مردمان پرشته است

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَرُسُلِي ۚ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ لَا تَجِدُ قَوْمًا

خدا البتة غالب شوم من و غالب شوند پیغمبران من هر آینه خدا توانا غالب است نخواهی یافت قومی را

(البته) غالب شوم من و پیغمبران من به تحقیق خدا توانا زیر دست است نخواهی یافت قومی را

يَوْمَ مَنُونٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يَأْتُونَ مِنْ حَادِّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

که ایمان دارند بخدا و روز آخر باین صفت که دوستی کنند با کسی که خلاف کرده است با خدا و رسول او

که ایمان دارند بخدا و برادرستان میگردند دوستی کنند با کسی که مخالفت کرده است خدا و رسول او را

وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتُهُمْ أُولَئِكَ

اگر چه آن جماعه باشند پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا خویشان ایشان آن مومنان که با کافران دوستی ندارند

اگر چه باشند آن جماعه پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا خویشان ایشان ایشان را

كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الذِّبْيَانَ وَآمَدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيَدُّ خَلْفَهُمْ

نوشته است خدا در دل ایشان ایمان را و قوت داده است ایشان را به فیض عینی از جانب خود داخل می کند ایشان را

نوشته است خدا در دل ایشان ایمان را و قوت داده است ایشان را به فیض عینی از جانب خود داخل می کند ایشان را

جَنَّتْ بَحْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ

پارسیها را میرود زیر آن جویها جاودان آنها خوشنود شد خدا از ایشان و

در بهشت با که میرود زیر درختانش جویها جاودان باشند در آن خوشنود شد خدا از ایشان و

رَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝

خوشنود شدند ایشان از خدا ایشانند لشکر خدا آگاه شوهر آینه لشکر خدا ایشانند رستگاران را

راضی شدند آنان از خدا این گروه اند گروه (لشکر) خدا آگاه باش (به تحقیق) گروه خدا ایشان اند رستگاران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ سَلَامٌ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَالْحُزْنُ عَلَى الْكَافِرِينَ ۚ

بسم الله خدای بخشاینده مهربان

آغاز می کنم بنام خدا ای که بی اندازه مهربان نهایت بار هم است

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

دل بپاکی یاد کرد خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و اوست غالب با حکمت

بپاکی یاد کرد خدای را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و اوست غالب با حکمت

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ

اوست آنکه برآورد آنان را که کافر شدند از اهل کتاب از خانه های ایشان

اوست آنکه برآورد آنان را که کافر شدند از اهل کتاب از خانه های ایشان

لَا قَوْلَ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَلُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ

در اول جمع کردن لشکر گمان نداشتید شما آنکه برآیند و گمان می کردند آن کافران که نگاه دارند ایشان باشند

در اول جمع آوردی لشکره گمان نداشتید ای مسلمانان آنکه برآیند ایشان (یعنی لغیر) و گمان می کردند اینک آن کافران را نگاه دارند است

حُصُونَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَاتَّخَذَهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا ۚ

قلوبی ای ایشان از عقوبت خدا پس بیچاره ایشان عقوبت خدا از آنجا که نمی دانستند

قلوبی ای ایشان از عقوبت خدا پس بیچاره ایشان عقوبت خدا از آنجا که نمی دانستند

قَدْ فُتِيَ قُلُوبُهُمُ الرَّعْبَ يُجْرِبُونَ يَوْمَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي

انگشت در دل ایشان ترس را خراب می گردند خانه های خود را بدست خویش و بدست بای

انگشت در دل ایشان ترس را خراب می گردند خانه های خود را بدست خویش و بدست بای

دل مترجم نویسد
آنحضرت صلی الله علیه
و سلم چون بدین آیه بفرمود
نفرین می کند بر ایشان
بسیب شقاوت ازلی
معنی در عدول آنحضرت
پیش از رفتن آنحضرت
اراده فرمود که آنجماعه را
جلا وطن فرماید از خانه
آنها و معین دل بپایم
فرستاد که دشمنان
کینه و در جنگ استواری
در نیکو ماریق شمشیر
ایم خدا استولی بر خلافت
اراده منافقان در اول
جمع کردن لشکر میبود
الفاظ مودت با کافران
و جلا وطنی اختیار کردند
و سخن اهل لقای را
نشدند و بقتل و
نکیر جمع رجال
اتفاق یافتند و
اموال ایشان
فی شرفی آن را
گویند که بغیر قتال
مسلمانان افتد خدای
تعالی منت بر مسلمانان
نهاده حکم فی بیان خود
و از اراده منافقان خبر
داد و الله اعلم
تفسیر عثمانی
ع مراد از اول الحشر
نزد بعضی مفسرین این
است که برای قوم
یهود این اولین
موقع بود که دشمن
خود را ترک گویند
پیشتر چنین واقع
پیش از یهود
یا در لال الحشر
بدین طرف اشاره
باشد که مدینه را
گذاشته بسیار
یهود به غیر مدینه
رفتند و مشرک آن
خواهد بود که در عهد
خلافت حضرت عمر بن

شام و در آنوقت که یهود و نصاری این قهر می نمودند و طرف ملک شام بدر کرده شدند جایگاه تخریب حشر و قهر می نمودند و این است بنابر آن شام و در آنوقت که یهود و نصاری این قهر می نمودند و طرف ملک شام بدر کرده شدند جایگاه تخریب حشر و قهر می نمودند و این است بنابر آن

الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ ۝ وَلَوْ لَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ

مسلمانان نیز عتاب بر ایشان بفرستد که ای صاحبان بینایی و اگر آن بود که فرستاد خدا

عَلَيْهِمْ الْخَلَاءَ لَعَدَّتْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ۝

بر ایشان خلافتی بفرستد عتاب می کرد ایشان را در دنیا و ایشان را عذاب آتش در آخرت

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۝ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ

این عذاب بسبب آنست که ایشان مخالفت کردند با خدا و رسول او و هر که مخالفت کند با خدا

شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ مَا قُطِعَ مِنْ لَبَنَةٍ أَوْ نَزَتْ مِنْهَا قَائِمَةً عَلَى

نخوت کند عتاب است آنچه بریده از درخت خرما یا اگر استخفیه آنرا استاده بر

أَصُولِهَا فَإِذَنْ اللَّهُ وَلِيُخْرِجَ الْفَاسِقِينَ ۝ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى

نخ خود پس بفرمان خدا و تا خود کند بدکار آنرا و آن مالیکه عائد گرداند خدا بر

رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أُوجِفَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ لَكِنَّ اللَّهَ

بفرمان خود از اموال بنی نضیر پس نتاخته بودید بران اسبان را و نه شتران را ولیکن خدا

يَسْطَرُ سُلَّةً عَلَى مَنْ يَشَاءُ ۝ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ مَا

غالب می گرداند بر غنایم خود را بر هر که خواهد و خدا بر همه چیز تواناست

أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي

عائد گرداند خدا بر پیغمبر خود از اموال ساکنان و بر این خدا تراست و پیغمبر را و ذی وندان

الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۚ كُنْ لَكُمْ دُولَةٌ يَكُنِ

را و یتیمان را و فقرا را و راه گزسته را میان فرمودیم تا میان شما آن و او گرفت میان

الْأَغْنِيَاءَ مِنْكُمْ ۚ وَمَا اتَّكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ

تو گران از شما و هر چه بفرستد از غنایم پس بپذیرید آنچه منع کند شما را از آن

فَاتَّقُوا اللَّهَ ط إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ لِلْعَقْرِ آءُ السُّجُرِجِ ۝

باز بشیر و ترسید از خدا هر آنچه خداست کننده عتاب است آن بی حیران بفرستد راست

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالُهُمْ يُبْتَغُونَ فُضْلًا مِنَ اللَّهِ

آنکه بیرون کرده شد ایشان را از خانه های ایشان و اموال ایشان می طلبند نعمت را از پروردگار خویش

وَبِهِ ضَوَانٌ ۚ وَيُنْصَرُونَ ۚ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَوْلَىٰ بِالضُّعْفَانِ مِنَ

و خوشتر است و لغت میدهد خدا و پیغمبر او را این جمله ایشانند راست و عده

و در مسند او را و مدعی کند الله و رسول او را این جمله ایشانند راستان

صل بنوعه و یکره الله
اعلم ان الله لا یخفى علی
درخت بیوه داره وقت
جهاد جایزه است و ترک
آن نیز جایزه است اعلم ان
صل یعنی خویشاوندان
پیغمبر را
تفسیر
سے اگر توبه از جنگ
جزئی بفرموده شود
بروی صلح مسامحت
کنند و مسلمانان هم
موافقت نمایند و بین
صورت اموالیکه بفرموده
راست می آید نیز داخل
حکم نمی آید و چه
مبارک نمی گویند اموال
در فی خالص اختیار
و تصرف آن حضرت است
می بود ممکن است که
این اختیار را کاذب یا
که فقط برای آن حضرت
صلی الله علیه و آله و سلم
بود چنانکه در آیات
حاضر از لفظه علی
رسوله و قباد و مشفق
و احتمال است که حضرت
حاکمان باشند بهر حال
الله تعالی را ترجیح
اموال در آیت مابعد
بر آن حضرت بدارست
فرموده و جو باید بدار
ندان و ندان مصارت
بصرف رساند نشود
بهره آن حضرت صلی
الله علیه و سلم این
اموال با اختیار و تصرف
ایم می رود لیکن تصرف
او مالک نیست محض
حاکمانی باشد امام
آن اموال را قرار
صواب بد و مشور و در
ضروریات و مصالح
عمومی مسلمانان خرج
خواهد کرد حکم اموال
غنیمت از آن جدا
گذاشته اند

تفسیر
تفسیر
تفسیر

فما ينفذ من حيث
مترجم گوید ازین آیت
معلوم شد که حق تعالی
مسلمان را حق است
پس ارجح فایز است
باید داد تا آنکه آن فی
کفایت کند و ان شاء الله
بشایسته از عذاب خدا
که در حق است و ان شاء الله
والله اعلم - و مفسر
بایک دیگر فرموده که باید
و معلوم الی شان یکی
نیست والله اعلم - ۱۲
تفسیر عثمانی
بقیه ص ۵۲۳ - البشیر
البکر از حق تعالی در
احکام القرآن و نقل
کرده است
که این صلح
را هیچ باحوال
منقول است و در
غیر منقول امام احتیاج
دارد که اگر مصلحت
دانند بین لشکر تقسیم
کنند و اگر مصلحت
نماید برای مصالح
عامه نگذارد چنانکه
در سواد عراق حضرت
عمر به مشوره بعض
صحابه جمیل القدر
بهین طور اجراءات
کرده بود - هر دو حق
بین مسلک شیخ
البکر از روی «اعلموا
انما غنمنا الله» را
باحوال منقول و
آیات سوره حشر را
بر احوال منقول علی
کرده است باین
طریق که آیت اول
و اما ان الله علی رسول
منهم بمرکب - فی و
آیت دوم «انا انزلنا
علی رسول من ابن القری
بر حکم» حقیقت معلوم
است و نکته «غنیتم»
را میتوان باطنی تعبیر کرد و ان شاء تعالی اعلم یا القواب ۱۲

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُجْزَوْنَ مِنْهَا حَاجَةً إِلَيْهِمْ
و نیز آنان را راست که جائز گرفته اند بدارالاسلام و جائز پیداکرده اند ایمان پیش از مهاجران دوست میدارند هر که بکرت می کند نسبت ایشان
و نیز آنان را راست که جای گرفته اند در سرای بکرت و خالص کرده اند ایمان خود را پیش از ایشان دوست میدارند هر که را بکرت کند نسبت ایشان
لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ
نه می یابند در خاطر خود و غده
می یابند در دل بای خود و غده (در حد)
از طرف آنچه داده شده مهاجران را و دیگران را اختیار می کنند بر خویش
و اگر چه است ایشان را اتفاقا احتیاج به آنچه ایشان می یابند و هر که بکرت می یابند از هر نفس خود پس آن جماعه ایشان را دوست میدارند
وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ
و نیز آنان را راست که آمدند بعد مهاجران و انصار می گویند ای پروردگار ما را و برادران ما را
و آنان که آمدند بعد از ایشان می گویند ای پروردگار ما را و برادران ما را
سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ
سبق کردند بایمان آوردن و پیداکردن در دل ما هیچ کینه به نسبت آنان که ایمان آوردند ای پروردگار ما را و برادران ما را
رَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ
بخت آمیزه می یابند با حق و ایمان بیگانه می گویند ای برادران خود را که
بخت آمیزه می یابند با حق و ایمان بیگانه می گویند ای برادران خود را که
كُفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَّا أُنْزِلَتْ مَعَهُمْ وَلَا يُطِيعُ فِتْنَةً
لافتند از اهل کتاب بخدا که حلال کرده شود شمارا البته بیرون شویم یا نیز همراه شما و دران قبول کنیم در عقده شما
کافر اند از اهل کتاب (قسم بخدا) اگر حلال و طین کرده شود (برای شما) بیرون می شویم یا شما و فرمان می دهیم در معامل شما
أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ لَهُمْ وَلَكُمْ لِكُذُوبٍ كَثِيرٌ
بیشتر را بر کفر و اگر قتال کرده شود یا شما البته نصرت دهیم شمارا و خدا گواهی میدهد که ایشان را در کذب و غلو یان بخدا اگر
بیشتر را بر کفر و اگر قتال کرده شود یا شما البته نصرت دهیم شمارا و خدا گواهی میدهد که ایشان را در کذب و غلو یان بخدا اگر
أُخْرِجُوا أَلَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَكِنْ قُوتِلُوا أَلَا يَنْصُرُوهُمْ وَلَكِنْ تَصَرَّفَهُمْ
جلا و طین کرده شود اهل کتاب را حلال و طین شوند همراه ایشان و اگر جنگ کرده شود با اهل کتاب نصرت ندهند ایشان را و اگر بعضی
بیرون کرده شوند بیرون نمی روند منافقان با ایشان و اگر جنگ کرده شود با ایشان یاری ندهند منافقان ایشان را و اگر بعضی
لَيُؤْتِنَ الْأَدْبَارَ فَتُحَرِّمُونَ ۝ لَا تَأْتُوا مَدِينَهُمْ مِنْكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي طَرَفٍ
البته بازگردانند پشت خود را بعد از آن مد کرده نشود ایشان را
(هر آینه) پشت داده بکرت بعد از آن هرگز مد کرده نشوند
مَنْ أَلَّفَ اللَّهُ دَلِيلًا يَأْتُهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ۝ لَا يَتْلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي طَرَفٍ
از خدا این بسبب آفت که ایشان قسسه هستند که نمی فهمند جنگ تلقین با شما می باشد مگر در
نسبت به الله این بسبب آن است که ایشان قوی هستند که نمی فهمند مقاتله کرده نمی توانست با شما هم یک جا شده مگر در دوات
مُحَصَّنَةً أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدٍ ۝ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ شَلَالٌ يَدُوحُ حَسْبَهُمْ جَمِيعًا
که بر آن حصار ساخته باشند یا از پس دیوارها جنگ ایشان در میان خویش تحت ترس است یاری ایشان را می یابند و
حصار کرده شده یا از پشت و پلورها جنگ آنها در میان شان تحت است می یاری ایشان را می یابند با جمیع شده و
قُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكُمْ بَأْسُهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ۝ كَسَلُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
دل بای ایشان پراکنده است این بسبب آنست که ایشان قسسه هستند که نمی یابند و دست ایشان را می یابند و دست ایشان را می یابند
دل بای ایشان پراکنده است این بسبب آنست که ایشان قسسه هستند که نمی یابند و دست ایشان را می یابند و دست ایشان را می یابند

قُرْبًا ذَاتُ اقْوَابَالْ اَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابُ الْاَلِيمَةِ كَيْفَ لَشَيْطَانٍ

در نزدیکی چو چشیدند و بال گناه خود را و ایشان را عذاب دردناک و ایشان منافقان باطن کتاب اند و ایشان شیطان است

اِذْ قَالَ لِلنَّاسِ اَنْفِرُوا فَلَما كَفَرُوا قَالَ اِنِّي بَرِيٌّ مِّنْكُمْ اِنِّيْ اَخَافُ اللهَ

گفت آدمی را کافر شو پس چون کافر شدند گفت (شیطان) هر آینه من بیزارم از کوه (یعنی حق) من می ترسم از خدا

رَبِّ الْعَالَمِينَ فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا اَنْ هُمَا فِي النَّارِ الْاُولَىٰ فِيهَا وَاُولَٰئِكَ

پروردگار عالمیان پس شد عاقبت کار این شیطان و آدمی آنکه ایشان در آتش باشند جاودان و آنجا دین است که برودگار عالمی است پس شد انجام کار آن برودگار که برودی ایشان باشند در آتش جاودان و دین است

جَزَاءُ الْعَالَمِينَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَالتَّطَرُّقُ لِنَفْسِكُمْ قَدْ مَتَّ

جزا ستمکاران ای مسلمانان بترسید از خدا و باید که تا نل کند هر نفس که جز پیش از خدا است جزای ستمکاران عده ای ستمکاران

لَعَنَ وَاتَّقُوا اللَّهَ اِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ

بناک فرود و بترسید از خدا هر آینه خدا خبردار است آنچه می کنید و مبارک شد مانند آنکه برای خدا و بترسید از خدا به تحقیق الله خبردار است آنچه می کنید و توبه مانند آنکه

سَوَّاهُ فَانْسُدْهُمْ اَنْفُسَهُمْ اُولَٰئِكَ هُمُ الْفٰسِقُونَ لَا يَسْتَوِي

فرمودی که ندهد خدا پس خدا قوی است که از ظاهر ایشان ندیده حال ایشان را این جماعت ایشانند و کاران برابر نیستند زاموش کردند خدا را پس فراموش گردانید خدا از یادشان نفس با آنکه ایشان را آن عباد ایشانند و فراموش برابر نیستند

اَصْحٰبُ النَّارِ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفٰرِقُونَ وَلَا

اهل دوزخ و اهل بهشت اهل بهشت ایشانند و طلب رستند اگر اهل دوزخ و اهل بهشت اهل بهشت ایشانند به طلب رستند اگر

اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَلِّيًا مِّنْ خَشْيَةٍ

فرود آوردیم این قرآن را بر کوهی هر آینه میدیدی آنرا بنیایش کرده باره باره شده از خوف (هر آینه) امیدیدی آنرا ترسیده باره شونده از خوف

اللّٰهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ هُوَ

خدا و این است آنها میان می بینم برای مردمان تا ایشان را فکر کنند دوست الله و این مثال با میان می بینم آن را برای مردمان تا ایشان را فکر کنند دوست

اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ

آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او داننده نهان و آشکارا دوست بخشنده آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او داننده نهان و آشکارا دوست بخشنده

الرَّحِيْمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ

مهربان دوست آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او بادشاه نهایت پاک معصیت از همه عیب مهربان دوست آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او بادشاه نهایت پاک سالم از همه عیب با

الْمُؤْمِنِ الْمُتَّقِ مِنَ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ نَسُحْنُ اللّٰهُ عَمَّا

ان دهرتد لگامان غالب خود اختیار برده گوار پاکی خدا تراست از ایمان دهنده در پناه درانده غالب صاحب شوکت صاحب عظمت

يَسْرُكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى

سریک مقرر کردن ایشان دوست خداست آفریدگار نو پدید آورنده نگارنده اوراست نام با آنکه نیک آفریدگار مقرر کردن ایشان دوست الله آفریدگار نو پدید آورنده صیرت نگارنده مراد است نام با آنکه نیک

مل این چنانکه اهل به
مطوبه بنوعی شده
ایشان نیز گشته و الله
اعلم ۱۲ فصلی برین
تفسیر عثمان
عده در آنجا فرود
برود و بنی قریظ را
غذای خود را چشیده
اندر جنگ با آنها
در عهدی که نموده
بعد از یک جنگ
عصر ایشان را
از وطن فرار و نجات
لذات در همین نزدیکی
اهل کبریه در بدر
یافتند بهمان حالت
بنی نضیر را مشاهده
کنند که در میان دست
مسلمانان سزاوارتند
و عذاب دردناک فرست
با دستور سابق بر حال
مانند عذاب شیطان
در این ادا ان رای
کفر و معصیت می انگیزد
و چون ان بدام
اطوای او گرفتار نشود
آنگاه می گویند که ان
تو علیه و از کفر توینما
زیر این از خدا می ترسم
در این قول محض رایا
و مکاری است نتیجه
این می شود که خودش
را بنیزم و فرغ ساخته
داود را هم با خود نهاد
الهی گرفتار نمود و حضرت
شاه صاحب دین و اخلاص
میگوید که شیطان
در آخرت این سخن را
خواهد گفت و برود و سینه
بغل یک کافر آورده
مردم رای جنت بکشند
هرگاه فرستادن را دید
راه فرار را اختیار کرد
و قرآن در سوره الفال
فرستاده همین مثال از
شیطان است که آنها بنی نضیر است و در عاقبت خود باقیین و او ایشان را بجنگ تشویق و مکر یک نمودند که فرمودند که در آخرت بر معصیت شدند و خودشان خدا و خود را فرستادند

صلواته بر محمد و آل محمد
 آنحضرت صلی الله علیه و آله
 علیه السلام خواستند که
 کتب معجزه شود و
 مری شریف آن بود که
 کسی این کلام را بگوید
 آنحضرت مطلع نمیشد
 تا که این بر سر ایشان
 رسیدگی از محافل حضرت
 ایشان نامه نوشتند
 بر قصه حضرت صلوات
 خداوند تعالی آنحضرت
 صلی الله علیه و آله را
 اطلاع داد تا آنکه
 از راه باز آوردند و
 خانه تکیه در باب
 منع از دستگیری لغز نازل
 ساخت ۱۲-
 تفسیر عثمانی
 صلوات الله علیه و آله
 مکرمه سورة «انا انزلناه»
 مذکور شد و بود این
 صلوات الله علیه و آله
 بالآخر کافران عهد شکنی
 کردند در اثر آن
 آنحضرت بار باره فرج
 که نهانی در تهیه
 فرج شد بطوریکه
 کفر که از آنجا
 این خبر نشوند
 مباد از پیوست
 جنگ را شروع
 کنند بدین واسطه
 جنگیدن در حرم شریف
 تا که بر گرد مسلمانان
 بنام حاطب بن ابی
 بلتع که از جمله مهاجرین
 و اصحاب بود
 به ابائی که مکتوبی فرستاد
 که اگر محمد صلی الله علیه
 و سلم مانند شب
 سیاه در شب
 تاریک بر شما هجوم
 آوردی است آنحضرت
 بنده بودی آگاه گردید
 چنانچه حضرت علی و سیره چند صحابه حکم داد که زنی عازم سفر گردیده در فلان مقام از شما رسید یافت آن زن مکتوبی را در آن گرفته بهار دید بقیه بر صفح ۵۳۵

يَسْبَحُ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

یعنی یاد می کند او را هر چه در آسمانها و زمین است و او است غالب با حکمت
 برای یاد می کند او را آنچه در آسمانها و زمین است و او است غالب با حکمت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خداست بخشننده مهربان
 آغاز می کنم بسم خدا اینک به اندازه مهربان نهایت با رحم است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ

فلان مسلمانان دوست می گیرید دشمنان مرا و دشمنان خود را می افکنید
 از دوستان خود می گیرید دشمنان مرا و دشمنان خود را دوستان پیغام می فرستید

أَلَيْسَ بِاللَّهُدَىٰ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخَيِّمُونَ الرِّسُولَ

بسی است ایشان پیغام بسبب دوستی دهر آید ایشان کافر شده اند با آنچه آمده است بشما از دین راست جلادین می کنند پیغمبر را و
 بایشان بسبب دوستی (حال آنکه) کافرند ندیده آنچه آمده است بشما از دین راست می کشند رسول را و

أَيَاكُمْ أَنْ تَوَفَّوْا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ جِهَادًا فَنِي سَبِيلِي

شمارا نیز بر آنکه ایمان آوردید خدا را دوست می گیرید اگر بر آمده ایم از اوطان خود بر آنکه جهاد در راه من و طلب
 شمارا برای آنکه ایمان آوردید به الله که پروردگار شماست اگر بر آمده ایم از اوطان خود بر آنکه جهاد در راه من و طلب

فَرَضَاتِي تُسَرُّونَ إِلَيْهِمْ بِاللَّهُدَىٰ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ

رضا مندی من اینها را میسر می شود بسبب دوستی دهر آید ایشان کافر شده اند با آنچه آمده است بشما از دین راست جلادین می کنند پیغمبر را و
 رضا مندی من (دوست می گیرید آنها را) چنانچه میفرستید بسبب ایشان پیغام دوستی دهر آید ایشان کافر شده اند با آنچه آمده است بشما از دین راست جلادین می کنند پیغمبر را و

وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَبِيلَ السَّبِيلِ إِنْ يَتَّقُوكُمْ يَكُونُوا

وهر که از شما باشد این کار هر آینه ضلالت گرد راه بهار را اگر کافران بیایند شمارا دشمنان
 و هر که بکند این کار از شما پس بر تحقیق ضلالت کرده است راه راست را اگر کافران بیایند شمارا دشمنان

لَكُمْ أَعْدَاءٌ وَيَسْطُرُ إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَسْئَرُ هُمْ بِالْشُّعْرِ وَوَدُّوا

باشند در حق شما و بشما آیند بسبب دشمنی شماست خود را و زبانه های خود را بایله او دوست دارند که
 بر شمارا دشمنان و درازی کنند بشما دست بایست خود را و زبانه های خود را به بدی و دوست دارند که

تَكْفُرُونَ لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَفْصَلُ

کافر شوید شما را نفع نرساند خویشاوندان شما و فرزندان شما روز قیامت فصل خواهد کرد خدا
 شما نیز کافر شوید فائده نمی دهد شمارا خویشاوندان شما و فرزندان شما روز قیامت فصل می کند خدا

بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ يَهْدِيكُمْ لِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرَةً قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي

در میان شما و خدا را پیروی کنید بینا است هر آینه هست شمارا پیروی نیک
 در میان شما و الله به آنچه می کنید بینا است (بدستیک) می باید شمارا پیروی نیک

أَبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا الْقَوْمُ هُمُ النَّاظِرُونَ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ

ابراهم و آنکه همراه او بودند چون گفتند قوم خود را هر آینه ما به تعلیم از شما و از آنچه می پرستید
 ابراهیم و آنکه بودند بادی چون گفتند قوم خود را (تحقیق) باینکه از شما و از آنچه می پرستید

مِنْ دُونِ اللَّهِ تَقْرَأُكُمْ وَبَدَلِ آيَاتِنَا بِالْعَدَاوَةِ وَالْبَغْضَاءِ

خود خدا نام مقدس که بشارت دهد آید میان ما و میان شما دشمنی و ناخوشی
 بخیر الله منکر شدیم از شما و ظاهر شد میان ما و میان شما دشمنی و کینه

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ الْإِقُولِ إِبْرَاهِيمَ الْأَبِيدِ لَا تَسْتَغْفِرُونَ

ای کسانی که ایمان دارید بخداست تنها شمارا پیروی نیک است ابراهیم که هرگز نمی میرد
 ای کسانی که ایمان دارید بخداست تنها (شمارا پیروی نیک است) ابراهیم که هرگز نمی میرد (بدستیک) طلب آمرزش خواهیم کرد

بِحَبْلِ اللَّهِ وَاللَّهُ يَهْدِي لِمَنْ يَشَاءُ خُلُقًا سَوِيًّا

بجستار و گنجینه ایمان آید بخداست تنها شمارا پیروی نیک است ابراهیم که هرگز نمی میرد
 بهیستار و گنجینه ایمان آید بخداست تنها (شمارا پیروی نیک است) ابراهیم که هرگز نمی میرد (بدستیک) طلب آمرزش خواهیم کرد

لَكَ وَمَا أَقْبَلُكَ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا

برائے تو ہی تو اقم برائے تو از خدا چیز سے وکالت ابراہیم سے پروردگار را بر تو توکل کردیم و بسوئے تو رجوع نمودیم
ایمرا تو مالک یستم برائی تو لشع را از جانب خدا چیز سے ای لقتند ای پروردگار ما خاص بر تو توکل کردیم و بسوئی تو رجوع نمودیم

وَالْيَكُ الْمَصْبُورُ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفُ عَنَّا رَبَّنَا

و بسوئے تست باز گشت اے پروردگار ما کن مار از بدست کافران و بیمار از برائے ما سے پروردگار ما
و بسوئے تست باز گشت اے پروردگار ما کن مار از بدست کافران و بیمار از برائے ما سے پروردگار ما

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن

هر آینه تویی غالب باطلت هر آینه هست شمارا بجای مذکوره اقتداء نیک لے از شمارا
ر بقیق تویی غالب باطلت بقیق ی باید شمارا بجای مذکوره اقتدای نیک لے را که

كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ

امید دارد ملاقات خدا را و روز آخرت را و هر که رو گردان شود پس هر آینه خدا بے نیاز
امید دارد ملاقات خدا را و روز پسین را و هر که رو گرداند پس ر بقیق الله اے شمارا

الْحَمِيدُ عَسَىٰ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ كَذَبُوا عَنْكُمْ

ستاره کارست خرد یک ست خدا از آنکه سید اکتد در میان شما و در میان
ستاره کارست امید است الله که سید اکتد میان شما و میان آنانکه دشمنی داشتند با شما

مُودَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ لَا يَهْدِي اللَّهُ الْبَاطِلَ

دوستی را و خدا تواناست و خدا آمرزگار مهربان است منع نمی کند شمارا از مواصلت آنانکه
دوستی را و خدا بهر چیز تواناست و خدا آمرزگار مهربان است منع نمی کند شمارا از آنانکه

لَهُمْ قَاتِلُهُمْ فِي الَّذِينَ كَفَرُوا وَبَارَكُمُ اللَّهُ فِي تَبَتُّبِهِمْ

جنگ کرده اند با شما در مقدمه دین و بیرون کرده اند شمارا از خانه های شما منع نمی کند از آن احسان کند بایشان و
جنگ کرده اند با شما در امر دین و شکسته اند شمارا از خانه های شما مان از آنکه بیرون کند بایشان و

تَقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الظَّالِمِينَ إِنَّمَا يُنَهِّكُمُ اللَّهُ عَنِ

الضَّالِّاتِ كَقِدْرِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يَدْرُسُ مَا يَدْرُسُ اللَّهُ عَنِ الضَّالِّاتِ كَقِدْرِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يَدْرُسُ مَا يَدْرُسُ اللَّهُ عَنِ الضَّالِّاتِ كَقِدْرِهِمْ

الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ

مواصلت آنانکه جنگ کرده اند با شما در مقدمه دین و بیرون کرده اند شمارا از خانه های شما و معاشرت و دیگران کردند در بر
آنانکه جنگ کردند با شما بیرون و دشمنی در شمارا از خانه های شما و معاشرت یک دیگر کردند

إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَتَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ سَيَأْتِيهِمْ

آوردن شما منی کند از آنکه دوستی دارد بایشان و هر که دوستی دارد بایشان پس آنجا که ایشانند ستمکاران و
در اخراج شما از آنکه دوستی کنند با شما و هر که دوستی کند بایشان پس آنجا که ایشانند ستمکاران ای

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ فَاجْرِبْنَهُنَّ وَأَنْتُمْ عَلٰٓىٰ

مسلمانان چون بیایند پیش شما زنان مسلمان بچرب کرده پس امتحان کنید ایشانرا و خدا انا عزمت
مؤمنان چون بیایند نزد شما زنان مسلمان بچرب گمان پس امتحان کنید ایشانرا الله انا عزمت

بِأَيِّمَا نَحْنُ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ

بایمان ایشان پس اگر مسلمان دانید ایشانرا باز نفرستید ایشانرا بسوئے کافران
بایمان ایشان پس اگر بداند ایشانرا که مؤمن اند واپس نفرستید ایشانرا بسوئے کفار

لَهُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَهُمْ حِلٌّ لَّهُنَّ وَاتَّوهُهُنَّ مَا تَفْعَلُونَ وَلَا جُنَاحَ

بر این زنان حلال اند کافران را و آن کافران حلال اند این زنان را و بدیده بشوهران ای که حرج کردند و نیست گناه
و آن زنان حلال اند کافران را و آن کافران حلال اند این زنان را و بدیده بشوهران ای که حرج کردند و نیست گناهی

فصل یحیی درین قول
اقتدار با ابراهیم نشاید
کردن و استغفار بر ابراهیم
کافر دست نیست
والله اعلم ۱۲- ف
یعنی ایشانرا تو می توانی اسلام
دهی ۱۲- ف من هر کس که بگوید
در حق هدیه یعنی نه
کفار بچرب کرده بودیم
ای آند و بعضی شمار
مسلمین مرند گفته به کفار
الحق می باشد خداست
تو ای حکم این جمله بیا
فخود والله اعلم ۱۲- ف
یعنی قسم و سید ایشانرا
که سبب تا خوشی
شوهران خود را بسبب
عشق جوان دیگر نموده
و نه والله اعلم ۱۲- ف
یعنی هر که شوهران
کفار داده بودند باز
گردانند والله اعلم ۱۲- ف
تفسیر عثمانی
بقیه صف ۵۵- این
نفری بسرعت تمام
رعان شدند وزن
مذکور را عینا بایمان
مقام گرفتار کردند زن
مذکور بعد از لیت معل و
مناقشه زیادی خطرا
بدیشان سپرد
خواندن معلوم شد که
حاطب بن ابی بلتعبر
کفار نوشته است و
اطلاع بجم مسلمانان
را داده است آنحضرت
حاطب را بخص و بخود
خواسته علت این
حرکت را پرسید
نامرزه گفت- یا رسول
الله انا من کفر اختیار
کرده ام و از اسلام
برگشتم- سخن در است
همین است که این عیال
من در کعبه پیچ کس
حاجی و مدگار آنها

فان يفتح الرحمن
 اقامت بنید کرده اند
 علم ۱۲ و ۱۳ یعنی اگر کسی
 مرتد شد با مشرکان
 شود و باید طلبید
 اگر کسی مسلمان شود
 بجهت کینه بود او را
 و الله اعلم بالصواب
 طبعیت متناهی از نشان
 و این مترجم گوید که اگر
 کفار مایل باشند نه
 مرتد باشند ایشان حق کرده
 از ایشان مهربان طلبید
 چنانچه با حق مابقه معلوم
 شده اگر کفار مایل باشند
 از فتنه مصلحت نشان
 شوهران مرتد و مهربان
 باید و لا بد حق که این
 همه احکام تفسیر شده
 نزدیک این تفسیر این
 احکام ثابت شده است
 پس اگر کسی حالیکه در
 حدیث بود باز در حدیث
 کرد پس احکام عمل کرده
 خود و الله اعلم بالصواب
 یعنی فرزند کسی را بدیگری
 ضوب نکلند و الله اعلم
 و الله اعلم بالصواب
 حکم بکتاب ایشان
 کرده است پس هرگز
 ایمان ندارند و
 ثواب
 نیابند
 چنانچه

عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ

بر شما که نکاح کنید بایشان چون بدید ایشانش را نکاح دارید دست آویز
 بر شما که نکاح بکنید بجز بد زنان را چون بدید زنان را مهربان و نگاه مدارید تا موس مانی

الْكُفْرَ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا مِنْكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ

زنان مسلمانان را و طلب کنید آنچه شما خرج کرده و باید که مشرکان طلب کنند آنچه خرج کرده اند و این است حکم خدا فیصله می کند
 زنان کافرها و بخوابید آنچه خرج کرده اید و بخوابید کافران آنچه خرج کرده اند و کافر شد حکم خداست علم می کند بایشان

بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَإِنْ فَانَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ

عیان شما و خدا داناست با حکمت است و اگر از دست شما بیرون دهم از زنان شما بسوی کافران
 عیان شما و خدا بهر چیز داناست با حکمت است و اگر از دست شما بیرون دهم از زنان شما بطرف کفار

فَعَاقِبْتُمْ فَاقُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَرْوَاجُهُمْ قُلْ مَا أَنْفَقُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ

پس عقوبت رسانید کافران را و گفت پس بدید آنرا که رفت بایشان از زنان ایشان مانند آنچه خرج کرده باشند و در میان خداست
 پس نوبت شما برسد و طبعیت بگوید پس بدید آن کسان را که رفتند از زنان ایشان مقدار چیزی که خرج کرده اند و در میان شما باشد

الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ يُؤْمِنُونَ ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَاطِنُ

که شما را و باور دارند اید و این
 که شما باور دارند اید
 اے پیغمبر چون بیایند نزدیک تو زنان مسلمان که بیعت کنند با تو
 اے پیغمبر چون بیایند نزدیک تو زنان مؤمنه برائے بیعت کردن

عَلَى أَنْ لَا يُبَشِّرَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَخْفَرَنَّ وَلَا يُزْنِينَ وَلَا يَفْتُلَنَّ

باین شوا که مشرک نکلند یا خدا چیزی را و از وی نکلند و نه تا نکلند و نه بکشند
 بر اینکه مشرک نشاند به الله چیزی را و نه دزدی کنند و نه زانی کنند و نه بکشند

أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بَهْتَانٍ يَفْضِلْنَ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا

اولاد خود را و نیارند سخن دروغ را که افترا کرده باشند آخر در میان دستهای و پاهای آنها فتنه
 اولاد خود را و نیارند سخن دروغ را که افترا کرده باشند آخر در میان دستهای و پاهای آنها فتنه

يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِعُهنَّ وَاسْتَغْفِرُكُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

نافرمان نکلند ترا در کار نیک پس بیعت قبول کن از ایشان و طلب آمرزش کن برائے ایشان از خدا هر آینه خدا آمرزگار
 نافرمانی نکلند ترا در کار نیک پس بیعت قبول کن از ایشان و آمرزش بخواه برای ایشان از الله بخجی الله آمرزگار

رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَوَلُّوا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

مهربان است اے مسلمانان دوستی ندارید با گروهی که غضب کرده است خدا بر آنها
 مهربان است اے مؤمنان دوستی کنید با گروهی که غضب کرده است الله بر آنها

قَدْ يَسْأَلُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسْأَلُ الْكُفَّارُ مِنَ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ۝

آن جماعه تلاطم دارند از آخرة چنانکه نامید شده اند کافران که از اهل قبور
 نامید شده اند آن جماعه از آخرة چنانکه نامید شده اند کفار از اهل قبور

يَسْمِعُ اللَّهُ السَّامِعُ السَّمِيعُ ۝

بشنام خداست بگوشا شنیده مهربان
 آغوشی کنم تمام هر آینه بے اندازه مهربان نهایت با هم است

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

بیا ای یا: کو خدا را ستایش است و آنچه در زمین است و ادست غالب با حکمت اے
 بیا ای یا: کو خدا را ستایش است و آنچه در زمین است و ادست غالب با حکمت ای

آمَنُوا لَا تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ۝ كَذَبَ الْمُتَّقُونَ ۝ كَذَبَ الْمُتَّقُونَ ۝

مسلمانان چنانچه گویند آنچه نمی کنید بسیار ناپسندیده شد نزد خدا آنکه بگویند
 مؤمنان چنانچه گویند آنچه نمی کنید بزرگ است از روی قسم نزد الله آنکه بگویند

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَتَلَاوَدَّ بَيْنَهُمْ وَتَلَاوَدَّ بَيْنَهُمْ وَتَلَاوَدَّ بَيْنَهُمْ

و اینها که ایمان آورده اند و میان خود پیوسته اند و میان خود پیوسته اند و میان خود پیوسته اند

فل یجی با خدا عهد
کنید و به فائزسانید
و پس در توحید یحی
حیلی سنی گردند
تفسیر عثمانی
سه پیغمبر آن گذشت
را صدیق می گفتم و در باب
پیغمبر سنده بشارت
میدم - اگر چه در انبیاء
سابقین هم راجع به
بعثت خاتم الانبیاء صلی
الله علیه و سلم پیشه
بشارت میداده اند
لیکن با راحت و
وضاحت و اتمای که
حضرت مسیح علیه السلام
راجع به تشریف آوری
آنحضرت صلی الله علیه
و سلم مژده داده آن
قد از کس دیگر منقول
نیست - شاید این
خصوصیت در همه
مسیح علیه السلام از
سبب قرب عهد آمده
باشد زیرا که از بدایت
پیغمبر آخر الزمان بگویند
دیگر نبوت شدنی نوز
حقیقی است مسلم که
فقط بجهان و محراب
متحدان پیروز و نصاری
امروزین نشویند
توریت و انجیل صلی
را در دسترس دنیا
نگذاشته است
اگر بوسیله آن بدستی
درک می کردیم و می دانستیم
که انبیای سابقین
خصوصاً حضرت
مسیح علیه السلام در
باب خاتم الانبیاء صلی
الله علیه و سلم بکلام الفاظ
ویرگام عنوان نموده
داده بودند - باین طریق
بیان صاف مخرج
قوان کرم را بکنید
که آنکه اینها تمام حق می

مَا لَا تَقْعُدُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ صَفَاكَ لَهُمْ
چیزی که ننگیدند و هر آینه خدا دوست میدارد آنان را که جنگ می کنند در راه خدا صفت زده گویا ایشان
چیزی را که نمی کنند (بجای حق) الله دوست می دارد آنان را که جنگ می کنند در راه او صفت زده گویا ایشان

بَنِيَّانُ مَرَصُوصٌ ۝ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَقَوْمِ لِمَ تَقُولُونَ لِقَوْمِ اللَّهِ وَقَدْ تَعْلَمُونَ
خوار تان هستند محکم بایک دیگر چسبیده و یاد کن چون گفت موسی قوم خود را ای قوم من چرا می گویید برای خدا و چون می دانید
دولتی آشفته یا سرب اندازناهای یک دیگر چسبیده اند (معاذ الله) چون گفت موسی قوم خود را ای قوم من چرا می گویید برای خدا و چون می دانید

إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَبْنِي إِسْرَءِيلَ إِنِّي
من فرستاده خدایم بسوئ شاپس و قبیح گردی کردند هیچ ساخت خدا دل ایشان را و خدا راه نمی نماید
من فرستاده خدایم بسوی شاپس چون هیچ رفتند (برگشته از حق) هیچ ساخت الله دل بانی شان را و خدا راه نمی نماید

رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مَّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَبَلِّغُوا رِسُولَ
پیغمبر خدایم بسوئ شما باور دارنده آنچه پیش دست من است از تورات و بشارت دهنده به پیغمبر
فرستاده خدایم بسوی شما تصدیق گفتم آنچه پیش روی من است از تورات و مژده دهنده به پیغمبری

يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ
که بیاید بعد از من نام او احمد باشد پس چون آمد احمد صلی الله علیه و سلم پیش ایشان با حجت و بشارت حق می
که می آید بعد از من نام او احمد است پس چون آمد و بایشان نشانهای واضح را گفتند این جادوی

مُبِينٌ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى
ظاهر است و گویست شما را از کسی که بر گویست بر خدا دروغ را و او خوانده میشود بسوئ
آشکار است و گویست ظالم تر از کسی که افترا کرد بر الله دروغ را و در حالی که او خوانده میشود بسوئ

الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ
اسلام و خدا راه نمی نماید کرده شما را از آن می خواهند که روشن کنند نور خدا را
اسلام و خدا راه نمی نماید کرده ظالمان را می خواهند که کل کنند نور خدا را

بِأَنفُسِهِمْ وَاللَّهُ مُتَبِعُ تَوْرِهِ وَتَوْرَةُ الْكَافِرُونَ ۝ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ
بدینهاست و توحید تمام کننده نور خود است اگر چه ناخوش دارند که از او دست آنکه فرستاده پیغمبر خود را
بدینهاست خود خدا تمام کننده نور خدا است اگر چه بدیدانند کافران او دست آنکه فرستاده است پیغمبر خود را

بِأَنفُسِهِمْ وَدِينُ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَتَوْرَةُ الْمُنْشِرِينَ ۝
به هدایت و دین راست تا غالب کندش بر ادیان همه آن اگر چه ناخوش دارند که مشرکان را
به هدایت و دین راست تا غالب کند آنرا بر همه ادیان اگر چه بدیدانند مشرکان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَهْلَ آدَمَ عَلَى تَجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ آدَمَ
ای مسلمانان آیات دلت کنم شمارا بر تجارتی که نجات دهد شمارا از عذاب دردناک
ای مومنان آیات دلت کنم شمارا بر تجارتی که نجات دهد شمارا از عذاب دردناک

تُمْ مَنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝
ایمان آرید بخدا و رسول او و جهاد کنید در راه خدا با اموال خود و
ایمان آرید به الله و رسول او و جهاد کنید در راه خدا با اموال خود و

أَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝
بجان خود این بهتر است برائے شما اگر می دانید این چنین کنید زیرا که برائے شما
نفسهای خود این بهتر است برائی شما اگر می دانید (این چنین کنید) زیرا که برائے شما

۱۵۰
۱۵۱
۱۵۲
۱۵۳
۱۵۴
۱۵۵
۱۵۶
۱۵۷
۱۵۸
۱۵۹
۱۶۰
۱۶۱
۱۶۲
۱۶۳
۱۶۴
۱۶۵
۱۶۶
۱۶۷
۱۶۸
۱۶۹
۱۷۰
۱۷۱
۱۷۲
۱۷۳
۱۷۴
۱۷۵
۱۷۶
۱۷۷
۱۷۸
۱۷۹
۱۸۰
۱۸۱
۱۸۲
۱۸۳
۱۸۴
۱۸۵
۱۸۶
۱۸۷
۱۸۸
۱۸۹
۱۹۰
۱۹۱
۱۹۲
۱۹۳
۱۹۴
۱۹۵
۱۹۶
۱۹۷
۱۹۸
۱۹۹
۲۰۰

طالع بنی عرب ۱۲
یعنی فارس سائر هم ۱۲
و بنی یمن و قحطان
علی بن کرند ۱۲
تفسیر عثمانی ۱۲
مفسر کراچی ۱۲
آخرا زمان آمده طوری
نویسند که هیچ نشان
آن باقی نماند چنانچه
انجیل موجود در بیت
موضع ذکر آنحضرت
صلی الله علیه و سلم قریب
به صراحت موجود است
و دان برای صاحبان
عقل و الفاضل گنجایش
تاویل و انشا و طحا
نیست در انجیل
یوحنا بکر تالیف
روایه یوسوس
آن قدر بشارت
واضح است که
مطلب بے تکلف
آن بجز احد بمعنی
حمود و ستوده چیز
دیگر نیست می تواند
چنانچه بعضی علما ی اهل
کتاب هم ناچار به
اعتراف و یا تمسک
آن مجبور شده اند که
این پیشوایان غیر از
سور عالم صلی الله علیه
و سلم نبی و روح القدس
و نه بر شخص دیگر
تطبیق شده میتواند
علما ی اسلام بحمد الله
راجع باین بشارت
کتاب باقی مستقل
توضیح اند مؤلف
تمام تفسیر حقانی و
معنی تفسیر سور عفا
در خصوص بشارت
فارقیطه و تحریف
انجیل بحث کامل و
قناعت بخشی نموده
است خدا بیش از
نیکی دهد علی بنی
حضرت (علیه السلام) بانسانهای روشن آملو یا کسیکه علی بنی علیه السلام بشارت او را داده بود یعنی حضرت احمد مجتبی محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم فانات واضح را گرفته

يُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ

در آرد شمارا به بوستانها میرود و زیر آن جویها و بزمها و مسکنهای پاکیزه و بهشت باغی

عَلَيْنَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ هُوَ آخِرُ مَا نَحْنُ بِهٖ نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَقَدْ

برینست باینست فیروزی بزرگ ویداد است دیگر دوست میدارید آنرا آن نعمت نصرت از جانب خداست و فتح چادید این است کامیابی بزرگ ویداد است دیگر دوست میدارید آنرا آن نصرت از جانب خدا و فتح

قَرِيبَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا

قریب حصول است و بشارت ده و مسلمانان را ای مسلمانان با شید نصرت و بهشت خدا چنانکه نزدیک است و مزده بده مؤمنان را ای مؤمنان شویید مددگاران الله چنانچه

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِثِ مَنْ أَنْصَارِيَ إِلَى اللَّهِ قَالَ

گفت عیسی پسر مریم بایاران خاص خود کیستند نصرت و بهشت گان من بسوی خدا متوجه شده گفتند گفت عیسی پسر مریم بایاران خود کیستند مددگاران من در راه خدا گفتند

اَحِبَّاءُ يَهُودَ مَنْ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمْنَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَكَفَرُوا

آن یاران خاص ما یمن نصرت و بهشت گان خدا را پس ایمان آوردند بعضی بنی اسرائیل و کافر ماندند آن یاران ما یم مددگاران الله پس ایمان آورد طائفه از بنی اسرائیل و منکر شدند (لا فرامند)

طَائِفَةٌ فَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدْوِهِمْ فَاصْبِرُوا ظَاهِرِينَ

بعضی پس قوت دادیم مؤمنان را بر دشمنان ایشان پس سر شدند غالب طائفه پس قوت دادیم مؤمنان را بر دشمنان ایشان پس گردیدند غالبان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَ

اوست آنکه بر اینجخت در ناخواندگان قلم پیغامبر سے از قوم ایشان میخواند بر ایشان آیت او را پاک می کند ایشان را و اوست آنکه بر اینجخت در ناخوانان پیغمبر سے از ایشان میخواند بر ایشان آیت او را پاک می سازد ایشان را و

يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

سے آموزد ایشان کتاب و دانش و هر آینه ایشان بودند پیش ازین در گمراهی ظاهر می آموزد ایشان کتاب و حکمت و در حقین بودند پیش ازین در گمراهی ظاهر

وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لُمَّا يُلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ذَلِكَ فَضْلُ

و بیز مبعوث کرد آن پیغامبر را در قوس و دیگر از بنی آدم که هنوز نه پیوسته اند با مسلمانان و اوست غالب با حلت و بهشت کرد آن رسول را برای مردان دیگر نیز از ایشان (بنی آدم) که هنوز نه پیوسته اند بایشان و اوست غالب با حلت این است فضل

اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا

خدا میدهد بکس که خواهد و خدا خداوند فضل بزرگ است و داستان آنکه هماده شد بر ایشان خدا میدهد آنرا بکس که خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است مثال آنکه بار کرده شد بر ایشان

التَّوْرَةَ ثُمَّ كَذَّبُوا بِهَا فَيَمْسَلُونَ بِمَا فِيهَا كِذَابًا أَسْفَارًا يَتْلُو

توریت باز نه برداشتند آنرا مانند داستان غرمت که بر دارد کتاب با خدا بدست داستان توریت پس برداشتند آنرا مانند حال خراسان که بر دارد کتاب با خدا بدست داستان

وَلَا يَنْفِقُونَ مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ
مُتَرَجِمٌ گوید این آیت
عقاب است بر امثال
واشدت است این
قصر که کار و نه از شای
آمدن شایسته را
و دیده متفرق شده و
در خدمت آن حضرت
صلی الله علیه و آله
مگر از ده شخص که
ابوبکر و عمر و از آن
و الله اعلم
گوید ریس منافقان
بعضی اسباب کلمات
نفاق متکلم شد آنرا
شخصه از انصار بر من
آنحضرت صلی الله علیه
و سلم رسانید
منافقان مجلس
شریف آمده قسم
خوردند که متکلم آن
کلمات نشدند و این
سوره در حکایت آن
اقبال و تهدید و تلمیذ
الشیخ نازل شد
تفسیر عثمانی
ع حضرت شاه
صاحب راجع الشی
نویس که در باب هر
آذان این حکم نیست
زیر که آدم یارین هم
جایزه را یافتند
و بعد محض یک موضع
میشود اگر وقت شود
یا وقت نمی شود
یا الله خطبه مراد
است و نماز هم در
اعظم لفظان داخل
است یعنی در وقتی
برود که خطبه را
مکنند و آن وقت
خرید و فروخت
حرام است و مراد
از شش نفر که
استقام و مستعد
ارنق است و دیده

الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُبَايِعُونَ اللَّهَ وَآلَهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۵
گوید که در روز
آن مردان که در روز
قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنَّ زَعْمَكُمْ أَنْتُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ
یهود اگر کفر را دارید که شما
یجاسه یهود اگر می بیند که شما دوستان
النَّاسِ فَاتَّبِعُوا أَمْرَهُمُ ۶ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ
مردان پس از خود کنید مرگ را اگر هستید راست گویند و آرزو نخواهند کرد آنرا هرگز بسبب آنچه
مردان و یجاسه پس از خود کرد اگر هستید راست گویند و آرزو نخواهند کرد آنرا هرگز بسبب آنچه
قُلْ مَتَّ أَيْدِيكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۷ قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَتَّقُونَ
شیخ فرستاده است دستهای ایشان و خدا داناست بهتر از آن
بیش فرستاده است دستهای ایشان و خدا داناست بهتر از آن
وَمِنْهُ فَإِنَّهُ مُبْعِدُكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا
آذان پس (هر آینه) آن رسیده است بشما پس باز برگردانیده میشود بسوی دانسته نهان و آشکارا پس خبر میدهد بشما
كُنْتُمْ تَصَلُّونَ ۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا أُوذِيَ الصَّلَاةُ مِنْكُمْ
ی کرید ای مسلمانان چون آذان داده شود برای نماز
ی کرید ای مومنان چون آذان داده شود برای نماز
اجْمَعُوا فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ۹ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ
جمع پس کنید بسوی یاد کردن خدا و بگذارید بیع و خرید و فروخت را این بهتر است شمارا اگر
جمع پس کنید بسوی یاد کردن خدا و بگذارید خرید و فروش را این بهتر است برای شما اگر
كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۰ فَإِذَا أَقْبَضْتُمُ الصَّلَاةَ فَانْشُرُوا فِي الْأَرْضِ
میدانید پس چون تمام کرده شود نماز را متفرق شوید در زمین و
میدانید پس چون ادا کرده شود نماز پس بپراکنده شوید در زمین و
ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۱۱ وَإِذَا
طلب کنید از فضل خدا و یاد کنید خدا بسیار تا شما رستگار شوید و آن مسلمانان چون
طلب کنید از فضل خدا و یاد کنید خدا بسیار تا شما رستگار شوید و چون
رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا فَلْيَذْهَبُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوا قُلُوبَهُمْ ۱۲ قُلْ مَا عِنْدَ
بر زمین کار دانسته یا بازی را متفرق شده متوجه میشوند بسوی آن و بگذارند نماز را بپوشانند و بپوشانند
بینند تجارت را یا کماش را متفرق شوند بسوی آن و بگذارند نماز را بپوشانند بپوشانند نزد
اللَّهُ خَيْرٌ مِنَ الْهَوَىٰ وَمِنَ التَّجَارَةِ ۱۳ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ۱۴
خداست بهترین از بازی و از سوداگری و خدا بهترین روزی دهنده است و خدا
الله است بهترین از کماش عده از سوداگری و خدا بهترین روزی دهنده است
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بسم خدا می بخشایند مهربان
آغاز می کنم بسم خدا می بایست که بایست مهربان است
إِذَا جَاءَ لَكَ مِنَ الْمُنْفِقِينَ قُلْ إِنَّهُمْ شَرٌّ لَّكَ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۱۵
که چون بیایند پیش تو منافقان گویند که ای مهربان خدا و خدا می دانند که تو
چون بیایند پیش تو منافقان گویند که ای مهربان خدا و خدا می دانند که تو
مَدَانِيست عده که هر چه بزرگ گویند که انسان را از یاد الله باز دارند و چون بازی و کماش شاید از آن بفرمانده راه به او غیر فرموده باشد

عنه یس فانت تفتد

بر انسان بار افروخته

بایستی که بنگارن برو

ایمان می آوردند آنجا

آن منصف حقیقی را میگردند

مگر چنان بظهور رسید

که بعضی کافر گشتند

و بعضی ایمان

یا فتنه بدون

شب و شب

الله تعالی در وجود

اهل استدلال و قوت

پند میفرمود و ایمان

را دلویت کرده بود

مگر وقت مردمان را

بطرف محمد صید کرده

بود پس کس برای

فطرت قائم ماند کسی

از حالات بر محیط خود

متاثر نشد بر خطا

آن راه دیگری اختیار

نمود - الله تعالی از اهل

علم این مرد و چیز را

داشت که کدام کس

به اراده و اختیار خود

گرام طرف خیلند

و باز بر حق این سزا

و یا الهام و کلام را

مستحق خواهند همین

چیز را مطابق علم خود

در قسمت ادوخته

بود چنان اهل می آید

علم محیط الله تعالی

مستلزم آن نیست

که در دنیا قوت اراده

و اختیار مافی ثمانده

اراده و علم که برین

مسئله قیق یک

معضن مستقل

بنویسیم و الله الموفق

عنه ایضا آنها نیک

مانند هستند را را

بدایت می کنند و اگر

فرستاده می فرزند

می بود یا یس فرست

از آسمان می فرستد

تفسیر غنائی

انفقوا من مآثر فكم من قبل ان ياتي احدكم الموت فيقول رب

خرج كنهد از آنچه عطا کرده ایم شمارا پیش از آنکه

خرج كنهد از آنچه عطا کرده ایم شمارا پیش از آنکه

ولا اخرتني الى اجل قريب فاصدق واكن من الصالحين و

لا حق موقوف می گذاشتی مرا تا مدت اندک تا صدق دادم و شری از

چرا مهلت ندادی مرا تا مدت اندک تا حیرات می کردم و می شدم از

ان يؤخر الله نفسا اذا جاء اجلها والله خبير بما تعملون و

هرگز مهلت ندید خدا هیچ کس را چون بیاید اجل او و خدا خبردار است

هرگز مهلت نمی دیدد الله بیکس را چون بیاید اجل او و خدا خبردار است

يسمى التغابن وكنى

بنام خدا می بخشایند مهربان

آغاز می کند تمام خدا می کند به اندازه مهربان نهایت بارجم است

يسبح لله ما في السموت وما في الارض له الملك وله الحمد وهو على

همای باد می کند خدا آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و او را است ستایش داد و

همای باد می کند الله را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او را است ستایش داد و

كل شئ قدیر هو الذي خلقكم فمنكم كافر و منكم مؤمن و الله بما

همه چیز تواناست او است آنچه آفرید شمارا پس بعضی از شما کافر است و بعضی از شما مؤمن و خدا

همه چیز تواناست او است آنچه آفرید شمارا پس بعضی از شما کافر است و بعضی از شما مؤمن و خدا

تعملون بصير و خلق السموت و الارض بالحق و صوركم فاحسن

می کنید بنیاست آفرید آسمان با و زمین بر تدبیر درست و صورت بستم شمارا پس نیک ساخت

می کنید بنیاست آفرید آسمان با و زمین بر تدبیر درست و صورت بستم شمارا پس نیک ساخت

صوركم و اليه المصير و يعلم ما في السموت و الارض يعلم ما تسرون

صورتهاست شمارا و بسوخته است بازگشت همه میدانند آنچه در آسمانها و زمین است و میدانند آنچه پنهان میدانید

صورتهاست شمارا و بسوخته است بازگشت همه میدانند آنچه در آسمانها و زمین است و میدانند آنچه پنهان میدانید

و ما تعلمون و الله عليم بذات الصدور و انكم نبؤ الذين كفروا

و آنچه آشکارا می کنید و خدا داناست بگفتن سینهها و ایانیده است بگزار آنانکه کافر بودند

و آنچه آشکارا می کنید و خدا داناست به آنچه در سینهها است آیانیده است بگزار آنانکه کافر شدند

من قبل فذاقوا وبال امرهم و لهم عذاب الیم و ذلوا بائس كانت

پیش از این پس چشیدند و بال کار خود را و ایشانراست عذاب درد دهنده این عذاب آشت که

پیش از این پس چشیدند سزای کار خود را و ایشانراست عذاب درد ناک این بسبب آن است که

تأنيهم رسالهم بالبينت فقالوا ابشر يهل و تناذ فكم و او تولى و

می آمدند پیش ایشان بیا میران ایشان را باینکه پس گفتند آیا آدمیان راه نمایند ما را پس کافر شدند در گردانیدند و

می آوردند نزد ایشان پیغمبران ایشان نشانهای روشن پس گفتند آیا آدمیان راه نمایند ما را پس کافر شدند در گردانیدند و

استغنى الله و الله معني حميد و رعم الذين كفروا ان كن تبعثوا

بے نیاز است خدا و خدا گوهر ستوده است پسنداشته کافران که بر این حق خواهند شد

بے نیاز است الله (از ایمان آوردن آنها) و خدا بی پروا ستوده است پسنداشته کافران که هرگز بر این حق نخواهند شد

قل بلى و لنى كتبعتن ثم كذبون بما علمهم و ذلوا على الله يسير و

بگو ای کس من پروردگار من را پیغمبر را پیغمبر خود را با حق داده شود شمارا با حق میگوید و اینرا کفر است و اینرا کفر است

بگو ای کس من پروردگار من را پیغمبر را پیغمبر خود را با حق داده شود شمارا با حق میگوید و اینرا کفر است و اینرا کفر است

بگوید نزد آنها و بشریت و رسالت منافات بود از همین سبب ایشان کفر اختیار کردند و از پند حق معلمان ایشانرا نمودند - تنبیه ازین آیت ثابت گردان بگو رسول خدا

مل یق قرآن ۱۳

یعنی آنکه بعضی از کلمات

تفسیر عثمانی

یعنی در شرحی و تفسیری

درج در احتضار

در حال فراموشی و

رسول الله را می بیند

اگر چنان که در تفسیر

نموده است - رسول

خداوند نیک و بد را

فهمانده و طبع خود را

ادانده از اطاعت

و یا محبت شما به

الله پس نفع و نقصان

نبرد - بسا اوقات

انسان در محبت و

فراموشی و اطاعت

گرفتار

آمده است

و احکام ۱۵

اورا فراموش می

کند در پی این تعلقات

افتاده و ملک چندان

بدی می گردد از چنان

شیء محروم می شود و

باور و دروغی زن و

اولاد و بچه وقت اورا

آرام نمی گذارد و این

گیر و دار مبتلا شده

از آخرت غافل

میشود - بر ظاهر است

که اهل و عیالی که سبب

این هدر خردن و نقصان

لایان گردن حقیقتاً

دوست گفته نمی شوند

بلکه دشمنان دشمنان

اند و دشمنی و عداوت

آنها را بسا اوقات

انسان احساس نمی

کند از همین سبب

حق تعالی خاکی از آن

نموده که این دشمنان

بر خدا باشند و رویه

را اختیار نکنند که

سبب اصلاح و بهبود

و نیکی ایشان بحدوث

بر باد دادن دین می شود

قَامُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْتَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ

پس ایمان آرید بخدا و رسول او و توره که در فرستاده ایم و خدا با آنچه می کنید

پس ایمان آرید به الله و رسول او و این توری که در فرستاده ایم و خدا به آنچه می کنید

خَبِيرٌ ۵ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ

خبردار است خبر داده شود شمار او قیامت که روز قیامت آن روز روز ظهورش باشد و نسبت به بعضی باشد و هر کس ایمان آورد

بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيَدْخُلْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

بخدا و بکند کار صالحه دور کند از هر مصلحتی او را و داخل می کند او را به بوستانها می رود

تحتها الْأَنْهَارِ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْقَوْرُ الْعَظِيمُ ۶ وَالَّذِينَ

زیر آن جویها جاویدان آنجا همیشه است فیروزی بزرگ و آنجا که

زیر (قصرهای آن) جویها جاویدان باشند در آن همیشه این است کامیابی بزرگ و آنجا که

كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ

کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را آن جماعت اهل دوزخ اند جاویدان آنجا و بد جاویدان

الْمَصِيرُ ۷ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ

دوزخ نه میرسد هیچ مصیبت مگر بحکم خدا و هر که جویند بخدا

مَرَجِعَ اسْتَدْرَجَ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ

مرجع است دوزخ میرسد هیچ مصیبت مگر بحکم خدا و هر که ایمان آورد بخدا

يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۸ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

راه نماید دل او را و خدا بهر چیز داناست و اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول را

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۹ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ

پس اگر روگردان شوید پس جز این نیست که بر شما مبرای پیام رسانیدن آشکار است خدا هیچ معبود نیست مگر او و

عَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۱۰ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا

بر خدا باید که توکل کنید مؤمنان ای مسلمانان هر آینه بعضی

أَرْوَاجَكُمْ وَأَوْلَادَكُمْ عَنْ آلِهَتِكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا

از ارج شما و بعضی اولاد شما دشمنان اند و حق شما پس بترسید ایشان و اگر عفو کنید و رو بگردانید و

تَعْفُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۱ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فَتَنَةٌ

بیمارزید پس هر آینه خدا آمرزگار مهربان است جز این نیست که اموال شما و اولاد شما آزمون است

وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۱۲ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا

و خدا نزد یک او است مزد بزرگ پس بترسید از خدا آن قدر که توانید و سخن شنوید و

أَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرَ الْأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ

اطاعت کنید و خرج کنید بهتر باشد برای جان شما و هر که نگاه داشت خود را از حرص رنجش خود پس آن جماعت

بِرَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۱۳

بر باد دادن دین خود را و این نجات دهنده است و اینها از این نجات دهنده است و اینها از این نجات دهنده است

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

و اینها از این نجات دهنده است و اینها از این نجات دهنده است و اینها از این نجات دهنده است

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

و اینها از این نجات دهنده است و اینها از این نجات دهنده است و اینها از این نجات دهنده است

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

و اینها از این نجات دهنده است و اینها از این نجات دهنده است و اینها از این نجات دهنده است

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

و اینها از این نجات دهنده است و اینها از این نجات دهنده است و اینها از این نجات دهنده است

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

و اینها از این نجات دهنده است و اینها از این نجات دهنده است و اینها از این نجات دهنده است

سَبْعَ سَنَوَاتٍ وَمِنْ أَرْضِ مَثَلَهُنَّ يَنْزِلُ الْأَمْوَالُ مِنْهُنَّ لَتَقْلَبُنَّ

بفت ۲ سان و آریه انه زمین مانند آن فردی آید تدبیر کار در میان آسانها و زمین بایان کردی
بفت آسان را و زمین را مانند آن نازل میشود هم خدا در میان آنها تابداست

أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

که خدا بر همه چیز تواناست و نیز بداند که خدا بگوید آمده است هر چیز را با علم
که الله بر هر چیز تواناست و بداند که خدا احاطه کرده است هر چیز را از روی علم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا بی بخشایند مهربان
آغاز می کنم بسم خدا بی اندازه مهربان نهایت بارم است

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ

ای پیغمبر چرا حرام می کنی چیزی را که حلال ساخته است خدا برای تو میطلبی خوشنودی زنان خود و خدا
ای پیغمبر چرا حرام می کنی چیزی را که حلال ساخته خدا برای تو میطلبی خوشنودی زنان خود را و خدا

عَفُوٌّ رَحِيمٌ ۝ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْبَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ

آمرزگار مهربان است هر آنچه مشورع ساخته است خدا برای شما دان سوگند شما را و خدا کار ساز شاست دست
آمرزگار مهربان است (تحقیقی) مقرر کرده الله برای شما کنون سوگندی بای شمارا و خدا مالک (کار ساز) شمارا دست

الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۝ وَإِذَا أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ خَبْرَ طَائِفَاتٍ

دانا با حکمت و یاد کن چون پنهن گشت پیغامبر یا بعض از اوج خود می کرد پس چون انشا کرد
دانا با حکمت (و یاد کن) چون پنهن گشت پیغمبر بعض از اوج خود می کرد پس چون خبر داد حضرت عاف

بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَئِنَّ عَلَيْهَا

آن سخن را و مطلع ساخت خدا بیخالی پیغامبر را بر افشای آن سخن شما را که پیغامبر بعض آن سخن و اعراض کرد از بعضی پس و خبر داد که آنرا
به آن و مطلع ساخت خدا پیغمبر را بر آن شناساند پیغمبر بعض آنرا و اعراض کرد از بعضی دیگر پس چون خبر داد پیغمبر او را

قَالَتْ مَنْ أَنْبَاكَ هَذَا قَالَ تَبَايَأُ الْعُلَمَاءُ الْخَبِيرُ ۝ إِنَّ تَوْبًا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ

با فاشی را از آن زن گفت که خبر داد ترا باین افشای رانیه پیغامبر فرمود و او را خدا دانای خود را و دانای خود را و دانای خود را و دانای خود را
(حضرت را) به آن گفت حضرت که خبر داد ترا باین گفت خبر داد مرا دانای خود را و دانای خود را و دانای خود را و دانای خود را

صَعَتْ قُلُوبُكُمْ وَأَنْ تَظْهَرُوا عَلَيْهِمْ وَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَجِبْرِيلُ وَ

خوش باز هر آینه می شود دست دل شما و اگر با هم معقن شوید بر یکا خبریدن پیغامبر پس هر آینه خدا کار ساز اوست و جبرئیل و
است دل با من شما و اگر با یکدیگر معاشرت کنید بر او (بر شما دان) پیغمبر پس (هر آینه) خدا اوست مدد کار او و جبرئیل و

صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ هَاجَرُوا مِنْكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ

مردان شایسته از مسلمانان و فرشتگان بعد از این مدد کارند اگر پیغمبر طلاق کند شمارا آورد اوست پروردگار او
مردان شایسته از مؤمنان و فرشتگان بعد از این مدد کارند اگر پیغمبر طلاق کند شمارا آورد اوست پروردگار او

أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُمْ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَنِيتٍ تَبَدَّلَ

خوش و بد بر آید از زنان دیگر بهتر از شما کردن نهادگان باوردند گانه ها کنندگان توبه نمایند گان
خوش و بد او را زنان دیگر بهتر از شما کردن نهادگان ایمان داران ایستاده شوند گان در نماز توبه کنندگان

عِدَّتٍ سَلَحَتْ تَبَدَّلَ وَأَبْكَارًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا أَنْفُسَكُمْ وَ

وعدت بکار کرد گان روزه دارند گان مشهور دیده گان دشویر اندید گان ای مسلمانان نگاه دارید خود را و
عبادت کنند گان روزه دارند گان بیوگان و دختران ای مومنان نگاه دارید نفس با من خود را و

أَهْلِيكُمْ نَارًا أَوْ قُودًا هَا النَّاسُ وَاخِ جَارَةٌ عَلَيْكُمْ غَلَاظُ شِدَادٍ

ای خانه شما ادا شد که اگر از این مردان باشند و شک با نیز بر آن است مومنان اندر فرشتگان درشت خو
ای خانه خود را از آتش اگر آتش انبیز آن مردان و سنگهاست مقررند بر آن آتش فرشتگان درشت خو

ولی مترنم گوید که
آنحضرت علی الله علیه
و سلم را بر پیغمبر اسو
خود ساخت و انداخت
آنحضرت حضرت
کردند آنحضرت
۱۸ علی الله علیه و سلم
خدا داشت ایشان
ما را بر خود حرام کردند
و آنحضرت سره از
اسرار خود با بعضی از
اعمال فرموده و رکنان
آن میانه کردند آن زنده
بدانکه اعلم را نمود
آنحضرت علم بطریق
و من بر افشای آن
سر مطلع شد بعد از نبی
از قرآن قدر در میان
نهادند و عقاب فرمودند
خداوند تعالی در باب
پیدا شدن از اوج طهارت
و تهنید ایشان نازل
ساخت و الله اعلم
۱۲ یعنی با دانای خود
۱۳ قتل نبی حضرت و
حاشا و الله اعلم ۱۲
تفسیر عثمان
ع مطلب از حرام
نمودندین حلال را خود
این است که این خبر را
حلال و مباح دانست
عهد کرده بود که در آینده
آنرا استعمال نخواهد کرد
اگر اجماعی بین کار منی
بر کدام مصلحت صحیح
باشد شرفا همانرا است
که مناسب منافع
آنحضرت نبود که بر آن
حصول خوشنودی
بعض از اوج اینگونه
عادت را اختیار کند که
آینده موجب تکلیف
است کرده نماید آن
حق تعالی او را مشفق فرماید
که هر چند از اوج خویش
اختلافی کردن که هر دو

صلی عزیمت گوید این
 مثل است کافروین
 راد انشاء الله ۱۲
 تفسیر عثمانی
 عه اول در باب
 آسمان در زمین تذکار
 میمان آمده بود در بنی
 ذکر چیز پای است
 که زمین زمین و
 آسمان واقع
 است یعنی قدرت خدا
 بینند که برندگان در میان
 زمین و آسمان گامی میان
 باد انشوده گامی آنرا
 جمع کرده چگونه در پرواز
 می باشند با وجودیکه
 جسم آنها بلیق و نازک
 الی المیزان است پایان
 نمی افتد و نه قوه چنانچه
 زمین این پرند که کوچک
 را بوی خود جذب
 می کند بخوبی بدون
 رحمن دست گیرست
 که آنها را در فضا
 نگه
 داشته
 است
 بیشک رحمن به
 رحمت و حکمت خود
 ساختمان آنها را چنان
 کرده و در آن قوه نهاده
 است که این پرندگان
 به آن وسیله ساخت
 پای و از در هوا قیام
 کرده بتوانند بهمان
 ذات تعالی استعدادهای
 چیز را می اندازند و تمام مخلوق
 را در حفاظت خود نگاه
 میدارد شاید از بیان
 مثال پرندگان در زمین
 موقع بدین طرف هم
 اشاره باشد که خداوند
 آسمان به تنهایی غذا
 قادر است و کفار از
 کفر و شرارت خود محروم
 عذاب نیز می باشد لیکن چنانکه رحمت رحمن پرندگان را در هوا نگهداشته است عذاب هم از رحمت او باز داشته شده است عه کافران به فریب بزرگی مبتلا اند اگر آنها می پندارند که

السَّعِيرُ ۱۱ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ

دوزخ را هر آینه آنانکه می ترسند از پروردگار خویش غایبان ایشان تراست آمرزش و مزد
 دوزخ را (بجستی) آنانکه می ترسند از پروردگار خود غایبان ایشان تراست آمرزش و مزد

كَبِيرٌ ۱۲ وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۱۳

بزرگ و پنهان کنید سخن خود را یا آشکارا گوید آنرا هر آینه خدا داناست با آنچه در سینها پاشد
 بزرگ و پنهان کنید سخن خود را یا آشکارا گوید آن را (هر آینه) خدا بسیار داناست به آنچه در سینها پاشد

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۱۴ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ

آیا نداند سیکه آفرید و دوست یاریک بین خبردار اوست آنکه رام ساخت برائے شما
 آیا نداند (آفرید و در لیاقت) آنکس که یار فرید (مخلوق را) و دوست دانسته اسرار خبردار اوست آن ذاتیکه گردانیده برای شما

الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهَا وَالْيَوْمِ

زمین را تاراه رده بد در نواحی آن و بخورید از رزق خدا و سوئے اوست
 زمین را پست (منقاد) پس بروید در نواحی آن و بخورید از رزق (آفریده) او و بسوی اوست

الشُّورِ ۱۵ أَمْ مِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا

برای تحقیق آیا ایمن شده اید از سیکه در آسمان است از آنکه فرود شمارا بر زمین پس ناگهان
 دوباره زنده شدن آیا ایمن شده اید از سیکه در آسمان است از آنکه فرود شمارا در زمین پس آنگاه

هِيَ تَكُونُ ۱۶ أَمْ مِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا

زمین جنبش کند آیا ایمن شده اید از سیکه در آسمان است از آنکه بفرستد بر شما باد سنگبار
 زمین جنبش کند آیا ایمن شده اید از سیکه در آسمان است از آنکه بفرستد بر شما سنگ ریزه

فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٌ ۱۷ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ

پس خواهید دانست چگونه است ترسانیدن من و هر آینه دروغ داشتند آنانکه پیش از ایشان بودند پس چگونه
 پس خواهید دانست چگونه است ترسانیده من و (بجستی) تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس چگونه

كَانَ نَذِيرٌ ۱۸ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفًى وَيَقْبِضْنَ ۱۹ مِمَّا

عقب بر من آیا ندیده اند بسوی مرغان بالا سینه خود گشاینده باز و گاه فراتر می آرند
 بودا کار من آیا ندیده اند بسوی مرغان بالای سر ایشان کشاینده بال و جمع کنند (آن)

يَمْسِكُهُمْ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ۲۰ أَفَمَنْ هَذَا الَّذِي

نگاه نمی آید از ایشان مگر خدا هر آینه او بهر چیز بیناست آیا لیست آنکه
 نگاه میدارد ایشان را مگر رحمن (هر آینه) او بهر چیز بیناست عه آیا لیست آنکه

هُوَ جَعَلَ لَكُمُ يَنْصَرُّكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا بِي

و سس لشکر است برائے شما که مدد کند شمارا بخیر خدا نیستند کافران مگر در
 دی لشکر است برای شما که مدد کند شمارا بخیر رحمن نیستند کافران مگر در

عُزُورٍ ۲۱ أَفَمَنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ ۲۲ بَلْ

فریب آیا لیست آنکه روزی دهد شمارا اگر باز گیرد خدا را رزق خود را ببلد
 فریب عه آیا لیست آنکه روزی دهد شمارا اگر منع کند خدا رزق خود را چنین نیست بلکه

لَجَوَابِي عْتَوْ وَتَقْوٍ ۲۳ أَفَمَنْ يَمَسُّ مِكْبًا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّنْ

حکم پیوسته اند در سر کشی و رسیدن آیا سیکه می رود بفرموده افتاده بر روی خود راه یافته تراست یا سیکه
 حکم پیوسته اند در سر کشی و رسیدن آیا سیکه می رود بر روی خود افتاده راه یافته تراست یا سیکه

يَمَسُّ مِكْبًا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۲۴ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ

می رود تراست الی شاده بر راه راست
 می رود تراست الی شاده بر راه راست

بَلِّغْ بَعْضَ مَا كَرِهَ قَوْمُكَ
تَفْصِيْلًا عَمَّا نَقِيْلُ

عَلَّامٌ لِّلْغُيُوبِ
وَارِثُ السَّمٰوٰتِ وَٱلْأَرْضِ
وَالَّذِیْ یُحْیِیْ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ
وَالَّذِیْ یُخْرِجُ الْمَوْتِ

جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَٱلْأَبْصَارَ وَٱلْأَفْئِدَةَ ۖ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ٩

پدید آورد برائے شما شنوایی و چشم و دلها
پدید آورد برائے شما گوش و چشم و دلها

قُلْ هُوَ ٱلَّذِیْ ذَرَأَكُمْ فِی ٱلْأَرْضِ وَٱلْبَیْهَ تَحْشُرُونَ ١٠

بگو اوست که پراکنده ساخت شما را در زمین
بگو اوست آنکه پراکنده ساخت شما را در زمین

مَتٰی هَٰذَا ٱلْوَعْدُ ۖ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِیْنَ ١١

کے باشد این وعده اگر راست گوئید
هر وقت باشد (آمدن) این وعده اگر راست گوئید

وَإِنَّمَا اَنۡتَ بِرَمۡیِۡنٍ ١٢

فقط تویی که پراکنده می کنی
فقط تویی که پراکنده می کنی

ٱلَّذِیۡنَ كَفَرُوا۟ قِیْلَ هَٰذَا ٱلَّذِیۡ كُنْتُمْ بِهٖ تَدَّعُونَ ١٣

آنکه کافر شدند گفته شد این همان است که شما
آنکه کافر شدند گفته شد این همان است که شما

أَرۡءَیْتُمْ اِنْ اَھْلَكۡنِی ٱللَّهُ وَمَنۡ مَّعِیْٓ اَوْ رَحِمَنَا فَمَنۡ یُّجۡزِئُ

آیا دیدید اگر بکشد مرا خدا و آنرا که همراه من است یا رحمت کند بر ما هر چه خواهد
آیا دیدید اگر بکشد مرا خدا و آنرا که با من است یا رحمت کند بر ما هر چه خواهد

ٱلْكَافِرِیۡنَ مِنْ عَذَابِ ٱلۡیَمِّ ١٤

کافران را از عذاب دریا
کافران را از عذاب دریا

تَوَكَّلْنَا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ مَنۡ هُوَ فِی ضَلٰلٍ مُّبِیۡنٍ ١٥

توکل نمودیم پس خواهی دانست که کیست
توکل نمودیم پس خواهی دانست که کیست

أَرۡءَیْتُمْ اِنْ اَصۡبَحَ مَآوُكُمۡ غَوْرًا فَمَنۡ یَّاتِیْکُمۡ بِمَآءٍ مَّعِیۡنٍ ١٦

آیا دیدید اگر شود آب شما فروخته پس کیست که بیاید به شما
آیا دیدید اگر شود آب شما فروخته پس کیست که بیاید به شما

سُبۡحٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا یُشْرِكُونَ ١٧

سبحان الله از آنچه شریک می دانند
سبحان الله از آنچه شریک می دانند

ن وَالْقَلَمِ وَمَا یَسْطُرُونَ ١

و قلم و آنچه می نویسد
و قلم و آنچه می نویسد

وَإِنۡ لَّكَ لَآجَرٌۭ غَیۡرُ مَسۡنُونٍ ٣

و اگر آینه تراست مزدی غیر مسنون
و اگر آینه تراست مزدی غیر مسنون

فَسَتَبۡصُرُ وَیُبۡصِرُونَ ٥

پس خواهی دید و ایشان نیز خواهند دید
پس خواهی دید و ایشان نیز خواهند دید

وَإِنۡ لَّكَ لَآجَرٌۭ غَیۡرُ مَسۡنُونٍ ٣

و اگر آینه تراست مزدی غیر مسنون
و اگر آینه تراست مزدی غیر مسنون

وَإِنۡ لَّكَ لَآجَرٌۭ غَیۡرُ مَسۡنُونٍ ٣

و اگر آینه تراست مزدی غیر مسنون
و اگر آینه تراست مزدی غیر مسنون

وَإِنۡ لَّكَ لَآجَرٌۭ غَیۡرُ مَسۡنُونٍ ٣

طایفه یعنی ستم الله
آنست که مردم بر اصل
غالب متغف باین
صفت روزی باشند
و کثرت است از
رسوایان ۱۲ و ستم
آنست که گرفت ۱۳ و ستم
یعنی این بوستان دیگر
ست بوستان مایست
۱۴ یعنی جوع
بجز انکه ۱۵
تفسیر عثمانی
عنه چند بار بود که
برای شان از پدرانش
یک بار میوه میراث
مانده بود شاید در آن
زراعت هم بعمل می آمد
تمام خانه از حاصلات
آن آسوده بود از زمانه
پدرشان عادت بود که
روزی یک میوه چیده می
شد و باشت در می
شد و آنرا محتاج بای
پدرشان هم در آن میش
میداد حقیقه برکت
در آن باغ از سبب
همین بخشش بود بعد از
انتقال او پسران چنین
خیال کردند که این الله
مالیک نفراری برند اگر
بکار خود مایه بهیتر
خواهد بود چرا اندر سبب
را بعل نیاریم که حاجت
بدان محتاجان شود و
تمام حاصلات بخانه ما
داخل گردد پس درین
خود مشوره کرده این
رای قرار یافت که در
آغاز صبح میوه را چیده
بخانه میادیم و تنبیه
نفراده آنجا بگذاریم
نیامد برین تدبیر خود
آنقدر یقین المیزان
کردند که الله را الله
هم نمقتند عده شب
باد محوم بر خاست و آن را سوخته اند یا آفت دیگر آن را فرا گرفت چنانکه تمام زراعت و باغ بر زمین هموار شد رسه برادر میانه که بهو شیارترین آنرا بود شاید در زمین مشوره دیگر

أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۵ فَلَا

و انما ترست به کسی که ضلالت کرد راه او را و انما ترستی بر راه یا منتگان پس

تَطِيعُ الْمَكِيدِينَ ۸ وَذَوُ الْوَسْطِ هُنَّ قِيدُ هَنُونَ ۹ وَلَا تَطِيعُ

فرمان مبر دروغ دارندگان را اگر زود کردند که ملاطعت کنی تا ایشان نیز ملاطعت کنند و زمان قبول کن اطاعت کن مکررین را اگر زود کردند که ملاطعت (ساحی کنی) در بعضی امور حق تا ایشان نیز ملاطعت کنند (در گذرند از مسلک خود) و اطاعت

كُلِّ حَلَاظٍ مَّهِينٍ ۱۰ هَمَّازٌ مَشَاءٌ بَنِيهِمْ ۱۱ مَتَاعٌ لِلْخَيْرِ مَعْتَدٌ

بر بسیار سوخته خورنده محقر را بر عیب گفته و امر رنده سخن چینی را بر بخل گفته و عمال از حد گذشته بر بسیار سوخته خورنده محقر را بر عیب گوئی برنده چغلی بسیار مرغ گفته و نیز مجاز و از حد از حد گذشته در علم

أَنْتُمْ ۱۳ عَتَلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٌ ۱۴ أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ۱۵ إِذَا

کنایه از هر سخت روی را بعد ازین همه حق را از اصل ایشان سلب آنکه هست صاحب مال و فرزندان مکررین کرد چون مکرر کار گران در سخت روی بعد از این همه بدنام بسبب آنکه هست صاحب مال و پسران چون

تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُ قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۱۵ سَنَسِيحُهُ عَلَىٰ خُرُومِهِ ۱۶

خوانده شود بر روی آیات ما که عیاف نه پیشینیان ست و از او خواهیم نهاد او را بر پستی و خوانده شود بروی آیات ما که عیاف نه پیشینیان است بزودی و از او بنیم او را بر خرطوم (بینی)

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ۱۷

هر آینه ما آزمودیم ایشان را چنانکه آزموده بودیم خداوندان بوستان را چون قسم خوردند که البته در گذشت بوستان را صبح کنان (ببختی) ما آزمودیم ایشان را چنانکه آزموده بودیم صاحبان باغ را آنگاه که قسم خوردند که البته قطع کنند میوه باغ را و حالیکه داخل باشند

وَلَا يَسْتَنْوُونَ ۱۸ فَطَافَ عَلَيْهِمُ طَائِفٌ مِّنْ رَبِّكَ وَهُمْ لَا يُهَمُّونَ ۱۹

و انشا الله که گفتند پس بگرد آمد بران بوستان بلائی از جانب پروردگار توست و ایشان خفته بودند و استغاثه کردند (الله را) گفتند پس بیاید در مش بدان باغ طواف کنند از هر در و گارو در حالی که خواب بودند

فَاصْبِرْ كَمَا الصَّرِيحُ ۲۰ فَتَنَادَ وَأَمْصِحْ حِينَ ۲۱ إِنْ أَعْدُوا عَلَىٰ

پس شد مانند در عادت بریده شده عه پس بایکدیگر آواز دادند صبح کنان که یکبار و روید پس گشت باغ ایشان مانند باغ میوه بریده عه پس آواز دادند یک دیگر را صبح کنان باینکه بریدید بوقت صبح

حَرْثَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِيينَ ۲۲ فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ ۲۳ أَنْ

مشت خود اگر در رفتند و اید پس رفتند بایکدیگر سخن چینیان گویند بایکدیگر گشت خود اگر بستمید قطع کنند گان پس رفتند در حالی که بایکدیگر خفیه می گفتند

لَا يَدْخُلُهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ ۲۴ وَغَدَا عَلَىٰ حَرْدٍ قَادِرِينَ ۲۵

داخل نشوند در بوستان امروز بر شما هیچ فقیری و یکبار و رسید بر نیت بعل توانا بر علم خود داخل نشود در باغ امروز بر شما هیچ مسکین و بامداد رفتند بر وقت و شدت در حالی که توانا بودند بر رخ مسکین

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَصَاوُونَ ۲۶ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۲۷ قَالَ

پس آنگاه که دیدند آن بوستان را گفتند هر آینه ما غلبه کننده را هستیم و نه بلکه محروم کرد گاییم گفت پس چون دیدند آنرا (سیاه سوخته) گفتند (هر آینه) ما کم کرد گاییم باغ را (چنین نیست) بلکه ما به محروم گاییم گفت

أَوْسَطُهُمْ أَلَمَ أَقْلٌ لَّكُمْ أَوْ لَا تَسْمَعُونَ ۲۸ قَالُوا سُبْحَنَ رَبِّنَا إِنَّا

بهترین ایشان آینه گفتند بودم شمارا که چرا هیچ سخن نمی گوئید گفتند یانی یا می گوئید پروردگار خود را هر آینه ما بهترین ایشان آینه گفتند بودم شمارا (چنین نباید کرد) چرا باینکه یاد نمیکند خدا را نه گفتند یا کم است پروردگار ما هر آینه (بودیم)

كُنَّا ظَالِمِينَ ۲۹ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ ۳۰ قَالُوا

ستمگار بودیم پس رو آوردند بعضی ایشان بر بعضی بایکدیگر ملامت کنان گفتند ستمکاران پس روی آورد بعضی ایشان بر بعضی بایکدیگر ملامت می کردند گفتند

سَمْعًا ۳۱ وَكَانَ سَوْدًا يَافَتْ دُخَانًا مِّنْ دُخَانِ الْمَوْتَرِ ۳۲ وَكَانَ سَوْدًا يَافَتْ دُخَانًا مِّنْ دُخَانِ الْمَوْتَرِ ۳۳

گوشه ۳۱ و آنرا سوخته اند یا آفت دیگر آن را فرا گرفت چنانکه تمام زراعت و باغ بر زمین هموار شد رسه برادر میانه که بهو شیارترین آنرا بود شاید در زمین مشوره دیگر

يُؤَيِّنَا لَكَ طَغْيَيْنِ ۝ عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَىٰ

سے وائے مارا آئینہ ماہودیم از حد گذشتہ امیدست پروردگار مگر عوض دہدارا پوستائے بہتر ازین ہر آئینہ مالبوئے
ای وای مارا (سہر آئینہ) بودیم مازہ گذرندگان شاید پروردگار ما عوض دہدارا بہتر از ان باغ (بختور) مالبوئے

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ۖ كَذَلِكَ الْعَذَابُ ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كُنَّا

پرو و گار خود تو حق دادند گناهم این چنین است عذاب و هر آینه عذاب آخرت بزرگ تر است کاش
پرو و گار خود رغبت کنند گناهم این چنین است عذاب (و هر آینه عذاب آخرت بزرگ تر است اگر

يَعْلَمُونَ ۝ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّتِ النَّعِيمُ ۝ أَفَنَجْعَلُ

مے دانشمند ہر آئینہ متقیان را نزدیک پروردگار ایشان یوستا منہائے نعمت باشند ۲ یا کردار نیم
میدانستند بقیق پرہیزگاران را نزدیک پروردگار ایشان با غلبہ بے نعمت (خالص) است ۳ یا کردار نیم

الْمُسْلِمِينَ كَالْجُرْمِينَ ۖ مَا لَكُمْ وَقِفْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۚ أَمْ لَكُمْ

مسلمانان را برابر کنه کاران
چست شمارا (دلبر علی) چگونہ حکم کن، آباست شمارا
مسلما نمازا مانند کنه کاران
چسیت شمارا چگونہ مقررے کنید آبا نزدیک شمارا

کُتِبَ فِيهِ تَدْرُسُونَ ۚ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَبَآئِي خَرُونَ ۝ أَمْ لَكُمْ

کتابے هست کرد وے تلاوت می کند این مضمون که ہر آیتہ شمارا باشد در محاد آنچه اختیار سے کند آیا شمارا
کتابی کہ دران می خواند (کہ ہر آیتہ) مست برای شمار دران آن بخند می کند آیا شمارا

اِيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْغَةِ اِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ اِنْ لَكُمْ لِمَا تَخْتَكُمُوْنَ ۙ سَلٰهُ

عهد پائے حکمست بر زمین با که حکم آن تاجیه قیامت باقی باشد باین معنوی که هر آینه شمار است آنچه مقرر کنیده پس از زمین

يَهُودِيَا لَكَ زَعِيمٌ ۚ اَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَمَا لَهُمْ بِالْاَشْيَاءِ عَاقِلُونَ ۚ

کدام ایشان باین مقدمه مستعد است آیا این مشرکان را شریکان هستند پس باید که بیارند شریکان خود را اگر

کاتوا صدقین ۸ و مکتشفین ساق و دعوٰن الی الشیء

داست خواند روزیک جامه برداشته شود از ساق و دغا انده شود ایشانرا بسوئے سجده

فَلَا يَسْتَصْعَبُ ۝ (۹) خَاشِعَةً أَصْوَاحَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

پس نہ تواند فل نیایش ظاہر باشد بر چشم بے ایشان فرومود ایشان را خدای و ہر آمینہ

فل یغفر لکم ذنوبکم
۱۲ لیکن رحمت و درسیہ و بد حال نشد
۱۳ و این کنایت است از شدت عداوت ایشان ۱۴ و معنی آنست که معنی آیت اینست عقوبت ثابت چیست آن عقوبت ثابت هر چیز مطلق ساخت قراک چیست آن عقوبت ثابت بعد از ان چند عقوبت گذشتہ را بیان نمود
تفسیر عثمانی
عنه اگر بعد از قبول توبه فعل و احسان مزید خدا و را یاوری نمی کرد و در همین میدان بی گناہ جایگاه از شکم ای بیرون انداخته و درود مورد التزام شده افتاده می ماند آن کمالات و کمالات او که محض بطق و کرم خدا در وقت ابتلاء هم باقی بود از زمین پرده می شد طبع بعد از عباد و نمود فرعون به بسیاری از و کرات آهه پیش رو چندین قوم پایدار آمدند که هر یک دارای گناہان مختلفی بودند مانند قوم لوح قوم شیب و قوم لوط که قریب بای شان و از گون کرده شده بود اقوامیکه پیغمبر خود را نافرمانی کرده بودند باضا می نمود پروا خند آخر خدای تعالی آنان را سزا داد

رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ۝۱۵

پروردگار خود و مباحث مانند صاحب ماهی فل چون دعا کرد داو پر از غم شده بود اگر نه آنست پروردگار خود و مشو مانند صاحب ماهی (پولس) چون دعا کرد در حالیکه پر از غم بود اگر نبودی آن

أَنْ تَذَرَهُ نِعْمَةً مِّنْ رَبِّكَ لَنَبَذَنَّ بِالْعُرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ۝۱۶ فَاجْتَبِهْ

که دریافت او را رختی از جانب پروردگار او البته بر تافته می شد بر زمین بی گناہ داو بد حال بود پس پس برگزیدش که دریافت او را احسانی از پروردگارش البته امتیختی شد نمیدان بے گناہ در حالیکه مذمت کرده شده ای پس برگزید او را

رَبِّهِ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝۱۷ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا الَّذِينَ يَقُولُونَ

پروردگار او پس ساخت او را از جمله صالحان و بر آئینه خنوع اند کافران که بلغز اند ترا پروردگار او پس گردانید او را از نیکوکاران کامل (بر آئینه) نزدیک اند کافران که بلغز اند ترا

بِأَبْصَارِهِمْ لَهَا يَسْعَوْنَ الدِّينَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ۝۱۸ وَمَا

بخشم بائی نیز خود چون شنیدند قرآن را و می گویند هر آینه این پیغامبر و لو از است و بحقیقت نیست بخشم بائی (تیز) خود چون شنیدند قرآن را و می گویند (تحقیق) او دیوانه است و نیست

بِأَبْصَارِهِمْ لَهَا يَسْعَوْنَ الدِّينَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ۝۱۸ وَمَا

این قرآن مگر پندے عالمهارا این قرآن مگر پندی عالمهارا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم نام خدا بی بخشاینده مهربان آغاز می کنم بسم خدا بی بے اندازه مهربان نهایت بارجم است

الْحَاقَّةُ ۝۱ مَا الْحَاقَّةُ ۝۲ وَمَا أَذْرُكَ مَا الْحَاقَّةُ ۝۳ كَذَّبَتْ ثَمُودُ

قیامت چیست آن قیامت و چه چیز خبردار کرد ترا که چیست آن قیامت فل دروغ شمر و جعل نمود و آن ثابت شونده (قیامت) چیست آن ثابت شونده و چه چیز دانای گردانید ترا که چیست آن ثابت شونده (قیامت) کذاب کردند نمود و

عَادٌ بِالْقَارِعَةِ ۝۴ فَمَا تَشُودُ فَاهْلُكُوا بِالطَّاغِيَةِ ۝۵ وَمَا عَادُ

عاد قیامت را اما نمود پس هلاک کرده شد از ایشان بنوعی شد و اما عاد عاد آن گویند (قیامت) را پس اما نمود پس هلاک کرده شونده یا آفت از حد گذرنده و اما عاد

فَاهْلُكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ۝۶ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَلْينَةٍ

پس هلاک کرده شد از ایشان بنوعی شد از حد گذشتہ خدا بر گماشت آن باد را بر عاد هفت شب و هفت پس هلاک کرده شدند به باد سرد و سخت سرکش از انضباط برآمده مقرر کرد خدا از ایشان هفت شب و هفت

أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ ۝۷ كَانَهُمْ رَعِجَازٌ نَّخِلٍ

روز نهایت بخش پس میدیدی ای ای بیننده آن قوم عار بزمین افتاده گویا ایشان تنهائے درختان خرما روزی در بی پس می بینی آن قوم را دران مرده افتاده گان گویا ایشان تنهائے درختان خرما

خَاوِيَةٍ ۝۸ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِّنْ بَاقِيَةٍ ۝۹ وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ

از کینگی بر بزم شده اند پس ای ای می بینی ایشان هیچ بقیه و بعضی آورده فرعون و آنانی پیش از مے بودند کادال اند پس آیا می بینی از ایشان هیچ باقی مانده و کرد فرعون و آنانی که پیش از وی بودند

وَالْمُؤْتَفِكَةَ بِالْخَاطِئَةِ ۝۱۰ فَعَصَا رَسُولُ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخَذَةً

و اهل موافکات نیز گناه را پس نافرمانی کردند فرستاده پروردگار خود و پس در گرفت خدا آنجمعه را در گرفتن و قریب بای و از گون شد خطارا پس نافرمانی کردند فرستاده پروردگار خود و پس گرفت ایشان را خدا گرفتن

رَأَيْتَ ۝۱۱ إِنَّ السَّاطِعَ الْمَاءَ حَمَلَكُمُ فِي الْجَارِيَةِ ۝۱۲ لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ

عظیم بر آئینه و قنبر از حد گذشت آب سوار کردیم شما را بر کشتی روان تا بلیغ این مقدمه را بر آئی شما سخت عه (تحقیق) ما و قنبر طغیان کرد آب بر دشتیم شما را در کشتی روان تا بجزوایم آن و انوارا برای شما

عده در غرض علی
اسلام چون طوفان
آب آمد از لفظ نظر
اسباب ظاهری و
انسانی علایق یافته
نی تو است محض از
قدرت و حکمت انعام
و احسان مایه که همه
ممكن را طریق ساخته
روح را با هفتایش بجا
و ادیم بر ظاهر است
که در زمین طوفان
عظیم الشان بر سلاطین
مندان یک کشتی فروغ
میشود لیکن مایه نمونه
قدرت و حکمت خود را
نشان دادیم تا مردم
آزاد و امیر دانست
بیاد داشته باشند
و گوش با یک سخن عقل
را شنیده می فهمد و آزا
مخوفی دارند گاهی
فراخشان کنند که الله
در یک زمانه خاص بجا
این احسان فرموده
است و باید بداند
که هم چنانکه در هنگامه
گیر و دار و نیاز و فزایدان
از بحران نافرمان جدا
نگذاشته میشوند در
حادثه بزرگ قیامت
هم همین حال اعلی می
آید بعد از آن همین
موضوع سخن متقل
می شود و عده بهر
کیک از طرف چپ
بدست او اعمال نامه
داده میشود و می اندک
برین بدستی آمده است
در آن وقت با نهایت
حسرت قتی می کنند که
ای کاش این اعمال نامه
ببین و الله می شد نمی
فهمیدم که حساب کتاب
چست ای کاش
مرگ قهقرای خانه

نموده که در این عالم است و در این عالم است و در این عالم است

تَذَكُّرَةً وَتَعِيَهَا أَذُنٌ وَاعِيَةٌ ۝ فَاذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ

پند و نگاه دارد آذنی که گوش یاد دارنده پس چون دمیده شود در صور بلیار

وَاحِدَةٌ ۝ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ۝

دمیدن و برداشته شود زمین و کوه با و باز کوبیده شوند (یک و دیگر) یک کوبیدن

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝ وَالنَّشِيطُ السَّمَاءِ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ۝

پس آنروز متحقق شود قیامت و بشکافت آسمان پس آنروز سست شده باشد

وَالْمَلَائِكَةُ عَلَى الرُّجَاءِ هَامُونَ يُحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَةٌ ۝

و فرشتگان برکنار بایستاده باشند و بردارند تخت پروردگار ترا بالای خود آنروز هشت (هشت نفر فرشته یا هشت نفر)

يَوْمَئِذٍ نَعْرُضُونَ لَا تُخَفِّى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ۝ فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ

آنروز پیش آورده شود شمار اینها نشانند از حال شما هیچ سرے اما آنکه داده شدش نامه اعمال او

بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ مَاقَرُّوا كِتَابِيَةَ ۝ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ

بدست راست او گوید بخیرید بخوانید نامه اعمال مرا (هر آینه من متقدم بودم که من بهم خوانم رسید)

حَسَابِيَةٍ ۝ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۝ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ قُطُوفُهَا

حساب خود پس آن شخص در زندگانی پسندیده باشد در بهشت بلند و از حیث مرتبه و مقام چو بای آن

دَانِيَةٍ ۝ كَلَّا وَاتَّبِعُوا هُنَا أَسَافَتُكُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ۝

فریب آهول مست گفته شود و در اینجا میباشید و در آنجا میباشید و در آنجا میباشید و در آنجا میباشید

وَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيَةَ ۝

و اما آنکه داده شدش نامه اعمال او بدست چپ او گوید ای کاش داده نمی شد مرا نامه اعمال من

وَلَمْ أَدْرِمَا حِسَابِيَةَ ۝ يَلَيْتُهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ ۝ مَا أَعْنَى عَنِّي

ای کاش نمیدانستم چیست حساب من ای کاش مرا کار بگذرد و هیچ نفی نکرد از من

مَالِيَةٍ ۝ هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيَةٌ ۝ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ۝ ثُمَّ الْجَحِيمَ

مال من را از من برداشتی من گفته شود ای فرشتگان بگیردش پس طوق بگردن کنیدش باز در دوزخ

صَلُّوهُ ۝ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ۝

داخل کنیدش باز در زنجیر که مساحت آن هفتاد ذراع است در آیدش

إِنَّ كَانَ لَإِيُّومٍ مِنَ اللَّهِ الْعَظِيمِ ۝ وَلَا يَخْصُ عَلَى طَعَامِ الْمُسَكِينِ ۝

هر آینه این شخص ایمان نداشت بحدای بزرگ و رخصت نمیداد مردمان را بر طعام دادن فقیر

نموده و دیگر بر خاستن نفیس من نمی شود یا اگر میخواستم مرگ فوراً آمده مرا فرو می برد - انفس من که آن مال و دولت و جاه و حکومت هیچ بکار من نیامده امروز همه آنها

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هُنَا حَمِيمٌ ۝ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسِيلٍ ۝ لَا

پس نیست این شخص را امروز اینجا خفاش و نیست این شخص را هیچ طعامی مگر از زرداب

يَا كُلُّهُ إِلَّا الْخَاطِئُ ۝ فَلَا أُنْسَ بِمَا تُبْصِرُونَ ۝ وَمَا لَا تَبْصُرُونَ

خو زند آنرا مگر گناهکاران پس قسم بخورم با آنچه می بینید و آنچه نمی بینید

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۝

هراینه قوال گفتار فرشته بزرگوار است و نیست آن گفتار شاعر اندکی شما ایستاد می آرید

وَلَا يَقُولُ كَا هِنَ قُلُوبًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۝ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝

و نیست گفتار کاهن اندکی پند سے پذیرید فرود آورده شده است از جانب پروردگار عالمها

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ ۝ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ۝ ثُمَّ

و اگر سے بگفت پیغام بر ما بعض سخنها را و اگر می گشت پیغمبر ما بعض سخنان را

لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ۝ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِيزِينَ ۝ وَ

سے بریدیم رگ دل او را و پس نیست از شما هیچ کس بازدارنده او را

إِنَّهُ لَتَذَكُّرٌ لِّلْمُتَّقِينَ ۝ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ ۝ وَإِنَّهُ

هراینه قرآن پند سے مست پذیرد گار آنرا و هراینه ما میدانیم که بعض شما دروغ دارند اید و هراینه قرآن

لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ

حسرت است بر کافران و هراینه قرآن راست درست است پس بپای یاد کن پروردگار

رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ ۝ وَإِنَّهُ

بزرگوار خود را پروردگار پس بزرگ خود را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَمَاءٍ سَائِلٌ بِعَذَابٍ ۝ وَاقِعٍ ۝ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ۝ مِّنْ

طلب کرد طلب کننده عذاب بر کافران فرود آئنده نیست او را هیچ بازدارنده و دفع کننده از جانب

اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ۝ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ

خداوند مرتبه ها که بران صعود کرده شود بالاس و روند فرشتگان و روح بسوی او در روزی که

مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ۝ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ۝ إِنَّهُمْ

که هست مقدار آن پنجاه هزار سال پس صبر کن صبر نیک (هراینه آنها)

صل متروم گوید عادت
سیاف آنست که دست
راست اسیر را بدست
چپ خود گیرد و کشد
بگردن او و الله
کنند باین
اسلوب گفته شد
ف یعنی عقوبت را
ف یعنی گفتند متی بنی
او عدان گفتند صدقین
۱۲ ف یعنی جبریل
علیه السلام ۱۲
تفسیر عثمانی
سه خداییم یا
انسان قوت میرساند
مگر به روز خیان چنان
طعام مرغی داده نمی
شود که سبب راحت
دقت ایشان گردد
طی بریم زخم با کوه دنیا
باده داده میشود که آنرا
غیر از همان گنه گاران
کسی خورده نمی تواند
آن هم از فو که سرگی
و تشنگی چنان می پزند
که از خوردن آن بهانهها
فانده میرسد بعد با
ظاهر میشود که
خوردن آن
نسبت به
عذاب گرسنگی
عذابی است بزرگتر
را عذاب الله من
جمع انواع العذاب
فی الدنیا و الاخره
سه یعنی چیزی که
از جنت و دوزخ
بیان شده آن
شماره ای است و نه
سخنانی بی منفی
کامنان است بلکه
ای قرآن لام التثانی
که آنرا یک فرشته
بزرگ از آسمان
مفرق بر یک بزرگترین
پیغمبر فرود آورده
آنکس که از آسمان آورده و هم آنکس که از آسمان

آنکس که از آسمان آورده و هم آنکس که از آسمان

تفسیر غنائی

سے ہر قسم رنگبانی

مختلفہ دارد و کوہ با نیز

بر رنگبانی مختلفہ می باشد

کما قال تعالی ۱۱ و من

الجبال جدد بیض و حمراء

مختلف الوانها و در آن

سود (فاطر)

رکوع ۲۴ و در جای

دیگر فرموده و کالعبین

المنقوش (القارعة)

یعنی کوہ ہا مانند چشم

ندانی شدہ بلور

یا غندہ ہا در قضیہ ہا و

می کند عسل از تن

و در رخ یک کش و

طلبیدن بلی می آید و

تیو مردانیکہ در دنیا

حق را فروش کرد و

از قبول کار پا سے

شائستہ اعراض می

کرد و بدین جمع کردن و

نگہداشتن بل مشغول

بودند ہمگان بطرف

دور رخ جذب شدہ

میر و در بعض آثار

است کہ دور رخ او را

یَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْهَيْئَةِ	دور سے ہیندہ آن روز را دمازدیک سے پیش	روز یک شود آسمان مانند مس گداخته و
تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ	و مای بینہ آنرا نزد یک	روز یک گردد آسمان مانند مس گداخته و
وَلَا يَسْئَلُ جَمِيعُهُمْ	و پیرسد ہر یک خورشید و خورشید او ند و پیرسد ہر یک	و پیرسد ہر یک خورشید و خورشید او ند و پیرسد ہر یک
يَوْمَ يُقَدِّى مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ يَذِيبُنِي	عذاب آنروز فرزندان خود را و نیز زن خود را	عذاب آنروز فرزندان خود را و نیز زن خود را
وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤَيِّدُ	از عذاب آنروز پسران خود و	و نیز ہر کہ در زمین است ہمہ یک جا پس
وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا	برادر خود را و قبیلہ کہ تم می کنند او را بخود (یعنی او محسوب بہ آن قبیلہ است) و ہر کہ در زمین است ہمہ یک جا پس	برادر خود را و قبیلہ کہ تم می کنند او را بخود (یعنی او محسوب بہ آن قبیلہ است) و ہر کہ در زمین است ہمہ یک جا پس
يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْهَيْئَةِ	بر ہند این عوض دادن خود را سے ہر آئینہ دور رخ آنکشی است مشغول زندہ شدہ در ہا ہندہ است پوست و دست و پای ہر جان	بر ہند این عوض دادن خود را سے ہر آئینہ دور رخ آنکشی است مشغول زندہ شدہ در ہا ہندہ است پوست و دست و پای ہر جان
وَجَمْعَ قَاوَعِي	و گردان شد و جمع مال نمود پس در آوند لگا داشت ہر آئینہ آدمی آفریدہ شدہ است ناسخیندہ چون بر سرش	و گردان شد و جمع مال نمود پس در آوند لگا داشت ہر آئینہ آدمی آفریدہ شدہ است ناسخیندہ چون بر سرش
وَأَذَامَسَهُ	اعراض کرد و جمع کرد مال ہا پس لگا داشت عہد ہر آئینہ انسان آخریدہ شدہ بی ثبات بچل و فیکہ برسد با و	اعراض کرد و جمع کرد مال ہا پس لگا داشت عہد ہر آئینہ انسان آخریدہ شدہ بی ثبات بچل و فیکہ برسد با و
وَأَذَامَسَهُ	مہیبت اضطراب کنندہ و چون بر سرش رہایت بچل نمایند مگر نماز گزاران و آنانکہ	مہیبت اضطراب کنندہ و چون بر سرش رہایت بچل نمایند مگر نماز گزاران و آنانکہ
وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا	ایشان بر نماز خویش ہمیشہ داشتہ باشند و آنانکہ در اموال ایشان	ایشان بر نماز خویش ہمیشہ داشتہ باشند و آنانکہ در اموال ایشان
وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا	بر نماز خود دوام کنندگان اند و آنکہ در اموال ایشان حصہ مقدار است	بر نماز خود دوام کنندگان اند و آنکہ در اموال ایشان حصہ مقدار است
وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا	برائے سائل و بے لایم سوال و آنانکہ با ورمیدارند روز جزا را و آنانکہ	برائے سائل و بے لایم سوال و آنانکہ با ورمیدارند روز جزا را و آنانکہ
وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا	برائے سوال کنندہ و بی ہرہ (غیر سائل) و آنکہ تقدیر حق می کنند ہر روز جزا و آنانکہ	برائے سوال کنندہ و بی ہرہ (غیر سائل) و آنکہ تقدیر حق می کنند ہر روز جزا و آنانکہ
وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا	ایشان از عذاب پروردگار خود ترسند گانند ہر آئینہ عذاب پروردگار ایشان چنانست کہ از این ایمین توان شد	ایشان از عذاب پروردگار خود ترسند گانند ہر آئینہ عذاب پروردگار ایشان چنانست کہ از این ایمین توان شد
وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا	ایشان از عذاب پروردگار خود ترسند گانند ہر آئینہ عذاب پروردگار ایشان چنانست کہ از این ایمین توان شد	ایشان از عذاب پروردگار خود ترسند گانند ہر آئینہ عذاب پروردگار ایشان چنانست کہ از این ایمین توان شد
وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا	و آنانکہ ایشان اندام نہانی خود را نگاہ دارند گانند مگر بر زمان خود یا نیز گاہے اگر ناک آہستہ است	و آنانکہ ایشان اندام نہانی خود را نگاہ دارند گانند مگر بر زمان خود یا نیز گاہے اگر ناک آہستہ است
وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا	و آنانکہ ایشان اندام ہای شہوت را نمی خود را نگاہ دارند گانند مگر بر زمان خود یا نیز گاہے اگر ناک آہستہ است	و آنانکہ ایشان اندام ہای شہوت را نمی خود را نگاہ دارند گانند مگر بر زمان خود یا نیز گاہے اگر ناک آہستہ است
وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا	دست ہائے ایشان پس ہر آئینہ این فریق طاعت کردہ شدہ نیستد ہر کہ طلب کنند سوائے این پس آن جماعہ	دست ہائے ایشان پس ہر آئینہ این فریق طاعت کردہ شدہ نیستد ہر کہ طلب کنند سوائے این پس آن جماعہ
وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا	دست ہائے ایشان پس ہر آئینہ این فریق طاعت کردہ شدہ نیستد ہر کہ طلب کنند سوائے این پس آن جماعہ	دست ہائے ایشان پس ہر آئینہ این فریق طاعت کردہ شدہ نیستد ہر کہ طلب کنند سوائے این پس آن جماعہ
وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا	ایشان از حد گذشتہ اند و آنانکہ ایشان امانت ہائے خود را و عہد ہائے خود را عاریت کنند گانند و	ایشان از حد گذشتہ اند و آنانکہ ایشان امانت ہائے خود را و عہد ہائے خود را عاریت کنند گانند و
وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مِّمَّا	ایشان از حد گذشتہ اند و آنانکہ ایشان امانت ہائے خود را و عہد ہائے خود را عاریت کنند گانند و	ایشان از حد گذشتہ اند و آنانکہ ایشان امانت ہائے خود را و عہد ہائے خود را عاریت کنند گانند و

اگر دولت ترندستی و قوامی را تا کل گردد برای اجرای شئی دست او پیش نشود در راه خدا توفیق خرج کردن نداشتہ باشد بلی مردانیکہ کرمان آئینہ میا ہذا از ان مستثنی اند ۱۲

والمعنى انهم
تفسير عثمان

ع چون عقد تلاوت

قرآن و ذکر جنت را

می شنوند از تمام

اطراف بسوی

توشتایان می آیند

سپس بر رختیخته

و تشریف برد دارند آری

با وجود این اعمال ایشان

این طبع را هم دارند که

هم ایشان در بوستان

های جنت داخل کرده

شوند چنانکه ایشان

می گفتند که اگر رفتن

و بازگشت ما بسوی

خدا شد و آنچه هم برای

ما بهتر بود بهیچ وجه

هرگز نمی در بارگاه آن

خداوند عادل و حکیم

چنین الفت وجود ندارد

تغییر این کثیر مطلب

این آیات را چنان

گرفته است که این

مشکلات را که نزد تواند

هم شده که بسبب

زیاد جوق جوق برست

و چپ میروند

یعنی چون قرآن

را می شنوند

چرا این قدر

می کنند از آن میروند

با وجود این تعدد حشمت

و نفرت آری این توفیق

را هم دهند که هر شخص

از ایشان بطور یقین

در جنت خواهد در آمد

هرگز نمی در بارگاه آن

تعالی ظاهر من

التذکره سر صحن

کاظم حرم مستغفرة

فرت من قوت

(مدثره رکوع ۳)

ع چون عقد تلاوت

قرآن و ذکر جنت را

الَّذِينَ هُمْ يَشْهَدُهُمْ قَائِمُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ

آنانکه ایشان بخوابیده باشند می شنوند گاه

آنانکه ایشان بخوابیده باشند می شنوند گاه

يُحَافِظُونَ ۝ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ۝ قَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا

محافظت کنند گاه

محافظت می کنند آن جماعت

قَبْلَكَ مُطِيعِينَ ۝ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ۝ يُطِيعُ

بوسه توشتایان اند

از جانب راست و از جانب چپ گروه گروه شده

كُلِّ أَمْرٍ مِّنْهُمْ أَن يَدْخُلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ۝ كَذَٰلِكَ أَنَا خَلَقْتُهُمْ قَبْلًا

هر شئی از ایشان که در آورده شود بوستان نعمت

هر شخص از ایشان که داخل کرده شود در باغ نعمت خالص

يَعْلَمُونَ ۝ فَلَا أَقْسَمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدِ رَوَّعْنَا

میدانند و

میدانند پس قسم بخورم به پروردگار مشرق و مغرب

عَلَىٰ أَن نُّبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ۝ فَذَرْنَاهُمْ يَخُوضُوا

بر آنکه محو از آسمان

بر آنکه محو از آسمان و از قدرت ما بیرون شده نخواهند (و البسیتم ما بقت کرده شدگان)

وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ۝ يَوْمَ نَخْرُجُ

و بازی کنند

و بازی کنند تا آنکه برخورد با خود کرد و عده داده بشود

الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِصُونَ ۝ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ

قبور

قبور و شتابان گویا ایشان بسوی لشانه

تَرَهُمْ ذُلٌّ ۝ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ۝

در گیره ایشان را خوری

پوشد ایشان را ذلت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسم خداست بخشنده مهربان

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ

بر آنکه ما فرستادیم نوح را بسوی قوم او که بترسان قوم خود را پیش از آنکه

عذاب آید ۱ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي كُنْتُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۲ أَنِ اعْبُدُوا

عقوبت در دینند

عذاب در دینان گفت اسے قوم من برای شما ترساننده (اعلام کنند) آشکارا بندگان عبادت کنند

اللَّهِ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا ۳ يَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ

خدا را و بترسید از او و اطاعت کنید

تا بیاورد دیران شما را و بخواند و موهبت دهد

وَيُخْرِجَكُمْ مِّنْ دُونِ الْمَقَابِلِ ۴

و شما را از جایگاه مقابل

و شما را از جایگاه مقابل

و کما کوشش می کنند که بر دیگری سبقت جوید و بیشتر به آن برسید و یا از «نصب» بت با مراد باشد که در کعبه که اشتیاق بود و ایشان بسوی آنها نیز بقیعه و شوق زیاد بسبب اشتیاق بر نشسته اند

فلما داین پنج بیت بودند ۱۱ و ۱۲ مترجم گوید و دیگر آنحضرت صلی الله علیه و سلم نماز صبح بیرون مکه میخواندند جماعه از جن آخر استماع کردند و ایمان آوردند خداوند تعالی از ایمان ایشان گفتگو کند ایشان با قوم خود درین سوره خبر داد تا قولوا ان لو استقاموا والله اعلم ۱۲ تفسیر عثمانی علی این مباحثه بتان ایشان است برای هر مطلبی حق است بخود همان بتابد ازین در عرب رواج پیدا کرده و در هندستان هم بجهت مباحثه های بشنو، بر ما اندر شو و نهان

و غیره مشهور است حضرت شاه عبدالعزیز رحمه الله تحقیق مفضل آن را در تفسیر عزیزی کرده است در بعضی روایات است که در از منافع چند مرد بزرگ بودند بعد از وفات ایشان قومی باغوا شیطان تصادف ایشان را بطور یادگار تراشیده نصب کردند آهسته آهسته پرستش آنها شروع شد

الحیاد بالله علیه یک کافر ایمان زدند نگذاری از این کس لایق آن نیست که باقی نگهداشته شود هر کس که باقی ماند از تجربه من میگوید که از لطف او هم افراد بی حیا حاضر و محزون و تاسف پس پیدا خواهند شد زیرا تا زمانی که در بین ایشان شغفی موجود باشد علاوه بر آنکه خودش براه راست نمی آید و دیگر ایمانداران را هم گمراه خواهد کرد و ۱۲

وَمَكُرُوا مَكْرًا كَبِيرًا ۱۱ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا ۱۲
وید مسکله کردند ریسان بدستگاه عظیم و گفتند هرگز ترک نکنید معبودان خود را و هرگز ترک نکنید و د و
و جیل کردند جیل بزرگ و گفتند هرگز ترک نکنید معبودان خود را و هرگز ترک نکنید و در ا و

أَرْسُلَآءَهُمْ وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ۱۳ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا ۱۴ وَلَا تَزِدِ
سوار و یغوث و یعوق و نسر را تک و هر آینه گمراه کردند بسیار را و زیاده مد خدا یا
از سوار را و نغوث را و یعوق و نسر را و گفت نوح هر آینه گمراه کردند بسیاری را و میفرای

الظَّالِمِينَ ۱۵ إِلَّا ضَلَالًا ۱۶ يَمَّا خَطْبَتْهُمْ أَغْرَقُوا فَأَدْخَلُونَا رَاهَ فَلَمْ
ستگار آنها مکر گرایی بسبب گنایان خود غرق کرده شد ایشان را پس آورده شد ایشان را باقی لیل
ستگار آنها مکر گرایی از گنایان خود غرق کرده شدند پس در آورده شد در آتش پس

يُحْدِثُ اللَّهُ مَقَالًا ۱۷ وَأَنصَارًا ۱۸ وَقَالَ نُوحٌ رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى
نیافتند برای خود معبودان غیر از خداوند را مدگار و گفت نوح ای پروردگار من مگذار بر
نیافتند برای خود معبودان غیر از خداوند را مدگار و گفت نوح ای پروردگار من مگذار بر

الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ۱۹ إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوكَ عِبَادَكَ وَ
زمین از کافران هیچ سائلین شونده هر آینه تو اگر بگذاری ایشان را گمراه سازند بن گان ترا و
زمین از کافران سائلین شونده خایه (هر آینه) تو اگر بگذاری ایشان را گمراه کنند بن گان ترا و

لَا يَلِدُوا إِلَّا فِجْرًا كَفَّارًا ۲۰ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ
نزد آیند مکر بدکار تاسف دارا ای پروردگار من بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و هر کس که در آید
نزد آیند مکر بدکار تاسف دارا ای پروردگار من بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و هر کس که در آید

بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۲۱ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ۲۲
بخانه من ایمان آورده و جمیع مؤمنین و مؤمنات را و زیاده مد ستگار آنها مکر بگای
در خانه من در حالیکه من باشد و جمیع مردان مؤمنین و زنان مؤمنات را و میفرای ستگار ان را مکر بگای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۲۳
بسم نام خداوند بخشنده مهربان
آغاز می کنم بنام خداوندی که اندازه مهربان نهایت ماحم است

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا
تک بجو می فرستاده شد بسوئے من که گوش نهانند جماعه از جن پس گفتند هر آینه ما شنیدیم قرآن
بجو می فرستاده شده بمن که شنیدند چند نفر از جن (قرآن را) پس گفتند (هر آینه) ما شنیدیم قرآن

عَجَبًا ۲۴ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَامْتَابَهُ وَلَنِ شِرْكَ يَرْبُّنَا أَحَدًا ۲۵
عجبه کرد لالت می کند بسوئے راه راست پس ایمان آوردیم بان و شریک مقرر نخواهیم کرد با پروردگار خویش هیچ یک را
عجبه کرد لالت می کند بسوئے راه راست پس ایمان آوردیم بان و هرگز شریک نسازیم به پروردگار خود کسی را

وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ۲۶ وَأَنَّهُ كَانَ
و بیان کردند آن جنیان که بلند است بزرگی پروردگار ما از آن گرفته است زن و نه فرزند و آنکه اقرا
(و تصدیق نمودیم باین) که بلند است شان پروردگار ما از آن گرفته است زنی و نه فرزندی و باینکه بود

يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ۲۷ وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّنْ نَقُولَ
سے که جا بجا بر خدا دروغ و آنکه ما پنداشتیم که هرگز نگوئیم
ناوان با که می گفت بر خدا دروغ (و تصدیق کردیم) بر اینکه گمان کرده بودیم (گمان مایل) که

الْإِنسِ وَالْجِنِّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۲۸ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ
سے آدم و جنیان بر خدا سخن دروغ را و آنکه مردان بی آدم
انسان و جن بر الله دروغی (و حق شده باین) اینکه بودند مردانی از انسان

صانع و معجز و تاسف پس پیدا خواهند شد زیرا تا زمانی که در بین ایشان شغفی موجود باشد علاوه بر آنکه خودش براه راست نمی آید و دیگر ایمانداران را هم گمراه خواهد کرد و ۱۲

فل اشارت است
 بانکه در جابلیت چون
 بجای فرودی آمدند
 گفتند خود بسید هذا
 الوادی من سفها و قریه
 فل یعنی بنیامین و غیر
 ۱۲ فل یعنی برای
 شنیدن کلام ملائکه
 و یعنی ارزانی میشد
 و کما یعنی آمد و کما
 محمد صلی الله علیه و سلم
 تفسیر عثمانی
 ۱۳ پیش از نزول
 قرآن هم تمام جنبان
 بیک راه بودند برخی
 نیک و شایسته بودند
 و بسیاری بدکار و جا
 بنهار بین ایشان
 هم فرق ماه جمیع با
 خواهد بود بعضی مشرک
 بعضی نصرانی و بعضی یهودی
 و غیر ذلک و مثلا راه
 عمل هر یکی جدا خواهد
 بود و اما قرآن نازل شد
 که اختلافات لغزات
 را محو کردن بخوابد لیکن
 اینکه مردم یکجا هستند
 که همه حق را قبول کرده
 بیک راه روان شوند
 چون چنین مردم پیدا
 نمی شود که تمامی حق را
 بپذیرند بنابر این هنوز
 هم اختلاف باقی می
 ماند - علی بن موسی
 را در حضور حضرت الهی
 بیخ انداخته بنابر
 نه خوف نقصان که
 نیکی و محنت او را بمان
 بود و نه ترس از بی
 الفانی که تیرا بر می
 دیگری بود و مثل او
 شود انقضای آن شخص
 از نقصان یافتن ذات
 در سوالی تا نامحسوس
 محفوظ است ۱۲

يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ۝ وَأَنْتُمْ ظَنُّوا كَمَا

پناه می گرفتند بر کفشد مکر دان
 از جن پس زیاد کردند در حق آن جنبان سرکشی را اول و آنکه آدمیان گمان کردند چنانکه

ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ۝ وَأَنْتُمْ لَسْتُمْ السَّمَاءَ فَوَجَدْتُمْ

شما گمان کرده بودید که هرگز نه فرستد خدا هیچ کس را اول و آنکه مادیست رسانیدیم با آسمان پس یافتیم که آسمان
 شما را (آسمانها) گمان بردید که هرگز دوباره زنده نکنند الله و کما می بینید که آسمان پس یافتیم آنرا

مِلَّةً حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا ۝ وَأَنْتُمْ كُنْتُمْ تَقْعُدُونَ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلْمَسْمُوعِ

پیر کرده شده است بسیار آسانان محکم و بسیار پائین فرود آورده و آنکه ما می نشستیم پیش از این بجایا میرا می نشینان و
 پیر کرده شده بسیار آسانان محکم و بسیار پائین و آنکه ما می نشستیم در نشستن گاه باز آسمان برای شنیدن (خبر آسمان)

فَمَنْ يَسْمَعُ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شَهَابًا رَصَدًا ۝ وَأَنْتُمْ لَا تَذَرُونَ أَشْرًا

پس هر که گوش کند بپایا بد برای آنکه خود ستاره مهیاساخته و آنکه ما نمیدانیم آیا ملائکه
 پس اکنون سبک گوش کند بپایا بد برای خود ستاره های آتشین (زیاده تر نسبت بسایق) و آنکه ما نمیدانیم آیا مشرکی

أَرِيدُ بِكُمْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادْتُمْ رَبُّكُمْ رِشْدًا ۝ وَأَنْتُمْ مَسَا

اراده کرده مشرک در حق آسمان که در زمین اند یا اراده کرده است در حق ایشان پیرور و کار ایشان خیر را و آنکه از ما
 خواسته شدی در حق تا آنکه در زمین اند یا خواسته است در حق آنها پیرور و کار ایشان هدایت (خیر) را و آنکه بعضی از ما

الضَّالُّونَ وَمَتَادُونَ ذَلِكَ كَمَا طَرِيقٌ قَدْ دَا ۝ وَأَنْتُمْ ظَنُّوا أَنْ

همه شاکر کاران اند و بعضی از ما سواست اینست هستیم فرق با ما می مختلف و آنکه ما دانستیم که
 نیکی کاران اند و بعضی از ما سواست آن بودیم ما بر راه های مختلف می و آنکه ما دانستیم که

لَنْ نَعْجِزَ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نَعْجِزَهُ هَرَبًا ۝ وَأَنْتُمْ لَسْتُمْ سَمْعًا

هرگز عاجز نخواهیم کرد خدا را در زمین و عاجز نخواهیم کرد او را از جهت گردا و آنکه ما چون شنیدیم
 هرگز عاجز نخواهیم کرد الله را در زمین و عاجز نخواهیم کرد او را از روی گردان و آنکه ما چون شنیدیم

الْهُدَى أَمْ نَكَابَهُ ۝ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِهِ فَلَا يَخَافُ بَحْصًا وَلَا رَهَقًا ۝

هدایت را ایمان آوردیم یا آنکه پس هر که ایمان آورد به پیرور و کار خویش پس او را ترسد از هیچ نقصانی و نه از هیچ سستی
 هدایت (قرآن) را ایمان آوردیم یا آنکه پس هر که ایمان آورد به پیرور و کار خود پس نمی ترسد از هیچ نقصانی و نه از هیچ سستی

وَأَنْتُمْ الْمُسْلِمُونَ وَمَتَا الْقَاسِطُونَ ۝ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ

و آنکه بعضی از ما مسلمانند و بعضی از ما سفاکند و آنکه بعضی از ما مسلمانند و بعضی از ما سفاکند
 و آنکه بعضی از ما مسلمان اند و بعضی از ما سفاکند پس هر که مسلمان شد پس آن جماعه

تَحَرَّوْا رِشْدًا ۝ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَأُ الْجَهَنَّمَ حَطَبًا ۝ وَأَنْتُمْ لَوْ

تقصید کردند راه راست را و اما سفاکان پس باشند بهیضم برای دوزخ و نیز بگو یا محمد که می فرستاد شده است بسوخته
 تصد کردند راه راست را و اما سفاکان پس باشند بهیضم و این هم از من (که اگر

اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدًّا ۝ وَلَنَنْفِثَنَّهُمْ فِيهِ

راست می استمادند بر راه راست البته بیخوشانیدیم آب بسیار تا بیا زمانیم ایشان را دران
 استقامت بر راه راست البته بیخوشانیدیم ایشان را بسیار تا بیا زمانیم ایشان را دران

وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ۝ وَأَنْتُمْ لَسْتُمْ

و هر که اعراض کند از یاد کردن پیرور و کار خود در آردش بجزای سخت و آنکه مسجد با
 و هر که اعراض کند از ذکر پیرور و کار خود در آورد الله او را در عذاب سخت و آنکه مسجد با

لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۝ وَأَنَّ لَهُ لَمَقَامَ عِنْدَ اللَّهِ يَدْعُوهُ

مخصوص بر آنست خداست پس عبادت کنید با خدا هیچ یک را و آنکه چون استاده اند خدا را که عبادت کنند خدا را
 خاص برای ذکر خداست پس بر ستش مانند با الله هیچیک را و اینکه چون برخواست بنده الله که عبادت کنند الله را

وَمَنْ يَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۝ وَأَنَّ لَهُ لَمَقَامَ عِنْدَ اللَّهِ يَدْعُوهُ

و هر که اعراض کند از یاد کردن پیرور و کار خود در آردش بجزای سخت و آنکه مسجد با
 و هر که اعراض کند از ذکر پیرور و کار خود در آورد الله او را در عذاب سخت و آنکه مسجد با

مل یعنی از حوض
براسته قرآن ۱۱
فل یعنی تا تبلیغ ۱۱
در خارج متحقق گردد
زیرا که آن لازم علم است
والله اعلم ۱۲
مترجم گوید در ابتدای
اسلام خدای تعالی قیام
یل بر آن حضرت می نمود
علیه السلام و بر مسلمانان
مؤکد را ندید و چون
این معنی بر ایشان
نمایانیت دشوار آمد بعد
یک سال حضرت
نازل فرمود آن ربیک
تعلم الی آخر السوره
تا هر که خواهد قیام کند
و هر که خواهد نکند و هر
قدر خواهد بخواند و الله
اعلم ۱۳
بسیب و می ۱۳
یعنی اگر بعضی شبها نمی
گناه نباشد الله اعلم
تفسیر عثمان
سه بخار بخار
از راه مخالفت چرا
دعای می کنند آن کلام
چیز است که موجب
خفقان و عدم رفعت
شمار می گردد و من
یعنی سخن بزرگ نامقول
نیگرم بلکه متعجب
خود را بخوانم و
یعنی کس را
شریک او نمیدانم پس
در سخن من چه چیز
بنظر شما رسیده که قابل
مناقشه و مجادله باشد
اگر شما متحقق نشوید
می آید بر من بجوم
بیاید بر فراموش کنید
کس بران ذاتی اعتماد
و توکل دلم که از هر
نوع شرک پاک
نی نیاز است عطف
اضافه من محض
رسانیدن سخن و پیغام آوردن است از طرف الله بسوی بندگان و بسبب ایفای بکس وظیفه در حایه و پناه او ۱۴

كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۱۱ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ

نزد یک بودند چنان که بران بنده یک بر دیگر سپیده شوند و لیب جز این نیست که عبادت می کنی پروردگار خود را و شرک نمی کنی با او

أَحَدًا ۱۲ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ۱۳ قُلْ إِنِّي لَنْ

ایچ یک را بجوهر آینه من نمی توانم در حق شما ضرر رسانیدن و نه لازم کردن طریق راستی بجوهر آینه

يُخَيِّرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدَهُ وَلَنْ أَحْدَمَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِدًا ۱۴ الْبَلَاءُ

پناه ندهد مرا از عقوبت خدا هیچ یک و هرگز نیامم و بجز دست پناست یکن بجوهر آینه خبر رسانیدن

مِنْ اللَّهِ وَرِسَالَتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ

از جانب خدا و تبلیغ پیغامهای او و هر که نافرمانی کند خدا را و پیغامبر او را پس هر آینه او را است آتش دوزخ

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۱۵ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ

جاویدان در آنجا بمانند در غفلت خود باشند تا وقتی که ببینند آنچه وعده داده میشود ایشانرا پس خواهند دانست

مَنْ أَوْعَدُ نَارَ جَهَنَّمَ أَقَلُّ عَدَدًا ۱۶ قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا

کسیست تا او را نرسانند نیرت و بنده و کمتر از روی شمار

تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ۱۷ عَلِيمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ

و وعده داده میشود شما را یا مقرر کند بر آنست او پروردگار من میباد و دانسته پنهان است پس مطلع نمی سازد بر علم غیب خود

أَحَدًا ۱۸ إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ

ایچ یک را مگر کسی که پسندد او را مراد از پیغامبر است پس هر آینه خدا دران میلند پیش دست دے و

مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ۱۹ لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَتِي رَبَّهُمْ وَأَحَاطَ بِمَا

پس پشت دے و فرستگان نگاهبان را تا بداند خدا که تحقیق رسانیده اند پیغامهای پروردگار خود را و احاطه کرده است از روی علم و قدرت از آن

سِرُّهُ الْمُرْتَكِبِينَ ۲۰ لَكُمْ وَاحِصَةٌ كُلُّ شَيْءٍ عَدَاةٌ ۲۱ غَافِرٌ ذُنُوبِهِمْ

نزدیک ایشان است و در آن است هر چیز را از روی شمار

نَزْدَ إِلَٰهِنَ ۲۲ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۲۳

نزد ایشان است و مقتضی کرده است هر چیز را از روی شمار

يَا أَيُّهَا الْمَرْسَلُ ۲۴ قُلْ إِنِّي لَنْ أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ۲۵ قُلْ إِنِّي لَنْ

ایچ یک را بجوهر آینه من نمی توانم در حق شما ضرر رسانیدن و نه لازم کردن طریق راستی بجوهر آینه

يُخَيِّرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدَهُ وَلَنْ أَحْدَمَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِدًا ۲۶ الْبَلَاءُ

پناه ندهد مرا از عقوبت خدا هیچ یک و هرگز نیامم و بجز دست پناست یکن بجوهر آینه خبر رسانیدن

مِنْ اللَّهِ وَرِسَالَتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ

از جانب خدا و تبلیغ پیغامهای او و هر که نافرمانی کند خدا را و پیغامبر او را پس هر آینه او را است آتش دوزخ

قَوْلًا قِيلًا ۱۰ إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا ۱۱ إِنَّ

فرمانی و شواله هر آینه قیام شب زیاده ترست در مواظقت زبان بادل و درست ترست در تلفظ الفاظ هر آینه

لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ۱۲ وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبْتَكِلَ إِلَيْهِ

ترا در روز سبختی است بسیار و یاد کن نام پروردگار خود را و از بندجست گشتی شو متوجه شده بسوی او

تَبْتَكِلَ رَبُّكَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ۱۳

تو بسوی گشتی شدن پروردگار مشرق و مغرب هست نیست هیچ معبود مگر او پس کار ساز گیر او را

وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ۱۴ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ

و صبر کن بر آنچه می گویند و ترک کن ایشان را ترک کردن نیکو و بگذر از مردار و غشایندگان

أُولَى النَّعْمَةِ وَمَهْلُكُمْ قَلِيلًا ۱۵ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ۱۶ وَ

خداوندان ربانیت و مهلت ده ایشان را اندک هر آینه هست نزد یک ما قید بانی گران و آتش افروخته و

طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ۱۷ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَ

طعام گلوگیر و عذاب درد دهنده و در روز بکوبند زمین و کوه ها و

كَانَتْ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلًا ۱۸ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا

شود کوه ها مانند تل ریزیک از هم پاشیده شده هر آینه ما فرستادیم بسوی شما پیغامبر را گواهی دهنده

عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ۱۹ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ

بر شما چنانکه فرستاده بودیم بسوی فرعون پیغامبر را پس نافرمانی داری کرد فرعون آن پیغامبر را

فَاتَّخِذْ لَهُ أَخًا أَوْ بِيًا ۲۰ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ ۲۱ إِنَّ كُفْرَكُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ

پس در گزینم او را در گرفتن سخت پس اگر کار فرمایند چو در پناه شوی از روزی که اطفال را

الْوَلَدَانِ شَيْبًا ۲۲ السَّمَاءُ مُنْفِطِرَةٌ ۲۳ وَكَانَ وَعْدُهُ مَقْعُورًا ۲۴ إِنَّ

پیر گرداند آسمان شکافته باشد در آن روز هست و عده خدا البتة کردنی هر آینه

هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ ۲۵ فَمَنْ شَاءَ اتَّخِذْ إِلَىٰ نَبِيٍّ سَبِيلًا ۲۶ إِنَّ رَبَّكَ

این تذکره است پس هر که خواهد راه بپزد بسوی پروردگار خویش هر آینه پروردگار تو

يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِ اللَّيْلِ وَنِصْفًا وَثُلُثًا وَطَائِفَةٌ مِّنْ

میداند که تو بر میخیزی نزدیک پر و ثلث شب و نیم شب و ثلث شب و نیز میخیزی جماعه از

الَّذِينَ مَعَكَ ۲۷ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَّنْ حُصُوهَ فَنُكَبِّ

آنانکه همراه تو اند و خدا اندازه می کند شب و روز را دانست خدا که تو بپوشی و ازین قیام می کنی جماعه از

بِهِمْ لَنُكَبِّ عَنْكَ فَأَتَاكَ رَبُّكَ فَكَانَ عَلِيمًا ۲۸

برایان تو و خدا اندازه می کند شب و روز را دانست خدا که تو بپوشی و ازین قیام می کنی جماعه از

فل یعنی دعوت کلام
باسلام ۱۳
مواظبت قیام شب زیاده
تفسیر عثمانی
ع حضرت شاه
صاحب (رحم الله)
میگوید یعنی بیادفت
را اختیار کن تا بارگزاران
سبک شود و آن بار
چنان بار است که در
مقابل آن عمل بیداری
شب آسان است
مطلب این است
که بعد از آن قرآن را
ببینی بر تو نازل می گنم
که با اعتبار قدر منزلت
خود خیلی قیمت دارد و
وزن دل و بطن و کفایت
دوام خیلی مشکلی و
گران است در اعانت
است که در چنین نزد
قرآن بر آن حضرت
صلی الله علیه و آله و سلم گرامی
و سختی زیادی میگذشت
چنانچه در فضل فرستادن
عرق میکرد اگر سوازی
بود چو آنکه آنحضرت
بر آن سوازی بود عمل
آنرا نمی توانست و حتی
سر مبارک پیچ برادران
زیرین ثابت بود و گاهی
نزد آن حضرت بن ثابت
چنان حس کرد که ران
او از بار فوق العاده
خار خواهد شد
ع عطا بود بر قیام
۱۳ شب در اوقات
روز بهر اگر چه ظاهر
مواظبت و علاقی با
مخوف ضروری است
لیکن اطلاع خود را در
هم بیشتر بپروردگار
خویش بگذارد و در آن
گشت و گذار داشت
در خواست بیاد از
تجانی مشغول باش
بج خلق ماسوی الله میباشد و هر یک آن از ان طرف مغرب سازد بلکه دل را از همه تعلقات بکشد و تنها بخدای یگانه متوجه دارد و این طور بگوید که همه تعلقات در جهان یک تلقین

والمعجز من مال
کنید در جهاد و توجع ثواب
آفرید و الله اعلم ۱۲
و مترجم گوید این
آیت بعد یک سال نازل
شد و آنحضرت صلی الله
علیه وسلم در همین سوره
لاحق کردند بجهت
مناسبت و لهذا ابداً
سوره را اسلوب بنی
مانند الله اعلم ۱۲
یعنی از بیعت و بی ۱۲
و یعنی بدهی برون
بر ریشی تا سه زیاده
از قیمت بدیه رعایت
کنند از اخلاق را ذیبت
۱۲ تفسیر عثمانی
عنه اندازد و مع
و کامل شب و روز
تجاریه خداوند
معلوم است و بیک
اندازه خاص گاهی شب
را از روز کوتاه تر و گاهی
در از روز گاهی هر دو را
جرازی سازد برای
بندگان در آن وقت
خواب غفلت کتف
یا یک ثلث یا دو ثلث
شب را بطرز کامل
حفاظت کردن خصوصاً
بنگامیکه وسایل فنی
مانند ساعت و غیره
همینا باشد که آسان
نیست بنابر آن محض
مجاوب تمام شب خواب
نمی کردند که بیدار بجا
روند و از بیداری یک
ثلث شب محرم کردند
بنابر آن الله تعالی
بر رحمت خود آفرسان
کرد و فرمود که شما بنگامیکه
باید آنرا بر سر سانه
نمی توانید لهذا امر کرد
که توفیق بیدار شدن
و توفیق باشد هر قدر که
خواهد قرآن بخواند و کنون
بر امت نه نماز بجز فرض است و نه کدام قید و نسبت و وقت و یا مقدار تلاوت ۱۲

عَلَيْكُمْ قَافِرٌ وَأَمَّا تِلْكَ مِنَ الْقُرْآنِ فَمَنْ لَمْ يُحِمْ يَدَهُ بِزَعْمِهِ أَنَّ الْقُرْآنَ مَكْرَهُهُ

بر شما پس بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن دانست خدا که خوانند بود بعضی از شما بپاران
بر شما اکنون بخوانید قدری که آسان باشد از قرآن دانست الله که می باشد بعضی از شما مریضان

وَأَخْرُونَ يُصْرَبُونَ فِي الْأَرْضِ يُبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ

و دیگران که سفر می کنند در زمین طلب روزی می نمایند از فضل خدا و دیگران که
و دیگران صغری کنند در زمین طلب می کنند فضل خدا (روزی را) و دیگران

يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَافِرٌ وَأَمَّا تِلْكَ مِنَ الْقُرْآنِ فَمَنْ لَمْ يُحِمْ يَدَهُ بِزَعْمِهِ أَنَّ الْقُرْآنَ مَكْرَهُهُ

کارزار می کنند در راه خدا پس بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن و بر پا دارید نماز را و
جنگ می کنند در راه الله بخوانید قدری که آسان باشد از قرآن و بر پا دارید نماز را و

أَتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ

بدهید زکوة را و وام دهید خدا را وام نیک و آنچه پیش میفرستید برای خود خویشتن از
داده باشید زکوة را و قرض دهید الله را قرض نیک و آنچه پیش میفرستید برای خود کدام

خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ

عمل نیک آنرا بهتر خواهید یافت نزدیک خدا و بزرگتر با عتبار مزد و طلب آمرزش کنید از خدا
نیکی می یابید آنرا نزد الله بهتر و بزرگتر از روی ثواب و آمرزش بخوانید از الله

شَيْءٍ مِمَّا كَسَبْتُمْ مِنْ قَبْلِ هَذَا إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ

هر آنچه از پیش از این کار کرده باشید الله آمرزگار مهربان است
بجای حق خدا آمرزگار مهربان است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم خدا را می بخوانند مهربان نهایت بارم است مهربان

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُونَ قُمْ فَأَنْذِرْ ۚ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ۚ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ۚ وَ

ای مرد جامه بر خود تنیده و کلاه بر چرخ بر سران و پروردگار خود را پس به بزرگی یاد کن و جامه های خود را پاک ساز و
ای لحاف پوشانده بر چرخ پس بر سران و پروردگار خود را تعظیم کن و لباس های خود را پاک دار و

الرَّجْرَجَ فَاهْجُرْ ۚ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ۚ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ۚ وَإِذَا أَنْقَرْ

پلیدی را زدور کن و بنیاد که چیز می بادی زیاده طلب کن و ویرانی علم پروردگار خویش پس شکیانی روز پس و تنبیه میدهد
پلیدی ریت و شرک را ترک کرده باش و احسان کن در حالی که عوض بسیار خواهی و برای را امتثال امر پروردگار خود مکن پس چون بجا

فِي السَّافِرِينَ فَإِنَّكَ يَوْمَئِذٍ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ مُسِيرٍ

در صورت دشوار شود حال پس آنوقت و آخر روز وقت دشوار باشد بر کافران نه وقت آسان
در صورت پس آنگاه آن روز روزی است دشوار بر کافران غیر آسان

ذُرِّيٍّ وَمَنْ خَلَقْتَ وَحِيدًا ۖ وَجَعَلْتَ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ۖ وَبَنِينَ

پلیدی مرا یا کسی که آفریدی تنها و دوام او را مال فراوان و فرزندان
پلیدی مرا و آن را که آفریدی در حالیکه مجرد بود (از همه چیز) و دوام او را مال فراوان و پسران

شُحُودًا ۖ وَمَهْدَتْ لَهُ تَهِيدًا ۖ ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ۖ كَلَّا إِنَّهُ

حاضر شوند بحاجت و وسعت دادم او را وسعت دادی باز طمع می کند که زیاده بدهی نه هر آینه او هست
حاضر (در مجلس باو) و آماده کردم برای او (اسباه جاه و ثروت) آماده کردی باز طمع می کند که زیاده بدهی و او را هرگز نمی (بهر آینه) او

كَانَ لَا يَتَنَبَّأ عَنِ الْغَيْبِ سَاحِقًا ۖ إِنَّ فَكْرَهُ وَقَدْ فُقِلَ

بایات ما سترنده حقیقت بخواند داد او را بشکست هر آینه دهنه نامی کرد و اندازه عمر خود پس لعنت باد او را
بسیار معاند است به آیت های ما زود است که مجبورش بسازیم به بالاشدن بر بلندی بزرگ (بهر آینه) او فکر کرد اگر چه طمع زنی و اندازه کرد پس

کَيْفَ قَدَرٌ ۱۹ ثُمَّ قَتَلَ كَيْفَ قَدَرٌ ۲۰ ثُمَّ نَظَرَ ۲۱ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَ ۲۲ ثُمَّ

چگونه اندازه کرد باز گرفت با دیر چگونه اندازه کرد باز نگریست باز دیر و بخت کرد و بخت کرد و بخت کرد و بخت کرد

أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ۲۳ فَقَالَ إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُوشِرُ ۲۴ إِن هَذَا إِلَّا قَوْلُ

پشت گردانید و بخت کرد پس گفت نیست قرآن سحر جادوئی است که نقل کرده میشود (از ساحران) نیست این قرآن مگر کلام

الْبَشَرِ ۲۵ سَأَصْلِيهِ سَقَرٌ ۲۶ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ۲۷ لَا يَقْنِیٰ وَلَا تَنْزِيلٌ ۲۸

آدمی نخواهم در آورد و در آید و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست دوزخ باقی نمی گذارد و ترک نمی کند

لَوَاحِشَ ۲۹ عَلَیْهَا تِسْعَةَ مِائَةٍ ۳۰ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا

سوزنده است آدمیان را بر دوزخ مؤهل اند و زده پس و در ساقط مؤکلان دوزخ

مَلَائِكَةٍ ۳۱ وَمَا جَعَلْنَا عَدُوَّ الْأَفْتِنَةِ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِلَّا يَسْتَفْهِمُونَ ۳۲

فرشتگان را و سوزانده ایم شمار ایشان را مگر بلا در حق کافران تا یقین کنند

أَوْثُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا

این کتاب و تازماده شوند مسلمانان در ایمان خود و تاشک نکنند این

الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ

کتاب و مسلمانان و تا بخوبی بدانند در دل ایشان بیماریست و کافران

مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا امْتَلَا ۳۳ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَتَهْدِي ۳۴

چه چیز اراده کرده است خدا باین داستان هم چنین گمراه می کند خدا هر که را خواهد و راه می نماید

مَن يَشَاءُ ۳۵ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ ۳۶

هر که را خواهد و نداند لشکر پروردگار ترا مگر او تبارک و تعالی نیست این مگر پیغامی است برای آدمی

كَلَّا وَالْقُرْآنِ ۳۷ وَالْأَنْبِيَاءِ ۳۸ وَالْأَصْحَابِ ۳۹ وَالْأَنْبِيَاءِ ۴۰ وَالْأَصْحَابِ ۴۱

نه قسم به ماه و شب چون بشت بر گردانند قسم به چون روشن شود هر آینه دوزخ که از قیامت بزرگ است

نَذِيرٌ لِلْبَشَرِ ۴۲ لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ۴۳ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا

ترساننده ای آدم را ترساننده است برای هر که خواهد از شما پیشتر آید یا باز پس ماند هر نفس

كَسَبَتْ رَهِيْنَةً ۴۴ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ۴۵ فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ۴۶

کرد در گرد دست مگر این سعادت در بوستانها باشند سوال کنند از

الْمُجْرِمِينَ ۴۷ مَا سَأَلْتُمْ فِي سَقَرٍ ۴۸ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ۴۹ وَلَمْ نَكُ

گناهکاران چه چیز در آورده شمارا در دوزخ گویند نه بودیم از نماز گزاران و نبودیم

أَعْمَالِ ۵۰ هَٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ تُكَذِّبُونَ ۵۱

این اعمال (می گویند برای شمار) چه چیز در آورده شمارا در دوزخ گویند نه بودیم از نماز گزاران و نبودیم

فل من مرم گویید این
تقسیم رحمت حال کافر
را که خداوند تعالی
او را نعمت بار داده است
و او مصراحت در کفر
و قیامت در ستم آفرین
و انبیا و پیغمبر در حال
تامل و تفرود دست و الله
اعلم ۱۲ و من مرم
گوید این آیت اشراک
ست بر دشمنان کفار
و در ستم و عفو و عفو
صلی الله علیه و سلم آفر
در همین سوره لایق فرود
بجهت مناسبت لهذا
بما ترسم و می ماند در
اسلوب و الله اعلم
تفسیر عثمانی
روی خود را ترس کرده
محل نگریست تا بیند
بعینه که آفرین قرآن است
و انقباض زیادی دارد
سپس پشت خود را
گردانده و با یاد بای کلام
چیز نهایت لغت انگیز
به بیان آغاز می کند
حال که قبله بجهت
آن آفریده بود و آن
اسم برای خوشنودی قوم
خود از این برگشت
با تخریک عالم غور
و تکرار آنها در این
چیزی نیست مگر عاده
است که انبیا و پیغمبران
نقل شده آمده است
و این بغیر کلام آن
است که در لباس
جاد و ظهور رسیده
پدر را از پسر شمر
را از زن دوست
را از دوست جدا
می سازد - ع
و آتش و عفو
و عفو را با ت
خواهد ماند که از ستم
مخوف ماند از نبرد از

نوزادان بران حال هم خواهد که است یک دوباره بحالت اصلی برگردانیده میشوند و آتش خواست سوخت بهین سلسله الاید جاری می ماند و عباد بالکلی

فصل یعنی گویند باید
که کتاب بر هر یک نازل
شود ۱۲ فصل که آدمی
الیه میوه خوابش را
فصل یعنی آید است
فصل مثل صدقه جاریه
و علم با ۱۲ فصل مترجم
گویی چون بر تیل پیش
آن حضرت مسلم می آید
آن حضرت مسلم بخندان
را انجام تمام فرموده
و هم مخصوص بر تیل قبل
انفشار و می تبارک و تعالی
تا از خاطر مبارک نرود
خدا تعالی باین معنی فرموده
فرمود ۱۲ -

تفسیر عثمان
عنه حق
خدا را شایسته
و نه خبر
بنده گان خدا را از رفتن
البته تقلید مردمان دیگر
بر تقلید می باشد
مردم در محبت پدر
نموده در شکوه شهرت
غرق شده و بقیه در بزرگ
ترین و دیرین ترین سخن
ایک گاهی بعضی بانیان
که روز انصاف بهم آید
است این چیز را دانایان
تکذیب می کردند تا اینکه
ساعت موت در دید
و چشم سر دیده به آن
مغفانی که تکذیب می
کردیم یقین حاصل
شد عین
درخواست بای بیوه
شان هم برای این
نیست که اگر هم چنین
بعل آورده شود افترا
قبول خواهند کرد بلکه
سبب حقیقی آن زن
است که این مرد را از
عذاب نمی ترسد - و
منظور دشان طلب
حق نیست و این
درخواست با بعضی از روی تعنت است اگر فرض این درخواست بای شان پوره کرده شود باز هم ایمان نمی آید که تبارک تعالی... و لو نزل علیک کتابا بانی قراطس غلوه باید بهم تعلیم ازین کفر و

نُطْعِمُ الْيَسْكِينِ ۱۳ وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ۱۴ وَ كُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ
طعام فقیر را و با کارورده می آمدیم با در آیدگان و در و خ می شمر دیم روز
که طعام می دادیم محتاج را و بودیم که فرد میرسیم (در باطل) با فرورفتگان و بودیم که تکذیب می کردیم روز

الَّذِينَ ۱۵ حَتَّىٰ آتَيْنَا الْيَقِينَ ۱۶ فَمَا نَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ۱۷ فَمَا
جزا را تا آنکه رسید به امرک من پس بودند بایشان شفاعت شفاعت کنندگان پس چیست
جزا را تا آنکه رسید به امرک من پس بودند بایشان شفاعت شفاعت کنندگان پس چیست

لَهُمْ عَنِ التَّذْكِيرِ مُعْرَضِينَ ۱۸ كَانَهُمْ حُرٌّ مِّنْ نَّفْرَةٍ ۱۹ قَرَّتْ مِنْ
ایشان از التذکره در گردان شده گویا ایشان خزان رنمندگان اند که گویا باشند از
ایشان از التذکره در گردان شده گویا ایشان خزان رنمندگان اند که گویا باشند از

قَسُورَةٍ ۲۰ بَلْ يَرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مِّنْهُ ۲۱ كَذِبٌ
شیرے بلکه میخواهد هر شخصی از ایشان که داده شود نامه بانی نشاء و لای بله
شیرے بلکه میخواهد هر شخصی از ایشان که داده شود در نامه سر کشاده نه چنین است بلکه

لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ۲۲ كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ ۲۳ فَمِنْ شَاءَ ذَكَرَهُ ۲۴ وَ مَا
نه ترسند از آخرت نه ترسند از آخرت (بر آینه قرآن پندست پس هر که خواهد بخواند آنرا و یا
نه ترسند از آخرت نه ترسند از آخرت (بر آینه قرآن پندست پس هر که خواهد بخواند آنرا و یا

يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْغَفْرِ ۲۵
یاد نمی کنند بندگان مگر و قتی که خواسته باشد خدا دوست سزاوار آنکه از دے بر سبند و دوست سزاوار آنکه بیا مرزد
یاد نمی کنند مگر و قتی که خواسته باشد خدا دوست سزاوار آنکه از دوی بر سبند و دوست سزاوار آنکه بیا مرزد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۲۶
بسم الله الرحمن الرحیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۲۷
بسم الله الرحمن الرحیم

لَا أَقِيمُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۲۸ وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ۲۹ أَيْحَسِبُ
قسم می خورم بر روز قیامت و قسم می خورم به نفس طاعت کننده و آیه پندارد
قسم می خورم بر روز قیامت و قسم می خورم به نفس طاعت کننده بریدی آیاهی پندارد

الْإِنْسَانُ أَنْ تَجْمَعَ عِظَامَهُ ۳۰ بَلْ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسْوِيَّ بَنَانَهُ ۳۱ بَلْ
آدمی که منع کنیم استخوانهای او را آری می کنیم توانا شده بر آنکه بوار کنیم سر انگشت بانی او را بلکه
انسان که منع نخواهیم کرد استخوان های او را بلکه (جمع می کنیم) در حالیکه توانایم بر اینکه درست کنیم سر انگشتان او را بلکه

يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجَرًا مَّاءَهُ ۳۲ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۳۳ فَاذْهَبْ بِبَصَرِكَ
میخواهد آدمی که مصیبت کند در زمانیکه پیش روی و دست و پا بر سرده خواهد بود روز قیامت پس و قتی که شیره شود چشم
میخواهد انسان که بپاشد حیاتی (مصیبت) کند پیش روی خود یعنی در زمان حال و آینده می پرسد که خواهد بود روز قیامت پس چون خبر شود چشم

وَ خَسَفَ الْقَمَرُ ۳۴ وَ جُمِعَ الشَّمْسُ ۳۵ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ
و خورشید گردید ماه و یمن جمع کرده شود آفتاب و ماه بگوید آدمی آنروز که جماعت
و خورشید گردید ماه و جمع کرده شود آفتاب و ماه گوید انسان آنروز که جماعت جائی

الْمَقْرُ ۳۶ كَلَّا لَا وَزَرَ ۳۷ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ۳۸ يَنْبِئُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ
که روز گاه نه نیست بلکه بپناه بسوخته پروردگار است امروز قرار گاه خبر داده شود آدمی را آنروز
که روز گاه نیست نیست بپناه گاه خاص بسوی (مستقر) پروردگار است آنروز قرار گاه خبر داده میشود انسان را در آن روز

يَسْأَلُ مَوْخِئًا ۳۹ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ۴۰ وَلَوْ أَنَّهُ لَرَأَىٰ
حقیقت حال آنچه پیش فرستاده بود پس گراشته و بلکه هست آدمی بر آنکه الزام خود می دهد اگر چه در میان آرد مدد بانی خود را و
پس گراشته بپناه بندگان بر نفس خود حجت (بیانی) است اگر چه پیش کنند عذر خواهی خود را

يَسْأَلُ مَوْخِئًا ۳۹ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ۴۰ وَلَوْ أَنَّهُ لَرَأَىٰ
حقیقت حال آنچه پیش فرستاده بود پس گراشته و بلکه هست آدمی بر آنکه الزام خود می دهد اگر چه در میان آرد مدد بانی خود را و
پس گراشته بپناه بندگان بر نفس خود حجت (بیانی) است اگر چه پیش کنند عذر خواهی خود را

يَسْأَلُ مَوْخِئًا ۳۹ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ۴۰ وَلَوْ أَنَّهُ لَرَأَىٰ
حقیقت حال آنچه پیش فرستاده بود پس گراشته و بلکه هست آدمی بر آنکه الزام خود می دهد اگر چه در میان آرد مدد بانی خود را و
پس گراشته بپناه بندگان بر نفس خود حجت (بیانی) است اگر چه پیش کنند عذر خواهی خود را

يَسْأَلُ مَوْخِئًا ۳۹ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ۴۰ وَلَوْ أَنَّهُ لَرَأَىٰ
حقیقت حال آنچه پیش فرستاده بود پس گراشته و بلکه هست آدمی بر آنکه الزام خود می دهد اگر چه در میان آرد مدد بانی خود را و
پس گراشته بپناه بندگان بر نفس خود حجت (بیانی) است اگر چه پیش کنند عذر خواهی خود را

سَعِيرًا ۝ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَشَرُّونَ مِنْ كَاسٍ كَانَتْ مِنْ أَمْوَالِ كَافِرٍ ۝ عَنِيدًا ۝ يَشْرِبُ

از بیالشراب که آمیزش دے آب حشره کافور باشد قطره حشره که آشفافند
از بیالشراب که باشد آمیزش آن کافور چشمتکه می نوشند

هَكَاءِ عِبَادِ اللَّهِ تَفْجِيرًا ۝ يَوْمَ تَوَدُّ أَنْ يُقَاتِلُوا بِأَسْلِحَتِهِمْ فَيُؤْخَذُ بِأَنفُسِهِمْ فَيُكْرَهُهُمُ ۝

از این بیست گاه مقرب خدا را می کنند آخر اروان گردنی فت و قاضی کنند به نخلد و سه ترسند از روز یک مشقت آن قاضی باشد
زمان بیست گاه خداوند روان می سازد آخر اروان گردان سه و قاضی کنند به نخلد و سه ترسند از روز یک مشقت آن

مستطابا ٤) ويطعون الطعام على حاء مسكنا ويتدوا ٥) ايسرا ٨) انما

و میبند طعام با وجود احتیاج بان فقیر را و قسم را و زندانی را میگویند جزا نیست که
و میبند طعام را با وجود محبت آنرا و فقر و ستم را جزا نیست که

قَطْعُكَ لَوْ أَنَّ يَدِي مَعَكَ ۖ لَا وَاللَّهِ لَا أَشَاءُ ۖ ④ لَا أَتَى مِنْهُنَّ شَيْئًا

العلم میدوم شهادت ابرائیم ذات جلالت علیه السلام از شهادت روز
در شهادت ابرائیم ذات جلالت علیه السلام از شهادت روز

[illegible]

روز در سائید این اثر از تانلی و طو شمالی

پس تمامه و احسان این را اندر سر این روز و رسانید بایان تاری و خوشحالی

جز ادايش از بمقابله ميراثش بوستان و جامه ايريشي تنگه زده باشند آنجا بر تخت ها نه بنهند

پادشاه داد این امر را به میراث آن جناب و عامه هر یکی
 قلم

تجاری کر می آفتاب مولد سرمائے نندرا و نزدیک شدہ باشد برایشان مایہ بکے آن بومستان و سهل تحصیل کردہ شود و میر بکے ان

و نیز یکی شونده به ایشان شاهان ایشان و رام کرده شده بانی میوه های آن

پہل کرونی و آدمود کرده شود و ایرانشان باوندی از نقره و با جامہاے کریاشندمانند آیینہا

ام کردی و گردانی و میگردان گرفت از لغو و مراعی با که باشند شیشه

اولاد ايسر ايتصار اولاد وها لقاير الويسطون پيما هساكان سر اسجا

ششماه از عمر در حالیکه انداز کرده اند بسیار اندکزه کردنی دولت آینده شود بایقان در اینجا جام شرابی که هست امیر شران

بجای آنکه اینها را بنویسم بسم الله الرحمن الرحیم و بعد از آنکه در این کتاب

بیل چشمه در بهشت که نامیده میشود سلمی و می گردد نزد ایشان جوانان که همیشه بوجوان باشند

در این باب حضرت علی علیه السلام فرموده اند که هر کس در روزی از روزهای این ماه دعا بخواند که

ایستاد ایستادی ایشان را در این راه و بر آنکه در راه

باز علیهم بیاب دستهای مستعار و استعار و حوا اسرار و من فیض

بای ایشان باشد جامه های ابریشم نازک میره ابریشم سبزه و می شنایند و می بارانان دستها از لقمه

سید میر تقی میر باطریق پورہ ان کا کہنا ہے کہ میر تقی میر نے جو کچھ لکھا ہے وہ سب میر تقی میر کا ہے

توسعه ایشنا پروردگار ایشان ستراب پاک گفته اول گفته شود لاف و خاهای آئینه این است برای شایاد اش هست گوشش شما

رسانیده میشود. والله اعلم. بعد از این مختصاتی که ابرار را در بیان فرموده است ۱۲.



۱۱ مل متحقق گردد آنچه
 ۱۲ متحقق گردد آنچه
 ۱۳ تفسیر عثمانی
 ۱۹ عه اگر از من اسیر
 فاسد که به پیچید اراده
 کرده شود در بنیاد فصیح
 معنی شد آن مرا خوا
 شد یعنی شایسته نام علامه
 بر پیچید و فصیح و تخیل
 زیاد تر متفوق باش
 و اگر مضرب و دشمن اراده
 باشد پس ممکن است
 کرد از ادب فصیح و بیجا باشد
 عه حضرت شاه
 عبدالقادر رحمه الله
 میگوید که منظور از
 (روحی) رو کردن و غرض
 کافران است تا در وقت
 سحر و جادو کند ما خبر
 ندا و مقیم و لغیب
 کس این ایمان است
 ایشان را تو ستمانی
 است تا ایمان یابد
 و حضرت شاه عبدالقادر
 میفرماید که آن حصه کلام
 الهی که منتقل امر و نبی
 عقاید و احکام است
 برای پیش آوردن
 غلبه است تا در وقت
 باز خواست اعمال
 برای آن شخص عذو
 دست او زگر و در کس طلاق
 کار را بوجوب حکم حق تعالی
 کردم و ظن کار را بکار
 ترک نمودم و آن حصه
 کلام الهی که منتقل قصص
 و اخبار و غیره باشد
 عموماً برای ترسبیب
 و تحلیف متکلمان است
 و درین سوره روای
 متفق بیشتر است
 که درین و متکلمین بود
 لهذا ذکر کلمات
 بیان نموده و الله اعلم
 بهر حال فرشتگان و وحی
 آورنده و بادای وحی

مَشْكُورًا ۱۱ اَنَا فَخَرْنَاكَ عَلَى الْقُرْآنِ تَنْزِيلًا ۱۲ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ لَا تَطِعْ
 بجز آنکه شده بر آینه از خود آوردیم بر تو قرآن را فرود آوردیم پس صبر کن بر حکم پروردگار خود و فرای مبرا
 مقبول شده (بر آینه) ما فرود آوردیم بر تو قرآن را فرود آوردیم پس انتظار پیش علم پروردگار خود را و اطاعت کن
مِنْهُمْ اِنَّهُمْ اَوْ كَفُورًا ۱۳ وَاذْكُرْ اِسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً ۱۴ وَاَصْبِرْ ۱۵ وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْبُدْ ۱۶
 از مرفا بخیر آدم کنایه که بر او ناسپاسد و یا و آن نام پروردگار خود و صبح و شام و بعضی ساعات شب نماز بر ایستاده
 کردگار یا ناسپاس را از ایشان و یا و آن نام پروردگار خود را صبح و شام و در بعضی ساعات شب سجده کن (نزد بولان) برای او
وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ۱۷ اِنْ هُوَ اِلَّا غَیْبُونَ الْعَاجِلَةُ ۱۸ وَيَذَرُونَ ۱۹ وَاَرَأَيْتُمْ يَوْمًا
 و سبای یاد کن او را وقت دراز از شب هر آینه این کافران رحمت می کنند بدینا و حرکت می کنند پس پشت خود روز
 و سبای یاد کن او را وقت دراز از شب (بدرست) این گروه دوست می دارند و در عاجل در دنیا آدمی که اندک پشت سر خود روز
تَقِيْلًا ۲۰ فَمَنْ خَلَقَهُمْ وَشَدَّ اَسْرَهُمْ ۲۱ وَاِذَا تَشَاءُ بَدَّلْنَا اَمْثَلَهُمْ تَبْدِيْلًا ۲۲
 کران را ما آفریدیم ایشان را و محکم کردیم رک ایشان را و چون خواهیم عزیمت کرد می توانیم مانند ایشان بطریق بدل کردن
 کران را ما آفریدیم ایشان را و محکم کردیم ریل معاصر ایشان را و چون خواهیم عزیمت کردیم مانند ایشان بدل کردیم
اِنْ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ ۲۳ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ اِلٰى رَبِّهِ سَبِيْلًا ۲۴ وَفَاتَّشَاءُ ۲۵
 هر آینه این پند است پس هر که خواهد بخیر و بدی پروردگار خود راه را و نسی خواهد
 (هر آینه) این پند است پس هر که خواهد (بپند) بخیر و بدی پروردگار خود راه را و اراده نمی کند شفا
اَلَا اِنْ يَشَاءُ اللّٰهُ لَيُزِيلَنَّ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ۲۶ يَدْخُلُ مِنْ يَشَاءُ ۲۷
 بخود می خواهد خدا هر آینه خدا است و آنست با حکمت و اعلیٰ می تواند هر که خواهد در
 سحر اینکه اراده کند الله جعفی الله است بهم چیز دانا با حکمت و اعلیٰ می تواند هر که خواهد در
رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِيْنَ اَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا لَّيْمًا ۲۸
 رحمت خود و برای ستمکاران آماده کرده است عذوبی در دود سوزنده
 رحمت خود و برای ستمکاران آماده کرده است عذاب دردناک
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۲۹
 بسم الله الرحمن الرحیم
 بنام خدا
 آغاز می کنم بنام خدا
وَالْمُوسَّاتِ عَزْمًا ۳۰ فَالْعَصْفُ ۳۱ وَالشَّيْءُ ۳۲ فَالْفَرْقُ ۳۳
 قسم بیاد باشد فرستاده شده بود و چون یک پس قسم بیاد باشد قسم و زنده بطریق شد و قسم بیاد باشد قسم فرستاده شده بود و چون یک پس قسم
 قسم بیاد باشد فرستاده شده بود برای خوش کردن دل پس قسم بیاد باشد قسم و زنده بطریق شد و قسم بیاد باشد قسم فرستاده شده بود و چون یک پس قسم
فَرْقًا ۳۴ فَالْمَلَقِيْتُ ذِكْرًا ۳۵ عَدْرًا ۳۶ اَوْنَدْرًا ۳۷ اَتَشَاءُ ۳۸ عَدْوًا ۳۹ لَوَاقِعًا ۴۰
 باره باره نمودن پس قسم بیاد باشد فرستاده شده بود و چون یک پس قسم بیاد باشد قسم و زنده بطریق شد و قسم بیاد باشد قسم فرستاده شده بود و چون یک پس قسم
 باره باره نمودن پس قسم بیاد باشد فرستاده شده بود و چون یک پس قسم بیاد باشد قسم و زنده بطریق شد و قسم بیاد باشد قسم فرستاده شده بود و چون یک پس قسم
الْبُجُومُ طُرُسَتْ ۴۱ وَاِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ۴۲ وَاِذَا الْجِبَالُ سُيِّفَتْ ۴۳
 ستمکاران خود کرده شوند و قتل آسمان شکافته شود و وقتی که باره باره باره نمودن آید و در قتل
 ستمکاران خود کرده شوند و چون آسمان شکافته شود و چون که باره باره نمودن در بر آنه شود و چون
الرَّسُلُ اُفِتَتْ ۴۴ لَا يَوْمَ اُحِلَّتْ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ۴۵ وَمَا اَذْرَكَ مَا يَوْمَ
 رسالت را و پیوسته است معین هم کرده نمودن برای کدام روز بیچاره را از اوقات داور شد بر آنست روز فصل بود و چه چیز خداوند است
 برای ستمکاران و وقت مقرر شده برای کدام روز درین چیز تا با خبر کرده شده برای کدام روز فصل و چه چیز دانا کرد و چرا که هست روز
الفصل ۴۶ وَاِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ۴۷ اَوْنَدْرًا ۴۸ اَتَشَاءُ ۴۹ عَدْوًا ۵۰ لَوَاقِعًا ۵۱
 فصل کردن و آن روز خود رخ شادمانی را آیا ملک بزرگوارم نخستین را بود ازین درستی ایشان آوریم
 فصل کردن و آن روز برای تلافی کنندگان را آیا ملک بزرگوارم نخستین را باز در آن آنها ملک می بینیم

سند شده اند که حق تعالی باینکه هر کس بر کلمات خود کلام گوید انبیا شده و ترس کنندگان از خدا باینکه کلام گویند و...

سورة النبأ التي هي أربعون آية وفيها مائة وعشرون حرفا

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ۝١ عَنِ النَّبَا الْعَظِيمِ ۝٢

از چه چیز کاخبران بایکدیگر سوال می کنند آنرا که بزرگترین خبر است

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ۝٣ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۝٤ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۝٥

که ایشان در آن اختلاف دارند و آنرا که پس هرگز نمی دانند و آنرا که پس هرگز نمی دانند

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ۝٦ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ۝٧ وَخَلَقْنَاهُ أَزْوَاجًا ۝٨

آیا ندانستیم زمین را فرشی و کوهها را میخها و آنچه را که میخها را میخها و آنچه را که میخها را میخها

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ۝٩ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ۝١٠ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ۝١١

و ما چنانچه خواب شما را آرامی و ما چنانچه شب را پرده و ما چنانچه شب را پرده و ما چنانچه شب را پرده

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ۝١٢ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ۝١٣

و بنیادیم و بنا کردیم بالا سر شما هفت آسمان محکم و ما چنانچه چراغی روشن و ما چنانچه چراغی روشن

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۝١٤ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ۝١٥

و فرود آوردیم از ابرها آب ریزان تا بر آوریم بسبب آن آب دانه و گیاه را و ما چنانچه آب دانه و گیاه را

جَنَّتِ الْفُفَا ۝١٦ إِنَّ يَوْمَ الْفُفَا كَانَ مِيقَاتًا ۝١٧ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي

بوستانها در روز قیامت و آنرا که در روز قیامت و آنرا که در روز قیامت و آنرا که در روز قیامت

الصُّورُ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ۝١٨ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ۝١٩

و در روز قیامت و در روز قیامت و در روز قیامت و در روز قیامت و در روز قیامت

سُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ۝٢٠ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ۝٢١

و روان کرده آید کوهها را پس باشند آنرا سراب و آنرا که سراب و آنرا که سراب و آنرا که سراب

لِلطَّغْيَانِ مَا بَآ ۝٢٢ لِيُثَبِّتُنَّ فِيهَا الْقَابَاقَ ۝٢٣ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَ

سراشته است برای طغیان و آنرا که در آنجا و آنرا که در آنجا و آنرا که در آنجا و آنرا که در آنجا

لَا تُشْرَبُ آبًا ۝٢٤ الْأَحْيَاءُ وَغَسَّاقُهُمْ جَزَاءُ ۝٢٥ فَاقْضِ لَهُمْ نَدَاهُمْ ۝٢٦ كَانُوا لَا يَرْجُونَ

نشان آب و آنرا که در آنجا و آنرا که در آنجا و آنرا که در آنجا و آنرا که در آنجا

نَدَاهُمْ ۝٢٧ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نَدَاهُمْ ۝٢٨ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نَدَاهُمْ ۝٢٩

نَدَاهُمْ ۝٣٠ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نَدَاهُمْ ۝٣١ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نَدَاهُمْ ۝٣٢

ملک مراد بعثت و قیامت
سبت ۱۲ و ۱۳ یعنی آنرا
۱۲- تفسیر عثمانی
عنه یعنی مردم در تحقیق
و بجای کدام مسئله
مشغول اند و آیا این
استعداد
را دارند
النبأ
و بجای خویش آن
امر را بمانند و هرگز نمی
یا مطلب این است
که کلام را استوار
او را از بیم و بگریزاند
حضرت رسول الله
صلی الله علیه و آله
مؤمنان می پرسند که
قیامت چه وقت می
آید و سبب تشرش
چیست و در همین
ساعت چرا نمی رسد
میدانید که اینها از چه
واقعیه می پرسند و از آن
بزرگوار می پرسند که
علمشان به آن میرسد
و تحقیق نظر بولانش
را بچشم سر مشاهده کنند
عنه یعنی باغهای آنرا
در سبزه باغی که در
درخت بادیههاست
نشان آنرا که از بیم
تشنه (تا) باغها را
قدرت خویش را بیان
فرموده و ازین به بعد
احوال قیامت را آشکارا
میکند و آنرا که خدا را
واری چنین حکمت و
اقتدار باشد مخلوقات
را از عدم بوجود آورده
آیا باز بگریزند و از این
و میدانند که هرگز نمی
برای بخش اعمال بزرگ
چه اشکال خواهد داشت
زیرا حکمت یا تعالی
تقاضای آن دارد که
و چون که کارخانه بزرگ مبل و دیوچه گذارنده نشود و لایق برای این مریانات مسلسل و طولی دنیا یک توجیهات و انجام روشنی لازم است که آنرا آخرت می نامیم طریقی پس از خواب بیدار

عَلَمًا لِمَنْ دُونَ فِي الْكَافِرَةِ ۖ إِذَا التَّائِبُ عَمَّا فَسَدَ قَالُوا

آیا باز گردانیده شود که نکالت به عدم باشد خویش آید چون شود استخوان باشد بوسیده بازنده شود بگفتند

تِلْكَ إِذْ أَوَّلَتْ خَاسِرَةً ۖ فَلَتَمَّاهُ رَجْرَةً وَاحِدَةً ۖ فَاذَاهُمْ

آن رجوع با آنکه رجوع ازین دهنده باشد پس جز این نیست که آن واحد یک آواز شد دست پس تا کجا ایشان این باز شد است زبان آورده پس تحقیق آن یک آواز شد بید است پس تا کجا ایشان

يَا سَاهِرَةً ۖ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ۖ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ

برودن زمین آمده باشند آید است پیش تو خبر موسی بود آواز دادش پروردگار او بودی بر میدان باشند عده آید ترا موسی و قتیله آواز دادش رب او در میدان

الْمُقَدَّسِ طُوًى ۖ فَاهْذُوبِ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ۖ فَقُلْ هَلْ

بال طوس نام کرد بر بوسه فرعون هر آینه و از عدا گشته است پس بگو ایچ پل که ناش طوی است برو لبوی فرعون هر آینه از سر تالی کرده پس بگو آید

لَكَ إِنْ أَنْ تَرْكَبْ ۖ وَاهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى ۖ فَاسْرِهْ

پس دست ترا باندی یا یزید شوی در راه مایم ترا بوسه پروردگار تو پس بترسی پس بنود بطعون میل است ترا که اصلاح شوی در راه مایم ترا نبوی رب تو پس بترسی پس بنود دش

الْأَيَّةِ الْكُبْرَى ۖ فَكَذَّبَ وَعَصَى ۖ ثُمَّ أَدْبَرَ سَعْيَهُ ۖ فَجَاشَرَفَ

آن مجیزه بزرگ را فل پس دروغ داشت و نافرمانی کرد پس ازان مجلس باز گشت تدبیر کنان پس جمع کرد قوم خود را معجزه بزرگ پس تکیه کرد و نافرمانی نمود پس پشت گردانید و به جنگ افتاد پس گرد آورد همه را

فَنَادَى ۖ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى ۖ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ ۖ

پس آواز داد پس گفت من پروردگار بزرگوار تر شما ام پس گرفتار کرد او را خدا و خدا کرد پس گفت من پروردگار بلند تر شما پس گرفتارش الله

الْأُولَى ۖ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَى ۖ إِنَّكُمْ أَشَدَّ خَلْقًا

و دنیا هر آینه درین خبر است بهت برانست هرگز نرسد آید شما حکم فرید در آفرینش و دنیا بر آنچه در این (پند) جای وقت است مرسای را که می رسد آید آفریدن شما دشوار است

أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا ۖ رَفَعَ سُبُكَهَا فَسَوَّاهَا ۖ وَانْقَضَتْ لَيَالُهَا وَآخِرُجَ

یا آسمان هذا بنا کرد آن آسمان را بلند ساخت از کفاح او پس درست ساخت آنرا و تاریک کرد شب او را و بطور آورد یا آسمان بنا نموده آن را برافراشت بلند آن را پس درست کرد آن را و تاریک کرد شب آنرا آشکار نمود

عَمَّهَا ۖ وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ۖ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا ۖ

در سطحی روز او را در زمین را بعد از آفریدن آسمان بجا آورد و بیرون آورد از زمین آب او را و در سطحی روز او را در زمین را بعد از ازان صاف و بجا نمود پر آورد از زمین آب

مَرْعَاهَا ۖ وَالْجِبَالُ أَرْسَبَهَا ۖ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ۖ فَاذَا

چراگاه او را و کوه بانا استوار نمود از برای متعت شما و چهار پایان شما پس و قتیله علف آن را و کوه بانا استوار ساخت برای کار سازی شما و چهار پایان شما پس و قتیله

جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى ۖ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى ۖ وَبُرْزَتِ

بیاید قیامت روزی که یاد کند آدمی آنچه عمل کرده بود و ظاهر کرده شود و روزی که بیاید آرد انسان آنچه سعی کرده بود و ظاهر آورده شود

الْحَجِيمُ لِمَنْ يَرَى ۖ فَمَا مَنَ طَغَى ۖ وَأَثَرُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ فَانْ

دوزخ برانست هرگز دیدش خواهد نواب با عذاب محقق گردد و ناسیک از حد گذشت باشد و بزرگیده باشد تذکاتی از جمله آن را پس بزرگ دوزخ برای کسی که دیدش خواهد پس هرگز مرسای کرده باشد و اظهار کرده باشد تذکاتی دنیا را پس بیشک

ملایق معادید
بیضا ۱۳ فترج
خبر کردی معنی بود از کون
پس است که بنیاید
عنه انوار از این
خبر نام های خود بفرست
پس گردانیده و قوام
شد با او کرده
تو ایم کرد استخوان
باکی بوسیده باز جان
دمیده شود و اگر چنین
شد برانست مفسره
بزرگ میرسد زیر اما
برای تذکاتی بیاید
تدبیر نماید این را به
تقصیری گفتند که این
چیز با عقیده مسلمانان
است حال آنکه بعد از
مردن زنده شدن
امکان ندارد و بخساره
و درین حقیقت و در
باشد معنی این
هر مضمون و شواهدی
آیا اما نزد قدرت
الهی کاری که چشم
بر هم زدن است که
یعنی یک آواز همیب
بظهور آید یعنی موردی
شود بعد رنگ و رنگان
اولین و آخرین در
میدان حشر که بهند
بعد ازین بیانات بزرگ
عورت متکبران و اتمه
که حک ترین سر زنی
که بیکی از عمر دین خود
دنیا و پس فرعون داد
شده است تذکار
می باید به عبارت
دیگر متکبران را تنبیه
تا بدانند که عاقبت
کسانی که از حق انکار
آورده بود چه شد
است یعنی این قصه
نارنجی عربی است

بزرگ و در این نشان ترس خدا بوده و نکالت بهن فکر نماید قصه موسی علیه السلام و فرعون درین بطور معنی بود اکنون باز مضمون اصلی (قیامت) رجوع میفرماید

الْحَجِيَّةُ هِيَ الْمَأْوَى ۝ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ

دورخ بهائت هلسه او دانا سیک تر سیده باشد از ایستادن محفور پروردگار خویش و باز داشته باشد نفس را دورخ بگانه قرارگاه اوست و اما سیک تر سید از ایستادن محفور رب خویش و باز داشت نفس را

عَنِ الْهَوَى ۝ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ۝ يُسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ

از شهوات پس هر آینه بهشت بهائت جائے از خواهش پس بیشک جنت بگانه جای اوست و پرسند ترا از قیامت

أَيَّانَ مَرُسِمَا ۝ فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهِنَّ ۝ أَلَمْ يَكُنْ

کے باشد متفق آن در چه منزلی تو از علم آن بسوئے پروردگار است متنبه علم آن جز این نیست که چه وقت است قیام آن ترا چه کار از ذکر آن بسوئے پروردگار است متنبه علم آن هر آینه

أَنْتَ مُنْذِرٌ مِّنْ يُخْشِعْنَ ۝ كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً

تو ترساننده کسی را که بترسد از دوسه روز یک بهینند از خارج نشی که ایشان درنگ نکردند بودند بدینا مگر یک وقت شام تو سخن ترساننده هر که را که بترسد از قیامت ایشان روز یک بهینند از خارج ناست که گوید درنگ کرده بودند در دنیا مگر شبان گاهی

وَمَا أَصْحَابُهَا ۝ أَوْ ضَرَبَ ۝ أَوْ ضَرَبَ ۝ أَوْ ضَرَبَ ۝

یا یک وقت صبحی که پیش از آن بود یا چاشت گاه آن روز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسم آغاز می کنم بسم خدا ستم بخشاینده مهربان

عَلَيْسَ وَمَتَوَلَّى ۝ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْنَى ۝ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّه يُرْكَ ۝

رو ترش کرد و اعراض نمود بسبب آنکه بیاد پیش او تابینا و چه چیز خبردار کرد ترا شاید وے پاک میشد رو ترش نمود و اعراض کرد و بسبب آنکه بیاد پیش او تابینا و چه چیز دان کرد ترا شاید او اصلاح می شد

أَوَيْدَ لَوْ فَتَفَعَّلَ الذِّكْرَى ۝ أَمَّا مَنْ اسْتَغْنَى ۝ فَاَنْتَ لَتَتَصَدَّقَ ۝

یا پندیده شنید پس لفع میداوش آن پندشندان اما سیک تو تو گز است پس تو بسوئے ادا اقبال می کنی یا پندیده گرفت پس لفع میداد او را آن پندد اما سیک لی نیاز کرد (از ایمان) پس تو مراد را در فکر می افتی

وَمَا عَلَيْكَ إِلَّا يَرْكَ ۝ وَأَمَّا مَنْ جَاءَهُ يَسْعَى ۝ وَهُوَ يَخْشَى ۝ فَاَنْتَ

و زیان نیست بر تو و را نیک پاک شود و اما سیک بیاد پیش تو شتابان و از خدا ستم خود ترسای پس تو و الزامی نیست بر تو در اصلاح ناشدن آن و اما سیک بیاد پیش تو شتابان و او ترسان پس تو

عَنْ تَكْفِي ۝ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۝ فَمِنْ شَاءَ ذَكَرَهُ ۝ فِي صُحُفٍ

از وے غفلت می کنی ستم هر آینه این آیات قرآن پندست پس هر که خواهد یاد کند از این آیات قرآن ثبت ست در نامه های از وی بدینوی مشغول می شودی چنین نباید کرد هر آینه آیات قرآن محض پند است پس هر که خواهد آنرا بخواند و پند گیرد آیات است در جمیع بائی

مَكْرَمَةٍ ۝ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۝ بِأَيِّدِي سَفَرَةٍ ۝ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۝

گرامی بلند قدر پاک کرده شده بدست بایستی نویسندگان بزرگ شش بزرگ شش بزرگ شش بزرگ شش

قِيلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ۝ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۝ مِنْ نُّطْفَةٍ ۝

لعنت کرده شد آدمی را چه بلانا پس از دست خدا انچه چیز آفریدش از نطفه منی پاک باد انسان چه ناسپاس است از چه چیز آفرید او از نیک قطره آب

خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ۝ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ۝ ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ۝ ثُمَّ إِذَا

آفریدش پس اندازه معین کردش باز راه برآه آسان نمودش باز میراندش پس در گور کردش باز و قتی که آفریدش پس اندازه کرد او را پس راه را بروی آسان کرد باز میراندش پس در گور کردش پس و قتی که

صلوات بر نبی و آل نبی از قنار و محاسن مجلس آنحضرت صلی الله علیه و آله در آمد و بسو الهای مکرر توشش داد و آنحضرت صلی الله علیه و آله در آنحضرت بدعوت اشرف عرب مشغول بودند پس آنرا کرده داشته اند و اعراض نمودند خدا ستم لفظ بر خلق عظیم دلالت فرمود ۱۲- فیکه یعنی ۱۲ تفسیر عثمان عه روزی عنادید و ترش در مجلس خفته بنوی ۳۰ حاضر و حضرت ۳۲ پیغمبر صلی الله علیه و آله ایضا از باسلام دعوت و به آنها سرگرم مذاکره بود ناگاه عید الله این ام حکوم که از دیدگان نابینا بود و در دست و عرض کرد: یا رسول الله از عطی که خداوند پروردار زلمی داشته مرا بیاور و عرض تا هنگام عید الله مورد التفات رسالت مآلی واقع نشد زیرا آنحضرت با هر مهم تبلیغ اشتغال داشت و تصور کرد که در مجلس مبارک سروران آن قریش حاضر اند و این بامردان با نفوذ و رؤسای قوم می باشد اگر بشرف ایمان شرف شتو نمکن است عظیم تر از آن با پیرو کنند و دائره اسلام وسعت پذیرد- این ام مکتوم مسلمانان و از بار یافتگان حضور نبوت است و او را مرقع تبلیغ و تعلیم بسیار است اگر به عید الله شفقت شوم بر بزرگان قریش گران می آید و دوباره به تبلیغات اسلامی گوش میدهند اما عید الله این ام مکتوم به عرض خود اصرار

دل می سرخ شود
مانند بره که پوست
او را بکنند
و از سرخ کردن
مشتری در سرخ و زهره
و عطار و زنجبیل
تیره اند چون سیر کرده
بقلمه رسد از آن باز
می گویند به مقامی
که رسیده بودند اقبال
نماند و چون وقت
اقران آید غائب شوند
والله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه الله به بیان
صفات جبرئیل است
و مقصود آنست که
واسطه رسانیدن قرآن
اول حضرت جبرئیل و
بعد از حضرت رسول گیم
است و این دو ذات
مقدس دارای صفاتی
می باشند که صدق
و نزول قرآن می باشد
الشهدی شریب
و در بیانی فائده ۹
برای قول ۶
صحت اخبار و
روایات شرطند که
آن است که راوی
آن به منتهای بر توف
محافل - ضابطه - حافظ
امین باشد و از ذاتی
که روایت می کنند و
اعزاز و احترام او باشد
و ثقات بزرگ و معتبر
بر امانت او اعتماد
نمایند و بر محمول او چون
در چنان کنند این همه
شرطه و احتیاط این
موجود است جبرئیل
کریم و محترم است
و بر او ای متقی و پاک
تر است و این اگر بگویم
عنه الله انعم و فی
الحمد لله (الکریم العظیم)
و ی دارای قوه شین است و کمال حفظه و بیان اهلان ثابت است و مقام او در بارگاه ربوبیت از سایر فرشتگان افضل تر است و فرشتگان به سخن وی گوش می دهند و فراموش را طاعت

کُشِطَتْ ۱۱ وَاِذَا الْجَحِيْمُ سُعِرَتْ ۱۲ وَاِذَا الْجَبَّةُ اُزْلِفَتْ ۱۳ عَلِمَتْ ۱۴

پوست برکنده شود و وقتیکه دوزخ برافروخته شود و وقتیکه برشت را نزد یک ساخته شود بداند
نیل پوست برکنه شود و وقتیکه دوزخ برافروخته شود و وقتیکه برشت را نزد یک آورده شود بداند

نَفْسٌ مَّا احْضَرْتَ ۱۵ فَلَا اَسْمَیْ بِالْخُسْ ۱۶ الْجَوَارِ الْكُنْ ۱۷

هر نفسی آنچه حاضر ساخته است پس قسم بخورم بستار بانی باز گردنده سیر نماینده غائب شوند
هر نفسی آنچه حاضر ساخته است پس قسم بخورم بستار گان باز گردنده سیر نماینده غائب شوند

وَالْيَلِ اِذَا اَعْسَسَ ۱۸ وَالصُّبْحِ اِذَا اَنْفَسَ ۱۹ لَئِنْ لَقِیْتُ رَسُوْلًا ۲۰

و قسم بشب چون باز گردد و قسم به صبح چون بیدار شود
و قسم بشب و قتیله باز آید و قسم به صبح و قتیله بداند

کَرِيْمًا ۲۱ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِيْنٍ ۲۲ مُطَاعٍ ثَمَّ اَمِيْنٍ ۲۳

اگر ای تبار صاحب توانائی باوقار نزدیک خداوند عز و جل
قدر است دارای توانائی باوقار نزدیک خداوند عز و جل مرتبه است و این بوده شده در ملکوت آسمان متعجب بامانت

وَمَا صَاحِبُكُمْ يَبْجُوْنَ ۲۴ وَلَقَدْ رَاَهُ بِالْاُفْقِ الْيُسْبِيْنَ ۲۵ وَمَا هُوَ ۲۶

و نیست از یار شما دیوانه و هر آینه یار شما دیده بود آن فرشته را بجز آن ظاهر آسمان و نیست یار شما
و نیست رفیق تان دیوانه و هر آینه رفیق شما دیده بود آن فرشته را در کناره ظاهر آسمان و نیست رفیق شما

عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِيْنٍ ۲۷ وَمَا هُوَ يَقُوْلُ شَيْطٰنٌ رَّجِيْمٌ ۲۸ فَاِنَّ ۲۹

بر علم پنهان بجز گفته و نیست قرآن گفتار شیطان رانده شده پس بجا
بر تعلیم اسرار غیب بجز و نیست قرآن گفتار شیطان مردود پس بجا

تَنْ هٰبُوْنَ ۳۰ اِنَّ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِيْنَ ۳۱ لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ اَنْ ۳۲

میروید نیست قرآن سکینه عالمهارا برای آنکه خواهد از شما که
میروید نیست قرآن مگر پندی مرعالمیان را برای آنکه خواهد از شما که

يَسْتَقِيْمَ ۳۳ وَمَا تَشَاءُوْنَ اِلَّا اَنْ يَّشَاءَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ۳۴

راست نرود و نمی خواهید مگر و قتیله بخواهد خدا پروردگار عالمها
راست نرود و نمی خواهید مگر و قتیله بخواهد الله رب عالمیان

سُوْرَةُ الْاِنْفِطَارِ مَكِّيَّةٌ مِّمِّي تِسْعٌ عَشْرَةٌ اَيُّهَا ۳۵

بسم الله الرحمن الرحيم

اِذَا السَّمَاءُ اِنْفَطَرَتْ ۱ وَاِذَا الْكَوَاكِبُ اُنْتَثَرَتْ ۲ وَاِذَا الْبِحَارُ ۳

و قتیله آسمان شکافته شود و قتیله ستارگان از هم بریزد و قتیله دریاها
و قتیله آسمان شکافته شود و قتیله ستارگان از هم فروریزد و قتیله دریاها

فَجِرَتْ ۴ وَاِذَا الْبُحُورُ مُدْعٰرٌ ۵ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ ۶

روان کرده شود نهایت شدت و وقتیکه گوارا شکافته شود بداند هر نفسی آنچه پیش فرستاده بود و
از مواضع خود بلند (روان) شود و وقتیکه گوارا بریزد بر کرده شود بداند هر نفسی آنچه پیش فرستاده و

اَخْرَجَتْ ۷ يٰۤاَيُّهَا الْاِنْسَانُ مَا عَرَبْتَ بِرَبِّكَ الْكَرِيْمِ ۸ الَّذِي ۹

آید باز پس از آنکه بود اے آدمی چه چیز فریفت ترا به پروردگار بزرگووار تو آن خداست که
آید باز مانده ای آدمی چه چیز فریفت ترا به پروردگار کریم آن خداست که

عده در آیات باشد
و شریف نیست حقیقت
این است که اکثر
گناه آئینه دلشان را
زنگ گرفته و سیاه
شده باین صورت
حقایق بطور صیغ در آن
منعکس نمی شود در
حدیث است که چون
بنده گناهی می کند در
دلش یک نقطه سیاه
پیدا می شود پس اگر
توبه کرد زایل گردد و الا
هر قدر گناه کند آن نقطه
بزرگتر و وسعت
می کند و حاصل دلش
سیاه می گردد و بعدی که
حق را از باطن فری کرد
نمی تواند مکذوبین مذکور
ازین قبیل مردم اند که
از شرارت های بی پای
دلشان مسخ شده
و به آیات الهی تمسخر
می نمایند و علیین
جائی است که در آن
اسمای اهل جنت
مندرج و نام هائ
اعمال شان مرتب
گذاشته میشود و ارواح
آنها را تحت پرانجا
برند و بعد بمقام شان
رسانند و ارواح شان
را با قبور آن بایک
نوع تقویت باشد گویند
این موضع بالای آسمان
بهتم بوده و ارواح
مقران عالی مقام
در آن قیام پذیرند
والله اعلم بالصواب
خودش می گویند
بر مسلمین تمسخر نموده
گرمی می نمودند و
بر عیش و تنعم
خیش مغرور
گردیده تصویر می کردند
که اگر زمین عقابند و
افکار ما هیچ نیست چرا بچنین عیش و استراحت رسیده ایم لعل که این گروه نادان که راه زهد و ریاضت می گذرانند و لذت اندوخته و رابره لذت اندوخته و تفریح می دهند و زحمت بجا

بَلْ سَكَنَ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۱۳ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ
بلکه زنگ بسته است بر دل بایه ایشان آنچه می کردند نه هر آینه ایشان از دیدار پروردگار خویش
بلکه زنگ بسته است بر دل بایه ایشان آنچه می کردند نه هر آینه ایشان از دیدار پروردگار خویش

يَوْمَ يَدْعُ الْمُتَجَبُّونَ ۱۴ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ۱۵ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا
آنروز دعوت میشوند باز هر آینه ایشان در آینه گان دوزخ باشند باز گفته شود ایشان را اینست
آنروز ممنوع باشند پس هر آینه ایشان در آینه گانند بدوزخ پس گفته می شود این است

الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۱۶ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ۱۷
آنچه شما آنرا در دوزخ می شنیدید حقا هر آینه نامه اعمال نیکوکاران داخل شود در عِلِّيِّین
آنچه شما آنرا در دوزخ می شنیدید هرگز نه هر آینه نامه اعمال نیکوکاران در عِلِّيِّین است

مَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ۱۸ كِتَابٌ مُزِينٌ ۱۹ يُشْهِدُهَا الْمُقَرَّبُونَ ۲۰ إِنَّ الْأَبْرَارَ
چه چیز مطلع ساخت ترا که عِلِّيُّون کتابی است نوشته شده که حاضر شوند نزدیک کردگان خدا هر آینه نیکوکاران
چه چیز داناند ترا که عِلِّيُّون کتابی است نوشته شده که حاضر شوند نزدیک کردگان خدا هر آینه نیکوکاران

لَفِي نَعِيمٍ ۲۱ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۲۲ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ
در نعمت باشند بر تختها نشسته نظر می کنند بهر جانب بشناسی در رویه ایشان تازگی
در نعمت اند بر تختها نشسته نظاره می کنند می شناسی در رویه ایشان تازگی

التَّعْلِيمِ ۲۳ يَسْقُونَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ۲۴ خِتَمُهُمْ يَوْمَ ذَلِكَ
نعمت نوشانیده می شوند از شراب خالص مسکون بجای می آید و سر او مشک باشد و بهین شراب پاک
نعمت نوشانیده می شوند از شراب خالص مسکون بجای می آید و سر او مشک باشد و بهین شراب پاک

فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ۲۵ وَمِنْ رَاحَةٍ مِنْ تَسْنِيمٍ ۲۶ عَيْنَا لَشَرِبٍ
باید که رقبت کنند رقبت کنند گان و آینه ای از آب تسنیم باشد مراد این است که هر چه کس نوشند
باید رقبت کنند رقبت کنند گان و آینه ای از تسنیم است آن چشمه البیت که می نوشند

بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ۲۷ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرُوا كَانُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا
ازان نزدیک کردگان خدا هر آینه نیکوکاران بامسلمانان
ازان نزدیکان بارگاه الهی هر آینه نیکوکاران بر مسلمانان

يَضْحَكُونَ ۲۸ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ۲۹ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ
میخندیدند و چون می گذشتند به مسلمانان بایکدیگر چشم میزدند و حشرات کرده و چون باز می گشتند بآهل خانه خود
میخندیدند و وقتی که می گذشتند بایکدیگر چشم میزدند و چون باز می گشتند بآهل خانه خود

انْقَلَبُوا فَمِنْهُمْ ۳۰ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَصَالُونَ ۳۱ وَمَا
باز می گشتند دامن شده و چون می دیدند مسلمانان را می گفتند هر آینه ایشان گمراهانند و حال آنکه
باز می گشتند شادان (مخمسلمانان) و چون می دیدند ایشان را می گفتند هر آینه ایشان گمراهان اند لعل و حال آنکه

أَرْسَلُوا عَلَيْهِمْ حَفَظِينَ ۳۲ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ
هماننان فرستاده شده بودند بر سر مسلمانان پس امروز مسلمانان با کافران
فرستاده شده اند بر مؤمنان نیکبختان پس امروز مؤمنان بر کافران

يَضْحَكُونَ ۳۳ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۳۴ هَلْ تَوْبُ الْكُفَّارِ مَا كَانُوا
میخندند بر تختها نشسته نظر می کنند بهر جانب آیا جزا داده شد کافران را بحسب آنچه
میخندند بر تختها نشسته نظاره می کنند هر آینه جزا داده شد کافران به آنچه

يَفْعَلُونَ ۳۵

می کردند
می کردند

فل یسری بر جود الوکله
 فل یسری روز قیامت
 فل یسری روز قیامت
 بر ذلک حاجیان بان
 روز حاضر شوند یعنی روز
 عوفیر آید مجازات متعلق
 ست ۱۲ مترجم
 گوید بادشاه به جبار
 رعیت خود را تکلیف
 کفر کرد چون کافر شدند
 خندق بار آتش بر کرد
 و ایش از آتش انگشت
 خداستخالی آن آتش را
 بر باد شاه به پیشانیان
 او مسلط ساخت تا از
 خندق پریده بهر پایک
 بسوخت و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 س ۱۳ یعنی مسلمانان
 جزای آسمانی نداشتند
 که از عذاب کفر آید
 به آن ذات قادر و متعال
 ایمان آورده اند که از مسلمانان
 عفو شده و دیگران
 گوشه زمین و آسمان
 بیرون نیست در بر جود
 ترین کواکب عالم غیر
 است و فیکر بر مندان
 حضرت اوجمن بحرم
 عبادت او بیرون آید
 ممکن است چنین علم و
 ستم صریح بدون نیاز
 مانده و خداوند تعالی
 کبریا این مقام را
 بشد قریب هورست
 از ستارگان نکند
 حضرت شاه صاحب
 میفرماید که چنانچه غضب
 الهی توجه شد همان
 آتش و سست گرفته
 تمام خانه های شاه و
 در را و امرا و ایش
 را سوختند
 و در در آید
 میخوبانده و الله اعلم
 ع ۱۴ یعنی از
 معانی بقیه ایشان نشوند که میباید بزرگ در آخر تعقیب ایشان است که در مقابل آن عیش و کدورت دنیا هیچ باشد ۱۲

سورة البروج
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 آغازی که بسم خدا یکبارگی اندازه مهر بان نهایت بار هم است
 وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ۱ وَالْيَوْمِ الْوَعُودِ ۲ وَشَاهِدٍ ۳
 قسم به آسمان خداوند برجهای و قسم بر روزی که وعده کرده میشود و قسم بر روزی که در پیش
 مشهود ۴ قیل اصب ۵ النار ذات الوقود ۶ اذ هم علیها
 حاضر میشود و اصب کوه شدند ابل خندق یا از قسم آتش خداوند برجهای و قسم آتش ایشان
 حاضر میشود و قسم بر روزی که برای آن حاضر میشوند نشود صاحبان خندق آتش است دارای میزم بار و قسم آتش ایشان
 قعود ۷ و هم علی ما یفعلون ۸ یا له المؤمنین شهود ۹ و ما نقصوا من هم
 برکناره آن خندق باشند بودند و ایشان با آنچه می کردند با مسلمانان حاضر بودند و عیب نخوردند از ایشان
 برکناره خندق نشسته بودند و ایشان به آنچه می کردند با مسلمانان بخشیم های خود میدیدند و عوض را تقاضا نمی کردند از ایشان
 الا ان یؤمنوا بالله العزیز الحمید ۱۰ الذی له ملک السموات والارض
 مگر این حاصلت را اگر ایمان آرند خدا غالب ستوده کار آنکه او راست بادشاهی آسمانها و زمین
 مگر ایمان آوردن را بخدای غالب داری حماد آنکه او راست بادشاهی آسمانها و زمین
 والله علی کل شیء شهید ۱۱ ان الذین فتنوا المؤمنین والمؤمنات
 و خدا بر همه چیز مطلع است و آنکه آنها که غیبت کردند مردان مسلمان را و زنان مسلمان را
 و الله بر همه چیز داناست و آنکه آنها که از ایمان بگردانیدند مردان مسلمان و زنان مسلمان را
 ثم لم یتوبوا فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب الحریق ۱۲ ان الذین
 باز نوبه نمودند پس ایشانراست عذاب دوزخ و ایشانراست عذاب سوزن هر آنچه آنها که
 باز نوبه نمودند پس ایشانراست عذاب دوزخ و ایشانراست عذاب سوزن هر آنچه آنها که
 امنوا و عملوا الصالحات لهم جنات تجری من تحتها الانهار ذلک
 ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند ایشانراست عذاب باغبانی که میروند در درختان آن جوی با این
 الفوز الکبیر ۱۳ ان بطش ربک لشدید ۱۴ انه هو یبدی و
 فی روزی بزرگ هر آنچه دست درازی پروردگار تو سخت است بر آینه آفرینش تو می کند و
 کامیابی بزرگ است و هر آنچه بر آینه گرفتن پیروز و کرامت نهایت سخت است بر آینه آفرینش تو می کند و
 یعبد ۱۵ وهو الغفور الودود ۱۶ ذو العرش المجید ۱۷ فقال لیس
 آفرینش دوباره می کند و دوست آمرزگار و دوستدار او خداوند عرش گرامی قدرست بسیار کننده است هر چیز بر آن
 باد و دوست آمرزگار و دوستدار اله عرش گرامی قدرست کننده است هر چه را
 یرید ۱۸ هل اتک حدیث الجنود ۱۹ ففکون و شهود ۲۰ بلی
 خواهد آیا آمده است تو خبر لشکر یا کوفتون و نمود پاشند بلی
 خواهد آیا آمده است تو خبر لشکر یا کوفتون و نمود پاشند بلی
 الذین کفروا فی تکذیب ۲۱ و الله من وراءهم معیط ۲۲ بلی
 کافران در دروغ میگردانند و الله از گرد گرد ایشان گیرنده است بلی
 ۲۳ انما یخبرکم لعلکم تتقون ۲۴ و الله من وراءهم معیط ۲۵ بلی
 این قرآن گرامی قدرست و الله از گرد گرد ایشان احاطه کننده است بلی
 ان قرآن بزرگ است و الله من وراءهم معیط ۲۶ بلی
 این قرآن بزرگ است و الله من وراءهم معیط ۲۷ بلی
 این قرآن بزرگ است و الله من وراءهم معیط ۲۸ بلی
 این قرآن بزرگ است و الله من وراءهم معیط ۲۹ بلی
 این قرآن بزرگ است و الله من وراءهم معیط ۳۰ بلی

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ... وَفِي ثَلَاثِينَ آيَةً

بسم الله الرحمن الرحيم... آغاز می کنم نام خدا را...

وَالْفَجْرِ ۝ وَكَيَالِ عَشِيرَ ۝ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝ وَالْبَيْلِ إِذْ أَسْرَى ۝ هَلْ فِي

قسم ببحر و شب های ده گانه و قسم بجفت و طاق و قسم بشب چهل رواں شود آیا درین

قسم ببحر و شب های ده گانه و قسم بجفت و طاق و قسم بشب چهل رواں شد

ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ ۝ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۝ إِمْرَءَاتٍ الْيَمَادِ ۝

مقدمه سولندے معجزہ است صاحب خود را آیت اندیدی که چگونه محال کرد پروردگار تو با قوم عاد که عادت ارم بارش خداوندند بانه بلند

چیز را بار بار و در تمام سال صاحب عقل را آیت اندیدی که چه کرد پروردگار تو با قوم عاد که در ارم بودند دارای ستونهای بزرگ

الَّتِي لَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ ۝ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ ۝ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ ۝ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ ۝

که آفریده شده است مانند آن در شهر با و چگونه محال کرد با قوم ثمود که تراشیده بودند تنگ های بزرگ را در دای (قری)

وَقَرَعُونَ ذِي الْأَوْتَادِ ۝ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ۝ فَاكْثُرُ ۝ وَافِيهَا

و چگونه محال کرد با فرعون صاحب میخهای آهنین این جماعت با آنکه سرش می کردند در شهر با پس بسیار در آن شهر با

الْفَسَادِ ۝ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝ إِنَّ رَبَّكَ لَبَازِلٌ مُّصَادٍ ۝

فساد را پس بر سخت بر سر ایشان پروردگار تو یک دفعه عذاب هر آینه پروردگار تو همین گاه است

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ ۝ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ۝

پس اما آدمی چون امتحان کندش پروردگار او پس گرامی کندش و نعمت دهد پس گوید پروردگار من گرامی ساخت مرا

وَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ ۝ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ۝

اما چون امتحان کندش پس تنگ سازد بر دینش و رزق دیر را گوید پروردگار من خوار کرد مرا

لَا تَكْمُلُ يَوْمَ الْقِيَامِ إِلَّا الْيَتِيمَ ۝ وَلَا تَحْصُونَ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ ۝ وَتَأْكُلُونَ

گرامی نمیدارید یتیم را و یکدیگر را رغبت نمیدید بر طعام دادن فقیر و میخورید

الذَّرَاتِ أَكَلًا لِّمَاءٍ ۝ وَتَجْبُونَ لِيَالٍ حُبًّا جَا ۝ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ

مال میراث را خوردن بسیار و دوست میدارید مال را دوست داشتن بسیار مگر آنکه زمین را

دَكَّادَكَا ۝ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ۝ وَجِئْتُكُمْ يَوْمَ الْبَعْثِ

پشت کردن بعد پشت کردن و بیاید پروردگار تو و بیایند فرشتگان صف صف و آورده شود آن روز دوزخ

يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ۝ يَقُولُ لِيَكُنْ بَنِي قُلُومٍ

آن روز یاد کند انسان (آنچه از او کرده) بجا مانده دهد او یاد کردن گوید اے کاش چیزی پیش فرستادمی

لِيَكُنْ بَنِي قُلُومٍ ۝ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَنْ آيَةِ أَحَدٍ ۝ وَلَا يُؤْتِيهِمْ ثَوَابًا

برای این زندگانی ها و دانی خوش پس آن روز عذوبت نمند مانند عقوبت خدا هیچ کس و بزرگتر بنده مانند بستان او

وَرِثَةً ۝ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَنْ آيَةِ أَحَدٍ ۝ وَلَا يُؤْتِيهِمْ ثَوَابًا

فَلْيَعْبُدُوا اللَّهَ... ۱۲ یعنی بعض نماز... ۱۳ فکرت است و بعض طاق... ۱۴ فکرت خدا را بادهند... ۱۵ بندگان است بر اعمال... ۱۶ ایشان ۱۲ یعنی... ۱۷ بچار میخ بسته عقوبت... ۱۸ میرد ۱۲ یعنی زنا... ۱۹ و تیان را حق ایشان... ۲۰ نمی دهم و حق ایشان... ۲۱ مال خود جمع می کنید... ۲۲ یعنی اسباب... ۲۳ اکرام الهی اکرام بنشینم... ۲۴ و اطعام مسکین است... ۲۵ آزاری باید کرد و شما... ۲۶ باین صفت هستید... ۲۷ که تیان را حق ایشان... ۲۸ نمی دهم و حق ایشان... ۲۹ مال خود جمع می کنید... ۳۰ یعنی جبال اطلال... ۳۱ را با سائر ارض برابر... ۳۲ کرده شود... ۳۳ تفسیر عثمانی... ۳۴ یعنی قدم را... ۳۵ نشاخت خلاصه اینکه... ۳۶ در نظر انسان تنها حیا... ۳۷ دنیوی اهمیت دارد... ۳۸ و معیار عزت و ذلت... ۳۹ خود همین راحت و... ۴۰ زحمت دنیا را امیداند... ۴۱ و خبر ندارد که هر دو برآ... ۴۲ آزمایش او است در... ۴۳ نعمت شکر گذاری ها و او... ۴۴ امتحانی کند و در سختی... ۴۵ صبر و استقامت را... ۴۶ نعمت دور و در و سا... ۴۷ دلیل مقبولیت و عزت... ۴۸ بد بار خداوندی است... ۴۹ و زحمتی در زحمت دلیل... ۵۰ امانت و مردودیت... ۵۱ مگر آن از بس... ۵۲ غافل است بلامتی... ۵۳ خود تن نمیدهد و از بی... ۵۴ حیالی و نادان حیات... ۵۵ و زید و از نام بر پرورد... ۵۶ خویشی آورد ع

تفسیر غفرانی

بقیه صف ۵۹۹
 اگر افکار و خیال آزاد
 باشد باز هم در عین
 غذاب بلیغ تحقیق
 روی میداد چنانکه در
 قید جهانی اگر دست
 و پای بسته بهم باشد
 بسبب چنان فکر
 بهر طرف فی الجمله
 تسکین حاصل میگردد
 بر نفس آنکه خدای
 قهار نکرش را نیز
 قید کرده و جهان
 بجهان خودش تفرقه
 ساخته که فکرش نیز جز
 کلفت بند و بیکر می
 را اندیشه نتواند ظاهر
 است که قید فکری نهاده
 باز از قید جسمی سخت
 تر است از انجاست
 که دیوانگان سودائی
 را اگر چه در باغ پای
 و هیچ و محرابی
 فراخ هم بر بند بسبب
 غلبه اقام و فخر و جاه
 گستاخ و در نظر غفلان
 می آید عین اول
 بدریغ عقل و دهری
 فطرت نیک و بد را
 بصورت اجمال باو
 فهماند از ان بواسطه
 تبلیغ انبیاء و رسول
 بطور مفصل نهایت
 واضح ساخت که این
 راه بد و این راه نیک
 است باز در دل جهان
 نیکی بر بدی و میلان
 برای بدی نهاده و
 قاطع این هر دو میلا
 نیز حضرت اوست
 واسطه القای نیکی
 فرشته را ساخت
 و از بدی شیطان را

اِذَا يَغْشَاهَا ۝ وَالسَّمَاءَ وَمَا بَيْنَهُمَا ۝ وَالْأَرْضَ وَمَا عَلَيْهَا ۝ وَتَنْفُسٌ
 چنان بپوشاند آفتاب را و قسم بآسمان و بنا کردن خدا و در قسم به نفس آدمی
 چنان بپوشاند او را و بر آسمان (و بدانی) که چگونه بنا کرد آنرا و بدانی که چگونه بپوشاند آنرا و نفس
 وَمَا سَوَّاهَا ۝ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا ۝ ۱۰
 و در صحت اندام نمودن خدا و او را پس قسم بانداختن خدا و دلش شفاخت گناه او را و تقوی او را بر آینه. سنگارش بر کمال ساخت نفس را و
 (و بدانی) که چگونه در صحت اقدام کرد او را پس همانند او را بدکاری او و پرهیزگاری او را بر آینه. سنگارش بر کمال ساخت نفس را و
 قَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ۝ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ۝ ۱۱
 بر آینه زبان کاران شد هر که با سفل اساطین بر و آنرا دروغ نمردند قوم ثمود بسبب سرکشی خود و فتنه بر نعمت بد بخت ترین آن
 بر آینه ناکام شد کسی که در خال آینه بگذاشت (پوشانید بنیاه) تلبیز نمود ثمود بر سرکشی خود و فتنه بر نعمت بد بخت ترین آنها
 فَقَالَ لَهُمُ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۝ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا ۝ ۱۲
 پس گفت ایشان را پیامبر خدا بگذارد پداده شتر بر آنکه خدا آفریده است و متعفن نشود آب خورد او را پس دروغ نمردند بپای برایش
 پس گفت مرایشان را رسول خدا بگذارد پداده شتر خدا و گوشت آب آنرا پس تلبیز کردند او را پس بخی کردند آنرا
 فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمُ رَبُّهُمْ بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا ۝ ۱۳ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ۝ ۱۴
 پس عقوبت فرود آورد بر ایشان پروردگار ایشان کسب محبت ایشان پس بپوشاند و عقوبت را بر سر ایشان و و خدای ترسد
 پس و از گون ساخت (عذاب فرستاد) بر ایشان پروردگار ایشان بسبب گناه ایشان پس بجای یسار که آنها را در غیر سر خدا انجام ناکام آن
 سَوَّاهَا ۝ فَسَوَّاهَا ۝ ۱۵
 بسام خدای بخشایت در مهربان
 آغاز می کند بنام خدایند بی اندازه مهربان نهایت بارم است
 وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ۝ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ۝ ۱۶
 قسم بشب چون بپوشاند و قسم بر روز چون ظاهر شود و قسم بدانکه آفرید نر و ماده را
 قسم بشب چون بپوشاند و بر روز چون روشن شود و بدانی که آفرید نر و ماده را
 إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ۝ ۱۷ فَمَا مَنَ اعْطَىٰ وَآتَىٰ ۝ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ۝ ۱۸
 که هر آینه سعی شما مختلف است پس اما هر که عطا کرد و پرهیزگاری نمود و یادداشت ملت نیک را
 بر آینه کوشش های تان گوناگون است پس اما کسی که عطا کرد و ترسد و نقدین نمود سخن نیکوار
 فَسَنِيْسِرُكَ لِلْيَمِينِ ۝ ۱۹ وَأَمَّا مَن بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ ۝ ۲۰ وَكَذَّبَ
 پس بوفیق دایم او را بر آینه رسیدن بر آینه و اما هر که بخل کرده خود را بے نیاز شود و بدروغ نسبت کرد
 پس آینه آینه بر سائیم او را در آسانی و اما کسی که بخل کرد و خود را بپوشاند و تلبیز نمود
 بِالْحُسْنَىٰ ۝ ۲۱ فَسَنِيْسِرُكَ لِلْعُسْرَىٰ ۝ ۲۲ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ ۝ ۲۳
 ملت نیک را پس بوفیق دایم او را بر آینه رسیدن بر آینه و اما هر که بخل کرد و خود را بپوشاند و تلبیز نمود
 سخن نیکوار پس آینه آینه بر سائیم او را در سختی و کار نیاید باو مالش چون او در گور شود
 إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ۝ ۲۴ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ۝ ۲۵ فَأَنذَرْتُكُمْ
 بر آینه بر آینه لازم است راه نمودن او و هر آینه بر آینه ماست آسمان و این جهان پس ترسانیدم شما را
 بر آینه بر آینه رستمانی و هر آینه در معرفت ماست آخرت و دنیا پس ترسانیدم شما را
 نَارًا تَلْقَوْنَ ۝ ۲۶ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ۝ ۲۷ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝ ۲۸
 آتشی که شعله میزند در نیاید با آن آتش مگر بد بخت ترین مردم آنکه دروغ نمرد و در گردان شد و
 از آتش که شعله میزند نمی در آید در آن مگر بد بخت ترین مردم آنکه تلبیز نمود و روی گردانید و
 سَيَجْزِيهَا الْآثِقُ ۝ ۲۹ الَّذِي يُوْتِي مَالَهُ يُلْقِيهِ ۝ ۳۰ وَمَا لِحَدِّ عُنْدَهُ ۝ ۳۱
 پس داشته خواهد شد از آن آتش پرهیزگار ترین مردم آنکه میداد مال خود را تا مالک نفس گردد و نیست هیچ کس را نزد او
 زود است که باز داشته شود از آن پرهیزگار ترین مردم آنکه میداد مال خود را تا مالک نفس گردد و نیست هیچ کس را نزد او

تفسیر غفرانی
 بقیه صف ۵۹۹
 اگر افکار و خیال آزاد
 باشد باز هم در عین
 غذاب بلیغ تحقیق
 روی میداد چنانکه در
 قید جهانی اگر دست
 و پای بسته بهم باشد
 بسبب چنان فکر
 بهر طرف فی الجمله
 تسکین حاصل میگردد
 بر نفس آنکه خدای
 قهار نکرش را نیز
 قید کرده و جهان
 بجهان خودش تفرقه
 ساخته که فکرش نیز جز
 کلفت بند و بیکر می
 را اندیشه نتواند ظاهر
 است که قید فکری نهاده
 باز از قید جسمی سخت
 تر است از انجاست
 که دیوانگان سودائی
 را اگر چه در باغ پای
 و هیچ و محرابی
 فراخ هم بر بند بسبب
 غلبه اقام و فخر و جاه
 گستاخ و در نظر غفلان
 می آید عین اول
 بدریغ عقل و دهری
 فطرت نیک و بد را
 بصورت اجمال باو
 فهماند از ان بواسطه
 تبلیغ انبیاء و رسول
 بطور مفصل نهایت
 واضح ساخت که این
 راه بد و این راه نیک
 است باز در دل جهان
 نیکی بر بدی و میلان
 برای بدی نهاده و
 قاطع این هر دو میلا
 نیز حضرت اوست
 واسطه القای نیکی
 فرشته را ساخت
 و از بدی شیطان را

پس آن در جهان و میلان باراده و اختیار بنده مکره عزم رسیده در پی صدهای غنی می گردد که خالق آن فعل خدای تعالی و کاسب آن بنده است و سلسله مکافات و مجازات

فلنترجم کتب

که چند روزی ۲۱

بنامه بود کفار ۱۶

گفتند و در مدینه و قلا

خدا تعالی بر لای

نسی این سوره فرود آمد

۱۲ و لای شریعت

نیداستی تو الله اعلم

تفسیر عثمان

۱۳ چون یغیر

سن جوانی رسید از

آمین شرک و ادعای

نایندیده قریش

سخت بزار بود حذیه

عبادت خدای یگانه

دردن او مستولی در

آتش شوق الهی در

کانون سینه و مشتعل

بود سر جگر استعداد

کامل وصول الی الله

و هدایت خلق الله

که در نفس قدسی

او افروز تر

از تمام کائنات

بودیت نهاده بودند

بجوش آمده بود امار

مِنْ تَعْمَرَ تَجْرِي ۱۰ اِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ اَعْلٰی ۱۱ وَلَسَوْفَ يَرْضٰی ۱۲

یعنی که چیز داده شود / لیکن میباید بطلب رضای پروردگار خود / و هر آینه خوشتر خواهد شد / یعنی که مسکافات داده شود / مگر برای طلب خوشنودی پروردگار خویش را زبانه بلند است و هر آینه خوشتر خواهد شد

سُبْحٰنَ الصُّحُفِ ۱۳ وَبِطَنَ الرَّحْمٰنِ ۱۴ وَهُوَ اَحْمَدُ ۱۵

بسم الله / خدا تعالی بخشاینده / مهربان / آغاز می کنم بنام خداوندی که اندازه مهربان نهایت بارحم است

وَالصُّحُفِ ۱۱ وَالْبَلِ اِذَا بَلَغَ ۱۲ مَا وَّدَّكَ رَبُّكَ وَمَا فَتٰ ۱۳

معم بوقت چاشت / و قسم بشب چون پیوست / جزو گذشت ترا پروردگار تو نمودن نداشت / و قسم به چاشتگاه / و پیر شب چون پیوست / نه جزو گذشت ترا پروردگار تو و نه بیزار شد

لَا اٰخِرَةَ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْاَوَّلٰی ۱۴ وَلَسَوْفَ يُعْطِيْكَ رَبُّكَ ۱۵

هر آینه آخرت بهتر خواهد بود ترا از دنیا / و البته نعمت خواهد داد ترا پروردگار تو / هر آینه آخرت انجام بهتر است ترا از دنیا آغاز و بعد از آن عطا خواهد نمود ترا آخرت گار تو

قَتَلْتُ ضَرْبًا ۱۶ اَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيْمًا فَاَوٰی ۱۷ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدٰی ۱۸

پس خوشنود خوانی شد آیا یتیم نیافت ترا پس جایی داد / و یافت ترا راه گم کرده و ضال پس راه نمود / پس خوشنود شوی آیا نیافت ترا یتیم پس جاداد / و یافت ترا راه گم کرده پس راه نمود

وَوَجَدَكَ عَايِلًا فَاَغْنٰی ۱۹ فَاَمَّا الْيَتِيْمَ فَلَا تُقْهَرْ ۲۰ وَاَمَّا

و یافت ترا تنگدست / پس تو را غنی ساخت / اما یتیم را / پس ستم مکن / و یافت ترا در ویش پس توانگر ساخت / پس اما یتیم را / مهربان مکن

السَّائِلِ فَلَا تُنْهَرْ ۲۱ وَاَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۲۲

سائل را پس بآنکس مزن / و اما به نعمت پروردگار خود / پس بحدود / سائل را زجر مکن / و اما احسان پروردگار خود را / بیان مکن

سُبْحٰنَ الصُّحُفِ ۲۳ وَبِطَنَ الرَّحْمٰنِ ۲۴ وَهُوَ اَحْمَدُ ۲۵

بسم الله / خدا تعالی بخشاینده / مهربان / آغاز می کنم بنام خداوندی که اندازه مهربان نهایت بارحم است

اَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۲۶ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ۲۷ الَّذِي

آیا تشنه نکردیم برای تو / و دور کردیم از تو بار ترا / آن باری که / آیا نکشودیم برای تو سبوات را / و فرود آوردیم از تو بار ترا

اَنْقَضَ ظَهْرَكَ ۲۸ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۲۹ فَاِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۳۰

گراں کرده بود پشت ترا / و بلند ساختیم برای تو شانس ترا / پس زیرا که هر آینه مصون شوی از آسانی است / هم کرده بود پشت ترا / و رفعت دادیم و کبر ترا / پس هر آینه باد شوی از آسانی است

اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۳۱ فَاِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۳۲ وَاِلٰی رَبِّكَ فَارْغَبْ ۳۳

الیه متصل شوی از آسانی است پس و قنکر از کار و بار نارس شوی در عبادت خدا محنت کش و بسوی پروردگار خود بفرغ نما / هر آینه باد شوی از آسانی است پس هرگاه فارغ شدی پس ز محنت بکش و بسوی پروردگار خود دل بسته کن در رغبت کن

سُبْحٰنَ الصُّحُفِ ۳۴ وَبِطَنَ الرَّحْمٰنِ ۳۵ وَهُوَ اَحْمَدُ ۳۶

بسم الله / خدا تعالی بخشاینده / مهربان / آغاز می کنم بنام خداوندی که اندازه مهربان نهایت بارحم است

وَالنَّيْنِ وَالزَّيْنُونَ ۳۷ وَطَوْرٍ سَيْنِينَ ۳۸ وَهَذَا الْبَلَدِ لَا مِثْلَ ۳۹

و قسم با بخت / و زینون / و قسم با بخت / و زینون / و این شهر که جای امن و امان است (با امن)

فصل اول و اصلاح خلق الله ابوی نمود و بین حق را نازل کرد انبیا و ما گشت تدری الی الکتب و الاایمان و لیکن جفنا و فرزند ی پسر لک

فلین حال
ایشان متقی
ارسال رسول و
انزال ۱۸
کتاب التلخیص
بود ازین
جهت رسول فرستادیم
و قرآن فرود آوردیم
و این ایشان را
تکلیف نکردیم ترک
ادیان خویش مگر بعد
اتمام حجت ظاهر را
و این بعض مقبول
شدند و بعض مردود
تفسیر عثمان
عنه علیه کار باشد
در این سال بر نظام
عالم مقدمه نداشتگان
برای تعیین لغات آن
فرود آمدند کما مرئی
سورة الدخان و یاد
من کل امر مراد امر
خیر است یعنی هر نوع
امور خیریه را با خود
گرفته اند آسان فرود
آوردند الله اعلم به
قبل از بعثت با
سادات آن حضرت
ارباب ادیان متغیر
بودند و پیران هر دین
برینداشته غلط
خویش ضرور معتقد
ادعای آن عصر
متعاضد بود که بنیاد
خرافات منزلزل
گردد و مردمان از
وادی ضلالت بسر
منزل هدایت برسند
و این امر خفیه و لوالات
سلطین و دانش
حکام و اعیان
اولیاء میسر نمی
گردد مگر به
بیروی ارشاد
پیش نظر ایشان
و مقلد امیری که کتاب

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ
شبه قدر بهتر است از هزار ماه
فرود می آیند فرشتگان و روح
فِيهَا يَأْذَنُ رَحْمَهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ تَقْدِسُ حَتَّى مَطْلِعِ الْفَجْرِ
در آن شب فرمان فرودد کار خویش برائے سرانجام کردن هر کاره آن شب تا وقت طلوع فجر محض سلامتی است
در آن بجزم رب ایشان از برای هر کاره مأمون سلامت است آن شب تا طلوع فجر
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بسم خداست بخشنده مهربان
آغاز می کنم بنام خدا تا یکه علی انداز مهربان نهایت با رحم است
لَا يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الْمَشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ
نبودند آنانکه کفر را اختیار کردند از اهل کتاب و مشرکان باز ایستادگان
حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ مِنْ رَبِّهِمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ
تا وقتیکه بیاید ایشان بینه محبت ظاهر و کلام پیغمبر است از جانب خدا میخواند صحیفه های پاک یعنی موعود قرآن
تا آنکه بیاید ایشان از برای آشکارا رسول از جانب خداوند که میخواند صحیفه های پاک را همه
فِيهَا كُتِبَ قِيمَتُهُ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَيْنِ
در آن صحیفه احکامیت راست و درست و متفرق نشدند
در آن صحیفه احکامی است راست و محکم و پراکنده نشدند
بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَةُ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ
بعد از آنکه آمد ایشان را بینه محبت ظاهر و کلام پیغمبر است از جانب خداوند که میخواند صحیفه های پاک را همه
بعد از آنکه آمد ایشان را بینه محبت ظاهر و کلام پیغمبر است از جانب خداوند که میخواند صحیفه های پاک را همه
لَهُ الَّذِينَ هُمْ حَنَفَاءُ وَيُحِقُّمُ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ
برائے او پیغمبرش را متدین بدین ابراهیم شده و بر پا دارند نماز را و بدیند زکوة را و این است احکام ملت
برای او بدیند که راه ابراهیم و بر پا دارند نماز را و بدیند زکوة را و این است طریق مردمان
الْقِيَمَةِ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الْمَشْرِكِينَ فِي
درست هر آینه آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان در
محکم ملت متغیر هر آینه آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان در
تَارِكَةً خُلَاقِ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ إِنَّ الَّذِينَ
آتش دوزخ باشند جاویدان آنجا آنجا ایشانند بدترین خلق هر آینه آنانکه
آتش دوزخ باشند جاویدان آنجا ایشانند بدترین خلق هر آینه آنانکه
أَمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاءُ هُمْ عِنْدَ
ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند آنجا ایشانند بهترین خلق جزای ایشان نزدیک
ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند آنجا ایشانند بهترین خلق جزای ایشان نزدیک
رَحْمَتِهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خُلَاقِ فِيهَا أَبَدًا
پروردگار ایشان بوسه ها می باشد همیشه باشند دست میرود زیر آن جوینها جاویدان آنجا همیشه
پروردگار ایشان بوسه ها می باشد برای سکونت ابدی روان باشد زیر درختان آن جوی با جاویدان باشند در آن همیشه
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ
خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شد ایشان از خدا این دعه است مرستی را که میسر شد از پروردگار خود
خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شد ایشان از خدا این دعه است مرستی را که میسر شد از پروردگار خود

و این سال بر نظام عالم مقدمه نداشتگان برای تعیین لغات آن فرود آمدند کما مرئی سورة الدخان و یاد من کل امر مراد امر خیر است یعنی هر نوع امور خیریه را با خود گرفته اند آسان فرود آوردند الله اعلم به قبل از بعثت با سادات آن حضرت ارباب ادیان متغیر بودند و پیران هر دین برینداشته غلط خویش ضرور معتقد ادعای آن عصر متعاضد بود که بنیاد خرافات منزلزل گردد و مردمان از وادی ضلالت بسر منزل هدایت برسند و این امر خفیه و لوالات سلطین و دانش حکام و اعیان اولیاء میسر نمی گردد مگر به بیروی ارشاد پیش نظر ایشان و مقلد امیری که کتاب

ولا ينفق من ثمنه
ولا ينفق من ثمنه
آن شكر کردید یا کفر

در زیاده ۱۲

تفسیر عثمان

صفتی برای اینکه

انسان از خساره

ایمن گردد چاره چاره

است اول ایمان

آوردن بخدا و رسول

و بوعده باشد

الهی خواه بدینا

تعلق داشته ۴۶

باشد خواه آخرت

دوم اثر این یقین

محمود بدل و داغ

نباشد بلکه از جوارح

هم باید نمایان گردد

و حیات علی را آینه

ایمان قلبی سازد سوم

تنها بر صلاح و فلاح

نود قناعت نکرده

مفاد اجتماعی قوم

ملت را هم در نظر

داشته باشد ۴

و چون دو

مسلمانان یکجا ۴۶

شوند یکدیگر را بقول

و فعل خود در حق

و در هر مقام با اختیار

نمودن هداقت

تا کید نمایند چهارم

به یکدیگر وصیت و

نصیحت کنند که در

راه حق و اصلاح

افزاد ملل ۴

متصل هر گونه ۴۸

سستی با امور خلافت

طبع گردیده بعد العبر

و استقامت عمل نمایند

و از راه نیکی باشند

پس خوش قسمتی

که خود را این اوصاف

چارگان آراسته و

کامل می سازند و باز

بنشیل بی لوری می

پردازند نام میگو

يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَسَّائِشِ الْمُبْتَوِّثِ ١٧ وَتَكُونُ الْجِبَالُ

باشند مردمان مانند پیرودانه های پراکنده ساخته و باشند کوه ها

كَالْعِهْنِ الْمَنْقُوشِ ١٨ فَاَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ١٩ فَهُوَ فِي

مانند پشم رنگین مخلوچ نموده پس اما هر که گران شد پهلای حسات او پس آن شخص در

عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ ٢٠ وَامَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ٢١ فَامْسَحْ

گزراش پسندیده باشد و اما هر که سبک شد پهلای او پس جائی مانند آن شخص

هَآوِيَةٍ ٢٢ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ ٢٣ نَارُ حَامِيَةٍ ٢٤

باوید باشد و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست باوید آتش ست جو شونده

باوید است و چه چیز داناند ترا که چیست آن آتشی است نهایت سوزان

الْهَيْكَةِ التَّكَاثُفِ ٢٥ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ٢٦ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ٢٧ ثُمَّ كَلَّا

غافل گرد شمار از یک دیگر بسیار طبعی مال تا وقتیکه رسیدید بگورستانها و سستای خواستید دانست باز می گوئید ۲۵

غافل گرد شمار از حق افزونی تا آنکه دیدید قبر بار ۲۶ بی نی خواهی دانست پس بی نی

سَوْفَ تَعْلَمُونَ ٢٨ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ٢٩ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ٣٠

خواهید دانست ۲۷ اگر بدانید حقیقت کار را با علم یقین غافل نمی گردید از آنچه خواهد دید دوزخ را

خواهید دانست بی نی اگر دانید به علم یقین هر آینه می بینید دوزخ را

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ٣١ ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ النَّجْوَى ٣٢

باز از آنچه خواهد دید دوزخ را دیدن ظاهر می شود باز البته سوال کرده خواهد شد آرزو از نعمت و

پس هر آینه بی بیند آنرا چشم یقین پس هر آینه بزرگوار خواهد شد در آن روز از نعمت با

وَالْعَصْرِ ٣٣ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسِيرٍ ٣٤ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

و عصر بزبان که هر آینه آدمی در زیان است مگر آنانکه ایمان آوردند و عملهای

مستقیم است بر عمر هر آینه انسان در زیان است مگر آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای

الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ ٣٥ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ٣٦

شایسته کردند و یکدیگر را وصیت کردند بدین درست و یکدیگر را وصیت کردند بشکیبایی

نیکی و تاکید نمودند یکدیگر را بدین حق و تاکید کردند یکدیگر را به صبر ۳۵

وَبِئْسَ لِلْجَلَّةِ هُنَّزَةٌ ٣٧ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ٣٨

وای بر بزرگوار چه بدی نام و آزار خیری که میگذارد و غور از دنیا میگذارد با قیامت الصالحین است که تا قیامت اجر آن بر سرشان افزوده می

وای بر بزرگوار طعنه زنده عیب جو آنکه گرد آورد مال را و شتر آنرا

وَبِئْسَ لِلْجَلَّةِ هُنَّزَةٌ ٣٩ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ٤٠

وای بر بزرگوار طعنه زنده عیب جو آنکه گرد آورد مال را و شتر آنرا

وای بر بزرگوار طعنه زنده عیب جو آنکه گرد آورد مال را و شتر آنرا

وای بر بزرگوار طعنه زنده عیب جو آنکه گرد آورد مال را و شتر آنرا

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۝ كَلَّا لَيُبَدِّلَنَ فِي السَّحَابَةِ مَاءً

می پندارد که مال او زندگی جاودیدمیش ۱۱ کلا لایبدرن فی السحابه ۱۲

أَدْرَاكَ مَا السَّحَابَةُ ۝ نَأْسُ اللَّهِ الْمُؤَقَّدَةُ ۝ الَّتِي تَطْلَعُ عَلَى

آدراک ما السحابه ۱۳ ناس الله المؤقده ۱۴ الی تطلع علی

الْأَفْدَةِ ۝ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ۝ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ۝

الافده ۱۵ انها علیهم موصدة ۱۶ فی عمد ممددة ۱۷

الْمُتَرَكِّفُ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۝ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ

المترکف فعل ربک بأصحاب الفیل ۱۸ ا لم یجعل کیدهم

فِي تَضْلِيلٍ ۝ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۝ تَرْمِيهِمْ

فی تضلیل ۱۹ و ارسلا علیهم طیرا ابابیل ۲۰ ترمیهم

بِحِجَارٍ مِنْ سِجِّيلٍ ۝ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ۝

بحجار من سجیل ۲۱ فجعلهم کعصف مأکول ۲۲

إِلَّا يَلْفُ فَرَيْشٍ ۝ الْفِهِمْ رَحْلَةُ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ ۝

إلا یلف فریش ۲۳ الفهم رحلة الشتاء والصیف ۲۴

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ۝ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ ۝

فلیعبدوا رب هذا البیت ۲۵ الذی اطعمهم من جوع ۲۶

وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ ۝

و آمنهم من خوف ۲۷

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِّينِ ۝ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ

أرأیت الذی یکذب بالدين ۲۸ فذلک الذی یدع

وَأَسْمَأُشَ الرِّزْقِ ۝

و اسمأش الرزق ۲۹

و من مکتبم گوید ایچ
بادشاه بن عمر
بنیم کبر کرده فیلان
بسیار دولت کبریه شای
بهم آورد چون نزدیکی
کنید رسید خداوند
ایا بیل را حکم فرمود
تا ملک کند ۱۲
تفسیر عثمان
۲۹
در اوقات بدرستی نمی
شود ازین درویش
زمستان بهمن میرفت
که مملکت گرم بر است
و تابستان بشام که
شاداب و سر سبز
است در هر دیار که
میرفتند مردم در آنها
بدیده احترام می
نمودند و آنها را
مجاد و حرم و خادم
بیت الله می
داشتند و همان
و مال آنها قرض
نمی کردند و بجهت
فتح فراوان بر می
داشتند چون بخانه
بازی می گشتند ازین
منافع اندوخته یاسین
و اسودگی استفاده
می کردند و اغاده می
نمودند - باینکه در
اطراف کعبه مردمان
دزدی میکردند و راه
نمی بردند و بازار
می داد و چاول گرم
اسم بود لیکن کعبه
بپاس احترام کعبه
بقریش دست دراز
نمی کرد لهذا خداوند
درین آیات انعام
خود را ذکر می کند
که میفرماید خداوند
این خانه را بطیفیل
خانه خویش بشمار
دزدی داد نعمت
و اسامش از این فرمود
از بجوم اصحاب قبل
حرامت کرد چو ابوی عبادت
نمی کند و پیغمبر محبوب
او ایذا میرساند این همه
جز نهایت کفران نعمت
و فراموشی

۱۲
۲۹
۲۸
۲۷
۲۶
۲۵
۲۴
۲۳
۲۲
۲۱
۲۰
۱۹
۱۸
۱۷
۱۶
۱۵
۱۴
۱۳
۱۲
۱۱
۱۰
۹
۸
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱

و لا یغفر الذنوب و
دیگ پال و دودمان
آن مترجم گوید نصف
این سوره تصویر حال
کافرت و نصف
تصویر حال منافق
والله اعلم
و کوفه نام
حوض مرت
کرد آفرت خواهد
بود امت آنحضرت
صلی الله علیه و سلم
از ان خواهند آشت
مید ۱۲
تفسیر عثمانی
که در قریب خبر
کثیر است از معنی کوفی
و بهتر نیاید
موجب
بحر الحیثیت اسم
و شش قول ذکر کرد
تبع این قول را ترجیح
داده که این کلمه بر بکر
انواع نعمت باشد
دینی و دنیوی حسی و معنوی
شامل است که خواه
بخود آنحضرت صلی الله
علیه و سلم رسید است
و خواه بطغیض حضرت
و ی مرآت ان اودا
رسید نیست حوض
کوثر که از نعمت
عظیم ان خداوند
و در اسلام بنام
کوثر مشهور
است نیز در
این نعمت با هم
داخل است حضرت
نبوی صلی الله علیه و سلم
امت خویش را در
روز قیامت به آب
این حوض سیراب
می فرماید تنبیه نزد
بعض محمد بن هدیث
حوض کوثر بعد از آن
رسیده لهذا بر هر
مسلمان لازم است که به آن

الْيَتِيمَ ۝ وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْيَسِيرِ ۝ قَوْلٌ

یتیم را و در غایت یتیم بر طعام دادن فقر پس دانی

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۝

آن نماز گزاران را که ایشان از نماز خود غفلت می ورزند

الَّذِينَ هُمْ يَرَاءُونَ ۝ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ۝

آنانکه ایشان را می کنند و عاریت میدهند ماعون را

سُورَةُ الْكَوْثِرِ ۝

بنام خداست بخشاینده مهربان آغاز می کنم بنام خدا نیکی بی اندازه مهربان نهایت با رحم است

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ۝ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۝

یا محمد هر آینه ما عطا کردیم ترا کوفه و نماز گزار بر آستین خود و دست را بکمر کن

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ۝

هر آینه دشمن تو همان است دم بریده

سُورَةُ الْكَافِرُونَ ۝

بنام خداست بخشاینده مهربان آغاز می کنم بنام خدا نیکی بی اندازه مهربان نهایت با رحم است

وَلَا يَأْتِيهَا الْكُفْرُ ۝ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۝

و کفر نمی آید بجای او کافران نمی پرستم آنچه شما می پرستید

وَلَا أَنَا عَابِدٌ

و نه شما پرستش می کنید آنچه من می پرستم و نه شما می پرستید آنرا که من می پرستم

مَا أَعْبُدُ ۝

آنچه شما پرستید و نه شما می پرستید آنچه من می پرستم

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ۝

شما را دین شماست و مرا دین من

سُورَةُ الْحَجِّ ۝

بنام خداست بخشاینده مهربان آغاز می کنم بنام خدا نیکی بی اندازه مهربان نهایت با رحم است

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ۝ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ

و وقتی بیاید نصرت خدا و ظهور آید فتح و وقتی ببینی مردم را که در آید

دخولهم

و کوفه نام حوض مرت کرد آفرت خواهد بود امت آنحضرت صلی الله علیه و سلم از ان خواهند آشت مید ۱۲ تفسیر عثمانی که در قریب خبر کثیر است از معنی کوفی و بهتر نیاید موجب بحر الحیثیت اسم و شش قول ذکر کرد تبع این قول را ترجیح داده که این کلمه بر بکر انواع نعمت باشد دینی و دنیوی حسی و معنوی شامل است که خواه بخود آنحضرت صلی الله علیه و سلم رسید است و خواه بطغیض حضرت و ی مرآت ان اودا رسید نیست حوض کوثر که از نعمت عظیم ان خداوند و در اسلام بنام کوثر مشهور است نیز در این نعمت با هم داخل است حضرت نبوی صلی الله علیه و سلم امت خویش را در روز قیامت به آب این حوض سیراب می فرماید تنبیه نزد بعض محمد بن هدیث حوض کوثر بعد از آن رسیده لهذا بر هر مسلمان لازم است که به آن

فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ۖ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ ۚ

در دین خدا فوج فوج پس بپایا کن بهر آسمان پروردگار خود را و آموزش طلب کن از او
در دین خدا فوج فوج پس بپایا کن بهر آسمان پروردگار خود آموزش خواه از او

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بِيَوْمِ الْيَوْمِ ۖ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۝

همه آینه خدا است بر محبت رجوع کننده دل
همه آینه او است نهایت پذیرنده قلوب

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدا کے جنتا سیدہ مہربان
آغازی کلمہ بنام خدا کے ہے اندازہ مہربان نہایت بارحم است

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۝ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا

بلاک باد و دست و ابی لب و پاک پا و ابی لب و پنج دلع نکند از سر ابی لب مال او و آنچه
بلاک شد هر دو دست ابی لب و بلاک شد خود او و دفع نکند از وی مالش و آنچه

كَسَبَ ٢ سَيِّضًا نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ٣ وَافْرًا ٤ ط

پسند کرده بود	خواهد در آمد	بآتش صاحب شغل	وزن او نیز در آید
گرس کرده	بزنود	در آید به آتش شغل و	وزن او

حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٧٦﴾ فِي جَيْدِهَا حِجْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ ﴿٧٧﴾

مراد می‌دانم برادرانده بهیضم را در گردن اور سستی است از لیف خراف
که برادرانده بهیضم است در گردن ریه است از لیف خراف

سورة الاخلاص

بنام خداے بخشاینده مهربان
آغاز می کنم بنام خدا که بے اندازه مهربان نهایت ماحرمت است

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا ۝

جو	خدا	یگانہ است	خدا بے نیاز است	فرزاد	و نہ
ح	ا	اللہ	اللہ	نژاد	و نہ

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٣٦﴾

زاده شده و نیست در کس (اورا) کس
زاده شده کس نیست (اورا) کس

سورة الفاتحة

بسم خدا کے بخشاینده مہربان

وَمَا أَعْمَدُ بِكَ الْقَلْعَةَ ۝ (١) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝ (٢) وَمِنْ

بچہ پناہ کمیٹی کے نام پر چکر دو گار مح

ثُمَّ اِنْ اَقْبَ (٣) وَمِنْ ثُمَّ التَّقَاتِ فِي الْعَقَلِ (٤)

منش تاریک چون تاریکی او خفتن شود و از مشر زبان سخن گفتند در گره بادم زنده

وَمِنْ رِثَتِهِ لَأَسَدٌ إِذَا أَحْبَبَ (٥)

و از منبر ماسد چون حمد کند

و از مشر حاسد که چشم رستم را زنده کرد چون در اردو

اما ما را می بیند و می شنود و می داند که در این دنیا هیچ کس نیست که بتواند از او پنهان شود.

عنه شان ربوبیت
و پادشاهی الهی
شامل عام مخلوقات
است اما این صفات
را چنانکه در انسان
نهادند و در سایر
مخلوقات نیافریده
اند لهذا اکبر رب و
ملک و غیره با انسان
مضاف شد و مخصوصا
و سوره که جز
انسان مخلوق
دیگری را
بدان شایان
نیست بلکه
شیطان پنهان از نظر
انسان انسان را
نیافریده و بی اختیارند
و تسلط آن بر انسان
تا وقتی که بابت کرد
در غفلت است اما
پسین که انسان تنبیه
شود و فکر پروردگار
مشغول گردد تسلط
شیطان بهم خورد
و از انسان دور
گردد و از دست شیطان
در جن و انسان هر
دو موجود است
و کذا لک جعلنا نکل
بنی عدو و شیاطین
الانس و الجن و حی
بعضهم اهل بعض نزل
القول غرورکم و انما
رکوع ۳۴ اولی و ثانی
از هر دو نگاه بدارد ۱۳

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بنام خدا ستم بخشا کننده
آغاز می کنم بنام خدا ستم کننده
مهرمان مهرمان
مردمان مردمان
مردمان مردمان
مردمان مردمان

قُلْ أَغْوَدُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝ مَلِكِ النَّاسِ ۝ إِلَهِ النَّاسِ ۝

بگو پناه می گیرم به پروردگار
بگو پناه می گیرم به رب
مردمان
مردمان
مردمان
مردمان

النَّاسِ ۝ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝

مردمان
مردمان
مردمان
مردمان
مردمان
مردمان

دُعَاءُ قَسَمَانِ

اللَّهُمَّ اِنْسِ وَحَشَتِي فِي قَبْرِی اللَّهُمَّ اِنْسِ وَحَشَتِي فِي قَبْرِی

و اجعل لی امانا و نورا و هدایا و رحمة الله ربی و منة کسیت
و اس کو میری سستی و نور و هدایت و رحمت بنماید و ای بخور یا دلا دایه جوین اس میں سے بچوں کیا ہوں
و بسا آن را برائے من امان و نور و هدایت و رحمت ای بخور یا دلا دایه جوین اس میں سے بچوں کیا ہوں

و علمنی منه ما جهلت و ارزقنی تلاوتہ انا العبد الذلیل و اجعلہ
اور بچو منکدامے اس میں سے جو بخانتا ہوں اور اس میں تلاوت را بت دن میرے نصیب کر اور اس کو
و اپنے دالتم مرا معلوم کرواں و مرا توفیق ارزانی فرما تلاوت قرآن در ساعات شب و ساعات روز و بسا آنرا

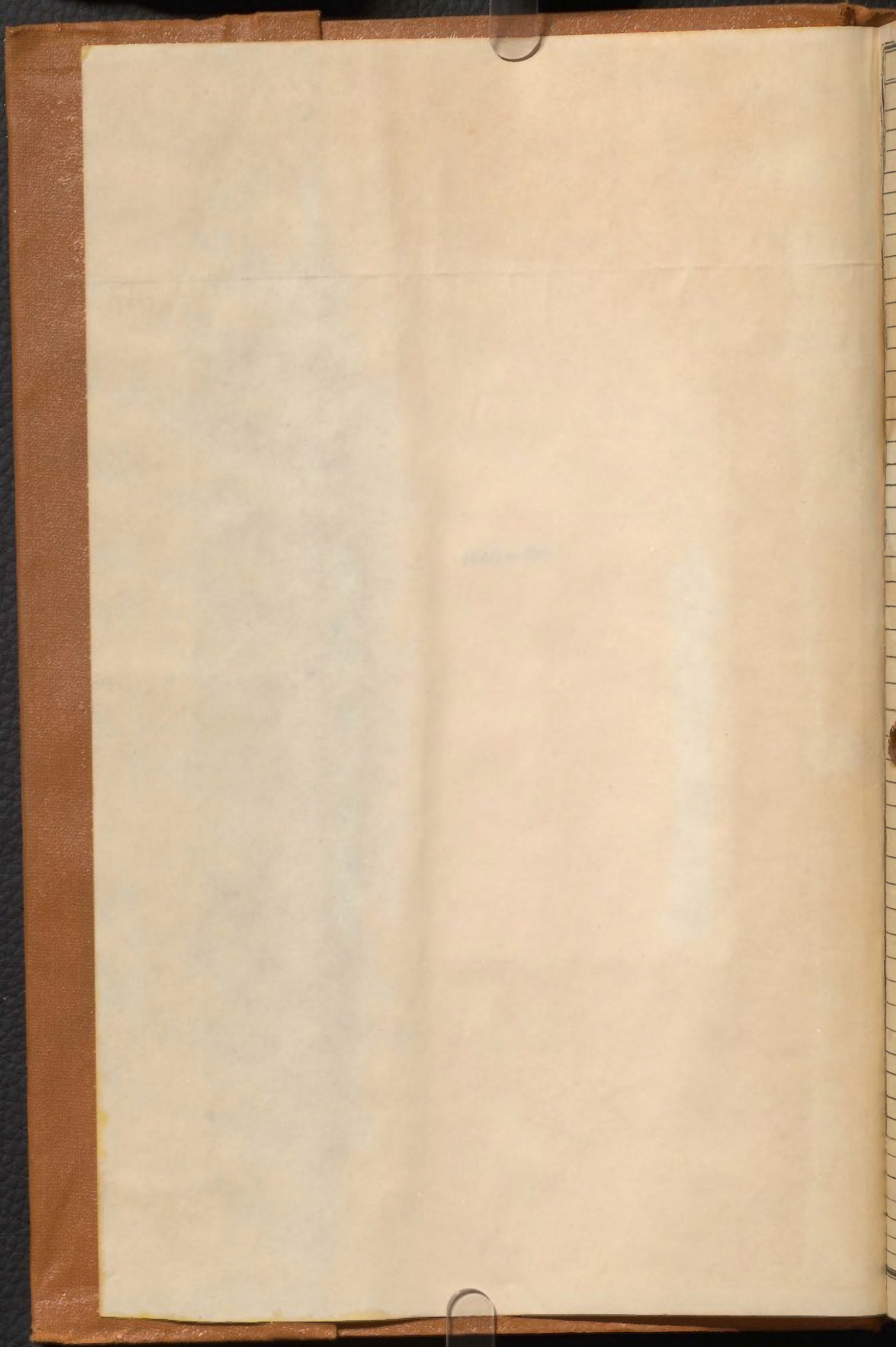
لی حجة یارب العالمین آمین
میرے لئے یا رب العالمین حجت بنام و
برائے من دلیل اسے پروردگار جہانان دعا و دعا قبول فرما

فهرس السور بترتیب التلاوة

العدد	السورة	الصفحة	رکوعاتها	آیاتها	ترتیب نزولها	الجزء مع العدد
۱	الفاتحة	۲	۱	۷	۵	۱
۲	البقرة	۳	۳۰	۲۸۶	۸۷	۱
۳	آل عمران	۵۰	۲۰	۲۰۰	۸۹	۳
۴	النساء	۷۸	۲۳	۱۷۷	۹۲	۴
۵	المائدة	۱۰۷	۱۶	۱۲۰	۱۱۲	۶
۶	الانعام	۱۲۹	۲۰	۱۶۵	۵۵	۷
۷	الاعراف	۱۵۱	۲۳	۲۰۶	۳۹	۸
۸	الانفال	۱۷۸	۱۰	۷۵	۸۸	۹
۹	التوبة	۱۸۸	۱۶	۱۲۹	۱۱۳	۱۰
۱۰	یونس	۲۰۸	۱۱	۱۰۹	۵۱	۱۱

العدد	السورة	الصفحة	آياتها	ترتيب نزولها	الجزء مع العدد
١١	يونس مكية	٢٢٢	١٠	١٢٣	١١ يتقدرون
١٢	يوسف	٢٣٤	١٢	١١١	١٢ وامن وآتية
١٣	الرعد	٢٣٩	٦	٣٣	١٣ ذاك يوم
١٤	ابراهيم	٢٥٦	٤	٥٢	١٤ ايضا
١٥	الحجر	٢٦٢	٦	٩٩	١٥ ايضا
١٦	الغل	٢٦٨	١٦	١٢٨	١٦ ربما
١٧	مجادل	٢٨٣	١٢	١١١	١٧ سبحن الذي
١٨	الكهف	٢٩٢	١٢	١١٠	١٨ ايضا
١٩	مريم	٣٠٦	٦	٩٨	١٩ قال الم
٢٠	طه	٣١٣	٨	١٣٥	٢٠ ايضا
٢١	الانبيا	٣٢٣	٤	١١٢	٢١ اقرب للناس
٢٢	الحج	٣٣١	١٠	٤٨	٢٢ ايضا
٢٣	المؤمنون	٣٣١	٦	١١٨	٢٣ قد اطلع المؤمنون
٢٤	النور	٣٣٨	٩	٦٣	٢٤ ايضا
٢٥	الفرقان	٣٥٨	٦	٤٤	٢٥ ايضا
٢٦	الشعراء	٣٦٥	١١	٢٢٤	٢٦ وقال الذين
٢٧	النمل	٣٤٥	٤	٩٣	٢٧ ايضا
٢٨	القصاص	٣٨٣	٩	٨٨	٢٨ امن خلق السموات
٢٩	العنكبوت	٣٩٥	٤	٦٩	٢٩ ايضا
٣٠	الزمر	٤٠٣	٦	٨٣	٣٠ قل اأدعي
٣١	لقمان	٤١٠	٢	٣٣	٣١ ايضا
٣٢	السجدة	٤١٣	٣	٣٠	٣٢ ايضا
٣٣	الاحزاب	٤١٤	٩	٤٣	٣٣ ايضا
٣٤	سبا	٤٢٦	٦	٥٣	٣٤ ومن يفتن
٣٥	فاطر	٤٣٣	٥	٣٥	٣٥ ايضا
٣٦	يونس	٤٣٩	٥	٨٣	٣٦ ايضا
٣٧	القصص	٤٤٥	٥	١٨٢	٣٧ دأبى
٣٨	ص	٤٥٢	٥	٨٨	٣٨ ايضا
٣٩	الزمر	٤٥٤	٨	٤٥	٣٩ ايضا
٤٠	المؤمن	٤٦٥	٩	٨٥	٤٠ فمن اظلم
٤١	نجم السجدة	٤٦٥	٦	٥٣	٤١ ايضا
٤٢	الشورى	٤٨٢	٥	٥٣	٤٢ اليه يرد
٤٣	الزخرف	٤٨٨	٤	٨٩	٤٣ ايضا
٤٤	الدخان	٤٩٢	٣	٥٩	٤٤ ايضا
٤٥	الجاثية	٤٩٤	٢	٣٤	٤٥ ايضا
٤٦	الافتاح	٥٠١	٢	٣٥	٤٦ حسم
٤٧	محمد	٥٠٥	٢	٣٨	٤٧ ايضا
٤٨	الفتح	٥١٠	٢	٢٩	٤٨ ايضا
٤٩	الحجرات	٥١٢	٢	١٨	٤٩ ايضا
٥٠	ق	٥١٤	٣	٣٥	٥٠ ايضا
٥١	الذاريات	٥١٩	٣	٦٠	٥١ ايضا
٥٢	التور	٥٢٢	٢	٣٩	٥٢ قال فما خطبكم
٥٣	النجم	٥٢٥	٣	٦٢	٥٣ ايضا
٥٤	القمر	٥٢٤	٣	٥٥	٥٤ ايضا
٥٥	الرحمن	٥٣٠	٣	٤٨	٥٥ ايضا
٥٦	الواقعة	٥٣٣	٣	٩٦	٥٦ ايضا
٥٧	الحديد	٥٣٦	٣	٢٩	٥٧ ايضا
٥٨	المجادلة	٥٣١	٣	٢٢	٥٨ قد سمع الله
٥٩	الحشر	٥٣٣	٣	٢٣	٥٩ ايضا
٦٠	المتحنة	٥٣٨	٢	١٣	٦٠ ايضا
٦١	القصف	٥٥٠	٢	١٣	٦١ ايضا
٦٢	الجمعة	٥٥٢	٢	١١	٦٢ ايضا

العدد	السورة	الصفحة	ركوعاتها	آياتها	توقيف نزولها	الجزء مع العدد
٢٣	المنفقون مكية	٥٥٣	٢	١١	١٠٣	٢٨ قد سمع الله
٢٣	التغابن	٥٥٥	٢	١٨	١٠٨	"
٢٥	الطلاق	٥٥٤	٢	١٢	٩٩	"
٢٦	التحریم	٥٥٩	٢	١٢	١٠٤	"
٢٦	الملك مكية	٥٦١	٢	٣٠	٤٤	٢٩ تبارك الذي
٢٨	القلم	٥٦٣	٢	٥٢	٢	"
٢٩	الحاقة	٥٦٦	٢	٥٢	٤٨	"
٤٠	المعارج	٥٦٨	٢	٣٣	٤٩	"
٤١	نوح	٥٤٠	٢	٢٨	٤١	"
٤٢	الجن	٥٤٢	٢	٢٨	٣٠	"
٤٣	الزمر	٥٤٣	٢	٢٠	٣	"
٤٣	المدثر	٥٤٦	٢	٥٤	٢	"
٤٥	القيامة	٥٤٨	٢	٣٠	٣١	"
٤٦	الذهم مكية	٥٤٩	٢	٣١	٩٨	"
٤٤	المرسلات مكية	٥٨١	٢	٥٠	٣٣	"
٤٨	القصص	٥٨٣	٢	٣٠	٨٠	٣٠ ع
٤٩	الأنعام	٥٨٣	٢	٢٦	٨١	"
٨٠	يونس	٥٨٤	١	٢٢	٢٣	"
٨١	التكوير	٥٨٤	١	٢٩	٤	"
٨٢	الانفطار	٥٨٨	١	١٩	٨٢	"
٨٣	التكثيف	٥٨٩	١	٣٦	٨٦	"
٨٣	الانشقاق	٥٩١	١	٢٥	٨٣	"
٨٥	البروج	٥٩٢	١	٢٢	٢٤	"
٨٦	المقارن	٥٩٣	١	١٤	٣٦	"
٨٤	الاعلى	٥٩٣	١	١٩	٨	"
٨٨	الغاشية	٥٩٣	١	٢٦	٦٨	"
٨٩	الفجر	٥٩٥	١	٣٠	١٠	"
٩٠	البلد	٥٩٦	١	٢٠	٣٥	"
٩١	الشمس	٥٩٦	١	١٥	٢٦	"
٩٢	الليل	٥٩٤	١	٢١	٩	"
٩٣	الضحى	٥٩٨	١	١١	١١	"
٩٣	الانشراح	٥٩٨	١	٨	١٢	"
٩٥	الشمس	٥٩٨	١	٨	٢٠	"
٩٦	العلق	٥٩٩	١	١٩	١	"
٩٤	القدر	٥٩٩	١	٥	٢٥	"
٩٨	البينة مكية	٦٠٠	١	٨	١٠٠	"
٩٩	الزلزال	٦٠١	١	٨	٩٣	"
١٠٠	الحديث مكية	٦٠١	١	١١	١٣	"
١٠١	التارعة	٦٠١	١	١١	٣٠	"
١٠٢	الكافرون	٦٠٢	١	٨	١٦	"
١٠٣	العصر	٦٠٢	١	٣	١٣	"
١٠٣	الحزرة	٦٠٢	١	٩	٣٢	"
١٠٥	الفيل	٦٠٣	١	٥	١٩	"
١٠٦	القدرين	٦٠٣	١	٣	٢٩	"
١٠٤	الماعون	٦٠٣	١	٤	١٤	"
١٠٨	الكوثر	٦٠٣	١	٣	١٥	"
١٠٩	الكافرون	٦٠٣	١	٦	١٨	"
١١٠	النصر مكية	٦٠٣	١	٣	١١٣	"
١١١	الحصب مكية	٦٠٥	١	٦	٣٠	"
١١٢	الاحقاص	٦٠٥	١	٦	٢٢	"
١١٣	الفلق مكية	٦٠٥	١	٥	٢٠	"
١١٣	الناس	٦٠٦	١	٦	٢١	"





JUN 14 1983

